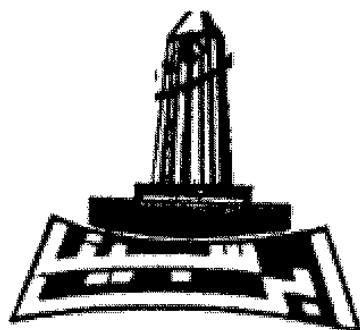


هنرمی میلد

مردم شناسی ایران

ترجمہ و کتب عبد اللہ فریار



از انتشارات کتابخانه ابن سینا

باهمکاری مؤسسه انتشارات فرانکلین

This is an authorized translation of
CONTRIBUTIONS TO THE ANTHROPOLOGY OF IRAN
by Henry Field.
Anthropological Series, Field Museum of Natural History
(Chicago Natural History Museum),
Volume 29, Numbers 1 & 2, December 15, 1939.

چاپ این کتاب در دو هزار نسخه به تاریخ اسفند ماه یک هزار و سیصد و چهل و سه
هجری خورشیدی در چاپخانه بانک باررگانی ایران به پایان رسید.
حق طبع محفوظ است

فهرست مندرجات این کتاب

دوره اول :

۱	سرآغاز	
۲	مقدمه	۰۱
۱۳	سرزمین و مردم ایران	۰۲
۳۷	اشارات تاریخی درباره مردم ایران	۰۳
۱۹۱	مردم ایران	۰۴
۱۹۱	ایالات شمال و شمال غربی	
۱۹۷	گروههای بژادی	
۲۰۰	ماره‌وران	
۲۰۱	گیلان	
۲۰۳	حمسه	
۲۰۴	فروین	
۲۰۶	آذربایجان	
۲۰۶	کاشان	
۲۰۶	لرستان	
۲۱۹	حوزستان	

۲۳۸	بختیاری گرمسیر	
۲۴۴	اصفهان	
۲۴۵	فارس و بنادر حلیج	
۲۶۹	لارستان و بندرعباس	
۲۷۴	کرمان	
۲۸۱	بلوچستان	
۲۹۰	سیستان	
۲۹۳	یرد	
۲۹۴	خراسان	
۳۰۱	سمنان و دامغان	
۳۰۵	تقسیمات حدید ایران	
۳۰۵	۷۰ مردم شناسی جسمانی ایران	
۳۰۱	مطالب مربوط باستخوان بندی	
۳۳۶	روش و تکنیک اندازه گیری	
۳۴۷	بررسی آماری	
۳۵۰	یهودیهای اصفهان	
۴۰۵	اطلاعات تطبیقی درباره یهودیهای آسیای جنوب غربی و قفقاز	
۴۲۳	روستائیان یزد حواست	
۴۵۶	نه نشینان کناره	
۴۹۳	لرهای پشت کوه	
۵۲۴	کارگران ری و افراد متفرقه	
۵۳۶	مقایسه چهارگروه ایران	
۵۶۴	تحزیه نژادی جمعیت ایران	
۶۸۹	موقعیت نژادی ساکنین معاصر ایران	
۷۱۱	قسمت دوم : فهرست قبائل و کتابنامه و فهرست اعلام و لوحه ها	

سر آغاز

در تاریخ اول آوریل سال ۱۹۳۴ هیئت اکتشافی مردم شناسی موزه فیلد بخاورمیانه تحت رهبری اینجانب در بغداد عملیات خود را شروع کرد . مخارج این هیئت از طرف آقای مارشال فیلد^۱ تقبل گردید . هدف عمده آن عبارت بود از ادامه تحقیقات و بررسی در مورد اندازه گیری بدن انسانی^۲ در ناحیه آسیای جنوب غربی که نویسنده بعنوان یکی از افراد هیئت اکتشافی فیلد و دانشگاه اکسفورد در کیش در عراق انجام داده بود . شرح این بررسی در مورد ۳۹۸ عرب ساکن کیش و ۲۳۱ سرباز عراقی و ۳۸ بدوی بایبیج در سال ۱۹۳۵ تحت عنوان « اعراب ناحیه مرکزی عراق - تاریخچه و خصوصیات جسمانی و نژادی آنها » بچاپ رسید . (رجوع شود به نشریه مردم شناسی شماره ۱۷ - موزه تاریخ طبیعی فیلد) چهارماه و نیم اول دوره بررسی در عراق صرف شد و در آنجا علاوه بر عملیات مربوط بامور مردم شناسی نمونه های مربوط به گیاه شناسی و زمین شناسی و حیوان شناسی جمع آوری گردید . در طی شش هفته بعد تحقیقات مشابه در ایران نیز بعمل آمد . آقای ریچارد مارتین^۳ که اکنون متصدی قسمت باستان شناسی خاور نزدیک در موزه فیلد میباشد مأمور جمع آوری نمونه های حیوان شناسی بود و در تمام مدت سفر اکتشافی بعنوان عکاس همراه اینجانب مسافرت کرد . عکسهای عالی و ذیقیمتی که این کتاب را مزین کرده نتیجه مهارت و حوصله او است که در مورد موضوعهای نامساعد و همچنین در چاپ فیلم در وضع مشکل بکار برده است . دکتر والتر کندی^۴ از دانشکده

1. Marshall Field 2. anthropometric 3. Richard A. Martin
4. Dr. Walter P. Kennedy

پزشکی بغداد از میان گروه یهودیهای اصفهان نمونه خون بدست آورد و نیز در جمع آوری مطالب مربوط به علم طب در تهران و اصفهان کمک کرد. آقای یوسف لازار که خود آسوری است متصدی جمع آوری نمونه های حشره و گیاه بود. مسائل فنی مربوط با اندازه گیری بدن انسانی و ملاحظات و مطالب دیگر با آقای دکتر هوتن^۱ در هاروارد و با سر آرثر کیث^۲ و دکتر دادلی بکستون^۳ در انگلستان مورد بحث و مذاکره واقع شد. جمع آوری اطلاعات مخصوصی بویژه در مورد مسائل طبی بدستور رئیس سابق اینجانب دکتر برنولد لوفر^۴ فقید بعمل آمد.

قبل از عزیمت از امریکا آقای والاس مری^۵ رئیس اداره امور ناتور نزدیک در وزارت خارجه لطفاً آقای ویلیام هورنی بروک^۶ وزیر مختار امریکا در ایران را از منظور و هدف هیئت علمی مطلع کرد. با مساعدت آقای هورنی بروک اینجانب موفق شد افتخار ملاقات با نخست وزیر و وزیر کشور و رئیس کل شهر بانی را حاصل کند. در نتیجه این ملاقاتها پروانه مخصوصی بنام اعضای هیئت صادر گردید که حاوی اجازه مسافرت و رفت و آمد به شیراز و انجام مطالعات و تحقیقات اندازه گیری بدن انسانی و جمع آوری نمونه های گیاه شناسی و حیوان شناسی و عکسبرداری لازم بود. مدت سه هفته که تشریفات سدور پروانه مخصوص بطول انجامید، مهمان دکتر اریک اشمیت و خانمش^۷ در ری بودیم. در این مدت با کمک دکتر جرج مایلز^۸ یکی از اعضای هیئت اکتشافی ری و دکتر والتر کندی، اینجانب فرصت انجام یکی از مأموریتهای دکتر لوفر را پیدا کرد و بجمع آوری نسخه های طبی و نمونه گیاههای مفید و داروها و اسامی محلی آنها پرداخت. در اصفهان میرزا محمد علی خان (لوحه ۱۴ شکل ۲) طبیب ۹۵ ساله لطفاً حاضر شد نسخه داروی امراض مختلفه را دیکته کرده در تحت اختیار اینجانب قرار دهد. دکتر لوفر در نظر داشت این یادداشتها را در کتابی که در باره مطالب طبی ایران^۹ مینوشت بکار برد. ولی متأسفانه این کتاب تا قبل از وفات وی در ۱۹۳۴ تمام نشد. مطالبی که اینجانب جمع-

1. Dr. E. A. Houton 2. Sir Arthur Keith 3. Dr. L. H. Dudley Buxton

4. Dr. Berthold Laufer 5. Mr. Wallace Murray 6. William H. Hornbrook 7. Dr. & Mrs. Erich P. Schmidt 8. Dr. George Miles

9. Materia Medica Iranica

آوری کرده بود با فهرست نمونه‌های از ایران و عراق در ۱۹۳۷ در گزارشی تحت عنوان «گیاهها و داروهای مفید ایران و عراق» بکار رفت. این گزارش توسط دکتر داوید هوپرا (ص ۷۳-۲۴۱) عضو موزه تاریخ طب و لکام^۱ لندن با همکاری اینجانب تهیه شد.

در اصفهان مهمان دکتر مایرون اسمیث^۲ و خانمش بودیم. در اینجا لازم است از فرماندار و رئیس شهربانی اصفهان تشکر کنم زیرا بدون مساعدت و همکاری آنها مطالعه و اندازه‌گیری افراد محله یهودیان امکان پذیر نبود. همچنین باید از کمک شخصی آقای جوزف کوهن مدیر آلیانس اسرائیلی تشکر کنیم که ترتیبات لازم را برای تحقیق و مطالعه افراد یهودی داد و عمارت مدرسه را برای این منظور در اختیار ما گذاشت.

آقای مایرون اسمیث، آقای مارتین و یوسف لازار و اینجانب را از اصفهان با اتومبیل به تخت جمشید برد. در بین راه پنج روز در یزد خواستماندیم و از تعدادی افراد آن شهر اندازه‌گیری کرده و نمونه‌های گیاه شناسی و حیوان شناسی جمع نمودیم. خانم اسمیث وظیفه ثبت یادداشتها را بهمه گرفت. در تخت جمشید مهمان دکتر ارنست هرتسفلد رئیس هیئت اکتشافی مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو بودیم. دکتر هرتسفلد دو نفر از اعضای هیئت اکتشافی تخت جمشید یعنی آقای دونالد مکون^۳ و آقای برگنر^۴ را ما مورراهنمایی ما به قریه کنار نمود و در آنجا از عده‌ای اندازه‌گیری و ملاحظه و عکسبرداری شد. در شیراز در موقعیکه مهمان آقای بسرون و خانم بودیم از ساحل دریاچه مهارلو دیدن کردیم و بجزستجوی آثار عصر حجر قدیم و جدید پرداختیم.

پس از مراجعت به تهران آقای دکتر علی اصغر حکمت وزیر فرهنگ و آقای اندره گدار درباره بررسی کامل مردم شناسی ایران پیشنهادهایی کردند و اینجانب امیدوار است که این پروژه در آینده نزدیکی جامه عمل بپوشد. آقای غلامحسین ابتهجاج اجازه نقل مطالب مربوط بقبایل را از کتاب راهنمای ایران دادند. آقای ناصر قلی سرداری رئیس اداره انگشت‌نگاری شهربانی کل لطفاً وظیفه مترجمی را بهمه گرفته و در امر تهیه پروانه تسهیلات لازم را فراهم کردند.

1. Dr. David Hooper 2. Wellcome Historical Medical Museum

3. Mr. & Mrs. Myron B. Smith 4. Mr. Donald Mc Cown

5. Mr. K. Bergner

در خاتمه وظیفه خود میدانم مراتب امتنان و حق شناسی خود را نسبت باعلیحضرت همایون رضاشاه پهلوی و وزیران او که این مطالعات مقدماتی در باره خصوصیات جسمانی مردم وساکنین فعلی ایران را امکان پذیر ساختند تقدیم دارم .

بوسیله سفارت اتحاد جملہیر شوروی سوسیالیستی در شمیران روادید جهت اینجانب و آقای مارتین برای مسافرت به باکو اخذ شد و در تاریخ ۱۲ سپتامبر از بندر انزلی از ایران خارج شدیم .

پس از مراجعت به شیکاگو در دسامبر ۱۹۳۴ مطالب و نتیجه مطالعات مربوط باندازه گیری بدن انسانی را برای چاپ و انتشار آماده نمودیم . در نوشتن این گزارش اینجانب در قسمت ترتیب کلی مطالب بسا دکتر پسال مارتین مدیر قسمت مردم شناسی موزه فیلد مشورت کرده و از اظهار نظر ایشان استفاده نمودم .

از آنجائیکه در ایران و عراق و قفقاز متجاوز از ۲۵۰۰ نفر مورد مطالعه و آزمایش قرار گرفته بودند تصمیم گرفته شد دعوت دکتر هوتن را برای جدول بندی آمار روی فیش قبول شود تا مطالب مربوطه بوسیله دستگاہ هولریش ۱ در آزمایشگاه اندازہ گیری بدن انسانی موزہ پیبادی ۲ هاروارد بدقت طبقہ بندی گردد . تمام سال ۱۹۳۵ و قسمتی از سال ۱۹۳۶ صرف آماده کردن مطالب برای دستگاہ مزبور و نوشتن قسمتهای مقدمه گردید . از سپتامبر ۱۹۳۶ تا ژوئن ۱۹۳۷ در موزہ پیبادی مشغول مطالعه و بررسی مطالب بودم . دکتر دونالد اسکات مدیر موزہ همه گونه تسهیلات لازم برای کار اینجانب فراهم کرد .

در تمام مدت از مشورت با دکتر هوتن که تهیه مطالب این گزارش ریہ نظر وی صورت میگرفت و گاہ گاہ پیشنہادهای سودمند بخدمت در مورد طریقه تنظیم و عرضہ مطالب میداد استفاده شایان بردم .

همچنین مراتب امتنان خود را از دکتر کارلتون کون ۳ و دکتر کارل سلتزر ۴ که جدولهای آمار را حساب کرده و در باره مسائل متعدد بسا ایشان مشورت کردم ابراز میدارم .

در فوریه ۱۹۳۸ به هاروارد برگشتم و تحت نظر دکتر هوتن مدت سه هفته به طبقه بندی و جدول سازی مطالب مربوط به اندازه گیری بدن انسانی پرداختم و سعی کردم عناصر اصلی جمعیت ایران را معین کنم . در بررسی و تجزیه آمار و تفسیر طبقه بندی دستگاه ماشین هولریت دکتر سلنزر کمک زیادی بمن کرد .

دکتر گوردن بولز ا عضو موزه پیبادی در سال ۱۹۳۷ از مسافرتی که طی آن از مشرق افغانستان تا ایالات شان در برمه بررسی اندازه گیری بدن انسانی بعمل آورده بود مراجعت کرد . مشارالیه عکسهای ما را که از ایران گرفته بودیم بدقت مشاهده کرد و اظهار داشت که این نوع افراد در افغانستان و شمال شرقی هندوستان وجود دارند .

آقای جیمز گل^۲ عضو موزه پیبادی با کمال سخاوتمندی اجازه داد مشاهدات و اندازه گیری اسکلت انسانی را که در ری تحت نظر دکتر اریک اشمیت^۳ بعمل آورده بود نقل کنم . دکتر فردریک ولسین^۴ نیز اجازه داد اندازه گیری هشت اسکلت تورنگک تپه را در این کتاب بکار برم .

در جمع آوری و تهیه مطالب مربوط به اسکلت از ایران از کمک و مساعدت افراد زیر برخوردار بودم : دکتر هوتن - موزه پیبادی - هاروارد ؛ آقای هوراس جین^۵ - موزه دانشگاه ویلادلفی ؛ دکتر ویلتون کسروگمان^۶ - دانشگاه شیکاگو ؛ دکتر آرن^۷ - موزه تاریخ طبیعی استکهلم ؛ دکتر بکمان^۸ - مؤسسه اناتومی - لوند ؛ دکتر والوا^۹ - دانشگاه تولوز ؛ و دکتر اریک اشمیت - مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو .

در اینجا باید از زحمات خانم الیزابت رنیف^{۱۰} دستیار سابق خود که مدت سه سال در موزه فیلد و در هاروارد روی این گزارش کار کرد تشکر کنم و همچنین از اتل برایدی^{۱۱} که قسمت عمده این کتاب را ماشین کرد و در قسمت غلط گیری کمک نمود تشکر میکنم . از دکتر ایدیت وایر^{۱۲} که مدت یکسال در اصلاح عبارتی کتاب مساعدت کرد ممنونم . دوشیزه دروئی پدرس^{۱۳} در

1. Dr. Gordon T. Bowles 2. Mr. James H. Gaul 3. Dr. Erich F. Schmidt
4. Dr. Frederick R. Wulsin 5. Mr. Horace H. F. Jayne 6. Dr. Wilton
M. Krogman 7. Dr. T. J. Arne 8. Dr. G. V. Backman 9. Dr. H.
V. Vallois 10. Miss Elizabeth Reniff 11. Miss Ethel Brady 12. Dr.
Edith W. Ware 13. Miss Dorothy Pedersen

غلطگیری نهائی کتاب و تهیه فهرست اعلام و صورت منابع بدکتر ویر کمک کرد .

از کمک دوشیزه لیلیان روس ۱ سر دبیر قسمت چاپ که کتاب را از چاپ بیرون آورد تشکر میکنم . زن من در کار دسوار غلطگیری مطبوعه زحمات فوق العاده کشید .

متون روسی توسط آقای ریمسکی کورساکف ۲ عضو مورد پیبادی و آقای یوجین پرستوف ۳ کارمند کتابخانه دانشکده آیوا در ایمنز ۴ ترجمه و طرز نوشتن کلمات روسی از طرف آنها کنترل شد .

دوشیزه اتل الکلینز ۵ استفاده از منابع کتابخانه مؤسسه امریکائی صنایع و باستانشناسی ایران در نیویورک را برای من فراهم کرد و توجه اینجانب را بگزارشهای سر ارنولد ویلسون جلب نمود .

در کتابخانه نیویورک دوشیزه ایدا پرات لطفاً صورت کند. مربوط به ایران را که توسط آقای الوان ایستمن ۶ تهیه ولی چاپ شده بود در دسترس من قرار داد .

معلم سابق من دکتر دوگلاس ۸ که اخیراً باستادی رمین شناسی دانشگاه اکسفورد ناؤل آمده است و در رشته زمین شناسی ایران تخصص دارد پیشنهادهایی نمود که در متن یا در حاشیه آن گنجانیده شده است .

در ماه ژوئیه ۱۹۳۷ موقعیکه در لندن بودم له دکترم مدیسر ۹ که نفت انگلیس و ایران بوسیله سرهنگ دلزل هائتر ۹ رئیس بهداری بعضی اطلاعات مربوط به پزشکی و آب و هوای ایران را در اختیار اینجانب گذاشت که در این کتاب از آن استفاده شده است . از جمله گزارش دکتر یانک ۱۰ درباره وسیع بهداشتی مغرب ایران است . این یادداشتهای طبی در ضمیمه ۱۱ به چاپ رسیده است .

سرارنولد ویلسون لطفاً اجازه داد قسمتی از گزارش من . بوط به لرستان را نقل کنم . پروفسور اولمستد - از مؤسسه شرقی دانشگاه سیدناگو و پروفسور

1. Mrs. Lilian A. Ross 2. Mr. V. Rimsky-Korsakoff 3. Mr. Eugene Prostov 4. Amc 5. Miss Ethel C. Elkins 6. Miss Ida M. Pratt
7. Mr. Alvan C. Fastman 8. Dr. J. A. Douglas 9. Col. J. B. Dalzell Hunter 10. Dr. M. Y. Young

در آغاز

مینورسکی از مدرسه السنه شرقیه لندن منابع مربوط باین رشته و اشارات تاریخی را در اختیار گذاشتند .

در ۱۹۳۳ خانم هومر توماس^۱ که قبلا دوشیزه وینفرد اسمیتن^۲ نام داشت در موزه فیلد اطلاعات تطبیقی مربوط باندازه گیری بدن انسانی را در جنوب غربی آسیا جمع آوری کرد که در فصل پنجم بکار رفته است.

آقای ارثر دو بوآ^۳ اجازه داد قسمتی از یادداشتهای او را در باره لرها نقل کنم.

شش نقشه (یکی در آغاز کتاب و بقیه در شکل ۱ - ۳ و ۸ و ۱۹) توسط دکتر اروین رایز^۴ نقشه کش مؤسسه تفحصات جغرافیائی هاروارد برای این کتاب کشیده شد نقشه صحرای نمک در جنوب طهران (شکل ۲۲) و دریاچه مهارلو (شکل ۲۳) و نقشه کاروانسرای یزد خواست (شکل ۱۶) و جدول بزرگ قبائل عراق که از منابع مختلف موجود گرفته شد بوسیله آقای ریچارد مارتین^۵ در موزه فیلد کشیده شد . جدول بزرگ قبائل مغرب ایران که از نقشه های (مقیاس ۱ در یک میلیون) چاپ اداره نقشه برداری هندوستان در کلکته و مطالب فصل چهارم و متخصصینی که میل دارند گمنام بمانند اخذ شده توسط آقای پیتر گرهارد^۶ در موزه فیلد تهیه شد . از آقای گرهارد ممنونم که علاوه بر اینها پنج نقشه کوچک قبائلی و نقشه توزیع جمعیت را بر اساس مطالب دائرة المعارف ایتالیائی جلد ۲۶ صفحه ۸۱۱ چاپ میلان مورخ ۱۹۳۵ برای چاپ آماده کرد .

سه نقشه و دو شکل (اشکال ۵ و ۶ و ۷ و ۲۰ و ۲۱) توسط آقای کارل گرونمان^۷ نقاش اداره کشیده شد .

دکتر ریچارد اتینگهازن از مؤسسه صنایع ظریفه دانشگاه میشیگان کتیبه کاروانسرای یزد خواست را ترجمه و شرح مختصری در باره آن نگاشت (ضمیمه I) .

1 Mrs. Homer Thomas 2 Miss Winifred Smeaton 3 Mr. Arthur W. Du Bois 4 Dr. Erwin Raisz 5 Mr. Richard A. Martin 6 Mr. Peter Gerhard 7 Carl F. Gronemann

نام امکانه طبق طریقه اتعاضده از طرف کمیته دائمی اسامی جغرافیائی انجمن سلطنتی جغرافیائی لندن نوشته شده است . چون مسئله طرز املائی اسامی بطور کلی حل نشده و اسامی بسیاری هنوز در فهرست انجمن مرسوم نیست از رویه ای که نقشه کشان انگلیس بکار برده اند استفاده شده است در فهرست اسامی قبائل که در فصل سوم دیده میشود آقای دکتر ساسانی دانشجوی اعزامی دولت ایران در دانشگاه شیکاگو پیشنهادهایی در باره یکنواخت ساختن املائی اسامی جدید قبائل دادند ولی دلب مقدمات اطلاعات و معلومات کافی در این رشته یکنواخت کردن همه اسامی امکان پذیر نیست و بنا بر این وجود بعضی اختلافات و تضادها غیر قابل اجتناب است پس ارسال نسخه این کتاب به مطبعه چند منبع و تألیف مهم در من کتاب و در صورت کتب اضافه شده است .

میری و ولد

اول ماه مه ۱۹۳۸

۱. مقدمه

این گزارش که بر پایه اطلاعات مربوط باندازه گیری بدن انسانی که در ماه اوت و سپتامبر ۱۹۳۴ کسب گردید قرار دارد، خصوصیات جسمانی ساکنین عصر معاصر ایران را مورد بحث قرار میدهد.

قبل از آنکه نتایج بررسی اندازه گیری بدن انسانی عرضه شود کوشش شده است وضع ایرانیان عصر حاضر در مقام مقایسه با اقوام آسیای جنوب غربی روشن گردد. در فصل دوم اطلاعات مختصری در باره موقعیت جغرافیایی ایران و وضع آب و هوا و زمین شناسی و گیاه و گل و غیره و همچنین مختصری در باره تاریخ کشور که از کتاب (ایرانیان) تألیف سر دنیسن روس^۱ اخذ شده داده شده است.

امواج مهاجرت و تاحت و تاز گروههای مختلف که سرزمین ایران حمله کردند و بغلات ایران دست یافتند بدون شك اثر خود را بر ساکنین فعلی ایران گذاشته اند ولی ترکیب نژادی عناصر اولیه جمعیت ایران در آغاز عصر تاریخی بقدری نامعلوم و مبهم است که صلاح نیست بیش از مختصری در باره آن بحث شود. وقتی در آینده بررسی و تحقیق مفصل در داخله مرزهای ایران بعمل آید و وقتی بقایای اسکلت انسانی در رده های مختلف باستانشناسی در نواحی مختلف ایران بدست آمده و مورد مطالعه دقیق قرار گیرد امکان آن خواهد بود که اطلاعات حاصله تلفیق شده و در باره عناصر متشکله خصوصیات جسمانی ساکنین ایران قدیم و جدید نظر دقیق تری داده شود.

در طی دو هزار سال گذشته مورخان و سیاحان مشاهدات خود را در باره ایرانیان بر ستمه تحریر در آورده اند ولی این گزارشهای مختلف تلفیق و ترکیب نشده و در يك جا در دسترس اهل تحقیق قرار ندارد. بدینجهت نویسنده این کتاب سعی کرده است منتخبی از منابع مختلف گرد آورد و در فصل سوم این

¹ Sir Denison Ross

مطالب به ترتیب تاریخ عرضه شده و برای اینکه کار خواننده ساده تر و آسانتر شود فهرستی داده شده که منابع مختلف زیر نام قبائل به سهولت پیدا میشود . اینجانب سعادت آنرا داشت که بمطالب چاپ نشده پانزده سال گذشته در باره وضع قبائل ایران دسترسی پیدا کند . اگر چه نویسندگان این مطالب ترجیح داده اند گمنام بمانند اینجانب با اجاره آنان قسمتی از مشاهدات آنها را نقل کرده و در فصل چهارم خلاصه این مطالب استان به استان داده شده است . در طی پنج سال گذشته اعلیحضرت پادشاه ایران تغییرات زیادی در اسکان و پخش قبائل ایران در سراسر کشور داده اند . بطور کلی زندگی بدوی و عشایری با نظر مساعد تلقی نمیشود و سیاست اسکان قبائل همیشه نقشه قبائلی ایران را تسهیل میکند ولی مشکل انجام این کار اینست که گروه های متعددی از عشایر در نقاط مختلف نقل مکان یافته اند .

در ۱۹۳۸ بدستور اعلیحضرت پادشاه تغییرات عمده ای در تقسیمات داخلی کشور داده شده و مرزهای شمالی این تقسیم بندی جدید هنوز هنوز قطعی تعیین نگردیده است .

آقای دکتر محمد حسین گنجی در دسامبر ۱۹۳۸ با دداشتهائی در باره تقسیم بندی جدید ایران با سورتی از تغییرات جدید در اسامی جغرافیائی جدید از تهران برای اینجانب ارسال داشت (برای تغییرات قبلی مراجعه شود به نشریه انجمن پادساهی جغرافیائی - جلد ۸۰ صفحه ۲۶۸ - مورخ ۱۹۳۲) .

فصل پنجم اختصاص داده شده است شرح مفصل - بهار رشته منالعات شخصی نویسنده که متضمن تأثیرات و نتایج زیادی این مطالعه میباشد . این مطالعه اطلاعات آماری زیبایی گنجانیده شده است با وسع ۲۹۹ به این که بوسیله نویسنده مورد آزمایش قرار گرفتند در تمام مقایسه با ساکنین هوا - مجاور ایران مورد دقت واقع سرد . به ای اینکه از هسته مبری مطالعه زیاد دور نشویم مطالب تطبیقی محدود گردیده است ، به عده معدودی از او و عربستان و اردن و فلسطین و سوریه و آناتول و قفقاز و ترکستان و افغانستان و بلوچستان و هندوستان . اگر چه در این مطالعه حتی برای یک فرد حادی واضح و آشکار است که سلاهی بررگی وجود دارد مع هذا نمایلات کلی را مینویس

مورد مطالعه قرار داد .

گزارشهای مربوط به فعالیت‌های دیگر که تا حدی مربوط به هدف هیئت اعرامی بود ولی در درجه فرعی قرار دارد در آخر کتاب در ضمایم الف تا ح در جلد دوم این کتاب چاپ شده است .

دو نقشه قبائلی بزرگ ایران (B) و عراق (A) که جداگانه چاپ و توزیع میشود نتیجه ترکیب و تنظیم اطلاعاتی است که اینجانب طی یازده سال گذشته بدست آورده است . منابع و اشخاصی که قسمت عمده اطلاعات مربوطه از آنها کسب شده ترجیح داده اند که نام آنها برده نشود .

از آنجائیکه مطالب این دو نقشه بهم مربوط است صلاح دیده شد که نقشه قبائلی ایران و عراق در يك زمان منتشر و توزیع گردد در حالیکه گزارش اینجانب در باره عراق تا سال ۱۹۴۰ چاپ نخواهد شد . در مورد جمع آوری اطلاعات در باره عشایر مشرق ایران کوششهایی بعمل آمد ولی بجز چند ناحیه کوچک (شکل ۱۰ و ۱۲ و ۱۳) اطلاعات و مطالب کافی بدست نیامد . آقای مارتین برای کتاب «مردم شناسی قفقاز» اینجانب نقشه قبائلی بزرگی از ناحیه قفقاز تهیه کرد که بر اساس اطلاعات مکتسبه در تفلیس و اورد ژونسی کیدزه و مسکو در سال ۱۹۳۴ قرار دارد . مرزهای جنوبی این نقشه (شماره C) در مجاورت مرزهای شمالی نقشه ایران و نقشه عراق (شماره A و B) است .

صورت اسامی قبائل به ترتیب الفبا روی نقشه‌های (A) و (B) توسط خانم دروئی پدرس و آقای پیتر گرهارد تهیه گردیده است .

این گزارش فعلی در باره ایران نتیجه تحقیقات مقدماتی است که میتوان نتایج مهمی در آینده برای آن پیش بینی کرد بشرط آنکه همکاری صمیمانه از طرف دولت ایران ادامه یابد . آقای علی اصغر حکمت وزیر سابق فرهنگ در تهران موزه مردم شناسی و موزه ایران باستان تأسیس کردند . ولی در هر حال لازم است علما و متخصصین خارجی در ایران بکار خود ادامه دهند تا وقتیکه متخصصین باستانشناسی و مردم شناسی ایران تربیت شوند و بتوانند بکار ادامه داده و نتیجه تحقیقات خود را بچاپ برسانند .

خدمات و پیشرفتهای بزرگ فرهنگی و هنری ایرانیان طی شش هزار

سال گذشته حاکی از اهمیت تمدنی است که در فلات ایران به وجود آمد . ریشه حقیقی نژادی مردم و ساکنین قدیم و جدید این با مردم اروپا و آفریقا و آسیا مسئله ایست که پاسخ آن باید پیدا شود .

۰۲. سرزمین و مردم ایران

کشور ایران یا پرشیا محدود است از شمال بدریای خزر و اتحادیهٔ ماوراء قفقاز و ناحیهٔ ماوراء دریای خزر اتحاد جماهیر شوروی و از سمت مشرق به ترکستان و افغانستان و بلوچستان و از سمت جنوب به خلیج فارس و بحر عمان و از سمت مغرب به آناتولی (رجوع شود بمقالهٔ بقلم رایدردر نشریهٔ انجمن شاهی جغرافیائی جلد ۶۶ ص ۲۲۷) و عراق (رجوع شود بکتاب « عراق » تألیف فیلیپ ایرلند) .

کلمهٔ پرشیا یا پرس اطلاق میشود بکشوری که ساکنین آن پارسها نامیده میشوند و این ناحیه در ایران باستان پارس نامیده میشد که امروز فارس یا پارس - خوانده میشود . کلمهٔ پرشیا یا پرس قرنهای برای همهٔ فلات ایران بکار برده میشد . در ماه مارس ۱۹۳۵ اعلیحضرت پادشاه ایران بموجب فرمانی دستور دادند که از آن تاریخ ببعد بجای کلمهٔ پرشیا که در مغرب زمین بکار می‌رفت کلمهٔ ایران بکار برده شود . در این کتاب همه جا بجای پرشیا ایران بکار رفته و اعمال کشور ایرانی خوانده شده‌اند . فقط در مواردی که کلمهٔ ایران از نظر تاریخی غیر مناسب است کلمهٔ پرشیا بکار برده شده است .

مساحت ایران بنا بگفتهٔ دادلی استامپ تقریباً ۶۲۸ هزار میل مربع است که مساوی یک پنجم مساحت خاک کشور ایالات متحدهٔ امریکا یا بزرگتر از مجموع مساحت - ایر بریتانیا و فرانسه و سوئیس و باریک و هلند و آلمان میباشد . طول و عرض کشور عبارتست از ۱۴۰۰ میل از شمال غربی تا جنوب شرقی و ۸۷۵ میل از شمال بجنوب . از نظر زمین شناسی ایران در حلقهٔ آلب بزرگ قرار دارد. ۱.

در دستهای ایران سنگ آهک و سنگ سیاه و گچ متعلق به عصر سوم و گچ ۲ بدورت افق و ناشده زیاد است . این سنگها در سلسله حواشی کاملاً تاسده هستند و هستهٔ سنگ سخت و سنگ خارا دارند . در ناحیهٔ شمال غربی مواد

۱. «A. F. Stahl' Persien' Handb. d. Reg. Geol.

۲. Tertiary and Cretaceous age.

آتشین زیاد است در نواحی کویر و صحرا سلوچ زمین شناسی وسیله شن و مواد دیگر پوشیده است

ایران بینه عرض و بردگتر فلات ایران را تشکیل میدهد که بین ۲۵ تا ۳۵ درجه عرض و دجله از یک سمت ورود سد در سمت دیگر قرار دارد. در ارتفاع آن عمارتس از قسمت شرقی و غربی فلات ایران و در جنوب و شمال آسیای میانه و در سمت شمال و جنوب مرتفع است و مرتفع است و بلند است.

انتهاج در کتب راهنمای ایران (ص ۲۱ - ۲۲) و ...

میتوان از نظر ... افیاض ...

۱- فلات بزرگ که از سمت شمال ...

معرض و جنوب کوهستان ...

محدود است و بزرگترین و مهمت ...

بخصوص در قسمت مشرق دارای ...

متوسط ارتفاع ...

۲- دست ...

حرر قرار دارد و سر ...

این ناحیه بین ۵۰ تا ۸۰ ...

۳- ناحیه ...

دارد و بلند است ...

استامپ (ص ۱۵ - ۱۵۱)

مرتفع است که بین ۳۰۰۰ تا ۵۰۰۰ ...

که فلات ایران با ناحیه ...

ناحیه ایران را کوهستان ...

مرکزی علاوه بر کوهستان که آنرا ...

۱- ...

دشت همدان ...

۱۹۳۷ - مورخ

سرزمین و مردم ایران - ۱۵

بموارات رشته کوههای مرزی است قلعه قلعه سده است فقط در سمت مشرق است که خصوصیت عمده آن صحرا و کویر است دستها و دره‌های بین این رشته کوهها بوسیله آب در ف کوهستان مشروب میشود و اگر این آب وجود نداشت کاملاً خشک و بی حاصل میماند. در نواحی ساحلی جنوب کوهستان بطور کلی خیلی بزرگ دریا است و ناحیه ساحلی باریک و خشک و بی حاصل است نه در نواحی معدودی که آب کافی برای آبیاری محصول وجود دارد. کوههای سواحل شمالی بلندتر و با علم بر هستند بخصوص کوه البرز. حال البرز دارای قله آس فسای - اموس دماوند است که در شمال شرقی طهران قرار دارد و بلندی آن به بزرگ هرار پا میرسد ارتفاع دره‌های کوهپایه بین ۴ و ۵ هرار پا است و قله رشته‌های مختلف کوههای شمال شرقی ایران ۸ تا ۱۰ هرار پا ارتفاع دارد

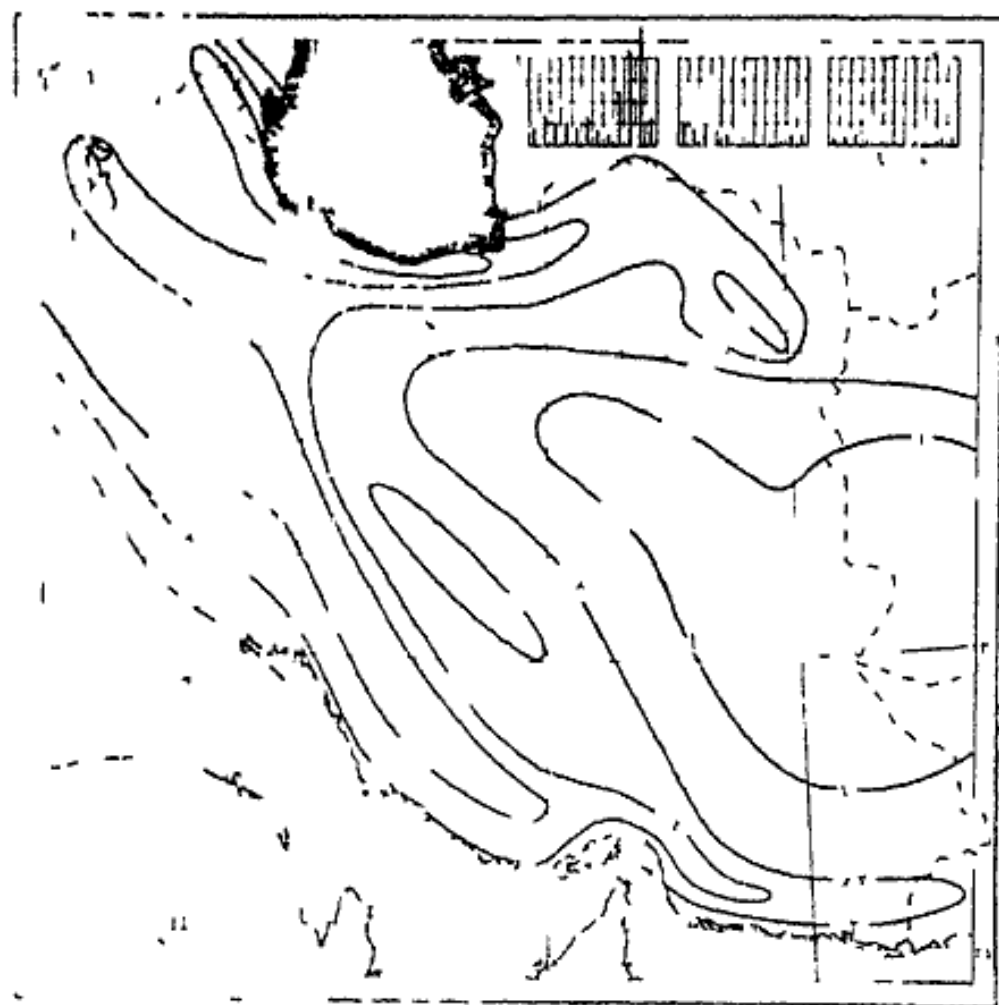
بطور کلی رشته‌های کوه از شمال غربی به جنوب شرقی کشیده شده‌اند. رشته اصلی که تقریباً ۸۰۰ میل طول آن است و از آذربایجان تا باوختان امتداد دارد در حقیقت رشته کوه مرکزی ایران است بسیاری از قله آن به ۹ تا ۱۰ هرار پا میرسد و کوه هرار در جنوب کرمان ۱۴،۷۰۰ پا ارتفاع دارد (رجوع شود به جغرافیای طبیعی ایران - تألیف سرپرسی کاکس ص ۵۴۹). از مجاری سلحی فلات ایران پس از نوبت بحسارح جاری است. اگر مساحت ایران را ۶۲۸،۰۰۰ میل مربع بدانیم مجاری ده ترتیب زیر تقسیم میشود: داخل خلیج فارس و بحر عربی ۱۳۵،۰۰۰ میل مربع، داخل دریای خزر ۱۰۰،۰۰۰ میل مربع، سه فرورفتگی سیستان ۴۳،۰۰۰ میل مربع، سد ریاحه ارومیه ۲۰،۰۰۰ میل مربع و در داخله خاک ایران ۳۳۰،۰۰۰ میل مربع ناحیه ساحلی دریای خزر توسط چهار رودخانه آبیاری میشود که عبارتند از سفید رود یا قزل ورن در جنوب غربی و هرار در جنوب و گرگان و ابرک در گوسه جنوب شرقی دریاحه رودخانه هائیکه در ریسا بمیرند تشکیل دریاحه‌های داخلی میدهند که اغلب شکل باطلاق در مسی آید و سالانه به صحراهای نمک تبدیل میشود (کتاب سرپرسی

۱۰ طبع نوشته استامپ واید نوشته بار ولمو دره تاور ۱۸۶۰۰

تا در شده و هماس آن ۱ د ۴ ممان است

کاکس ص ۵۴۹).

ناحیه بزرگ صحرا که عرص آن از ۱۰۰ تا ۲۰۰ میل است در سر
سر فلاط از شمال عربی به جنوب عربی بمسافت ۸۰۰ میل گسوده
شده است .



شکل ۱ - نسا و نوح با آب

مانند سایر قسمتهای آسیای جنوب عربی آب و هوای و نسا و نوح در آن
حسك و بیمه حسك است (رجوع شود به کتاب دروگر آب و ...
مورخ ۱۹۲۶ صفحه ۷۴ - ۷۹ ، کتاب آب و هوای قاره ...
صفحه ۱۲۸-۱۵۴ و کتاب علم آب و هوا تألیف میلر ...
استامپ میگوید نوح آب و هوای ایران را میتوان بدین ترتیب ...
و آب و هوای فرورفتگی های داخلی در ارتفاعات ...

سرزمین و مردم ایران ۱۷

گرم در زمستان هوا سرد میسود و حد وسط درجه حرارت در ماه رابویه کم از صفر یعنی یخ بندان سالانه است. شب یخ می‌بندد و درجه حرارت بریز صفر می‌رسد. در زمستان آسمان صاف و بی‌ابر و هوا خشک و صاف است. بطوریکه آسمان بحد اعلا و سوی است و در نتیجه ناحیه فلات با وجود ارتفاعی که دارد خشک بر اردست عراق نیست.

«د» وسط درجه حرارت طهران در ماه ژانویه ۱۷/۵ فارنهایت و در ماه رونه ۲۷/۹ درجه است. بطور متوسط حداکثر درجه حرارت ۱۰۴ و حد اول ۱۹ است ولی گاهی این حد به ۱۱۱ و منهای ۵ میرسد. حد وسط درجه رطوبت در رابویه ۶۹ و در ژویه ۴۳ است. میزان بارش در رابویه ۴ و در ژویه ۰/۹ می‌باشد، برف و رعد و برق در بهران نادر است ولی بطور متوسط در سال ۲۷ روز باران وجود دارد.

در این زمان باران را در بعضی از شهرهای ایران و بواحی

مبارک نشان میدهند.

رتوس سالانه ناران به اینچ

(از کتاب سرپرستی کاکس صفحه ۵۵۰)

نام محل	رتوس جغرافیا	طول جغرافیا	ارتفاع از سطح	شماره	رتوس سالانه
	سوال	سری	فوت	سال	ناران به اینچ
امران	۳۸°۴۶'	۴۸°۵۱'	۶۶-	۵۰	۴۱/۶۲
مرود	۳۷°۳۵'	۶۱°۴۷'	۶۸۶	۱	۶/۳۶
اومه	۳۷°۲۸'	۴۵°۰۸'	۶۲۲۵	۱	۲۱/۵۱
رشت	۳۷°۱۷'	۴۹°۳۵'	۵۰-	۲	۵۶/۴۵
آشوراده	۳۶°۵۴'	۵۳°۵۵'	۸۰-	۱۹	۱۷/۰۷
	۳۶°۵۲'	۵۴°۲۶'	۷۰-	۷-۸	۱۶/۲۸
	۳۶°۱۶'	۵۹°۳۵'	۳۱۰۴	۲۶	۹/۲۲
اصهباب	۳۲°۴۰'	۵۱°۴۴'	۵۸۱۷	۲۷	۴/۴۹
سیس	۳۱°۰'	۶۲°۰'	۲۰۰۰	۹	۱/۸۸
نادر آباد	۳۰°۵۲'	۶۱°۲۳'	۱۶۰۰	۳-۵	۲/۲۰
نور	۲۸°۵۹'	۵۰°۵۳'	۱۴	۴۴	۱۰/۳۹

ایران مانند ممالک اطراف مدیترانه بحد نفوذ فشار هوای پس است که در قسمت شمالی کشور در فصل زمستان از غرب سرتی عبور میکند پس فشار هوای پس اغلب با ناران توأم است ولی در قسمت عمده سال نادر شمال

می‌وزد . بنا بر این هوا از عرض جغرافیائی بالا که سردتر است بعرض جغرافیائی پائین‌تر که گرم‌تر است جریان دارد و ظرفیت رطوبت آن افزایش می‌یابد . بعلاوه جریان هوا قبل از آنکه بداخله کشور برسد از عرض جغرافیائی بالاتر به پائین‌تر جریان دارد (رجوع شود به کتاب جغرافیای اقتصادی ایران، تألیف بر گزمارك، مورخ ۱۹۳۵).

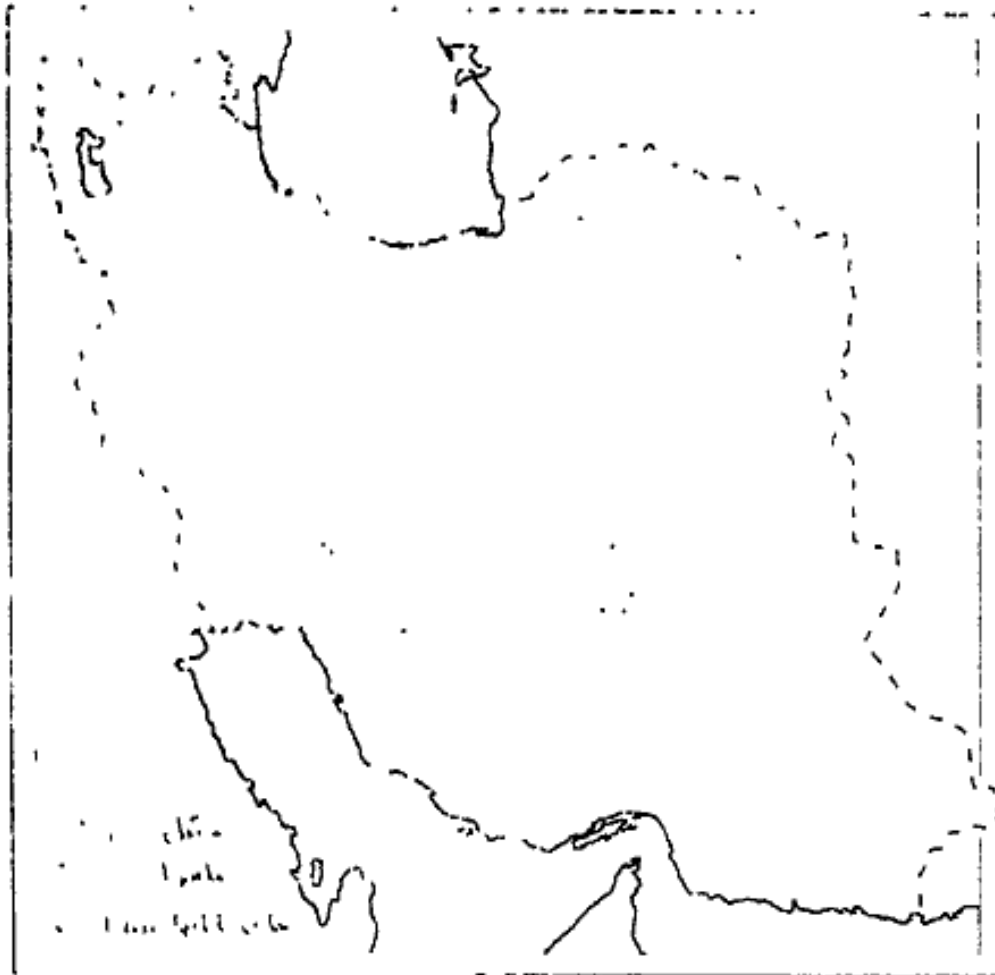
در نیمه سال تابستان باد تقریباً دائماً از سمت شمال می‌وزد بخصوص در سه چهارم ناحیه شمال ایران در ماه ژویه ، ناحیه ساحلی خلیج عمان تحت تأثیر برسات جنوب غربی قرار دارد .

آب و هوای هر کشور بر مردم و دولت و تاریخ آن تأثیر خود را باقی می‌گذارد . بنا بر این ، این مطلب که آیادر طی تاریخ بشری تغییراتی در آب و هوای ایران رخ داده یا نه حالب توجه و مطالعه است . سایکس و هانتینگتون معتقدند از اطلاعات موجود میتوان نتیجه گرفت که در زمان قدیم ایران حاصلخیزتر از زمان فعلی بوده است . بنا بر این در اثر قطع جنگلها و لشکرکشی‌ها و عوامل طبیعی ، سرزمین ایران خشک‌تر و کم حاصلتر شده است . نمونه‌های این تغییرات در آب و هوا در ناحیه بین آسیای مرکزی و مدیترانه بخوبی مشهود است . (رجوع شود بکتاب « ساکنین قدیم و جدید عربستان » بقلم فیلد، مورخ ۱۹۳۲ صفحه ۸۵۲ - ۸۴۸ و مقاله مندرج در نشریه انجمن جغرافیائی ایتالیا، مورخ ۱۹۳۴ صفحه ۸-۹).

بطور کلی رویش نباتات و سبزه و درخت محدود است (رجوع شود به کتاب رالینسون جلد سوم صفحه ۱۴۱ - ۱۴۰ و صفحه ۱۵۸ - ۱۵۵ و کتاب ال‌اس‌ایکس صفحه ۲۵۹ - ۲۵۷ و کتاب الیس فولرتون در باره گلهای ایران) . در مازندران و گیلان و استرآباد از کناره خزر تا ارتفاعات ۳،۰۰۰ فیت گل و گیاه شبیه ناحیه مدیترانه است . در جنگلهای وسیع این ناحیه درختان مختلف از قبیل توسه و زبان گنجشگ و آتش و شمشاد و نارون و مرز و عرعر و افرا و بلوط و گردو و تهریزی و بید وجود دارد .

درختان دیگری که در ایران پیدا میشود عبارتند از قراب و توت جنگلی (طرفه) و بید و درخت گز و سوسن .

طبق گفته ب. اون در جنوب شیراز دورشته جنگل وجود دارد که در کوه -



س ۲ - حمالیا و تلب رارخا و صحراهای ایران

گلو بهم ملحق و متصل میسوند . يك رسته از دعدس و كازرون و غیره در آباد میگردد و رشته دیگر بموازات رسته اول از سپوند عبور میکنند . واصله بین دو رسته جنگل در حدود ۲۴ میل است . در تان عمده ارس دو - جنگل عبارتند از درخت کتیرا که از آن سمغ کثیرا گرفته میشود و - مد نوع - نار و اربوع مختلف بلوط و حلر . در رسته جنوبی بلوط دیده نمیشود و در با - به دره گله اغلب درختان از فامیل بلوط هستند .

محصولات کشاورزی ایران شامل گندم و - و و برنج است که در تمام نواحی بدست می آید و ذرت و بذرک و عدس و پنبه و ارزن و کنجد و - سجاس و بریاک و نوتون و نیل است . حاصل عمده زمستان که در ماه دسامبر کاشته و در ماه آوریل برداشته میشود عبارتند از گندم و جو و - سجاس و حاصل باستان

سرزمین و مردم ایران - ۲۱

عبارتند از برنج و ذرت و بذرک و نخود و ارزن و پنبه . گندم در ماه ژویه و اوت در ارتفاعات و در ماه مارس در نواحی ساحلی و بین این دو ماه در سایر نواحی طبق ارتفاع از سطح دریا برداشت میشود .

چوکه از جوهندی درشت تراست بعنوان غذای حیوانات بکار برده میشود و معمولاً نه خرد و نه خیس میشود . فصل درو طبق ارتفاع از سطح دریا فرق دارد . در نواحی ساحلی در حدود مارس و آوریل و در شیراز در ماه ژویه است . ذرت (بلال) بمصرف غذای انسانی میرسد و فصل دروی آن ژویه و اوت است . دو نوع ارزن وجود دارد که ذرت کلک و الم نامیده میشود . اولی که شبیه حواری ولی ریز تراست با گندم مخلوط و بعنوان غذای مرغ بکار میرود و دومی تیره و ریز است و شبیه بحری Bajri میباشد .

مهمترین محصول غذائی ایران بعد از گندم برنج است . در شیراز دو نوع برنج وجود دارد که عبارتند از شهری و حمپا که هر دو از لحاظ جنس خوب و معمولاً سفید تر از برنج هندوستان هستند . بذر برنج را در ماه مه در قلمستان میکارند و پس از یک ماه وقتی قلمه ها به بلندی پنج اینچ میرسند آنها را با دست در مرعه قرار میدهند . دو هفته پس از این کار و حین آغاز میشود . در این وجین کاری علفها را در نمی آورند بلکه با پالک میکنند و این عمل پر زحمت و از لحاظ بهداشت خطرناک است و معمولاً بوسیله زنهار انجام میشود . این طرز نشاکاری طرز چینی خوانده میشود که بر خلاف طرز ایتالیائی است که مانند کست گندم و حو بذر روی زمین پراکنده میشود .

مزرعه برنج باید برای مدت دونا سه ماه کاملاً زیر آب باشد تا ساقه های برنج به بلندی پنج پا برسد . در موقع درو باداس بریده میشود و با اندازه يك پاساقه کاهبن باقی گذاشته میشود . بعد از حرمن کوبی دانه برنج ممکن است زیر آفتاب خشک شود ولی معمولاً آتش ملایمی زیر آن در انبار روشن میکنند و چهار یا پنج روز طول میکشد تا خشک شود و سپس برنج برای آسیا آماده است . برنج بداحل سوراخ استوانه شکل سنگی که قنلر آن چهار پا و نیم است ریخته میشود . برنج بوسیله قنله حویی که به تیر درازی وصل است و با حرخ آبی کار میکند و مثل حکس بلند میشود و می افتد کوبیده میشود و پوست خشک را جدا میکند . بعداً برنج را برداشته و در آبکش پاک و تمیز میکنند .

سرزمین و مردم ایران - ۲۳

قبل از آسیا کردن، برنج شالی یا جو نامیده میشود و بعد از آنکه از پوست جدا شد برنج خوانده می‌شود. جو برای آنکه از شالی فرق داشته باشد جو کوهی نامیده میشود. در نواحی حاصلخیز که زمین غنی است ممکن است برنج هر سال در همان قطعه زمین کاشته شود ولی معمولاً در یک قطعه زمین دو یا سه سال پشت سرهم برنج کاشته میشود و برای همان مدت بعنوان آیش نگاهداشته میشود. در مازندران در زمین‌های شیب دار که آب در آن باقی نمی‌ماند هر سه سال یک مرتبه جو کاشته میشود. کشت برنج کار بسیار پرهزمتی است ولی چون قیمت آن گرانتر و حاصل آن زیادتر یعنی هر نخم بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ تخم میدهد از گندم و جو پرمفعت‌تر است و بهمین جهت در نقاطی که گندم و برنج هر دو قابل کشت است برنج محصول متداول‌تری است.

دو نوع دال وجود دارد. معمولی‌ترین آن عدس نامیده میشود که سبیه عدس آلمانی است. نوع دیگر ماشک است که گیاه شناسان آنرا از همان فامیل نمیدانند و شبیه مونگ هندی است ولی نرم‌تر و ارزانتر از عدس است. از بیس حبوبات نخود بیش از همه مورد توجه مردم ایران است و نخود از حیث جنس از نخود یا باقلای هندی بهتر است و بعنوان غذای حیوانات بکار نمیرود.

سزیجات که محصول زمستانی و ناپستانی است که معمولاً در حوالی شهرها کاشته میشود. عمده‌ترین آنها عبارتند از: باقلا - لوبیا - حغندر - بادنجان - کلم - هویج - بالنگ - خیار - کاهو - نخود - کدو - اسفناج - گوجه فرنگی - و سلنم. لوفر (Laufer) نویسنده کتاب (مهاجرت نباتات امریکائی - قسمت اول سیب زمینی - مورخ ۱۹۳۸ - صفحه ۸۸) من‌نویسد: «سیب زمینی را سرحان ملکم (۱۷۶۹ - ۱۸۳۳) به ایران آورد و خود او در (جلد دوم صفحه ۵۱۴) کتابش میگوید: من برای معمول کردن سیب زمینی در ایران زحمت بسیار کشیدم و زمین در بسیاری نقاط برای کشت آن مناسب درآمد. «سیب زمینی در بعضی نقاط (آلوی ملکم) نامیده میشد. سرحان ملکم در دربار ایران وزیر مختار حکومت هندوستان بود و اول در ۱۸۰۰ و مجدداً در ۱۸۰۸ و ۱۸۱۰ باین سمت فرستاده شد. این نبات در ایران سیب زمینی و یا سیب زیرزمینی نامیده میشود.

میوه‌های زیر نیز در ایران یافت میشود: حرما - لیمو - لیموشیرین -

پرتقال - انار - زردآلو - انگور - خربزه - آلو - سیب - انجیر - به - لیموترش - گلابی - بادام . کشمش و انجیر و خرما و تا حد کمتری زرد آلو و هلو خشک قسمت عمده‌ای از غذای ملی ایران را تشکیل می‌دهد .

نیل محصول گیاه بنشنی ناحیهٔ دزفول است که در اواسط ماه مارس کاشته و ۱۲۰ روز بعد وقتی بیلندی ۵ پا رسید بریده میشود ؛ چهل روز بعد مجدداً آنرا می‌برند . بهترین نوع نیل آبی روشن است ولی قسمت زیرآبی از حاصل زرد رنگ میشود .

پنبه در نقاط مختلف عمل می‌آید ولی این محصول اغلب بوسیلهٔ ملخ از بین میرود .

سه نوع علف عمدهٔ ایران عبارتند از: شورب و فلوپه و یونجه که هم تازه و هم خشک بکار برده میشود . فلوپه که اهالی بومی آنرا بسیار معذی میدانند شبیه دوب dhub هندی خشک است . این علفها در فصل بهار در زمینهای پست میروید، در ماه آوریل محصول به بهترین صورت است و در ماه مه پرودی خشک میشود . هیچگونه کوشش برای چیدن آن در فصل بهار بعمل نمی‌آید و علف روی زمین خشک میشود و هر موقع به آن احتیاج است آنرا بر میدارند و بدینوسیله طبیعی است که مقدار زیادی از ارزش غذایی آن از بین میرود .

گی که در ایران به آن روغن میگویند از حیث جنس اعلا است و بمراب بهتر ارگی هندی میباشد . روغن از شیر گوسفند و بر ساخته شده و ارگی که از سیر گاو است سفیدتر است .

سکر و حای و زنجبیل و زردچوبه که اره‌ندوستان وارد میشود قسمت عمده ادویه را تشکیل میدهد . در ۱۹۱۴ درماتندران مقداری سکر بدست آمد (رجوع

۰۱ آلفونس دوکاندل Alphonse de Candolle در کتاب (اصل و نام کاشته شده) مگوید *Medicago sativa* در ایران بطور وحش پیدا شده و نام آنرا از نباتات بومی آن کشور است . لوفر (در کتاب چین و ایران نشر شده ۱۵۰ موزه تاریخ طبیعی بیلد - مورخ ۱۹۱۹) بجای *Lucerne* یا *alfalfa* بکار میبرد که مرسوم وزارت کشاورزی دولت امریکا است و مردم امریکا آنرا با برده و درک میکنند . این کلمه از عربی است که اسپانیایی‌ها آنرا اقتباس کرده و در قرن شانزدهم در مکزیک و امریکای جنوبی سلف مرهون آمدند (رجوع شود به کتاب لوفر، مورخ ۱۹۱۹ ، صفحه ۲۰۸ - ۲۱۹ و جوبرو، ۱۳۹) .

شود به مقاله و کاشت نیشکر درمازندران، در مجله عالم اسلام چاپ پاریس مجله ۲۸ بقلم را بینو و لافونت).

نمک از دریاچه‌های متعدد نمک بدست می‌آید و فراوان و خوب است. نمک معدنی در تپه‌های کماریج و سروستان بدست می‌آید.

زمینهای آبیاری شده بطبقات زیر تقسیم میگردد: زمینهاییکه بوسیله باران آبیاری و دیمی خوانده میشود. زمینهاییکه بوسیله قنات و جوی آبیاری و فاریاب خوانده میشود و زمینهاییکه بوسیله آب مشک که در مجاری کوچک ریخته میشود آبیاری میشود (رحوع شود به کتاب لوفر، مورخ ۱۹۳۴ و مقایسه شود با جرید در ساحل دجله و فرات) اسباب و لوازم زراعت در ایران عبارتست از: حیث که بوسیله یک یا دو گاو کشیده شده و شامل دونیر است که در انتهای آن یک قطعه منحنی چوبی و سر آهنی بشکل تیر منحنی قرار دارد؛ ارة منحنی بادسته چوبی یا داس؛ جنگال چوبی پنج‌دندانه یا هوشن برای باد افشانی کردن حو؛ بیل دسته بلند و کلنگ.

قسمت عمده چهارپایان و حیوانات اهلی ایران متعلق بقبائل است و بنا بر این همیشه در حرکت هستند و تعداد آنها در یک ناحیه معین بدرستی معلوم نیست. قبائل و عشایر ایران در ماه مارس و آوریل و محداً در سپتامبر تا اکتبر به بیلاق میروند و گله و حشم خود را همراه میبرند.

گوسفند زیاد است و در استانهای شمالی بخصوص گوسفندان خوب وجود دارد. گفته میشود بهترین گوسفندان ایران در استان خوزستان پیدا میشود ولی در حقیقت بهترین گوسفند در ناحیه رامهرمز و از نژاد گوسفندان قشقایی هستند و نه خوزستانی. بهترین گاوها در فلاحیه و بهترین گاو میشها در هویزه پیدا میشود. الاغ از زویبر وارد میشود. دزفول برای قاطر مشهور است و بهترین قاطرها در قبیله سگوند بدست می‌آید.

با کفون بررسی کاملی از حیوانات و جانوران ایران بعمل نیامده است

۱. رحوع شود به کتاب رالنسون جلد سوم صفحات ۱۴۱-۱۴۳ و ۱۴۵ و ۱۴۸-
۱۵۰ و کتاب گویر صفحه ۳۴۵-۴۵۳ و کتاب ولز صفحه ۵۰۱-۵۱۳ و کتاب وار، مورخ ۱۸۹۳ صفحه ۱۱۴-۱۱۵ و کتاب چاپ ۱۸۹۶ صفحه ۳۱ و کتاب الا سایکس صفحه ۲۳۸-۲۴۸. در باره اسب رحوع شود به کتاب امجار. برای منابع
رحوع شود به کتاب کسی دود، مورخ ۱۹۳۱.

ولی گاه بگاه بعضی از موزه‌های امریکائی در اثر کوشش افراد نمونه‌هایی بدست آورده‌اند. در بررسی حیوانات و جانوران عراق توسط اعضای نیروی امرامی بین‌النهرین ۱۹۱۵-۱۹۱۸، مقالاتی در باره پستانداران و ماکیان و خزندگان و خرچنگان و هزار پایان و پشیر بالان و پرده بالان و راست بالان و نرم تنان و حود دارد. در مقدمه این مقالات نویسندگان اطلاعات قبلی در باره موضوع را جمع آوری کرده‌اند و این مقالات خدمت سودمندی نسبت به معلومات ما درباره حیوانات ایران بشمار می‌آید.

علاوه بر منابع فوق‌الذکر نقل مطالب زیر را مناسب دانستم، طبق نظر بلانفورد W.T. Blanford (۱۸۷۲)؛ همچنین مراجعه شود به کتاب کاکس صفحه ۵۵۰ ایران را میتوان به پنج ناحیه حیوانشناسی تقسیم کرد که عبارتند از: فلات ایران، استانهای جنوب و جنوب غربی دریای خزر، عرب شیراز، حوزستان، و ناحیه ساحلی خلیج فارس. بلانفورد حیوانات فلات ایران را شمالی یا قطبی قدیم، Palaearctic میخواند که اشکال صحرائی در میان آنها زیاد است یا بطور صحیح‌تر از نوع صحرائی میباشد که انواع قطبی قدیم در نواحی حاصلخیزتر وجود دارد. در استانهای مجاور دریای خزر حیوانات شبیه حیوانات جنوب شرقی اروپا هستند. در نواحی کوهستانی قوچ کوهی و بز کوهی پیدا میشود و گرگ و پلنگ فراوان است. بیره‌نوز در مازندران دیده میشود. خر وحشی در صحرای نمک پیدا میشود و در جبال البرز و زاگرس هنوز خرس وجود دارد. حیوانات دیگر عبارتند از گراز و روباه و سفال و گورکن و خرگوش. پرندگان شکاری در تمام کشور فراوان است و متجاوز از ۴۰۰ نوع پرند از ایران نام برده شده. قووس بازی هنوز در ایران مرسوم است.

الکساندر قین در کتاب خود (ص ۳۵) راجع به پرندگان میگوید: در سمت شمالی البرز یعنی طرف بحر خزر پرندگان از قبیل فوک دراز و آبیار و قر قاول و اردک فراوان است.

۱. رجوع شود به مقاله در روزنامه جنوب ایران، شماره ۱۱۱ (۱۹۱۱) در مجله نفت مورخ نوامبر ۱۹۳۵ و مقاله یادداشت‌های درباره پرندگان جنوب غربی ایران بقلم کاپیتو (Capito) در مجله نفت مورخ نوامبر ۱۹۳۲. همچنین رجوع شود به کتاب و مقالات کاپیتو (۱۹۳۱) و اسکات (۱۹۳۸) و آلسا، ک. ص ۲۴۸ - ۲۵۲ و ۱۱ نسون جلد سوم ص ۱۴۲، ۱۴۹، ۱۵۰ و ۱۵۱ و ۱۹۳۱.

و تا آنجا که من میدانم در ایران فقط دو نوع پرنده است که در اروپا وجود ندارد. یکی کبک کوچکی است که تیهو خوانده میشود و علمای حیوانشناسی آنرا *Perdrix bonhamensis* می نامند زیرا اولین نمونه آنرا مستر بونهام که در آن موقع سرکنسول در تبریز بود آورد. دیگری کبک پاقرمز بزرگی است که تقریباً باندازه یک غاز کوچک است ولی این پرنده بندرت بدست می آید زیرا از حد برف در کوه پامین ترزندگی نمیکند. آقای الکساندر فین اضافه میکند: «حیوانات دیگر ایران عبارتند از گرگ، پلنگ، بزکوهی، گوسفند، گراز، آهو، روباه، خرگوش و گاهی ببر و در جنوب شیر نیز بندرت پیدا میشود.»

هوتن - شیندلر *Houtum-Schindler* در کتاب خود (ص ۲۹) درباره خزندگان و ذو حیاتین مینویسد: «انواع ذو حیاتین در ایران محدود است بچند نوع قورباغه که با سامی مختلف از قبیل *غوک* و وزغ و قورباغه خوانده میشوند. خزندگان عبارتند از کاسه پشت، سنگ پشت، لاک پشت و انواع مختلف سوسمار یا مارمولک، بز دوش، بز مچه، چلیاسه، ماملی و چند نوع مار که بین آنها مار پی زهر واقعی را میتوان نام برد. من یک مار شاخ دار (*Cerastes*) دیدم که در ورامین جنوب شرقی تهران گرفته شده بود.»

سر آرنولد ویلسون در کتاب خود (مورخ ۱۹۳۲ صفحه ۷۱-۷۲) شرح کلی ذیل را میدهد: «ایران بهشت شکارچی و اهل ورزش نیست. شیر که پنجاه سال قبل فراوان بود اکنون از بین رفته و پلنگ و خرس و حود دارند ولی بجز در ناحیه بختیاری و کوه گلو بندرت یافت میشود. بزکوهی (که شاید *Capra hircus aegagrus* باشد) و گوسفند کوهی زیاد تر است ولی این حیوانات محدودند به بی آب ترین و نازیباترین نواحی ایران. دراج در جنوب غربی ایران نسبتاً فراوان است ولی برای شکار مناسب نیست زیرا بسختی بلند میشود. اهالی محل که کوهنوردان قابلی هستند در کوهستان بچستجوی هر چیزی که در فصل یا غیر فصل حود باتیر بشود زد مبردازند. نر و ماده و بچه و هر حانداری را

۱. همچنین رجوع شود بکتاب ویلسون جلد سوم ص ۱۴۳ - ۱۴۴ و

۱۵۱-۱۵۵ و کتاب گو تر ص ۳۷۸-۳۸۱.

۲. پالاس (*Pallas*) معتقد است سنگ پش *Emys orbicularis* L. مساشد

۳. گفته شده است که شیر نر زرامی مکدوشا *Uromastix asmussi* باشد

شکار میکنند و باتیر می‌زنند . حیوانات از هر طرف کمین میشوند و حدودی برای شکار آنها شناخته نمیشود و اغلب يك پرنده زخمی باعث نزاع بین شکارچیان و گاهی آغاز دشمنی بین قبائل قرار می‌گیرد.

اعضای هیئت اعزامی^۱ در ایران برای قسمت حیوانشناسی موزه فیلد نمونه‌هایی از پستانداران و ذو حیاتین و خزندگان و حشرات و ماهی^۲ جمع‌آوری کردند و گزارش مربوط بهر يك از این مجموعه‌ها در دست تهیه است.

نگاه مختصری بتاريخ ایران تأثیر مهاجمین را بر مردم فعلی ایران آشکار می‌سازد.

در دوره عصر حجر جدید آب و هوای ایران با آب و هوای عصر حاصر فرق داشت . در جنوب غربی آسیا مقدار ریزش باران زیادتر و در نتیجه مناطق صحرا و بی‌حاصل کمتر بود . با وجود اینکه اسباب و ادوات عصر حجر فقط در نزدیکی دریاچه نیریز و مهارلو پیدا شده میتوان گفت که بشر قبل از تاریخ از آسیای مرکزی به ایران مهاجرت کرده است . حفاریات و اکتشافات در سوش توسط دو مرگان و دیگران و در انائی (Anau) توسط پامپلی و در تخت جمشید توسط هر تسفلد و در دامنان وری توسط اشمیدت ترتیب کلی وقایع تاریخی ایران را در طی سش هر ارسال گذشته معین کرده است . ارتباط فرهنگی بین ایران و بین‌النهرین در سمت مغرب و دره سند در سمت مشرق به تدریج آشکار میشود .

بعقیده سردنيسن راس تاریخ ایران^۳ و طبیعاً بدو دوره مشخص میشود که دوره قبل از اسلام و دوره بعد از اسلام باشد و حد تقسیم انقراض سلسله ساسانی بدست اعراب در دهه سوم قرن هفتم میلادی است. این دو دوره هر کدام تقریباً ۱۲۹۰ سال را شامل میشود یعنی از کوروش تا حمله ا. ا. ب ۵۵۰ قبل از میلاد تا ۶۴۱ میلادی از حمله اعراب تا سال حاصر یعنی ۱۹۳۰ ... تا آنجا که

۱ . دکتر والتر کندی در مقاله خود در نش به انجمن ا ی ج علمی ده منی راجع به حیوانات عراق، نرم نمان و راس دالان و اء و و حرد انوما، اولاك پستان سحر مسکوید و معصی ار آنها را درری در ایران و سی هشت ا شاه موه ه اند ملحق شد بدست آورد این نمونه‌ها در دانشکده پزشکی بغداد موجود است .

۲ . این گزارشها توسط موزه فیلد در ۱۹۳۸ در چاپ و از اوزاری چاپ . - ده ا -

۳ . مقایسه شود با کتاب براون ۱۹۰۹ و روه ه ه ه ه . - راجعه شود .

میدانیم قدیمی‌ترین ایرانیانی که در کشور امروز ایران سکنی گزیدند مادی‌ها بودند که از ناحیه ماوراءالنهر یا ترکستان مهاجرت کردند و در ناحیه بین‌ری و اکباتان (همدان) در شمال غربی در حدود قرن هشتم قبل از میلاد ساکن شدند.... قدیمی‌ترین پیغمبر مذهب ایران باستان... زرتشت بود که در قرن ششم قبل از میلاد در زمان سلطنت کوروش و کامبیز و داریوش اول میزیست. مذهب زرتشت سعی میکند همزیستی نیکی و بدی را میسر سازد. پیروانش آفتاب و آتش را میپرستند. مورخین اسلامی میگویند در میان عوامل و عناصری که در موقع تولد حضرت محمد اتفاق افتاد یکی آن بود که آتش مقدس زرتشتیان ناگهان خاموش شد. در نقش رستم يك حفت آتشگاه (لوحة ۹۹ شکل ۱) وجود دارد که از سنگ تراشیده شده و احتمال می‌رود که قدیم‌تر از دوره هخامنشی باشد. مقبره زرتشت (لوحة ۹۸) در نزدیکی همین محل است (کتاب اسپرنگلینک ص ۱۲۶ - ۱۴۴). در باره مردگان زرتشتیان معتقدند که «دفن مرده زمین پاک را که از موهبت‌های اهورامزدا است پلید میکند و سوزاندن آن آتش مقدس را که از علائم اهورامزدا است ناپاک میگرداند. بنا بر این اموات را روی برج‌هایی بنام دخمه که برای این منظور ساخته شده قرار میدهند تا خوراک پرندگان قرار گیرد. روحانیون زرتشتی را مغ میگویند. نوشته‌های مقدس مغ‌ها در کتاب اوستا جمع آوری شده است.

و در اوائل قرن هفتم قبل از میلاد گروه دیگری از ایرانیان از همان ترکستان در قسمتی از مملکت در جنوب ماد در محلی موسوم به پاروسا سکنی گزیدند و از این محل است که نام پارسا و بنونه خود نام استان پارس یا فارس امروز اخذ شده است که سابقاً ایشان نامیده میشد. هخامنش که در زبان یونانی اکامنس خوانده شده در پاروسا اولین رئیس قبیله بود. ته ایسپس اولین پادشاه سلسله هخامنشی مردم خود را به‌انسان یکی از نواحی عیلام قدیم که بوسیله آسوربانیپال پادشاه آسور در سال ۶۴۵ قبل از میلاد منهدم شده بود هدایت کرد. شاید این حادثه باشد که بطریق زیر در کتاب ارمیا (XLIX: ۳۴-۳۹) شرح داده شده است:

«کلام خداوند در باره عیلام که بر ارمیا نبی در ابتدای سلطنت صدقیا پادشاه یهودانازل شده گفت: یهوه صبايوت چنین میگوید اینک من کمان عیلام

و مایه قوت ایشانرا خواهم شکست . و چهار باد را از چهار سمت آسمان بر عیلام خواهم وزانید و ایشانرا بسوی همه این بادها پراکنده خواهم ساخت بحدیکه هیچ امتی نباشد که پراکنندگان عیلام نزد آنها نیایند . و اهل عیلام را بحضور دشمنان ایشان و بحضور آنانیکه قصد جان ایشان دارند مشوش خواهم ساخت . و خداوند میگوید که بر ایشان بلا یعنی حدت خشم حویشرا وارد خواهم آورد و شمشیر را در عقب ایشان خواهم فرستاد تا ایشانرا بالکل هلاک سازم . و خداوند میگوید من کرسی خود را در عیلام برپا خواهم نمود و پادشاه و سرورانرا از آنجا نابود خواهم ساخت . لیکن خداوند میگوید در ایام آخر اسیران عیلام را باز خواهم آورد .

بنیاد ایران جدید توسط کوروش دوم که در سال ۵۵۹ قبل از میلاد بتخت سلطنت پارس نشست نهاده شد . نه سال بعد از دهاک پادشاه ماد را کاملاً مغلوب و قلمرو هخامنشی را با قلمرو ماد توأم کرد . امپراطوری ایران را تشکیل داد . در سال ۵۴۶ قبل از میلاد کوروش ، کوروس پادشاه مدیارا مغلوب کرد و طی شش سال بعد مشغول مبارزه با سیتها بود . در ۵۳۸ قبل از میلاد بابل را بتصرف آورد . کشوری که کوروش بر آن سلطنت میکرد چندین پایتخت داشت که عبارت بود از پارارگاد ، بابل ، شوش و اکباتان . بدین ترتیب روح وحدت ملی بوحد آمد که هنوز از بین نرفته است . در زمان سلطنت کوروش اسارت بنی اسرائیل - اتمه پذیرفت و نهضت صهیونی آغاز گردید . بموجب نوشته عزرا نبی (فصل ۲ آیه ۶۴) ه کلیه جماعت باهم چهل و دو هزار و سیصد و شصت نفر بود .

در سال ۵۲۹ قبل از میلاد کوروش در جنگ وقات یاف و در پارارگاد دفن گردید و قبر او هنوز باقی است (لوحه ۹۹ - شکل ۲) . کامبیز یا کمبوجیه پسرش جانشین او شد و وی مصر و حبشه را به متصرفات امپراطوری هخامنشی اضافه کرد . بعد از کمبوجیه داریوش اول بسط سلطنت رسید و در طی سی و پنج سال سلطنت حدود در سال ۵۱۲ قبل از میلاد از تنگه بوسفور عبور کرد و خود را به رود دانوب رسانید ولی پس از تلفات بسیار در طی سفر دراز و جنگ با قبائل سیت مجبور به مراجعت گردید . در سال ۴۹۰ قبل از میلاد میلتیاد در جنگ ماراتن ارتش ایران را شکست داد . پنج سال بعد داریوش وقات یافت و پسرش - شایارسا یعنی همان کسی که در توراة (عزرا باب ۴ آیه ۶ - دانیال باب ۹ آیه اوستر)

سلسله تقسیم کرد؛ اول سلسله سلوکیدها یعنی جانشینان اسکندر که از سال ۳۲۳ قبل از میلاد تا ۱۴۰ قبل از میلاد سلطنت کردند و دوم سلسله اشکانیان^۱ یا پارتها که از سال ۲۵۶ قبل از میلاد تا ۲۲۶ میلادی سلطنت کردند. چند سال بعد مانی مؤسس مذهب دوگانه مانوی بدینا آمد. اردشیر بابکان که خود را از اولاد هخامنش میدانست سلسله ساسانی را تشکیل داد و این سلسله در حدود چهارصد سال یعنی تا زمان حمله اعراب بر ایران سلطنت کرد.

در طی هزار سال بعد ایران دستخوش تاخت و تاز و تهاجم متعدد از سمت آسیای مرکزی و بین‌النهرین و ترکیه قرار گرفت. حمله چنگیز خان و نواده‌اش هلاکو خان که در سال ۱۲۵۶ میلادی پادشاهی انتخاب شد و همچنین حمله تیمور در سال ۱۳۸۰ منولهارا به ایران آورد. بدین ترتیب میتوان نتیجه گرفت که هر مهاجمی اثر دائمی خود را بر خصوصیات جسمانی مردم ایران باقی گذاشته است.

در سال ۱۵۰۲ میلادی شاه اسماعیل سلسله صفوی را در ایران تأسیس کرد و این سلسله تا اواسط قرن هیجدهم بر ایران سلطنت کرد. در سال ۱۷۳۶ پس از حمله افغانها نادر افشار بر ایران تسلط یافت و در طی یازده سال سلطنت قلمرو امپراطوری ایران را از قفقاز تا رود سند بسط داد. در سال ۱۷۷۹ آغا محمد خان سلسله قاجاریه را تشکیل داد که تا زمان جنگ جهانی اول دوام یافت. در آوریل ۱۹۲۶ رضا خان پادشاهی ایران انتخاب گردید و از آن زمان تا کنون (موقع تحریر این کتاب) بالیاقت و وفوقیت بنام رضا شاه پهلوی زمام ایران را بدست دارد. در میان موفقیت‌های بی‌شمار و اصلاحات متعدد که توسط اعلیحضرت رضا شاه بعمل آمده میتوان خلع سلاح اهالی و عشایر ایران را نام برد که نتیجه آن ایجاد وحدت ملی و فراهم آوردن تسهیلات در مسافرت و حمل و نقل و ارتباطات کشور است. بنا بر این از نظر علم مردم شناسی لازم است قبل از آنکه پیشرفت تمدن مغرب زمین رسوم و آداب و سنن باستانی و قدیمی ایران را از بین ببرد مطالعات و تحقیقات در باره مردم ایران بعمل آید.

از آنجائیکه ارقام سرشماری دقیق و صحیح در باره ایران کمیاب است نویسنده چندین برآورد مختلف را جمع آوری کرده که البته بین آنها اختلافانی وجود دارد ولی رویهمرفته حد کلی احتمالات هر ناحیه را نشان میدهد.^۱

سرزمین و مردم ایران - ۳۳

هانری ماسه (صفحه ۲۴ - ۳۸) یادداشت‌هایی که در تهران در سال ۱۹۲۲-۱۹۲۳ در مورد مولید و ازدواج و متوفیات و غیره بدست آورده بود بچاپ رسانید .

در ۱۹۳۴ بازیل نیکیتین ارقام زیر را درباره جمعیت ایران (به هزار) در تهران بدست آورد .

محل	جمعیت	محل
آبادان	۱۳۰	تنکابن
آباده	۶۳	تویسرکان (← ملایر)
اراک	۲۵۰	تهران
اردبیل	۸۵	جندق (← سمنان)
ارونک	۱۴۰	چهرم (← قصر)
استرآباد و صحنه	۲۷۰	خوی و شاپور (سلما سابق)
اشرف (← ساری)	۴۴	خالخال
اصطهبانات (← نیریز)		رامهرمز (← ناصری)
اصفهان	۵۷۰	رشت و پهلوی
آمل و نور	۷۰	رضایه (ارومیه)
بارفروش	۱۲۰	زنجان
بجنورد	۷۰	داراب و سابه
بروجرد و لرستان	۱۷۵	دامغان
پلوچستان	۲۰۰	دزفول
بوشهر	۱۲۱	دشتی و دشتستان
بهبهان	۷۸	دهخوارقان
بیجار	۵۹	ساری و اشرف
پهلوی (← رشت)	۱۱۰	ساوه
تبریز	۳۱۰	سابه (← داراب)
تربت حیدری	۶۰	سبزوار
تربت شیخ جام	۳۵	سراب
ترشیز	۵۵	سمنان و حنده

محل	جمعیت	محل
۲۲۰	۴۰	سیستان
۶۵	۶۲	شاهرود
۹۰		شاپور (← خوی)
۶۳	۳۸	شوشتر
۷۲	بلوک	شیراز و هفت ناحیه همچنین
۴۳۷	۲۵۰	سبده
	۴۵	سائین قلعه (شاهین دژ)
		صحنه (← استرآباد)
۶۶		طبرس
۲۳	۶۴	فیروزآباد و توابع
۹۵	۶۱	قائنات
۱۶۵	۷۳	قراجه داغ
۳۱۰	۶۵	قزوین
۱۶۰	۲۵۰	قصر (← کرمانشاه)
		قم
۱۶۵	۱۲۰	قوچان
	۵۷	قصیر و جهرم
۱۰۰	۸۴	کازرون و ممسنی
۱۱۵	۷۲	کاشان
۷۵	۱۰۰	کردستان (صحنه)
۴۹	۱۴۶	کرمان
۲۰۰	۵۷۹	
۱۰،۰۰۰،۰۰۰		جمع کل

طبق نظر ابتهاج (ص ۲۷۰) جمعیت ایران از زمان سلطنت قاجاریه -

شاه بتدریج رو بنقصان گذاشته . در آن موقع جمعیت ایران در حدود ۵۰ میلیون

۱ . طبق نظر انجمن پادشاهی جغرافیائی و کمیته دائمی آن درباره اسامی جغرافیائی انزلی نام سابق بندر پهلوی است و بنظر میرسد که بین رقم مربوط به رشت و پهلوی و لاهیجان (انزلی) اشتباهی رخ داده باشد .

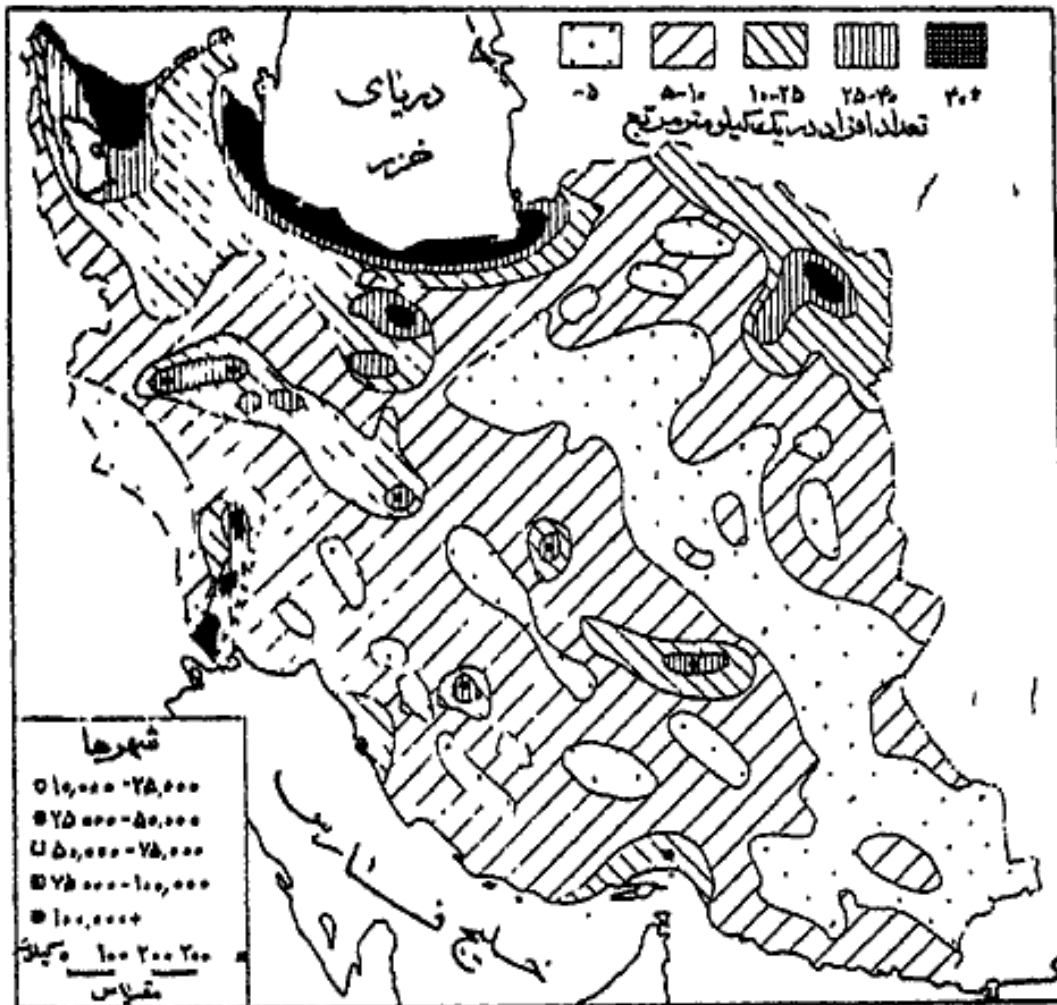
تخمین زده میشد که با انتزاع قفقاز و ترکستان و بلوچستان از ایران پنجاه درصد تقلیل یافت. در ۱۹۳۵ دائره المعارف ایتالیا جمعیت ایران را ۱۵۰،۰۵۵،۱۵۵ نفر ذکر کرده است. ۱ شهرهای عمده با جمعیت آنها به طریق زیر ذکر شده است.

محل	جمعیت	محل	جمعیت
آبادان	۴۰،۰۵۵	سلطان آباد	۵۴،۹۸۷
اردبیل	۴۴،۸۰۸	شیراز	۱۱۹،۸۵۰
ارومیه	۴۹،۸۴۳	قزوین	۶۰،۰۱۳
اصفهان	۱۰۰،۱۴۰	کرمان	۵۹،۵۲۵
پهلوی	۴۱،۹۹۷	کرمانشاه	۷۰،۱۵۹
تبریز	۲۱۹،۹۴۹	مراغه	۴۵،۳۷۲
تهران	۳۶۰،۲۵۱	مشهد	۱۳۹،۳۵۰
رشت	۸۹،۸۷۶	همدان	۹۹،۸۵۲
زنجان	۴۵،۶۱۲		

بنا بگفتهٔ ابتهاج (ص ۲۸) در حدود ۱۴ میلیون نفر از جمعیت ایران مسلمان شیعه هستند که بموجب قانون اساسی مذهب رسمی مملکت اعلام شده است. تقریباً یک میلیون نفر که اغلب کردهای شمال غربی ایران باشند پیرو فرقهٔ سنی میباشند. یکی دیگر از فرق عمده شافعی است که در حدود ۷۰۰ هزار نفر از کردها پیرو آنند. یک فرقهٔ دیگر اسلام یعنی حنفی در میان ترکمانها و قبائل دیگر خراسان در هزاره و جمشیدیه پیروان دارد. اسمعیلیها تحت رهبری آقاخان تعداد قابل ملاحظه‌ای طرفدار و پیرو در خراسان دارند. پیروان سایر مذاهب عبارتند از مسیحیها (ارامنه- آسوریها- طرفدار ارتدوکس یونانی- کاتولیک- پروتستان) که در حدود ۱۲۰ هزار نفرند؛ ۴۵ هزار یهودی و ۱۴ هزار نفر زرتشتی. پیروان مذهب بهائی در حدود صد هزار نفر هستند. منابع موثق در بارهٔ ایران از قبیل کرزن و سایکس و ویلسون شرح

۱ • سیموندز (ص ۷) که در ۱۹۳۵ کتاب خود را نوشت جمعیت ایران را در حدود ۱۲ میلیون نفر تخمین میزند و حد وسط تراکم جمعیت را ۱۹ نفر در میل مربع میداند

کاملی در باره مذاهب و عقاید مذهبی در ایران داده اند ولی چون کتاب ابتهاج جدیدترین آنها است ارقام فوق از کتاب او اقتباس شده است .



شکل ۴ بخش جمعیت (اقتباس از دائرةالمعارف ایالتی)

سیمونندز (صفحه ۷) میگوید در سالهای اخیر تعداد مدارس بطور قابل ملاحظه زیاد شده است و در ۱۹۳۵ تعداد مدارس ۴،۸۵۵ در تمام مملکت میباشد در حالیکه ده سال قبل کمتر از ۲ هزار مدرسه وجود داشت. درائر تشویق وزارت فرهنگ در تمام کشور مدارس جدید باز شده و وسائل و تسهیلات تحصیل و تعلیم و تربیت رو بفرزونی است. ^۱ همچنین بفرمان شاهنشاه اصلاحات زیادی در وسائل حمل و نقل و ارتباطات و بهداشت عمومی با کمال سرعت بعمل آمده بطوریکه وضع عمومی مردم ایران رو به بهبودی نهاده است .

۰۱ رجوع شود به کتاب دکتر صدیق (ص ۴۴-۱۲۳) و مقاله شادمان در مجله

آسیای ۱۹۳۷ و کتاب گری (ص ۲۸) .

۳. اشارات تاریخی درباره مردم ایران

در طی جستجو برای اطلاعات تطبیقی مردم شناسی در آثار نویسندگان و محققین قدیم و جدید معلوم شد فقط معدودی از نویسندگان در مورد منشأ و وابستگی جسمانی مردم ایران ملاحظات خود را ثبت کرده و نظریه خود را داده اند. ولی معهذا بعضی از نویسندگان قسمتی از جمعیت ایران را به تفصیل شرح داده اند و چون فقدان تلفیق و جمع آوری اشارات مهم تاریخی درباره مسائل مردم شناسی برای محققین و اهل مطالعه درباره ایران نقص بزرگی محسوب میشود نویسنده این کتاب مناسب دانست از این منابع مختلف به تفصیل نقل کند. برای منابع اصلی دیگر در باره ایران خواننده می تواند به فهرست منابعی که کرزن داده مراجعه نماید (کتاب ایران و مسئله ایران چاپ ۱۸۹۲۵ - جلد اول - ص ۱۶-۱۸) . فهرست منابع نقل شده در زیر داده میشود .

تاریخ	نویسنده	تاریخ	نویسنده
۴۴۵	ق. م. هرودت	۱۸۶۳	ا. دوهوسه
۳۶۰	م. ب. امیانوس مارسلینوس	۱۸۶۶	نیکلادوخانیکف
۹۵۰	الاستخری	۱۸۷۵	گ. ر. ابری-ماکی
۱۵۹۹	اتقونی شرلی	۱۸۸۰	جرج رالینسون
۱۶۵۰	پیتر و دلواله	۱۸۸۰	و. و. بلیو
۱۶۸۴	پاترانجلوس (لابروس)	۱۸۸۷	فردریک هوسی
۱۶۸۶	سرجان شاردن	۱۸۸۹	ث. ر. کندر
۱۸۱۵	سرجان ملکم	۱۸۹۱	ایزابلا ل. بیشاپ
۱۸۲۸	فردریک شوبرل	۱۸۹۲	جرج ن. کرزن
۱۸۴۳	ج. ث. پریچارد	۱۸۹۴	ن. پ. دانلیف
۱۸۴۶	آستن هنری لی یارد	۱۸۹۵	دانیل گ. برینتون
۱۸۵۸	اندرز رتزیوس	۱۸۹۵	شارل دو اوژ فالوی

تاریخ	نویسنده	تاریخ	نویسنده
۱۸۹۶	۰۱ هوتوم - شیندلر	۱۹۲۹	۰۵۰۰ دادلی بکستون
۱۸۹۹	ویلیام ز. ریپلی	۱۹۲۹	سرجرج ماکمون
۱۹۰۲	پرسی م. سایکس	۱۹۳۰	سردار اقبال علی شاه
۱۹۱۴	الکساندر فین	۱۹۳۰	برنارد ا. رید
۱۹۱۵	سر پرسی م. سایکس	۱۹۳۲	سر آر نولد ت. ویلسون
۱۹۱۹	جیوانچی جمشید جی مدی	۱۹۳۵	ارنست هرتسفلد
۱۹۱۹	برتولد لوفر	۱۹۳۶	جرج ج. کامرون
۱۹۲۴	ا. ث. هادون	۱۹۳۶	سرارل استین
۱۹۲۵	۰۵۰۱ سائیس	۱۹۳۷	۰۲۰۱ تالگرن
۱۹۲۶	جوزف دنیگر	۱۹۳۷	۰۰۰ گینزبورگه
۱۹۲۶	۰۱۰ ایوانف	۱۹۳۷	الکساندر باشماکف
۱۹۲۷	ویلیام ۰۵۰۰ ورل	} ۱۹۳۸	} ارنست هرتسه سر آرثر کیث
۱۹۲۸	هادی حسن		
۲۱۹۸	فیلیپ ک. هیتی		

برای نقل مطالب و ترتیب و تقدم آنها چندین طریق به نظر رسید. لکن بعد از وقت بسیار و مشورت با دکتر هوتن تصمیم گرفتم مطالب منتخب را به ترتیب تاریخ عرضه دارم. فهرست مفصل قبائل که داده شده به خواننده برای پیدا کردن مطالب مخصوص مردم شناسی کمک میکند.

هرجا مطالب منتخب بصورت ترجمه نقل شده بخصوص در مورد خانیکی و هوسی با وجودی که ترجمه آزاد است مع هذا علامت نقل قول بکار رفته تا اینکه در باره اصل آنها تردیدی در بین نباشد. برای یکنواخت کردن املا در منتخباتی که مستقیماً از نویسندگان انگلیسی نقل نشده بعضی کلمات مختصری تغییر داده شده تا با سبک انتشارات مسوزة فیلد تطبیق کند. این تغییرات بخصوص در مورد املائی نام مکانها صدق میکند و هر جا که ممکن بوده از سبک و نظریه کمیته دائمی اسامی جغرافیائی انجمن پادشاهی جغرافیائی لندن پیروی شده است. هر جا که نام مکان در نقل قول به سهولت قابل تشخیص نیست کلماتی در پرانتز اضافه شده تا فهم مطلب را آسان سازد. در فهرست اعلام همه انواع مختلف املاء اسامی امکان

بشکل مورد قبول ارجاع شده است .

در حدود ۴۴۵ قبل از میلاد - برای قدیمی ترین اظهار عقیده درباره ایرانیان توسط هرودت ترجمه والینسون را بکار برده ام . این ترجمه توسط ۱۰۰ و ۱۰ لارنس (برادر کلنل ت. ا. لارنس) تنظیم و با یادداشتهای دقیق آراسته شده است

هرودت (IV - ۳۷) می نویسد: « ایرانیان ساکن مملکتی هستند که تا دریای اریتره (Erythraean) یا دریای جنوبی امتداد دارد . در بالای آنان در سمت شمال مادها هستند. آن سوی مادها ساسپریها (Saspeirians) هستند و آن سوی آنان کولچیها (Colchians) که بدریای شمالی (دریای سیاه) میرسند که فاسیس (Phasis) در آن خالی میشود . این چهار ملت همه ناحیه را از یک دریا به دریای دیگر پر کرده اند. »

در مورد قبائل هرودت (I - ۱۲۵) میگوید « ۰۰۰۰ ملت ایران از قبائل بسیار تشکیل یافته است . آنها تیراکه کسوروش جمع آوری و به طغیان علیه مادها و اداشت قبائل عمده بودند که همه قبائل دیگر به آنها بستگی دارند. اینها عبارتند از پاسارگاده - مرافیها (Maraphians) - ماسپیها (Maspians) و از بین آنها پاسارگادهها از همه شریفترند. هخامنشیها که سلاطین ایران از آنها هستند یکی از طایفه های آن قبیله است . قبائل دیگر ایران عبارتند از : پنتیالهها Panthialaeans - دروسیائهها Derusiaeans - جرمانیها Germanians که بکشاورزی اشتغال داشتند و دانهها Daans - ماردیانها Mardians دروپیکها Dropicans - وساگاریتها Sagartians که بادیه نشین بودند . »

لارنس یادداشت زیر را در باره مطلب بالا نوشته است: « قبائل ایران مانند قبائل سایر اقوام مشرق زمین دائماً در حال انحلال و تشکیل بودند . از جمله گزنفون تعداد قبائل را بجای ده، دوازده ذکر کرده است و دسته های جداگانه بعضی از این قبائل بعدها در همه نقاط خاورمیانه پیدا شد (رجوع شود به کتاب بزاد شناسی و جغرافیای مشرق قدیم تألیف هومل مورخ ۱۹۲۶ ص. ۱۹۷) . بعضی از رؤسای قبائل در دربار هخامنشی مقام عمده داشتند و خود قبائل در آن موقع دارای درجه و امتیازات معمول بودند . ساگاریت ها یگانه قبیله ای هستند که در بین اقوام خراجگذار نام آنها برده شده است (III - ۹۳) این عده شاید

رشته جداگانه بوده‌اند ولی احتمال می‌رود که قبائل بدوی از دادن خراج معاف بودند .

یونانیان پازادگاد را پاسارگاد نیز خوانده‌اند و این نامی است که بعداً بیکی از قبائل کارمانیا اطلاق شده است (بطلمیوس VI - ۱۲۹۸ - هر تسفند و کلیو VIII - ۱۹۰۸ ص ۱۹). پایتخت کوروش در هفتاد میلی شمال شرقی شیراز بهمین نام خوانده می‌شد و معلوم نیست یونانیان در تصور اینکه قبیله‌ای باین نام وجود داشته اشتباه نکرده باشند . داریوش خود را پارسا یعنی ایرانی خالص می‌خواند و ممکن است آن نام صحیح قبیله باشد. (رجوع شود به اندراس Andreas ص ۹۶).

« هر دو رشته فامیل سلطنتی یعنی رشته کوروش و داریوش از هخامنشی بودند که ظاهراً از اولاد هخامنش می‌باشند .

«جرمانی‌ها معمولاً کارمانیها نامیده می‌شدند و در کرمان و حوالی آن سکنی داشتند . با اینکه نویسندگان قدیم طریقه زندگی و مذهب آنان را شبیه سایر قبائل ایران دانسته‌اند آنها را باید قوم مشخص و متفاوت بشمار آورد. واضح است که تمدن و فرهنگ بدوی تر و اولیه تر داشته‌اند، بشکار سر اشتغال می‌ورزیدند (IV - ۶۴) و مراسم برادری خون را حفظ کرده بودند. (I - ۷۴ - یادداشت ۵). دانها Daans یا دهانه‌ها در نقاط دیگر ایران مخصوصاً در مشرق دریای خزر (I - ۲۰۱ - یادداشت) وجود داشتند . این نام بصورت ایرانی آن در اوستا دها آورده شده که ممکن است چیزی شبیه بربری معنی داشته بشرط آنکه از کلمه داهيو یعنی ده مشتق شده باشد (کتاب کریستنسن ص ۲۳۶ و ۲۱۷). ماردیها نیز نام زشتی داشتند زیرا کلمه مارد را میتوان اراذل ترجمه کرد و این نام در جاهای دیگر نیز دیده شده است . در واقع معلوم نیست آیا کلمه دها یا ماردیها معنی نژادی داشته یا نه . پادشاهان هخامنشی به ماردیها یا ماردیهای شمال ایران (نزدیک تهران) مقرر می‌دادند تا باعث اغتشاش نشوند و دانها را «قبیله جنگجو که دارای مراسم و آداب زننده بودند خوانده‌اند» در کوهستان غار هائی می‌کنند و خود و زنها و اطفال خود را در آن مدفون می‌سازند . از گوشت گله یا حیوانات وحشی تنذیه می‌کنند . زنان آنها از مردان ظریفتر و لطیف تر نیستند . موی آنها پشمالو است و لباس آنها بزانو نمیرسد .

پیشانی را با فلاخن و زنجیر میبندند و از اسلحه آلت زینت میسازند. (کرتیوس ۷-
۶-۲۱).

« ستفانس بیزانتینوس Dropici را Derbicci نوشته است . بطلمیوس
میگوید در بیسها Dribyces در کنار دریای خزر بودند در حالیکه در بیکاها
Derbiccae یا Derbices یا Terlissi در مشرق ترکستان زندگی میکردند این
اسامی ممکن است از کلمه دریگویادیوی ایرانی آمده باشد که معنی آن بیچاره
است و ممکن است بهمه گونه نژادها اطلاق شود (کتاب مارکهارت I ص ۳۱ یا دداشت
۱۳۱- I ص ۱۳۹ یا دداشت ۱- ۱۴۲ و ۱۷۰ یا دداشت ۲ : کتاب کریستنسن ص ۲۳۶
و ۲۵۳ یا دداشت ۴). در زبان فارسی باستان ساگاریت ها را آساگارتا Aṣagarta
نوشته اند که ممکن است معنی آن « سر زمین غارها » باشد و ممکن است بموطن
عشایری شمال کوه زاگرس اطلاق شود. عده دیگری از ساگاریتها در حوالی مرکز
ایران جدید زندگی میکردند و اینها قبائلی بودند که مانند مردم جنوب شرقی
ایران مالیات میدادند (III- ۹۳ : زاره و هرتسفلد - ایران . نقوش برجسته
ص ۲۳).

در دوره آسوریها قوم کوچکی بنام سمیت زیکیرتو Semites Zikirtu در
پارسوا Parsua در زاگرس شمالی سکنی داشتند و لسی ارتباط بین این قوم و
آساگارتا را نمیتوان بدرستی معین کرد (کتاب استرک XIV ص ۱۴۶).
این اسامی را با کردها نیز ارتباط داده اند که در یونانی و لاتینی با گرد Gord -
و Kord - شروع میشود (I - ۱۸۹ - یا دداشت ۲). کسرتیها Cyrtians که
طبق گفته استرابو کنار دریای خزر و در میان ایرانیان میزیسته اند بعنوان کرد
شناخته شده اند. و این ارتباط بیشتر از نظر لغت شناسی است تا از نظر جغرافیایی
(XI ۵۲۳ ؛ XIV ۷۲۷). استرابو در میان قبائل ایران از پاتیشوریها نام
میبرد و اینها ساکنین ناحیه ای بودند بنام پاتیشووارا Patishuvara . گوبریاس
Gobryas حامل نیزه پادشاه روی قبر داریوش پاتیشواری خوانده شده است .
هرودت ادامه میدهد و میگوید (I ، ۱۰۱) : « دئیوس Deioces مادها را
بصورت يك ملت گرد آورد و تنها بر آنان حکمفرمایی کرد و اینها هستند قبائلی
۱ • در دائرة المعارف کتاب مقدس (ص ۳۶۶۴) چاپ لندن ۱۹۰۲
شرح پاورقی را در صفحه بعد بخوانید

که آن ملتهدات تشکیل میداد^۱: بوسائی Busae - پارتاسنی Paretaceni - استروچات Struchates - اریزانتی Arizanti - بودئی Budii - مگی Magi .^۲
 کلانی جنه در زمان باستان معجزه آسا بشمار میآمد . هرودت (VII - ۱۱۷) يك پهلوان ایرانی را با این کلمات شرح میدهد: «در اینجا بود که آرتاچائیس Artachaees که ریاست بر کاناها را داشت مریض شد و مرد . او مورد توجه خشایارشا و از فامیل هخامنشیها بود . بعلاوه بلند قد ترین همه ایرانیان بود^۳ .
 فقط چهار انگشت از پنج ذراع (Cubit) که قد سلطنتی بود^۴ کوتاهتر بود و صدائی داشت قویتر از صدای هر مرد دیگر در دنیا .»

قدیمترین اشاره به جمجمه ایرانی از هرودت است (III، ۱۲) راجع به پلوس Peluse که میگوید: «در میدانی که این نبرد انجام یافت من چیز بسیار عجیبی دیدم که بومیان بمن نشان دادند . استخوان کشتگان در میدان در دو کومه پراکنده بود . استخوان ایرانیان در يك محل با خودشان همانطور که در اول تقسیم شده بودند و استخوان مصریان در محل دیگر جدا از آنها؛ اگر جمجمه ایرانی را حتی يك سنگ کوچک به آن بزیند بقدری ضعیف است که سوراخی در آن بوجود میآید . ولی جمجمه مصریان بقدری سخت و قوی است که اگر سنگ هم بآن بکوبید بندرت می شکند . دلیل زیر را برای این اختلاف بمن گفتند که منطبق بنظر من میرسد: گفتند مصریها از طفولیت سر خود را می تراشید و بهمین جهت

۱ * لارنس میگوید: «طوایف و قبائل ماد در آن موقع مساوند حالا شامل مردم بادیه نشین و شهر نشین بوده ولی در حال حاضر نسبت بادیه نشین در این محل از قسمت جنوب که قبائل بدوی ایران زندگی میکردند کمتر است .»
 ۲ * در سپتامبر ۱۹۳۴ اطلاع یافتیم که در شیراز مرد درازی بنام سیاه کوه (کوه مرد) زندگی میکرد که قد او از هفت پا زیاد تر بود (مقصود سیاه خان شیرازی است . م . ۰)

۳ * لارنس میگوید: «ذراع شاهی (Royal Cubit) ۲۰ اینچ است (I، ۱۷۸) .
 یادداشت ۳) بدین ترتیب آرتاچائیس کمی بلند تر از ۸ پا بوده است .»

بقیه پا و ورقی از صفحه قبل

نوشته شده است: «مسلم است که بانبان این امپراطوری یعنی مادیهها و ایرانیهها ساکنین اصلی این کشور نبودند بلکه به نژاد آریین تعلق دارند .»

اشارات تاریخی درباره مردم ایران-۴۳

دراثر آفتاب جمجمه ضخیم و سخت میشود و همین باعث جلوگیری از کجلی در مصر است و در آنجا کمتر از هر سرزمین دیگر سرطاس وجود دارد. بنا بر این این دلیل آنست که جمجمه مصریان تا آن حد قوی است. ایرانیان از طرف دیگر جمجمه ضعیف دارند زیرا از اول عمر با گذاشتن کلاه سرخود را در سایه نگاه میدارند. آنچه در اینجا گفتیم با چشم خود دیدم و همین مطلب را در پاپرمیس Papremis در مورد ایرانیانی که با هخامنش پسر داریوش بدست ایناروس Inarus اهل لیبی کشته شده بودند مشاهده کردم. «

در حدود ۳۶۰ میلادی - امیانوس مارسلینوس Ammianus Marcellinus (XXIII و ۶ و ۷۵ و ۸۰) شرح زیر را از ایرانیان همزمان خود میدهد: «تقریباً همه دارای جنه کوچک و رنگ گندم گون با رخسار رنگ پریده هستند. قیافه خشمگین با چشمانی مانند چشمان بز و ابروان پیوسته و هلالی و ریش آراسته و موی بلند دارند. . . . چنان شل قدم بر میدارند و با چنان راحتی و آزادی حرکت میکنند که تصور می رود زن صفت باشند اگر چه از دور مهیب بنظر میرسند. کلمات تو خالی فراوان دارند و خود سرانه و سبانه سخن میگویند. حرف بزرگ میزنند و مغرور و رام نشدنی هستند، در کامیابی و در سختی هر دو تهدید آمیزند. مکار و پرمدها و بیرحم میباشند و بر بردگان خود و همه مردم پست عامی قدرت مرگ و زندگی اعمال میکنند. «

در جای دیگر (XXIV - ۱۴) میگوید:

«ex virginibus, quae speciosae captae sunt, ut in

Perside, ubi feminarum pulchritudo excellit»

برای اشارات دوره قدیم درباره ایران مراجعه شود به کتاب رالینسون

جلد دوم ص ۳۰۸.

در حدود ۹۵۰ - ابواسحق الاستخری سیاح و جغرافیدان معروف اسلام درباره خوزستان مینویسد «فارسی و عربی و خوزی صحبت میشود. وضع ظاهری ساکنین این ایالت عبارت است از رنگ زرد و لاغر و ریش کم پشت و بطور کلی از

۱ • در یادداشتی به هرودت (I - ۱۲۵) لارنس اضافه میکند «شرح کلی

در باره ایرانیان ۴۰۰ میلادی رویهمرفته بایرانیان زمان هخامنشی نیز اطلاق

می شود. «

مردمان دیگر کمتر مودارند. (هوسی ص ۱۲۷) .

۱۵۹۹ - انتونی شرلی سردسته سفارت هلند بایران شاه عباس و اشرح داده (ص ۱۰) ۱ و میگوید شاه هیکل عالی داشت ولی درباره رنگه قهوه او مینویسد: «مثل اینکه بوسیله آفتاب رنگه اوسپاه شده بود. »

۱۶۵۰ - پیتر و دلاواله (ص ۱۰۵ - ۱۰۶) مینویسد : « این مردم (گبرها) ۲ مانند ایرانیان امروز نسبتاً از نوع خشن هستند . »

۱۶۸۴ - پاترانولوس Pater Anglus که نامش لاپروس است Labrosse مینویسد (ص ۱۳۶) « میتوان نوع قیافه قدیمی آنها را در میان گبرها یا آتش پرستان که بزشتی میمون میباشند دید . » ۳

۱۶۸۶ - سرجان شاردن Sir John Chardin (طبع فرانسه ۱۷۱۱ ص ۳۴) که دوسفر بایران کرد یکی در ۱۶۶۴-۱۶۷۰ و دیگری در ۱۶۷۱-۱۶۷۷ مینویسد : « نژاد ایران طبیعتاً خشن است . این مطلب در میان گبرها که از نسل ایرانیان باستان هستند بخوبی مشهود است . » و اضافه میکند : « ایرانیان قدیم زشت و بد شکل شبیه مغولها بودند و نوع زیبایی که در میان ایرانیان عصر حاضر دیده میشود میراثی است که از زنان چرکسی و قفقازی باورث برده اند . » پریچارد میگوید این عقیده شاید بر اساس اشتباهی که بین ایلات با ایرانیان بعمل آمده قرار دارد و دو خانیکف این نظر را رد کرده و آنرا غیر ممکن میدانند .

کرزن (۱۸۹۲۵ - جلد ۲ - ص ۴۹۲) مینویسد : « شاردن .. قلت جمعیت را در اثر چهار علت فرعی میدانند که عبارتند از فسق و فجور غیر طبیعی - افراط در زندگی تجملی - ازدواج در سن جوانی - و مهاجرت دائمی به هند . ملکم در اوائل قرن حاضر جمعیت ایران را در حدود ۶ میلیون تخمین زده و موانع ازدیاد جمعیت را که تقریباً همانها ایست که شاردن ذکر نموده در مقابل فوائد زیر

۱ . این قسمت توسط آقای داوید گستاوسن David Gustafson از هلندی ترجمه شده است . علامت نقل قول ترجمه تحت اللفظی را می رساند .

۲ . این ها گبرها یا زردشتیان هستند که اکثر آنها اکنون در یزد زندگی میکنند .

۳ . این مطلب مبالغه آمیز توسط اوزلی Ouseley در جلد سوم سفرنامه اش ص ۳۵۵ یادداشت ۱۳ مورد انتقاد قرار گرفته است . « (دو خانیکف . ص ۴۸)

باهم مقایسه میکند . این فوائد را عوامل زیر میداند : سازگاری آب و هوا - ارزانی آذوقه - نادر بودن قحطی^۱ و کمی خونریزی در جنگ‌های داخلی - تمایل مردم بازدواج و تعداد بسیار کم فحشاء .

گرزن سپس در یادداشت ذیل صفحه تفصیل بیشتری داده مینویسد : «دکتر پولک J.E.Polak در گزارش خود در باره ایران در ۱۸۷۳ عجل عمده انحطاط جمعیت را عوامل زیر میداند : (۱) وضع نامساعد زنان که شامل سهولت طلاق - ازدواج در سنین جوانی و زود پیر شدن آنان و دوره طولانی بچه شیر دادن و کوتاه شدن دوره بارداری ؛ (۲) فقدان وسائل بهداشتی که نتیجه آن شیوع و تلفات از امراضی مانند تیفوس و اسهال و وبا و طاعون و بخصوص آبله بعلت نبودن وسائل تلقیح، مرگ و میر اطفال در سن دو سالگی عامل مهمی محسوب میشود ؛ (۳) جنگ‌های نابودکننده تاتارها و مغولها و افغانها و حملات ترکمنها به ایالات شرقی و فروش اهالی بعنوان برده در بازارهای خبیوه و بخارا و جنگ‌های داخلی و کثرت متوفیات بین سربازان که قبل از اینکه بزندگی سر بازی و ساخلوگی عادت کنند تعداد کثیری از آنها از بین میروند ؛ (۴) مهاجرت عناصر و افراد غیر مسلمان از قبیل گبرها و مسیحیان و یهودیها به هندوستان و قفقاز و ترکیه ؛ (۵) وقوع قحطی بعلت کمی باران و برف و شدت آن بعلت فقدان وسائل نقلیه و ارتباطات و تعصب نسبت به تجارت گندم و بدی وضع قنوات و سوء اداره امور مملکت .»

گرزن در همان کتاب ص ۴۹۲ ادامه میدهد و میگوید : «رالینسون در ۱۸۵۰ جمعیت ایران را ده میلیون نفر تخمین زده است ولسی در ۱۸۷۳ در اثر بلیه و باوقحطی، جمعیت به شش میلیون نفر تقلیل یافت . نویسندگان دیگر در طی بیست سال اخیر جمعیت ایران را بین پنج میلیون و ده میلیون ذکر کرده‌اند. در حقیقت هیچیک از این ارقام بر اساس منابع علمی و قابل اعتماد نیست. تا کنون در ایران سرشماری نشده و وسیله و دستگاه لازم برای این کار وجود نداشته و فکر سرشماری مورد قبول روحانیون و علمای مذهبی نیست .»

۱۸۱۵ - از کتاب (تاریخ ایران) بقلم سرجان ملکم مطالبی مربوط به

۱ . گرزن (۱۸۹۲ا جلد ۲ . ص ۴۹۲) ذیل صفحه اظهار نظر میکند :

«بنظر من این مطلب با حقیقت وفق نمیدهد . در نیمه دوم قرن حاضر قحطی های شدید و غیر شدید در فواصل در حدود ده سال رخ داده است .»

جمعیت و متناسب با مطلب این گزارش استخراج و ذیلاً نقل شده است .
 در مورد تخمین جمعیت ملکم (در جلد دوم ص ۵۱۸ - ۵۲۱) مینویسد:
 « در يك كتاب خطی كه ادعا شده است از اسناد و مدارك دولتی زمان سلطنت
 شاه سلطان حسین گرفته شده و تعداد قبائل مختلف و رعایای سلطان را با همه
 جزئیات نقل کرده جمع كل رعایای سلطان ایران متجاوز از دو یست میلیون نفر
 ذكر گردیده است ۱ يك سیاح اروپائی (شاردن) كه تقریباً يك قرن قبل تخمین
 زده معتقد است كه تعداد ساكنین این كشور در حدود چهل میلیون میباشد؛ ولی
 یکی از جغرافیدانان معروف (پینكرتن) باین نتیجه میرسد كه جمعیت ایران و
 قندهار از جمعیت تركیه آسیا زیادتر نیست و تعداد جمعیت ایران را در حدود
 ده میلیون نفر تخمین میزند و از این عده چهار میلیون نفر را سهم قندهار و
 شش میلیون نفر را سهم ایران غربی یا بعبارت دیگر جمعیت ایران فعلی میدانند.
 احتمال میرود این تخمین از حقیقت زیاد دور نباشد . این جمعیت در حدود صد
 نفر بهر میل مربع تقسیم میشود و اگر چه در بعضی نقاط جمعیت در هر میل
 مربع زیادتر از این رقم است ولی قسمتهای عمده كشور بیابان لم یزرع و غیر
 قابل سکونت است ... در طی دوازده سال اخیر تعداد جمعیت اصفهان تقریباً
 دو برابر شده است ۱ و این امر در نتیجه نظم و ترتیب حكومت محلی است كه
 باعث شده است ساكنین سابق از قراء و قصبات كوهستانی كه در اثر جنگ و ظلم
 بآن پناه برده بودند بشهر مراجعت كنند ...

« اگر چه جمعیت ایران از زمان حمله افغانه بطور قابل ملاحظه‌ای
 تقلیل یافت شك نیست كه در طی بیست سال اخیر افزایش یافته و میتوان گمت
 كه در حال حاضر رو با افزایش است. ولی این مطلب فقط در مورد ساكنین مسلمان
 آن كشور صدق میکند در حالیکه تعداد یهودیان تقلیل یافته و عده گبرها (زرتشتیان)
 كه محل سکونت آنان محدود بیک محله شهر بسزد است شاید در چهار هزار
 قاملیل مبالفه آمیز باشد . كلنی آرامنه كه در خارج شهر اصفهان سکونت دارند و

۱ . اگر بتوان گفته سیاحان اروپائی را مستند دانست جمعیت این شهر
 در موقعی كه پایتخت سلاطین صفوی بوده بین ششصد و هفتصد هزار نفر بوده است .
 وقتی در سال ۱۸۰۰ نویسنده از آن شهر دبدن كرد از یکصد هزار نفر زیادتر نبود
 و اکنون جمعیت آن شهر در حدود دو یست هزار نفر تخمین زده میشود .

سابقاً در حدود دو هزار و پانصد فامیل بودند و بعضی ثروت سرشار داشتند اکنون به پانصد فامیل نمیرسد و هیچیک از آنها ثروتی ندارد. تعداد ارامنه در سایر نقاط ایران نیز تقلیل یافته است.

بموجب تخمینی که بدستور اسقف جلفا زده شده است تعداد کل ارامنه ایران دوازده هزار و سیصد و هشتاد و سه نفر میباشد که ظاهراً يك ششم جمعیت ارامنه قبل از حمله افغان است^۱ بنا بقول ملکم (جلد ۲، ص ۶۳۰): همه افراد این اقلیت (در قزوین و تبریز و همدان و شیراز و یزد و قم و کاشان و اصفهان) از لحاظ شکل و ظاهر نژاد عالی میباشند. قد آنان بلند نیست ولی افراد کوتاه قد و ناقص الخلقه در بین آنان نادر است و بطور کلی قوی و فعال هستند. رنگ چهره آنها از گندم گون تا سفید است و بعضی از آنها بسفیدی اهالی اروپای شمالی میباشند و اگر طراوت اروپائیان را نداشته باشند قیافه گلگون و سالم آنها آنان را زیبایی مخصوصی بخشیده است. سرپازان رومی مدت کوتاهی (جلد ۲، ص ۲۰۷ - ۲۱۰) قسمتی از کردستان را تحت اشغال داشتند ولی شاید ناحیه اشغالی آنها محدود به مواضع نظامی بود. تعجب در این است که هیچیک از قبائل تاتار که ایران را مسخر کردند در این استان بطور دائم نماندند^۲ و این ناحیه هنوز نژاد اصلی و خشن اولیه خود را دارد که با اینکه مذهب اصلی خود را از دست داده اند آداب و رسوم اجداد خود را حفظ کرده اند و بیکی از لهجه های زبان باستانی ایران حرف میزنند.

دعوت اینکه این مردم توانسته اند که خاک خود را از وجود بیگانه حفظ کنند واضح است. محل سکونت آنها کوهستانی و پابراست و دره های معدود زیبا و حاصلخیز که در بین گروه تپه های کوهستانی قرار دارد ارزش آنرا ندارد که برای اشغال آنها کوشش بعمل آید، زیرا ساکنین جنگجو و نیرومند آن بسر زمین خود علاقمند هستند و تسخیر این ناحیه کوهستانی نه تنها مشکل است بلکه حفظ و نگاهداری آن نیز سهولت میب

۱. تعداد و رقم جمعیت ارامنه ایران را مدیون سروان فردریک میباشم

که از اسقف جلفا گرفته بود. مطلب اسقف مشخص و احتمال می رود که صحیح باشد.

۲. در این ناحیه بعضی از قبائل عرب وجود دارند و بعضی از رؤسای قبائل

کرد افتخار میکنند که از اولاد قبائل عرب میباشند.

«نواحی کردستان که نزدیک رود دجله و درحوالی بنداد واقع شده تحت نفوذ و استیلای حکومت ترك است در حالیکه نواحی واقع در شمال و مشرق تحت تسلط و حمایت پادشاه ایران است . از رؤسای قبیله این قسمت والی یا شاهزاده اردلان از همه مهمتر و قویتر است . سرزمین او که هم مرز عراق و آذربایجان است تقریباً دوپست میل طول و درحدود یکصد و شصت میل عرض آنست . عوالم این سرزمین زیاد نیست ولی شاهزادگان آن که تقریباً دستگاه سلطنت دارند خود را از اولاد صلاح‌الدین معروف میدانند .»^۱

ملکم (جلد ۲ - ص ۲۳۱) سپس مینویسد : «در شمال مشهد در امتداد نواحی کوهستانی خراسان (که هم مرز محل سکونت ترکمانها و سرزمین سابق خوارزم میباشد) دو نفر از رؤسای کرد که مورد توجه و در خدمت نادرشاه و جانشینان او بودند قبائل خود را در آن ناحیه مستقر نمودند .»

وی اضافه میکند (ص ۲۱۶) : «خراسان محل سکونت مردمان نژادهای مختلف است . ساکنین جنگجوی آن افتخار میکنند که اولاد قبائل عرب و کرد و ترك^۲ و افغان میباشدند که در ادوار مختلف باین ایالت آمده و آنرا مسخر یا حفاظت کردند ...»

ملکم (جلد ۲ - ص ۶۱۷) میگوید : «قبائل عرب که تحت اطاعت ایران و در سواحل خلیج فارس زندگی میکنند از نظر آداب و رسوم و طرز زندگی بیشتر شبیه مردم هم نژاد خود میباشدند تا شبیه مردمی که در میان آنها سکنی گزیده‌اند. زبان آنها عربی و همه آداب و رسوم مملکت اصلی خود را حفظ کرده‌اند. مانند مردم عربستان لباس میپوشند و بجای کلاه ایرانی عمامه سبک بسر و عبای بزرگ بتن دارند . طرز رفتار آنان اگرچه بخشونت سایر قبائل ایران نیست سرکشی و استقلال اجداد آنانرا را دارد .

۱ • این نام صلاح‌الدین ایوبی دشمن صلیبیون است که اروپائیان آنرا تحریف کرده و صلاح‌الدین خواندند . فامیل اردلان از سمت مادر خود را اولاد او میدانند ولی در تاریخ کردستان نوشته شده است که این فامیل مدت چهار قرن و بوسیله ۲۵ نسل اولاد ذکور این ناحیه را در اشغال داشتند .

۲ • کلمه ترك همیشه بساکنین ترکستان و یا کسانی که اصل آنها از آن مملکت بوده و بزبان ترکی حرف میزنند اطلاق میشود .

وی اضافه کرده میگوید (جلد ۱ - ص ۲۷۷) : «پشرفت فاتحین (حمله خلفای عرب) سریع و عجیب بود . مردمان صحرای سوزان عربستان تا نواحی سردسیر خراسان و بلخ دست یافتند و در این نقاط سکنی گزیدند و در این سرزمین جدید نشو و نما نمودند . اولاد و اخلاف آنان نژاد مشخص باقی ماندند و با اینکه بزبان اجداد خود صحبت نمیکند ظاهر و رفتار و آداب آنانرا حفظ کرده اند . ۱»

ملکم (جلد ۲ - ص ۵۹۶ - ذیل صفحه) مینویسد : «در ایران و بخصوص در آذربایجان غالباً گروه‌های کوچک کولی دیده میشود . طرز زندگی و شغل فامیلهای کولی که در آن کشور دیدیم با طرز زندگی قبائل سیار کولی که در انگلیس دیده میشوند فرق زیادی ندارد . ایرانیان آنها را «غاراچی» مینامند که کلمه ترکی و معنی آن «مردم سیاه پوست» است و این نام از این جهت بآنان داده شده که چهره آنان تاریکتر از رنگ چهره مردم بومی است .»

۱۸۲۸ - فردریک شوبرل (Frederic Shoberl) ص ۲۰ - اطلاعات آماری مربوط بزبان و تعداد جمعیت گروههای مختلف بر اساس تقسیمات زبانی ذیل منتشر کرده است :

۱۵ - تعداد افراد ترک زبان از همه زیاد تراست و شامل ۱۴ قبیله و ۲۸۱۰۰۰ نفر میشود . قویترین این قبائل افشار و قاجار میباشند . افراد قبیله افشار در تمام ایران پراکنده اند و مخصوصاً در آذربایجان و تعداد آنان ۲۸۱۰۰۰ نفر است . افراد قبیله قاجار درمازندران و تهران و مرو در خراسان و ایروان و گنجه سکنی دارند و تعداد آنها در حدود ۴۰۰۰۰ است . فتحعلی شاه که هم اکنون ۰۱ من بامردی که از قبیله بن شیبانی (شیبانی) و متعلق بیکی از شعب آن قبیله بود صحبت داشتم این شخص در محلی که بمسافت چهار روز راه پیمائی با بخارا فاصله داشت زندگی میکرد . شکل و رفتار او کاملاً عربی و شبیه ساکنین یمن بود و علت آنرا این مطلب میدانست که هیچیک از افراد قبیله او با سایر ساکنین محل ازدواج نکرده بودند . در خراسان و بلخ و حتی در نواحی مجاور بخارا هنوز تعداد اعراب زیاد است ولی بجز خراسان رؤسای برجسته ندارند زیرا سیاست تانارها و افغانه آن بود که آنها را ضعیف و پراکنده نمایند . اگرچه بسیاری از این قبائل نام و ظواهر عربی خود را حفظ کرده اند ، زبان اصلی وزبان کشور قدیمی خود را کاملاً از دست داده اند .

پادشاه ایران است از قبیلۀ قاجاریه است و اغلب رؤسا و افسران عالی رتبه کشور نیز از همان قبیله هستند .

۲ - تعداد افراد کردی زبان ۹ قبیله و در حدود ۷۹,۰۰۰ نفر است . کریم خان معروف از این گروه است و قبیلۀ زند که قبیلۀ مخصوص کریم خان بود پس از سرنوشت رقت یار لطفعلی خان بکلی از بین برده شد و محدودی که جان سلامت بردند چون مورد خشم سلسلۀ قاجاریه قرار گرفتند در داخل ایران خود را پنهان کردند یا از کشور خارج شدند .

۳ - کسانی که بزبان لری حرف میزنند شش قبیله و ۸۴۵۰۰ نفر هستند . قبائل فائیلی و بختیاری از این گروهند . بهترین افراد پیاده قشون از بختیاریها هستند ولی چون مانند قبائل دیگر در نواحی کوهستانی مرزی بین ایران و ترکیه زندگی میکنند استقلال خود را حفظ کرده و به هیچیک از دو دولت سر اطاعت تسلیم نمی نمایند

۴ - زبان عربی . متکلمان با این زبان از نژاد عرب هستند . در اثر طول زمان و سکونت ممتد در یک کشور خارجی زبان اصلی اجداد خود را تا حدی از دست داده و عربی ناقص که مخلوط با کلمات و لغات فارسی است سخن میگویند ، این عده شامل ۸ قبیله و ۹۳۵۰۰ نفرند .

۱۸۴۳ - پریچارد (ص - ۱۷۱) مینویسد : « تاجیکهای معاصر ایرانیان اصلی هستند و ترکها آنها را قزلباش مینامند . اینان مردمی زیبا هستند که صورت بیضی شکل و ابروان سیاه و چشمان مشکی دارند ...

« در کشورهای مجاور و هم مرز ایران - مردمانی از نژاد های مختلف ساکنند که ایرانی نیستند ولی از هر قوم دیگر آسیا ب مردم ایران نزدیکترند و بعقیده من باید آنها را از نژاد آریان دانست . اینها عبارتند از افغانه و بلوچها و براهوئیها و هایکانها یا آرامنه و استیها .

« قسمت عمده ایرانیان مردم بسادیه نشین اشغال کرده اند که اغلب در حرکتند و با کمک غلامان و خدمه خود زراعت میکنند . . . اغلب آنها از نژاد ایرانی نیستند . بعضی ترکند و بعضی به مغول و افغانه تعلق دارند در حالیکه اصل و نژاد برخی قابل تعیین نیست . شهرها و نواحی مجاور محل سکونت ایرانیان اصلی است که در همه جا آنها را تاجیک خطاب میکنند و نه ایرانی . تاجیکها در

اشارات تاریخی درباره مردم ایران - ۵۱

واقع قوم معروف و مشخصی هستند که در سراسر مشرق زمین پراکنده اند و نه تنها در شهرهای ایران بلکه در شهرهای ماورالنهر و همه نواحی تحت تسلط ازبکها سکنی دارند . بعضی ادعا دارند که این مردم تاورزهای چین و یا الاقل تا نزدیکی تبت گسترده شده اند .

در ۱۸۴۳ وسترگارد Westergaard برای اثبات و تأیید گفته هرودت مبنی بر اینکه جمجمه ایرانیان سرد است و زود میشکند داخل دخمه‌ای نزدیک یزد شد و آزمایشهایی بعمل آورد و بهمان نتیجه رسید که هرودت گفته بود ولی دوخانیگف در این باره با دو نویسنده فوق موافقت ندارد (ص - ۶۴) .

۱۸۴۶ - لایارد Layard (ص - ۷) معتقد است که بندونیاها که یکی از طوایف کوچکتر بختیاریها هستند از بومیان اولیه محل میباشند و روایت براینست که این طایفه به بختیاریها که از سوریه با ایران مهاجرت کردند ملحق شدند .

طایفه دینارونی یکی دیگر از انشعابات بختیاری از اصفهان آمدند . طایفه گندوزلو از قبيله ترك افشارند که در زمان صفویه یا حتی قبل از آن جدا شدند . جانکی گرمسیر و جانکی سردسیر نیز در اصل ترك هستند ... از آنجائیکه نه استخری و نه ابن حوقل و نه حتی یاقوت ... نامی از بختیاری نبرده اند احتمال قوی میرود که مهاجرت آنان با ایران بعد از قرن سیزدهم شاید در زمان تیمور صورت گرفته باشد .

۱۸۵۸ - رتزیوس Retzius (ص ۱۱۲) در میان مردم واقوام آسیا از وجود دو شکل سر ناممیزد و در صورت مردمان درازسر dolichocephals آسیا يك طبقه را که از هندوها و ایرانیهای آریائی و اعراب و یهودیها تشکیل شده ذکر میکند و این چهار دسته در عین حال دارای فك صاف میباشند (orthognathous) .

۱۸۶۳ - دو هوسه Duhousset (ص ۲۳-۲۴) که يك نوع را در سلطانیه مورد مطالعه قرار داده مینویسد : «مردان قد متوسط دارند خیلی قوی هستند و قدرت تحمل خستگی زیاد دارند . پوست آنها قهوه و موی آنها مشکی و مجعد و

۱ در نامه‌ای از پرفسور وسترگارد به دکتر ویلسون که در ۱۸۴۳ نوشته

شده و در نشریه انجمن آسیائی بریتانیای کبیر و ایرلند چاپ لندن مورخ ۱۸۴۶ مجلد ۸ ص ۳۵۰ منتشر شده است. نقل از خانیگف ص - ۶۴ .

دارای چشمان کوچک میباشد که زیر ابروان سنگین قرار گرفته، بینی آنها بزرگ و عقابی و لب آنها فرورفته است. فك آنها مربع شکل و بزرگ و گونه برجسته دارند. قیافه آنان سبب و گردن آنها باریک است. جمجمه آنان دارای خصوصیات غیر معمولی است بطوریکه آنها از نوع جمجمه آریائی ها جدا میکند زیرا پیشانی فرورفته و قسمت عقب سر برجسته است. طول سر یک جمجمه ۱۸۰ بود ولی وقتی ۳ میلیمتر بالاتر اندازه گیری شد فقط به ۱۵۰ میرسید. محیط پایه بین ۵۶۰ و ۵۷۰ میلیمتر است و قطر بین دالانهای سمی بن ۳۲۰ و ۳۴۰ است و ارتفاع سرازحد فوقانی دالان سمی ۱۱۰ میلیمتر میباشد. e.

دوخانیکیف این ارقام را با ارقام ضمیمه کتاب خود (ص ۱۲۷ - ۱۴۰) مقایسه میکند (ص ۱۰۹) و اظهار میدارد که جمجمه بختیاری شباهت زیادی به جمجمه هائی دارد که وی تحت عنوان طهرانی جمع آوری کرده است و اضافه میکند که تردیدی نیست که جمجمه های تحت عنوان طهرانی نماینده جمجمه های ایرانی است که با اختلاط بانوع ترك تغییر یافته. همین امر در مورد جمجمه های بختیاری صدق میکند با این فرق که قطر عمودی بزرگ که تاحدی مصنوعی است نفوذ قوی سامی را نشان میدهد. طول سردارای خصوصیت ایرانی و عرض ترکی و ارتفاع سامی است. e.

دوخانیکیف میگوید که اوما لیوس دهالوی (Omalius d'Halloy) (ص ۳۶) نژاد ایرانی را به شعبه آرامائی نسبت داده و خصوصیات کلی آنها را بطریق زیر شرح میدهد: «مردمی که تحت نام شعبه آرامائی قرار میدهیم بطور کلی دارای موی سیاه و چشم سیاه است و رنگ پوست آنها بیشتر از پوست اروپائیان تحت تائه آفتاب واقع میشود. قیافه آنها دارای حالت وقد آنها متوسط است. .

دوخانیکیف خاطر نشان میسازد که از طرف دیگر پرتی (Perty) (ص ۷۰) ایرانیان را در گروه آریائی قرار میدهد که دارای خصوصیات زیر میباشد: «سر بیضی شکل - پیشانی پهن - بینی برجسته - گونه های نسبتاً برجسته - چشمان افقی اغلب آبی - موی طلائی یا قهوهه یا سیاه و ریش انبوه. . پرتی اضافه میکند (ص ۸۲ - ۸۳) «ایرانیان یا تاجیکها جمعیتی را تشکیل میدهند که در آسیا پراکنده است. فلات ایران رانا رود سند اشغال کرده اند و حتی در توران و در سمت غربی آسیای مرکزی دیده میشوند. در روسیه و سیبری نیز کلنی هائی تشکیل داده اند. e.

اشارات تاریخی درباره مردم ایران - ۵۳

۱۸۶۶ - اینجانب قطعاتی از یادداشت در باره مردم شناسی ایران ، تألیف نیکلادو خانیکف که در ۱۸۵۸ تحت ریاست هیئتی بایران مسافرت کرد انتخاب و ترجمه کرده ام که در زیر از نظر خوانندگان میگذرد :

«میدانیم که نقطه اوج دنیای باستان یعنی هیمالیا که رودخانه های حیات بخش چهار رکن قاره آسیا از آن سرچشمه میگیرد چهار قوم مختلف را نیز از هم جدا میگرد که عبارت بودند از چینی ها در سمت مشرق و تورانیان در سمت شمال و هندیها در سمت جنوب و ایرانیان در سمت مغرب و نیز میدانیم که سنن باستانی هر یک از این اقوام از آسیای مرکزی آغاز گردیده واصل و منشأ مشترك آریانه های ایران و هندوها مورد قبول همه دانشمندان است (ص ۳۵) .

« برای اثبات اینکه قوم ایرانی در تاریخ نسبتاً دیرتری بسمت مغرب رسیدند توجه خوانندگان را باین نکته جلب میکنم (ص ۴۳) که در فصل آفرینش کتاب مقدس (X-۱-۳۱) در صورت اقوامی که بنی اسرائیل با آنها آشنا بودند ذکر از ایرانیان نشده است . تنها قوم ایرانی که نامی از آنها در کتاب مقدس برده شده مادیها میباشد. ۱۴

دو خانیکف در اثر تحقیقات دوهوسه در مورد اندازه گیری سر و جمجمه اظهار نظر نموده و ارقام دوهوسه را نقل کرده است . در جدول زیر اندازه گیری سر عناصر مختلف اقوام ایرانی داده شده است و این ارقام از صفحات ۵۹ و ۶۳ کتاب دو خانیکف نقل شده است .

نام قوم	شماره	طول پشانی ثابت سر	حد اکثر عرض	بلندی سر	شاخص سر	محیط سر
گبر	۳	۱۹۸	۱۳۹	۱۰۴	۷۰/۲	۵۵۵
هندو	۸	۱۹۶	۱۴۶	۱۰۰	۷۴/۵	۵۶۵
افغان	۷	۱۸۹	۱۴۴	۱۰۳	۷۶/۲	۵۵۹
گیلانی و مازندرانی	۵	۱۸۳	۱۵۴	۱۰۶	۸۴/۲	۵۵۸
کرد	۵	۱۸۲	۱۵۷	۱۰۱	۸۶/۳	۵۶۰

۱۰ ارتباط نزدیک بین مادیها و پارسیها از نزدیکی دائمی بین آنان آشکار بود (مراجعه شود به دانیال فصل ۵ آیه ۲۸ - فصل ۶ آیه ۸ و ۱۲ و ۱۵ - کتاب استر فصل ۱ آیه ۱۴ و ۱۹ و فصل ۱۰ آیه ۲ و مقایسه شود با هرودت ۱۰۲ I و ۱۳۰ . همچنین مراجعه شود به کتاب رالینسون جلد ۲ ص ۳۰۶ ذیل صفحه) .

نام قوم	شماره	طول پیشانی لایشت سر	حداکثر عرض بلندگوسر	شاخص سر محیط سر
بختیاری	۴	۱۸۱	۱۶۴	۹۰/۶
سامی	-	۱۷۵	۱۳۷	۷۸/۳
تورانی	-	۱۹۳	۱۵۳	۷۹/۳

در جدول فوق شاخص سر بوسیله نویسنده محاسبه و داده شده است .

دوخانیکیف نوع شکل سر ایرانی را بطریق زیر توصیف میکند: «ظرفیت جمجمه نسبتاً زیاد - طول تقریباً یک برابر و نیم عرض - بلندی آن کمتر از سامی ولی بیشتر از تورانی - استخوان پیشانی کم رشد - خطوط نیمه دایره گویجگاه کاملاً جدا - جمجمه از بالا نسبتاً صاف و قسمت عقب سر خیلی صاف .»

دوخانیکیف (ص ۷۰) جدول زیر را از کتاب پروئر - بی (Pruner-Bey) برای نشان دادن شکل سراقوام سامی نقل میکند .

محل	نام قوم	شماره جنس	طول پیشانی لایشت سر	حداکثر عرض شاخص سر	شاخص سر
افریقا	عرب	۱۱ م	۱۷۸	۱۳۵/۲	۷۶
افریقا	عرب	۳ ز	۱۷۶/۵	۱۳۴	۷۵/۹
افریقا	یهودی	۳ م	۱۷۵/۳	۱۳۱/۶	۷۵/۱
افریقا	یهودی	۲ ز	۱۷۰	۱۳۲	۷۷/۷
هندوستان	سامی	۴ م	۱۸۱/۷	۱۳۴/۲	۷۳/۹
اهالی فنیقیه و اتروریا		۷ م	۱۸۸/۴	۱۴۳	۷۵/۹

در جدول فوق ارقام مربوط به شاخص سر توسط نویسنده محاسبه شده

است

دوخانیکیف در موزه تاریخ طبیعی پاریس جمجمه ده عرب و یهودی را اندازه گرفت و به نتیجه زیر رسید (ص ۷۱) .

شماره	افراد	طول پیشانی لایشت سر	حداکثر عرض	طول سر	شاخص سر
۱	مارابوت کبیل - الجزیره	۱۸۴۱	۱۷۶	۱۳۴	۱۲۶
۲	یهودی - قبل از قرن ۱۲ - پاریس	۱۷۱	۱۴۵	۱۰۳	۸۴/۱
۳	یهودی - قبل از قرن ۱۲ - پاریس	۱۶۹	۱۵۰	۱۱۰	۸۸/۸
۴	عرب - تلمسن - الجزیره شماره ۲۲۳	۱۹۱	۱۳۷	۱۲۶	۷۱/۷

اشارات تاریخی درباره مردم ایران-۵۵

شماره	افراد	طول بین پیشانی	حداکثر	طول شاخص محیط	سر	سر	سر
۵	عرب- بن- الجزیره شماره ۲۲۷	۱۶۸	۱۳۸	۱۴۱	۸۳/۱	۴۹۴	
۶	موزابیت (موزرب) شماره ۲۶۵	۱۸۸	۱۴۵	۱۱۲	۷۷/۱	۵۳۰	
۷	عرب- صحرا- شماره ۲۴۱	۱۷۰	۱۲۴	۱۴۰	۷۲/۹	۴۸۰	
۸	عرب- صحرا- ۱۸۴۱ شماره ۲۵۹	۱۸۱	۱۳۲	۱۳۵	۷۲/۹	۵۰۵	
۹	عرب- بلیده- الجزیره ۴ شماره ۲۳۸	۱۶۶	۱۳۳	۱۲۹	۸۰/۱	۴۷۹	
۱۰	عرب- بلیده- الجزیره ۴ شماره ۳۰۳	۱۷۵	۱۲۷	۱۱۷	۷۲/۶	۴۹۱	
	معدل	۱۷۵	۱۳۷	۱۲۶	۷۸/۳	۵۰۰	

در جدول فوق ارقام مربوط بشاخص سر توسط نویسنده محاسبه شده

است .

دوخانیکیف (ص ۷۱) باین نتیجه میرسد که جمجمه سامی در مقام مقایسه با جمجمه ایرانی ظاهراً دارای ظرفیت کمتر و از لحاظ طول و عرض کوچکتر ولی از لحاظ بلندی بزرگتر است. وی اضافه میکند که گلیدون (Gliddon) به جمجمه‌ای اشاره میکند که توسط لایارد^۱ از تلی در بابل بدست آمد و دارای اندازه‌های زیر است : طول بین پیشانی تا پشت سر ۱۹۷ - حد اکثر عرض ۱۳۷ - بلندی سر ۱۳۳ - شاخص سر ۶۹/۵ .

دوخانیکیف بنا بر این اظهار می‌دارد که :

- ۱ - مهد نژاد ایرانی میبایست در مشرق ایران باشد .
- ۲ - تازمان حاضر بین جمعیت و مردم شرقی و غربی امپراطوری اختلاف مشخص وجود دارد .
- ۳ - این اختلاف مدت متمادی احساس شده و اثر آن در مدارك باستانی

۱ . در کتاب «انواع بشر» ص ۴۲۶-۴۲۷ از روی تصویر ترسیمی که دويس J.B.Davis یکی از مؤلفین کتاب «نوع سراهالی بریتانیا» فرستاده بوده است ... گلیدون اضافه می‌کند که در مجموعه بزرگ مصری مورتن فقط دو جمجمه دارای اندازه‌های مشابه وجود دارد که تحت نام پلاشریان Pelasgian ثبت شده است (دوخانیکیف ص ۷۱-۷۲)

مربوط به مردم‌شناسی وجود دارد پس از اذعان به نفوذ تصرف بین‌النهرین (هراق) توسط ایرانیان دوخانیکف اظهار میدارد (ص ۷۴ - ۷۶) که از زمان هخامنشی بپسند ایران تحت سلطه اقوام زیر بوده است :

سال	قوم	سال	قوم
۴۲۵	ایرانی	۱۵۰۰	آرامی و سامی
۴۰۰	سامی	۲۰۰	یونانی و سامی
۶۰۰	تورانی		یونانی و سامی
۲۲۰	ارمنی و گرجی	۵۰۰	آرامی و تورانی

در مورد تاجیکها دوخانیکف مینویسد (ص ۷۷) که این نام یکی از گروههاییست که در ایالات شرقی ایران سکنی داشتند و این نام هرگز درست مغرب‌کشور بکار نرفته است بلکه به یک طبقه از اهالی ساکن حراسان شرقی و هرات در افغانستان اطلاق شده است. بعدها بهر کس که از خون و نژاد ایرانی بود و در سواحل سیحون و ماوراء آن زندگی میکرد اطلاق گردید. مردمان باختر... شکل مختصرتری از آنرا بکار برده‌اند... در شمال غربی ایران مردم بومی را که تحت استیلای ترکان درآمدند تات خواندند. اولین نویسنده اروپائی که کلمه تات را بکار برده پیتر و دلاواله است (جلد دوم ص ۴۶۸ - ۴۶۹ ترجمه فرانسه مورخ ۱۶۶۳).

در مورد کلمه تاجیک نظریات مختلف وجود دارد و دو-اینیلف میگوید (ص ۷۸) که این نام از کلمه تاج فارسی مشتق است ولی در متون باستانی یا کتیبه‌های هخامنشی دیده نمیشود. بعضی از منابع که دوخانیکف نقل کرده (ص ۸۷) سعی کرده‌اند در لغت هزارش تازی که فارسی جدید آن نازی است مترادفی برای کلمه تاجیک بیابند در حالیکه دلیلی وجود ندارد که کلمه ناز و مشتقات آن از قبیل تاجیک و تاجدار و تاجور که جدیدتر از کلماتی مانند ناز و نازی و ناریانه و غیره است با هم اشتباه شوند. وی اضافه میکند که پروان زردست تاج را مانند سلیب مسیحیان یا عامه مسلمان علامتی میدانستند که آنرا از زپروان مذاهب دیگر مشخص میکردند. دوخانیکف (ص ۸۷ - ۸۸) میگوید وود (Wood) معتقد است که تاجیکها ایرانی هستند سپس قطعه‌ای از نوشته وی (ص ۲۵۹) نقل میکنند که بقرار زیر است: «ولی خود تاجیکها عربستان و ناحیه بغداد را موطن اصلی

اجداد خود می‌دانند، و چون این مورد قبول عده زیادی است سزاوار توجه و تحقیق میباشد. میگویند نام آنها از کلمه تاج که زینت سراسر گرفته شده و وجه تسمیه آن آنست که اجداد آنان منهم بودند به آنکه این علامت سلطنت را از سر محمد برداشتند. ولی عده آنان زیاد تر از آنست که بتوان آنها را اولاد جنگجویان عرب که در قرن اول هجری این قسمت آسیا را مسخر کردند دانست.

دوخانیکیف درباره این قطعه نقل شده اظهار نظر میکند (ص ۸۸-۸۹) و میگوید: «در بیست و پنج سال آخر قرن اول هجری ظلم و جور که بوسیله حجاج با اولاد پیغمبر وارد میشد عده زیادی از سادات کوفه و بغداد و بصره و غیره را مجبور کرد که بیاورند پناه بیاورند این آوارگان با تاجیکها آمیزش کردند و مخلوط شدند بقرار نوشته میسون (Masson) (جلد اول - ص ۲۱۷) و تاجیکهای باجر خود را از اولاد قهرمانان عصر کیانیان میدانند.»

بمسلاوه (ص ۹۳ - ۹۴) بموجب گفته مونتستوارت الینستون Mountstuart Elphinstone (فصل ۱۲) که در سال ۱۸۰۹ با مقام سفیری به پیشاور رفت: «تاجیکها یک قوم و ملت واحد نیستند. . . در قسمتهای مجزا در ناحیه بزرگی در آسیا پراکنده هستند. . . ساکنین شهر نشین ایران نیز تاجیک نامیده می‌شوند تا از فاتحین تاتار آن کشور و همچنین از افراد بادیه نشین و عشایر که در اصل ایرانی نژادند مشخص باشند. حتی در ترکستان چین نیز یافت میشوند. . .» از اینجا بیعد الینستون به بحث در باره تاجیکهای افغانستان میپردازد.

خود دوخانیکیف تاجیکها را بدین طریق توصیف میکند (ص ۱۰۳-۱۰۵):

قد بلند و چشم و موی مشکی - سر دراز مانند سر ایرانیان ولی استخوان پیشانی بین خطوط نیمه دایره گیجگاهها بزرگتر است و بهمین جهت صورت آنها از صورت ایرانیان سمت مغرب بیضی شکل تراست. بینی و دهان و چشم مشخص است ولی بینی آنها منحنی نیست. شکل آن معمولاً صاف و برجسته تر از بینی نژاد مغول است ولی به برجستگی ایرانیان سمت مغرب نیست. . . مقدار موی سر شبیه ایرانیان است و نه تنها ریش انبوه دارند بلکه سینه و بازوان آنها از مو پوشیده است. اسکت مردم تاجیک ضخمتر و بزرگتر از اسکت ایرانیان است و در افراد زنده ظاهر درشتی نشان میدهد. . . گبرها که تقریباً کاملاً شبیه تاجیکها هستند یک

اختلاف با آنها دارند و آن اینکه در میان آنان بینی عقابی شکل نادر نیست . . . حد متوسط قد ۱۴۰۰ - ۱۵۰۰ در میان هندوها و افغانها و ایرانیهای مغرب و مرکز کشور عادی و معمولی تر است از ۱۷۰۰ و ۱۶۰۰ که توسط وود Wood در واخان ثبت گردیده است .

«از میان ۸۷۰، ۱۴ نفر که در سال ۱۸۵۷ از سرکنسولگری روسیه در تبریز تقاضای روادید نمودند بیش از ۷۵ درصد مردم دارای چشم مشکی و قد متوسط یعنی ۱۳۰۰ - ۱۵۰۰ بودند . جمجمه در ناحیه برجسته جلو باریکتر میشود . صورت بیضی شکل دراز تر و چشم ها درشت تر و خوش تر کیب تر و مؤه ها درازتر است . گوش کوچکتر است و همچنین است دهان و پا . در واقع مانند زمان هرودت همه اقوام نژاد ایرانی پرموهستند . رنگه مومشکی است و در مقطع معمولاً بیضی شکل است . در ایران و افغانستان افراد زال Albino بندرت دیده میشود . در طی پانزده سال و سه مسافرت بایران نویسنده فقط دو یا سه نفر زال سفید پوست مشاهده کرد و میسون که سالها در افغانستان میزیست فقط بیک نفر اشاره میکند و آن زنی بود که بعنوان یک موجود عجیب اورانشان داده و میگفتند باید فرنگی یا اروپائی باشد . چنین است وضع کلی تغییراتی که در نوع افراد ایرانی نژاد بعمل آمده ولی این تغییرات بتدریج صورت گرفته است .

دو خانیکف ادامه داده می گوید (ص ، ۱۰۷-۱۰۸) : « بعد از تاجیکها و گبرها ساکنین ناحیه خراسان بیش از هر گروه دیگر خصایای اولیه و بدوی را حفظ کرده اند . « از لحاظ قد کوناوتر از تاجیکها هستند ولی - شوش سا- و باریکتر و ظریفتر از تاجیکها می باشند . « نفوذ نوع جمعیت مغرب ایران در خصائص جسمانی در مردم یزد و کرمان مشهود است ؛ بدن اینان باریک و جسمان بادامی بینی عقابی و برجسته و اغلب دارای صورت دراز و بیضی شکل میباشند . در سمت مغرب شیراز و اصفهان نفوذ نژاد سامی بخصوص در سر بیشتر مشاهده میشود ... »

« بطور کلی چشم کردها سیاه و درشت تر از چشم افغانهاست و مربعتر از ایرانیان غربی و تاجیکها و پشتوها میباشد . ولی در عین حال شباهت آنان به پشتوها جالب توجه است . « وی بعلاوه شباهت بن بلوچها و بختیاریها را متذکر می شود (ص ۱۰۸) .

دوخانیگف اظهار میدارد (ص ۱۱۰) که نسطوریها و کلدانیهای نزدیک ارومیه و سلماس و کوهستان سرچشمه رود زاب و بدون شك از اقوام سامی هستند که به لهجه قدیم آسوری صحبت میکنند. زبان آنها در اثر فقدان بعضی خصوصیات دستوری و دخول کلمات فارسی و ترکی و عربی و کردی تغییر یافته است. ، دوخانیگف سپس میگوید (ص ، ۱۱۱-۱۱۲) : «نسطوریها و کلدانیها يك قوم واحد هستند و نام اخیر پدیده جدید است و فرمان پاپ به آن قسمت از نسطوریها اطلاق شده که در قرن ۱۸ بوسیله مبلغین ژزویت بدین کاتولیک گردیدند . شکل جمجمه آنان بدون تردید سامی است بخصوص در میان قبائل دز ، جلو، بوسی، چوب و تیاریا که بیش از ساکنین دشتها محدود و منزوی زیسته اند . نفوذ نژاد ایرانی در آنها از چشمان درشت آنان آشکار است . چشم آنان مانند چشم ایرانیها خوش شکل است یعنی قطر عمودی آن تقریباً نصف قطر افقی آن است ولی از لحاظ فاصله بن دو چشم شبیه کردها هستند . برخلاف اغلب افراد سامی که چشمشان در کاسه سرفرو رفته چشم نسطوریها هم سطح افق چهره است .

بینی آنها معمولاً صاف و برجسته ولی کوتاه است . صورت آنها بیضی شکل و بزرگتر از صورت ایرانیان غرب کشور است . گردن آنها دراز و گوش و دست و پای آنان کوچک و ظریف است . این مردم دارای قد بلند و هیكلی متناسب و عضلات قوی هستند و از راه پیمائی خسته نمیشوند . رنگ مو و چشم آنها قهوه و روشن تر از رنگ ایرانیان است . از قراریکه شنیده ام در بین مردم کوهستانی افراد موبور و مو قرمز نیز یافت میشود . شباهت بین نسطوریها و ایرانیان در مدت زمان کوتاه صورت نگرفته بلکه سالها قبل از حمله مغول انجام یافته است .

و در شمال محل سکونت کردها و نسطوریها (ص ، ۱۱۲) يك قوم باستانی یعنی ارمنی ها زندگی میکنند که بدون هیچ تردید از نژاد ایرانی هستند . . . ولی در اثر رابطه و آمیزش طولانی با افراد نژاد سامی و ترك تغییراتی در آنها پیدا شده است. برای پیدا کردن نوع صحیح ارمنی باید مردم ساکن استرخان

۱ . بنظر اینجانب سه نام آخر مربوط بقبائل آسوری باز و تخومه و . . .

است . برای توصیف آسوریها رجوع شود به کتاب یزفل نبی فصل XXXI از آیه

را مطالعه کرد و اینها آوارگان و پناهندگان شمال خزر هستند که در قرن چهاردهم در زمان ابوسعید پادشاه سلسله هولاکو در ایران مهاجرت کردند. قد بلند و هیكل متناسب و متمایل به چاقی دارند. سر آنها محققاً شکل سر ایرانی و دراز است. چشمها درشت و سیاه و فرو رفته تر از چشم ایرانیان است. پیشانی آنها کوتاه و بینی آنها بدون استئنا برجسته و عقابی شکل و بزرگ است. صورت بیضی شکل آنها دراز تر از صورت ایرانیها است. گردن آنها دراز و باریک ولی دهان و دست و گوش و پای آنها معمولاً بزرگ و بکوچکی ایرانیان نیست.

در خاتمه دو خانیکف ملاحظات و مشاهدات خود را درباره مردم مازندران و تاتها و افغانها و اوستها برشته تحریر در آورده است.

مازندرانیها (ص ۱۱۶ - ۱۱۷) متعلق به نوع اصیل ایرانی هستند و دارای قد متوسط و موی مشکی و ژولیده و ریش انبوه که اغلب روی گونه تازیر چشم روئیده و چشمان سیاه و درشت و مژگان بلند و ابروان پرپشت میباشد. . . اغلب دارای بینی عقابی شکل و نوک تیز می باشند و دهان آنان کوچک و دندان سفید و مرتب دارند. مازندرانیها با اینکه مانند سایر ایرانیان قوی نیستند ولی برای پیمائی علاقه دارند.

دو خانیکف می گوید (ص ۱۱۴) احتمال مرود که تاتها در زمان ساسانیان از آذربایجان آورده شده باشند و بیش از هر گروه دیگر فامیل ایرانی تحت نفوذ ترکها قرار گرفته بودند و مدت پانزده قرن در میان آنها سکنی داشتند. تاتها دارای قد متوسط و صورت گرد و چشمان سیاه هستند که کوچکتر از چشم ایرانیها است. گردن آنها کوتاه و کلفت و بدن آنها قوی و متمایل به چاقی و دست و پای آنان نسبتاً کوچک و رنگه چهره آنها تاریک می باشد. موی آنها سیاه و پرپشت ولی به انبوهی موی ایرانیان و تاجیکها نیست.

دو خانیکف اظهار می دارد (ص ۵۵ - ۵۶) که اگر چه افغانها تحت نفوذ هندی و ایرانی واقع شده اند آنها را باید بین ترکمانها و مغول قرار داد زیرا نه تنها دارای سر کوتاه و پهن هستند (brachycephalic) بلکه فك آنها جلو تر از قسمت فوقانی صورت است (prognathous).

بالاخره دو خانیکف باین نتیجه میرسد (ص ۱۱۳ - ۱۱۴) که : قدری که بیشتر بطرف شمال برویم یعنی بحد شمال غربی ناحیه مسکونی اقوام ایرانی

اوستها زندگی میکنند. پس از قرنها ارتباط و تماس با لزگیها و داشتن خصوصیات مشابه با آنها از لحاظ چهره و قیافه تغییرات عمده در آنها بعمل آمده است. استهائیکه در دشت شمال قفقاز مستقر بودند بنظر میرسد نسبتاً زود نوع ایرانی بخود گرفتند و بخوبی مشاهده می شود که در نسل دوم بینی عقابی شکل در بین آنها نادر تر از بینی استهای دیگر است و بینی صاف تاجیکها در بین آنها دوباره ظاهر می شود. »

دوخانیکیف می گوید (ص ۱۱۳) « چون از زمان کودکی به تحمل سختی زندگی ناحیه کوهستانی عادت کرده اند قادرند که به آسانی از سخت ترین کوهها بالا روند ... بدون هیچ تردید محیطی که آنها را احاطه کرده تأثیر قابل ملاحظه در آنان داشته است. »

دوخانیکیف خاطر نشان میکند (ص ۱۱۳) « که در استها هیچ چیز که ارتباط آنان با ایرانیهای جنوب باشد دیده نمی شود. آنان قوی و چهارشانه و سنگین و اغلب دارای موی بور یا قرمز هستند. چشمان آنها کوچک و غالباً آبی است و بینی آنها عقابی و نوک تیز است. گوش و دست و پای آنها بزرگ است. معهداً خود را (ایرون) می نامند و در زبان آنها آثار مشهود از اصل زبان ایرانی دیده می شود. با اینکه معمولاً قد متوسط دارند افراد بلند قد و قوی هیکل در بین آنها نادر نیست. با اینکه طرز زندگی آنها معتدل است میتوانند بحد افراط بخورند و بنوشند حتی بمقادیری که برای افراد عادی خطرناک است. مردهای آنان بندرت خوشکل هستند ولی زنان آنها در زیبایی نظیر ندارند. همه گونه مشکلات و سختی را به آسانی تحمل میکنند. »

در ضمیمه کتاب (ص ۱۲۷ - ۱۴۰) دوخانیکیف مطالب و ارقام تطبیقی سودمندی نقل کرده که خلاصه آن در زیر داده میشود.

علائم اختصاری .

C.S. مجموعه هانتر - کالج پادشاهی جراحی انگلستان .

۱ + نویسنده در ماه سپتامبر ۱۹۳۴ در اردژونیکیدزه (ولادیقفاز سابق) در ناحیه چرکس اتحاد جماهیر شوروی ۱۰۷ مرد و ۵۰ زن را مورد آزمایش و اندازه گیری قرار داد . مطالب مربوطه را به ثبت رسانید . نتایج این مطالعه بزودی در یکی از انتشارات موزه فیلد چاپ خواهد شد.

موزه بریتانیا	B.M.
بیمارستان نتلی - سوئده پتون	N.
موزه تاریخ طبیعی پاریس	M.N.
مجموعه بلو من باخ - گوتینگن	Bl.
موزه آکادمی علوم سنت پترزبورگ (که اکنون انستیتوی مردم‌شناسی لنینگراد است)	P.

اندازه گیریهای ذیل از طرف دو خانیکف بعمل آمده که بعداً بوسیله شماره آنها

در جدول زیر مشخص میگردد :

- ۱ - طول سر
- ۲ - عرض سر
- ۳ - ارتفاع از سوراخ جمجمه محل دخول ستون فقرات تا نوک سر .
- ۴ - حد اکثر محیط افقی .
- ۵ - قوس وسطی طولی یا مسافت بین محل اتصال بینی تا مرز سوراخ جمجمه محل ستون فقرات .
- ۶ - قوس عمودی یا مسافت بین يك سوراخ گوش تا سوراخ دیگر که از دیواره وسط میگذرد .
- ۷ - نزدیکترین مسافت قوس بین خطوط نیم دایره دو گیجگاه .
- ۸ - ارتفاع قوس استخوان پیشانی .

این اندازه گیریها در مورد سی و هفت جمجمه بعمل آمد . فن بائر ؛ (Von Baer) پنج جمجمه افراد گبر را در موزه سنت پترزبورگ (لنینگراد فعلی) اندازه گیری کرد . دو خانیکف (ص ۱۳۱) مجموعه جمجمه‌های سامی موزه تاریخ طبیعی پاریس را که شامل جمجمه اعراب و یهودیهای شمال آفریقا در قرون وسطی است و در مجموعه‌های اروپائی نادر است در بین جداول خود آورده است .

سامی‌ها

۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۱۲۲	۱۰۴	۳۲۳	۳۵۹	۵۰۰	۱۲۶	۱۳۷	۱۷۵	M.N. در ۶ میانگین
۱۲۵	۱۰۱	۳۲۲	۳۷۲	۵۲۰	۱۳۷	۱۴۰	۱۸۶	B.M. در
۱۲۰	۱۱۰	۳۱۸	۳۶۷	۵۰۸	۱۳۷	۱۴۱	۱۸۳	C.S. شماره ۵۵۶۲

اشارات تاریخی درباره مردم ایران - ۶۳

دوخانیف معتقد است (ص . ۱۳۲) که جمجمه آسوری همان است که لایارد Layard در کاخ آسور باینپال پیدا کرده و گلیدون Gliddon در اندازه گیری آن اشتباه نموده زیرا از روی طرح آن اندازه گرفته است .

تورانیا								منبع
۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۱۳۸	۱۱۸	۲۴۱	۳۶۷	۵۱۴	۱۴۰	۱۵۰	۱۷۸	ترك آسیای C.S. شماره ۵۵۶۳
۱۲۹	۱۰۲	۳۰۹/۵	۳۶۴	۵۰۸	۱۴۳	۱۴۱	۱۸۱	ترك ادچاکف . Bl.
۱۲۹	۱۰۱	۳۴۴	۳۵۰	۴۸۲	۱۵۵	۱۴۳/۵	۱۶۳	ترك Bl.
۱۲۹	۱۰۵	۳۵۲	۳۶۸	۵۰۰	۱۵۳	۱۴۰	۱۷۵	ترك، ناصر معلول (ستچپ)
۱۱۸	۱۱۶	۳۲۶/۵	۳۴۱	۴۸۳	۱۴۳	۱۳۸	۱۶۵	ترك از قبرستان آتن . Bl.
۱۲۴	۹۹	۳۲۲	۳۵۱	۵۰۶	۱۴۵	۱۳۷	۱۷۰	فزان، فرقیز . Bl.
۱۲۷	۱۰۰	۳۲۹	۳۵۷	۵۲۹	۱۴۵	۱۵۲	۱۸۸	فزان، فرقیز . Bl.

وقبل از آنکه اندازه گیری جمجمه ایرانیان را بدهم باین نکته برخوردیم که در هیچ مجموعه اروپائی نمونه حقیقی جمجمه ایرانی وجود ندارد مگر ۵ جمجمه افراد گبر که اندازه های آنها ذیل نقل میکنیم (ص . ۱۳۲ - رجوع شود بجدول زیر) جلد اول زیر از کتاب دوخانیف نقل شده است (ص . ۱۳۳ - ۱۳۹)

گبر

(اندازه گیری توسط فن بائر در ۱۷۶۳ در موزه سنت پترزبورگ)

۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۱۳۷	۱۰۴	۲۶۵	۳۸۲	۵۲۴	۱۴۴	۱۲۹	۱۸۹	یزد
۱۳۲	۱۰۱	۳۴۵	۳۷۵	۵۱۴	۱۴۷	۱۳۵/۵	۱۷۷	یزد
۱۳۷	۹۶/۵	۳۴۵	۳۸۸	۵۳۰	۱۴۰	۱۲۹	۱۹۳	یزد
۱۱۶	۹۷/۵	۳۵۰	۳۷۸	۵۲۰	۱۴۵/۵	۱۲۹	۱۸۴	کرمان
۱۱۵	۱۰۰	۳۴۲	۳۷۷	۵۱۴	۱۳۹	۱۲۶	۱۸۵	کرمان

فن بائر در نامه بتاریخ اول اکتبر ۱۸۶۳ مینویسد : واندازه گیری شماره ۲ را کمی زیر دالان گوش گرفتم .

این محل همیشه حداکثر مسافت نیست . در اولین جمجمه از کرمان این مسافت در پشت سوراخ خیلی زیادتر است و حداقل ۱۳۳ میلیمتر است . . .

صورت بین جمجه‌های کرمان بر جسته‌تر است بطوریکه میتوان آنرا در ردیف جمجه‌های دارای فك پیش آمده قرار داد. در بین جمجه‌های یزد شماره ۱ و ۳ شبیه یکدیگرند ولی شماره ۲ بزرگتر و بلندتر و باریکتر است.

هندوها

(از هندوستان)

۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۱۲۰	۱۰۰	۳۱۲	۳۵۲	۴۷۴	۱۳۹	۱۲۹	۱۷۰	C.S. شماره: ۵۵۴۱
۱۲۰	۱۰۰	۳۰۰	۳۴۴	۴۶۶	۱۴۰	۱۲۷	۱۶۵	C.S. شماره: ۵۵۴۲
۱۳۷	۹۹	۳۴۳	۳۸۲	۵۲۱	۱۴۴	۱۴۷	۱۸۰	C.S. شماره: ۵۵۴۳ (شرقی)
۱۱۸	۱۰۸	۳۲۰	۳۴۵	۴۷۹	۱۳۶	۱۴۰	۱۶۳	C.S. شماره: ۵۵۴۴ (دختر)
۱۲۳	۱۰۳	۲۸۹	۳۶۱	۴۹۰	۱۳۹	۱۲۵	۱۸۰	N. شماره: ۲۲۳
۱۳۵	۱۰۳	۳۵۲	۳۹۵	۵۳۴	۱۴۰	۱۴۵	۱۸۷	N. جیلیووالی
۱۲۰	۱۰۳	۳۴۰	۳۲۲	۴۷۰	۱۴۵	۱۲۵	۱۶۷	N. شماره: ۲۳۴ (شرقی)
۱۲۷	۱۰۹	۳۱۰	۳۶۲	۵۰۰	۱۴۳	۱۳۲	۱۷۹	N. شماره: ۲۴۹ (پاریا)

افغانها

۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۱۲۰	۱۰۸	۳۱۶	۳۲۷	۴۸۳	۱۴۳	۱۳۴	۱۶۵	C.S. شماره: ۵۵۴۰
۱۲۷	۱۱۰	۳۰۸	۳۷۰	۵۰۰	۱۴۲	۱۳۷	۱۷۷	N. شماره: ۲۲۳، خلجی
۱۲۰	۱۱۸	۳۰۸	۳۵۱	۵۴۹	۱۳۷	۱۳۵	۱۷۵	N. شماره: ۲۲۴، خلجی
۱۲۹	۱۱۰	۳۲۰	۳۸۵	۵۵۵	۱۴۰	۱۳۸	۱۷۸	N. شماره: ۲۲۵، خلجی
۱۲۲	۱۰۰	۳۱۶	۳۳۹	۴۸۰	۱۲۹	۱۴۰	۱۶۵	N. شماره: ۲۳۵، ملا
۱۲۲	۱۲۲	۳۲۹	۳۷۰	۵۱۰	۱۴۵	۱۴۰	۱۸۲	N. شماره: ۲۲۹

گروه‌های مختلف

۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۱۲۴	۱۱۲	۳۲۰	۳۶۸	۵۱۰	۱۳۲	۱۳۰	۱۸۴	N. شماره: ۲۱۸، بلوچی
۱۱۸	۱۰۰	۲۹۷	۳۵۰	۵۰۷	۱۳۸	۱۲۷	۱۷۶	BI. (۶۷ ساله) ارمنی
۱۲۶	۱۰۲	۳۰۵	۳۶۷	۵۱۰	۱۳۳	۱۲۵	۱۸۷	S.C. شماره: ۵۵۵۹، مسلمان هار
۱۲۰	۱۱۰	۳۱۷	۳۴۹	۴۷۳	۱۳۶	۱۳۰	۱۶۹	C.S. شماره: ۵۵۶۰، مسلمان دغلی

اشارات تاریخی درباره مردم ایران-۶۵

میانگین نژادهای مختلف

۱۲۳	۱۰۰	۳۲۱	۳۶۶	۵۰۹/۳	۱۳۳/۳	۱۳۹/۳	۱۸۱/۳	
۱۲۷/۷	۱۰۵/۹	۳۳۲	۳۵۶/۱	۵۱۶	۱۳۶/۳	۱۴۳/۱	۱۷۴/۳	
۱۲۷/۴	۹۹/۸	۳۲۹/۴	۳۸۰	۵۲۰/۶	۱۴۳/۱	۱۳۹/۷	۱۸۵/۶	کیر
۱۲۵	۱۰۳/۷	۳۳۳/۲	۳۵۷/۹	۶۱۱/۷	۱۳۰/۷	۱۳۳/۸	۱۷۳/۹	هند
۱۲۳/۳	۱۱۱/۳	۳۱۶/۷	۳۵۸/۷	۵۱۲/۸	۱۳۹/۳	۱۳۷/۳	۱۷۳/۷	افغان

* در بین این سری يك جمعیه زن حساب شده است .
 دو خانیکف جدول اندازه گیری که توسط دو هوسه تهیه شده بود نقل میکند
 که در زیر از او اقتباس شده است و میانگین آن قبلا در صفحه ۴۹ نقل شده
 است .

قوم	سال	طول پیشانی تایشت سر	حداکثر طول بلندی سر	شاخص سر
هندو	مولتان	۲۲	۱۹۵	۷۶/۴
	دهلی	۴۰	۱۹۵	۷۱/۸
	مولتان	۲۰	۱۹۵	۷۶/۹
	لکنو	۴۰	۲۰۳	۷۳/۹
	لاهور	۳۵	۲۱۰	۶۸/۶
	پیشاور	۲۸	۱۹۷	۷۷/۷
افغان	حیدرآباد	۲۰	۱۷۹	۸۲/۱
	حیدرآباد	۴۰	۱۹۵	۶۹/۷
	کابل	۳۵	۱۸۵	۷۶/۲
	قندهار	۲۵	۱۹۱	۷۸/۵
	قندهار	۲۰	۱۸۲	۷۵/۳
	قندهار	۲۶	۱۹۰	۷۷/۹
	قندهار	۲۰	۱۸۵	۷۴/۱
قندهار	۳۵	۱۹۳	۷۶/۲	
کابل	۲۵	۱۹۵	۷۷/۹	

شماره سر	بلندی سر	حداکثر طول	طول پیشانی تا پشت سر	سال	منبع	قوم
۶۹/۷	۱۰۰	۱۳۸	۱۹۸	۳۵	یزد	گبر
۶۸	۱۰۳	۱۳۶	۲۰۰	۲۲	یزد	
۷۲/۸	۱۱۰	۱۴۲	۱۹۵	۳۰	یزد	
۸۶/۴	۱۰۲	۱۵۲	۱۷۶	۴۰	آمل (مازندران)	ایران (نواحی داخلی)
۸۶/۶	۱۱۰	۱۵۵	۱۷۵	۲۵	سوادکوه	
۷۷/۱	۱۱۰	۱۵۲	۱۹۷	۵۰	رشت	
۸۲/۵	۱۰۷	۱۵۱	۱۸۳	۴۵	استرآباد	
۸۷/۹	۱۰۹	۱۶۰	۱۸۲	۳۰	خرم‌آباد	
۸۹/۲	۱۰۵	۱۶۵	۱۸۵	۷۰	ارومیه	
۸۰/۸	۹۸	۱۵۶	۱۹۳	۳۱	ساوجبلاغ	
۹۳/۶	۱۰۳	۱۶۰	۱۷۱	۲۰	کردستان (ایران)	کرد
۸۹/۷	۱۰۳	۱۵۷	۱۷۵	۴۰	ساوجبلاغ	
۷۹/۸	۹۴	۱۵۰	۱۸۸	۲۰	سلطان‌آباد	
۸۸/۲	۱۱۰	۱۵۰	۱۷۰	۰۰	شوشتر	بختیاری
۹۲/۲	۱۰۰	۱۶۵	۱۷۹	۰۰	بختیاری	
۹۱/۷	۱۰۰	۱۶۵	۱۸۰	۳۰	زردکوه	
۸۴/۵	۱۱۰	۱۶۳	۱۹۳	۰۰	لرستان	
۸۱/۱	۱۰۹	۱۵۴	۱۹۰	۰۰	تهران	تهرانی
۸۲	۱۲۸	۱۶۴	۲۰۰	۰۰	تهران	
۸۲/۹	۱۰۱	۱۵۵	۱۸۷	۵۶	کوکلان	کوکلان
۸۴/۵	۱۱۳	۱۶۹	۲۰۰	۳۰	کوکلان	
۷۹/۲	۱۱۰	۱۵۲	۱۹۲	۰۰	ترکمن (خیوه)	ترك
۷۲/۱	۱۱۶	۱۴۲	۱۹۷	۵۰	خوی	
۸۱/۳	۱۱۶	۱۵۲	۱۸۷	۲۵	خوی	
۷۴/۷	۹۰	۱۴۵	۱۹۴	۶۰	مرند	

در جدول فوق ارقام مربوط به شاخص سر توسط نویسنده محاسبه شده

است ها (زنده)

سن	قد	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۸
۲۴	۱۸۸	۱۵۴	۱۴۶	۵۷۶	۳۹۰	۳۷۹	۱۲۹/۵
۳۹	۱۶۳۴	۱۷۸	۱۶۲	۱۴۱	۵۶۰	۳۲۷/۵	۳۷۱	۱۲۵
۳۵	۱۵۵۶	۲۰۱	۱۵۵	۱۳۵	۵۸۸	۳۵۴	۳۷۴	۱۲۱
۲۴	۱۸۵	۱۵۹	۱۵۴	۵۷۰	۳۶۲	۳۹۴	۱۲۹
میانگین	۱۸۸	۱۵۷/۵	۱۴۴	۵۷۳/۵	۳۵۸/۴	۳۷۹/۵	۱۲۶/۱	

دبطورکلی يك فرد است دارای سردراز و پشت سرصاف است . پیشانی او برجسته و ناحیه پشت سر بزرگ و صاف است بطوریکه وقتی از نیمرخ مشاهده شود محیط مرعی این نوع سرها بشکل متوازی الاضلاعهای دراز جلوه میکند .
 ۱۸۷۵ - ابری - مکسی Aberigh - Mackay (یادداشت ص ۱۶)
 ترکمنها را بدین طریق توصیف میکند «قومی از نژاد ترك که در قرن ۱۱ و ۱۲ بخارا را تسخیر کرده و در سمت مغرب دریای خزر بارمنستان و گرجستان و شیروان و داغستان دست یافتند. زندگی بادیه نشینی دارند و قسمت عمده جمعیت این نواحی را تشکیل می دهند و آنها را تراکمه و ترکمن و قزلباش میخوانند . ایرانیان وجه تسمیه ترکمان را بدین طریق شرح میدهند و میگویند که قبائل ترك در موقع حمله بخراسان با زنان آن سامان ازدواج کردند و اولاد آنان ترکمان یعنی مسانند ترك نامیده شدند . این وجه تسمیه ظاهراً موجه نادرست و متناقض بنظر میرسد زیرا عده زیادی از افراد این قوم که ترکی حرف میزنند و در آن سمت جیحون باقی مانده اند خود را ترکمن میخوانند . بعقیده من این نام از کلمه ترك و کومن ترکیب یافته و بآن قسمت از قوم کومن که در سمت شرقی دریای خزر تحت استیلای ترکان آلتای باقی ماندند اطلاق شده است . يك قسمت مستقل دیگر آمده و در سمت غربی دریای خزر و در سمت شمال دریای آزوف استقرار یافتند و بعد ها بسوی مجارستان رانندند . از بکها (که بنام یکی از خوانین خود خوانده شده اند) عده ای از قبائل ترك منول و شاید از نژاد فنیک باشند که بشکل يك قوم در آمدند ولی تفوق ترکها زیاد تر بود . از بکها که اکنون ماورالنهر را در تصرف دارند و ترکمنها چه در سواحل سیحون و چه در

آسیای صغیر و قبائل بادیه نشین شمال ایران و ترکان عثمانی همه ترك هستند و نیز قسمت عمده قشون تیمور ترك بودند . . . بین تركمنها و ازبکها من فقط اختلاف قبیله می بینم و لا غیر . از لحاظ نوع و شکل مشابه هستند . صورت صاف که در قسمت چانه نوك تیز و بزرگ است . ریش آنها زرد رنگ و کم پشت و نامنظم است . سر آنها اغلب برای بدن آنها که قوی و عضلانی است کوچک بنظر می آید . صورت آنها دارای دوسوراخ کوچک است که شکل آنها چشمان چینی را بخاطر می آورد . ولی يك اختلاف بین این دو وجود دارد و آن اینکه تركمنها بادیه نشین و ازبکها ده نشین هستند .

۱۸۸۰ - جرج رالینسون (جلد ۲ - ص ۳۰۷) خصوصیات کلی جسمانی نژاد باستانی آریان را از روی مجسمه های پادشاهان هخامنشی بطریق زیر شرح میدهد : «هیكلی بلند و خوش اندام و با وقار و قیافه خوشگل و جذاب که اغلب شبیه قیافه یونانی ها است . (دکتر پریچارد در تاریخ طبیعی بشر ص ۱۷۳ راجع باین نوع چنین اظهار عقیده می کند: «محیط مرعی صورت و قیافه در اینها کاملا یونانی نیست ولی باوقار و شریف است . اگر سیما و حالت صورت با روح قریحه نیست ولی خردمندانه و دارای نشانه عقل و تفکر است . شکل سر کاملا هند و اروپائی و هیچگونه اثری از تاتار و منول در آن دیده نمیشود .) پپشانی صاف و بلند و بینی در همان خط و بلند و خوش ترکیب و گاهی عقابی شکل است . لب بالا کوتاه و اغلب با سیل پوشیده شده و چانه گرد و معمولا باریش پوشیده شده است . ظاهراً موی تن آنها فراوان بود و بان افتخار می کردند . . . از زنان ماد روی حجاریها نمونه ای دیده نمی شود ولی گزنفون میگوید که آنها بلند قد و زیبا بودند (III - ۲ - ۲۵) . طبق این گفته گزنفون دختر سیازار را که با ازدواج کورس کبیر در آمد از زنان زیبا بشمار می آورد . چنانکه پلوتارک (در زندگی اسکندر ص ۶۷۶) و امیانوس مارسلینوس (Ammianus Marcellinus) (xxiv - ۱۴) و دیگران از قبیل کوینتوس کرتیوس (Quintus Curtius) (III - ۱۱) و آریان Arrian نوشته اند همان خصایص در زنان فارسی مشهود بود .

رالینسون اظهار می دارد که « شاید کردها و لرهای امروزی از لحاظ خصوصیات جسمانی شبیه تر به مادیهای باستان باشند تا ساکنین لطیف فلات بزرگ . »

۱۸۸۰ - قطعاتی از نوشته بلیو H.W.Bellew در باره نژادهای ساکن افغانستان که در مورد اهالی ایران نیز صدق میکند ذیلا نقل میشود .
بلیو (ص ۱۳) می نویسد : « اقوام عمده که ساکنین افغانستان را تشکیل می دهند عبارتند از افغانها - پاتانها - قزاقها - تاجیکها و هزاره . بنبر از آنها اقوام کوچکتر دیگری نیز وجود دارند که عبارتند از چهار آیمک که در مرز غربی در حدود هرات ساکنند و از بکها که در سواحل جنوبی سیحون و کافرها که در نواحی جنوب کوه هندوکش سکنی دارند .»

وی ادامه داده (ص ۱۵-۱۶) و می گوید که « بموجب روایات این قوم (افغانها) را بخت النصر در موقعی که در سوریه سکنی داشتند با سارت درآورد و آنانرا در نقاط مختلف ماد و پارس پخش کرد . در ادوار بعد از این نقاط بسوی مشرق و نواحی کوهستانی گر مهاجرت کردند و در آن جا اقوام مجاور آنانرا «بنی افغان» و «بنی اسرائیل» می نامیدند . برای تأیید این نظریه گواهی عزرائیلی را نقل میکنیم که گفته است ده قبیله اسرائیل که با سارت برده شدند بعدها فرار کردند و به ناحیه ارسارت (Arsareth) پناه بردند . از قرار معلوم این محل با هزاره فعلی که گر قسمتی از آنست یکسان است . همچنین در طبقات ناصری که از کتب تاریخ است و شرح حمله چنگیز خان به تفصیل در آن شرح داده شده ذکر شده است که در زمان سلطنت سلسله بومی شنسای قومی بنام بنی اسرائیل در آن کشور سکنی داشتند و عده زیادی از آنان به تجارت و داد و ستد با کشورهای مجاور اشتغال داشتند .»

بلیو در شرح قبائل مختلفی که با مردم ایران ارتباط فرهنگی و مادی و معنوی داشتند مطالب زیر را در مورد مردم هزاره و سیستان و تاجیک و ترکمان و خلیجی ذکر میکند :

« این مردم (هزاره) (ص ۱۱۳-۱۱۴) با همه نژادهای دیگر افغانستان فرق دارند و قسمت بزرگی از مملکت را اشغال کرده اند که از یک سمت از مرز کابل و غزنه تا هرات و از نواحی مجاور قندهار تا بلخ امتداد دارد . در واقع کلیه ناحیه ای که در زمان باستان تشکیل کشور پاروپامیس (Paropamisus) را میداد در اختیار دارند و از تمام اقوام دیگر افغانستان مجزا هستند و تماس و ارتباط آنها فقط در نواحی مرزی است ... در مورد اصل و منشأ قوم هزاره تردیدی وجود ندارد

زیرا قیافه و خصوصیات دیگر میرساند که آنها از تاتارهای حمله مغول میباشند . ولی درباره تاریخ و زمان استقرار در این نواحی اطلاع کاملی وجود ندارد و خود آنان نیز روایاتی در این مورد ندارند . نامی که بآن شناخته میشوند هیچگونه مفتاحی نیست زیرا کلمه بومی نیست و از یک واژه خارجی مشتق است . نظر عمومی درباره کلمه هزاره اینست که از کلمه فارسی هزار میآید و همسایگان آنها این اسم را بر آنها گذاشتند باین جهت که در ربع اول قرن سیزدهم چنگیزخان واحد های مرکب از هزار نفر در نقاط مختلف این ناحیه مستقر کرد . گفته شده است که چنگیزخان ده واحد هزار نفره در اینجا استقرار داد که نه واحد در هزاره کابل و واحد دهم در هزاره پالکی در مشرق سند ماندند .

بلیو میگوید (ص ۱۰۹-۱۱۰) : «تاجیک‌هایا پارسیوانها قسمت عمده وعده زیادی از ساکنین افغانستان را تشکیل میدهند و از حیث زبان و حکومت داخلی و آداب و رسوم با افغانها فرق دارند . اینها نماینده و اولاد ساکنین ایرانی این کشور میباشند در حالیکه افغانها از اولاد ساکنین هندی افغانستان هستند . چنین بنظر میرسد که بهمان طرز که افغانها (که موطن اصلی آنان قندهار و دره های ارغنداب است) با مردم هند که تحت استیلای خود در آوردند آمیزش کرده و ازدواج نمودند و نام خود را بر نژاد مخلوط اطلاق کردند . اعراب نیز همین عمل را در مورد ایرانیان نمودند و نام خود را بر اولاد و اجداد مخلوط باقی گذاشتند . یعنی نامی که ایرانیان بآنها داده بودند . گفته شده است که کلمه تاجیک از کلمه و نام فارسی باستان که با اعراب داده شده بود . نویسندگان ایران باستان و دشمنان موروثی خود را در سمت شمال و جنوب ترك و تاز یا تاج میخواندند . باین ترتیب و دلیل است که کلمه تاز فقط با عربی که در ایران بودند اطلاق میشد و هر چه که مربوط بآنها و ناشی از آنها بود ایرانیان تازی و تازیک یا تاجی و تاجیکه میخواندند . در طول زمان این اصطلاحات محدود و مختص کلیه افراد و چیزهاییکه از اسل و نژاد عرب در ایران بودند گردید تا با کلیه چیزهای اصلی و بومی ایرانی مشخص باشد . يك فرد عرب که در ایران سکنی میکرد و با اهالی مملکت ازدواج نمی نمود در طی قرون نام و عنوان ملی خود را حفظ می کرد . ولی عربی که با مردم مملکت ازدواج میکرد ملیت خود را از دست میداد و در طی زمان از طرف ایرانیان تاجیک خوانده میشد . اسپ یا سگ عربی که بداخل کشور آورده میشد تازی

خوانده نمیشد بلکه عربی خطاب میشد ولی بچۀ آنها از مادیا ن یا سگ ماده ایرانی تازی نامیده میشد و نه عربی . ولی بعضی معتقدند که معنی این کلمه یعنی ایرانی و حتی میتوان تصور کرد که کلمه تاوچی (Taochi) چینی از همان کلمه تاجیک باشد . اگر چنین باشد و بنظر میرسد که مطلب اخیر صحیح است مطالب فوق را باید مردود دانست و کلمه تاجیک را نام باستانی و قدیمی روستائی یا زارع ایرانی دانست . این کلمه در حقیقت در اصل فارسی است و مختص و محدود بنواحی است که در قدیم تحت حاکمیت ایران بودند و بهمین جهت در هندوستان با این کلمه مواجه نمی شویم در حالیکه در ترکستان بکار برده میشود . تاجیکها در ناحیه بزرگی در افغانستان که ازهرات تا خیبر و از قندهار تا سیحون و حتی تا کاشغر امتداد است سکنی دارند و کلمه تاجیک در این ایام بطور کلی به همه مردم فارسی زبان آن کشور غیر از هزاره و افغان و سید اطلاق میشود . از جمله مردم نژادهای هندی در کوهپایه های جنوبی هندو کش که بدین اسلام گرائیده اند و علاوه بر زبان بومی خود بفارسی نیز سخن میگویند معمولاً تاجیک نامیده میشوند . ساکنین ایرانی بدخشان و دره های کوهستانی آن نیز تاجیک خوانده میشوند .

بلیو (ص ۱۷ - ۱۸) نمیتواند تصمیم بگیرد در چه دوره ای افغانهای گزر پیش آمده و در ناحیه قندهار که نام خود را بآن دادند مستقر گردیدند و میگوید : و از نوشته های مورخین اولیه دوره اسلامی چنین بنظر میرسد که در قرن اول هجری یعنی قرن هفتم و هشتم میلادی ایالت سیستان مقر سکونت یکی از اقوام هندی بود . در آن موقع حدود مرزی ایالت سیستان خیلی وسیعتر از حدود استان فعلی بود و سیستان آن زمان یا بنا بنوشته کتب بومی سجستان عبارت بود از همه نواحی بین رودخانه های ترناک و ارغسان و سلسله تپه های طوبا در سمت مشرق و به سلسله جبال نه بندان و دشت نومید در سمت مغرب و از دره های رودخانه های هیرمند و ارغنداب در سمت شمال و جبال خواجه عمران و صحرای بلوچستان در سمت جنوب . سیستان در حقیقت شامل نواحی بود که یونان قدیم در انگیانا (Drangiana) و اراکوسیا (Arachosia) می خواندند . ناحیه اولی بعد ها از روی کلمه ساکاسیتیان - (Saka Seythian) سجستان خوانده شد و ساگاسیت ها در قرن اول میلادی آنرا اشغال کردند و ناحیه دوم بعدها قندهار نامیده شد زیرا مردم موسوم به (گندهارا) در زمان بعد از حمله یونانیان آن محل را بتصرف خود در آوردند .

دکدام قوم هندی در موقع حمله اعراب این ناحیه را در اختیار داشتند مطلبی است که بعداً ذکر خواهد شد ولی واضح است که آنها یگانه ساکنین این مرز و بوم نبودند و با ایرانیان اصلی و مهاجرین دیگر قبائل نژاد سبت شریک بودند. و این ایالت که به تواتر سکستان و سجستان و ساجیستان و سیستان خوانده شده از نام قوم ساکا اخذ شده که با احتمال قوی همان قومی هستند که در الواح داریوش ساکاهامووارگا (رجوع شود به هرودت در کتاب رالبیثون) خوانده شده اند یعنی ساکای ساکن هاموکه از زمان باستان نام قسمت علیای رود سیحون یا آمودریا بوده است ...

و محتمل است که در طی لشکرکشی های مکرر اعراب از ایران به ناحیه سند انواع مختلف نژاد های جدید به ناحیه جنوبی کشور امروزی افغانستان آورده شدند و در توزیع و پخش ساکنین آن ناحیه تغییرات عمده بعمل آمد .
 بلیو (ص ۱۰۰) معتقد است که کلمه خلیج بمعنی شمشیر است و خلیجی یعنی شمشیر زن و طبق رسم ترک ها قبیله را در اثر یکی از خصائص فردی آن نام میگذارند مانند قزاق که معنی آن دزد و چرکس که معنی آن سرگردان و ازبک که معنی آن مستقل و قره کلپک که معنی آن کلاه سیاه و قزلباش که معنی آن موقرمر است . خلیجی یا قلیجی وقتی وارد گر شدند شاید فقط شامل طوایف ترک هوتک و توخی و اندر و ترکی و تولار و پولار بودند (دو طایفه آخری در حساب افغانها بشمار نیامده است) و بزور نیرو و سلاح در میان ساکنین مخلوط از یهودی و اسرائیلی و افغان و هندی و ایرانی برای خود جا باز کرده و در آن محل مستقر گردیدند .

بلیو متذکر میشود (ص ۹۷) که « قلجائی » (که جمع آن قلجی است) یا قلزائی قومی هستند کثیر و پراکنده که از جلال آباد در مشرق تا کلات قلجی در مغرب ساکنند و کوهپایه های سفید کوه و سلیمان کوه و گل کوه (مغرب غر نه) را نیز اشغال کرده اند .

بلیو میگوید (ص ۲۸) : « در اوائل قرن گذشته افغانستان که در آن زمان خراسان نامیده میشد (کلمه فارسی که بناحیه مشرقی ایران اطلاق میشود) بطور تساوی بین امپراطوری منول و امپراطوری ایران تقسیم شده بود یا به عبارت دیگر نزنه و کابل به منول و هرات و قندهار با ایران تعلق داشت . »

اشارات تاریخی درباره مردم ایران - ۷۳

۱۸۸۷ - هوسه (Houssay) در طی اقامت ۱۸ ماهه در ایران اطلاعات ذیقیمتی درباره اندازه گیری جمجمه افراد جمع آوری کرد (ص: ۱۰۱ - ۱۴۸). وی دو فصل زمستان در شوش و تابستانها را در راه بین شوش و تهران و شیراز صرف کرد و فرصت یافت مردم ایران را بدقت مشاهده کند و آنها را بگروههای زیر تقسیم نماید:

- ۱ - آریان : فارسها و لرها .
 - ۲ - مغول : ترکمنها و آذربایجانها .
 - ۳ - آریان و مغول : ارامنه - عجمیها - تاجیکها و ایلات .
 - ۴ - مغول و سامی : بختیارها .
 - ۵ - سامی : اعراب - سیدها - یهودیها .
 - ۶ - آریان و سیاه : اهالی جدید شوش .
- وی متذکر میشود که گبرها (زردشتیان) یک گروه مذهبی و نژاد مخلوط از تاجیک و عجمی هستند .

آریانها

(اندازه گیری پنج نفر از افراد بالغ لر مرد)

میانگین	۵	۴	۳	۲	۱	
۱۶۸۰	۱۷۱۰	۱۵۷۰	۱۶۷۰	۱۷۰۰	۱۷۵۰	قد
۱۹۳	۱۸۸	۲۰۰	۱۹۷	۱۹۰	۱۹۰	طول سر
۱۴۲	۱۳۵	۱۴۰	۱۴۷	۱۵۰	۱۴۰	عرض سر
۷۳/۶	۷۱/۸	۷۰	۷۴/۶	۷۸/۹	۷۳/۷	شاخص سر
۵۷	۶۰	۵۴	۶۳	۵۵	۵۵	ارتفاع بینی
۳۸	۴۰	۴۰	۳۵	۳۶	۴۰	عرض بینی
۶۶/۷	۶۶/۷	۷۴/۱	۵۵/۶	۶۵/۵	۷۲/۷	شاخص بینی

در جدول فوق (هوسی ، ص ۱۱۱) ارقام مربوط به شاخص سر و شاخص

بینی توسط نویسنده محاسبه شده است .

اطلاعات تطبیقی (ص ۱۱۰)

نام قوم	شاخص سر	نویسنده
لر (۵)	۷۳/۵۷	هوسی
		Houssay

اطلاعات تطبیقی (ص ۱۱۰)

نام قوم	شاخص سر	نویسنده
افغان	۷۶/۱۹	Duhousset دوهوسه
هندو	۷۴/۴۸	Duhousset دوهوسه
هندو	۷۲/۲۸	Quatrefage کاترفاژ
افغان	۷۳/۱۵	Quatrefage کاترفاژ
ایرانی	۸۴/۶۱	Ujfalvy اوژفالوی
تاجیک	۸۲/۳۱	l'jfalvy اوژفالوی
منول	۸۵/۴	
چودی	۸۴	
کلموک	۸۳/۸	

مغول

هوسی (Houssay) میگوید قبائل ترکمن اصیل در مازندران و گیلان سکنی دارند. ناحیه بین قم و خط بین اصفهان و آباده محل سکونت اهالی عراق عجم که مخلوطی از ترکمن و آریانه‌های مادی و پارسی هستند و خود را عجمی می‌نامند.

نام قوم	شاخص سر	نویسنده
ترکمن	۸۲	دو-ا-اپکف
مازندانی (۴)	۸۶/۳۱	دوهوسه
گوکلان (۲)	۸۱/۴۵	دوهوسه

آریان و مغول

۱ - عجمی: این گروه قسمت عمده جمعیت ایران را تشکیل میدهد و چون حدود آن از طهران تاده‌بید و از لرستان تا خراسان امتداد دارد ساکنین طهران و اصفهان و قم و قمشه (شاهرضای فعلی) متعلق باین گروه هستند.

قوم	شاخص سر	نویسنده
عجمی	۸۴/۶۱	دوهوسه
عجمی (۲، تهران)	۸۱/۵۴	دوهوسه

عده‌ای از ساکنین شهر قم (ص ۱۱۵) دارای استخوان پیشانی صاف میباشند.

موی سر خود را میزنند و معمولاً صورت خود بجز سبیل را میتراشند. بینی آنها نه مثل بینی لرها بزرگ و دراز است و نه مثل بینی فارسها عقابی و نه مثل بینی مغولها کوتاه و پهن است بلکه کوچک و ظریف است.

مردمهای بروجرد

شماره	قد	طول پیشانی تا پشت سر	حداکثر عرض	شاخص سر	بلندی بینی	عرض بینی	شاخص بینی
۱	۱۵۶	۱۸۰	۱۴۰	۷۷/۸	۵۷	۳۷	۶۴/۹
۲	۱۶۷	۱۹۰	۱۴۰	۷۳/۷	۵۹	۳۹	۶۶/۱

در جدول فوق شاخص سر و بینی توسط نویسنده محاسبه شده است.

۲ - تاجیک - تاجیکها در سمت شرقی ایران در خراسان و بین افغانستان و فارس زندگی میکنند و از حیث خصوصیات جسمانی شبیه عجمیها هستند.

۳ - ایلات - بموجب نوشته پولک (Polak) کلمه ایلات بهمه عشایر ایران اطلاق میشود. هوسی (ص ۱۱۹) با این وجه تسمیه موافقت ندارد و میگوید این کلمه توسط لرها و بختیاریها و عربها بکار برده نمی شود. ایلات در تابستان بسمت شمال یعنی اصفهان حرکت میکنند و در فصل زمستان بین ناحیه جنوبی فارس و خلیج فارس زندگی میکنند. بعضی از آنها ترك و بعضی عرب هستند و يك قبیله ممکن است شامل چند چادر یا چند هزار فامیل باشد. وی اضافه میکند که ظاهراً اینان از نژاد عرب هستند که در حال حاضر با مردم فارس مخلوط شده اند.

۴ - آرامنه - هوسی (ص ۱۲۰) در جلفای نزدیک اصفهان افراد آرامنه را که از اولاد آنهایی هستند که شاه عباس در ۱۶۰۵ بحوالی اصفهان کوچ داد مشاهده کرده است و درباره آنان میگوید که سر آنها با مقایسه با سر عجمیها کوتاه تر است. در جمجمه آنها قوس استخوانی گونه بزرگتر است (zygomatic arch) و قفسه سینه (Thorax) قوی و پهن است. بینی کوتاه و برجسته است. ساحص سر آنها طبق نظر شانتر (Chantre) (۱۸۸۳ - ص ۴۵) بین ۸۴ و ۸۶ است که آنها را از حیث درازی سر در ردیف ترکمنهای اصلی قرار میدهد.

مغول و سامی

طوایف بختیاری در ناحیه کوهستانی بین لرستان و فارس زندگی میکنند.

دوهوسه باین نتیجه رسیده است که اقوام بختیاری از امتزاج و اختلاط بین تورانیان و سیتها با مردم سامی نژاد بابل و آسور بوجود آمده اند . غیر از درازی سر دوهوسه یکی از مشخصات آنها را شکل قسمت عقب جمجمه میدانند که بطور عمودی به پشت گردن وصل میشود . وی میگوید : « این شکل کلی جمجمه بختیاریها را از مشاهده افرادی که در اردوگاه سلطانیه يك هنگ تشکیل میدادند بدست آورده ام . در این محل در سال ۱۸۵۹ بیست هزار نفر تحت فرماندهی افسری که من زیر نظر او بودم اجتماع کرده بودند . »

در این باره هوسی چنین اظهار نظر میکند (ص ۱۲۱) : « صافی پشت سر بدون تردید در اثر نقص مصنوعی است که در ایام کودکی بوجود میآید اگر چه خود من قادر بدیدن آن نبوده ام . ولی هر چه باشد نویسنده (یعنی دوهوسه) آنرا يك نوع خاص می داند و میگوید : « این شکل سردر هیچیک از نژادهای آسیای مرکزی دیده نمیشود ، ولی کفایت تصاویر ترسیمی که او از افراد بختیاری و ترکمن و آذربایجانی میدهد با هم مقایسه کرد تا تشخیص داد که در بین گروه آذربایجانی نیز این شکل وجود دارد . در اینصورت میتوان آنرا یکی از خصوصیات نژاد مفولی دانست . در سایر مکانها از جمله در آسیای مرکزی و سوریه این نقیصه مصنوعی است . »

هوسی (ص ۱۲۲) معتقد است که قبائل بختیاری يك گروه نژادی واحد نیستند و گفته لایارد را نقل می کند که میگوید قبائل مختلف دارای اصل نژادی واحد نیستند . طبق نظر لایارد قبيلة بندونی مخلوطی از اهالی سورینه و اهالی بومی است . دینارونیا در حدود سال ۱۸۳۰ از اصفهان به ملامیر آمدند . گندوزلوها از ترکان افشارند و جانکیها که بین ملامیر و رامهرمز زندگی میکنند نیز ترك هستند .

هوسی چنین ادامه میدهد (ص ۱۲۲ - ۱۲۶) : « احتمال میرود که در این ناحیه عناصر دیگر نیز وجود داشته باشد . . . سلسله جبال که محل و پناهگاه اجباری قبائل مختلف بوده مرکز اختلاط و امتزاج معتد قبائل آریائی و تورانی و سامی میباشد . بنظر میرسد که در بعضی نقاط عناصر تورانی تفوق داشته اند و در نقاط دیگر ابدأ وجود ندارند .

« ما دوازده روز در میان قبائل بختیاری مساندم ولی چون نتوانستیم

اطمینان خاطر آنها را جلب کنیم و بعلت وجود سوء ظن و مسرافه روزانه من نتوانستم بطور دلخواه وباندازه کافی اندازه گیری کنم . درمیدوید یکی از قبائل جانکی سببیت کمتری از خود نشان داد و من از موقعیت استفاده کرده و اندازه گیریهای زیر را بدست آوردم :

شماره	قد	طول بین پیشانی تا پشت سر	حداکثر عرض	شاخص سر	بلندی بینی	عرض بینی	شاخص بینی
۱	۱۷۰	۱۸۵	۱۶۰	۸۶/۵	۶۵	۴۲	۶۴/۶
۲	۱۷۵	۱۷۲	۱۴۵	۸۴/۳	۷۰	۴۳	۶۱/۴
۳	۱۷۰	۱۷۷	۱۴۲	۸۰/۲	۶۰	۳۲	۵۳/۳

درجدول فوق ارقام مربوط به شاخص سر و شاخص بینی توسط نویسنده

محاسبه شده است .

هومی خاطر نشان میکند (ص ۱۲۲) که این ارقام فقط در مورد افراد جانکی صدق میکند و نه درمورد همه بختیارها . مردان این قبیله که لایارد آنها را ترك نژاد دانسته برعکس دارای خصوصیات جسمانی لرها هستند و دارای همان قد بلند و بدن قوی و عضلانی و مووریش مجعد و براق خیلی بانند وخیالی سیاه و بینی بلند و راست میباشند . با وجودیکه درنواحی نسبتاً گرم کوهستان زندگی میکنند پوست بدن آنها روشن و سفید است .

ارقام اندازه گیری نفوذ نژاد ترکمن را در آنها نشان میدهد . میانگین شاخص سر آنها ۸۳/۷ است . اگرچه این رقم کمتر از حد معمولی بختیارها است معهداً نسبتاً زیاد است . رقم شاخص گردن و پیشانی که ۷۴/۵ است نیز نسبتاً زیاد است .

د بنابراین این قبیله از نظر اینکه سر آنها کمتر دراز است و تعداد بیشتری از خصائص آریائی دارند با سایر قبائل بختیاری فرق دارند .

د احتمال قوی میرود که یکی از قبائل ترك در ناحیه لر نشین مستقر شده و با آنها مخلوط شده باشند . اولین کسی که اندازه گیری شد شیخ اردو گاه بود . در او بیش از دیگران اثر نفوذ غربی مشهود بود زیرا رقم شاخص سر در او به ۸۶/۴۸ میرسید . در بین مردان قبیله ... افراد دارای موی زرد مانند ساکنین فارس زیاد دیده شد . دیگران دارای مو و ریش سیاه و چشمان آبی بودند و این

از خصوصیات است که درین لرها دیده بودم .

• يك مطلب دیگر فرضیه اشغال این ناحیه را از طرف آریانها تأیید میکند . در فاصله يك روز راه از میدوید . . در نقطه‌ای که این رودخانه از کوهستان وارد دشت رامهرمز میشود با يك قبیله کوچکی مواجه شدیم که امکان ندارد با فارس ها ولرها ارتباطی داشته باشند .

افراد این قبیله حتی دارای چادر نبودند مردمی بودند خوش قیافه و بلند بالا و سفید پوست باموی زرد یا بور . از ظاهر آنها چیزی که مبنی بر مخلوط بودن با ترکمن ها باشد دیده نمیشد .

• بزبان فارسی صحبت نمیکردند و ما نتوانستیم يك کلمه از حرف آنها را درک کنیم . ولی بادقت و توجه بسیار در صحبت آنها شکل جمله فارسی مخصوصاً در ریشه افعال نمایان بود . آیا این زبان پهلوی بود ؟ شاید این قبیله کوچک فقیر که در گوشه دور دستی زندگی کرده و از جریان و حرکت کلی دور بودند پاکی و اصالت نژادی و زبان باستانی خود را حفظ کرده‌اند ؟ این حقیقت امکان پذیر است .

• این ملاحظات مختصر بر معلومات درباره بختیارها چیزی اضافه نمیکند بجز آنکه نشان دهد که این مسئله بفرنجتر از آنست که معمولاً تصور میشود . لازم است که کلیه اردوگاهها و چادر نشین ها جدا گانه و دره های دور دست میان کوهستان بازدید و تحت دقت قرار گیرد . در آن صورت امکان دارد که قبائل اصیل ترکمن و شاید سامی و آریائی و شوشی و قبائل مختلط به تناسب متفاوت پیدا شود . چنین مطالعه و هیئت اکتشافی مشکل و خطرناک خواهد بود ولی از نظر تاریخی و مردم شناسی نتایج مهم خواهد داشت .

آریائی و سیاه پوست

شوشیهای باستانی - طبق نظر کواترفاژ (Quatrefage) و حامی (Hamy) (در *Crania ethnica* ص - ۱۵۲ و ۱۶۶ نقل از هوسی ص - ۱۲۶) نوع سیاه - پوست که در کیونجیک (Küünjik) دیده میشود نماینده عناصر اصلی و بدوی شوش است که ساکنین آن شاید مخلوطی از کوچیت (Kuchite) و سیاه پوست بوده‌اند . بینی آنها نسبتاً صاف و سوراخ بینی گشاد است . استخوان گونه برجسته و لبها کلفت است . ممکن است بین آنها و نوع حبشی مکران و لارستان

که همیلتون سمیث (Hamilton Smith) در باره آنها مطالعه کرده ارتباطی وجود داشته باشد. معلوم نیست که آیا همین قوم بودند که نوع بودای سیاهپوست را به هندوستان آوردند یا نه؟

شوشیهای معاصر - هوسی (ص - ۱۲۷) میگویند که ساکنین فعلی شوش از سایر انواع دیگر مردم ایران مشخص هستند. هوسی در دزفول (ص ۱۲۹ - ۱۳۲) یازده مرد (شماره ۱-۱۱) و یک نفر بختیاری که پدرش از اهالی شوشتر و مادرش از اهالی ساحل شرقی آفریقا بود (A) و دو بچه یعنی یک دختر (B) و یک پسر (C) را اندازه گیری کرد.

در جدول زیر ارقام مربوط به شاخص سر و شاخص بینی توسط نویسنده محاسبه شده است. بلندی بینی فرد شماره ۷ که ظاهراً اشتباه است در رقم میانگین اثر کرده است. میانگین شاخص سر که ۷۸/۳۵ است و توسط هوسی حساب شده است از میانگین دو اندازه گیری بدست آمده است.

شماره	قد	فاصله بین پیشانی تا پشت سر	حداکثر عرض	شاخص سر	ارتفاع بینی	عرض بینی	شاخص بینی
۱	۱۷۱۰	۱۸۰	۱۶۰	۸۸/۹	۵۰	۴۰	۸۰
۲	۱۶۷۰	۱۷۰	۱۳۰	۷۶/۵	۵۶	۴۰	۷۱/۴
۳	۱۷۴۰	۱۸۰	۱۳۰	۷۲/۲	۶۰	۴۰	۶۶/۶
۴	۱۶۳۰	۱۸۲	۱۳۶	۷۴/۷	۵۵	۳۶	۶۵/۵
۵	۱۶۵۰	۱۸۵	۱۳۲	۷۱/۴	۵۰	۴۰	۸۰
۶	۱۷۲۰	۱۸۶	۱۵۰	۸۰/۶	۵۰	۳۹	۷۸
۷	۱۵۷۰	۱۷۸	۱۴۵	۸۲/۶	۲۶	۳۷	۱۴۲/۳
۸	۱۴۰۰	۱۷۸	۱۴۹	۸۳/۷	۴۱	۴۱	۱۰۰
۹	۱۶۲۰	۱۸۲	۱۴۷	۸۰/۸	۶۰	۳۵	۵۸/۳
۱۰	۱۵۷۰	۱۸۴	۱۳۵	۷۳/۴	۴۸	۳۵	۷۲/۹
۱۱	۱۶۸۰	۱۹۶	۱۴۵	۷۴/۰	۶۲	۳۷	۵۹/۷
	میانگین ۱۶۳۳	۱۸۲	۱۴۳	۷۸/۶	۵۰	۴۰	۸۰/۰
A	۱۵۸۰	۲۰۵	۱۶۰	۷۸	۴۷	۴۳	۹۱/۵
B	۱۱۷۰	۱۷۰	۱۳۰	۷۶/۵	۴۰	۳۵	۸۷/۵
C	۱۳۹۰	۱۸۰	۱۲۵	۶۹/۴	۴۵	۳۵	۷۷/۸

اشارات تاریخی درباره مردم ایران - ۸۱

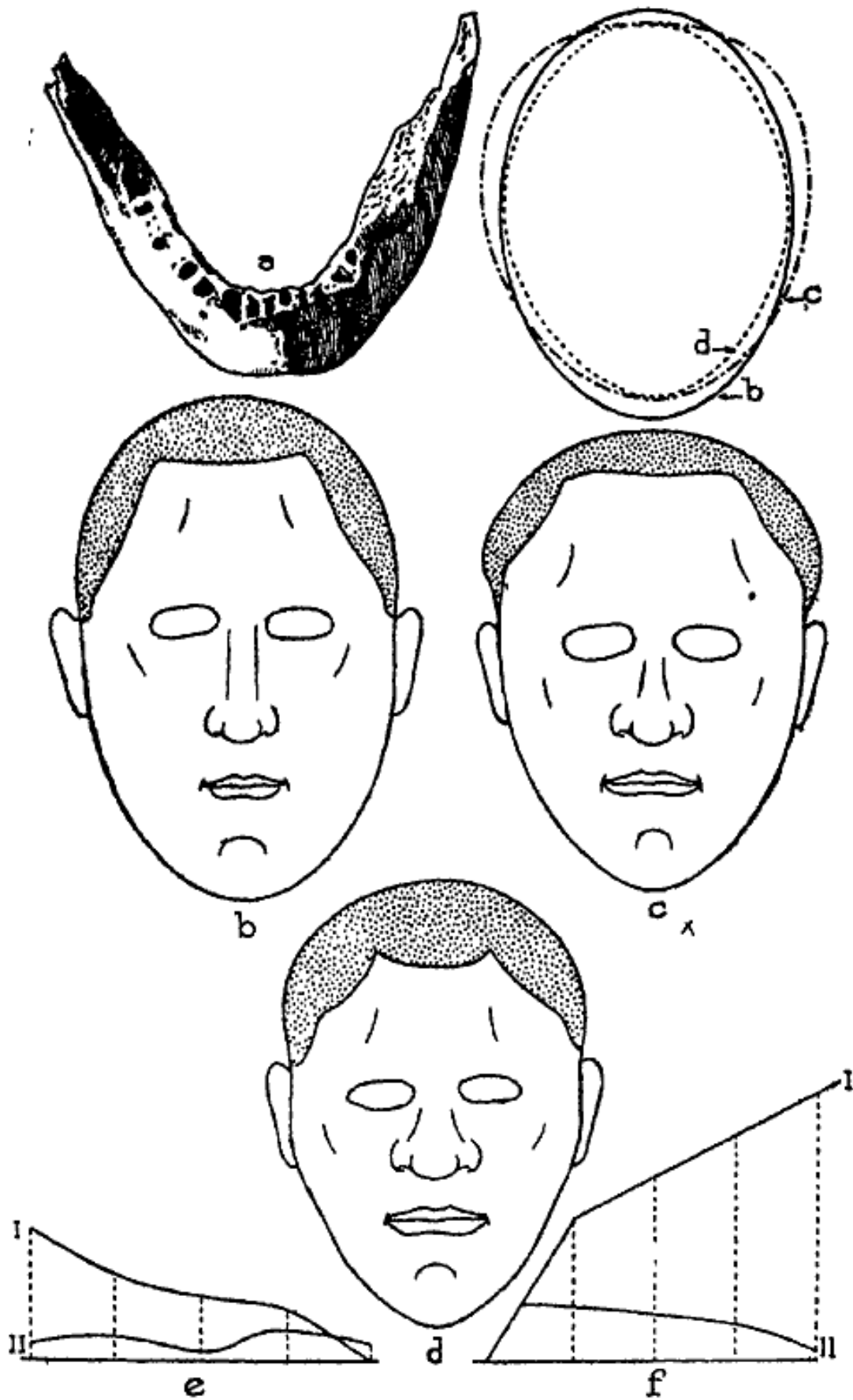
شماره	قد	فاصله بین پیشانی تا پشتسر	حد اکثر عرض	شاخص سر	بلندی بینی	عرض بینی	شاخص بینی
۱	۱۷۱۰	۱۸۰	۱۶۰	۸۸/۹	۵۰	۴۰	۸۰/۰
۲	۱۶۲۰	۱۷۰	۱۳۰	۷۶/۵	۵۶	۴۰	۷۱/۴
۳	۱۷۴۰	۱۸۰	۱۳۰	۷۲/۲	۶۰	۴۰	۶۶/۶
۴	۱۶۳۰	۱۸۲	۱۳۶	۷۴/۷	۵۵	۳۶	۶۵/۵
۵	۱۶۵۰	۱۸۵	۱۳۲	۷۱/۴	۵۰	۴۰	۸۰
۶	۱۷۲۰	۱۸۶	۱۵۰	۸۰/۶	۵۰	۳۹	۷۸
۷	۱۵۷۰	۱۷۸	۱۴۵	۸۲/۶	۲۶	۳۷	۱۴۲/۳
۸	۱۴۰۰	۱۷۸	۱۴۹	۸۳/۷	۴۱	۴۱	۱۰۰
۹	۱۶۲۰	۱۸۲	۱۴۷	۸۰/۸	۶۰	۳۵	۵۸/۳
۱۰	۱۵۷۰	۱۸۴	۱۳۵	۷۳/۴	۴۸	۳۵	۷۲/۹
۱۱	۱۶۸۰	۱۹۶	۱۴۵	۷۴/۰	۶۲	۳۷	۵۹/۷
میانگین	۱۶۳۳	۱۸۲	۱۴۳	۷۸/۶	۵۰	۴۰	۸۰/۰
A	۱۵۸۰	۲۰۵	۱۶۰	۷۸	۴۷	۴۳	۹۱/۵
B	۱۱۷۰	۱۷۰	۱۳۰	۷۶/۵	۴۰	۳۵	۸۷/۵
C	۱۳۹۰	۱۸۰	۱۲۵	۶۹/۴	۴۵	۳۵	۷۷/۸

باین مطالب آماری هوسی (ص- ۱۳۳) خصوصیات جسمانی زیر را اضافه میکند: پیشانی کوتاه و باریک - چشم بزرگ و آرام و اغلب مبتلا بمرض - بینی کوتاه و بزرگ و گوشه‌تالو - برای تشخیص اختلافات در شکل و تناسب بینی مقایسه زیر بعمل آمده است.

قوم	طول بینی	عرض بینی	شاخص بینی
شوشی	۵۰	۴۰	۸۰
بختیاری (جانکی)	۶۵	۳۹	۶۰
عجمی	۵۷	۳۸	۶۶/۷
لر	۵۷	۳۸	۶۶/۷

در جدول فوق ارقام مربوط به شاخص بینی توسط نویسنده محاسبه شده است.

شوشی‌ها کوتاهترین و پهن‌ترین بینی را در ایران دارند و اطفال آنها



شرح عکس در صفحه رو برو

اغلب دارای خصوصیات سیاهپوستان هستند. هوسی (ص ۱۳۶-۱۳۷) با مدارك و شواهد خود باین نتیجه میرسد که زمانی مردمانی سیاهپوست در ناحیه شوش سکنی داشتند. اولین فکر باید درباره آریائی‌های ایرانی باشد که در دوره هخامنشی بر شوش تسلط یافته و در آنجا سکنی گزیدند. بعد منولها و پارتیها یا بختیاریهای نواحی کوهستانی مجاور. سیاهپوستان دارای سر کوچک و کوتاه میباشند که رقم شاخص سر آنها در حدود ۸۰ است. رقم شاخص سر ایرانیها همان رقم سایر اقوام آریائی از قبیل هندو و افغان و لر است که ۷۳ باشد. پارتیها از اقوام اورال و آلتای هستند که شاخص سر آنها بین ۸۰ و ۸۴ است. میانگین این سه رقم یعنی ۷۳ و ۸۰ و ۸۲ میشود ۷۸/۳۳ که تقریباً مساوی رقم شاخص سراهالی شوش یعنی ۷۸/۳۵ است. « در جدول بالا حد متوسط قد افراد شماره ۱۰۹ و ۸ و ۷ و ۴ و ۱۵۵/۸ است - جمجمه کوچکتر و رقم شاخص سر آنها ۷۸/۷۶ است که نزدیک رقم مربوط به سیاهپوستان است با توجه باینکه ممکن است سر آنها در اثر نفوذ مردم آریائی کمی درازتر شده باشد. در میان افرادی که قد بلندتر دارند شماره ۶ و ۱ رامیتوان در نظر گرفت که دارای خصوصیات تورانی هستند. قد آنها ۱۷۱/۵ و شاخص سر آنان ۸۴/۶۳ است.

حد متوسط قد سایر افراد یعنی شماره ۱۱ و ۵ و ۳ و ۲ و ۱۶۸/۵ و شاخص سر آنها ۷۳/۲۲ است که نشان میدهد افراد دارای سر دراز هستند و این ادامه خصوصیت عناصر ایرانی نژاد جمعیت است. »

بدین ترتیب نتیجه مطالعه و تحقیق در قدرا میتوان باطلاعات دیگر اضافه کرد: « در شوش نژاد مشخص و معینی که از اختلاط بین تورانی و ایرانی و سیاهپوست بوجود آمده دیده میشود. « خصوصیات جسمانی این سه نژاد باهم ترکیب شده و نوع متوسطی بوجود آمده که دارای یکی از سه خصوصیات مشخص است. وقتی ارقام مربوط به قد شاخص سر در جدول زیر ترتیب داده میشود هوسی

→ خصوصیات جسمانی افراد لر، بختیاری و شوشی: a - فک شوشی سیاهپوست؛ b - لر؛ c - بختیاری؛ d - شوشی؛ e - شوشی؛ ایرانی 1 - قد II - تناسب سر؛ f - شوشی سیاهپوست؛ I - قد II - تناسب سر. خط قاعده در هر دو ترسیم نماینده ۱۴۰ سانتیمتر است برای قد یا ۷۶ برای تناسب سر (نقل از هوسی - لوحه VI)

(ص ۱۳۷-۱۳۸) میگوید بین آنها ارتباط مستقیم وجود ندارد.

قد	۱۴۰۰	۱۵۷۰	۱۵۷۰	۱۵۷۰	۱۶۲۰	۱۶۳۰
شاخص سر	۸۲/۷۰	۸۱/۴۶	۷۳/۳۷	۸۱/۴۶	۸۰/۷۶	۷۴/۷۲
قد	۱۶۵۰	۱۶۷۰	۱۶۸۰	۱۷۱۰	۱۷۲۰	۱۷۴۰
شاخص سر	۷۱/۳۵	۷۶/۴۷	۷۳/۹۷	۸۸/۸۸	۸۰/۶۴	۷۲/۲۲

۵ رقم شاخص سر این فرد از ۷۳/۲۶ به ۷۳/۳۷ تغییر داده شده زیرا اندازه گیری هوسی (ص ۱۳۰) نشان میدهد که رقم جدید صحیح تر است.

هوسی میگوید علت اینکه باین نتیجه میرسیم آنستکه اهالی شوش مخلوطی از سه عنصر مختلف هستند. با انتخاب افرادی که حد وسط تناسب سر آنها تقریباً ۸۰ است و قرار دادن آنها به ترتیب قد هوسی (ص ۱۳۸) يك گروه شوشی سیاهپوست با مشخصات زیر پیدا میکنند.

قد	۱۴۰۰	۱۵۷۰	۱۶۲۰	۱۶۷۰	۱۷۲۰
شاخص سر	۸۳/۷۰	۸۱/۴۶	۸۰/۷۶	۷۶/۴۷	۸۰/۶۴

و میگوید: «این دفعه تناسب و انطباق مثبتی بین دو خصوصیت دیده میشود.»^۱
هوسی میگوید که افراد ایرانی اهالی شوش دارای تناسب سر در حدود ۷۳ میباشد. این افراد را نیز میتوان به ترتیب قد و شاخص سر بدین شکل نشان داد.

قد	۱۵۷۰	۱۶۳۰	۱۶۵۰	۱۶۸۰	۱۷۴۰
شاخص سر	۷۳/۳۷	۷۴/۷۲	۷۱/۳۵	۷۳/۹۷	۷۲/۲۲

بدین ترتیب دیده میشود که در میان یازده فرد جدول پنج نفر دارای خصوصیات ایرانی و پنج نفر دارای خصوصیات سیاهپوست میباشد در حالیکه تأثیر تورانی در يك فرد دارای سر کوتاه آشکار است و شاخص افقی افراد سیاهپوست را تا حدی بالا برده است.

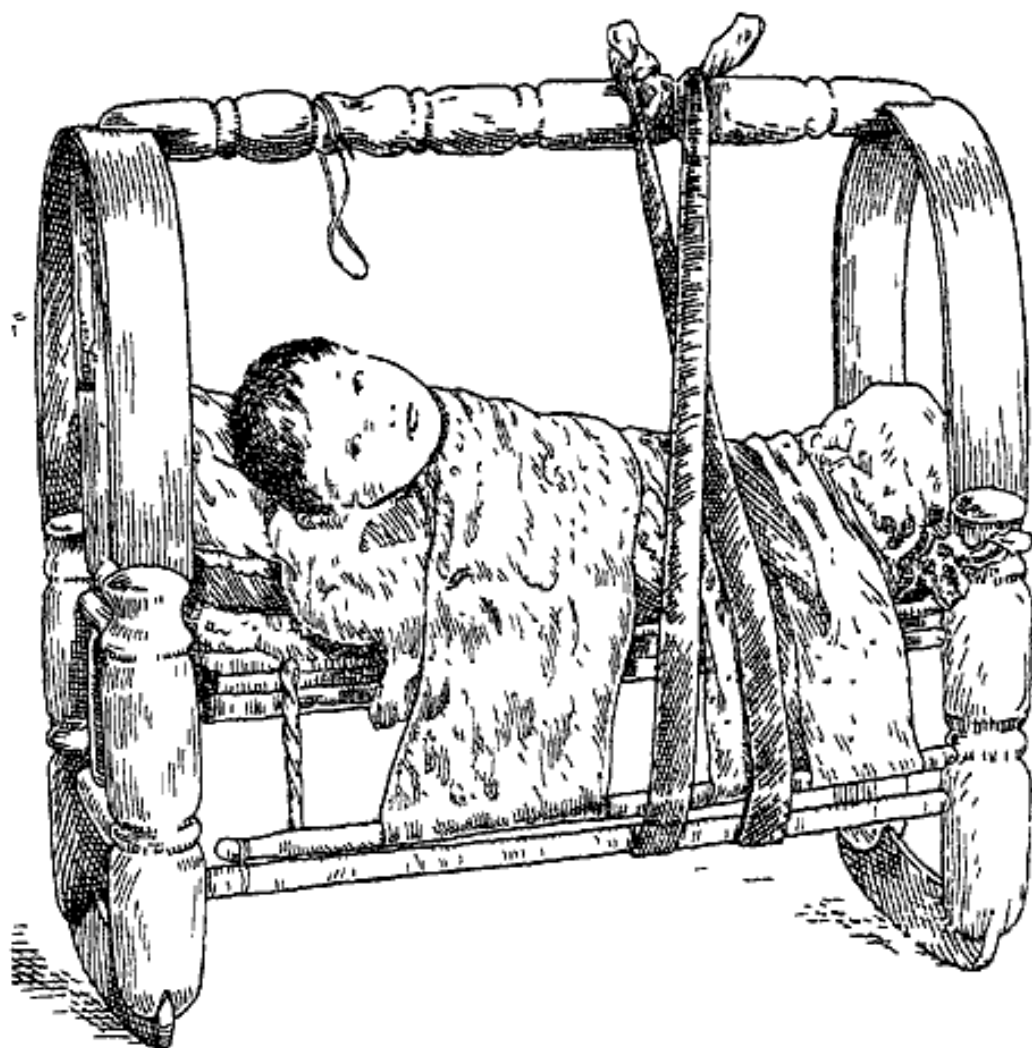
هوسی میگوید (ص ۱۴۰-۱۴۳) پنج جمجمه که تصور میرود متعلق به

۱ در این جدول رقم دو شاخص سر را تغییر داده ام تا با جدول اصلی مطابقت داشته باشد زیرا در اینجاستباه مطبعه رخ داده بود در صورتیکه رقم چاپ شده اثمان نظر به را بیشتر تأیید میکرد.

پارتها باشد در اکتشافات شوش بدست آمد که عبارتند از جمجمه سد فرد کلان سال و دو خردسال.

جمجمه شماره ۱ - رقم شاخص سر که ۲۷/۱۹ است رقم شاخص سر سیاه پوست خالص نیست خصوصیات زیر در آن مشهود است: (الف) طرح خارجی پنج گوشه . (ب) وسط فرو رفتگی گیجگاه تقعری دارد که تا حوا وسط ادامه دارد و شکل دو پر که بآن میدهد .

این دو خصوصیت علامت اختلاط با نژاد سیاه پوست است . هوسی (ص ۱۴۲) اضافه میکنند که این جمجمه پارتی و سیاه پوست خیلی شبیه جمجمه ژاپنی و سیاه پوست است که در کتاب کواترفاژ و حامی (لوحه ۷۷I) از آن بحث شده است.



شکل ۷ - نوع گهواره ارمنی (مقلاد بیشتاپ Bishop)

جمجمه شماره ۲ - بررگتر از جمجمه شماره ۱ ولی ناقص . این جمجمه

بیک مرد مسن تعلق داشته . شکل آن بیضی شکل و مرکب از نوک کله مرتفع و شاخص سر ۷۴/۱۷ میباشد و از روی خصوصیات آن میتوان آنرا جمجمه ایرانی دانست

جمجمه شماره ۳ - این جمجمه یک فرد جوان است که رقم شاخص سر او ۷۷/۹۳ میباشد وضع از هم پاچیده آن اجازه اندازه گیری دیگر نمیدهد و در خود جمجمه آثار نقص مغز سر مشهود است. این نقیصه مغز سر که در گهواره بوجود آمده هنوز در قفاز و در سوریه و در میان بختیاریها وجود دارد هوسی (ص ۱۴۳) معتقد است که این رسم و عادت از توران سرچشمه گرفته است . نقص این جمجمه را میتوان در اثر رسم و عادت دانست که پارتیها از توران با خود آورده اند .

بیمجمه‌های شوش

III	II	I	
۱۴۵	۱۸۲	۱۷۱	طول سر
۱۱۳	۱۳۵	۱۳۲	عرض سر
۷۷/۹	۷۴/۲	۷۷/۲	شاخص سر
.....	۱۲۲۶	ظرفیت جمجمه

در جدول فوق ارقام مربوط به شاخص سر توسط نویسنده محاسبه شده است . هوسی نتیجه میگیرد که ناحیه شوش در زمان قدیم توسط سیاهپوستان اشغال شده بود و اینها اجداد سیاهپوستان هندوستان بودند که در اثر فشار مردم سفیدپوست باین نقاط کوهستانی دور دست پناه آورده بودند . این سیاهپوستان از نوع سیاهان کوتاه قد بودند .

از نظر حد جغرافیائی مردم شوش ناحیه‌ای را که از سواحل حلیج فارس تا کوهپایه های سلسله جبال ادامه داشت تحت تصرف داشتند . مرکز آنها دزفول بود که در بیست میلی شهر شوش است .

۱۸۸۹- کندر (Conder) (ص ۳۰-۵۱) کوشش کرده است عناصر نژادی و زبانی میان نژادهای اولیه آسیای غربی را تعیین و تعریف کند . فامیل السنه تورانی آسیای مرکزی شامل لهجه‌های ترکی و زبان منولی و السنه مختلف فین‌ها

و چنانکه تحقیقات جدید نشان میدهد زبان نژاد حاکمه تاتار در چین میباشد. «
خصوصیات جسمانی يك تاتار قرقیز و يك تاتار ازبك و دو آکادی (Akkadians) و يك خان هیتی و يك فرد کپادوچی و يك فرد اتروسکائی و يك زن مقایسه شده است (رجوع شود به نشریه مؤسسه مردم شناسی بریتانیا - مجلد ۱۹ لوحه ۱).
۱۸۹۱ - ایزابلا بیسپ (Isabella L. Bishop) که شرح جالب توجهی از مسافرت خود در ایران و کردستان نوشته بختیارپها را چنین توصیف میکند (جلد اول - ص ۳۱۶): «زیبائی این زنان بسبب مك مریلیس (Meg Merrilees) است که تا حدی مرموز و عجیب است. چشمان درشت و دراز سیاه و ابروان مشخص که مصنوعاً دراز شده و بینی صاف برجسته و دهان گشاد و لبان نازک و چانه دراز صاف و گیسوان انبوه سیاه که از دوسوی صورت ریخته داشتند. «

در جای دیگر می گوید (جلد اول - ص ۳۸-۳۹) «اگر چه بعضی از دختران آرامنه زیبا هستند همه دارای يك یا چند فرورفتگی که شبیه جای زخم است در صورت خود دارند که باندازه هسته خرما است. این نقص تقریباً در همه افراد جمعیت وجود دارد. این علامت در بین دختران سفیدروی آرامنه بقدری عمومیت دارد که نه تنها عیب و نقص بشمار نمیاید بلکه وجود آن يك نوع زیبائی محسوب میشود و گفته میشود که هیچ جوانی دختری را خواستگاری نمیکند مگر آنکه این علامت در صورت وی وجود داشته باشد.

«این جای سالک که معمولاً (حوش خرما) یا (جوش بغداد) نامیده میشود محدود باهالی بومی نیست و اروپائیان از آن مصون نیستند و کمتر کسی در طی اقامت خود بآن مبتلا نمیشود. چون علت این زخم را پیدا نکرده اند علاجی برای آن نیز نیافته اند. معالجات مختلف که شامل داغ کردن و سوزانیدن باشد مورد آزمایش قرار گرفته است ولی هیچکدام سودمند واقع نشده است و اکنون تصور میشود عاقلانه ترین راه آن است که هیچگونه مداوا نشود و زخم بحال خود باقی مانده و فقط تمیز نگاه داشته شود تا سیر طبیعی خود را که در حدود یکسال است کرده و از بین برود. خوشبختانه زخم سالک برخلاف زخم و جوش معمولی دردناک نیست.

این مرض در وهله اول بصورت يك نقطه سفید که باندازه سر سوزن است آشکار میشود و مدت سه ماه بهمین اندازه باقی میماند. بعد گوشت باد میکند و

قرمز و سخت میشود و چرك میکند و در زیر قشر سختی بوجود میآید که بتدریج میپوسد و ازین میروود . در مورد بعضی خارجیها این زخم چند روز بعد از ورود ظاهر میشود. «مقایسه شود با شرح شلیمر Schlimmer ص ۸۱ - ۹۲ و منس - Mense .»

۱۸۹۲ - ازدو کتاب مهم کرزن در باره ایران مطالب مربوط بموضوع نقل و در زیر آورده شده است . بطور کلی مطالب کرزن جنبه جغرافیائی دارد و اول از ملاحظات وی درباره اطلاعات آماری درباره جمعیت ایران شروع کرده و سپس قطعاتی درباره نواحی شمال غربی و غرب و جنوب غرب و جنوب و جنوب شرقی و شمال شرقی و شمال به ترتیب نقل شده است . اظهار نظروی در باره قوم یهود در صفحه ۲۸۹ - ۲۹۰ کتاب مورد استفاده قرار گرفته است .

کرزن (چاپ ۱۸۹۲ A - جلد دوم ص ۴۹۲ - ۴۹۴) ارقام مربوط به جمعیت ایران را با اظهار نظر زیر آغاز میکند : « نه ممیزی برای مالیات... و نه صورت افراد جهت خدمت نظام هیچکدام اساس محاسبه نمیتواند قرار گیرد زیرا در هر حال بیش و کم از روی حدس و گمان است . در تخمینی که من اخیراً دیده‌ام باندازه تخمین‌های سابق باهم اختلاف دارند . یکی از آنها را ژنرال شیندلر General Schindler تهیه کرده است و هیچکس بهتر از او شایستگی و صلاحیت این کار را ندارد زیرا کمتر کسی باندازه او بامملکت ایران در سال ۱۸۸۴ آشنائی و اطلاع داشته است .»

میل مربع

*۶۲۸/۰۰۰

مساحت تقریبی ایران

نفر	فامیل	شهرها (۹۹) شامل دهکده‌ها و بخش‌ها
۱۹۶۳۰۰۰	۳۶۳۶۳۰	ایلات و عشایر
۳۷۸۰۰۰۰	۵۲۰۲۰	اعراب
	۱۴۴۰۰۰	ترکها
	۱۳۵۰۰۰	کردها و لکها

⊕ ارقام تخمینی دیگر (چاپ A ۱۸۹۲ - جلد ۲) عبارتند از ۶۱۰،۰۰۰ و ۶۳۶،۰۰۰ و

۶۶۰،۰۰۰ میل مربع .

اشارات تاریخی درباره مردم ایران - ۸۹

	۴۱۴۰	بلوچی و کولی
	۴۶۸۰۰	بختیاری و لر
	۳۸۱۹۶۰	جمع
۱۹۰۹۸۰۰		جمع کل جمعیت ایران
<u>۷۶۵۳۶۰۰</u>		این تعداد را کززن برحسب مذهب بطریق زیر تقسیم بندی میکند :
۶۸۶۰۶۰۰		شیعه
۷۰۰۰۰۰		سنی و فرق دیگر اسلام
۸۰۰۰		پارسی و زردشتی
۱۹۰۰۰		یهودی
۴۳۰۰۰		ارمنی
۲۳۰۰۰		نسطوری و کلدانی
<u>۷۶۵۳۶۰۰</u>	جمع	

د واضح است که ارقام فوق از جهات بسیار حدس و گمان بیش نیست و تجربه خود من میرساند که جمعیت چندین شهر در جدول شیندلر^۱ زیادتر از جمعیت حقیقی و ارقام جدول دوم یعنی ارقام مربوط به یهودیها و نسطوریها و کلدانیها کمتر از تعداد حقیقی است. در هر حال اگر رقم کل جمعیت را نزدیکترین رقم به حقیقت تصور کنیم و بآن $\frac{۳}{۴}$ درصد یعنی افزایش سالیانه سالهای بعد را که از قحطی و جنگ دور بودند

بیا افزایش جمعیت ایران در سال ۱۸۹۱ به ۸۰۵۵۵۰۰۰ میرسد .

د از طرف دیگر زلوتارف Zolotaref در گزارش انجمن جغرافیائی روسیه مورخ ۱۸۸۸ (شماره ۲ - ص ۱۲) رقم کمتری ذکر می کند و جمعیت کلی ایران را بطریق ذیل تخمین میزند :

۳,۰۰۰,۰۰۰	ایرانی
۱,۰۰۰,۰۰۰	ترک و تاتار

۱ . کززن (۱۸۹۲A جلد دوم - ص ۴۹۳) این جدول را از گزارش

بازرگانی وزارت خارجه « شماره ۷ مورخ ۱۸۸۵ نقل کرده است .

۷۸۰,۰۰۰	لر
۶۰۰,۰۰۰	کرد
۳۰۰,۰۰۰	عرب
۳۲۰,۰۰۰	ترکمن و جمشیدی و غیره
<hr/>	
۶,۰۰۰,۰۰۰	جمع کل

د این ارقام چه از حیث جمع و چه از حیث ترکیب بقدری با ارقام ژنرال شیندلر فرق دارد که نشان می‌دهد تخمین جمعیت ایران با اطلاعات موجود تا چه حد مشکل و غیر قابل اعتماد است. نظر خود من که چون اغلب نقاط پر جمعیت را بازدید نکرده‌ام یا تردید و عدم اطمینان ذکر می‌شود اینست که شیندلر و زلوتارف هر دو اشتباه کرده و جمعیت ایران را کمتر از آنچه هست تخمین زده‌اند. اشتباه شیندلر کمتر و اشتباه زلوتارف زیادتر است. جاده‌های مشخص ایران که محل عبور سیاحان است شهرهای عمده را بهم وصل میکند ولی از بسیاری از نواحی حاصلخیز نمیگذرد و بعلت و وحشت و هراس از عبور لشکرها و حتی ترس از سرواه بودن پادشاه یا حکمرانان مردم از زندگی، نزدیک جاده احتراز کرده و حتی المقدور خود را از آن دور نگاه داشته‌اند. در ممالک مترقی عکس این عمل مشاهده میشود و جاده‌های اصلی از نقاط پر جمعیت عبور میکند.

کرزن (۱۸۹۲a - جلد ۲ - ص ۲۶۹ - ۲۷۰) جمعیت را باین عناصر متشکله تقسیم کرده میگوید: «قبائل ایران ۱ بطور تقریب قابل تقسیم بچهار طبقه میباشند که عبارتند از ترک (یعنی از نژاد ترک و ترکمن و تاتار و نباید با اشخاصی که از ترکان عثمانی هستند اشتباه شود) - عرب - بلوچی - و یک طبقه بزرگی بی نام که گاهی از طرف کسانی که اصل ایرانی خود را حفظ کرده‌اند لك خوانده شده‌اند و

- ۱ - از معدودی از نویسندگان که درباره قبائل ایران اظهار نظر کرده‌اند کرزن (۱۸۹۲a جلد ۲ - ص ۲۶۹) از اشخاص زیر نام مبرر و شرح آنها را رضایت بخش نمیداند: تاریخ سرجان ملکم (۱۸۰۰ - ۱۸۱۰) جلد ۲ - فصل ۱۳ - سفر با ایران بقلم دوپره Dupré (۱۸۰۸) - شرح موریه در نشریه انجمن پادشاهی جغرافیائی جلد ۷ ص ۲۳۰-۲۴۲ شرح بقلم ریتر Ritter (۱۸۳۸ - ۱۸۴۰) - جلد ۶ - یادداشت به لیدی شیل بقلم سر. ج. شیل - خاطرات کنت روزه شوار (۱۸۶۵) فصل ۴ و کتاب اسپیکل جلد ۱۰ شرح ریتر از همه کاملتر و بیشتر با وضع حقیقی منطبق است.

معمولا با سامی عناصر متشکله خود نامیده میشوند که عمده ترین آنها عبارتند از کرد و لر که قبائل فیلی و بختیاری و ممسنی از تقسیمات و عناصر گروه لر میباشند . همه این قبائل کم و بیش شامل جمعیت شهر نشین و اسکان یافته میباشند . که در مورد ترکها شامل اکثریت عمده و در مورد اعراب و بلوچها شامل اکثریت معین و در مورد کردها و لرها شامل اقلیت معینی است . مردم اسکان یافته شهر نشین یا ده نشین و مردم بدوی صحرا نشین نامیده میشوند همه مردم صحرا نشین را میتوان بنام ایلات خواند . این کلمه ترکی و جمع ایل بمعنی فامیل یا قبیله است از همه جمعیت ایران چنین حدس زده میشود که ربع آن یا متجاوز از ۲ میلیون در حال صحرا نشینی هستند . در مورد این قسمت از جمعیت کرزن در یادداشت این صفحه مینویسد : « تخمین علمی تعداد جمعیت بادیه نشین غیر ممکن است . هیچگونه آمار یا ثابت موالید وجود ندارد و سهمیه قبیله به قشون رانمیتوان راهنما محسوب داشت و محاسبه تقریبی فقط از تعداد فامیل و خانوار بعمل میآید و این تعداد از طرف رئیس قبیله بمنظور جمع آوری درآمد معین میشود . تحقیق در تاریخ گذشته آنها نیز بهمان اندازه مشکل است . ظاهراً قبائل بادیه نشین هرگز کتابی بوجود نیاورده و مورخی در بین آنها پیدا نشده و اغلب دارای فلکلور نیستند . جزئیات تاریخی که در این فصل فراهم شده بزحمت زیاد از منابع مختلف که بعضی نوشته و برخی شفاهی است جمع آوری شده است . »

کرزن (۱۸۹۲۸ - جلد ۲ - ص ۲۷۰) میگوید : « در میان قبائل ترک ایران که بیشتر در شمال و شمال غربی کشور سکنی دارند از همه معروفتر قبیله قاجار است (که شاه از آن قبیله است) و قبائل افشار (که نادر شاه از آنان بود) و قره گوزلو همدان و شاهسون اردبیل (که افراد گارد سلطنتی از آنها تشکیل یافته است) و قبائل ترکمن گرگان و دره های اترک و قبائل قشقایی ساکن فارس و لرستان . از بین این قبائل سه قبیله آخری طرز زندگی بادیه نشینی را حفظ کرده و طبق اقتضای فصل محل سکونت خود را تغییر و بیلاق و قشلاق میکنند . »

در بحث درباره نواحی جغرافیائی اول اطلاعات کرزن (۱۸۹۲۸ جلد اول - ص ۵۴۹ - ۵۵۱) را در مورد ناحیه شمال غربی ایران و ساکنین آن نقل میکنیم : « کردستان ۱ . . . اصطلاح مناسب جغرافیائی است که به کلیه ناحیه کرد -

نشین که در حدود ۵۰ هزار میل مربع است اطلاق می‌شود. این ناحیه دارای مرز طبیعی و سیاسی نیست و شامل نواحی واقع در ترکیه و ایران می‌باشد و در بین ساکنین آن عناصر دیگر از قبیل ترک و ایرانی و کلدانی و ارمنی نیز وجود دارد. بطور کلی حدود آنرا می‌توان از ارمنستان ترکیه در شمال تا دشت دجله وسطی و کوه‌های لرستان در جنوب دانست و قسمت عمده این ناحیه با اراضی مرزی ایران منطبق است.

مسئله اصل و منشاء کردها بقدری پیچیده و نامعین است که در اینجا بطور تفصیل نمیتوان آنرا مورد بحث قرار داد. اینکه کردها از نوادای ایرانی یا تورانی یا از اولاد مدیها یا پارتها هستند و یا اینکه از قبائل گارد و یا گورد و یا گوتو میباشند که در زمان بزرگی هیتی‌ها و آکادها جبال شمال‌آسور را تحت تسلط داشتند و بعد از سقوط نینوا در اثر مهاجرت قوم آریایی تحت نفوذ آنان قرار گرفته و تا حدی آریایی شدند همه مسائلی است که تا بحال بطور قطع حل نشده است... میتوان برای اقوام کرد قدمت قابل ملاحظه‌ای قائل شد اگر آنها را با کاردوچی‌های گزنون (احتمال می‌رود که همان کودرها Kudraba کتیبه‌های میخی باشد) یکسان بدانیم و اینها همان کسانی بودند که در این ناحیه مزاحم برگشت ده هزار نفر میشدند. وقتی محل و خصوصیات و نام آنها را در نظر بگیریم این دو قوم باهم انطباق پیدا میکنند... با اینکه اینها جزو امپراطوری‌های متوالی این ناحیه مانند مقدونیها و رومیها و پارتیها و تاتارها و ایرانیان و ترکان بودند هیچوقت در بین این امپراطوری‌ها مستهلك نشده و همیشه خاری در پهلوی هر سلطان و هر حکومت بودند. طبق گفته ابوالفدا صلاح‌الدین ایوبی که با صلیبیون مبارزه کرد از نژاد کرد بود و ادریسی مورخ نیز کرد بود و او کسی بود که وقتی سلطان سلیم اول این ناحیه را از ید تصرف شاه اسمعیل اولین پادشاه سلسله صفویه در ایران در سال ۱۵۱۴ خارج کرد او را مأمور کرد این ناحیه را اداره کند و هموطنان خود را تحت اطاعت سلطان در آورد.

۱ - کردستان ناحیه‌ایست در مغرب آسیا که قسمت عمده آن در ترکیه و بقیه آن در قسمت شمال و شمال شرقی عراق و شمال غربی ایران واقع شده است. عرض جغرافیائی آن عبارتست از ۳۵ - ۴۰ درجه شمالی و طول جغرافیائی آن عبارتست از ۳۸ - ۴۷ درجه شرقی و مساحت آن ۷۴۰۰۰ میل مربع و جمعیت آن ۲ میلیون و نیم میباشد. پایتخت کردستان ایران سنه و جمعیت آن دوست هزار نفر است.

متجاوز از يك قرن بعد در سال ۱۶۳۹ میلادی بموجب عهد نامه بین سلطان مراد چهارم عثمانی و شاه صفی پادشاه ایران خط مرزی بین دو مملکت تعیین گردید که تاکنون تقریباً بهمان طرز باقیمانده است و از این تاریخ است که قبائل کرد وفاداری دو گانه و مجزا از خود نشان میدهند. از آن زمان ببعد تاریخ کردها در دو طرف مرز روشن نیست . . . احساسات قبیله در بین آنها همیشه قوی بود و بعلمت عدم مداخله حکومت مرکزی که بیشتر ناشی از ترس از کردها بود رؤسای قبیله اغلب موقعیتی پیدا میکردند که کمتر از استقلال و حکومت مستبده نبود. در حدود شصت سال قبل یعنی از ۱۸۳۴ ترکان عثمانی تحت هدایت رشید محمد پاشا سعی کردند این سیستم حکومت نیمه مستقل کردها را از بین ببرند و کردستان عثمانی را بصورت يك ولایت تحت نظر والی در آورند . در ضمن در کردستان ایران که بعلمت قلت تعداد مسئله کوچکتر و بان وخامت نبود سلسله قاجاریه بخصوص پادشاه فعلی سیاست معمولی قاجاریه را تعقیب میکنند که عبارت باشد از قطع پیوستگی و اتحاد طبقات حاکمه قبائل خطرناک و استقرار قدرت حکومت مرکزی طهران. بنا بر این در حال حاضر کردها اگر چه هنوز طغیان و سرکشی میکنند ولی در هر دو ناحیه بیش از هر دوره دیگر تاریخ خود تحت انضباط درآمده اند.

کرزن (۱۸۹۲۸ - جلد اول - ص ۵۵۴ - ۵۵۵) می افزاید: «تعداد افراد کرد تحت فرمان حکومت عثمانی بین يك تا يك میلیون و نیم تخمین زده میشود. تعداد کردهای ایران (بنبر از آنهائیکه در خراسان اسکان یافته اند) از این قرار است :

کردهای مرزی و کردهای آذربایجان	۲۵۰۰۰۰
کردهای ایالت کردستان یعنی سنه و اردلان	۱۲۰۰۰۰
کردهای کرمانشاه	۲۳۰۰۰۰

جمع کل ۶۰۰۰۰۰

و از طرف دیگر سرهنگ استوارت در آخرین گزارش خود در سال ۱۸۹۰ تعداد کردهای آذربایجان را ۴۵۰۰۰۰ نفر ذکر میکند . . . ولی در ایران هیچیک از ارقام و محاسبه ها را با اعتماد نمیتوان قبول کرد . در هر حال جدول فوق از این جهت قابل استفاده است که طبقه بندی کردهای ایران را نسبتاً بطور

صحیح نشان میدهد .

کرزن در توصیف کردها میگوید (۱۸۹۲۵ - جلد اول ص - ۵۵۳) : و آنها چشم سیاه و موی مشکی و رنگ تیره و عبوس متکبرانسه (که از خصوصیات افغانها نیز میباشد) دارند که معمولاً با و باش نسبت داده میشود و سیاحان و مسافران بر حسب نظر خود که در اثر خوش رفتاری یا ترس ناشی شده آنها را خوش قیافه یا زشت و مهیب جلوه گر ساخته‌اند .

درباره کردهای آذربایجان و قبائل بدوی مرزی آخرین ارقامی که دریافت کرده‌ام از قرار ذیل است (۱۸۹۲۵ جلد اول ص ۵۵۵ - ۵۵۷) : تعداد چادر یا خانوار

شکاک - نیمه ترك و نیمه ایرانی . . سنی از قرقه شافعی ۱۵۰۰

هرکی - تابستان بایران می‌آیند و زمستان بدشت موصل می‌روند ۲۰۰۰

اورامر - بعضی از آنها در فصل تابستان از مرز ایران می‌گذرند

قره پاپک - ده نشینان دشت سلدوز و براندوز - شیمه ۳۰۰۰

مکری - مشرق و شمال شرقی ساوجبلاغ - سنی و ده نشین ۲۰۰۰

منکوری - جنوب ساوجبلاغ - سنی و ده نشین ۵۰۰۰

مامش - در ناحیه لاهیجان - مغرب و جنوب ساوجبلاغ - سنی و ده نشین ۳۰۰۰

ززا - در کوهستان شمال غربی اشنو - سنی ۱۰۰۰

چیدرانلو - قبیله بزرگ نزدیک مرز خوی . . .

ساوجبلاغ که جمعیت آن ۱۵۰۰۰ نفر است پایتخت محلی کردهای آذربایجان میباشد بین ایالت آذربایجان و ایالت کرمانشاه شهرستان اردلان یا کردستان ایران واقع است، که محل سکونت کردهای غیر مهاجر می‌باشد. پایتخت آن سنه در دره باز و حاصلخیز واقع است. فقط در دوره سلطنت پادشاه فعلی است که این ایالت کاملاً تحت انقیاد دولت مرکزی درآمده است. این ایالت قسرها تحت فرمان رؤسای گوران از خانواده بنی اردلان بود که خود را از نواده‌های صلاح‌الدین دانسته و عنوان والی اردلان اختیار کرده بودند .

وقتی ریچ Rcih در ۱۸۲۰ از این ناحیه دیدن کرد والی را کاملاً مستقل از تهران یافت و ایالت خود را مانند يك کشور مستقل اداره میکرد . پس از مرگ آخرین اولاد ذکور در حدود سی سال قبل پادشاه سایر اقوام ذکور را از ارث محروم کرد و با تعیین عموی خود بحکومت آن ناحیه حاکمیت خود را بر آن

اشارت تاریخی درباره مردم ایران - ۹۵

مسلم گردانید. جدول زیر صورت کردهای اردلان است که برای من فرستاده شده است ولی من صحت آنرا نمیتوانم تأیید کنم .

تعداد خانوار یا چادر	محل	کردها
۳۰۰	سقز	کلهر
۶۰۰	هواتو	تیلاکو
۵۰۰	هواتو	گلباکو
۳۰۰	اسفندآباد	شیخ اسمعیل*
۳۰۰	اسفندآباد	پورپیشاه*
۵۰۰	حسن آباد	مندامی
۳۰۰	بلاور	مامون - جیراچی
۴۰۰	بلاور	گوشکی
۳۰۰	لیلاق	گورگای
۱۰۰۰	لیلاق	لك
۴۰۰	در مرز	شمشیری*

*قبائلی که در فصل زمستان برای قشلاق بخاک ترکیه میروند.
 و آخر از همه کردهای کرمانشاه هستند که پایتخت آن کرمانشاهان است.
 از این ناحیه و از پایتخت آن راه کاروان روبین طهران و بنداد میگذرد...
 این ایالت از سمت مغرب مجاور خاک ترکیه و از سمت جنوب هم مرز ایالت لرستان است و میتوان آنرا حد واسط بین ایران شمالی و جنوبی محسوب داشت.
 قبائل کرد کرمانشاه از اینقرارند :

حانوار یا چادر

کلهر* - نیمه ده نشین و نیمه بدوی (بیلاق تا بستانی آنها کوههای سمت شمال غربی پشت کوه و قشلاق آنها دشت زهاب و قصر شیرین تا مرز ترکیه است.
 باقوال مختلف اینها علی الهی و شیعه هستند .
 ۵۰۰۰

* رالینسون از قیافه و شکل صورت آنها که شبیه به یهودیها است تصور کرد که اینها باید از اولاد اسرای سامری باشند که در شهر آسوری کلهر هاله (سر پل زهب) قرار داده شدند .

سامی؟ هر سه نظریه مورد بحث قرار گرفته است بنظر میرسد که از لحاظ مردم-شناسی از گروه نژادی کردها که همسایه شمالی آنها هستند باشند و بزبان آنان که یکی از لهجه های فارسی است با زبان کردها فرقی زیادی ندارد^۱ از طرف دیگر خود آنها کرد بودن را توهین بخود میدانند و کردها را لك می نامند. اغلب نویسندگان بر این قول متفقند که لرها از ایرانیان قدیم و از نژاد آریان هستند که قبل از عرب و ترك و تاتار در این محل سکنی داشتند. رالینسون میگوید زبان آنها از فارسی قدیم آمده است که هم زمان با زبان پهلوی دوره ساسانی است ولی از آن مشخص است. اگرچه این اظهار عقیده را بعنوان نظریه محتمل ممکن است قبول کنیم..... مجبور نیستیم رابطه تصویری بختیاری را با باختر (باکتریا) که بعضی نویسندگان^۲ پیشنهاد کرده اند تأیید نماییم. همینقدر کافی است باور کنیم که از نژاد آریان هستند و بدانیم که قرنها است در همین کوهستان و ناحیه کوهستانی سکنی دارند. کلمه فیلی بمعنی یاغی آمده است و لغت لر در بین ایرانیان دوره معاصر مترادف با دهاتی و بی تربیت است.

لر كوچك یا لرستان كوچك شامل ناحیه ایست بین دزفول در جنوب و کرمانشاه در شمال و بین آب دز در مشرق و مرز ترکیه در مغرب. این ناحیه بدو قسمت تقسیم شده که پیش کوه و پشت کوه نامیده میشود و خط تقسیم آن ناحیه سلسله جبال زاگرس است که در محل کبیر کوه خوانده میشود. تا پیدایش سلسله فاجاریه بین این دو قسمت از لحاظ سیاسی فرقی وجود نداشت ولی آقا محمد خان قاجار پیش کوه را از والی لرستان گرفت و والی از آن زمان ببعد مجبور شد بسداشتن پشت کوه اکتفا کند. بهمین جهت است که نام فیلی که سابقاً بهمه ناحیه لر كوچك اطلاق میشد اکنون محدود به ناحیه پشت کوه شده و قبلی های اصلی کسانی هستند که قسمت عمده ساکنین این ناحیه را تشکیل میدهند. پیش کوه که قسمت شرقی ایالت لرستان را تشکیل میدهد محدود است به کرمانشاه در شمال و آب دیز و

۱. ریچ Rich (جلد اول ص ۱۳۰) اظهار میدارد که بختیارها کردها هستند.

۲. بعضی تا آن حد رفته اند که از روی این شباهت میگویند بختیارها از اولاد یکی از کلنی های یونانی هستند که اسکندر در آسیا باقی گذاشت و این نظریه را با دلیل دیگری که شباهت بین رقص های ملی یونانی و بختیاری موجود است تأیید میکنند.

بختیاری در مشرق و جنوب ورود کرخه در مغرب . این ناحیه هم از لحاظ تشکیلات سیاسی و هم از حیث خصوصیات مردم با پشت کوه فرق دارد .^۱
کرزن (۱۸۹۲۵ جلد ۲ - ص ۳۲۰ - ۳۲۲) سپس بشرح دشت ساحلی و جمعیت عرب آن میپردازد و میگوید : « عنوان اداری عربستان (خوزستان) که معنی تحت اللفظی آن سرزمین سرگردان است بناحیه اطلاق میشود که وسیعتر از دشت های آن است و عده زیادی از بختیارها تحت نظر حاکم خوزستان قرار میگیرند . مقر اقامت رسمی حاکم شوشتر است . معهذا نام این ایالت بطور صحیح سطوح رسوبی بین نواحی کوهستانی و دریا را شرح میدهد و آن شامل دشتهای دزفول و شوشتر و حویزه و رامهرمز میباشد . حدود آنرا میتوان خطی از رود کرخه تا محصره در مغرب و کوههای بختیاری در شمال و شط العرب و خلیج فارس در جنوب و رود هندیان در مشرق دانست ؛ این ایالت با عیلام باستان و سوزیانا قدیم و خوزستان جدید یکسان است . ظاهراً نام اخیر فعلاً زیاد بکار برده نمیشود »^۱

« جمعیت این ناحیه یا عرب خالص هستند یا بیشتر مخلوطی از نژاد ایرانی و عرب میباشند . مردم عرب نژاد پس از تسخیر ایران در ۶۴۱ میلادی شروع به آمدن باین ناحیه کردند و از آن زمان بیحد مهاجرت از آن سوی دجله و خلیج فارس همیشه ادامه داشته است ؛ بعلاوه گفته شده است که شاه اسمعیل عده زیادی عرب را از ناحیه نجد برای سکونت در این ناحیه وارد کرد

« در بین اقوام عرب مهمتر از همه اعراب کعب (یا شعب) هستند که در اصل هفتاد و دو قبیله بودند . قسمت عمده آنها مرده یا ناپدید شده اند ولی این قوم در عربستان هنوز از لحاظ تعداد از همه بیشترند . لایار در ۱۸۴۱ جدولی از تقسیمات و طبقه بندی قبایل مختلف آن داده که بسیاری از آنها اکنون شناخته نمیشوند . اینجانب اسامی قبائل عرب این ایالت را از صورتی که را برتسون کنسول انگلیس در بصره تهیه کرده بود اقتباس کرده و در زیر بنظر خوانندگان میرساند و اینها تنها از اعراب کعب

۱ . « کلمه خوزستان را بعضی مشتق از اواجا (Uwaja) می دانند که معنی آن سکنه بومی است و این کلمه در کتیبه های میخی ظاهر میشود و شاید منشاء کلمه اوخی Uxii باشد که در استرابوپولینی ذکر شده است . از طرف دیگر مورتمن Mordtmann خوزستان را مشتق از کلمه فارسی که معنی آن نیشکر است میدانند »

که هنوز تعداد آنها متجاوز از ۵۰۰ نفر است نیستند. این قبائل عبارتند از :
 البوقبیش - عساکره - خنافره - باویه - بیت‌الحاج - بنی رشید - بنی صالح -
 بنی طرف - حمودی - حمید - کندازلی - جرف - کثیر - محاسن - نعسیه -
 نصاره - شرافت - شرفا - سواری - سودان - سلیمان . تعداد قبائل کوچکتر
 خیلی زیاد است . در مرز شرقی ایالت قبائل دیگر مرص هستند که در صورت بالانام
 آنها نیامده است از جمله منتفق حویزه و ... بنی لام . قسمت عمده آنها مخصوصاً
 قبیله بنی لام در خاک ترکیه هستند و از اینها دیگر سخنی نخواهد رفت . قبائل
 عرب و نیمه عرب در این ایالت را بین ۱۷۰ هزار و دویست هزار نفر تخمین زده‌اند
 و عدد اخیر متشکل است از :

۶۲،۰۰۰	اعراب کعب
	مخلوط ایرانی و عرب
۲۷،۰۰۰	رامهرمز
۱۱۰،۰۰۰	شوشتر و دزفول و حویزه
۱۹۹،۰۰۰	جمع کل

در تاریخ اعراب کعب که شبیه تاریخ اغلب همسایگان آنها است از این قرار
 است^۱ گفته شده است که در اصل از ساحل عربی خلیج فارس به باطلاحهای نزدیک
 التقای دجله و فرات مهاجرت کرده و به تبعیت ترکیه درآمدند و بشنل گاو میش
 چرانی اشتغال داشتند تا اینکه در اثر خشکسالی یادر اثر فشار یک قبیله دیگر
 عرب بطرف جنوب مهاجرت کرده و درباریکه از کارون که کبان یا گبان نامیدند
 استقرار یافتند و از آنجا بسمت مشرق بطرف رود جراحی شتافتند و در آنجا با
 قبیله افشار که مرکز آنها در دراک کنار آن رودخانه بود تصادم کردند . کرزن
 (۱۸۹۲۸ جلد ۲ . ص ۳۲۷ - ۳۲۸) ادامه داده می‌گوید : « اعراب کعب کلیه
 ناحیه بین محمره و رود کارون بسوی مشرق تارودهندیان که متجاوز از یکصدمیل

۱ - رجوع شود به مسافرت به عربستان تألیف نیبور (Niebuhr) جلد ۲ - ص

۱۶۰ - مقاله لایارد در نشریه انجمن پادشاهی جغرافیائی - جلد ۱۶ ص ۳۶ - ۴۵

مقاله رالینسون در نشریه انجمن پادشاهی جغرافیائی جلد ۲۷ ص ۱۸۵ - و شرح

هیئت اکتشافی فرات بقلم اینزورث Ainsworth جلد ۲ ص ۲۰۷ - ۲۱۸ و شرح

مسافرت بارون دوبد جلد ۲ ص ۱۱۰ - ۱۲۰

است در اشغال دارند. ثروت طبیعی این ناحیه بسیار زیاد است... در اثر اقامت طولانی در خاک ایران اعراب کمب بسیاری از خصوصیات ملی خود را ازدست داده‌اند و با ایرانیان ازدواج کرده و مذهب شیعه و طرز لباس ایرانی را اقتباس کرده‌اند...

در میان سایر قبایل عرب فقط قبیله منتفق حویزه که در منتهی‌الیه جنوب غربی مرز ایران ساکنند مشاهده کردم. بنظر میرسد که این قبیله در سال ۱۸۱۲ از خاک ترکیه باین محل مهاجرت کرده و آن‌عه از افراد قبیله کمب را که ساکن این ناحیه بودند از آنجا راندند.

زمانی حویزه محل مهمی بود و جمعیت آن در موقعیکه پایتخت والی عربستان بود به ۲۴ هزار نفر میرسید... در سال ۱۸۳۷ سد عمده رود کرخه شکست و آب رود کرخه در باطلاحهای بی مصرف بهدر رفت و حویزه از یک شهر بزرگ به ده کوچکی تقلیل یافت. هنوز شیخی از فامیل حاکمه سابق بر آن حکومت میکند و طبق قدرت یا ضعفی که از خود نشان میدهد وفاداری تعداد زیاد یاکمی از قبائل را بخود جلب میکند. اکثریت مردم سنی هستند و چون ناحیه مسکونی آنها را باطلاح احاطه کرده از تعرض دیگران نسبتاً در امان هستند.

بختیارها در ناحیه مجاور سکنی دارند و کرزن (۱۸۹۲a جلد ۲ ص ۳۰۰) درباره آنها مینویسد: «بختیارها از لحاظ قیافه و لباس یکسانند و رنگ تیره، رنگ مشخص آنها است. موی سر آنها سیاه است و پشت هر گوش یکدسته موی نبریده مجعد وجود دارد. ابروان آنها پر پشت و سیاه و زیر آن چشمان درخشان دیده میشود. ریش و سبیل آنها سیاه و روی سر کلاه کوچک گرد بسر دارند. مردها کت سیاه و زنان لباس نیلی بتن دارند. مردها ظاهر قوی و عضلانی و رفتار مردانه دارند... زنها بلند و باریک و تیره رنگ هستند... متأسفانه در میان قبایل بدوی نظافت کمتر دیده میشود و نتیجه آن امراض پوست و چشم است که در میان آنها فراوان است. تشعشع شدید آفتاب که از کوه و شن منعکس میشود و عدم حفاظت چشم که از کلاه بی‌لبه ناشی میشود بر شدت امراض چشم می‌افزاید (مقایسه شود با شرح بی‌شاپ).

در ایالت باستانی فارس در ناحیه جنوب و مشرق ناحیه بختیاری مردمانی ساکنند که کرزن (۱۸۹۲a ص ۱۰۳) میگوید که به حالت منشاء خود و درستی و

پاکی زبان و زیرکی خود افتخار میکنند. بدون شك در اینجا بانوی از ایرانیان که کمتر از سایر جاها نژاد مختلط هستند برخوردار می‌کنیم و این مطلب از چهره تیره و ترو قیافه مشخص تر آنها آشکار است و موی قهوه‌ای یا چشم آبی مردم ایالت شمالی در جنوب بندرت دیده می‌شود.^۱

قبائل کوچنده فارس و لرستان بمقیده کرزن (۱۸۹۲۵ جلد ۲ - س ۱۱۲-۱۱۴) « بدو طبقه عمده تقسیم میشوند که عبارتند از لرهای ترك و عرب. قبیله عمده ترك، قشقایی است. من آنها را ترك نامیده ام زیرا از نژاد ترك هستند و روایت بر اینست که از اولاد کسانی میباشد که هولاکو خان از قشقار باین ناحیه کوچ داده است و همچنین آنها را لر خوانده ام زیرا آنها را از قامیل لر دانسته اند و از لحاظ رفتار و ادب و رسوم با بختیارها و کوهگلوها فرق زیادی ندارند. قشقایی‌ها در کوچ دو گانه خود مسافت زیادی طی میکنند. در فصل زمستان در قشلاق خود هستند که گرمسیر یا ناحیه گرم ساحلی است موسوم به دشتان و لارستان و همینکه بهار نزدیک میشود بسمت شمال یا بیلاق خود که نواحی کوهستانی باشد حرکت میکنند^۱

« این قبایل مانند آنهاست که بعد از شرح خواهم داد تحت فرمان رؤسا و خوانینی هستند که از قامیل حاکمه می‌آیند. مقام حاکمه آنها عبارتست از ایلخانی و ایلبگی ...

« قشقاییها زمانی از لحاظ تعداد کثیر و قدرت زیاد داشتند ولی در اثر قحطی سالهای ۱۸۷۱-۱۸۷۲ از تعداد آنها بطور قابل ملاحظه کاسته شد و نیز هر سال عمده زیادی از آنان زندگی بادیه نشینی را ترك کرده و اسکان می‌یابند. علل دیگر انحطاط این قبیله در نامه که بمن نوشته شده بطریق زیر شرح داده شده است:

« همه قبائل قشقایی اکنون تحت ایلبگی داراب خان میباشد. بیست سال پیش تعداد خانوار این قبائل متجاوز از ۶۰ هزار بود و همه تحت فرمان

۱. منابع موثق مربوط به قبائل قشقایی عبارتند از: دیت ابوت Keith Abbott

(نشریه انجمن پادشاهی جغرافیائی جلد ۲۷) و دو بد De Bode

(سیاحتنامه - جلد اول ص ۲۵۶) و استاک E. Stack

(ششماه در میان ایرانیان - جلد اول فصل ۵ و ۶) و اندریاس F.C. Andreas

استاک اشتباه نام آنها را مشتق از کلمه قشماق ترس بمعنی فرار کردن میداند.

محمد قلی خان پدر ایلخان فعلی بودند.

در آن زمان می‌توانستند ۱۲۰ هزار اسب بمیدان بیاورند ولی بعد از مرگ داراب خان اداره امور بدست خانهای کوچکتر افتاد و نفاق و جدائی بین آنها بوجود آمد. در نتیجه در حدود ۵ هزار خانوار به بختیاریها و در حدود همین عده به ایلات خمسه ملحق شدند و در حدود ۴ هزار خانوار خود را در دهات مختلف پخش کردند. باین جهت تعداد خانواده های قشقائی به ۲۵ هزار یعنی تعداد فعلی تقلیل یافت. باید اضافه کنم که این تعداد تقلیل یافته نیز مورد قبول من نیست و مطابق آخرین اطلاعاتی که دارم حتی تردید است بر اینکه تعداد افراد قبیله بیش از ۱۰ تا ۱۲ هزار چادر باشد...

جدول زیر از ایلات قشقائی و عرب فارس متشکل از طوایف مختلف که منابع جداگانه در سالهای اخیر ذکر کرده اند داده میشود. قبائل عرب که تحت نام دسته جمعی خمسه شناخته میشوند از لحاظ تعداد از قبائل ترك کمترند و گفته شده است که از سه هزار چادر زیادتر نیستند. همه آنها در همان ناحیه پراکنده هستند و ادعا میکنند که از اولاد قبیله بنی شریان عربستان باشند...

قبائل فارس و لارستان

قبائل خمسه (عرب)

قبائل قشقائی (ترك)

کرزن	سرهنگ راس	۱۸۹۰	۱۸۷۵
۱۸۹۰	۱۸۸۹	۱۸۷۵	۱ - چادر نشین
باسری	عرب	باسری	کشکولی
نفر	بجری	نپار	دره شولی
بهارلو	نوفر	بهارلو	شش بلوکی
آینه لو	بهارلو	آریالو	فارسی مدان
شیوانی	اپتلو	ابوالوردی	صفاخانی
سفری		عمله شاهی	ایگدار
جباره		ممسنی	علیقلی خانی
		(ترك)	گلزان
		حاجی مسیح خان	کرونی
		ارکبان	قره چائی

داداقائی	بولی
رحیمی	قزلی
کوره شولی	خوانین
ارده شیری	نوکر باب
جعفر بیگی	۲ - ساکن
امامقلی خانی	چهارپنجه
داراب خانی	پابلیسی
عمله ایلخانی	زنگن
بهادرخانی	الله بیگلو
قبادخانی	

از لارستان که بسوی مشرق برویم می‌بیشیم کرزن (a ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۲۴۴) جمعیت کرمان را در حدود ۴۰ هزار نفر تخمین می‌زنند و می‌گویند: «در ۱۸۱۰ پاتینگر Pottinger در آنجا یهودی وارمنی و هندو نیافت ولی اکنون از هر سه ملیت تعدادی وجود دارد. هندوها در حدود چهل نفرند که از لحاظ لباس و ظاهر نیمه ایرانی شده‌اند و اینها بازرگانان شکار پور و سند می‌باشند»

در مورد سیستان کرزن می‌گویند (a ۱۸۹۲ - جلد اول - ص ۲۲۸): این ناحیه در زمان اسکندر کبیر از نظر تاریخ وضع روشنی پیدا کرد و در آن موقع درانگیانا Drangiana (که همان سرزمین سرانگیان Sarangian هرودوت باشد) نامیده می‌شد احتمال می‌رود که اسکندر در موقع حمله به هندوستان از این ناحیه گذشته باشد در حالیکه در مراجعت خودش از ناحیه جنوبی‌تری یعنی از گدروسیا Gedrosia (یا مکران) به کرمانیا (کرمان) آمد و ستون سبکتری تحت فرماندهی کراتروس Craterus از آراچوتیا Arachotia و درانگیانا فرستاد. در زمان سلاطین ساسانی سیستان مرکز مذهبی زردشتیان بود. درباره ایالت بلوچستان ایران کرزن اظهار میدارد (a ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۲۵۸-۲۵۹): «مساحت این ایالت ۶۰ هزار میل مربع تخمین زده شده است... در این مساحت تقریباً همه گونه

۱- در ۱۸۷۸ سرشماری دقیقی توسط حاکم وقت بعمل آمده نشان داد جمعیت این ناحیه عبارتست از ۳۹,۷۱۸ مسلمان - ۱۳۴۱ زردشتی - ۸۵ یهودی و ۲۶ هندو که جمع کل آن ۴۱,۱۷۰ نفر میشد. پاورقی ۲ در صفحه ۱۰۵ است.

منظره آب و هوا مشاهده میشود . ۴ بغیر از صحرای مکران که از ذرات کوچک شن باد آورده تشکیل یافته در بلوچستان و رودخانه های قابل ملاحظه و کوههای بلند و در بعضی نواحی کشتکاری و گیاه و نبات دیده میشود . کوه و رود و درخت در بعضی نقاط به پرتگاههای خشک و دره های بایر تبدیل میشود در نواحی ساحلی حرارت گاهی غیر قابل تحمل است ... در فلات کوهستانی آب و هوا ملایم و مطلوب است ... اکثر ساکنین این ناحیه از قبائل بلوچ میباشند که این ایالت نام خود را از آنها گرفته است و ادعا میکنند از نژاد عرب و از قبیلۀ قریش هستند و میگویند در اواخر قرن هفتم میلادی اجداد آنان از حوالی حلب مهاجرت کردند و طبق روایات یزید خلیفۀ اموی، بعثت آنکه از امام حسین شهید طرفداری کردند، آنها را اخراج کرد و مجبور بمهاجرت شدند . ولی از مهاجرت و مسافرت آنان و یا از مردمیکه در موقع ورود خود باین ناحیه یافتند هیچگونه سند تاریخی وجود ندارد، ولی شواهد متعدد از قبیل قیافه و زبان آنها که آریائی و شبیه پهلوی و فارسی باستان است دال بر آنستکه نظریه عرب بودن آنها را باید مردود و آنها را غیر عرب دانست^۱ . از طرف دیگر پاتینگر Pottinger

۱ . دکتر بلیو در (تحقیق درباره نژاد شناسی افغانستان مورخ ۱۸۹۱) بلوچها را با بالجا Balaecha قبیلۀ چوهان راجپوت که در اصل ساکن ناحیۀ نوشکی بودند یکسان میدانند . قبیلۀ که با سامی مختلف از قبیل کروش و کریش و بقیه پساورقی در صفحه بعد

پاورقی صفحه ۱۰۴

۲ . مهمترین منبع تاریخ اولیه و ساکنین سیستان مقاله رالینسون تحت عنوان (یادداشت های سیستان) میباشد که در نشریۀ انجمن پادشاهی جغرافیائی (جلد ۶۳ - ص ۲۷۲-۲۹۴ مورخ ۱۸۷۳) چاپ شده است . همچنین رجوع شود بشرح مختصر و عالی بقلم دکتر بلیو Dr. Bellew تحت عنوان (از سند تا دجله) ص ۲۴۸-۲۶۲ و (تحقیق در نژاد شناسی افغانستان) مورخ ۱۸۹۱ . ساکنین عمدۀ فعلی سیستان ایران عبارتند از سیمتانیها که در میان قبایل مختلف ناحیه حالت بردگی و فرمانبرداری دارند . این قبایل عبارتند از کیانی ها که خود را از اولاد سلسلۀ کیانی کوروش میدانند . و کردگالی ها که طایفۀ ای از کردهای کردستانند که باین ناحیه مهاجرت کرده و سلسلۀ ملک کردگور را تشکیل دادند . ۱۲۴۵ - ۱۳۸۳ میلادی ؛ عناصر ایرانی مانند تاجیکها و بلوچها که قبایل عمدۀ ساکن سیستان آنها سربندی و شاهرگی میباشند . سربندیها را تیمور به همدان انتقال داد ولی نادرشاه آنها را برگردانید . رجوع شود به کرزن (۱۸۹۲ a) - جلد اول - ص ۳۷۹ - ۵۹۱ و ۶۱۲ .

آنها را از نژاد ترکمن یا ترک سلجوق میدانند . اگرچه از لحاظ تعداد مهمترین قبیله بلوچستان هستند از حیث تفوق سیاسی و اخلاقی از قبائل کوچکتر کسرد و نوشیروانی عقب ترند . نوشیروانیها ادعا دارند که از اولاد انوشیروان پادشاه ساسانی هستند ولی در واقع نام آنها از ناحیه نزدیک اصفهان که از آنجا به بلوچستان مهاجرت کردند گرفته شده است . در حالیکه مثلاً در دشتیاری قومی وجود دارد که از نژاد هندو هستند و اجداد آنها بدون آنکه خود آنها اطلاع داشته باشند از سند آمده اند و زبان آنها شامل کلمات هندی است . در تمام این ناحیه عدد زیادی هستند که با عناصر افریقائی مخلوطند و علت آن ورود عدد قابل ملاحظه ای برده و غلام از مسقط و زنگبار است . يك فرد بلوچی معمولی... باندازه افغان وحشتناک و قوی نیست ولی مانند افغانها موی سیاه بلند مجعد دارد که با روغن آنرا چرب میکنند . در بعضی قسمتهای این ناحیه بلوچها در حال عقب ماندگی عجیب که دست کمی از حال وحشیگری بدوی ندارد زندگی میکنند... از نظر سیاسی دو احساس قوی دارند یکی تمایل شدید با استقلال عشایری و دیگری نفرت و انزجار ناگفته از ایرانیها که آنها را قاجار که نام سلسله فعلی ایران است مینامند .

کرزن (۱۸۹۲ a - جلد ۲ - ص ۲۶۰) از يك منبع ایرانی نقل کرده و میگوید که جمعیت بلوچستان ایران در حدود ۲۵۰ هزار نفر است که بمقیده او تخمین نسبتاً صحیحی است .

کرزن (۱۸۹۲ a - جلد ۲ - ص ۲۶۲-۲۶۳) میگوید سروان جنینگز Jennings در سرحد ، در شمال بلوچستان را ، ساکن از قبائل بلوچی و کرد و

بقیه پاورقی صفحه قبل

قوریش و قریش نامیده شده اند و در حوالی سند پراکنده اند همان قبیله راجپوت شامی کروش یا کروج یا کرش هستند . وقتی این قبایل بدین اسلام مشرف شدند نام خود را به قریش تبدیل کردند . خود را از نژاد عرب دانستند تا حقیقت را پنهان دارند . بنابراین بلیو بلوچها را از راجپوت های هندوستان میدانند و زبان آنها را زبان هندی مخلوط بفارسی میخوانند . رندها Rinds که شعبه ای از نژاد بلوچ شناخته میشوند در حقیقت از قبیله ای هستند که بلوچها یکی از شعبات آن میباشند و نام آنها از رن یا رون کوچ مشتق است که همان آریانای سنسکریت ، بمعنی بیابان است .

اشارات تاریخی درباره مردم ایران - ۱۰۷

براهوئی یافت و جمعیت آنرا ۱۳۵۰۰ خانوار گفت^۱ که همه سنی بودند ... سرحد تعداد زیادی گوسفند و بز بوجود می‌آورد و در آنجا مقادیر زیادی درخت گز و علف ترنجبین یا خارشتر و انغوزه می‌روید مرکز عمده آن دشت است که قریه بزرگی است که ساکنین آن کرد هستند.

بعقیده کرزن (۱۸۹۲۵ - جلد ۲ - ص ۲۴۰-۲۴۱) جمعیت یزد که از قرار معلوم در اوایل قرن صد هزار نفر بود و در دهه ۱۸۶۰-۱۸۷۰ به ۴۰ هزار نفر تقلیل یافت اکنون اگر حوالی شهر بحساب گذاشته شود رو باز زیاد گذاشته و برقم اوایل قرن رسیده است جمعیت خود شهر بین ۷۰ تا ۸۰ هزار نفر تخمین زده میشود . این جمعیت شامل عناصر مختلف است . جمعیت یهودی شهر به دو هزار نفر تخمین زده میشود (یهودیها مجبورند وصله ای جلوی کت خود قرار دهند و بوسیله این علامت مشخص میشوند) . عده ای هندو در شهر وجود دارند که به تجارت مشغولند و عده آنان کم و زیاد میشود (سرف - اشمیت در ۱۸۶۶ هفده نفر و در ۱۸۷۱ پنج نفر هندو یافت) و نیز عده نسبتاً زیادی گبر یا پارسی وجود دارد... تعداد آنها را بروایات مختلف بین ۳۵۰۰ تا ۷۰۰۰ نفر در دوره های مختلف قرن تخمین زده اند و ساکنین شهر ونواحی روستائی و جمعیت کل هر دو به تناوب جزء جمعیت شهر محسوب شده است.^۲ در داخل شهر پارسیها یازردشتیان دارای مدارس مخصوص بخود و موبدموبدان و رئیس غیر مذهبی و چهار آتشکده هستند که در اختفا و خانه های خصوصی خود شعله جاویدان را زنده نگاه میدارند^۳ و چندین برج خاموشان یا قرارگاه مردگان در تپه های مجاور دارند.

در مورد خراسان کرزن میگوید (۱۸۹۲۵ جلد ۱ - ص ۱۷۹) جمعیت این ایالت مانند خصوصیات طبیعی آن مختلف و متنوع است . امواج متوالی حملات اقوام مختلف

۱ . این رقم البته اشتباه است . از طرف دیگر تخمین میرزا مهدی خان ۱۴۲۵ خانوار است .

۲ . در ۱۸۷۹ ژنرال شیندلر جمعیت پارسی شهر را ۱۲۴۰ نفر و ۲۶ دهات اطراف را ۵۲۴۰ نفر یافت که جمماً ۶۴۸۰ نفر میشوند - رجوع شود به « پارسی های ایران » در Zeit. d. M.G. مورخ ۱۸۸۲ .

۳ . این اشاره ایست به « آتشکده جاویدان یزد » که در نوشته مور Mooie دیده میشود .

مشاهده میکنیم که از لحاظ نژاد و مذهب متعلق بقبائل چهار ایملک یا قبائل سرگردان مرزافغان میباشد^۱ و اینها جمشیدیها و هزاره‌ها هستند. جمشیدیها در اصل ایرانی هستند ولی قسمت عمده آنان سالها پیش خاک ایران را ترک کرده و در افغانستان سکنی گزیدند. بقیه بعد از محاصره هرات در سال ۱۸۵۲ مراجعت داده شده و در خانه گشائزدیک مشهد مستقر گردیدند و مقرر گردید تعدادی سر باز به قشون ایران بدهند... اینها از نژاد ایرانی هستند و بزبان فارسی تکلم میکنند... ولی هزارها از نژاد ایرانی نیستند و از قامیل تورانیانند و قیافه مغولی آنها و چشمان کج و ریش کوسه آنها دال بر این مطلب است. بعضی از آنها در حوالی مشهد سکونت دارند ولی اکثر آنها در ناحیه جنوبی تردد محسن آباد در ناحیه باخزر زندگی میکنند. از خصوصیات جالب توجه آنان اینکه اگر چه از حیث خون و مذهب با ایرانیان فرق دارند زبان آنها فارسی است مذهب آنها سنی است. . .

در کلات ناصبری که در ۸۰ کیلومتری شمال مشهد است بمقیده کرزن (۱۸۹۲ا - جلد ۱ - ص ۱۳۹) ساکنین آن ترک هستند که بقبایل جلایر و پنجت تعلق دارند و تعداد کمی عرب و کرد نیز در میان آنها دیده میشود. تعداد کل آنها از ۱۰۰۰ منجاوز نیست و در دوقریه که در دره که جویباری در آن جاری است و از کلات میگذرد و درش دهکده کوچک بر فراز تپه زندگی میکنند.

طبق نظر کرزن (۱۸۹۲ ا - جلد ۱ - ص ۳۹۲) طایفه قاجار^۲ در ناحیه استرآباد مسکن دارند و آنها قومی هستند که اصل و منشأ خود را از جفت پسر نوح میدانند. حتی اگر صحت این ادعا را مورد تردید بدانیم نمیتوان انکار

۱. «چهارایملک چنانکه از نام آن پیداست در اصل از چهار قبیله جمشیدی و

فیروزکوهی و تیموری و تیمونی متشکل بود بعداً دو قبیله دیگر یعنی هزاره و کیچک بآنها اضافه شد. قبائل فیروزکوهی و تیمونی و کیچک که دونای اول گفته میشود از نژاد ایرانی هستند اکنون در ایران وجود ندارند ولی افراد چهارشنبه دیگر پیدا میشوند. طبقه بندی دکتر بلیوفرق دارد. او چهارایملک اصلی را متشکل از تیموری و تیمونی و داهی و سوری میداند و جمشیدی و فیروزکوهی را از شعبات تیموری بحساب میآورد و هزاره را مترادف با داهی میداند.

۲. (سلسله قاجار) ترجمه از نسخه خطی فارسی توسط سرهارفورد چونز

بریجز Sir Harford Jones Brydges مورخ ۱۸۳۳. مقایسه شود با شرح بقلم

موریه در نشریه انجمن پادشاهی جغرافیائی جلد ۷ - ص ۲۳۱.

کرد که در طی ۷۰۰ سال از قاجارها در تاریخ نام برده شده است .
یکی از رؤسای این قبیله بعنوان عامل اولادچنگیزخان بر ناحیه وسیعی
ازری گرفته تا رود جیحون حکومت میکرده گفته شده است که تیمور آنها را به
سوریه تبعید کرد ولی بعداً آنها را مجبور بمراجعت نمود . قبائل قاجار بعدها
بطرفداری سلاطین صفوی برخاستند و در گرفتن تاج و تخت بآنها کمک کردند و
در عوض جزو قزلباشها در آمدند . بیک روایت مادر شاه اسمعیل از قاجار
بود^۱ .

رو مغرب که حرکت کنیم به طهران پایتخت کشور میرسیم که بعقیده کرزن
(۱۸۹۲a - جلد ۱ - ص ۳۳۳) جمعیت آن بین ۱۷۵۰۰۰ تا ۲۲۰۰۰۰ تخمین
زده میشود . وی میگوید در بین آنها ۴،۰۰۰ یهودی و یک هزار ارمنی وجود
دارد .

در سمت شمال ایالات ساحلی مازندران^۲ و گیلان^۳ قرار دارد و این
دو ایالت محل سکونت بعضی از جالب توجه ترین مردم ایران است . احتمال
میرود که در دهکده های کوچک این ایالات حتی در حال حاضر باقیمانده مهاجرین
دوره باستان که از آسیای مرکزی آمدند وجود داشته باشد . کرزن (۱۸۹۲a - جلد
۱ - ص ۳۶۴) جمعیت این دو ایالت را بین ۱۵۰،۰۰۰ تا ۲۵۰،۰۰۰ میدانند
و میگوید فریزر Fraser ساکنین این ناحیه را مردمانی «قوی هیکل و خوش اندام
توصیف کرده و کودکان آنها را مخصوصاً زیبا میدانند . از بین دو قوم مازندرانیهاتیره
تر و سیاه ترند ... مازندرانیهها را معمولاً کم هوش و کند ذهن دانسته اند... گفته
میشود که اهالی بومی این ناحیه از نژاد مادهای باستانی هستند و لهجه فارسی

۱ - مسترو اتسون در کتاب تاریخ ایران این عقیده را اظهار میدارد ولی من
همیشه اینطور شنیده ام که مادر شاه اسمعیل مارتا دختر ازون حسن رئیس قبیله آق قوینلو
وزن مسیحی وی دسپوینا Despoina دختر کالویو هانس امپراطور طرابوزان بود .
۲ - کلمه مازندران مشتق است ازماز که بزبان پهلوی بمعنی کوهستان است
و اندرون یعنی ناحیه گود بین کوه و دریا (رجوع شود به کرزن - ۱۸۹۲a - جلد ۱ -
ص ۳۵۴-۳۵۵) .

۳ - مارکوپولو (فصل چهارم) دریای خزر را Mer de Gheluchelan
(یعنی گل یا گلان) نامید کرزن . (کرزن - ۱۸۹۲a - جلد ۱ - ص ۳۵۵) .

آنها درهرایالت کمی با هم فرقی دارد و يك لهجهٔ سومی که بیش از دولهجهٔ دیگر دارای کلمات پهلوی است و درارتفاعات طالش بآن تکلم میشود .
 قطعات منتخبه ازکرزن که به ترتیب جغرافیائی قرار داده شده تا بیشتر مورد استفاده مردم شناسان طبیعی قرارگیرد در اینجا خاتمه می یابد. فهرست اعلام فصل سوم (ص ۶۰۱-۶۵۱) خواننده را دریافتن اشارات به نواحی و قبائل مختلف کمک خواهد کرد .

۱۸۹۴- ن. پ. دانیلو N. P. Danilov مدت پنج سال بعنوان پزشک سفارت کبری روس در ایران بسربرد . قطعاتی ازگزارش مفصل و جالب توجه وی نقل میشود که دارای اطلاعات مردم شناسی و اندازه گیری جمجمهٔ انسانی است که اغلب ازسربازان گرفته است . متن گزارش وی که ازکتابخانهٔ موزه پیبادی دانشگاه هاروارد بامانت گرفته شد توسط ریمسکی کورساکف برای منتخبات مربوط باین کتاب ترجمه و تلخیص شده است .

دانیلو (ستون ۱۰-۱۹ و ۲۶-۲۸) دربدو امر متذکر میشود که در ازمنهٔ ماقبل تاریخ آریاها درنقاط مختلف ایران با مردمانی روبرو شدند که از لحاظ خصوصیات جسمانی با آنها فرق داشتند. مثلا در ناحیهٔ جنوبی ایران پوست تیره و لب کلفت تر و موی مجعدتر از مردمان ناحیهٔ شمالی داشتند . دردوره های بعد آریائیها با مردمان نژاد سامی مانند آسوریها و عربها و یهودها و با مردمان ساکن آسیای صغیر و یونان و همچنین با افراد قبائل ترك و مغول مخلوط شدند .

بملاوه بدون شك محیط در خصوصیات جسمانی انسان اثر خود را باقی گذاشت . درموارد بسیاراختلافات زبان و آداب و رسوم و مذهب با اختلافات جسمانی و مردم شناسی ارتباط ندارد . دانیلودادن صورت و فهرست همهٔ قبائل بادیه نشین را زائد دانسته و بشرح طبقات عمده اکتفا میکند .

ساکنین آذربایجان بزراعت و گل کاری و حشم دارای اشتغال دارند . مردمانی هستند قوی بنیه و بلند قد دارای چشم سیاه و موی مشکی و بلهجهٔ ترکی آذربایجانی تکلم میکنند و بهمین جهت آنها را تاتارهای آذربایجانی خوانده اند، ولی با تاتارهای آسیائی شباهت زیادی ندارند و حتی میتوان گفت که نوع جسمانی

۱ - در قرن دهم میلادی الاستحری نوشت : درطبرستان لهجهٔ مخصوصی دارند که نه فارسی و نه عربی است و در بعضی نقاط دیلم زبان آنها قابل فهم نیست.

خالستر و متحدالشکلتراز سایر قبایل دارند و این خصوصیات را بیش از دیگران حفظ کرده اند . مذهب آنها شیعه است .

ایالت خمسه محل سکونت قبایلی است که دارای خصوصیات معمولی ایرانی میباشند و همچنین قبائل نیمه بادیه نشین که دارای بعضی صفات و خصوصیات منول هستند که در عرض صورت و عرض پره بینی دیده میشود و عرض سر آنها با مقایسه با طول آن زیادتر است . دانیلو فقط عده کمی از افراد قبایل بابلی را اندازه گیری کرده است .

مردم طالش که در ناحیه ساحلی دریای خزر زندگی میکنند به لهجه ایرانی تکلم مینمایند . بین گیلانیها و مازندرانیها از لحاظ زبان و خصوصیات جسمانی اختلاف زیادی وجود ندارد . قد آنها متوسط و رنگ مو و چشم آنها روشن تر از ساکنین فلات ایران است . از خصوصیات دیگر آنها رنگه پریدگی و تنبلی است که شاید در اثر زندگی در نواحی ناسالم با اطلاق و مزارع برنج آن ناحیه است . در ناحیه کوهستانی مازندران دو نوع مردم بومی وجود دارد . یکی قوی و دارای موی ناصاف و دیگری باریک و دارای صورت لاغر و بینی منحنی و چانه نوک تیز و موی فروان و چشم سیاه . باید خاطر نشان کرد که در این ناحیه در ادوار مختلف مردمان از نژاد یهود و ارمنی و کرد و افغان ساکن بوده اند . علاوه بر بعضی قبایل بادیه نشین گروه اصلی ساکن خراسان تاجیک هستند که شاخص سر آنها با شاخص سر ایرانیان کاملاً فرق دارد زیرا نوع سر آنها کوتاه و پهن است و از این حیث بیشتر شبیه آرامنه و یهودیها و آسوریها و منولها میباشد .

ایلات یا قبایل بادیه نشین بین جمعیت اسکان یافته ایران پخش هستند . کردها را که در ایالت کرمانشاه و کردستان ساکنند باید بعلت تشابه زبان و شکل سر از ایرانیان دانست . کردهای مرکز ایران از لحاظ نخوت و سر بلندی و بینی عقابی و گونه برجسته با سایر قبایل فرق دارند و نماینده دوره تحول بین بادیه نشینی و شهر نشینی میباشد .

تا آنجا که میتوان از مشاهده تعداد کمی از افراد لر قضاوت کرد مذهب و نوع خصوصیات جسمانی میرساند که لرها از خالصترین قبائل ایرانی میباشد . بختیاری ها که نژاد مخلوطی هستند سر کوتاه دارند و از این حیث بعد از تاجیکها واقع میشوند . شوشیها که نیمه سیاه هستند در ناحیه شمال غربی شیراز سکنی دارند .

آسوریها و کلدانیها و آرامنه مغرب ایران دارای سر کوتاه و پهن هستند در حالیکه گبرها یا آتش پرستان منسوب به پارسیهای هند سردر از دارند. قبائل ترك بحدی بانزادهای دیگر مخلوط شده‌اند که با شکل میتوان آنها را در يك گروه مردم‌شناسی جدا قرارداد و شعبات آنها با هم اختلاف فراوان دارند. احتمال میرود که بعضی از قبائل ترك جنوب ایران با سیاهپوستان مخلوط شده و بعضی از خصائص آنها را مانند بینی کوتاه و پهن و چهره تاریک و قد کوتاه بخود گرفته‌اند. آنها خودشان را سیاه میخوانند (رجوع شود به کتاب ویلسون ۱۹۳۲۵ - ص ۳۴).

یکی دیگر از قبایل ترك که نام ترکی خلیج را حفظ کرده در ناحیه مزلقان در نزدیکی طهران سکنی دارند و اسم آنها در فهرست قبایل تحت نام مزلقانی ثبت شده است. اغلب آنها سردر از دارند. از آنجائیکه در بین آنها سر کوتاه تقریباً بکلی از بین رفته است گفته شده است که افراد این قبیله بطور قابل ملاحظه با ایرانیان مخلوط شده‌اند. بطور کلی میتوان گفت که قبائل اسکان یافته مرکز ایران بهمان نوع تعلق دارند که در آن عناصر و خصوصیات ایرانی تفوق دارد ولی در ناحیه شمالی عناصر و خصوصیات ترك و مغولی و در جنوب خصوصیات سیاهپوستان را کسب کرده و در بعضی نقاط با انواع دیگر مخلوط شده‌اند. اندازه گیریها شامل يك گروه مخصوص یعنی اشتهاردیها نیز میباشد که بیک لهجه قدیمی فارسی تکلم میکنند که قبائل مجاور از درك آن عاجزند. نسبتاً قد بلند دارند و در ناحیه اطراف اشتهارد که در ۶۵ کیلومتری جنوب شرقی قزوین واقع است سکونت دارند. نویسنده اضافه میکند در نام قبائل که از طرف نویسندگان مختلف ذکر شده تضادهای و اختلافاتی دیده میشود. مثلاً قبیله‌ای بنام عجمی اصلاً وجود ندارد. در زبان عربی کلمه عجم یعنی بیگانه و اعراب این کلمه را بهمه کسانی که عرب نبودند اطلاق میکردند و عجمی یعنی ایرانی یا جمعیت شهر نشین ایران.

در بین ۱۵۲ فرد که مورد مشاهده واقع شدند رنگ پوست آنها قهوه متمایل به زرد بود. افرادی که تحت تأثیر نور شدید آفتاب قرار نگرفته بودند مانند زندانیان یا بیماران بیمارستان رنگ پریده تر داشتند، همین مطلب در مورد زنان شهر نشین صدق میکند زیرا بیش از مردان از تابش نور آفتاب در امان بودند. دانیلو مشاهدات خود را طبق مقیاس بروکا Broca^۱ قرار داده و به نتیجه زیر میرسد.

شرح پاورقی صفحه ۱۱۴ و ۱۱۵ در صفحه ۱۱۵ بخوانید

شماره	تعداد افراد
۲۳ + ۳۳ ، ۳۳ ، ۴۰ ، ۴۵	۸۲
۴۶ + ۴۷ ، ۴۷	۳۴
۳۳ + ۴۷ ، ۴۶	۶
۲۳ ، ۵۴	۲۳
۴۴	۱
۳۹	۱
جمع	۱۴۷

مشاهدات مزبور در قسمت‌های پوشیده بدن بعمل آمد و قسمت‌های باز و در معرض آفتاب قدری تیره تر است. تا آنجا که ممکن بود شماره ها به ترتیب گروه داده شده است .

رنگ حقیقی موی سروریش فقط در مورد ۵۴ نفر قابل تشخیص بود زیرا اغلب افراد موی خود را با حنا رنگ میکنند بجز یک استثنا موی سر سیاه بود و بین شماره ۴۳ و شماره ۴۸ قرار میگرفت و اکثریت بطبقه اخیر تعلق داشتند. پنج نفر دارای موی سراز طبقه ۴۳ بودند که کمی متمایل بقرمز بود. یک فردا شتهاردی دارای موی سر شماره ۴۳ و ریش قرمز رنگ شماره ۴۴ بود . افراد دارای موی بور بندرت دیده شد و فقط یک زال دیده شد که اهالی محل با احترام با او رفتار میکردند .

در مورد مقدار مو ۶۹/۱ درصد موی بدنشان زیاد بود . در بین افراد کمتر از سی سال مقدار مو از حد متوسط کمتر بود و موی سفید بندرت قبل از این سال ظاهر میشد . روی بازو و ساق پا مقدار مو کم بود .

شرح پاورقی صفحه قبل

۱ - بموجب «اندازه گیری مردم شناسی» بقلم هردلیشکا A.Hrdlicka یاد داشت صفحه ۵۹ مقیاس بروکا Broca برای مقایسه رنگ پوست برای اولین بار در مقاله تحت عنوان «دستورهای کلی برای تحقیقات مردم شناسی» (نشریه انجمن مردم شناسی - پاریس - مورخ ۱۸۶۴ - جلد ۲ - چاپ دوم) چاپ شد و بعداً بمقیاس بزرگتر در «دستورات برای جمع آوری اطلاعات و نمونه های مردم شناسی طبیعی» در نشریه موزه تاریخ طبیعی آمریکا شماره ۳۹ واشنگتن مورخ ۱۹۰۴ تجدید چاپ گردید .

مقدار مو	تعداد افراد	درصد
کمتر از متوسط	۴۷	۳۰/۹
متوسط	۹۸	۶۴/۵
زیاد	۷	۴/۶
جمع	۱۵۲	۱۰۰

طبق مشاهدات وی کرد ها (۸۴/۲ درصد) و مزلقانیها (۸۱/۸ درصد) پرموتر از همه و ایرانیان (۶۰/۹ درصد) کم موتر از همه بودند .

موی ریش را فقط بعد از سی سالگی میشد متوسط محسوب داشت. معمولا در سن ۵۰ سالگی افراد بومی ریش بلند پیدا می کردند. مقدار ریش بطریق زیر ثبت شده است: بدون ریش (۲۱/۱ درصد) کمتر از متوسط تا متوسط (۲۳/۹ درصد) و زیاد (۵۵ درصد) . سبیل بخود را معمولا اصلاح می کردند اطفال بندرت موی سر خود را اصلاح مینمودند و بزرگسالان سر خود را بجز کنار سر که آنرا زلف می نامند می تراشیدند و جوانان بزلف خود توجه مخصوص مبذول میداشتند. این قسمت زلف تا حدی شبیه زلف یهودیان ولی کوتاهتر است .

دراکثر افراد (۸۷/۵ درصد) موی سر موجدار و در ۱۰/۴ درصد صاف و فقط در ۲/۱ درصد مجعد است و این خصوصیت در بین آذربایجانیها و اشتهاردیها دیده نمیشود . جدول زیر شکل مورا از لحاظ سه طبقه بندی فوق نشان میدهد .

گروه	صاف	موجدار	مجعد
آذربایجانی	۲۰/۶	۷۹/۴ درصد	...
اشتهاردی	...	۱۰۰ درصد	...
کرد	...	۹۴/۷ درصد	۵/۳ درصد
مزلقانی	۱۰ درصد	۸۵ درصد	۵/۳ درصد
ایرانی	۱۴/۶ درصد	۸۲/۹ درصد	۲/۵ درصد

در رنگ چشم بیش از رنگ مو تنوع وجود دارد . دانیلو افراد دارای چشم آبی روشن یا تیره مشاهده نکرد و در اغلب موارد (۹۴/۷ درصد) چشم دارای انواع مختلف رنگ قهوه ای بود . در مورد ۷۹/۵ درصد افراد رنگ چشم بمقیاس بروکا Broca شماره ۱ یا شماره ۲ بود و ۱۳/۲ درصد چشم قهوه ای روشن و ۲- درصد (۳ نفر) چشم خاکستری رنگ و ۳/۳ درصد چشم متمایل بسبز و یک نفر

اشارات تاریخی درباره مردم ایران - ۱۱۷

(۷/۰ درصد) چشم سبز داشت. در بین ۱/۳ درصد افراد دارای چشم قهوه‌ای، دایره تاریکتری مشاهده میشد.

کلفتی لب بطریق زیر ثبت شده است: کمتر از متوسط (۲/۱۳ درصد)، متوسط (۹/۵۷ درصد) و کلفت (۹/۲۸ درصد) و از لحاظ گروه‌های مختلف در جدول زیر نمایانده میشود.

گروه	کمتر از متوسط	متوسط	کلفت
آذربایجانی	۲۳/۵ درصد	۵۲ درصد	۲۳/۵ درصد
ایرانی	۶/۵	۵۲/۲	۴۱/۳
کرد	۵/۳	۶۸/۴	۲۶/۳
اشتهاردی *	۱۲/۹	۶۸/۴	۲۲/۶
مزلقانی	۱۸/۲	۵۹/۱	۲۲/۷

* جمع این درصد ۱۰۳/۹ میشود.

دندان *

گروه	اندازه			وضع			بمبستگی	
	بزرگ متوسط کوچک	متوسط	کوچک	حوب	متوسط	بد	له تاله	ربادتر
	%	%	%	%	%	%	%	%
کرد	۵/۶	۷۲/۲	۲۲/۲	۴۷/۴	۳۶/۸	۱۵/۸	۷۷/۸	۲۲/۳
آذربایجانی	۲۳/۵	۵۸/۸	۱۷/۶	۵۸/۸	۲۳/۵	۱۷/۶	۷۹/۴	۲۰/۶
اشتهاردی	۱۶/۱	۵۴/۸	۲۹/۰	۵۸/۱	۳۲/۶	۱۹/۴	۸۳/۹	۱۶/۱
مزلقانی	۱۸/۲	۴۰/۹	۴۰/۹	۳۱/۸	۴۰/۹	۲۷/۳	۸۶/۴	۱۳/۶
ایرانی	۳۱/۱	۶۶/۷	۱/۲	۶۷/۴	۱۷/۴	۱۵/۲	۹۱/۱	۸/۹
همه گروه‌ها	۲۱/۳	۵۹/۳	۱۶/۳	۵۵/۹	۲۵/۷	۱۸/۴	۸۴/۷	۱۵/۳

* چون دانیلو در هر طبقه تعداد افراد را ذکر کرده برای مطابقت با

سایر جدول‌ها ارقام درصد محاسبه گردید.

مشاهدات آشکار کرد که ۳/۲۱ درصد افراد دندان درشت و ۳/۵۹ درصد

دندان متوسط و ۳/۱۹ درصد دندان ریز داشتند. دندانهای ایرانیها از همه درشت و

دندانهای مزلقانیها از همه ریزتر بود در بین مزلقانیها فاصله بین دندانها نیز زیاد است.

وضع دندان در ۹/۵۵ درصد افراد خوب و در ۷/۲۵ درصد متوسط و در ۴/۱۸ درصد

معیوب و گرم خورده است. علت عمده خرابی دندان ایرانیان بیماری فساد خون میباشد

که احتمال میرود در اثر زندگی در نقطه مرتفعتر از سطح دریا حادث شود. در

مورد بهم پیوستگی یا گاز دندان $۸۴/۷$ درصد لبه تالیه و $۱۵/۳$ در صد کمی شدیدتر است. در هیچ مورد بهم پیوستگی مفرط دیده نشد.^۱

در مورد چاقی و لاغری، ایرانیها معمولاً در طبقه متوسط قرار میگیرند در حالی که افراد طبقه کارگر و کسانی که در رشته سوار نظام هستند نسبتاً لاغر و حد متوسط کمترینند. افراد چاق و فربه در افراد طبقه متمول بیشتر دیده میشوند.

گروه	کمتر از متوسط	متوسط	سنگین
	%	%	%
آذربایجانی	۱۴/۴۷	۷۹/۶۳	۵/۹
اشتهاردی	۱۹/۴۰	۸۰/۶۰	...
کرد	۲۱/۱۰	۷۸/۹۰	...
مزلقانی	۲۷/۳۰	۶۳/۷۰	۹
ایرانی	۳۴/۸۰	۶۵/۲۰	...

در فصل مربوط به قد دانیلو همه اطلاعاتی را که در منابع مختلف بدست آورده بود بکار برده است و نتایجی که بدست آورده بر اساس اندازه گیری ۴۶۳ فرد ایرانی و آذربایجانی و کرد که اشخاص زیر ثبت کرده اند قرار دارد: دانیلو (۱۵۲)، شانتر Chantre (۲۱۵)، پانتیوکف Pantiukhov (۵۱)، ناسونف Nasonov (۱۸)، هوسی Houssay (۲۱)، و فدچنکف Fedchenko (۶). از ستونهای جدولهای صفحات (۱۱۸ - ۱۱۹) که عده کل افراد هر طبقه را نشان میدهد معلوم میشود که اکثریت مردها در طبقه متوسط قرار گرفته اند ولی بین دو حد، اختلاف قابل ملاحظه دیده میشود یعنی حد اکثر ۱۹۱ (که آذربایجانی است) و حداقل ۱۴۰ (که يك ایرانی شوشی است). بطور کلی تقلیل از ارقام متوسط به حد منتهی الیه کاملاً طبیعی و عادی است. ولی بخش کلی در مورد حد بالامنظم تر از حد پائین است که در آن بعلت کوتاه بودن قد همه ایرانیان بآن اندازه منظم

۱ - علت اینکه تعداد افراد دارای دندانهای لبه به لبه پیوسته آنقدر زیاد است اینست که دانیلو مقیاسی بکار برده است که با مقیاس مورد استعمال حال حاضر فرق زیاد دارد.

اشارات تاریخی درباره مردم ایران - ۱۳۱

در مورد ارقام مربوط به شاخص سردانیلو (ستون ۴۵) اطلاعات خود را درباره ۱۵۲ فرد با اطلاعات محققین دیگر تکمیل کرد بطوریکه رویهمرفته در باره ۵۶۱ فرد ارقام مربوطه را جمع آوری کرد.

کرد		آذربایجانی		اشتهاردی		مزلقانی		ایرانی		جمع	
شماره	درصد	شماره	درصد	شماره	درصد	شماره	درصد	شماره	درصد	شماره	درصد
۷۱۱۲-۶۹/۲	۰۰	۰۰۰۰	۲	۵/۹	۰۰	۰۰۰۰	۰۰	۲۲	۱	۳	۲
۷۳/۳-۷۱۱۳	۲	۱۰/۵	۷	۲۰/۶	۰۰	۰۰۰۰	۲	۹/۱	۲	۱۳	۸/۶
۷۵/۴-۷۳۱۴	۲	۱۰/۵	۹	۲۶/۵	۲	۶/۴	۵	۲۲/۷	۱۱	۲۹	۱۹/۱
۷۷/۵-۷۵۱۵	۷	۳۶/۸	۶	۱۷/۶	۳	۹/۷	۶	۲۷/۳	۱۰	۳۲	۲۱/۷
۷۹/۶-۷۷۱۶	۴	۲۱/۱	۵	۱۴/۷	۱۱	۳۵/۵	۸	۳۶/۴	۸	۲۶	۲۳/۷
۸۱/۷-۷۹/۷	۲	۱۰/۵	۱	۲/۹	۷	۲۲/۶	۱	۴/۵	۴	۱۵	۹/۹
۸۳/۸-۸۱/۸	۱	۵/۳	۲	۵/۹	۲	۶/۴	۰۰	۰۰۰۰	۳	۸	۵/۲
۸۵/۹-۸۳/۹	۰۰	۰۰۰۰	۱	۲/۹	۳	۹/۷	۰۰	۰۰۰۰	۴	۸	۵/۲
۸۸/۰-۸۶/۰	۰۰	۰۰۰۰	۱	۲/۹	۳	۹/۷	۰۰	۰۰۰۰	۲	۶	۳/۹
۸۹/۰-۸۸/۱	۱	۵/۳	۰۰	۰۰۰۰	۰۰	۰۰۰۰	۰۰	۲/۲	۱	۲	۱/۳
جمع	۱۶	۱۰۰	۳۴	۹۹/۹	۳۱	۱۰۰	۲۲	۱۰۰	۴۶	۹۹/۹	۱۵۲

۷۷/۹	۷۸/۴	۷۶/۵	۸۰/۴	۷۶/۰	۷۷/۷	میانگین
۸۹/۰	۸۸/۴	۷۹/۸	۸۷/۸	۸۷/۸	۸۹/۰	حداکثر
۶۹/۲	۶۹/۲	۷۲/۴	۷۵/۰	۶۹/۵	۷۲/۸	حداقل
۱۹/۸	۱۹/۲	۷/۴	۱۲/۸	۱۸/۳	۱۶/۲	تغییر

نویسنده	شاخص سر	طبقه
—	۷۰/۱	نیمه سردراز (x-۷۵/۰۰)
—	۷۳/۶	گبر
—	۷۳/۶	لر
—	۷۳/۶	سردراز (۷۷/۷۷-۷۵/۰۱)
هوسی	۷۵/۷	ایرانی
پانتیوکف	۷۵/۷	ایرانی
دانیلو	۷۶/۰	آذربایجانی
—	۷۶/۵	مزلقانی
فدچنکف	۷۶/۸	ایرانی

پانتیوکف	۷۷/۶	کرد
دانیلو	۷۷/۷	کرد
شانتر	۷۷/۷	کرد
سربا اندازه متوسط (۷۷/۷۸-۸۰/۰۰)		
شانتر	۷۷/۸	ایرانی
شانتر	۷۸/۱	آذربایجانی
—	۷۸/۱	کرد
—	۷۸/۱	آذربایجانی
—	۷۸/۴	ایرانی
ناسونف	۷۸/۵	کرد
فن ارکرت	۷۹/۴	آذربایجانی
نیمه سر کوتاه (۸۰/۰۱-۸۳/۳۳)		
—	۸۰/۴	اشتهاردی
پانتیوکف	۸۰/۶	آذربایجانی
سر کوتاه (۸۳/۳۴-X)		
دوهوسه	۸۳/۵	ایرانی
دوهوسه	۸۶/۷	کرد
دوهوسه	۸۸/۴	بختیاری

میانگین شاخص سر ۵۶۱ فرد ۷۸/۲ است درحالیکه همین رقم درمورد کردها و آذربایجانها ۷۸/۱ میباشد .

اکثریت گروه ایرانیها در طبقه سرمتوسط می افتند ولی تمایل زیادتری به سردرازی دارند تا بسر کوتاهی. از جمع کل این گروه یعنی ۵۶۱ نفر فقط ۱۴۴ نفر یا ۲۵/۷ درصد نیمه سر کوتاه یا سر کوتاه هستند در حالیکه ۲۷۲ نفر یا ۴۸/۵ درصد سردراز یا نیمه سردراز هستند .

مطالعه و دقت در گروههای مختلف نشان میدهد که در میان طبقات سر-دراز تنوع و اختلاف کمتر است و در میان طبقات سر کوتاه عکس آن مشاهده میشود و بطور خلاصه میتوان گفت:

۱ - همه قبائل که جمجمه آنها اندازه گیری شده در گروه افراد سر-

اشارات تاریخی در باره مردم ایران - ۱۳۳

متوسط ۱ قرار میگیرند و علت آن اختلاط با عناصر سر کوتاه میباشد .
 ۲ - قبائل دور دست و مجزاکه با سایر عناصر مخلوط نشده یا کمتر مخلوط شده اند کم و بیش نوع سردراز خود را حفظ کرده اند .
 ۳ - منظم بودن وجود گروههای سردراز در مقابل گروههای سر کوتاه نشانه آنست که نوع اساسی شکل سر در میان جمعیت ایران سردراز است و عناصر سر کوتاه در نتیجه اختلاط با کسانیکه بعداً با مردم ایران تماس پیدا کردند بوجود آمده است . جمعیت و مردم اصلی ایران تا حدی بعنوان موجودیت جداگانه مردم شناسی باقیمانده ولی اختلافات نژادی آنها از بین رفته است .
 همه افرادی که اندازه گیری شدند (ستون ۵۹) دارای قطر پیشانی بحد اقل بودند که میانگین آن ۱۰۵ (بین ۹۰-۱۲۰) باشد .

اندازه	مرد	آذربایجانی	حد اقل قطر پیشانی		ایرانی		جمع
			شماره	%	شماره	%	
۹۰-۹۲	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۱	۲/۱	۰/۷
۹۳-۹۵	۱	۰/۳	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰/۷
۹۶-۹۸	۱	۰/۳	۱	۳/۲	۰۰	۰۰	۲/۷
۹۹-۱۰۱	۲	۱/۵	۱	۱/۶	۶	۱۳/۱	۱۱/۲
۱۰۲-۱۰۴	۵	۲/۳	۱۲	۳۵/۳	۸	۲۸/۳	۲۳/۹
۱۰۵-۱۰۷	۶	۳/۵	۶	۱۷/۲	۴	۳۵/۶	۲۵/۷
۱۰۸-۱۱۰	۲	۲/۱	۹	۲۶/۵	۳	۱۳/۶	۱۸/۴
۱۱۱-۱۱۳	۰۰	۰۰	۱	۲/۹	۳	۷/۵	۳/۲
۱۱۴-۱۱۶	۰۰	۰	۲	۵/۹	۲	۹/۱	۲/۲
۱۱۷-۱۲۰	۰۰	۰	۱	۲/۹	۱	۲/۶	۱/۳
جمع	۱۹	۳۲	۳۱	۱۰۰	۲۲	۴۶	۱۵۲
میانگین	۱۰۵	۱۰۶	۱۰۶	۱۰۴	۱۰۶	۱۰۳	۱۰۵
بداکثر	۱۱۰	۱۲۰	۱۱۲	۱۱۲	۱۱۲	۱۱۲	۱۲۰
حد اقل	۹۵	۹۷	۹۶	۹۶	۹۹	۹۰	۹۰
معاود	۱۵	۲۳	۱۸	۱۸	۱۸	۲۲	۳۰

اکثریت یا ۵۸/۶ درصد در بین ریف ۱۰۲-۱۰۷ قرار میگیرند و تعداد افراد بتدریج و بطور منظم در هر دو نهایت روبه تقلیل میرود . فدچنکف در مورد ۶ ایرانی ارقام زیر را بدست آورد . میانگین ۱۰۷ (اندازه بین ۱۰۲-۱۰۹) . هوسی برای حد اقل قطر پیشانی افراد ریز ارقام عجیبی ذکر میکند . ۵ لر (۵۷) ۲ عجمی (۷۵) ۳ بختیاری (۷۶) و ۱۱ شوشی (۶۰) . باشکال میتوان فهمید که

۱ - این مطلب با ارقام جدول صفحه گذشته مطابقت ندارد .

چگونه ارقام باین کمی در مورد افراد هادی بزرگسال بدست آورده است
در مورد عرض استخوان گونه‌ها جدول زیر را ازدانیلو نقل میکنیم (ستون ۹۳)

مرض استخوان گونه

جمع	ایرانی		مزلقانی		اشتهاردی		آذربایجانی		کرد	آباد	
شماره %	شماره %	شماره %	شماره %	شماره %	شماره %	شماره %	شماره %	شماره %	شماره %	شماره %	
۲/۷	۳	۷۵	۲	—	—	—	—	—	—	—	۱۲۴-۱۲۲
۲/۰	۴	۴/۳	۲	۴/۵	۱	—	—	—	۵/۶	۱	۱۲۷-۱۲۵
۱/۴	۲	—	—	—	—	—	—	۶/۵	۲	—	۱۲۰-۱۲۸
۸/۸	۱۳	۸/۷	۴	۱/۵	۱	۱۲/۹	۴	۹/۷	۳	۵/۶	۱۳۳-۱۳۱
۲۵/۷	۳۸	۲۸/۳	۱۲	۲۱/۹	۷	۲۲/۳	۱۰	۹/۷	۳	۲۷/۷	۱۳۶-۱۳۴
۱۸/۲	۲۷	۱۷/۱	۸	۱۸/۲	۴	۱۶/۲	۵	۱۹/۴	۶	۲۲/۲	۱۳۹-۱۳۷
۲۳/۶	۳۵	۱۹/۶	۹	۹/۱	۲	۲۹/۰	۹	۲۹/۰	۹	۲۳/۳	۱۴۲-۱۴۰
۱۰/۲	۱۵	۱۰/۹	۵	۹/۱	۲	۲/۲	۱	۲۲/۵	۷	—	۱۴۵-۱۴۳
۴/۷	۷	۴/۳	۲	۱۲/۶	۳	۲/۲	۱	—	—	۵/۶	۱۴۸-۱۴۶
۲/۷	۴	—	—	۹/۱	۲	۲/۲	۱	۲/۲	۱	—	۱۵۰-۱۴۹
۱۰۰	۱۲۸	۱۰۰	۴۶	۱۰۰	۲۲	۱۰۰	۳۱	۱۰۰	۳۱	۱۰۰	جمع
۱۳۸	۱۳۷	۱۳۹	۱۳۸	۱۳۹	۱۳۸	۱۳۹	۱۳۸	۱۳۹	۱۳۸	۱۳۸	میانگین
۱۵۱	۱۴۶	۱۵۰	۱۵۱	۱۴۹	۱۵۱	۱۴۹	۱۴۸	۱۴۸	۱۴۸	۱۴۸	حداکثر
۱۲۲	۱۲۲	۱۲۶	۱۳۱	۱۳۰	۱۳۱	۱۳۰	۱۲۷	۱۲۷	۱۲۷	۱۲۷	حداقل
۲۹	۲۴	۲۴	۲۰	۱۹	۲۰	۱۹	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	تفاوت

میانگین ۱۳۸ بود با حداکثر ۱۵۱ (اشتهاردی) و حداقل ۱۲۲ (ایرانی).
اکثریت افراد یا ۶۷/۶ درصد آنها در طبقه متوسط واقع میشوند یعنی بین ۱۳۴-
۱۴۲. در حالیکه تقلیل در هر دو حد آشکار است بطور نا منظم صورت میگیرد و
این مطلب نشانه اختلاط نوع افراد دارای صورت پهن و صورت باریک میباشد.
دانیلو اندازه گیریهای خود را مخصوصاً میانگین کلی ایرانیان را با میانگین
جدول ایوانوسکی که قبائل مختلف کلموک را بعنوان نمونه نوع منولی اندازه گیری
کرده مقایسه میکند و باین نتیجه میرسد که میانگین افسراد کلموک یعنی ۱۵۸
تقریباً ۲۰ میلیمتر زیادتر از ارقام وی میباشد.

نام قوم	شماره	عرض صورت با استخوان گونه ها	نویسنده
ایرانی	۱۰	۱۳۸	
آذربایجانی	۱۰	۱۴۲	پانتیوکف
کرد	۷	۱۴۰	
ایرانی	۶	۱۲۷	فد چنکف

اشارات تاریخی در باره مردم ایران ۱۳۵

دانیلومیگوید تفاوت قابل ملاحظه‌ای که در عرض صورت شش ایرانی که از طرف فد چنگف اندازه گیری شده با ارقام فوق ممکن است در اثر اختلاف طریقه اندازه گیری باشد .

اندازه	گروه	آذربایجانی		اشتهاردی		مزلقانی		ایرانی		جمع	
		شماره	%	شماره	%	شماره	%	شماره	%		
۸۵-۸۸	۰۰	۰۰	۰۰	۲	۶/۵	۰۰	۰۰	۲	۴/۴	۴	۲/۸
۸۹-۹۲	۲	۱	۲/۹	۲	۶/۵	۰۰	۰۰	۲	۴/۴	۷	۴/۸
۹۳-۹۶	۵	۶	۶۷/۷	۵	۱۶/۱	۴	۱۸/۳	۱۱	۲۳/۹	۳۱	۲۰/۴
۹۷-۱۰۰	۴	۳	۸/۸	۵	۱۶/۱	۳	۱۳/۶	۶	۱۳/۶	۲۱	۱۳/۸
۱۰۱-۱۰۴	۳	۴	۱۱/۸	۵	۱۶/۱	۶	۲۷/۳	۱۰	۲۱/۷	۲۸	۱۸/۴
۱۰۵-۱۰۸	۱	۱۲	۴۵/۳	۵	۱۶/۱	۳	۱۳/۶	۷	۱۵/۲	۲۸	۱۸/۴
۱۰۹-۱۱۲	۳	۳	۸/۸	۵	۱۶/۱	۳	۱۳/۶	۶	۱۳/۶	۲۰	۱۳/۲
۱۱۳-۱۱۶	۰۰	۵	۱۴/۲	۲	۶/۵	۳	۱۳/۶	۲	۴/۴	۱۲	۷/۹
۱۱۶ سال	۱	۰۰	۰/۳	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۱	۰/۲
جمع	۱۹	۱۰۰	۳۴	۱۰۰	۳۱	۱۰۰	۲۲	۱۰۰	۴۶	۱۰۰	۱۵۲
میانگین	۱۰۱/۴	۱۰۰	۱۰۴/۲	۱۰۰	۱۰۱/۲	۱۰۰	۱۰۳/۱	۱۰۰	۱۰۱/۰	۱۰۰	۱۰۲/۲
حداکثر	۱۲۲	۱۱۶	۱۱۶	۱۱۶	۱۱۶	۱۱۳	۱۱۳	۱۱۶	۱۱۶	۱۲۲	۱۲۲
حداقل	۹۰	۹۰	۹۰	۸۶	۸۶	۹۴	۹۴	۸۵	۸۵	۸۵	۸۵
تفاوت	۳۲	۱۹	۲۶	۳۰	۳۰	۱۹	۱۹	۳۰	۳۰	۳۷	۴۲

مطابق معمول گروه میانگین دارای تعداد زیاد تری از سایر گروهها

است .

نام قوم	شماره	عرض چانه	نویسنده
ایرانی	۶	۱۰۷	فد چنگف
ایرانی	۱۰	۱۱۰	پانتیوکف
کرد	۷	۱۱۱	
آذربایجانی	۱۰	۱۱۴	

دانیلو نتیجه میگیرد (ستون ۱۳۵): مردم ایران از لحاظ قد کمی بلند-

تر از متوسط (۱۶۸/۸) هستند و این مطلب در نتیجه اندازه گیری از ۶۳ نفر بدست آمده است . سر آنها از نظر اندازه مطلق و از نظر نسبت آن به قد متوسط است و شکل آن بیضی دراز که طول آن از پیشانی تا پشت سر متوسط و عرض آن نسبتاً کم است . میانگین رقم شاخص سر در مورد ۵۶۱ فرد ۷۸/۲ میباشد . افراد دارای سر کوتاه نسبتاً نادرند و اکثریت ایرانیان یا دارای سر متوسط و یا سردراز هستند . پیشانی آنها کوتاه و باریک است . صورت آنها دراز و بیضی شکل و چانه

آنها كوچك و عرض بين دو استخوان گونه كم و باريك است . اندازه بينی آنها متوسط است و قسمت سفلی صورت خوش شكل است .

چشمان آنها كه نزديك بهم قرار دارند درشت و رنگه تنخم چشم تيره و معمولا قهوه‌ای است . موی سر آنها معمولا موجدار و رنگه آن بلوطی یا مشکی است . موی بدن آنها نسبتاً زیاد است . بطور کلی ایرانیها مردمانی عضلانی و قوی هستند و سینه پهن دارند . كمر باريك دارند و بدن و بازو و پای آنها نسبت به قد آنها نسبتاً دراز است .

در میان اقوام دیگر كه در نواحی مجاور زندگی میکنند افغانها و كولیهای آسیائی از لحاظ اندازه سر و اعراب و یهودیها از حیث اندازه بازو و پا شبیه ساكنین ایران میباشند .

در بعضی افراد عرض سر و عرض صورت نسبتاً زیاد است و وقتی با قد کوتاه توأم باشد چنین بنظر میرسد كه آن افراد با عناصر ترك و مغولی مخلوطند . از طرف دیگر در نواحی جنوبی ایران افرادی دیده میشوند كه قد آنها از متوسط كمتر و پوست تاریكتر و موی موجدارتر و بینی کوتاهتر و عریضتر دارند و احتمال می رود كه در اثر اختلاط با شوشیها بوجود آمده اند كه خود با سیاهپوستان و نیمه سیاهپوستان نسبت داشتند . چون دانیلو فقط ۱۵۲ نفر از افراد قبائل شمالی مملكت را اندازه گیری کرده اظهار میدارد كه مطالب و نتایج حاصله غیر كافی است و مشكل است درباره اختلافات بین قبائل مختلف ساكن ایران و تأثیر وضع جغرافیائی و طبیعی محلی بدرستی قضاوت كرد .

در ضمیمه كتاب خود دانیلو در باره جمجمه افراد گبر و ایرانی مینویسد كه در كتب مربوط به مردم شناسی ارقام اندازه گیری درباره سر ایرانیان وجود ندارد و علت عمده آن اینست كه تقریباً غیر ممكن است جمجمه اینگونه افراد را بدست آورد زیرا ایرانیها اجساد اجداد خود را با نظر احترام مینگردند و هر كس كه آنها را جابجا كند مورد تنبیه شدید قرار میگیرد . در نتیجه در موزه های اروپا بیش از ده تا پانزده جمجمه ایرانی وجود ندارد .

دانیلو موفق شد از قبرستان قلعه گبری در كوهستان جنوب شرقی طهران پنج جمجمه بدست آورد . این جمجمه ها روی سطح زمین پیدا شد و فقط یکی از آنها از داخل غار زیر زمینی كه مدخل آن با تخته سنگهای بزرگ پوشیده شده بود

بدست آمد . بدنی که این جمجمه بآن تعلق داشت فقط نیمه فاسد شده بود . این جمجمه ها بموزه مردم شناسی دانشگاه مسکو اهدا شد . مطالعات جمجمه شناسی درباره این جمجمه ها که توسط ایوانوسکی A.A. Ivanovskii یکی از کارمندان موزه مردم شناسی بعمل آمد نشان داد که یکی از این جمجمه ها (یعنی جمجمه شماره ۱ بیک زن و جمجمه دیگر (یعنی شماره ۲) بیک جوان و سه جمجمه دیگر (یعنی ۳ و ۴ و ۵) سه مرد بزرگ سال تعلق داشته است .

بر اساس اطلاعاتی که دانیلو (ستون ۱۳۹-۱۴۴) داده است جمجمه های مزبور بدین طریق توصیف شده است : دراز - عرض متوسط و بلند و محیط افقی و عمودی آنها متوسط و قسمت گیجگاه بزرگتر از قسمت جلو و محیط محوری آنها کوچک . این جمجمه ها همه از نوع سردراز هستند . در میان گبرها عرض سر و عرض قسمت فوقانی صورت نسبتاً زیاد است ولی بطور کلی عرض صورت کم و کمی در قسمت فوقانی پهن تر و دراز است . گردن بخصوص در ناحیه عضلات پشت گردن کلفت است . عرض بین حدقه چشم متوسط و نسبت بین طول حفره چشم و ارتفاع آن *mezaseme* بینی باریک و سق متوسط است و فك يك کمی جلوتر از قسمت بالای صورت میباشد . هیچگونه نقص و عیب مصنوعی در جمجمه ها مشاهده نشد . وقتی این جمجمه ها با جمجمه های ترکمن و ترکی (ایوانوسکی ۱۸۹۱-۱۸۹۳ ص ۹۳-۱۲۸) و ۲۰۰ جمجمه مغولی که ایوانوسکی شرح داده (۱۸۹۲-۱۸۹۳ ص ۲۶۳-۳۲۵) مقایسه شوند معلوم میشود که جمجمه گبرها تا حدی شبیه به جمجمه های ترکی است ولی ظاهراً هیچگونه خصوصیات مغولی در آنها مشاهده نمیشود . ایوانوسکی (۱۸۹۱b- ص ۱۰۰-۲۲۴) مطالب و ارقام مربوط به اندازه گیری جمجمه ساکنین قدیم و فعلی قفقاز را خلاصه کرده و باین نتیجه رسیده است که در میان جمجمه ساکنین قدیم ارقام شاخص سر عبارت بوده است از: ۵۹/۹ درصد سردراز و ۱۶/۴ درصد متوسط و ۲۳/۷ درصد کوتاه . اکثر جمجمه ها دارای تاج بلند و پیشانی عریض متوسط و عضله پشت گردن است و سق پهن و صورت باریک و حفره چشم بلند و بینی باریک میباشد . جمجمه گبرها تقریباً دارای همین خصوصیات است .

دانیلو (ستون ۱۴۵) مینویسد که اندازه گیری ۸۷۳ نفر از جمعیت فعلی قفقاز متعلق به ۱۵ قبیله مختلف نشان میدهد که ۱۱ درصد دارای سردراز و ۱۶ درصد سر متوسط و ۷۳ درصد سر کوتاه هستند . ناتو خائیت ها دارای سر دراز و

کردها و اوست ها ۱ طبق اندازه گیری فن ارکرت دارای سر متوسط و همه قبائل دیگر قفقاز دارای سر کوتاه هستند . بنابراین جمجمه گبرها شبیه جمجمه ساکنین قدیم قفقاز است . طبق نظر کواتر فاژ و حامی جمجمه افغانها و هندوها نیز تا حدی شبیه است .

دانیلو میگوید که واضح است که بر اساس این مطالعات مختصر نمی توان راجع به خصوصیات جمجمه های ایرانی بطور قطع اظهار نظر کرد . ولی بسا در نظر گرفتن مطالب محققین دیگر و مشاهدات شخصی خود در بساره افراد زنده دانیلو معتقد است که میتوان فرض کرد که جمجمه ایرانیان بخصوص گبرها دارای خصوصیات زیر است : سر دراز و نیمه دراز و گونه كوچك و بینی باریك و صورت دراز . دانیلو (ستون ۵۳-۵۵) فهرست مفصالی از ارقام شاخص سر میدهد و آنها را طبق دلخواه خود بگروه های نیمه سر دراز و سر متوسط و نیمه سر کوتاه و سر کوتاه تقسیم بندی میکند . دانیلو نام همه محققین و نویسندگان را ذکر نمی نماید . جدول منتخب زیر بمنظور مقایسه نقل شده است .

شاخص سر

سر کوتاه (۸۳/۳۴ بیالا)	
۸۹/۶	آسوری
۸۶/۰	گرجی
۸۶/۰	ازبك ساكن فرغانه
۸۵/۶	ارمنی
۸۵/۵	تاجيك ساكن فرغانه
۸۵/۵	ازبك ساكن زرافشان
۸۴/۵	گرجی
۸۴/۰	ازبك ساكن كولدژا
۸۴/۰	ازبك ساكن سمرقند
۸۴/۰	تاجيك ساكن زرافشان

۱ - این مطلب با اندازه گیری ۱۰۷ نفر از افراد اوست شمالی که دارای سر کوتاه هستند وفق نمیدهد .

نیمه سرکوتاه (۸۰/۰۱-۸۳/۳۳)

۸۳/۰	ازبك ساكن زرافشان
۸۳/۰	ترکمن
۸۳/۰	تاجيك ساكن سمرقند
	سرم توسط (۷۷/۷۸-۸۰)
۷۹/۵	تاتار ساكن کریمه
۷۸/۷	تات داغستانی
۷۸/۴	ایرانی
۷۸/۱	کرد
۷۸/۱	آذربایجانی

۱۸۹۵ - قطعات منتخب زیر از نوشته برینتون Brinton درباره نژاد -

شناسی آسیا در ناحیه بین سی و چهل درجه عرض جغرافیائی شمالی و مغرب پنجاهمین درجه شرق گرینویچ اقتباس شده است.

برینتون (ص ۲) معتقد است که افراد نژاد در اوید یا سیاهپوست که در آثار تاریخی شوش نقش آنها دیده میشود احتمال میرود تصویر بردگان یا اسرا باشد و نه تصویر ساکنین قدیم آن و این عامل روشن میکند که منشاء بعضی خصوصیات نژاد سیاهپوست در میان اهالی معاصر شوش از کجا است. وی اضافه میکند (ص ۱۳) که «بیشی‌های آسیائی» که هرودت و بعضی از نویسندگان دیگر ذکر کرده اند سیاهپوست حقیقی نیستند. بطوریکه گفته شده است این مردم دارای موی صاف بودند. ژرژ راد (George Radet) (در نشریه باستانشناسی - جلد ۲۲ مورخ ۱۸۹۳ ص ۲۰۹ بیعد) نشان میدهد که لااقل بعضی از آنها از نژاد سامی بودند.

وی نظریه قرار دادن افراد یکی از قبائل حامی (کوشیها) را در مغرب

آسیا نظری که از کتاب سفر آفرینش فصل دهم اخذ شده قابل قبول نمیداند.

۱۸۹۵ - برینتون (ص ۴ - ۵) نظریه مبنی بر اینکه در ازمنه ماقبل

تاریخ نژاد تورانی سیبری یا سینیتی (Sibiric or Sinitic) در آسیای غربی و اروپای جنوبی و مرکزی سکونت داشتند مورد تردید قرار میدهد. تنها گروههای مفولی که در حال حاضر در ناحیه ایران باستان ساکنند یعنی هزاره ها و ایماکها و بعضی دیگر در موقیع حملات چنگیز خان در قرن چهاردهم میلادی باین ناحیه

آمدند . « برینتون (ص ۵) میگوید : « از نظر خصوصیات جسمانی مردم لااقل عصر تاریخی مغرب آسیا در هیچ مورد خصوصیات مشخص نژاد سیبری را نشان نمیدهند . بطوریکه از تصاویر یا بقایای جمجمه های قدیمترین قبرستانها میتوان استنباط کرد آن افراد دارای سرم توسط یا سر دراز و چشم صاف و صورت بیضی باریک و پل بینی مشخص و غیره بودند . »

برینتون (ص ۱۱-۱۷) معتقد است که افراد نژاد قفقازی و آریائی و سامی سه طبقه عمده نژاد سفید را تشکیل میدهند که در ازمینه ما قبل و اوایل تاریخ در مغرب آسیا سکنی داشتند. برینتون (ص ۳۲) به نتایج کلی زیر میرسد :

۱ - دلیل و شاهی مبنی بر وجود نژاد غیر آفریقائی و اروپائی در مغرب آسیا در دست نیست، این سر زمین همیشه در تملک شعب قفقازی و سامی یا آریائی نژاد سفید بوده است .

۲ - علائم مشخصی وجود دارد مبنی بر اینکه در ازمینه ما قبل تاریخ نژاد قفقازی در نواحی وسیع جنوب موطن فعلی خود سکنی داشتند و در اثر حملات آریانها و سامیها بسمت شمال رانده شدند .

۳ - سلسله جبال امانوس Amanus در سمت مغرب و ماسیوس Masius در شمال و زاگرس در مشرق از ازمینه بسیار قدیم محل تأثیر ثابت نژاد سامی بوده است .

۴ - نژاد آریان در اوایل عصر تاریخی ناحیه بین زاگرس تا پامیر را تحت تملک داشت و مادیهها و مادیههای اولیه از آریانها بودند .

۵ - تمدن بابل از بعضی از شعب نژاد سفید بوجود آمد و نه از قبائل آسیائی یا قبائل نژاد زردونه بوسیله افراد نژاد دراویدی یا سیاهپوست .

۶ - گروه اناطولی آسیای صغیر با قبائل گال و سلط اروپای مرکزی منسوب بودند و چندین هزار سال قبل از مهاجرت یونانیها با آسیا در آن ناحیه سکونت داشتند . «

۱۸۹۵ - شارل دو اوژف الوی Charles de Ujfalvy میگوید کلمه ارانیان و ایرانیان موجب سوء تفاهم میشود و در نتیجه بین ارانیان شمال شرق و ارانیان فلات ایران یا ایرانیان فرق و تفاوت قائل میشود. وی میگوید این تفاوت لازم است تا اهالی بومی باختر و ماوراءالنهر و سغدیانا و قرغانه را از ایرانیان یعنی

اهالی ایران و افغان و فیره جدا کنند و می افزایند که در میان ایرانیان فقط يك نوع سبزه یا تاریک رنگ وجود دارد در حالیکه در میان سایرین نوع موبور و سفید بدون شك در ترکیب آنان نقش عمده بازی کرده است. ۱. در ذیل (ص ۴۴) مشارالیه اضافه میکند: «ایرانیان با کتیریا و قبائل کالتچای پامیر و شمال هندو کش را ارانی مینامیم .»

کوشش شد که ارقام مربوط به قد و شاخص سر که اوژفالوی داده است مورد استفاده قرار گیرد ولی بعلمت کثرت اشتباهات و اغلاط در متن و جدول ها از این کار صرف نظر شد .

۱۸۹۶ - طبق نظر ژنرال هتوم شیندلر - Houtum - Schindler

(رجوع شود به ص ۴۸) «از اندازه گیری چند جمجمه که توسط دوهوسه و خانیکف و هوسی و دیگران بعمل آمده کوشش شده است که ساکنین ایران به نژادهای آریائی و ترک و منغول و آریان و منغول و سامی و غیره طبقه بندی شوند ولی بقول کواتر فاژ ارقام مربوط به شاخص سر را در طبقه بندی نژادهای بشری نمیتوان مورد استفاده قرار داد و همه کوششها برای مشخص کردن نژاد قبائل مختلف بوسیله تاب سر با عدم موفقیت روبرو شده است . اگر زبان را اساس طبقه بندی قرار دهیم میتوان گفت که اغلب ساکنین قسمت شرقی عراق ایران ایرانی هستند و اهالی ساکن نواحی کوهستانی دارای نژاد پاک میباشند. در شهرها بخصوص در طهران اختلاط با خون ترک قابل ملاحظه است . بعضی فامیلهای ساکن قم و کاشان خود را عرب میدانند ولی اکنون خون سامی در آنها خیلی کم است . آرامنه در طهران و جلغای اصفهان سکونت دارند و یهودیها در طهران و کاشان، و اصفهان تعداد کمی از زردشتیان که در ایران آنها را گبر مینامند ساکن طهرانند . بعلمت کمیابی آب و قلت نباتات تعداد افراد قبایل بادیه نشین در این ناحیه زیاد نیست . قبایل تترك خلیج و شاهسون و بیات که بلهجه ترکی آذربایجانی تکلم میکنند در فصل زمستان در دشتهای اطراف طهران و قم و آوه و ساوه و قبایل خواجه وند و بعضی دیگر ازلك ها در دشت های شمال شرقی طهران و قبائل لرزند نزدیک قم و قبیله پاککی کرد و قبیله شاهسون قبیله

۱ - مقایسه شود با گزارش هیئت اکتشافی فرانسه در روسیه و سیبری و

ترکستان - ۲ جلد پاریس مورخ ۱۸۷۹ .

گفته اند که در اوایل قرن دهم در افغانستان زندگی میکردند و همچنین نوشته اند که آنها یکی از قبائل ترك از اولاد اغوزخان میباشد. این قبیله در حدود سال ۱۲۰۰ میلادی بقشون چنگیزخان ملحق شده و در هجوم بممالک مغرب خود شرکت کرده و بعداً در آسیای صغیر استقرار یافتند. قسمتی از آنها بعداً در ایران مستقر شدند و در سال ۱۴۰۴ میلادی آنها را در حوالی ساوه میبایم تیمور بآنها امر کرد که به قوای امیرشاه ملك و پیرعلی سلدوز در ری ملحق شوند (روضه الصفا) قسمتی از افراد این قبیله در فارس و کرمان و آذربایجان سکونت دارند. در جداول رشید الدین قبائل بیات تحت عنوان قبایل تاتار ذکر شده اند. بیاتها ترك هستند و با چنگیزخان بایران آمدند و بعضی از آنها در ایران و برخی در آسیای صغیر استقرار یافتند.

در پایان سلطنت شجاع الدین خورشید اتابك لرستان كوچك (متوفی ۱۲۲۴ میلادی) ناحیه شمال بروجرد و خرم آباد را در اشغال داشتند (اگرادنامه تألیف شریف الدین) و اکنون هم در همان ناحیه سکنی دارند. بعضی از آنها در فارس و کرمان هستند و برخی به قبیله قاجار ملحق شده و شعبه شامبیاتلو را تشکیل داده اند.

دجواندها و سایر قبائل لك مانند ناکلی و کله کوه در مشرق اراک ایران از قبائل بومی ایران محسوب میشوند و عجب آنستکه اغلب آنها ترکی یا صحیح تر گفته شود مخلوطی از ترکی و فارسی حرف میزنند. سایر قبائل لك به لهجه ای شبیه کردی تکلم میکنند.

دزندها از قبیله لرنه و قبل از کریم خان زند که از سال ۱۷۵۷ تا ۱۷۷۹ پادشاه ایران بود نامی از آنها در میان نبود. سلسله زند بادرستگیری لطفعلی خان در سال ۱۷۹۵ بوسیله آغا محمد خان قاجار منقرض شد و قبیله زند از هم پاشید. در حال حاضر در حدود صد و پنجاه تا دویست خانوار قبیله زند در نواحی قم و همدان و ملایر و بختیاری سکونت دارند و همه مقامهای فرعی را اشغال کرده اند.

د پازکی یا پازوکی زمانی قبیله مقتدری بود که در نزدیکی ارض روم سکنی داشتند و نام بعضی از روسای آنها در کتاب اگرادنامه شرف الدین ذکر شده است. این قبیله در اواخر قرن شانزدهم از هم پاشید و بعضی از آنها بایران

مجاور شهر مهاجرت کرده‌اند جمعیت اصفهان را میتوان نزدیک به ۸۲۰۰۰ هزار نفر دانست .

۱۸۹۹ - ریپلی Ripley که در سال ۱۸۹۹ نوشته دربارهٔ نژادهای مختلف جنوب غربی آسیا و تأثیر آنها در مردم ایران مفصلاً بحث کرده است (ص ۴۴۲ - ۴۵۲) میگوید :

و واضح است که در مطالعهٔ مردمان شرقی اروپا نمیتوان آسیای صغیر و و بن النهرین و ایران را نا دیده گرفت و بحساب نیاورد ... سیل مهاجرین و مهاجمین از همه سمت باین ناحیه روی آوردند که عبارت بودند از ترك و تاتار از مرکز آسیا - اروپائی از یونان و افریقائی از مصر . تمرکز این اقوام در این نقطه البته در تشکیل و ایجاد تمدن آن و مقام آنها در تمدن عالم موثر بوده است و اشکال تشخیص عناصر مختلف نژادی یکی از آثار همین تمرکز و ورود اقوام مختلف است . تقسیم بندی زبان بطور قطع بحل مسئله كمك نمیکند . تاتارهای آذربایجانی که از عناصر عمده جمعیت ایران هستند از هر جهت و هر حیث ایرانی میباشد و لوائیکه بزبان ترکی تکلم میکنند ... در حالیکه زبان شناس چاره‌ای ندارد جز آنکه آنها را تحت عنوان ترك طبقه بندی کند. از طرف دیگر کردها اصولاً ساکن ترکیه آسیا هستند ولی از حیث زبان و خصوصیات جسمانی و غیره با ایرانیها نسبت دارند . ارامنه اگر بوسیله زبانشان که ایرانی است قضاوت شوند^۱ میتوان آنها را بین یونانی و ایرانی قرار داد . در حقیقت از لحاظ خصوصیات جسمانی با ترکمنها نردیکی بیشتری دارند تا اقوام آریائی زبان . وضع نژادی را بهیچوجه نمیتوان از روی زبان معین کرد . ، امروز این ناحیه وسیع از طرف دو نوع مشخص نژادی اشغال شده است^۲ نوع اول نژادی این قسمت دنیا را میتوان ایرانی خواند که شامل ایرانیان و کردها و شاید اوست‌های قفقاز و درزتر . در سمت مشرق شامل تعداد زیادی از قبائل آسیائی از افغانها گرفته

۱ - مقایسه شود با یادداشت در کتاب نژاد شناسی کین Kean زبان ارمنی

سامی یا خاص باشد بطور قطع آریائی است .

۲ - منبع موثق ما در این باره کتاب مفصل شانتر تحت عنوان تحقیقات در

آسیای غربی است چاپ لیون مورخ ۱۸۹۵ . خصوصاً مراجعه شود بخلاصه در صفحات ۲۳۴-۲۴۴ .

ته هندوها میشود. همه این اقوام در درجه اول دارای سر دراز و موی و چهره تیره میباشند. اگرچه از لحاظ قد درجات مختلف دارند، متمایل به لاغری هستند. در آنها قوای شباهت و نسبت بدون تردید با اقوام ساکن مدیترانه اروپا مشاهده میشود. ناحیه بسط آنها از راه مصر بافریقا کشیده میشود و مصریان از همان نژاد هستند. نه تنها ساکنین عصر حاضر مصر بلکه مصریان عهد باستان و قینیقیها نیز بهمان نژاد نسبت دارند. قسمت عمده این ناحیه آسیای غربی را مردم شبه شرقی نژاد مدیترانه اشغال کرده اند.

نوع دومی نژادی این ناحیه مرزی بین اروپا و آسیا را میتوان طبق نظر شانتز منسوب پارامنه دانست زیرا بهترین نمونهها ارمانه عصر فعلی میباشند. اینها مانند نوع نژاد ایرانی کمتر پخش و پراکنده هستند بجز از آسیای صغیر تعداد قلیلی از باقیمانده نژادی آنها در سوریه و بین النهرین یافت میشود. در تمام شبه جزیره آناتولی طبقه زیر جمعیت را تشکیل میدهند و بدویتر از ترکها میباشند. این نوع نژادی دارای شکل سر عجیب میباشند که علمای علم مطالعه تطبیقی ساختمان و وظایف و نمو بدن انسانی Somatology آنرا - hypsi brachycephaly می نامند... سر آنها برخلاف معمول در پشت سر صاف است از گردن صاف بالا میآید در حالیکه بلندی جمجمه بطور زیادی افزایش می یابد. البته این مطلب عرض حقیقی صورت را که برخلاف ایرانیان مخصوص این نوع است پنهان میدارد. این نوع شکل سر علامت فشار و پهن شدن مصنوعی است و آن بدون شك یا عمداً بوجود آمده و یا در اثر سختی و فشار گهواره پدید آمده است. جای تردید نیست که کوتاهی سر کاملاً مصنوعی نیست و الا می بایست آنرا در اثر خصوصیات مکتسبه موروثی دانست. زیرا حتی در موردی که چنین نقص دیده نمی شود همان شکل کله قندی سر وجود دارد (شانتز مورخ ۱۸۹۵ ص ۳۷-۶۷). علاوه بر این خصوصیت شکل سر خصوصیات جسمانی دیگری وجود دارد که این مردم را از نوع ایرانی مشخص می سازد. بدن آنها سنگینتر و در بین ارمانه تمایل بچاقی در آنها مشاهده می شود بین این دو نوع نژاد از لحاظ رنگ پوست بدن اختلاف زیادی وجود ندارد. هر دو تیره رنگ هستند. در این نواحی اشخاص موبور خیلی بندرت دیده می شود. ولی شانتز در بین آنها یازده درصد افراد موبور یافت که اکثر آنها چهره تاریک داشتند. فقط وقتی بارتفاعات

همبالمیا در میان قبائل گلیاس میرسیم افراد دارای موی بور و چشم برنگه روشن زیاد دیده می‌شوند.

برای تملك و تفوق بر قسمت شرقی آسیای صغیر بین آرامنه و کردها رقابت وجود دارد. کردها را از نظر فرهنگ و تمدن باشکال می‌توان طبقه بندی کرد. طبقات پست تر آنها نشین هستند و در قرا و قصبات سکونت دارند در حالی که طبقه حاکمه و رؤسای آنها چادر نشین و بدلخواه خود در حرکتند. جمعیت کل آنها در حدود دو میلیون است که دوسوم آنها در سمت آسیائی ترکیه و بقیه در ایران و چند هزار نفر در قفقاز ساکنند. آرامنه میگویند که این کردها از اولاد مادها هستند ولی نظر صحیح تر آنها را از نژاد کلدانی میدانند. نسبت آنها را به اعراب سوریه نمیتوان مورد تردید قرار داد (شانر ۱۸۸۵ جلد ۲ ص ۲۱۴). کوههای صعب العبور کردستان این اکراد را از حملات مغول و ترک نسبتاً مصون نگاهداشته است. هم از لحاظ زبان و هم از حیث خصوصیات جسمانی ایرانی هستند. شانتر کردهای آسیای صغیر را مورد مطالعه قرار داده و درباره قیافه خشن و رفتار سبع آمیز آنها بحث میکند. کلمه کرد از واژه که معنی آن عالی است مشتق است ولی مترادف ترکی آن که بمعنی گرگ است اخلاق و صفات آنها را بهتر تعریف می‌نماید. رنگه چهره آنها تیره و چشم آنها گود و برنگه قهوه‌ای تیره است. زنها معمولاً تیره تر از مردها هستند... بینی آنها صاف یا محدب است و بینی مقعر بندرت دیده میشود. سر آنها دراز و خپلی باریک است (رقم شاحص سر آنها ۷۸/۵ است) و صورت آنها دارای ابعاد متناسب با سر آنها است در تصویری که از آنها داده‌ایم اثر فشار در کنار سر و جمجمه بخوبی آشکار است. قد آنها متوسط است. رویهمرفته بعلمت پراکنده بودن وعادات بادیه نشینی و فقدان بهم پیوستگی اجتماعی کردها قومی نامتجانس هستند.

جمعیت کل آرامنه در حدود پنج ملیون نفر است که متجاوز از نصف آنها ساکن ترکیه و بقیه ساکن قفقاز روسیه و ایران میباشند. از نظر مردم شناسی آرامنه دارای اهمیت شایان هستند زیرا بعلمت بهم پیوستگی مذهبی و اجتماعی نمونه نوع خالص و پاک نژادی میباشند و از این حیث با قوم یهود رقابت میکنند.

۱- در کتاب چاپ ۱۸۹۵ ص ۷۵ ببعد با مطالب مربوط به ۳۳۲ فرود. کتاب

ناسونف (۱۸۹۰) نیز خوب است.

إخراجه، نقاد ارمنی را همیشه میتوان از شکل مخصوص سر آنها تشخیص داد ... حتی در نقاطی که قرن‌ها از قسمت عمده قوم خود منزوی بوده‌اند این خصوصیت و نوع بدوی خود را از دست نداده‌اند^۱.

در اینکه نوع نژادی ارمنی آسیای صغیر يك مسئله انتخاب مصنوعی نیست از وجود آنها در نقاط دور دست سرتاسر آسیای صغیر آشکار است... فن لوشان این نوع را در میان عده‌ای از قبایل بدوی اناطولی بخصوص در میان آنهائیکه بنام تاجتاوسکی معروفند پیدا می‌کند^۲. این مردم که تعداد آنها زیاد نیست اکنون در نواحی کوهستانی و دوردست لیسیا زندگی می‌کنند. نام آنها که چوب- بر معنی می‌دهد علامت شغل آنهاست که اغلب بآن اشتغال دارند.

يك قوم دیگر بنام بکناش یا نیمه مسیحی که اهالی شهر نشین بعضی نواحی را تشکیل می‌دهند از نظر خصوصیات جسمانی کاملاً شبیه تاجتاوسکی‌ها هستند. در کوهستان شمال سوریه همان طبقات جمعیت در میان انصاریه (نصارا) یا مسیحیان کوچک دیده می‌شوند. طبق نظر شانتر (۱۸۹۵ - ص ۱۳۹-۱۴۸) این مردم از نظر مردم شناسی یا سایر انواع نژاد ارمنی فرقی نداشته و قابل تشخیص نیستند. بطور کلی همه این مردم فقط در نواحی منزوی و دوردست مانند نواحی کوهستانی و باطالقی پیدا میشوند. در نقاط ساحلی و در شهرهای بزرگتر نوعی که شبیه و منسوب به یونان سر دراز است بیشتر دیده می‌شود. باین دلایل فن - لوشان باین نتیجه مرسد که نوع ارمنی بدوی‌تر و قدیمتر است و نماینده قدیمی-ترین ساکنین این شبه جزیره میباشد. ولی باید با سرجی (اصل پخش نوع مدیترانه ص ۵۸ مورخ ۱۸۹۵) هم عقیده بود که می‌گوید این امر مستلزم آن نیست که اینها قدیمی‌ترین مردمان این ناحیه باشند. در حقیقت شواهدی در دست است که نشان دهد نوع باستانی‌تری مانند آنهائیکه در گورستانهای یونانی پیدا

۱- در مورد ارمنه ریپلی بمنابع زیر مراجعه میدهد: شانتر (۱۸۹۵) ص ۳۷ بعد-فن لوشان F. Von Luschan و پیترسون E. Petersen در کتاب سفر به لیکین و میلپاس و کیبریاتیس - ص ۲۱۲ چاپ وینه ۱۸۸۹ خانیکف مورخ ۱۸۶۶ ص ۱۱۲- تاواریانوویچ TvaryAnovitch در کتاب مطالب مردم‌شناسی آرمیان مورخ ۱۸۹۷ .

۲- رجوع شود بکتاب وی مورخ ۱۸۸۹ ص ۱۹۸ - ۲۱۳. مقایسه شود با کتاب وامبری Vambéry مورخ ۱۸۸۵ - ص ۶۰۷ .

می‌شود وجود داشته است. این نوع در خصوصیات نژادی کاملاً از نوع مدیترانه است و شاید منشأ آنها همان منشأ ایرانیان سردر از باشد که هنوز در جنوب و مغرب سکنی دارند.

وقتی تاریخ مردم شناسی آسیای صغیر را خلاصه می‌کنیم به نتایج زیر می‌رسیم: اول آنکه نوع نژادی مدیترانه یا ایرانی نماینده قدیمی ترین طبقه جمعیت این قسمت دنیا است. این مطلب درباره اروپا نیز صدق می‌کند. نوع نژادی دوم که بعداً منطبق می‌شود عبارتست از نوع ارمنی یا سرکوتاه... و بالاخره علاوه بر همه اینها طبقه جدید مهاجرین و ترک‌های که کم و بیش پادیده نشین هستند وجود دارد امکان ارتباط یکی از اینها یعنی نوع ارمنی با هیتی‌های باستانی بتاچار بنظر می‌رسد و شاید پلاسجی باشند. فن لوشان این نظر را اظهار میدارد و سرجی معتقد است که پلاسجی‌ها و هیتی‌ها هر دو در اصل آسیائی هستند. چه کسی میداند؟... از نظر مقصود و منظور فردی ما اهمیت گروه ارمنی در اینست که توأم با نوع قفقازی یگانه حلقه ارتباطی بین نوع نژادی آلپ اروپای غربی و یا بهتر گفته شود همجنس آن در کوهستان غربی آسیا می‌باشد. نازکی حلقه ارتباطی بین این دو در این نقطه از همه جا زیادتر است. اگر برای تأثیر قوی مذهبی نبود در اثر حمله ترك و تاتار گسیختگی کامل بوجود می‌آمد ولی در حال حاضر پیوستگی نژاد آلپ در آسیای صغیر نمیتواند مورد تردید واقع شود.

در ایران این نوع جدائی آشکار بین انواع نژادی که بین ارمنی و کرد مشاهده می‌شود وجود ندارد. اختلاط بین کرد و ارمنی غیر ممکن است... فلات بزرگ ایران دارای خصوصیات جغرافیائی برجسته نیست و در نتیجه در بین مردم ایران انواع مختلف نژادی با هم مخلوط شده اند. معهذاً سه نوع تأثیر مشخص نژادی در کار بوده که از ایرانیان خالص نوعهای فرعی متنوع بوجود آورده است. نوع ایرانی خالص فقط در دو ناحیه محدود پیدا می‌شود. یکی در میان مردم فارس اطراف تخت جمشید در شمال شرقی خلیج فارس و دیگری در میان لرها یا کوه نشینان سمت مغرب. از این دو نوع فارسی‌ها آریانه‌های ایده‌آلی لغت شناسان اولیه می‌باشند. پوست آنها سفید و قامت آنها باریک و خوش ترکیب است و وقتی با ترکمن‌ها و تاتارها مقایسه شوند این خصوصیات جلوه بیشتری

لاورد. موی سر و ریش آنها زیاد و برنگ بلوطی است و بدین ترتیب با مقایسه با همسایگان تیره رنگتر خود بور جلوه می کنند. بور حقیقی با چشم آبی خیلی بندرت دیده می شود و این مطلب را از قول هوسی نقل می کنیم. لرها بلندتر و تیره رنگترند و موی آنها مشکی است. باید اضافه کرد که آنها از نوع سردراز هستند و صورت بیضی شکل و قیافه منظم دارند و همه خصوصیات آنها با خصوصیات افراد ساکن حوالی مدیترانه تطبیق می کند.

سه نوع فرعی این نوع ایرانی خالص در چندین جهت افریقا و آسیای مرکزی و هندوستان قرار دارد. اولین آنها سامی ها هستند که در امتداد کلیه خط تماس یا اعراب دیده می شوند و طبیعتاً مردم تیره رنگتری بسمت جنوب غربی بوجود آورده اند. نوع فرعی دوم توده عظیم ملت را تشکیل میدهد و از اختلاط با ایرانیان دارای خصوصیات ترکمن یا تاتار بوجود می آید از جمله حاجمی ها و تاحیک ها که در مشرق و شمال شرقی ساکنند از این قبیل هستند. تاتارهای آذربایجان نیز در این طبقه قرار می گیرند و اگرچه بزبان ترکی تکلم می کنند در حقیقت بطور مشخص نژاد ایرانی هستند... موی سر آنان خشن تر و متمایل به سیاه است و صورت آنها پهن تر و استخوان های گونه برجسته تر از ایرانیان خالص است. در ضمن سر آنها بخصوص در میان ساکنین شمال شرقی عریض تر است و بقول برایس «Bryce» «ایرانی باریک و چابک و گربه مانند» به ترکمن توپتر و درشت تر تبدیل می یابد. آیا میتوان گفت که بحای ترکمن در اینجا اثر خون نژاد مردمان آلپ آشکار است؟... سومین نوع فرعی ایرانی در سمت جنوب شرقی در میان سوزی ها در دهانه خلیج فارس یافت می شود... آیا در اینجا اثر خون نژاد سیاه پوست بلافاصله آشکار نیست؟ بینی پهن و گشاد و لب کلفت و چشم و موی سیاه آثار آن است. اکنون بحدود هند رسیده ایم. در اینجا با اولین آثار جمعیت بومی مواجه می شویم که شامل همه قبائل کوهستانی هندی می شود و از ماوراء دریا تا اهالی ساکن جزایر ملانزی امتداد می یابد. در مشرق ایران چندین نوع نژادی که بدون اینکه ظاهراً معلوم باشد مخلوط شده و مردم فعلی آن ناحیه را تشکیل میدهند در پایه غربی کوهستان آسیای مرکزی تقسیم می شوند. این مانع بزرگ چنانکه در فصل مربوط بشکل سر شرح دادیم یکی از ناگهانی ترین تحولات نژادی دنیا محسوب می شود. در انتهای شرقی آن یعنی در امتداد

همیالیا منول های خالص تبت را از هندوها و قبایل سیاهپوست کوهستانی هند جدا می کند. در سمت مغرب جبال هندوکش افغانستان دو نوع نژادی را که از اروپا تا این ناحیه تعقیب کرده ایم از هم جدا می نماید. در شمال جبال در ترکستان يك نوع نژادی یعنی نوع منتسب بآلپ در میان ترکمنها دیده می شود. باز باید تأیید و تأکید کنیم که این مردم در ناحیه بین اورال و دریای خزر رویهمرفته بهیچوجه منولی نیستند. در جنوب هندوکش در میان افغانها و هندوها شاخه شرقی نژاد مدیترانه قرار دارد ...

د نکته جالب توجه اینکه در میان مردم شمال هندوکش هرچه بیشتر به سوی کوهستان میرویم افراد سرکوتاه زیادتر می شوند در حالی که در قسمت جنوبی کوه عکس این قضیه صدق می کند. بنابراین از هر طرف گرفته شود خالص بودن و پاکی نوع که خود باقسام مختلف است به سمت رودخانه که بین آنها قرارداد افزایش می یابد و مشاهده می شود که این عامل با تحول تدریجی نوع نژادی در فلات ایران تا چه حد فرق دارد. آیا هنوز میتوان گفت که هرچه به کوهستانها و ارتفاعات آسیا نزدیکتر شویم بهتر میتوانیم نوع نژادی اروپائی خود را به منشأ مشترك برسائیم؟ حقایق این فرضیه را تأیید نمیکنند. از عناصر نژادی مردم اروپا لااقل دو عنصر در اینجا بهمان اندازه فرق دارند که در مرکز اروپا. بعبارت دیگر در پیشرفت از اروپا بسوی مشرق بجای آنکه رو بمنشأ مشترك برسیم مشاهده میشود که بدورترین شاخه دو نژاد مشخص بشری می رسمیم که اصولاً باهم فرق دارند. »

۱۹۰۲- سایکس P.M. Sykes (c ۱۹۰۲- ص ۳۴۲-۳۴۳) مینویسد :

در همه نقاط غیر مرتفع بخصوص در قسمت های دوردست مردمی از نژاد تیره رنگ مسکن دارند. در این مورد بشاگرد و پس کوه و دره کلاگان بخصوص جلب توجه می نماید. در بدو امر در اثر عدم اطلاع این امر را مربوط بورود بردگان سیاهپوست میدانستم ولی در همه نقاط گرمسیر از این نوع مردم دیده میشود بجز نقاطی که در زمان نسبتاً اخیر بوسیله قبائلی که زمین های حاصلخیز را اشغال کرده اند مورد تهاجم قرار گرفته است. این قبائل در فصل تابستان بنقاط مرتفع مهاجرت میکنند.

د دیولافوا که حاشیه کتیبه معروف تیراندازان سیاهپوست شوش را که به

زمان سلسله‌هخامنشیان تعلق دارد کشف کرد وجود مجموعه‌های متعلق به نواد سیاهپوست را در قبرستان پارتی‌ها ذکر میکند و این مطلب نوشته نویسنده‌گان باستان را تأیید می‌نماید.

« هرودوت البته سرآمد این نویسندگان است و این نکته جالب توجه است که هفدهمین استان یا ساتراپی داریوش شامل حبشی‌های آسیا بود که از قرار معلوم بجای موی مجدد موی صاف داشتند.

« هفدهمین ساتراپی تقریباً بلوچستان امروز میشود و در آنجا آریاها مهاجرت کرده‌اند که بعداً شرح آنرا خواهیم داد و همچنین قبائل تیره رنگه براهوئی که از حیث زبان از دراویدی‌ها هستند باین نقطه آمدند.

« افراد براهوئی از بلوچها تیره رنگتر و کوتاه‌تر و چهارشانه ترند طبق افسانه‌های خودشان شبانان فقیری بودند که در قرن هفدهم بکمک راجه هندوی خود آمدند و بالاخره این ناحیه را مسخر نمودند.

« بدرستی معلوم نیست که آیا این حبشی‌های موصاف همین براهوئی‌ها بودند و اینکه آیا نژاد دراویدی از هندوستان تا شط‌العرب بسط داشته ولی احتمال میرود که این نظریه چنانکه نویسندگان قدیم و قرون وسطی تأیید کرده‌اند درست باشد. در میان این نویسندگان جغرافیدان بزرگه یا قوت از خوزی‌ها بعنوان نژاد پست سیاه یا قهوای پوست که ساکن عربستان یا خوزستان فعلی بودند سخن می‌گوید.»

در مورد کولی‌ها سایکس مینویسد (ص ۳۳۴): « مسئله اصل نژادی آنها بقدری پیچیده است که من فقط بذکر اطلاعاتی که درباره این فرم جالب توجه کسب کرده‌ام اکتفا میکنم. در ایران در ایالات مختلف دارای نام مختلف هستند و بطور کلی آنها را فیوج مینامند که می‌گویند کلمه عربی است. در کرمان آنها را لولی^۱ و در بلوچستان آنها را لوری میخوانند.

۱ - برای معنی لغات به ص ۳۴۵-۳۴۹ مراجعه شود. همچنین مراجعه

شود به نشریه انجمن پادشاهی آسیائی جلد ۳۰ ص ۳۰۲-۳۱۱ مورخ ۱۹۰۶.

آسیای مرکزی این کلمه لیونی است. رجوع شود بکتاب مان مورخ ۱۹۰۲

در فارس کلمه کولی که از کابلی گرفته شده و همچنین کلمه غربتی بکار برده میشود. در آذربایجان بانام قراچی و در خراسان باغرشمال که از غیر شمار (یعنی بی حساب) گرفته شده برمیخوریم. قدری که بیشتر رویم در ترکیه کلمه ای نزدیک به یا اصل کلمه اروپائی زنگاری بکار برده میشود. «سایکس میگوید» بطور قطع قیافه آنها قیافه روستائیان ایرانی نیست.»

۱۹۱۴ - الکساندر فین Alexander Finn سرکنسول سابق بریتانیا در ایران در مقاله ای که برای انجمن ایران تهیه کرد. (ص ۳۲-۳۳) مردم ساکن ایران را بطبقات زیر تقسیم میکند:

۱ - اولاد ایرانیان باستان که شامل پارسی یعنی نماینده مادها هرزده (رویه گرفته در حدود ده هزار نفر از این زرتشتیان در تمام مملکت هستند و عده معدودی در تهران بشفل باغبانی اشتغال دارند).

۲ - ترک و ترکمن که از اولاد پارتیها هستند.

۳ - اعراب که در زمان حمله اسلام بایران آمدند.

۴ - اقوام دیگر مانند هندیها و ارامنه و یهودیها و افغانها و غیره.

۱۹۱۵ - خواننده عزیز بکتاب تاریخ ایران تألیف سرپرسی سایکس

که مشحون از اطلاعات و مطالب دقیق است مراجعه میشود. منتخباتی از این کتاب که مسائل مردم شناسی را روشن میکند در زیر نقل شده است و این قطعات از چاپ دوم کتاب مورخ ۱۹۲۱ اخذ شده است.

طبق نظر سایکس (۱۹۲۱ جلد اول - ص ۱۳-۱۴) جمعیت قعلی ایران

۱ - فین میگوید (ص ۳۲): «وقتی مقاله خود را در مقابل انجمن ایران خواندم پرفسورها کویان بصحت اظهارات من در باره این که ترکمنها از اولاد پارتیها هستند ایراد گرفت و گفت که قوم او یعنی ارامنه از اولاد پارتیها هستند» پس از مراجعه بتاریخ جهان بمطالب زیر برخوردیم

«ارامنه IV ص ۵۸۸ در نیمه دوم دومین هزار سال قبل از میلاد قبایل فریقی و تراسی باسیا مهاجرت کردند و اینها اجداد ارامنه هستند.

«پارتنی VII ص ۱۲۸ - ناسیتوس میگوید که بین ۱۴ و ۳۷ میلادی تیسریوس،

ارامنه را گرفتار پارتیها کرد.

«ترکمن XVIII - ص ۶۱۵ ماوراء خزر - این ناحیه محل سکونت

ترکمنها که شاخه ای از نژاد ترکند و با پارتیهای قدیم یکسانند میباشد.»

در حدود ده میلیون تخمین زده میشود که تقسیم میشوند به ۹ میلیون شههه، ۹۰۰ هزار سنی، ۸۰ هزار مسیحی (ارمنی - نسطوری - پروان کلیسای ارتدوکس یونانی - کاتولیک و پروتستان) - سی و شش هزار یهودی ، ده هزار زردشتی. ممکن است در حدود دو میلیون ایرانی در روسیه و ترکیه و هندوستان ساکن باشند . شك نیست که شهرهای ایران قبل از آغاز عصر حمل و نقل دریائی بزرگتر و معمور تر از حال حاضر بود زیرا در آن زمان عبور کاروانهای تجارتي برای ساکنین عرض راه کاروان رو و طبقات زارع حوالی آن ممرعایدی و امرار معاش بود . بملاوه . . . ممکن است که در ادوار قبل ریزش باران زیاد تر و امکانات زراعتی و کشاورزی کشور بیشتر از امروز بوده است . و نیز بعضی از نواحی مانند استر آباد هنوز از حمله و یورش قبایل بادیه نشین رنج میبرند . پس از در نظر گرفتن همه عوامل مشکل است تصور کرد که فلات ایران در هیچ زمان دارای جمعیت زیاد بوده است و بعقیده من اشتباه است اگر تصور شود که این ناحیه از لحاظ جمعیت شبیه اروپا بوده است . البته غیر ممکن است بطور دقیق تخمین زد ولی با در نظر گرفتن تجارت و حمل و نقل بیشتر از راه ایران قبل از عصر حمل و نقل دریائی و این مسئله که ایران معمولاً مرکز يك امپراطوری بزرگ بوده و با اینکه پایتخت آن بندرت در خود فلات ایران قرار داشته بنظر من میتوان گفت که پانزده میلیون نفر در این مملکت سکونت داشتند که اکنون فقط دوثلث آن عده در آن زندگی میکنند .

سایکس میگوید (۱۹۲۱ - جلد ۱ - ص ۱۴۰) « افراد هفت فامیل اشرافی که در میان آنها هخامنشیها مقام اول را داشتند بر ایرانیان حکومت میکردند . هخامنشیها در طی زمان فامیل سلطنتی ایران شدند . رؤسای دیگر تحت فرمان پادشاه درآمدند ولی بعضی از مزایای خود از جمله حق دسترسی داشتن پادشاه را حفظ کردند و اعضای شورای سلطنتی شدند . »

سایکس (۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۳۹۲) اضافه میکند : « هیچگونه تصویری از ایران کامل نیست مگر آنکه قبائل ایران که تقریباً يك چهارم جمعیت آنرا تشکیل میدهند در نظر گرفته شوند. از نظر نژاد شناسی قبائل مخلوط عجیبی نشان میدهند زیرا فقط در خراسان از کرد و ترکمن و تیموری (از نژاد عرب) و هزاره و بلوچی و ترک و عرب تشکیل یافته اند ولی اگر چه این قبایل از نژاد مختلف و در بسیاری موارد زبان مختلف دارند رسوم و عادات آنها شبیه است . معمولاً در چادر که از

موی بز بافته شده زندگی میکنند و در فصل بهار گله خود را بسمت کوهستان بچرا-
گاه می‌رانند و در فصل پاییز بدشت مراجعت می‌نمایند. عملاً هرگز باخارج از
قبیله ازدواج نمیکنند و در نتیجه نژاد آنها خالص مانده و آداب و رسوم آنها تغییر
نمی‌پذیرد. اسماً مسلمان هستند و این آزاد مردان دشت بجز از رئیس خود از
کسی اطاعت نمیکنند رئیس قبیله در مواقع مهم شورائی از پیران قبیله تشکیل
میدهد

سایکس (۱۹۲۱ جلد اول - ص ۱۷۰-۱۷۱) نقل میکند که طی سفرهای
خود در ایران اغلب با اردو گاههایی مرکب از ده تا ۱۲ چادر مواجه شده‌ام...
این مردم چادر نشین که زندگی و معاش آنها به گله بستگی دارد مجبورند و طی
نسل‌های متمادی همیشه مجبور بوده‌اند که در جستجوی چراگاه از یک ناحیه بیک
ناحیه دیگر در حرکت باشند. مراتع و چراگاهها در اثر قلت باران همیشه کم
حاصل است. در فصل زمستان حتی وقتی اردوی بادیه نشینان در ناحیه حفاظ-
داری برپا شده اغلب گله آنها صدمه زیاد میبینند. بافرا رسیدن بهار ایلات که با
وجود ترکی بودن آن به قبائل اطلاق میشود رو بکوهستان حرکت میکنند و در
آنجا در نقاط مرتفع در تابستان گله خود را بچرا و امیدارند و در فصل پاییز بسمت
قشلاق حرکت کرده و در آنجا بکشت محصول میبردازند....

«میتوان تصور کرد که مادها و پارسهای عهد باستان زندگی شبیه زندگی
قبائل امروز داشتند. از آنجائیکه آب و هوا و وضع اجتماعی بطور قابل ملاحظه
تغییر نکرده اگر تصور کنیم که آنها مانند بادیه نشینان امروز آزاد و جنگجو و
مردانه بودند راه خطانه پیموده‌ایم. در هر حال بعضی از قبایل امروزی از اولاد
آنانند این نظر درباره صفات و اخلاق ایرانیان مورد قبول یونانیان بود و اگر
یونانیان در دفاع از هلاس مردانه جنگیده و نام و شهرت یافتند ایرانیان شجاع
نیز از شهرت سهمی میبرند.»^۱

درباره قبائل قشقایی و خمسه و قاجار سایکس (۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۴۷۷-۴۷۸)

۱ - سایکس از قول هرودوت (IX-۶۲) میگوید: «اقوام وحشی بارها
نیزه یونانیان را گرفته و آنها را در هم شکستند زیرا در شهامت و روح جنگجویی
ایرانیان بهیچوجه از یونانیان کمتر نبودند.» رجوع شود به ویلسون مورخ

اطلاعات زیر را میدهد. قشقایها که از نژاد ترکمن هستند زبان ترکی خود را حفظ کرده‌اند. تعداد افراد آن قبیله فعلا در حدود ۱۳۰ هزار نفر است. قشقایها در مهاجرت سالیانه خود از بیلاق به قشلاق از هر قبیله دیگر دور تر میروند. قشلاق آنها در فصل زمستان تا گله دار نزدیک خلیج فارس میرسد و بیلاق آنها در تابستان بیش از ۲۰۰ میل دورتر است و بحوالی قمشه نزدیک محل بختیاریها میرسد. تعدادی از بلوک فارس تماماً بدست قشقایها است و بدینوسیله جمعیتی متجاوز از ۱۰۰ هزار نفر را تحت کنترل و نظارت خود دارند... قبائل عمده آنها عبارتند از دره شوری - کشکولی - فارسی مدان - شش بلوکی - صفی‌خانی و گل‌ازان اقری.

سایکس (۱۹۲۱ - جلد ۲ ص ۴۷۹) ادامه داده میگوید: «بعد از قشقایها قبائل خمسه در درجه اول اهمیت قرار دارند و این قبائل در ناحیه وسیعی در مشرق ناحیه قشقای زندگی کرده و بیلاق و قشلاق میکنند و در فصل زمستان بحوالی بندر عباس ولار میروند. و در فصل تابستان رو به شمال حرکت کرده بحوالی نیریز و بید میرسند. نام قبائل پنجگانه عبارتست از عرب - عین‌لو - بهارلو - باصری و نفر. قبیله عرب که بیش از نیمی از افراد قبایل خمسه را تشکیل میدهند بدو شاخه موسوم به شیپانی و جباره تقسیم میشوند که در اصل از نجد و عمان مهاجرت کرده‌اند. چهار قبیله دیگر از نژاد ترک هستند. زبان مشترک آنان عربی مخلوط با فارسی و ترکی ولری است و تعداد افراد قبایل خمسه ۷۰ هزار نفر است.

سایکس (۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۲۷۷) سومین قبیله عمده یعنی قاجار را مورد بحث قرار داده و میگوید که آنها از نژاد ترکند. قبیله قاجار که مدت‌های مدید در ارمنستان بودند بوسیله تیمور لنگه بایران آورده شدند. چنانکه گفته شد یکی از قبائل قزلباش بودند که از سلسله صفویه حمایت مینمودند شاه عباس قبیله قاجار را بسه قسمت کرد و یکی را در مرو و دومی را در گرجستان استقرار داد و سومی را که به یوخاری باش و آشا قباش یعنی شاخه بالا و شاخه پایین تقسیم میشد در اطراف رود گرگان مستقر کرد.

درین گروه‌های کوچکتر از کولی‌ها باید نام برد. سایکس (۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۱۱) طغیان جات را بدین طریق شرح میدهد: «در اوائل قرن هشتم

میلادی بفرمان ولید اول عده زیادی ازجاتها یا بقول عربها زتها باخدم و حشم خود ازسند سفلی به باطلاقهای دجله^۱ انتقال داده شدند . بمجردیکه دراین ناحیه استقرار یافتند به قتل وغارت و دزدی شروع کردند . . . سران لشکر مأمون ازجلوگیری ازآنها عاجز ماندند واولین اقدام معتم خلیفه این بودکه یکی ازسرداران قابل اعتماد عرب یعنی عجیف را مأمور سرکوبی آنان نماید . بالاخره درسال ۲۲۰ هجری یا ۸۳۴ میلادی عجیف با قطع خطوط ارتباطی آنها درمأموریت خود توفیق حاصل کرد قبائل زت تسلیم شدند وپس ازآنکه درقایقها درمرض نمایش مردم بغداد قرار گرفتند به خانقین در مرز ترکیه و بمرزهای سوریه تبعید شدند و گاومیشهای خود را همراه بردند .

درباره مرز ونواحی مرزی خراسان سایکس درباره گروه قبائل دیگری مینویسد (۱۹۲۱- جلد ۲ - ص ۱۷۴) «عباس هزارها کرد را بافامیل وگله خود ازکردستان بشمال خراسان کوچ داد و درآنجا بعنوان محافظ باطلاقها گماشته شدند . تازه واردین درسرمینهای حاصلخیز شمال نتوانستند درمقابل مهاجمین مقاومت کنند ... ولی در دره اترک ترکان گرائیلی را بیرون کرده وموقعیت خود را مستحکم نمودند . امروز یک جامعه آباد ومعمور تشکیل میدهند وهنوز بزبان خود تکلم میکنند ومعمولا تحت اطاعت رؤسای خود هستند . »

سایکس (۱۹۲۱- جلد ۲ ص ۷۰-۷۲) حمله مغول را بایران که اثرآن هنوز در قسمتی از جمعیت فعلی ایران باقیمانده به تفصیل شرح میدهد و بقول نویسنده تاریخ جهانگشا : آمدند وگشتند و سوختند وبردند ورفتند .

واضحیت خونخواری ووحشت وخرابی هیچ حمله‌ای درتاریخ باهجوم قبایل مغول^۲ که تمام عرض آسیا را طی کرد وملل وتمدنها را ازبین برد قابل مقایسه

۱ - مراجعه شود به شرح بسیارجالب توجه پرفسور دوگوج de Goeje در (یادداشت درباره مهاجرت زیگانها در سرتاسر آسیا) . چند سال قبل در ایالات کرمان و خراسان کلمات و لغات زبان کولی‌ها را جمع آوری کردم . رجوع شود به نشریه انستیتوی مردم شناسی جلد XXXII مورخ ۱۹۰۲ ص ۳۳۹ و جلد XXXVI مورخ ژوئیه - دسامبر ۱۹۰۶ .

۲ - منابع موثق و مخصوص این دوره عبارتند از : تساریخ مغول بقلم دهسون D'ohsson و تاریخ مغول بقلم سرهنری هوورث Sir Henry Howorth . کتاب اولی بر اساس منابع معتمد اسلامی از قبیل ابن‌اثیر و تاریخ جهانگشا قرارداد شده است .

نیست . مشرق اروپا از این حمله جان سلامت نبرد . . . آسیای مرکز،^۱ و ایران^۱ و تاحدی روسیه هنوز از این مصیبت هفت قرن گذشته بکلی بهبودی حاصل نکرده‌اند . . .

منولها یا بطوریکه معمولاً نامیده شدند تاتارها^۲ را نویسندگان چینی بسه طبقه تقسیم کرده‌اند که عبارتند از تاتارهای سفید و سیاه و وحشی و هرچه مسکن و مقرر آنها دورتر از تأثیر تمدن بخش چینی بود کمتر تحت تأثیر عوامل شهرنشینی و تمدن قرار گرفته بودند . . .

و منولان اصلی دارای چشم بادامی شکل هستند . ریش ندارند و معمولاً قد آنها کوتاه است ولی قوی هستند و اگرچه پیاده ناهنجار جلوه مینمایند از حیث سواری نظیر ندارند .^۳

سایکس (۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۲۱۶ - ۲۱۸) جزئیاتی درباره مردم افغانستان می‌دهد و می‌گوید این کشور و بعلاوه خصوصیات طبیعی محل و پناهگاه قبایل بومی بود که ازدشتهای حاصلخیز رانده می‌شدند . . . جمعیت عمده آن پاتان یعنی سخنگویان بزبان پشتو هستند که در حوالی مرز هند ساکنند و افغان یا اوغان درست مغرب زندگی میکنند . ریشه کلمه افغان بدرستی معلوم نیست .

لانگورث دیمز (Longworth Dames) متذکر می‌شود که نام حقیقی آنها پاتان است . و کلمه افغان اولین بار توسط خارجیها اطلاق شده و اصل ادبی

۱ - صفات و مشخصات منغولی در میان ساکنین فعلی فلات ایران مشاهده میشود (رجوع شود به لوحه ۱۱ اشکال ۱-۴) .

۲ - من کلمه تاتار بکار برده‌ام ولی سایکس تارتار ذکر کرده است و در ذیل صفحه تذکر میدهد :

« که شکل صحیح این کلمه تاتا نام قدیمی منغولان است . ولی این لغت بقدری از حیث صوت شبیه به تارتار روس است که کسانی مانند ماتئوپاریس و امپراطور فردریک دوم و پاپ انوسان چهارم و سنت لوئی بصورت تجانس لفظی از آن استفاده کرده‌اند و بهمین جهت کلمه تارتار مورد قبول واقع شد . خود منولها نام خود را از کلمه مونگک به معنی شجاع میدانند و این کلمه یعنی منغول را نویسندگان اسلامی بکار برده بیشتر بسلسله بزرگ که در هندوستان تأسیس کردند اطلاق می‌شود .

دارد و اکنون کلمه مؤدبانه است که بطبقه عالی اجتماع اطلاق میشود^۱.
دوقبیله عمده افغانستان عبارتند از درانی که دستگاه حاکمه فعلی را تشکیل
می دهند و قیلزائی یا صحیح تر قلزائی (که بلیو آنرا قلیچ خوانده) . . . میتوان
گفت که این قبایل به ترتیب در مشرق و جنوب افغانستان ساکنند . در شمال
هندوکش مردم بیشتر از ازبکها هستند . در قلب مملکت قبائل مغول هزاره و تیمانی
و پپهار ایمک و در ایالت هرات تاجیکهای آریائی سکنی دارند . در حالیکه در
مشرق کابل دروخان و روشن و در کافرستان یک عمده مردمانی وجود دارند که بسیار
جالب توجه اند و شامل قبائل قدیم آریین و فامیلهاستیکه در دره های کوهستانی دور-
دست این ناحیه پناه آورده اند میباشد . جمعیت افغانستان که در حدود پنج میلیون
نفر است بدو طبقه مساوی افغان و غیر افغان قابل تقسیم است . . . افغانها آریائی
نژاد و هندوستان را از مشرق بایران در مغرب وصل میکنند . افغانها و ازبکها
سنی و ایرانیها و هراوها شیعه هستند و نیز چون پشتو حکم یک لحجه دارد و نه
زبان خاص زبان نوشتنی و ادبی فارسی است که اغلب افغانهای تربیت شده بآن
تکام میکنند .

در مورد قلزائیها سایکس مینویسد (۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۲۱۸) که آنها
از نژاد مخلوط هستند^۲ و اکنون تعداد آنها شاید در حدود یکصد هزار فامیل
باشند ولی زمانی قویترین قبائل ایالت قندهار بودند .

قطعات منتخبه مربوط ب مردم شناسی در اینجا خاتمه می یابد ولی نظریات
مختلف مسئله شناسائی ساکنین اولیه عیلام و سومر و اکاد باقی میماند .

سایکس (۱۹۲۱ - جلد ۱ - ص ۵۰-۵۳) درباره منشاء ارتباط متقابل
این اقوام باستانی نظریاتی دارد و بحث خود را با اشاره به اسامی مختلف عیلام
یا الامنو (Elamtu) که شکل باستانی آن الیمائیس (Elymais) یعنی کوهستان

۱ - پشتویا پختویام زبان است . مردم آن ناحیه بطور مفرد پشتون یا پختون
نامیده میشوند . جمع این کلمه که پشتانی یا پختستانی است موجب شده است که کلمه
یاتان از آن ساخته شود .

۲ - عقیده عمومی بر آنست که قلزائیها با خلیجها که ادریسی از آنها نام
برده یکسان هستند ولی لانکورث دیمز Long worth Dames این مطلب را
مورد تردید میداند (رجوع شود به مقاله تحت عنوان قلزائیسی در قسمت XX
دائرة المعارف اسلامی) .

می باشد آغاز میکند و میگوید :

و آسوریهها در نواحی کوهستانی با عیلام تماس گرفتند و چون در زمان باستان دشتهای این ناحیه بوسعت امروز نبود و نواحی کوهستانی تفوق داشت نام این ناحیه محتاج به بحث بیشتری نیست .

و مردم شوش مملکت خود را انزان - سسونکا (Anzan-Susunka) می نامیدند و قبائل مختلف زیر را بطور مشخص می شناختند . استرابو و مورخین اسکندر نیز بین سوزیانا (Susiana) یا سوسیس (Susis) که در دشت واقع بود و کوهستان و جبال کسیا (Cossia) یا کسسیا (Kissia) و پاراکین (Paraetakine) و مردیا (Mardia) و الیمائیس (Elymais) و اوکسیا (Uxia) فرق قائل می شدند .

کتاب عزرا نیز بین شوشنکیان (Susanechians) یا ساکنین دشت اطراف شوش و عیلامیان یا ساکنین نواحی کوهستانی فرق می گذارد (کتاب عزرا - باب چهارم - آیه ۹ شوشنکیان و دهائیان و عیلامیان) در زمان تسلط ایرانیان این ایالت اوجا (Oujaja) شناخته میشد و بالاخره در قرون وسطی خوزستان یا مملکت خوزها یا هوزها نامیده می شد و این نام هنوز روی نقشه دیده می شود در حالیکه این ایالت اکنون عربستان خوانده می شود .

و دیولافوا و دو مرگان که هر دو بریاست هیئت اکتشافی به عیلام رفتند و در محل این مسئله را مورد مطالعه قرار دادند در این مطلب متفق الرأیند که دشت شوش درازمنه بسیار قدیم تحت اشغال سیاهپوستان بود و تا آنجا که می دانیم این مردم ساکنین اولیه این ناحیه بودند . . . و همچنین باید در نظر داشت که در قدیمترین نقوش برجسته اشکال مردم نژاد سیاهپوست مکرر دیده می شود و بخصوص در مورد تخته سنگ معروف نارامسین (Naramsin) دیده می شود که پادشاه که از نوع نژاد سامی است رهبر گروهی مردم سیاهپوست است که بفتح و پیروزی نائل شده اند . چندین سال قبل در طی سفرهای خود با کمال تعجب مشاهده کردم که مردم بشاگرد و سرحد که نواحی کوهستانی و دور دست مرزی بلوچستان ایران است دارای چهره بسیار تاریک هستند . علت شاید آن باشد که تمام این ناحیه در اصل در اشغال مردم سیاهپوست آناریاکوی (Anariakoi) یا غیراریان بود که در کلیه نواحی ساحلی خلیج فارس تا هندوستان وجود داشتند و اولاد آنها در آن

نواحی باقیمانده اند ... همال (Hall) معتقد است که مردم سیاهپوست عیلام و سومر از این نژادند و بعقیده من این صحیح ترین نظریه ایست که درباره این مسئله بسیار مشکل می توان قبول کرد .

دولی عیلام علاوه بردشت حاصلخیز غنی شامل نواحی کوهستانی شمال و مشرق نیز می شود و در این قسمت مسئله نژاد سیاهپوست وجود ندارد . بنا بر این عیلام در واقع محل سکونت دو نژاد یعنی سیاهپوستان دشت و سفیدپوستان نواحی کوهستانی بوده است . ظاهراً یونانیان باین نکته وقوف داشته اند ۱ و بهمین جهت ممن (Memnon) را که بکمک تروی آمد و اولادیک زن سفیدپوست ناحیه کوهستانی کیسیا (Kissia) و تیتونس (Tithonos) سیاهپوست می دانستند . تیتونس که همان دیدون (Didun) خدای حبشه است سرداری ارتشی متشکل از شوشی ها و حبشی ها بکمک پیرام می شتابد ... دریک قطعه دیگر (ادیسه XI: ۵۲۲-IV: ۱۸۸) ممن سیاه چهره شرح داده شده است ... وقتی یونانیان در عیلام مردمان سیاهپوست یافتند طبعاً آنها را با حبشی ها که از منابع مصری می شناختند مقایسه می کردند و انتقال تیتونس بایران بهمین دلیل است .

و بندریج در ادوار بعد اول سومریها و بعداً عده زیادی از سامی ها باین خطه روی آوردند و در طی زمان مانند بابل بر ساکنین اولیه تفوق یافته و آنها را در خود مستهلك نمودند . در مورد بابل هجوم مردم سامی مسالمت آمیز بود و شاید آنها باید نفوذگفت و نه هجوم ولی در مورد عیلام شاید بعلمت وجود کوهستان تسخیر دائمی توسط پادشاهان سامی اکاد صورت نگرفت و عیلام تا زمان تشکیل دومین امپراطوری سومر بدست پادشاهان اور U₂ تحت اطاعت سومریها در نیامد و در آن موقع هم تسلط به عیلام زیاد طول نکشید .

علاوه بر طبقات کلی مردم شناسی که در بالا شرح داده شد عیلام محل و موطن چندین قبیله بود که عبارت بودند از هوسی (Hussi) یا اوکسیان (Uxians) و هاپارتیپ (Hapartip) و اوملیاش (Umliyash) که در ناحیه بین کرخه و دجله سکونت داشتند و مردم یا موتبال (Yamutbal) و یاتبور (Yatbur) که

۱ - رجوع شود به استرابو XV ۲۰۳ - و همچنین هرودوت V ۵۴ که در آن شوش را شهر ممن ذکر کرده است - یود Hesiod او را پادشاه حبشه میخواند .

محل سکونت آنها بین باطلاحهای دجله و کوهستان قرار داشت .
 و هوسی یا کوسی همان اوکسیان یونانیان هستند . . . نام آنها در کلمه
 خوزستان باقیمانده است نام هاپارتیب یا هاپرتیب در حجاریهای مال امیر ذکر شده
 و شاید مردمان یونانی باشند که هرودوت بعنوان قبایل بسادیه نشین
 ایرانی ذکر می‌کند و آنها را در ردیف‌دهائی و دروپینی (Dropini) و سگارتی
 زیر پرچم کوروش قرار می‌دهد .

سایکس (جلد ۱ - ص ۶۱-۶۲) پس از آنکه ارتباط نزدیک عیلام را با
 سومر و اکاد شرح می‌دهد به بیان نمو و ترقی این سه دولت پرداخته و پیشرفت
 عیلام و رابطه آنرا با بابل بطور اختصار شرح می‌دهد . و اکنون معلوم شده است
 که در سومر و اکاد دو نژاد مختلف سکونت داشتند که نه تنها از حیث نژاد و زبان
 بلکه از حیث ظواهر مشخص باهم فرق داشتند .

سومریها سر و ریش خود را می‌تراشیدند در حالی که سامی‌ها موی
 سر و ریش خود را نگاه می‌داشتند . . .

درباره اینکه سومریها یا سامی‌ها ساکنین اولیه بابل بودند بحث زیاد
 شده است ولی اکنون می‌توان این مشکل را بنفع سومریها حل شده دانست^۱
 ولی شاید قبل از خود آنها نژادی مانند مردمان اولیه عیلام در آن ناحیه سکونت
 داشتند که سفال زمان آنها شبیه ظروف سفالی قدیم شوش است . تا آنجا که شواهد
 و مدارک نشان می‌دهد بنظر می‌رسد که در قدیمترین ایامی که از آن مدارک وجود
 دارد سامی‌ها در شمال مملکت در سر زمین اکاد در کنار سومریها استقرار
 داشتند . . .

د این افسانه را (یعنی افسانه اوانس Oannes) معمولاً نشانه ورود نژاد
 عالی‌تری از راه دریا می‌دانند و چون بالاخره سامی‌ها تفوق یافتند استدلال می‌شود
 که آنها بودند که از سمت شمال به بابل آمدند . ولی کینگ از این افسانه فقط این
 نکته را درک می‌کند که سواحل خلیج فارس قدیمترین مرکز تمدن سومری بود

۱ - من با این نظریه کاملاً مخالفم . شواهد باستان‌شناسی از صحرای شمال
 عربستان و از کیش نشان می‌دهد که ساکنین اولیه بین‌النهرین افراد سردراز و بنا بر
 این تصور می‌رود از نژاد سامی‌زبان و شاید از اولاد اهالی اولیه مدیترانه
 بودند .

و معتقد است چون در ادوار قدیم از نفوذ سامی اثر بسیار کمی دیده می‌شود، سامی‌ها از سمت شمال غربی آمدند و نه از سمت جنوب و این نظر به فعلا مورد قبول است.

د درباره خود سومریها و اینکه از کجا آمده‌اند تا این اواخر قدیمترین آثار فرهنگ و تمدن آنان شامل بقایا و آثار تمدن عصر برنز بود و بنا بر این تصور می‌شد که ورود سومریها بدره فرات ناگهانی بود. و آنان مظاهر تمدن خود را از ناحیه جنوب شرقی دریای خزر که در آنجا گنجینه از اشکال و سفال سومری کشف شده با خود آوردند ... ولی اکتشافات امریکاییها در نپور اطلاعات جدیدی درباره این موضوع مهم داده و چاپ لوحه‌های جدید صورت ده سلسله سلطنتی را می‌دهد که همه قدیمتر از سلسله‌های تاکنون شناخته شده می‌باشند. بنا بر این باید در نظر سابق خود تجدید نظر کنیم زیرا اکنون دلیلی در دست داریم که قبل از پایان هزاره سوم سومریها دارای رسوم و میراث قوی بودند که نشان می‌دهد در اوایل عصر تاریخی بابل را درید قدرت خود داشتند. بعبارت دیگر مهد تمدن را می‌توان در بابل جستجو کرد (مقایسه شود با شرح تألیف گینگ و فرانکفورت).

مسئله بعد مربوط به اصل و منشأ تمدن و رسوم آریانه‌های ایران است. طبق نوشته وندیداد (فصل اول) اولین سرزمین خوب و کشوری که آفریدم آریانم- وائجو (Aryanem-Vaejo) بود (رجوع شود به رالینسون - جلد ۳ - ص ۱۶۵ - یادداشت شماره ۲). سایکس (۱۹۲۱ - جلد ۱ - ص ۹۵-۹۹) درباره مسئله آریانه‌ها شرح زیر را می‌دهد: دو قتی این دشت‌ها را با تمدن نسبتاً کهنه و رشد کرده خود گذاشته به فلات ایران میرسیم مشاهده میکنیم که هم ساکنین آن وهم خصوصیات طبیعی آن فرق دارد. در رسیدن بفلات ایران از نواحی که تحت نفوذ اقوام سامی بوده گذشته بمملکتی می‌رسیم که اگرچه تحت نفوذ تمدن بابل و آسور بوده آریائی‌ها نژاد حاکم آن هستند. از این بعد تاریخ دنیای قدیم مبارزه بین اقوام سامی جنوب و اقوام آریائی شمال است که بالاخره به پیروزی کامل نژادهای شمالی منتهی می‌شود (برسته - ص ۱۷۲) مسئله هندواروپائی که معمولاً مسئله آریان نامیده می‌شود (اگرچه کلمه آریان فقط بگروه هند و ایرانی اطلاق می‌شود) در موقعی که تحقیق در این باره در مراحل اولیه خود بود مورد بحث

شدید و متعدد قرار گرفت. عقیده و نظر اولی این بود که از یک مرکز بدوی گروه‌های مردم آریائی نواحی غیر مسکون نیمه کره شمالی را اشغال کرده و در آن نقاط سکنی گزیدند. از آن عقاید و نظریات اولیه اکنون بسیار جلوتر رفته‌ایم و می‌دانیم در زمانی که از آن صحبت میکنیم دنیا و نقاط مختلف آن محل سکونت نژادهای دیگر بود. بنا بر این اکنون مورد قبول همه است که صحیح تر آنست که از (فامیل زبانهای آریائی) و شاید از (تمدن آریائی بدوی) صحبت شود که قبل از جدا شدن لهجه‌های مختلف آریائی از زبان اصلی وجود داشته است (رجوع شود به دینکر - ص ۳۱۸). شناسائی و پیدا کردن مرکزی که اقوام آریائی از آن آمدند نکته‌ایست که عقاید و نظریات مختلف درباره آن اظهار شده است و نشانه‌هایی برای راهنمایی ما وجود دارد. از قرار معلوم آریانها ساکن سرزمینی بودند که آب و هوای آن شبیه آب و هوای قاره بوده زیرا فقط دو یاسه فصل را تشخیص می‌دادند و می‌شناختند. زبان آنها نشان می‌دهد که آنها ساکن سرزمین صاف بودند که کوه و جنگل نداشته و درختان آن منحصر بوده است به غان و بید. حالا می‌دانیم که آریانها از شمال آمده‌اند و چون قبایل بادیه نشین در ناحیه وسیع پسرانگنده می‌شدند نظر بعضی بر آنست که موطن آنها در ناحیه وسیع استپ‌های شمال خراسان که در آن زمان احتمال مبرود حاصلخیزتر بوده است و دشت‌های مشابه و مجاور و پر آب تر جنوب روسیه بوده است. بعضی دیگر ناحیه جنوب غربی دریای خزر را موطن اصلی آنها می‌دانند. در هر حال در این باره نمی‌توان بطور قطع اظهار نظر کرد.

آریانهای شاخه ایرانی که در اینجا با آنها سروکار داریم اولین شعبه‌ای بودند که متمدن شدند و بخدای یگانه ایمان آوردند و بنا بر این باید مورد توجه مخصوص ما قرار گیرند. یکی از روایات و افسانه‌های آنها آنست که آنها مجبور شدند موطن خود را ترک گویند بعلت آنکه نیروی شیطانی محل سکونت آنها را منجمد و یخ بندان و غیر قابل سکونت کرد. شاید این مطلب حاکی از آن باشد که تغییر آب و هوا باعث حرکت و مهاجرت آنان شده باشد همانطور که خشکی و بی‌بارانی سبب شد اقوام مغول رو بسمت مغرب هجوم آورده و تمدن ممالک تسخیر شده را سرنگون سازند. بعضی روایات و افسانه‌ها^۱ بر زمین مفقود موسوم به آریانم -

۱ - سایکس (۱۹۲۱ - جلد ۱ - ص ۹۷) توجه ما را به فرجند او نندیداد جلب میکند.

وائجو (Aryanem-Vaejo) ۱ اشاره میکند . وقتی سرما آنها را مجبور به ترك این فردوس زمینی کرد به سفدا (Sughda) و مورو (Muru) (سغد یا ناومار گیانای باستان) که اولی بخارا و دومی مرو و مروزاست حرکت کردند . هجوم ملخ آنها را از سفدا راند و قبائل مخاصم آنها را مجبور کرد به بخدی (Bakhdhi) سر- زمین پرچمهای بلند که بعداً بلخ نامیده شد روی آورند . از بلخ بسوی نیسایا (Nisaya) که باشتباہ نیشابور اسروزی شناخته شده روی آوردند . ناحیه ناسا- تانیسا که در جنوب اسک آباد واقع شده صحیحتر بنظر میرسد . در مراحل اخیری مهاجرت به هارویو (Haroyu) یعنی هرات و واکرتا (Vaekereta) یعنی کابل رسیدند . بعدها مورخین و وقایع نویسان این ممالک را بدو گروه تقسیم کردند که عبارت باشد از آرا-هوائیتی (Arahvaiti) (آراکوسیا) و هاتومان (Haetumant) (هلمند) و هاتپا- هندو (پنجاب) در سمت مشرق و اوروا (Urva) (طوس) و وهر-کانا (Vehr-Kuna) (گرگان) و راگا (Rhaga) (ری) ۲ و وارنا (Varena) (گیلان) و نواحی دیگر سمت مغرب. ممکن است این طبقه بندی برای توجیه تقسیم آریانها با ایرانی و هندی بعمل آمده باشد .

محل آریانم - وائجو در قسمت شمالی ایالت فعلی آذربایجان تصور شده است ولی داورگان با منطق صحیح میگوید اگر قسمت شمالی یا هر نقطه دیگر آذربایجان محل اصلی آریانم و وائجو بوده باشد آریانها را با قبائل ساکن ارمنستان فعلی که نسبتاً متمدن بودند و با هنر کتابت آشنائی داشتند مقابل میکرده است . حقیقت آن است که این نقطه را بدقت نمیتوان تعیین کرد ولی در نتیجه کشت تو- حاریک ۳ قدیمترین شکل هندواروپائی در سیبری به قسمت جنوب غربی آن سرزمین وسیع را می توان بعنوان محل اصلی آریانم - وائجو مورد ملاحظه دقیق قرار داد . همه این افسانه بصورتی که بدست ما رسیده حاوی جزئیات و مفصلتر از

۱ - برای اشاره زید و اوستا به آریانم - وائجو رجوع شود به رالینسون

جلد ۳ - ص ۱۶۵ - یادداشت ۲

۲ - مقصود ری جدید نزدیک شاه عبدالعظیم طهران است .

۳ - سایکس (۱۹۲۱ - جلد ۱ - ص ۹۷) بکتان مایر H.Meyer

مراجعه میکند .

آنستکه بتوان آنرا خیلی قدیمی دانست و کاملاً امکان دارد که موقمی که به شکل نهائی خود درآمد آذربایجان همان آریانم - وائجوشناخته می شد و موطن اصلی واقع در شمال فراموش شده بود. معینا محققین اوستا آنرا ذیقیمت و مفید می دانند زیرا تردیدی نیست که بر اساس روایات و سنن ادوار بسیار گذشته قرار دارد . و بعضی را عقیده بر آنستکه مادها از جنوب روسیه بایران مهاجرت کردند و چون سلطنت اورارتویا آزارات را قویتر از آن دیدند که بتوانند بآن حمله کنند از هجوم بآن احتراز کرده و بتدریج قسمت غربی فلات ایران را اشغال نمودند . یکی دیگر از شعب آریائیها یعنی ایرانیان یا پارسها از استپ های شمال خراسان وارد سمت شرقی ایران شدند و از ایالت کرمان گذشته و از مجاورت دره زنده رود ایالت پارس را که شاید در آن زمان در دست مادها بود اشغال کردند . مرزهای شرقی آنها با محل سکونت قبائلی که تحت نفوذ عیلام بودند متصل میشد . مهاجرت سوم از آریا یا باکتریا جهت جنوب شرقی را پیش گرفت و مهاجمین از هندوکش گذشته نواحی پنجاب را اشغال نمودند در ماورای این سه مهاجرت بزرگ هیرکانیها در نواحی استرآباد جدید سکونت یافتند و در عقب پارسها کارمانیان آمدند که ایالت کرمان نام خود را از آنها می گیرد و گدروسیان Gedrosians که در نواحی ساحلی بلوچستان و درانگیان Drangians و آراکوسیان Arachosians که در نواحی شمال بلوچستان و قسمت جنوبی افغانستان ساکن شدند و بعد از آنها مارگیان مرو باختریان بلخ هستند .

• در کتیبه های میخی که اخیراً در بغز کیوی Boghaz kyoï یا پتریای - Pteria باستان و پایتخت هیتیها کشف شده حاوی عهد نامه های بین هیتیها و می تانیها Mitannians که طبقه اشراف آنها از نژاد آریان بودند می باشد . روی یکی از آنها سوگند خوردن به خدایان ودیک یعنی ایندرا Indra و وارونا - Varuna و ناساتیا Nasatya دو قلو (Asvins) بطور وضوح نشان می دهد که نه تنها می تانیها این خدایان را محترم می شمردند بلکه تا سال ۱۳۵۰ قبل از میلاد که تاریخ این اسناد است عناصر ایرانی و هندی آریائی هنوز بطور مشخص از هم جدا نشده بودند .

• دومرگان معتقد است که حمله آریانها به باکتریا قبل از سال ۲۵۰۰ قبل از میلاد صورت گرفت و مادها در حدود سال ۲۰۰۰ قبل از میلاد وارد شمال

غربی ایران شدند. این نکته که کاسیتها *Kassites* قوم آریایی بودند که در حدود سال ۱۹۰۰ قبل از میلاد تشکیل سلسله داد و در زمان اولین سلسله بابل نام آنها شنیده شده بود بطور قطعی تر تاریخ این مهاجرت را مشخص میکند تا هویت کاسیتها که شاید از قبائل ماد بودند مسلم شود.

« احتمال میرود که فاتحین با ساکنین قدیم رفتار مختلف کرده باشند. بعضی از آنها را بکوهستانها راندند. از بعضی سلب مالکیت کردند و بعضی اجازه دادند در کنار مردم تازه وارد بزندگی خود ادامه دهند. اگر تلفات سنگین قبائل مدافع و وسعت نواحی مورد حمله و کوهستانی بودن آن در نظر گرفته شود بنظر میرسد که این فرضیه درست باشد و تاریخ نشان می دهد که طرز عمل اغلب ملل فاتح تقریباً همین گونه بوده است. هرودوت نیز این مطلب را تأیید میکند و نام قبائلی که بهم ملحق شده و تشکیل ملت دادند می دهد که بقول او عبارت بودند از بوساس *Busae* پراتاسنی *Paraetaceni* - استرکات *Struchates* آریزانتی *Arizanti*، بودگی *Budii* و ماگی *Magi* (هرودوت ۱۰-۱۰۱) ممکن است که چهار قبیله اول آریایی و دو قبیله آخر تورانی بوده باشند. قبیله آخری یعنی ماگی ها دارای نوعی مذهب بودند که با مذهب آریانها ممزوج شد و تحت نفوذ مذهب زردشتی بصورت مذهبی بهمین نام درآمد.

«مهاجمین آریایی زندگی شبانی و بدوی داشتند و مالک اسب و گاو و گوسفند و بز و سگ محافظ بودند... بتدریج مستقر شده و کشاورزی آموختند و ده و شهر بنا کردند و مدتها مدید بصورت قبیله یا گروه طوایف مستقل از یکدیگر زندگی میکردند و در موقع خطر باهم متحد میشدند.

۱۹۱۹ - در ۲۴ ماه ژوئن ۱۹۱۹ جیوانچی جمشید جی مدی در مقابل انجمن مردم شناسی بمبی مقاله قرائت کرد که در آن خصوصیات جسمانی اعراب و ارتباط آنها با اقوام قدیم ایران شرح داده شده بود. این مقاله شامل بحث گزارش سلیمان *Seligman* (ص ۷۲۴-۷۳۱) درباره اعراب بود و خلاصه ای از رابطه بین ایرانیان و اعراب زمان باستان که آنها را بسد دوره تقسیم کرده داده شد. این سه دوره عبارتست از:

۱ - دوره ماقبل تاریخ^۱.

۲ - دوره ماقبل‌اسلام.

۳ - دوره بعد از تسلط عرب بر ایران .

مدی از مسعودی^۱ (جلد ۲ - ص ۱۴۲) نقل کرده (۱۹۱۹ - ص ۷۳۳) میگوید: بعضی از اعراب نسب خود را از کحتان می‌دانند و بعضی دیگر بخصوص شعرای قبیله Nizar خود را از کحتانیهای یمنی بالاتر دانسته و سب خود را از ایران می‌دانند .

بند هش پهلوی ظاهراً این نظریه را درباره رابطه بین اعراب و ایرانیان تأیید میکند در این کتاب نظر ایرانیان باستان در باره آفرینش دنیا شرح داده شده است ... اولین موجود انسانی کسی بود بنام کیومرث Gayomard که جنس نداشت و اولین اولاد او (ماشی و ماشیانی) هر دو جنسیت را در یک بدن توأم داشتند. از این جفت هفت جفت بوجود آمد که میانگین سن آنها صد سال بود. از این هفت جفت پانزده نژاد^۲ بوجود آمد. رویهمرفته اول بیست و پنج نوع بشر یک یک پدیدار شد. از فراو که از اولاد اولین موجود بشری یعنی کیومرث بود دو شخص یکی تاز و دیگری هوشنگ^۳ بوجود آمد. اولی یعنی تاز جد و منشأ تازیها یا اعراب است و دومی جد ایرانیان و چون وی پیشداد خوانده میشد سلسله سلاطینی که از او بوجود آمد بنام پیشدادیان موسوم گشت. بدین طریق از روایت و افسانه قدیم ایران مشاهده میکنیم که اعراب و ایرانیان یعنی سامی‌ها و آریانیها در بدو امر از یک منشأ مشترك در مغرب آسیا سرچشمه گرفته‌اند .

مدی (۱۹۱۹ - ص ۷۳۴) در بحث در باره اعراب با اشتقاق کلمه عراق اشاره کرده و می‌گوید این کلمه از عراق که معنی آن دوزش دو گانه ته مشك است آمده است و علت آن اینست که آن کشور از آب رود دجله و فرات و رودخانه‌های

۱ - مدی ترجمه بوسیله می‌نارد B.de Meynard و کورتی - P.de Cour

teille را نقل میکند .

۲ - بند هش پهلوی فصل XV برای جزئیات نظر ایرانیان در باره آفرینش

طبق بند هش رجوع شود به مقاله اینجانب تحت عنوان (قدمت بشر) در مقابل این

انجمن (نشریه انجمن - جلد X - ص ۵۷۷ - ۵۹۲) و همچنین بمقالات مربوط

بمردم شناسی اینجانب - قسمت دوم - از صفحه ۲۲۹ ببعده .

اشارات تاریخی درباره مردم ایران-۱۵۹

دیگر سیراب می‌شود و در ذیل صفحه اضافه میکنند که عراق عجم یعنی عراق ایران همان کشور ماد و ناحیه کردستان و اطراف آن است. عراق عرب شامل بابل و کلدان و غیره است .

د اولین اشاره فردوسی به عربستان (مدی - ص ۷۳۷ و ۷۳۸) حاکی از آنستکه هنر خط و کتابت از خارج بایران آمد. گفته شده است که طهمورث پادشاه بوسیله دیوها چندین زبان آموخت و مقصود از دیو بیگانگان است که در بین زبانهاییکه تدریس کردند خط زبان تازی را نیز آموختند . در اوائل شاهنامه فردوسی اعراب را تازی و زبان آنها را زبان تازی می‌خواند

د می‌دانیم که اعراب از ازمینه خیلی قدیم همیشه بعنوان دریا نوردان خوب شناخته شده‌اند و در تجارت بین مشرق و مغرب نقش عمده بازی کرده‌اند . فردوسی در شرح سلطنت فریدون بدریا نوردی اعراب اشاره میکند . وقتی فریدون می‌خواست که از دجله بگذرد از ملاحان عرب خواست برای او سربازانش کشتی تهیه کنند .

بنا به گفته مدی (ص ۷۵۵) فردوسی می‌نویسد: «وقتی اسکندر بزرگ پس از غلبه بر ایران بسوی هند که دارا پادشاه ایران از آنان کمک خواسته بود شتافت و با پروس Porus جنگید در میان لشکریانش عده‌ای از اعراب سوریه و حجاز و یمن خدمت میکردند .

مدی ادامه داده می‌گوید (ص ۷۳۹) : « بنا بر این در اوائل دوره مسیحیت اعراب یمن کشور خود را ترک کرده و در جستجوی نان و آب بسوی شمال رفتند . بعضی از آنها یعنی ازدیتها Azdites در کنار رود فرات شهرهای هیرا Hira و انبار Anbar را تأسیس کرده و بر دمشق حکومت کردند .

مدی سپس می‌افزاید (۱۹۱۹ - ص ۷۴۷-۷۴۸) : «تاجیکها که امروز گروه مخصوصی تشکیل می‌دهند و یکی دو گروه نژادی عمده‌ی ایرانیانند از اولاد این اعراب ایرانی شده و زردشتی شده می‌باشند . دکتر لوشن Luschan آنها را از ایرانیان قدیم می‌داند .

دکتر بلیو می‌گوید در افغانستان حتی در حال حاضر تاجیکها را پارسیوان می‌خوانند و خود این نام رابطه و نسبت آنها را با ایرانیان قدیم نشان می‌دهد .

در بالا گفته شد که بعضی از تاجیکها یا اعراب به پیروی از بت مسراب
 ب مذهب مزدیسنان گرویدند. در یکی از ادعیه جدید پارسیها (نیرنگ سر و شمشیر)
 در بین اقوام زردشتی که عنایت خداوند برای آنها طلب می شود نام تاجیکها برده
 شده ولی از آنها بخصوص بنام تازیان بسناکستیان یعنی تازمانیکه نخب مقدس زردشتی
 پوشیده اند نام برده شده است. رابطه آنها حتی در يك دعای زردشتی میرساند
 که بعضی از اعراب تماس نزدیکتری با ایرانیان قریم داشتند بنا بر این عجب نیست
 که از حیث خصوصیات جسمانی نیز تا حدی تحت تأثیر واقع شده باشند.

۱۹۱۹ - لوفر در چین و ایران، می نویسد (ص ۱۸۵) : « اکنون میدانیم
 که مردم ایران زمانی سرزمین عظیمی که شامل ترکستان چین بود در اختیار
 داشتند و بچین مهاجرت کرده و با مردم چین تماس گرفته و تأثیر عمیقی به ملل
 نژاد دیگر بخصوص به ترکها و چینیها باقی گذاشتند. ایرانیها بین شرق و غرب
 نقش میانجی بازی کرده و افکار و عقاید یونان را با آسیای شرقی و مرکزی انتقال
 دادند و امتعه و گیاههای پرارزش چین را بناحیه مدیترانه بردند. فعالیت آنها
 اهمیت تاریخی دارد ولی بدون اسناد و مدارک چین نمی توانیم بطور کامل از این
 فعالیت اطلاع حاصل کنیم. مردم چین مردمی حقیقت بین و علاقمند به مطالب
 حقیقی بودند و مقدار زیادی اطلاعات سودمند درباره نباتات و محصولات و حیوانات
 و معدنیات و آداب و رسوم و مؤسسات ایرانیان برای ما باقی گذاشته اند که بدون
 شك مورد استفاده اهل علم قرار می گیرد.

لوفر (ص ۱۸۸-۱۸۹) ادامه داده می گوید : « وظیفه عمده من آنست که
 ردو اثر تاریخی همه اشیاء وابسته به تمدن و فرهنگ را بخصوص نباتات و ادویه و
 محصولات و معدنیات و فلزات و احجار کریمه و منسوجات را در انتقال از ایران
 به چین و آنهاییکه از چین با ایران منتقل شده پیدا کنم . . . در مورد گیاهان
 ایرانی که چینیها از آن نام برده و درباره آنها نوشته اند گروه های زیر را میتوان
 مشخص کرد :

۱ - گیاههای کشت شده که از ایران بخاک چین منتقل شده اند.

۱ - لوفر در یادداشتهای چاپ نشده خود مینویسد که « از سال ۷۲۲ -

۷۴۷ قبل از میلاد در حدود ده سفارت باهدایا از ایران بچین رفت.

۲ - گیاههای کشت شده و وحشی ایران که در چین مشاهده و توسط نویسندگان چینی شرح داده شده اند.

۳ - ادویه و سبزیجات خوشبو که از ایران به چین وارد شده اند (رجوع شود به هرپروفیلد).

۱۹۲۴ - چند قطعه که مربوط به بحث ما میباشد از هدون Haddon (ص ۱۴۳) نقل میکنیم: و نظری به نقشه آسیای غربی نشان میدهد که در مشرق سیاه کوه و مغرب کوههای پروپامیس Paropamisus در سلسله کوههای شرقی به غرب دره‌هایی وجود دارد که عبور از جنوب بشمال را آسان میکند. در دوره‌ای یخ‌بندان حلقه‌طوقانها استپ‌های فعلی را بنواحی جنگل تبدیل کرده و استپ‌های فقیر فعلی تبدیل به مراتع و چمنزار شده و صحراها و باطلاحهای نمک‌زار دریاچه‌های بزرگ آب‌شیرین بوده است. تحت این شرایط حتی قسمت شرقی و مرکزی ایران سرزمین مطلوب و قابل سکونت محسوب میشده است.

در باره جمعیت فعلی هدون (ص ۱۰۲-۱۰۳) مینویسد: «بفراز گور و ههای کوچک کرد و عرب و ارمنی که باین ناحیه آمدند و گروه بزرگ نژادی در ایران وجود دارند که عبارتند از تاجیکهای نوع قدیم که نمونه آنها پارسی‌هایی هستند که در سال ۶۴۰ میلادی به هندوستان مهاجرت کردند و ایرانیها. تاجیکهای سرزمینهای پست مخلوط ترند و رنگه‌چهره آنها از ساکنین نواحی مرتفع یا گاجاها Galcha سفیدتر است اینها را میتوان ساکنین اولیه محسوب داشت ولی در شوش اثر مردمان سیاه‌پوست دیده میشود که از روی آثار و ابنیه تاریخی میتوان آنها را مردمان قبل از درآویدی و شاید از نژاد الوتریک Ulotrichous دانست. نوردیک‌های اولیه از نواحی بین اروپا و آسیا آمدند که در تاریخ بعنوان مادو پارسی شناخته شدند ولی مهاجرت افراد سامی نژاد مانند عربها و قبائل ترک در نوع ایرانی تغییراتی بوجود آورده است. دو گروه ایرانی قابل تشخیص عبارتند از:

۱ - فارسیهای پاریک اندام سردراز اطراف تخت جمشید که رنگه‌چهره آنها روشن و مو و ریش انبوه بلوطی رنگه دارند. افراد بور دارای چشم آبی بندرت دیده می‌شوند و بنظر میرسد از نوردیک‌های اولیه باشند.

۲ - لرهای آلری‌ها که بلند قدتر و تیره رنگه تر هستند و موی مشکی و سر خیلی دراز و صورت بیضی شکل و قیافه منظم دارند و بنظر میرسد که بشاخه‌ای از

نژاد مدیترانه یا نژادی شبیه آن تعلق دارند. ایلات ترکمن هستند که در اثر ازدواج متقابل با ایرانیها در طی زمان انواع مختلف نژادی از قبیل قاجارها بوجود آورده اند.

هدن (ص ۸۶) متذکر میشود که «یک گروه نسبتاً غیر معینی که می توان آنرا ایران و مدیترانه گفت قابل تشخیص است که دارای سرم توسط و بینی باریک و قد متوسط تا بلند میباشد. این شاخه شامل ایرانیان بطور کلی و آذربایجانی - های ایران و قفقاز که کم و بیش با ترکها و عجمی های ایران و شوشیها و یزیدیهای عراق و فلاحین فلسطین و سامریها و بعضی یهودیها و غیره مخلوط شده اند میباشد در این گروه اختلاط و امتزاج زیاد صورت گرفته است مثلاً شوشیها دارای دماغ پهن هستند ولی این امر ممکن است در اثر اختلاط با یک نژاد غریبه باستانی باشد. سامریها دارای باریکترین سرو بینی و بلندترین قد هستند و تصور میرود که اثر نژاد شمالی نور دیک در آنها باقی مانده باشد. دلیلی برای تردید نیست که یک طبقه فرعی در این گروه دارای رقم شاخص سر در حدود ۷۶ و بینی بین ۶۱ - ۶۳ و قد در حدود ۱/۶۳۳ متر ($\frac{1}{4}$ اینچ) میباشد و این خصوصیات را میتوان خصوصیات نژاد مدیترانه نامید. این افراد نماینده گروهی هستند که بسمت مغرب حرکت کردند.

در خلاصه کردن عناصر سر کوتاه جمعیت هدن (ص ۲۷) مینویسد:
 « پامیری (ایرانی) نوع بشر کوهستانی از لاپوژ. موی قهوه تارک و گاهی روشن همیشه انبوه و موجدار یا مجعد. ریش انبوه قهوه ای متمایل به قرمز یا حتی روشن. پوست سرخ و سفید یا برنگک برنز - قد بلندتر از متوسط بین ۱/۶۶ تا ۱/۷۰۷ متر ($\frac{1}{4}$ - ۶۵ - $\frac{1}{4}$ اینچ): شاخص سر کوتاه ۸۵ بیالا - صورت بیضی دراز - بینی کوتاه و باریک (شاخص ۶۲/۶ - ۷۲) و برجسته - عقابی ناصاف - چشم صاف و رنگ متوسط بعضی روشن و گاهی آبی.

« گلها - تاجیک - واخی و غیره ایران و پامیر و نواحی مجاور که در جهت شمال شرقی تا منجوریه بسط پیدا میکنند علاوه بر توصیف نوع ایرانی هدن (ص ۱۰۳ - ۱۰۴) رابطه بین اقوام ترکستان و افغانستان و بلوچستان را شرح میدهد. دو آب ترکستان کشوری است بین آمودریا (جیحون) و سیردریا (سیحون)

اشارات تاریخی درباره مردم ایران-۱۶۳

که تا پامیر بسط دارد . قسمت عمده جمعیت آن تشکیل میشود از سارتها Sarts قومی که از مخلوط از ازبک و قرقیز و تاجیک و عناصر دیگر بوجود آمده اند . از افراد بادیه نشین قرقیز نمونه و نماینده وجود دارد. ازبک خالص بسیار کم است و عده خیلی کمی وجود دارند که يك قسم طبقه اشرافی نژادی تشکیل میدهند. ترکمنها که ناحیه بین دو آب دریای خزر را در اشغال دارند تا دو آب امتداد دارند تاجیکها مخلوطند ولی کم و بیش از زمان آخرین حمله ازبک موجودیت خود را حفظ کرده اند .

گلچاها که از خالصترین پامیرها هستند در نواحی کوهستانی زندگی میکنند. نوعی از یهودیهای خالص و قدیمی در اغلب شهرها پیدا میشود . نمونه های قبائل آسیای مرکزی و کولی نیز وجود دارند .

هدن (ص ۹۷) نیز متذکر میشود که «تسلط ترکها بر ناحیه مجاور جیحون در اواسط قرن ششم میلادی سبب شد که قبائل ترک از راه شمال ایران با آسیای صغیر مهاجرت کنند. ترکان سلجوقی در اواخر قرن یازدهم آن ناحیه را بطور دائم اشغال کردند و بعداً ترکان عثمانی در آنجا تسلط یافتند و پس از مرگ اورخان در ۱۳۵۹ تسلط خود را بر شبه جزیره بالکان بسط دادند. سپس دستجات ترکمن بادیه نشین در پی ترکها آمدند و در قرون بعد نوبت ترکمنها و افشارها و کردها رسید. باید بخاطر داشت که کلمه ترک در آسیای صغیر و در اروپا مستلزم آن نیست که حتماً از اصل ترک باشد و با افراد نژادهای دیگر که در ادوار مختلف با جبار یا باختیار بدین اسلام گرائیدند نیز اطلاق میشود.

از مردم Leiotrichi سر کوتاه هدن (ص ۳۱) شرح مختصر زیر را میدهد:
«ترکی . موی تیره رنگ - روی صورت زیاد . چهره سفید متمایل بزردها متمایل مختصری به قهوه ای - قدمتوسط تا بلند ۱/۶۷۵ متر (۱۶۶ اینچ) با تمایل بچاقی - سرمکعب شکل کوتاه - (شاخص سر بین ۸۵ - ۸۷) - صورت بیضی شکل دراز - استخوان گونه پهن - بینی صاف نسبتاً برجسته - چشم تاریک غیر مغولی ولی اغلب قسمت خارجی حاشیه مژه تا شده است - لب کلفت.

« موطن اصلی آسیای مرکزی غربی . يك گروه شرقی شامل یا کوتهای اطراف رودلنا و بعضی تاتارها میشود. گروه مرکزی مرکب از قرقیزها و قزاقها و ازبکها و غیره که اغلب از ترکستان روسیه هستند . گفته میشود که گروه قرقیز

مخلوطی از پاروئی Pareoan و ترکاست (شاخص سر ۸۴-۸۸ - شاخص بینی ۶۹-۷۸) - قد ۱/۶۳۸-۱/۶۷۶ متر (۱/۶۴-۶۶ اینچ) گروه غربی متشکل است

از ترکمنهای مشرق خزر و عثمانیهای آسیای صغیر و ترکیه اروپا.

درباره افغانستان هدن (ص ۱۰۳) میگوید این مملکت «اصولا موطن نژاد هندو افغان است ولی در شمال پاروپامیها Paropamisus یا هزاره های بلند قد هستند شاخص سر ۸۵ - شاخص بینی ۸۰/۵ - طبق نظر هدن (ص ۳۱-۳۲) هزاره ها متعلق به سنترالی Centralis از شعب سر کوتاه با ترانچی Taranchi ترکستان شرقی و ترگد Torgod یا ترکت Torgut زنگاریا و تلنگت Telenget ناحیه التای میباشد

هدن (ص ۲۲) مردم هندو افغان را باین ترتیب طبقه بندی میکند. موی سیاه

موجود در چهره شفاف قهوه ای بسیار روشن - قدم تفاوت بین ۱/۶۱۰-۱/۷۴۸ متر ۱/۶۷-۶۷

۳
۴ (۱۶۸ اینچ)

سر دراز و متوسط (شاخص سر ۷۱/۳ - ۷۷/۵) - صورت دراز - قیافه منظم - بین برجسته صاف یا محدب که اغلب باریک و کوچک است و چشمان تاریک، درباره مردم بلوچستان هدن (ص ۱۰۳) مینویسد: «معمولا بلوچی ها را با افغانها منسوب میدانند ولی افغانها اصولا از نوع مردم سر دراز هستند در حالیکه بلوچی ها در مرز بین سر کوتاه و سر متوسط میباشد. بنا بر این بهتر آنستکه آنها را از نوع هندو ایرانی دانست. قبیله براهوئی بیک نوع لهجه زبان دراویدی حرف میزنند ولی ظاهر و اندازه گیری جسمانی آنها نشان میدهد که از بلوچی ها هستند: (براهوئی سراوان - شاخص سر ۸۱/۵ - شاخص بینی ۷۰/۹ - قد ۱/۶۵۹ متر). اقوام چوتا Chuta و بندیا Bandiya حتی از هزاره ها سر کوتاه ترند ولی شاخص بینی آنها به ترتیب عبارتست از ۵۸/۹ و ۵۸/۹ و بنا بر این در جزء گروه بینی باریک میباشد و آنها را بنا بر این باید از نژاد پامیری دانست، در میان افراد دارای سر کوتاه و متوسط آسیائی که لکه های سفید روی پوست سفید آن مشاهده میشود هدن (ص ۸۶) هندو ایرانی را طبقه بندی میکند که مرکب هستند از بلوچی - اچکزائی - پانی - کاکس پاتان - تارن - وهوار و براهوتی که در مرز بین سر متوسط و سر

اشارات تاریخی درباره مردم ایران-۱۲۵

کوتاه یعنی دارای شاخص سر بین ۸۰-۸۲/۸ و بینی متوسط و باریک یعنی دارای شاخص بینی بین ۶۷/۸-۷۴/۳ میباشند. قد آنها بین متوسط و بلند یعنی بین ۱/۶۴۲ و ۱/۷۲۲ متر میباشد. این طبقه را میتوان طبقه وسط یا نوع مخلوط دانست. »

۱۹۲۵ - سیس A.H. Sayce دانشمند اسوری شناس معروف آکسفورد

اظهار عقیده میکند (ص ۷۳-۷۴) که « مادائی‌ها Madai شاید همان ماده‌ها یا مادا Mada آسوری‌ها باشند. نام آنها را اولین بار در اسناد خط میخی در حوالی سال ۸۴۰ قبل از میلاد تحت عنوان آمادا Amada می‌بینیم و آن زمانی است که کشور آنها توسط یکی از سلاطین آسوری مورد حمله قرار گرفت. در آن زمان در کوه‌های کردستان در مشرق دریاچه ارومیه سکنی داشتند. ولی پنجاه سال بعد آنها را در مدیارا جیانا Media Rhagiana می‌یابیم که دیگر آمادا خوانده نمی‌شوند بلکه مادا نام دارند. از این کلمه بود که یونانیان کلمه مدیاماد را اخذ کردند. مدیها یا ماده‌های اصلی یک قوم آریائی بودند که خود را منسوب به آریانهای شمال هندوستان و آریانهای اروپا میدانستند و یکی از قبائل آنها پارسها بودند که در جنوب در سواحل شرقی خلیج فارس مستقر شده بودند. ولی در زمان باستان ساکنین اولیه این ناحیه که مادها یا آنجا هجرت کرده بودند تحت عنوان ماد طبقه بندی میشدند و نام ماد عنوان نژاد خاصی محسوب نمیشد. تردید نیست که شباهت بین نام آسوری مادا و مندا بمعنی قبیله نیز به این تحریف و اختلاف کمک کرده است. نام مندا Manda در اصل به قبائل سانسکریت زبان آسیای صغیر اطلاق میشده و اولین بار در متون هیتی هزاره دوم قبل از میلاد بآن برخورد میکنیم. بابلی‌ها همه اقوام شمالی را که در ادوار مختلف به بین‌النهرین حمله کردند باین نام میخواندند و بعدها نه تنها آنها را به مادها بلکه به سیت‌ها نیز اطلاق نمودند.

سیس Sayce ادامه داده میگوید (ص ۱۰۷-۱۰۸ و ۱۲۰-۱۲۱) «

هرگونه دلیلی برای بحث دربارهٔ زبانهای فامیل سامی باشد دلیلی برای صحبت از نژاد سامی نیست و اگر چنین بحثی بمیان آید زبان و نژاد باهم اشتباه میشود

۱- راجرز R.W. Rogers (ص ۱۲) مندارا با مادائی یا ماد یکسان

میداند. همچنین رجوع شود بکتاب درور E. S. Drower («E. S. Stevens»)

(ص ۱۱-۱۳).

واشنبه قدیمی که بین این دو فرق نمی‌گذاشت تکرار میشود ... « سامی حقیقی دارای موی مشکی و موجدار و قوی است و روی سر و صورت وی زیاد است . جمجمه وی از نوع سر دراز است. عجب آنستکه در اروپای مرکزی مطالعه و تحقیق دربارهٔ یهودیها نشان میدهد که درحالیکه ۱۵ درصد آنها بور هستند فقط ۲۵ درصد تیره رنگ میباشند و بقیه از نوع حد وسط هستند و نوع سر کوتاهی فقط در میان افراد تیره رنگ پیدا میشود. علت این امر بدرستی معلوم نیست مگر آنکه آنرا در نتیجهٔ اختلاط و امتزاج خون بدانیم^۱ هر موقع که افراد خالص نژاد پیدا میشوند بینی آنها برجسته و متمایل به عقابی شکل و لب کلفت و صورت بیضی شکل است. رنگ پوست آنها سفید تیره است که وقتی در معرض آفتاب قرار گیرد سیاه میشود و نه قرمز . ولی معمولاً گونه و لب آنها رنگ دارد. چشم آنها مانند موی آنان

سیر
سیس (ص ۱۱۵-۱۱۶ و ۱۲۲) میگوید حتی درازمنه کتاب مقدس نژاد یهود بهیچوجه نژاد خالص نبود. گفته شده است که داود سفید رو و مو قرمز بود^۲ که ممکن است نشانهٔ اختلاط با خون خارجی باشد. در هر حال محافظین وی از اهل جزیرهٔ کرت^۳ بودند و در بین افسران عمده او افرادی از نژاد امونی Ammonite و عرب و سوریه ماچا Maachah وجود داشتند^۴ ...

۱ یهودیها جسماً قوی و خوش بنیه هستند و در شهرهای اروپا در قرون وسطی تحت بدترین شرایط بهداشتی زندگی کرده و بر تعداد جمعیت خود افزودند

۱- رجوع شود بمقالهٔ « مردم شناسی سامی ها » بقلم فلیجیر Fligier در قفقاز یهودیها از نوع افراد دارای سرخیلی کوتاه هستند ولی چون سر کوتاهی از خواص مردم قفقاز است دلیل آنرا اختلاط میتوان دانست . رکلوس Reclus (VI - ص ۲۲۵) معتقد است که کلنی‌های سوابی در درهٔ کورا Kura طی دو قرن با همسایگان قفقازی خود که مو و چشم سیاه داشتند مخلوط شدند، از طرف دیگر روسهاییکه در زمان کاترین بسواحل دریاچهٔ چیگا نزدیک سارد آمدند تغییر نکردند و قد بلند و روی سفید و چشم آبی و موی زرد یا بور خود را حفظ کردند .

۲- مراجعه شود به کتاب اول سموئیل نبی - باب هفدهم - آیه ۴۲ و مقایسه شود با کتاب روت باب اول آیه ۴ و باب چهارم آیه ۱۳ .

۳- سناکریب می‌گوید محافظین حزقیال که در مقابل آسوریها از اورشلیم دفاع کردند شامل عوربی یا عربی بودند .

۴- رجوع شود به کتاب دوم سموئیل نبی باب بیست و سوم آیه ۳۴ و ۳۵ و ۳۷ .

اشارات تاریخی درباره مردم ایران- ۱۶۷

واگر بتاریخ گذشته نظر افکنیم می بینیم که دوران سلطنت سلاطین آسوری نسبة طولانی بوده است. امراضی که موجب هلاک سایر نژادها میشود معمولا به یهودیان صدمه نرسانیده است و مانند بومیان عربستان قوه مقاومت آنان در مقابل مالاریا زیاد بوده است .

دگفته شده است که اولاد شم عبارت بودند از عیلام و آشور و ارفاخذ Arphaxad و لود Lud و آرام. عیلام یا سرزمین مرتفع نواحی کوهستانی مشرق با بل بود که پایتخت آن شوش یا سوشن نام داشت. جمعیت آن غیر سامی و زبان آنها از نوع زبانهایست که کلمات مرکب آن شکل و معنی اجزاء متشکله خود را از دست نمیدهد (Agglutinative).

سیس (ص ۹۵) با صراحت و اطمینان بیش از حد مینویسد: «از آنجائیکه سومریها از سمت شمال شرقی به با بل آمدند و این مطلب علاوه بر دلایل دیگر از علامات آنها بمعنی کوهستان و جلگه نشان داده میشود بنا بر این برای یافتن آثار زبانهای متصل باید در آن سمت جستجو کرد. منشأ و مبدأ فرهنگ و تمدن کلدی این اقوام قبل از سامی ها بودند و نه مهاجمین سامی نژاد .

۱۹۲۶- از «نژادها و اقوام روی زمین» بقلم دنیکر Deniker قطعات زیر را انتخاب و ترجمه کرده ام.

ایرانیان فلات ایران و نواحی مجاور آن بخصوص سمت مشرق را اشغال کرده اند. از لحاظ جسمانی نژاد آنها متشکل است از نژاد آسوری مخلوط با عناصر ترکی در ایران و ترك با عناصر هند و افغانی در افغانستان و با عرب و عناصر سیاهپوست در جنوب ایران و جنوب بلوچستان.

در میان اقوام ایرانی مهمترین آنها چه از لحاظ تعداد و چه از حیث جنبه تاریخی ایرانیان هستند که میتوان آنها را بسه گروه جغرافیائی تقسیم کرد. اگر خطی از استرآباد به یزد و از آنجا به کرمان کشیده شود تاجیکها در مشرق آن و عجمیها^۱ در مغرب آن بین طهران و اصفهان قرار میگیرند و فارسها بین اصفهان و خلیج فارس واقع میشوند. در مغرب افغانستان و شمال غربی بلوچستان و ترکستان افغانستان و تا ماوراء پامیر نیز تاجیکها ساکنند . از لحاظ خصوصیات جسمانی

۱- عجمی های ساکن کناره دریای خزر طالش و مازندرانی خوانده

می شوند.

کسانیکه شبیه تاجیکها هستند عبارتند از پلوس Polus ساکن شمال کوئن لون Kuen-Lun وسارتهای ساکن ترکستان شوروی و در حدود دو میلیون آذربایجانی ساکن قفقاز که در قرن هفدهم ایرانیها آنها را بآن محل کوچ دادند (ص ۵۰۵-۵۰۶).

تاجیکهایی که از نوع سر کوتاه هستند (۸۴/۹) وقد بلندتر از متوسط (۱۶۹) دارند اثر اختلاط با ترکها در آنان مشاهده میشود.^۱ عجمی ها و قسمتی از پارسیها که از نوع سرداز (۷۷/۹) وقد متوسط (۱۶۵) هستند آسوری یا از نوع هند و افغانند^۲ (ص ۵۰۷).

دنیکر مینویسد (ص ۵۰۸) که بلوچیها به نژاد هند و افغان تعلق دارند ولی در جنوب با اعراب و در مشرق با جاتها و هندوها و در شمال غربی با ترکها و در جنوب غربی با سیاهپوستها مخلوط شده اند. مکرانیها مخلوطی از نژادهای افغانی و آسوری و سیاهپوستند. افراد رند مکران که گفته میشود بلوچی خالص هستند در واقع اعراب از قبیلۀ کترتان میباشند^۳ براهوئیهای ناحیه شرقی بخصوص نزدیک کلات شبیه ایرانیانند.

۱۹۲۶ - ایوانو W. Ivanov (ص ۱۴۸) روستائیان خراسان را بدین طریق توصیف میکند: «معمولا بلند قد و خوش هیكل و از نوع سر کوتاه هستند و موی انبوه و چهره سفید رو دارند. مردمی قوی و بردبارند زاویه صورت آنها خیلی بلند است ولی بآن زیبایی که در مشرق ایران نادر نیست یعنی صورت منظم خوش برش شبیه حجارهای یونان باستان نمیرسد.

وی فهرستی از قبائل کرد و شعبات آنها را میدهد و میگوید که دههای خراسانی بلند تر و قوی ترند ولی قیافه آنها خوش برش نیست و زاویه صورت آنها به بلندی مردمان

۱- تاجیکها چندین نوعند. مقایسه شود با شرح بقلم شانتر تحت عنوان «تحقیق درباره مردم شناسی ماوراء قفقاز و آسیای صغر و سوریه» چاپ لیون مورخ ۱۸۹۵. شانتر از ۳۲ فرد اندازه گیری کرد که حد متوسط قد آنها ۱۷۵ و شاخص سر ۷۹ بود.

۲- رجوع شود به نوشته دالمانی H. d'Allemagne تحت عنوان از خراسان تا ناحیه بختیاری - پاریس- ۱۹۱۲.

۳- رجوع شود به منشأ بلوچها بقلم مکلر Möckle در نشریه انجمن آسیائی بنکال ۱۸۹۳ ص ۱۵۹.

سمت مغرب نیست. از لحاظ جسمانی بیشتر شبیه لرها هستند تا کرد های مغرب اگر چه افرا هم بورد در میان آنها بندرت یافت میشود. در یادداشت ذیل صفحه (ص ۱۵۲) اضافه میکند «که این نظریه ممکن است صحیح نباشد زیرا اغلب افراد موی سر خود را با حنارنگ می کنند و سر خود را همیشه پوشیده نگاه میدارند ولی بنظر میرسد که در کردستان اصلی بیش از خراسان اطفال موبور وجود دارد. در سمت مغرب ممکن است با اروپائیان اشتباه شوند.»

ایوانو معتقد است که بلوچهای بادیه نشین که از اصل ایرانی هستند از لحاظ خصوصیات جسمانی با ایرانیها و کردها فرق دارند. معمولا بلند قد ترند و قیافه و صورت آنها خیلی منظم نیست و زاویه صورت آنها اغلب باریک است.

ایوانو (ص ۱۵۳-۱۵۷) شش قبیله را بشرح زیر توصیف میکند:

تیموریها که نزدیک مرز افغانستان ساکنند و به هشت قبیله عمده تقسیم

میشوند.

ترکها که از لحاظ شاخص سراز نوع سر کوتاه هستند و قد متوسط دارند و زاویه صورت آنها باریک و قیافه آنها نامنظم است.

بربرها که از نژاد مغولند و از افغانستان مهاجرت کرده اند. در نوشته های اروپائی آنها را هزاره میخوانند. ایوانو میگوید که آنها «از لحاظ خصوصیات جسمانی مغول خالصند و کمولها و قرقیزها و سایر اقوام آسیای مرکزی را بخاطر میآوردند. مردمانی هستند کوتاه قد و قوی بینه و سفید رو که در مواقع نادری که شستشو میکنند بخوبی آشکار میشود. قیافه آنها مغولی است و ریش آنها کم پشت و خشن است.»

یهودیهها که اکنون فقط در مشهد وجود دارند و از گروههای بزرگ یهودی که در ادوار گذشته در شهرهای خراسان زندگی میکردند کسی باقی نمانده است.

اعراب که بادیه نشین هستند و امروز از خالص ترین نژادهای ایرانند... احتمال دارد که از اولاد اعرابی که در محل استقرار یافتند باشند... از خصوصیات جسمانی آنها نمیتوان فهمید که عرب هستند و افراد این قبائل همیشه با ایرانیان اشتباه میشوند.

کولی‌ها^۱ که بنام غر شمال یا جات یا کزنگی و قیره خوانده می‌شوند و بادیه نشین هستند و از لحاظ خصوصیات جسمانی اختلاف و تنوع زیاد میان آنها مشاهده

۱۹۲۷ - ویلیام ورل William H. Worrell (ص ۲۰-۲۱) درباره کشور و مردمان آن چنین اظهار نظر میکند: «ایران لااقل در وضع فعلی کشوری نیست که مهاجرین را بخود جلب کند. وقتی در ادوار مختلف اقوام آریان و تورانی از سمت شمال شرق بآن روی آوردند بعلمت آن نبود که حاصلخیزی آن آنها را جلب میکرد و یا اینکه سرزمین ایران مرطوب‌تر از جلگه‌های آسیای مرکزی بشمار میرفت. علت حرکت و مهاجرت آنها ممکن است خشکسالی و یا کثرت جمعیت بود که آنها را بدون قصد بحرکت واداشته بود. از این حیث با بادیه نشینان سامی نژاد که گاه بگاه از عربستان به بین‌النهرین هجوم می‌آوردند فرق داشتند زیرا همیشه از وضع بهتر سرزمین شیروعلل داستانهایی شنیدند. آریانها و تورانیان همیشه از راه ایران به نواحی حاصلخیز بین‌النهرین می‌آمدند و گاهی یک قوم وزمانی قوم دیگر و گاهی هر دو متفقاً هجوم می‌آوردند.

درباره ورود آریانها ورل (ص ۱۲۱-۱۲۲ و ۱۲۴) می‌نویسد که آریانها قبل از ۲۰۰۰ قبل از میلاد باین خطه آمدند و سپس از آنکه مدتی در ایران و ترکستان مستقر شدند شعبه‌ای از آنان که بمعنی جامعتری آریان نامیده می‌شدند به دو گروه تقسیم شدند یک گروه یعنی ایرانیان در ایران ماندند و گروه دیگر هندیها از کوهستانها گذشته خود را به هندوستان رسانیدند و در آنجا بانژاد غیر مشخصی یعنی دراویدی‌ها مخلوط گردیدند. در همان مواقع رؤسا یا بارونهای آریائی میتانی Mitanni خود را در ارمنستان مستقر کردند. در اواسط قرن هیجدهم سلسله آریائی کاسیت بابل را متصرف شده بودند.

«اقوام بادیه نشین آریائی زبان شمالی در جلگه های روسیه و اقوام بادیه نشین مغولی تورانی زبان در سرزمینهای سبز و مراتع غربی سبیره سکنی داشتند و سلسله جبال اورال مانع طبیعی بوده و بین آنها قرارداد داشت از ازمینه قدیم این دو قوم

۱ - برای نژادشناسی زبان آنها مراجعه شود به نشریه انجمن مردم شناسی بمبئی - جلد ۱۰ مورخ ۱۹۱۴ ص ۴۳۹ - ۴۵۵ و جلد ۱۶ مورخ ۱۹۲۰ ص ۲۸۱ - ۲۹۱ و جلد ۱۸ مورخ ۱۹۲۲ ص ۳۷۵ - ۳۸۳.

با یکدیگر تماس داشتند و در میان قوم فینی - اوگریانی *Finno ugrians* این دو قوم از لحاظ نژاد و زبان بخوبی باهم آمیخته و مخلوط شده اند . مردم ایران و زبان آنها از این تماس بدون تأثیر نمانده است و با وجودیکه اختلاف دائمی که ایرانیان بین ایرانی و تورانی قائل میشوند این دو قوم باهم مخلوط شده اند .

ورل (ص ۴۴) معتقد است که تماس بین اقوام مغول و قفقازی سابقه دراز دارد . در حالیکه ایرانیان آریایی زبان در امتیاز و اختلاف بیسن ایران و توران هشیاری نژادی قوی نشان میدهند تردیدی نیست که بکرات خون تورانی دریافت داشته اند . مهاجمین زرد پوست همیشه از راه ایران آمدند بعضی از این اقوام مهاجم بنظر میرسد مخلوط مستهلك نشده قبائل سفید و زرد (سیت و پارتی) باشند . ممکن است سومریها و عیلامیها از این نژاد مخلوط باشند .

ورل اضافه میکند (ص ۱۲۵-۱۲۶) که در قرن نهم قبل از میلاد بادیه - نشینان ایرانی در آن زمان که بعداً مدیا خوانده شد ظاهر شدند . تیگلاس پیلسه *Tiglath Pileser* (۱۱۰۰ قبل از میلاد) پایتخت آنان اکباتانا (هگمتانه - همدان) را بعنوان ناحیه تحت انقیاد خود ذکر کرد ولی ظاهراً این گفته صحت ندارد . پس از اشارات مکرر بآنهادر کتیبه های آشوری قرن هشتم و هفتم و یک اشاره در کتاب دوم پادشاهان باب هفدهم آیه ۶ می شنویم که یکی از رؤسای مدی بنام فراورتس *Phraortes* یا فراورتیش در سال ۶۷۴ قبل از میلاد پس از قیام علیه آشور قبایل مدی و پارسی را متحد کرد . . . در ۶۱۴ سیاکزار (هوخشاتارا) به نینوا حمله برد ولی توفیق نیافت و در سال ۶۱۲ با کیم نبوپولاسار *Nebopolassar* آنرا تصرف کرد . در سال ۵۸۵ پسرش آستیاگک جانشین وی شد و در ۵۵۰ قبل از میلاد کوروش او را از سلطنت برانداخت . از این تاریخ بعد مفر قدرت از شمال غربی به جنوب غربی ایران انتقال یافت . . .

پارس ایالتی است در سمت غربی خلیج فارس که نام پرسیایا پارس از آن گرفته شده و سلسله هخامنشی و ساسانی از آنجا برخاسته اند . در حدود سال ۶۳۰ قبل از میلاد مردم پارس از این ایالت حرکت کرده و سلطنت آنشان را در محلیکه سابقاً عیلام بود تأسیس کردند .

۱۹۲۸ - برای نشان دادن بسط نفوذ ایران قطعاتی از کتاب (تاریخ

دریا نوردی ایران) بقلم هادی حسن نقل میکنم . هادی حسن (ص ۷۹ - ذیل صفحه) از کتاب (ختن و راه بان) تألیف یول Yule (جلد اول - ص ۸۸ چاپ لندن مورخ ۱۹۱۵) نقل میکند.

«چینی‌ها اعراب را بنام تازی یا تاشی (تاشی یک نوع نوشته تازی یا تاجیک فارسی است) میخواندند و ایرانیها بودند که اعراب را بچینی‌ها شناختند و از این مطلب معلوم میشود که ایرانیان در سفر بچین مقدم بوده‌اند . هادی حسن ضمناً اظهار عقیده میکند که این حق تقدم شامل سفر از راه دریا نمیشود . هادی حسن (ص ۸۰ - ۸۱ - ذیل صفحه) اضافه میکند که «ایرانیان غربی یا ایرانیان اصلی در همه آسیای مرکزی تاجیک و در سمت غرب تات که تحریفی از همان کلمه است خوانده میشوند» «تاجیک شکل فارسی وسط کلمه آرامائی تای یا یه taiyāye که احتمال دارد از نام قبیله عرب طائی باشد میباشد»^۲ . علت تغییر معنی این کلمه اینست که زمانی عربهای طائی مسلمان را بعضی از ایرانیان نمایندند همه عربها محسوب میشدند و این نام را بهمه اعراب اطلاق کرده و آنرا بمعنی عرب یا مسلمان استعمال نمودند ...

دولون D'Ollone از ذکر کلمه اعراب تاشی که بمسلمانان تحت سلسله تانگ T'ang و هوئی-هو Hui-ho تحت سلسله لیاو Liao و چین Chin اطلاق میشد نتیجه میگیرد و این مطلب نشانه اطلاع از حال مسلمانان مغرب است و دلیل بر مهاجرت آنان نمیباشد»^۳

۱۹۲۸ - هیتی Hitti (ص ۱۸ - ۲۳) مدارک مربوط بمنشأ و ایرانی بودن دروز را خلاصه کرده و در شرح زیر (ص ۲۲ - ۲۳) به قبایل ایرانی که به سوریه

پاورقی صفحه قبل

۱ - و همچنین مراجعه شود به نوشته پلیو P. Pelliot تحت عنوان «تائیر نفوذ ایران بر آسیای مرکزی و خاور دور» چاپ پاریس مورخ ۱۹۱۱ - بر تولد لوفر «اشکال گلی چینی» قسمت اول - موزه تاریخ طبیعی فیلد. شیکاگو - ۱۹۱۳ بوگدانف Bogdanov و رید Read و اساین Stein ۱۹۳۷ و ۱۹۳۸ - گردن و چایلدمورخ ۱۹۳۳ و پوپ ۱۹۳۳ و مودی ۱۹۱۶

۱ - کین A.H Keane آسیا - جلد ۲ - ص ۴۹۰ - لندن مورخ ۱۹۰۹ .
۲ - در حال حاضر محمد ابوطائی هوبطه دراران زندگی می کند و قبر او در الجعفر چهل مبلی مشرق معان است.

۳ - مارتین هارتمن Martin Hartmann مقاله در باره چین در دائرة المعارف اسلامی.

انتقال داده شده اشاره مینماید. این مطلب که عناصر هندو ایرانی در خون قبائل دروز متنوع و زیاد است قابل قبول است نه تنها بعلت آغاز احتمالی و اختلاط و ازدواج در سر زمین اولیه آنها یعنی در بین النهرین بلکه بعلت اختلاط احتمالی در خود سوریه که قبل از دروزها محل سکونت عده زیادی از ایرانیان بود. یکی از مطلعترین مؤرخین دوره اولیه عرب یعنی البلدهوری میگوید که علاوه بر سایر خلفای اموی معاویه (۶۶۰-۶۸۰ میلادی) در موارد مختلف عده زیادی از افراد قبائل بین النهرین و ایران را به نواحی بعلبک و حمص و سور و غیره کوچ داد و ظاهر آن منظور آن بود که این افراد جای مردمان بیزانطین را که پس از حمله عرب و اسلام خاک سوریه را تخلیه کرده بودند بگیرند. در نقل و انتقالاتی که بعدها در سوریه بعمل آمد و شامل حال این قبائل ایرانی گردید احتمال دارد که بعضی قبائل به ناحیه وادی الطیم آمده باشند. بموجب نوشته ابن اثیر تحت وقایع سال ۵۲۳ هجری (۱۱۲۸ میلادی) این ناحیه از توابع بعلبک بشمار میآمده است. طبق همان نوشته در آن موقع در وادی الطیم مردمان از هر حیث مختلف از قبیل نصیری و دروزیه و مجوس (یکی از فرق زردشتی) زندگی میکردند. افراد شیعه سوریه که معمولاً متوله نامیده میشوند ممکن است از یکی از قبایل انتقال یافته ایرانی باشند از نظر نژادی بنا بر این دروزها مخلوطی هستند از ایرانیها و عراقیها و اعراب ایرانی شده و بهمین جهت برای دریافت اصول و عقاید دروز کاملاً متناسب بودند.

هیتی در جای دیگر (ص ۱۵) میگوید که فن لوشان Von Luschan دروزها و مارونیتها و نصیری و سوریه را با آرامنه و تاهتاجی و بکتاشی و علی الهی و یزیدی آسیای صغیر و ایران را با سر بسیار بلند و کوچک و بینی باریک و بلند، افراد نماینده هیتیهای سابق میداند.

۱۹۲۹ - دادلی باکستون L.H. Dudley Buxton مینویسد (ص ۶۲۳) تر کمنها عبارتند از گروهی از ترکان ایرانی که در ایران و خپوه و بخارا و در قفقاز و ماوراءخرزیافت میشوند و تعداد آنها در حدود یک میلیون نفر است و شامل خانوارهای زیر میباشد: چودر - یموت - کوگلان - اخال - مروتکه - سارک - سالور و ارساری ... همه آنها مسلمانند. بعضی از تر کمنهای استپ ظاهراً خصائص جسمانی افراد شمالی (نوردیک) را حفظ کرده اند ولی در اغلب نقاط نوع جسمانی و فرهنگ و آداب و رسوم مردمانی که میان آنها زندگی میکنند کسب نموده اند.

۱۹۲۹ - سر جرج مکمن Sir George Macmunn (ص ۷) می‌نویسد در بلوچستان قبائل بادیه نشین پراکنده‌اند که بنام ریگی معروفند و قبیلۀ که تعداد افراد آن از همه بیشتر است محمدانی است. احتمال دارد که از نژاد عرب باشند. نوشیروانیا که از ایرانیان خالص هستند درازمنه تاریخی به بلوچستان آمدند. از حیث ظاهر به تاهوکی یا تاهوکانی‌ها که در بلوچستان ایران وجود دارند خیلی شباهت دارند و مردمانی خوش‌هیکل و مردانه هستند... تقریباً در همه جا جمعیت ایرانی با تاجیک‌ها قابل تشخیص می‌باشند که گاهی بوسیله یکی از قبائل مهم مرکزی و اغلب در بین کشاورزان نمونه آنها دیده میشود. از این قبیل هستند دهوراها یا دهقانها و دورزاده‌ها که در تمام نقاط مکران وجود دارند طبیعی است که اعراب تأثیر خود را بر مسئله نژادی بلوچستان باقی گذاشته‌اند. از آنجائیکه همه جنوب بلوچستان و سیستان را از زمانهای قدیم در اشغال داشتند و بعداً در دره سند پخش شده تا قرن دوازدهم در آنجا باقی ماندند مدارک مربوط به سلسله نسب آنها کاملاً روشن نیست. در اویدیها (براهوئی‌ها) که قنبرائی‌ها و منگله‌ها (که بدون شك از نژاد تاتارند) نمونه آنها می‌باشند در نواحی جنوبی بلوچستان و نواحی کوهستانی شرقی پخش شده و اکنون در کوهستان خاران پراکنده هستند... مردمانی از نژاد عرب با افراد از نژاد دراویدی و ایرانی مخلوط شدند و همه تحت نام کلی بلوچ شناخته میشوند.

۱۹۳۰ - سردار اقبال علی‌شاه (ص ۲۰-۲۱) درباره مردم خود می‌گوید: کلیه جمعیت در حدود ده ملیون نفر است که به دو گروه و طبقه عمده تقسیم میشوند: ساکنین شهرها و دهات و افراد بادیه نشین یا چادر نشین که مرکب هستند از افراد قبائل عرب و کرد و لر و کولی و ترک. نود درصد جمعیت مسلمان و پیرو فرقه شیعه می‌باشند.

طهران که جمعیت آن در حدود ۲۲۰ هزار نفر است در سال ۱۷۸۸ پایتخت کشور شد و در جلگه بدون رودخانه در کوهپایه جنوبی سلسله جبال البرز بقاصه ۷۰ میل از بحر خزر قرار دارد. تبریز که جمعیت آن در حدود ۲۲۰ هزار نفر تخمین زده میشود و در شمال غربی نزدیک مرز ترکیه و شوروی قرار گرفته شهر تجارتهای ایران است. اصفهان که جمعیت آن ۹۰ هزار نفر و پایتخت سابق است در وسط جلگه حاصلخیزی در مرکز ایران قرار گرفته و دومین شهر بازرگانی کشور است. مشهد با ۷۵ هزار نفر جمعیت پایتخت ایالت خراسان و زیارتگاه

واز امکنه مقدسه مسلمانان است . یزد با ۴۵ هزار جمعیت در مرکز مملکت قرار دارد و محل سکونت پارسی‌ها و گبرها است. کرمان (جمعیت ۷۰ هزار نفر) در داخله کشور و محل تلاقی راههای بازرگانی بین خلیج فارس و آسیای مرکزی است. شیراز در جنوب غربی شهری است که برای گل سرخ و شراب و بلبل معروف است .

وی اضافه میکند (ص ۱۵۲) که سومریها از نژاد مغول بودند^۱ و احتمال می‌رود که امروز بقایای آنانرا بتوان در قسمتی از ترکیه و افغانستان یافت.

۱۹۳۰- برنارد رید Bernard E. Read (ص ۵۹) ارتباط بین ایران و خاور دور را بدین طریق شرح میدهد : «مردم ایران که در آسیای مرکزی زندگی میکنند تا آنجا که اطلاع داریم اولین گروهی هستند که بین چین و مغرب زمین ارتباط قابل ملاحظه برقرار کردند. از اکتشافات سرارل اشتین Aurel Stein شواهدی بدست آمده که نشان میدهد بین تمدن چین و فرهنگ یونانی ارتباط وجود داشته است . از منابع چین اسناد و مدارک آشکار مبنی بر اعزام هیئت‌هایی بسمت مغرب که ذیلاً ذکر میشود وجود دارد.

۱- ۱۳۸ قبل از میلاد . در زمان سلسله هان در دوره سلطنت امپراطور ووتی Wuti يك هیئت نظامی برای انقیاد و سرکوبی هانها Huns توسط چانگ‌چی‌ان Chang Ch'ien اعزام شد. این امر بعدها به بسط تجارت با ناحیه جیحون در باکتریا (باختر) که امروز شامل بخارا و سمرقند و فرغانه میشود منتهی گردید . ابریشم چین از راه پارتیا و سوریه در یونان و روم ظاهر گردید...

۲- ۹۸ میلادی پان چائو Pan Ch'ao موفق به برقراری ارتباط با سوریه و خلیج فارس گردید.^۲

۱۹۳۲- از کتاب سر ارنولد ویلسون قطعاتی مربوط بمشاهدات وی درباره مسائل مردم شناسی نقل میشود. ویلسون (۱۹۳۲a- ص ۳۶۰) ارقام زیر را درباره جمعیت شهرهای عمده ایران ذکر میکند :

۱- این نظریه بنظر من خیلی عجیب می‌آید. از طرف دیگر امکان دارد که افراد نژاد سومری در مازندران و گیلان سکونت داشته باشند.

۲- مقایسه شود با شرح بقلم آرن Arne — ۱۹۳۴ و ۱۹۳۸b.

نام شهر	جمعیت	نام شهر	جمعیت
تهران	۳۲۰۰۰۰	شیراز	۵۴۰۰۰
تبریز	۲۴۰۰۰۰	کرمانشاه	۵۰۰۰۰
مشهد	۱۵۲۰۰۰	همدان	۵۰۰۰۰
اصفهان	۱۲۷۰۰۰	کاشان	۵۰۰۰۰
رشت	۷۰۰۰۰	قزوین	۵۰۰۰۰
آبادان	۷۰۰۰۰	یزد	۵۰۰۰۰

ویلسون میگوید (۱۹۳۲a - ص ۲۸) که «از سنن و موارد مشترک نژادی اثری در ایران نیست و یک فرد که نوع مشخص ایرانی را نشان دهد وجود ندارد زیرا در داخل حدود امپراطوری ایران انواع مشخص بسیار وجود دارد که اگر چه در اصل از نواحی جغرافیائی و آب و هوائی دیگر ولی نه از اصل نژادی مختلف هستند بخوبی شناخته میشوند. معینا بجز شاید انگلیسها نژاد دیگری وجود ندارد که در رگهای افراد آن تا این حد اختلاط خون وجود داشته باشد. ساکنین اولیه ایران که اولاد آنان هنوز در گیلان و مازندران در سواحل بحر خزر و نواحی جنگل آن یافت میشوند در بعضی نواحی بوسیله اقوام بادیه نشین آریائی زبان از مشرق روسیه و اقوام مغولی تورانی زبان مغرب سیبری رانده یا مستهلک و مخلوط شدند. این امر در حدود ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد آغاز شد و قرنهای ادامه یافت (مقایسه شود با شرح ورل Worrell)

ویلسون معتقد است (۱۹۳۲ a - ص ۶۹ - ۷۰) که عناصر مهاجر نتیجه چهار حرکت بزرگ قبائلی در طی چهارده قرن گذشته است. اولین آن اعراب در قرن هفتم بودند و دوم ترکها که در قرن هشتم از مغولستان بحرکت بسمت مغرب شروع کردند. سوم حرکت مشابیه بود توسط سلاجقه^۱ در قرن یازدهم،

۱ - سایکس مینویسد (۱۹۲۱ جلد ۲ - ص ۲۸) ، «سلاجقه شعبه‌ای از ترکان غز هستند که از آنها خود را جدا نگاه میداشتند مؤسس آنها شخصی بود بنام تورک (یعنی کمان) پدر سلجوق که یاقبیلۀ خود از ترکستان به ماوراءالنهر آمد و بدین اسلام مشرف شد.

اشارات تاریخی در باره مردم ایران - ۱۷۷

چهارمین و بزرگترین آنها هجوم مغول ، تحت فرماندهی چنگیزخان و اولاد او بود که در قرن سیزدهم صورت گرفت علاوه بر این مهاجرت و حرکتها گاه بگاه حملات فرعی یا نفوذ تدریجی نیز بعمل میآمد. از جمله احتمال می رود که مهاجرت و کوچ قبائل عرب در فارس و خوزستان مستقلاً و در زمان بعد از حمله اولی اعراب بایران در قرن ششم صورت گرفته است . تردیدی نیست که طی ده قرن گذشته عناصر بلوچ به بسط بسمت مغرب در گوشه جنوب شرقی ایران ادامه داده اند ، بنظر میرسد که در قرن پانزدهم و قرون بعد اعراب در کوهستانهای جنوب غربی بطور مسالمت آمیز نفوذ کردند و نفوذ و آمد و شد کردها از اراضی فعلی ترکیه و ترکها از نواحی کوهستانی مغرب زاگرس به آذربایجان يك امر تاریخی است.

برای نشان دادن اینکه چگونه عناصر خارجی نفوذ کرده و با انواع نژادی ایرانی مخلوط میشدند ویلسون شرح میدهد (a ۱۹۳۲ - ص ۳۳-۳۴) که چگونه پادشاه وقت را رسم بر آن بود که بر رؤسای قبائل که خدماتی انجام داده بودند در نواحی دور دست و گاهی چندین میل دورتر از موطن خود زمین اعطاء میکرد نتیجه این عمل در هر ایالت و ناحیه دیده میشود از جمله بعضی از قبائل عمده لرستان و فارس عرب هستند و قبائل کرد در لرستان و فارس و خراسان وجود دارند و قبائل ترك در لرستان و فارس دیده میشوند. فامیلهای افغانی در کرمانشاه و اصفهان و کرمان و سرحد بلوچستان ریشه گرفته اند. پادشاه فعلی شیوه پیشینیان خود را ادامه میدهد و گروهی از افراد قبائل از لرستان و آذربایجان بسمت مشرق تا خراسان انتقال داده شده اند.

« اگر چه بردگان افریقائی هرگز بتعداد زیاد بایران آورده نشدند مع هذا بین کرمانشاه و کرمان هزارها فامیل وجود دارند که اجداد آنها (کاکاسیاه) بودند و این افراد اول غلام و بعداً از معتمدین رؤسای محلی درآمدند اگر چه تعداد بردگان اناث بسیار کم بود مع هذا تأثیر نژاد سیاه پوست بر جمعیت خلیج باقی مانده است .

و همچنین رسم جاری دادن عروسی در مقابل رفع نزاع و یا تأمین روابط دوستانه بین قبائل که غالباً از نژادهای مختلف بودند در واقع يك نوع اختلاط خون و ازدواج خارج از فامیل و قبیله است که معمولاً بیشتر از طرف فامیلهای

درجه اول در تمام نقاط ایران عمل میشود و بدون شك تأثیر آن این بوده است که در میان رهبران ملت درجه هوش و ذکاوت همیشه بمقیاس عالی باقی مانده است. این رسم از زمان بسیار قدیم وجود داشته است. حتی سلاطین سلسله صفوی که از نژاد ایرانی بودند اغلب علاوه بر دختران ایرانی دختران ترك و عرب را بازدواج خود در میآوردند. در واقع هیچ نوع تعصب بر ضد ازدواجهای مخلوط در ایران وجود نداشته است.

ویلسون (۱۹۳۲a - ص ۳۱۵-۳۱۶) خاطر نشان میکند که « اسکندر بارزش نظامی ایرانیان تنها نژادی که حاضر بود با آنها معامله نژادی مساوی بکند واقف بود. خودوی دختر جوان یکی از نجبای ایرانی را که نامش رخسانه^۱ بود و بنا به قضاوت مصاحبین وی به از زن داریوش زیباترین زنی بود که در آسیا دیده بودند بازدواج خود درآورد...»

« اسکندر ازدواج بین مقدونیه و زنان ایرانی را تشویق کرد و به ده هزار نفر از سر بازان خود که بدون دستور قبلی باین امر اقدام کرده بودند هدیه عروسی داد. هشتاد نفر از نجبای دربار خود را واداشت با شاهزاده خانمهای ایرانی و دختران بزرگان ایران طبق رسوم زردشتی در شوش ازدواج کنند تحت این شرایط عجب نیست که موفق شد قشونی از جوانان ایرانی که epigoni خوانده میشدند و تعداد آنها متجاوز از سی هزار نفر بود تشکیل دهد. در بدو امر واحدهای ایرانی و مقدونی جدا بودند ولی بعداً واحدهای مخلوط متشکل از سر بازان هر دو نژاد تشکیل داد و حتی ایرانیان را در بین افراد گارد سلطنتی خود قبول کرد. ویلسون میگوید (۱۹۳۲ - ص ۳۷۸) « اگر چه سومین مرکز تکاملی هاگسلی یعنی مغولیه در یک دوره تاریخ در ایران قرار داشت اکنون دیگر از خصایص قابل ملاحظه نژادی ایران محسوب نمیشود. بیماری منگولیزم Mongolism و اکندروپلاسیا Achondroplasia نادر است و مظاهر عمل تحرینی غده تیروئید و اندوکرین Endocrine یا دستگاه هورمونی خیلی بندرت توسط پزشکان مشاهده شده است.^۲ لاقلاً شش هزار سال است که جدائی نژادی در ایران

۱- بعضی منابع رخسانه را يك شاهزاده خانم سندی دانسته اند .

۲- رجوع شود به صفحه ۳۹ که نشان میدهد هرودوت بیماری giantism

را ثبت کرده است .

بموقع اجرا گذاشته نشده است و از زمان هخامنشی ها موانع طبیعی هرگز اهمیتی نداشته و همیشه مهاجرت صورت گرفته است. کیث Keith میگوید «تعصبات انسانی (یعنی تعصبات نژادی) معمولاً علت و اهمیت زیست شناسی دارد.» در ایران سرچشمه احساس یا تعصب نژادی اصولاً مسئله اقتصادی بوده و اختلافات و تعصبات نژادی بسرعت از بین میرود و حس ملیت پرستی جانشین آن میگردد.»

ویلسون (a ۱۹۳۲ - ص ۲۹) میگوید در حال حاضر شش زبان مختلف در ایران مورد استفاده است که عبارتند از ترکی و کردی و عربی ولری و براهوئی و فارسی که هر کدام بتعدادی لهجه های مختلف از قبیل سدهی و سمنانی ولری و غیره تقسیم میشود .

زبان و اختلاف بسین افسراد دارای زبان مختلف در ایران مسائلی پیش میآورد و ویلسون (a ۱۹۳۲ - ص ۶۸-۶۹) در این مورد عقیده زیر را بیان میکند. «قبائل بادیه نشین آذربایجان ترکی حرف میزنند و قبائل کردستان چندین لهجه مختلف دارند. قبائل لرستان بزبانی تکلم میکنند که در آن آثار زبان پهلوی ماقبل اسلام مشاهده میشود . بعضی از قبائل فارس ترکی و برخی به لهجه ای صحبت میکنند که کلمات عربی آن زیاد است. ترکمنهای خراسان ترکی و ترکمنهای بلوچستان براهوئی حرف میزنند...»

بعضی از عربستان و برخی از ترکستان مهاجرت کرده اند معدودی از قفقازند و بعضی از اراضی ترکیه آمده اند ولی اکثریت با احتمال قوی بومی هستند و ویلسون اضافه میکند (a ۱۹۳۲ - ص ۲۹-۳۰) اگر چه اکثریت عمده مردم شیعه هستند عناصر پیرو فرقه سنی در کردستان و آذربایجان و همچنین در بلوچستان ایران وجود دارد که جمعاً شاید در حدود ۸۰۰ هزار نفر میشوند و همچنین اقلیت قابل ملاحظه از پیروان مذهب مسیح و زردشتی ها وجود دارند در حالیکه در میان طبقه تحصیل کرده نفوذ صوفیگری و بهائیگری زمانی خیلی قوی بود و در مذهب اسلام که برخلاف عربستان در زندگی ملی همان نقش را بازی نکرده تأثیر خود را باقی گذاشته است .

تمدن زردشتی ایران در قرن هفتم با موفقیت از مستهلک شدن در میان اعراب مهاجم خودداری و در مقابل آن مقاومت کرد . . . یکی از دلایل شاید آن بود که قشون عرب و مهاجمین عرب زنان خود را همراه نیاورده بودند و مردها در ایران با اهالی

مملکت ازدواج کرده و اولاد آنها متمایل به قبول سنن و رسوم مادری بارآمدند. بدون تردید نوع جدیدی که نه شبیه فاتح و نه شبیه مغلوب بود بوجود آمد.

۱۹۳۵ - هر تسفلد (۱۹۳۵ - ص ۶ - ۱۰) متذکر میشود که در رتر کیب جمعیت ایران بعد از آغاز هزاره اول تغییر مؤثر و بزرگی صورت میگیرد و با آن نقش تاریخی ایران در مقابل وضع ماقبل تاریخ تمدن گذشته شروع میشود. قوم جدیدی که این تغییر را انجام میدهند اریاها هستند و با اولین اثر در آن نهاد بین النهرین در حدود ۱۴۵۰ قبل از میلاد برخورد میکنیم و ملاحظه میشود که کشور پادشاهی میتانی Mitanni که بزبان بومی سخن میگویند و می نویسند پادشاهان شان مطابق نامی که دارند هند و اریائی هستند کمی بعد از طرف آنها عهدنامه های سیاسی هیئی نه تنها بنام خدایان هیئی و میتانی و خدایان ملل ذینفع دیگر بلکه بنام خدایان میترا و ارونا و ایندرا و ناسا تیا س سوگند یاد میشود.

اول تصور میشود که آنها اجداد هندو آریائی و ایرانیان و خود آریاها باشند ولی معلوم شد که زبان آنها نه تنها هند و آریائی ولی حتی برخلاف انتظار شامل عناصر پراکریت قدیم است. اکنون موطن اصلی آریاها معلوم است و آن ارا نوچ Franvej سرزمین دورودخانه سیحون و جیحون یا خوارزم و سمرقند میباشد. یگانه راه رسیدن به بین النهرین از این محل از ایران است و تنها امکان توصیف وقایع مقایسه آن با موازین معلوم تاریخی یعنی مهاجرت سکاها در حدود ۱۳۰ قبل از میلاد میباشد. اینها نیز آریائی بودند و آخرین باقیمانده آنها که موارد اولیه مهاجرت نکردند از زمان بسیار قدیم تا اواسط قرن دوم قبل از میلاد در همان سرزمین سکنی داشتند تا وقتی که جنبش بزرگ که در آسیای مرکزی روی داد آنها را مجبور کرد موطن و سرزمین خود را ترک گویند. بنا بر این همان وقایع سه بار تکرار شد.

اولین گروه آریائی که مجبور به مهاجرت شدند هندو آریائی و دومین گروه ایرانیان و سومین گروه سکاها بودند. پس از یک دوره مهاجرت کوتاه در محلی که امروزترکستان روس خوانده میشود از دروازه طبیعی شمالی نزدیک سرخس وارد ایران شدند. کمی قبل از آن میترا اول امپراطوری اشکانی را در ایران تشکیل داده بود که در آن موقع فراتس دوم اشک تئوپاتور که با انتیوک هفتم مشغول نبرد بود بر آن ناحیه سلطنت میکرد. سکاها تمام خاک امپراطوری جدید را زیر پای گذاشتند و گروهی از آنان از واحد عمده جدا شده و سلسله سلاطین سکا ایادیابن را که پایتخت آن کرکوک بود

شاید در همان مواقع بین ۱۲۸ و ۱۲۵ قبل از میلاد و همچنین سلسله چراکن - محمره را تشکیل دادند. پس از یک دوره کوتاه هرج و مرج در ایران میترا د دوم یا میترا د کبیر کشور را تحت نظم در آورد و به سکاها اجازه داد در جنوب شرقی در آراکوسیا مستقر شوند و خود میترا د در سال ۱۱۱ قبل از میلاد عنوان شاهنشاه بزرگه را اختیار کرد. اسم سکا در کلمه سیستان امروز که سکاستان بوده و قسمت کوچکی از حیطه اقتدار آنها را تشکیل میداد حفظ شده است. سکاها از آراکوسیا از گردنه بولان وارد هند شدند و برای مدت کوتاهی امپراطوری که تا دروازه دهلی و تا بمبئی بسط داشت تشکیل دادند.

د از این شباهت میتوان طرز ظهور هندو آریاها را در بین النهرین بتصور آورد. از همان سرزمین راه افتادند و مانند آنها در آراکوسیا توقف کردند و بالاخره در یک محل بحرکت خود خاتمه دادند. بنا بر این سلسله میتانی نیز میبایست گروهی بوده باشند که با موفقیت از واحد اصلی خود در موقع عبور از مشرق ایران بسمت هندوستان جدا شدند. تاریخ اولیه تشکیل سلسله شامل تاریخ مهاجرت اقوام هندو آریائی نیز می- میشود. سکاها پیش از چند سال معدود سرگردان نبودند. این جنبشها باید با سرعت و ناگهانی انجام گیرد زیرا افراد مهاجر با گله وحشم خود حرکت میکنند و مجبورند هر چه زودتر مرا تع جدید پیدا کنند. تا آنجائیکه میتوان تشخیص داد سلسله میتانی Mitanni در حدود سال ۱۴۵۰ قبل از میلاد آغاز گردید و مهاجرت قبائل هند و آریائی میبایست بین ۱۵۰۰ و ۱۴۵۰ قبل از میلاد صورت گرفته باشد. بیش از این از آنها خبری نیست و در هندوستان ناپدید میشوند. اصطلاح هندو آریائی اصطلاح انتظاری است زیرا در آن موقع دیگر بزبان آریائی حرف نمی زدند ولی ضمناً هنوز در هندوستان مستقر نشده بودند.

نام ایرانیان یعنی نزدیکترین خویشان آنها نیز باید بهمان طریق بصورت انتظاری بکار برده شود این نام از نام جغرافیائی و سیاسی (آریا نام خشاترام) یعنی امپراطوری آریاها اقتباس شده و کلمه جدیدارانی از آن مشتق شده است. در کتیبه های فارسی باستان این کلمه ذکر نشده است ولی کلمه که بعدها بکار رفته یعنی کلمه ایرانشهر شامل کلمه است و در نوشته های اوستائی بکار برده شده و مترادف با کلمه شاعرانه تر خشاترام بکار رفته است. اولین باری که این کلمه بصورت سیاسی بکار رفته در آریانای اراتستن Eratosthenes است. این جغرافیادان کتابدار بزرگ اسکندریه تحت این نام در نیمه دوم قرن سوم قبل از میلاد همه قسمت های امپراطوری

قدیم را که در آن موقع استقلال یافته بودند شامل میدانند.

ایرانیان برای اولین بار در سالنامه‌های آشوری سلیمان سوم ۸۳۶-۸۳۵ قبل از میلاد ظاهر میشوند و این موقعی بود که بین دریاچه ارومیه و جلگه بلند همدان با دو قبیله از پنج قبیله بزرگ ایرانیان که بعدها دوساتراپی بزرگ هخامنشی را تشکیل دادند روبرو میشود. این دو قبیله آمادائی - مادایعنی مدها و پارسواس - پارسایعنی پارسی‌ها بودند. پارتاوا یا پارتها بعدها شناخته شدند ولی قبائل شرقی با کتر یا در شمال و آراکوسیان یا سامانی‌ها در جنوب افغانستان فقط بعد از زمان داریوش آشکار میشوند.

د آشوریها بین مدیها و پارسی‌ها فرقی تشخیص نمیدادند و همچنین بین آنها و پارتیها که برای اولین بار در زمان سنا کریب و اسارهاون با آنان آشنا شدند فرق قائل نبودند. مانند یونانیان همه آنها را مادائی - مدی میخواندند - اطلاق نام فرد که برای اولین بار در افق ملتی ظاهر میشود به همه گروه امر عادی است پارسواس Parasues بطور دقیق نام ناحیه است. نوشته‌ای که وضع را کاملاً روشن مینماید جایی است که سارگون sargon بدین ترتیب ذکر میکند.

۱- الپ Ellip یعنی عراق ایران

۲- بیت همبان bit-Hamban یعنی کامپاندا - بیستون

۳- پارسوا

۴- مانائیا Mannaia جنوب دریاچه ارومیه

۵- اورارتو Urartu در غرب و شمال دریاچه. پارسواس رامیستوان ناحیه اردلان و گروس فعلی و شهرهای سهنه و بیجار دانست. بنظر میرسد که در حدود سال ۷۵۵ قبل از میلاد یکی از ایالات آشور شد ولی مدت زمان آن محل تردید است^۱

۱- فورر Forrer در کتاب خود مورخ ۱۹۲۱ ص ۸۹ معتقد است که بموجب نامه هارپر شماره ۱۶۵ بل ابن Bél-Ibni نویسنده فرماندار پارسواس بود و چون بعداً بعد از ۶۴۸ بعنوان rab-rési ظاهر میشود همه رب رشد در عین فرماندار پارسواس بودند و این مبتنی بر این فرضیه است که پارسواس بعد از ۶۴۸ قبل از میلاد هنوز یکی از ایالات آشور محسوب میشده است. ابن

قبائل ایرانی در آن زمان هنوز بطور معین استقرار نیافته و در حرکت بودند و مشابه با مسئله تاریخ مهاجرت قدیمی تر هند و آریائی ها این وضع نشان میدهد که مهاجرت آنها در زمانی خیلی دور تر صورت نگرفته باشد.

هرتسفلد (۱۹۳۵ - ص ۲) اضافه میکند که اگر چه بطور عموم اذعان نشده بعقیده من عیلامیها و همسایگان شمالی آنها کاسه - کوسائیان - Kasse-Kos saeans در سمت شرقی تر الیبی Ellipi و لولوبی Lullubi و گوتی Guti در شمال و اورارتو Urartu در مجاورت آنها که شامل همه اقوام مرز غربی ارتفاعات میشوند و از شواهد و دلائل باستانشناسی لااقل قسمت عمده ساکنین خود آن ناحیه متعلق بیک گروه نژادی و زبانی هستند و این گروه مربوط و منسوب با ساکنین بومی بین النهرین (شامل عراق نمیشود) و قسمتی از آسیای صغیر میباشند و فرق نمیکند که چه نامی بآنها داده شود میتانی هوری Hurri سوبارائیان Subaraeans یا هیتی (این نظریه هنوز بطور دقیق قابل اثبات نیست و مورد قبول واقع نشده است).

اگر بخواهیم برای جمعیت ایران قبل از ورود ایرانیان نامی پیدا کنیم بهتر آنستکه آنها را کاسپیان Caspian یا خزر بخوانیم. این کلمه در ادوار باستان به قسمتهای زیاد فلات اتلاق میشده و هنوز در نام دریای خزر و دروازه خزر زنده است^۱.

۱۹۳۶ - جرج کامرون George G. Cameron (ص ۱۵-۱۹) شواهد

مربوط بساکنین قدیم ایران را بطرز بسیار شایسته خلاصه میکند و مینویسد:

دنباله پاورقی صفحه قبل

استنتاج زیاد قابل قبول نیست. در یکی از نوشته های مربوط بلشکر کشی سنا کریب چنین مستفاد میشود که پاراسوس در آن موقع یعنی در ۶۹۰ قبل از میلاد از دست رفته بود. در هر حال در اوائل سلطنت اسارهادون چنین بود.

۱ - این مطلب نیز قابل بحث است ولی بنظر من نام کاسپین Caspian و کوسائیان Kossaeon یکسان است Kossaioi تحریف یونانی کلمه آرامی Qussayé میباشد که در کلمه Ba - gsa حفظ شده است، کلمه Kassé - Kasse آکادمی است که از آن Kissioi اخذ شده و کلماتیست که آخر آنها آکادی است. همه دارای ریشه Kas میباشد که جمع حقیقی آن Kasip میشود و کلمه یونانی Kaspioi این مطلب را ثابت میکند

ولی بنظر میرسد که مهمترین عناصر افراد سرگرد باشند . در جمعیت فعلی قلات لااقل در قسمت شرقی آن يك عده افراد سرگرد برجسته و جالب توجه هستند که عده آنها در ارتفاعات، زیاد تر از جلگه است ^۱ بعضی از آنها ممکن است به دراویدیه‌های هندوستان نسبت داشته باشد مخصوصاً به مردم تمیل زبان که در میان آنها عناصر سر کوتاه و سرگرد زیاد است. قد بقیه اغلب نسبتاً بلند و اغلب تناسبی مستقیم بین قد و سفیدی صورت وجود دارد . این قیافه ها نشانه و علامت اختلاط با مردم نوردویک است ولی وقتی سفیدروئی بعضی از آلپی‌های اروپائی در نظر گرفته شود میتوان حدس زد که این مردم فعلی ممکن است بازمانده يك نژاد آلپی اولیه باشند اگر این پیشنهاد و نظریه بی باکانه ^۲ که نژاد ارمنی از ترکستان سرچشمه گرفته اند مورد قبول واقع شود فرضیه مبنی بر اینکه ساکنین اولیه ایران از این نژاد بوده اند تقویت میشود .

لغت شناسی با اینکه قبول شواهد آن ممکن است خطرناک باشد این فرضیه را تأیید میکند و چنین میرساند که بسط عناصر زبانی قفقازی از هندوستان دور در سمت مشرق از راه عیلام و زاگرس به اناطولی در سمت مغرب شاید بدون اهمیت خاص نباشد

و مهذا این عقیده با نظریه که بیان و مورد قبول واقع شده مبنی بر اینکه انواع مختلف مردم قهوه رنگه اروپا و آفریقائی سردراز در بین النهرین واحد عمده جمعیت اولیه ایران را تشکیل میداده متناقض است . اگر این مطلب را قبول کنیم باید تصور کرد و در واقع اشکالی هم ندارد که شباهت و نسبت زبانی قفقازی بالاتر از نژاد واقوام است زیرا هم مردم سرگرد اصلی آسیای صغر و هم اقوام سردراز ایران بآن زبان تکلم میکردند .

معلومات فعلی مادر حال حاضر بحل مسئله کمک نمیکند . هیچ تئوریه هر قدر هم جالب باشد قابل قبول نیست فقط با کمک علم مردم شناسی طبیعی ممکن

۱ - مقایسه شود با باکستون - ۱۹۲۵ - ص ۱۱۲ ببعد - رپلی - نژادهای اروپا (نیویورک ۱۹۱۹) ص ۴۵۰ ببعد و کتاب دیکسون ص ۳۰۹ - ۳۱۲ .
 ۲ - الیون اسمیت G Elliot Smith (ناریخ بشر) لندن ۱۹۳۰ - ص ۱۶۲ ببعد و (مصریهای قدیم) چاپ جدید - لندن ۱۹۲۳ ص ۱۰۲ - ۱۰۵ - و کتاب باکستون (۱۹۲۵) ص ۱۰۷ - ۱۱۳ .

اشارات تاریخی درباره مردم ایران-۱۸۷

است این مسئله راجل کرده، ۱۹۳۶ - سر اورل استاین (۱۹۳۶) - لوحه I و II و III) عکسهائی از افراد قبائل توروالی و هونزا چاپ کرده که امکان نسبت با مردم شمال غربی ایران و شمال شرقی عراق را نشان میدهد. بعضی از افراد توروالی و هونزا را میتوان با کردها اشتباه کرد و بر اساس آزمایش عکاسی و اندازه گیری جسمانی بنظر میرسد نسبت وارتباط وجود داشته باشد. بعلاوه مورانت - G. M. Morant در همین مقاله (ص ۲۱) اظهار میدارد که «مردم شناسی جسمانی این اقوام ساکن دره‌های جنوب و شمال هندوکش شایان توجه مخصوص است زیرا گفته میشود دارای صفات و خصوصیات هستند که آنها را از بعضی از افراد نژادهای اروپائی غیر قابل تشخیص میسازد. این خصوصیات و فرق آنها با همه نژادهای دیگر آسیا منتهی به تصورات عجیب درباره آنها شده است از جمله اینکه آنان از نوع نژاد آلپ میباشند».

۱۹۳۷ - تالگرن Tallgren (ص ۹۰) مینویسد: «در حوزه رودخانه تاریم نه تنها از طرف افراد هندوسیت که از شهر تاکیلا در هند از راه کوهستان‌ها با آسیای مرکزی فرار کرده و مذهب بودائی را در آنجا انتشار داده بودند بلکه از طرف عناصر قوی ایرانی تأثیر و نفوذ شدید باقی گذاشته شده بود. نفوذ هند و ایرانی از ایران و با کتربا بسمت مشرق بسط یافت و تردیدی نیست که عناصر ایرانی در یسنی علیا Upper Yenissey در آخرین عصر برنز ناحیه مینوسینکس Minusinsk جای پا پیدا کرده بودند».

۱۹۳۷ - گینزبورگ V.V. Ginzburg (ص ۶۳/۵۶) عقاید قبلی در باره اصل و منشأ و خصوصیات جسمانی تاجیکها را خلاصه میکند^۱ و مطالعات طبی و اندازه گیری اشخاص زیر را نقل میکند اوشانین Oshanin - ایاسویچ Iasevich - زیمرمن Zimmerman - ایارکو Iarkho و یشنوسکی Vishnevskii کورونیکف - Korovnikov - گاگایوا - ویشنوسکایا Vishnevskaja - Gagayeva و دیگران. گینزبورگ (ص ۷۴-۷۵) میگوید که میانگین قد تاجیکهای کوهستانی ۱۶۵/۸۳ و قد نشسته آنها ۱۸۶/۴۴ است و رقم شاخص قد نشسته آنها ۵۲/۱۸ میباشد. عرض سر آنها ۱۵۲/۵۰ و رقم شاخص سر آنها ۸۳/۴۰ و متمایل به سر کوتاهی شدید است

۱- این قسمت توسط مستر اوژین پرستوف Eugene Prostov از متن

روسی ترجمه شده است.

اشارات تاریخی در باره مردم ایران - ۱۸۹

«نام نژادی ایرانی^۱ به مردم آریائی پس از استقرار آنها در فلات ایران اطلاق میشود و نمیتوان آنرا برای ساکنین قبلی این ناحیه بکار برد. استعمال انتظاری ایران بعنوان کلمه جغرافیائی که شامل ارمنستان جدید و افغانستان و بلوچستان میشود قابل عفو است ولی برای اینکه دقیق باشیم احتیاج به نامی برای ساکنین قبل آریائی این ناحیه داریم. بعقل زیاد کلمه کاسپیان یعنی خزر نام قابل قبولی برای اهالی بومی و همچنین فلات ایران قبل از ورود آریانها میباشد.

هرتسفلد و کیث میگویند: «بنا بر این اگرچه دلیل و شواهد مستقیم درباره کشتکاری در ایران قبل از پایان عصر حجر بدست نیامده شواهد فرضی قوی برای این فرضیه وجود دارد که کاسپیانهای اوائل هزاره چهارم و پنجم کشاورز بودند و حتی آنان کشاورزان اصلی بوده و علم کشاورزی از فلات کاسپیان بسرزمینهای کنار دریا و اطراف رودخانههای سند و سیردریا و امو دریا و دجله و فرات سرایت کرد و پخش گردید.»

درباره خصوصیات آریانهای تخت جمشید مینویسند که: «سر و صورت آنها نسبتاً پهن و موی انبوه، جمعد سیاه و چشمان درشت و پیشانی بلند و گونه برجسته دارند. بینی آنها منحنی و باریک است و نوک آن فرورفته و پره نسبتاً بزرگ دارد و کاملاً بانواع سامی که در بابل دیده میشود و نوع ارمنی که در حجاری آشوری پیدا است فرق دارد.»

خلاصه اشارات تاریخی درباره مردم ایران و همسایگان مجاور آنها که اصل نژادی ساکنین فعلی ایران را روشن میسازد در اینجا خاتمه می یابد.

خواننده عزیز میتواند به فهرست مخصوص در باره این فصل (ص ۶۰۱ - ۶۵۱) مراجعه کند در فصل آینده درباره پخش قبائل و شعب آنها و مردمان شهر نشین در تمامی مملکت در دوره های اخیر بحث خواهیم کرد.

۱- کلمه ایران (که بفارسی وسط اران و بفارسی قدیم آریا نام - خشترام میباشد) بمعنی سرزمین آریانها است. از کلمه اران در فارسی وسط صفت ارانی مشتق شده است که جای کلمه فارسی باستانی آریا - Arya éir را گرفته است.

۲- مقایسه شود بانوشته تامپسون W.T. Thomson و اینزورث Ainsworth

واسهال خونی وسل وامراض چشم فراوان است . گفته شده است که قریب ۸۰ درصد مردم مبتلا به سوزاك وسفلیس میباشند . ولی خوشبختانه تحت هدایت رژیم فعلی اصلاح وضع بهداشتی انتظار میرود .

طبعاً امراض مناطق حاره در ناحیه بحر خزر بیشتر از منطقه فلات ایران است . پشه مالاریا تا ارتفاع ۵ تا ۶ هزار پا وجود دارد . تب پشه نیز زیاد است و زخمی که سالک نامیده میشود در تمام این ناحیه دیده میشود .^۱

طهران در ارتفاع ۳۸۱۰ پا از سطح دریا در دشت جنوب جبال البرز که بفاصله در حدود ۱۰ میل است قرار دارد . شهر نزدیک منتهی الیه جنوبی بسترشنی که از پای کوه روپائین امتداد دارد و شیب خود شهر از شمال بجنوب ۲۸۲ پا است . در سمت شمال در امتداد کوهپایه که شیب آن زیاد میشود و جویبارها از آن سرازیر میگردد تعدادی قریه و دهکده وجود دارد که همه را بطور دسته جمعی شمیران میخوانند و محل اقامت تابستان اهالی است .

نام طهران در ۱۱۷۹ میلادی در کتب و نوشتهها ذکر شده است ولی اهمیت آن از زمانی شروع میشود که آغامحمدخان قاجار مؤسس سلسله قاجاریه در سال ۱۷۸۸ شهر تهران را بر اصفهان و شیراز ترجیح داده و آنرا بعنوان پایتخت کشور انتخاب کرد . علت انتخاب طهران نزدیکی آن به مازندران بود که آغامحمد خان فتوحات خود را از آنجا آغاز کرد و تصور میکرد در صورت عدم موفقیت با آنجا پناه برد . انتخاب طهران بیشتر علت سیاسی و سوقالجیشی داشت تا تناسب آن برای پایه گذاری يك شهر بزرگه در آن موقع طهران يك شهر كوچك شرقی معمولی بود که در داخل دیوارهای گلی قرار داشت و محیط آن از دو میل تجاوز نمیکرد . جمعیت آن در حدود ۱۵ هزار نفر بود . پس از پایتخت شدن بتدریج کسب اهمیت کرد بطوریکه در سال ۱۸۰۷ جمعیت آن به ۵۰ هزار نفر و در ۱۸۷۰ به ۱۲۰ هزار نفر رسید . شهر فعلی طهران از سال ۱۸۶۹ وقتی ناصرالدین شاه تصمیم گرفت آنرا توسعه داده و ظاهر آنرا جالبتر کند آغاز میشود . دیوار گلی دور شهر برداشته و جای آن خندقی کنده و برج و بارو برای آن بنا شد و محیط آن به ۱۲ میل رسید . این اصلاحات در سال ۱۸۷۴ با تمام رسید . برج و باروها بتدریج از بین رفت و خاک

۱- سالک گاهی جوش دهلی یا جوش بغداد نامیده میشود . رجوع شود به

آن برای ساختن آجر بکاررفته است. آماري که در سال ۱۹۱۹ گرفته شد جمعيت طهران را ۲۵۰ هزار نفر تخمين ميزند. البته حاج جمعيت شهر را در سال ۱۹۳۶ در حدود ۳۶۰۲۵۱ نفر ميداند. ميزان مواليد ۷۸۰ نفر در ماه و متوفيات ۵۸۰ نفر تخمين زده شده است. در داخل شهر سابقاً ۲۳۴۲۸ خانه وجود داشته است.

طهران و ولايات اطراف آن برخلاف نواحی صحراي نمک جنوبي پر - جمعيت است و با مقايسه با ساير نواحی ايران جمعيت آن زياد و شامل يك ربع و يك پنجم كل جمعيت ايران ميشود.

اغلب دهات اين ناحيه داراي كشت و زرع و گاو و گوسفند هستند. تناسب تعداد جمعيت كه كاملاً روستائي باشند بجز درمیان قبائل اينانلو و بندادي خرقاني كم است. تعداد قابل ملاحظه‌اي از مردم ساكن نواحی مرتفع در زمستان به دشت - هاي كنار دريای خزر مهاجرت ميكنند و برعكس عده زيادي مازندراني و گيلاني در فصل تابستان بنواحی مرتفع ميآيند.

پخش جمعيت در نقاط مختلف اين ناحيه متفاوت و بستگی بملل مختلف كه مهمترين آن وجود آب باشد دارد.

گروههای نژادی

سه گروه نژادی عمده در ايالات شمال و شمال غربي از اين قرارند :

۱- ايرانيها يا فارسها كه در كهستان البرز در جنوب مقسم شمالي و قلات تاسفيدرود سكونت دارند. اكثريت ساكنين طهران و قزوین از اين گروهند. زباني كه به آن تكلم ميكنند از لحاظ لهجه با زبان ساير ساكنين فارسي زبان ايران فرق زيادي ندارد.

۲- تر كهها كه كليده جمعيت گرمرود و خلخال در آذربايجان و خمسه و طارم سفلي و قسمتهای ديگر ولايت قزوین در مغرب خطی از منجيل تا سياه دهن و شمال غربي سياه دهن و جاده همدان را تشكيل ميدهند. در جنوب شرقي اين جاده و جنوب غربي خطی از سياه دهن تا رباط كريم كه شامل خرقان ميشود مخلوطی از فارسها وجود دارند ولي اكثريت با تر كهها است. شهر ساوه كاملاً فارس نشين است ولي دهات اطراف آن تا چند ميل ترك هستند. در حدود يك سوم جمعيت قزوین و قسمت كوچكي از جمعيت طهران ترك هيباشند. در باريكه بين قاعده البرز و خطی از سياه دهن تا

رباط کریم یعنی ناحیه بین فارسها و ترکها و درورامین و خوار در جنوب شرقی طهران در اغلب دهات ترکها و فارسها باهم مخلوط شده اند. فارسهای یعنی ساکنین اصلی بیشترند، عناصر ترک که معمولاً از اولاد کسانی هستند که آمده و در بین آنها استقرار یافته اند.

ترکها از اولاد مهاجمین آسیای مرکزی بخصوص قبایل غز میباشند که در زمان سلجوقیان در قرن یازدهم و دوازدهم بایران حمله کردند. بعد از سلاجقه منولها آمدند و سلسله سلاطین ایلخان را که پایتخت آن در مراغه و تبریز و سلطانیه بود تشکیل دادند.^۱

روایات محلی حاکی از آنست که اجداد ترکان خلیج و بیات در ناحیه ساوه در اواخر قرن چهاردهم بالشگریان تیمورلنگه باین ناحیه آمدند. درباره اصل و منشأ ترکهای ایران دو نظریه وجود دارد: اول آنکه از اولاد ترکها و منولها هستند. و دوم آنکه از اولاد ساکنین اولیه ایرانند که مهاجمین زبان خود را بر آنان تحمیل نمودند.

بغیر از اختلاف زبان فرق بزرگ خصوصیات و صفات فکری و جسمانی بین ترکها و ایرانیها نشانه آنست که لااقل بین ترکها اختلاط زیاد خون وجود دارد. این نواحی در اثر حملات مهاجمین ویران گردید و جمعیت آن از بین رفت و احتمال میرود که بازماندگان ساکنین اولیه با فاتحین ازدواج و در بین آنها مستهلك شدند.

مالکین و زارعین ترک هر دو قوی هیکل و صورت پهن تر و هیکل درشتتر از فارسها دارند. ساکنین منطقه ترک شمال به ترکی تکلم میکنند و بجز طبقه اشراف و عده ای از جمعیت زنجان هیچ زبان دیگری نمیدانند. کمی جنوبی تر در نقاطی که جمعیت مخلوط دارد فارسی فهمیده میشود ولی معمولاً فارسها هستند که کمی ترکی میدانند و نه برعکس. زبان ترکی این نواحی با ترکی عثمانی فرق زیاد دارد و بین ترکی آذربایجانی و ترکی اطراف ساوه نیز اختلافاتی موجود است.

۳- مازندرانها و گیلانها در ولایات ساحلی بحر حرر که بوسیله تقسیم آب شمالی البرز از جمعیت فارسی دره های البرز و از ترکهای دره قزل اوزن

۱- خرابه مقبره سلطان محمد خدا بنده پادشاه ایلخان در سال ۱۳۰۵

میلادی شهر سلطانیه را بنا نهاد هنوز وجود دارد

جدا هستند.

مازندرانها و گیلانها هر دو از اصل ایرانی هستند و اختلاف بین آنها و فارسها در اثر جدائی آنها در آنسوی البرز و همچنین در اثر وضع آب و هوا و جغرافیائی است و نه نژادی.

این مردم دارای قدمتوسط و قیافه تیره رنگ پریده و چشمان مشکی و مو و ریش سیاه انبوه میباشند. لهجه مازندرانی و گیلکی در نقاط مختلف ولایات ساحلی بحر خزر باهم اختلاف دارد. در اصل شبیه فارسی است ولی اکنون بقدری فرق کرده که برای فارسی زبانان قابل فهم نیست. در اثر ارتباط دائم بین مردم ولایات خزر و مردم فلات زبان نواحی مجاور البرز و فلات معمولاً بوسیله اهالی مازندران و گیلان فهمیده میشود. بدین ترتیب از استرآباد تا سفیدرود در گیلان میتوان زبان فارسی بکاربرد ولی در ناحیه شمال غربی این دره در جائیکه ترکها با اهالی طارم تماس پیدا میکنند ترکی جای فارسی را میگیرد و در طالش فارسی خیلی کم فهمیده میشود.

۴- علاوه بر گروههای نژادی فوق عده ای ارمنی و یهودی و کلدانی در شهرها مخصوصاً در طهران و قزوین و بارفروش زندگی میکنند و در نواحی فارسی و گیلکی و مازندرانی زبان گروههای کوچک افراد قبائل ترك و كرد و لر وجود دارند.

در شمال غربی ایران قبائل بومی نبودند و بجز بعضی از قبائل ترك در حرقان و ساوه در سالهای اخیر از موطن اصلی خود در آذربایجان و کردستان و لرستان توسط شاه عباس و نادر شاه و آغامحمدخان باین نواحی انتقال داده شده اند. آغامحمدخان در اواخر قرن هیجدهم برای دفاع در مقابل حملات ترکمنها چندین قبیله را در استرآباد و مشرق مازندران مستقر گردانید. شاهسونهاییکه در آذربایجان یافت میشوند و در خمسه و خرقان تا ساوه پراکنده اند ترکیبی از ترکان آذربایجانی هستند که شاه عباس در ربع اول قرن هفدهم در مقابل قزلباشهای ساکن آن ناحیه متحد گردانید. بهمین ترتیب قبائل خواجه و ند کرد در کجور و پل و کلاردشت در مغرب مازندران برای ارباب ساکنین اصلی به آن ناحیه کوچ داده شدند. نادر شاه بعضی از قبائل ترك و كرد را در حوالی قزوین در نزدیکی طهران مستقر کرد تا بتواند قدرت آنها را در محل خودشان درهم شکند. در زیر اطلاعات و مطالبی در باره این قبائل در ایالات شمال و شمال غربی که از نظر مردم شناسی شایان توجه هست ذکر

از مدانلو و جهاننگلو در دهات شمال ساری سکنی داشتند^۱. ترکها عبارت بودند از اصائلوها که نزدیک ساری زندگی میکردند و گیرایی که در دهات نیکا و بلوک بالا تجن و افرار و تولان دره، قشغ و زرگرسکونت داشتند. افغانها نزدیک قره تپه و توریجن زندگی میکردند.

۳ - خواجه وند (کرد) در ناحیه تنکابن زندگی میکردند. در ۱۹۲۰ در دشت کلاردشت به پنج شعبه تقسیم میشدند که عبارت بود از سلطان قلیخانی، کاکاوند، لک، خواجهوند و دلفن مالک ۱۵۰۰ خانه بودند در پل و کجور که به ترتیب ۱۴۰۰ و ۱۰۰۰ خانه داشتند خواجه وندا تقسیم میشدند به سه گروه یعنی دلفن، کاکاوند، خواجهوند.

این قبیله در اصل توسط نادرشاه از گروس و کردستان آورده شدند. عدهای از آنها در پایان سلطنت کریم خان زند بموطن خود بازگشتند ولی آغا محمدخان آنها را برگردانید تا ساکنین سرکش این نواحی را تحت انقیاد در آورد.

این ناحیه یکی از حاصلخیزترین نقاط البرز است و ساکنین آن مالک گاو و گوسفند بسیار هستند و گندم و جو و ارزن تولید میکنند و به نقاط اطراف می فرستند.

گیلان

تنها قبایل گیلان در سال ۱۹۲۰ عبارت بود از عمارلو (کرد) و خ طوالش که اغلب طالش گفته میشود. جنگلیها بهیچوجه عشایری نیستند.

۱ - قبائل عمارلو ساکن ۵۰ دهکده میباشند که بین منجیل و پیرکوه یعنی

۱ - برای اطلاعات بیشتر مراجعه شود به نوشته نیکیتین B. Nikitine

(ص ۷۳ - ۸۰) در نشریه ایران لیک جلد ۴ - مورخ اکتبر ۱۹۳۳ شماره ۱ -

ص ۳۱ - ۴۱ و ۱۴۲ - ۱۵۸ و مقاله تحت عنوان کردها در دائرة المعارف اسلامی -

و مقاله دهن بهرام گورانگلساریا تحت عنوان «کردها تاریخ و زبان و آداب و رسوم آنها» ترجمه دکتر بلج شیرگو.

مقاله مندرج در ایران لیک جمعیت کردهای

کردستان ایران راسه میلیون و سیصد هزار نفر میداند ولی کمیسیونی که تحت ریاست

کنت تلکی رئیس الوزراء هنگری در تاریخ ۱۶ ژوئیه ۱۹۲۵ گزارش خود را

بجامعه ملل تقدیم داشت جمعیت کردهای ایران را هفتصد هزار نفر ذکر کرده است.

خمسه

قبائل خمسه که همه ترك هستند از نژاد مخلوطند ولی بنظر میرسد از اردبیل و سایر نقاط آذربایجان آورده شده و با قبائل قزلباش که در خمسه بودند مخلوط شده و اتحادیه شاهسون را تشکیل داده باشند. در حدود بیست سال قبل چند قبیله کوچک یعنی ذالقعه و قره بر گلو و رشوند در طارم زندگی میکردند ولی ایلات عمده خمسه عبارت بود از دویران و افشار که افشار دویرانی خوانده میشدند تا با افشار صائین قلعه در آذربایجان و خرقان قزوین فرق داشته باشند.

۱ - گروه ایلات دویران که به ۱۵ شعبه تقسیم میشدند در دره قزل اوزن از گروس بالای ینگگی کند تا پل قافلان کوه زندگی میکردند. تعداد خانه آنها بین ۱۵۰۰ و ۳۰۰۰ و تعداد دهات آنها بین ۱۲۰ تا ۳۰۰ تخمین زده شده است.

دویرانها یکی از قبائل نیرومند شاهسون بودند که فتحعلیشاه آنها را از مغان و اردبیل آورد و در دره حاصلخیز قزل اوزن بعنوان محل قشلاقی و در ارتفاعات مغرب دره مجاور ناحیه افشار آذربایجان بعنوان محل ییلاقی استقرار یافتند.

۲ - ایل افشار دویرانی بین ابهر رود و گروس زندگی میکنند. شامل قبائل زیر میباشد: بدیرلو، جهانشاهلو، جمعهلو، قراسانلو. در حدود ۱۰۰۰ خانه داشتند. قبیله افشار که در يك زمان با دویرانها از آذربایجان حرکت کردند به شعبه مستقل زیر تقسیم میشوند. (الف) افشار صائین قلعه آذربایجان (ب) افشار (دویران) خمسه (ج) افشار خرقان (قزوین) شعبه افشار دویرانی ضعیفترین آنها بود ولی گفته شده است که در اصل تعداد خانوار آنها به ۵ هزار میرسید. قبلاً برای ییلاق به بالای سلطانبه و شمال شرقی بکوهستان طارم مغرب قزل اوزن میرفتند این نواحی ییلاقی بعنوان املاک خصوصی تصرف شد و ایلات ده نشین و کشاورز شدند، بعضی از آنها مالک شتر نیز بودند ولی در نتیجه جنگ و قحطی تعداد شترها بتدریج تقلیل یافت.

مردم ایران

شعبه از آنها در خراسان استقرار یافت .

(۵) ایل معافی از ۶۰۰ خانوار متشکل بود و در حوالی جاده بین قزوین و طهران سکونت داشتند .

۲- قبائل شاهسون اینانلو و بغدادی بزرگترین قبائل ناحیه خرقان و ساوه میباشند . هر دو از نژاد ترك هستند و در اواخر قرن هیجدهم باین ناحیه آمدند از قرار معلوم آغامحمدخان قاجار قبائل اینانلورا از دشت مغان باین ناحیه کوچ داده ، گفته میشود که ایل بغدادی در دوره صفوی از ایران به نزدیکی بغداد مهاجرت کرده و در زمان سلطنت نادرشاه به شیراز مراجعت کردند. در زمان کریم خان زند محل معینی نداشتند تا اینکه بقوای آغامحمدخان قاجار ملحق شدند و وی آنها را در محل فعلی سکونت داد .

قبیله اینانلو شامل دو قسمت عمده یعنی ینگه چک و گوکبر بودند و تعداد خانوار آنها بین ۵۰۰ تا ۶۰۰ بود قشلاق آنها در اطراف گداغ و قلمه محمد علی خان نزدیک جاده طهران و قم نواحی مجاور ساوجبلاغ (طهران) و زرند (ساوه) زهرا (قزوین) و بیلاق آنها در خرقان مخصوصاً نزدیک گمیشلو در ناحیه قتالو بود. چهار تا شش هزار خانوار بغدادی شاهسون تا بستان را در خرقان و خجستان (همدان) تا مرزهای خمسه میگذرانند و زمستان به اطراف طهران و جاده قم و سلطان آباد و طهران و ساوه می آمدند. در سال ۱۹۲۰ بغدادیها شامل دو قسمت لك و ارخلو بودند که اولی ۲۰۵۰ خانوار و دومی ۱۷۷۰ خانوار داشت .

قبیله لك چندین شعبه داشت که با ذکر تعداد خانوار ازین قرارند :
کوسه لر (۵۰۰) ، یاریجانلو (۴۰۰) ، قره قوینلو (۳۵۰) ، یارامیشلو (۳۰۰) ،
علی قورتلو (۲۰۰) ، احمدلو (۲۰۰) ، وستلو و قتلو و دولتوند (۱۰۰) .
قبیله ارخلو از ۱۶ شعبه تشکیل میشود که بزرگترین آنها کلاوند بود با ۶۳۰ خانوار که تقسیم میشود به بزلو، بروچلو، اسکندرلو، جلاللو، محمدلو ، موسی لو ، شیخلو ، زغل . یکی دیگر از طبقات ارخلو قبیله قاسملو بود که تقسیم میشود به حاجیلو ، علمارد شلو، زیارلو که ۵۰۰ خانوار بودند ولی اغلب آنها در دهات ساکن شدند . بقیه با ذکر تعداد خانوار عبارتند از : الوارلو با کارونلو (۱۰۰) ، اتکبسانلو (۱۰) ، دوگر (۶۰) ، غریبکو (۳۰) ، حسنلو (۳۰) ، حسین خانلو (۲۰۰) ، خدلو (۵۰) ، مدحیلو (۳۰) ، مهربلو (۳۰) ،

بندی قبائل نسبتاً مشخص مییابد .

پشت کوه در سمت شمال غربی و جنوبی شرقی در امتداد مرز غربی لرستان قرار دارد. در سمت مشرق بوسیله سلسله جبال معروف به کبیر کوه از پیش کوه جدا شده است . پشت کوه محدود است از شمال شرق و شرق به کشفان رود و سرزمین مسکونی بیرانه وند (از بالاقریه). معمولاً بالاقریه شامل بقیه لرستان شرقی میشود .

قسمت شرقی این سه منطقه دارای منظره مخصوص به خود مییابد و درباره کلیه لرستان بطور کلی نمیتوان شرحی نوشت .

در پشت کوه قله مرتفع که یکی بر روی دیگری و در موازات یکدیگر قرار دارند کوتاهتر و کم شیب تر از سایر نقاط لرستان است . سنگ سیاه و سنگ آهک در این منطقه زیاد است . تپه های سنگ آهک مناطق جدا هستند و در فاصله بین آنها توده عظیم gypsum که رنگ خاکستری دارد وجود دارد که در مقابل رنگ قرمز سنگ سمباده تضاد مشخصی ایجاد مینماید. رودخانه های این قسمت اغلب در فصل تابستان قابل آشامیدن نیست و بسمت دشت بین النهرین سرازیر میشوند . این ناحیه دارای درخت زیاد نیست ، مراتع آن بخوبی مراتع لرستان شمالی نمیباشد .

در پیش کوه سنگ سمباده و سنگ آهک ناپدید میشود و بندرت در شمال دره سبزه بنظر میرسد. در مشرق و جنوب خطی که از ترهان تا مادریان رود کشیده شده رشته تپه های سنگ آهک بدون درخت دیده میشود. این سلسله بطور متحدالشکل از شمال غربی بجنوب شرقی قرار دارد و در فواصل بین آنها دره های سرسبز وجود دارد و ارتفاع آنها تا ۶ هزار پا میرسد . یکی از خصوصیات این ناحیه وجود دشتهای حاصلخیز بین کوهها است مانند کوه دشت ، رومیشگان ، حلیلان ، و ترهان که میتوانند جمعیت زیادی را نگاه دارند .

ناحیه بالاقریه چنانکه از نام آن پیداست سخت ترین نقطه لرستان است . صخره های سنگی آن بلندتر و شیب دارتر از صخره های کشفان است درحالیکه دره های بین آنها باریکتر است و با تپه های سنگ سیاه و سنگ آهک پر شده است و صاف نیست . این ناحیه پر آب تر است و آن قسمتی که بوسیله خط مستقیمی از خرم آباد تا دزفول جدا میشود مرتفعترین منطقه لرستان و قله آن همیشه از برف پوشیده است. ناحیه بالاقریه جنوب خرم آباد و شمال کوه دالیچ جنگل درخت بلوط است .

در لرستان سرما و گرما بحد اشد میرسد و همین امر سبب حرکت و بادیه -

نشینی ساکنین آن می باشد. دره سیمره در فصل تابستان بگرمی خوزستان است و هوای آن شباهت زیادی به هوای گرمسیر بختیاری دارد. نقاط مرتفع لرستان خنک تر است و خرم آباد بندرت گرمای نامطبوع پیدا میکند. معهذاً در باغات آن مانند شیراز درخت سرو میروید. این درخت در هیچ شهر دیگر جنوب غرب ایران یافت نمیشود زیرا طاقت سرمای شدید ندارد. معمولاً دشت خرم آباد بین بیست تا چهل روز پوشیده از برف است ولی در سال ۱۹۱۱ برف در حدود ده هفته وجود داشت. خط برف در ماه فروردین ۵۰۰۰ پا و در اردیبهشت ۶۰۰۰ پا و در خرداد ۷۰۰۰ پا است.

در لرستان زمستان فصل بیکاری و بی‌فعالیتی است. مردم دوماه و گاهی بیشتر در خانه خود میمانند. گله‌گاو و گوسفند در اصطبل نگاهداشته میشود و علوفه چهار تا پنج‌ماه در فصل تابستان برای گله جمع‌آوری میشود. گندم کاری معمولاً پاییز انجام میگیرد و بعد از آنکه برف آب‌شد سبز میشود.

با اینکه لرستان از ناحیه بختیاری حاصلخیزتر است ولی جمعیت آن کمتر میباشد. راه کاروان روآن از هرداه دیگری که از خلیج فارس به مرکز ایران منتهی میشود بجز راههای بندرعباس و شیراز آسانتر است. در بحث درباره قبائل و ایلات لرستان سه قسمت عمده که لرستان بآن تقسیم شده میتوان توسل جست. پشت کوه محل سکونت قبائل فیلی است ولی افراد قبائل کرد و دیناروند و سگوند که در زمانهای مختلف باین ناحیه آمده و با ساکنین اولیه ازدواج و آمیزش کرده‌اند نیز وجود دارند. پیش کوه از زمان بسیار قدیم محل سکونت قبائل سلسله و دلفان بود که ظاهراً بنام دوبرادر خوانده شده‌اند. سرآرنولد ویلسون عقیده دارد که این قبائل لك هستند ولی در سمت شرقی این ناحیه عده زیادی لر ساکنند که با همسایگان لك خود هیچگونه فرقی ندارند بجز آنکه به لهجه مخصوصی تکلم میکنند. قبائل بالاجره همه لر هستند. این افراد رئیس یارهبیری نمی‌شناسند و دائماً باهم نزاع دارند. مردم شهر نشین بروجرد و خرم آباد لر هستند و تعدادی تجار یهودی و ایرانی نیز در آن دو شهر سکونت دارند.

در این ایالت قبائل ترك نژاد یافت نمیشوند و قبائل عرب معروف به گاو میش که در ناحیه بختیاری دیده میشوند در لرستان وجود ندارد^۱ ولی بعضی از قبائل

۱ - باید بخاطر داشت که این مطالب در سال ۱۹۱۲ چاپ و منتشر شده

مانند سگوند خود را از اولاد مهاجرین عرب میدانند. قبائل کرد مانند ایل کلهر در مرز این ایالت زندگی میکنند ولی تحت اداره حکومت کرمانشاه هستند و بنابراین در اینجا از آنها بحث نمیشود.

حدیثین لرها و لكها اکنون فقط از نظر زبانشناسی است. احتمال میرود که لرها از اولاد آریانها و نژاد بومی محلی باشند و تردیدی نیست که قرنهاست زندگی بادیه نشینی و ایلاتی داشته‌اند. کرزن (a ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۲۸۵) نقل میکند که قبائل عیلام سلطه و قدرت مادها و پارسها را قبول نداشتند و در مقابل اسکندر مقاومت کردند و از انتیوک فرمانبرداری نداشتند، ولی مدارك موجود دال بر آنست که تا دوره قرون وسطی لرستان جمعیت ده نشین داشت و رودخانه‌ها و تپه‌های متعدد مغرب کشفان و دره سمیره دال بر آن است.

موریه، لكها را قبیله بادیه نشین میدانند که در تمام ایران پراکنده‌اند و مراکز عمده آنها نزدیک قزوین و در ایالات فارس و مازندران بود و عقیده دارد که قبیله بزرگی بودند که بشعب و خانوارهای مختلف تقسیم شده و از نژاد ایرانی بودند.

رایینو اظهار میدارد که ممکن است دلفان و سلسله ویرانه‌ونها از قبائل لك باشند^۱ در بین لكها و کردها پیروان فرقه علی الهی زیاد است. شرح مفصل عقاید و مراسم آنها در کتاب ویلسون داده شده است. افراد سلسله و دلفان اغلب در اصل علی الهی بودند ولی بتدریج شیعه شده‌اند.

در بین افراد بالاجره منظره کسی که به نماز ایستاده باشد غیر عادی است و پیر مردان با اصول مذهب شیعه و مراسم نماز آشنائی ندارند ولی قسم بقرآن را محترم می‌شمارند.

لرها در چادرهای سیاه از موی بز بافته شده زندگی میکنند که دور آن دیواره ندارد و بجای دیواره از بته و درختان کوچک استفاده میکنند. برعکس اعراب که عده زیادی در يك اردوگاه جمع میشوند لرها چادرهای خود متفرق و پراکنده میزنند و معمولاً سه یا چهار چادر باهم در يك نقطه دیده میشود و هر فامیل یا رئیس خانوار يك اردوگاه جداگانه دارد. در اوائل تابستان چادرها را ترك کرده و در الو نكها^۱ که از شاخه درخت ساخته شده زندگی میکنند.

قبائل لرستان^۱

عمله - سابقاً عمله کریم خان نامیده میشد : این قبیله کوچک منزوی لر پشت کوه دراصل درچند دهکده دیوار دار جنوب غربی دزفول زندگی میکردند. زمین زراعتی آنان بوسیله کانال هر موش و دهداری که از رود کرخه منشعب میشود آبیاری میگردد .

بهاروند - این قبیله که از هزار خانوار متجاوز است از قرار معلوم تحت فرمان میرعباس خان بود که با برادرش میرعلی خان زمانی قدرت دیرک وند را بین خود تقسیم کرده بودند ولی بالاخره آنها را از قسمتهای مختلف دیرک وند بیرون کردند ولی موفق شدند هر کدام قبیله جداگانه تشکیل دهند که به میرعباس خانی (میربهاروند) و میرعلیخانی (میرقلعه وند) نامیده شدند .

بفر از میربهاروند تنها قسمتی را که باید مورد توجه قرار دهیم قسمت کدخدا و نجفان است . نجفانها قبیله کوچک وضعینی بودند که از قسمت عمده قبیله جدا زندگی میکردند و زمستان را در قلعه حسینی و تابستان را در سمت شمالی کوه گرد بسر میآوردند و بین این دو نقطه از راه منتهی الیه شرقی سلسله چناره و کوه کریشان عبور میکردند . با افراد میرقلعه وند آمیزش و ازدواج میکردند .

در فصل زمستان چادرهای افراد قبیله بهاروند همه جا از پل آب زال تا چند میلی دزفول در سمت غربی بالا رود دیده میشود . در تابستان در کناره کوه هفت پهلوی و با وی و دره شوراب و کوه تف و دره نصاب و تنگه بهرام رش و آب سیواک زندگی مینمایند . مهاجرت و حرکت آنها معمولاً از راه کیلان است ولی وقتی رابطه آنها بامیرها بد باشد از راه چول میروند .

در نزدیکی آب لیلیم و آب فانی در دره نصاب گندم و جو کاشته میشود و همچنین در نقاط دیگر نزدیک محل تابستانی آنها. این قبیله قویترین قسمتهای دیرک وند است که گلههای بزرگ واسب و مادیان زیاد و عده زیادی قاطر دارند .

میربهاروند - این قبیله بنام اولاد میرعباس خان و بستگان آنها معروف است . ادmondz (۱۹۲۲ - ص ۳۴۴ و ۳۴۷) درباره این گروه شرح

۱ - این صورت بر اساس مطالعات مقدماتی سرانولد ویلسون قرار دارد. به صورت رابینو (۱۹۱۶) و ادmondz (۱۹۲۲) نیز اشاره شده است .

جالب توجهی نوشته و آنها را میر عباسخانی می نامد .

بیرانه‌وند - معمولا آنها را از طبقه بالاقریه میدانند ولی را بینو آنها رالك میخواند و این قبیله قویترین قبائل لرستان و متجاوز از هزار خانوار بودند و در الیستر و خاوه و در تابستان در کوه چهل و نبلیگان و گروسکونت داشتند قسمتی از آنها که سال بسال فرق میکرد در فصل پائیز به پشت کوه مهاجرت میکردند و معمولا از راه کل حصار و چول و پل تنگ میگذشتند .

ویلسون بیرانوندها را بشعب زیر تقسیم بندی میکند : استان مرز، اولاد علی محمود ، اولاد اسعدخان، چکالوندتاری، جلیبی، چرمرنگ ، دلیران، فراش، گر، جوجه‌وند، مال اسعد ، متاش، محراب ، مصطفی‌وند ، پیرداده، سبزلعلی ، شاهون، شاهوردی، شمس ، یاراحمد ، زین‌علی .

بجولوند - درباره این قبیله اطلاع زیادی در دست نیست . معمولا یکی از قبائل بالاقریه طبقه بندی میشد ولی درحوالی جلنچولان ده نشین شده و خود را با یاراحمدی سیالخور یکی میدانستند .

بالا قریه - این نام که ساکنین کوههای بلند معنی میدهد به قبائل زیر که بین رودخانه‌های کاشغان و دز زندگی میکردند اطلاق میشد : بیرانوند، چگینی ، دیرکوند ، جودکی ، پاپی ، سگوند ، که بعضی از آنها زیر نام قبیله جداگانه شرح داده میشود . وجه تشابه و تجانس آنها این بود که هرگز حکومت يك فرد را بر خود قبول نکرده‌اند ولی بیرانوندها و سگوندها کاملاً از بقیه جدا بودند. رالینسون در سال ۱۸۳۶ افراد قبائل بالا قریه را ۶ هزار خانوار تخمین زده بود . لایارد در سال ۱۸۴۶ نیز همین نظر را تأیید کرد و اگر بیرانوندها را بحساب نیاوریم چنانکه دونویسنده فوق بحساب نیاورده بودند تعداد این قبائل تا آنجا که امکان تعیین باشد در سال ۱۹۱۲ نیز همانقدر بود. در ۱۹۱۲ قبیله مکان - علی شناخته نمیشد و از قرار معلوم سالها قبل به قبیله سگوند ملحق شده بود . قبیله بجولوند نیز بعنوان يك واحد مستقل موجودیت خود را از دست داده است. بالاوند - این گروه گاهی بعنوان دلفان طبقه بندی میشود و متشکل است از بالاوند و کشوند . پلودن Plowden تعداد آنها را هزار خانوار تخمین زده است .

چگینی - افراد این قبیله بین خرم آباد و رود کاشغان درپای کوه سفید

زندگی میکردند و شعب عمده آنها عبارت بود از فتح‌اللهی، حاجیها، حاتم‌خانی، وطهماسب‌خانی، قبیله میرزاوند که اکنون ازین رفته جزئی از حاتم‌خانی‌ها بود. شعب طهماسب‌خانی‌ها عبارت بود از فتح‌اله جمعت کریم، حاجی، حاتم‌وند، سبزوار بوداغ، شکاروند، وایس‌کاره. شعب حاتم‌خانی عبارت بود از درویش، حمام، حسیوند، جوار، میرزاوند، شرف. گفته شده است که تعداد آنها ۲ هزار خانوار بود.^۱

دالوند- این قبیله که زمانی بایرانوندها یکی بودند در تمام سال در دره هرود زندگی کرده و کم و بیش ده نشین بودند.

دلفان - این اتحادیه قبائل از ایلات مختلف و جداگانه تشکیل میشد که عبارت بودند از:

علی، اولاد قباد، بالاوند (که گاهی بحساب نمی‌آمدند)، باواری، بیجاوند، چاری، ایتاوند، کاکاوند، کلاین، خیر غلام، مومیانوند (میریگک)، نورعلی، پادروند.

اغلب این قبائل چادر نشین بودند ولی محل سکونت آنها متصل بهم بود و از مرز کرمانشاه شروع و تا سیمره و کشغان امتداد داشت. مهاجرت این گروه با مهاجرت دیگران مانند سگوندها فرق داشت.

دیرکوند - این نام به مجموعه‌ای از قبائل که در کوهستان بین خرم‌آباد و دزفول ساکن بودند اطلاق میشد. حدود آنها از سمت مشرق بحوالی آب‌دز که از رسیدن بآن بعلت مداخله قبیله پاپی محروم بودند و از سمت مغرب بحوالی راه عمده کاروان روکه از بادامک تا دادآباد خاک قبیله جودکی بود امتداد داشت.

دیرکوند یکی از قبائل عمده گروه بالاقریه است. ویلسون در سال ۱۹۱۲ این قبیله را متشکل از شعب زیر میدانست: بهاروند، میربهاروند، کرد علیوند کرکی، میرعلیوند، میرزاوند، منگری، قلعه‌وند، منگره‌میر، رضاوند.

قبیله زینوند که در پشت کوه نزدیک قلعه سمیره زندگی میکردند از نژاد

۱ - در شرح درباره چگینی از صورت ویلسون پیروی شده است. مقایسه شود با شرح ادمنندز (۱۹۲۲) ص ۳۴۴ که در آن گروه بندی دیگری داده شده

دیر کوند بودند .

تعداد افراد دیر کوند اصلی زیاد نبود و شاید از سه هزار نفر تجاوز نمی کرد ولی عناصر بیگانه قوی مانند افراد سگوند و حسناوند و بیرانوند در بین آنها وجود داشت . ویلسون عقیده داشت که سالها تعداد افراد آنها در حدود همین عدد باقی مانده بود .

فیلی - بعضی نویسندگان ادعا میکنند که این کلمه بهمه لره های لرستان (لر کوچک) اطلاق میشود ولی کرزن (۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۲۷۵) میگوید و این نام محدود شده است به پشت کوه و فیلی های اصلی قسمت عمده جمعیت آن ناحیه را تشکیل میدهند در خوزستان والی پشت کوه را فیلی ویا بنام فامیل ابور غداره که از طرف همسایگان عرب وی بفامیل او داده شده بود می شناختند . هنوز خرم آباد را رسماً خرم آباد فیلی میخوانند و این اسم از آثار روزگاری است که جد وی حسین خان رئیس قبیله فیلی را شاه عباس بجای شاهرودی خان نشانید و بجای اتابك لقب والی بوی داد و باو قدرت نامحدود در خطه لرستان عطا کرد . پس از نقصان قدرت جانشینان و اولاد وی که اکنون بناحیه پشت کوه محدود شده است نام فیلی نیز محدود گردید .

فلك الدین - این گروه که یکی از قبائل کوچک و غیر مهم سلسله هستند از دوشبیه لرامیر و تجامیر تشکیل میشود .

حسنوند - این قبیله بزرگ بادیه نشین بتدریج تقلیل یافت تا اینکه در ۱۹۱۲ تعداد آن به سه هزار خانوار تخمین زده میشود . مقر زمستانی آنها در جیدروگمیشان در سیمره بود و به سر زمین شمال و مشرق رود کشغان ادعا داشتند ولی قبائل دیر کوند وجود کی بمرز شرقی آنها تجاوز کردند . در تابستان بنواحی مرتفع الیستر می رفتند .

شعب حسنوند عبارت بود از : باباصنم ، بستان ، دولت شاه ، فولاد ، گرجای ، حز عبدالعلی ، حز خدائی ، جوانمند ، کاکولوند ، خمسه ، محمد ریزه ، رحمن شاه ، سالار ، ذهابی (ویلسون ۱۹۱۲) .

جودکی - این قبیله را گاهی از نژاد بچولوند میدانند و سر زمین بین کشغان و راه عمده کاروان رو بین دزفول و خرم آباد را در اشغال دارند و جیدر و بادامک و شمشک و ریخان را مال خود میدانند ولی مرکز آنها در چول هول

است. از لحاظ آداب و رسوم شبیه دیر کوند هستند و زمستان را در جیدر بسر میبرند. کاکاوند - در نزدیکی هر سین در مرز ایالت زندگی میکنند و اسماً قسمتی از دلفان هستند و تعداد آنها در حدود ۸۰۰ خانوار است. مقر زمستانی آنها بین پل تنگ و آب فانی و در پشت کوه نزدیک منتهی الیه جنوب شرقی کبیر کوه قرار دارد و مقر تابستانی آنها در کراغه و در فلات بادی است. در این حرکت و مهاجرت از همان راه بهاروند که با آنها شباهت نزدیک دارند استفاده میکنند.

لر بزرگ - این عنوان مانند لر کوچک دیگر بکار برده نمیشود. سابقاً بنواحی لر نشین خارج مرز لرستان اطلاق میشد که شامل نواحی بختیاری و فارس بود. هرگز يك واحد اداری نبود و در ۱۸۴۱ بختیاریهای هفت لنگه تحت اداره بروجرد و بختیاریهای کوهگلو تحت اداره بهبهان و قشقایها تحت نظر استاندار فارس در شیراز بودند.

لر کوچک - این عنوان که اکنون قدیمی و متروک است به ایالت لرستان اطلاق میشد و سابقاً تقسیم میشد به گولک که شامل عمله و بالاقریه بود و صله ورزی که شامل دلفان و سلسله بود تقسیم میشد و لسی این تقسیم بندی اکنون شناخته نمیشود.

و نیز بيك قبیله کم شناخته شده که در مشرق خرم آباد بین دیر کوند و دزندی میگردند اطلاق میشد اگرچه آنها بادیه نشین بودند ولی هرگز این ناحیه را که پر آب و پر درخت است ترك نکردند. محل سکونت آنها سیاه چادر بود که علامت بادیه نشینی است.

قائد رحمت - يك قبیله کوچکی هستند که با بیرانوندها بستگی دارند و در قسمت علیای هرود ساکنند.

قلاوند - شاید در اصل قلاب وند بوده. تعداد آنها در حدود هزار خانوار است. در زمستان محل سکونت آنها از قلاب تا چند میلی دزفول ادامه داشت و در سمت شرقی بالا رود میماندند، در تابستان در درهها و کناره کوه هفت پهلو و کوه آسیاباد و تیری کوه زندگی کرده و بندرت بخرم آباد میآمدند.

در ناحیه قلاب منطقه بزرگی را زراعت میکردند و قطعات کوچکی از زمین های سرچشمه زاب را آبیاری و کشت و زرع مینمودند.

میر قلاوند - که میرهای منگره و اولاد میر علیخان نیز نامیده میشوند.

میرهای قلاوند سابقاً رؤسای قلاوند بودند که در سالهای قبل تبعید شدند. در منگره وکل اسپید نزدیک سرچشمه زال زندگی می کردند. ادموندز (۱۹۲۲-ص ۳۴۹-۳۵۶) به تفصیل درباره سفر خود به ناحیه میرهای قلاوند یا میر علیخانی نوشته است. قلیوند- زمانی يك قبیله عمده سلسله بودند. سابقاً زمستان را در دره سیمره بسر میبردند ولی بعداً یادرا لیشتر می ماندند یا فقط تا کوه دشت در جنوب بیشتر نمی ماندند.

رازانی- گاهی رازانی‌ها را از بجلوند و از اصل بالاقریه میدانند و دره قریه نزدیک رازانی در جاده عمده بین خرم آباد و بروجرد زندگی می کردند. سکوند (رحیم خانی)- قبیله سکوند نمونه قبیله لر بادیه نشین است. در فصل تابستان گاهی قسمتی از این قبیله در نواحی سنجر باقی می ماند و در کنار شور یا کرخه چادر میزد. گاهی تابستان را با صالح آباد میرفتند.

این قبیله بدو گروه موسوم به رحیم خانی و علی خانی تقسیم میشد. علی خانی‌ها در حوالی سال ۱۹۰۰ در ارتفاعات باقی ماندند. رحیم خانی‌ها ظاهراً در حدود پانصد خانوار بودند.

سکوند (علیخانی)- از این قبیله که سالیان دراز در تپه‌های نزدیک خرم-آباد و در دشت آستان مشرق کراغه زندگی می کردند چیزی دیده نمیشود. از لحاظ تعداد باندازه پایی‌ها نبودند ولی از آنان متحد تر بودند.

سلسله- این اسم مانند دلفان به مجموعه‌ای از قبائل اطلاق میشود. در این اتحادیه سه گروه معمولاً شناخته میشوند و مشخص هستند: (۱) حسنوند و دولت‌شاه و خمسه از نژاد حسنوند؛ (۲) یوسفوند و قلی‌وند؛ (۳) کرم‌علی و فلک‌الدین. قبائل دیگر آن عبارتند از گاوکش، امیر و مؤمن.

ترهان- این قبیله بشعب‌زیر تقسیم میشود: عمرائی، آزادبخش‌عیناوند، بزوند، گرمائی، گراوند کرد عیلوند، کلونی کوشکی، پادروند، رماوند، رومیانی، سیری، زیرونی.

یاراحمدی- این قبیله ده‌نشین بود و در سیالخور زندگی میکرد.

یوسفوند- این قبیله که از گروه سلسله است تابستان را در لیشتر و کوه گرو بسر میبرد. زمستان معمولاً به کشتان میروند ولی در شمال جیدرمی ماندند. زمانی قبیله بزرگی بود ولی بعدها پراکنده شدند و کاکاوندهای دلفان زمین و املاک آنها

را گرفتند .

زیناوند - درپشت کوه .

بررسی صورت قبائل لرستان جمع کل افراد آنها را ۱۲۵۰۰ نفر نشان میدهد. اگر جمعیت خرم آباد را که ۱۵۰،۰۰۰ نفر و بروجرد را که ۳۰،۰۰۰ نفر است به آن اضافه کنیم جمعیت لرستان و بروجرد در سال ۱۹۲۰ بالغ بر ۲۵۰،۰۰۰ نفر میشده است. این درست مساوی جمعیت تحت نظارت خوانین بختیاری در همان تاریخ است .

این ارقام تقریباً با ارقام سرگرد بل Major Bell که تعداد لرهای فیلی را ۲۱۰،۰۰۰ نفر و کلیه جمعیت جنوب خط اصفهان - بروجرد را ۷۰۰،۰۰۰ نفر تخمین زده بود مطابقت دارد . اگر جمعیت خوزستان و فارس را نیز در نظر بگیریم رقم يك ميليون درست بنظر میرسد . (مقایسه شود با نوشته دوراند - لوریمر [۱۹۰۷] و سایر .)

ملاحظات درباره قبائل لرستان ۱۹۲۸ - ۱۹۳۲

از آنجائیکه یاد داشتهای سرآرنولد ویلسون درباره لرستان تقریباً متعلق به بیست و پنج سال قبل است سعی کردم اطلاعات جدیدتری درباره قبائل این منطقه که از نظر باستان شناسی و مردم شناسی شایان توجه است بدست آورم. در طی سالهای ۱۹۲۸-۱۹۳۲ آقای آرثر دو بوآ Arthur W. Du Bois گزارشی درباره لرها تهیه کرد و لطفاً بمن اجازه داد که مطالب زیر را از آن نقل کنم .

اگر چه امروز کلمه لر به قبائل لر داخل مرز ایالت لرستان اطلاق میشود ، دو قبیله کوچکتر لر در فارس در جنوب غربی شیراز یعنی ممسنی و کوه گلو زندگی میکنند . همچنین قبائل بختیاری که سرزمین آنها این لرستان و اصفهان و فارس قرار دارد از نظر نژادی لر شناخته میشوند^۱

۱ - مراجعه شود به منابع فصل پنجم و یادداشت های در آخر فصل از خلاصه بعد . بعضی نویسندگان بختیاری ها را با لرها با هم مورد مطالعه قرار داده اند اگر چه من موفق نشدم مطالب مربوط به اندازه گیری قسمتهای مختلف بدن را در مورد بختیاری پیدا کنم شواهد و مدارك حاکی از آنستکه آنها متعلق بگروه سرپهنی می باشند که با لرها کاملاً فرق دارند (همچنین رجوع شود به فصل پنجم لرهای پشت کوه) ،

گفته شده است که لرها با کردها که در منطقه شمال لرستان ساکنند نسبت دارند. عملاً میتوان خط بین لرستان و کردستان را جاده اتومبیل رویین قصر شیرین و همدان دانست.

از لحاظ سیاسی کلمه لرستان محدود است بآن قسمت از لرستان که اکنون تحت حکومت فرماندار لرستان یعنی ناحیه پیش کوه قرار دارد و مرکز آن شهر خرم آباد است. ناحیه پشت کوه تحت نفوذ والی پشت کوه است و جزو ناحیه تحت اداره حاکم خرم آباد حساب نمیشود.

اصل و منشأ لرها بدرستی معلوم نیست. بعضی آنها را قسمتی از نژاد اصلی ایرانی میدانند که در نیمه اول هزاره اول قبل از میلاد از ناحیه مشرق دریای خزر باین منطقه مهاجرت کردند. ولی در آنها خون عرب نیز وجود دارد و این امر در نتیجه نفوذ قبائل عرب از ناحیه خوزستان در جنوب و عراق در مغرب صورت گرفته است.

بجز معدودی از افراد لر که شهر نشین و ده نشین شده اند لرها معمولاً افراد بادیه نشین هستند^۱ شغل آنها حشم داری است که شامل قاطر و گوسفند و گاو و اسب و بز میباشد. با اینکه کشاورز خوب نیستند در مناطق تابستانی خود زراعت میکنند. کتیرا جمع آوری و ذغال تهیه میکنند و هر دو کالا را بقیمت خوب بفروش میرسانند. جمعیت لرستان به تناوب از ۱۸۰ هزار تا ۵۰ هزار نفر تخمین زده میشود. فرماندار نظامی سابق لرستان (۱۹۲۷-۱۹۳۰) سپهبد احمد آقاخان تعداد لرهای پیش کوه را ۲۵۰،۰۰۰ نفر و پشت کوه را ۱۰۰،۰۰۰ نفر ذکر کرده است و هر دو رقم ممکن است زیادتر از حقیقت باشد.

لرهای پیش کوه تقسیم میشوند به سلسله، دلفان، بالاقریه و طهرانی. (۱) قبیله سلسله که گفته میشود از نژاد عرب هستند ناحیه شمال خرم آباد و دشت الیستر را در اشغال دارند. تقسیمات فرعی آنها عبارت است از حسنوند، یوسفوند، قلی و ند که جمعی در حدود ۳۵۰۰۰ هزار نفر میشوند. افراد بادیه نشین آنها در فصل زمستان بسمت جنوب تا رودخانه سیمره میروند.

(۲) دلفان که گفته میشود از نژاد عرب هستند ناحیه نزدیک نهاوند بسمت

۱- سیاست فعلی پادشاه ایران اینست که بادیه نشینی را بحد اقل تقلیل دهد.

کرمانشاه و قره سو و مادبان رود را در اشغال دارند. این قبیله که تعداد آنها به ۳۲۰۰۰ نفر تخمین زده شده به قبائل زیر تقسیم میشوند: کاکاوند، ایتاوند، و مومیانوند.

(۳) بالاقریه شامل هشت قبیله عمده و چند قبیله کوچک میباشد و ناحیه مشرق و جنوب خرم آباد را در اشغال دارند. معمولاً حدود منطقه آنها عبارت است از بروجرد و سزار رود و دره های آب دز در سمت مشرق و دشت خوزستان در جنوب و کبیرکوه و کشغان رود در مغرب و دره های شمال خرم آباد در سمت شمال. جمعیت آنها در حدود ۷۰۱۰۰۰ نفر است.

قبائل عمده بالاقریه عبارتند از قائد رحمت، دلوند، بیرانوند، سگوند، تولایی، پاپی، جودکی، و دیرکوند. شعب کوچک عبارتند از: گرزگری، گلنداس، رومیانی، و روح روک.

هزار نفر افراد قائد رحمت در ناحیه جنوب و مشرق بروجرد مالک دهات هستند. دلوندها که در حدود پنجهزار نفرند زاغه واقع در سی و پنج میلی مشرق خرم آباد در امتداد جاده خرم آباد - بروجرد را در اشغال دارند. بیرانوند ها که شاید قویترین و پر جمعیت ترین قبائل لرند در فصل تابستان در نزدیکی خرم آباد استقرار می یابند و در زمستان به سیمره و کبیرکوه میروند. جمعیت بیرانوند متجاوز از ۲۵ هزار نفر تخمین زده شده است. در حدود پنجهزار نفر از افراد قبائل اخیراً در حوالی قزوین و ورامین و خوار استقرار یافته اند. در زمان نادر شاه همه آنها به حوالی شیراز منتقل شدند ولی به زودی از آن ناحیه فرار کرده و به لرستان مراجعت کردند. سگوندها که در حدود ده هزار نفرند تابستان را در سی میلی مشرق خرم آباد در اطراف ابستان بسر میبرند و زمستان را در دشتهای جنوب تاحوالی دز فول و شوش میروند. این قبیله ثروتمندی بشمار می آید و برای پرورش قاطر معروف هستند. تولایی ها که در حدود هزار نفرند در دهات دشت خرم آباد زندگی میکنند. پاپی ها که تقریباً ۲۵۰۰ نفرند تابستان در کوههای مغرب سزار رود در چهل میلی مشرق خرم آباد و زمستان در دره های جنوب در امتداد شعب رود آب ریز زندگی میکنند. جودکی ها که جمعیت آنها ۳۵۰۰ نفر است در جنوب خرم آباد و دره کشغان ساکنند. ایل دیرکوند ناحیه کوهستانی جنوب رود خرم آباد مشرق کشغان تارود سیمره و آب زال در جنوب و مشرق محل سکونت پاپی ها را در اشغال دارند. جمعیت آنها بین ۸ تا ده هزار نفر است. دیرکوندها بدو قبیله عمده یعنی بهاروند و قلاوند

تخمین زده شده است این شهر بسیاری عناصر نامتجانس را در خود مستهلك کرده و بعضی گروهها دارای اسامی هستند که از ریشه خارجی است . معه‌ذا همه دريك جامعه مشترك که زبان و آداب و رسوم و لباس آنها یکسان است مخلوط شده اند و میتوان گفت که يك نوع مخصوص بخود تشکیل داده اند . سالهای متعددی هیچيك از افراد قبائل کرد ولر و عرب در این شهر زندگی نمی‌کرد و یگانه مذهب آنها شیعه بود .

شوشتر در منتهی‌الیه شمالی «میان‌آب» در زاویه‌ای که از تقسیم کارون بشعب آن وشطیط و گرگر تشکیل میشود واقع شده است . اکثریت اهالی که در حدود ۲۰ هزار نفرند از نوع بومی میباشند که معمولاً تصور میشود آشوری باشند ولی منشأ آنها مخلوط است وشوشتری خوانده میشوند . بزبان فارسی اما بالهجه مخصوصی که شبیه لهجه دزفولی ولی مشخص از آن است صحبت میکنند . مذهب آنها شیعه است . در خود شهر افراد عرب وجود ندارد ولی عده‌ای بختیاری در آنجا سکونت دارند .

بندر ناصری در ساحل چپ کارون اهواز و در فاصله يك میلی شهر واقع است . جمعیت بعد از جنگ آن در حدود ۷ هزار نفر تخمین زده میشود که متشکل است از افراد شوشتری و اصفهانی و دزفولی و بوشهری و عرب ولر .

خود اهواز که سالهای قبل قریه بزرگی بود با جمعیت در حدود هزار نفر قدیمی تر از دوشهر است ولی این ناحیه بنام اهواز نامیده شده است ولی بعلت موقعیت آن در بالای رودخانه اهمیت سابق خود را از دست داده وشهر ناصری که بزرگتر وسریعتر نمو میکند جای آنرا گرفته است . در داخل شهر در حدود ۲۵۰ خانه گلی وجود دارد . اکثریت جمعیت شهر اعراب از قبائل مخلوط هستند ولی عده‌ای ایرانی نیز در این شهر سکونت دارند . واغلب بشغل زراعت اشتغال دارند .

حویزه که زمانی شهر عمده‌ای در جنوب خوزستان بود در جهل میلی مغرب وشمال بندر ناصری در مرکز ناحیه حویزه که پایتخت آن است واقع است . ساکنین آن که سابقاً در حدود ۷۰۰ نفر تخمین زده میشد پیرو اصول مذهب شیعه

رامهرمز شهر عمده ناحیه‌ای بهمین نام در ۱۶۰ میلی شمال شرقی محمره

قرار دارد. تپه‌های بختیاری از دوسه میلی شمال شهر شروع میشود و جمعیت آن سابقاً در حدود ده هزار نفر تخمین زده شده بود که متشکل بودند از بختیاریها و بهبهانی‌ها و عربیها و ایرانی‌ها که اهل الهرمز نامیده میشدند.

محمره پایتخت و مهمترین بندر دریائی جنوب خوزستان در سمت راست و ساحل شمالی کانال حفار که ادامه رود کارون است قرار دارد. ساکنین آن اغلب از اعراب محلی هستند که به شعب هلاله و بیت چنان و موطر محسین تعلق دارند. ولی عده زیادی از اعراب پناهنده گان بحرین و اهالی دزفول و شوشتر و عده‌ای از تجار سایر نقاط ایران و چند صد فامیل مسیحی و یهودی نیز در شهر زندگی میکنند. هندیان در جنوب شرقی خوزستان هر دو طرف ساحل رود هندیان را در شانزده میلی شمال غربی دهنه رودخانه اشغال کرده است. ساکنین این شهر بطور کلی عبارتند از افراد قبیله قنواتی شعبه‌ای از بنی تمیم که از ناحیه کارون و چاب باین محل مهاجرت کرده‌اند و شغل آنها قایقرانی و زراعت و تجارت است. تعداد زیادی گاو و گوسفند و معدودی اسب دارند.

فلاحیه که شهر عمده ناحیه‌ای بهمین نام است پایتخت قبیله چاب بود و ساکنین آن اغلب از شعبه حنافره قبیله چاب و تعداد آنها به دو هزار نفر میرسد. قریه بندر معشور که معمولاً بندر خوانده میشود در ۹۵ میلی شمال شرقی محمره و یک میل شمال منها الیه داخلی شاخه خور معشور خور موسی واقع است. طبق روایات محلی قریه اصلی معشور در مکانی موسوم به تل کافران واقع بود که بنظر میرسد در ساحل جنوب شرقی خور معشور تقریباً در سه میای سر آن باشد. در میان ۱۵۰۰ نفر ساکنین احتمالی آن سابقاً عده زیادی بندری یا بندریه بودند که اصل و منشأ آنها برای خودشان نیز نامعلوم است. اگر چه احتمال میرود که شعبه بندریه به ایل چاب مربوط باشند بقیه اهالی قنواتی و از بهبهان میباشند. همه اهالی دوزبانه هستند. و به عربی و فارسی تکلم میکنند.

ساکنین خوزستان از نوع مختلط هستند، بخصوص در قسمت شمالی استان که تعداد لرها زیاد است، در حالیکه شهرهای دزفول و شوشتر جمعیتی دارند که اصل آنها نامعلوم است و ممکن است از نژاد آشوریهای قدیم باشند که با ایرانیها مخلوط شده‌اند. در قسمت جنوبی استان بجز شهر محمره و دهات بزرگ کنار هندیان که عده زیادی ایرانی دارد و اطراف جراحی که لرها سکونت دارند اکثریت مردم

عرب هستند که خون ایرانی نیز دارند .

ارقام و آمار سرشماری وجود ندارد ولی جمعیت شمال خوزستان طبق نظر منابع مختلف در حدود ۲۰۰۸۰۰ و جمعیت جنوب خوزستان ۲۰۶۴۰۰ نفر تخمین زده شده است .

مانند عراق مردم این ناحیه را میتوان بچهار طبقه تقسیم کرد : اول بادیه نشین که صاحب گاو و گوسفند هستند و در چادر زندگی میکنند و برای بدست آوردن بهترین مرتع قوم مهاجر و اغلب از نژاد لر میباشند . دوم نیمه بادیه نشین که هم زراعت میکنند و هم حشم نگاه میدارند و بهترین نمونه آنها قبائل بنی تمیم و بنی لام است . سوم کشاورزان که در سواحل رودخانه یا نواحی آبیاری شده سکونت دائمی دارند و بزراعت مشغولند و اغلب در چاب فلاحیه و محایسن زندگی مینمایند . چهارم شهر نشینان یعنی کسانیکه به کارهای بازرگانی و صنعتی یا کار دولتی اشتغال دارند . در سال ۶۴۰ میلادی هر زمان ساتراپ خوزستان در رامهرمز شکست خورد و شهر اهواز تسلیم اعراب شد . ظاهراً این اولین تاریخ استقرار اعراب خالص در ناحیه خوزستان است . بجز چند مورد استثنائی قبائلی که اکنون در خوزستان زندگی میکنند از عربستان مرکزی آمده اند و یا مستقیماً بخوزستان مهاجرت کردند و یا اول بعراق رفتند و بعداً در جستجوی زمین و کار باین ناحیه آمدند . بجز در نواحی جنوب شرق هندیان و زیدان بین ایرانیان و اعراب ازدواج متقابل صورت نمیگیرد . تعداد ایرانیان در خوزستان خیلی کم است و ازدواج متقابل و شغل دولتی و تجارت عده کمی را به این استان کشیده است .

در فصل زمستان لرها در نواحی شوشتر و دزفول چادر میزنند در حالیکه در اطراف جراحی همیشه عده ای از افراد قبائل دیده میشوند . اصل و منشأ آنها تاحدی مشکوک است ولی بنظر میرسد از نژاد کردها که همسایه شمالی آنها هستند باشند و اگر آنها را با کردها اشتباه کنید عصبانی میشوند^۱ اغلب نویسندگان معتقدند که اینها از نژاد بومی یعنی آریائی قدیم یا ایرانی قدیم هستند که قبل از ترك و عرب و تاتار باین سرزمین آمده اند . با عربها ازدواج نمیکنند و معمولاً با آنها رابطه خوبی ندارند .

۱ - در گزارش آینده اینجاب یعنی مردم شناسی عراق مقایسه آماری بین لرهای بشت کوه و کردهای شمال و شمال شرقی عراق داده خواهد شد .

اکثریت اهالی خوزستان شیعه هستند و عده‌ای سنی در ناحیه هندیان زندگی میکنند. معدودی مسیحی و یهودی در بندر ناصری و محمره یافت میشود. طبق روایات محلی طی ۱۵۰۰ سال گذشته سبائیان^۱ این ناحیه را اشغال کرده بودند. در ازمنه نسبتاً اخیر آتش پرستان و آفتاب پرستان آنها را رانده و مجبور شدند در چهار ریز که بین بندر بازرگان در ساحل چپ تیب و پشت کوه قرار دارد استقرار یابند. در اینجا نیز ایرانیان مزاحم آنها شدند و ناچار شدند بعضی به حویزه و بعضی به نواحی باطلاحی فرات در ناحیه سوق الشیوخ عراق فرار کنند. ایرانیان سعی کردند همه آثار مذهب سبائیان را از بین ببرند و بهمین جهت کتب مقدس آنان را در چهار ریز آتش زدند. در حدود پانصد سال بعد معلوم شد یکی از این کتابها از بین نرفته بوده و همه کتب فعلی سبائیان از این يك سند باقیمانده اخذ شده است.

زبان قسمت شمال این استان از لهجه‌های مختلف عربی و لری تشکیل میشود و علاوه بر آن لهجه مخصوص دزفولی و شوشتری وجود دارد. در قسمت جنوب، عربی که کلمات فارسی در آن زیاد بکار برده میشود بکار میرود. خارج از سرزمین قبائل لر و شهر دزفول و شوشتر عربی و فارسی در تمام استان مفهوم است. ویلسون می‌نویسد که قبائل مختلف از عربستان و عراق و لرستان در جستجوی زمین برای زراعت و مرتع برای گله به خوزستان مهاجرت کردند.

قبائل خوزستان

نقل از سر آرنولد ویلسون

عمله - در اصل یکی از قبائل لر پشت کوه بودند که در حدود صدسال قبل از دست والی فرار کرده و در شوش سکونت اختیار کردند و بکشت و زرع گندم و جو و برنج مشغولند. تعداد آنها ۸۰۰ خانوار است.

عناقچه - عناقچه که گاهی بیت زندگی خوانده میشوند یکی از قبائل عرب

۱- سبائیان یکی از اقوام باستانی هستند که قبل از هیماریت‌ها Himyarites در عربستان جنوبی که پایتخت آن سبا بود سلطنتی داشتند و در حدود اواسط هزاره اول قبل از میلاد باوج قدرت خود رسیدند. برای شرح مفصل راجع به تشکیلات اجتماعی و آداب و رسوم و روایات آنها مراجعه شود به نوشته خانم درور - Mrs. Drower تحت عنوان «مندیهای عراق و ایران».

خانوار	خانواره	خانوار	ال بوقبیش	خانوار	دریس یا عا کره
۶۰	اکریس	۱۰	ابولعد	۸۰	آل بو عیادی
۱۰۰	عامره	۴۰	العامره	۳۰	بیت افضیل
۷۰	آل بو عشیره	۰۰۰	بیت عقار	۱۰۰	آل بو علی
۵۰	درادشه	۶۰	آل بو بدر	۵۰	عتقیه
۱۵۰	دواریشه	۳۰	بندریه	۵۰	بیت عزیز
۵۰	بیت دوپ	۵۰	دیالم یا خوبص	۱۰۰	آل بو بنیدر
۸۰	آل بو غنام	۱۵۰	بیت فرهود	۱۰۰	آل بو دهاله
۵۰	آل بو حمدی	۷۰	حیاش	۱۰۰	آل بو دالی
۵۰۰	حزبه	۱۰۰	هلایل	۱۰۰	بیت قضبان
۵۰	آل بو کریم	۵۰	بیت ائامنه	۳۰	آل بو حمدی
۱۰۰	کوامیل	۱۰۰	آل بو جبار	۸۰	آل بو حمود
۱۰۰	آل بو خزایر	۳۰	جویرین	۱۰۰	آل بو حردان
۱۵۰	آل بو حنفر	۱۵۰	بیت خواطر	۵۰	آل بو مسعود
۱۰۰	مکاسبه	۵۰	آل بو معیری	۵۰	آل بو مسید
۵۰۰	مقدم	۳۰	بیت محیدی	۵۰	متارده
۵۰	ریبچه	۶۰	مقاطف	۵۰	آل بو نعیم
۵۰	شواردیه	۸۰	آل بو نسا	۳۰	بیت درما یا المطرود
۲۰۰	سوالیم	۴۰	القوام	۱۰۰	بنی رشید
۵۰	ثور	۵۰	بنی رشید	۵۰	صلایه
۳۰	آل بو زمبر	۲۰	بیت رجب	۳۰	آل بو شرهان
		۱۰	بنی صالح	۵۰	آل بو شلاقه
		۶۰	آل بو شمال	۵۰	آل بو سوییه
		۳۰	شیاخنه	۳۰	شیاخنه
		۱۵۰	بیت شریفه	۵۰	آل بو صوف
		۴۰	بیت صویر	۱۰۰	ثوامیر
		۴۰	آل بو طاهه	۳۰	آل بو عبید
		۳۰	آل بو طریچی		
		۱۰۰	امیدر فاجی		
		۱۰	ام طایر الناصری		
		۸۰	بیت زباد		

بعلاوه شعبه‌ای مرکب از ۶۰۰ خانوار نصار که از جوده و مغالیه تشکیل میشود در جزیره آبادان سکونت داشتند و کم و بیش از چب الکیان جدا بوده و محیسن آنها را از خود میدانستند و نیز ۴۰۰ خانوار سده و چهل خانوار بیت - خلف وجود داشتند.

بیت قضبان و آل بوحمود با بیت افضایل ارتباط دارند. فقط نیمی از شیاخته با آل بوقبیشرزندگی میکنند. بندریه‌ها سابقاً با عامره بودند. جوارین با بیت ائامنه و نیمی از آل بوشمال با دریس منسوب بودند. حزبه و مقدم گاهی قبائل جداگانه بشمار می‌آمدند.

دغاغله - دغاغله سابقاً يك قبیله بادیه نشین عرب بودند که کنار کرخه در چادرزندگی میکردند و از شعب حویزه بشمار می‌آمدند. به‌دأ شعبه‌ای از عنافجه محسوب میشدند تا اینکه شیخ محمره فرمان داد که افراد این قبیله در مباتیحه استقرار یابند و ارتباط خود را با عنافجه قطع نمایند. این افراد که تعداد آنها ۱۵۰ خانوار بود بکشاورزی اشتغال داشتند.

حمایده این قبیله نیمی بادیه نشین و نیمی ده نشین و با قبیله باویه منسوب و متحداند. زندگی آنها از کشت گندم و جو تأمین میشود و افراد قبیله گاووگوسفند و شتر نیز نگاه میدارند. سابقاً در میان عنافجه نزدیک در کنار رود کارون و پانزده میل بسمت مشرق مستقر بودند. در حدود ۷۵۰ خانوار حمایده که بیت - عوامیر خوانده میشدند به شعب زیر تقسیم میشوند: آل بوعلوان (۶۰)؛ عطب (۲۵۰)؛ آل بودوارج (۶۰)؛ آل بوخالد (۶۰)؛ خرامیزه (۵۰)؛ آل بومحیسن (۱۰۰)؛ مراتسه (۷۰)؛ سعید (۶۰)؛ شوپ (۶۰).

علاوه بر اینها ۱۵۰ خانوار از بیت مواجد در ناحیه جراحی سکونت دارند که حمائد را ترك کرده و در این نقطه بکشاورزی اشتغال دارند. در جنوب آب - دز نزدیک ابوجزیره در حدود شش خانوار حمایده الطرفه زندگی میکنند.

بنی هردن - این قبیله کوچک که از ۵۰۰ خانوار متشکل است در کوت - نهر هاشم کنار کرخه و در لیامی کنار کارون و همچنین در نواحی داخلی از ساحل چپ گرگر در شرایف و شاخه استقرار دارند. اگرچه تاحدی بادیه نشین هستند گندم و جو نیز میکارند. قبیله بنی هردن از شعب زیر که تعداد خانوار آنها در پراکنش داده شده متشکل است: بیت عبوده (۱۰۰)؛ آل بو حاجی (۱۰۰)؛ بنی نعمه یا

شطیط (۵۰)؛ بیت شیاه (۰۰)؛ شجریت (۸۰)؛ بنی تمیم (۱۰۰).

هندیان، زیدان، بندر معشور و نواحی جراحی-باستثنای نیمی از ناحیه جراحی که قسمتی از قبیله چب در آن زندگی میکنند این چهار ناحیه محل سکونت قسمتی از قبائل لر و ایرانی و عرب است که بعلم مختلف از سرزمین خود مهاجرت و در نواحی جنوب شرقی خوزستان مستقر شدند. از آنجائیکه مدت‌ها قبل از قبائل واتحادیه قبائل خود جدا شده و ملحق به قبائل شیخ محمره شده‌اند بعنوان قبائل این نواحی بحساب آمده‌اند. جمعیت این چهار ناحیه که تعداد آن در حدود ۴۲۰۰ خانوار است قسمتی ده نشین و کشاورز و قسمتی بادیه نشین میباشند. قسمت عمده افراد این قبایل در ناحیه هندبان سکونت دارند. در طی صدسال اخیر ۱۵۰ خانوار از قبیله عباد از ناحیه کوهگلو به قراپه مهاجرت کرده‌اند. هشتاد خانوار از قبیله اوشار که گفته میشود پس از مرگ کریم خان شیراز را ترک گفتند در چم تنگو فیلی و سرخاره مستقر شده‌اند. سابقاً بابی بودند ولی اکنون بدین اسلام برگشته‌اند. چراسی‌ها که ۵۰ خانوار آنها در جابر آباد زندگی می‌کنند گفته می‌شود ایرانی هستند و در اصل از ناحیه بین بوشهر و بهبهان آمده‌اند. در حدود دوپست خانوار از قبیله گشتیل که از شمال بهبهان میباشند در غازعلی، چم- تنگو و غزال شایون و چم رحمون زندگی میکنند. گرگی‌ها که گفته میشود ایرانی هستند و سابقاً ۲۰۰ خانوار بودند در طی صدسال گذشته در شاه آباد هندیان و چم کنار استقرار یافته‌اند. حیدریها که ۳۰۰ خانوارند و اگرچه میگویند شیعه هستند ولی سنی میباشند. در ۱۸۴۵ از ناحیه روزیله بناحیه جیری مهاجرت کردند. قبیله هیئت که از ۷۰ خانوار متشکل است ایرانی هستند که همیشه در هندیان بخصوص در چم- کالک و پوز سفید سکونت داشتند. در حدود ۵۰ خانوار جعفری در تمام ناحیه پراکنده هستند که به رعیتی و بعضی بشغل حمالی در آبادان اشتغال دارند. جعفری‌ها سابقاً قبیله بزرگی بودند که در ۱۸۴۵ بعلت خرابی محصول از کوهگلو جدا شده و استقلال خود را از دست دادند. قبیله مطور که ۱۵۰ خانوارند و در ده ملا زندگی میکنند از چب الگبان میباشند و گفته میشود که همیشه در هندیان بودند. قبیله نظارت که معروف است باینکه در اوائل قرن عفدهم از آسیای مرکزی به بندر ریگ مهاجرت کرده و در شط بنی تمیم زندگی میکردند در حدود صدسال قبل به هندیان آمدند و در حدود ده سال قبل ۱۵۰ خانوار آنها در کوت محنا و بوزیه یافت میشدند. بموجب روایات

موطن اصلی قبیله قنواتی که قبیله عمده این ناحیه میباشند کوفه بوده است. در قرن نوزدهم قسمتی از این قبیله از بهبهان به جنوب خوزستان مهاجرت کرد و ۲۵۰ خانوار در هندیان و ۱۵۰ خانوار در بندر مشور و ۱۰۰ خانوار در ناحیه جراحی ساکن شدند. شعبانی‌ها که در حدود ۳۰۰ خانوارند ایرانی و آن قسمت از هندیان نزدیک بدریا را اشغال کرده‌اند. قبیله شریفه که قبلاً قبیله بزرگی بود و تحت حمایت چپ‌الگیان قرار داشت گفته میشود از بنی تمیم هستند و از ۵ قبیله فرعی تشکیل می‌شوند یکی از آنها رجیبه است که ۲۵۰ خانوار آنها در صویره و شیریه در هندیان زندگی میکنند.

قبایل ناحیه جراحی شامل چهار قبیله فرعی شریفه است که عبارتند از: بنی چولان در خلف آباد (۲۰۰ خانوار) و جباره در بونور (۱۰۰ خانوار) و مقاطف و موالی در داهه هر کدام ۱۰۰ خانوار.

ناحیه زیدان شرقی‌ترین سمت چهار ناحیه مورد بحث جنوب خوزستان میباشد. در اینجا در چشمه مراد و شهر زیدان ۳۰۰ خانوار ایرانی آغا جاری که از بهبهان مهاجرت کرده‌اند زندگی میکنند. یکصد خانوار چروم در چم چراطه نیز از بهبهان آمده و در اصل از کوه گلوها بودند. لکی‌ها که ۲۰۰ خانوار و در شیریه هستند ایرانی هستند و گفته میشود در حدود سال ۱۸۰۰ از خرم‌آباد مهاجرت کرده‌اند. زمانی بنام لکی نادر شاه معروف بودند و نیز ۱۵۰ خانوار شیخ مامود در دارونک از کوه گلو هستند. شیرعلی‌ها گفته میشود بختیاری هستند که در حدود ۱۸۹۹ از بهبهان آمده‌اند و در حدود ۳۰۰ خانوار در کشیری و بوضیط و شیر آباد و گرگاری زندگی میکنند.

در ناحیه بندر مشور چنانکه گفته شد قسمتی از قنواتی‌ها و ۱۵۰ خانوار بندریها که ممکن است سابقاً شعبه‌ای از چپ‌الگیان بودند زندگی میکنند.

الکثیر - الکثیر یکی از قبائل عمده عرب و تعداد آنها ۶۰۰ خانوار است که در ناحیه بین شطیط شعبه کارون ورود کرخه زندگی میکنند. از آنجائیکه بغیر از این دورودخانه رود گر و دز و شور در سرزمین الکثیر جاری است اراضی آنها همیشه تحت کشت و زرع بوده و گاو و گوسفند و گاو میش فراوان دارند.

این قبیله در اصل به دو گروه بیت سعد و بیت کریم تقسیم میشد که اغلب هر کدام را قبیله جداگانه محسوب میداشتند. این قبائل بعدها بنام شعب و شعب فرعی خود

خوانده شدند. تعداد خانوار هر يك از آنها در پراختز داده میشود. آن شعبی که سابقاً قسمتی از بیت سعد بودند عبارتند از: آواره (۱۰۰)؛ چب السطاطله (۵۰۰) که در اصل از بنی لام بوده و به بیت فرج الله و بیت کرم الله تقسیم میشدند؛ الحیه (۱۰۰) که آنها هم از بنی لام بودند و بعدها از بیت عمیر پیروی کردند. میزرائه در شعبیه (۲۰۰)؛ و در طریفی (۳۰۰)؛ المساحنه (۱۰۰)؛ نائیس (۱۰۰)؛ بیت عمیر (۶۰۰) از نژاد بنی لام. شعبه بیت کریم متشکل است از: شعاب دویی (۸۰۰) از نژاد بنی لام؛ دیلم (۶۰۰)، الحمزه (۲۰۰)؛ زغیب (۳۰۰). بملاوه ۴۰۰ خانوار از قبیلۀ دباط که از چب السطاطله پیروی میکنند و ۳۰۰ خانوار آل بو حمدان که از نژاد بنی لام و زمانی قسمتی از شعاب دویی بودند وجود دارند.

الخمیس - الخمیس یعنی اولاد پنج نفر از قبائل عرب است که اهمیت زیادی ندارند و در ناحیۀ راموز و فلاحیه زندگی میکنند. در حدود سال ۱۸۴۰ افراد این قبیلۀ بین حویزه و کارون مهاجرت کردند ولی بعداً بمحل اولیۀ خود مراجعت نمودند. این قبیلۀ که هم یاده نشین و هم کشاورز میباشند بشعب زیر تقسیم میشوند: آل ابو عباد (۲۰)، احمدیه (۵۰)، جنام (۲۰۰)، منصور (۱۰۰)، محسن (۵۰)، بنی رشید (۲۰)، رضایج السفیح (۵۰)، رضایج السلطان (۵۰)، سورقی (۲۰)، زبیدی (۴۰)، ظهاریه (۵۰).

بنی لام - بنی لام که قبیلۀ بزرگ و قوی هستند در امارۀ لواء عراق بیشتر معروفند. این قبیلۀ ادعا میکند که با بنی طرف ارتباط و خویشاوندی نزدیک دارد و هر دو قبیلۀ نسب خود را از حاتم طائی حجاز که برای مهمانوازی خود شهرۀ آفاق بود میدانند و شجرۀ خود را بدین طریق تصور میکنند.

حاتم

نوار

طرف

لام

علاوه بر شعبی که در صفحۀ بعد ذکر شده تعداد زیادی از قبایل بعدی خوزستان از نژاد بنی لام میباشند از جمله چب الدویی، چب السطاطله و شعب دیگر الكثير و

مراونه والروین و قبایل کوچک دیگر که در ظاهر ارتباطی با بنی لام ندارند. ازین شعبی که در فهرست قبایل بنی لام ذکر شده اکثر بتدریج از آن جدا شده و قبائل مستقل محسوب میشوند. فقط قبیلۀ چنانه و خصرج رابطه نزدیک با بنی لام را حفظ کرده اند. ۵۷۰ خانوار بنی لام ده نشین و نیمه بادیه نشین هستند و اکثر در امتداد رود کرخه زندگی میکنند و بشعب زیر تقسیم میشوند: (۱) بین کرخه و کارون ۱۵۰ خانوار آل بجی استقرار یافته و بکشاورزی مشغولند. (۲) چنانه که از ۱۷۵ چادر افراد بادیه نشین در دویرج، کرخه و هویزه متشکل میباشند و در تابستان معمولاً بناحیۀ اماره میروند. چنانه دارای دو شعبۀ فرعی است که عبارتند از: الدورسد (۷۸۰ خانوار) از نژاد بنی ربیعۀ که در ازمئۀ قدیم بعنوان یکی از قبائل ساکن رود دجله به بنی لام ملحق شدند و السنوات (۹۷۰ خانوار). (۳) الدوحیمی که یک گروه غیر مهم متشکل از ۴۰۰ خانوارند که در اصل از زبید آمده و در امتداد کرخه استقرار یافتند. (۴) عبدالخان (۱۳۰۰ خانوار) در سرزمین بین رودشورو کرخه در خیر آباد زراعت میکنند. از آنجائیکه این قبیلۀ مدتهای مدید در ایران بوده قبیلۀ مستقل جدا گانه محسوب میشود. (۵) خصرج که تقریباً ۱۲۵۰ خانوارند و در امتداد کرخه سکنی دارند و گاهی در تابستان به اماره میروند. اینها یکی از شعب نیمه بادیه نشین قبیلۀ بنی خصرج هستند که از بنی ربیعۀ به بنی لام آمدند. بیش از هشتاد سال قبل بنی لام عراق را ترک کردند و از آن تاریخ بعد معمولاً با چنانه حرکت میکنند اگرچه بناحیۀ اماره نمیروند. (۶) سرخه نیمه بادیه نشین هستند و نیمی از آنان در عراق زندگی میکنند و نیمۀ دیگر (۸۵۰ خانوار) با چنانه در امتداد کرخه سکنی دارند. این قسمت بشعب فرعی زیر تقسیم میشود: گمان (۲۰۰)؛ آل-حمید (۱۰۰) که اخیراً عراق را ترک کرده اند؛ رواشید (۳۰۰) که اغلب در عراق هستند؛ شهاب (۱۰۰) و شویب شاه (۱۵۰).

چندین شعبۀ عمدۀ بنی لام بشعبات و گروههای فرعی تقسیم میشوند. صورت زیر شعب مختلف چنانه و عبدالخان و خصرج را نشان میدهد.

عبدالخان

خانوار	بیت	خانوار	بیت
	عیقان	۱۰۰	نصایری
	بنادل	۳۰۰	الشواوی
	چاف	۳۰۰	بنی عقبه
	درویش		
	جادر		
	مائه		

نصرج

خانوار	بیت	خانوار	آل بولطف
۱۰۰	آل عبدالله	۱۳۰	ادهب
۰۰۰	علائونه	۷۰	عمار
۱۰۰	آل بو عید	۳۰۰	سقور
۲۰۰	چنادیه	۵۰	عشوق
		۱۰۰	آل بوویس

چنانه

خانوار	بیت	خانوار	آل دوریت
۳۰	درویش	۱۰۰	بیت
۲۵۰	حجاج	۸۰	عمر نان
۲۰۰	لقویمت	۱۵۰	عطایوی
۳۰	بیت نصاریا اسد	۱۰۰	بریسام
۳۰	بیت سه	۲۰۰	شلهان
۵۰	بیت شیبب السلیم	۱۵۰	طلا بیت
۱۰۰	بیت شایه		ذرایت
۱۵۰	شمار		
۸۰	سناید		
۵۰	ذویل یادومد		

مراونه - مراونه در کنار رود کارون در شمال غربی و یس بزراعت گندم و نگاهداری حشم اشتغال دارند و ادعا میکردند که از اولاد بنی لام در ناحیه عماره میباشند .

محسین - محسین که از قبائل اسکان یافته جنوب خوزستانند در ساحل شط العرب قسمتی در خاک ایران و بعضی در خاک عراق سکونت دارند و از نخلستان و محصول خرما زندگی میکنند .

گفته میشود که این قبیله از اولاد محسین و پسرش قصب میباشند. روایت بر این است که این افراد یکی از قبایل ناحیه محمره تعلق داشتند که در اثر تجاوز چب مجبور به مهاجرت شدند . تحت رهبری محسین و قصب این افراد در امتداد رود دجله سکونت و نام الحسین پاشا اختیار کردند . قصب و محسین با بعضی از پیروان خود در ناحیه محمره جدید از قبیله چب زمین خریداری کردند و بالاخره به محل صلی قبیله مراجعت نمودند و ریاست قبیله که تأسیس کردند در فامیل قصب باقی ماند . در نتیجه ۹۰۰ خانوار در ساحل راست رود کارون از قاجاریه تا محمره در دو سمت شط العرب بین بصره و فائو در جزیره آبادان مستقر گردیدند .

این قبیله بشعب متعدد تقسیم گردید که نام آنها از این قرار است . تعداد خانوار هر شبیه در پرانتز ذکر گردیده است : عیدان (۴۰۰) که یک سوم آنها در عراق زندگی میکنند ؛ اهل العرایض (۴۰۰) ؛ آل عنب (۴۰۰) ؛ بقلانیه (۳۰۰) ؛ بیت چنان (۳۰۰) ؛ بخاخ (۲۰۰) ؛ دریس (۳۰۰) ؛ آل بو فرحان (۴۰۰) ؛ بیت غنیم (۴۰۰) ؛ که شامل شاخه های فرعی آل بو خطیر و آل بو غنام و آل بو عیسی و میر ازیه و دو الیم و آل بو سویدی میباشند ؛ هلال (۳۰۰) که طبق روایات محلی از مسقط آمدند و در آنجا بنام میر ایزد بق نام داشتند ؛ آل بو معاریف (۲۰۰) ؛ میخصیبه (۱۰۰) ؛ مطور (۴۰۰) ؛ آل قوطا قنه (۲۰۰) ؛ نصار (۶۰۰) که در اصل چب الگبان بوده و از شاخه های فرعی جوده و مقالیه تشکیل یافتند ، نوامیر (۲۰۰) ؛ زویدت (۲۰۰) .
الرویان - این قبیله کوچکی است مرکب از ۱۰۰ خانوار در قریه که خود را از نسل بنی لام میدانستند . اگر چه افراد این قبیله معمولاً ده نشین بودند در موقع کمی محصول بسر زمین حاصلخیز تر نقل مکان می کردند .

سدونند - شعبه لر های سگوند خوزستان که به رحیم خانی معروفند از ۴۰۰ خانوار شیعه ترکیب یافته و در فصل زمستان در دآعبیجی در جنوب دز فول سکونت داشتند

و تابستان در کوهستان خرم آباد بسر میبردند. علاوه بر این شعبه سگوندها شامل ۱۵۰۰ خانوار عزیزالله در پشت کوه و ۲۰۰۰ خانوار علی خانی در لرستان میباشند. هیچک از دو قبیله اخیر بخوزستان نیامد.

سلامت - ۲۰۰ خانوار قبیله سلامت در مرکز خوزستان مشرق آب گرگر بین حدام و آب گونجی استقرار داشتند و به کشت محصول و پرورش شتر و الاغ و اسب و گوسفند و گاو و گاو میش اشتغال داشتند. این قبیله به شعبه تقسیم میشدند که عبارتند از حمیدالسلیم، مسخ و آل بویس.

بنی صالح - در ناحیه شمال شویب و بین این شهر و حویزه در مغرب خوزستان ۲۱۰۰ کلبه قبیله ده نشین بنی صالح وجود داشت و از تعداد زیادی شعب اصلی و فرعی ترکیب می یافت که نام آنها با تعداد خانوار ذیلا داده میشود: آل بواذر (۴۰۰)؛ پیراهنه (۱۰۰)؛ آل بوغنیمه (۱۵۰)؛ مناصیر (۱۵۰) و آل بوسوت که همه به کشت گندم و جو اشتغال داشتند و حلف (۸۰۰) که قسمت عمده آنها در ناحیه باطلاقی زندگی میکردند و بشعب زیر تقسیم میشدند: آل بو عبید، برایچا، آل بوقر به، حیادیر، بنی سکاین، سودان و حمودی (۴۰۰) که ده نشین نبودند و به شعب هویشم و زهاریه تقسیم میشدند.

شرافه - شرافه قبیله ای بود مرکب از ۹۰۰ خانوار که در ناحیه حویزه نزدیک شویب سکونت داشتند و گندم و جو و کمی برنج میکاشتند و گوسفند و گاو و الاغ و شتر نگاه میداشتند. دو شعبه عمده آنها عبارت بود از بیت رزیج و بیت شهاب که هر کدام ۴۵۰ خانوار بودند. بیت رزیج تقسیم میشد به بیت حبیشیه و بیت زهاریه. بیت شهاب تقسیم میشد به بتولیه، بنی نعمه، بیت شموس، بیت شموخلیه.

بنی تمیم (بنی ملک) - بطور کلی قبیله بنی تمیم (۲۲۵۰ خانوار) بادیه نشین و بین حویزه و اهواز در حرکت بودند و ناحیه آنها در سمت جنوب کنار رود کارون تا قاجاریه امتداد می یافت. عده ای در سواحل کارون سکنی گزیدند و گندم و جو میکاشتند به علاوه مالک گوسفند و گاو و اسب و شتر و الاغ نیز بودند. شعب مختلف قبیله با تعداد خانوار آنها از این قرار است: ابودا (۱۰۰)؛ عیدان (۱۵۰)؛ عیشام (۲۰۰)؛ عوانیت (۱۰۰)؛ بسراجیه (۵۰)؛ غزیوی (۱۵۰)؛ غزالی (۱۰۰)؛ حمودی (۲۰۰)؛ هواشیم (۲۰۰)؛ بیت حسین فیض (۵۰)؛ مقاسیس (۱۰۰)؛ آل ثیتی (۱۵۰)؛ آل صغر، بنی سکاین (۲۵۰)؛ شاهمن (۱۰۰)؛ شریفه (۲۰۰)؛

وسلیمان (۱۰۰) .

بنی طرف - افراد قبائل بنی طرف در ناحیه حویزه در پیچ جنوبی رود کرخه نزدیک بیسایتین در مرز غربی و خفاجیه مالک ۸۰۰۰ خانه یا کلبه بودند و از دو شعبه عمده تشکیل می یافتند یکی بیت سعید (۶۲۵ خانوار) و دیگری بیت سیاح (۳۳۷۵ خانوار) و گاومیش و گاو و تعدادی گوسفند نگاه میداشتند . برنج و قدری گندم و جو بعمل می آوردند .

شعب مختلف دو شاخه عمده از قرار زیر است :

بیت سعید		بیت سیاح	
شعبه	خانوار	شعبه	خانوار
بیت عباس	۶۰۰	بیت العباس	۵۰
بیت شیخ احمد	۲۵	آل بو عبد نبی	۵۰
بین علویه	۲۵	بیت ابوالسعید	۲۰۰
عطشناه	۲۰	آل بو عفری	۱۰۰
عبید	۳۰۰	بیت اخواین	۲۵
آل بو عبید	۲۰۰	بیت عثمان یب	۵۰
سوق البسیتین	۲۰۰	بیت سید بدر	۱۰۰
بیت دغیر	۲۵	باویه	۱۰۰
آل غره	۱۰۰	علی بلول	۵۰
آل غوا پیش	۲۰۰	آل بو چلده	۱۰۰
حلف	۵۰	فرا یصت	۳۰۰
بیت حمدی	۱۰۰	آل بو فندی	۲۵
بیت حرب	۲۵	بیت حمدی	۱۵۰
آل بو حردان	۱۵۰	آل هواس	۲۵۰
آل بو حریر	۱۵۰	حیادیر	۱۵۰
بیت جده	۱۰۰	اهل العراق	۱۰۰
سوق الخفاجیه	۱۵۰	آل بو جلال	۳۰۰
منا بیح	۱۵۰	بیت منا یشید	۱۰
بیت عزراء	۲۵	آل بو منینم	۱۰

۳۳- مردم شناسی ایران

۱۰۰	بیت محاوی	۲۵	بیت سید مهدی
۱۰۰	آل بوناچی	۳۰۰	مرمه
۵۰	اهل النقره	۲۰	نوحیره
۵۰	بیت حاجی سلیم	۱۰۰	قروشات
۲۵	بیت صندل	۱۵۰	آل سعدون
۵۰	بیت شاهینه	۵۰	بیت صفی
۱۵۰	اهل الشاخه	۱۵۰	بیت سه سخر
۱۰۰	بیت سلطان	۵۰	بیت شخانی
۱۰۰	سوید السلطان	۲۵	بیت شیب
۲۵۰	سوید	۱۰۰	بیت سدا
۱۰۰	بیت سید علی طلقانی	۵۰	سوالی
			سواری
		۳۰۰	بیت نصار
		۵۰۰	بیت عواجه
		۵۰	طوایر
		۱۰۰	بیت وشاش
		۵۰	زهدیت

ضرغان - این قبیله (۴۰۰ خانوار) که نیمه بادیه نشین و روستائی بودند از دوشبه تشکیل یافتند . یکی قبایل آل بوفضل و بیت محارب و بیت ثبتی و زهاریه که از ۳۰۰ خانوار تشکیل یافته و در ساحل چپ رود کارون در سه میلی شمال اهواز سکونت داشتند و دیگری ۱۰۰ خانوار معمه و بیت سمک در ناحیه جراحی در جنوب شرقی چم الصبی زندگی میکردند .

بختیاری گرمسیر^۱

بختیاریها که یکی از مهم ترین قبائل بادیه نشین ایرانند در نواحی کوهستانی

۱ - همچنین مراجعه شود به نوشته بیشاپ Bishop و دوید Bode و کرزن (a ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۲۸۳ - ۳۰۳) و هریسون و فالکون (۱۹۳۲) بخصوص نقشه مقابل صفحه ۲۷۲) ولایارد (۱۸۸۷) و ویلسون (۱۹۲۶) . مقایسه شود با ضمیمه E .

مغرب اصفهان زندگی میکنند . قل از تقسیم بندی استانهای ایران در ۱۹۳۸ ناحیه بختیاری در قسمت غربی ایالت اصفهان و قسمتی در شمال شرقی خوزستان قرار داشت . بموجب يك روایت قبیله بختیاری در اصل از سوریه آمده اند . باید بخاطر داشت که قبائل دروز سوریه و بختیارها هر دو از طبقه سرپهن هستند .

در باره این گروه مهم تا کنون ارقام اندازه گیری قسمتهای مختلف بدن بقدر کافی گرفته و ثبت نشده است .^۱ شرح زیر درباره گرمسیر که در حدود بیست و پنج سال قبل توسط سر آرنولد ویلسون نوشته شده است با اجازه وی در اینجا نقل میشود .

گرمسیر بختیاری شامل ناحیه ای است در حدود ۲۰۰۰ میل مربع در جنوب رود کارون . این ناحیه محدود است از سمت شمال و مغرب و شمال شرقی به رود کارون و از سمت جنوب شرقی بکوهستان منگشت و از سمت جنوب به مرز کوهگلو .

این ناحیه کوهستانی و دارای تپه و در سمت مشرق دارای دره های باریک حاصلخیز است و در اینجا برف کوهستان رودخانه ها را پر آب میکند . از نظر جغرافیای کوهستان برجسته ترین خصایص این منطقه و حدود نواحی بزرگ گچ است که در اثر فرسودگی و تغییرات جوی يك سلسله تپه های کوتاه نامنظم تشکیل داده است . این تپه ها درخت ندارند ولی علف روی آنها سبز میشود . اغلب آنها غیر قابل سکونت است زیرا آب که از آنها جاری میشود معمولا تلخ است و با مواد معدنی و نمک مخلوط است . این خاصیت در اغلب رودهای این ناحیه که به کارون میریزند وجود دارد ولی در آب شعب رود را مزیا رود زرد مشهود نیست .

منتهی الیه غربی کوهستان منگشت که در گوشه شرقی این ناحیه واقع است تا اواخر اردیبهشت پوشیده از برف است این ناحیه بیلاق بعضی خانوارهای قبیله بهمائی و چهارلنگ است . کوه اسماری از نظر موقعیت برجسته ای که دارد

۱- مراجعه شود به منابع فصل پنجم و یادداشتهای ذیل صفحات آن از خلاصه ۴ بعید . بعضی نویسندگان بختیاربهارا با لرها باهم مورد مطالعه قرار داده اند . اگرچه من موفق نشده ام مطالب مربوط باندازه گیری قسمتهای مختلف بدن را در مورد بختیاربها پیدا کنم شواهد و مدارك حاکی از آنستکه آنها متعلق بگروه سرپهن میباشد که بالرها کاملاً فرق دارند . (ص ۳۶۷ - ۳۸۲) .

شایان توجه است زیرا در میان تپه‌های گچ که ارتفاع آنها بیش از ۲۵۰۰ پا نیست به بلندی ۵۰۰۰ پامیرسد. بعلاوه برخلاف نواحی مجاور که از سنگ‌رستی قرمز تشکیل یافته از سنگ آهک، Nummulitic متشکل است.

شط ملامیر در وسط دشتی بهمین نام يك قطعه آب نمك كم عمق باطلاقی است. در فصل زمستان ناحیه‌ای در حدود ۱۲ میل مربع را اشغال میکند و تعداد زیادی پرندگان آبی جلب مینماید.

ناحیه کوهپایه که گرمسیر بختیاری نامیده میشود از بسیاری جهات شبیه بقیه ناحیه کوهستانی مرز دشت عراق است و شامل يك سلسله پشته تقریباً موازی که در جهت شمال غربی و جنوب شرقی قرار دارد و هرچه بکوهستان زاگرس نزدیک میشود بتدریج ارتفاع آن زیادتر میگردد. در این منطقه صخره و سنگ و گردیسی وجود ندارد. ته نشین سومین دوره طبقات الارضی و گچ و آثار دوره Nummulitic و دوره بعد از آن به ترتیب از شمال بجنوب این ناحیه را تشکیل داده است. طبقه عمده این ناحیه گچ خیز است و از فاصله خیلی دور بوسیله رنگ خاکستری و انحنای نامنظم توده تپه‌های سنگ گچ تشخیص داده میشود. این ناحیه از نزدیک شوشر تا آن سمت رامهرمز بصورت يك کمر بند ادامه دارد و در بعضی نقاط از سنگ رست و خاک قرمز رنگ پوشیده شده است.

مهمترین کتاب درباره حیوانشناسی و جانورشناسی ایران نوشته بلانفورد W.T. Blanford است که در کتاب ایران شرقی تألیف گلدشمید Goldsmid جلد دوم چاپ ۱۸۷۶ چاپ شده است ولی باید بخاطر داشت که بعد از چاپ آن کتاب اطلاعات زیادتری کشف و به رشته تحریر درآمده است.

بطور کلی میتوان گفت که گرمسیر بختیاری از نظر حیوانشناسی و زمین‌شناسی در منطقه کوهستان زاگرس قرار دارد و برخلاف آنچه در نقشه حیوان‌شناسی بلانفورد نشان داده شده در منطقه بین‌النهرین ایران نیست.

وقتی دشت رسوبی خوزستان را ترك کرده وارد ناحیه تپه‌های کوتاه نزدیک شوشر و رامهرمز شویم انواع مخصوص دشت دیده نشده و جانوران و حیوانات کوهستانی جای آنها را میگیرد. خرس خاکستری ایران Ursus Syriacus گاهی در تپه‌های کوتاه ناحیه پیدا میشود. در سال ۱۹۰۷ در مماتین يك نوع عالی پلنگه Falix pardus با تیر زده شد. در تپه‌های جنوب رود کارون بز کوهی acgagrus

Capra فراوان است. حیوانات جالب توجه دیگر این ناحیه^۱ عبارتند از جوجه تیغی و آهو (فقط نزدیک دشت خوزستان) و گراز و *urial*. گراز وحشی را برای ورزش‌شکار میکنند ولی ایلات از روده آن دارویی بدست می‌آورند که در بعضی معالجات بکار می‌رود. مسترووسنام *Wosnam* قزو موزه بریتانیا در ۱۹۰۵ در شوش‌گره وحشی موسوم به سیاه‌گوش و در راه مهرمزیک گورکن بدست آورد. در این ناحیه روباه پیدا میشود که *Vulpes Persica* خوانده میشود و بلا نفورد این نوع روباه را که در تپه‌های نزدیک شیراز (ارتفاع ۶۰۰۰ پا) بدست آمده شرح داده است. تا این اواخر در باطلاحهای نزدیک رودخانه در شیر وجود داشته ولی احتمال نمی‌رود دیگر باقی مانده باشند. در واقع تا آنجا که معلوم است از زمان لایارد بیعد شیر در این ناحیه دیده نشده است و در آن موقع در راه مهرمز و قلعه تول دیده شده بود.

حیوانات اهلی نوشخوارکننده عبارتند از گاو میش که نسبتاً زیاد است و قسمت عمده آنها در اختیار اعراب گاو میش است. این قبائل ظاهراً از خوزستان مهاجرت کرده و خود را به بختیاری متصل کرده‌اند همان‌طور که در فارس نیز به قبائل آن منطقه ملحق شده‌اند.

حیوانات دیگر اهلی نوشخوارکننده بختیاری عبارتند از گوسفند دنبه دار و گاو و شتریک کوهانه اسب ایرانی که در همه اردوگاههای بختیاری وجود دارد تندرو نیست ولی میتواند مسافت زیاد را با گام نسبتاً تند طی کند. این نوع اسب مانند قاطر استقامت دارد و با علوفه کم زندگی میکند. قاطر نیز فراوان و مورد توجه است و الاغ نیز بتعداد زیاد وجود دارد. شواهد حاکی از آنست که قسمت مرکزی ناحیه کوهستانی بین شوشتر و اصفهان از زمان بسیار قدیم محل زندگی قبائل بختیاری و اولاد آنها بوده است ولی برای منشأ دو شاخه

۱- برای جزئیات بیشتر درباره حیوانات ایران رجوع شود به «بررسی حیوان‌شناسی عراق توسط اعضای نیروی اعزامی به بین‌النهرین ۱۹۱۵-۱۹۱۹» که از طرف انجمن تاریخ طبیعی بمبئی بچاپ رسیده است. بمبئی ۱۹۲۳.

۲- *urial* افغانی *ovis vignei cycloceros* از ۱۲ میلی جنوب شرقی شیراز در ارتفاع ۵۵۰۰ پادیده شده است. رجوع شود به نشریه انجمن تاریخ طبیعی انگلیس جلد ۲۷ شماره ۳ ص ۴۱ و ۳۸ مورخ ۱۹۲۱.

عمدهٔ قبیله یعنی هفت لنگک و چهار لنگک نمیتوان تاریخچه معین کرد. تا ازمهٔ اخیر شاخه هفت لنگک بادیه نشین بودند و چهار لنگک که قبلاً بادیه نشین بودند تا حد زیادی اسکان یافته و بوسیلهٔ زراعت زندگی خود را اداره میکردند و در حقیقت همهٔ جمعیت ثابت این ناحیه را آنها تشکیل میدادند. ولی در فصل زمستان تعداد افراد هفت لنگک که وارد این منطقه میشدند با احتمال قوی ۸ برابر افراد ثابت ناحیه بود. در اواخر بهار گروههای بادیه نشین این منطقه را ترک کرده و با ارتفاعات بلندتر برای چراگاه میرفتند (در باره شرح این مهاجرت مراجعه شود به نوشته کوپر و نوشته سکویل وست در باره سفر در کوهستان و بختیاری - دو بوشمن در بارهٔ نوع چادر آنها ص ۱۱۶-۱۰۸).

حسن انفرادیت و استقلال طبع این قبائل در میان هفت لنگک بیش از چهار لنگک مشهود است. تا اواسط قرن نوزدهم تفوق و برتری این قبائل با چهار لنگک بود ولی در اثر انحطاط و سقوط خانوادهٔ محمد تقی خان این وضع تغییر کرد و قدرت بدست فامیل برجستهٔ هفت لنگک افتاد و آنان تا چندین نسل این اقتدار را حفظ کردند. هفت لنگکها تسلط شعب و شاخه‌های خود را استوار کردند و رقبای خود را وادار باطاعت و انقیاد نمودند در سال ۱۹۱۲ و سالهای بعد رؤسای هفت لنگک بوسیله سه فامیل از قوم محمد تقی خان بر چهار لنگک حکومت میکردند.

یک حکایت بختیاری راجع بیک گروه قبائل بختیاری اطلاعات زیر را میدهد (کتاب لوریمر چاپ ۱۹۳۰ صفحه ۳۶۴) و میگوید: «اکنون در حدود هزار خانوار از قبیله دینارونی وجود دارد ۷۰۰۰ مردم قبیله خود را علی‌محمیدی میخوانند. در حال حاضر قشلاق آنها در سوسین و بیلاق آنها در پای توه دو و در (پای تپه دو برادر) است»

پس از قرائت مقالهٔ عالی هریسن (۱۹۳۲) در بارهٔ بختیاری در «انجمن پادشاهی جغرافیائی» (۳۰ نوامبر ۱۹۳۱) سر آرنولد ویلسون (ص ۲۱۰) بشرح زیر اظهار نظر نمود: «در قسمت مردم شناسی تحقیقات زیاد بعمل نیامده ولی نسبتاً آشکار است که افراد قبائل بختیاری را میتوان تقریباً به دو طبقه تقسیم کرد که عبارت باشند از سردراز و سر کوتاه. گروه اولی بیشتر از مهاجرین سمت جنوب که بتدریج آمدند تشکیل میشود و گروه سر کوتاه با احتمال قوی از بومیان اصلی محل میباشد».

در ۱۹۳۴ يك مسافر ایرانی که نمیخواهد نام او برده شود به ناحیه کوهگلو مسافرت کرد و مدتی در میان قبائل لرستان و فارس زندگی نمود. وی اطلاعات زیر را بدست آورده و لطفاً برای استفاده و درج در این کتاب در اختیار نویسنده گذارده است. در کوهگلو قبائل زیر را دید: بویر احمدی، طیبی، بهمائی، دشمن زیاری، عده‌ای سید در میان این قبائل زندگی میکنند که بنام سادات باب و محمودی و اسامی دیگر خوانده میشوند. مسافر مزبور معتقد است که از لحاظ شکل سروصورت لرها و بختیارها و کوهگلوئی‌ها با سانی‌ازیک دیگر تشخیص داده میشوند.

اصفهان

درباره وسعت و تعداد دقیق جمعیت این استان اطلاعات تازه و اخیر در دست نیست و بهمین جهت خواننده باید به کتب تألیف کرزن و سایکس و ویلسون و دیگران درباره ایران مراجعه نماید.

در قسمت غربی و شمال غربی استان اصفهان قبائل بختیاری زندگی میکنند و عده‌ای از آنها بناحیه مجاور خوزستان بیلاق و قشلاق می‌نمایند. در شهرضا که سابقاً قمشه نامیده میشد مسافری که بشمال میرود ناحیه قشقائی را ترك کرده و وارد بختیاری میشود.

اصفهان که ۵۶۸۹ پا ارتفاع آن است در دشتی قرار دارد که در پاییز بیابان و در بهار سبز و خرم است و کوههای بلند از همه طرف آنرا احاطه کرده است. ابتهاج (ص ۳۴۰) جمعیت آنرا ۱۰۰۱۴۰ نفر تخمین میزند و مینویسد که در زمان شاه‌عباس صفوی (۱۵۸۷-۱۶۲۹ میلادی) يك میلیون جمعیت داشته است. بنیر از اقلیت یهودی (رجوع شود به فصل پنجم یهودیان اصفهان ببعده) عده نسبتاً زیادی ارمنی در جلفا زندگی میکنند. شهرهای نزدیک آن عبارتند از شهرضا که جمعیت آن ۱۷۲۵۱ نفر و مورچه‌خورت (ارتفاع ۶۲۱۰) که جمعیت آن ۲۵۰۰ نفر است.

فارس و بنادر خلیج^۱

فارس را که یکی از بزرگترین ایالات ایران بود از نظر آب و هوا و تاحدی از نظر طبیعی میتوان به سه ناحیه تقسیم کرد. اول سرد سیر یا سرحد که قسمتی از فلات مرکزی ایران است. دوم گرمسیر که ناحیه تپه‌های کوتاه است و راه عبور از دریا به فلات ایران از آن میگذرد سوم ناحیه ساحلی که عرض آن از ۱۲ میل نزدیک بندر دیلم تا امتجاوز از ۳۰ میل در حوالی بوشهر و فقط یک یا دو میل وحتى کمتر در طاهری تغییر میکند. سرحد که تقریباً کلیه ایالت فارس را تشکیل میدهد در شمال خطی که از میان کژل و فیروز آباد و جهرم و داراب میگذرد قرار دارد.

کوهها از سمت دریا از ناحیه شیراز تشکیل يك سلسله ارتفاعات میدهد که تقریباً به موازات ساحل هستند. در بین این ارتفاعات دره‌هایی قرار دارد که عرض آنها بین چهار تا ده میل است بطور کلی دره‌ها بسیار حاصلخیز است و چراگاه خوب میباشد حتی در گرمسیر در عمق کم آب بدست میآید.

از شیراز بیلا کوهستان شکل نامنظم تری دارد و دره‌ها معمولاً تموج بیشتر دارند ولی اغلب حاصلخیز هستند. تپه‌ها اغلب بایر میباشند. در فارس جنگلهای درخت بلوط وجود دارد ولی فقط در امتداد کمربند باریکی بعرض ۱۵ میل نزدیک میان کتل زیاد است. در شمال شیراز جنگل زیاد نیست. کوهها بندرت بیش از ۴۰۰۰ پا ارتفاع دارند. از سمت دریا بسوی شمال طبقه طبقه روی هم قرار گرفته و ارتفاع آنها بتدریج زیاد میشود و ارتفاع دره‌ها به نسبت کوهها زیاد میشود.

کلمه گرمسیر در این ایالت بهمه نواحی که بین دریا و سردسیر واقع است اطلاق میشود ولی ناحیه ساحلی را میتوان بخش جداگانه محسوب داشت. گرمسیر فارس در حال حاضر جمعیت زیاد ندارد ولی خرابه‌ها و آثار قدیم شاهد بر آنست که زمانی این ناحیه جمعیت زیادتری داشته است. دره‌ها و دشتهای پر درخت نیستند و روی تپه‌های بلند بادام وحشی فراوان است. نخل خرما در همه جا حتی در بعضی نواحی شمالی فراوان است. هر دهکده بهر کوچکی که باشد قطعه‌ای کشتزار در اطراف

۱- مطالب این فصل بر اساس گزارشهای قبل از تغییرات اخیر در بندی ایران قرار دارد و در اینجا برای مطالعه تطبیقی گنجانیده شده است (رجوع شود به کتاب تألیف استاین ۱۹۳۵ و کتاب لوسترانج).

خود دارد ولی فواصل بین دهکده‌های با بان است. چراگاه معمولاً خوب است ولی بعد از ماه خرداد خشک می‌شود.

قبائل بادیه نشین از ماه آبان تا اردیبهشت باین ناحیه می‌آیند و بقیه سال را در سرد سیر می‌گذرانند. ناحیه ساحلی صاف و رسوبی و شن‌زار است که بین دریا و رشته کوهستان جنوبی فارس قرار دارد. ارتفاع این ناحیه معمولاً یکسان است و در قسمتهای مختلف نخلستان دارد ولی درخت دیگر زیاد نیست. جمعیت آن نسبتاً زیاد و متجاوز از یکصد هزار نفر می‌باشد. ناحیه مسکونی از نقطه‌ای در حدود سیزده میلی شمال بندر دیلم که فاصله آن از دریا تا کوهستان ساحلی بیش از ۱۵۰ میل نیست شروع می‌شود و تا تقریباً ۱۵۰ میل بسمت جنوب به مرز جنوبی دشتی که دوباره فاصله دریا و کوهستان کم شده و بیش از چند میل نیست امتداد می‌یابد.

قسمت عمده رودخانه‌های فارس بخلیج فارس می‌ریزد. خورخلیل بندرگاه کشتی‌های بادی و حمل و نقل دریائی دهکده‌های گناوه است. رودشور که معمولاً شور بیدو نامیده می‌شود رودشوری است که در چند میلی جنوب شرقی بندرریگ بدریا می‌ریزد. در زمستان بعد از بارانهای ماه آذر آب رودشور بالا می‌آید و توام با هیله رود ناحیه بین دو رودخانه را فرا می‌گیرد.

هیله رود دهانه رودخانه ایست که از اتصال رود شاپور و دلکی که در درودیکاه در حدود سی میلی شمال دهانه هیله بهم می‌پیوندند تشکیل یافته است. رود شاپور از تپه‌های رینجیون پشت تنگ چکان سرچشمه می‌گیرد. رود دلکی از دره جیره می‌گذرد و پس از گذشتن از کوهستان جمیله در چند میلی بالای پل دلکی ظاهر می‌شود.

رود چاه کوتاه از رود کوچکی که دره خوین را آبیاری می‌کند جدا می‌شود. چاه کوتاه در بعضی نقاط عمیق است ولی در طی مسیر خود تا اهرم عرض زیاد پیدا نمی‌کند.

رود مند که در قسمتهای بالا و از قره‌آغاچ خوانده می‌شود از کوهستان شمال خان زنیان در محلی بنام بن رود شروع می‌شود. در دشت دزگاه رود کوچک کرده به مند ملحق می‌شود و همچنین علامرو دشت و فداش که یک شعبه آن در چند میلی جنوب لار بالا می‌آید و شعبه دیگر به تنگ خور جاری می‌شود و رود شور که در ناحیه خواجه شمال فیروزآباد ظاهر می‌شود و جام وزیر که آب شیرین

دارند ولی هشت ماه در سال خشک هستند . از شرح فوق دیده میشود که رود مند و شعب آن ناحیه بزرگی را آبیاری میکنند . مقدار نسبتاً قلیل آب رود مند در اثر آن است که حوزه آن بجز کوه سفیدر شامل سلسله کوههای بلند نیست . بعضی از رودخانه‌های فارس بدریا نمیرسند . مهمترین رودخانه در داخل فارس خوریا بند امیر و شعبه آن پولور است که در ناحیه چهار دانگه برمیخیزد و یک شعبه آن از تپه‌های شمال ده پید می‌آید . از ناحیه باستانی پارسارگاده میگذرد (رجوع شود به صفحه ۵۴۹-۵۵۱) . رود عمده موسوم به کمر در دره اوجان برمیخیزد و دریاچه نیریز جاری میشود .

فارس دارای چندین دریاچه آب شور است که از مختصات ایران میباشد : دریاچه قمور در ناحیه کازرون یک ورقه باریک آب است که در جهت شمال غربی و جنوب شرقی قرار دارد و سه میل و نیم طول و نیم میل تا یک میل عرض آن است . سواحل باطلای آن برای چرا و ماهیگیری و شکار خوب است . دریاچه دشت ارژن در دشتی بهمین نام در فصل تابستان کاملاً خشک میشود و سواحل آن باطلای است . دریاچه مهارلو (ص ۵۵۳-۵۵۵) که کوچکترین سه دریاچه نمک فارس است در دشت شیراز واقع است و تپه‌های کوتاه اطراف آنرا فرا گرفته است . رود شیراز و سرستان بآن می‌ریزد . سمت شمالی آن باطلای است که تا حدود یک میل عمق کم دارد . دریاچه تشک که دومین دریاچه شور فارس است در شمال دریاچه نیریز (یا دریاچه بختگان) که بطور کلی بآن شباهت دارد قرار دارد . این دریاچه‌ها بوسیله نهر یا مجرا بهم متصل هستند . دریاچه نیریز (ص ۵۵۲-۵۵۳) که بزرگترین دریاچه‌های نمک فارس است شصت میل طول و بین سه تا پنج میل عرض آنست . چند جزیره بیشه دار در سطح آن قرار دارد . در فصل خشک تابستان آب آن کاملاً بخار میشود و میتوان از بستر آن پیاده گذشت . نمکی که در ته دریاچه باقی میماند جمع آوری میشود زیرا جنس آن عالی است و در تمام فارس طالب دارد . در حوالی دریاچه مرغان آبی مانند قو و مرغابی و اردک فراوان است .

خارک جزیره‌ای در شمال غربی بوشهر در حدود چهار میل طول و بطور متوسط دو میل عرض دارد . قسمت عمده جزیره شامل تپه‌های تقریباً بایراست که در وسط جزیره و انتهای جنبه‌ی آن حداکثر ارتفاع دارند و به ۲۵۰ پا میرسند . حداکثر درجه حرارت در فصل گرما بندرت به ۹۵ درجه فرانهایت میرسد .

قریه خارک شامل متجاوز از صدخانه است که ۶۰۰ نفر عرب در آن زندگی میکنند و بزبانی مخلوط از عربی و فارسی تکلم مینمایند. هفت هشتم جمعیت سنی هستند و یگانه شغل آنها ماهیگیری است.

خارکوک جزیره پست و سفید و شن زار است در دو میل و نیمی شمال جزیره خارک قرار دارد. طول آن از شمال بجنوب سه میل و عرض آن فقط نیم میل است. اگر چه ظاهراً در زمان قدیم ساکنینی داشته ولی فعلاً غیر مسکونی و بایرو متروک است.

در ایالت فارس گرما و سرما بحدی یافت میشود. جاده اصلی به اصفهان از دشتهائیکه ۷۰۰۰ پا از سطح دریا ارتفاع دارد میگذرد. در زمستان این دشتهای از برف پوشیده است و درجه حرارت به ۱۵ درجه فرانهایت میرسد. ولی در تابستان درجه حرارت در سایه به ۹۰ میرسد. در اواسط آبان بارانهای سنگین شروع میشود و تا ماه خرداد به تناوب باید انتظار باران را داشت. در ارتفاع از ۵۰۰۰ پا بیابا از ماه آذر برف میآید.

در شیراز سالیانه امراض واگیردار دیفتری و آبله و حصه و آبله مرغان و سرخک متداول است ولی تلفات زیادی نمیدهد. این بیماریها معمولاً در بهار و پائیز فراوان است و اسهال در وسط تابستان شدت دارد. ولی در فواصل دهساله یا بیشتر دیده میشود. امراض مسری مخصوص از قبیل تیفوس و سرخچه و مخمک و تب استخوان و تب زرد و ببری ببری طاعون و گزیدگی سگها تقریباً وجود ندارد ولی موارد سیاه زخم و کزاز و جذام بندرت دیده است. مطلب برجسته وضع بهداشتی شیراز وجود مواردی از امراض قرنیه و غشاء ملتحمه و سوء هاضمه و استسقا و امراض مقاربتی است.^۱

در بوشهر گرمترین ماهها شهریور و سردترین ماهها دی و بهمن است. در تابستان درجه حرارت به ۱۱۵/۵ رسیده و در ماههای شهریور و مهر درجه رطوبت بحد اکثر میرسد. ماههای بارانی عبارتند از آذر (۱۷۲ اینچ)، دی (۲۵۸ اینچ)، بهمن (۱۷۳ اینچ) و اسفند (۱۰۷۳ اینچ). در این چهار ماه هوا طوفانی و سرد و دریا منقلب است. اگر چه بندرت یخ بندان میشود ولی

۱- این مطالب مربوط بوضع بیست و پنج سال قبل است و اکنون تحت توجهات شاهنشاه شیراز یکی از سالمترین شهرهای ایران شده است.

گاهی درجه حرارت تقریباً به نقطه انجماد میرسد.
 باده‌ها عبارتند از باد شمال غربی موسوم به شمال و جنوب شرقی موسوم
 به کوس. شمال برای مدت ۹ ماه سال در دریا وجود دارد و در ماه‌های زمستان
 سرد و شدید است.

جدول زیر تقسیمات سابق ایالت فارس و جمعیت تقریبی شهرهای عمده

آنرا نشان میدهد.

ناحیه	موقعیت	جمعیت مقیم	شهر عمده
آباد اقلید	شمال فارس	۲۵۰۰۰	آباد
آباد تشک	نزدیک دریاچه - تشک	۶۵۰۰ (لشانی و چهارراهی)	آباد تشک
ابراج	مغرب مهین	۱۰۰۰
افرز	جنوب غربی جهرم	۳۰۰۰ (ترك و ایرانی)	آب گرم
علامرودشت	جنوب فارس	۴۰۰۰	علامرودشت
انگالی	شمال شرقی بوشهر	۲۷۰۰ (بهبهانی و لر و عرب)	محمودشاهی
اربعه محل	جنوب فیروزآباد	۲۰۰۰	هنگام
اردکان	شمال غربی شیراز	۵۰۰۰	اردکان
ارسنجان	شمال شرقی شیراز	ارسنجان
اثر	اکنون جزو علا - مرو دشت محسوب میشود	۵۰۰۰	اثر
بیضا - دشت	شمال غربی شیراز	۹۰۰۰
بندر دیلم	ساحل شمال غربی فارس	۱ یا ۲۰۰۰	بندر دیلم
بوانات	شمال شرقی فارس	ترکهای سماکانی	بوانات
بیدشهر (یا جند - بیدشهر)	جنوب جهرم	بیدشهر

۳۵۰- مردم شناسی ایران

برازجان	۶۵۰۰	شمال شرقی بوشهر	برازجان
چاه کوتاه	۱۵۰۰	مشرق بوشهر	چاه کوتاه
اسوپاس	۳۰۰۰	شمال فارس	چهاردنگه سرحدی
دالکی	۰۰۰۰	شمال شرقی بوشهر	دالکی
داراب	۱۰۰۰۰	جنوب شرقی فارس	داراب
خورمچ	۲۰۰۰۰ دشتی	جنوب شرقی بوشهر	دشتی
برازجان	۱۵۰۰۰ مهاجرین	مشرق بوشهر	دشتستان
	دشتی یا شیراز		
۰۰۰۰	۵۰۰ چرکسی	شمال غربی فارس	دزکرد
فراش بند	۲۰۰۰	مشرق بوشهر	فراش بند
فسا	۱۳۰۰۰	شمال جهرم	فسا
فیروز آباد	۷۰۰۰	شمال غربی جهرم	فیروز آباد
گیله در	۴۵۰۰	جنوب شرقی فارس	گیله در
بندر ریگ	۱۲۰۰۰ اغلب لر-	ساحل شمال غربی- فارس	حیات داود
	بهیانی		
اصطهبانات	۴۰۰۰	جنوب نیریز	اصطهبانات
جهرم	۷۵۰۰	جنوب مرکزی فارس	جهرم
جیره	۲۵۰۰	مشرق بوشهر	جیره
کامرچ	۱۰۰۰	شمال شرقی بوشهر	کامرچ
خانمان	۳۵۰۰	شمال شیراز	کام فیروز
....	۴۰۰۰	شمال شرقی بوشهر	کمین
کاور	۲۵۰۰	مرکز فارس-جنوب شیراز	کور(کاور)
کازرون	۲۰۰۰۰	مغرب شیراز	کازرون
خفر	۸۰۰۰	مغرب جهرم	خفر
۰۰۰۰	۴۰۰۰	مرکز فارس	خفرك
خشت	۰۰۰۰	شمال شرقی بوشهر	خشت
خنج	۵۰۰۰	جنوب شرقی فارس	خنج

مردم ایران - ۲۵۱

.....	۲۰۰۰	شمال فیروز آباد	خواجه
.....	۳۰۰۰	جنوب شیراز	کوه مره
گوکان	۱۰۰۰۰	شمال شرقی شیراز	کورپال
حصار	۶۰۰۰	جنوب شرقی بندردیلم	لیراوی
		بندردیلم؛ عرب لر و شیعه	
مهین	۲۵۰۰	جنوب شرقی شیراز	مهین
.....	۱۰۰۰	جنوب شرقی بوشهر	ماهور میلانی
میمند	۱۰۰۰	جنوب شیراز	میمند
		گورگی	
.....	شمال شرقی شیراز	مرودشت
مشهد مرغاب	۳۵۰۰	شمال شیراز	مشهد مرغاب
		ناحیه ساحلی و قسمتی از دشتستان در کنار رود شاپور	مزارعه
مزارعه	۳۰۰۰	ایرانی	
نیدون	شمال شرقی کازرون	نیدون
قیر	۶۰۰۰	جنوب غربی جهرم	قیر و کرزین
ده بید	۱۲۵۰۰	شمال فارس	قنقری
		غرب خمسه و باصری و چهارراهی	
رامجر	۴۰۰۰	شمال شیراز	رامجر
	۴۰۰۰	شمال بوشهر	رودهیله
سروستان	۸۰۰	فارس مرکزی	سروستان (یا برزو)
ده کمند	۱۰۰۰۰	شمال بوشهر	شبانکاره
"	۷۰۰۰۰	مرکز فارس	شیراز
	۳۰۰۰	شمال غربی فارس	شش دانگه
		بیلاق قشقایی و کوهگلو	
	۸۰۰۰	مغرب شیراز	شولستان

سیاح	جنوب شیراز	۳۰۰۰
سیمکن	شمال غربی جهرم	۸۰۰۰
تنگستان	جنوب شرقی بوشهر	۱۰۰۰۰	اهرم
زیره	شمال شرقی بوشهر	۴۰۰۰	سعدآباد

شهرهای عمده فارس عبارتند از شیراز پایتخت فارس که ارتفاع آن ۵۱۰۰ پا میباشد و کنار رود کوچکی در دشت حاصلخیز پر آب واقع شده و دور آنرا کوهستان فرا گرفته است. در حوالی شهر باغهای مصفا و موستان وجود دارد. در پنج میلی جنوب شیراز دره بوسیله تپه‌های کوتاه از باطلاق جدا شده است آباده که ارتفاع آن ۶۱۰۰ پا است و در نیمه راه بین شیراز و اصفهان قرار دارد و جمعیت آن در حدود ۸۰۰۰ نفر است. اکثر خانه‌های این شهر از خشت و بقیه از گاه گل است. صنایع عمده آن عبارتست از مملکی (کفش پارچه ایرانی) اسباب خانه، خاتم کاری، نمد و قالی. قسمت عمده ساکنین آن بزراعت اشتغال دارند و محصول عمده آن گندم و جو و تریاک و کشمش و انگور و بادام است. مردم آباده صنعت مثبت کاری را بدرجه اعلا رسانیده‌اند.

ارسنجان در شصت میلی مشرق شیراز در دره‌ای که دور آنرا کوه فرا گرفته قرار دارد. جمعیت تقریبی آن ۴۰۰۰ نفر است و محصول آن عبارتست از پنبه و برنج و تریاک و گندم.

نیریز که ارتفاع آن ۴۲۸۰ پا میباشد نام شهر و ناحیه‌ای در منتهایلیه جنوبی دریاچه نیریز است. خود شهر در میان باغستان و بیشه پخش شده و اطراف آن کشتزار حبوبات و تریاک میباشد، در ۱۹۰۳ نیریز دارای ۲۵۰ خانه و چهار کاروانسرا بود. جمعیت آن در حدود ۴۰۰۰ نفر تخمین زده می‌شود. گفته میشود که مردم آن ایرانی خالص هستند و با افراد قبائل ساکن ساحل رودخانه کاملاً فرق دارند. این افراد قبائل با اینکه بیلاق و قشلاق نمیکند بادیه نشین محسوب میشوند.

چون آمار و سرشماری درباره فارس در دست نبود ارقام و مطالب زیر از روی جدولهای تعداد در هر دهکده و ناحیه مشابه و وضع ظاهری جمعیت هر قسمت تهیه شده است. تعداد افراد هر خانه را ۵ نفر محسوب داشتیم و در عمل معلوم شد که این رقم در مورد دهات و قصبات نسبتاً درست است. قبائل بادیه نشین را نیز بر اساس ۵ نفر به هر چادر حساب کرده‌ایم.

بر طبق این محاسبه تعداد افراد قبایل بادیه نشین و نیمه بادیه نشین از
 قرار زیر است.^۱

تعداد خانوار	قبیله	تعداد خانوار	قبیله
۲۰۰۰	دشمن زیاری	۳۳۰۴۵	قشقای
۱۵۰۰	لشانی	۱۸۳۳۰	خمسه
۲۰۰	میشماست	۶۱۰۰	بویر احمدی
۱۲۰۳۰	قبائل کوچک مختلف دیگر	۲۷۰۰	مممنی

جمع کل ۲۶۰۰۵

ارقام فوق و همه تخمین‌های تعداد قبائل در تاریخی قبل از شیوع بیماری
 آنفلوآنزا که در اکتبر و نوامبر ۱۹۱۸ بوقوع پیوست و ۲۰ درصد از افراد قبائل
 را هلاک کرد تهیه شده است.

جمعیت مقیم فارس در حدود ۵۰۰ هزار نفر تخمین زده شده است. نواحی
 پر جمعیت عبارتند از ناحیه ساحلی از دیلم تا دهانه رود مند و قسمت شمالی ایالت و
 قسمت شمال شرقی و مشرق و جنوب شرقی شیراز در شعاع شصت میلی آن شهر.

ساکنین ایالت فارس و لارستان از چند نوع متشکل است. از کنگان بسمت
 مشرق در امتداد خلیج و تا مسافتی در داخل گروههای عرب از ساحل مقابل زندگی
 میکنند. بعضی از آنها نسبتاً تازه وارد و برخی در زمان قدیم آمده‌اند در ناحیه حیات
 داود و سمت مشرق آن گروههای عرب که اغلب سنی هستند و عده‌ای شیعه از هندیان
 سکنی دارند.

اگرچه جمعیت و ساکنین ناحیه ساحلی اغلب ایرانی هستند ولی این افراد با
 ساکنین مرکزی ایران تفاوت دارند. این مردم جسماً قوی هستند و آنها تیکه در داخله
 زندگی میکنند زارعین خوبی میشوند. آنها تیکه در کنار بندر گاهها هستند و حتی
 در بنادر دور از قبیل کراچی و بصره کارگر بندری و باربر هستند و بر سایرین ترجیح
 داده میشوند. بسیاری از آنها بعنوان ملاح ماهر و ماهی گیر استخدام میکردند.
 قبائل ساحلی که بنام ناحیه خود نامیده میشوند، قرنهاست موجودیت

۱ - مقایسه شود با شرح دمرگنی Demorgny صفحه ۸۸ - ۱۳۴ و همچنین

جداگانه خود را حفظ کرده اند. آنها به طوایف مختلف تقسیم شده اند که شبیه طوایف اسکاتلند قبل از قرن هیجدهم است. بعضی نواحی و قبایل بایکدیگر اختلاف و دشمنی دارند که نسلهای طول کشیده در حالیکه بعضی با همسایگان خود رابطه دوستانه دارند و همیشه در مقابل دشمن مشترك بصورت قبیله واحد متحد میشوند.

علاقه محلی رؤسای قبایل و اشتغال افراد قبیله و زارعین نواحی ساحل به طبقه طبیعی تقسیم شده اند. ساکنین لیروای و حیات داود و رود هیله و شبانکاره در شمال بطور کلی بکشاورزی اشتغال دارند و آنهائیکه نزدیک بکوهستان زندگی میکنند مالک گله های بزرگ حیوانات اهلی می باشند. دیلم و ریگ و گناوه بندر هستند و بندر دیلم احتیاجات افراد قبایل کوهگلو و بازار داخلی بهبهان را رفع میکند و اهالی بندر ریگ و گناوه بقبائل بادیه نشین آنطرف کوهستان جنس میفروشند. در بزازجان و چاه کوتاه و انگالی مقدار قابل ملاحظه غله کشت میشود. طبقه سوم اهالی ساحلی مردم تنگستان و دشتی هستند و دشتی ناحیه وسیعی است که تا مسافت دوری آنسوی رشته جبال بسط دارد. در تنگستان همیشه قبائل مختلف زندگی میکرده اند.

گفته شده است که ساکنین شهر شیراز کمتر از نواحی دیگر مخلوط شده و ایرانی خالص هستند ولی باسانی نمی توان خصوصیات برجسته و مشخصی برای آنها تعیین کرد. در بین اهالی شهر عده ای ارمنی نیز دیده میشود در شمال شیراز ساکنین مقیم بیشتر نژاد ایرانی هستند و این مطلب درباره مردم فسا و سروستان و کوار و خفر نیز صدق میکند. در جنوب جهرم و شیراز اهالی دهات و قصبات با افراد قبائل مخلوط شده اند.

جمعیت بوشهر (در حدود ۱۵ هزار نفر) مخلوط هستند و در اینجا اعراب و ایرانیها و لرها و قبائل مخلوط از قبیل بهبهانیها در بوشهر سکنی گزیده و با یکدیگر ازدواج نموده و یکنوع نژادی خاصی بوجود آورده اند. قبائل بادیه نشین عمده فارس (رجوع شود به کتاب لین Lane صفحه ۲۰۹-۲۳۱) عبارتند از قشقایی و خمسه که اولی ترك و دومی قسمتی عرب و مخلوطه می باشند. در درجه دوم ممسنیها و لسانی و میشماست و بویر احمدی و دشمن زیاری هستند. خمسه: (عربی = پنج) - قبائل بادیه نشین. در ۱۹۱۸ تعداد خانوار شعب مختلف آن عبارت بود از: عرب ۱۱۱۳۰ - آئین لو ۱۲۰۰ - بهار لو ۱۲۰۰ - باصری ۴۵۰۰ و نفر ۳۰۰.

قبیله نرد در اصل از ۱۰۰۰ خانوار تشکیل می‌شد ولی افراد این قبیله متفرق شده وعده زیادی در بختیاری سکنی گزیدند. قسمتی از این قبیله باقی مانده و یکی از واحدهای قبائل خمسه محسوب می‌شود.

از قبائل خمسه تنها عرب و باصری بادیه نشین و بیلاق و قشلاق میکنند . آئین لو و بهار لو و نفر از نژاد ترك هستند و همچنین باصریها بجز تر بور چهار-^{۳۳} بانچه که زبانشان فارسی است .

اعراب در اصل از نجد و عمان و یمن در قرن هفتم با ایران آمدند . آنها ایکه بفارس رسیدند و اکنون اعراب خمسه شناخته میشوند بادیه نشین هستند . بیلاق آنها در بوانات و قنقوری و سرچاهان و قشلاق آنها در بلوک سبه یعنی فسا و داراب و فرغ و جهرم وجودن تا تنگه دالان در جنوب شرقی میباشد . اعراب بدو شعبه عمده تقسیم میشوند یکی جباره که عرب کوچی نیز نامیده میشوند و دیگری شیانی . تعداد افراد جباره ۶۶۳۰ و شیانی ۴۵۰۰ میباشد . این قبائل در اصل بعربی خالص تکلم میکردند ولی اکنون بزبانی صحبت می‌کنند که مخلوطی از عربی و فارسی و ترکی ولری است . اعراب جباره بشعب مختلف تقسیم میشوند . قبیله لبو محمدی که از ۱۲۰۰ خانوار متشکل است شامل تقسیمات زیر میباشد : ابو حسینی که سردسیر آنها در دره بوانات و گرمسیر آنها در طارم است : اولاد محمد که سردسیر آنها در دره بوانات ولی گرمسیر آنها در آب شور و داراب است به اولاد سبار - بل حسینی - کریم - خان احمدی - لر - نقد علی که سردسیرشان در ده بیدو گرمسیرشان در فسا است و پیر اسلامی . اعراب جانی خانی که ۱۲۳۰ خانوارند و سردسیرشان در قنقوری و گرمسیرشان در یزد خواست و جون است از شعب زیر تشکیل میشوند . (تعداد خانوار آنها در پرانتز داده شده است) : اولاد رستم خان - اولاد زین العابدین - عزیزی (۱۵۰) - بهلولی (۱۱۰) - چیکینی (۱۵۰) - هندی (۱۰۰) - جابری (۱۰۰) - لبوغنی (۸۰۰) - لوردانی (۲۰۰) - قنبری (۱۲۰) و یار احمدی .

۶۵۰ خانوار شیری سردسیر را در قنقوری و گرمسیر را در داراب و

آب شور و بینارد بسر میبرند . ۱۲۰۰ خانوار مزیدی سردسیر را در قنقوری و باغ سیاه و گرمسیر را در هرمز ولار میگذرانند .

عبدالرضائی وعلیمرادی ولر عبدالرضائی که رویهمرفته ۵۰۰ خانوار را تشکیل میدهند سردسیرشان در ده ییدو گرمسیرشان در جهرم و بینارواست . ۳۵۰ خانوار صفاری سردسیرشان در دالونظر و موشفان و گرمسیرشان در بینارواست . ۳۰۰ خانوار غرائی و ۳۰۰ خانوار تربور و ۴۰۰ خانوار اردبیزوتاتی مقیم چاه حق هستند . بعلاوه يك گروه عرب نیز بنام مقطجات وجود دارد . اعراب شیبانی نیز بقبائل و گروههای مختلف تقسیم میشوند . عبدالیوسفی و اهل سعدی و چهار باغچه و میرگی و پلنگی و ولی‌شاهی که ۱۰۵۰ خانوار هستند سردسیرشان در قنقوری و گرمسیرشان در فساوکردیان است ، ۲۰۰ خانوار عمادی نیز سردسیر را در قنقوری و گرمسیر را در کردیان میگذرانند . بنی عبداللهی وحنائی که در ۱۹۱۸، ۳۰۰ خانوار بودند سردسیرشان در خفرك و گرمسیرشان در خفر است . ۴۰۰ خانوار الوانی و خسروئی و تکرینی و حسنی سردسیرشان در خفرك و گرمسیرشان در رودخانه و شور جهرم است . لبوحاجی که تقریباً ۳۰۰ خانوارند سردسیرشان در مرودشت و گرمسیرشان در هکان است . عامله با ۶۰۰ خانوارند سردسیرشان در قنقوری و گرمسیرشان در بینارواست . درازی با ۵۰۰ خانوار سردسیرشان در مرودشت و گرمسیرشان در سیستان جهرم است . فارسی با ۱۱۰۰ خانوار سردسیرشان در قنقوری و گرمسیرشان در کردیان است .

قبیله آئینه لودر اصل از ترکستان آمده‌اند و در قرن سیزدهم در فارس مستقر شدند . زمانی بادیه‌نشین بوده و بیلاق آنها در حوالی رامجرد و مرودشت بود . زبان آنها ترکی است . قبیله کوچکی از آنها بنام دیندارلودر دره دوده درسی میلی شمال شیراز زندگی میکنند و بکشاورزی اشتغال دارند . دره دوده بازار محصولات کشاورزی و سبزیجات شیراز است .

در ۱۹۱۸ شعب مختلف آئین لو از این قرار بود:

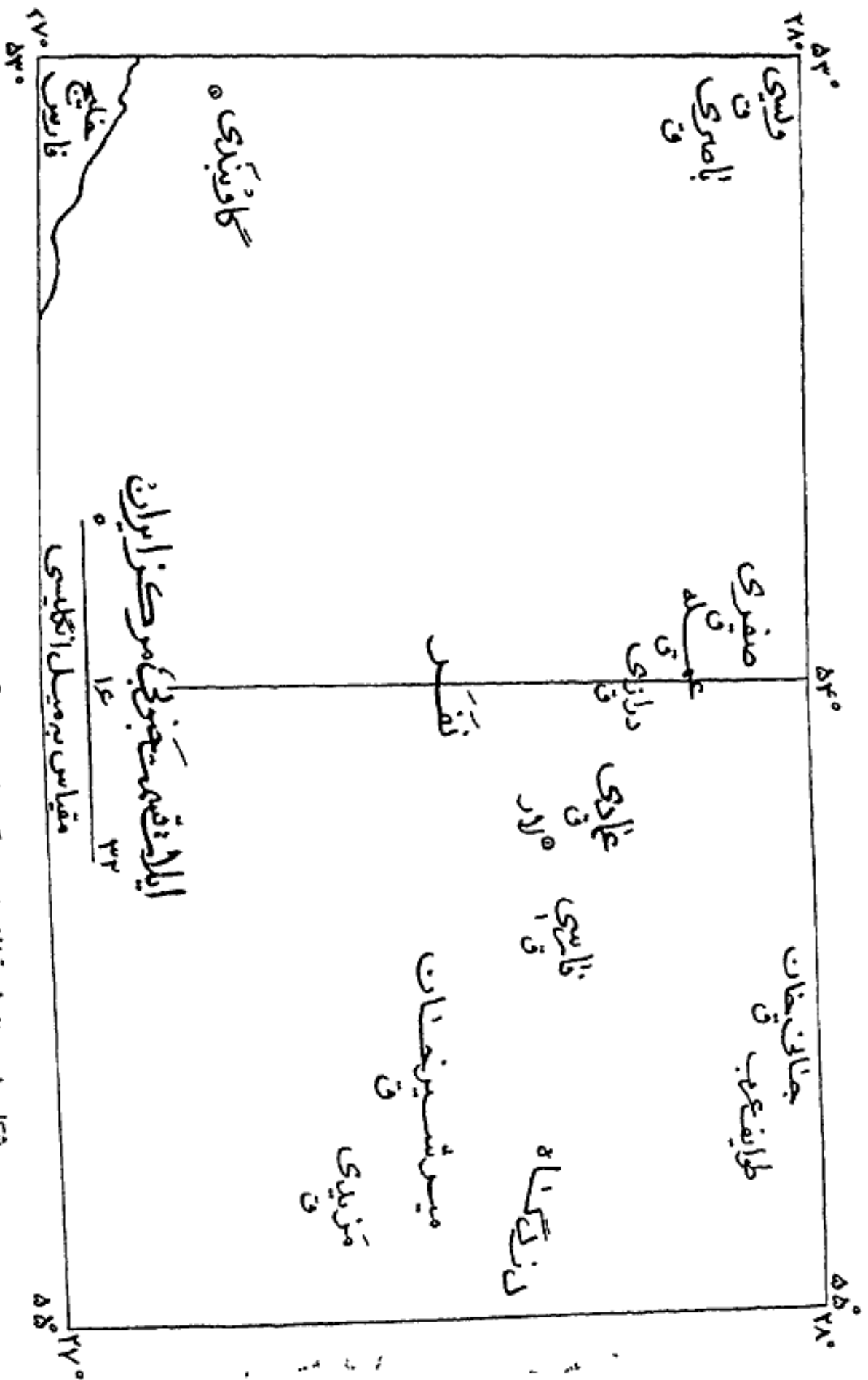
نام قبیله	محل سکونت	نام قبیله	محل سکونت
افشار اوشاغی	قره بلاغ	ایران‌شاهی	وصل به کلانتر
امیر جاجیلو	قره بلاغ	جرگه	قره بلاغ
بیات	قره بلاغ	نقدعلی اوشاغی	درکو
بولانغی	آنبارك	قرت	پیر مراد

چایان	قره بلاغ	رئیس بیگلو	رودبال
اخلاصلو	فسا	سکز	فسا
غلباش	قره بلاغ	زنگنه	قره بلاغ

قبیله بهارلو که از نژاد ترك هستند در قرن دوازده و سیزده میلادی در فارس مستقر شدند . در اصل بادیه نشین بوده و بیلاق آنها در ناحیه را مجرد و مرودشت و قشلاق آنها نزدیک سروستان و داراب است . اکنون سالها است که اسکان یافته و در سواحل رود داراب زندگی میکنند . زبان آنها ترکی است . در جدول زیر شعب مختلف قبیله بهارلو را در سال ۱۹۱۸ ذکر شده است .

ابوالقاسلو	حاجی عطارلو	مشهدلو
احمدلو	حاجی برانی	محمدخانی
علمدار	حاجی خانلو	نظر بیگلو
عمله	حیدرلو	قره خانلو
امینه	حسن بیگلو	قره خاصلو
امینلو	ابراهیم خانی	کاظم بسلو
امیر حاجیلو	اسمعیل خانی	رسولخانی
عاشقلو	عیسی بیگلو	صدیقلو
اشورلو	جامه بزرگی	سفیدخانی
اولادی	کاکاخانلو	سکزلو
عزیز بیگلو	کمانلو	شکاری
عزیزلی	کریملو	سلیمان
چهارده چریک	خسرولو	تلکه
دره شور	لر	زرگر

با صریها معتقدند که از اولاد اعراب بصره هستند . زبان آنها عربی تحریف شده و مخلوط است . منبع عمده در آمد آنها تعداد زیاد حیوانات باربر است که کرایه میدهند و بهمین جهت است که بنقاط دوردست مهاجرت نکرده اند . باستانیهای رانسی بیلاق و قشلاق آنها در شعاع پنجاه میلی شیراز و نزدیک راههای کاروان رواست .



شکل ۱۰ - جدول قبائل جنوب مرکزی ایران ق = قنلاق (همچنین در شکل ۱۱ قسمت را ببینید)

متعدد وجود دارند . از جمله قبیله یالمه مرکب ازسرفراز (۳۰۰ خانوار) و ابوالفنی (۱۰۰ خانوار) است که گرمسیرشان سماکن و سردسیرشان در وردشت و خرم آباد است و پاکیر و اوخچلو (۴۰۰ خانوار) که گرمسیرشان در هنگام و ظاهر و سردسیرشان در کاکان است و جعفر بیگلو (۴۰۰ خانوار) که گرمسیرشان در دشت پلنگه و سردسیرشان در خواجه است . ۱۰۰ خانوار و ندا بادره شوری زندگی میکنند ولی از شعب و تیره های دره شوری نیستند . زنگنه و وندا و کرانی (۳۰۰ خانوار) گرمسیرشان در کازرون و سردسیرشان در کوه مره است . غراده علی ها (۵۰ خانوار) با گلزن نمدی حرکت میکنند ۷۰۰ خانوار کوهواده زمستان از ده بید و اربعه حرکت و تابستان را در خسرو شیرین میگذرانند . ۳۰۰ خانوار جرگانی زمستان را در خفر و سماکن صرف میکنند . صد خانوار از بوگرو باصری در زمستان با کشکولی ها حرکت میکنند و سردسیرشان در دز کرد است . منالوها (۱۵۰ خانوار) زمستان در دشتی هستند و تابستان با همسایگان خود رحیمی ها به رودخانه میروند .

قبیله عمله یا خدمتگذاران شخصی ایلخانی شامل ۱۹۰۰ خانوارند . قبایل زیر با عمله حرکت میکنند تعداد خانوار آنها در پراکنندگی شده است : عبدالرحمانلو (۱۰۰) - عینکلو (۷۰) - آحرلو (۴۰) - عقبی و قره بهی (۱۰۰) - اردکیان (۲۰۰) - اصانلو (۱۰۰) - بهلولی (۱۰۰) - بهمن بیگلو (۱۰۰) - چگینی (۳۰۰) - دمیرچماقلو (۶۰) - غرائی (۱۵۰) - کلاه سیاه (۶۰) - کردشولی (۴۰۰) - سردسیر در چهار دنگه - لر (۱۰۰) - محمد زمانلو (۸۰) - نگاهدارلو (۲۰) - قائدللو (۵۰) - قره قاجلو (۳۰) - قرخلو (۱۰۰) - قزلو (۱۵۰) - قوجه بیگلو (۱۵۰) - قورت (۱۰۰) - قوتلو (۱۰۰) - سهمدینلو (۷۰) - سارویی (۱۵۰) - طیبی (۲۰۰) - توللی (۵۰) - اوریات (۱۵۰) . در میان قبائل قشقایی عده زیادی اسکان یافته و ده نشین هستند . نام آنها با تعداد خانوار و محل اقامت در زیر داده میشود : اغچه قبانلو (۵۰۰) که از اردبیل آمده و نزدیک فیروز آباد زندگی میکنند - اخرملو (۱۰۰) در اسوپاس - علی بیگلو و مرگ و ماری (۳۰۰) در قبر و قرزن - علی کردلو (۶۰) در کوه مره - عرب ذاخرو و بکر ذاخرو (۷۰) در اخرز - بیات (۳۰۰) نزدیک شیراز - چطر (۳۰) در مرودشت - دادخهی (۴۰۰) در دهرام - فیلی (۱۰۰) در شیراز - گوشهی (۱۵) در بیضا - هنو - گانلو (۱۰۰) در نهرضا - جامه بزرگی (۱۰۰) در جیره - خلیج (۳۰۰) در شیراز -

مسجد بردی	۷۰	چوگی
ده بزرگه (بیرون دروازه اصفهان در شیراز)	۱۵۰	ده بزرگی
بین فارس و کرمان مسافرت میکنند و گاو میخرند	۱۰۰	گاوباز
اوجان	۲۰۰	گرائی سرحد
دوره گرد و آهنگرند و در تمام ایران مسافرت میکنند ولی در فارس مالیات میدهند	۱۰۰۰	غربت
اردکان	۱۰۰	غوری
سرچاهان	۳۰۰	حسامی
احمدآباد (شش میلی مغرب شیراز)	۸۰	اسلاملو
شتریان هستند و بین قشقایی و خمسه پراکنده اند	۳۰۰	جد
بین سعدآباد و بهارلو نزدیک داراب	-	کوهستانی
زمستان در فسا - تاستان نزدیک شیراز و شمال بیضا	۲۲۰۰	کولو
بیضا	۳۰۰	کورونی
شتریان که میان قشقایی و خمسه پراکنده اند	۳۰۰	کوروش
آباد تشک	۵۰	کوشکاک
نعلبند و آهنگر که بس میان قشقایی و خمسه پراکنده اند	۳۰۰	لرگر
بیضا	۱۵۰	قره گوزلو
گردنه بابا حاجی نزدیک شیراز	۵۰	قره بیات
در دره جنوب شرقی شیراز	۲۰۰	شاهسون
کومره	۴۰۰	سوقلمچی
رامجرد	۲۰۰	سولو کلو

و در سمت جنوب کوه مبارك بیابان را از جاسك و مكران جدا میکند. نواحی شمیل و میناب در سمت شمال غربی حلقه که از تلاقی خلیج فارس و خلیج عمان تشکیل میشود قرار دارد و شامل بندرعباس میشود.

قسمت اعظم شمیل در مشرق بندرعباس قرار دارد و بشکل متوازی الاضلاع درازی است که گوشه شمال غربی آن نزدیک مغرب شهر است. این ناحیه يك دشت دریائی است که بین دریا و سلسله جبال که ارتفاع آنها معمولاً از ۳۰۰۰ پا متجاوز است قرار دارد. نقطه برجسته این ناحیه کوه گیناواست که ارتفاع قله آن در نقطه در ۱۸ میلی شمال - شمال غربی بندرعباس به ۷۷۸۳ پامیرسد. کوههای سمت شمال با شیب زیاد بالا رفته اند و در کوه نمك در منتهی الیه غربی به ۴۴۸۱ پا و در کول نیان در سمت شرق به ۶۰۵۷ پا میرسند. بین این دو نقطه چهار فاصله است که محل دره های بزرگ بسوی دشت است و کوهستان شکل نا منظم و غیره متصل بخود گرفته است. سلسله کوه زندان که تپه های ر و دبار نیز خوانده میشوند در سمت مشرق این ناحیه در همه جا تقریباً ارتفاع یکسان در حدود ۳۰۰۰ پا دارد. کوه بزرگی که خارج از این ناحیه است ولی از خلیج فارس دیده میشود کوه فرغون است که در ۴۲ میلی شمال بندر عباس واقع و ارتفاع آن ۱۰۷۵۸ پا است و در فصل زمستان از برف پوشیده شده است.

يك تپه یا پشته کوتاه از سنگ سیاه بموازات ساحل بفاصله سه تا ده میل وجود دارد و این ناحیه را بدو قسمت که خصوصیات مختلف دارند تقسیم میکند. بطور کلی ارتفاع این پشته در حدود ۲۰۰ پا است ولی در نقطه در سیزده میلی مغرب و شمال بندرعباس و در فاصله شش میل از دریا ارتفاع آن به ۱۶۴۵ پا میرسد. دشت حاصلخیزی بسمت مشرق تا کوه وجود دارد و بین پشته و ساحل قطعه باریکی است که نمك زار است و در بعضی نقاط نخلستان و کشت زار كوچك در آن دیده میشود. از این پشته تعدادی مسیل های عمیق که بجز در فصل باران خشك است بسمت ساحل کشیده شده است.

محصول عمده نواحی ساحلی خرما و جو است که غذای عمده اهالی را

تشکیل میدهد و در بعضی نقاط گندم و تنباکونیز بعمل می آید.

شهر میناب که در ساحل چپ رودخانه میناب قرار دارد در سمت مشرق

تپه هایی که ارتفاعشان تا ۶۴۰ پا میرسد آنرا احاطه کرده. در سمت جنوب

شهرکشت زارها و باغهای متعدد است و در اینجا منطقه نخلستان که شش میل عرض آن است شروع میشود و در امتداد رود میناب تا ۱۳ میلی دریا امتداد می‌یابد . بطوری که تخمین زده شده است در این نقطه در حدود ۲۰۰۰ خانه وجود دارد که جمعیت آن تقریباً ۱۰۰۰۰ نفر میشود .

بندر عباس در کنار خلیج کوچک قرار دارد و شامل یک هزار خانه خشتی سقف مسطح است و در حدود یازده میل و نیم در امتداد ساحل و نیم میل در داخله خاک امتداد دارد .

بزرگترین و مهمترین جزیره خلیج فارس در این قسمت جزیره قشم است که در مقابل ساحل قرار دارد و از لنگه تا بندر عباس امتداد دارد . جزائر لارک و هنگام را میتوان از نظر جغرافیائی از ضامم قشم محسوب داشت . طول جزیره قشم در درازترین نقطه شصت و هشت میل و حد متوسط عرض آن ده میل است . تقریباً تمام جزیره را تپه‌های کوتاه پوشانده و ارتفاعات جالب توجهی دیده نمیشود مگر کشکوه که مرتفعترین قله جزیره است و تقریباً در وسط جزیره در هفده میلی بصیدو قرار دارد و ارتفاع آن ۱۳۰۰ پا است . بجز دهکده‌ها جزیره قشم متروک و بی جمعیت است ولی در تپه‌های آن بعضی حیوانات زندگی میکنند . بعضی تپه‌ها از جمله نمکدان نزدیک ساحل در قسمت جنوب غربی جزیره دارای معدن نمک بسیار خوب است و بمقدار زیاد صادر میشود .

جمع کل جمعیت این جزیره در حدود ۱۳۵۰۰ نفر تخمین زده شده که نژاد مخلوطی از عرب و ایرانی هستند ولی اعراب تفوق دارند . اکثریت آن هاسنی هستند . در سال ۱۸۹۸ زلزله شدیدی عده زیادی از دهات را منهدم کرد . زبان آنها مخلوطی از عربی و فارسی است .

در این جزیره سی و سه دهکده وجود دارد و قشم که در منتهی‌الیه شرقی است دهکده عمده محسوب میشود . در سمت پشت و جنوب آن زمین بتدریج ارتفاع پیدا میکند تا شمال غربی شیب آن تند میگردد آب و هوای آن خنک‌تر از بندر عباس است . جمعیت قشم طبق ارقام موحود ۳۵۰۰ نفر است و اکثر آنها عرب هستند .

جمعیت همه لارستان در حدود ۹۰،۰۰۰ نفر تخمین زده شده است . آنهائیکه کنار دریا زندگی میکنند بیشتر عرب و زارعین و کشاورزان اغلب

علاوه بر دو طبقه نامبرده عده زیادی افراد بادیه نشین عرب را باید بحساب آورد که گرمسیرشان در لارستان است. اینها اغلب از اعراب جباره هستند که گرمسیرشان در این ایالت است ولی قسمتی از قبائل شیبانی نیز در فصل زمستان باین ناحیه می آیند. برای جزئیات شعب مختلف و محل سکونت آنها مراجعه شود به صفحات ۲۴۴ - ۲۶۸.

جمعیت بنادر شیب کوه (مغرب رأس بوستانه) اغلب عرب هستند که اکثر سنی و عده قلیلی شیعه میباشند. بهر دو زبان فارسی و عربی تکلم میکنند ولی بتدریج در بین افراد ایرانی اطراف خود مستهک میشوند اگرچه سعی میکنند طرز لباس عربی خود را حفظ کرده و بین خود بعبری صحبت میکنند. از قیافه و خصوصیات جسمانی آنها پیدا است که با همسایه های ایرانی خود از لحاظ نژاد فرق دارند. جمعیت بندر عباس در حدود ۱۲۰۰۰ نفر تخمین زده شده است و در فصل تابستان این عده به کمتر از یک چهارم تقلیل می یابد و اکثر اهالی به ناحیه میناب میروند که نخلستان فراوان دارد و هوا نسبتاً بهتر است. اهالی بندر عباس مخلوطی از ایرانی و بلوچی و عرب و افراد از اولاد سیاهپوستان هستند که عباسی نامیده میشوند. زبان رسمی فارسی است ولی اغلب اهالی یک نوع لهجه مخصوصی حرف میزنند که فقط در بین خودشان فهمیده میشود. جمعیت بیابان در ۸۰۰۰ نفر است که اغلب بلوچی و از قبائل رئیس و هات بوده و مذهب آنها سنی است.

اهالی شمال ایرانی هستند که بمقدار قابل ملاحظه با اعراب و بلوچی - ها مخلوط شده اند. زبان عمومی این ناحیه فارسی است که هرچه از بندر عباس دورتر میشود خالصتر میگردد. باستانهای در حدود ۱۲ دهکده که همه از بندر عباس غربی هستند و اکثراً سنی میباشند مردم این ناحیه بطور کلی شیعه هستند. در حدود ده تا پانزده سال قبل تعداد جمعیت این ناحیه بنیر از بندر عباس و میناب تقریباً ۲۵ هزار نفر بود.

جمعیت میناب در تابستان ۱۰ هزار و در زمستان ۷ هزار نفر است و شامل عده زیادی عرب و سیاهپوست و عده قلیلی تاجر هند و می باشد. در تابستان بعلت آمدن عده زیادی از بندر عباس و جزیره قشم که برای کار در نخلستانهای ناحیه

۷ - رودبار ناحیه غنی است که شمالی بشاگرد واقع شده است ، مانند جیرفت آب آن فراوان ولی جمعیت آن کم است .

۸ - ناحیه بشاگرد از قسمتهای کوهستانی و بیابانی جنوب رودبار و هامون جزموریان تشکیل گردیده ساکنین آن منسوب به رودباریها هستند ولی خون سیاهپوست نیز در آنها است .

جمعیت کرمان بوسیله سایکس (۱۹۰۲b) ۷۵۰ هزار نفر و توسط نیوکمب (۱۹۰۵) يك مليون نفر تخمین زده شده است که به خانه نشین و بادیه نشین تقسیم میشوند و بادیه نشین قسمت عمده ای از جمعیت را تشکیل میدهد . شهرنشین ها اغلب ایرانی هستند و گروههای متوالی مهاجمین در هر مورد بزندگی طبیعی و متحرک خود ادامه دادند .

کرمان پایتخت ایالت که ارتفاع آن ۵۶۸۰ پا است شهری است که دور آنرا صحرا فرا گرفته ولی چون محل تلاقی راههای بازرگانی است همیشه مرکز تجارتی مهمی بوده است .

جمعیت شهر کرمان بطور کلی از ایرانیهای مسلمان (شیعه و سنی) تشکیل میشود و عده ای فامیل غیر محلی اشراف شهر را تشکیل میدهند و بقیه به تجارت و دکانداری و قالی بافی مشغولند . عده ای ترك تبریزی نیز وجود داشتند که قبل از آمدن شرکتهای اروپائی صنعت قالی بافی در اختیار آنان بود ، چند فامیل ارمنی که بشغل منشی گری و نجاری مشغول هستند نیز در کرمان وجود دارند . در سال ۱۹۰۲ - ۱۹۰۳ جمعیت شهر کرمان در حدود ۵۰ هزار نفر تخمین زده میشود که از حیث آئین مذهبی از قرار ذیل بودند :

۱۲۰۰	صوفی	۳۷۰۰۰	شیعه
۱۶۰	یهودی	۷۰	سنی
۱۷۰۰	زردشتی	۳۰۰۰	بابی (بهائی)
۲۰	هندو	۶۰	بابی (ازلی)
۴۹۲۱۰	جمع کل	۶۰۰۰	شیخی

خبیس که ارتفاع آن ۱۸۶۰ پا است در ۵۶ میلی مشرق کرمان و در نقطه ایست که راه کاروان رواز کرمان بخراسان وارد لوت میشود . جمعیت آن در حدود ۵۰۰۰ نفر تخمین زده شده است که اغلب به تولید خرما و حنا اشتغال دارند .

جلوائی (۲۵) - خواجوئی (۱۰۰) - کرائی (۶۰۰) - خراسانی (۷۰۰) - سرزنده
 (۱۰) - شولترکی (۹۰) - سیا (۱۰) - طایریاری (۱۵) - یعقوبی (۲۰) .
 بردسیر : افشار عمویی (۲۵۰) - افشار میرحبیبی (۲۵) - احمد نظری
 (۲۰) - عسکر سیرجانی (۲۰) - بداوی کوهپنج (۱۰۰) - بدوئی (۲۵۰) - بدوئی
 حاجی خان (۲۰۰) - بلوچ (۳۰۰) - چرا به (۱۳۰) - غیائی (۱۰) - قدری (۶۰) -
 (حافظی) ۲۰ - ایلاقی (۵۰) - اذاجا (۷) - کوماچای (۱۰) - کتلو (۶۵۰) - لری
 کوهپنج (۱۲۰۰) - مستانی (۱۰) - معصومی پنج (۱۰۰) - مزنگ (۵۰) - نوشادی
 (۲۵۰) - پشت گداری (۱۰) - پشت کوهی (۸۰) - سرگداری (۲۰) - شیخ کوه سفیدی (۷۰)
 سیاهجل (۸۰) - سرخی عرب خان (۲۵۰) - یا کودی (۱۰) - یونسی (۱۰) - زلاله (۲۰) .
 پاریز : عرب حاجی حسین (۲۰۰) - بدوئی (۶۰) - لکو (۱۰) - لری (۲۰۰)
 رودخانه فریدونی (۱۰) .

اقطار و افشار : جمال بازری (۵۰) - قره قوینلو (۱۵۰) - سیوندی (۱۰۰) -
 تکالو (۳۰۰) - علی غزالو - قاسملو - جلالو - عمویی - پیر مرادلو - جان کولی عشاقی -
 فارسیمدان (۳۰۰۰) - بن لك (ناحیه رمبر) : دره مرادی - گودعلی - الیاسی -
 میرزائی - یارقائی (۱۰۰۰) - درویشی - گداری - جارچی - خدور - خواجه داعی
 نمازی - شهبازی - سهرابی - تهرانی - ضرابی - زردشتی (۱۰۰۰) .
 اسفنداقه : عنائی (۲۰) .

رائین : آقا رضا (۲۰) - حبیب (۳۰) - نوشادی (۷۰) - مقبلی (۱۰۰)
 جمال بریز : آقامدادی (۵۰) - امجدخان (۴۰۰) - دمانی (۳۰) - درم
 چنی یا محمد ناصری (۱۰۰) - دومر (۵۰) - فیوج یا لولی (۱۰۰) - کچکوهی یا
 خوجه (۱۰۰) - قائد (۴۰) - مشکونی - (۱۵۰) - میجان (۳۰) - پهلوان (۲۰۰) -
 سفجر بلوچ (۴۰۰) - شیخ (۵۰) - صلائی و میرشکار (۱۵۰) .

سردویه : ارپلو (۱۰) - بز سرخ (۱۰) - ده کنا (۱۰) - دیگوئی (۱۵) - فراشی
 (۴۰) - گروی (۱۵) - کناشی (۴۵) - غرائی (۱۰) - کشیمو (۱۰) - کرد (۲۰) -
 مقبولی (۵۰) - میرصلاحی - کوچامی (۱۰۰) - سلندری (۱۲) - سر بزائنی (۷) -
 سرحدی (۲۵) - شیخ (۱۲) - تیرگر (۱۵) .
 جیرفت : ولی عشاقی .

رودبار : ده خانی - گرکی - گولاشی کردی - گورجندی - جنینی - جولا -

در شمال دیزك كه بلوچستان انگلیس سمت مشرق آن قرار دارد بعلت وسعت خاك آب و هوای بلوچستان ایران متنوع است. ناحیه ساحلی مکران بسیار گرم و مرطوب و ناسالم است در حالیکه هر چه بطرف شمال و رو بارتفاعات برویم هوا خنک تر و سالم تر میشود. دره های ناحیه بمپور در فصل تابستان خفه کننده است و شهر بمپور از نظر بد آب و هوایی و ناسالمی معروف است. در ارتفاعات سرحد وضع کاملاً فرق میکند. در اینجا هوا خشک و مطلوب است و در فصل زمستان برف و یخبندان وجود دارد. در حقیقت در ماه فوریه طوفان برف حتی در بمپور هم دیده شده است. در قسمت کوهستان چهار فصل مشخص است ولی سمت جنوب فقط دو فصل دارد فصل گرما و فصل سرما.

در مکران فصل سرما از آبان تا اردیبهشت طول میکشد و گرما از خرداد تا آبان. درجه حرارت در زمستان در سواحل بین ۸۷ و ۹۴ و حداکثر درجه حرارت در تابستان از ۹۴ تا ۱۱۰ درجه است. باران نامعین است ولی معمولاً بین آذر و بهمن و گاهی تا اسفند نیز ادامه مییابد. حد متوسط میزان سالیانه باران بین شش و هفت اینچ است ولی در امتداد ساحل هیچوقت از سه یا چهار اینچ زیادتر نیست. قصر قند از حیث پشه معروف است و در نتیجه مالاریا در این نقطه شیوع دارد. در گه که فاصله زیادی با آن ندارد بین اردیبهشت و آبان گرما بسیار شدید است ولی این ناحیه ناسالم بنظر نمیرسد و مردم آن از مالاریا مصون هستند.

آب و هوای بمپور حتی برای بلوچستان بد است. در اثر آبیاری اراضی در امتداد رودخانه و صحرای شن سوزان آنسوی آن درجه حرارت بطور ناگهان تغییر میکند و گاهی بسیار خشک و گاهی سخت مرطوب میشود. در زمستان هوا مطلوب است ولی در آن فصل نیز اختلاف گرما و سرما نیز شدید است. در اسفند هوا شروع میکند بگرما و در فروردین معمولاً گرم و ناسالم میشود. در سرحد ماههای تابستان گرم و خشک است و شبها درجه حرارت پایین میآید و باد و طوفان شن زیاد است. باستانهای ماه شهریور که گاهی باران میبارد فصل تابستان باران ندارد. طوفانهای زمستانی از خلیج فارس از سرحد میگذرد و مرکز این طوفانها معمولاً رو بسمت جنوب است ولی کوه تفتان هر چه رطوبت در هوا است بخود جذب میکند و در نتیجه نواحی اطراف کوهستان در سالهای عادی باران کافی دارد. بادهای زمستانی گاهی سخت سرد است در قله

کوه تفتان معمولاً تا آخر خرداد برف دیده میشود. ارتفاع آن ۱۳۰۳۴ پا است. مکران از ساحل به داخل خاک تا آبریز اولین رشته تپه‌ها امتداد دارد و شامل سرزمینی است که حد متوسط عرض آن از شمال بجنوب شصت میل است بجز سمت مغرب. در اینجا تپه‌های بشاجرد بقدریج نزدیک ساحل میشوند و ناحیه جاسک را باریک کرده و بمرض که متر از بیست میل میرساند. از ساحل تا بیست میل دشت شن‌زاری است که چند رودخانه از آن عبور میکند و اغلب نقاط از درخت یا بسته گز پوشیده شده است. بعد از این دشت يك رشته تپه است که حد متوسط ارتفاع آنها بین ۱۰۰۰ تا ۲۵۰۰ پا است این تپه‌ها از خاک رس تشکیل یافته و بالای آنها سنگ سیاه است.

بعد از این رشته تپه‌ها سلسله کوه‌های سنگ آهک لشرکوه و کوه بم پشت است که در واقع خارج از حیطه مکران است ولی سرچشمه رود های این ناحیه میباشد. در جنوب همه رودخانه‌ها بدریا میریزد که عبارتند از رودخانه‌های نهنگ و سرباز و کاجو و گه و ریج.

اغلب رودخانه‌ها بجز بعد از فصل باران فقط قسمتی در سطح زمین هستند و بیشتر زیر زمین جاری هستند و این مطلب مانع از تبخیر آب میشود. خاک این ناحیه نسبتاً خوب و آب بقدر کفایت است و در بعضی نقاط مراتع عالی وجود دارد.

دهکده‌های مکران عبارتند از: گه (ارتفاع ۱۵۰۴ پا) دهکده بزرگه و مهمی است که شامل ۵۰۰ خانه است. بنت (ارتفاع ۱۴۰۰ پا) ده بزرگی است که اهالی آن اغلب بلوچی و عده‌ای غلام هستند و تعداد آنها در حدود ۲۰۰۰ نفر است. از محصول خرما که در این ناحیه بعمل می‌آید زندگی میکنند. مذهب در اینجا و سایر دهات و قصبات در بین اهالی بجز در میان بادیه - نشین‌ها نقش عمده دارد. مالاها خود را سنی معرفی میکنند ولی در حقیقت صوفی هستند. قصر قند (ارتفاع ۱۷۷۰ پا) دارای ۱۸۸۰ نفر جمعیت است که اغلب بلوچی هستند. باهوکلان دهی که اهالی آن ۱۰۰۰ نفرند در ۳۸ میلی

۱ - رجوع شود به نوشته سایکس در نشریه انجمن جغرافیائی جلد ۱۰ ص ۵۸۶ - ۵۸۸ و کتاب چاپ ۱۹۰۲ صفحه ۱۳۲ - ۱۳۴ و ۳۵۴ - ۳۵۵. همچنین اسکرین Skrine.

شمال گواتر قرار دارد. چبر در مغرب گواتر مهمترین شهر ساحلی است. زبان اهالی مکرانی است که يك لهجه بلوچی میباشد. زبان هندوستانی محولا فهمیده میشود ولی زبان فارسی بندرت بکار میرود. جمعیت آن در حدود سه هزار نفر است که اغلب بلوچ وعده کمی سیاهپوست هستند. در سالهای اخیر. در حدود ۳۰۰ نفر حیدر آبادی و ۲۰۰ نفر خوجه که تاجرو دکاندار هستند و تجارت شهر در دست آنها است در این شهر دیده میشوند.

مکران محل سکونت قبائل مختلف است که اغلب بلوچ هستند و اکثر آنها خود را از نژاد عرب میدانند. جمعیت مکران در حدود ۱۴۰ هزار نفر تخمین زده شده است.

قبائل عمده مکران از قرار زیر است.

بلوچ- افراد این قبیله که از حیث تعداد بزرگترین قبیله مکران است در همه جا از لشر گرفته تا جنوب بمپور و سراسر مکران تاجاه بهار و سواحل دیده میشوند. این افراد مردمی خوش بنیه و طاقت دار هستند و بسیاری از آنان بادیه نشین میباشند.

شیرخانزائی نهر وئی- این مردم در اصل از رودبار آمده اند و در اوایل قرن در حوالی بمپور سکونت اختیار کردند. مدت دو قرن بمپور در تسلط آنان بود تا اینکه ایرانیان آنها را از آن ناحیه راندند و سپس در فنوچ و گه مستقر شدند.

بولدی- بولدیها افتخار میکنند که قدیمیترین فامیل بلوچستان ایرانند ولی قسمت عمده املاک خود را از دست دادند و در اثر ازدواج در قبائل دیگر بخصوص شیرخانزائی مستهلك شدند. عده ای از آنها بالاخره جاسک و قصرقند و فنوچ را اشغال نمودند.

(۲) دشت بمپور که حد متوسط ارتفاع آن ۱۹۰۰ پا است بین رشته جبال بارز در شمال و تپه های بشاجرد و کوه لشر در جنوب قرار دارد. قسمت عمده این دشت صحرای شن است و پشته های شن در بعضی نقاط تا کوهپایه بسط دارد. در مرکز دشت در قسمت غربی آن باطلاق هامان جزموریان است که آب رود هلیری در سمت مغرب ورود بمپور در سمت مشرق و جویبارهای جاری از کوهستانهای شمال و جنوب را جذب میکند. در امتداد رود بمپور و سعب



شکل ۱۳ قبائل جنوبی ایران

آن باریکه زمین حاصلخیز و پسر درختی است که با سایر نقاط صحرائی دشت فرق دارد.

شهرهای عمده ناحیه بمپور عبارتند از بمپور و فهرج. بمپور با ارتفاع ۱۹۰۶ پا اکنون ده کوچک خرابی است و دیگر پایتخت ناحیه محسوب نمیشود. پایتخت فعلی این ناحیه فهرج است که اکنون ایران شهر نام دارد و در هفده میلی مشرق بمپور واقع شده است. جمعیت فهرج بین ۱۲ هزار تا ۱۵ هزار نفر تخمین زده شده است.

تازمان فوت بهرام خان برانزائی در ۱۹۲۱ هم بمپور و دیزک و ناحیه سرباز تحت تسلط خانواده برانزائی بود که اصلاً از دیزک آمده و این ناحیه را اشغال کرده بودند.

اهالی بمپور اکثراً بلوچی و از قبائل مختلف هستند و تخمین تعداد آنها مشکل است. اهالی شهر بمپور از نژادهای مختلف میباشند و نفوذ سیاهپوستان در آنها مشاهده میشود. زبان آنها بلوچی مکران است. فهرست و صورت قبائل بلوچ بمپور در زیر داده میشود:

برانزائی - این افراد اصلاً از نژاد افغانی هستند و اولین بار در جلق و دره دیزک مستقر شدند. بتدریج آنقدر قوت یافتند که فامیل حاکمه بزرگزاده را انداختند و تحت رهبری بهرام خان برهمه بمپور تسلط یافتند.

بلوچی - مراجعه شود به صورت مربوط به مکران.

بلوچ لشری - درباره بلوچهای لشری در جنوب دشت بمپور بین بیپ و کوه اپوران زندگی میکنند اطلاع زیادی در دست نیست. از بلوچهای معمولی بلندتر و قوی هیکل ترند. اگر چه بادیه نشین هستند در فصل خرما به دهات برمیگردند.

(۳) دیزک بین بمپور و سرحد بلوچستان انگلیس قرار دارد و در شمال آن ناحیه سرحد و در جنوب آن مکران است. ناحیه کوهستانی است که بوسیله یک رشته کوههای بلند که مهمترین آنها کوه بم پشت است از هم جدا شده است. رود مشکل از وسط آن از مغرب بمشرق جاری است. بعضی از

۱- رجوع شود به نشریه انجمن پادشاهی جغرافیائی جلد ۸۰ صفحه ۲۶۸ و

مقایسه شود با نوشته اسکراین ص ۳۲۴ با دداشت ۲ ذیل صفحه .

قسمتهای این ناحیه از حاصلخیزترین نقاط بلوچستان ایران محسوب میشود . فقط دو شهر مهم در این ناحیه وجود دارد . دیزك كه قلعه‌ایست در دره‌ای در حدود ۱۵ میل در ده میل قرار دارد و ارتفاع آن در حدود ۴۰۰۰ پا است . بوسیله شب رود مشکل آبیاری میشود . این دره بادره سیب و مگس از حیث حاصلخیزی شهرت دارد . سیب با ارتفاع ۳۶۵۰ پا شهری است در حدود ۱۵۰۰ خانوار و در کنار یکی از شعب رود مشکل واقع شده است . عرض دره سیب در حدود هشت میل است .

دیزك كه سابقاً در اختیار بزرگزاده‌ها بود به تسلط برانزائی‌ها درآمد . برانزائی‌ها بطور کلی در حوالی دیزك و حلق و ایرانشان زندگی میکنند . قبائل دیگر ناحیه دیزك از این قرارند :

بزرگزاده - اینها از نژاد کردند و اصلاً از بخارا در ترکستان شوروی آمده‌اند . نسلاً فامیل حاکمه این ناحیه بودند ولی همینکه بتدریج بر نفوذ برانزائی‌ها افزوده شد بزرگزاده‌ها از اهمیت افتادند .

کرد - بازماندگان کرد هائیکه سابقاً به سرحد تسلط داشتند به دیزك آمدند . تعداد قلیلی از آنها در مگس وجود داشتند ولی بتدریج از بین رفته‌اند . نوشیروانی - قسمت کوچکی از رندها بودند که در اصل در بلوچستان انگلیس زندگی میکردند و بایران آمده نزدیک کوهك استقرار یافتند .

(۴) سرحد محدود است از طرف شمال به سیستان و جنوب افغانستان در خطی از دهانه باغی تا کوه ملك سیاه . ناحیه کوهستانی است که دره‌های مرتفع که تا ۴۰۰۰ تا ۵۰۰۰ پا از سطح دریا ارتفاع دارند در آن وجود دارد . از مشخصات عمده این ناحیه کوه تفتان است که درست در مرکز آن واقع شده است . بغیر از آن ظاهر این ناحیه بیابان بی آب و علفی است که دشت و دره‌های آن فاقد سبزی و درخت است و چشم چیزی نمی‌بیند بجز خاک قهوه رنگ فرسوده و گرده باد در آن فراوان است . آب جاری از کوه تفتان بعضی نقاط را آباد کرده است . دره عمده آن یعنی دره وشت در حدود سی میل طول دارد و در جهت جنوب شرقی واقع شده است تردیدی نیست که زمانی این دره حاصلخیز بوده ولی قبائل دمانی آنرا به صحرا تبدیل کرده‌اند و فقط نقاط کوچک پراکنده کشت میشود .

جمعیت ناحیه سرحد بطور کلی بادیه نشین هستند و بر حسب دست یابی به مراتع محل خود را تغییر میدهند. غله مورد احتیاج خود را از سیستان و نرماشیر وارد میکنند.

شهر های عمده آن عبارتند از: دشت (خاش) ۱ بار تفاع ۴۵۰۰ پا محلی است که بعلت خاک حاصلخیز و وجود آب امکان توسعه و آبادی آن زیاد است. دزداب (زاهدان) واحه کوچکی است بار تفاع ۴۵۰۰ پا که بعلت واقع شدن در انتهای راه آهن کویت اهمیت پیدا کرده است - گوشت بار تفاع ۴۸۰۰ پا در شصت میلی جنوب و شت در مرز جنوبی سرحد قرار دارد.

این ناحیه بین ۱۹۰۸ تا ۱۹۱۶ کاملاً تحت تسلط دمانی ها قرار داشت. قبائل عمده آن عبارتند از:

ریکی - قبائل ریکی در ناحیه ای بین دامنه شمالی کوه تفتان تا هلمند سکونت دارند و بسه شعبه عمده تقسیم میشوند که فقط ناتوزائی ها ساکن دائمی سرحد میباشند. این گروه از ۵۰۰ تا ۶۰۰ خانوار متشکل است و مالک گله های بزرگ گوسفند و بز میباشند. مرکز عمده آنها لدیس است که حدود آن عبارتست از سمت مغرب خط دزداب - شورگز و از سمت جنوب خط شورگز - کوه تفتان - ریکه ملک و از شمال شرقی به بلوچستان انگلیس.

اسمعیل زائی - اسمعیل زائی ها در مغرب ریگی ها در تپه های جنوب خط دهانه باغی - کوه ملک سیاه و از جنوب تا کوه مرغک زندگی میکنند. از قبيله توخی هستند و گفته میشود که در اصل تحت تسلط سنجرائی ها بودند. اساساً بادیه نشین هستند و مستقل تر از ریگی ها میباشند. تعداد آنها در حدود ۴۰۰ خانوار و متشکلند از: اله بخش زائی (۱۰) - بلوزائی (۱۰) - درازائی (۵۰) - فقیر زائی (۵۰) - هادی زائی (۲۰) - کمر زائی اسمعیل زائی (۶۰) - جمشیر زائی (۱۵) و رادوزائی (۳۰). قبائل زیر را که اسمعیل زائی خالص نیستند ولی سالها است بین آنها زندگی میکنند میتوان با آنها اضافه کرد: گورکیچ (۲۰) - حسن زائی (۳۰) - کمر زائی محمد زائی (۵۰) - محمد زائی (۱۲) -

۱- اسکراین (ص ۳۲۶ - ذیل صفحه) این کلمه را خواش یا خاش ذکر

کرده است. گفته میشود که در ۱۹۱۶ و ۱۹۲۹ سنگهای شهابی در این ناحیه افتاده است.

شاهوزائی (۲۰) - تاتوزائی (۲۰) - دمانی - دو تیره مشخص دمانی وجود دارد یکی یار احمد زائی و دیگری گمشادزائی . (اسکراین صفحه ۳۲۶) . دسته اول همیشه در حوالی خاش و سمت بمپور زندگی کرده اند و دسته دوم بیشتر سمت جنوب و جنوب شرقی بودند و مرکز آنها در گوشت و جلق است و به تناوب مراتع سفیدکوه و نوکدار دره را مورد استفاده قرار میدهند .

یار احمدزائی ها کاملاً با بیه نشین و افراد خوش هیکل میباشند . تعداد آنها در حدود ۲۵۰ خانوار و متشکلند از : میرغولزائی - محمدغولزائی - روشن - زائی - شیرازائی - سهرابزائی - باینها گروههای کم اهمیت زیر را که اگر چه یار احمد زائی نیستند ولی با آنها رابطه نزدیک دارند میتوان اضافه کرد : بورانزائی - جمشیرزائی - محمد زائی - رهمرزائی ، تعداد گمشادزائی ها ۳۰۰ تا ۳۵۰ خانوار و شامل شعب زیر میباشند . عرضه زائی گوشت (۴۰) - دادخدا - زائی (۷۰) - کرم زائی گوشت (۲۰) - جها نگیر زائی (۳۰) - مزار زائی سیب (۶۰) - مراد زائی (۵۰) - محمدزائی گوشت (۲۰) . باینها میتوان گیسادزائی - هارا (۳۰) که در جلق زندگی میکنند اضافه کرد .

کرد - کردها در حوالی کوشا و خاش و تمین هستند و تعداد آنها قلیل و از باقیماندگان آنهائی هستند که زمانی سرحد را در اختیار داشتند .

میر بلوزائی - این یک قبیله زارع و مالک و از نژاد کرد هستند . در نقاط مختلف حاصلخیز سرحد زندگی میکنند . عده زیادی از آنها در دره نراب میباشند .

هاشم زائی - گروه کوچکی (۴۵ خانوار) زارع و گله دار هستند که زمانی میان قبیله ریگی بودند و از هاشم زائی های سیستان و بلوچ میباشند .

تمیندانی - تمیندانی ها که اصلاً پارسی هستند در حدود ۶۰ خانوارند . در ارتفاعات کوه تفتان زندگی میکنند و مردمانی قوی و سالم میباشند و همه احتیاجات خود را خود فراهم مینمایند .

براهوئی - این قبیله که از ۳۰ خانوار متشکل است نزدیک دجینک زندگی کرده و رهبری ریگی ها را قبول دارند . براهوئی ها مردمان قوی و خوش هیکل هستند .

خواشی - قبیله کوچکی متشکل از ۱۵۰ خانوار است که ظاهراً از بومیان اصلی هستند و در دره خاش زندگی میکردند . بادهورها که در جنوب درسیب و

بمبور زندگی میکنند نسبت دارند . هم آنها و هم براهوئیها خود را اربابی میخوانند . با بلوچها ازدواج نمیکند ولی در اثر سختی معیشت بسیاری از آنها مجبور شدند دختران خود را به یاراحمدزائیها بدهند . قد آنها کوتاه است . در دیزک و تاحد کمتری در بمبور و سرحد اربابیها و دهورها زندگی می کنند که ظاهراً از اهالی اصلی و بومی این ناحیه میباشند . زارعین و کشاورزان خوبی هستند ولی در همه جا تحت تسلط دیگران واقع شده اند .

ساکنین جاسک اغلب مکرانی که يك لهجه بلوچی است و کمی فارسی حرف میزنند . در سالهای اخیر ده ایرانی شامل ۲۸ خانه سنگی و ۷۵ خانه حصیری بود . جمعیت آن ۴۰۰ نفر شامل بلوچی و سیاهپوست میباشد که بماهگیری و کشاورزی اشتغال دارند .

سیستان

ناحیه سیستان که گاهی از ایران و افغانستان هر دو مجزا و مستقل بوده زمانی شامل کلیه سرزمینی که توسط هیرمند مشروب میشد میگردد . در اینجا در این کتاب سیستان بناحیه داخل خاک ایران اطلاق میشود و شامل چخانسور که در افغانستان است نیست .

هیرمند و قرحرود و هرودرود و خاشرود در سیستان جاری میشوند و در موقع سیل دریاچه بزرگ هامون را تشکیل میدهند . چون هیرمند دائماً تغییر مسیر میدهد مصب رودخانه از سه قسمت تشکیل میشود . اولی شامل قسمت جنوبی سیستان است که چون قرنهای است رودخانه آنرا ترك کرده تبدیل بسرزمین بی آب و غیر مسکونی گردیده است . دومی کاملاً در خاک افغانستان قرار دارد و بعلاوه انحراف رودخانه بیابان بی آب و غیر مسکونی شده است . سومی که شامل سیستان و چخانسور است از آب هیرمند و سه شعبه آن آبیاری میشود . بین این سه مصب دشتهای سنگلاخ است که هرگز آبیاری

قسمت جنوبی سیستان قطعه زمین بی آبی است که فاقد هر گونه نباتات است در سمت مغرب از سائپندک در جنوب تا بندان در شمال کوهستان است . در شمال دشت بيك سلسله صخره خاتمه می یابد که ۳۰ تا ۱۵۰ پا ارتفاع آنهاست و از هیرمند مقابل کوهک شروع شده و از کنار جنوب قسمت مسکونی سیستان تا نزدیک حوضدار میرسد .

کوه خواجه بارتفاع ۲۰۳۷ پا يك تپه مجزای سر صاف سنگ سیاه است و یگانه نقطه مشخص طبیعی این ناحیه است .

در داخل و قسمت پر جمعیت رود سیستان درخت وجود ندارد ولی در سواحل هیرمند درخت گز فراوان است. دشتهای مصب در همه جا از بته خارونی پوشیده شده و منظره سبز باین ناحیه میدهد. وقتی در موقع سیل به هیرمند نزدیک شویم چیزی بجز يك منطقه وسیع آب دیده نمیشود . در سایر مواقع نیز آنها بقدری متراکم و بلند هستند که از سواحل زمین آب رودخانه بندرت دیده میشود .

آب و هوای سیستان بسیار متغیر و متنوع است . فقط دو فصل وجود دارد زیرا بهار و پائیز در حقیقت ندارد. خرداد و تیر ماه سخت گرم و طاقت فرسا است و درجه حرارت به ۱۱۶ میرسد . از اواخر خرداد باد معروف به صد و بیست روز آغاز میشود و مدام میوزد تا اواسط مهر اگر چه شن و صدای آن ناراحت کننده است ولی در ضمن حشرات را دور میکند و از گرما میکاهد و این ناحیه را از امراض تیفوس و آبله و بیماریهای دیگر که در ماه خرداد و تیر وجود دارد حفظ مینماید.

در زمستان این ناحیه تحت تأثیر طوفان برف واقع میشود و در فواصل سه یا چهار هفته میآید و هر دفعه دو تا سه روز طول میکشد .

میزان باران کم است و در سالهای معمولی حد متوسط دو اینچ و نیم است. سیستان شاید یکی از سالمترین نقاط مشرق ایران باشد و این امر را میتوان به وزش باد که در بالا نام برده شد نسبت داد . امراض اختصاصی این ناحیه عبارتند از: تیفوس- آبله- حصبه و امراض مقاربتی .

شهرهای عمده سیستان عبارتند از: علی آباد که قصبه ای است شامل ۲۵۰ خانه و دارای آب جاری و باغات زیاد است و جمعیت آن در حدود ۱۵۰۰ نفر است . بیرجند که در شیب شمالی يك دره سنگی ساخته شده و جمعیت آن در حدود ۱۰ هزار نفر است از اولاد کردهای شاهدلو هستند ولی در بازار بزرگ آن عده ای ایرانی و ترك دیده میشوند .

دولت آباد که جمعیت آن ۲ هزار نفر است . نصرت آباد پایتخت سیستان که دوازده هزار نفر جمعیت دارد. نه، که در دشت مرتفع بایری واقع و دور آنرا تپه فرا گرفته است .

قائن که جمعیت آن ۴ هزار نفر است که يك چهارم آنها سید و بقیه برزگر ایرانی هستند. طبق نظر هیئت حکمیت (۱۹۰۲-۱۹۰۵) جمعیت سیستان ۱۳۶۵۹۱ و این تعداد بعلت مهاجرت دائم اهالی بین خاک ایران و افغانستان همیشه تغییر میکند.

ساکنین سیستان ایران و افغانستان از حیث ترکیب جمعیت و قبائل نژادهای مختلف شبیه یکدیگرند و متشکل هستند از ایرانی و عرب و ترک و بلوچ و براهوئی و افغانی و غیره. بعضی از قبائل عمده از قرار زیر میباشند.

سنجرائی بلوچی- این قبیله در اصل در حدود سال ۱۸۰۰ میلادی از بلوچستان آمدند. در اینکه این قبیله شاخه از بلوچهای توخی باشد تردید است ولی شك نیست که سایر قبائل توخی سیستان ظاهراً نسبت باین قبیله اظهار وفاداری مینمایند. نوری بلوچی- این قبیله که متشکل از ۴۰۰ خانوار است در دهات خواجه احمد و جلال آباد سکونت دارند.

توخی بلوچی- همه قبائل بلوچی سیستان متعلق به توخی هستند که عمده ترین آنها سارونی ۴۵۰ خانوار و جمال زائی ۳۰۰ خانوار و گرگیه ۴۰۰ خانوار می باشند.

براهوئی- این قبیله که دو شعبه محمد حسنی آن یعنی یاغی زائی و زرکاری با ۸۰۰ خانوار میباشند در نزدیکی لوتک زندگی میکنند.

سربندی- این قبیله که قبیله عمده فارسیوان سیستان و شیعه هستند مرکب از ۳۰۰۰ خانوار و در سراسر سیستان پراکنده هستند.

شاهرگی فارسیوان- این گروه مرکب از ۱۰۰۰ خانوار است.

خیمر فارسیوان- این قبیله مرکب از ۲۵۰ خانوار است.

زرکزائی بلوچی- این قبیله بادیه نشین مرکب از ۳۰۰ خانوار است و

شترهای خود را در امتداد مرز بین هامون و درود چرا میدهند.

شېك- يك شاخه این قبیله شیعه مرکب از ۱۰۰ خانوار بین نه و سفید اوه و

شاخه دیگر در شمال قائنات زندگی میکنند.

مورائی- این يك قبیله كوچك بلوچ و مرکب از ۱۰۰ خانوار است که در

دامنه کوه پلنگان سکونت دارند.

هراتی- هراتی ها که از قبایل فارسیوان و متشکل از ۱۰۰ خانوارند ادعا

میکنند که دراصل ازهرات آمده‌اند .

میرعرب - این‌عده که شیعه هستند از ۷۰ خانوار متشکلند .
صیاد - عبارتند از عده ماهیگیر و شکارچی مرغان وحشی که درکنار هامون زندگی میکنند .

این افراد قد کوتاه و سیاه‌چهره هستند و بلهجه مخصوصی حرف میزنند و معمولاً آنها را از اهالی بومی محل میدانند .

سیدها - این افراد نسبت خود را از طریق حضرت امام حسین به حضرت پیغمبر میرسانند .

تعداد آنها در سیستان در حدود ۲۰۰ فامیل است و در نقاط و دهات مختلف پراکنده هستند و رؤسای آنها شغل ملای ده را بعهده دارند .

علاوه بر آنچه در بالا ذکر شد دو قبیله دیگر هستند که از بلوچستان مهاجرت کرده‌اند .

یکی ماککی که سنی هستند و تعداد آنها ۱۰۰ خانوار است و دیگری خود بدانی است که از ۳۰۰ خانوار متشکلند . بطور کلی بلوچی‌ها و براهوئی‌ها و افغانها و تاجیکها و عربها سنی (در حدود ۳۰ هزار نفر) و بقیه شیعه هستند .

یزد

ایالت یزد هم از نظر جغرافیائی و هم از حیث بازرگانی در ایران موقعیت مرکزی دارد . خود ایالت جمعیت زیادی ندارد و از تعدادی دهات و قصبات در شمال شرقی و شمال غربی و جنوب شرقی و جنوب غربی شهر یزد که کلاً ۹۵۱ دهکده میشود تشکیل گردیده است . جمعیت آن در سال ۱۹۰۰ در حدود بیست هزار نفر تخمین زده میشد و در مدت سی سال به ۸۰ هزار نفر رسید که ۷ هزار نفر زردشتی هستند .

چون آب فقط در عمق ۲۰۰ متری بیعد پیدا میشود آب و هوای آن خیلی خشک است. در بهار و تابستان از سمت شمال و مشرق بادهای سخت میوزد و چنان طوفانی از شن به همراه می‌آورد که هوا مثل شب تاریک میشود و گرمای خشک‌کننده همه چیز را در راه خود می‌سوزاند . دشتهای اطراف بایراست و هیچگونه سایه درخت وجود ندارد ولی در حوالی شهر یزد باغهای بزرگ یافت میشود . در دره‌های کوهستان مغرب یزد و در تفت که در ۱۶ میلی شمال غربی شهر است اشجار و نباتات زیاد است .

درجه حرارت از چند درجه انجماد در تابستان تا ۹۰ و ۱۰۵ درجه تغییر میکند. وقتی هوا در یزد ابر است معمولا برفراز کوهستان باران یا برف می آید. در دشت ها میزان ریزش باران کم است و برف قابل ملاحظه نیست زیرا بمحض افتادن آب میشود ولی در نقاط محفوظ کوهستان برف باقی میماند و در فصل تابستان مورد استفاده اهالی شهر قرار میگیرد. ارتفاع یزد از سطح دریا ۴۰۷۵ پا است. دشت های بزرگ بسمت شمال و جنوب امتداد دارند ولی در حدود یک میل خارج از شهر باغات بر شن صحرا تفوق حاصل کرده است. جمعیت آن بین ۵۰ هزار تا ۶۰ هزار نفر تخمین زده شده است و در بین آنان زردشتی ها اقلیت مهمی تشکیل میدهند و در حدود هزار نفر آنها در خود شهر زندگی میکنند. یک هزار نفر یهودی نیز وجود دارد. شهر یزد از لحاظ بازرگانی مهمترین نقطه راه کاروان رو هزار میلی بین بندر عباس و مشهد است و از این شهر بسایر نقاط و شهرهای عمده جاده ساخته شده است.

خراسان

خراسان که بزرگترین ایالات ایران است بین ۱۵۰ هزار تا ۲۰۰ هزار میل مربع وسعت دارد، بطور کلی کوهستانی است ولی در سمت شمال حاصلخیز و پر آب است.

سلسله جبال خراسان که حلقه بین البرز و پامیر را تشکیل میدهد مانع طبیعی قابل ملاحظه ای برای قبایل بادیه نشین مهاجم ترکستان شوروی میباشد. چند رشته متوازی در جناح دره های وسیع بجنورد و قوچان و مشهد واقع شده است. قسمت شمالی که شامل دورشته متوازی است کوهستانی پر شیب است که بدون انقطاع خط مرزی بین گیفان در مغرب و سرخس در مشرق را تشکیل میدهد. کوه شاجهان که گفته میشود مرتفعترین قله خراسان از ۱۰ هزار پا متجاوز است در بین کوهستان و تپه ها و دره های دور دست و دهکده های کوچک پنهان است که محل مزارع حاصلخیز و بوستان و درختان سرسبز است.

خراسان سه رودخانه عمده دارد: اترک مهمترین آنها مرز بین چات اترک تا حسنقلی را تشکیل میدهد. گرگان که از فلات ارموتلی سرچشمه گرفته و بدریای خزر میریزد و هریرود که مرز از کافر کلا تا کشت کلا را تشکیل میدهد.

دو صحرای بزرگه یعنی دشت کویر و دشت لوت داخل این ایالت شده اند^۱ اولی که عرض آن بین ۸۰ تا ۱۵۰ میل است از نزدیکی قم شروع شده و بمسافت ۴۰۰ میل تا مرز ترشیز امتداد دارد. میانگین ارتفاع این صحرا از سطح دریا فقط ۵۰۰ تا ۶۰۰ پا است. دشت لوت قسمت بزرگی از ناحیه جنوب شرقی را اشغال کرده و آنرا میتوان متوازی الاضلاعی دانست که زوایای آنرا شهرهای نه و طبس و یزد و کرمان تشکیل میدهند.

آب و هوای این ایالت بین ۱۰ درجه فارنهایت در زمستان و ۱۱۰ درجه در تابستان متغیر است، حدمتوسط ریزش باران ۷/۸۲ اینچ است و حدمتوسط برف در سال ۱۸ اینچ است که در رقم باران بحساب نیامده است. ماههای بارانی عبارتند از: فروردین، اردیبهشت، آذر و دی.

بررسی وضع بهداشتی نشان میدهد که انواع مختلف تب در این ایالت وجود دارد. پشه مالاریا تا ارتفاع ۴۰۰۰ پا نمومیکند و مالاریا و تب پشه خاکی زیاد است مرض سالك فراوان است. وبا گاهی در خراسان بروز میکند و سیاه زخم چه در انسان و چه در حیوان معمولی است. امراض مقاربتی نیز فراوان است.

اینک شرح مختصری درباره شهرهای عمده خراسان داده میشود. بجنورد بار ارتفاع ۳۳۰۰ پا در دشت حاصلخیزی قرار گرفته، دور آنرا کوهستان احاطه کرده. این دشت پر از درخت و باغات و مزارع سرسبز است. جمعیت آن در حدود ۱۰ هزار نفر است که اغلب از کردهای شاهدلو هستند و بزبان کردی تکلم میکنند. اکثریت آنها شیعه و معدودی بهائی هستند. چناران در سر راه بین مشهد و قوچان واقع شده و جمعیت آن در حدود سه هزار نفر است که اغلب کردهای زعفرانلومیباشند. قوچان بار ارتفاع ۴۲۸۰ پا و جمعیت آن ۱۵ هزار نفر است که از کرد و ترک و ایرانی متشکلند. مشهد پایتخت خراسان بار ارتفاع ۳۱۹۷ پا دارای ۱۲۰ هزار نفر جمعیت است، هر سال هزارها نفر از شیعیان آسیای مرکزی و افغانستان و هندوستان و ایران برای زیارت به مشهد مقدس مسافرت میکنند. سرخس در سال ۱۹۲۹ دارای ۴۰۰۰ نفر جمعیت بود که مرکب بودند از ترک و بلوچ و کرد و ایرانی و عده مهاجرترکمن از روسیه شوروی.

۱ - برای وجه تسمیه کویر رجوع شود به کرزن a ۱۸۹۲ جلد ۲ صفحه

۲۴۶-۲۴۷ و مقایسه شود با شرح بیدلف.

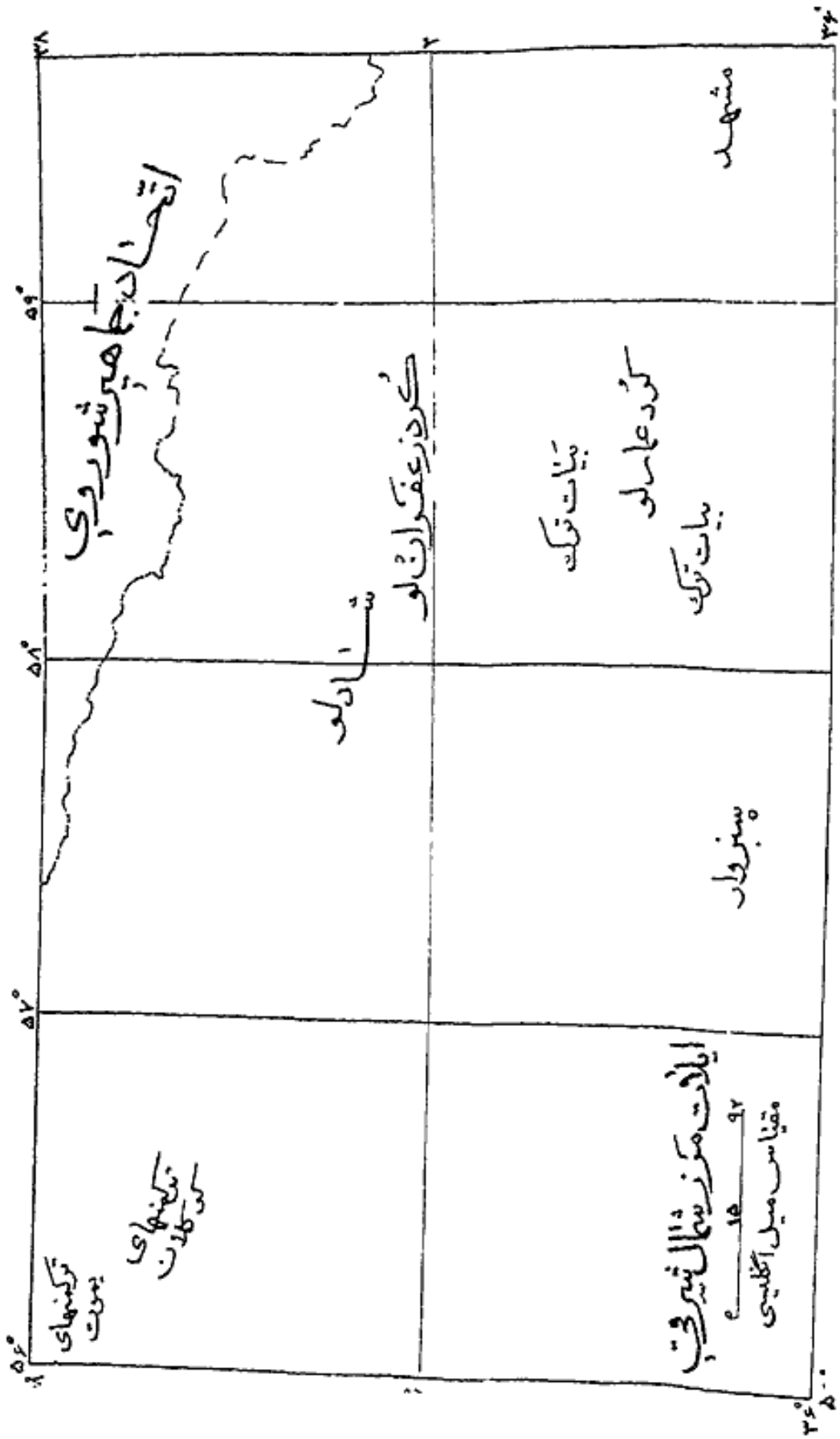
جمعیت خراسان که تقریباً سه میلیون نفر است بسیار مخلوط است ولی ایرانی‌ها بیشتر در نواحی شمالی هستند (رجوع شود به نوشته ایوانف ۱۹۲۶).
 ترکمنهای از قبائل گوکلان و یاموت در نواحی سرحدی شمال شرقی سکونت دارند. در قوچان و بجنورد و دره گز بیشتر قبائل کرد هستند. مرز شمالی بخصوص ناحیه کلان نادری محل سکونت ترکها است که در تمام قسمت شمالی ایالت خراسان پراکنده هستند. مرکز آنها را میتوان دره جام دانست و در آنجا عده‌ای تیموری و بلوچی نیز وجود دارد که حتی از آن نقطه فراتر رفته و تا سرخس و داخله شوروی پراکنده شدند. در ترشیز وقائن و فردوس و طبس سابقاً افراد قبائل از نژاد عرب دیده میشدند.

ترکمنهای گوکلان - که در مراتع دره‌های سومبروچندر زندگی می‌کنند قبیله بادیه نشینی هستند مرکب از ۲۰۰۰ خانوار. دوشاخه عمده ترکمنهای گوکلان و محل سکونت آنها در زیر شرح داده شده است و این مطالب مربوط بسال ۱۹۲۹ میباشد.

(۱) قره‌قل با ۲۰۰ خانوار در دره جرگلان در پانزده میلی آق دره زندگی میکردند. بعلاوه ۴۰ خانوار در بچه دره و کوهستان اشک نزدیک مرز شوروی و ۴۰ خانوار در آمندو ۵۰ خانوار در اگری کبا نزدیک مرز فعلی شوروی و ۷۰ خانوار در حصارچه و نواحی آن زندگی میکنند.

(۲) نخولی متشکل از ۱۰۰ خانوار در قسمت شرقی و شمالی دره جرگلان زندگی میکنند. قبائل فرعی بگی و ملامحمد در گذر عدلی ۳۴ میلی مشرق حصارچه سکونت دارند.

ترکمنهای یاموت - سواحل رود اترک و رود گرگان تا بلکان و کراسنو - و دسک محل سکونت ترکمنهای یاموت است. رویه مرفته ۳۰ هزار خانوارند که ۷ هزار خانوار آنها در خراسان هستند. شعب عمده آنها در ۱۹۲۰ از این‌قرار بود:



شکل ۳: ایلات مرکز شمال شرقی

نام	محل سکونت
کوجوک	بین گنبد قابوس و رامیان
ایکدر	بین گنبد قابوس و کتول
قره‌چای	نزدیک گنبد قابوس
کنیا کمز	بین گنبد قابوس و خجیده
جعفر بائی	بین گنبد قابوس و خجیده (تاچیکیشلیار)
چرپا	از راه آهن در خاک شوروی تا گنبد قابوس
دونجی	نزدیک مرز بجنورد و گنبد قابوس

در ۱۹۲۹ قبائل فرعی ترکمنهای یاموت در نواحی زیر سکونت داشتند .
 (۱) قبیله دوچی متشکل از ۵۰۰ خانوار در ناحیه چناران - مراوه تپه و چت . این قبیله تقسیم میشد به کزکانلی با ۲۵۰ خانوار در ناحیه چناران و چت نزدیک رود اترک - کرد اقلی با ۲۵۰ خانوار در ناحیه مراوه تپه و ساحل شرقی رود اترک - قبیله قربان نیاز در چناران .
 (۲) قبیله غروی متشکل از ۴۰۰ خانوار بین مراوه تپه و کوشا تپه در ساحل رود اترک .

(۳) قبیله آق ترکمن متشکل از ۷۰ خانوار در ناحیه سوقه .
 (۴) قبیله چنغر متشکل از ۴۰۰ خانوار پراکنده در نواحی کوهستانی .
 کردها - تعداد کردها در خراسان در حدود ۱۵۰ هزار نفر است و اینها از اولاد کسانی هستند که بفرمان شاه عباس برای جلوگیری از نفوذ ترکمنها باین ناحیه کوچ داده شدند . تقسیمات قبائلی آنها از این قرار است :
 (۱) عمارلو متشکل از ۵۰۰ خانوار که در دشت مروش در شمال غربی نیشابور زندگی میکنند . شیعه هستند و زبان خود را حفظ کرده‌اند .
 (۲) شاه‌دلو در قوچان و بجنورد زندگی میکنند . افرادی خوش هیكل هستند و تعداد آنها ۷۵۰۰۰ نفر است .
 (۳) زعفرانلو در قوچان و شیروان زندگی میکنند و تعداد آنها ۵۰ هزار در قوچان و ۱۲ هزار در شیروان است . مردمی خوش هیكل و قوی و خوش لباس میباشند و خانه‌های خوب دارند . از آنها ۴۹ هزار نفر اسکان یافته و ۱۳ هزار نفر بادیه‌نشین هستند .

(۴) کیوانلوها قبیله کردهستند که شاه عباس در سال ۱۶۰۰ میلادی آنها را با زعفرانلوهای قوچان و شاهدلوهای بجنورد از کردستان بخراسان کوچ داد. دسته‌های پراکنده این قبیله در دره گز و قوچان و جوین و نواحی دیگر دیده میشود ولی مرکز آنها در رادکان است. کیوانلوها سابقاً مانند سایر قبائل کرد که بخراسان کوچ داده شده بودند بادیه نشین بودند ولی بالاخره استقرار یافته و بکشاورزی مشغول شدند و فقط عده قلیلی در حدود ۸ هزار نفر به بادیه نشینی ادامه دادند.

چهارایمک - این نام مخصوصاً به هزاره‌های هرات و بعضی دیگر از قبائل مرزایران و افغانستان مانند تیموریها اطلاق میشود (رجوع شود به نوشته استورات صفحه ۱۴۸ و هاکین صفحه ۳۶۱) تیموریها که سنی هستند از لحاظ قیافه شبیه عربها هستند ولی سیاه چهره‌ترند. این قبیله از ۶ هزار خانوار متشکل است که در تربت شیخ جام باخزر و روی خاف پراکنده هستند. عده زیادی از آنها چادر نشین هستند و گله‌های بزرگ گوسفند و بزدارند و بقیه به زراعت مشغولند: تیره می‌شماست شیعه هستند.

هزاره - هزاره‌ها از هزارجات افغانستان بایران مهاجرت کرده و شیعه هستند. در ۱۸۹۱ امیر عبدالرحمن خان آنها را منکوب کرد و املاک آنها را تصاحب نمود. عده‌ای از آنها بخراسان آمدند و برخی به بلوچستان رفتند. ایرانیها آنها را بربری نامیدند زیرا از بند بربر در هزارجات آمده بودند. این نام آنها را از هزاره‌های سنی که قسمتی در هرات و قسمتی در خراسان زندگی کرده و اصل آنها از هزارجات نبود متمایز میکرد. هزارهای کوهستانی در ناحیه بزرگی از خراسان تا بجنورد و شیروان و دره گز و سرخس و دره جام و کشف رود پراکنده هستند. عده‌ای از آنها در واحد مرو در جه‌هوری ترکمن شوروی وجود دارد. دو شاخه عمده این قبیله یعنی دزنگی و جنور به شعب کوچک بسیار تقسیم بندی میشوند. هزاره‌ها در اصل از بقایای هزار فامیل هستند که چنگیزخان بعنوان يك کلنی در نزدیکی رود سیحون باقی گذاشت. شغل عمده قبیله کشاورزی است ولی عده زیادی به آهنگری و نجاری و زین‌دوزی اشتغال دارند.

ترکها - ترکها در تمام خراسان پراکنده هستند. علاوه بر عده زیادی

ترك قفقازی و تبریزی که به تجارت و کارهای حمل و نقل اشتغال دارند تیره - های عمده ترك عبارتند از قبائل افشار و چولایی و غرائی - قزلباشهای دره جام که اغلب در حوالی تربت شیخ جام زندگی میکنند نیز ترك هستند و گفته میشوداز همان قبائلی هستند که در چند اول کابل زندگی میکنند و قوم و خویشان آنها در پشاور هستند .

غرائی - غرائی‌ها در ترشیز و تربت حیدری زندگی میکنند و تمام آنها به زراعت مشغولند . عده آنها چهل هزار خانوار است .

بلوچی - در فصول مختلف سال چند قبیله بادیه نشین بلوچی از سرخس به قیصور مهاجرت میکنند مهمتر آنها عبارتند از :

(۱) سالارخانی متشکل از ۵۰۰ خانوار در ناحیه خواف .

(۲) ابراهیم خانی که در فصل زمستان در حوالی جنگل و باغ بخشی

و قیصور اردو میزنند و در تابستان در شاهان بالا و علیک جمع میشوند .

(۳) قبیله زرداد خانی .

(۴) قبیله جان بیگی که در فصل زمستان پراکنده هستند و در تابستان

نزدیک سرخس ظهر آباد زندگی میکنند .

(۵) قبیله مرادخانی که متشکل از ۱۰۰ خانوار است .

عرب - طبق روایات قبائل عرب در حدود هفت قرن قبل از عربستان

مهاجرت کرده و در ناحیه قائنات و خواف استقرار یافتند . در حدود دو سوم

آنها سنی هستند و بقیه (۸۰۰) شیعه هستند که در اطراف خور و چاهک و محمد

آباد زندگی میکنند . سنی‌ها در ناحیه سنی‌خانه و در ناحیه خواف نزدیک

شهر نوسکونت دارند .

قبائل دیگر عبارتند از میروآقا و غولا در ناحیه شوسب و بلوی در ناحیه

سربیشه . عده کمی از قبائل تاجیک و زنگنه و مالدار که بادیه نشین هستند در

ناحیه رود خواف زندگی میکنند . اکثریت مردم ایران شیعه هستند در حالیکه

کردها و ترکمنها که زمانی یک پنجم جمعیت را تشکیل میدادند در ناحیه

باخرز و بجنورد زندگی میکردند سنی هستند . در حدود ۵۰۰ تا ۶۰۰ بهائی

در خراسان وجود دارد .

جدیدالاسلام‌ها یهودیانی هستند که برای احترام از آزار در ظاهر دین

اسلام را قبول کردند در حالیکه عملاً اصول مذهب یهودی را پیروی میکنند . از جمله روز شنبه را تعطیل میکنند و ششم اکتبر را روز سال نو محسوب میدارند و شب جمعه در خانه خود چراغ روشن میکنند و عید فطر را رعایت مینمایند . در ظاهر و در پیش مردم خود را مسلمان جلوه میدهند . یک چهارم تجار و بازرگانان یهودی هستند و در کار تجارت موفقیت قابل ملاحظه دارند . عده زردستی‌ها بسیار کم است . در مشهد عده قلبی هستند که بدین مسیح درآمدند .

سمنان و دامغان

این ایالت که قسمتی از آن دشت کویر است طبعاً دارای شهر زیاد نیست . ابتهاج (صفحه ۲۸۶ و ۲۸۸ و ۲۹۷) شهرهای زیر را ذکر میکند : سمنان به ارتفاع ۴۳۷۳ پا که جمعیت آن ۲۳۳۸۸ نفر است . دامغان (تپه حصار) با ارتفاع ۴۲۶۵ پا که جمعیت آن در حدود ۱۰,۰۰۰ نفر است . شاهرود با ارتفاع ۴۸۳۲ پا که جمعیت آن ۱۴ هزار نفر است . آقده با ارتفاع ۴۲۵۲ پا و نائین با ارتفاع ۴۰۲۲ پا که جمعیت آن در حدود ۵ هزار نفر است . فصل مربوط به خصوصیات طبیعی ایران و توزیع جمعیت در اینجا پایان می‌پذیرد . مطالب مربوطه از منابع مختلف از سال ۱۹۲۰ بی‌عده اقتباس شده است .

تقسیمات جدید ایران

در اواخر سال ۱۹۳۸ شاهنشاه ایران تغییرات همده‌ای در تقسیم بندی ایران داد . برای اینکه مطالب این کتاب شامل آخرین اطلاعات باشد نویسنده از آقای دکتر محمد حسن گنجی تقاضا کرد که اطلاعات لازم را برای نویسنده بفرستد . آقای گنجی اخیراً از دانشگاه منچستر که زیر نظر پرفسور فلور در رشته جنرافیا کار می‌کرد به طهران مراجعت نمود . در نامه مورخ ۵ نوامبر ۱۹۳۸ آقای گنجی ترجمه آزاد قانون تقسیمات ایران را فرستاد . در حال حاضر با سانی

۱- از آقای دکتر گنجی متشکرم که اجازه دادند متن رساله تحت عنوان تغییرات جدید اقتصادی در ایران را که برای اخذ درجه لیسانس خود نوشته بودند مطالعه کنم .

نمی‌توان نقشه تقسیم بندی جدید را تهیه کرد زیرا جزئیات حدود استانها تعیین نشده و خود طرح تحت مطالعه و تجدید نظر است. نقشه ایران براساس تقسیم بندی جدید در اواخر سال ۱۹۳۹ چاپ خواهد شد .

در مورد نام اماکن جغرافیائی تمایل براینست که اسامی عربی و ترکی بفارسی خالص تبدیل گردد و نام عده زیادی از شهرها تغییر داده شده است . آقای گنجی تغییرات عمده زیر را گزارش داده است .

تقسیم بندی داخلی ایران

در سال ۱۹۳۷ قانونی در مجلس شورای ملی درباره تقسیمات اداری ایران بتصویب رسید . هدف این قانون اینست که کشور ایران از نظر اداری بطرزی تقسیم شود که از نظر طبیعی و اقتصادی و خصوصیات جغرافیائی مناسبتر باشد .

ماده اول قانون مزبور میگوید : کشور ایران طبق نقشه و طرحهای ضمیمه بده استان که هر کدام شامل چندین شهرستان و هر شهرستان منقسم به چند بخش و هر بخش منقسم به چند دهستان و هر دهستان متشکل از چند ده و قصبه است تقسیم میشود .

ماده دوم ، حدود استانها را بطریق زیر تعیین مینماید .

استان ۱ ، شامل شهرستانهای زنجان و قزوین و ساوه و سلطان آباد (اراک) و رشت و شسوار .

استان ۲ ، شامل شهرستانهای قم و کاشان و طهران و سمنان و ساری و گرگان .

استان ۳ ، شامل شهرستانهای تبریز و اردبیل .

استان ۴ ، شامل شهرستانهای خوی و رضائیه و مهاباد و مراغه و بیجار .

استان ۵ ، شامل شهرستانهای ایلام و شاه آباد و کرمانشاهان و سنندج و ملایر و همدان .

استان ۶ ، شامل شهرستانهای خرم آباد و گلپایگان و اهواز و خرمشهر .

استان ۷ ، شامل شهرستانهای بهبهان و شیراز و بوشهر و فسا و آباد

و لار .

مردم ایران-۳۰۳

استان ۸ ، شامل شهرستانهای کرمان و بم و بندر عباس و خاش و زابل.
استان ۹ ، شامل شهرستانهای بیرجند و تربت حیدری و مشهد و قوچان
و بجنورد و گناباد و سبزوار .

استان ۱۰ ، شامل شهرستانهای اصفهان و یزد .
کلمه استان بزبان فارسی بمعنی ایالت است و باستان و استان بمعنی
سرزمین يك قوم مانند عربستان و کردستان و افغانستان و بلوچستان فرق دارد.
شهر نام مرکز ناحیه و شهرستان ناحیه‌ای است که شهر مرکز آن است .
باید بخاطر داشت که این تقسیم بندی تقریباً مطابقت دارد با تقسیم بندی
فرانسه که مرکب است از استان Province شهرستان dipartment و بخش Canton.
استانها معمولاً بوسیله شماره خوانده میشوند و نه بنام. اسامی جدید بعضی از شهر
های ایران از این قرار است اقتباس از نوشته گنجی .

نام قدیم	نام جدید	نام قدیم	نام جدید
طیس	گلشن	میانج	میانج
طون	فردوس	قزل‌اوزن	سفیدرود
خبیس	شهداد	فلاحیه	شادگان
محمره	خرمشهر	استرآباد	گران
بارفروش	بابل	ده نو	نوشهر
علی‌آباد	شاهی	گمش‌تپه	گوییشان
اشرف	بهشهر	بندرجز	بندرگز
سلطان‌آباد	اراک	گنبدقاوس	گنبدکاوس
آجی‌چای	تلخه رود	ارومیه	رضائیه
صائن قلعه	شاهین‌دژ	بلوچستان	مکران
ساوجبلاغ	مهاباد	خورموسی	بندرشاهپور
قرجه‌داغ	ارسباران		

۱- برای تغییرات سابق مراجعه شود به نشریه انجمن پادشاهی جغرافیائی

جلد ۸۰ صفحه ۲۶۸ مورخ ۱۹۳۲.

۵. مردم شناسی جسمانی ایران

در فصول گذشته مطالبی که مورد بحث قرار گرفت عبارت بود از جغرافیای و جغرافیای مردم شناسی و اشارات تاریخی در مورد خصوصیات جسمانی و طبیعی ساکنین ایران در طی بیست قرن گذشته و پخش جمعیت ایران در عصر حاضر . وظیفه بعدی بررسی مطالب تن پیمائی یا اندازه گیری خصوصیات جسمانی است که در سال ۱۹۳۴ بوسیلهٔ عکسبرداری و تجزیهٔ آماری برای تعیین و تعریف عناصر نژادی در جمعیت فعلی ایران بدست آمده است . در این فصل حقایق مسلم جای حدس و گمان را میگیرد . قبل از آنکه به بحث دربارهٔ آمار تن پیمائی و اندازه گیری و مشاهدات علمی پردازیم باید مطالب مربوط به استخوان بندی را که در نتیجه حفاریات و اکتشافات بدست آمده مورد بررسی قرار دهیم .

مطالب مربوط با استخوان بندی

کوشش دربارهٔ تشخیص صفات نژادی جداگانه در بین مردم ایران عصر حاضر با سانی به نتیجه نمیرسد مگر آنکه شواهد و مدارک قدیمترین اصل و نسب اجدادی در دست باشد . بطور کلی متأسفانه از ساکنین قدیم فلات ایران بقایای استخوان بندی زیادی بدست نیامده است . علمای علم مردم شناسی که این قسمت دنیا را مورد مطالعه قرار می دهند مدیون کسانی هستند که اطلاعاتی در این زمینه عرضه داشته اند . بهمین جهت با حق شناسی بسیار محصول مطالعات ذیقیمت دانشمندان زیر را در اینجا نقل می کنیم . کروگمن (Krogman) ، اشمیت (Schmidt) ، لیزلتر (Lebzelter) ، آرن (Arne) ، و آلوا (Vallois) ، ولسین (Wulsin) ، نیومن (Newman) ، لاکارد (Lockard) ، گل (Gaul) . همچنین بمطالب و اکتشافات قدیمی تر توسط دانیلوف (Danilov) و دیگران که در فصل دوم مورد مطالعه قرار گرفت اشاره خواهد شد .

در این قسمت مطالب مربوط با استخوان بندی که اخیراً در تپهٔ حصار و شاه تپه و لرستان و ترنگ تپه وری بدست آمده بررسی خواهد شد . مطالبی مبنی بر مقایسه و تطبیق با اکتشافات چنهو دارو Chanhu-Daro نیز نقل شده است زیرا

احتمال ارتباط و نسبت بین تمدن ایران و دره سند در هزاره سوم قبل از میلاد موجود است .

دکتر ویلتون کروگمن عضو قسمت مردم‌شناسی دانشگاه شیکاگو گزارشی مربوط به مطالب استخوان بندی محلی ماقبل تاریخی تپه حصار نزدیک دامغان برای چاپ آماده کرده است . این بقایای استخوان بندی بوسیله هیئتی از دانشگاه پنسیلوانیا و موزه هنر فیلادلفی تحت هدایت دکتر اریک اشویت بدست آمده است . دکتر درووالاکارد که اکنون در موزه هاروارد کار می‌کند سمت مردم‌شناسی جسمانی هیئت را به عهده داشت .

استخوان بندی در تپه حصار

دکتر کروگمن لطفاً بنویسنده اجازه دادند نسخه کتاب خود را که قرار است در سال ۱۹۴۰ به چاپ برسد مطالعه کنم . مطلب مختصر زیر بخصوص از فصل نتایج با اجازه و تصویب آقای هوراس جین رئیس موزه دانشگاه فیلادلفی نقل شده است .

تعداد افراد بالغ با تاریخ ترتیبی از قرار زیر است :

سطح	تاریخ	جمعیه	آرواره
حصار I	قبل از سه هزار تا تقریباً ۲۵۰۰ ق.م	۴	۴
حصار II	از ۲۵۰۰ تا ۲۰۰۰ ق.م	۱۶	۱۳
حصار III	از ۲۰۰۰ تا ۱۵۰۰ ق.م	۱۳۸	۹۳
پارتی ، ساسانی ، اسلامی	۳۵۰ ق.م	۵	۵
نامعلوم	نامعلوم	۳	۲

طبقه حصار I دو نوع سر دراز عرضه میدارد . یکی نوع کوچک باریک مدیترانه و دیگری نوع بزرگ و خوشن نوردیک اولیه .

از حصار II هفت نوع مدیترانه مرد و هفت زن و دو نوع نوردیک اولیه مرد پیدا شد . این نوع اخیر ممکن است از خارج آمده و بانوع بومی مدیترانه مخلوط شده باشد .

از حصار III انواع اضافی دیگر پیدا شد که در جدول زیر با ذکر تعداد نژاد و جنس نشان داده میشود .

نژاد	مرد	زن
مدیترانه	۵۱	۳۲
نوردیک اولیه	۳۹	۱
وابسته به آلپ	۳	۰
آسیائی (باخانه آلپ ؟)	۱	۰
سیاه پوست	۱۱	۰

در جدول فوق کروگمن آسیائی را به نوع صورت پهن سر کوتاه که در مشرق مغولستان هستند اطلاق میکنند .

نکته بسیار مهم دیگر اینست که شش جمجمه بعنوان استرالیائی نامطبقه بندی شده است . در حالیکه از لحاظ تناسب جمجمه شبیه به نوردیک های اولیه میباشند. صورت آنها پهن تر و کاسه چشم پائین تر و سوراخ بینی عریضتر است . نوع سیاه پوست در آنها وجود دارد و احتمال قوی میرود که از برده ها بوده باشند. طبقه سر کوتاه ها که همیشه در اقلیت هستند از این سطح و یا از دوره اسلامی است . کروگمن نوعهای آلپی و ارمنی و آسیائی یا مغولی را تشخیص داده است . از آنجائیکه در تعریف خصوصیات جمجمه و قیافه انواع مختلف اختلاف نظر وجود دارد لازم بنظر میرسد که نظر کروگمن را درباره این نکات نقل کنیم . واگر بخواهیم بطور خلاصه نوع کلی مدیترانه اولیه را تعریف کنیم بدین طریق می شود: سر دراز - جمجمه صاف - ارتفاع قبه سر متوسط - صورت باریک - حدقه چشم با اندازه متوسط - سوراخ بینی به عرض متوسط . در مقام مقایسه جمجمه از چنهودارو (همین فصل بسمت جمجمه از چنهودارو، هندوستان مراجعه کنید) دارای سر دراز صورت عریض و کاسه چشم پست و سوراخ بینی عریض است .

خصوصیات جمجمه

اروپائی جنوبی (مدیترانه)	اروپائی شمالی (نوردیک)
سردراز	شکل نیمه سردراز تا سرد متوسط
منحنی پیکانی کامل - ارتفاع متوسط	محیط صاف در طرفین - منحنی پیکانی
باریک - صاف و مدور	قوس بلند
محدب - عرض متوسط تا باریک	پیشانی عرض متوسط - قوسی
برآمدگی عضله کم	پشت سر پرولی نامشخص - عرض متوسط
متوسط	برآمدگی عضله سنگین
	ظرفیت بزرگ

خصوصیات صورت

اروپائی جنوبی (مدیترانه)	اروپائی شمالی (نوردیک)
عرض و ارتفاع متوسط - بیضی شکل	محیط باریک - دراز - نوک تیز
باریک - قوسی	گونه باریک - فشرده
بررگ - صاف - زاویه دار	کاسه چشم متوسط - صاف - مدور
باریک تا متوسط	بینی باریک تا متوسط
کم	برآمدگی بالای کاسه چشم مشخص
کوحک - زاویه گوشه فك صاف	آرواره بزرگ - زاویه گوشه فك برگشته
چانه متوسط - برآمدگی رویبالا	یا صاف - چانه برجسته - برآمدگی
عریض - ناق کم عمق	رویبالا متوسط عمق ناق متوسط

مردم شناسی جسمانی ایران - ۳۰۹

شخص	تاسیمر	عرض	طول	شماره	نوع	محل و طبقه
۶۶/۱۶	۱۳۱/۰۰	۱۹۸/۰۰	۱	مرد	حصار اول	
۷۴/۸۵	۱۳۱	۱۷۵	۱	زن	حصار اول	
۶۹/۲۶	۱۳۰/۵۷	۱۸۹/۱۴	۷	مرد مدیترانه	حصار دوم	
۷۴/۱۰	۱۳۲/۱۴	۱۷۸/۲۹	۷	زن مدیترانه	حصار دوم	
۷۳/۱۴	۱۳۲	۱۸۷/۵۰	۲	مرد نوردیک اصلی	حصار دوم	
۷۱/۶۵	۱۳۳/۱۲	۱۸۶/۲۵	۵۱	مرد مدیترانه	حصار سوم	
۷۲/۹۷	۱۳۱/۵۸	۱۸۰/۳۳	۳۲	زن مدیترانه	حصار سوم	
۷۰/۸۵	۱۳۵/۹۵	۱۹۱/۶۷	۳۹	مرد نوردیک اصلی	حصار سوم	
۷۹/۴۳	۱۳۹/۰۰	۱۷۵/۰۰	۱	زن نوردیک اصلی	حصار سوم	
۷۰/۸۰	۱۳۵/۸۳	۱۹۲/۰۰	۶	مرد استرالیائی نما	حصار سوم	
				زن و مرد مدیترانه و	حصار سوم	
۷۱/۷۵	۱۳۳/۶۰	۱۸۶/۳۸	۱۲۴	مرد نوردیک اصلی		
۶۹/۶۶	۱۳۱/۴۵	۱۸۸/۶۴	۱۱	مرد سیاهپوست	حصار سوم	
					حصار سوم	
					دوره اسلامی ... سر کوتاه	
۷۶/۷۷	۱۳۶/۲۰	۱۷۷/۴۰		مرد آلبی		
۸۸/۳۴	۱۴۴/۰۰	۱۶۳/۰۰		زن نوع ارمنی		
۷۵/۶۸	۱۴۰/۰۰	۱۸۵/۰۰		مرد مغولی		
۸۰/۴۵	۱۳۷/۵۰	۱۷۱/۰۰		زن مغولی		
۷۲/۰۶	۱۳۳/۵۸	۱۸۵/۶۴	۱۶۱		کلیه کلا نسالان	

انواع مجموعه نوع مدیترانه

محل و طبقه	نوع	شماره	طول	عرض	شاخص تناسب
حصار اول	زن	۱	۱۷۵/۰۰	۱۳۱/۰۰	۷۴/۸۵
حصار دوم	مرد	۷	۱۸۹/۱۴	۱۳۰/۵۷	۶۹/۲۶
حصار دوم	زن	۷	۱۷۸/۲۹	۱۳۲/۱۴	۷۴/۱۰
حصار سوم	مرد	۵۱	۱۸۶/۲۵	۱۳۳/۱۲	۷۱/۶۵
حصار سوم	زن	۳۲	۱۸۰/۳۳	۱۳۱/۵۸	۷۲/۹۷
مهنجودارو	مرد	۲	۱۷۸/۵۰	۱۲۸/۰۰	۷۱/۷۱
مهنجودارو	زن	۴	۱۸۰/۱۷	۱۱۸/۳۳	۶۳/۴۵
نال	مرد	۱	۱۸۸/۵۰	۱۳۲/۰۰	۷۰/۰۲
سیالکوت	زن	۱	۷۱/۱۰
بیانا	مرد؟	۱	۷۱/۳۰
العبيد	مرد	۸	۱۹۲/۸۰	۱۴۰/۱۰	۷۲/۶۰
کیش A	مرد	۲	۱۸۶/۵۰	۱۳۱/۰۰	۷۰/۲۳
کیش A	زن	۱	۱۷۶/۰۰	۱۲۴/۰۰	۷۰/۴۵
اور	مرد	۳	۱۹۳/۶۷	۱۳۵/۰۰	۶۹/۸۰
اور	زن	۴	۱۸۴/۷۵	۱۳۱/۵۰	۷۱/۲۵
آناو	زن	۱	۱۸۵/۰۰	۱۴۱/۰۰	۷۶/۲۰
الیشر(عصر)					
حجروبرنج	زن	۱	۱۷۵/۰۰	۱۳۰/۰۰	۷۲/۶۰
الیشر(عصر مس)	مرد	۷	۱۸۲/۱۰	۱۳۵/۰۰	۷۳/۴۰
الیشر(عصر مس)	زن	۱	۱۷۷/۰۰	۱۳۷/۰۰	۷۷/۴۰
حصارک سوم	مرد	۲	۱۹۲/۰۰	۱۳۶/۷۵	۷۱/۲۰
حنائی تپه ب	زن	۱	۱۷۹/۰۰	۱۲۸/۰۰	۷۱/۵۰
نوع مدیترانه (دیکسون)	۱۹۰/۰۰	۱۳۵/۰۰	۷۱/۱۰

نوع جمجمه نوردیک اصلی

۶۶/۱۶	۱۳۱/۰۰	۱۹۸/۰۰	۱	مرد	حصار اول
۷۳/۱۴	۱۳۷/۰۰	۱۸۷/۵۰	۲	مرد	حصار دوم
۷۰/۸۵	۱۳۵/۹۵	۱۹۱/۶۷	۳۹	مرد	حصار سوم
۷۹/۴۲	۱۳۹/۰۰	۱۷۵/۰۰	۱	زن	حصار سوم
۶۶/۰۲	۱۳۰/۰۰	۱۹۷/۰۰	۳۳	مرد	مهنجودارو
۷۲/۶۰	۵	مرد	العیند
۷۰/۰۰	۱۳۷/۰۰	۱۹۶/۰۰	۱	مرد	کیش الف
۷۰/۹۰	۱۳۶/۰۰	۱۹۲/۰۰	۱	مرد	الیشر (عصر مس)
۶۶/۰۰	۱۳۲/۰۰	۲۰۰/۰۰	۱	مرد	کمبه کاپل
۷۴/۲۳	۱۴۴/۰۰	۱۹۴/۰۰	۱	مرد	اوبر کاسل
۷۲/۶۰	۱۳۳/۰۰	۱۸۳/۰۰	۰۰		خزر (دیکسون) ۰۰

نوع شبیه استرالیائی

۷۰/۸۰	۱۳۵/۸۳	۱۹۲/۰۰	۶	مرد	حصار سوم (شبه استرالیائی)
۶۶/۰۲	۱۳۰/۰۰	۱۹۷/۰۰	۳	مرد	مهنجودارو
۷۰/۸۰	۱۳۲/۲۰	۱۸۷/۸۰	۱	مرد	ادیتانالور الف
۶۷/۸۰	۱۲۴/۰۰	۱۸۳/۰۰	۱	مرد	ادیتانالور الف
۶۹/۵۰	۱۳۲/۰۰	۱۹۰/۰۰	۰۰	۰۰	شبه استرالیائی اولیه (دیکسون) ۰۰

نوع آلپی

۷۵/۳۲	۱۳۳/۶۷	۱۷۷/۰۰	۳	مرد	حصار سوم
۷۶/۱۶	۱۳۱/۰۰	۱۷۲/۰۰	۱	مرد	مهنجودارو
۷۹/۱۰	۱۴۲/۵۰	۱۸۰/۵۰	۲	مرد	الیشر (عصر مفرغ قدیم)
۷۹/۲۰	۱۴۴/۶۰	۱۸۲/۹۰	۸	مرد	الیشر (امپراطوری هیتی)
۸۰/۷۰	۱۴۱/۰۰	۱۷۴/۳۰	۳	زن	الیشر (امپراطوری هیتی)

کروگمن مینویسد که «جمعیت تپه حصار سردراز و ازدو نوع مختلف بودند يك نوع جمجمه بزرگ و خشن و حجیم و نوع دیگر جمجمه کوچک و صاف و باریک داشتند. این نوع را به ترتیب نوردیک اولیه و مدیترانه نام گذارده اند. اگر از لحاظ تعداد ملاحظه شود نوع مدیترانه اصلی و قدیمی تر بوده و نوردیک اخیر تر و تازه تر است. ولی باید بخاطر داشت که در نمونه های بسیار کم حصار اول هر دو نوع وجود دارند. ممکن است که این دو نوع همصربوده باشند ولی تاحصار سوم نوع مدیترانه در اکثریت بوده است.

«استعمال اصطلاحات مدیترانه و نوردیک تاحدی بعلت وجود و پخش این دو نوع عمده یعنی سفیدپوستان سردراز اروپا است که عبارتند از اروپائیان شمالی و اروپائیان جنوبی که اولی را نوردیک یعنی شمالی و دومی را مدیترانه می خوانند و نماینده تقسیم بدو دسته امروزه هستند که انواع تباین جمجمه های تپه حصار این اختلاف را تأیید میکند.

«احتمال کلی می رود که نوردیک های تپه حصار نماینده حرکت نوع مردی عصر حجر شمال بسمت جنوب و جنوب غربی باشد که نوع اروپائی شمالی نیز از آن بوجود آمده است. از نظر زنان سردراز آن تپه حصار نزدیکتر به ریشه نژادی اصلی هستند. بنا بر این آنها اصولاً از حیث جسمانی و همچنین از نظر ارتباط زبانی از مردان شمالی اولیه میباشند.

«بنظر اینجانب ارتباط جسمانی شکل نوع مردم شمالی اولیه را در اماکن معاصر تحت اسامی مختلف بیان میکند از آنجائیکه اکنون عقیده کلی بر این است که نوع مردم جلگه روسیه نماینده اوج مردمان عصر حجر در مرحله تکامل برخی انواع عصر حجر صیقلی میباشند که عبارت باشند از کمبه کاپل Combe Capelle کاملاً احتمال دارد و ممکن است که مردمان اولیه که از یک ریشه سرچشمه گرفته اند خصائص نژادی اجدادی خود را بیشتر نشان میدهند. بدین معنی است که اصطلاحات از قبیل نوردیک اصلی و خزر و افریقائی اروپائی و اسامی شبیه آنها باهم برابر می شوند. بطور کلی در مرحله آخری هر اصطلاح و نامی چه از حیث جغرافیائی و چه از حیث زبان شناسی چیزی نیست بجز وسیله مناسبی که بتوان نماینده افکار و مطالب مربوطه باشد. اصطلاحات نوردیک اصلی یا شمالی اولیه فقط به تطابق اسلوب مدرن کمک میکند.

«و نیز باید خاطر نشان ساخت در مورد نوع نوردیک اصلی که ظهور در حصار سوم از لحاظ زمان با تحول کلی نژادی که منتج به حرکت آریانها یا هند و اروپائیهها یا هند و آریائیها گردید تطبیق میکند. یکبار دیگر باید گفت که این اصطلاحات مربوط به حرکت‌های فرهنگی است و نه به انواع جسمانی. مردم دارای سر بلند و بزرگ تپه حصار از لحاظ نوع مشابه هستند با پیشقدمان موج فرهنگی و از این جنبه و باین معنی از نوردیک اصلی میباشند. نوع مدیترانه در تپه حصار نماینده اجزاء نوع سر دراز باریک خاورمیانه هستند که در عصر حجر قدیم از انگلستان گرفته تا اندونزی یافت میشدند. آنان نیز نماینده نوعی هستند که در عصر حجر بطور قطع از نژاد سیاهپوست گرمالیدی سهم بردند. با این ریشه بعنوان میراث عجب نیست که انواع و اشکال بدرجات مختلف اختلاط و امتزاج نشان میدهند. در تپه حصار نوع مدیترانه نسبتاً خالص است و دارای عناصر ممکنه نژاد سیاهپوست نیست و بطور کلی مردمان از نوع سر دراز سفیدپوست هستند که واجد کلیه خصوصیات مردم ناحیه مدیترانه میباشند. وجود نادر و اتفاقی افراد از نژاد مخلوط مدیترانه و سیاهپوست مستلزم آن نیست که آنها را از نژاد حامی (این کلمه به خصوصیات فرهنگی و زبانی اطلاق میشود) یا دراویدی یا استرالی دانست.

«انواع دیگر که در دوره ماقبل تاریخ تپه حصار پیدا شده از قبیل سیاهپوست یا آلپی نقش حقیقی در ترکیب جمعیت نداشته‌اند. وجود نوع سیاهپوست را میتوان بر اساس تماس اتفاقی با کاروانها و بردگان آنها توجیه نمود. نوع آلپی نیز شاید بر حسب تصادف از آسیای مرکزی (مغول حقیقی) یا از قفقاز آمده‌اند. نوع مغول آسیائی فقط در یک مورد مشکوک دیده شده است.»

مدارک مربوط باستخوان بندی درموزه تاریخ طبیعی وینه

ویکتور لبلتر Viktor Lebzelter یازده جمجمه را (نه تا از همدان و دوتا از بصره عراق) که درموزه تاریخ طبیعی وینه وجود دارد، مورد مطالعه قرار داده و شرح میدهد. شرح مبسوط و اندازه گیریهای کامل را میتوان در مقاله مربوط بررسی کرد. در اینجائتایج حاصله بطور حلاحه ذکر میشود و بعضی از اندازه گیریها از نظر تطبیق با اندازه گیریهای دیگر این کتاب نقل میگردد. شماره‌ها مربوط به کارت‌های فهرست انفرادی است.

شماره‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۵۱ متعلق به ایرانیهای بصره است.

جمجمه‌های ددموزه تاریخ طبیعی وینه

شماره	ظرفیت	طول پشتهای	عرض	حداقل	عرض	عرض	عرض	بلندی	عرض	مناطق	عرض	عرض	عرض	عرض	ظرفیت	شماره
		تا پشته‌سز	عرض	قطر	استخوان	سوره	فای	پشتهای	پشتهای	عرض	عرض	عرض	عرض	عرض		
۲۵۱۴	۲۵۰	۸۹	۱۴۵	۱۰۴	۱۳۵	۱۳۵	۹۵	۵۱	۲۸	۹۵	۱۳۶	۹۵	۱۳۶	۸۹	۲۵۰	۲۵۱۴
۲۵۱۶	...	۹۰	۱۳۶	۹۵	۱۳۶	۱۳۶	۸۹	۸۹	۱۳۶	۸۹	۱۳۶	۷۵	...	۲۵۱۶
۱۹۵۰	۴۶۰	۸۲	۱۳۶	۹۳	۱۳۶	۱۳۶	۹۲	۶۰	۲۵	۹۲	۱۳۶	۹۳	۱۳۶	۸۲	۴۶۰	۱۹۵۰
۲۵۰۹	۱۴۰	۶۴	۱۲۷	۹۴	۱۲۷	۱۲۷	۹۱	۵۰	۲۸	۹۱	۱۲۷	۹۴	۱۲۷	۶۴	۱۴۰	۲۵۰۹
۲۵۱۴	۲۶۰	۸۱	۱۳۶	۹۷	۱۳۶	۱۳۶	۸۹	۴۶	۲۴	۹۷	۱۳۶	۹۷	۱۳۶	۸۱	۲۶۰	۲۵۱۴
۱۹۵۱	۳۰۰	۶۹	۱۴۱	۹۷	۱۴۱	۱۴۱	۹۵	۵۰	۲۵	۹۵	۱۴۱	۹۷	۱۴۱	۶۹	۳۰۰	۱۹۵۱
۲۵۱۰	۳۱۰	۶۲	۱۲۷	۹۴	۱۲۷	۱۲۷	۸۵	۵۰	۲۸	۸۵	۱۲۷	۹۴	۱۲۷	۶۲	۳۱۰	۲۵۱۰
۲۵۱۱	۱۶۰	۵۹	۱۳۵	۹۵	۱۳۵	۱۳۵	۹۰	۴۶	۲۶	۹۵	۱۳۵	۹۵	۱۳۵	۵۹	۱۶۰	۲۵۱۱
۲۵۱۲	۳۳۰	۶۶	۱۳۶	۹۲	۱۳۶	۱۳۶	۸۸	۵۰	۲۲	۹۲	۱۳۶	۹۲	۱۳۶	۶۶	۳۳۰	۲۵۱۲
۲۵۱۵	...	۶۹	۱۳۶	۹۲	۱۳۶	۱۳۶	۸۸	۵۰	۲۲	۹۲	۱۳۶	۹۲	۱۳۶	۶۹	...	۲۵۱۵

لبز لقر انواع زیر را مشاهده میکند: (۱) اروپائی افریقائی شاید شمالی؛
 (۲) نوع سر کوتاه بینی پهن؛ (۳) نوع سر دراز با قیافه ابتدائی و بینی پهن
 و پیشانی و پشت کله بشکل نوع اروپائی افریقائی با خصوصیات شکلی نوع
 استرالیائی .

مدارک استخوان بندی از شاه تپه نزدیک استرآباد

اطلاعات زیر از ت. ج. آرن T.J. Arne کسب شده است: ۱
 ناحیه استرآباد در ۱۷۹۰ بوسیله دو مرگان و در همان سال بوسیله
 سون هدین Sven Hedin بازدید شد. سرهنگ بیت Yate در ۱۸۹۴ از این
 محل گذشت. آرن که در ۱۹۳۳ در شاه تپه حفاری کرد میگوید (ص ۴۱ - ۴۲)
 مردمی که در عصر مفرغ در این ناحیه زندگی میکردند از نژاد متجانس و دارای
 سردراز یا سرمتوسط بودند و این مطلب از اندازه گیری‌های جمجمه‌های زیر توسط
 فورست Furst ثابت میشود.

سطح	زمان	مرد	زن	کودک
I	۷۰۰ - ۹۰۰ م.	۱۰	۶	۳
II	در حدود ۲۰۰۰ ق. م.	۴	-	۱
III	۲۰۰۰ - ۳۰۰۰ ق. م.	۳	۲	-

قطعات دیگری از اسکلت انسان به مؤسسه تشریح لوند Anatomiska
 Institution واقع در جنوب سوئد منتقل گردید. دکتر ج. و. بکمن Backman
 قسمتی از این اطلاعات را بر مبنای نوشته فورست انتشار داده است که در سلسله
 انتشارات تحت عنوان گزارش هیئت علمی اعزامی به ایالات شمال غربی چین تحت
 هدایت سون هدین (سری VII باستان‌شناسی و مردم‌شناسی) منتشر میشود.

نتایج کلی هیئت اعزامی آرن در ۱۹۳۵ منتشر شد.

در طی ۲۵۰ سال فاصله بین زمان اشغال ماقبل تاریخی و ساکنین مسلمان
 این ناحیه احتمال کلی می‌رود که مردمی در این قسمت سکونت داشتند که کم و بیش
 بادیه نشین و مانند مردم عصر حاضر این ناحیه چادر نشین بودند.

۱- این اطلاعات در ژوئیه ۱۹۳۸ توسط آرن Arne و هدین Hedin

در استکهلم بدست آمد.

در عصر مفرغ دشت ترکمن یکی از مراکز پرجمعیت دنیا بود. آرن (ص ۴۲) اضافه میکند که تمایل شخص بر آن است که مردمان این دوره را هند و اروپایی بشمارد. آدریم، ولی بطور قطع نمیدانیم که این مردمی که بزبان هند و اروپایی تکلم میکردند یا در موقع تهاجم به ایران این زبان را رایج کردند در واقع مانند ساکنین ماقبل تاریخ شاه تپه سردر ازیا سر متوسط بودند. از وضع جسمانی و زبان و فرهنگ مهاجمین که در مقابل مردم شمالی ایران مبارزه کردند اطلاعی نداریم. مردم شمالی ایران ظروف سیاه و خاکستری بعنوان نشانه اقامت خود باقی گذاشته‌اند. امکان دارد که قدیمی‌ترین هند و اروپاییهای ناحیه ایران غارتگران بادیه‌نشین بودند و الا باید چنین نتیجه گرفت که دومی مردم هند و اروپایی باین ناحیه آمدند.

فرانکفورت^۱ (ص ۳۱-۳۳) اناطولی و ماوراء قفقاز را مرکز پخش ظروف خاکستری و سیاه میداند. در ضمن در آن محل اثر جمعیت سرکوتاه از نژاد ارمنی می‌یابد. ولی در هزاره سوم قبل از میلاد مردم ساکن دشت ارتباط نزدیک با گروه نژاد ارمنی نداشته‌اند. بعلاوه اطلاع بر وضع متقابل معاصر در ایران و آسیای صغیر بقدری مبهم است که نمی‌توان بطور قطعی گفت که تمدن و فرهنگ آناتولی و قفقاز قدیمی تر است.

جمعیه های لرستان

بعلمت فقدان اطلاعات مربوط به جمعیه شناسی ساکنین اولیه ایران نویسنده قطعه کامل زیر را از نوشته اخیر آقای والوا H.V. Vallois (ص ۱۱۹-۱۳۴) درباره دو جمعیه که آقای گرشن بدست آورده ترجمه و نقل میکنم.

(۱) در يك قبر ساده یعنی مقبره شماره ۴ در تپه جمشیدی در شمال لرستان اسکلتی پیدا شد که با ظروف سفالی نقاشی شده و به نیمه اول هزاره دوم قبل از میلاد بستگی دارد. خصوصیات آن عبارتست از جنس مذکر - سن ۲۰ - ۳۰، جمعیه از لحاظ گودی و رابطه بین ارتفاع و عرض متوسط. ظرفیت ۱۳۸۵ سانتیمتر مکعب. در حال عمودی جمعیه بیضی شکل است. پیشانی باریک و پشت سر نا- آشکار بنظر میرسد. برآمدگیهای جداری نسبتاً مشخص و قوس استخوان گونه

۱- چون این مطلب مهم بجاپ رسیده و در دسترس علاقمندان قرار دارد از نقل آن در اینجا خودداری میشود.

مختصر مرئی است. درزهای کله خیلی پیچیده است. در حال اقی پیشانی منحنی بنظر می‌آید در بدو امر عمودی سپس متدرجاً متمایل به‌رأس. ناحیه پشت رأس ناگهان به‌قسمت علیای استخوان پشت سر سقوط میکند. از پس سر جمجمه حالت عادی خود را دارد.

صورت کم عمق و عریض و پهن است و آرواره رامت است. . . شکاف بینی پهن و گشاد ولی بهیچوجه شبیه بینی سیاهپوست نیست. . . حدقه چشم میانه و عرض بین دو حدقه باریک است. . . سق کوتاه. . . و چانه برجسته است. . . وضع دندانها بجز ناحیه کوچک کرم خوردگی در هر یک از سومین دندان آسیاب فك پائین خوب است.

(۲) در قبر شماره ۲ در تپه بدهره واقع در دشت اسدآباد پای کوه الوند اسکلتی که کودکی در آغوش داشت پیدا شد. این تدفین وابستگی دارد با سفال رنگی از نوع متعلق به نیمه دوم هزاره دوم قبل از میلاد. جنسیت بطور تحقیق مؤنث و سن بین ۲۰ و ۳۰ و جمجمه از نوع سر متوسط با تمایل به سر کوتاه ارتفاع سر کوتاه و ظرفیت آن ۱۲۳۶ سانتیمتر مکعب.

در حال عمودی این جمجمه بیضی شکل ولی مدور تر از جمجمه شماره ۱ و پیشانی بزرگتر است. و پس سر جمجمه کاملاً گرد و قوس استخوان گونه نامرئی است. در حال اقی پیشانی مورب و قبه دراز است و قسمت عقب کمتر آشکار است. . . از پس سر شکل مانند سر اطفال کروی است. شاخص تناسب پیشانی و طرفین صورت از نوع پهن پیشانی است.

صورت که بلندتر و کم عرض تر از جمجمه شماره ۱ است از نوع کوچک صورت میباشد و شاخص تناسب کلی از نوع خیلی کوچک صورت میباشد. آرواره‌ها راست و شکاف بینی که نسبتاً باریک از نوع متوسط و بطور کلی شبیه بینی معمولی افراد نژاد سامی است. کاسه های چشم مربع و نیمه گرد و در زیر و خارج مورب هستند. فاصله بین دو حدقه چشم خیلی باریک است. سق پهن و کوتاه است. . . چانه خیلی برجسته است. . . شاخص تناسب دندانهای بالا دندان متوسط و دندانهای پائین دندان بزرگ است. . . کرم خوردگی فقط در یکی از دندانهای انیاب و دو دندان آسیاب بالا وجود دارد و دو دندان آسیاب بالا کاملاً فاسد شده است.

در تشریح روابط عمومی نژادی و فرهنگی بین ایران باستان و ماوراءالنهر

والوا Vallois نتایج حاصله از مطالعه اسکلت‌های کیش^۱ و اور و کلد^۲ را نقل می‌کند. نکته جالب توجه اینست که این مردمان مدیترانه که عناصر اصلی جمعیت امپراطوریهای ماوراءالنهر را تشکیل می‌دهند بنظر میرسد که در همان زمان اجزاء متشکله عمده ممالک واقع در مشرق و شمال ایران باشند. س. سیول Sewell اخیراً در نسل در جنوب بلوچستان جمجمه پیدا کرده است که متعلق بعصر مفرغ اولیه است و از لحاظ شکل مشابه با جمجمه سومریهای اور میباشد^۳. همچنین در اکتشافات اخیر مهنجودارو در دره سند بقایای اسکلت انسانی که همزمان با اوروکیش میباشد بدست آمده است^۴. پس از مطالعه دقیق یازده جمجمه سیول و گوها^۵ و بعداً فردریکز و مولر چند نوع مختلف تشخیص دادند^۶ اولی مغولی و دومی طبق نظر سیول و گوها استرالیائی ولی طبق نظر برخی علمای مردم‌شناسی متعلق به ساکنین اولیه سیلان است. سومی مطابقت دارد بانوع مدیترانه (حامی از نظر فردریکز و مولر) و نشانه بسط نوع سومری به دره سند است. باید اضافه کرد که در میان جمجمه های مهنجودارو نوع ارمنی یافت نشد ولی فردریکز و مولر دو جمجمه از نوع ارمنی درهراپا Harappa که نزدیکی مهنجودارو است پیدا کردند.

در نزدیکی عشق آباد در ترکستان شوروی شش جمجمه مدتها قبل از یک تپه عصر حجر صیقلی جدید پیدا شد که تاریخ آن نامعلوم است و ممکن است بین ۳۰۰۰ تا ۴۰۰۰ سال قبل از میلاد باشد. سرژی^۶ G. Sergi که آنها را مورد

۱ - مقایسه شود با شرح باکستون و رایس مورخ ۱۹۳۱ - همچنین نوشته باکستون در کتاب لنگدن Langdon ۱۹۲۴ ص ۱۱۵.

۲ - رجوع شود به نوشته سر آرتور کیت در «العبد» - قبرستان (حفاریات اور جلد اول قسمت ۲ اکسفورد ۱۹۲۷).

۳ - سیول و گوها: گزارش درباره استخوانهای حفاری شده در نل (بررسی باستان‌شناسی هند ۱۹۲۹) ص ۳۵

۴ - این نکته دارای اهمیت است زیرا ایران در نیمه راه بین بین‌النهرین (عراق) و دره سند واقع شده و در اثر حفاریهای اخیر مدارک روابط فرهنگی بین دو گروه آشکار میشود.

۵ - «بقایای انسانی» از سرجان مارشال «مهنجودارو» لندن - ۱۹۳۱.

۶ - «شرح چند جمجمه از شمال گرگان، آناو در روسیه» (پمپلی Pumpelly) حفاریات در ترکستان با شرحی درباره حوزه شرق ایران و سیستان - هیئت اکتشافی ۱۹۰۳ و اشنگتن ۱۹۰۵.

بررسی قرار داده معتقد است که از نوع سردراز یا کمی سرمتوسط میباشند و میگویند متعلق به گروه مدیترانه هستند که حتی در آن دوره قدیم همه جا پراکنده شده بودند .

والوا درباره جمجمه شماره ۱ میگویند که از لحاظ شکل بطور کلی شبیه افراد نژاد مدیترانه است ولی قسمت صورت فرق دارد و شبیه ارمنی است و پس سر قدری صاف است .

در جمجمه شماره ۲ نیز نفوذ نوع مدیترانه وارمنی دیده میشود ولی نفوذ ارمنی آن زیادتر است . در هیچیک از این دو جمجمه اثر قرابت اروپائی و افریقائی مشهود نیست . والوا باین نتیجه میرسد که در هزاره دوم قبل از میلاد مسیح لرستان دارای همان عناصر مردم‌شناسی بوده که در نواحی مجاور آسیای غربی وجود داشته است . در آنجا مانند اینجا مردمان از نوع مردم مدیترانه وجود داشته‌اند که بطور قابل ملاحظه‌ای پراکنده شدند و در این سمت ایران و در بین‌النهرین و حتی تاتارکستان و بلوچستان و هندوستان یافت میشوند^۱ یقین است که این نژاد نقش اساسی در پیدایش و نمو تمدنهای بزرگ مشرق‌زمین داشته است . علاوه بر اینها عناصر ارمنی در همان زمان وجود داشته که احتمال می‌رود از کوهستانهای ارمنستان و ناطولی آمده باشند ولی این مردم در لرستان نفوذ بیشتری داشته‌اند تا در بین‌النهرین .

عجب است که این دو دسته بزرگ نژادی درازمنه جدید در این نواحی وجود دارند . باکستون و رایس مشاهده کردند که در جمعیت حاضر باپل نژاد مدیترانه وارمنی کنار هم وجود دارند ولی اکثریت با افراد نژاد مدیترانه است . تحقیقات دو هوسه (۱۸۶۳) و هوسی (۱۸۸۷) و دیگران بخصوص آقای هرالدر کریچنر و خانمش (۱۹۳۲) در ایران وجود دو نوع اساسی را ثابت میکنند . یکی نوع سردراز (شاخص تناسب سر ۷۳ تا ۷۵) که بخصوص در جنوب شرقی ایران که محل اقامت ایرانیان باستانی بوده و بدون شك متعلق به نژاد مدیترانه میباشد . دوم نوع سرمتوسط که متمایل بسر کوتاه هستند (شاخص تناسب سر ۷۸-)

۱ - بنظر اینجانب قدیمیترین ساکنین بین‌النهرین از نژاد مدیترانه اولیه بودند که بعلت تغییرات آب و هوا از بیابانهای مرتفع سمت مغرب‌رانده شدند . مراجعه شود به کتاب فیلدچاپ ۱۹۳۲ و ۱۹۳۳ و ۱۹۳۴ .

۷۹) و در محل امپراطوری ماد قدیم واقع در مرکز و قسمت شمالی ایران سکونت داشتند و شامل عنصر ارمنی قابل ملاحظه میباشند .

والوا باین نتایج نکات زیر را اضافه میکند : اولاً کلیه بقایای انسانی که در بین‌النهرین و ایران پیدا شده بطور وضوح متعلق به نژادهای اروپائی و سفید است . در هیچ‌جمجمه خصوصیات مغولی از قبیل صورت پهن و عریض دیده نمیشود . بنابراین نظر بعضی از نویسندگان بخصوص بال و لاکوپری مبنی بر اینکه سومریها دارای خصوصیات نژادی مغولی بودند پایه و اساس ندارد زیرا نتایج مطالعات مردم‌شناسی جسمانی با چنین عقاید و نظریات مبیانت دارد .

ثانیاً مشاهده میشود که عنصر سیاهپوست مطلقاً وجود نداشته و بخصوص در هیچ‌جمجمه‌ای اثری از پیش‌آمدگی آرواره دیده نشده است . این مطلب کاملاً مخالف عقیده و نظر نویسندگانی مانند هامی Himy و کاترفاژ Quatrefages و هوسی و غیره و نویسندگان جدید بخصوص هال و هوسینگک میباشد که معتقدند زمانی در بین‌النهرین و ایران جمعیت سیاهپوست وجود داشته که رابطه و حلقه بین سیاهپوستان آفریقا و مردم هند و اقیانوسیه را تشکیل میدادند . ولی خصوصیات سیاهپوستی که تصور میشد در میان جمعیت معاصر شوش و جنوب بلوچستان وجود داشته نشانه وجود عناصر مردم از نژاد سیلان است که غیر سیاهپوست بودند (فن آیکشتند Von Eickstedt صفحه ۳۱۱ - ۳۱۲) .

نتیجه اینکه دو جمجمه لرستان وابستگی به مردم شمالی ندارند . بعلاوه موقعیت ایران بین هندوستان و اروپا بعضی از نویسندگان ایران را مرکز اصلی نژاد هند و اروپائی و باین ترتیب نژاد شمالی (نوردیک) دانسته‌اند و آنانرا حامل تمدن آریان بشمار آورده‌اند .

بررسی و مطالعه ایرانیان عصر حاضر ثابت میکند که عنصر شمالی یا ابدأ وجود ندارد یا اینکه اثر آن بسیار قلیل است . مطالعه این دو جمجمه این فقدان را تأیید میکند یا لااقل برای این ناحیه بخصوص و زمانی که بآن تعلق دارند تأیید مینماید . بدون آنکه به بحث درباره مبدأ مردمان شمالی بپردازیم آشکار است که مطالعات مردم‌شناسی ایران هیچگونه دلیل و سندی برای اثبات این نظریه که ایران مرکز ومهد مردم موپور سردراز اروپای شمالی است بدست نمیدهد .

۱ - در عراق در بعضی افراد ساکنین فعلی خصوصیات چهره مغولی دیده شد .

بحث درباره این موارد در گزارش مربوط بعراق داده شده است . (فیلد ۱۹۳۵)

آمار اندازه گیری بدن انسانی

شماره ۲	شماره ۱	اندازه
۱۲۳۶	۱۳۸۵	ظرفیت Capacity
۴۸۳	۵۰۵	قوس افقی Horizontal Arc
۱۲۰	۱۲۵	قوس درز پیشانی Sagittal frontal arc
۱۲۹	۱۲۳	قوس درز آهیانه Sagittal Parietal arc
۱۰۷	۱۱۹	قوس درز استخوان پس سر Sagittal Occipital arc
۳۵۶	۳۶۷	جمع کل قوس درزی Total Sagittal arc حداکثر طول استخوان
۱۶۹/۵	۱۷۸	پس سر Greatest Occipital length
۱۳۳	۱۳۷	حداکثر عرض Greatest breadth
۱۱۸/۵	۱۲۹/۵	ارتفاع فرق سر Basi_bregmatic height
۸۹	۹۸/۵	بلندی مجری نخاع و بینی Basion - nasion height
۹۲	۸۹	حداقل قطر پیشانی Minimum frontal diameter
(۱۱۲)*	۱۱۴	حداکثر قطر پیشانی Maximum frontal diameter
۷۸/۴	۸۶/۹	شاخص تناسب سر Cephalic index
۶۹/۹	۷۲/۷	شاخص طول و ارتفاع Length - height index
۸۹	۹۴/۵	شاخص عرض و ارتفاع Breadth - height index شاخص پیشانی و
۶۹/۱	۶۴/۹	استخوان آهیانه Fronto - parietal index
(۸۲/۱)	۷۸	شاخص پیشانی Frontal index قطر بیخ بینی تا
۶۶	۵۵	دندانهای جلو Nasion - prosthion diameter قطر بیخ بینی تا
۱۱۲	(۹۷)	استخوان چانه Nasion - gnathion diameter
۱۱۷	۱۲۳	عرض استخوان گونه ها Bizygomatic breadth قطر مغز تا
۸۴	۹۶	دندانهای جلو Basion - prosthion diameter

قطر بین حدقه‌های

۱۸	۱۸	Interorbital diameter (Anterior)	چشم (جلو)
۴۸	۴۱	Nasal length	طول بینی
۲۴	۲۱/۵	Nasal breadth	عرض بینی
۳۱/۵-۳۸	۳۸-۳۰/۵	Orbital breadth	عرض حدقه چشم
۴۰/۴۰	۴۲/۳۸	Palatal breadth	عرض سق
۳۹	۳۸	Upper molar length	طول دندانهای آسیاب بالا
۵۶/۴	۴۴/۷	Upper facial index	شاخص قسمت علیای صورت
۹۵/۷	(۷۸/۸)	Total facial index	شاخص کل صورت
۵۰	۵۹/۷	Nasal index	شاخص بینی
۸۲/۸	۸۰/۲	Orbital index	شاخص حدقه چشم
۱۰۰	۹۰/۴	Palatal index	شاخص سق
۹۴/۳	۹۷/۴	Prognathic index	شاخص آرواره
۴۳/۸	۳۸/۵	Upper dental index	شاخص دندانهای بالا
۹۰	۹۴	Total angle of profile	زاویه کل نیمرخ
(۹۶)	۹۸	Mandibular length	طول فك سفلی
۱۰۸	۰۰۰	Bicondilar breadth	عرض مهره‌های متصل
۸۲	۹۲	Bigonial breadth	عرض زاویه فك سفلی
۴۲	۴۴/۵	Lower molar length	طول دندانهای آسیاب پائین
			شاخص عرض و طول
(۸۵/۴)*	۹۳/۸	Length_breadth bigonial index	زاویه فك پایین
۵۷/۷	۴۳/۸	Ascending ramus index	شاخص خاص فك
۴۷/۸	۴۵/۸	Dental index	شاخص دندان

در موقعیکه شرح فوق تحت چاپ بود والوا فرصت آنرا پیدا کرد که سه حجمه دیگر و چند قطعه استخوان فك را که در تپه ژیان در دره نهاوند در شمال لرستان پیدا شده بود مورد بررسی قرار دهد. قطعات این حجمه‌ها بوسیله حروف C و B, A مشخص شده است و در زیر شرح داده میشود.

* ارقام در پرانتز بطور دقیق معین نشده است.

A. از قبری در سطح III بدست آمده . در این قبر حاوی همان ظروف سفالی جمجمه شماره ۱ میباشد که تصور می‌رود با آن همزمان باشند . این کاملترین جمجمه‌ها است و متعلق به مرد نسبتاً قوی در حدود چهل سال میباشد . در حال عمودی جمجمه بیضی شکل است . برآمدگی بالای حذقه چشم و برآمدگی پیشانی میان دو ابرو (glabella) کاملاً مشخص و خودپیشانی مورب است بعضی از اندازه‌گیریهای آن عبارتند از : طول پیشانی تا پشت سر ۱۹۰ ، حداکثر عرض ۱۳۲ یا کمی بیشتر ، شاخص سر ۶۹/۴ یا شاید ۷۰ - ۷۲ ؛ شاخص پیشانی ۷۷/۴ .

B. از سطح I پیدا شده و به پایان هزاره دوم نسبت داده میشود . جمجمه یعنی قسمت پس سر متعلق بفردی است بسن ۲۰ تا ۳۰ و از نوع سردراز یا سرم متوسط میباشد . این جمجمه با قسمتی از فك زیرین زنی بدست آمده که همه دندانهایش درآمده و کم استعمال شده و اثری از کرم‌خوردگی ندارد . چانه آن خوش شکل

C. از سطح I پیدا شده و به پایان هزاره دوم نسبت داده میشود . این جمجمه متعلق بفرد کلا نسانی بسن ۳۰ تا ۴۰ است و از لحاظ شکل شبیه جمجمه A میباشد . بیضی شکل و بدون شك از نوع سردراز است ولی شاخص تناسب سر را نمیتوان معین کرد . از آنجائیکه قسمت سفلی استخوان پیشانی از بین رفته در باره برآمدگی‌های فوق حذقه اظهار نظر نمیتوان کرد . منسوب با این جمجمه فك سفلی بزرگی است که خوب باقی نمانده و دندانها از بین رفته ولی اثر کرم خوردگی در آن نیست . سومین دندان آسیاب مدتها قبل از بین رفته بوده است . چانه خوب مشخص است همراه با آن استخوان سق پیدا شده که همه دندانها از بین رفته و اثر غانق‌ریا و اجه در قسمت حفره دندان آشکار است . . .

مطلب جالب توجه اینکه این سه جمجمه نشان میدهند که اثر نوع سردراز در لرستان در زمان مورد بحث قویتر از زمان جمجمه شماره ۱ و ۲ بوده است . طبیعی است که عنصر مدیترانه همیشه وجود داشته و در جمجمه A میتوان یقین داشت که آن نمونه اولین نوع کیش یعنی نوع اروپا و آفریقائی سرجی است .

والوامینویسد که در آزمایشگاه مردم‌شناسی دانشکده طب تولوژ جمجمه‌های

ایرانی زیر وجود دارد .

جمع‌هائی از گورستان سیالك نزدیک كاشان

تعداد	هراره	دوره
۶	۵	مس
۱۰	۴	برنز
۳	۲	برنز
۲	۲	آهن
۱۸	۱	آهن
۳۹	جمع	

جمع‌هائی از گورستان شوش

تعداد	دوره
۱	۲۴۰۰ - ۲۳۰۰ ق.م
۴	۲۳۰۰ - ۲۲۰۰ د
۳	۲۰۰۰ - ۱۹۰۰ د
۲	۱۵۰۰ - ۱۴۰۰ (عیلامی) ق.م
۴	دوره ساسانی
۱/۱۵	جمع ۴۰۰ - ۵۰۰ م

پنج جمع‌ه‌ای که در بالا شرح داده شد اکنون در مؤسسه دیرین‌شناسی انسانی پاریس وجود دارد. والوا اضافه میکند که به یک سری جمع‌ه‌های آسوری و جمع‌ه‌های متعلق به عصر حصر و دوره فینیقی سوریه دسترسی دارد.

جمع‌ه‌های تورنگک تپه نزدیک استرآباد

دکتر فردریک ولسین Frederick R. Wulsin که از طرف مؤسسه ویلیام راکهیل نلسون کانساس سیتی در تورنگک تپه بعملیات باستان‌شناسی اشتغال داشت هشت جمع‌ه در آن نقطه پیدا کرد. این جمع‌ه‌ها بدست موزه دانشگاه فیلادلفیا افتاد و از طرف مدیر موزه دکتر هوراس جین به موزه پیبادی دانشگاه هاروارد تقدیم

مردم‌شناسی جسمانی ایران-۳۳۵

گردید . با اجازه پرفسور هوتن اینجانب اندازه گیریها و ملاحظات آقای نیومن را در اینجا نقل میکنم شمارهها مربوط به کاتولگ موزه پبیادی است ولی اسناد تدفین درموزه دانشگاه فیلادلفی است .

دکتر ولسین در نامه مورخ ۷ ژویه ۱۹۳۸ چنین مینویسد : داین جمجمه‌ها از یک محل مسکونی که بعصر مس یا عصر برنز نسبت داده میشود بدست آمده است . در این محل سه سطح تدفین وجود داشت . اولی تقریباً در سطح زمین قرار داشت و نشانه آن بود که تپه کوچک از زمان دفن کردن مردگان بتدریج پایین رفته . دو سطح تدفین دیگر چندین متر زیر زمین بوده این هشت جمجمه از سطح بالا بدست آمد از نظر طبقه ممکن است به هر زمانی تعلق داشته باشند . جایگاهی که در آن قرار داشتند قدیمی بود ولی تدفین جدید هم در همان جایگاه بعمل می‌آمد . بنظر من اینها متعلق بچندین قرن پیش است زیرا استخوانها آنقدر نزدیک بریشه گیاهها است که نمیتواند متعلق بعصر حاضر باشد . سطح زمین لااقل پنجاه سانتیمتر و شاید ۷۵ سانتیمتر پایین رفته است . از طرف دیگر یقین دارم که این جمجمه‌ها متعلق بعصر مس و برنز نیست زیرا تدفین‌های آن دوره فشرده تر و همراه جسدها یا و تقدیمی‌ها قرار میدادند در صورتیکه قبرهای جدید بسیط‌تر است . در سطح بالا هم هدایائی مشاهده میشود ولی نادر است و از حیث نوع با قبور سطح زیرین فرق دارد . اغلب بجای ظروف سفالی پارچه و لباس است . چنین بنظر میرسد که این تدفین‌ها در زمانی بین ۱۰۰۰ سال قبل از میلاد و ۱۲۰۰ میلادی صورت گرفته باشد : بنظر من متعلق بزمانهای مختلف در این فاصله میباشد . بعضی از آنها از جمله شماره ۶۴۹ که متعلق به مرد جنگجوی بود حاوی اسلحه آهنین است و در یک قبر دیگر تابوت مینخ آهنی دارد .

اندازه گیری و شاخص ها

	N/۶۵۸	N/۶۵۶	N/۶۵۵	N/۶۵۴	N/۶۵۲	N/۶۵۱	N/۶۴۹	N/۶۴۸	اندازه ها
	۱۷۰	۱۷۴	۱۷۵	۱۶۳	۱۶۶	۱۷۶	۱۷۵	۱۷۹	طول بین برآمدگی Glabello-occipital length
	۱۳۹	(۱۵۰)	۱۴۴	۱۴۵	۱۴۴	۱۴۵	۱۴۹	۱۴۰	پیشانی و پس سر حد اکثر عرض Greatest breadth
	۱۳۵	۱۳۵	...	۱۲۴	۱۳۹	۱۳۷	۱۳۱	۱۳۸	ارتفاع فرق سر Basic-bregmatic height
	۶	۶/۳۸	۵	۶	۵	۶	۶	۷	ضخامت آهیانه چپ Left parietal thickness Minimum frontal diameter
	۹۸	۱۰۰	۹۳	۹۷	۸۹	۹۶	۱۰۱	۹۹	حد اقل قطر پیشانی Minimum frontal diameter
	۱۲۱	...	۱۱۹	۱۱۲	۱۱۶	۱۱۸	۱۱۷ ^۵	۱۲۰	ارتفاع لاله گوش Auricular height
	۱۰۳	۱۱۹	۱۰۴	۱۰۸	۱۱۵	۱۱۵	۱۱۰	۱۱۱	ارتفاع پیشانی Frontal height
	۵۶	...	۵۳	۴۹	۴۹	۴۹	۵۰	۵۱	زاویه پیشانی Frontal angle
	۸۳	۸۴	۸۲	۸۴	۹۰	زاویه کل صورت Total facial angle
	۹۲	۸۸	۹۲	۸۹	۱۰۱	زاویه نیمه صورت Mid-facial angle
	۶۱	(۷۱)	۵۶	۶۸	۶۲	زاویه حفره دندانها Alveolar angle
	۱۱۹	(۱۴۳)	...	۱۳۴	(۱۳۱)	۱۳۴	۱۳۶	۱۳۴	عرض استخوان گونه‌ها Bizygomatic breadth

ا در این مورد آهیانه راست. ب بیک میلیمتر برای جبران شکستگی اضافه شده است.

اندازه ها

N/۶۵۸ N/۶۵۶ N/۶۵۵ N/۶۵۴ N/۶۵۲ N/۶۵۱ N/۶۴۹ N/۶۴۸

۰۰۰	۱۳۴ ^۵	۰۰۰	۰۰۰	۱۰۴ ^f	۱۳۳ ^c	۱۲۳ ^c	۱۲۲ ^c	Nasion-menton height ارتفاع بیخ بینی تا چانه
۷۵	۸۴	۰۰۰	۰۰۰	۶۴	۷۷	۷۷	۷۸	Nasion-prosthion height ارتفاع بیخ بینی تا حفره دندانهای جلو
۹۸	۱۰۳	۰۰۰	۹۵	۹۶	۱۰۴	۱۰۲	۱۰۵	Basion -nasion height ارتفاع نوک سر تا بیخ بینی
۹۶	۱۰۷	۰۰۰	۰۰۰	۹۵	۱۰۵	۱۰۳	۹۶	Basion prosthion length طول نوک سر تا حفره دندانهای جلو
۵۲	۵۹	۰۰۰	۰۰۰	۵۴	۵۵/۶	۵۴	۵۴/۵	Nasal height ارتفاع بینی
۳۳	۳۵/۵ (۳۴/۲)	۰۰۰	۰۰۰	...	۳۳/۲	۳۴	۳۴/۳	Left orbital height ارتفاع حدقه چپ
۴۲	(۴۲)	۰۰۰	۰۰۰	...	۳۹	۴۲	۴۰	Left orbital breadth عرض حدقه چپ
۳۳	۳۶/۲	۰۰۰	۳۴	۳۴	۳۳	۳۴/۴	۳۵	Right orbital height ارتفاع حدقه راست
۴۳	۴۳	۰۰۰	۴۰	۳۸	۳۹/۳	۴۲/۴	۴۰	Right orbital breadth عرض حدقه راست
۱۳	۱۳/۳	۰۰۰	۱۴	۱۱	۱۲	۱۴/۴	۱۳	Nasalla-upper breadth عرض فوقانی بینی
۱۶	۲۰/۴	۰۰۰	۰۰۰	۱۵	۱۶/۵	۱۸	...	Nasalla-lower breadth عرض تحتانی بینی
۲۳	۲۴	۰۰۰	۲۰	۱۹/۳	۲۰	۲۲	۲۰/۵	Interorbital breadth عرض بین دو حدقه
۱۰۳	۱۰۸	۰۰۰	۰۰۰	...	۹۶	۱۰۴	۹۶	Biorbital breadth عرض دو حدقه
۵۶	۶۰	۰۰۰	۰۰۰	۴۸	۵۸	۵۷	۵۷	External palatal length طول خارجی سق

۲۴ میلیمتر برای سائیدگی دندان اضافه شده است.

۴c میلیمتر برای سائیدگی دندان.

۲g میلیمتر برای سائیدگی دندان اضافه شده است.

۳e

اندازه ها

	N/٦٥٦	N/٦٥٥	N/٦٥٤	N/٦٥٢	N/٦٥١	N/٦٤٩	N/٦٤٨
عرض خارجی سق	٦٩	٥٧	٦٩	٦٨	٦٦
External palatal breadth	٦٩	٥٧	٦٩	٦٨	٦٦
طول مهره استخوان چانه	١٠٧	٩٠	٩٧	٨٨	١١٠	١٠٣	(١٠٢)
Condylo - Symphyisial length	١٠٧	٩٠	٩٧	٨٨	١١٠	١٠٣	(١٠٢)
عرض دو مهره استخوان	١٣٧	١٢٠	١٢٨	١١٥	١١٨	١١٣	١٢٩
Bicondylar breadth	١٣٧	١٢٠	١٢٨	١١٥	١١٨	١١٣	١٢٩
ارتفاع استخوان چانه	٣٨/١	٣٤	(٣١)	٢٧	...	٣٣/٣	٣٣
Symphysial height	٣٨/١	٣٤	(٣١)	٢٧	...	٣٣/٣	٣٣
عرض دو زاویه فك پایین	٩٨	١١٥	(٩٧)	٩٠	٩٩	٩٨	١٠١
Bigonial breadth	٩٨	١١٥	(٩٧)	٩٠	٩٩	٩٨	١٠١
حداقل عرض قسمت عقبی فك سفلی	٢٧	٣٩	٣٤/٢	٣١	٣٧/٤	٣٥	٣٥
Ascending ramus minimum breadth	٢٧	٣٩	٣٤/٢	٣١	٣٧/٤	٣٥	٣٥
زاویه فك سفلی	١٣٣	١١٦	١١٥	١٠٦	١١٣	١٢٦	(١١٥)
Mean angle mendible	١٣٣	١١٦	١١٥	١٠٦	١١٣	١٢٦	(١١٥)
محیط اقبی	٤٩١	...	٥١٦	٤٨٧	٤٩٤	٥٢٢	١٥٩
Horizontal circumference	٤٩١	...	٥١٦	٤٨٧	٤٩٤	٥٢٢	١٥٩
بیش بینی تا مرز عقب مجرای نخاع	٣٥٦	٣٧٠	٣٦٣	٣٣٨	٣٥٩	(٣٦٧)	١٦٣
Nasion opisthion	٣٥٦	٣٧٠	٣٦٣	٣٣٨	٣٥٩	(٣٦٧)	١٦٣
قوس متقاطع	٣١٥	...	٣٢١	٣١٠	٣٢٠	...	٣٢٤
Transverse arc	٣١٥	...	٣٢١	٣١٠	٣٢٠	...	٣٢٤
شاخص ها							
سر	٨١/٨	٨٤	٨٢/٣	٨٩	٨٦/٧	٨٥	٧٨/٢
Cephalic	٨١/٨	٨٤	٨٢/٣	٨٩	٨٦/٧	٨٥	٧٨/٢
طول و ارتفاع	٧٩/٥	٧٥/٥	...	٧٦	٨٣/٧	٧٨	٧٢
Height - length	٧٩/٥	٧٥/٥	...	٧٦	٨٣/٧	٧٨	٧٢
عرض و ارتفاع	٩٧	٩٠	...	٨٥/٥	٩٦/٥	٨٨	٩٨/٥
Height - breadth	٩٧	٩٠	...	٨٥/٥	٩٦/٥	٨٨	٩٨/٥
پیشانی - آهیانه	٧٠/٥	٦٦/٦	٦٩/٥	٦٧	٦١/٨	٦٨	٧٠/٧
Fronto - porietal	٧٠/٥	٦٦/٦	٦٩/٥	٦٧	٦١/٨	٦٨	٧٠/٧

اندازه ها

N/۶۵۸	N/۶۵۶	N/۶۵۵	N/۶۵۴	N/۶۵۲	N/۶۵۱	N/۶۴۹	N/۶۴۸	Auricular height-length طول و ارتفاع لاله گوش
۷۱/۳	...	۶۸	۶۸/۸	۶۹/۹	۶۷	۶۷	۶۷	۶۷
۱۴۸	۱۵۵	...	۱۴۴	۱۵۰	۱۵۳	۱۵۲	۱۵۲	Cranial module اندازه سر
.	۹۳/۸	۷۹/۴	۹۹/۳	۹۰/۵	۹۴/۸	Facial صورت
۵۸	۵۸/۷	۴۸/۸	۵۷/۵	۵۶/۶	۵۸	Upper facial قسمت بالای صورت
۹۲/۸	۹۵/۵	...	۹۲/۵	۹۱	۹۲/۵	۹۱	۹۵/۷	Cranio-Facial سر - صورت
۵۱	۴۹	۵۲/۸	۴۵/۲	۴۳/۴	۴۴/۲	Nasal بینی
۷۸/۵	۸۲/۵	۸۲	۸۵/۷	۸۱	۸۶/۵	Left orbital حدقه چپ
۸۱/۳	۶۵	۹۶	۷۲/۸	۸۰	...	Nasalia-transverse بینی از عرض
۲۲/۱	۲۲	۲۰/۸	۲۱	۲۱/۳	interorbital بین دو حدقه
۱۱۲/۵	۱۱۵	۱۱۸	۱۱۹	۱۱۹	۱۱۵/۸	External palatal سقف خارجی
۹۵	۷۸	۷۵	۷۵/۷	۶۱	۹۳	۹۱	۷۹	Mandibular فک سفلی
۷۶	۸۰/۵	...	۷۲/۵	۶۹/۵	۷۴	۷۲	۷۵/۴	Zygo gonial کونه و فک سفلی
۱۰۰	۱۱۵	۱۰۳	۱۰۰	۱۰۱	۱۰۳	۹۷	۱۰۲	Pronto gonial پیشانی و فک سفلی
۷۶	۷۰	...	۷۲/۵	۶۸	۷۱/۶	۷۴	۷۳/۹	Zygo-frontal کونه و پیشانی

جمجمه های ری ۱۹۳۶

با اجازه و لطف آقای هوراس جین Horace H.F. Jayne مدیر موزه دانشگاه ویلادلفی و دکتر اریک اشمیدت رئیس هیئت اکتشافی ری یسادهای زیر برای اولین بار منتشر میشود. این یادداشتها توسط آقای جیمز گال که فعلا در موزه پیبادی دانشگاه هاروارد کار میکند در ۱۹۳۶ موقیبه عضو هیئت اکتشافی ری بود تهیه شده است.

جمجمه های زیر در یک تقارخانه در یک برج دوره سلجوقی در حوالی ری اندازه گیری شده است. این محل چندین میل مربع مساحت دارد و در نزدیکی شاه عبدالعظیم که در چند میلی جنوب طهران قرار دارد واقع شده است.

اندازه گیری زیر از جمجمه های مرد بزرگسال است بجز شماره ۴ - x که متعلق بزن است.

اندازه	شماره ۵ - x	شماره ۴ - x	شماره ۱۰ - x
طول سر	۱۶۵	۱۶۱	۱۷۶
عرض سر	۱۴۳	۱۳۹	۱۴۷
ارتفاع سر	۱۳۴	۱۳۳	۱۳۶
محیط	۴۹۵	۴۷۸	۵۱۴
حداقل قطر پیشانی	۹۳	۹۵	۹۹
ارتفاع پیشانی	۱۰۵	۱۰۱	۱۱۶
عرض دو گونه	۱۳۰	۱۲۰	۱۲۳
ارتفاع بیخ بینی تا چانه	۱۱۱	۱۱۶	۱۱۷
ارتفاع بیخ بینی تا حفره دندانهای جلو	۶۸	۷۲	۶۷
ارتفاع نوک سر تا حفره دندانهای جلو	۹۷	۹۲	۱۰۰
طول نوک سر تا بیخ بینی	۹۴	۹۹	۱۰۶
ارتفاع بینی	۴۸	۵۰	۵۱
عرض بینی	۲۶	۲۲	۲۲
تحریف	جزئی	جزئی	۰۰۰
	برآمدگی	برآمدگی	
	آهیانه چپ	آهیانه چپ	

مردم‌شناسی جسمانی ایران - ۳۳۱

۰۰۰	۱۰۴	۱۲۰	عرض مهره‌های استخوان چانه
۳۳	۳۰	۳۲	ارتفاع استخوان چانه
۹۴	۸۶	۹۸	قطر دوزاویه فك پایین شاخص‌ها
۸۲/۵۲	۸۶/۱۴	۸۶/۶۶	عرض سر
۷۷/۲۷	۸۳/۲۳	۸۱/۲۱	ارتفاع - طول
۹۲/۵۱	۹۵/۶۸	۹۳/۷۰	ارتفاع - عرض
۹۵/۱۲	۹۶/۶۶	۸۵/۳۸	صورت
۵۴/۴۷	۶۰/۰۰	۵۲/۳۰	قسمت علیای صورت
۸۳/۶۷	۸۶/۳۳	۹۱/۲۵	سر و صورت
۴۳/۱۳	۴۴/۰۰	۵۴/۱۶	بینی
۶۷/۳۴	۶۸/۳۴	۷۰/۸۰	پیشانی - آهیانه

طبقه‌بندی بر حسب شاخص سر

شماره	جنسیت	سر	بینی	صورت	ارتفاع سر
۱	مرد	دراز	متوسط	دراز	کوتاه
۴	مرد	دراز	متوسط	عریض	بلند
۶	مرد	دراز	پهن	عریض	کوتاه
۳	مرد	متوسط
۱۰	زن	متوسط
۱۵	مرد	متوسط	دراز	دراز	بلند
۲	زن	عریض	متوسط	متوسط	متوسط
۵	مرد	عریض	متوسط	متوسط	...
۷	مرد	عریض	بلند
۸	زن	عریض	کوتاه و پهن	...	بلند متوسط
۹	مرد	عریض
۱۲	زن	عریض	دراز	دراز	بلند
۱۳	مرد	عریض	دراز	...	بلند
۱۴	مرد	عریض	متوسط
۱۶	مرد	عریض	کوجک و باربک	متوسط	متوسط

- ۱ - جمجمه معمولی و دندانها خوب است .
- ۲ - آهیانه چپ شکسته ولی دندانها خوب است .
- ۳ - درباره این کاسه سر معمولی اظهار نظر نشده است .
- ۴ - در محل التقای درز استخوان آهیانه و پس سر يك استخوان ورمیان Wormian وجود دارد .
- ۵ - استخوان نوکسر و حفره نخاع از بین رفته و بنابراین ارتفاع جمجمه تقریبی احتساب شده است .
- قسمت پس سر صاف است و در نتیجه سر بظاهر بلند و عریض جلوه میکند .
- آهیانه راست قدری برآمدگی دارد .
- ۶ - درز آهیانه فرورفته - هیچگونه نقص و انحراف مشهود نیست .
- ۷ - قسمت چپ استخوان پیشانی و فك چپ بالا از بین رفته . استخوان پس سر صاف شده است .
- ۸ - نیمی از آهیانه راست از بین رفته . بینی خیلی کوتاه و پایه جمجمه کوتاه است و بنظر فشرده میرسد که ممکن است نتیجه عدم رشد باشد . برآمدگی آهیانه چپ نتیجه بیماری بوده و این شخص درزندگی احتمال میرود ناقص عقل بوده است . دکتر ما کداول رئیس بیمارستان امریکائی طهران میگوید ممکن است بیماری Ostia malasia در این جمجمه اثر گذاشته باشد .
- ۹ - روی این جمجمه در آهیانه چپ برآمدگی مشاهده میشود و پس سر صاف شده است . این قطعه جمجمه بقدری نامنظم است که تصور میرود غیر عادی باشد .
- ۱۰ - استخوان فك چپ بالا و استخوان سمت چپ پیشانی مفقود است . پس سر برآمده است .
- ۱۱ - در این جمجمه که در جدول بالا محسوب نشده است در امتداد درز استخوانهای پس سر و آهیانه استخوان Wormian دیده میشود . پس سر پیش آمده است .
- ۱۲ - نیمی از آهیانه راست مفقود است . باید در نظر داشت که با اینکه این این جمجمه يك سالمند است درز پیشانی بسته نشده است . مهره بزرگ بینی مشهود است در امتداد درز پس سر و آهیانه استخوانهای Wormian دیده میشود .
- ۱۳ - قسمت عمده آهیانه راست از بین رفته . سومین دندان آسیاب فك بالادر

نیامده، درحالی‌که درفک پائین درآمده است. اولین دندان آسیاب چپ پائین دو نیم است و شاید در زمان حیات صاحب آن دو واحد جدا گانه بوده. دندانها بطور کلی خوب است. در درز بین پس‌سر و آهیانه استخوانهای Wormian دیده می‌شود.

۱۴ - درزهای بین آهیانه و پس‌سر فرورفته و پس‌سر برآمده است.

۱۵ - جمجمه خوب مانده. سومین دندان آسیا درفک بالا در نیامده ولی درفک پایین درآمده. از وضع استخوانها و میزان فرسودگی دندانها و ظاهر کلی احتمال می‌رود که این جمجمه متعلق به سالمند جوان باشد ولی درز بین استخوان آهیانه مسدود شده و از بین رفته است. وضع دندانها خوب است. این اسکلت در چاهی در R^TE^I پیدا شد: تاریخ آن دوره اسلامی II است و قسمت عمده اسکلت بوضع خوبی باقی مانده است.

اندازه گیریهای زیر بدست آمد: حداکثر طول استخوان ران ۰/۴۷۳ -

طول مهره‌های مفصل ۰/۴۷۱ - طول قصبه کبری ۰/۳۹۱

پس از بکار بردن فورمول پیرسون برای قد گال قد این شخص را از ۱۷۱ سانتیمتر یا ۵ پا و ۷ اینچ تشخیص داد.

۱۶ - قسمت چپ استخوان پیشانی از بین رفته. در آهیانه چپ برآمدگی

مختصری وجود دارد. در درز آهیانه و استخوان پس‌سر استخوان Wormian دیده می‌شود وضع دندانها بد نیست.

وقتی شاخص‌ها را مورد بررسی قرار دهیم ملاحظه می‌شود که بین این جمجمه‌ها هم‌آهنگی و تجانس وجود دارد. شماره ۸ و ۹ را بعلت غیر عادی بودن نباید بحساب آورد. اکثر جمجمه‌ها از نوع سر کوتاه هستند که عبارت باشند از شماره‌های ۲ و ۵ و ۷ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۶. از طرف دیگر شماره‌های ۱ و ۴ و ۶ از نوع سردراز و شماره‌های ۳ و ۱۰ و ۱۵ از نوع سر متوسط می‌باشند.

جمجمه‌های بالا متعلق بدوره اسلامی I (قرن ۷ تا ۱۰ میلادی) میباشد ولی شماره‌های ۱۴ و ۱۵ بدوره اسلامی II یعنی قرن ده تا دوازده میلادی نسبت داده می‌شود.

جمجمه‌های درموزه‌های آمریکا

علاوه بر جمجمه‌های درموزه‌های آمریکا که تاکنون شرح داده شده دو جمجمه

دیگر را باید مورد مطالعه قرارداد که میگز Meigs ذکر کرده است . اول شماره ۷۳۱ پارسی یا ایرانی آتشپرست از برج سکوت در بمبئی- هندوستان- زن ، سن ۴۰ شاخص سر ۷۵ .

دوم شماره ۷۴۳ پارسی یا ایرانی آتشپرست - از برج سکوت نزدیک بمبئی- زن ، سن ۵۰ شاخص سر ۸۹ .

در سال ۱۹۳۴ نویسنده چندین مجسمه متعلق به دوره نسبتاً اخیر درری و تخت جمشید مشاهده کرد گزارش درباره این مجسمه‌ها و استخوانهاییکه اخیراً پیدا شده است بزودی منتشر خواهد شد .

قبل از شرکت در کنفرانس بین المللی علوم مردم‌شناسی و نژادشناسی که در ماه اوت ۱۹۳۸ در کپنهاگ تشکیل گردید اینجانب نامه‌ای به مدیران موزه‌ها و مؤسسات مختلف نوشت و سؤال کرد آیا اسکلت یا مجسمه انسانی در مؤسسه خود دارند یا نه . برای اینکه مردم‌شناسان دیگر زحمت تحقیق و پیرایش نداشته باشند در زیر نام موزه‌ها و مؤسسات اروپائی را که آثار اسکلت یا مجسمه از ایران ندارند نقل میکنیم .

کشور	محل	مؤسسه
بلژیک	بروکسل	موزه سلتنطی هنر و تاریخ
انگلیس	کمبریج	موزه باستانشناسی و نژادشناسی
انگلیس	اکسفورد	موزه دانشگاه
فنلاند	هلسینکی	موزه کانالیس
آلمان	برلین	
آلمان	برلین	موزه
هلند	آمستردام	مؤسسه تشریح- دانشگاه آمستردام
هلند	لیدن	موزه تاریخ طبیعی
هلند	اوترخت	آزمایشگاه تشریح- دانشگاه
ایتالیا	فلورانس	موزه ملی مردم‌شناسی و نژادشناسی
ایتالیا	رم	مؤسسه مردم‌شناسی- شهر دانشگاه
نروژ	اوسلو	موزه حیوان‌شناسی
لهستان	کراکو	موزه مردم‌شناسی دانشگاه
لهستان	لو	مؤسسه مردم‌شناسی و نژادشناسی

لهستان	ورشو	مؤسسه مردم‌شناسی
لهستان	ورشو	موزه حیوان‌شناسی
سوئیس	زوریخ	مؤسسه مردم‌شناسی دانشگاه زوریخ
روسیه شوروی	مسکو	موزه مردم‌شناسی - دانشگاه دولتی

علاوه بر گزارش تپه‌حصار کروگمن اسکلت و استخوان‌های علیشر مویوک در اناطولی را در جلد ۳۰ نشریه مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو مورخ ۱۹۳۸ شرح داده است. چون این گزارش قابل دسترسی است از نقل آن در اینجا صرف نظر میشود.

از آنجائیکه بین ایران و دره سند در زمانهای قدیم ارتباط فرهنگی وجود داشته (رجوع شود به استاین ص ۳۸-۶۴ و همچنین فرانکفورت) بی‌مناسبت نیست بطور خلاصه شرح يك جمعجه قدیمی را که در شمال غربی هندوستان پیدا شده در اینجا نقل کنیم.

جمعجه از چنهودارو - هندوستان

دکتر ویلتون کروگمن Wilton M. Krogman و ویلیام ساسامن William H. Sassaman عضو آزمایشگاه کالبدشناسی و مردم‌شناسی جسمانی دانشگاه وسترن رزرو واقع در کلیولند اوهایو جمعجه‌ها را (شماره ۳۳۲۴ ك) که در چنهودارو در ناحیه نواب‌شاه‌سند در هندوستان پیدا شده و منسوب به تمدن‌ها را پا مورخ ۳۰۰۰ تا ۲۶۰۰ سال قبل از میلاد است شرح داده‌اند.

در ۳۶ - ۱۹۳۵ هیئت اکتشافی آموزشگاه آمریکائی مطالعات هند و ایران و موزه هنرهای زیبای بوستن تحت رهبری دکتر ارنست مکی Mackay^۱ در تپه II چنهودارو واقع در ۱۲ میلی‌مشرق بستر فعلی رود سند و در ۸۰ میلی‌جنوب - جنوب شرقی مهنجو دارو تحقیقات بعمل آوردند. در زیر شرح يك جمعجه که در این محل پیدا شد داده میشود.

این جمعجه دراز و درپیشانی کوتاه و پهن است. صورت عریض و کوتاه و پهن است و مختصری پیش‌آمدگی دارد بینی و سق عریض هستند و حدقه‌ها پایین است. جمعجه دراز (حد اکثر طول استخوان پس‌سر ۱۷۸ - حداکثر عرض ۱۲۶/۵ -

۱ - مدیر عملیات میدانی هیئت اکتشافی موزه فیلد و دانشگاه اکسفورد به کیش عراق ۱۹۲۳-۱۹۲۶.

شاخص سر ۷۰/۰۷) و صورت پهن (عرض استخوان گونه‌ها ۱۲۴) خصوصیات غیر متجانس است.

نتایج حاصله از این قرار است: مجموعه چنهودارو متعلق بزنی است پس ۲۲-۲۵ این مجموعه از یک کوزه بزرگ بدست آمد و هیچگونه قسمت دیگر اسکلت وجود نداشت ولی همراه صدف حلزونی و اشیاء کوچک فلزی بود. این مجموعه نماینده نوع مدیترانه اولیه است که در آن آثار نژاد سیاهپوستی اجدادی آشکار است. صورت غیرمتجانس تنوع و اختلاف فردی است و نه اختلاط بانوع نژادی آسیای شرقی. فقط از یک لحاظ یعنی تناسب طول و عرض فرق سر مجموعه چنهودارو بانوع ایده‌آلی مدیترانه اولیه تطبیق میکنند^۱.

اکنون به بحث درباره روش و تکنیک ثبت اندازه گیری اجزاء استخوانی بدن که در این کتاب بکار رفته میپردازیم.

روش و تکنیک اندازه‌گیری

در فصول گذشته سرزمین و مردم ایران مورد بحث قرار گرفت و اشارات تاریخی مربوط به مردم نقل گردید و جمعیت ایران عصر حاضر استان باستان بررسی شد.

شک نیست که موجهای مهاجرت اقوام مختلف در طول تاریخ طول در خصوصیات جسمانی ساکنین این کشور اثر گذاشته است. تحقیقات اندازه‌گیری اجزاء بدن انسانی در دره نیل و دره بین‌النهرین نشان میدهد که با وجود مهاجمین متعدد که بازو اسلحه این ممالک را مسخر کردند اصل جمعیت این نواحی در طی شش هزار سال گذشته از نظر جسمانی تغییرات زیادی ننمودند در اثر مشکلات مسافرت و خصومت عشایر مسلح تحقیقات کامل اندازه‌گیری در ایران تاکنون بعمل نیامده است. تشکیل حکومت قوی مرکزی در طهران و خلع سلاح عشایر بسیاری از مشکلات را از بین برده است. بعلاوه معمولاً مردم با رضایت خاطر حاضر میشوند اندازه‌گیری شده و عکس آنها برداشته شود و نمونه مو و خون آنها گرفته شود. بغير از ناراحتی جسمانی خرافات و تعصباتی درباره قدرت يك فرد خارجی که عکس یا مو یا نمونه خون اشخاص را در اختیار دارد موجود است. بعلاوه بعضی عوامل

۱- مراجعه شود به تعریف کروگمن در صفحه ۳۰۶-۳۰۷ این کتاب.

مذهبی و سیاسی اغلب سبب سوءتفاهم درباره منظور این مطالعات میگردد . ترس از اینکه فرد غریبه از طرف حکومت مأموریت دارد گزارشی درباره وضع جسمانی و سلامتی افراد جهت خدمت نظام و وظیفه تهیه کند پیدا میشود و چون عالم مردم‌شناس به ثبت کلیه خصوصیات جسمانی حتی جای زخم و خال کوبی و علائم دیگر میپردازد اغلب مورد سوءظن واقع میشود که مبادا از طرف اولیای امور مأمور پیدا کردن يك جانی باشد . و نیز چون خارجی‌ها مسیحی هستند در اغلب نقاط بخصوص در حوالی اما مزاده‌ها و قبور مقدسین مورد قبول مردم نیستند . در نتیجه با وجود پخش چند پول خرد اشتیاقی بدیدن مردم شناس وجود ندارد .

قبل از آنکه عالم و مأمور مردم‌شناسی با این مشکلات روبرو شود باید از طرف دولت کسب اجازه کند . قبل از حرکت از آمریکا اینجانب بوزارت خارجه آمریکا رفته و با آقای والاس مری رئیس قسمت امور خاور میانه در باره کار هیئت اکتشافی ملاقات و مذاکره کردم آقای مری بوزیر مختار آمریکا در ایران آقای ویلیام هورنی بروک نامه نوشت و ورود و منظور هیئت اعزامی موزه فیلد را باو اطلاع داد و از او خواهش کرد تسهیلاتی برای کار ما در ایران فراهم کند . آقای وزیر مختار وسیله ملاقات ما را بانختست وزیر و وزیر کشور و رئیس شهربانی فراهم کرد .

برای عکسبرداری در ایران باید از شهربانی کل کشور در طهران اجازه گرفت . این اجازه نامه حاوی عکس حامل و اجازه عکسبرداری ب زبان فارسی و ممهور بمهر افسر مربوطه است . و نیز برای انجام مطالعات و تحقیقات مردم‌شناسی و اندازه‌گیری اجازه مخصوص لازم بود .

علاوه بر این جوازها اجازه کتبی داده شد که اعضای هیئت اکتشافی بتوانند برای موزه فیلد نمونه‌های حیوان‌شناسی و گیاه‌شناسی جمع‌آوری کنند . این اجازه روی يك صفحه کاغذ تحریر گردید و عکس اینجانب بآن الصاق شد و نام اعضای هیئت در آن ذکر گردید . این سند بامضای نخست وزیر و وزیر کشور و رئیس کل شهربانی رسید . از طرف وزیر کشور نامه باستاندار و فرماندار نواحی مورد بررسی هیئت نوشته و رونوشت این نامه‌ها باینجانب داده شد تا شخصاً باستانداران و فرمانداران تسلیم گردد .

برای خروج از طهران مسافر باید جواز بگیرد زیرا در امتداد جاده -

ها پست پلیس یا ژاندارم وجود دارد که در موقع ورود و خروج جواز مزبور بازرسی و ثبت می‌گردد .

پس از سه هفته کلیه اجازه نامه ها و جوازاها صادر شد و در طی دوره عملیات خود در ایران منتهای همکاری و مساعدت از همه طرف نسبت بما بعمل آمد .

هیئت اعزامی عبارت بود از ریچارد مارتین که اکنون مدیر باستان‌شناسی خاور نزدیک در موزه فیلداست که مأمور عکسبرداری و جمع آوری نمونه های حیوان شناسی بود و اینجانب بعلاوه آقای یوسف لازار همراه ما بود که وظایف متعدد خود را به نحو احسن انجام میداد . از اکتبر ۱۹۳۴ بسا اینجانب در جمع آوری نمونه ها در عراق کمک کرد و در اثر کوشش او نمونه های اضافی حیوان‌شناسی و گیاه شناسی برای موزه جمع آوری شده است .

کمک يك نفر که مأمور ثبت مطالب باشد بسیار مفید است . بیش از دو اندازه گیری و ثبت ارقام روی ورقه مخصوص در آن واحد مصلحت نیست زیرا از دقت و صحت ارقام کاسته میشود . و نیز اتلاف وقت برای ثبت ارقام باعث ناراحتی و بیقراری فرد مورد بررسی میشود . بعلاوه مأمور ثبت هر عدد را تکرار میکند بطوریکه شانس اشتباه تقلیل می یابد . در مسافرت ایران اینجانب خوشبختانه از کمک افراد زیر برخوردار بود دکتر جرج مایلز درری - خانم مایرون اسمیت در یزد خواست - يك محصل آلیانس اسرائیلی در اصفهان - مستر دونالد ماکن McCown درکنار آقای سی . ی . شوکت برای لره های بغداد - ثبت مطالب را همیشه خود اینجانب انجام میدهم ولی گاهی اوقات و در بعضی موارد آنها را دیکته میکنم .

لازم است که با هر گروه کسانی که اندازه گیری میشوند يك نفر مترجم قابل باشد که در موقع لزوم به ثبت مطالب نیز پردازد . بهمین دلیل آقای شوکت در عراق کمک بزرگی بود زیرا نه تنها در مسافرت های سابق با من کار کرده بود بلکه زبانهای انگلیسی و عربی و ترکی و کردی و کلدی را بخوبی تکلم میکند . بعلاوه از میان هر گروه دو نفر عاقل مرد با هوش انتخاب میشوند که برای سایرین سرمشق قرار گیرند و جلب اعتماد کنند و در اندازه گیری قد و حال نشسته کمک نمایند و سن افراد و آمار مربوطه را کنترل نمایند . برای

مثال یکی از افراد در جواب تعداد برادر زنده یا مرده جواب می‌دهد که سه برادر زنده دارد و برادر مرده ندارد. در این موقع یکی از عاقل‌مردها حرف او را قطع کرده و می‌گوید پس آن برادر جوان که پنج سال قبل مرد بحساب نمی‌آید. فرد تقریباً همیشه جواب می‌دهد آن برادر مرده است و واجد اهمیت نیست. یکی دیگر از وظایف معاونین بومی گرفتن نمونه موی افراد است. هر نمونه مو در پاکتی قرار داده میشود و مأمور ثبت سر پاکت را می‌چسباند و روی پاکت شماره فرد را می‌نویسد و روی ورقه مربوطه بهر فرد ثبت میکنند که نمونه موی وی گرفته شده است. اگر نمونه خون گرفته میشود دو نفر از افراد محلی به دکتر کمک میکنند و افراد را برای این عمل جزئی حاضر میکنند. بطور خلاصه میتوان گفت که کمک افراد محلی ضروری و سودمند است.

اندازه‌گیری اجزاء بدن انسان عملی است که بوسیله آن میتوان از روی ارقام شکل بدن انسان را معین کرد. تعداد اندازه‌گیری مختلف بمنظور طبقه‌بندی نژادی محدود است به میل و ابتکار فرد اندازه‌گیر. مثلاً در اروپا من یک عالم مردم‌شناس را دیدم که از هر جمجمه هزار اندازه‌گیری بعمل آورده بود. در نتیجه موافقت بین المللی یک سلسله اندازه‌گیری‌های معین بعمل می‌آید تا نتایج از نظر آمار قابل مقایسه باشد. تجربه علمی بمن‌آموخته است که در خاور میانه افراد فقط تا حد معینی حاضر به اندازه‌گیری و مشاهده بدن خود هستند. بهمین جهت من با دکتر هوتن و سرارتر کیت و دکتر دادلی بکستن در باره تعداد و انتخاب اندازه‌گیری مشورت کردم و لیست ضمیمه نتیجه توافق فی مابین محدودی است که وضع محلی اجازه میدهد. آلات و ادوات زیر که از هرمان وریکنباک در زوریخ گرفته شد مورد استفاده قرار گرفت.

(۱) یک انتروپومتر Anthropometer برای اندازه‌گیری قد و قد در حال نشسته بکار برده شد. این آلت عبارتست از میله مدرج فلزی که پایه فلزی وصل است و یک قطعه افقی متحرک دارد.

(۲) پرگار (Tasterzirkel) با دو شاخه مانند دایره کش که با شاخه که در کف دست قرار می‌گیرد بوضع مناسب در می‌آید. انگشت سبابه انتهای فلزی پرگار را هدایت میکند و به نقطه مورد لزوم قرار میدهد که برای خواندن ارقام مناسب باشد.

(۳) پرگار (Gleitzirkel) مدرج باشاخه متحرك .

(۴) متر فولادی مدرج .

تعیین نقاطی که دوميله پرگار باید قرار گیرد از روی موافقت نامه بین-المللی مربوط بیک نواخت نمودن اندازه گیریهای بدن انسانی بطور دقیق معین شده است . این موافقت نامه در گزارش کمیسیونی که از طرف چهاردهمین کنگره بین‌المللی مردم‌شناسی و باستان‌شناسی ماقبل تاریخ در ژنو (۱۹۱۲) برای تکمیل کار سیزدهمین کنگره در منا کو (۱۹۰۶) تعیین شده بود یافت میشود . این گزارش که توسط آقای داکورث Duckworth ترجمه شده در کتاب Anthropometry (ص ۲۵ - ۳۱) تألیف A.Hrdleicka نقل شده است . در موقع بکار بردن آلات اندازه گیری نوك شاخه پرگار روی نقطه معین قرار داده میشود بدون آنکه فشاری روی پوست وارد آید بجز در مورد اندازه گیری عرض زاویه فك سفلی . موارد اختلاف عمده قابل اندازه گیری در افراد نژاد های مختلف بشر عبارتند از قد - طول بدن و شکل سر و صورت و بینی - اندازه گیریهای زیر به ثبت رسیده است .

۱ - قد - فرد بدون کفش صاف می‌ایستد و پاشنه های خود را بحالت نظامی بهم قرار میدهد میله اندازه گیری بحال عمودی قرار داده میشود . دو بازو و دست آویزان و کف دست رو بداخل و انگشت ها رو بپایین و محور دید افقی است . در این حالت بلندی رأس سر از زمین اندازه گیری میشود . در موقعیکه موی سر انبوه باشد شاخه آلت اندازه گیری تا حدی که ممکن است نزدیک به پوست سر قرار داده میشود . برای اینکه از تمایل کلی بر اینکه سر خود را زیاد به عقب نگاهدارند جلوگیری بعمل آید به فرد گفته میشود که چشم خود را بعلامتی که در دیوار مقابل تقریباً محاذی چشم بدوزد . اگر فرد حاضر نشود کفش خود را در آورد ارتفاع کفش از قد کاسته میشود . در مورد افرادی که هیچگونه آشنائی با این کار ندارند این اندازه گیری بعلت اشتباهات ممکنه مشکل است . قد اشخاص قوزی یا ناقص‌الخلقه در معدل اندازه گیریها بحساب نیامده است .

۲ - قد نشسته - برای این اندازه گیری فرد یا روی پیت چهارگالنی بنزینی که ۲۵ سانتیمتر بلندی دارد یا روی چهار پایه یا جعبه می‌نشیند . زانو ها خم . ستون فقرات باميله اندازه گیری در ناحیه استخوان خاجی و استخوانهای

شانه تماس دارد . محور دید افقی باقی می ماند . در این حالت رأس سر از زمین اندازه گیری میشود و بعداً ارتفاع چهار پایه یا پیت بنزین از آن کسر میشود تا ارتفاع صحیح حالت نشسته بدست آید . بهتر است يك چهار پایه یا پیت بنزین معین بکار برده شود زیرا چهار پایه های محلی اندازه های مختلف دارد و آسانتر است که همیشه يك ارتفاع معین از اندازه قد نشسته کسر شود . دقت لازم بعمل آید که افراد روی برآمدگی ورك بنشینند و نه روی عضلات ران و نیز حالت راست بخود بگیرند و ستون فقرات در حال عادی باشد شانه ها زیاد بعمق برده نشود و جناغ سینه زیاد جلو آمده نباشد .

۳ - طول سر (از وسط پیشانی تا پشت سر) بوسیله قرار دادن يك سرپر -
گار بر برجسته ترین نقطه وسط دواپرو و سردیگر بر دورترین نقطه پس سر اندازه -
گیری میشود . این دو نقطه در خط میانگین گرفته شده و بر هر شاخه پرگار جزئی فشار وارد میشود .

۴ - عرض سر (از گوش تا گوش) بوسیله شاخه های پرگار از عرضترین نقطه بالای استخوان پشت گوش و استخوان گونه اندازه گرفته میشود . نوک شاخه پرگار بکنار سر مختصر فشار وارد میکند و از جلو بعمق چرخانده میشود تا حد اکثر رقم خواننده شود که معمولاً بالا و پشت نوک گوش میباشد .

۵ - حداقل قطر پیشانی بوسیله اندازه گرفتن کوتاهترین قطر افقی بین دو استخوان شقیقه روی استخوان پیشانی بدست می آید . شاخه های پرگار کدام با انگشت سبابه به عمیقترین قسمت انحناى خط گیجگاه بالای برآمدگی جناحی استخوان پیشانی هدایت میشود .

۶ - عرض استخوان گونه ها با قرار دادن شاخه های پرگار در سطح افقی بر دورترین نقاط سطح خارجی استخوانهای گونه بدست می آید بدون آنکه نوک پرگار فشار وارد آورد .

۷ - عرض دو زاویه فك پائین با قرار دادن شاخه های پرگار در سطح افقی بین برجسته ترین نقاط روی سطح خارجی زاویه های فك پائین بدست می آید . شاخه پرگار تا حد ممکن با استخوان تماس داده میشود و بهمین جهت فشار وارد میشود ولی نه بحدی که باعث اذیت فرد گردد . مناسب اینطور تشخیص داده شد که انگشت سبابه روی گوشه فك قرار داده شده و از فرد سؤال شود که آیا فشار

آلت دردناک است یا نه وقتی جواب میدهد حرکت گوشه فك نقطه صحیح را معین می‌کند . باید توجه کرد که عضله گوشتی احتراز شود و خود فرد روی آن فشار نیاورد .

۸ - ارتفاع کل صورت (چانه تا بیخ بینی) با گسترده شدن شاخه‌های پرگار از زیرترین قسمت وسط استخوان چانه تا نقطه در خط درزی که استخوان بینی با استخوان پیشانی وصل میشود اندازه گیری میشود. نقطه بیخ بینی Nasion که فرارترین نشانه کالبد شناسی است بوسیله لمر. کردن پیدا میشود و وقتی بدین طریق عملی نبود محل آن تخمین زده میشود زیرا معمولا بالای خط عمودی که دو بیخ چشم داخلی را بهم وصل می‌کند قرار دارد (رجوع شود به کتاب اشلی - موتناگیو صفحه ۴۷۳-۴۷۶). سر بحد امکان در سطح فرانکفورت نگاهداشته میشود .

۹ - ارتفاع قسمت بالای صورت (بیخ بینی تا دهان) بوسیله گسترده کردن پرگار از استخوان بیخ بینی تا نقطه بین دودندان پیشین جائیکه در فك بالا داخل لثه میشوند اندازه گیری میشود . اگر شاخه زیری پرگار در موقع اندازه گیری به لب یا لثه خورده باشد ضد عفونی میشود .

۱۰ - ارتفاع بینی (بیخ بینی تا استخوان بینی) با گسترده کردن پرگار از بیخ بینی تا نقطه که پره بینی بلب بالا متصل میشود اندازه گیری میشود فشار وارد نمی‌آید . این اندازه گیری طول است و نه تصویر از این نقاط بسطح عمودی .

۱۱ - عرض بینی با گسترده کردن پرگار در حال افقی برای تعیین حداکثر عرض خارجی عادی پره بینی بدون هیچگونه فشار اندازه گیری میشود .

۱۲ - طول گوش - لاله گوش چپ با پرگار مدرج اندازه گیری میشود تا حد اکثر طول بدست آید. میله محاذی محور دراز گوش قرار میگیرد . اگر گوش لاله نداشته باشد نقطه اتصال پره گوش به گونه حساب میشود ، در بعضی موارد که لاله گوش بلند است بزرگترین وتر اندازه گرفته میشود .

۱۳ - عرض گوش - با اندازه گیری فاصله بین دو خط محاذی با محور بلند گوش که یکی از آنها مماس با حاشیه پیشین و دیگری مماس با حاشیه پسین پیچ گوش باشد بدست می‌آید . در مورد مشاهدات بصری جزئیات زیادی می‌توان ذکر کرد ولی پس از انتخاب دقیق حداقلی را میتوان مورد استفاده قرار داد که در جدولهای بعد و تقسیمات آنها ذکر خواهد شد .

از آنجائیکه در ایران و عراق فقط ارتش است که رقم تخمین سن افراد را دارد در این گزارش سن اشخاص به نزدیکترین واحد پنج داده میشود و بهمین دلیل سن هر گروه مورد بررسی ۲۵ و ۳۰ و ۳۵ و غیره ذکر شده است. اگر برای مثال سن شخص ۲۳ ثبت شده که خارج از گروه‌های پنج است دال بر آنست که درصحت بیان سن شخص مزبور تردیدی وجود نداشته است.

با پیروی از روش هر دلیچکا (Hrdlicka - ۱۹۲۰ - ص ۴۴) در تخمین زدن ارقام و اطلاعات وضع ظاهری کلی فرد مورد بررسی مورد توجه قرار میگردد و این عوامل عبارتند از: درآمدن بعضی از دندانها بخصوص دندانهای آسیا - علائم بلوغ - علائم پیری مانند موی سفید و چین صورت و خم شدن ستون فقرات - سایش و فقدان دندان - تغییرات در قوه باصره و سامعه - کلفتی انگشتان - سفیدی دور قرنیه در اشخاص مسنی که در اثر وجود سلولهای دارای چربی و کولسترول - Cholesterol ($C_{27}H_{45}OH + H_2O$) بوجود میآید. البته باید بخاطر داشت که هیچیک از عوامل مذکور بطور فردی یا جمعی نمیتواند شاخص دقیق پیری و سن باشد زیرا در اشخاص مختلف در سنین مختلف ظاهر میشود. و حتی در يك شخص نیز عوامل پیری ممکن است بطور غیر منظم ظاهر گردد از جمله موی سفید و بعضی تغییرات دیگر در چشم و گوش ممکن است در سن جوانی پیدا شود.

بعبارت دیگر مسئله تخمین سن کمتر از پنجاه سال بالا و پائین باسانی میسر نیست. برای منظور آماری این تخمین کافی است زیرا افراد کمتر از هجده سال و زیاد تر از هفتاد و یک در تعیین معدل بحساب آورده نشده اند. بعقیده من اندازه گیری و مشاهده تعداد معینی افراد متجاوز از سنین هفتاد سال از نظر مردم شناسی قابل ارزش است و تغییرات نمو و موارد دیگر را با مقایسه این افراد و حد وسط کلی را می توان مورد مطالعه قرار داد. در نتیجه در مطالب اولیه اینجانب چند نفر را که سن آنها از حد معینی تجاوز میکرد گنجانیده ام.

اگرچه طبقات درجه بندی در جدولها تحت هر گروه ایران دیده میشود طریقه مخصوص اینجانب در ثبت مشاهدات دیگر محتاج به توضیح است.

اختلافات شکل و نسج مو کاملاً واضح است. در مورد رنگ مو طبقه بندی موی بور حذف شد زیرا هیچ نمونه از آن ثبت نشده بود. از لحاظ مقدار موی سر و صورت یا بدن شش تقسیم بندی در نظر گرفته شده است که میان مثلاً حد

متوسط موی صورت وریش سنگین (بعلاوه) وریش خیلی سنگین (بعلاوه دوبرابر) و مقدار خیلی زیاد موی صورت (بعلاوه سه برابر) تشخیص داده شود علامت منها نشانه کمتر از حد وسط و منها دو برابر نشانه تقریباً فقدان مو است .

زیر طبقه بندی رنگ چشم فرق قائل شده ایم بین قهوه‌ای آبی و آبی قهوه‌ای زیرا دومی آبی تر و کم رنگ تر است. این مطلب درباره قهوه‌ای سبز و سبز قهوه‌ای نیز صدق میکند. طبقه بندی عنیبه و سفیده چشم واضح و محتاج توضیح نیست. حلقه‌ها نوار باریک لبه خارجی مردمک چشم است که ظاهراً برنگ آبی و خاکستری هستند و نمونه ضعف چشم در اثر پیری نمیباشند .

نیمرخ بینی در هر مورد در اصل بچهار طبقه تقسیم شده بود . اصطلاح مقعر کاملاً مفهوم است . اصطلاح محدب اطلاق میشود به بینی منحنی چه انحناى آن کم یا زیاد باشد . در مشاهده بینی راست مواردی دیده شد که اگر چه بطور کلی بینی راست بنظر میرسد زیر بالا ترین نقطه پل فرو رفتگی کمی وجود دارد . این نوع بینی را میتوان راست طبقه بندی کرد ولی بنظر ما این اختلاف را باید مورد توجه قرار داد و ما این نوع بینی را تحت عنوان موجودار طبقه بندی کردیم . اصطلاح محدب مقعر اطلاق شده است بآن نوع بینی که گودی پل به نوك پهن و کوتاه ختم میشود . بطور کلی این نوع بینی محدب طبقه بندی میشود .

تقسیم بندی نوك بینی عبارت است از نازك - متوسط - کلفت (بعلاوه) - خیلی کلفت - و پیازی (بعلاوه دوبرابر) .

طبقه بندی پره بینی آشکار است زیرا متشکل است از فشرده تا سوراخ بینی فراخ از نوع بینی مردم سیاه پوست .

در مورد دندان باید خاطر نشان کرد که اصطلاح *under-bite* اطلاق میشود به افرادی که فك پائین آنها جلو آمده است بطوریکه دندانهای پائین جلوتر از دندانهای بالا است و این مطلب بدون آنکه افراد دهان خود را باز کنند مشهود است . موارد اینگونه دندان نادر است زیرا اغلب مردم برعکس دندانهای پائین آنها جلوتر است .

فقدان دندان بطور کامل ثبت گردید و افراد بعداً به شش طبقه تقسیم شدند . در آمدن ناقص بخصوص در مورد دندان سوم آسیاب و همچنین موارد نامنظمی و رویهم قرار گرفتن و لکه دار بودن مورد توجه قرار گرفت . برای اینکه این

جزئیات کتاب را مفصل نکند ارقام و اعداد مربوط باین اختلافات داده نشده ولی در پرونده‌های اینجانب موجود است .

علاوه بر وضع دندان که طبقه بندیهای آن کاملاً مفهوم است سعی کردیم درجه استعمال دندان هر فرد را نیز حساب کنیم . استعمال کم بندرت محسوس است . بعلاوه نشانه استعمال عادی و بعلاوه دو برابر نشانه استعمال زیاد و بعلاوه سه برابر نشانه از بین رفتن دندان در اثر کثرت استعمال است . هر جا که کرم خوردگی دیده شد ثبت گردید .

اگر چه در موقع بررسی افراد لخت نمیشدند معهذا نظریه کلی در مورد عضلات بدن و سلامتی عمومی ثبت شده است . موارد علامت آبله - کچلی - تب - سردرد - دل درد - تراخم - آب مروارید - سالك وغيره هر موقع مشاهده شد یا از طرف افراد گزارشی داده شده ثبت گردیده است . موارد تب و سردرد و دل درد در خاورمیانه عمومیت دارد و مادائماً با این اشکال مواجه بودیم که افراد یا مایل نبودند یا قادر نبودند به پرسشهای ما جواب دهند .

علاوه بر مطالب و اطلاعات فوق اطلاعات مربوط بخال کوبی از نظر طرح و منظور و محل خال روی بدن و جای داغ و استعمال حنا جمع آوری و ثبت گردید که برای کتاب مربوط علامت گذاری روی بدن در آسیای جنوب غربی که بعداً تهیه خواهد شد مورد استفاده قرار گیرد .

هر موقع نقص مصنوعی در استخوان جمجمه مشاهده شد در ستون ملاحظات ثبت گردید . معمولی‌ترین نوع نقص مصنوعی بوسیله گاهواره ارمنی بوجود می‌آید زیرا در اینگونه گاهواره بچه را می‌بندند و پس سر روی بالش سفت قرار داده میشود (شکل ۷ . همچنین در کتاب وان گنپ ص ۷۷ شکل ۴) اگر مادر عاقل باشد و محل گاهواره را گاه بگاه عوض کند نقصی تولید نمیشود والا پس سر بچه صاف میشود زیرا کودک يك وضع خوابیدن را ترجیح میدهد و یا بدر باز نگاه میکند و اگر چشم اضعیف باشد سر خود را از در بر میگرداند .

برای کمک در طبقه بندی نژادی و بدست آوردن مدارك دائمی درباره جمعیت که سرعت تغییر میکنند يك سلسله کامل عکسبرداری از هر گروه تهیه شد . تصاویر این افراد با شماره هويت در آخر این گزارش به ترتیب گروه و سن داده شده است . این عمل طبق پیشنهاد دکترالش هر دلشکا Dr. Ales Hrdlicka انجام گرفت. اگر

خواننده بخواهد تصویر فردی را که شماره‌اش داده شده پیدا کند میتواند به فهرست تصاویر که شماره افراد به ترتیب داده شده مراجعه نماید . در بررسی خصوصیات صورت در تصویر نیمرخ باید توجه داشت که عکسی که در آن خط میانگین افقی سر نسبت به دوربین عکاسی در جهت زاویه قائمه قرار نگرفته نباید مورد استفاده قرار گیرد .

دوربینی که ریچارد مارتین بکار میبرد اگفا ۱۲×۹ سانتیمتر بود . برای اینکه سلسله عکس افراد يك نواخت در آید افراد در فاصله معینی از دوربین عکسبرداری شده اند . پشت سر آنها پارچه سفید قرار داده شد تا زمینه عکس از لحاظ رنگ خنثی باشد و وقتی عکسها بموزه رسید احتیاجی به پاک کردن و محو کردن زمینه نباشد .

در بعضی از صورت‌ها لکه مشاهده میشود که به علت لکه روی فیلم عکاسی است (مانند عکس ۷۶- در شکل ۴) . از طرف دیگر جای زخم روی گردن شماره ۳۲۹۹ (عکس ۱۰۵- شکل ۲) بخوبی در عکس دیده میشود .

در صورت امکان نمونه خون و موی سر افراد گرفته شد و نتیجه آزمایش آنها در نشریات دیگر توسط کارشناسان منتشر خواهد شد .

بطوریکه ملاحظه میشود افراد با شماره‌ای که بلباس آنها الصاق شده عکس- برداری شدند . این شماره ۲ فقط برای استفاده در حوزه عملیات بکار رفته و هیچ - گونه ارتباطی با شماره های فردی که در سراسر کتاب بکار رفته و زیر تصویر افراد گذاشته شده ندارد .

در طی ماه اوت و سپتامبر اینجانب از ۲۹۹ نفر اندازه گیری کرد که در قسمت مربوطه خود از نظر آماری و نظریات دیگر مورد بررسی قرار گرفته‌اند . جدول زیر گروههای کامل را قبل از حذف افرادی که بعلت صغریا کبرسن و یا نقص بدن مورد بررسی قرار نگرفتند نشان میدهد .

محل	اشخاص	تعداد افراد	گروه نهائی
اصفهان	یهودی	۹۹	۸۷
یزد خواست	دهاتی	۴۸	۴۶
کناره	دهاتی	۷۴	۷۴

مردم شناسی جسمانی ایران - ۳۴۷

۵۲	۵۳	لر	پشت کوه
۱۴	۱۸	کارگر حفاری	ری
۷	۷	مختلف	متفرقه
۲۸۰	۲۹۹	جمع	

بررسی آماری

در بررسی مطالب ارقامی يك نوع طبقه بندی اختیاری باید در نظر گرفت . مثلاً در مورد قدم مناسب آنست که به بلند و متوسط و کوتاه طبقه بندی شود . برای اینکه با سیستم آزمایشگاهی اندازه گیری ها وارد مطابقت داشته باشد تقسیم بندیهای زیر بکار رفته است .

شاخص کلی صورت		قد	
پهن صورت	X-۸۴/۵	کوتاه	X-۱۶۰/۵
متوسط صورت	۸۹/۴-۸۴/۶	متوسط	۱۶۹/۴-۱۶۰/۶
باریک صورت	X-۸۹/۵	بلند	X-۱۶۹/۵

شاخص بینی		شاخص سر	
بینی باریک	X-۶۷/۴	سردراز	X-۷۶/۵
بینی متوسط	۸۳/۴-۶۷/۵	سرمتوسط	۵۲/۵-۷۶/۶
بینی پهن	X-۸۳/۵	سر کوتاه	X-۸۲/۶

وقتی ارقام مربوطه طبق سیستم فوق جدول بندی گردید مناسب بنظر رسید که تقسیمات و طبقه بندی که از طرف سرارت ترکیب در مقدمه گزارش اینجانب درباره عراق (ص ۱۱-۷۶) بکار رفته اضافه شود تا تناسب و درصد ارقام مربوط بایران مستقیماً با ارقام مربوط به عراق قابل مقایسه باشد . بدین جهت به منظور مقایسه جدولهای زیر اضافه شده است :

قد در حال نشسته		قد	
خیلی کوتاه	X-۷۴۹	کوتاه	X-۱۵۹۹
کوتاه	۷۹۹-۷۵۰	متوسط	۱۶۹۹-۱۶۰۰

متوسط	۸۴۹-۸۰۰	بلند	۱۷۹۹-۱۷۰۰
بلند	۱۹۹-۱۵۰	خیلی بلند	x-۱۸۰۰
خیلی بلند	x-۹۰۰		

اندازه سر		عرض سر	
کوچک	۱۳۰۰ cc یا کمتر	خیلی باریک	۱۲۹-۱۲۰
متوسط	۱۴۴۹-۱۳۰۱	باریک	۱۳۹-۱۳۰
بزرگ	۱۴۵۰ بیابا	پهن	۱۴۹-۱۴۰
		خیلی پهن	x-۱۵۰

شاخص سر

خیلی سردراز	x-۷۰
سردراز	۷۵-۷۰/۱
سر متوسط	۷۹/۹-۷۵/۱
سر کوتاه	۸۴/۹-۸۰
خیلی سر کوتاه	x-۸۵

عرض استخوان گونه	حد اقل قطر پیشانی		
باریک	۱۲۴-x	خیلی باریک	۹۹-x
متوسط	۱۳۴-۱۲۵	باریک	۱۰۹-۱۰۰
عریض	x-۱۳۵	پهن	۱۱۹-۱۱۰
		خیلی پهن	x-۱۲۰

طول قسمت علیای صورت	طول کل صورت		
کوتاه	۶۳-x	کوتاه	۱۰۹-x
نسبة کوتاه	۶۹-۶۴	نسبة کوتاه	۱۱۹-۱۱۰
نسبة دراز	۷۵-۷۰	نسبة دراز	۱۲۹-۱۲۰
دراز	x-۷۶	دراز	x-۱۳۰

عرض بینی	ارتفاع بینی		
خیلی باریک	۲۹-x	کوتاه	۴۹-x

متوسط	۳۵-۳۰	باریک متوسط
۵۹-۵۰	۴۱-۳۶	پهن متوسط
۵-۶۰	۴-۴۲	پهن

یهودیهای ایران

قبل از بررسی دقیق گروه یهودیهاییکه در اصفهان اندازه گیری و مطالعه شده اند لازم است که شرحی از کتاب کرزن (a ۱۸۹۲ - جلد اول ص ۵۱۰ - ۵۱۱) درباره جمعیت یهودی و سازمان اجتماعی آنان در ایران در اینجا نقل گردد. دپنج سال پیش (یعنی در سال ۱۸۸۷) تعداد یهودیهای ایران بطور حدس ۱۹ هزار نفر تخمین زده میشد ولی من متمایل باین عقیده هستم که این تعداد کمتر از جمعیت حقیقی یهودیان است. در واقع جدولی در اختیار من قرار داده شده است که در آن تعداد آنها ۶۵ هزار نفر ذکر گردیده ولی این رقم نیز مبالغه آمیز بنظر میرسد. مراکز عمده اقامت یهودیان عبارتست از طهران (۴۰۰۰) همدان (۲۰۰۰) اصفهان (۳۷۰۰) شیراز (۳۰۰۰) و ارومیه و مشهد و کاشان و ساوه و کرمانشاه و بوشهر.

دیهودیان ایران در فقر و جهالت بسر میبرند. از خود مدرسه ندارند بجز کنیسه که در آن فقط تکرار ادعیه آموخته میشود که اغلب معنی آنرا نمی فهمند. بجز در طهران و همدان و کاشان و خوانسار و گلپایگان فقط عبری یاد داده میشود و نه فارسی . . .

در تمام ممالک مسلمان مشرق زمین این قوم بدبخت مورد زجر و آزار واقع میشوند و عادت بانان و سایر مردم دنیا چنین آموخته است که سرنوشت آنان اینست. معمولا در محله جدا زندگی میکنند و از زمان قدیم مجبور به لباس و عادات و شغل مخصوص بوده اند که آنها را منفور جامعه و سایر ابناء بشر نمایانده است. اکثر یهودیان ایران اشتغال دارند به تجارت جواهر و شراب و ساخت تریاک و موسیقی ورقاصی و سپوری و دوره گردی و مشاغلی که زیاد مورد احترام مردم نیست. خیلی بندرت در امور تجارت و بازرگانی مقام عمده بدست میآورند. در اصفهان که تعداد آنها در حدود ۳۷۰۰ نفر است و از سایر نقاط ایران با آنها بهتر رفتار میشود و مقام نسبتاً بهتری دارند بانها اجازه داده شده است کلاه ایرانی

بسر گذارند و در بازار دکان داشته باشند و دیوار خانه آنان به بلندی دیوار همسایه مسلمان باشد و در خیابانها سواره حرکت کنند . تعداد آنها در طهران و کاشان نیز زیاد است و وضع نسبتاً بهتری دارند. در شیراز وضع آنها خیلی بد است . در یوشهر کار آنها خوب است و مورد آزار واقع نمیشوند . ولی بمحض اینکه موج تعصب در هر نقطه ایران یا سایر نقاط برخیزد یهودیها اولین کسانی هستند که مورد زجر و شکنجه قرار میگیرند .

الکساندر کشیش اهل رودز Rhodes در ۱۶۵۹ چنین نوشت : یهودیها را مجبور میکردند علناً قول دهند که اگر قبل از سی سال دیگر مسیح آنها طبق ادعیه و اذکار روزانه ظاهر نشود همه آنها بمذهب اسلام بگردند . . . این قول انجام گرفت . . . پادشاه از راه لطف برای اینکه یهودیها فرمان را اطاعت کنند بهر مرد یهودی سی غروش و بهر زن پانزده غروش انعام داد .

دائرة المعارف یهود (نیویورک - ۱۹۰۵) مینویسد : بطور کافسی نشان داده شده است که در ایران از زمان باستان یهودیها سکونت داشتند^۱ و تاریخ یهود در بسیاری جهات با ایران بستگی دارد. اشارات تورات به اماکنی مانند راجس (اوستا Rbaha فارسی قدیم Rhaga) و اکباتانی (فارسی قدیم Hagmatana فارسی جدید همدان) و شوش برای اثبات این موضوع دلائل دیگری میباشد . وجود اسرائیلیها در ایران ممکن است در اصل در اثر اخراج از ممالک دیگر و استثمار و تصرف نواحی و علل سیاسی بوده باشد ولی کسب و تجارت نیز در این امر سهم بزرگی داشته است .

یهودیهای اصفهان

در اصفهان يك محله یهودی بزرگی است که طبق روایات در حدود ۲۵۰۰ سال قبل تأسیس شد از آنجائیکه یهودیهایی که در عراق مورد مطالعه قرار دادم بسیار جالب توجه بودند تصمیم گرفتم بررسی اندازه گیری مردم شناسی را با يك عده ساکنین محله یهودیهای اصفهان آغاز کنم .

۱- در دربار ایران خواجه های یهودی متعدد وجود داشت . نحمیا Nehemia اگر خواجه نبود نمیتوانست ساقی اردشیر باشد (Neh II . 6) همچنین در حضور ملکه پیشخدمتی پادشاه را میکرد (استر IV ۸-۶)

طبق نظر دائرة المعارف یهود (ص ۶۵۹-۶۶۰) یهودیها ادعا دارند که اصفهان را آنها بنا کردند و میگویند این شهر بوسیله اسرائیکه بخت النصر از اورشلیم آورده بود ساخته شد. برای اثبات این امر شواهد و منابع زیر را ذکر میکنند: موسی چورن و نویسندگان عرب مانند ابن الفقیه - استخری - ابن هیکل - المقدسی - یاقوت - ابوالفدا و ابن خلدون. گفته شده است که یهودیها از اورشلیم آب و خاک همراه خود میآوردند و بهر نقطه میرسیدند آب و خاک آن محل را وزن مینمودند. وقتی بشهر جی (شهرستان) در ایران رسیدند آب و خاک آن با نمونه آب و خاک اورشلیم مطابقت داشت. در نتیجه در يك یا دو میلی جی کلنی تشکیل داده سکونت اختیار کردند و آن محل را الیهودییه نامیدند که بعدها اصفهان خوانده شد.

تأسیس کلنی یهود ممکن است در قرن سوم در زمان سلطنت شاپور دوم صورت گرفته باشد. میگویند منصور ابن بضان گفته است اگر در پاره موسی و بانی هر يك از فامیلهای متمول بازرگان اصفهان تحقیق شود معلوم میشود که یهودی یا بت پرست بوده است. در زمان سلطنت پرویز (۴۵۷-۴۸۴) جامعه یهودی متهم شد بقتل دو نفر از منان و در نتیجه پادشاه دستور قتل نیمی از یهودیان اصفهان را صادر کرد و امر داد که اطفال یهودی در معبد هوروم آتش پرست باریابیند.

در چند قرن اولیه یهودیها موفقیت و کامیابی زیاد حاصل کردند. بنیامین اهل تودله Tudela که در قرن دوازدهم سفر کرد گزارش میدهد که در آن موقع در اصفهان ۱۵ هزار نفر یهودی وجود داشت شاهزاده اسارت که در بغداد ساکن بود سر شالوم SarShalom را بنوان خاخام شهرهای اصفهان در کشور شاهنشاهی ایران انتخاب کرد. در زمان سلسله صفوی که اصفهان را پایتخت و مقر حکومت خود قرار دادند یهودیها مورد آزار مسلمانان واقع شدند. شاردن مینویسد که یهودیها مجبور بودند اعلامتی بلباس خود الصاق کنند تا از مسلمانان شناخته شوند. کلاه آنها با کلاه مسلمانان فرق داشت و اجازه نداشتند جوراب پارچه بپا کنند ولی اجازه داشتند يك کنیسه بزرگ و چند کنیسه کوچک دیگر داشته باشند. وی اضافه میکند که شاه عباس اول (۱۵۹۵-۱۶۲۸) بهر مردی که بدین اسلام میگروید ۴۰۰ فرانك و بهر زن ۳۰۰ فرانك میداد. این هدیه در زمان شاه عباس دوم (۱۶۳۹ - ۱۶۶۶) داده میشد. بابای بن لطف کاشانی که از شرای یهودی -

ایرانی است شرح آزار یهودیهای اصفهان در زمان شاه عباس اول را بنظم در آورده است و اراکل تبریزی مورخ ارمنی يك فصل تمام در این موضوع یعنی در آزار یهودیان در زمان شاه عباس دوم نوشته است .

در زمان سلطنت فتحعلی شاه (۱۷۹۸-۱۸۳۴) یهودیان بیش از هر دوره دیگر آزار و شکنجه شدند عشایر و قبائل ایران دائماً به محله یهودیها حمله می-کردند و مردان را میکشیدند و بناموس زنان دست درازی میکردند و خانه‌ها را غارت مینمودند و آنچه که قابل حمل نبود مصدوم میکردند. بنیامین I. J. Benjamin در ۱۸۵۰ در اصفهان ۴۰۰ فامیل یهود و سه کنیسه و هشت خاخام یافت . با پائی میگوید که کنیسه عمده که مورد احترام و تقدیس بود صراط بت عشر نامیده میشد . این عبادتگاه که در موقع آتش زدن کنیسه ها توسط میرزا مسعودی در زمان شاه عباس دوم جان سلامت برد زیارتگاه یهودیها است زیرا روایت است که سارا دختر عشر در آنجا مدفون است . کنفینو Confino در کتاب خود (ص ۳۳۹) مینویسد که تعداد یهودیان در اصفهان ۶۰۰۰ نفر بود ، در این شهر بود که پیغمبر کاذب بنام ابو عیسی یا محمد بن عیسی الاصفهانی ظاهر شد . فرقه الاصفهانیه که الاعیسویه یا عیسویها نیز نامیده میشوند از او آغاز شده است . احتمال میرود که مسلمانان عقیده داشتند که مسیح کاذب در اصفهان که محل سکونت عده زیادی یهودی بود ظاهر میشود .

بر طبق دائرة المعارف اسلامی (جلد ۲ - ص ۵۲۹-۵۳۰) اصفهان سابقاً متشکل بود از دو شهر مجاور هم یکی جی محل شهرستان آینده و دیگری یهودیه یا محل یهودیها که در زمان بخت النصر ۱ یا زمان یزدگرد اول بخواهش زن یهودی وی شوشن دخت تأسیس شده بود (بلوشه - قسمت ۵۴) .

کرزن (۱۸۹۲ a جلد ۲ ص ۲۱) مینویسد در اوائل دوره اسلامی در حدود سال ۹۳۱ میلادی شهر اصفهان بدست ساسله آل بویه یا دیلمی افتاد که شاهزادگان آن در فارس اراک حکومت میکردند . در آن موقع اصفهان شامل دو قسمت بود یکی یهودیه یا محله یهودیها و دیگری شهرستان یا مدینه که قسمت اصلی شهر محسوب میشد . این دو قسمت توسط حسین رکن الدوله دیلمی پدر

۱- مقایسه شود با نوشته شراینر Schreiner در نشریه مطالعات یهودی جلد

علاء الدوله معروف در داخل يك ديوار قرار داده شد و بهم وصل گردید .
هرتسفلد (۱۹۳۵ - ص ۱۰۶) از يك رساله پهلوی بنام شهرهای ایران
چنین نقل میکند : در جزء ۲۶ . . . گفته شده است که همدان را یزگرد اول
(۳۹۹-۴۲۰) بنا نهاد . البته همدان خیلی قدیمی تراست و علت این بیان در
جزء دیگری (۴۷) آشکار میشود که میگوید :

شوش و شوشتر (واضح است که این اشتقاق غلط است) توسط شاه پسانو
شوشن دخت ملکه یزدگرد و مادر بهرام پنجم و دختر پادشاه یهود رس گلو تاک
Res - galutak ساخته شد . این مطلب يك امر مهم تاریخی است . بیان سوم در
جزء ۵۳ است که میگوید : گی توسط یزدگرد بخواهش زتنش شوشن دخت که
يك کلنی یهودی در آنجا تأسیس کرد ساخته شد . گی که بعدها الیهودیه یا محله
یهودیه نامیده شد آن محله اصفهان است که بازار بزرگ دارد . تقریباً همه
اماکن مقدسه اسلامی این محله سابقاً ابنیه متعلق به یهودیه بوده است . این
مطلب که هشتاد سال بعد از واقعه ذکر شده درباره همدان نیز صدق میکند . کلنی -
های یهودی همدان و اصفهان برخلاف آنچه تصور شده بعصر آسوریه و بابلی ها
بر نمیگردد بلکه اوائل قرن چهارم میلادی شروع میشود . این پیوستگی کاملاً
واضح است . محلی که مقبره استر نامیده میشود در واقع قبر ملکه سوسن است که
کلنی یهودی را در آنجا تأسیس کرد . ملکه استر افسانه ای در وجود شوشن دخت
حقیقت پیدا کرد و بعد از ۸۰۰ سال نام وی فراموش شد ولی عملی که انجام داده
بود ازین رفت .

وقتی که اعضای هیئت اکتشافی موزه فیلد در ۱۹۳۴ با اصفهان مسافرت
کردند با اینجانب اطلاع داده شد که در حدود ۴۰۰۰ نفر یهودی در محله زندگی
میکنند . با اجازه استاندار و موافقت رئیس شهر بانی اینجانب آلیانس اسرائیلی
را بازدید کرد و مدیر آن آقای جوزف کوهن لطفاً قبول کرد که در بررسی و
اندازه گیری گروهی از یهودیه های اصفهان با اینجانب کمک کند .

يك روز عصر عرابه کهنه سوار شده و بمحله یهودیه ها که در حدود يك میلی
میدان است رفتیم . وقتی از خیابان عمده پیچ خوردیم وارد کوچه باریکی شدیم
که در طرفین آن دیوارهای گلی کوتاه قرار داشت . در حدود هزار قدم دورتر از
يك طاقی گذشتیم و بيك کوچه باریکتری رسیدیم و در آنجا کنار در سیاه زنده ای

توقف کردیم . در بین راه قیافه های دارای خصوصیات مخصوص یهودی زیاد دیدیم و تصور ما در پیدا کردن خصوصیات نژادی این قوم مجزا در مرکز ایران تأیید گردید . سپس بمدرسه آلیانس اسرائیلی رفته و برای انجام کار خود ترتیبات لازم را دادیم .

ساعت ۷ روز ۲۰ اوت ۱۹۳۴ بمدرسه برگشته و مطالعات اندازه گیری مردم شناسی را که شامل عکسبرداری از نیمرخ و روبرو افراد بود آغاز کردیم . دکتر والتر کندی از پنجاه و چهار نفر نمونه خون گرفت (فیلد - b ۱۹۳۵ - ص ۴۶۱) . در بعضی موارد اجازه نمونه خون گرفتن داده نشد و در برخی بعلت احترام بسن افراد کوششی برای گرفتن نمونه خون بعمل نیامد . فرد شماره ۳۵۴۰ چنان بشدت باین عمل اعتراض کرد که نزدیک بود شورش برپا کند و بهمین جهت از این آزمایش صرف نظر کردیم .

با وجود گرمای شدید هوا و عدم نظافت افراد من موفق شدم بین طلوع و غروب آفتاب از صد نفر اندازه گیری کنم . لازم بود از تقریباً صد نفر جهود ایرانی برای مقایسه با یهودیان عراق و سایر نقاط آسیای جنوب غربی اندازه گیری بعمل آید . از عجایب اینکه يك نفر مسلمان خود را بین یهودیان داخل کرد ولی وقتی برای بار دوم از او سؤال شد اقرار کرد که یهودی نیست . بعداً در موقع گردآوری آمار لازم شد که يك نفر را که بعلت نقص کار غده ها از حد معمولی کوتاه قدتر بود و سه نفر را که در اصفهان متولد نشده بودند و هشت نفر را که متجاوز از هفتاد سال داشتند از صورت حذف کنیم . بنا بر این تعداد افراد یهودیهای اصفهان که در آمار مربوطه بکار برده شده است ۸۷ نفر میباشد .

سن = حد متوسط سن گروه ۲۹/۳۰ سال بود و ۶۰ در صد افراد از چهل کمتر داشتند . این حد متوسط نسبتاً بالا است زیرا متقاعد کردن مردان جوانتر که از کار خود دست کشیده برای اندازه گیری حاضر شوند مشکلتر بود .

طبقه بندی بر حسب سن

سن	تعداد	درصد	سن	تعداد	درصد
۱۹-۱۸	۵	۵/۷۵	۴۹-۴۵	۱۰	۱۱/۴۹
۲۴-۲۰	۱۵	۱۷/۲۴	۵۴-۵۰	۹	۱۰/۳۴
۲۹-۲۵	۱۰	۱۱/۴۹	۵۹-۵۵	۳	۳/۴۵
۳۴-۳۰	۱۳	۱۴/۹۴	۶۴-۶۰	۴	۴/۶۰
۳۹-۳۵	۸	۹/۲۰	۶۹-۶۵	۴	۴/۶۰
۴۴-۴۰	۶	۴/۶۰	۷-۷۰	۲	۲/۳۰

پوست = رنگ صورت آنها سفیدتر از حد متوسط ساکنین اصفهان بود و بطور فردی از نوع معمولی اروپائی شمالی تا قهوه ای متوسط وجود داشت. در اثر هوا و آفتاب و عدم نظافت کلی افراد میان سال و پیر صورت سوخته و شکسته پیدا کرده اند. رنگ قسمتهای مختلف بدن عادی بود ولی قسمتهائیکه در معرض آفتاب قرار داشته تاریکتر از قسمتهای پوشیده میباشد. روی سر که معمولا پوشیده است در بسیاری موارد پوست کم رنگتر و به سفیدی پوست اروپائیهها است.

درموارد مخصوص جزئیات زیر در باره رنگ صورت مشاهده گردید:

شماره ۳۵۱۲ (تصویر ۲۰ شکل ۳ و ۴) خیلی سرخ و سفید؛ شماره ۳۵۳۳ خیلی روشن؛ شماره ۳۴۷۹ (تصویر ۳۳ شکل ۳ و ۴) و ۳۴۹۷ (تصویر ۱۹ شکل ۳ و ۴) سفید متمایل بقرمز؛ شماره ۳۴۹۰ (سن ۳۶- تصویر ۲۱ - شکل ۳ و ۴) و ۳۵۱۳ (سن ۲۲- تصویر ۱۵- شکل ۳ و ۴) زرد و پریده رنگ؛ شماره ۳۵۰۸ (تصویر ۲۰ - شکل ۱ و ۲) گندمه و ککمه متعدد در صورت داشت که در اثر اشعه آفتاب بوجود آمده. طبق گفته یکی از افراد در محله یهودیهای اصفهان بیست نفر یهودی دارای موی سر قرمز رنگ میباشند. ریبلی (a ۱۸۹۹-ص ۳۸۶) خاطر نشان میکند که وایزباخ Weisbach (ص- ۲۱۴) شرح میدهد که یهودیهای از اولاد یهودیان اسپانیول ساکن قسطنطنیه دارای مو و چشم سیاه بود و گاهی موی سر آنها متمایل به بور قرمز رنگ میباشد. این تمایل به رنگ قرمز در میان یهودیهای مشرق زمین بکرات مشاهده شده است. دکتر بدو Beddoe بهمان اندازه که در انگلستان در بین یهودیهای موی قرمز دید در میان یهودیهای

مشرق زمین مشاهده نمود ولی مطالعات بعدی این مطلب را تأیید نمیکند . این وصف موی قرمز از نوع شرقی با تمثال نقاشی شده مسیح در اوائل دوره مسیحیت مطابقت دارد و نوع آن در خصوصیات قیافه و نه مو در نقاشی های رامبراندت دیده میشود زیرا یهودیهای Sephardim (یهودیهای از اولاد ساکنین شبه جزیره اسپانیا) را زیاد دیده بود و به ذوق صنعتی او بر نوع اشکنازیم Ashkenazim (یهودیهای اروپای مرکزی و شمالی) ترجیح داشت . این نوع دوم دارای خصوصیات خشن تر میباشد . دهان آنها بزرگتر و بینی آنها کلفت تر و اغلب کمتر شبیه بینی یهودی است . لب ها پر و شهوانی و برعکس لب نازک یهودیهای سیاردیم است . رنگ صورت اغلب تارک و مو و چشم ها سیاه هستند و تمایل به قرمز رنگی در آنها دیده نمیشود . ضمناً صورت پرتو و عرض آن مطابقت دارد با نوع سر کوتاه و مدور .

خصوصیات شکل شناسی یهودیهای اصفهان

مو = موسیاه یا قهوه ای تیره که گاهی موی خرمائی متمایل به قرمز در آن دیده میشود . از لحاظ نسج حد متوسط و متمایل به نازکی است . از لحاظ شکل مو کمی مجعد است ولی نشانه موی فری و پیچیده نیز وجود دارد . قبل از سن چهل سالگی موی خاکستری بمقدار زیاد بندرت مشاهده میشود ولی از سن پنجاه ببعد موی خاکستری زیاد است . چهار نفر از افراد (۴/۵۵ درصد) برای پنهان داشتن موی سفید حنا بسته بودند . از این گروه ۷۲ نمونه مو گردآوری شد .

رنگ	تعداد	درصد	شکل مو	تعداد	درصد
سیاه	۳۶	۴۴/۴۴	صاف	-	-
قهوه‌ای خیلی تیره	۱	۱/۲۳	مجعد خیلی کم	۲	۲/۶۷
قهوه‌ای تیره	۱۸	۲۲/۲۲	مجعد کم	۶۳	۸۴/۰۰
قهوه‌ای	-	-	فردار	۸	۱۰/۶۷
قهوه‌ای قرمز رنگ	۲	۲/۴۷	فر فری	۲	۲/۶۷
قهوه‌ای روشن	-	-	کرکی	-	-
قرمز	-	-	جمع	۷۵	۱۰۰/۰۱

مردم شناسی جسمانی ایران - ۳۵۷

درصد	تعداد	نوع	۱۶/۰۵	۱۳	سیاه و خاکستری
۱۵/۰۷	۱۱	خشن	۷/۴۱	۶	قهوه‌ای تیره و خاکستری
۱/۳۷	۱	خشن متوسط	-	-	خاکستری
۵۶/۱۶	۴۱	متوسط	۴/۹۴	۴	خاکستری
۶/۸۵	۵	نرم متوسط	۱/۲۳	۱	سفید
۲۰/۵۵	۱۵	نرم	۹۹/۹۹	۸۱	جمع
۱۰۰/۰۰	۷۳	جمع			

موی سر معمولا زیاد بود ولی در بعضی موارد صرف نظر از سن که موجب قلت موی سر میشود کم موئی و نیمه کچلی دیده شد. شش نفر بیماری پوست سر داشتند.

تنها افرادی که موی صورت نداشتند چزه نفر از جوانها بودند. از میان پنجاه و پنج نفر هفت یهودی ریش نداشتند یا خیلی کم داشتند و بیست و سه نفر کم و یازده نفر زیاد و چهارده نفر ریش انبوه داشتند. همه افراد بجز سه نفر جوان سپیل گذاشته بودند.

میزان غیرعادی موی بدن نگردید ولی نظر کلی این بود که این گروه یهودیها از گروه‌های ساکن عراق کمتر موی بدن داشتند.

چشم == بطور کلی رنگ چشم اکثر افراد قهوه‌ای بود ولی نفوذ عناصر کم رنگ تر مانند قهوه‌ای آبی - و قهوه‌ای سبز و خاکستری سبز وجود داشت که با رنگ قیافه سرخ رنگ ارتباط پیدا میکرد. هفتاد و پنج درصد عنبیه‌ها یکجور بود و با در نظر گرفتن میزان چشمهای مخلوط تعداد زیادی است. سفیده چشم در ۷۱ درصد صاف و در ۲۶ درصد لک‌دار بود.

عنبیه	تعداد	درصد	رنگ	تعداد	درصد
یکجور	۶۰	۷۵/۰۰	سیاه	-	-
	۶	۷/۵۰	قهوه‌ای تیره	۶۴	۷۳/۵۶
	۱۴	۱۷/۵۰	قهوه‌ای آبی	۴	۴/۶۰
جمع		۱۰۰/۰			

۱/۱۵	۱	آبی قهوه‌ای	تعداد	درصد	سفید
۹/۲۰	۸	قهوه‌ای سبز	۶۲	۷۱/۲۶	صاف
۵/۷۵	۵	سبز قهوه‌ای	—	—	زرد
۳/۴۵	۳	قهوه‌ای خاکستری	۲۳	۲۶/۴۴	لك‌دار
—	—	آبی	۲	۲/۳۰	لك‌دارخونی
—	—	خاکستری	—	—	لك‌دارزرد
۱/۱۵	۱	آبی خاکستری	۸۷	۱۰۰/۰۰	جمع
۱/۱۵	۱	آبی سبز			
۱۰۰/۱	۸۷	جمع			

بطور کلی چشمها اقیی مانند چشم اروپائیان است ولی در بعضی موارد مانند فرد شماره ۳۴۹۶ (تصویر ۲۹ شکل ۴۳) کمی اریب و کج است و گوشه چشم بالاتر است و در مورد فرد شماره ۳۸۸۷ چشم کمی کج (تصویر ۳۰ - شکل ۱ و ۲) و گوشه چشم کمی پائین‌تر است .

عدم بهداشت و فقدان وسائل نظافت در محله مسکونی یهودیها در چشم موثر است و چشم نه تنها مبتلا به بیماری‌های مختلف میشود بلکه درخشندگی آفتاب و گرد و خاک کوچدهای باریک سبب ناراحتی و زحمت چشم میگردد . پنج مورد تاری چشم و موارد زیاری آماس ملتحمه و بیماری عنبیه و آب‌مروراید و سه مورد که از يك چشم یا هر دو چشم کور بودند .

بینی = بینی در قسمت عمده افراد محدب و در يك سوم آنان صاف است . پره‌های بینی از لحاظ عرض متوسط و کمی متمایل به پهنی است . بطور کلی نوک بینی باریک و تمایل مختصری بسمت پائین دارد و پره‌ها بطرف عقب برگشته و در نتیجه دیوار میانه پره‌ها آشکار است .

بینی			بیمرخ		
درصد	تعداد	پره‌ها	درصد	تعداد	
۸/۰۵	۷	فشرده	۱/۱۵	۱	موجدار
۴/۶۰	۴	فشرده-متوسط	۳۲/۱۸	۲۸	صاف
۵۶/۳۲	۴۹	متوسط	۱۴/۹۴	۱۳	مقعر
۲۶/۴۴	۲۳	متوسط-باز	۴۷/۱۳	۴۱	محدب
۲/۳۰	۲	باز	۴/۶۰	۴	مقعر-محدب
۲/۳۰	۲	باز+	۱۰۰	۸۷	جمع
<hr/>					
۱۰۰/۰۱	۸۷	جمع			
درصد	تعداد	ضخامت نوک			
۵۱/۲۲	۴۲	باریک			
۲۶/۸۳	۲۲	متوسط			
۱۷/۰۷	۱۴	بعلاوه			
۴/۸۸	۴	بعلاوه دوبرابر			
۱۰۰	۸۲	جمع			

دهان = در اکثر افراد لب‌ها کلفت‌تر از لب معمولی اروپائیان است و در ۳/۴۱ درصد افراد لب برگشتگی مشاهده میشود و ۴/۵۴ درصد لب باریک دارند. ده نفر یعنی ۱۱/۳۶ درصد از دهان تنفس می‌کردند.

دندان = وضعیت کلی دندان‌ها متوسط تا خوب است و در واقع ازدندان یهودیهای عراق بمراتب بهتر است. در یک سوم فرسودگی قابل ملاحظه وجود دارد. فرد شماره ۳۵۳۴ کرم‌خوردگی شدید داشت ولی بعلت کمی وقت فرصت ثبت وضع دندان از نظر علم امراض در مورد همه افراد بدست نیامد. هفت نفر یعنی ۷/۹۶ درصد دارای دندان لکه‌دار و عده‌ای دارای دندان رنگه بودند.

دندان					
درصد	تعداد	وضع	درصد	تعداد	سالیدگی
۱۲/۶۸	۹	خیلی بد	۶۷/۸۲	۵۹	هیچ
۱۵/۴۹	۱۱	بد	۱/۱۵	۱	کم
۱۹/۷۲	۱۴	متوسط	۱۴/۹۴	۱۳	زیاد
۴۲/۲۵	۳۰	خوب	۱۶/۰۹	۱۴	خیلی زیاد
۹/۸۶	۷	خیلی خوب	—	—	خیلی خیلی زیاد
۱۰۰	۷۱	جمع	۱۰۰	۸۷	جمع
درصد	تعداد	غیر دندان	درصد	تعداد	افتادگی
۲/۴۴	۲	ریز	۱۲/۷۷	۶	هیچ
۱/۲۲	۱	لب بلب	۳۶/۱۷	۱۷	۴-۱
۸۱/۷۱	۶۷	کمی زیاد	۴/۲۶	۲	۸-۵
۱۴/۶۳	۱۲	خیلی زیاد	۳۸/۳۰	۱۸	۱۶-۹
۱۰۰	۸۲	جمع	۸/۵۱	۴	+۱۷
			۱۰۰/۰۱	۴۷	جمع

با مقایسه با سایر گروه‌های مشاهده شده بهم جفت شدگی دندانها کمی زیاد در بعضی موارد و تمایل عمومی به خیلی زیاد بود. دندان ناقص در آمده در شش نفر (۶/۸۲ درصد) و رویهم افتادگی دندان در سه نفر (۳/۴۱ درصد) مشاهده شد. پنج مورد (۵/۷۰ درصد) دندان غیر منظم دیده شد.

وضع عضله‌ها

وضع عضلات بدن بطور کلی خوب بود اگر چه موارد آشکار کمی و سوء تغذیه دیده شد. کار و فعالیت یهودیها به پرورش عضله کمک میکند و موارد فربهی و چاقی در محله یهودیها وجود نداشت و این امر کاملاً عکس وضع فروشندگان و کسبه ایرانی در بازار است که در اواسط جوانی چاق میشوند. ریپلی مینویسد (a ۱۸۹۹ - ص ۳۸۲): «این قوم (یهودیها) از نظر مردم شناسی و بطور مشهور دارای سینه باریک و ریه کم ظرفیت هستند. در حال عادی محیط سینه يك فرد بالغ باید مساوی یا متجاوز از نیمی از قدش باشد ولی در مورد یهودیها هرگز باین اندازه نمیرسد.»

مردم‌شناسی جسمانی ایران-۳۶۱

وضع عضلات	تعداد	درصد	سلامتی	تعداد	درصد
بد	-	-	بد	-	-
متوسط	۱۱	۱۲/۶۴	متوسط	۱۰	۱۱/۴۹
خوب	۶۶	۷۵/۸۶	خوب	۷۷	۸۸/۵۱
خیلی خوب	۱۰	۱۱/۴۹	خیلی خوب	-	-
جمع	۸۷	۹۹/۹۹	جمع	۸۷	۱۰۰

وضع سلامتی و بهداشت یهودیها خوب است. مبارزه بقا و تعداد کثیر متوفیات اطفال از تعداد افراد ضعیف قبل از سن بلوغ می‌کاهد. شش نفر در این گروه (۶/۸۲ درصد) علامت بیماری آبله داشتند.

چندین مورد غیر عادی بیماری شناسی وجود داشت. فرد شماره ۳۵۲۴ شاید بعلت بیماری فلج اطفال قادر بایستادن نبود. تکان زانو وجود نداشت و مردمک چشم او درست واکنش از خود بروز نمیداد. دکتر کندی عقیده داشت که این امر در اثر بیماری سفلیس نیست. فرد شماره ۳۵۲۹ که در اثر نقص غده های مربوطه رشد نکرده و کوتوله باقی مانده بود از سری حذف گردید. سراوخیلی بزرگ بود و استخوان ران او مبتلا به نرمی استخوان بود ولی بیماری ها چنین دردندان وجود نداشت. يك نوع نقص دودندان ثنایای بالا که در کسانی که سفلیس بارث برده اند دیده میشود برای اولین بار توسط ها چینسن Hutchinson شرح داده شد و بنام او خوانده میشود. فرد شماره ۳۵۵۲ دارای دست و پا و صورت بزرگتر از حد عادی بود که در اثر نقص بعضی غده ها بوجود می‌آید.

فرد شماره ۳۴۹۳ (تصویر ۳۹ - شکل ۱ و ۲) که از سری حذف گردید دارای دمل شحمی و غده یا آماس بزرگ کیسه ای با اندازه يك تخم مرغ در سمت راست استخوان پس سر بود.

در بین یهودیها هیچگونه خال کوبی دیده شد. بعضیها نه تنها حنا به موی سر خود میزنند بلکه روی ناخنها نیز با حنا رنگ شده بود. فرد شماره ۳۴۹۰ (تصویر ۲۱ - و شکل ۳ و ۴) علت آنرا جشن ازدواج خود ذکر کرد و دیگری فرد شماره ۳۵۲۵ ناخنهای خورد را حنا زده بود تا ماچ او قوی شود (مقایسه شود با نوشته فیلد - b ۱۹۳۵ - ص ۸۸ - ۴۴۰-۴۴۴).

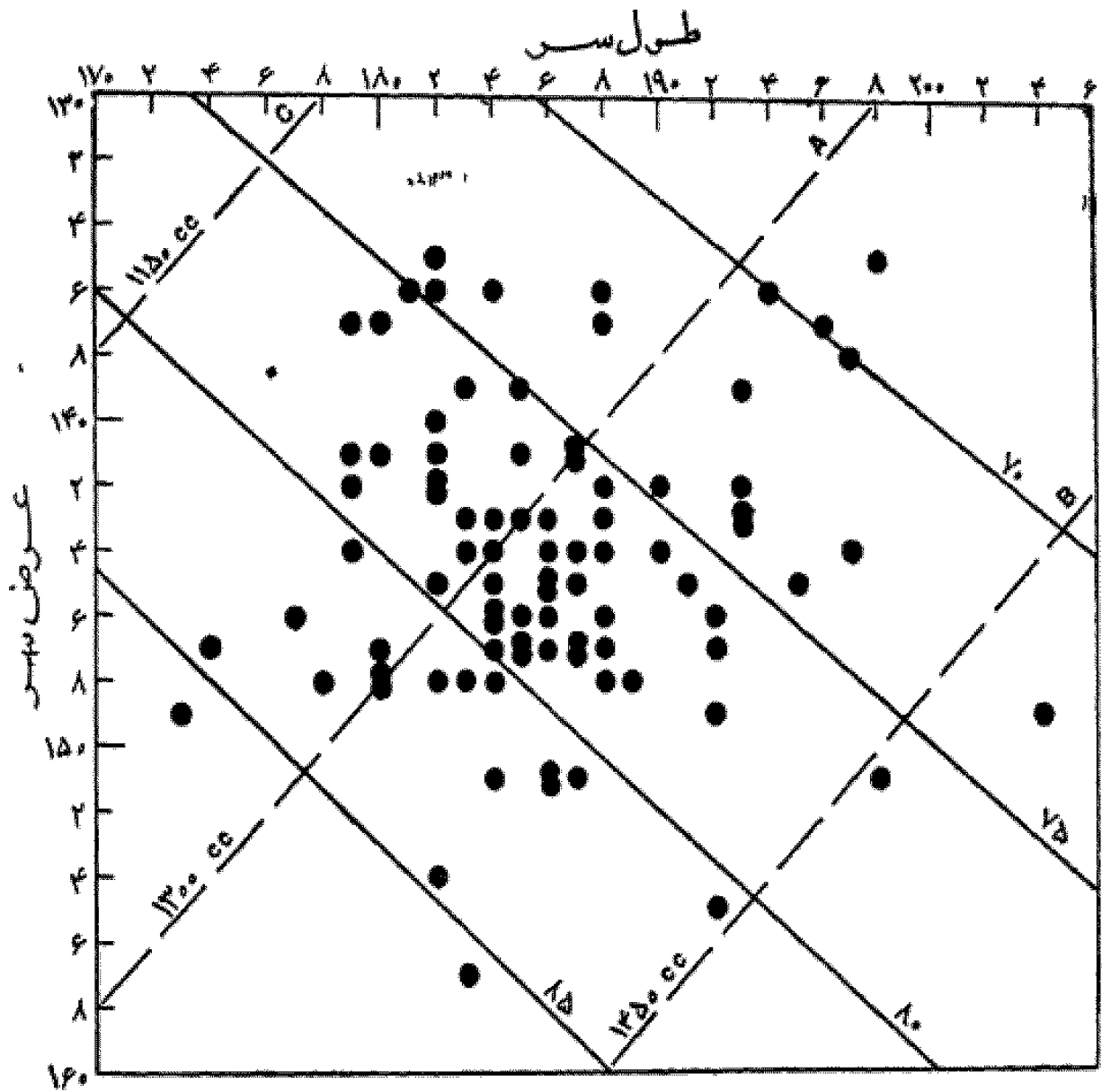
تجزیه آماری

قد = پنجاه و هفت درصد یهودیهای اصفهان قد متوسط و تقریباً تعداد مساوی در ردیف قد کوتاه و قد بلند قرار میگیرند. (رجوع شود به ص ۳۰۹).
اینکه ۱۸ نفر (۲۱ درصد) این گروه بلند قد بودند باعث تعجب است زیرا طبق مشاهدات اینجانب تعداد کسانی که از حد اکثر طبقه متوسط بلند تر بودند خیلی کم بود.

میزان قد یعنی ۱۶۴/۹۴ از حد وسط قد همه این ناحیه کمتر است و قد در حال نشسته یعنی ۸۰/۸۴ تقریباً در پائین جدول قرار دارد. وقتی ارقام مربوطه طبق تقسیم بندی کیث جمع آوری شود جدول صفحه ۳۶۳ بدست میآید.
این جدول نشان میدهد که فقط دو مرد (۲/۳۳ درصد) در طبقه قد بلند (۱۸۰۰-xx) قرار دارند و در مورد هر کدام طول تنه و پا به تناسب مساوی است. سه نفر در کوتاهترین طبقه قرار گرفته اند و طول تنه اینها کوتاه بوده است. چهل و دو نفر (۴۸/۸۳ درصد) طول تنه متوسط و ۵۲ نفر (۶۰/۴۵ درصد) دارای قد متوسط هستند ۳۲۰ نفر (۳۷/۲۰ درصد) تنه کوتاه دارند و ۳۱ نفر آنها (۴۶/۰۴ درصد) قد کوتاه میباشند اینها بنا بر این در حال نشسته و در حال ایستاده هر دو طبقه متوسط هستند و در هر دو اندازه ها متمایل به کوتاهی میباشند. شماره ۳۵۲۴ از سری حذف گردید.

تا آنجا که میشد از روی لباس درک کرد نمو بدنی آنها متوسط میباشد. هیچگونه فرق مخصوصی در نقاط مختلف بدن بین آنها و افراد معمولی اروپائی مشاهده نشد. دست ها و پاها معمولاً خوش شکل و خیلی بزرگ نیست. فرد شماره ۳۴۸۲ (تصویر ۳۵ شکل ۴) در هر دست شش انگشت داشت. هیچگونه موارد غیر عادی دیگر مشاهده نشد. انگشت دست و پا بلند نبود ولی انگشت های پا در اثر نپوشیدن کفش کلفت شده بود.

بررسی اندازه های سرو صورت اختلاف نسبتاً زیادی در مورد طول سر (۱۷۳-۲۰۵ - میانگین ۱۸۶/۰۶) و عرض سر (۱۳۵-۱۵۸ - میانگین ۱۴۴/۲۸) آشکار میسازد که ممکن است از اثر نقصی باشد که از خوابانیدن اطفال در گهواره ارمنی حادث میشود (شکل ۷). دو نمونه بارز نقص طبیعی یا مصنوعی جمجمه دیده شد. فرد شماره ۳۴۷۴ که از سری حذف شده است و فرد شماره ۳۴۶۷ (تصویر ۳۵ - شکل ۳) پس سر و گردن صاف داشتند.



«شکل ۱۴- طول و عرض و ظرفیت سر هشتاد و شش یهودی اصفهان»

اندازه های سر = اندازه سراز کوچک تا متوسط و جمجمه مغز خوب پر است . وقتی شاخص اندازه سر (میانگین ۷۷/۴۳) را طبق اندازه سر به پنج دسته طبقه بندی کنیم جدول صفحه بعد بدست می آید .

این جدول دو یهودی سر متوسط در طبقه خیلی سر دراز و دو نفر دارای سر بزرگ یکی در طبقه سر متوسط و دیگری در طبقه سر دراز قرار میگیرند . پنجاه نفر (۵۸ درصد) دارای سربا اندازه متوسط و پنجاه و یک نفر دارای شاخص سر متوسط هستند . شائزده نفر (۱۸/۶۰ درصد) دارای شاخص سر کوتاه هستند که نه نفر آنها دارای سر متوسط و هفت نفر دارای سر کوچک میباشند . دو نفر دارای شاخص خیلی سر دراز و در طرف دیگر جدول دو نفر دارای شاخص خیلی سر کوتاه میباشند . در میان این افراد سه نفر دارای سر با اندازه متوسط و یک نفر دارای سر کوچک است .

بطور کلی این گروه یهودی دارای سر متوسط تا کوچک و شاخص سر متوسط (۵۹/۳۰ درصد) بودند و تعداد افراد بالا و زیر این گروه تقریباً متساوی است اگرچه طبق طبقه بندی هاروارد (ص ۳۷۹) تعداد سر دراز نسبتاً زیادتر است .

پیشانی که اغلب چین دار است خوب رشد کرده و شیار بالای حدقه چشم اغلب بعلت وجود استخوان زیاد در ناحیه بین دوا برو و ادامه آن در امتداد پشته بالای چشم برجسته بنظر میرسد . استخوان بیخ بینی معمولاً مشخص و قوس بینی از پایه آن شروع میشود . در قسمت پیشانی تنوع زیاد مشاهده میشود ولی پشته پیشانی هرگز با اندازه گروه بعلاوه دو برابر نمیرسد .

حد اکثر عرض سر (۱۴۴/۲۸) و حداقل قطر پیشانی (۱۱۱/۹۰) شایان توجه است زیرا از چهار گروهی که من مورد بررسی قرار دادم گروه یهودیها دارای عرضترین سرو باریکترین حد اقل قطر پیشانی میباشند . این امر کاملاً بر عکس وضع لرها است . جدول مربوط به یهودیها در صفحه بعد داده میشود .

حداقل قطر پیشانی

جمع	X-۱۲۰		۱۱۹-۱۱۰		۱۰۹-۱۰۰		۹۹-X		جمع
	تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%	
-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۲۹-۱۲۰
۱۷/۶۵	۱۵	-	۱۱/۷۲	۱۰	۵/۸۸	۵	-	-	۱۳۹-۱۳۰
۷۲/۹۳	۶۲	۱/۱۷	۵۱/۷۶	۴۴	۲۰/۰۰	۱۲	-	-	۱۴۹-۱۴۰
۹/۴۱	۸	۲/۲۵	۷/۰۶	۶	-	-	-	-	X-۱۵۰
۹۹/۹۹	۸۵	۲/۵۲	۷۰/۵۹	۶۰	۲۵/۸۸	۲۲	-	-	جمع

دربار یکتترین طبقه هر يك از اندازه گیریهای فوق یهودی وجود نداشت در حالیکه هشت نفر (۹/۴۱ درصد) سرخیلی عریض (X-۱۵۰) داشتند فقط سه نفر دارای قطر پیشانی خیلی عریض (X-۱۲۰) بودند و دو نفر یهودی (۷۲/۹۳ درصد) سرعریض و شصت نفر حداقل قطر پیشانی داشتند .

جای تعجب است که بیست و دو نفر (۲۵/۸۸ درصد) در گروه پیشانی باریک واقع شوند زیرا سرها حداکثر قطر خیلی عریض داشت . بنظر میرسد که در ناحیه پیشانی چنانکه از اندازه حد اقل قطر پیشانی معلوم میشود انقباض بسا جمع شدگی وجود داشته باشد بخصوص در مورد رشد حداکثر عرض سر .

افراد شماره ۳۵۶۵ و ۳۴۸۱ (تصویر ۲۲ - شکل ۱ و ۲) از سری حذف شدند .

اندازه های صورت = بهترین طرز مطالعه صورت مقایسه رابطه عرض و طول و بعداً طول مطلق و نسبی صورت است .

عرض استخوان گونه ها

جمع	X-۱۳۵		۱۳۴-۱۳۵		۱۳۴-X	
	عدد	/	عدد	/	عدد	/
۷/۲۲	۶	۱/۲۰	۱	۶/۰۳	۵	-
۵۴/۲۱	۴۵	۲۰/۴۸	۱۷	۳۶/۵۳	۲۷	۱/۲۰
۳۸/۵۶	۳۲	۲۱/۶۹	۱۸	۱۶/۸۷	۱۴	-
۹۹/۹۹	۸۳	۴۲/۳۷	۳۶	۵۵/۴۳	۶	۱/۲۰

طول کلی صورت (میانگین ۱۲۳/۴۵) و عرض استخوان گونه ها (میانگین ۱۳۴/۲۰) اختلاف فاحشی در هر دو اندازه ها نشان میدهد. این مطلب از حدود اندازه که در اولی بین ۱۱۵ و ۱۴۴ و دومی بین ۱۲۵ و ۱۴۲ میباشد نیز آشکار میشود. ولی فقط يك نفر (شماره ۳۵۴۷) در گروه صورت باریک (X-۱۲۴) است و شش نفر در گروه صورت کوتاه. جهل و شش نفر (۵۵/۴۲) از حیث عرض صورت متوسط و جهل و پنج نفر از لحاظ طول صورت در گروه متوسط قرار میگیرند. اگرچه میزان درصد افراد صورت عریض کمی زیادتر از افراد صورت دراز است تمایل قابل ملاحظه صورت کوچکی از جدول شاخص های کلی صورت در صفحه ۳۰۹ پیدا است. افراد شماره های ۳۴۸۱ (تصویر ۲۲ - شکل ۱ و ۲) و ۳۴۹۴ (تصویر ۳۶ و ۳۷) و ۳۴۹۵ (تصویر ۲۸ - شکل ۱ و ۲) و ۳۵۳۰ از سری حذف گردیدند.

طبق طبقه بندی سه گانه ۶۹/۸۸ درصد کوچک صورت و فقط چهار نفر یعنی ۴/۸۲ درصد از افراد بزرگ صورت میباشند.

طرح شکل صورت تقریباً مثلثی است که در اثر برجسته بودن نسبی گونه ها که اغلب با جانه پهن نسبت داده میشود بوجود آمده است. افرادی که عضلات فك سفلی آنها خوب نمو ورشد کرده صورت تقریباً مستطیلی شکل دارند. بطور کلی عرض زوایای فك کم است و حد متوسط ۸۶ نفر آنها ۱۰۷/۸۶ و حد آن بین

۹۴ و ۱۲۵ است .

چون اغلب افراد دارای ریش بودند مطالعه و بررسی چانه بطور دقیق میسر نشد . درموقع اندازه گیری ارتفاع صورت مشاهده شد که در بسیاری موارد چانه خوب نمو کرده و اغلب گوشه دار و بندرت رو بقب رفته است اگرچه در مورد افراد جوانتر مانند فرد شماره ۳۴۷۵ (تصویر ۲۲ - شکل ۳ و ۴) نوع معمولی است . ماهیچه پس گردن نسبتاً برجسته بنظر میآید .

نسبت بین ارتفاع کلی صورت (۱۲۳/۴۵) و ارتفاع قسمت علیای صورت (۷۲/۴۰) در بررسی طبقه پندی نژاد مدیترانه دارای اهمیت زیاد است زیرا تنوع و اختلاف در شاخص ها حاکی از اختلافات قابل توجه نژادی است . از این لحاظ گروه مورد بحث بدین طریق بنظر میرسد .

ارتفاع قسمت علیای صورت

ارتفاع کلی صورت	۶۳-X		۶۹-۶۴		۷۵-۷۰		X-۷۶		جمع	
	تعداد	/	تعداد	/	تعداد	/	تعداد	/		
X-۱۰۹	-	-	۹	۱/۱۹	-	-	-	-	۱	۱/۱۹
۱۱۹-۱۱۰	۱	۱/۱۹	۹۱	۱۳/۰۹	۸	۹/۵۲	۹	۱/۱۹	۲۱	۲۴/۹۹
۱۲۹-۱۲۰	۱	۱/۱۹	۷	۸/۲۲	۲۷	۳۲/۱۴	۱۲	۱۴/۲۹	۴۷	۵۵/۹۵
X-۱۳۰	-	-	-	-	۲	۲/۲۸	۱۳	۱۵/۴۸	۱۵	۱۷/۸۶
جمع	۱	۲/۳۸	۱۹	۲۲/۶۱	۳۷	۴۴/۰۴	۲۶	۳۰/۹۶	۸۴	۹۹/۹۹

در مورد دو نفر قسمت علیای صورت کوتاهتر و فقط يك نفر ارتفاع کلی صورت کوتاه بود . در حالیکه ۳۰/۹۶ درصد گروه قسمت علیای صورت دراز داشتند فقط ۱۷/۸۶ درصد کلی صورتشان دراز بود . بطور کلی طول صورت متوسط با تمایل به کوتاهی است با وجود اینکه قسمت علیای صورت بین متوسط و دراز است . فقط نه نفر (۱۰/۷۱ درصد) از نوع صورت گوسفندی بودند . افراد شماره های ۳۴۹۴ (تصویر ۳۶ و ۳۷) و ۳۴۹۵ (تصویر ۲۸ شکل ۱ و ۲) و ۳۵۳۰ حذف گردیدند .

موارد افراد دارای فك جلوتر از قسمت علیای صورت در بین این گروه زیادتر از بین اروپائیان است اگرچه اندازه بینی ظاهر غیرمتعادل بصورت میدهد وقتی از پهلو بآن نظر شود. بینی که بزرگ و عقابی است بطور قابل ملاحظه باریک است. بیست و سه نفر (۲۷/۰۶ درصد) دارای بینی متوسط و فرد بینی پهن در بین آنها وجود نداشت. در نیمرخ بینی تنوع قابل ملاحظه مشاهده شد اگرچه تعدادی در حدود ۴۷/۱۳ درصد دارای بینی محدب هستند. پره بینی در اغلب موارد متمایل پائین است. در بسیاری موارد برگشتگی پره بینی در حال نیمرخ جدار بینی را آشکار میسازد. ازدیاد اندازه های بینی تا حدی مربوط به بالا رفتن سن است و میتوان آنرا تا میزانی با تغییرات رشد منطبق کرد. طول بینی (۵۳/۸۲) و عرض بینی (۳۴/۱۹) شاخص ۶۳/۸۶ را بدست میدهد. در طبقه بندی افراد جدول زیر بدست میآید.

عرض بینی :

طول بینی	۴۹-X		X-۴۲		۳۵-۳۰		۴۱-۳۶		جمع	
	تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%
X-۴۹	-	-	-	-	۱۱	۱۲/۹۴	۴	۴/۷۱	۱۵	۱۷/۶۵
۵۹-۵۰	۲	۲/۳۵	۳	۳/۵۲	۴۱	۴۸/۴۳	۱۸	۲۱/۱۸	۶۴	۷۵/۲۸
X-۶۰	-	-	-	-	۲	۲/۳۵	۴	۴/۷۱	۶	۷/۰۶
جمع	۲	۲/۳۵	۲	۲/۵۲	۵۴	۶۳/۵۲	۲۶	۳۰/۶۰	۸۵	۹۹/۹۹

همچنین دو نفر هستند که دارای بینی خیلی باریک دراز متوسط میباشد و شش نفر (۷/۰۶ درصد) دارای بینی دراز (X-۶۰) و سه نفر دارای بینی پهن دراز متوسط میباشد. شصت و چهار نفر یهودیها (۷۵/۲۸ درصد) بینی دارای طول متوسط و پنجاه و چهار نفر (۶۳/۵۲ درصد) دارای بینی نسبتاً باریک میباشد. بطور کلی بینی بین متوسط و کوتاه و نسبتاً باریک تا نسبتاً عریض میباشد. شاخصها که طبق طبقه بندی ها وارد تهیه شده نشان میدهد که سه چهارم گروه دارای بینی کوچک هستند.

گوش آنها نسبتاً خوش ترکیب است و بطور عادی کنار سر قرار دارد ولی

گاهی لبه گوش افتاده که شاید در اثر استعمال يك نوع كلاه نمدی باشد . چنین بنظر میرسد که طول گوش با ازدیاد سن بطور قابل ملاحظه افزایش مییابد .
در بین گروهی که مورد مطالعه قرار گرفت هیچگونه عدم تناسب در صورت مشاهده نشد . گردن معمولاً معمولی و استوانه شکل بود . تمایل کلی بر گردن کوتاه بود تا بر گردن بلند .

در پایان این اطلاعات ارقامی و مشاهدات این مسئله پستی میآید که چگونه با کلمات خصوصیات قیافه و صورت را که یهودیهای اصفهان را از سه گروه دیگر که مورد بررسی قرار گرفتند مشخص میسازد شرح داد .

مثلاً کدام يك از این افراد را میتوان بدون تردید تشخیص داد که یهودی هستند ؟ وقتی خود را در بازار عمده اصفهان تصور میکنم بخوبی می بینم که این افراد در میان جمعیت میگذرند . ولی در چنان وضعی شناختن عناصر یهودی جمعیت آسانتر است زیرا ظاهر کلی و حرکات و طرز نگاه داشتن سر و صورت ممکن است باسانی نشان دهد که صاحب آن یهودی یا غیر مسلمان است .

اولین قدم آنست که عکس آن افرادی که بطور قطع یهودی بنظر میرسند انتخاب کنم . افراد زیر در این طبقه قرار میگیرند .

۲۰۱	شکل	۲۸	تصویر	*۳۴۹۵	۴۹۳	شکل	۲۲	تصویر	۳۴۷۵
۴۹۳	«	۲۹	«	*۳۴۹۶	۴۹۳	«	۱۰	«	۳۴۷۶*
۲۰۱	«	۲۱	«	۳۵۰۰	۲۰۱	«	۳۲	«	
۴۹۳	«	۳۲	«	۳۵۰۱	۳	«	۳۵	«	۳۴۷۷
۴۹۳	«	۲۵	«	۳۵۰۲	۴۹۳	«	۲۸	«	۳۴۷۸*
۴۹۳	«	۳۴	«	۳۵۰۳	۲۰۱	«	۳۳	«	۳۴۸۰
۲۰۱	«	۲۴	«	۳۵۰۷	۲۰۱	«	۲۲	«	۳۴۸۱*
۲۰۱	«	۲۰	«	۳۵۰۸	۲۰۱	«	۳۴	«	۳۴۸۳*
۴۹۳	«	۲۷	«	۳۵۱۷	۲۰۱	«	۳۵	«	۳۴۸۴
۲۰۱	«	۲۷	«	۳۵۲۱	۲۰۱	«	۳۰	«	۳۴۸۷
							۳۶ و ۳۷	«	۳۴۹۴+

* افرادی که بیش از دیگران دارای خصوصیات یهودیهای اصفهان هستند.

+ افرادی که آقای جوزف کوهن بعنوان تیپ یهودی گروه انتخاب

کرده است .

قدم بعد تجزیه دلائل انتخاب این گروه افراد است . در بعضی موارد مثلاً فرد شماره ۳۴۷۶ (تصویر ۱۰ - شکل ۳ و ۴ و تصویر ۳۲ شکل ۱ و ۲) نیمرخ بدون تردید نیمرخ یهودی است . شکل مجمله بنظر نرسد اهمیت زیادی داشته باشد و عمده خصوصیات در ناحیه صورت واقع شده است . از سمت جلو بعضی از این خصوصیات عبارتند از : زاویه حدقه چشم - تمرکز استخوان در ناحیه بالای حدقه و شیار مربوطه در بالا - خمیدگی زیر گونه ها و بالاخره صورت بیضی شکل . طبق بررسی و تجزیه شاخص و اندازه های يك گروه منتخب بیست نفری یهودی چنین بنظر میرسد که اختلافات اندازه گیری با سری کلی تاحدی مربوط بسن باشد . میانگین سن آنها ۵۱ بود که ۱۱/۷۰ سال زیادتر از میانگین سن همه گروه میباشد . افراد منتخب دارای گوش درازتر و بینی بزرگتر میباشد که مربوط به کبر سن و تغییرات مربوط به پیری است . ولی باید در نظر داشت که سن گروه منتخب بین ۶۹ و ۳۰ در صورتیکه سن گروه کلی بین ۱۸ و ۷۰ بود . وقتی گروه بیست نفری منتخب را با کلیه افراد مقایسه میکنیم معلوم میشود که اختلافات زیر در اندازه های مختلف وجود دارد . گروه بیست نفری از لحاظ قد ۲/۱۹ کوتاھتر - طول بدنه ۱/۲۴ کموتاھتر - طول سر ۰/۲۴ درازتر و عرض سر ۰/۵۷ عریضتر - حد اقل قطر پیشانی ۱/۳۲ زیادتر - عرض استخوان گونه ها ۲/۵۵ زیادتر - عرض فك ۲/۳۶ عریضتر - طول کلی صورت ۳/۸۵ درازتر - قسمت علیای صورت ۲/۶۰ درازتر - طول بینی ۲/۰۸ زیادتر - عرض بینی ۲/۱۶ زیادتر - طول گوش ۰/۹۲ زیادتر و عرض گوش ۰/۳۹ باریکتر .

بطوریکه ملاحظه میشود بیست یهودی منتخب از لحاظ طول بدنه و پا کوتاھترند و از اندازه های سرفرق زیادی ندارند ولی صورت درازتر و عریضتر دارند و به تناسب طول صورت از عرض آن بیشتر افزایش یافته است . بینی آنها درازتر و پهن تر است .

احتمال میرود که در این گروه عنصر سر کوتاهی وجود داشته باشد که کمی قویتر از گروه کلی است . بطور کلی در میان نمونه ها و افراد منتخب خصوصیات مسلم یهودی آشکار است ولی نمیتوان گفت وجود ریش تاچه حد باعث سوء تفاهم میشود . بهترین شرایط برای این نوع طبقه بندی اخذ نتیجه کلی سریع همه خصوصیات است و این عمل بوسیله نگاه فوری صورت میگردد و درمنز

مردم‌شناس معین میکنند که آیا يك فرد متعلق بگروه مخصوصی است یا نه .
 در میان افرادی که دارای خصوصیات مخصوص یهودیها نبوده و در انتخاب
 اولین کنار گذاشته شدند اشخاص جوان هستند که بطور وضوح خصوصیات
 مخصوصی را بخوبی سالمندان نشان نمیدهند زیرا خصوصیات کودکی و جوانی
 در بین آنها کمتر اختلاف دارد تا در بین سالمندان . در بین جوانان بعضی دارای
 خصوصیات یهودی هستند و بعضی نیستند ، در مورد دسته اول احتیاجی به بحث
 نیست ولی سه نفر از افراد که بطور آشکار از نوع یهودی جدا هستند شایسته دقت
 و ملاحظه مخصوصی است .

شماره ۳۵۰۶ (تصویر ۲۳ شکل ۴۳) از نوع مدیترانه اولیه است که
 دارای صورت کوتاه و عریض و بینی مقعر میباشد .

شماره ۳۴۸۲ (تصویر ۳۵ - شکل ۴) سرخیلی بلند دارد و قیافه او بعضی
 خصوصیات مغولی را نشان میدهد که ریش صاف و تفک او آنرا تأیید مینماید .
 عرض قوس استخوانهای گونه ۱۳۹ و پهنای فکین ۱۱۵ است که مربوط به صورت
 دراز میشود بطوریکه طول کلی صورت ۱۲۹ میباشد ، شاخص سر ۷۸/۶ است و
 بامقایسه با سایر افراد گروه قد بلند است قد او ۱۶۹/۶ است در صورتیکه حد
 متوسط قد گروه ۱۶۴/۹۴ است در واقع میتوان او را یکی از ساکنین بخارا در
 ترکستان شوروی بحساب آورد .

شماره ۳۴۹۹ (تصویر ۱۰ - شکل ۲۱ و تصویر ۲۹ شکل ۲۱) را
 میتوان بایک فرد اروپائی شمالی اشتباه کرد . قد او کوتاه است (۱۵۹/۷) و
 گونه‌های متوسط دارد (۱۳۶) و عرض فکین باریک (۱۰۲) صورت او بعلت کمی
 قسمت سفلی باریک و شاخص تناسب سر او ۷۶/۲ است . شماره ۳۵۰۶ (تصویر
 ۲۳ شکل ۴۳) نیز دارای قد کوتاه (۱۵۷/۶) و گونه متوسط (۱۳۱) و عرض
 فکین باریک (۱۰۲) و صورت خیلی کوچک میباشد بطوریکه طول کلی صورت
 ۱۱۳ و طول قسمت علیای صورت ۶۵ است و شاخص تناسب سر او ۷۴/۲ است .

بعضی دیگر از افرادی که از صورت حذف شدند در یکی از این سه طبقه
 یا مخلوطی از آنها قرار میگیرند ولی میتوان گفت که در بین این گروه یهودیهای
 اصفهان عده‌ای وجود دارند که صرف نظر از سن یا اختلافات جزئی نمیتوان آنها
 را از روی ملاحظه و تجزیه عکس یهودی طبقه بندی کرد . این مسئله علیرغم اینکه

بایک گروه مجزا که برحسب روایات در طی ۲۵۰۰ سال در يك منطقه كوچك زندگی کرده‌اند سروکار داریم غیرعادی نیست. باینکه از يك نوع بخصوص نوع بخصوصی بوجود می‌آید باید بخاطر داشت اختلاط و امتزاج کروموسمها بدون شك باعث تنوع و گاهی افراد کاملاً خارج از نوع میشود. بدین ترتیب در يك گروه یا جمع ثابت اختلافات فردی زیاد در داخل گروه ممکن است تسوید شود حتی اگر خصوصیات خارجی بوسیله ازدواج با غیر داخل جمع نشده باشد درحالیکه ازدواج با غیر در اصفهان چه بصورت طبیعی چه بعلت تمایل شخصی یا زور که در نتیجه فرمان مبنی بر آزار و اذیت یهودیها صورت گرفته ممکن است واقع شده باشد.

درستور بالا درباره افرادی که ظاهراً با نوع مخصوصی یهودی فرق دارند بحث مفصل شده است ولی باید بخاطر داشت که یهودیهای اصفهان بسیاری از خصوصیات جسمانی که آنها را از بقیه جمعیت شهر جدا میکند و در عین حال شبیه سایر گروههای یهودی آسیای جنوب غربی است حفظ کرده‌اند.

در کتاب اینجانب تحت عنوان (مردم شناسی عراق) که بزودی منتشر میشود اندازه گیری و مشاهدات درباره ۱۰۶ یهودی عراقی که در سال ۱۹۳۴ بعمل آمد داده شده است. قسمتی از این سری (۴۷) از قریه كوچك سندر بین دهوك و عمادیه در شمال عراق میباشد.

افرادى كه از سری آماری حذف شده‌اند

۱ - فرد شماره ۳۴۷۴ متولد همدان اکباتانا باستان و اخمتای کتاب مقدس پایتخت ماد این شخص دارای نقص مصنوعی جمجمه و قسمت پس سر اوصاف شده بود. در مورد یهودیهای همدان طبق نوشته دوبو Dubeux این شهر در سال ۱۸۱۸ دارای ۹ هزار خانه و بین ۴۰ تا پنجاه هزار جمعیت بود که ۶۰۰ خانوار آن یهودی بودند. در ایام اخیر تعداد یهودیهای همدان پنج هزار نفر تخمین زده میشود.

۲ - فرد شماره ۳۵۲۹ که شغل کلاهدوزی داشت کوتوله بود. سر او که مبتلا به بیماری پوستی بود بسیار بزرگ و نسبت بسایر اعضای بدن از تناسب خارج بود. اندازه های بدن او عبارت است از: قد ۱۱۸/۵ - قد در حال

مردم شناسی جسمانی ایران - ۳۷۵

نشسته ۷۹۰ - طول سر ۱۷۵ - عرض سر ۱۶۰ شاخص سر ۹۱/۴ .
۳ - فرد شماره ۳۵۷۱ متولد سقز در کردستان ایران . اگرچه این
پیر مرد يك نمونه عالی یهودی بخصوص از نیمرخ بنظر میآمد بانسوع یهودیهای
اصفهان فرق داشت . مثلاً شاخص تناسب سروی که ۸۹/۹ بود او را در طبقه خیلی
سر کوتاه قرار میداد . بدست آوردن اندازه های یهودیهای سقز بمنظور مقایسه
بسیار جالب توجه است .

۴ - فرد شماره ۳۵۷۲ متولد شیراز است وبهین جهت نمیتوان او را
در ردیف یهودیهای اصفهان قرار داد . موی ناحیه پیشانی حلقه حلقه بود .
۵ - افراد زیر از یهودیهای اصفهان که اندازه ها و مشاهدات مربوط به
آنها در مرحله اول گرفته شد از سری آماری بعلت کبر سن یعنی متجاوز از ۷۰
حذف شده اند . فرد شماره ۳۴۸۶ (تصویر ۳۹ - شکل ۳ و ۴) شماره ۳۴۹۳
(تصویر ۳۹ شکل ۱ و ۲) - شماره ۳۴۹۸ (تصویر ۳۸ شکل ۱ و ۲) - شماره
۳۵۱۵ (تصویر ۳۸ شکل ۳ و ۴) - شماره های ۳۵۵۰ - ۳۵۵۴ - و ۶۰۳۵۶۰
۶ - فرد شماره ۳۵۱۰ نیز حذف گردید و عکسی از او گرفته نشده بود .

اندازه‌ها و شاخص‌های بیست نظر نیروی اصفهانی

Coefficient of Variatin/ Standard Deviation

اندازه	تعداد	حد	میانگین	S. D.	C. V.	اندازه
سن	۲۰	۶۹-۳۰	۱/۸۲ ± ۵۱/۰۰	۱/۲۹ ± ۱۲/۱۰	۲/۵۳ ± ۲۳/۷۲	سن
قد در حال نشسته	۲۰	۱۷۵-۱۵۲	۰/۹۷ ± ۱۶۲/۷۵	۰/۶۸ ± ۶/۴۲	۰/۴۲ ± ۲/۹۴	قد در حال نشسته
طول سر	۲۰	۸۹-۷۲	۰/۵۵ ± ۷۹/۶۰	۰/۳۹ ± ۲/۶۳	۰/۴۹ ± ۴/۵۶	طول سر
عرض سر	۲۰	۲۰۵-۱۷۳	۱/۰۰ ± ۱۸۶/۳۰	۰/۷۱ ± ۶/۶۶	۰/۳۸ ± ۳/۵۷	عرض سر
حد اقل قطر پیشانی	۱۹	۱۵۵-۱۳۸	۰/۵۴ ± ۱۴۴/۸۵	۰/۳۸ ± ۳/۶۰	۰/۲۷ ± ۲/۴۹	حد اقل قطر پیشانی
قطر استخوان دو گونه	۱۹	۱۲۰-۱۰۵	۰/۴۵ ± ۱۱۲/۲۲	۰/۳۲ ± ۲/۹۲	۰/۲۸ ± ۲/۵۸	قطر استخوان دو گونه
قطر فکین	۱۹	۱۴۴-۱۲۵	۰/۷۸ ± ۱۳۶/۷۵	۰/۵۵ ± ۵/۰۵	۰/۴۰ ± ۳/۶۹	قطر فکین
ارتفاع کلی صورت	۱۸	۱۲۱-۹۸	۰/۸۳ ± ۱۱۰/۲۲	۰/۵۹ ± ۵/۳۶	۰/۵۳ ± ۴/۸۶	ارتفاع کلی صورت
ارتفاع قسمت علیای صورت	۲۰	۱۴۴-۱۱۵	۱/۰۱ ± ۱۲۷/۳۰	۰/۷۱ ± ۶/۳۵	۰/۵۶ ± ۴/۹۹	ارتفاع قسمت علیای صورت
ارتفاع بینی	۲۰	۸۴-۶۰	۰/۷۳ ± ۷۵/۰۰	۰/۵۲ ± ۴/۸۵	۰/۶۹ ± ۶/۴۷	ارتفاع بینی
عرض بینی	۲۰	۶۷-۴۸	۰/۵۶ ± ۵۵/۹۰	۰/۳۹ ± ۳/۶۸	۰/۷۰ ± ۶/۵۸	عرض بینی
طول گوش	۲۰	۴۸-۳۱	۰/۶۳ ± ۳۶/۳۵	۰/۴۵ ± ۴/۲۰	۱/۲۳ ± ۱۱/۵۵	طول گوش
عرض گوش	۲۰	۷۱-۴۸	۰/۸۰ ± ۵۹/۹۰	۰/۵۶ ± ۵/۲۸	۰/۹۴ ± ۸/۸۱	عرض گوش
	۲۰	۴۳-۲۹	۰/۵۳ ± ۲۵/۴۰	۰/۳۷ ± ۲/۵۱	۱/۰۶ ± ۹/۹۲	

شاخص ها

C. V.	S. D.	میانگین	حد	تعداد	اندازه
$\cdot/49 \pm 4/55$	$\cdot/24 \pm 2/22$	$\cdot/33 \pm 48/80$	53-44	20	ارتفاع نشسته نسبی
$\cdot/44 \pm 4/04$	$\cdot/34 \pm 3/51$	$\cdot/48 \pm 78/00$	88-71	20	سر
$\cdot/28 \pm 2/58$	$\cdot/22 \pm 2/01$	$\cdot/31 \pm 77/89$	83-72	19	پیشانی و استخوان آهیانه
$\cdot/40 \pm 3/16$	$\cdot/33 \pm 3/04$	$\cdot/47 \pm 82/98$	91-76	19	گونه و پیشانی
$\cdot/71 \pm 7/30$	$\cdot/55 \pm 4/90$	$\cdot/78 \pm 81/49$	86-72	18	گونه و فک سفلی
$\cdot/52 \pm 4/46$	$\cdot/47 \pm 4/05$	$\cdot/16 \pm 90/80$	104-85	17	کل صورت
$\cdot/49 \pm 4/45$	$\cdot/27 \pm 2/43$	$\cdot/38 \pm 54/59$	70-46	19	قسمت علیای صورت
$\cdot/40 \pm 13/13$	$\cdot/91 \pm 8/52$	$\cdot/28 \pm 64/90$	83-52	20	بینی
$\cdot/41 \pm 13/20$	$\cdot/84 \pm 7/92$	$\cdot/19 \pm 59/90$	76-45	20	گوش

اندازه ها و شاخص های زیست‌دیرهای اصفهانیان

اندازه‌ها

$2/00 \pm 39/03$	$\cdot/76 \pm 14/95$	$\cdot/08 \pm 39/30$	200-18	87	سن
$\cdot/20 \pm 3/82$	$\cdot/32 \pm 2/30$	$\cdot/46 \pm 164/94$	184-152	86	قد
$\cdot/23 \pm 4/45$	$\cdot/18 \pm 3/60$	$\cdot/26 \pm 80/84$	92-72	87	قد در حال نشسته
$\cdot/15 \pm 2/93$	$\cdot/28 \pm 5/46$	$\cdot/39 \pm 186/06$	200-173	87	طول سر

اندازه	تعداد	حد	میانگین	؛. D.	C. V.
عرض سس	۸۶	۵۸-۱۲۵	۳۴ ± ۱۴۴/۲۸	۲۴ ± ۴/۶۸	۱۱۷ ± ۳/۲۴
حد اقل قطر پیشانی	۸۶	۲۴-۱۰۱	۲۹ ± ۱۱۱/۹۰	۲۱ ± ۴/۰۳	۱۹ ± ۳/۶۱
قطر دو گونه	۸۶	۴۹-۱۲۰	۳۷ ± ۱۳۴/۲۰	۲۶ ± ۵/۱۰	۲۰ ± ۳/۸۰
قطر فکین	۸۶	۱۲۵-۹۴	۳۸ ± ۱۰۷/۸۶	۲۷ ± ۵/۲۴	۲۵ ± ۴/۸۶
طول کل صورت	۸۴	۴۴-۱۰۵	۴۹ ± ۱۲۲/۴۵	۳۵ ± ۶/۶۵	۲۸ ± ۵/۲۹
طول قسمت‌علیای صورت	۸۷	۸۴-۶۰	۳۶ ± ۷۲/۴۰	۲۰ ± ۴/۹۵	۲۸ ± ۶/۸۴
طول بینی	۸۶	۶۷-۴۰	۳۳ ± ۵۲/۸۲	۲۳ ± ۴/۵۲	۴۳ ± ۸/۴۰
عرض بینی	۸۶	۴۸-۲۸	۲۶ ± ۳۴/۱۹	۱۹ ± ۳/۶۰	۵۴ ± ۱۰/۵۳
طول گوش	۸۶	۷۵-۴۴	۴۰ ± ۵۸/۹۸	۲۸ ± ۵/۴۸	۴۸ ± ۹/۲۹
عرض گوش	۸۷	۴۳-۲۶	۲۷ ± ۲۵/۷۹	۱۹ ± ۳/۶۹	۵۳ ± ۱۰/۳۱
شاخص‌ها					
قد نسبی در حال نشسته	۸۶	۵۳-۴۴	۱۰ ± ۴۹/۲۰	۱۰۷ ± ۱/۴۲	۱۵ ± ۲/۸۹
سس	۸۶	۸۶-۶۸	۲۶ ± ۷۷/۴۳	۱۹ ± ۳/۶۰	۲۴ ± ۴/۶۵
پیشانی و آهیانه	۸۵	۸۹-۷۲	۲۳ ± ۷۷/۷۷	۱۶ ± ۳/۱۵	۲۱ ± ۴/۰۵
گونه و پیشانی	۸۶	۹۵-۷۶	۲۴ ± ۸۴/۰۲	۱۷ ± ۳/۲۴	۲۰ ± ۳/۸۶
گونه و فک	۸۵	۹۲-۷۲	۲۵ ± ۸۰/۷۷	۱۸ ± ۳/۴۵	۲۲ ± ۴/۲۷
کل صورت	۸۳	۱۰۹-۸۰	۳۹ ± ۹۲/۳۰	۲۷ ± ۵/۲۵	۳۰ ± ۵/۶۹
قسمت‌علیای صورت	۸۶	۶۳-۴۳	۲۸ ± ۵۴/۱۱	۱۲ ± ۴/۸۵	۳۷ ± ۷/۱۰
بینی	۸۵	۸۳-۴۸	۲۵ ± ۶۳/۸۶	۴۰ ± ۷/۶۸	۶۲ ± ۱۲/۰۳
گوش	۸۶	۸۴-۴۵	۵۱ ± ۶۱/۱۴	۳۶ ± ۷/۰۳	۵۹ ± ۱۱/۵۱

مردم‌شناسی جسمانی ایران-۳۷۹

ارقام اندازه‌گیری گروه بیست نفر یهودی منتخب را بر اساس تجزیه تصویری مورد بررسی قرار دادیم برای مقایسه مستقیم اندازه‌ها و شاخص‌های این گروه منتخب و افراد کلیه سری یهودیهای اصفهان در بالا داده شده است. اکنون باید کلیه افراد یهودیهای اصفهان را طبق سیستم طبقه بندی هاروارد از حیث قد و شاخص تناسب سر و شاخص کل صورت و شاخص بینی گروه بندی کنیم:

جمع	قد			تعداد	درصد
	بلند	متوسط	کوتاه		
	$(X-169/5)$	$(169/4-160/6)$	$(160/5-X)$		
۸۶	۱۸	۴۹	۱۹		
۱۰۰/۰۰	۲۰/۹۳	۵۶/۹۸	۲۲/۰۹		

شاخص سر

جمع	سر			تعداد	درصد
	سر کوتاه	سر متوسط	سر دراز		
	$(X-82/6)$	$(82/5-76/6)$	$(76/5-X)$		
۸۶	۵	۴۹	۳۲		
۱۰۰/۰۰	۵/۸۱	۵۶/۹۸	۳۷/۲۱		

شاخص کل صورت

جمع	شاخص کل صورت			تعداد	درصد
	باریک صورت	متوسط صورت	پهن صورت		
	$(X-89/5)$	$(89/4-84/6)$	$(84/5-X)$		
۸۳	۵۸	۲۱	۴		
۱۰۰/۰۰	۶۹/۸۸	۲۵/۳۰	۴/۸۲		

شاخص بینی

جمع	شاخص بینی			تعداد	درصد
	بین بینی	متوسط بینی	باریک بینی		
	$(X-83/5)$	$(83/4-67/5)$	$(67/4-X)$		
۸۵	—	۲۳	۶۲		
۱۰۰/۰۰	—	۲۷/۰۶	۷۲/۹۴		

از جدولهای فوق مشاهده میشود که یهودیهای اصفهان از حیث قد متوسط و تعداد نسبی افراد از لحاظ بلندی و کوتاهی و تناسب سر از متوسط تادراز و صورت باریک و بینی باریک تقریباً متساوی است برای تسهیل کار آن عده از علمای مردم شناسی که مایلند از روی ارقام من محاسبه‌ها و تناسب و ارتباط دیگری بدست آورند ارقام و اندازه‌های اولیه جدول بندی شده است بطوریکه اندازه‌ها و شاخص‌ها در صفحات مقابل هم قرار گرفته است.

در همه جدولها اندازه‌ها و شاخص‌ها بیک با علامت ستاره مشخص شده

از معدل حذف شده است.

اندازه ۵

عرض پیشی	طول پیشی	طول قسمت علیای صورت	طول صورت	عرض فکین	عرض دوجو له	حداقل قطر پیشانی	عرض سر	طول بین برآمدگی پیشانی و پس سر	قد نشسته	قد	سن	شماره
۳۳	۵۵	۶۴	۱۱۶	۱۰	۱۳۴	۱۱۰	۱۴۷	۱۶۷	۸۴۳	۱۶۹/۳	۵۰	۳۴۷۴*
۳۳	۵۹	۷۳	۱۲۷	۱۹	۱۴۲	۱۱۶	۱۴۵	۱۸۲	۷۵۲	۱۶۹/۵	۳۸	۳۴۷۵
۳۵	۵۵	۷۷	۱۳۱	۱۳	۱۳۵	۱۱۵	۱۴۲	۱۸۲	۷۶۷	۱۶۳/۰	۵۵	۳۴۷۶
۳۵	۵۵	۷۸	۱۲۵	۱۰	۱۳۵	۱۰۹	۱۴۹	۱۷۳	۸۰۶	۱۵۲/۱	۶۰	۳۴۷۷
۳۶	۵۵	۷۹	۱۳۲	۱۵	۱۳۴	۱۱۳	۱۳۹	۱۸۵	۷۹۷	۱۶۳/۰	۵۰	۳۴۷۸
۳۸	۵۹	۶۶	۱۲۵	۰۶	۱۴۶	۱۱۶	۱۵۷	۱۸۳	۸۲۲	۱۷۲/۰	۶۰	۳۴۷۹
۳۶	۵۸	۷۸	۱۳۳	۱۶	۱۳۶	۱۱	۱۴۵	۱۹۱	۸۷۰	۶۹/۲	۶۰	۳۴۸۰
۳۳	۵۹	۷۸	۱۲۱	۰۰	۱۲۵	۰۰	۱۴۴	۱۸۷	۷۶۰	۱۵۷/۲	۳۷	۳۴۸۱
۴۰	۵۴	۷۵	۱۲۹	۵	۱۳۹	۶	۱۴۷	۱۸۷	۸۲۰	۶۷/۶	۵۱	۳۴۸۲
۳۴	۵۹	۷۶	۱۳۳	۳	۱۴۱	۱۴	۱۴۷	۱۸۸	۸۱۰	۶۹/۶	۶۵	۳۴۸۳
۴۴	۵۳	۷۰	۱۲۴	۷	۴۰	۳	۱۴۳	۱۸۴	۸۰۴	۶۱/۱	۶۸	۳۴۸۴
۴۰	۵۴	۷۶	۱۲۴	۳	۳۸	۰	۱۴۱	۱۸۲	۸۱۳	۶۵/۲	۵۲	۳۴۸۵
۳۶	۵۰	۶۱	۱۱۳	۴	۳۵	۳	۱۴۱	۱۷۸	۷۶۶	۵۸/۵	۸۰	۳۴۸۶*
۳۶	۶۰	۸۳	۱۳۹		۴۱	۸	۱۴۷	۸۷	۷۸۰	۵۴/۴	۵۲	۳۴۸۷

شاخص‌ها

گروه و پیشانی	گروه فکین	گوش	بینی	فصمت علیای صورت	صورت	پیشانی و آهنگ	قد نسبی	عرض گوش	طول گوش	
۸۲/۱	۸۵/۸	۶۰/۷	۶۰/۰	۴۷/۱	۸۶/۶	۷۴/۸	۴۹/۹	۳۷	۶۱	۳۴۷۴*
۸۱/۷	۸۳/۸	۶۴/۸	۵۴/۲	۵۱/۴	۸۹/۴	۸۰/۰	۳/۴	۳۵	۵۴	۳۴۷۵
۸۵/۲	۸۳/۷	۸/۷	۶۳/۶	۵۷/۰	۹۷/۰	۸۸/۰	۴۷/۰	۳۴	۵۸	۳۴۷۶
۸۰/۷	۸۱/۵	۵۶/۵	۶۳/۶	۵۷/۸	۹۲/۶	۷۳/۲	۵۳/۰	۳۵	۶۲	۳۴۷۷
۸۴/۳	۸۵/۸	۸/۷	۶۵/۵	۵۸/۹	۹۸/۵	۸۱/۳	۴۸/۹	۳۴	۶۱	۳۴۷۸
۷۹/۵	۷۲/۶	۵۳/۳	۶۴/۴	۴۵/۲	۸۵/۶	۷۳/۹	۴۷/۸	۴۰	۷۵	۳۴۷۹
۸۳/۸	۸۵/۳	۵۵/۹	۶۲/۱	۵۷/۴	۹۷/۸	۷۸/۶	۵۱/۴	۳۸	۶۸	۳۴۸۰
....	۶۸/۸	۵۵/۹	۸۶/۸	۴۸/۳	۳۳	۴۸	۳۴۸۱
۸۳/۵	۸۲/۷	۶۵/۶	۷۴/۱	۵۴/۰	۹۲/۸	۷۸/۹	۵/۹	۴۲	۶۴	۳۴۸۲
۸۰/۹	۷۳/۱	۶۹/۴	۵۷/۶	۵۳/۹	۹۴/۳	۷۸/۲	۴۷/۸	۴۳	۶۲	۳۴۸۳
۸۰/۷	۷۶/۴	۳/۴	۸۳/۰	۵۰/۰	۸۸/۶	۷۹/۰	۵/۹	۳۶	۷۰	۳۴۸۴
۷۹/۷	۸۱/۹	۳/۴	۷۴/۱	۵۵/۱	۸۹/۹	۷۸/۰	۴۹/۲	۴۳	۷۰	۳۴۸۵
۸۳/۷	۷۷/۰	۵۱/۶	۷۲/۰	۴۵/۲	۸۳/۷	۸۰/۱	۴۸/۴	۳۲	۶۲	۳۴۸۶*
۸۳/۷	۸۰/۱	۵۷/۴	۶۰/۰	۵۸/۹	۹۸/۶	۸۰/۳	۵۰/۵	۳۵	۶۱	۳۴۸۷

شاخص ها

مردود	پیشانی	فکین	مغوش	بینی	علیای صورت	صورت	پیشانی و آهیه	تناسب سر	قدنشته نسبی	عرض مغوش	طول مغوش	
۸۴/۱	۷۶/۸	۴۶/۲	۵۶/۱	۵۵/۱	۸۹/۱	۷۸/۴	۸۰/۹	۴۹/۷	۳۰	۶۵	۳۴۸۸	
۸۱/۸	۸۱/۸	۴۸/۳	۶۹/۱	۵۳/۸	۹۷/۰	۷۳/۵	۷۹/۵	۴۹/۴	۲۸	۵۸	۳۴۸۹	
۸۵/۳	۷۸/۷	۶۶/۰	۵۶/۶	۵۲/۲	۸۹/۷	۸۰/۶	۷۸/۳	۴۹/۸	۳۳	۵۰	۳۴۹۰	
۸۷/۱	۸۰/۳	۵۶/۷	۵۶/۱	۵۷/۶	۱۰۰/۰	۷۹/۹	۷۸/۷	۴۸/۲	۳۴	۶۰	۳۴۹۱	
۷۸/۸	۷۶/۶	۶۳/۳	۶۰/۴	۶۰/۶	۹۷/۸	۷۷/۷	۷۲/۰	۴۹/۱	۳۸	۶۰	۳۴۹۲	
۸۰/۸	۷۶/۹	۵۵/۷	۴۹/۱	۵۶/۲	۹۶/۲	۷۱/۴	۸۰/۳	۵۱/۴	۳۹	۷۰	۳۴۹۳	
۷۸/۲	۸۱/۷	۵۶/۷	۵۳/۳	۵۵/۶	۸۱/۷	۷۵/۰	۸۲/۲	۵۱/۴	۳۴	۶۰	۳۴۹۴	
۸۱/۲	۸۶/۵	۶۶/۷	۷۸/۲	۴۸/۱	۸۱/۹	۷۵/۵	۷۴/۱	۴۸/۲	۴۰	۶۰	۳۴۹۵	
۸۲/۵	۷۵/۵	۵۹/۶	۶۳/۲	۵۳/۸	۸۸/۸	۷۶/۱	۸۰/۷	۴۸/۸	۳۱	۵۲	۳۴۹۶	
۸۵/۲	۷۷/۸	۵۲/۵	۵۷/۱	۵۵/۱	۹۴/۱	۷۹/۳	۷۸/۸	۴۹/۹	۳۷	۶۱	۳۴۹۷	
۸۲/۷	۷۷/۷	۶۰/۶	۵۲/۱	۵۲/۱	۹۲/۸	۷۸/۸	۸۲/۵	۴۶/۸	۴۰	۶۶	۳۴۹۷	
۸۱/۶	۷۵/۰	۶۰/۷	۵۷/۱	۵۷/۱	۸۷/۵	۷۸/۷	۷۶/۲	۴۷/۷	۳۷	۶۱	۳۴۹۹	
۸۱/۱	۸۶/۴	۶۹/۵	۶	۷۴/۱		۷۷/۲	۷۷/۶	۴۸/۱	۴۱	۵۹	۳۵	

اندازه‌ها

عرض	طول	طول گسست صلبای صورت	طول صورت	عرض فکین	عرض دوگوشه	مداخل قطر پیشانی	عرض سر	طول بین برآمدگی پیشانی و پس سر	قد	شما		
۲۹	۵۴	۷۳	۱۲۴	۱۱۳	۱۳۲	۱۱۵	۱۴۶	۱۸۴	۸۰۳	۱۹۱	۶۰	۳۵۰۱
۲۱	۵۲	۷۱	۱۲۰	۱۰۷	۱۲۹	۱۱۰	۱۴۶	۱۷۷	۷۹۰	۱۵۲/۷	۴۲	۳۵۰۲
۴۶	۵۹	۸۲	۱۴۱	۱۱۳	۱۳۹	۱۱۵	۱۴۹	۲۰۴	۸۳۲	۱۶۶/۴	۶۵	۳۵۰۳
۲۱	۴۷	۶۳	۱۲۱	۱۰۷	۳۸	۱۰۹	۱۴۱	۱۸۷	۸۲۶	۱۶۵/۰	۳۳	۳۵۰۴
۲۳	۴۵	۶۲	۱۱۰	۱۰۷	۳۰	۱۰۶	۱۴۳	۱۸۵	۸۳۱	۱۶۴/۱	۲۶	۳۵۰۵
۲۶	۴۵	۶۵	۱۱۳	۱۰۲	۳۱	۱۱۳	۱۳۵	۱۸۲	۷۷۶	۱۵۷/۶	۳۸	۳۵۰۶
۲۷	۴۸	۷۰	۱۲۲	۱۰۵	۳۱	۱۰۹	۱۴۲	۱۸۸	۷۴۰	۱۵۲/۲	۴۰	۳۵۰۷
۲۱	۵۵	۷۶	۱۲۱	۱۱۱	۳۵	۱۱۰	۱۴۲	۱۹۰	۷۹۲	۱۶۱/۸	۳۳	۳۵۰۸
۲۲	۵۰	۷۰	۱۲۲	۱۰۴	۳۰	۱۱۰	۱۴۱	۱۷۹	۸۰۸	۱۶۷/۹	۳۶	۳۵۰۹
۲۲	۵۵	۷۵	۱۲۴	۱۰۲	۲۵	۱۰۸	۱۳۸	۱۸۱	۷۴۰	۱۵۳/۲	۳۴	۳۵۱۰
۲۲	۵۴	۷۴	۱۲۲	۱۰۴	۲۷	۱۱۰	۱۴۸	۱۸۴	۷۹۷	۵۹/۷	۴۰	۳۵۱۱
۲۰	۴۶	۶۹	۱۲۰	۹۴	۲۶	۱۰۷	۱۳۶	۱۸۲	۸۲۴	۶۱/۴	۳۴	۳۵۱۲
۲۸	۵۵	۷۲	۱۲۷	۱۰۸	۳۱	۱۰۷	۱۴۴	۱۹۷	۸۰۴	۶۷/	۲۲	۳۵۱۳

شاخص‌ها

شماره پیشانی	محوه و فکین	بیشی	علیای صورت	صورت	پیشانی و آهانه	تناسب سر	قدنشسته نسبی	عرض مخوش	طول مخوش		
۸۷/۱	۸۵/۶	۴۸۳	۷۲/۲	۵۵/۳	۹۳/۹	۷۸/۸	۶۹/	۴۹/۹	۲۹	۶۰	۳۵
۸۵/۳	۸۳/۰	۴۶/۰	۵۹/۶	۵۵/۰	۹۳/۰	۷۵/۳	۸۲/	۵۱/۷	۲۹	۶۳	۳۵
۸۲/۷	۸۱/۳	۵۹/۰	۷۸/۰	۵۹/۰	۰۱	۷۷/۲	۷۳/	۵۰/۰	۳۶	۶۱	۳۵
۷۹/۰	۷۷/۵	۶۵/۶	۶۵/۹	۴۵/۷	۸۷/۷	۷۷/۳	۷۵/:	۵۰/۰	۴۰	۶۱	۳۵
۸۱/۵	۸۲/۳	۵۵/۰	۸۳/۳	۴۷/۷	۸۴/۶	۷۴/۱	۷۷/۱	۵۰/۶	۳۳	۶۰	۳۵
۸۶/۳	۷۷/۹	۶۸/۰	۸۰/۰	۴۹/۶	۸۶/۳	۸۲/۷	۷۴/۱	۴۹/۲	۳۵	۵۶	۳۵
۸۴/۳	۸۰/۲	۷۲/۹	۷۷/۱	۵۳/۴	۹۳/۱	۷۶/۸	۷۵/۱	۴۸/۶	۳۵	۴۸	۳۵
۸۱/۵	۸۲/۲	۵۸/۶	۵۶/۴	۵۶/۳	۸۹/۶	۷۷/۵	۷۴/۱	۴۸/۹	۳۴	۵۸	۳۵
۸۴/۶	۸۰/۰	۶۳/۲	۶۴/۰	۵۲/۱	۹۳/	۷۸/۰	۷۸/۱	۴۸/۰	۳۶	۵۷	۳۵
۸۶/۴	۸۱/۶	۶۲/۵	۵۸/۲	۶۰/۰	۹۹/	۷۸/۳	۷۶/۶	۰/۸	۳۵	۵۶	۳۵
۸۶/۶	۸۱/۹	۵۹/۳	۵۹/۳	۵۸/۳	۹۶/	۷۴/۳	۸۰/:	۴۹/۹	۳۲	۵۴	۳۵
۸۴/۹	۷۴/۶	۶۳/۰	۶۵/۲	۵۴/۸	۹۵/	۷۸/۷	۷۴/۶	۱/۰	۳۴	۵۴	۳۵
۸۱/۷	۸۲/۴	۶۰/۷	۶۹/۱	۵۵/۰	۹۷/	۷۴/۳	۷۳/۱	۴۸/	۳۴	۵۶	۳۵

نمازگاهها

عرض پیش	طول پیش	حرم قسمت علیای صورت	طول صورت	عرض لگن	عرض دو محوطه	مساحت قطر پیشانی	عرض س	طول بین برآمدگی پیشانی و پس سر	قد نشسته	قد	سن	شماره
۲۱	۵۵	۶۷	۱۲۱	۹۹	۱۳۰	۱۱۵	۱۴۷	۱۸۰	۸۸۲	۱۷۳/۱	۲۱	۲۵۱۴
۴۳	۵۸	۷۱	۱۱۹	۱۱۱	۱۳۴	۱۱۲	۱۵۹	۱۸۹	۷۹۲	۱۶۰/۴	۷۲	۲۵۱۵
۲۹	۵۸	۷۶	۱۲۰	۱۰۲	۱۳۰	۱۰۵	۱۴۵	۱۸۷	۸۴۷	۱۷۳/۰	۲۲	۲۵۱۶*
۲۶	۶۷	۸۲	۱۳۰	۱۰۴	۱۳۷	۱۱۳	۱۴۳	۱۸۳	۷۷۰	۱۶۲/۷	۴۶	۲۵۱۷
۲۱	۵۲	۷۰	۱۲۲	۹۹	۱۲۲	۱۱۳	۱۴۴	۱۸۸	۷۷۳	۱۵۹/۲	۲۷	۲۵۱۸
۲۶	۵۵	۷۳	۱۲۸	۱۰۰	۱۲۹	۱۰۵	۱۴۲	۱۸۲	۸۱۰	۱۶۵/۰	۴۰	۲۵۱۹
۲۲	۵۴	۷۵	۱۲۶	۱۰۶	۱۲۹	۱۱۰	۱۳۷	۱۹۶	۸۴۷	۱۷۲/۲	۳۰	۲۵۲۰
۲۷	۵۲	۷۲	۱۱۸	۱۰۸	۱۲۸	۱۷۲	۴۰	۸۲	۷۷۲	۱۷۰/۳	۴۵	۲۵۲۱
۲۲	۴۵	۶۵	۱۱۵	۱۰۲	۱۳۰	۱۰۸	۱۴۷	۸۰	۸۰۳	۶۳/۰	۴۰	۲۵۲۲
۲۲	۴۴	۷۰	۱۲۵	۱۱۳	۱۴۵	۱۱۶	۴۷	۹۲	۸۱۲	۶۳/۳	۲۸	۲۵۲۳
۲۳	۵۷	۷۰	۱۱۶	۱۰۹	۱۳۴		۴۷	۸۶	۸۰۳	...	۲۶	۲۵۲۴
۲۴	۵۵	۷۳	۱۲۰	۳	۱۲۹		۴۵	۹۸	۸۵۰	۷۲/۲	۴۵	۲۵۲۵
۲۶	۴۸	۶۷	۱۰۸	۹۹	۱۲۵		۴۵	۸۶	۸۰۰	۵۷/۰	۲۲	۲۵۲۶
۲۳	۵۸	۷۶		۴	۱۳۱		۳۶	۸۸	۷۶۴	۶۷/۳	۲۰	۲۵۲۷

شاخص‌ها

گروه و پیشانی	گروه و فکین	گوش	بینی	قسمت علیای صورت	رت.	پیشانی و آه پناه	تناسب سر	قدنشته نسبی	عرض گوش	طول گوش	
۸۸/۵	۷۶/۲	۶۴/۹	۵۶/	۵۱/۵	۹۳,	۷۸/۲	۸۱/۷	۵۱/۰	۳۷	۵۷	۳۵۱۴
۸۳/۶	۸۳/۸	۶۸/۳	۷۴/	۵۳/۰	۸۸/۸	۷۰/۴	۸۴/۱	۴۹/۴	۴۱	۶۰	۳۵۱۵*
۸۰/۸	۷۸/۵	۶۸/۴	۵۰/	۵۸/۸	۹۲/۳	۷۲/۴	۷۷/۵	۴۹/۰	۳۹	۵۷	۳۵۱۶
۸۲/۵	۷۵/۹	۶۵/۰	۵۳/	۵۹/۹	۹۴/۹	۷۹/۰	۷۸/۱	۴۷/۳	۳۹	۶۰	۳۵۱۷
۸۵/۶	۷۵/۰	۵۰/۰	۵۸/۱	۵۳/۰	۹۲/۴	۷۸/۵	۷۶/۶	۴۸/۵	۳۰	۶۰	۳۵۱۸
۸۱/	۷۷/۵	۷۲/۴	۶۵/۰	۵۶/۶	۹۹/۲	۷۳/۹	۷۸/۰	۴۹/۱	۴۲	۵۸	۳۵۱۹
۸۵/	۸۲/۲	۷۱/۴	۵۹/	۵۸/۱	۹۷/۷	۸۰/۳	۶۹/۹	۴۹/۲	۴۰	۵۶	۳۵۲۰
۸۷/	۸۴/۴	۵۶/۱	۷۱/	۵۶/۳	۹۲/۲	۸۰/۰	۷۶/۹	۴۵/۳	۳۷	۶۶	۳۵۲۱
۸۳.	۷۸/۵	۶۱/۷	۷۱/	۵۰/۰	۸۸/۵	۷۶/۶	۷۸/۳	۴۹/۳	۳۷	۶۰	۳۵۲۲
۸۵/	۸۳/۷	۵۶/۹	۷۵/	۵۱/۹	۹۲/۶	۷۸/۹	۷۶/۶	۴۹/۷	۳۷	۶۵	۳۵۲۳
۸۳.	۸۱/۳	۶۵/۵	۵۷/	۵۲/۲	۸۲/۶	۷۶/۲	۷۹/۰	۳۶	۵۵	۳۵۲۴
۸۶	۷۹/۸	۵۶/۵	۶۱/	۵۶/۶	۹۳/۰	۸۲/۲	۶۸/۲	۴۹/۴	۳۵	۶۲	۳۵۲۵
۹۲	۷۹/۲	۵۸/۵	۷۵/	۵۳/۶	۸۶/۴	۷۹/۳	۷۸/۰	۵۱/۰	۳۱	۵۳	۳۵۲۶
۸۴	۷۹/۴	۵۶/۳	۵۶/	۵۸/۰	۲/۳	۸۱/۶	۷۲/۳	۴۵/۷	۴۰		۳۵۲۷

اندازه‌ها

عرض بینی	طول بینی	طول قسمت علیای صورت	طول صورت	عرض فکین	عرض دوگانه	مداقل قشر پیشانی	عرض سر	طول بین برآمدگی پیشانی و پس سر	قد نفسه	قد	سن	شماره
۳۷	۶۳	۷۳	۱۲۸	۱۲۲	۱۳۷	۱۱۵	۱۴۴	۱۹۰	۷۹۰	۱۵۷/۵	۳۱	۳۵۲۸
۳۰	۴۰	۵۳	۱۰۳	۱۰۰	۱۲۸	۱۱۵	۱۶۰	۱۷۵	۷۹۰	۱۱۸/۵	۲۰	۳۵۲۹*
۳۱	۵۶	۶۸	۰۰۰	۱۱۲	۱۳۸	۱۱۱	۱۴۸	۱۸۹	۸۰۲	۱۶۲/۴	۲۱	۳۵۳۰
۳۲	۵۴	۶۷	۱۱۶	۱۰۶	۱۳۲	۱۱۰	۱۵۱	۱۸۶	۸۵۶	۱۶۸/۶	۰۰	۳۵۳۱
۳۳	۵۳	۷۳	۱۲۱	۱۲	۱۴۱	۱۱۷	۱۵۴	۱۸۲	۷۹۷	۱۶۶/۷	۲۰	۳۵۳۲
۳۰	۵۳	۷۴	۱۱۹	۰۹	۱۳۰	۱۰۸	۱۴۲	۱۹۳	۸۵۳	۱۷۱/۵	۲۵	۳۵۳۳
۳۲	۴۸	۷۰	۱۲۴	۱۶	۱۳۶	۱۱۰	۱۴۷	۱۸۵	۸۸۵	۱۷۹/۵	۲۰	۳۵۳۴
۴۱	۵۰	۷۵	۱۱۵	۰۰	۱۳۳	۱۰۷	۱۴۶	۱۹۲	۸۰۰	۱۶۱/۵	۵۵	۳۵۳۵
۳۵	۵۲	۶۷	۱۱۶	۰۳	۱۲۶	۱۰۷	۱۴۳	۱۸۶	۷۳۵	۱۵۱/۶	۴۹	۳۵۳۶
۳۰	۵۷	۷۱	۱۱۸	۰۰	۱۳۰	۱۰۵	۱۳۶	۱۸۱	۷۸۲	۱۶۲/۰	۴۶	۳۵۳۷
۳۹	۵۰	۷۰	۱۲۱	۰۵	۱۲۶	۱۰۸	۱۴۱	۱۸۷	۸۰۱	۱۶۴/۷	۱۸	۳۵۳۸
۳۴	۴۷	۶۴	۱۲۲	۰۵	۱۳۳	۱۱۱	۱۴۶	۱۸۵	۸۷۲	۱۶۶/۰	۲۵	۳۵۳۹
۳۱	۵۸	۷۵	۱۲۱	۴	۱۴۱	۱۲۰	۱۴۸	۱۸۲	۸۱۰	۱۶۷/۵	۲۰	۳۵۴۰

شماره	طول گوش	عرض گوش	قد نشی	پیشانی و آهپاله	صورت	قسمت عیالی صورت	گوش	گوشه و فکین	گوشه و پیشانی
۳۵۲۸	۶۰	۳۸	۰/۲	۷۹/۹	۹۳/۴	۶۳/۳	۵۸,	۸۹,	۸۳/
۳۵۲۹:	۵۹	۳۵	۶۶/۷	۷۱/۹	۸۰/۵	۵۹/۳	۷۵,	۷۸,	۸۹/
۳۵۳۰	۵۵	۴۲	۴۹/۴	۷۵/۰	۰۰۰	۸۰/۸	۵۵,	۸۱,	۸۰/
۳۵۳۱	۴۸	۳۴	۵۰/۸	۷۲/۹	۸۷/۹	۵۰,	۵۹,	۸۰,	۸۳/
۳۵۳۲	۵۴	۳۷	۴۷/۸	۷۶/۰	۸۵/۸	۵۱,	۶۲,	۷۹,	۸۳/
۳۵۳۳	۶۳	۳۷	۴۹/۷	۷۶/۱	۹۱/۵	۵۶,	۵۶,	۸۳,	۸۳/
۳۵۳۴	۵۵	۳۲	۴۹/۳	۷۴/۸	۹۱/۲	۵۱,	۶۶,	۸۵,	۸۰/
۳۵۳۵	۶۱	۴۳	۴۹/۵	۷۳/۳	۸۶/۵	۵۶,	۸۲,	۷۵,	۸۰/
۳۵۳۶	۵۶	۳۸	۴۸/۵	۷۴/۸	۹۲/۱	۵۳,	۶۷,	۸۱,	۸۴/
۳۵۳۷	۵۰	۳۳	۴۸/۳	۷۷/۲	۹۰/۸	۵۴,	۵۲,	۷۶,	۸۰/
۳۵۳۸	۶۳	۳۸	۴۸/۶	۷۶/۶	۹۶/۰	۵۵,	۷۸,	۸۳,	۸۵/
۳۵۳۹	۵۴	۳۵	۴۹/۵	۷۶/۰	۹۱/۷	۴۸,	۷۲,	۷۹,	۸۳/
۳۵۴۰	۶۱	۳۴	۴۸/۴	۸۱/۱	۸۵/۸	۵۳,	۵۳,	۸۵,	۸۵/

نمازده ۵

عرض پیشی	طول پیشی	طول قسمت صلبای صورت	طول صورت	عرض فکین	عرض دوگرا	حداقل ظرف پیشانی	عرض سر	طول بین برآمدگی پیشانی و پس سر	قد نشسته	قد	شماره	
۳۱	۵۴	۶۸	۱۱۹	۱۱۱	۱۴۱	۱۰۸	۱۴۸	۱۸۸	۷۳۵	۱۵۴/۸	۴	۳۵۴۱
۳۱	۵۰	۶۸	۱۱۸	۱۱۰	۱۴۱	۱۱۵	۱۵۱	۱۸۶	۸۰۰	۱۶۳/۰	۵	۳۵۴۲
۳۵	۵۷	۷۳	۱۲۴	۱۱۳	۱۴۱	۱۲۰	۱۵۱	۱۹۸	۸۴۶	۱۷۱/۶	۲۳	۳۵۴۳
۳۲	۵۵	۷۷	۱۳۲	۱۰۴	۱۲۸	۱۰۸	۱۴۳	۱۹۳	۸۱۰	۱۶۸/۸	۲	۳۵۴۴
۳۵	۵۶	۷۸	۱۲۳	۱۱۰	۱۴۰	۱۱۲	۱۴۸	۱۸۰	۹۲۲	۱۸۳/۲	۳	۳۵۴۵
۳۳	۵۳	۶۶	۱۱۸	۱۱۸	۱۳۰	۱۱۵	۱۴۳	۱۸۸	۷۸۷	۱۵۸/۰	۲	۳۵۴۶
۳۲	۵۳	۷۷	۱۲۳	۱۰۶	۱۲۴	۱۱۴	۱۳۶	۱۸۴	۸۱۰	۱۶۶/۸	۳	۳۵۴۷
۳۱	۶۴	۷۸	۱۲۶	۱۰۸	۱۳۲	۱۱۶	۱۴۴	۱۷۹	۸۲۲	۱۷۱/۲	۳۴	۳۵۴۸
۳۲	۴۸	۶۵	۱۱۴	۱۰۲	۱۲۸	۱۱۱	۱۴۷	۱۷۴	۷۸۱	۰۵۳/	۱۸	۳۵۴۹
۳۸	۶۱	۷۶	۱۲۹	۱۰۷	۱۳۳	۱۱۰	۱۳۸	۱۸۸	۷۵۰	۶۴/	۸۰	۳۵۵۰*
۴۱	۵۷	۷۱	۱۱۷	۰	۱۳۱	۱۰۸	۱۴۶	۱۸۸	۷۸۵	۶۹/	۲۶	۳۵۵۱
۳۸	۵۷	۸۰	۱۴۱	۰	۳۱	۱۱۲	۱۳۶	۱۹۴	۸۵۸	۷۳/۵	۳۰	۳۵۵۲
۳۳	۵۷	۷۳	۱۲۳	۰	۳۵	۱۱۶	۱۴۵	۱۹۵	۸۲۳	۶۷/۳	۲۰	۳۵۵۳

اندازه‌ها

عرض پیشی	طول قسمت علیای صورت	عرض فکین	عرض دوگوشه	حداقل		عرض سر	طول بین برآمدگی پیشانی و پس سر	اند نقطه	قد	سن	شماره
				طول صورت	قبل پیشانی						
۳۷	۶۴	۸۲	۱۳۴	۱۰۰	۱۱۲	۱۴۶	۱۸۶	۷۳۸	۱۵۴/۸	۹۰	۲۵۵۴*
۳۵	۵۳	۷۴	۱۳۳	۱۰۶	۱۱۲	۱۴۶	۱۸۶	۷۸۲	۱۶۳/۷	۵۰	۲۵۵۵
۳۴	۵۲	۷۰	۱۱۷	۱۱۳	۱۱۲	۱۳۸	۱۹۷	۸۶۲	۱۷۱/۸	۰۰	۲۵۵۶
۳۷	۶۰	۷۴	۱۲۲	۱۱۶	۱۲۱	۱۵۱	۱۸۴	۸۰۷	۱۶۳/۸	۳۰	۲۵۵۷
۳۶	۴۹	۷۴	۱۲۷	۱۱۲	۱۱۳	۱۳۷	۱۸۸	۷۹۴	۱۶۱/۳	۲۸	۲۵۵۸
۳۳	۵۰	۶۷	۱۱۴	۱۰۷	۱۱۹	۱۳۷	۱۸۰	۷۸۸	۱۵۸/۸	۱۸	۲۵۵۹
۳۳	۶۰	۸۱	۱۳۱	۱۱۳	۱۱۵	۱۴۲	۱۸۴	۷۸۳	۱۶۳/۳	۷۵	۲۵۶۰*
۳۰	۵۸	۷۷	۱۲۶	۱۰۹	۱۱۲	۱۴۸	۱۷۸	۸۳۳	۱۶۶/۸	۱۸	۲۵۶۱
۳۸	۵۶	۷۸	۲۷	۱۱۲	۱۱۷	۱۴۴	۱۸۶	۷۷۷	۱۶۰/۴	۴۵	۲۵۶۲
۳۲	۴۹	۷۰	۱۹	۱۰۴	۱۱۱	۱۴۷	۱۸۴	۸۰۷	۱۶۲/۳	۲۰	۲۵۶۳
۳۲	۵۸	۷۷	۳۷	۱۰۹	۱۱۶	۱۴۲	۱۷۹	۷۷۲	۵۹/۳	۳۴	۲۵۶۴
۲۹	۵۰	۶۸	۲۴	۱۰۴	۱۳۲	۱۱۳	۱۸۴	۸۱۸	۶۷/۲	۲۵	۲۵۶۵
۳۰	۴۳	۶۴	۱۴	۱۰۸	۱۱۷	۱۴۶	۳۴	۷۹۷	۶۵/۷	۲۸	۲۵۶۶

شاخص‌ها

شماره	طول گوش	عرض گوش	فاصله بینی	پیشانی و 'هیا'نه	صورت	علیای صورت	بینی	گوش	گوله و فکین	گوله و پیشانی
۲۵۵۴*	۷۱	۴۰	۴۷/۷	۷۶/۱	۱۰۰/۰	۶۱/۲	۷/۸	۵۶/۳	۷۴/۶	۸۳/۶
۲۵۵۵	۵۵	۳۷	۴۷/۸	۷۶/۱	۱۰۰/۱	۵۶/۱	۶۶/۰	۸/۳	۸۰/۳	۸۴/۹
۲۵۵۶	۵۶	۳۱	۵۰/۲	۸۱/۱	۹۰/۰	۵۳/۹	۳/۴	۳/۴	۸۶/۹	۸۶/۲
۲۵۵۷	۶۹	۳۸	۴۹/۳	۸۰/۱	۸۵/۱	۵۱/۷	۶۱/۷	۵۵/۱	۸۱/۱	۸۳/۶
۲۵۵۸	۴۶	۳۵	۴۹/۲	۸۲/۰	۹۶/۱	۵۶/۱	۷۳/۵	۱/۶/۱	۸۴/۱	۸۵/۶
۲۵۵۹	۵۲	۳۳	۴۹/۶	۸۶/۵	۸۹/۱	۵۲/۳	۶۶/۰	۵/۳/۵	۸۳/۱	۹۳/۰
۲۵۶۰*	۶۰	۴۲	۴۷/۹	۸۱/۰	۹۷/۰	۶۰/۰	۵۵/۰	۷۰/۰	۸۳/۱	۸۵/۲
۲۵۶۱	۶۳	۳۲	۴۹/۴	۷۵/۱	۹۳/۱	۵۷/۰	۸/۷	۷/۰/۸	۸۰/۱	۸۳/۰
۲۵۶۲	۶۸	۴۲	۴۸/۳	۸۱/۱	۹۲/۱	۵۶/۵	۶/۷/۹	۷/۱/۸	۸۱/۱	۸۳/۸
۲۵۶۳	۳۵	۳۷	۴۹/۷	۷۵/۰	۹۱/۰	۵۳/۹	۸/۳	۵/۸/۵	۸۰/۰	۸۵/۴
۲۵۶۴	۵۳	۳۴	۵۸/۵	۷۹/۱	۱۰۰/۱	۸/۲	۵/۵/۲	۸/۳/۲	۷۹/۱	۸۴/۷
۲۵۶۵	۶۰	۳۸	۴۸/۹	...	۹۳/۱	۵/۱/۵	۰/۸/۰	۸/۳/۳	۷۸/۰	۸۵/۶
۲۵۶۶	۵۵	۳۵	۴۷/۱	۷۹/۰	۸۴/۱	۴/۸/۳	۱/۷/۱	۶/۸/۶	...	۸۶/۷

اندازه ها

عرض پینی	طول پینی	طول قسمت علیای صورت	طول صورت	عرض فکین	عرض دوگوشه	حد اقل قطر پیشانی	عرض سر	طول بین برآمدگی پیشانی و پس سر	قد بنفشه	قد	سن	شماره
۴۷	۴۲	۶۴	۱۱۵	۱۰۸	۱۲۷	۱۰۴	۱۳۷	۱۷۹	۸۲۲	۱۶۵/۰	۱۵	۳۵۶۷
۴۰	۴۵	۶۹	۱۲۶	۱۰۴	۱۳۲	۱۰۳	۱۳۹	۱۸۳	۸۱۳	۱۵۷/۴	۳۵	۳۵۶۸
۳۶	۵۴	۷۳	۱۲۱	۱۱۲	۱۳۳	۱۱۴	۱۵۱	۱۸۷	۹۰۵	۱۸۱/۰	۱۸	۳۵۶۹
۳۸	۵۴	۷۳	۱۳۲	۱۰۶	۱۳۰	۱۱۱	۱۴۵	۱۸۶	۸۵۳	۱۶۹/۰	۲۴	۳۵۷۰
۳۱	۶۱	۸۰	۱۲۴	۱۱۶	۱۴۵	۱۱۶	۱۶۰	۱۷۸	۷۸۲	۱۶۰/۸	۶۰	۳۵۷۱
۳۴	۴۶	۶۳	۱۱۸	۱۱۶	۱۴۰	۱۱۸	۱۴۹	۱۹۵	۸۰۶	۱۶۱/۰	۲۷	۳۵۷۲

شاخص‌ها

شماره	طول گوش	عرض گوش	قد نسبتی	اناسیب سر	پیشانی آهینه	صورت	قسمت علیای صورت	بینی	گوش	گوی فکین	محوه و پیشانی
۳۵۶۷	۵۶	۴۰	۴۹.۱	۷۶/	۷۵.۹	۹۰.۶	۳/۴	۸۹/۴	۷۱/۴	۸۵/۰	۶/۹
۳۵۶۸	۵۸	۳۴	۵۱.۰	۷۶/	۷۴.۱	۹۵	۵۲/۳	۷۶/۷	۵۸/۶	۷۸/۸	۰/۸۸
۳۵۶۹	۶۵	۳۸	۵۰.۰	۸۰/	۷۵.۵	۹۱.	۵۴/۹	۷۶/۷	۵۸/۵	۸۴/۲	۸/۵۷
۳۵۷۰	۶۲	۳۸	۵۰.۰	۷۸/	۷۶.۶	۱۰۱	۵۶/۲	۷۰/۴	۶۱/۳	۵/۱۷	۳/۵۷
۳۵۷۱	۵۵	۴۳	۴۸.۰	۸۹/	۷۲.۵	۸۵.	۶/۵	۷/۸	۷۸/۲	۰/۰۷	۰/۰۷
۳۵۷۲	۵۲	۲		۷۶/	۷۹	۸۴.	۴۵/۰	۶/۳/۹	۵/۱/۵	۰/۰۷	۸/۳۷

_____ شده است

ن

*ارسال:

خصوصیات شکل شناسی پرودیرهای اصفهان

شماره	شکل	بافت	رنگ	رنگ	سپیده	سیاهی	پرتخ		پرتخ
							پرتخ	پرتخ	
۳۴۷۴	مجمد درشت	متوسط	قهوه‌ای خاکستری سبز قهوه‌ای	لک دار	خط دار	خط دار	محدب	محدب	متوسط
۳۴۷۵	د	خشن	قهوه سیر	صاف	یکنواخت	یکنواخت	د	د	د
۳۴۷۶	د	متوسط	خاکستری	قهوه خاکستری	حلقه دار	حلقه دار	د	د	د
۳۴۷۷	د	د	د	قهوه سیر	یکنواخت	یکنواخت	صاف	صاف	متوسط
۳۴۷۸	مجمد درشت	نرم	خاکستری	د	د	د	محدب	محدب	فشرده متوسط
۳۴۷۹	د	متوسط	قرمز خاکستری	د	د	د	د	د	باز متوسط
۳۴۸۰	د	نرم	سیاه خاکستری	د	د	د	صاف	صاف	د
۳۴۸۱	د	د	قهوه سیر	آبی - قهوه	لک دار	حلقه دار	د	د	متوسط
۳۴۸۲	د	د	د	د	د	د	د	د	باز متوسط
۳۴۸۳	مجمد درشت	متوسط	قهوه - خاکستری	قهوه سیر	صاف	یکنواخت	محدب	محدب	فشرده
۳۴۸۴	د	نرم	خاکستری - قهوه	د	د	د	صاف	صاف	باز

شماره	شکل	بافت	رنگ	رنگ	سفیده	سیاهی	زیرخ	پره
۳۴۸۵	مجمد درشت	متوسط	قهوه-خاکستری	قهوه-سبز	صاف	یکنواخت	مقر	باز متوسط
۳۴۸۶	محدب	و
۳۴۸۷	مجمد ریز	متوسط	سیاه-خاکستری	قهوه-سبز	صاف	یکنواخت	محدب	باز متوسط
۳۴۸۸	مجمد درشت	نرم متوسط	سیاه-خاکستری-سیاه	و	و	و	و	فشرده متوسط
۳۴۸۹	مجمد درشت	متوسط	سیاه	قهوه-سبز	لک دار	خط دار	محدب	متوسط
۳۴۹۰	و	و	و	و	و	و	و	و
۳۴۹۱	و	خشن	و	و	و	و	محدب	باز
۳۴۹۲	و	متوسط	و	سبز قهوه	لک دار	خط دار	صاف	متوسط
۳۴۹۳	آبی قهوه	و	باز
۳۴۹۴	خاکستری قهوه	صاف	خط دار	صاف	متوسط
۳۴۹۵	مجمد درشت	قهوه-خاکستری	آبی سبز	لک دار	و	محدب	باز
۳۴۹۶	و	متوسط	سیاه-خاکستری	قهوه سبز	صاف	یکنواخت	و	فشرده متوسط

شماره	مو			چشم			پشم
	شکل	بافت	رنگ	رنگ	سبیده	سیاهی	
۳۴۹۷	مجدددرشت	نرم	قهوه سبز	قهوه سبز	صاف	یکنواخت	متوسط
۳۴۹۸	آبی قهوه	آبی قهوه	باز
۳۴۹۹	مجدددرشت	نرم	خاکستری سیاه	سبز قهوه	لک دار	خط دار	فشرده
۳۵۰۰	نرم متوسط	قهوه سبز	حلقه دار	متوسط
۳۵۰۱	مجدد ریز	متوسط	قهوه سبز	صاف	یکنواخت	باز متوسط
۳۵۰۲	مجدددرشت	سیاه	قهوه سبز	یکنواخت	متوسط
۳۵۰۳	خاکستری	باز
۳۵۰۴	سیاه	فشرده
۳۵۰۵	متوسط
۳۵۰۶	قهوه خاکستری	خاکستری قهوه	حلقه دار	باز متوسط
۳۵۰۷	نرم	سیاه خاکستری	آبی قهوه
۳۵۰۸	قهوه قرمز	قهوه سبز	صاف	یکنواخت	متوسط

شماره	نمک	بافت	رنگ	رنگ	سپیده	سیاهی	لیبرخ	پره
۳۵۰۹	مجعد درشت	متوسط	سیاه	قهوه سبز	صاف	یکنواخت	صاف	متوسط
۳۵۱۰	و	و	سیاه‌خاکستری	سبز قهوه‌ای	لک‌دار	حلقه‌دار	و	و
۳۵۱۱	و	و	سیاه	قهوه‌سبز	و	حلقه‌دار	موج‌دار	باز متوسط
۳۵۱۲	و	و	قهوه‌خاکستری	سبز قهوه‌ای	و	و	مقعر	متوسط
۳۵۱۳	و	و	سیاه	قهوه سبز	و	و	محدب	باز متوسط
۳۵۱۴	و	و	قهوه قرمز سبز	آبی خاکستری	و	و	محدب	متوسط
۳۵۱۵	و	و	و	قهوه‌خاکستری	خط‌دار	و	و	باز متوسط
۳۵۱۶	مجعد ریز	خشن	سیاه	قهوه سبز	صاف	یکنواخت	صاف	فشرده
۳۵۱۷	مجعد درشت	و	سیاه‌خاکستری	قهوه سبز	و	و	محدب	متوسط
۳۵۱۸	و	متوسط	سیاه	قهوه سبز	و	یکنواخت	صاف	و
۳۵۱۹	و	و	سیاه‌خاکستری	قهوه‌آبی	خونین	و	مقعر	باز متوسط
۳۵۲۰	مجعد درشت	متوسط	سیاه	قهوه سبز	حلقه‌دار	حلقه‌دار	صاف	متوسط

شماره	شکل	بافت	رنگی	رنگ	چشم		پیشی	
					سبزه	سیاهی	تورخ	پره
۳۵۲۱	مجدددرشت	متوسط	سیاه خاکنتری	قهوه سبز	صاف	یکنواخت	محدب	متوسط
۳۵۲۲	و	و	قهوه سبز	و	و	و	مقر	و
۳۵۲۳	مجدد ریز	خشن	و	و	لگدار	۰۰۰۰	و	و
۳۵۲۴	و	متوسط	سیاه	و	خط دار	مقر	محدب	و
۳۵۲۵	۰۰۰۰	۰۰۰۰	سبز قهوه	خونین	۰۰۰۰	مقر	و	و
۳۵۲۶	مجدددرشت	متوسط	قهوه سبز	صاف	یکنواخت	محدب	باز متوسط	و
۳۵۲۷	و	نرم	و	و	و	صاف	و	و
۳۵۲۸	مجدددرشت	نرم متوسط	قهوه سبز	حلقه دار	لگدار	و	متوسط	و
۳۵۲۹*	۰۰۰۰	۰۰۰۰	قهوه سبز	صاف	یکنواخت	مقر	و	و
۳۵۳۰	مجدددرشت	نرم	و	و	و	صاف	و	و
۳۵۳۱	مجدد ریز	خشن متوسط	سیاه	و	و	مقر	و	و
۳۵۳۲	۰۰۰۰	۰۰۰۰	و	و	و	محدب	و	و

شماره	شکل	بافت	رنگ	رنگ	سپیده	سیاهی	لیبرخ	بره
۲۵۳۳	مجدددرشت	متوسط	قهوه‌سیر	قهوه‌سیر	صاف	یکنواخت	محدب	باز متوسط
۲۵۳۴	د	خشن	د	د	د	د	محدب، مقعر	متوسط
۲۵۳۵	د	متوسط	سیاه‌خاکستری	قهوه‌سبز	لش‌دار	حلقه‌دار	مقعر	باز متوسط
۲۵۳۶	د	نرم	د	قهوه‌سیر	صاف	یکنواخت	محدب	متوسط
۲۵۳۷	د	متوسط	قهوه‌سیر	د	د	د	د	فشرده
۲۵۳۸	د	د	د	د	د	د	مقعر	متوسط
۲۵۳۹	د	د	د	د	د	د	محدب	د
۲۵۴۰	د	د	سیاه	د	د	د	د	د
۲۵۴۱	د	خشن	سیاه‌خاکستری	د	د	د	د	د
۲۵۴۲	د	د	قهوه‌سیر	قهوه‌سیر	صاف	د	مقعر	د
۲۵۴۳	مجدددرشت	متوسط	قهوه‌سیر	قهوه‌سیر	د	د	محدب	د
۲۵۴۴	د	د	سبز قهوه	د	د	د	د	د

نوع	حالت	نوع	رنگ	چشم	سپیده	سیاهی	نیرخت	بزرگ	شکل	کد
متوسط	متوسط	سیاه	سبز قهوه‌ای	لکندار	حلقه‌دار	صاف	صاف	باز متوسط	چمدن‌ری	۲۵۴۵
و	و	و	قهوه سیر	صاف	یکنواخت	محدب	محدب	متوسط	چمدن‌درشت	۲۵۴۶
و	و	و	قهوه بی	و	و	و	و	و	و	۲۵۴۷
فشرده	و	قهوه‌سیر	صاف	و	و	محدب	محدب	فشرده	و	۲۵۴۸
متوسط	نرم متوسط	و	و	و	و	صاف	صاف	متوسط	مچدنیز	۲۵۴۹
باز متوسط	خاکستری سیاه	و	و	و	و	محدب	محدب	باز متوسط	و	۲۵۵۰
و	و	و	و	و	یکنواخت	و	و	و	چمدن ریز	۲۵۵۱
و	نرم متوسط	و	و	و	و	صاف	صاف	و	چمدن‌درشت	۲۵۵۲
متوسط	و	و	و	و	و	محدب	محدب	متوسط	و	۲۵۵۳
باز متوسط	و	و	و	و	و	و	و	باز متوسط	و	۲۵۵۴
متوسط	سیاه	و	و	لکندار	حلقه‌دار	صاف	صاف	متوسط	مچمدن‌درشت	۲۵۵۵
باز متوسط	و	و	و	و	یکنواخت	و	و	باز متوسط	و	۲۵۵۶

شکل	بافت	نوع	سفیده	سیاهی	نیمرخ
۳۵۵۷	مجمددرشت نرم	سیاه	لک‌دار	حلقه‌دار	محدب باز متوسط
۳۵۵۸	مجمدفری خشن	و	صاف	یکنواخت	متوسط
۳۵۵۹	مجمددرشت متوسط	و	و	و	و
۳۵۶۰	و	خاکستری	لک‌دار	حلقه‌دار	فشرده متوسط
۳۵۶۱	و	نرم سیاه	صاف	یکنواخت	و
۳۵۶۲	و	و	لک‌دار	حلقه‌دار	باز متوسط
۳۵۶۳	مجمددرشت متوسط	سیاه	صاف	یکنواخت	متوسط
۳۵۶۴	و	و	قهوه سبز	و	و
۳۵۶۵	و	و	و	و	و
۳۵۶۶	و	نرم	و	محدب	فشرده
۳۵۶۷	و	و	و	دب‌دب	متوسط
۳۵۶۸	مجمددرشت متوسط	سیاه	و	صاف	و

شماره	شکل	مواد بافت	رنگ	رنگ	چشم سفید	سیاهی	پنبه پوش
۳۵۶۹	معددرشت	نرم	سیاه	قهوه سیر	صاف	یکنواخت	محدب باز متوسط
۳۵۷۰	و	متوسط	هوشیر	سبز قهوه	لکدار	حلقه دار	مقر و
۳۵۷۱	قهوه سیر	و	خط دار	مقر فشرده متوسط
۳۵۷۲	سیاه	و	صاف	یکنواخت	مقر باز

قد کوتاه ز مدل حذف گردید

اطلاعات تطبیقی درباره یهودیه‌های آسیای جنوب غربی و قفقاز

برای نشان دادن فرق خصوصیات جسمانی یهودیه‌های اصفهان و یهودیه‌های نواحی آسیای جنوب غربی و قفقاز آمار و اطلاعات تطبیقی چندی اضافه شده است. اگرچه کمی تعداد بعضی سری‌ها مانع از یافتن تطبیق آماری دقیق است معیناً بنظر اینجانب مطالب موجود باید جدول بندی شود تا تمایلات جسمانی و نژادی آشکار گردد. در کتاب آینده خود که مربوط به مردم شناسی عراق است این مطالب بطور مفصلتر مورد بحث قرار خواهد گرفت.

ارقام مربوط به یهودیه‌های فلسطین حذف شده و مورد بحث قرار نگرفته است زیرا مطلب را پیچیده و مشکل میسازد. قبل از جنگ جهانی ۱۹۱۴ و یسنبرگ (Weissenberg) از گروه‌های مختلف یهودیه‌های آسیای جنوب غربی اندازه‌گیری کرد و برای مقایسه مقدماتی این ارقام و اطلاعات ایوانوسکی را در اینجا مورد استفاده قرار داده‌ایم. ویسنبرگ معتقد است (۱۹۱۱) که پس از غلبه آشوریها بر سلطنت شمالی در ۷۲۲ قبل از میلاد و پراکندگی بنی اسرائیل یهودیه‌ها با مردمانی که در میان آنها مجبور بزندگی بودند مخلوط شدند و اختلافاتی که در خصوصیات جسمانی یهودیه‌های آسیای جنوب غربی دیده میشود از این جهت است. ویسنبرگ اظهار میدارد (۱۹۰۹) که در سال ۱۹۰۹ تقریباً چهل هزار یهودی در یمن و سه هزار یهودی در شهر عدن سکونت داشتند. شاخص تناسب سر یک گروه پنجاه نفری مرد یهودی $۷۴/۳$ و حد اکثر $۸۳/۱$ بود. حد متوسط شاخص سر چهارده زن $۷۶/۷$ بود که حد اقل $۷۱/۳$ و حد اکثر $۸۷/۲$ بود. در میان این دو گروه مو بور وجود نداشت. بطور کلی این یهودیه‌ها از بسیاری جهات با سایر یهودیه‌های آسیای جنوب غربی فرق دارند. در واقع هرمان برچارد معتقد است که یهودیه‌های یمن از بنی اسرائیل نیستند بلکه اعرابی هستند که بدین یهود در آمدند.

در جدول اول اندازه‌ها و شاخص‌های یهودیه‌هایی که توسط ویسنبرگ مورد مطالعه قرار گرفتند داده شده است. از آنجائیکه در اینجا میانگین ارقام داده شده است در جدول‌های بعدی که اندازه‌ها و شاخص‌ها طبقه بندی شده این ارقام تکرار نشده است. برای نشان دادن اختلافات جزئی این سری‌ها به بیش از سه طبقه بندی مورد استعمال در این کتاب طبقه بندی شده اند.

در جدولهای زیر گروه ۱ و ۵ توسط فیلد و گروه ۲ و ۳ و ۴ و ۶ و ۷ و ۸ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ توسط ویسنبرگ و گروه ۱۱ و ۱۲ توسط فیلد و اسمیتون مورد بررسی قرار گرفتند. در گروه فیلد و اسمیتون میس اسمیتون (که اکنون خانم همرتامس است) ۹ نفر را در گروه ۹ و سه نفر را در گروه ۱۰ و دو نفر را در گروه ۱۱ و ۲ نفر را در گروه ۱۲ اندازه گیری کرده است.

یهودیهای اندازه گیری شده توسط ویسنبرگ

شماره	طول پستانی در هر سر	طول سر	عرض موها	عرض صورت	طول بینی	عرض بینی	شاخص سر	شاخص صورت	شاخص پیشانی	نام
۵۸/۹	۱۸۱	۱۲۴	۱۳۸	۱۴۹	۵۶	۲۳	۸۲/۳	۸۹/۹	۵۸/۹	آرومیه
۶۳/۰	۱۷۹	۱۱۸	۱۳۴	۱۴۷	۵۴	۳۴	۸۲/۱	۸۸/۱	۶۳/۰	مشهد
۶۰/۷	۱۸۳	۱۲۶	۱۳۶	۱۴۴	۵۶	۳۴	۷۸/۷	۹۲/۶	۶۰/۷	شیراز
۶۰/۷	۱۸۴	۱۲۲	۱۳۲	۱۴۳	۵۶	۳۴	۷۷/۷	۹۲/۴	۶۰/۷	عرفه
۶۱/۴	۱۸۲	۱۲۴	۱۳۴	۱۴۵	۵۷	۳۵	۷۹/۷	۹۲/۵	۶۱/۴	کردستان
۶۱/۸	۱۸۶	۱۲۸	۱۳۶	۱۴۵	۵۵	۳۴	۷۸/۰	۹۴/۱	۶۱/۸	بغداد
۵۸/۶	۱۸۴	۱۲۵	۱۴۲	۱۵۸	۵۸	۳۴	۸۵/۹	۸۸/۰	۵۸/۶	گرجستان
۶۱/۴	۱۸۳	۱۲۵	۱۴۱	۱۵۵	۵۷	۳۵	۸۴/۷	۸۸/۶	۶۱/۴	کوهستان
۶۳/۰	۱۸۳	۱۱۹	۱۳۸	۱۵۱	۵۴	۳۴	۸۲/۵	۸۶/۲	۶۳/۰	جنوب روسیه
۶۱/۱	۱۸۷	۱۱۸	۱۳۰	۱۳۹	۵۴	۳۳	۷۴/۳	۹۰/۸	۶۱/۱	یمن

ارقام فوق بر اساس اندازه گیری از یهودیهای زیر بدست آمده است :

آرومیه ۳۰ نفر - مشهد ۱۰ نفر - شیراز ۷ نفر - بغداد ۵ نفر - کردستان ۱۴ نفر
چند نفر از عرفه - یمن ۵۰ نفر - سری کردستان شامل افراد زیر است : موصل
۷ نفر - عمادیه ۱ نفر - دیاربکر ۳ نفر و چوموک ترکیه ۳ نفر .

قد = در کل گروه ۳۹۵ یهودی حدود قد عبارتست از ۱۴۶/۰ (یمن) تا ۱۸۳/۲ (اصفهان) که اختلاف زیادی نشان میدهد در صورتیکه ۸۴/۸۱ درصد افراد کمتر از ۱۷۰/۰ بودند . در گروه بین ۱۶۰ - ۱۶۹/۹ ، ۲۳۶ مرد (۵۹/۷۵ درصد) دیده میشوند و ۹۹ نفر (۲۵/۰۶ درصد) در کوتاهترین گروه (۱۵۹/۹ - ۵) میباشند . در منتهی الیه دیگر یعنی بلندترین (۱۸۰/۰ پبالا) فقط چهار نفر (۱/۰۱ درصد) وجود دارند . بدین طریق یهودیهای آسیای جنوب غربی از لحاظ قد متمایل به کوتاهی هستند و احتمال کلی میرود که حد متوسط قد

آنها کمتر از حد متوسط سایر ساکنین آسیای جنوب غربی باشد. صرف نظر از خصوصیت نژادی احتمال می رود که مبارزه دائمی زندگی و کمی غذای صحیح و کافی و فقدان نور آفتاب در مسکن آنها همه عواملی باشند که در این مسئله مؤثر واقع شده اند. ریپلی (۱۸۹۹ ص ۳۸۲) مینویسد: «اینکه کوتاهی قد یهودیان از خصوصیات اکتسابی است که موروثی شده است مسئله ایست قابل بحث. آنچه میتوان گفت اینست که افراد سامی نژاد عربستان و آفریقا همه دارای قد نسبتاً بلند هستند و حد متوسط از یهودیها بلندترند. این مطلب ما را متمایل باین فکر میسازد که تجربیات سخت گذشته چند واحد از قد مردم بنی اسرائیل کاسته است. برای دفاع از خود باید بگوئیم که گناه این نقص جسمانی تنها بگردن افراد مسیحی نیست و میتوان تاحدی آنرا در نتیجه رسم ازدواج در سنین جوانی دانست.

ریپلی اضافه میکند که (۱۸۹۹ ص ۳۷۷) که: «یهودیهای اروپائی همه کوتاه قد هستند نه فقط این بلکه اغلب کوتوله میباشند. در لندن یهودیها در حدود سه اینچ از حد متوسط مردم کوتاهترند. آیا اینها همیشه کوتاه قد بوده اند بطوریکه در کتاب اعداد (۳۳/۱۱۱) شرح داده شده است و آنها را در چشم خود در مقام مقایسه با آموریها 'ولاد اناک' باندازه ملخ خوانده مسئله ایست که بآن پاسخ نمیتوان داد. در مورد زمان حاضر بطور قطع میدانیم که در میان یهودیهای اروپا قد افراد بالغ یهودی در حدود ۵ پا و ۴ اینچ یعنی ۱/۶۳ متر میباشد.

طول سر = در میان ۳۹۰ یهودی حدود اندازه طول سر (۱۶۴ - ۲۰۴) پخش بزرگ بین این دو حد را نشان میدهد. سه چهارم افراد در طبقه ۱۷۶-۱۹۰ قرار دارند و فقط ۱۳/۵۹ درصد از ۱۹۰ بالاتر و عده کمتری (۱۰/۲۵ در صد) از ۱۷۶ پائین ترند. در پائین ترین طبقه ۱۷۰ پائین فقط ۵ نفر (۱/۲۸ درصد) است در حالیکه در انتهای دیگر جدول در طبقه ۱۹۶ بیابا ۱۵ نفرند (۳/۸۵ درصد). میانگین کلیه گروه ۱۸۲/۸۱ است که تقریباً ۳ میلیمتر از اندازه یهودیهای اصفهان کمتر است. بطور کلی یهودیهای آسیای جنوب غربی دارای سر کوتاه میباشند بخصوص یهودیهای سلیمانیه (۱۷۶/۰) و یهودیهای مشهد (۱۷۹/۰). شاخص سر = در مورد ۳۸۹ یهودی ملاحظات زیرشایان توجه است.

۲۶۲ تقریباً ۶۷/۳۵ درصد در دو تقسیم بندی بین ۷۵/۱ و ۸۴/۹ واقع میشوند. تعداد افراد هر قسمت تقریباً مساوی است. از طرف دیگر وقتی دو انتهای جدول مورد دقت قرار گیرد مشاهده میشود که تمایل زیادی به کوتاه سری و خیلی کوتاه سری وجود دارد. در پائین ترین انتهای جدول هشت یهودی (۲/۰۶ درصد) هستند که شش نفر آنها یمنی میباشند و در طبقه بالاتر ۵۵ نفر (۱۴/۱۴ درصد) هستند که بیست نفر آنها یمنی میباشند و دارای سردراز هستند. در گروه خیلی سر کوتاه یعنی بین ۸۵ تا ۹۱/۸ شصت و چهار نفر یهودی وجود دارد.

یهودیهای جنوب غربی آسیا متمایل به کوتاه سری و خیلی کوتاه سری میباشند. این شاخص های زیاد تنها بعلت کوتاهی نسبی طول سر نیست بلکه بعلت تمایل عریض بودن عرض سر نیز میباشد.

شاخص کل صورت = از ۳۸۳ یهودی ۲۶۷ نفر (۶۹/۷۲ یهودی) در دو طبقه بین ۸۵/۱ و ۹۵ قرار میگیرند. طبق طبقه بندی اختیاری در طبقه صورت پهن (x-۸۵) چهل و شش نفر (۱۲/۰۱ درصد) قرار دارند که هشت نفر (۲/۰۹ درصد) در گروه خیلی صورت پهن (x-۸۰) قرار میگیرند. در گروه متوسط صورت (۸۵/۱-۹۰) ۱۳۴ نفر (۳۴/۹۹ درصد) قرار دارند. گروه صورت باریک (۹۰/۱ بیالا) شامل ۲۰۳ یهودی است (۵۳/۰۱ درصد) که از آنها یازده نفر (۲/۸۷ درصد) در طبقه خیلی صورت باریک میباشند.

باید بخاطر داشت که در سیستم طبقه بندی کلی که از سیستم هاروارد اقتباس شده در گروه بندی بالای انحراف جزئی وجود دارد. مثلاً طبقه بندی صورت پهن (x-۸۴/۵) و صورت متوسط (۸۴/۶-۸۹/۴) و صورت باریک (۸۹/۵-x) در جاهای دیگر این کتاب بکار رفته است.

ولی چون بررسی و تجزیه شاخص کل صورت از نظر تمایلات کلی مورد مطالعه است این انحراف جزئی نمایان نمیشود.

یهودیهای جنوب غربی آسیا در طبقه بین صورت متوسط و صورت باریک قرار میگیرند و تمایل کلی بر خیلی صورت باریک است.

شاخص بینی = در جنوب غربی آسیا یکی از مهمترین خصوصیات جسمانی بنظر میرسد طول و عرض بینی و شکل نیمرخ آن باشد. بهمین جهت شاخص بینی به پنج طبقه تقسیم بندی شده تا اینکه نتایج زیر آشکار گردد.

در میان عدد کل ۳۸۵ یهودی $43/64$ درصد در طبقه ۵۱-۶۰ و تقریباً بهمان میزان در طبقه ۶۱-۷۰ میباشند. بعبارت دیگر ۳۲۶ یهودی ($84/68$ درصد) در طبقه بندی بین ۵۱-۷۰ قرار میگیرند. در طبقه خیلی بینی باریک (X-50) سیزده نفر مرد ($3/38$ درصد) قرار دارند که سه نفر آنها در یمن اندازه گیری شدند. در گروه بینی متوسط (۷۱-۸۰) چهل و دو نفر ($10/91$ درصد) و در گروه بینی پهن (۸۱ بیالا) چهار نفر یهودی ($1/04$ درصد) وجود دارند که دو نفر از اصفهان و دو نفر از سندر در عراق هستند.

بطور کلی یهودیهای این منطقه بینی باریک هستند اگرچه عددی از آنها را باید در گروه بینی متوسط طبقه بندی کرد. بینی پهن تقریباً وجود ندارد.

خلاصه

وضع یهودیهای اصفهان از لحاظ قد و طول سرو شاخص سرو شاخص کل صورت و شاخص بینی نسبت به گروههای منتخب جدول شده فوق از قرار زیر است :

قد = یهودیهای اصفهان (۸۷) با قد $164/94$ (حدود $151/6$ تا $183/2$) بنظر بلندتر از میانگین ($163/91$) سری (۳۹۵) میباشد که حدود آن ۱۴۶ تا $183/2$ است. باید بخاطر داشت که بلندترین افراد یعنی فرد دارای حد اکثر بلندی ($183/2$) در این گروه است و شش نفر ($18/39$ درصد) از ۱۷۰ بلندتر هستند. مهبذا یهودیهای ارومیه و اقرا و رواندیز و عرفه بلندتر میباشد.

طول سر = میانگین طول بین استخوان پیشانی و پس سر یهودیهای اصفهان $185/91$ است که ۳ میلیمتر زیادتر از میانگین ($182/81$) برای کل گروه ۳۹۰ نفر میباشد. حدود این اندازه برای این گروه ۱۷۳-۲۰۴ میباشد در صورتیکه حدود این اندازه برای کل گروه ۱۶۴-۲۰۴ است. همچنین باید در نظر داشت که فردی که حد اکثر اندازه یعنی ۲۰۴ دارد بین گروه یهودیهای اصفهان است و ۱۷ نفر آنها یعنی $19/32$ درصد دارای طول سر بیش از ۱۹۱ میباشد. تمایل کلی در مورد سر اینست که از حیث نسبت و مطلقاً سراز حیث طول کوتاه است.

شاخص سر = شاخص سر یهودیهای اصفهان بین $70/1$ و $86/19$ میباشد که میانگین آن $77/43$ است. در گروه سردراز (X-75) هفده نفر ($19/54$)

ردیف	نام	تعداد	٪	تعداد	٪	تعداد	٪	تعداد	٪	تعداد	٪	تعداد	٪	تعداد	٪	تعداد	٪	تعداد	٪
۱	پارس	۱۱	۷۸/۳۴	۷۸۱	۳۶/۸۳	۷۵۱	۳۰/۱۳	۸۳	۱۶/۰۱	۵۷	۸/۷۳	۰/۵۷	۸/۱۱۶	۱	۰/۰	۸/۷۳	۵/۲۸	۰/۱۱۶	۸/۱۱۶
۲	کوهستان	۱	۰/۰	۱۳	۰/۰/۲۶	۵۱	۰/۰/۰۲	۱	۰/۰/۲	۰	۰/۰	۵/۲۸	۱/۱۶	۱	۰/۰	۸/۷۳	۵/۲۸	۰/۱۱۶	۱/۱۶
۳	گرگی	۱	۰/۰	۶	۰/۰/۵۳	۶	۰/۰/۵۳	۱	۰/۰/۵	۲	۰/۰	۱/۱۶	۱/۱۶	۱	۰/۰	۰/۰	۱/۱۶	۱/۱۶	۱/۱۶
۴	سلیمانیه	۱	۸۷/۶۷	۷۱	۵۵/۳۵	۸۱	۳۶/۲۶	۲	۰/۰/۲	۲۳	۳/۲۳	۲/۲۳	۲/۲۳	۱	۰/۰	۰/۰	۲/۲۳	۲/۲۳	۲/۲۳
۵	رواندیز	۰	۰/۰	۰	۰/۰	۰	۰/۰	۰	۰/۰	۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰
۶	زانجو	۰	۰/۰	۰	۰/۰	۰	۰/۰	۰	۰/۰	۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰
۷	اقرا	۱	۰/۰	۰	۰/۰	۷	۰/۰/۵	۷	۰/۰/۵	۷	۰/۰/۵	۷	۰/۰/۵	۲	۰/۰	۰/۰	۳/۲۸	۳/۲۸	۳/۲۸
۸	پنجاه	۰	۰/۰	۱	۰/۰/۰۲	۳	۰/۰/۰۷	۰	۰/۰/۰	۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰
۹	کردستان	۱	۳۱/۴	۳	۸۵/۸۵	۷	۰/۰/۰	۸	۱۶/۳۱	۳۱	۳۱	۱/۱۸	۳/۱۶	۱	۰/۰	۰/۰	۱/۱۸	۱/۱۸	۳/۱۶
۱۰	حرفه	۱	۰/۵۶	۷	۶۷/۷۸	۶	۰/۰/۰	۱	۰/۵۶	۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۱	۰/۰	۰/۰	۰/۵۶	۰/۵۶	۸/۰/۶
۱۱	سندر	۱	۸۱/۲	۱۶	۷۸/۳۳	۰۲	۵۵/۲۳	۳	۷۲/۶	۲	۲۶	۰/۲۶	۲/۲۶	۱	۰/۰	۱/۱۶	۰/۵۷	۰/۵۷	۲/۱۶
۱۲	ارومیه	۱	۸۸/۲۲	۳۱	۸۸/۶۷	۳۱	۸۸/۶۷	۱	۸۸/۲	۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰	۰/۰	۳/۲۳	۵/۳۸	۵/۳۸	۶/۲۵
۱۳	مشهد	۰	۰/۰	۳	۰/۰/۵۳	۳	۰/۰/۵۳	۲	۰/۰/۰۲	۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰	۰/۰	۱/۱۸	۵/۳۸	۵/۳۸	۰/۲۶
۱۴	شیراز	۰	۰/۰	۷	۳۵/۱۶	۵	۳۳/۲۸	۰	۰/۰	۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰	۰/۰	۳/۲۳	۶/۲۶	۶/۲۶	۸/۰/۶
۱۵	استان	۲	۸۲/۲	۴۲	۸۸/۴۷	۴۲	۸۸/۴۷	۸۲	۸۸/۴۷	۲	۲۶	۰/۲۶	۲/۲۶	۱	۰/۰	۳/۲۳	۵/۳۸	۵/۳۸	۶/۲۵

تخصص

۱۷-۳ ۱۷-۷ ۱۷-۸ ۱۷-۹ ۱۷-۱۰ ۱۷-۱۱ ۱۷-۱۲ ۱۷-۱۳ ۱۷-۱۴ ۱۷-۱۵

درصد) وجود دارند. اکثر افراد (۵۲ یا ۵۹/۷۷ درصد) در گروه سر متوسط (۷۵/۱-۷۹/۹) قرار میگیرند. شانزده نفر (۱۸/۳۹ درصد) سر کوتاه (۸۰-۸۴/۹) وجود دارد و دوفنر (۲/۳۰ درصد) در گروه خیلی سردراز (۸۰-۸۴/۹) هستند. شایان توجه اینکه تعداد افراد بالا و زیر طبقه سر متوسط تقریباً مساوی است. وضع میانگین یهودیهای اصفهان (۷۷/۴۳) نسبت به کل سری نشان میدهد که از میانگین کل سری (۸۰/۷۷) پایین تر است و آنها بجز یهودیهای یمن که شاخص سر آنها ۷۴/۳ است از همه پایین تر هستند.

شاخص کل صورت = شاخص کل صورت یهودیهای اصفهان بین ۸۱/۷ و

۱۰۷/۶ و میانگین آن ۹۲/۳ است. در طبقه صورت پهن (۸۵-X) پنج نفر (۵/۹۵ درصد) وجود دارند و در گروه خیلی صورت پهن (۱۸۰-X) هیچکس نیست. در گروه صورت متوسط (۸۵/۱-۹۰) بیست و چهار نفر وجود دارند (۲۸/۵۷ درصد). طبقه صورت باریک (۹۰/۱-۱۰۰) دارای ۴۹ نفر (۵۸/۳۳ درصد) است. در گروه پایین تر (۹۰/۱-۹۵) سی نفر (۳۵/۷۱ درصد) در متوسط (۹۵/۱-۱۰۰/۱) نوزده نفر (۲۲/۶۲ درصد) و در طبقه خیلی صورت باریک (۱۰۰/۱-۱۰۰/۱) شش نفر (۷/۱۴ درصد) وجود دارد. طرز قرار گرفتن این هشتاد و چهار یهودی در پنج طبقه بندی فوق نشان میدهد که اینها یک گروه صورت باریک و صورت دراز هستند. میانگین کل گروه ۹۰/۶۳ و میانگین یهودیهای اصفهان ۹۲/۳ است.

شاخص بینی = در میان یهودیهای اصفهان میانگین شاخص بینی ۶۳/۸۶

است (شاخص بینی بین ۴۸/۴ - ۸۳ میباشد). در طبقه بینی باریک (۷۰-X) شصت و هفت نفر (۷۷/۹۰ درصد) وجود دارد و دو نفر (۲/۳۲ درصد) در طبقه خیلی بینی باریک هستند. در گروههای دیگر بینی باریک (۵۱/۱ - ۶۰/۹ و ۶۱/۰-۷۰/۹) پخش افراد تقریباً مساوی است. گروه بینی متوسط (۸۰/۹-۷۱) شامل هفده نفر (۱۹/۷۷ درصد) است. در طبقه بینی پهن (۸۱-۸۱) دو یهودی (۲/۳۲ درصد) است. مشاهده میشود که یهودیهای اصفهان بطور قابل ملاحظه بینی باریک هستند و میانگین شاخص بینی آنها (۶۳/۸۶) بالاتر از میانگین همه سری است که ۶۱/۷۰ میباشد.

برای تعیین میزان شباهت و اختلاف بین یهودیهای جنوب غربی آسیا باید اندازه گیری و مشاهده و عکسبرداری و بررسی زیادتری بعمل آید .

یهودیهای قفقاز

در جدولهای بالا شماره ۱۳ و ۱۴ مخصوص یهودیهای گرجستان و کوهستان تخصیص داده شده است . برای اطلاعات بیشتر درباره آنها که در شمال غربی ایران زندگی میکنند به جواچشویلی Dgawachschwili مراجعه شده است . این دانشمند مردم شناس یهودیهای قفقاز را به دو گروه تقسیم بندی میکند یهودیهای گرجستان و یهودیهای لزگی و شماخه .

بخصوص یهودیهای گرجی را که با اودین ها تحت عنوان گروه گرجی و ارمنی قرار میدهد از لحاظ رنگ مو و سیاهی چشم شبیه گروه ارمنی هستند و از لحاظ نوع موقهوه ای شبیه ارمنی ها و خورها و آسوریاها (۸۲ درصد) و از لحاظ شاخص سر (۸۵/۱۴) و سر کوتاهی (۵۴ درصد) شبیه گرجیهای غربی و از حیث شاخص بینی و بینی باریکی شبیه گرجی های غربی و ارمنی ها و آسوریاها میباشند . از طرف دیگر از لحاظ کوتاهی قد و کوچکی سینه یهودیهای گرجی نه تنها با گرجیها و ارمنی ها اختلاف دارند بلکه با سایر مردم قفقاز نیز فرق دارند .

یهودیهای لزگی و شماخه در گروه ولزگی - ارمنی، واقع میشوند . فرق آنها با یهودیهای گرجی در تیرگی موی سر و تعداد زیادتر موقهوه ای و زیادی سر کوتاهی و بلند قدی و زیادتری محیط سینه میباشد .

شباهت یهودیهای گرجی با گروه لزگی و ارمنی از این قرار است : موی تیره تر آنها را شبیه به خورها و کومیک ها و آسوریاها میسازد - رنگ ریاهی چشم شبیه آسوریاها و اودین ها و ادیقه - تعداد زیاد موقهوه ای (۹۲ درصد) شبیه به اودین ها و خورها و آسوریاها کوتاهی سر شبیه به اودین ها شاخص عرض و طول شبیه به لزگیها و آسوریاها و شاخص طول و ارتفاع شبیه اودین ها و ارمنی ها و آسوریاها - بینی باریک شبیه آسوریاها - شاخص گوش شبیه به تاتارها و قره چایها و کومیکها و قد شبیه گرجیها و لزگیها و تاتارهای لزگی و کومیکها و آسوریاها و از لحاظ بدنه شبیه تاتارها .

اندازه گیری یهودیهای قفقاز توسط جواچشویلی

تعداد	قد	۱۶۰/۰ -	۱۶۰/۱ - ۱۷۰	۱۷۰/۱ پیالا
گرچی ۱۳۳	۱۶۳/۷	۲۵ درصد	۶۵ درصد	۱۰ درصد
لزگی ۳۴۴	۱۶۵/۵	۲۰	۵۷	۲۳

یهودیهای گرچی بطور قابل ملاحظه کوتاهتر (۱۸ میلیمتر) از یهودیهای لزگی هستند و هر دو گروه از حد وسط ایران و عراق پایین تر قرار میگیرند . اکثریت هر دو گروه بین ۱۶۰/۱ و ۱۷۰ قرار میگیرند ولی در میان یهودیهای گرچی يك چهارم زیر ۱۶۰ و فقط ده درصد بالای ۱۷۰ واقع میشوند در حالیکه لزگیها در گروه ۱۶۰ و ۱۷۰/۱ بیالا تقریباً متساوی هستند .

تعداد	طول پستانی تا پس سر	حداکثر عرض سر	شاخص سر	سردراز درصد	سرمتوسط درصد	سر کوتاه درصد
گرچی ۱۰۰	۱۸۵	۱۵۷	۸۵/۱	۱۰	۳۶	۵۴
لزگی ۲۱۰	۱۸۲	۱۵۸	۸۶/۰	۳	۲۴	۷۲

یهودیهای گرچی و لزگی بنابر این نسبتاً سردراز و خیلی سرپهن هستند و شاخص سر کوتاهی در میان گرچیها کمی زیادتر است و علت آن داشتن سر باریکتر میباشد . در هر دو گروه تعداد سر کوتاهی زیاد است ولی شاخص ها تعداد درصد سرمتوسط و تعداد کمی سردراز را خوب نشان نمی دهد .

تعداد	عرض ده گونه	تعداد	شاخص بینی	بینی باریک درصد	بینی متوسط درصد	بینی پهن درصد
گرچی ۱۱	۱۴۱	۶۱	۶۰/۲	۹۳	۷	۰۰۰
لزگی ۲۱۰	۱۴۲	۲۱۰	۶۲/۰	۸۹	۱۱	۰۰۰

عرض استخوان دو گونه زیاد (۱۴۱ - ۱۴۲) است و بین دو گروه فرق

زیادی مشاهده نمیشود . باید در نظر داشت که فقط ۱۱ نفر یهودی گرجی در این گروه اندازه گیری شدند .

بینی بطور قابل ملاحظه از نوع باریک است و فقط در حدود سی نفر (۵/۵ درصد) در طبقه بینی متوسط قرار دارند . هیچ فرد دارای بینی پهن مشاهده نشد . بارون دوپای Baron de Baye اظهار میدارد که یهودیها از زمانهای خیلی قدیم در قفقاز بوده اند . در اوائل این قرن جمعیت یهودی این ناحیه در حدود پنجاه هزار نفر بود و در نواحی زیر پخش بودند در ایالات ترك و داغستان و در شهرهای باکو و تفلیس و کوتای . یهودیها تیکه در نواحی کوهستانی مسکن داشتند یهودیهای کوهستان نامیده شده اند و اینها مردمی بودند بلند قد و خوش هیكل دارای پوست سفید و چشم و موی مشکی . بارون دوپای اضافه میکند که از لحاظ جسمانی بسیاری از خصوصیات آنها شبیه یهودیهای عهد قدیم میباشد . بموجب روایات این یهودیها بفرمان بخت النصر در حدود ۵۵۰ قبل از میلاد بعنوان اسیر و زندانی به قفقاز آورده شدند .

شانتر Chantre (۱۸۸۵ - جلد ۴ ص ۲۵۴ - ۲۵۵) میگوید پس از آنکه بخت النصر جودا را مسخر شد و سلطنت های یهودی پایان آمد عده زیادی از یهودیها بناحیه قفقاز مهاجرت کردند و با آنها اجازه داده شد در ناحیه ای واقع در امتداد اراگوا Aragva استقرار یابند اکثر آنها بمذهب گرجیها گرویدند و از بسیاری جهات چنان با آنها مخلوط شدند که یهودیها هویت خود را کاملا از دست دادند . هارکوی Harkway معتقد است که عده ای از اولاد خزرها در اثر فعالیت مبلغین در سال ۱۶۲۰ در کریمه دیانت یهود را قبول کردند .

شانتر اضافه میکند که یهودیهای کوهستان داغستان در اواسط قرن هیجدهم از ایران باین نقطه آمدند. آن یهودیها که در تمبرخان چورازندگی میکردند رسوم و آداب اجدادی خود را حفظ کردند . بزراعت و کارهای کشاورزی اشتغال نورزیدند بلکه چرم سازی میکردند و بکسب و تجارت مشغول بودند . شانتر از قول کومارف عده یهودیهای بیست و سه قریه داغستان را ۵۳۸۴ تخمین میزند ولی دوپای در ۱۹۰۲ تخمین زد که عده یهودیهای کوهستان در این ایالت ۹۲۰۰ نفر بوده است .

ویسنبرگ (۱۹۰۷) گزارش کردف را در پاره ۱۹۰ یهودی داغستانی

بشرح زیر خلاصه میکند :

تقریباً بدون استثنا یهودیها دارای قد متوسط و چشم و موی مشکی میباشند. سر آنها بزرگ و بلند و خیلی کوتاه است. صورت پهن و پیشانی بلند و چشمها افقی است. زاویه های گونه کمی برجسته است. بینی صاف و اندازه آن متوسط و دهان پهن و لبها کلفت و گوشها عریض و بدنه بزرگ و سینه پهن است... وی خاطر نشان میسازد که اکنون دو نوع یهودی وجود دارد یکی دارای نفوذ مغولی یعنی قرخیز است و دیگری دارای اثر اختلاط با قبائل قفقاز است.

طبق نوشته باشماکف Baschmakoff (۱۹۳۶-ص ۵) مردم نژاد سامی متشکلند از :

- ۱- یهودیهای اشکنازیم که بلهجه آلمانی صحبت میکنند و گروه کوچکی از آنها بزبان آرامی متکلمند ۷۵۰۰۰-
 - ۲- یهودیهای کوهستان که بادیگران مخلوط شده و بزبان ایرانی (سامی و ایرانی یا سامی و قفقازی) تکلم میکنند ۴۴۰۰۰-
 - ۳- آسوریها که خود را کلد و آسوری می نامند و ادعا دارند که از اولاد آسوریهای باستان هستند زبان آنها آسوری ارومیه است. خون مخلوط سامی و قفقازی و یاسامی و ناطولی دارند ۳۵۰۰-
- باشماکف درباره خیلی سر کوتاهی یهودیهای کوهستان اظهار نظر میکند و گفته میلر را نقل میکند که یهودیها در قرن پنجم میلادی در قفقاز ظاهر شدند .

یهودیرای کوهستان قفقاز

(شماره ۱ تا ۶ از مدشالی - شماره ۷ تا ۱۰ از بتال پاچنيسك)

- | | | |
|-----------------------------|------------------------------------|--------------|
| ۱- طول سر | ۶- ارتفاع بیخ بینی تا دندانهای جلو | ۱۱- طول بینی |
| ۲- عرض سر | ۷- عرض استخوان گونه ها | ۱۲- عرض بینی |
| ۳- ارتفاع سر | ۸- عرض زاویه فك سفلی | ۱۳- عرض دهان |
| ۴- ارتفاع چانه تارستنگاه مو | ۹- عرض داخلی بین دو حدقه | ۱۴- طول گوش |
| ۵- ارتفاع بیخ بینی تا چانه | ۱۰- عرض خارجی بین دو حدقه | |

(اقتصادی ادنیٰ ادکرت)

۱۰۰

۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	شماره
۳۱	۹۱۰	۱۳۹	۸۳	۱۲۴	۱۸۰	۱۳۲	۱۶۱	۱۸۱	۳۵	۱
۳۰	۹۰۳	۱۴۰	۸۲	۱۳۳	۱۷۲	۱۱۸	۱۵۶	۱۷۵	۴۵	۲
۳۴	۹۰۹	۱۳۵	۸۰	۱۲۰	۱۷۶	۱۲۴	۱۵۷	۱۸۲	۴۲	۳
۳۱	۹۱۵	۱۳۰	۷۴	۱۱۲	۱۶۸	۱۲۴	۱۶۴	۱۷۸	۴۴	۴
۳۰	۹۰۷	۱۳۳	۷۸	۱۲۱	۱۶۲	۱۲۰	۱۵۰	۱۸۳	۷۰	۵
۳۲	۹۱۵	۱۳۷	۷۸	۱۱۶	۱۶۶	۱۲۱	۱۵۹	۱۸۳	۵۰	۶
۳۱	۹۱۰	۱۲۸	۸۰	۱۲۹	۱۸۹	۱۲۸	۱۶۲	۱۸۶	۴۹	۷
۳۱	۹۱۵	۱۵۲	۸۰	۱۲۴	۱۷۲	۱۲۱	۱۶۵	۱۸۶	۵۲	۸
۳۵	۹۰۴	۱۳۳	۷۷	۱۲۲	۱۷۶	۱۲۸	۱۵۴	۱۸۵	۵۳	۹
۳۱	۹۰۰	۱۳۳	۸۰	۱۲۵	۱۶۹	۱۲۲	۱۴۶	۱۷۸	۱۶	۱۰
۳۱/۶	۹۰۸/۸	۱۳۷/۹	۷۹/۲	۱۳۲/۶	۱۷۳/۵	۱۳۳/۸	۱۵۷/۴	۱۸۱/۷	۴۴/۸	میانی

۳/۲	۳/۱	۲/۱	۱/۴	۱/۳	۱/۲	۱/۱	۱/۰	شماره
۸۲/۰	۷۲/۹	۸۹/۰	۶۲	۵۱	۳۶	۵۸	۹۳	۱
۷۵/۶	۶۷/۵	۸۹/۱	۶۹	۵۹	۳۵	۶۱	۹۰	۲
۷۹/۰	۶۷/۱	۸۶/۲	۶۷	۵۰	۳۵	۵۸	۹۰	۳
۷۵/۶	۷۹/۲	۹۲/۱	۵۸	۵۳	۳۲	۵۲	۸۰	۴
۸۰/۰	۶۵/۶	۸۲/۰	۶۷	۵۴	۳۶	۵۸	۸۵	۵
۷۶/۱	۶۶/۱	۸۶/۹	۶۱	۵۰	۳۵	۵۱	۸۹	۶
۷۹/۰	۶۸/۸	۸۷/۱	۶۰	۵۹	۳۸	۵۲	۹۳	۷
۷۳/۳	۶۵/۱	۸۸/۲	۶۲	۵۸	۳۳	۵۸	۹۱	۸
۸۳/۱	۶۹/۲	۸۳/۲	۷۴	۵۳	۳۳	۵۰	۹۱	۹
۸۳/۶	۶۸/۵	۸۲/۰	۶۱	۵۰	۳۶	۵۸	۹۰	۱۰
۷۸/۷۳	۶۹/۱۵	۸۶/۶۴	۶۵/۱	۶۳/۳	۳۴/۹	۵۶/۱	۸۹/۲	میانی

۱۲/۱۱	۶/۸	۶/۷	۵/۸	۵/۷	۴/۷	۴/۶	۴/۵	شماره
۶۲/۱	۷۵/۵	۵۹/۵	۱۱۲/۷	۸۹/۲	۱۶۳/۶	۱۲۹/۵	۱	
۵۷/۴	۷۹/۶	۵۸/۶	۱۲۹/۱	۶۵/۰	۱۶۷/۰	۱۲۲/۹	۲	
۶۰/۳	۷۳/۴	۵۹/۳	۱۱۰/۱	۸۸/۹	۱۶۱/۵	۱۳۰/۴	۳	
۶۱/۵	۶۴/۳	۵۶/۹	۹۷/۴	۸۶/۲	۱۴۶/۱	۱۲۹/۲	۴	
۶۲/۱	۷۲/۹	۵۸/۶	۱۱۳/۱	۹۱/۰	۱۵۶/۱	۱۳۵/۶	۵	
۶۸/۶	۷۲/۹	۵۸/۶	۹۰/۹	۸۴/۷	۱۴۴/۳	۱۲۱/۲	۶	
۶۶/۷	۷۲/۷	۵۴/۱	۹۱۷/۳	۸۷/۲	۱۷۱/۸	۱۲۷/۷	۷	
۵۶/۹	۶۹/۶	۵۲/۶	۹۰/۸	۸۱/۶	۱۴۹/۶	۱۱۳/۲	۸	
۶۷۰	۷۴/۰	۵۸/۳	۱۱۷/۳	۹۲/۴	۱۶۹/۲	۱۱۳/۶	۹	
۶۳/۱	۸۰/۰	۶۰/۲	۱۳۵/۰	۹۴/۰	۱۶۹/۰	۱۲۷/۱	۱۰	
۶۲/۳۷	۷۳/۴۹	۵۶/۶۷	۱۱۳/۰۷	۸۹/۰۴	۱۵۹/۱۲	۱۲۴/۰۴	میانی	

فن ارکرت (جلد ۱۹ - ص ۲۴۷) اینده یهودی کوهستان قفقاز را بطریق زیر شرح میدهد :

- ۱- یهودی نوع حقیقی . موشبیه موی ایرانی و تاتار آذربایجانی . چشم قهوه‌ای طلائی . بینی دراز و پهن . پیشانی عمودی . ناحیه پس سر بلند تر از جلو سر . سرمدور و وقتی از کنار یا بالا ملاحظه شود . لبها کلفت . ریش انبوه .
- ۲- یهودی نوع حقیقی . بینی عقابی ناحیه پس سر بلندتر از جلوی سر . در حال عادی استخوان پس سر صاف و مستطیلی و سراز بالا مدور است . چانه نوک دار و رو پائین .
- ۳- نوع یهودی حقیقی . دهان کمی جلو آمده . ریش انبوه .
- ۴- نوع یهودی . نوع صورت بیضی شکل عریض . دهان جلو آمده . پس سر بلندتر از جلو . از پس سر و از بالا سرمدور بنظر میرسد .
- ۵- نوع یهودی . پس سر بلندتر از ناحیه جلو . محیط سر از بالا و از پشت مدور .
- ۶- نوع یهودی . پیشانی عمودی . لبها محکم . قسمت پایین صورت لبه تیز . بلندترین نقطه سردر وسط .
- ۷- صورت نسبتاً دراز . سر بلند از پس سر . بینی صاف و مثلثی . پیشانی بلند . پس سر صاف . چشم قهوه‌ای . مومشکی .
- ۸- بینی بزرگ عقابی . پیشانی کوتاه و صاف . سر بلند . چشم قهوه‌ای سبز . ظاهر صورت یهودی (یهودی کوهستانی) . سراز بالا مانند تخم مرغ بنظر میرسد . نوک بینی کلفت .
- ۹- بینی عقابی و خیلی دراز . پیشانی کوتاه و پائین . سراز بالا بشکل تخم مرغ . چشم قهوه‌ای سبز . دهان جلو آمده .
- ۱۰- مومشکی . سراز بالا بیضی شکل . پس سر برجستگی ندارد . چشم قهوه‌ای سبز . دهان جلو آمده . چانه کوتاه . صورت بیضی . بینی صاف و عریض . پیشانی پست .

جمع	شاخص سر			تعداد	درصد
	سر کوتاه	سر متوسط	سر دراز		
	$(x-82/6)$	$(82/5-76/6)$	$(76/5-x)$	۰	۰
۱۰۰	۸۰	۲۰	۰	۰	۰

شاخص کل صورت

جمع	شاخص کل صورت			تعداد	درصد
	صورت باریک	صورت متوسط	صورت پهن		
	$(x-89/5)$	$(89/4-84/6)$	$(84/5-x)$	۱	۱
۱۰۰	۴۰	۵۰	۱۰	۱	۱

شاخص بینی

جمع	شاخص بینی			تعداد	درصد
	بینی پهن	بینی متوسط	بینی باریک		
	$(x-83/5)$	$(83/4-77/5)$	$(77/4-x)$	۹	۹
۱۰۰	-	۱۰	۹	۹	۹

سر آنها نسبتاً کوتاه و پهن است و قدم متوسط و قطر فکین و دو گونه متوسط و بینی باریک و متوسط دراز و گوش دراز است .

این ده یهودی کوهستان دارای سر کوتاه هستند و شاخص کل صورت آنها اختلاف قابل ملاحظه نشان میدهد و از صورت متوسط تا صورت باریک وجود دارد . مشاهده عکس تمام صورت و نیم رخ افراد صورت پهن جالب توجه خواهد بود . بطور کلی بینی باریک هستند و فقط یک فرد در طبقه بینی متوسط قرار داشت . یهودیهای قفقاز بنظر میرسد از لحاظ قد کوتاه تا متوسط و از لحاظ طول سر متوسط ولی در حداکثر عرض عریض هستند که در نتیجه شاخص سر آنها در طبقه کوتاه سراسر است و بینی باریک دارند . جدول زیر بمنظور مقایسه اضافه شده شده است تا اختلافات بین یهودیهای لزگی و اصفهان و گرجی بخوبی دیده شود .

مردم شناسی جسمانی ایران = ۴۲۳

اندازه	اصفهان	مرجی	لریمی
قد	۱۶۴/۹۴	۱۶۳/۷	۱۶۵/۵
طول سر	۱۸۶/۰۶	۱۸۵	۱۸۲
عرض سر	۱۴۴/۲۸	۱۵۲	۱۵۸
شاخص سر	۷۷/۴۳	۸۵/۱	۸۶/۰
عرض دو گونه	۱۳۴/۲۰	۱۴۱	۱۴۲
شاخص بینی	۶۳/۸۶	۶۰/۲	۶۲

بدین ترتیب بنظر میرسد یهودیهای قفقاز از لحاظ قد کوتاهتر و از حیث سردارای سر عرضتر و شاخص سر زیادتر باشند. صورت آنها در ناحیه گونهها عریض است و شاخص بینی آنها کمتر است.

روستائیان یزدخواست

شهر یزدخواست^۱ در حدود هشتاد میلی جنوب اصفهان در سر راه بشیراز واقع شده است. از سمت شمال از محلی که جاده از دشت شن زار وسیعی میگذرد بنظر میرسد که شهر در فرورفتگی قرار گرفته باشد و ازدور خانههای شهر پیدانست. مسافری که از اصفهان بشهر نزدیک میشود اولین چیزی که می بیند قبرستان مسلمانان است که چند قبر گنبد دار و قبور پراکنده در آن وجود دارد. جاده بسمت چپ میپیچد و ناگهان قسمت قدیمی و شهر جدید نمایان می شود. شهر قدیم بر فراز قله تپه بزرگی قرار دارد و خانههای آن گلی و دارای بام صاف می باشند که روی تیر چوبی بنا شده اند. ازدور چنین بنظر میرسد که خانه در مقابل افق آسمان روی چوب پا قرار گرفته اند بخصوص که قسمت سفلی اغلب خانهها مدتهاست افتاده است. ازدور منظره شهر قدیم شبیه شهر مردگان است. در منتهی الیه غربی يك پل چوبی دیده میشود (تصویر ۴۵ شکل ۲). کمی دورتر در همان سمت مغرب و در کلیه دامنه جنوبی تپه شهر جدید قرار دارد که شبیه همه شهرهای مرکز ایران یعنی دارای خیابانهای باریک و بازار مسقف کوچک و خانههای خشتی مخروط می باشد.

قسمت عمده قریه قدیمی از خیابانهای باریک پیچ در پیچ متشکل است. خانهها از خشت و تیر چوب نخل ساخته شده و سقف اطاقها از برگ نخل است که روی آن گل اندود شده است. در خانه کدخدای قریه سقف اطاق نشیمن دارای تیر از چوب نخل است. اغلب ساختمانها يك یا دو طبقه است و در وسط حیاطی دارد.

۱- ای توصیف آن در ۱۹۱۸ مراجعه شود به ا.سی. یاته.

معمولاً طاق نشین در طبقه فوقانی است. اطاقها که نسبتاً وسیع هستند پنجره ندارند. بجای در چوبی اغلب پرده کلفتی جلوی درگاه انداخته می‌شود. در این قریه چنانکه معمولاً ایران است مردم نسبتاً فقیرند زیرا مزارع آنها که یگانه منبع عایدی آنهاست فقط بقدر رفع احتیاج خود آنها محصول میدهد. لباس آنها ارزان قیمت و سبک است. لباس مردها عبارتست از لباده پارچه سفید یا راه‌راه که تازمین میکشد و روی آن عبا یا کت می‌پوشند. بعلت دستور رسمی دولتی در موقعیکه ما از آن شهر دیدن میکردیم اغلب مردها کلاه پهلوی که سابقاً کلاه رسمی بود بسر داشتند. زن‌ها لباس آبی یا سیاه بلند می‌پوشیدند و سر خود را با پارچه آبی یا سیاه می‌بستند بطوریکه در موقع ورود مرد غریبه بتوانند صورت خود را بپوشانند بعضی از زن‌ها حلقه در بینی خود داشتند. در میان مردها اغلب سراز ته زده یا تراشیده شده بود گردن آنها پوشیده نبود. اغلب افراد چه زن و چه مرد بجز در موارد مخصوص کفش پیا نداشتند.

زندگی خانوادگی آنها از نوع زندگی اغلب قریه های کوچک جنوب غربی آسیا است. روی زمین حصیر از برگ خرما می‌اندازند که روی آن می‌نشینند و می‌خوابند. دهاتی‌ها صبح و شام غذا صرف میکنند و غذای آنها اغلب برنج است. گوشت بندرت مصرف میشود زیرا در این ناحیه گوسفند و مرغ زیاد وجود ندارد. حیوانات اهلی از هر نوع نادر است و الاغها که بار آنها چوب هیزم یا آب است اغلب لاغر و فرسوده هستند. حتی تعداد سگ نیز کم است که ممکن است در اثر کمی غذا باشد. یگانه مرکز اجتماع مردم قریه چایخانه است که افراد عمده قریه در آنجا جمع میشوند.

قسمت شهر قدیمی چندین بار مورد بازدید قرار گرفت. در مقابل پل دروازه بزرگ چوبی قرار داشت که با صدای عجیب روی پاشنه چوبی باز میشد. يك كوچه باریك به مرکز خرابه‌ها منتهی میشد. در طرفین كوچه دیوارهای خشتی خراب دیده میشد و چنین بنظر میرسد که قرن‌ها است کسی در آن خانه‌ها زندگی نکرده است. در این قریه متروک چند فامیل فقیر زندگی میکردند از درگاههای باز ساختمانها و حیاط‌های کوچک که سالها مرمت نشده دیده میشد. در سمت مشرق شهر دروازه بود که بالای آن کتیبه‌ای وجود داشت (تصویر ۴۵ - شکل ۱). در دروازه مرکب از دولت بود که یکی از آنها باقیمانده و نسبتاً خوب مانده بود. بعلت اهمیت نقش و کتیبه سردرو نیمه در باید از طرف اداره باستان‌شناسی به تهران

حمل شود . این دروازه و در بیک مسجد خرابه و قدیمی منتهی میشود که میگویند قبر امامزاده سیدعلی است . (تصویر ۴۴) . در وسط گنبد شکاف بزرگی وجود دارد که بنظر میرسد در اثر زلزله بوجود آمده باشد . در دیوارها نیز شکافهای بزرگ دیده می شود . اثر نقاشی بر دیوار ساختمان دیده می شود ولی روی طرحها خطوط یادگاری نوشته شده و ظاهراً جوانان احترامی برای این مکان مقدس قائل نبوده اند . شخص حس میکند که راه رفتن زیر گنبد خطرناک باشد زیرا هر آن ممکن است فروریزد .

از اطاقهای کوچک مختلف که اغلب بدون سقف است عبور کرده بانتهای قریه که بر فراز قله تپه قرار دارد رسیدیم . از این نقطه رو به جنوب دره رودخانه دیده می شود . در حال حاضر جو بیابان کوچکی از وسط آن می گذرد . بستر رودخانه فقط چند متر پایین تر از سطح دره است و معلوم می شود که در طی چند قرن گذشته قدرت فرسوده کردن و فروریختن زمین را نداشته است . از روایات و داستانها چنین استنباط میشود که زمانی این دره آنقدر آب داشته که قابل کشتی رانی بوده است . یکی از قدیمی ترین و مسن ترین ساکنین قریه اظهار داشت که وقتی پل بسته یا خراب میشد کسی نمیتوانست بشهر دست یابد و ساکنین از شر سرپاها و مأمورین اخذ مالیات و مهاجمین بختیاری در امان بودند .

دکتر جان فرایر Dr. John Fryer سیاح انگلیسی که در سال ۱۶۷۶ به شهر یزدخواست (که آنرا Esduchos از دوخوس نامید) مسافرت کرد درباره آن میگوید (ص ۲۵۷) که این شهر شبیه باغهای معلقه سمیرامیس میباشد زیرا در اینجا بر فراز خندق از استحکامات قدیم منازل ساخته شده تا از تجاوز ایرانیان بر محل آنان جلوگیری شود و خاک ریز آن صخره های تیز را بعنوان نگاهدارنده بناهای آویزان باقی گذاشته است .

کرزن معتقد است (a ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۶۸) که این نقطه بود که از آنجا زکی خان نابرداری شقی کریم خان زند که پس از مرگ وکیل زمام امور را بدست گرفته و در سال ۱۷۷۹ بچنگ برادرزاده خود علیمرادخان رفته بود دستور داد بزرگان شهر یزدخواست را یکی پس از دیگری به قعر دره پرتاب کنند زیرا اهالی این قریه از اجرای اوامر او در دادن پول گزاف خودداری کرده بودند هجده نفر را بهلاکت رسانیده بود و نفر نوزدهم سیدی بود که زن و دختر و پیرا

بمصرفیازان داد این عمل ناجوانمردانه حتی برملازمان خود وی نیز گران آمد . همان شب طناب چادر او را بریدند و چادر بر سر او فروریخت و اهالی قریه حمله کرده و با انتقام خون مقتولین او را از پای در آورده و با خنجر هلاک کردند . کرزن میگوید این داستان اولین بار توسط فرانکلین افسر جوان که فقط هفت سال بعد از این واقعه در یزدخواست بود نقل شده است . سرراپرت کارپرت در سال ۱۸۱۸ و مسافرین دیگر در همان زمان در یزدخواست با پیرمردی که خودش شاهد وقایع بود و با اینکه در اثر سقوط بدنه ناقص و فلج ولی کشته نشده بود صحبت کردند . راجع به قدمت این شهر دو بده C. A. de Bode (جلد اول - ص ۶۴) مینویسد : «تردید نیست که یزدخواست قبل از حمله اعراب وجود داشته و نام آن از ریشه گیری است و یزدخواست بزبان زند اراده خداوند معنی میدهد . » در مدت توقف مختصر ما بین ۲۱ تا ۲۴ اوت ۱۹۳۴ علیرغم عدم تمایل اهالی قریه به اندازه گیری مردم شناسی موفق شدیم با فشار دوستانه و کمی رشوه مختصر بین ده شاهی یا یک قران از جهل و هشت نفر اندازه گیری کنیم . از این عده یک نفر خیلی پیر و یک نفر دیگر سیاه پوست بود که از سری حذف گردیدند . این افراد توسط ریچارد مارتین عکسبرداری شدند و خانم بایرون اسمیت اندازه ها را ثبت کرد . تحصیل اطلاعات کامل در باره فامیل این افراد غیر ممکن بود . در طی اندازه گیری و آزمایش من از هر یک تعداد برادر و خواهر و پسر و دختر آنها را که با فامیل زندگی میکردند یا فوت کرده بودند سؤال میکردم ولی اغلب از دادن پاسخ خودداری میکردند .

سن = میانگین سن ۴۶ نفر ۳۷/۸۵ بود و اگر چه بیش از نصف آنها کمتر از سی و چهار سال داشتند تنوع سن این عده خوب بود .

پخش سن

سن	تعداد	درصد	سن	تعداد	درصد
۲۰ - ۲۴	۲	۴/۳۵	۵۰ - ۵۴	۳	۶/۵۲
۲۵ - ۲۹	۹	۱۹/۵۷	۵۵ - ۵۹	۰	۰
۳۰ - ۳۴	۱۴	۳۰/۴۴	۶۰ - ۶۴	۴	۸/۷۰
۳۵ - ۳۹	۵	۱۰/۸۷	۶۵ - ۶۹	۰	۰
۴۰ - ۴۴	۶	۱۳/۰۴	۷۰ - ۷۴	۱	۲/۱۷
۴۵ - ۴۹	۲	۴/۳۵			

خصوصیات شکل شناسی ده نشینان یزدخواست

پوست = رنگ پوست آنها از کم رنگ متوسط (رنگ اروپائی شمالی) تا قهوه ای تیره بود . نفر شماره ۳۴۴۲ از این طبقه بندی وسایر طبقه بندی ها جدا نگاه داشته شد زیرا وی دارای خصوصیات یک فرد سیاه پوست بود . رنگ نقاط مختلف بدن تا حدی که مشاهده میشد خصوصیت خاصی نداشت و نقاط نا پوشیده معمولاً تیره رنگ تر از نقاط پوشیده بود . بنظر من بهترین توصیف رنگ پوست آنها اینست که گفته شود آفتاب خورده . پوست سر آنها که معمولاً با کلاه پوشیده شده گاهی به سفیدی پوست اروپائیها بود . فرد شماره ۳۴۳۰ (تصویر ۲ شکل ۲۹۱ - تصویر ۵۹ شکل ۳ و ۴) نمونه خوبی است از یک فرد سفید پوست .

مو = موی سر از حیث رنگ از قهوه ای سیر تا مشکی دیده شد . از لحاظ شکل مجدد درشت بود ولی تمایل کلی بر صافی موی بود . از حیث نسج همه رقم از نرم تا خشن وجود داشت و اکثریت دارای موی نرم بودند . در افراد کمتر از سن چهل موی خاکستری بندرت مشاهده میشد ولی از سن متوسط بیلا موی خاکستری زیاد وجود داشت . ریش مد نبود و در نتیجه اکثریت افراد ریش خود را می تراشیدند فقط فرد شماره ۳۴۲۵ (تصویر ۴ - شکل ۳ و ۴ و تصویر ۶۴ - شکل ۲۹۱) ریش انبوه خشن داشت . بجز چند مورد استثنائی مردها همه سبیل داشتند .

رنگ	تعداد	درصد	شکل	تعداد	درصد
سیاه	۱۷	۳۷/۷۸	صاف	۹	۱۹/۵۷
قهوه جلی سیر	—	—	محمد حویلی درشت	۳۷	۸۰/۴۳
قهوه سیر	۲۱	۴۶/۶۷	محمد درشت	—	—
قهوه	—	—	محمد زبر	—	—
قهوه قرمز	—	—	محمد فری	—	—
قهوه روشن	—	—	پشمی	—	—
قرمز	—	—	جمع	۴۶	۱۰۰/۰۰
سیاه و خاکستری	۴	۸/۸۹	نسج	۹	۲۰/۰۰
قهوه و خاکستری	—	—	خشن	۲	۴/۴۴
قهوه روشن و خاکستری	۳	۶/۶۷	خشن متوسط	۷	۱۵/۵۶
خاکستری	—	—	متوسط	۸	۱۷/۷۸
سبیل	—	—	نرم متوسط	۱۹	۴۲/۲۲
جمع	۴۵	۱۰۰/۰۰	نرم	۱۹	۴۲/۲۲
			جمع	۴۵	۱۰۰/۰۰

چشم = همه چشمها از حیث رنگ قهوه سیر بود بجز دو مورد که مخلوطی از سبز و آبی رنگ بود. تعداد زیاد سیاهی چشم یکنواخت (متجاوز از ۹۰ درصد) مربوط است به رنگ قهوه سیر چشم که درک نوع خط دار و لك دار تقریباً غیر ممکن میساخت. سفیده چشم صاف بود بجز در مورد نه نفر (۱۹/۵۷ درصد) که لك دار بود و يك نفر که سفیده چشمش خون آلود بود در این قریه اگر چه بطور کلی چشمها بطوری که رسم این ناحیه است خون آلود نبودند. زیادی شکایت از درد سر میکردند که در اثر درد چشم و وجود ذرات خارجی مانند خاک و شن در داخل چشم بود. تورم چشم زیاد دیده شد و تراخم و ورم ملتحمه مشاهده گردید. دو نفر دارای ضعف دید بودند بخصوص فرد شماره ۳۴۲۱ (تصویر ۵۴ - شکل ۳ و ۴) که در يك چشم آب آوردگی داشت و چشم دیگر خوب نمی دید.

		چشم			
رنگ	تعداد	درصد	سیاهی	تعداد	درصد
سیاه	—	—	یکنواخت	۴۲	۹۱/۳۰
قهوه سیر	۴۴	۹۵/۶۵	خطدار	—	—
قهوه آبی	۱	۲/۱۷	حلقه دار	۴	۸/۷۰
قهوه آبی	—	—	جمع	۴۶	۱۰۰/۰۰
قهوه سبز	۱	۲/۱۷	سفیده	—	—
قهوه سبز	—	—	سفیده	—	—
قهوه خاکستری	—	—	صاف	۳۶	۷۸/۲۶
آبی	—	—	زرد	—	—
خاکستری	—	—	لك دار	۹	۱۹/۵۷
قهوه روشن	—	—	خونین	۱	۲/۱۷
خاکستری آبی	—	—	لك دار و خونین	—	—
سبز آبی	—	—	لك دار و زرد	—	—
جمع	۴۶	۹۹/۹۹	جمع	۴۶	۱۰۰/۰۰

بینی = نیمرخ بینی تنوع قابل ملاحظه‌ای نشان میداد ولی اکثریت بینی محدب یا صاف داشتند. در حدود ۶۰ درصد نوك بینی نازك و در حدود يك سوم افراد دارای ضخامت بیش از حد متوسط بودند. پره بینی از فشرده تا متوسط در ۷۵ درصد افراد متنوع بود ولی عناصر دارای پره بینی باز دیده میشد.

مردم شناسی جسمانی ایران - ۴۲۹

بینی

تعداد	درصد	پر	تعداد	درصد	لیمرخ
۵	۱۰/۸۷	فشرده	۱	۲/۱۷	موجدار
۱۳	۲۸/۲۶	فشرده متوسط	۵	۱۰/۸۷	مقعر
۱۶	۳۴/۷۸	متوسط	۱۸	۳۹/۱۳	صاف
۸	۱۷/۳۹	باز متوسط	۲۰	۴۳/۴۸	محدب
۳	۶/۵۲	باز	۲	۴/۳۵	مقعر و محدب
۱	۲/۱۷	خیلی باز	۴۶	۱۰۰/۰۰	جمع
۴۶	۹۹/۹۹	جمع			

تعداد	درصد	ضخامت نوک
۲۶	۵۹/۰۹	نازک
۴	۹/۰۹	متوسط
۱۲	۲۷/۲۷	کلفت
۲	۴/۵۵	دو برابر کلفت
—	—	سه برابر
۴۴	۱۰۰/	جمع

دهان ، دندان = لبها دارای برگشتگی معمولی بود بجز در مورد سا
نفر از این عده که دو نفر آنها لب برگشتگی بیش از حد داشتند .

برابری	تعداد	درصد	تعداد	درصد	دندانها
بسی	—	—	۱۷	۴۰/۶۸	هیچ
برابر	۱	۲/۷۰	۱۵	۳۵/۷۶	۱-۲
جلو	۲۰	۸۱/۰۸	۲	۴/۷۶	۳-۵
خیلی جلو	۶	۱۷/۲۲	۲	۴/۷۶	۶-۹
جمع	۲۷	۱۰۰/۰۰	۵	۱۱/۹۰	+۱۲
			۱	۲/۳۸	سه
			۴۲	۹۹/۹۹	جمع
وضع	تعداد	درصد	تعداد	درصد	درآمدگی
خیلی بد	۲	۱۳/۳۳	۱۳	۵۲/۰۰	هیچ
متوسط	۲	۱۳/۳۳	۱	۴/۰۰	کم
خوب	۴	۲۸/۶۷	—	—	زیاد
خیلی خوب	۶	۴۰/۰۰	۱۱	۴۴/۰۰	خیلی زیاد
جمع	۱۵	۱۰۰/۰۰	۲۵	۱۰۰/۰۰	جمع

دندانها = از حیث بهم جفت شدگی شبیه دندان اروپائیان است ولی شش نفر (۱۶/۲۲ درصد) دندانهای جلوآمده داشتند . تعداد قلیل دندان افتادگی این گروه نشان آن است که وضع دندان آنها نسبتاً خوب بوده است . از نظر فرسودگی اصطکاک با سنگ ریزه در نان محلی بدون شك در دندانها تأثیر داشته است . شاید تعداد نسبتاً زیاد افرادی که کرم خوردگی دندان داشتند (۴۸/۴۸ درصد) بهمین جهت باشد . دندانهای رویهم افتاده فقط در مورد يك نفر مشاهده شد . برجستگی استخوان گونه در میان این گروه زیاد دیده شد . در مورد هفت نفر برجستگی افقی متوسط و چهار نفر برجستگی افقی قابل ملاحظه مشاهده شد .

عضلات = اغلب افراد بنظر میرسید که خوب نمو کرده باشند . افراد شماره ۳۴۳۲ (تصویر ۵۸ - شکل ۲۹۱) و شماره ۳۴۳۷ (تصویر ۶۱ - شکل ۴۹۳) و شماره ۳۴۴۰ (تصویر ۱۱ - شکل ۲۹۱ و تصویر ۵۷ - شکل ۴۹۳) سینه فراخ داشتند . وضع سلامتی عمومی افراد خوب بود و عده کمی در طبقه بندی بد قرار گرفتند . تبهای مختلف در میان آنها وجود داشت . وجود چاله‌های آب ساکن در بستر رودخانه محل پیدایش پشه مالاریا و انواع و اقسام مگس میباید که بعضی از آنها سخت گاز میگیرند . نویسنده يك نفر را مشاهده کرد که تب شدید داشت و او پیرمردی بود که سخت سرفه میکرد و درجه تب او ۱۰۳ درجه بود و نبض او خیلی تند میزد . این مریض را يك زن پیرمرد او میکرد و استعمال بعضی گیاهها را از داخل و خارج تجویز کرده بود .

وضع عضله	تعداد	درصد	وضع سلامتی	تعداد	درصد
ضعیف	۱	۲/۱۷	بد	۱	۲/۱۷
متوسط	۷	۱۵/۲۲	متوسط	۷	۱۵/۲۲
خوب	۲۳	۵۰/۰۰	خوب	۳۵	۷۶/۰۹
عالی	۱۵	۳۲/۶۱	عالی	۳	۶/۵۲
جمع	۴۶	۱۰۰/۰۰	جمع	۴۶	۱۰۰/۰۰

لا اقل ۲۵ درصد افراد از دهان تنفس میکردند که نشانه اختلال غده‌ها است . بررسی صورت این اشخاص قیافه احمقانه و بینی باریک و دهان باز که علامت پریشانی حواس و عدم توجه است نشان میداد .

از میان این گروه چهار نفر دارای علامت آبله بودند . موارد مخصوص

ناتوانی و نقص غیرعادی افراد از قرار زیر است :

شماره	ناتوانی
۳۴۰۹	واکنش‌ها کند .
۳۴۱۲	نبض تند - رعشه دارد که ممکن است در اثر سفلیس باشد . واکنش زانوی چپ کند .
۳۴۳۴	از کودکی کرولال بوده . آبله داشته است .
۳۴۵۲	حال خواب آلود و واکنش‌های کند او نشانه اعتیاد بافیون است
	نشانه خال کوبی یا علامت استعمال حنا بر مویا دست یا پا در میان این عده روستائیان مشاهده نشد .

تجزیه آماری ده نشینان یزدخواست

اهالی یزدخواست با اینکه محل سکونت آنها بین قشائیا و بختیاریها واقع نشده بهیچ ایل یا قبیله تعلق ندارند .

بررسی اندازه‌ها و شاخص‌ها خصوصیات جالب توجهی نشان میدهد . از لحاظ سن در میان گروه یزدخواست تنوع قابل ملاحظه مشاهده شد و میانگین سن گروه ۳۸ سال بود .

قد = حد متوسط قد گروه (۱۶۴/۷۹) کمی زیر حد وسط قد مردم این ناحیه دنیا است و حد ۱۵۲ تا ۱۷۸ نشان میدهد که افراد جوان میانگین حقیقی قریه را پائین تر آورده اند . بیش از نیمی از افراد گروه از حیث قد متوسط بودند و بقیه بین طبقات بلند و کوتاه تقریباً بطور تساوی تقسیم شدند .

وقتی این گروه را بر طبق سیستم کیت Keith طبقه بندی کنیم نتایج زیر بدست می‌آید .

قد در حال نشسته (طول بدنه)

کلاس	۸۵۰-۸۹۹	۸۰۰-۸۴۹	۷۵۰-۷۹۹	۷۰۰-۷۴۹	جمع
عدد	درصد	عدد	درصد	عدد	درصد
X-۱۸۰۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱۷۰۰-۱۷۹۹	۳	۶/۵۱	۱	۲/۱۷	۲۱/۷۰
۱۶۰۰-۱۶۹۹	۰	۱۱	۱۵	۲۲/۵۵	۵۶/۴۲
X-۱۵۹۹	۰	۰	۹	۱۹/۵۲	۲۱/۷۰
جمع	۳	۱۷	۲۵	۵۴/۲۵	۹۹/۸۲

در طبقه بلندترین طول بدنه وقد ایستاده هیچ فردی وجود نداشت . در انتهای دیگر جدول با اینکه ۲۱/۷۰ درصد افراد در طبقه کوتاه قد بودند فقط يك نفر (۲/۱۷ درصد) دارای بدنه خیلی کوتاه است این فرد (شماره ۳۴۳۸) که قد ایستاده او ۱۵۹۷ است بدنه خیلی کوتاه (۶۵۷) دارد . بطوریکه شاخص نسبی قدنشسته ۴۱/۱ میشود . بیست و پنج نفر (۵۴/۲۵ درصد) دارای بدنه کوتاه و بیست و شش نفر (۵۶/۴۲ درصد) از حیث قد متوسط (۱۶۰ - ۱۶۹/۹) میباشند . شاخص نسبی قد نشسته گروه (۴۸/۱۶) نسبتاً طول بدنه کوتاهتری از سه گروه دیگر ایران نشان میدهد .

بطور کلی مردان یزدخواست بعلت کوتاهی بدنه (۷۹/۶۶) از حیث قد متوسط هستند و قد آنها کوتاهتر از گروههای دیگر بررسی شده در ایران میباشد . این افراد برای آزمایش لباس خود را در نیاوردند ولی معلوم بود که اکثر آنها از حیث نموبدن متوسط هستند و خصوصیات غیر عادی در آنها مشاهده نشد . هیچیک از آنها خیلی چاق یا خیلی لاغر نبود بین آنها و نوع معمولی اروپائی اختلافات مشخصی در قسمتهای مختلف بدن مشاهده نشد . دست و پای آنها بطور کلی متناسب و از حیث اندازه متوسط بود .

اندازه سر = طول سر (۱۹۲/۵۱) در بین چهار گروه از همه درازتر و عرض سر (۱۴۱/۵۵) متوسط بود بطوریکه شاخص سر آنها (۷۳/۵۰) درازترین سر گروههای بررسی شده ایران را نشان میدهد . اکثریت آنها (۸۰ درصد) سردراز بودند . (رجوع شود بصفحه ۴۴۱)

گروه طبق شاخص سر

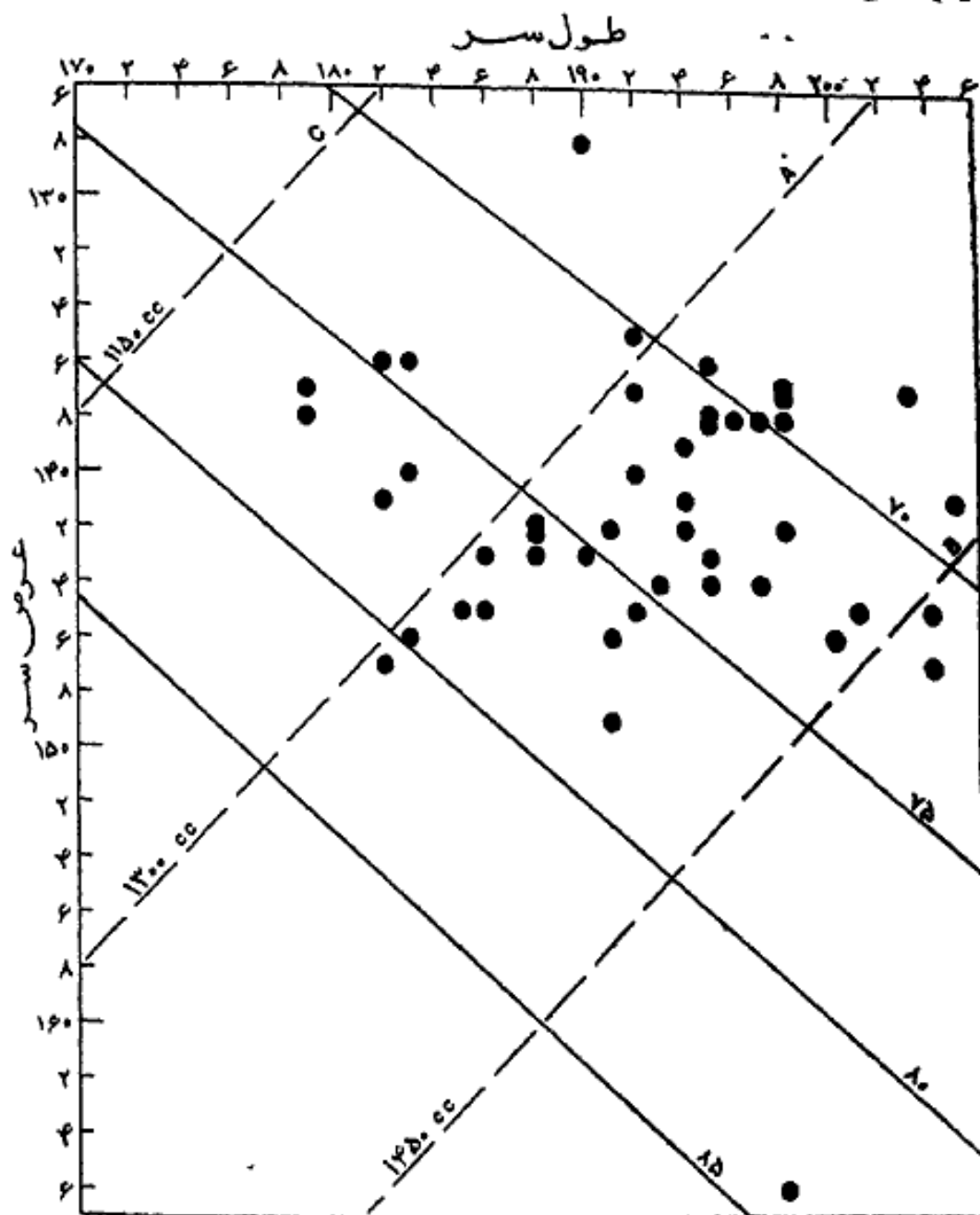
سر	۷۰/۰-۷۴/۰	۷۵/۰-۷۹/۰	۷۹/۰-۸۴/۰	۸۴/۰-۸۹/۰	۸۹/۰-۹۴/۰	جمع
	تعداد	تعداد	تعداد	تعداد	تعداد	تعداد
کوچک	۲/۱۷	۳	۸/۶۸	۴	۰	۱۷/۳۶
متوسط	۱۳/۰۲	۱۷	۳۶/۸۹	۱۱	۲۳/۸۷	۷۵/۹۵
بزرگ	۰	۲	۴/۳۴	۱	۰	۶/۵۱
جمع	۱۵/۱۹	۲۲	۴۷/۷۴	۱۵	۳۲/۵۵	۹۹/۸۲

در بین آنها افراد خیلی سردراز یا سرمتوسط یا سر کوتاه و سر کوتاه کوچک وجود نداشت در طبقه خیلی سر کوتاه يك نفر قرار داشت . طبقه سر کوچک هشت نفر داشت (۱۷/۳۶ درصد) که یکی از آنها خیلی سردراز بود (۷۰-۷۰). در این سری محدود فقط دو نفر سر بزرگ داشتند که هر دو در طبقه سردراز (۷۵/۰-۷۰/۱) قرار گرفته بودند . سی و پنج نفر (۷۵/۹۵ درصد) از لحاظ اندازه سرم توسط و بیست و دو نفر (۴۷/۷۴ درصد) سردراز بودند . وجود شش نفر (۱۳/۰۲ درصد) در طبقه سرم توسط و خیلی سردراز و تقریباً فقدان افراد سر گرد (۲ نفر) از خصوصیات مهم است . باید در نظر داشت که هفت نفر فرد خیلی سردراز و يك نفر خیلی سر کوتاه در میان آنها بود در هیچ مورد نقص مصنوعی یا در اثر بیماری مشاهده نشد .

بنابراین بطور کلی سراز حیث اندازه متوسط تا کوچک از لحاظ شاخص خیلی سردراز تا سر متوسط بود و این گروه سردرازترین گروههای مورد بررسی شده ایران بشمار میآیند .

در جدول تطبیقی در صفحه مقابل می بینیم که شاخص سر یزدخواست (۷۳/۵۰) خیلی نزدیک به میانگین نوع مدیترانه اولی است که در عراق در صلوبه مشاهده شد .

دکتر و بانو کریشنر Krischner طول و عرض سر ۵۱ مرد را در آباده که در سی و پنج میلی جنوب یزدخواست در سر راه اصفهان به شیراز قرار دارد اندازه گیری کردند .



شکل ۱۵ - طول و عرض و ظرفیت سرچهل و شش ده نشین یزدخواست

طبقه بندی شاخص های حاصله کاملاً با سیستم هاروارد قابل مقایسه نیست زیرا در تقسیم طبقات اختلاف جزئی وجود دارد. میانگین شاخص سر ۶۷/۷۲* در مقابل ۷۳/۵۰ در مورد اهالی یزدخواست است. در میان ده نشینان آباده درجه سردرزی کمی زیادتر است ولی ممکن است این در اثر تغییر خطوط طبقه بندی باشد و بطور کلی شباهت بین این دو گروه از نظر شکل سر جالب توجه است.

* این معدل از روی ارقام این شکل بدست آمد.

Kappers, 1932, P. 12, Fig. 7.

شاخص سرمردان آباده

مجموع	سر کوتاه	سرمتوسط	سردراز	
	(x-۸۳/۰)	(۸۲/۹ - ۷۷/۰)	(۷۶/۹-x)	
۵۱	۱	۵	۴۵	تعداد
۹۹/۹۹	۱/۹۶	۹/۸۰	۸۸/۲۳	درصد

پیشانی عریض قابل مقایسه با حد متوسط شکل اروپائیان است و در استخوان بیخ بینی فرورفتگی مختصر تا متوسط وجود دارد. برآمدگیهای فوق حدقه مختلف است و در مورد فرد حامی (شماره ۳۴۴۷) کوچک و در مورد فرد شماره ۳۴۱۲ (تصویر ۶۱ - شکل ۱ و ۲) بزرگ است ولی موارد فرد اخیر استثنائی است.

حداکثر عرض سر (۱۴۱/۵۵) و حداقل قطر پیشانی (۱۱۲/۷۸) را بطریق زیر میتوان جدول بندی کرد.

حد اقل قطر پیشانی

مجموع	x-۱۲۰	۱۱۹-۱۱۰	۱۰۹-۱۰۰	۹۹-x	عرض سر
تعداد /	تعداد /	تعداد /	تعداد /	تعداد /	
۲/۱۷	۱	۰	۲/۱۷	۱	۱۲۹-۱۲۰
۲۴/۷۲	۱۶	۰	۲۱/۷۰	۱۰	۱۳۹-۱۳۰
۶۰/۷۶	۲۸	۶/۵۱	۴۵/۵۷	۲۱	۱۴۹-۱۴۰
۲/۱۷	۱	۰	۲/۱۷	۱	x-۱۵۰
۹۹/۸۲	۴۶	۶/۵۱	۷۱/۶۱	۳۳	مجموع

قطر پیشانی باریک وجود ندارد و فقط يك سر خیلی باریک دیده میشود. يك سر (شماره ۳۴۱۰ تصویر ۸ - شکل ۱ و ۲ و تصویر ۴۹ - شکل ۱ و ۲) پیشانی عریض و سر خیلی پهن داشت اگر چه ۷۱/۶۱ در صد این گروه پیشانی عریض دارند فقط ۶۰/۷۶ در صد دارای سر پهن میباشند. بزرگترین طبقه واحد این جدول شامل بیست و يك مرد (۴۵/۵۷ درصد) است که هم سر عریض و هم پیشانی عریض دارند. از طرف دیگر در مقابل ۲۱/۷۰ درصد دارای پیشانی باریک میباشند ۳۴/۷۲ درصد سر باریک دارند. مردان یزد خواست سر عریض و قطر

پیشانی عریض و تمایل کلی کم به باریکی دارند.

اندازه های صورت = عرض فکین (۱۰۹/۵۸) که در سری بررسیهای ایران از همه عریضتر است و حداقل قطر پیشانی (۱۱۲/۷۸) بزرگ نتیجه اش صورت مربع شکل میشود. بنظر میرسد که عضلات فك سفلی نمو غیرعادی دارد (شماره ۳۴۱۹ - تصویر ۵۴ - شکل ۱ و ۲) بطور کلی پس سر برجستگی ندارد. گوش خوش شکل و بطرز عادی نزدیک سر قرار دارد اگر چه در چند مورد بطور قابل ملاحظه جلو آمده است (شماره ۳۴۴۸ - تصویر ۵۱ - شکل ۱ و ۲). اغلب افراد کلاه پهلوی بسر میگذارند که در شکل گوش تأثیری ندارد ولی تصور میرود قبل از صدور فرمان اخیر مربوط به کلاه عمامه و کلاه نمدی مرسوم بود و اکنون که فرمان مزبور لغو شده کلاه فرنگی جای آنرا خواهد گرفت. در زاویه گوش که متمایل به تقریباً عمودی است بجز در چند مورد مانند شماره ۳۴۳۹ (تصویر ۶۳ - شکل ۱ و ۲) تفاوت زیادی مشاهده نمیشود، جدائی پره گوش گاهی تقریباً نامعلوم است (شماره ۳۴۲۸ - تصویر ۶۰ - شکل ۱ و ۲).

بررسی عرض نسبی صورت اطلاعات زیر را آشکار میسازد.

عرض دو گونه

مجموع		x-۱۲۵		۱۲۴-۱۲۵		۱۲۴-x		طول کل صورت
/	تعداد	/	تعداد	/	تعداد	/	تعداد	
۱۵/۱۹	۷	۶/۵۱	۳	۸/۶۸	۴	۰	۰	x-۱۱۴
۵۲/۰۸	۲۴	۲۱/۷۰	۱۰	۳۰/۲۸	۱۴	۰	۰	۱۲۴-۱۱۵
۳۲/۵۵	۱۵	۱۹/۵۳	۹	۱۲/۰۲	۶	۰	۰	x-۱۲۵
۹۹/۸۲	۴۶	۴۷/۷۴	۲۲	۵۲/۰۸	۲۴	۰	۰	مجموع

حد متوسط عرض دو گونه ۱۳۴/۵۰ و حد متوسط طول کل صورت ۱۲۱/۰۰

میباشد.

جدول بالا نشان میدهد که افراد دارای عرض دو گونه باریک وجود ندارند ولی ۱۵/۱۹ درصد صورت کوتاه دارند. پانزده مرد (۳۲/۵۵ در صد) صورت دراز و نه نفر آنها دارای صورت عریض نیز هستند. بیست و چهار نفر

مردم شناسی جسمانی ایران - ۳۳۷

(۵۲/۰۸ درصد) طول کل صورتشان متوسط و تقریباً همان مقدار افراد دارای حداکثر عرض صورت متوسط میباشند. مردان یزدخواست دارای صورتی هستند که از لحاظ طول متوسط و متمایل به حد اکثر و حد وسط عرض میباشد و تعداد افراد سمت عریض جدول زیادتر است زیرا بیست و دو نفر (۴۷/۷۴ درصد) در طبقه عریض واقع میشوند.

طبق طبقه بندی سه گانه هاروارد بیست و چهار نفر (۵۲/۱۷ درصد) دارای صورت باریک و فقط پنج نفر (۱۰/۸۷ درصد) دارای صورت پهن میباشند .

تناسب عمودی صورت از جدول زیر بدست می آید.

طول قسمت علیای صورت

طول کل صورت	۶۳-۵۸		۶۹-۶۴		۷۵-۷۰		۷۶-۷۱		مجموع
	تعداد	٪	تعداد	٪	تعداد	٪	تعداد	٪	
۱۰۹-۸۴	۲	۴/۳۴	۱	۲/۱۷	۰	-	۰	۰	۷۵۱
۱۱۹-۱۱۰	۴	۸/۶۸	۱۲	۲۶/۰۴	۵	۱۰/۸۵	۰	۰	۴۵/۵۷
۱۲۹-۱۲۰	۰	۰	۳	۶/۵۱	۹	۱۹/۵۳	۲	۴/۳۴	۳۰/۳۸
۱۳۰-۱۲۰	۰	۰	۰	۰	۳	۶/۵۱	۵	۱۰/۸۵	۱۷/۳۶
مجموع	۶	۱۲/۰۲	۱۶	۳۴/۷۲	۱۷	۳۶/۸۹	۷	۱۵/۱۹	۹۹/۸۲

باز کوتاهی طول کل صورت در این گروه مشاهده میشود . شش نفر (۱۳/۰۲ درصد) قسمت علیای صورتشان کوتاه و سه نفر طول کل صورتشان کوتاه است. هشت نفر (۱۷/۳۶ درصد) از لحاظ طول قسمت علیا و قسمت سفلی صورت حد وسط هستند. طول کل صورت طبعاً در اثر تقلیل طول قسمت علیای صورت تغییر میکند و این امر ظاهراً در میان مردان یزدخواست وجود داشته زیرا اگر چه ارتفاع کل صورت برای سری بررسی های ایران کم است شاخص نسبی صورت (۵۷/۵) پائین تر از شاخص سه گروه دیگر (یعنی لرها ۶۲/۱ و اهالی کناره ۵۸/۶ و یهودیها ۵۸/۶) میباشد. افراد در دو انتهای جدول یعنی دراز و کوتاه در اندازه ها مسئول تمایل کوتاهی قسمت علیای صورت که از شاخص مشاهده میشود میباشند. پنج نفر (۱۰/۸۵ درصد) دارای صورت گوسفند شکل میباشند.

بطور کلی طول قسمت علیای صورت و طول کل صورت بطور اعتدال کوتاه است. بینی درسی مورد (۶۵/۲۲ درصد) باریک (X-۶۷/۴) و درمورد دوفرد (۴/۳۵ درصد) پهن است (طبق طبقه بندی هاروارد). در این گروه حد متوسط طول بینی ۵۱/۲۲ و عرض آن ۳۲/۸۴ است، وقتی اندازه ها جدول بندی شود بصورت زیر درمی آید.

عرض بینی

طول بینی	۲۹-X		۲۵-۳۰		۴۱-۴۶		X-۴۲		مجموع	
	تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%
۴۹-X	۱	۲/۱۷	۱۱	۲۲/۸۲	۳	۶/۵۱	۰	۰	۱۵	۳۲/۵۵
۵۹-۵۰	۵	۱۰/۸۵	۱۵	۳۲/۵۵	۷	۱۵/۱۹	۰	۰	۲۷	۵۸/۵۹
X-۶۰	۱	۲/۱۷	۱	۲/۱۷	۲	۴/۳۴	۰	۰	۴	۸/۶۸
مجموع	۷	۱۵/۱۹	۲۷	۵۸/۵۹	۱۲	۲۵/۵۲	۰	۰	۴۶	۹۹/۸۲

این جدول نشان میدهد که افراد خیلی بینی پهنی در میان آنها وجود ندارند و فقط هفت نفر (۱۵/۱۹ درصد) در طبقه خیلی بینی باریک هستند. ۴ نفر (۸/۶۸ درصد) بینی دراز (X-۶۰) دارند. بیست و هفت نفر (۵۸/۵۹ درصد) دارای بینی بطول متوسط و بهمان تعداد بینی از لحاظ عرض متوسط دارند. مردان یزدخواست بینی متوسط تا کوتاه از حیث طول و متوسط تا باریک از لحاظ عرض دارند.

بررسی تصویری

بررسی عکسها نشان میدهد که این ده نشینان هم از جلو و هم از نیمرخ دارای خصوصیات مردم قسمت شرقی جنوب غربی آسیا میباشند. بجز چند مورد استثنائی بطور وضوح با مردم نژاد عرب عراق فرق دارند و نیز شباهتی به کردها و ترکمنها و آسوریها و یزیدیهای کردستان ندارند. در حال حاضر در یزدخواست عناصر نژاد یا نژادهای اساسی و اولیه وجود دارد که با مردمان مدیترانه و نوردیک و حامی و ارمنی و آلبی مخلوط شده اند.

بطور کلی این ده نشینان بیش از گروههای دیگری که در جنوب غربی

آسیامورد بررسی قرار گرفتند قابل تقسیم بندی و طبقه بندی می باشند. بررسیهای تصویری طبقه بندیهای اختیاری زیر را آشکار میسازد.

شماره افراد	گروه
۳۴۴۶، ۳۴۴۳	۱- مدیترانه خالص
۳۴۲۴، ۳۴۲۱، ۳۴۱۳، ۳۴۱۲، ۳۴۱۱ } ۳۴۵۲، ۳۴۴۹، ۳۴۳۶، ۳۴۲۸ }	۲- مدیترانه و مختصر اختلاط بانژاد آلبی و ارمنی و غیره
۳۴۲۵، ۳۴۲۳، ۳۴۲۰، ۳۴۱۸، ۳۴۱۴	۳- اتلانتیک و مدیترانه یا نوع
۳۴۴۴، ۳۴۳۹، ۳۴۳۷، ۳۴۳۳، ۳۴۳۰	نوردیک نما با بینی عقابیی ایرانی
۳۴۵۴	
	۴- نوع آلپ نما
۳۴۵۵، ۳۴۱۹	الف - نسبتاً خالص
۳۴۵۳، ۳۴۵۱، ۳۴۳۲، ۳۴۱۰	ب - نوع یا صورت پهن دیگر
۳۴۴۸، ۳۴۴۰، ۳۴۲۲، ۳۴۱۷، ۳۴۰۹	۵- نوع ارمنی و اناطولی
۳۴۴۷	۶- نوع حامی
۳۴۴۲	۷- نوع سیاه پوست

نوع مدیترانه تا حدی باریک و دارای پیشانی مدور و پس سر برآمده و صورت بیضی شکل صاف و بینی صاف و چانه نوک تیز دارای برجستگی متوسط می باشد. رجوع شود به فرد شماره ۳۴۴۳ (تصویر ۱- شکل ۱ و ۲ و تصویر ۶۲- شکل ۱ و ۲) و فرد شماره ۳۴۴۶.

نوع دیگر دارای صورت دراز و بینی بزرگ غالباً محدب است. بطور کلی از حیث ظاهر تقریباً شبیه نوع اروپائی شمالی است بجز از لحاظ رنگ و تا حدی مطابقت دارد بانوع اتلانتیک و مدیترانه که دنیکر Deniker شرح داده است (ص ۵۲۰).

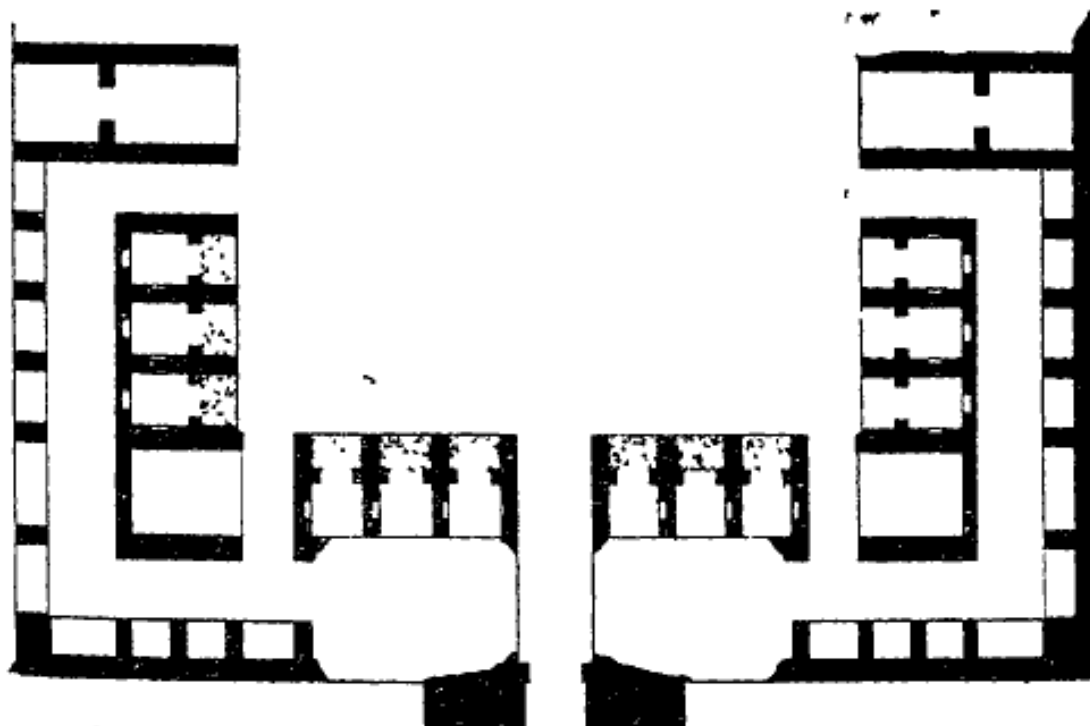
فرد شماره ۳۴۴۷ (تصویر ۹ - شکل ۲۵۱ و تصویر ۵۷ - شکل ۲۵۱) نوع حامی است و علائم و نشانه این نژاد در تمام مردم یزدخواست دیده میشود. بقیه عکسها نوع صورت بزرگ (گروه چهارم) و نوع صورت کوتاه (گروه دوم) و انواع اشکال مختلف بین این دورا آشکار میسازد.

فرد شماره ۳۴۴۲ آثار قطعی خون نژاد سیاهپوست داشت و بهمین جهت ازسری حذف شد .

فرد شماره ۳۴۲۶ که سنوی متجاوز از ۸۲ سال بود از معدلها حذف گردید .

پس از پایان اقامت و مسافرت یزدخواست بسمت جنوب رو به تخت جمشید حرکت کردیم .

جاده یزدخواست از تپه شیب‌داری بین قبرستان و تپه حصار مانند بلندی که شهر کهنه برفراز آن ساخته شده میگذرد . در دره بین جاده و قبرستان غارهای متعددی دیده میشود که سقف آنها ازدود سیاه شده و نشانه آن است که کسانی در آنها زندگی میکردند اند اگرچه اکنون فقط مورد استفاده شبانان است که در گرمای وسط روز و سرمای شب زمستان بآنجا پناه می‌آورند . روی دیوار غارها نقوشی کشیده شده ولی نوشته یا کتیبه که قابل ملاحظه باشد یافت نشد . سطح خشن سنگ قابل حجاری و سنگ تراش نیست .



شکل ۱۶ - نقشه کروانسرای یزدخواست

آب مشروب شهر از چاههاییکه در بستر رودخانه قرار داد تأمین می‌شود . وقتی در امتداد دره بسمت مغرب نگاه کنیم در طرف چپ صخره‌هایی دیده میشود

که در حدود صدمتر از سطح رودخانه ارتفاع دارد قطعات بزرگه کلوخه که بوسیله عوامل زمین شناسی از صخره‌ها جدا شده در اطراف پراکنده است . اگرچه در یزدخواست آبیاری رسم نیست در دره غله کاشته میشود و ظاهراً خاک رسوبی نزدیک رودخانه حاصلخیز است .

در انتهای شهر بسمت جنوب جاده در دره عریضی از پل سنگی عظیمی گذشته به کاروانسرای میرسد (تصویر ۴۸ - شکل ۲۹۱) که در مقابل رودخانه قرار دارد.

طبقه بندی مردان یزدخواست

مجموع	قد			تعداد	درصد
	بلند	متوسط	کوتاه		
	($x-169/5$)	($169/4 - 160/6$)	($160/5 - x$)		
۴۶	۱۰	۲۴	۱۲		
۱۰۰/۰۰	۲۱/۷۴	۵۲/۱۷	۲۶/۰۹		

مجموع	شاخص سر			تعداد	درصد
	سر کوتاه	سر متوسط	سر دراز		
	($x-82/6$)	($82/5 - 76/6$)	($76/5 - x$)		
۴۶	۲	۷	۳۷		
۱۰۰/۰۰	۴/۳۵	۱۵/۲۲	۸۰/۴۳		

شاخص کل صورت

مجموع	صورت			تعداد	درصد
	صورت باریک	صورت متوسط	صورت پهن		
	($x-89/5$)	($89/4 - 84/6$)	($84/5 - x$)		
۴۶	۲۴	۱۷	۵		
۱۰۰/۰۰	۵۲/۱۷	۳۶/۹۶	۱۰/۸۷		

شاخص بینی

مجموع	بینی			تعداد	درصد
	بینی پهن	بینی متوسط	بینی باریک		
	($x-83/5$)	($83/4 - 77/5$)	($77/4 - x$)		
۴۶	۲	۱۴	۳۰		
۱۰۰/۰۰	۴/۳۵	۳۰/۴۳	۶۵/۲۲		

اندازه ها و شاخص های مردان نژاد خواست

C. V.	S. D.	میانگین	حدود	تعداد	اندازه ها
$2/19 \pm 3/1/18$	$./83 \pm 1/1/80$	$1/17 \pm 37/80$	70-20	46	سن
$./24 \pm 3/39$	$./39 \pm 0/08$	$./00 \pm 164/79$	178-102	46	قد
$./31 \pm 4/41$	$./20 \pm 2/01$	$./30 \pm 79/66$	89-72	46	قد نشسته
$./24 \pm 3/41$	$./46 \pm 2/07$	$./60 \pm 192/01$	200-179	46	طول سر
$./27 \pm 3/90$	$./39 \pm 0/02$	$./00 \pm 141/00$	167-126	46	عرض سر
$./29 \pm 4/19$	$./33 \pm 4/72$	$./47 \pm 112/78$	128-100	46	حد اقل قطر پستیانی
$./26 \pm 3/70$	$./36 \pm 0/00$	$./00 \pm 134/00$	149-120	46	قطر دو گونه
$./38 \pm 0/37$	$./41 \pm 0/88$	$./08 \pm 109/08$	120-98	46	قطر دوفک
$./44 \pm 2/32$	$./04 \pm 7/60$	$./76 \pm 121/00$	139-100	46	طول کل صورت
$./61 \pm 8/69$	$./43 \pm 2/00$	$./60 \pm 69/60$	84-50	46	طول قسمت علیای صورت
$./76 \pm 10/78$	$./39 \pm 0/02$	$./00 \pm 01/22$	67-36	46	طول بینی
$./69 \pm 9/87$	$./23 \pm 2/24$	$./32 \pm 32/84$	42-20	46	عرض بینی

اندازه‌ها و شاخص‌ها... دنباله

C. V.	S.D.	میانگین	حدود	تعداد	اندازه‌ها
.۱۶۳ ± ۸/۹۹	.۲۷ ± ۵/۲۸	.۵۳ ± ۵۸/۷۰	۷۱-۴۴	۴۶	طول گوش
.۱۵۹ ± ۸/۳۴	.۲۱ ± ۲/۹۷	.۳۰ ± ۳۵/۶۱	۴۶-۳۲	۴۶	عرض گوش
شاخص‌ها					
.۲۶ ± ۳/۷۰	.۱۳ ± ۱/۷۸	.۱۸ ± ۴۸/۱۶	۵۱-۴۰	۴۶	قد نشسته نسبی
.۴۱ ± ۵/۷۶	.۳۰ ± ۴/۲۳	.۴۲ ± ۷۳/۵۰	۸۸-۶۵	۴۶	سر
.۲۸ ± ۳/۹۸	.۲۲ ± ۳/۱۸	.۲۲ ± ۷۹/۹۹	۸۹-۶۹	۴۶	پیشانی و فرق
.۲۳ ± ۳/۳۳	.۲۰ ± ۲/۸۰	.۲۸ ± ۸۴/۱۰	۹۵-۷۶	۴۶	گونه و پیشانی
.۲۹ ± ۴/۰۶	.۲۲ ± ۲/۳۰	.۳۳ ± ۸۱/۲۸	۸۹-۷۵	۴۶	گونه و فک
.۳۸ ± ۵/۴۴	.۳۴ ± ۴/۹۰	.۴۹ ± ۹۰/۱۵	۱۰۴-۸۰	۴۶	صورت
.۶۴ ± ۹/۰۹	.۳۳ ± ۴/۷۱	.۴۷ ± ۵۱/۸۳	۶۶-۴۰	۴۶	قسمت علیای صورت
.۱۰۱ ± ۱۴/۴۲	.۶۶ ± ۹/۳۲	.۹۳ ± ۶۴/۶۲	۹۱-۴۸	۴۶	بینی
.۷۹ ± ۱۱/۲۹	.۴۹ ± ۷/۰۰	.۷۰ ± ۶۱/۹۸	۸۰-۴۹	۴۶	گوش

ده نشینان یزد خوشاست - اندازه ها

عرض پینی	طول پینی	طول قسمت علیای صورت	طول صورت	عرض فکین	حداقل			طول بین برآمدگی پیشانی و پس سر	قد نشسته	قد	سن	شماره
					عرض دوگانه	قطر پیشانی	عرض سر					
۳۱	۵۴	۶۸	۱۲۲	۱۰۹	۱۳۷	۱۱۴	۱۴۶	۲۰۰	۸۳۷	۱۷۲/۲	۲۸	۳۴۰۸
۳۱	۵۰	۷۱	۱۱۹	۱۱۲	۱۳۰	۱۰۷	۱۳۸	۱۹۵	۷۹۷	۶۱/۷	۳۷	۳۴۰۹
۳۲	۴۵	۶۵	۱۱۹	۱۱۲	۱۳۳	۱۱۴	۱۶۶	۱۹۸	۸۳۵	۱۷۲/۴	۲۳	۳۴۱۰
۳۰	۵۱	۷۰	۱۱۷	۱۱۲	۱۳۴	۱۱۵	۱۳۹	۱۹۴	۸۲۸	۶۵/۵	۲۷	۳۴۱۱
۳۱	۵۱	۷۲	۱۲۴	۱۱۹	۱۳۸	۱۱۷	۱۴۳	۱۹۵	۷۵۷	۱۶۵/۰	۴۰	۳۴۱۲
۳۵	۴۷	۶۵	۱۱۶	۱۰۵	۱۳۴	۱۱۵	۱۴۳	۱۸۸	۷۶۵	۱۶۳/۰	۴۵	۳۴۱۳
۳۱	۶۴	۷۲	۱۱۷	۱۰۶	۱۳۷	۱۱۰	۱۴۳	۱۸۶	۷۵۰	۱۵۵/۳	۷۰	۳۴۱۴
۳۱	۵۴	۷۰	۱۳۱	۱۱۹	۱۴۱	۱۱۶	۱۴۳	۱۹۰	۷۸۴	۱۶۰/۶	۳۰	۳۴۱۵
۳۷	۴۸	۶۷	۱۱۴	۱۱۱	۱۴۲	۱۱۸	۱۴۲	۱۸۸	۷۹۶	۱۷۲/۰	۳۲	۳۴۱۶
۳۳	۴۹	۶۸	۱۲۲	۱۰۸	۱۳۴	۱۱۷	۱۴۲	۱۸۸	۸۴۰	۱۶۴/۰	۲۳	۳۴۱۷
۳۳	۵۳	۷۱	۱۲۹	۱۱۶	۱۳۹	۱۱۲	۱۴۲	۱۹۸	۸۰۹	۱۷۱/۵	۶۰	۳۴۱۸
۳۴	۴۱	۶۳	۱۰۸	۱۱۲	۱۳۲	۱۱۲	۱۴۲	۱۹۴	۸۰۴	۱۶۶/۸	۳۰	۳۴۱۹
۳۲	۵۲	۷۱	۱۲۸	۱۱۴	۱۳۷	۱۱۲	۱۴۲	۱۹۱	۸۸۶	۱۷۲/۵	۶۰	۳۴۲۰

ده نشینان بزرگو است - شاخص‌ها

شماره و پیشانی	موج	فکین	مخوش	پینی	قسمت		سر	قد نشسته	عرض	طول	شمار
					علیای	صورت					
					صورت	پیشانی و آهیا له		نسبی	مخوش	مخوش	
۸۳/۲	۷۹/۶	۶۰/۳	۶۶/۷	۴۹/۶	۸۹/۱	۷۸/۱	۷۳/۰	۴۸/۶	۳۸	۶۳	۳۴۰
۸۲/۳	۸۶/۲	۷۴/۰	۶۲/۰	۵۴/۶	۹۱/۵	۷۸/۳	۶۹/۹	۴۹/۳	۳۷	۵۰	۳۴۰
۸۵/۷	۸۴/۲	۵۸/۲	۷۱/۱	۴۸/۹	۸۹/۵	۶۸/۷	۸۳/۴	۴۸/۴	۳۳	۵۶	۳۴۱
۸۵/۸	۸۳/۶	۶۶/۷	۵۸/۸	۵۲/۲	۸۷/۳	۸۲/۷	۷۱/۱	۵۰/۰	۳۶	۵۴	۳۴۱
۸۴/۸	۸۶/۲	۷۱/۷	۷۰/۶	۵۲/۲	۸۹/۹	۸۱/۸	۷۳/۳	۴۵/۱	۳۸	۵۳	۳۴۱
۸۵/۸	۷۸/۴	۶۳/۶	۷۴/۵	۴۸/۵	۸۶/۶	۸۰/۴	۷۶/۱	۴۶/۱	۳۵	۵۵	۳۴۱
۸۰/۳	۷۷/۴	۵۴/۹	۵۶/۳	۵۲/۶	۸۵/۴	۷۶/۹	۷۶/۹	۴۸/۱	۳۹	۷۱	۳۴۱
۸۲/۳	۸۴/۴	۵۰/۰	۶۶/۷	۳/۴	۹۲/۹	۸۱/۱	۷۵/۳	۴۸/۱	۳۱	۶۲	۳۴۱
۸۳/۱	۷۸/۲	۶۹/۸	۷۷/۱	۴۷/۲	۸۰/۳	۸۳/۱	۷۵/۰	۴۶/۱	۳۷	۵۳	۳۴۱
۸۷/۳	۸۰/۶	۶۱/۱	۶۷/۴	۵۰/۸	۹۱/۰	۸۲/۴	۷۵/۵	۵۱/۱	۳۳	۵۴	۳۴۱
۸۰/۶	۸۳/۴	۶۴/۵	۶۲/۳	۵۱/۱	۹۲/۸	۷۸/۹	۷۱/۷	۴۷/۱	۴۰	۶۲	۳۴۱
۸۴/۹	۸۴/۹	۶۲/۵	۸۲/۹	۴۷/۷	۸۱/۸	۷۸/۹	۷۰/۷	۴۸/۱	۳۵	۵۶	۳۴۱
	۸۳/۱	۶	۶۱/۵	۵۱/۸	۹۳/۴	۷۸/۹	۷۴/۴		۴۱	۶۷	۳۴۲

اندازه ها

حوض پیشی	طول پیشی	طول قسمت		عرض فکین	عرض دوگوشه	حداقل		عرض سر و پش سر	طول بین برآمدگی پیشانی و پش سر	قد			
		علیای صورت	طول صورت			قطر پیشانی	عرض سر						
۳۲	۴۷	۶۳	۱۱۳	۱۰۸	۱۳۶	۱۱۸	۱۴۱	۱۹۴	۸۱۰	۶۲/۴	۳۰	۳۴۲۱	
۳۲	۴۵	۶۵	۱۰۹	۱۰۴	۱۳۶	۱۰۷	۱۴۱	۱۸۲	۷۷۶	۶۶/۳	۲۷	۳۴۲۲	
۳۷	۵۳	۶۸	۱۲۲	۱۰۷	۱۴۳	۱۲۰	۱۴۱	۲۰۵	۸۵۳	۷۶/۵	۴۰	۳۴۲۳	
۳۶	۵۰	۷۰	۱۲۲	۷	۱۳۸	۱۱۳	۱۴۰	۱۹۲	۷۹۵	۵۹/۰	۳۳	۳۴۲۴	
۳۴	۵۴	۶۸	۱۱۷	۱۴	۱۲۹	۱۰۸	۱۴۰	۱۸۳	۷۵۴	۵۶/۰	۶۰	۳۴۲۵	
۳۷	۵۶	۷۱	۱۱۵	۰۸	۱۴۰	۱۱۲	۱۳۱	۱۹۱	۷۷۲	۵۷/۷	۸۲	۳۴۲۶*	
۲۷	۵۲	۶۹	۱۱۲	۰۳	۱۲۹	۱۱۱	۱۲۸	۱۹۰	۷۶۴	۵۷/۹	۳۲	۳۴۲۷	
۲۸	۵۳	۷۳	۱۲۹	۱۵	۱۳۳	۱۱۵	۱۴۴	۱۹۵	۷۷۲	۶۰/۴	۴۰	۳۴۲۸	
۳۷	۶۰	۷۳	۱۱۸	۱۸	۱۳۲	۱۱۵	۱۴۴	۱۹۷	۷۸۶	۶۷/۳	۶۰	۳۴۲۹	
۳۲	۵۸	۷۹	۱۳۲	۰۷	۱۳۴	۱۰۸	۱۴۴	۱۹۳	۸۱۵	۷۳/۸	۴۰	۳۴۳۰	
۳۰	۴۳	۶۲	۱۱۷	۰۷	۱۳۷	۱۱۲	۱۴۵	۱۸۶	۷۶۳	۶۰/۰	۳۷	۳۴۳۱	
۴۰	۴۹	۶۹	۱۱۵	۰۷	۱۳۶	۱۱۹	۱۴۵	۱۹۲	۸۱۲	۷۱/۶	۳۵	۳۴۳۲	
۳۳	۵۴	۷۳	۱۲۸	۰۷	۱۴۱	۱۱۷	۱۴۵	۲۰۱	۸۴۴	۷۱/۵	۵۲	۳۴۳۳	

شاخص ها

شماره	طول گوش	عرض گوش	قد نشسته	پیشانی	صورت	قسمت	عبارت صورت	پیشانی	گوش	گولاله	گوجه
۳۴۳۳	۸۶	۸۷	۸/۹/۳	۷۵	۳۷	۱۵	۱/۱/۶	۸/۲/۱	۸/۵/۲	۷۵	۱/۸/۷
۳۴۳۲	۷۳	۸۱	۸/۷/۳	۵۸	۳۷	۰۰	۶/۱/۷	۷/۷/۲	۷/۷/۱	۷۸	۱/۸/۷
۳۴۳۱	۵۵	۷۸	۸/۷/۷	۷۷	۵۵	۰۳	۷/۹/۸	۶/۹/۱	۶/۹/۱	۷۸	۷/۱/۸
۳۴۳۰	۶۰	۳۲	۸/۶/۹	۱۳۱	۹۸	۷۵	۸/۵/۲	۸/۲/۳	۸/۲/۳	۷۹	۸۰/۰
۳۴۲۹	۶۶	۳۷	۸/۶/۳	۷۳	۸۹	۱۵۵	۸/۱/۷	۶/۳/۶	۶/۳/۶	۸۹	۱/۸/۷
۳۴۲۸	۷۵	۳۹	۱/۸/۱	۱۳۱	۹۷	۱۳۵	۷/۱/۵	۶/۷/۲	۶/۷/۲	۸۶	۸۶/۵
۳۴۲۷	۳۵	۳۳	۳/۸/۴	۸۸	۸۶	۱۸۵	۵/۱/۹	۷/۷/۸	۷/۷/۸	۷۹	۱/۶/۷
۳۴۲۶	۵۹	۳۷	۵/۸/۹	۶۸/۶	۱۸۲	۱۰۰	۱/۶/۱	۸/۲/۷	۸/۲/۷	۷۷	۸۰/۰
۳۴۲۵	۶۲	۷۸	۸/۷/۳	۷۶	۱۰۰	۱۸۵	۰/۶/۰	۶/۱/۳	۶/۱/۳	۸۸	۸/۸/۷
۳۴۲۴	۷۵	۳۱	۰/۰/۰	۷۲	۸۸	۱۰۰	۰/۱/۰	۵/۳/۵	۵/۳/۵	۱۳۷	۸۱/۱/۹
۳۴۲۳	۶۶	۷۸	۸/۷/۳	۷۸	۱۵۵	۱۷۳	۷/۶/۸	۱/۶/۱	۱/۶/۱	۱۳۴	۵/۸/۹
۳۴۲۲	۵۷	۳۳	۶/۶/۶	۷۲	۱۰۷	۱۷۱	۱/۱/۱	۵/۷/۹	۵/۷/۹	۷۶	۸/۸/۷
۳۴۲۱	۵۳	۳۶	۵/۹/۹	۷۷	۸۳	۱۸۳	۱/۶/۱	۶/۷/۹	۶/۷/۹	۷۹	۷/۰/۸

اندازه‌ها

عرض پیشی	طول پیشی	طول قیمت علیای صورت	طول صورت	عرض فکین	عرض دورگوه	مداخل		عرض سر	طول بین پیشانی و پس سر	قدنشته	قد		
						قطر پیشانی	عرض سر						
۳۱	۵۲	۷۶	۱۳۰	۱۶	۱۴۰	۱۱۶	۱۴۵	۲۰۴	۸۱۰	۱۶۵	۲۲	۳۴۳۴	
۳۹	۳۸	۵۴	۱۱۵	۰۷	۱۳۳	۰۱۸	۱۴۵	۱۸۵	۷۹۷	۱۶۱/۴	۳۵	۳۴۳۵	
۳۱	۴۸	۶۴	۱۱۹	۰۷	۱۳۶	۱۲۶	۱۴۶	۱۸۳	۷۵۵	۱۵۸/۳	۲۵	۳۴۳۶	
۳۰	۵۲	۷۱	۱۲۵	۲۲	۱۴۱	۱۲۰	۱۴۶	۱۹۱	۷۷۰	۱۶۲/۵	۴۲	۳۴۳۷	
۳۱	۴۵	۶۲	۱۱۸	۰۴	۱۳۶	۱۱۵	۱۴۷	۱۸۲	۶۵۷	۱۵۹/۷	۳۲	۳۴۳۸	
۲۹	۶۱	۸۰	۳۶	۱۶	۱۴۱	۱۱۷	۱۴۷	۲۰۴	۸۳۲	۱۶۷/۳	۵۰	۳۴۳۹	
۳۹	۵۰	۷۴	۲۶	۱۲۴	۱۴۸	۱۱۸	۱۴۹	۱۹۱	۸۶۴	۱۷۶/۳	۳۴	۳۴۴۰	
۳۴	۴۶	۶۷	۱۷	۰۷	۱۲۸	۱۰۸	۱۴۵	۱۹۲	۷۷۰	۱۵۹/۳	۵۰	۳۴۴۱	
۳۷	۴۳	۶۲	۱۴	۹۷	۱۲۳	۱۰۹	۱۴۵	۱۷۳	۷۱۸	۱۴۶/۷	۵۰	۳۴۴۲	
۳	۵۴	۶۷	۱۸	۰۵	۱۳۰	۱۱۰	۱۳۶	۱۹۵	۷۷۵	۱۶۴/۴	۴۵	۳۴۴۳	
۳	۵۰	۶۵	۱۵	۹۸	۱۲۷	۱۰۷	۱۳۶	۱۸۲	۷۵۲	۱۵۵/	۲۵	۳۴۴۴	
۲۱	۵۰	۶۴	۱۳	۱	۱۲۸	۱۰۷	۱۳۶	۱۸۳	۷۶۳	۱۵۲/	۳۳	۳۴۴۵	
۳۱	۵۴	۷۳	۲۳	۵	۱۳۲	۱۱۳	۱۳۷	۱۹۸	۸۱۰	۱۶۷/	۳۵	۳۴۴۶	

شاخص‌ها

گروه و پیشانی	گروه و فکین	گوش	بسی	فمت علیای صورت	صورت	پیشانی و آهانه	عرض	طول گوش	هندسه بسی	عرض گوش	طول گوش	
۸۲/۹	۸۲/۹	۶۳/۲	۶۵/۴	۴/۳	۹۲/۹	۸۰/۰	۷۸/۱	۴۹/۰	۴۹/۰	۳۶	۵۷	۳۴۳۴
۸۱/۲	۸۰/۵	۵۵/۴	۸۴/۲	۰/۶	۸۶/۵	۷۴/۵	۷۸/۱	۴۹/۴	۴۹/۴	۳۱	۵۶	۳۴۳۵
۹۲/۷	۷۸/۷	۶۳/۲	۶۴/۶	۴۷/۱	۸۷/۵	۸۶/۳	۷۹/۱	۴۷/۶	۴۷/۶	۳۶	۵۷	۳۴۳۶
۸۵/۱	۸۶/۵	۵۷/۶	۵۷/۷	۵۰/۴	۹۵/۷	۸۲/۲	۷۶/۱	۴۷/۴	۴۷/۴	۳۴	۵۹	۳۴۳۷
۸۴/۶	۷۶/۵	۶۲/۱	۵۸/۹	۴۵/۶	۸۶/۸	۷۸/۲	۸۶/۱	۴۱/۱	۴۱/۱	۳۶	۵۸	۳۴۳۸
۸۳/۰	۸۲/۳	۵۹/۴	۴۷/۵	۵۶	۹۶/۵	۷۹/۶	۷۲/۱	۴۹/۷	۴۹/۷	۳۸	۶۴	۳۴۳۹
۷۹/۷	۸۳/۸	۶۲/۵	۷۸/۰	۵۰/۱	۸۵/۹	۷۹/۲	۷۸/۱	۴۹/۰	۴۹/۰	۴۰	۶۴	۳۴۴۰
۳۴/۴	۸۳/۶	۶۰/۰	۷۳/۹	۵۲	۹۱/۴	۸۰/۰	۷۰/۱	۴۸/۳	۴۸/۳	۳۶	۶۰	۳۴۴۱
۸۸/۶	۷۸/۹	۶۱/۱	۸۶/۱	۵۰	۹۲/۷	۸۰/۷	۷۸/۱	۴۸/۹	۴۸/۹	۳۳	۵۴	۳۴۴۲
۸۴/۶	۸۰/۸	۵۸/۳	۵۷/۴	۵۱	۹۰/۸	۸۰/۹	۶۹/۱	۴۷/۱	۴۷/۱	۳۵	۶۰	۳۴۴۳
۸۳/۳	۷۷/۲	۷۵/۶	۶۰/۰	۵۱	۹۰/۶	۷۷/۹	۷۴/۱	۴۸/۵	۴۸/۵	۳۴	۴۵	۳۴۴۴
۸۳/۶	۷۸/۹	۶۹/۴	۵۶/۰	۵۰	۸۸/۳	۷۸/۹	۷۳/۱	۵۰/۱	۵۰/۱	۳۴	۴۹	۳۴۴۵
۸۵/۶	۷۹/۶	۶۰/۷	۶۳/۸	۵۵			۶۹/۱	۳۸/۴	۳۸/۴	۳۴	۵۶	۳۴۴۶

اندازه‌ها

عرض پیشی	طول پیشی	طول قسمت علیای صورت	طول صورت	عرض فکین	عرض دو گوشه	حداقل قطر پیشانی	عرض سر	طول بین برآمدگی پیشانی و پس سر	قد نسته	قد	سن	شماره
۳۲	۵۸	۸۰	۱۳۳	۱۰۳	۱۲۸	۱۱۲	۱۳۷	۱۹۸	۸۳۶	۱۶۸/۰	۳۳	۳۴۴۷
۳۵	۶۱	۸۰	۱۲۸	۱۰۲	۱۲۶	۱۰۵	۱۳۷	۱۷۹	۷۸۶	۱۶۱/۴	۲۵	۳۴۴۸
۳۰	۵۵	۷۶	۱۲۳	۱۰۵	۱۲۹	۱۱۲	۱۳۷	۱۹۲	۷۷۵	۱۵۸/۴	۳۰	۳۴۴۹
۳۳	۵۰	۷۵	۱۲۵	۱۰۸	۱۳۳	۱۱۲	۱۳۷	۲۰۳	۸۰۳	۱۶۷/۰	۳۰	۳۴۵۰
۳۶	۵۲	۷۲	۱۳۱	۱۱۳	۱۳۹	۱۱۴	۱۳۸	۱۹۵	۸۲۸	۱۶۶/۲	۲۵	۳۴۵۱
۲۹	۵۴	۷۲	۱۱۷	۱۰۷	۱۳۱	۱۱۱	۱۳۸	۱۹۶	۷۷۲	۱۶۵/۵	۴۰	۳۴۵۲
۳۹	۴۴	۶۴	۱۱۹	۱۰۷	۱۳۵	۱۰۸	۱۳۸	۱۹۷	۷۶۷	۱۶۸/۵	۲۷	۳۴۵۳
۲۸	۵۶	۷۸	۱۳۰	۱۱۰	۱۳۴	۱۱۲	۱۳۸	۱۹۸	۸۲۱	۱۶۶/۰	۲۵	۳۴۵۴
۲۸	۴۷	۶۱	۱۰۷	۱۰۴	۱۳۲	۱۱۲	۱۳۸	۱۷۹	۷۷۰	۱۶۷/۰	۳۰	۳۴۵۵

* بعلت سن حذف شد.

** شماره ۳۴۴۲ تقریباً سیاه پوست خالص بود لذا از همه متوسطها و جدولها حذف شد.

شاخص‌ها

شماره	طول گوش	عرض گوش	فرد نسبته نسبی	سر	پیشانی و آهپانه	صورت	قسمت		گوش	گوشه و پیشانی
							علیای صورت	پیشانی و گوش		
۳۴۴۷	۶۳	۳۷	۴۹/۷	۶۹/۲	۸۱/۸	۱۰۳/۹	۶۲/۵	۵۵/۲	۵۸/۷	۸۰/۵
۳۴۴۸	۶۱	۳۱	۴۸/۷	۷۵/۹	۷۶/۶	۱۰۱/۶	۶۳/۵	۵۷/۴	۵۰/۸	۸۱/۰
۳۴۴۹	۶۰	۳۷	۴۸/۹	۷۰/۰	۸۱/۸	۹۵/۴	۵۸/۹	۵۴/۶	۶۱/۷	۸۱/۴
۳۴۵۰	۵۷	۳۳	۴۸/۱	۶۷/۴	۸۱/۸	۹۴/۰	۵۶/۴	۵۶/۰	۵۷/۹	۸۱/۲
۳۴۵۱	۶۳	۳۴	۴۹/۸	۷۰/۰	۸۲/۶	۹۴/۲	۵۱/۸	۶۹/۲	۵۴/۰	۸۱/۳
۳۴۵۲	۶۴	۳۵	۴۶/۶	۷۰/۴	۸۰/۴	۸۹/۳	۵۵/۰	۵۳/۷	۵۳/۷	۸۱/۷
۳۴۵۳	۵۹	۳۴	۴۵/۵	۷۰/۰	۷۸/۳	۸۸/۲	۴۷/۴	۸۸/۶	۵۷/۶	۷۹/۳
۳۴۵۴	۶۲	۳۵	۴۹/۴	۶۸/۷	۸۱/۲	۹۷/۰	۵۸/۲	۵۰/۰	۵۶/۵	۸۲/۱
۳۴۵۵	۶۲	۳۴	۴۶/۱	۷۷/۱	۸۱/۲	۸۱/۱	۴۶/۲	۵۹/۶	۵۴/۸	۷۸/۸

شماره	شکل	بافت	رنگ	رنگ	چشم	بوی	پره
۳۴۲۱	مجعد خیلی درشت	نرم	قهوه سیر	قهوه سیر	لک دار	یکنواخت	باز متوسط
۳۴۲۲	مجعد درشت	و	و	و	صاف	و	فشرده
۳۴۲۳	و	نرم متوسط	سیاه خاکستری	و	لک دار	حلقه دار	فشرده
۳۴۲۴	و	نرم	قهوه سیر	و	صاف	یکنواخت	باز متوسط
۳۴۲۵	و	خشن	خاکستری سیاه	و	و	و	فشرده متوسط
۳۴۲۶	و	نرم	سفید	و	خوبین	-	باز متوسط
۳۴۲۷	و	متوسط	قهوه سیر	و	صاف	یکنواخت	متوسط
۳۴۲۸	و	نرم	و	و	لک دار	و	فشرده
۳۴۲۹	و	و	خاکستری	و	خوبین	حلقه دار	باز متوسط
۳۴۳۰	و	نرم متوسط	قهوه سیر	و	صاف	یکنواخت	فشرده متوسط
۳۴۳۱	و	خشن	سیاه	و	و	و	متوسط
۳۴۳۲	و	نرم متوسط	و	و	و	و	باز
۳۴۳۳	مجعد خیلی درشت	و	خاکستری	و	و	و	باز- متوسط

خصوصیات شکل شناسی ده نشینان یزد خود است

پشمی	چشم				مو	شماره
	لیبرخ	سیاهی	سفید	رنگ		
پره	راست	یکتراخت	صاف	قهوه سیر	بافت نرم متوسط	۳۴۳۴
باز متوسط	و	و	و	سیاه	خشن	۳۴۳۵
متوسط	و	و	و	و	و	۳۴۳۶
متوسط	محدب	و	و	و	نرم متوسط	۳۴۳۷
فشرده	و	و	و	و	خشن متوسط	۳۴۳۸
متوسط	و	و	لک‌دار	و	و	۳۴۳۹
فشرده متوسط	و	و	و	قهوه سیر	متوسط	۳۴۴۰
باز متوسط	محدب-مقر	و	صاف	و	نرم	۳۴۴۱
متوسط	و	و	و	و	مجمددرشت	۳۴۴۲
باز متوسط	مقر	خط‌دار	لک‌دار	خاکستری	-	۳۴۴۳
فشرده متوسط	راست	یکتراخت	صاف	سیاه	خشن	۳۴۴۴
متوسط	محدب	و	و	و	نرم	۳۴۴۵
و	و	و	و	و	و	۳۴۴۶

پیشی		چشم		مو		شماره		
پره	لبریخ	سیاهی	سفیده	رنگ	رنگ	شکل		
متوسط	محدب	یکتواخت	صاف	قهوه سیر	قهوه سیر	نرم	مجدددرشت	۳۴۴۶
و	موجدار	و	و	و	سیاه	خشن	و	۳۴۴۷
فشرده متوسط	راست	و	لکدار	و	قهوه سیر	و	مجددخیلی درشت	۳۴۴۸
فشرده	و	و	صاف	و	و	نرم	مجدددرشت	۳۴۴۹
فشرده متوسط	محدب	و	و	و	و	و	و	۳۴۵۰
متوسط	راست	و	و	و	سیاه	و	و	۳۴۵۱
و	و	و	لکدار	و	قهوه سیر	نرم متوسط	و	۳۴۵۲
باز	مقعر	و	صاف	و	و	و	مجددخیلی درشت	۳۴۵۳
فشرده متوسط	راست	و	و	و	سیاه	خشن	مجدددرشت	۳۴۵۴
و	و	و	و	و	قهوه سیر	مجددخیلی درشت متوسط	مجددخیلی درشت	۳۴۵۵

این ساختمان که اصلا از زمان صفویه است در اوایل قرن گذشته توسط والی فارس تعمیر شد و هنوز خوب باقی مانده است (شکل ۱۶ نقشه کاروانسرا^۱ توسط ریچارد مارتین). در موقع سفر ما این ساختمان توسط اسمعیل جوادی رئیس شهر بانی محل اشغال شده بود و او در اطرافهای بالا زندگی راحتی داشت.

در مدخل کاروانسرا کتیبه‌ای است (تصویر ۴۶ - شکل ۲۵۱ و تصویر ۴۷) که دکتر ریچارد اتینکهاوزن آنرا مطالعه کرد و ترجمه و تفسیری از آن تهیه نموده است.

از روی پل جاده بسمت چپ می‌پیچد و از این نقطه قسمت شرقی شهر کهنه مثل دماغه کشتی بزرگی بنظر میرسد (تصویر ۴۲ - شکل ۱) که بالای دره قرار گرفته است. بند از پل تپه بزرگی است که شیب آن در نزدیکی قله تند است و در اینجا يك پیچ نیم دایره تند تلفات اتومبیلی زیادی وارد آورده است.

جاده فرسنگها از دشت شنزار صاف میگذرد. شرح مفصل مسافرت تا شیراز در ضمیمه ج داده شده است.

ده نشینان کناره

در ضمن سفر به تخت جمشید میل داشتیم يك سلسله آمارهای مردم شناسی از استان فارس بدست آوریم راه قریه کناره^۲ که در چهار میلی جنوب شرقی تخت جمشید قرار دارد از جاده اصفهان بشیراز بسمت راست می‌پیچد و راه باریک پیچ در پیچ تا حوالی قریه دارد، خود کناره در دشت وسیعی که دور آنرا کوه فرا گرفته قرار دارد و شبیه دهات و قراء متعددی میباشد که در این ناحیه پراکنده هستند دکتر هر تسفلد معتقد بود که جمعیت کناره نمونه مردم این قسمت فارس میباشد و چون تعدادی از آنها برای کار به تخت جمشید می‌آمدند مطالعه مردم شناسی و عمل آمار گیری در آنجا آسانتر از نقاط دیگر خواهد بود. در تاریخ ۳۰ و ۳۱ ماه اوت باتفاق آقای دونالد تا کون و مرحوم کارل برگز اعضای هیئت اکتشافی مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو بکناره رفته و مشغول کار شدیم. بعلت کمی وقت ممکن نشد اطلاعات آماری درباره جمعیت و تعداد خانه و وضع بهداشتی و مسائل دیگر کسب کنیم ولی ملاحظات

۱ - این نقشه در کتاب (بررسی صنایع ایران) تألیف آرتور پوپ بچاپ رسیده است

۲ - با کناره که بندرگز نیز نامیده میشود و نزدیک استرآباد است

و مشاهدات زیر را بعمل آوردیم .

این قریه از گل و خشت ساخته شده و تیرخانه‌ها از چوب محل است و سقفها از برك نخل و گل پوشیده شده است . قسمت عمده قریه متشکل است از کوچه‌های تنگ و باریك و پیچیده .

در بعضی موارد طبقات فوقانی ساختمانها كاملاً تا سمت مقابل كوچه كشيده شده است . خانه‌ها كه يك یا دو طبقه است كوچك و نامنظم است . در خانه‌ها و ساختمانهای مفصل‌تر حیاطی در وسط است و پلكانی به طبقه بالا منتهی میشود و در آنجا يك اطاق وجود دارد كه دارای اسباب و اثاثیه بهتر است و اطاق مهمانی و پذیرائی است . این بناها در معرض آتش‌سوزی نیست و نسبتاً از گرما و سرما و باد و شن محفوظ است . سیستم فاضل آب و گنداب وجود ندارد . آب بوسیله مشك از قنات محلی حمل می‌شود و تصور میکنم در آن نزدیکی جاه آب وجود داشته باشد .

مردم قریه از اینکه بوسیله كار كردن در حفريات تخت جمشید پول بدست می‌آورند خوشوقت هستند . شغل معمولی آنها كشاورزی است و فقط ما بحتاج اولیه خود را بدست می‌آورند زیرا زراعت آنها كاملاً متكي به سیستم آبیاری است . زارعین شلوار پارچه نخی و پیراهن نخی می‌پوشند و بعضی‌ها روی آن كت بلندی كه تا زانو میرسد بتن دارند . گاهی كت به سبك اروپائی نیز دیده میشود ولی اغلب كمائیکه ما دیدیم لباس پاره بتن داشتند . مردها كه قسمتی از سرشان تراشیده است كلاه پهلوی بسر داشتند .

در هر خانه يك كرسی وجود دارد و سایكس آنرا بدین طریق توصیف میکنند (۱۹۲۱ - جلد ۲ - صفحه ۲۹۱) . و چهار چوب كه در وسط اطاق قرار دارد و زیر آن منقل بازی گذاشته میشود . روی چهار چوب لحافی انداخته میشود و افراد فامیل زیر كرسی می‌نشینند و كار میکنند و می‌خوانند و آنرا همیشه گرم و راحت نگاه میدارند ولی گاهی اشخاص در اثر ذغال گیری خفه میشوند .

غذای ساده آنها عبارتست از نان و ماست و پنیر و تخم مرغ و سبزیجات . گوشت گران است و بندرت صرف میشود . مردها چبق و قلیان میکشند . حیوانات اهلی آنها عبارتست از الاغ و گاو و گوسفند و بز .

برای كسب اطلاع از وضع اجتماعی و طریقه اداره و رسیدگی باختلافات و تنبیه محرمین و مالیات و غیره خواننده بكتاب سایكس مراجعه داده میشود (۱۹۲۱ -

جلد ۲ - ص ۳۸۱ - ۳۹۳) در مورد بهداشت عمومی اهالی اطلاعاتی بدست نیامد.
سن = حدمتوسط سن هفتاد و چهار نفر مرد کنار ۳۷/۲۵ است. در حدود
۸۰ درصد این گروه از ۴۵ سال کمتر داشتند.

کثرت توزیع سن

سن	تعداد	درصد	سن	تعداد	درصد
۱۸ - ۱۹	۲	۲/۷۰	۴۵ - ۴۹	۴	۵/۴۱
۲۰ - ۲۴	۱۲	۱۶/۲۲	۵۰ - ۵۴	۵	۶/۷۵
۲۵ - ۲۹	۵	۶/۷۶	۵۵ - ۵۹	۳	۴/۰۵
۳۰ - ۳۴	۱۳	۱۷/۵۷	۶۰ - ۶۴	۲	۲/۷۰
۳۵ - ۳۹	۱۳	۱۷/۵۷	۶۵ - ۶۹	۱	۱/۳۵
۴۰ - ۴۴	۱۳	۱۷/۵۷	۷۰ - x	۱	۱/۳۵

خصوصیات شکل شناسی ده نشینان کنار

پوست = رنگ بطور کلی قهوه‌ای بود. در حالیکه اندکی تیره‌تر از
رنگ عرب معمولی عراق است شاید بیشتر شباهت دارد به پوست صورت بادخورده
عرب بدوی عربستان شمالی و صحرای سوریه. بطور انفرادی رنگ پوست از
قهوه‌ای روشن تا قهوه‌ای متوسط تاریک وجود دارد ولی رنگ قهوه‌ای تیره هیچوقت
آنقدر تاریک نیست که با سیاه پوست اشتباه شود. سه فرد یعنی شماره ۳۳۶۸ (تصویر
۱۲ - شکل ۳ و ۴ و تصویر ۹۳ - شکل ۳ و ۴) و ۳۳۸۳ (تصویر ۱۱ - شکل ۳ و ۴
و تصویر ۷۰ - شکل ۱ و ۲) و ۳۴۰۷ خیلی تیره بودند. دو نفر آخر برادر بودند
و پدرشان اهل حسین آباد بود. از لحاظ نوع بنظر می‌رسید با سایر افراد قریه فرق
داشته باشند.

مو = نود درصد افراد موی بلند مجعد داشته و تمایل کلی بر صافی مو بود.
از حیث نسج ۴۰ درصد موی نرم و پیچیده موی متوسط و عده خیلی موی خشن داشتند.
رنگ مو بین قهوه‌ای و مشکی (۶۰ درصد) بود. موی خاکستری بمیزان قابل
ملاحظه قبل از سن چهل بندرت دیده شد و گروه پنجاه ساله دارای موی کاملاً مشکی
یا قهوه‌ای تیره بودند. از سن پنجاه و پنج بی‌الاموی خاکستری دیده میشد.

مو					
رنگ	تعداد	درصد	شکل	تعداد	درصد
مشکی	۴۵	۶۳/۳۸	صاف	۰	-
قهوه‌ای خیلی تیره	۰	-	مجعد خیلی درشت	۲۰	۲۷/۰۳
قهوه‌ای تیره	۱۴	۱۹/۷۲	مجعد درشت	۴۹	۶۶/۲۲
قهوه‌ای	۱	۱/۴۰	مجعد ریز	۵	۶/۷۶
قهوه‌ای قرمز	۰	-	فری	۰	-
قهوه‌ای روشن	۰	-			
قرمز	۰	-	مجموع	۷۴	۱۰۰/۰۱
مشکی و خاکستری	۱۰	۱۴/۰۹	نج	تعداد	درصد
قهوه‌ای و خاکستری	۱	۱/۴۰	خشن	۷	۹/۷۲
قهوه‌ای روشن			خشن متوسط	۴	۵/۵۶
و خاکستری	۰	-	متوسط	۲۶	۳۶/۱۱
خاکستری	۰	-	متوسط نرم	۵	۶/۹۴
سفید	۰	-	نرم	۳۰	۴۱/۶۷
مجموع	۷۱	۹۹/۹۹	مجموع	۷۲	۱۰۰/۰۰

مقدار مو روی سر زیاد بود و تنها موارد کچلی نسبی یا در اثر کثرت سن و یا در اثر بیماری بوده است. دوفنر از افراد موی سر خود را با حنا رنگ کرده بودند و یک نفر آنها بعلت یک جشن محلی این کار را کرده بود. نمونه موی سر شصت و نه نفر گرفته شد. ریش اغلب افراد مشکی یا قهوه‌ای تیره با موی خاکستری در مورد پیرمردان بود. همه افراد بجز دوفنر سبیل داشتند - چهارده نفر باریش مختصر و هفت نفر باریش انبوه. موارد موی زیاد و غیر عادی بدن مشاهده نشد اگرچه فرد شماره ۳۳۸۷ (تصویر ۹۰ - شکل ۲۰۱) روی سینه موی زیاد داشت.

چشم = چشم اغلب افراد (۸۴ درصد) قهوه‌ای تیره و ۱۵ درصد چشم مخلوط و یک نفر یعنی فرد شماره ۳۳۸۷ چشم آبی داشت. اختلاف بین رنگ چشم از یک طرف و رنگ پوست و مواز طرف دیگر قابل ملاحظه است. یک عنصر بور در دسته اولی ظاهر بود.

چشم

درصد	تعداد	سیاهی	درصد	تعداد	رنگ
۷۹/۷۱	۵۵	یکنواخت	—	—	سیاه
۴/۳۵	۳	خط دار	۸۳/۷۹	۶۲	قهوه‌ای تیره
۱۵/۹۴	۱۱	حلقه دار	۱/۳۵	۱	آبی-قهوه
۱۰۰/۰۰	۶۹	مجموع	۶/۷۶	۵	سبز قهوه‌ای
			۲/۷۰	۲	قهوه‌ای - سبز
درصد	تعداد	سفیده	۴/۰۵	۳	خاکستری-قهوه‌ای
۷۸/۲۶	۵۴	صاف	۱/۳۵	۱	آبی
۲۰/۲۹	۱۴	لك دار	۰۰۰	۰	خاکستری
۰۰۰	۰	خونین	۰۰۰	۰	قهوه‌ای روشن
۱/۴۵	۱	لك دار و خونین	۰۰۰	۰	آبی - خاکستری
۱۰۰/۰۰	۶۹	مجموع	۰۰۰	۰	آبی - سبز
			۱۰۰/۰۰	۷۴	مجموع

چشم‌ها یا بهتر گفته شود شکاف چشم در اغلب موارد افقی است. اگر چه در مورد چین خارجی چشم مطالعه آماری صورت نگرفت ولی از روی عکسها مشاهده میشود که تعداد آن زیاد است.

هفتاد و هشت درصد سفیده چشم صاف و بقیه لك دار است. در هشتاد درصد افراد مورد مشاهده سیاهی چشم یکنواخت و در مورد بقیه تعداد افراد دارای سیاهی حلقه دار زیاد تر از سیاهی خط دار است. وضع کلی چشم‌ها نسبتاً خوب است ولی مانند همه ساکنین جنوب غربی آسیا امراض چشم زیاد است. سه مورد کوری چشم راست و چهار مورد کوری چشم چپ مشاهده شد. اگر چه دو نفر دارای آب مروارید بودند این مرض بندرت مشاهده شد. و به علاوه فرد شماره ۳۳۷۴ (تصویر ۷۳ - شکل ۴۳) لکه سیاهی در حاشیه خارجی چشم چپ داشت. فرد شماره ۳۴۰۱ يك لکه خاکستری روی عدسی چشم چپ داشت که مانع دید میشد. فرد شماره ۳۳۶۰ (تصویر ۸۶ - شکل ۲۰۱) و فرد شماره ۳۳۶۵ هر کدام چشم چپشان از خط خارج بود.

مردم شناسی جسمانی ایران - ۴۶۱

بینی = بینی‌ها از حیث اندازه متوسط و در حدود نیمی از آنها محدب و بیش از یک سوم راست بود شصت درصد پره‌های بینی از حیث عرض متوسط بود و تمایل کلی بر پره بینی باز است. نوک بینی در پنجاه درصد موارد باریک است و تعدادی از افراد نوک بینی پهنی داشتند. هشت نفر منحنی روپائین داشتند. فرو رفتگی بینخ بینی خوب مشهود بود.

بینی			نیمرخ		
درصد	تعداد	کلفتی نوک	درصد	تعداد	
۵۰/۰۰	۳۴	باریک	۲/۹۹	۲	موجدار
۲۲/۰۶	۱۵	متوسط	۴/۴۸	۳	مقر
۲۵/۰۰	۱۷	زیادتر از متوسط	۳۴/۳۳	۲۳	راست
۲/۹۴	۲	خیلی زیاد	۵۲/۲۴	۳۵	محدب
۱۰۰/۰۰	۶۸	مجموع	۵/۹۷	۴	مقر و محدب
			۱۰۰/۰۱	۶۷	مجموع

درصد	تعداد	پره
۸/۱۱	۶	فشرده
۱/۳۵	۱	فشرده متوسط
۶۰/۸۱	۴۵	متوسط
۱۶/۲۲	۱۲	باز متوسط
۹/۴۶	۷	باز
۴/۰۵	۳	خیلی باز
۱۰۰/۰۰	۷۴	مجموع

دهان = لب‌ها از حیث اندازه متوسط ولی در برخی موارد بطور مشهود و معتدل کلفت و کمی برگشته بود که در لب را مشخص مینمود. کدخدای ده با ایمان اظهار عقیده میکرد که در میان افراد قریه خون سیاهپوست وجود ندارد زیرا در بین مردم ما باعث شرمندگی است ولی در بررسی فرد شماره ۳۳۴۸ (تصویر ۱۲ - شکل ۱ و ۲ و تصویر ۸۹ - شکل ۱ و ۲) این اظهار عقیده مورد تردید واقع گردید.

دندان = دندان ۵۶ درصد این گروه خوب یا عالی و ۱۹ درصد دندان

خراب^۲ داشتند میزان فرسودگی در مورد سبزه نفر ثبت گردید که بعضی آنها دندان خیلی فرسوده داشتند جفت شدن دندانها در مورد سه چهارم افراد عادی و در مورد بقیه دندانها جلو بود. چندین نمونه نامنظمی دندانها و زیادی آنها بعلت کوچک بودن سق مشاهده شد. نه نفر دارای دندان لك دار بودند که شاید در اثر چپق یا قلیان کشیدن باشد. دندان نیمه بالا آمده در هشت نفر (۸/۱۰ درصد) و فرسودگی دندان در هفت نفر (۹/۴۶ درصد) مشاهده شده مورد (۵/۱۳ در - صد) کرم خوردگی دیده شد. افراد شماره ۳۳۴۸ (تصویر ۱۲ - شکل ۱ و ۲ - تصویر ۸۹ - شکل ۱ و ۲) و شماره ۳۳۵۱ (تصویر ۸۰ - شکل ۱ و ۲) دارای دندانهای بودند که بین آنها فاصله زیاد بود.

وضع		تعداد		درصد		وضع		تعداد		درصد	
خیلی بد	۷	۰	—	۰	۰	جفت بودن	۰	۰	—	۰	۰
بد	۶	۰	—	۰	۰	لب بلب	۰	۰	—	۰	۰
متوسط	۱۷	۵۴	۲۷/۴۷	۰	۰	کمی جلو	۵۴	۲۷/۴۷	۰	۰	۰
خوب	۲۹	۱۶	۲۳/۵۲	۱۶	۲۳/۵۲	خیلی جلو	۱۶	۲۳/۵۲	۱۶	۲۳/۵۲	۲۳/۵۲
عالی	۱۱	۶۸	۱۰۰/۰۰	۶۸	۱۰۰/۰۰	مجموع	۶۸	۱۰۰/۰۰	۶۸	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰
مجموع	۲۰	۲۰	۱۰۰/۰۰	۲۰	۱۰۰/۰۰						

عضله = نود و سه درصد دارای عضله بندی خوب یا عالی بودند و فقط ۷ نفر عضله نمو نکرده داشتند. بهداشت عمومی افراد مورد بررسی خوب بود و فقط پنج نفر ناسالم یا مریض بودند هشت نفر (۸/۱۰ درصد) دارای علامت آبله بودند و شش نفر (۸/۱ درصد) مرض مسعنه شهیدیه (Favus) داشتند و آن مرضی است جلدی که از میکروب بعضی سبزیجات بوجود میاید.

عضله بندی		تعداد		درصد		سلامتی		تعداد		درصد	
بد	۰	۰	—	۰	—	بد	۱	۱	۱/۳۵	۱/۳۵	۱/۳۵
متوسط	۵	۵	۶/۷۶	۵	۶/۷۶	متوسط	۴	۴	۵/۴۱	۵/۴۱	۵/۴۱
خوب	۵۷	۵۷	۷۷/۰۳	۵۷	۷۷/۰۳	خوب	۶۱	۶۱	۸۲/۴۳	۸۲/۴۳	۸۲/۴۳
عالی	۱۲	۱۲	۱۶/۲۲	۱۲	۱۶/۲۲	عالی	۸	۸	۱۰/۸۱	۱۰/۸۱	۱۰/۸۱
مجموع	۷۴	۷۴	۱۰۰/۰۱	۷۴	۱۰۰/۰۱	مجموع	۷۴	۷۴	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰

در بین افراد این گروه خال کوبی مشاهده نشد بجز در مورد فرد شماره ۳۴۰۲ که دو خال در برآمدگی پیشانی برای تسکین درد چشم کوبیده بود .

تجزیه آماری ده نشینان کناره

قد = با اینکه این گروه از جوان تا پیر مرد تشکیل شده بود قد بطور کلی متوسط بود و بیش از نیمی از افراد در طبقه وسط قرار گرفتند . ولی تنوع قابل ملاحظه وجود داشت زیرا تقریباً یک چهارم افراد در طبقه کوتاه و بلند طبقه بندی ها وارد قرار گرفتند .

قد در حال نشسته تنوع غیر عادی نشان نمیدهد و شاخص قد در حال نشسته حاکی از تقسیم مساوی بین اندازه بدنه و طول پا میباشد .
وقتی افراد طبق تقسیم بندی کیت برای قد و قد در حال نشسته در نظر گرفته شوند جدول زیر بدست میاید .

قد در حال نشسته (طول بدنه)

مجموع	۵-۲۴۹		۲۵۰-۲۹۹		۳۰۰-۳۴۹		۳۵۰-۳۹۹		۴۰۰-۴۴۹		در حال نشسته
	تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%	
۱/۲۵	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱/۲۵	۱	۳-۱۸۰۰
۲۰/۲۵	۱۵	۰	۰	۰	۹/۲۵	۷	۱/۱۰	۸	۰	۰	۱۱۰۰-۱۲۹۹
۵۹/۴۰	۴۴	۱/۲۵	۱	۶۰/۸۰	۸	۳۹/۱۵	۲۹	۸/۱۰	۶	۰	۱۶۰۰-۱۶۹۹
۱۸/۹	۱۴	۱/۲۵	۱	۱۲/۵۰	۱۰	۴/۱۵	۳	۰	۰	۰	۱۵۹۹-۳
۹۹/۹۰	۷۴	۲/۷۰	۲	۲۴/۳	۸	۵۲/۶۵	۳۹	۱۸/۹۰	۱۴	۱/۲۵	۱

از هفتاد و چهار مرد اهل کناره فقط یک نفر به ۱۸۰۰ میلیمتر (۵ پا و ۱۰/۸ اینچ) رسیده و از آن بالاتر بود . این مرد (شماره ۳۳۳۴ - تصویر ۷۵ - شکل ۱ و ۲) قدش ۱۹۱۱ (۶ پا و ۳/۲ اینچ) بود . بلندی قد وی بعلت بلندی تنه وی (۹۲۰) بود که از حد متوسط گروه ۱۱۰/۳ میلیمتر زیادتر بود و همچنین طول پای بلند بود که در نتیجه شاخص قد در حال نشسته وی ۴۸/۱ بود . دو نفر قدشان بعلت کوتاهی تنه کوتاه یا متوسط بود . شاخص قد در حال نشسته آنها به ترتیب عبارت بود از ۴۵/۵ و ۴۶/۳ . بیست و نه نفر افراد (۳۹/۲ درصد) دارای قد

وقته متوسط بودند . سی و نه نفر (۵۲/۷ درصد) از حیث تنه متوسط و چهل و چهار نفر (۵۹/۴ درصد) از حیث قد متوسط بودند .

بنابراین میتوان این ده نشینان را از لحاظ قد و قد نشسته متوسط دانست با تمایل کلی به کوتاهی در اثر کوتاهی تنه .

افراد خیلی فربه و خیلی لاغر در بین آنها وجود نداشت . در قسمتهای مختلف بدن از حال عادی و نوع معمولی اروپائی اختلاف مخصوصی مشاهده نشد . دست و پای آنان معمولاً خوش شکل و در اثر اشتغال بکشاورزی متمایل به بزرگی و خشنی بود . در حالیکه انگشتان دست کوتاه و پهن و انگشتان پا بعلت نپوشیدن کفش کلفت بنظر رسید .

اندازه های سر = این اندازه ها صرف نظر از اینکه دارای تنوع قابل ملاحظه است محتاج توضیح مختصری میباشد هیچگونه مورد نقص مصنوعی یا طبیعی دیده نشد . اگرچه شاخص تناسب سر (۷۶/۳۵) در طبقه سرمتوسط است کلیه گروه تقریباً بطور مساوی در طبقه سرمتوسط و سردراز قرار میگیرند . با مراجعه به موارد فردی دیده میشود که این مطلب در اثر وجود دو عنصر غیر مشابه در میان مردان کناره نیست بلکه از آنجهت است که شاخص ها در اطراف خط اختیاری بین سردرازی و سرمتوسط جمع شده است . بعبارت دیگر افراد مورد بحث ده کناره یا در گروه سردراز بالا یا در گروه سرمتوسط پائین در جدول قرار میگیرند .

وقتی اندازه های طول و عرض سر طبق روش کیث (۱۹۳۵ - ص ۲۱ ببعد) جدول بندی شود ظرفیت منز تخمین زده میشود . این ظرفیت ها سه طبقه بندی تقسیم میشود . اول کوچک (۱۳۰۰ سانتیمتر مکعب یا کمتر) دوم متوسط و سوم بزرگ (۱۴۵۰ سانتیمتر مکعب و زیاد تر) کیث میگوید ۱۴۵۰ سانتیمتر مکعب در حقیقت سر بزرگ نیست . ظرفیت منز يك فرد متوسط انگلیسی ۱۴۸۰ است .

گروه کناره بطریق زیر تقسیم بندی میشوند :

طبقه بندی گروه طبق شاخص سر

سر	۷۰- x		۷۵/۰-۷۰/۱		۷۹/۹-۷۵/۱		۸۴/۹-۸۰/۰		x -۸۵		مجموع
	تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%	
کوچک	—	۸	۱۰/۹۶	۲۱	۲۸/۷۷	۴	۵/۴۸	—	۳۳	۴۵/۲۱	
متوسط	—	۱۴	۱۹/۱۸	۲۱	۲۸/۷۷	۳	۴/۱۱	—	۲۸	۵۲/۰۶	
بزرگ	—	—	—	۱	۱/۳۷	۱	۱/۳۷	—	۲	۲/۷۴	
مجموع	۰	۲۲	۳۰/۱۴	۴۳	۵۸/۹۱	۸	۱۰/۹۶	۰	۸۲	۱۰۰/۰	

در طبقه x -۷۰ یا x -۸۵ سری وجود ندارد و فقط دو نفر (۲/۷۴ درصد) در طبقه سر بزرگ قرار دارند. هشت نفری که سر گرد دارند بین ۸۰-۸۴/۹ واقع میشوند. چهار نفر در طبقه کوچک و سه نفر در طبقه متوسط. مشاهده میشود که باستانی دو نفر همه مردان کناره در طبقه کوچک یا سر متوسط قرار میگیرند و طبقه اخیر از حیث تعداد نسبتاً زیاد تراست. طبقه بندی شاخص‌های سر وقتی با دو واحد جدا شوند نتیجه زیر بدست میآید.

شاخص سر

۷۰-۶۸	۷۳-۷۱	۷۶-۷۴	۷۹-۷۷	۸۲-۸۰	۸۵-۸۳	مجموع
۱	۱۴	۲۱	۲۷	۸	۲	۷۳

دو نفر سر کوتاه با گروه کلی کناره مقایسه شده‌اند و نتیجه زیر بدست

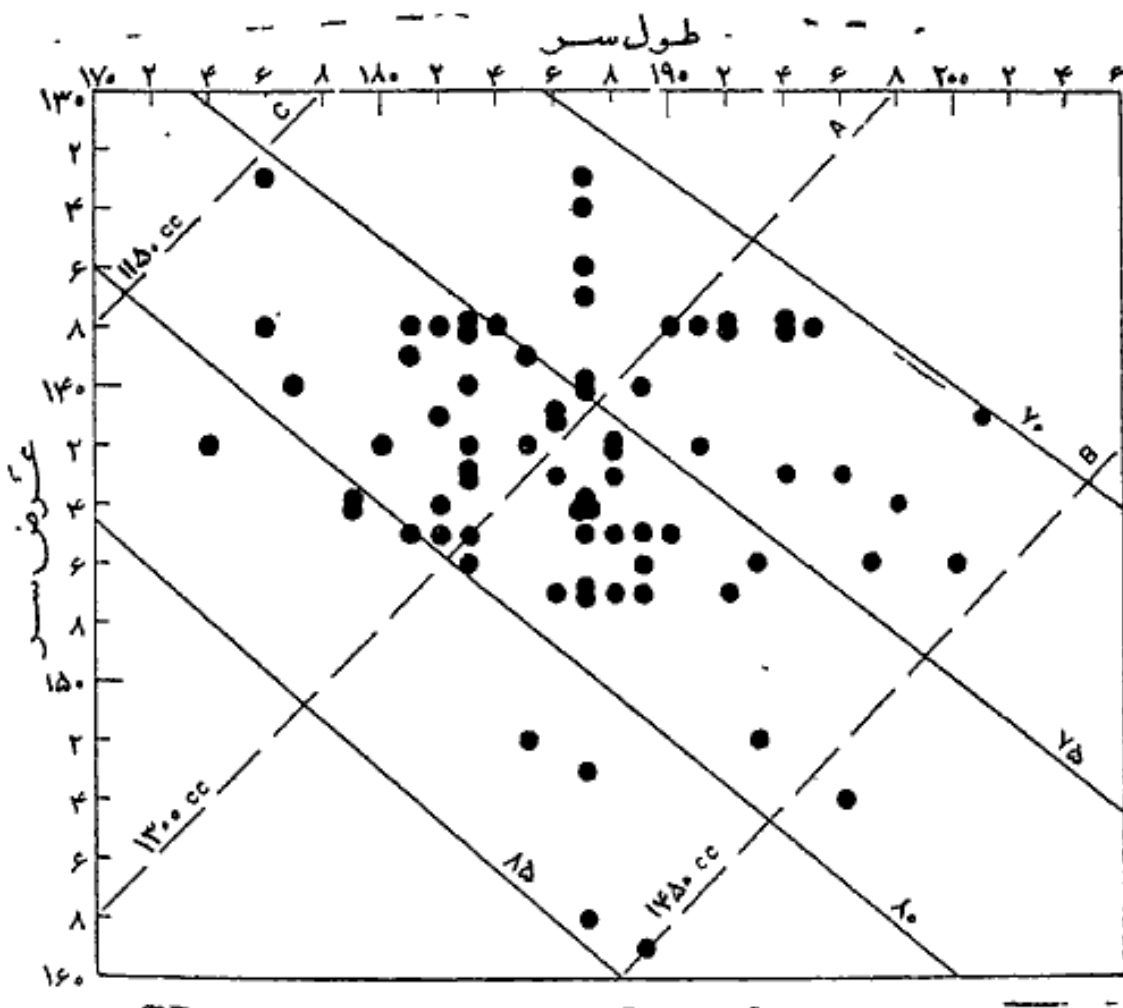
میآید.

(۱) شماره ۳۳۵۳ (تصویر ۷۷ - شکل ۱ و ۲) - شاخص سر ۸۴/۵. قد ۱۷/۱ کوتاهتر - عرض سر ۱۵/۳ زیاد تر - قسمت علیای صورت ۶/۲۵ بلندتر - کل صورت ۹/۶ بلند تر - بینی ۴/۳۴ دراز تر و ۱/۱۹ عریض تر. بدین طریق عمده ترین اختلاف در کوتاهی قد و عرض سر و بلندی قسمت علیای صورت و درازی بینی مشاهده میشود.

(۲) شماره ۳۳۹۹ (تصویر ۷۸ - شکل ۱ و ۲) شاخص سر ۸۴/۱. قد ۳/۷ بلندتر - طول سر ۲/۰ درازتر - عرض سر ۱۶/۳ زیاد تر - حداقل قطر پیشانی ۵/۱۴ باریکتر - عرض فکین پائین ۸/۲ زیاد تر - قسمت علیای صورت ۳/۵ بلند تر - کل صورت ۱/۴۰ بلند تر - بینی ۵/۳ درازتر و ۲/۸ باریکتر. مهمترین اختلافات در عرض سر و قطر پیشانی و عرض فکین و قسمت علیای صورت

و طول بینی مشاهده میشود در هر يك از این موارد بنظر میرسد که سر نسبتاً و مطلقاً بزرگتر است و عرض سر زیاد تر است و ظاهراً این اختلافات نه در اثر نقص مصنوعی سر و نه در اثر بسته شدن شکافها یا عوامل جسمانی دیگر است بلکه در اثر اختلاف عوامل نژادی میباشد که شاید نوع آلپ اولیه یا مخلوط با عناصر سر بزرگ دیگر است.

تمایل کلی در گروه کناره بنظر میرسد که پیشانی سر از پرباشد و برآمدگی پیشانی اصلاً وجود ندارد. بر جستگی فوق حدقه چشم کاملاً مشخص و شاید تالی پوست بین دو ابرو که در اثر نور شدید خورشید بوجود میآید آنرا بیشتر مشخص میکند. ولی مواردی که آنرا بتوان در طبقه سنگینی قرار داد بدست نیامد در اکثر موارد ابروها انبوه و پر پشت است. شماره ۳۳۸۶ دارای ابروان پیوسته و منلاقی است و يك خط موجدار پیوسته تشکیل میدهد.



شکل ۱۷- طول و عرض و ظرفیت سر هفتاد و سه نفر ده نشینان کناره

مردم شناسی جسمانی ایران - ۴۶۷

حداکثر عرض سر (۱۴۲/۹۶) و حداقل قطر پیشانی (۱۱۲/۱۴) دارای اهمیت نژادی است و برای نشان دادن طبقه بندی گروه جدول زیر تهیه شده

حد اقل قطر پیشانی

عرض سر	تعداد	%	۱۱۹-۱۱۰		X-۱۲۰		تعداد	%	مجموع
			تعداد	%	تعداد	%			
۱۲۹-۱۲۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱۲۹-۱۳۰	۵	۶/۷۵	۱۵	۲۰/۲۵	۰	۰	۲۰	۲۷/۰۰	۲۷/۰۰
۱۴۹-۱۴۰	۹	۱۲/۱۵	۲۸	۵۱/۳۰	۱	۱/۳۵	۴۸	۶۴/۸۰	۶۴/۸۰
X-۱۵۰	۱	۱/۳۵	۴	۵/۴۰	۱	۱/۳۵	۶	۸/۱۰	۸/۱۰
مجموع	۱۵	۲۰/۲۵	۵۷	۷۶/۹۵	۲	۲/۷۰	۷۴	۹۹/۹۰	۹۹/۹۰

در بین اهالی کناره کسی در طبقه خیلی باریک نبود و فقط دو نفر دارای قطر پیشانی پهن بودند که یکی از آنها سر خیلی عریض نیز داشت. از آنجائیکه این دو نفر سر عریض داشتند میبایست تناسب زیادی بین عرض پیشانی و حداکثر عرض سر وجود داشته باشد. سی و هشت نفر (۵۱/۳ درصد) در هر دو قطر نسبتاً عریض بودند. از آنجائیکه پنجاه و چهار نفر (۷۲/۹ درصد) در طبقه سر بزرگ تر (۱۴۰ - X) و ۵۹ نفر (۷۹/۶۵ درصد) در طبقه پیشانی پهن (X - ۱۱۰) می افتند میتوان گفت که مردان کناره دارای سرهایی هستند که حداکثر عرضی و حداقل قطر پیشانی آنها عریض است. قسمت پس سر در هیچ مورد بر جستگی نداشت. گوش آنها نسبتاً خوش شکل و بطور عادی کنار سر یا بحد متوسط جدا قرار داشت.

اندازه های صورت = بهترین مطالعه و بررسی این قسمت از مطالعه طول نسبی و مطلق صورت و رابطه بین عرض و طول صورت بدست می آید. پس از طبقه بندی کردن افراد طبق روش کیث جدول زیر بدست می آید:

عرض دو گونه

طول کل صورت	۱۲۴-۱۲۵		۱۲۴-۱۲۵		۱۲۴-۱۲۵		مجموع
	تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%	
۱۱۴-۱۱۵	۰	۰	۲	۶/۷۵	۰	۰	۲
۱۲۴-۱۱۵	۱	۱/۲۵	۱۱	۲۹/۱۵	۱۱	۱۴/۸۵	۲۲
۱۲۵-۱۲۵	۰	۰	۱۲	۱۷/۵۵	۱۲	۱۷/۵۵	۲۴
مجموع	۱	۱/۲۵	۲۶	۶۳/۴۵	۲۶	۳۵/۱۰	۵۳

این جدول نشان می‌دهد که بین گروه افراد دارای صورت باریک یا کوتاه یا بلند وجود ندارد و اکثریت دارای صورتی هستند که هم از حیث طول و هم از حیث عرض متوسط است و ۱۳ نفر در هر طبقه دراز و متوسط و دراز و عریض قرار دارند. در قسمت عرض دو گونه چهل و هفت نفر در طبقه متوسط هستند و بقیه بجز یک نفر در طبقه عریضی قرار دارند. بدین ترتیب تمایل شکل صورت از حیث عرض متوسط تا عریض و تمایل به شکل اخیر و از حیث طول متوسط تا دراز است.

ارقام شاخص صورت نشان می‌دهد که چهل و هفت نفر (۶۳/۵۱ درصد) صورت دراز و فقط پنج نفر (۶/۷۶ درصد) صورت پهن می‌باشند.

کیث میگوید (۱۹۳۵ - ص ۵۲ - ۵۳) در جنوب غربی آسیا یک نوع صورت گوسفند شکل وجود دارد بدین ترتیب که قسمت علیای صورت که شامل بینی میشود دراز در حالیکه قسمت سفلی صورت کوتاه است. طبق چهار طبقه بندی او برای هر یک از اندازه‌ها جدول زیر بدست می‌آید.

طول قسمت علیای صورت

طول کل صورت	۶۳-۶۴		۶۹-۶۴		۷۵-۷۰		۷۶-۷۰		مجموع
	تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%	
۱۰۹-۱۱۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱۱۹-۱۱۰	۲	۲/۷۴	۱۸	۲۴/۶۶	۷	۹/۵۹	۱	۱/۳۷	۲۸
۱۲۹-۱۲۰	۱	۱/۳۷	۴	۵/۴۸	۲۰	۲۷/۴	۸	۱۰/۹۶	۳۳
۱۳۰-۱۳۰	۰	۰	۰	۰	۲	۲/۷۴	۱۰	۱۳/۷۰	۱۲
مجموع	۳	۴/۱۱	۲۲	۳۰/۱۴	۲۹	۳۹/۷۳	۱۹	۲۶/۰۲	۷۳

* شماره ۳۳۵۱ (تصویر ۸۰ - شکل ۱۰۱) حذف شد زیرا بلندی قسمت علیای صورت ۵۶ ثبت شده بود.

در این گروه سه نفر دارای قسمت علیای صورت خیلی کوتاه وجود دارد ولی هیچ موردی که کل صورت کوتاه باشد نیست. در طبقه نسبتاً کوتاه (۱۱۰-۱۱۹) بیست و هشت نفر هستند ولی هشت نفر (۹۶/۱۰ درصد) قسمت علیای صورتشان دراز است یعنی متمایل به نوع صورت گوسفند شکل میباشند.

در این گروه نوزده نفر قسمت علیای صورت دراز دارند ولی سه نفر قسمت علیای صورتشان خیلی کوتاه و کل صورت آنها بطور متوسط کوتاه است. در میان دوازده نفر يك كل صورت دراز (۱۳۰+) وجود دارد.

بطور کلی صورت ها متمایل بدرازی در قسمت علیا و سفلی بود و افزایش در هر دو متجانس بنظر میرسد.

در جدول تطبیقی مشاهده میشود که طول قسمت علیای صورت این گروه ازسری یزد خواست درازتر و ازسری یهودیهای اصفهان کوتاهتر است ولی لرها قسمت علیای صورتشان ۶/۶۰ و طول کل صورتشان ۴/۰ درازتر است.

شکل صورت بطور کلی بیضی و گاهی قسمت سفلی مستطیلی شکل است. عضلات فك پائین اغلب خوب نمو کرده است و معمولاً در اشخاصی پیدا میشود که معدل عرض فکین آنها ۱۰۷/۸ است.

پیش آمدگی آرواره رویهمرفته در اینجا بیشتر از بین اروپائیان مشهود است ولی موارد برجسته آن بندرت دیده میشود. چانه از حیث شکل و تناسب متوسط است این قسمت را میتوان بعلت نبودن ریش در عکسها بخوبی مطالعه کرد. در فرد شماره ۳۳۸۳ (تصویر ۱۱ - شکل ۳ و ۴ و تصویر ۲۰ شکل ۲۰۱) ناحیه گونه بحدی بزرگ است که بنظر میرسد این شخص مخلوطی از نژاد مغولی باشد و این فرضیه بوسیله باریکی پلك و شکل چشم و نوع ابرو تأیید میشود.

در بین هفتاد و چهار نفر مرد مورد مطالعه هیچ نوع نقص یابی تناسبی صورت که واجد اهمیت باشد مشاهده نشد. گردن این افراد متوسط و متمایل به کوتاهی داشت.

در بین سری کناره بینی تمایلات مهمی را آشکار میسازد. شصت و هشت درصد دارای بینی باریك و فقط پنج درصد در طبقه بینی پهن قرار دارند. برای مقایسه با طبقه بندی کیت جدول زیر ترتیب داده شده است.

عرض بینی

مجموع	x-۴۲		۴۱-۳۶		۳۵-۳۰		۲۹-x		طول بینی	
	تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%		
۳۲/۴۰	۲۴	۲/۷۰	۲	۵/۴۰	۴	۲۴/۳۰	۱۸	—	۰	۴۹-x
۶۴/۸۰	۴۸	۱/۳۵	۱	۱۲/۱۵	۹	۴۱/۸۵	۳۶	۹/۴۵	۷	۵۹-۵۰
۲/۷۰	۲	—	۰	—	۰	۲/۷۰	۲	—	۰	x-۶۰
۹۹/۹۰	۷۴	۴/۰۵	۲	۱۷/۵۵	۱۳	۶۸/۸۵	۵۱	۹/۴۵	۷	جمع

در بین هفتاد و چهار نفر مرد اهل کناره هفت نفر دارای بینی خیلی باریک (x-۲۹) هستند که همه از حیث طول در طبقه متوسط (۵۰-۵۹) می‌افتند. سه نفر هستند که بینی خیلی پهن (x-۴۲) دارند و دو تای آنها بینی‌شان کوتاه است (x-۴۹) پنجاه و یک نفر دارای بینی نسبتاً باریک و سیزده نفر دارای بینی نسبتاً پهن میباشند. از حیث طول بینی فقط دو نفر بینی دراز (x-۶۰) دارند در حالیکه ۲۴ نفر در طبقه کوتاه (x-۴۹) واقع میشوند. بدین ترتیب مردان کناره بینی متوسط تا کوتاه و نسبتاً باریک دارند.

خلاصه

- در نتیجه مطالعات انسان‌شناسی و بررسی اندازه‌گیری و آماری و تصاویر افراد شش عنصر زیر در میان مردم کناره مشهود میگردد.
- (۱) نمونه نوع اصلی و خشن مدیترانه دارای صورت باندازه متوسط و بینی نسبتاً پهن و فکین برجسته مانند فرد شماره ۳۳۳۷ (تصویر ۸۲ - شکل ۱ و ۲) و فرد شماره ۳۳۳۸ (تصویر ۸۴ - شکل ۲۵۱).
 - (۲) نوع اتلانتيك و مدیترانه بعلاوه نوردیک دارای صورت دراز تر و سنگین تر و بینی باریکتر. این عنصر است که سبب زاغی چشم فرد شماره ۳۳۴۲ (تصویر ۷۶ - شکل ۲۵۱) شده است.
 - (۳) نوع ارمنی و اناطولی دارای بینی عقابی شکل مانند فرد شماره ۳۳۶۳ (تصویر ۹ - شکل ۴۹۳ و تصویر ۸۸ - شکل ۴۹۳) و فرد شماره ۳۳۶۰ (تصویر ۸۶ - شکل ۲۵۱).
 - (۴) نوع آلپ مانند فرد شماره ۳۳۵۱ (تصویر ۸۰ - شکل ۲۵۱).
 - (۵) اثر نژاد مغول مانند فرد شماره ۳۳۸۳ (تصویر ۱۱ - شکل ۴ و ۳ و تصویر ۷۰ - شکل ۲۵۱).

فرد شماره ۳۳۵۹ (تصویر ۸۱ - شکل ۴۹۳) و شماره ۳۳۸۲ (تصویر ۶۹ - شکل ۲۹۱) و شماره ۳۳۶۹ (تصویر ۸۷ - شکل ۲۹۱).
(۶) مختصری عنصر سیاهپوست مانند فرد شماره ۳۳۴۸ (تصویر ۱۲ - شکل ۲۹۱ و تصویر ۸۹ - شکل ۲۹۱) و فرد شماره ۳۳۶۸ (تصویر ۱۲ - شکل ۴۹۳ و تصویر ۹۳ - شکل ۴۹۳).

معدودی از افراد بطور مختصر از سری مختلف و منحرف هستند و بهمین جهت شایسته است که آنها را مورد توجه قرار دهیم . چند نفر (مانند فرد شماره ۳۳۵۴ - تصویر ۷۴ - شکل ۴۹۳) شبیه اعراب عراق مرکزی هستند ولی اکثر آنها در بازار عراق کاملاً مشخص و هویدا خواهند بود . فرد شماره ۳۳۸۳ (تصویر ۱۱ - شکل ۴۹۳ و تصویر ۷۰ - شکل ۲۹۱) منولی است و میتوان او را باران‌العبود یکی از کارگران حفريات کیت مقایسه کرد .

(رجوع شود به نوشته فیلد ۱۹۳۵ - تصاویر XXX و XXXI)

وقتی عکسها بر اساس نیمرخ بینی مرتب میشد در میان گروه بینی باریک اختلاف معمولی از بینی راست تا عقایی وجود داشت و فقط اختلاف مختصر نژادی دیده میشد . بررسی طول و شکل کلی صورت بیشتر شایان توجه بود مخصوصاً از این جهت که در میان جمعیت عنصر نوع صورت کوتاه و صورت دراز و همچنین مخلوطی از این دو وجود داشت .

ده نشینان کناره از حیث قد و طول تنه و طول سر و عرض دو گونه متوسط هستند ولی عرض سر و حد اقل قطر پیشانی آنها عریض است و طول صورت و قسمت علیای آن دراز و بینی آنها باریک و نسبتاً کوتاه است . از لحاظ موی سر موجدار و سیاه مو و از لحاظ چشم قهوه‌ای تیره با سیاهی یکنواخت و سفیده صاف هستند . بینی محدب یا راست با پره باز یا متوسط و نوک بینی متمایل به کلفتی است . دندان آنها خوب و عده کمی از آنها افتاده است . از لحاظ سلامتی کلی و نمو عضلانی متوسط میباشند .

ده نشینان کنا - اندازه ها

عرض پیشی	طول پیشی	طول قسمت علیای صورت	طول صورت	عرض فکین	حداقل			طول پیشانی و پس سر	فد نشسته	قد	سن	شماره
					عرض دوگوشه	قطر پیشانی	عرض سر					
۳۶	۵۰	۷۱	۱۲۴	۱۱۳	۱۳۱	۱۱۴	۱۳۸	۱۹۲	۹۲۰	۱۹۱,	۴۰	۳۳۳۴
۳۷	۵۶	۸۰	۱۳۰	۱۲۳	۱۳۷	۱۱۰	۱۴۲	۱۸۳	۸۹۳	۱۶۹,	۴۵	۳۳۳۵
۳۴	۵۳	۷۴	۱۲۷	۱۰۴	۱۳۱	۱۱۲	۱۳۸	۱۸۳	۸۷۴	۱۶۸,	۴۵	۳۳۳۶
۴۱	۴۹	۶۷	۱۱۶	۱۰۷	۱۲۸	۱۰۹	۱۴۳	۱۸۶	۷۶۳	۱۶۲,	۴۵	۳۳۳۷
۳۶	۴۸	۶۸	۱۱۵	۰۶	۱۳۷	۱۱۳	۱۴۷	۱۸۶	۷۸۸	۱۵۸,	۴۰	۳۳۳۸
۳۲	۴۶	۶۳	۱۱۵	۱۰	۱۳۱	۱۰۷	۱۴۴	۰۰۰	۸۲۷	۱۶۱,	۴۰	۳۳۳۹
۳۴	۴۴	۶۳	۱۲۲	۰۶	۱۳۴	۱۱۴	۱۴۶	۱۸۹	۸۶۴	۱۶۳,	۴۶	۳۳۴۰
۳۵	۵۳	۷۲	۱۲۳	۰۶	۱۳۲	۱۰۷	۱۴۳	۱۹۴	۸۴۱	۱۶۷,	۴۰	۳۳۴۱
۳۶	۳۵	۷۸	۱۲۹	۱۲	۱۳۶	۱۱۶	۱۳۸	۱۹۴	۷۷۲	۱۶۲,	۴۰	۳۳۴۲
۳۱	۶۱	۷۶	۱۲۹	۰۰	۱۳۰	۱۰۹	۱۳۸	۱۹۴	۸۲۲	۱۶۴,	۴۰	۳۳۴۳
۳۱	۵۲	۷۴	۱۲۳	۰۳	۱۳۱	۱۱۱	۱۳۳	۱۸۷	۷۸۲	۱۵۸,	۵۰	۳۳۴۴
۳۱	۴۸	۷۶	۱۲۸	۰۳	۱۲۷		۱۳۸	۱۸۳	۷۹۳	۵۳,	۴۵	۳۳۴۵
۳	۴۵	۶۸	۲۰	۰۷	۱۴۰		۱۴۷	۱۸۸	۸۷۰	۷۱,	۴۰	۳۳۴۶

ده نشینا ره - شاخص ها

محواله و پیشانی	محواله فکین	محوش	قسمت عیای صورت	صورت	پیشانی و آهیا	تاسب سر	قد نسبی	عرض محوش	طول محوش	
۸۷/۰	۸۶/۳	۶۰/۰	د۴/۲	۹۴/۷	۸۲/۶	۷۱/	۴۸/۱	۴۲	۶۹	۳۳۳۴
۸۲/۱	۹۱/۸	۵۸/۰	د۹/۷	۹۷/۰	۷۷/۵	۷۷/	د۲/۸	۳۸	۶۵	۳۳۳۵
۸۵/۵	۷۹/۴	۶۲/	۵۶/۵	۹۷/۰	۸۱/۲	۷۵/	۵۱/۸	۳۵	۵۶	۳۳۳۶
۸۵/۲	۸۳/۶	۵۷/۰	د۲/۳	۹۰/۶	۷۶/۲	۷۶/	۴۷/۰	۳۳	۵۷	۳۳۳۷
۸۲/۵	۷۷/۴	۵۹/۰	۴۹/۶	۸۳/۰	۷۶/۹	۷۹/	۴۹/۸	۳۷	۶۲	۳۳۳۸
۸۱/۷	۸۴/۰	۵۹/	۴۸/۱	۸۷/۰	۷۴/۳	۰۰۰	د۱/۲	۳۶	۶۱	۳۳۳۹
۸۵/۱	۷۹/۱	۶۴/	۴۷/۰	۹۱/۰	۷۸/۱	۷۷/	د۲/۷	۳۴	۵۳	۳۳۴۰
۸۱/۱	۸۰/۳	۵۸/	د۳/۶	۹۳/۰	۷۴/۸	۷۳/	۵۰/۱	۳۶	۶۲	۳۳۴۱
۸۵/۳	۸۲/۴	۶۵/	۵۷/۴	۹۴/۱	۸۴/۱	۷۱/	۴۷/۶	۳۶	۵۵	۳۳۴۲
۸۳/۹	۷۶/۹	۶۰/	۵۲/۵	۹۹/۲	۷۹/۰	۷۱/	۵۰/۱	۳۸	۶۳	۳۳۴۳
۸۴/۷	۷۸/۹	۵۵/	۵۶/۵	۹۳/۹	۸۳/۵	۷۱/	۴۹/۳	۳۶	۶۵	۳۳۴۴
۸۵/۰	۸۱/۱	۶۳/	۵۹/۸	۱۰۰/۸	۷۸/۲	۷۵/		۳۶	۵۷	۳۳۴۵
۸۳/۶	۷۶/۴	۶۱/	۸۸/۹	۸۵/۷	۷۹/۶	۷۸/		۳۸	۶۲	۳۳۴۶

اندازه ها

عرض پیش	طول پیش	طول قسمت		عرض فکین	عرض دوگوله	حداقل		عرض سر	طول بین		قد نشسته	قد	سن	شماره
		علاقی صورت	طول صورت			فطر پیشانی	برآمدگی پیشانی و پس سر							
۳۶	۵۱	۷۱	۱۱۷	۱۰۹	۱۳۲	۱۱۲	۱۴۰	۱۸۷	۸۳۰	۱۶۰	۵۰	۳۳۴۷		
۴۲	۴۲	۶۵	۱۱۸	۷	۱۳۶	۱۱۲	۱۴۲	۱۸۸	۸۵۶	۱۶۶	۴۵	۳۳۴۸		
۲۹	۵۰	۷۰	۱۱۷	۵	۱۲۷	۱۰۷	۱۴۲	۱۸۸	۸۴۷	۱۶۴	۴۰	۳۳۴۹		
۳۲	۴۹	۶۷	۱۱۸	۳	۱۳۰	۱۰۳	۱۴۰	۱۷۷	۷۷۰	۱۶۱،۱۷	۶۰	۳۳۵۰		
۴۲	۴۲	۵۶	۱۲۲	۷	۱۴۵	۱۱۸	۱۵۳	۱۸۷	۷۶۵	۱۵۹،۱۰	۳۵	۳۳۵۱		
۳۴	۵۰	۷۵	۱۲۸	۵	۱۴۷	۱۲۰	۱۴۷	۱۹۲	۷۸۲	۱۶۲،۱۳	۵۰	۳۳۵۲		
۳۴	۵۶	۷۸	۱۳۲	۷	۱۳۴	۱۱۲	۱۵۸	۱۸۷	۷۶۸	۱۴۸،۱۴	۳۰	۳۳۵۳		
۳۴	۴۷	۶۹	۱۱۶	۵	۱۳۳	۱۱۵	۱۴۶	۱۹۳	۸۲۵	۱۶۹،۱۵	۲۸	۳۳۵۴		
۳۲	۴۷	۶۹	۱۱۷	۵	۱۲۸	۱۱۲	۱۳۷	۱۸۷	۸۱۸	۱۶۶،۱۵	۲۵	۳۳۵۵		
۳۵	۵۸	۷۶	۱۲۸	۴	۱۳۴	۱۱۴	۱۴۰	۱۸۹	۸۷۰	۷۴،۱	۳۵	۳۳۵۶		
۳۲	۴۶	۷۰	۱۲۱	۳	۱۲۸	۱۱۰	۱۴۴	۱۷۹	۷۱۸	۵۷،۱۶	۲۲	۳۳۵۷		
۳۳	۵۴	۷۸	۱۳۰	۳	۱۳۷	۱۱۵	۱۴۲	۱۹۱	۸۵۱	۷۰،۱۴	۵۵	۳۳۵۸		
۳۶	۵۰	۶۷	۱۲۴	۶	۱۴۸	۱۲۸	۱۵۴	۱۹۶	۸۷۳	۶۶،۱۶	۳۵	۳۳۵۹		

شاخص ها

شماره	طول گوش	عرض گوش	قد نشسته	تناسب سر	پیشانی و آهپاله	صورت	قسمت علیای صورت	بینی	گوش	گوشه و پیشانی
۳۳۴۷	۶۰	۳۵	۱۸	۷۴/۹	۸۰/۰	۸۸/۶	۵۳/۸	۷۰/۶	۵۸/۳	۸۴/۹
۳۳۴۸	۵۳	۳۵	۵۱/۵	۷۵/۵	۷۸/۹	۸۶/۸	۴۷/۸	۱۰۰/۰	۶۶/۰	۸۲/۴
۳۳۴۹	۶۵	۳۷	۵۱/۵	۷۵/۵	۷۵/۴	۹۲/۱	۵۵/۱	۵۸/۰	۵۶/۹	۸۴/۳
۳۳۵۰	۵۳	۳۶	۴۷/۶	۷۹/۱	۷۳/۶	۹۰/۸	۵۱/۵	۶۵/۳	۶۷/۹	۷۹/۲
۳۳۵۱	۶۳	۴۱	۴۸/۰	۸۱/۸	۷۷/۱	۸۴/۱	۳۸/۶	۱۰۰/۰	۶۵/۱	۸۱/۳
۳۳۵۲	۶۱	۳۶	۴۸/۱	۷۶/۶	۸۱/۶	۸۷/۱	۵۱/۰	۶۸/۰	۵۹/۰	۸۱/۶
۳۳۵۳	۶۴	۳۸	۵۱/۷	۸۴/۵	۷۰/۹	۹۶/۱	۵۶/۹	۶۰/۷	۵۹/۴	۸۱/۸
۳۳۵۴	۵۵	۳۴	۴۸/۶	۷۵/۷	۷۸/۸	۸۷/۱	۵۱/۹	۷۲/۳	۶۱/۸	۸۶/۵
۳۳۵۵	۵۸	۳۱	۴۹/۱	۷۳/۳	۸۱/۸	۹۱/۱	۵۲/۹	۶۸/۱	۵۳/۵	۸۷/۵
۳۳۵۶	۶۰	۴۰	۵۰/۰	۷۴/۱	۸۱/۴	۹۵/۱	۵۶/۷	۶۰/۳	۶۶/۷	۸۵/۸
۳۳۵۷	۴۸	۳۵	۴۵/۵	۸۰/۵	۷۶/۴	۹۴/۱	۵۴/۷	۶۹/۶	۷۲/۹	۸۵/۹
۳۳۵۸	۵۷	۳۶	۴۹/۹	۷۴/۴	۸۱/۰	۹۴/۱	۵۶/۹	۶۱/۶	۶۳/۲	۸۳/۹
۳۳۵۹	۶۸	۳۹		۷۸/۶	۷۹/۲	۸۳/۱	۴۵/۳	۷۲/۰	۵۷/۴	۸۲/۳

اندازه‌ها

مرکز پیشی	طول پیشی	طول قسمت علیای صورت	طول صورت	عرض فکین	عرض دوگوله	صداقل قطر پیشانی	عرض سر	طول بین برآمدگی پیشانی و پس‌سر	فدانشته	قد	سن	شماره
۳۲	۵۷	۷۸	۱۲۵	۰۹	۱۲۸	۱۱۵	۱۳۸	۱۹۰	۷۹۳	۶۷/۳	۴۰	۳۳۶۰
۳۲	۵۹	۸۱	۱۳۵	۱	۱۳۹	۱۱۶	۱۵۲	۱۹۳	۸۵۲	۷۳/۰	۳۵	۳۳۶۱
۲۹	۵۱	۶۹	۱۱۱	۱	۱۳۶	۱۱۱	۱۴۵	۱۸۲	۸۴۲	۷۳/۱	۳۵	۳۳۶۲
۳۳	۵۵	۷۵	۱۳۴	۸	۱۳۶	۱۱۹	۱۴۴	۱۸۷	۸۷۸	۷۸/۳	۴۰	۳۳۶۳
۳۳	۵۳	۷۷	۱۲۵	۲	۱۳۱	۱۱۵	۱۴۴	۱۸۷	۸۰۳	۶۷/۲	۴۰	۳۳۶۴
۳۰	۵۶	۷۶	۱۳۲	۵	۱۳۱	۱۱۰	۱۴۱	۱۸۶	۸۲۹	۶۹/۶	۶۷	۳۳۶۵
۳۱	۵۲	۶۸	۱۱۵	۸	۱۳۶	۱۱۴	۱۵۲	۱۸۵	۷۶۰	۰۵۴/۲	۴۰	۳۳۶۶
۳۷	۵۴	۶۸	۱۱۷	۸	۱۳۶	۱۱۴	۱۴۳	۱۸۳	۷۸۷	۶۶/۸	۴۵	۳۳۶۷
۴۰	۵۷	۷۵	۱۲۵	۶	۱۳۹	۱۱۴	۱۳۸	۱۹۵	۸۲۰	۶۶/۱	۵۰	۳۳۶۸
۳۳	۵۲	۷۱	۱۲۴	۲	۱۴۱	۱۱۹	۱۴۴	۱۷۹	۸۱۹	۶۶/۰	۳۸	۳۳۶۹
۳۳	۵۱	۷۱	۱۱۵	۴	۱۳۴	۱۱۰	۱۳۹	۱۸۱	۸۲۵	۶۳/۷	۴۵	۳۳۷۰
۲۸	۵۲	۷۱	۱۲۴	۵	۱۳۰	۱۱۴	۱۳۸	۱۹۲	۷۸۳	۵۸/۱	۴۰	۳۳۷۱
۲۶	۵۵	۷۸	۱۲۹	۴	۱۲۷	۱۱۰	۱۳۶	۱۸۷	۸۰۰	۵۹/۴	۳۶	۳۳۷۲

شاخص‌ها

گروه و پیشانی	گروه و فکین	مغز	بینی	علیای صورت	صورت	پیشانی و آهانه	تناسخ سر	فردانسته نسبی	عرض مغز	طول مغز	
۸۹/۸	۸۵/۲	۷۰/۱	۵۶/۱	۶۰	۹۷/۷	۸۳/۳	۷۲/۶	۴۷/۴	۳۹	۵۵	۳۳۶
۸۳/۵	۸۷/۱	۶۴/۶	۵۴/۱	۵۸/۱	۹۷/۱	۷۶/۳	۷۸/۸	۴۹/۰	۴۳	۶۵	۳۳۶
۸۱/۶	۸۱/۶	۵۷/۱	۵۶/۱	۵۰/۱	۸۱/۶	۷۶/۶	۷۹/۷	۴۸/۶	۳۶	۶۳	۳۳۶۲
۸۷/۵	۷۹/۴	۶۳/۹	۶۰/۱	۵۵/۱	۱۰۰/۷	۸۲/۶	۷۷/۰	۴۹/۲	۳۹	۶۱	۳۳۶۳
۸۷/۸	۷۷/۹	۵۴/۶	۶۲/۱	۵۸/۱	۹۵/۴	۷۹/۹	۷۷/۰	۴۸/۰	۳۶	۶۶	۳۳۶۴
۸۳/۹	۸۰/۲	۳/۵۵	۵۳/۶	۵۸/۱	۱۰۰/۷	۷۸/۰	۷۵/۸	۴۸/۸	۳۶	۶۵	۳۳۶۵
۸۳/۸	۷۹/۴	۵۴/۲	۵۹/۶	۱۰۰/۱	۸۳/۶	۷۵/۰	۸۲/۲	۴۹/۳	۳۲	۵۹	۳۳۶۶
۸۳/۸	۷۹/۴	۶۹/۶	۶۸/۱	۵۰/۱	۸۶/۰	۷۹/۷	۷۸/۱	۴۷/۱	۳۹	۵۶	۳۳۶۷
۸۲/۰	۷۶/۳	۵۷/۱	۷۰/۱	۵۴	۸۹/۹	۸۲/۶	۷۰/۸	۴۹/۴	۳۷	۶۴	۳۳۶۸
۸۴/۴	۷۹/۴	۵۸/۱	۶۳/۱	۵۰/۱	۸۷/۹	۸۲/۶	۸۰/۵	۴۹/۳	۳۵	۶۰	۳۳۶۹
۸۲/۱	۷۷/۶	۵۶/۱	۶۴/۱	۵۳	۸۵/۸	۷۹/۱	۷۶/۸	۵۰/۴	۳۷	۶۵	۳۳۷۰
۸۷/۷	۵۸/۵	۶۱/۱	۵۳/۱	۵۴	۳/۹۵	۸۲/۶	۷۱/۹	۴۹/۵	۳۷	۶۰	۳۳۷۱
۸۶/۶	۸۱/۹	۶۳/۱	۴۷/۱	۶۱			۷۲/۷	۸/۰	۳۷	۵۸	۳۳۷۲

اندازه‌ها

عرض پای	طول پینی	طول قسمت علیای سورت	طول صورت	عرض فکین	عرض : دگونه	حداقل قطر پیشانی	عرض سر	طول بین برآمدگی پیشانی و پس سر	قد	قد	سن	شماره
۲۳	۴۹	۶۸	۱۱۴	۰۰	۱۲۳	۱۶	۱۴۵	۱۹۰	۸۱۶	۱۶۴/۳	۲۲	۳۳۷۳
۲۰	۵۳	۷۱	۱۲۵	۰۳	۱۳۶	۱۱	۱۴۵	۱۸۱	۸۶۰	۱۷۷/۵	۲۵	۳۳۷۴
۲۹	۵۲	۶۷	۱۲۲	۰۴	۱۳۱	۱۰	۱۴۴	۱۸۷	۸۱۸	۱۶۲/۶	۲۰	۳۳۷۵
۳۱	۵۶	۷۳	۱۳۵	۰۷	۱۲۷	۰۶	۱۴۴	۱۸۲	۸۳۸	۱۶۰/۸	۲۳	۳۳۷۶
۳۵	۵۰	۷۰	۱۲۳	۰۸	۱۳۱	۱۰	۱۴۷	۱۸۹	۸۰۰	۱۶۷/۰	۲۲	۳۳۷۷
۳۱	۵۴	۷۲	۱۱۸	۱۲	۱۳۴	۱۲	۱۴۲	۱۸۵	۸۴۴	۱۷۰/۰	۲۰	۳۳۷۸
۳۰	۴۸	۶۲	۱۱۳	۹۷	۱۲۸	۰	۱۴۰	۱۸۳	۷۴۶	۱۱۱/۲	۲۰	۳۳۷۹
۳۰	۵۴	۷۷	۱۳۰	۱۳	۱۳۸	۱	۱۵۵	۱۸۸	۸۵۷	۷۲/۸	۲۵	۳۳۸۰
۳۱	۵۷	۷۶	۱۳۳	۰۸	۱۳۷	۳	۱۴۴	۱۹۸	۸۳۴	۷۴/۵	۲۸	۳۳۸۱
۳۲	۴۷	۶۸	۱۲۵	۰۸	۱۳۳	۷	۱۳۹	۱۸۵	۷۷۷	۵۷/۳	۲۰	۳۳۸۲
۳۱	۴۶	۷۰	۱۲۱	۱۱	۱۳۳	۴	۱۴۷	۱۸۷	۸۲۳	۶۵/۸	۲۱	۳۳۸۳
۲۷	۵۵	۷۰	۱۱۷	۰۲	۱۲۷	۸	۱۳۸	۱۸۲	۷۹۲	۷۳/۸	۱۸	۳۳۸۴
	۴۹	۶۸	۱۱۲	۰۳	۱۲۷	۹	۱۴۲	۱۷۴	۸۲۰	۵۷/۰	۲۵	۳۳۸۵

شاخص‌ها

کودک و پیشانی	کودک ۱ فکین	گوش	بینی	قسمت علیای صورت	صورت	پیشانی و آهنگ	تناسب سر	مدلتنه نسی	عرض گوش	طول گوش	شماره
۸۳/۹ ۸۳/۹	۷۸/۱ ۷۸/۱	۶۶/۱ ۷۲/۶	۶۷/۴ ۵۵/۸	۵۱ ۵۱/۲	۸۵/۷ ۷۷/۷	۸۰/۱ ۷۷/۴	۷۴/۳ ۷۷/۰	۴۹/۶ ۴۸/۴	۲۷ ۴۰	۵۶ ۵۸	۲۳۷۳ ۲۳۷۴
۸۳/۵	۸۴/۳	۵۷/۹	۵۵/۴	۵۷/۱	۱۰۶/۱	۷۳/۶	۷۹/۱	۵۲/۱	۳۳	۵۷	۳۳۷۶
۸۴/۱۰	۸۲/۴	۵۹/۷	۷۰/۰	۵۳/۱	۹۳/۵	۷۴/۸	۷۷/۸	۴۷/۹	۳۷	۶۲	۳۳۷۷
۸۳/۶	۸۳/۶	۷۵/۰	۵۷/۴	۵۳/۱	۸۸/۱	۷۸/۹	۷۶/۸	۴۹/۴	۲۶	۴۸	۳۳۸۸
۸۷/۱	۷۵/۸	۶۳/۹	۶۲/۵	۴۸/۱	۸۸/۱	۷۱/۴	۷۶/۵	۴۶/۳	۲۹	۶۱	۳۳۷۹
۸۰/۴	۸۱/۹	۵۹/۱	۵۵/۶	۵۵/۱	۹۴/۱	۷۶/۶	۷۷/۱	۴۳/۶	۲۹	۶۶	۳۳۸۰
۸۲/۵	۷۸/۸	۵۸/۱	۵۴/۴	۵۵	۹۷/۱	۷۸/۵	۷۲/۷	۴۷/۸	۲۶	۶۲	۳۳۸۱
۸۰/۷	۸۱/۲	۶۴/۷	۶۸/۱	۵۱	۹۴/۱	۷۷/۰	۷۵/۱	۴۹/۴	۳۳	۵۱	۳۳۸۲
۸۵/۷	۸۳/۵	۵۸/۹	۶۷/۴	۵۳	۹۱/۱	۷۷/۶	۷۸/۶	۴۹/۶	۳۳	۵۶	۳۳۸۳
۸۵/۰	۸۰/۳	...	۱/۵۳	۵۵/۱	۹۲/۱	۷۸/۳	۷۵/۸	۴۸/۳	۲۷	۵۵	۳۳۸۴
۷/۵۷	۱/۱۷	۶۲/۳	۶۳/۳	۵۳/۱	۸۸/۱	۷۷/۹	۶	۷/۸۳	۷۸	۰۶	۳۳۸۵

اندازه ۵

عرض پینی	طول پینی	طول قسمت علیای صورت	طول صورت	عرض فکین	عرض دوگوله	حداقل قطر پیشانی	عرض سر	طول بین برآمدگی پیشانی و پس سر	قد نشسته	قد	سن	شماره
۳۱	۵۶	۷۳	۱۲۰	۹۸	۱۲۳	۱۱۰	۱۴۰	۱۸۷	۸۱۰	۱۶۵/۷	۳۰	۳۳۸۶
۳۳	۵۲	۷۰	۱۲۱	۱۰۸	۱۲۷		۱۳۴	۱۸۷	۸۱۸	۱۶۲/۴	۴۰	۳۳۸۷
۳۸	۴۳	۶۸	۱۱۶	۱۰۵	۱۳۱	۵	۱۳۸	۱۹۱	۸۴۷	۱۶۱/۰	۳۳	۳۳۸۸
۳۰	۵۶	۷۳	۱۲۲	۱۰۸	۳۱	۰	۱۴۳	۱۸۳	۸۲۶	۱۶۸/۵	۰۰	۳۳۸۹
۲۸	۵۰	۶۴	۱۱۴	۱۱۴	۳۴	۰	۱۴۶	۱۸۳	۷۶۵	۱۶۰/۸	۳۰	۳۳۹۰
۳۵	۴۸	۶۷	۱۱۶	۱۰۳	۳۰	۴	۱۴۷	۱۸۷	۸۰۶	۱۶۱/۵	۵۵	۳۳۹۱
۳۵	۶۱	۸۱	۱۱۱	۱۰۹	۳۶	۷	۱۴۶	۱۹۷	۸۱۱	۱۶۶/۵	۴۰	۳۳۹۲
۳۳	۴۴	۶۴	۱۱۹	۱۱۴	۳۶	۸	۱۴۳	۱۹۶	۸۲۲	۱۷۰/۲	۳۰	۳۳۹۳
۳۱	۵۱	۷۱	۱۱۵	۱۱۴	۲۸	۹	۱۳۸	۱۸۴	۸۳۳	۱۶۳/۵	۲۰	۳۳۹۴
۳۰	۴۸	۶۷	۱۱۱	۱۰۴	۳۰	۱	۱۴۵	۱۸۹	۸۳۵	۱۶۰/۳	۳۰	۳۳۹۵
۳۳	۵۷	۷۷	۱۲۶	۱۱۲	۳۴	۳	۱۴۲	۱۸۰	۸۶۲	۱۶۴/۰	۵۵	۳۳۹۶
۳۶	۵۶	۷۳	۱۲۹	۱۱۳	۳۶	۱	۱۴۵	۱۸۳	۸۸۰	۱۷۲/۳	۳۰	۳۳۹۷
۳۰	۵۰	۷۰	۱۲۲	۱۰۷	۳۳	۵	۱۴۱	۱۸۶	۸۴۶	۱۶۸/۸	۲۸	۳۳۹۸

شاخه ها

شماره	طول جوش	عرض جوش	قدنقشه لسی	تناسب سر	پیشانی آهانه	سورت	قسمت‌های صورت	بینی	جوش	جوهه فکین	جوهه و پیشانی
۳۳۸۶	۵۷	۳۹	۱۲	۷۴/۹	۷۸/۶	۹۷/۶	۵۹/۴	۵۵/۴	۶۸/۴	۷۹/۷	۸۹/۴
۳۳۸۷	۶۰	۳۸	۵۰/۴	۷۱/۷	۸۲/۸	۹۵/۳	۵۵/۱	۶۲/۵	۶۳/۳	۸۵/۰	۸۷/۴
۳۳۸۸	۵۸	۳۹	۵۲/۶	۷۲/۳	۸۳/۳	۸۸/۶	۵۱/۹	۳۸/۴	۶۷/۲	۸۰/۲	۸۷/۸
۳۳۸۹	۶۱	۳۶	۴۹/۰	۷۸/۱	۷۶/۹	۹۳/۱	۵۵/۷	۵۳/۶	۵۹/۰	۸۲/۴	۸۴/۰
۳۳۹۰	۵۸	۳۷	۴۷/۵	۷۹/۸	۷۵/۳	۸۵/۱	۴۷/۸	۵۶/۰	۶۳/۸	۸۵/۱	۸۲/۱
۳۳۹۱	۵۵	۳۴	۵۱/۱	۷۸/۶	۷۷/۶	۸۹/۱	۵۱/۵	۷۲/۹	۶۱/۸	۷۹/۲	۸۷/۸
۳۳۹۲	۷۰	۳۶	۴۹/۹	۷۴/۱	۸۰/۱	۸۱/۱	۵۹/۶	۳۵/۴	۶۱/۷	۸۰/۲	۸۶/۰
۳۳۹۳	۶۲	۳۸	۴۸/۳	۷۳/۰	۸۲/۵	۸۷/۱	۴۷/۱	۷۵/۰	۶۱/۳	۸۳/۱	۸۶/۸
۳۳۹۴	۵۸	۴۵	۵۰/۹	۷۵/۰	۷۹/۰	۸۹/۱	۵۵/۵	۶۰/۸	۶۰/۳	۸۹/۱	۸۵/۲
۳۳۹۵	۵۸	۳۷	۵۲/۱	۷۶/۷	۷۶/۶	۸۵/۱	۵۱/۵	۶۲/۵	۶۳/۸	۸۰/۰	۸۵/۴
۳۳۹۶	۶۲	۳۴	۵۲/۶	۷۸/۰	۷۹/۶	۹۴/۱	۵۷/۵	۵۷/۹	۵۴/۸	۸۳/۰	۸۴/۳
۳۳۹۷	۶۳	۳۷		۷۹/۲	۷۶/۶		۵۳/۷	۶۴/۳	۵۸/۷	۸۳/۱	۸۱/۶
۳۳۹۸	۶۲	۳۳		۷۵/۸	۸۱/۶		۵۲/۶	۶۰/۰	۵۳/۲	۸۰/۴	۸۶/۵

اندازه‌ها

عرض	طول	طول قسمت علیای صورت	طول صورت	عرض فکین	عرض دو گونه	حداقل قطر پیشانی	عرض سر	طول بین برآمدگی پیشانی و پس سر	قد نشسته	قد	سن	شماره
۳۰	۵۷	۷۵	۱۲۱	۱۶	۱۳۳	۱۰۷	۱۵۹	۱۸۹	۸۳۳	۶۹	۳۰	۳۳۹۹
۳۶	۵۶	۷۸	۱۳۴	۱۰۴	۱۳۸	۱۱۸	۱۴۱	۱۸۲	۸۳۱	۱۷۲٫۸	۲۳	۳۴۰۰
۳۲	۵۴	۷۶	۱۳۷	۱۰۳	۱۲۷	۱۰۹	۱۴۳	۱۸۸	۷۷۵	۱۰۵٫۳	۵۰	۳۴۰۱
۳۱	۴۲	۶۵	۱۱۷	۱۱	۱۳۴	۱۱۳	۱۳۳	۱۷۶	۷۸۵	۵۷٫۷	۴۰	۳۴۰۲
۳۰	۴۸	۶۸	۱۱۹	۱۰	۱۳۴	۱۱۲	۱۳۸	۱۸۱	۸۰۵	۶۱٫۰	۱۸	۳۴۰۳
۳۱	۵۳	۷۷	۱۳۲	۱۶	۱۴۶	۱۱۴	۱۴۵	۱۸۷	۸۰۸	۶۹٫۰	۲۴	۳۴۰۴
۳۶	۴۶	۷۱	۱۲۳	۱۱	۱۳۵	۱۱۴	۱۴۶	۲۰۰	۸۴۷	۷۸٫۰	۳۰	۳۴۰۵
۳۰	۵۵	۷۱	۱۱۸	۹۸	۱۲۷	۱۱۱	۱۳۸	۱۷۶	۸۱۸	۵۸٫۷	۲۰	۳۴۰۶
۴۲	۵۴	۷۳	۱۲۴	۲۱	۱۴۰	۱۱۵	۱۴۱	۲۰۱	۸۲۴	۷۱٫۴	۶۰	۳۴۰۷

شاخص‌ها

شماره	طول گوش	عرض گوش	قدنشته لسی	تناسب سر	پیشانی و آهانه	صورت	قسمت علیای صورت	بینی	گوش	گوه فکین	گوه و پیشانی
۳۳۹۹	۵۳	۳۱	۴۹/۲	۸۴/۱	۶۷/۳	۹۱/۰	۵۶	۵۲/۶	۵۸/۵	۸۷/	۰/۵
۳۴۰۰	۶۲	۳۶	۴۸/۱	۷۷/۵	۸۳/۷	۹۷/۱	۵۶/۵	۶۴/۳	۵۸/۱	۷۵/	۸۵/۵
۳۴۰۱	۶۱	۳۸	۴۹/۹	۷۷/۱	۷۶/۲	۰۷/۹	۵۹/۸	۵۹/۳	۶۲/۳	۸۱/	۸۵/۸
۳۴۰۲	۵۶	۴۰	۴۹/۷	۷۵/۶	۸۵/۰	۸۷/۳	۴۸/۵	۷۳/۸	۷۱/۴	۸۲/	۸۴/۳
۳۴۰۳	۵۳	۳۱	۵۰/۰	۸۶/۲	۸۱/۲	۸۸/۸	۵۰/۸	۶۲/۵	۵۸/۵	۸۲/	۸۳/
۳۴۰۴	۵۹	۴۰	۴۷/۸	۵۶/۵	۷۸/۶	۹۰/۴	۵۲/۷	۵۸/۵	۶۷/۸	۷۹/	۷۸/
۳۴۰۵	۶۴	۳۳	۴۷/۴	۷۳/۰	۷۸/۱	۹۱/۱	۵۲/۶	۷۸/۳	۵۱/۶	۸۲/	۸۴/
۳۴۰۶	۵۳	۳۴	۵۱/۵	۳/۸/۴	۸۰/۴	۹۲/۹	۵۵/۹	۵۴/۶	۷/۹/۸	۷۷/	۸۷/
۳۴۰۷	۵۳	۳۷	۴۸/۱	۷۰/۲	۸۱/۶	۸۸/۶		۷۷/۸	۶۹/۸	۸۶/	۸۲/

اندازه‌ها و شاخص‌های مردان کناره

اندازه‌ها	تعداد	حدود	میانگین	S. D.	C. V.
سن	۷۴	۱۷-۱۸	$19.4 \pm 37/20$	$1.67 \pm 12/00$	$1/79 \pm 32/30$
قد	۷۴	۱۹۳-۱۴۶	$165.0 \pm 160/04$	$7.69 \pm 37/7$	$4/04 \pm 22/7$
قد نشسته	۷۴	۹۲-۷۲	81.97 ± 78	$4.63 \pm 20/7$	$4/43 \pm 20/7$
طول سر	۷۳	۲۰۲-۱۷۳	187.02 ± 44	$5.02 \pm 31/7$	$7/90 \pm 16/7$
عرض سر	۷۴	۱۶۱-۱۳۲	142.96 ± 39	$4.98 \pm 28/7$	$7/48 \pm 19/7$
حداقل قطر پیشانی	۷۴	۱۲۴-۹۷	112.14 ± 31	$4.92 \pm 22/7$	$7/00 \pm 19/7$
قطر دو گونه	۷۴	۱۴۹-۱۲۰	133.30 ± 41	$5.02 \pm 29/7$	$7/90 \pm 22/7$
قطر دوفک	۷۴	۱۲۵-۹۴	107.78 ± 41	$5.02 \pm 29/7$	$4/82 \pm 27/7$
طول کل صورت	۷۴	۱۳۹-۱۱۰	122.40 ± 51	$6.00 \pm 36/7$	$5/31 \pm 29/7$
طول قسمت علیای صورت	۷۳	۸۱-۶۰	71.70 ± 39	$4.90 \pm 28/7$	$7/90 \pm 29/7$
طول بینی	۷۴	۶۳-۴۰	51.66 ± 37	$4.76 \pm 26/7$	$9/21 \pm 51/7$
عرض بینی	۷۴	۴۲-۲۵	32.81 ± 26	$3.36 \pm 19/7$	$10/24 \pm 57/7$

اندازه ها و شاخص های مردان کناره

C. V.	S. D.	میانگین	حدود	تعداد	اندازه ها
$.450 \pm 7/99$	$.777 + 4/76$	$.728 \pm 09/04$	71-48	73	طول گوش
$.440 \pm 7/18$	$.105 \pm 2/61$	$.721 + 36/33$	43-29	73	عرض گوش
شاخص ها					
$.70 + 3/04$	$.10 + 1/76$	$.144 \pm 49/74$	03-46	74	قد نشسته نسبی
$.723 \pm 4/13$	$.118 + 2/10$	$.720 + 76/30$	80-68	73	سر
$.744 \pm 4/39$	$.119 + 3/40$	$.727 + 78/64$	86-66	74	پیشانی و فرق
$.118 + 3/26$	$.105 \pm 2/76$	$.722 + 84/04$	83-68	74	گونه و پیشانی
$.726 \pm 4/64$	$.721 + 2/70$	$.729 + 80/83$	92-69	74	گونه و فک
$.734 + 2/09$	$.731 + 0/60$	$.444 + 91/90$	109-80	74	صورت
$.141 + 7/30$	$.722 + 3/93$	$.731 + 03/81$	63-43	73	قسمت علیای صورت
$.186 \pm 10/49$	$.100 + 10/00$	$.778 + 64/04$	99-44	74	بینی
$.147 + 8/40$	$.729 + 0/20$	$.441 + 61/90$	76-49	73	گوش

طبقه بندی طبق سیستم هاروارد

مجموع	بلند (X-۱۶۹/۵)	متوسط (۱۶۹/۴-۱۶۰/۵)	کوتاه (۱۶۰/۵-X)	
۷۴	۱۸	۴۰	۱۶	تعداد
۹۹/۹۹	۲۴/۳۲	۵۴/۰۵	۲۱/۶۲	درصد

شاخص سر

مجموع	سر کوتاه (X-۸۲/۶)	سر متوسط (۸۲/۵-۷۶/۶)	سردراز (۷۶/۵-X)	
۷۳	۲	۳۵	۳۶	تعداد
۱۰۰/۰۱	۲/۷۴	۴۷/۹۵	۴۹/۳۲	درصد

شاخص کل صورت

مجموع	صورت باریک (X-۸۹/۵)	صورت متوسط (۸۹/۴-۸۴/۶)	صورت عریض (۸۴/۵-X)	
۷۴	۴۷	۲۲	۵	تعداد
۱۰۰/۰۰	۶۳/۵۱	۲۹/۷۳	۶/۷۶	درصد

شاخص بینی

مجموع	بینی پهن (X-۸۳/۵)	بینی متوسط (۸۳/۴-۶۷/۵)	بینی باریک (۶۷/۴-X)	
۷۴	۴	۲۰	۵۰	تعداد
۱۰۰/۰۱	۵/۴۱	۲۷/۰۳	۶۷/۵۷	درصد

خصوصیات شکل شناسی ده نشینان گناره

شماره	شکل	سافت	رنگ	رنگ	رنگ	چشم	پیشانی	پره
۳۳۳۴	مجمد درشت	خشن	قهوه‌سیر	قهوه‌ای‌سیر	صاف	سیاهی	محدب	متوسط
۳۳۳۵	و	متوسط	و	و	و	و	محدب	و
۳۳۳۶	و	متوسط نرم	و	و	صاف	یکنواخت	صاف	و
۳۳۳۷	مجمد خیلی درشت	نرم	سیاه‌خاکستری	و	و	و	و	و
۳۳۳۸	و	متوسط	سیاه	و	لک‌دار	حلقه‌دار	و	و
۳۳۳۹	مجمد درشت	نرم	و	و	صاف	یکنواخت	محدب	و
۳۳۴۰	و	خشن	و	و	و	و	صاف	و
۳۳۴۱	مجمد خیلی درشت	متوسط	قهوه‌سیر	و	و	و	صاف	متوسط‌باز
۳۳۴۲	مجمد درشت	نرم	سیاه	خاکستری قهوه‌	لک‌دار	حلقه‌دار	محدب	باز
۳۳۴۳	و	و	و	قهوه‌سیر	صاف	یکنواخت	و	متوسط
۳۳۴۴	مجمد خیلی درشت	و	سیاه‌خاکستری	و	و	و	صاف	متوسط‌باز
۳۳۴۵	مجمد درشت	و	قهوه‌سیر	و	و	و	ب	متوسط

خصوصیات شکل شناسی ده نشینان کناره

شماره	شکل	مو			چشم			پیش	
		بافت	رنگ	رنگ	سپیده	سیاهی	لهریخ	پره	
۳۳۴۹	مجمددرشت	متوسط	سیاه	قهوه‌سیر	صاف	پکنواخت	محدب	متوسط باز	
۳۳۴۷		نرم	سیاه خاکستری					باز	
۳۳۴۸	مجمد ریز	متوسط	قهوه سیر		لک‌دار	صاف		
۳۳۴۹	مجمددرشت	متوسط نرم	سیاه خاکستری		حلقه‌دار			متوسط	
۳۳۵۰		نرم			صاف	پکنواخت			
۳۳۵۱		متوسط	سیاه				مقعر	باز	
۳۳۵۲		خشن					محدب	متوسط	
۳۳۵۳			قهوه سیر		لک‌دار		صاف		
۳۳۵۴			سیاه		صاف		مقعر		
۳۳۵۵		متوسط					صاف		
۳۳۵۶		نرم					محدب		
۳۳۵۷			قهوه‌سیر				محدب مقعر	باز	

شماره	مو			رنگ			چشم			پیش	
	شکل	بافت	رنگ	رنگ	رنگ	سپیده	سیاهی	نبرخ	پره		
۲۳۵۸	مجدددرشت	نرم	خاکستری سیاه	قهوه سیر	قهوه سیر	صاف	یکنواخت	صاف	متوسط	و	متوسط
۲۳۵۹	و	خشن	سیاه خاکستری	و	و	و	و	و	و	و	و
۲۳۶۰	و	متوسط	سیاه	و	و	و	و	محدب	فشرده	و	فشرده
۲۳۶۱	و	و	قهوه سیر	و	و	صاف	یکنواخت	صاف	متوسط	و	متوسط
۲۳۶۲	و	نرم	سیاه	و	و	و	و	محدب	و	و	و
۲۳۶۳	و	و	و	و	و	و	و	و	و	و	و
۲۳۶۴	و	متوسط	و	و	و	و	و	محدب	متوسط باز	و	متوسط باز
۲۳۶۵	و	خشن متوسط	سفید	و	و	و	و	صاف	متوسط	و	متوسط
۲۳۶۶	و	نرم	سیاه	و	و	و	و	محدب	فشرده	و	فشرده
۲۳۶۷	و	نرم	و	و	و	و	و	و	باز	و	باز
۲۳۶۸	و	متوسط	خاکستری	سبز قهوه	حلقه دار	لکدار	حلقه دار	و	باز	و	باز
۲۳۶۹	و	نرم	سیاه	قهوه سیر	یکنواخت	صاف	یکنواخت	محدب	متوسط	و	متوسط

خصوصیات شکل شناسی ده نشینان گناره

شماره	شکل	مو			چشم			پیشانی	
		رنگ	رنگ	سایه	زیرخ	پره	متوسط	متوسط	
۳۳۲۷۰	مجدددرشت	متوسط نرم	سیاه خاکستری	قهوه سیر	لک دار	یکنواخت	محدب	متوسط	
۳۳۲۷۱	د	...	سیاه	د	صاف	د	صاف	د	
۳۳۲۷۲	د	متوسط	د	د	د	د	د	فشرده متوسط	
۳۳۲۷۳	د	نرم	د	د	د	د	د	متوسط	
۳۳۲۷۴	د	متوسط	د	د	د	د	د	فشرده	
۳۳۲۷۵	د	نرم	د	د	د	د	محدب	د	
۳۳۲۷۶	د	د	د	د	د	د	د	د	
۳۳۲۷۷	د	د	د	د	د	د	صاف	متوسط باز	
۳۳۲۷۸	د	د	د	د	د	د	محدب	متوسط	
۳۳۲۷۹	د	د	د	د	د	د	د	د	
۳۳۲۸۰	د	متوسط	قهوه سیر	سبز قهوه	لک دار	حلقه دار	د	متوسط باز	
۳۳۲۸۱	مجدد ریز	نرم	سیاه	قهوه سیر	صاف	یکنواخت	د	متوسط	

شماره	شکل	چشم			بافت	شکل	شماره
		رنگ	سپیده	سیاهی			
۲۳۲۸۲	مجدد ریز	قهوه سبز	صاف	یکنواخت	متوسط	پره	
۲۳۲۸۳	مجدد درشت	نرم	و	و	موجودار	و	
۲۳۲۸۴	و	و	و	و	صاف	و	
۲۳۲۸۵	مجدد ریز	خشن	و	و	محدب	و	
۲۳۲۸۶	مجدد درشت	متوسط	حلقه دار	حلقه دار	صاف	و	
۲۳۲۸۷	و	و	صاف	خط دار	محدب	و	
۲۳۲۸۸	و	قهوه سبز	و	یکنواخت	محدب مقعر	باز	
۲۳۲۸۹	و	نرم	و	و	محدب	متوسط	
۲۳۲۹۰	و	خشن متوسط	لک دار	حلقه دار	محدب	و	
۲۳۲۹۱	و	متوسط سیاه خا کستری	و	و	صاف	و	
۲۳۲۹۲	مجدد ریز	و	صاف	یکنواخت	محدب	و	
۲۳۲۹۳	مجدد درشت	خشن متوسط	لک دار	حلقه دار	صاف	متوسط باز	
۲۳۲۹۴	و	قهوه	صاف	یکنواخت	محدب	متوسط	

خصوصیات شکل شناسی ده نشینان کناره

پلی	پشم	پشم	پشم	پشم	پشم	پشم	پشم	پشم	پشم
لا	مختلج	سپاهی	سفیده	رنگ	رنگ	بافت	شکل	شماره	
لاقرده	محدب	یکنواخت	صاف	قهوه سبز	قهوه سبز	نرم	جعددرشت	۳۳۹۵	
متوسط باز	محدب	و	و	خاکستری	و	و	و	۳۳۹۶	
متوسط	صاف	۰۰۰	۰۰۰	سبز قهوه	بیاه	متوسط	و	۳۳۹۷	
متوسط	محدب	یکنواخت	صاف	قهوه سبز	و	متوسط نرم	و	۳۳۹۸	
متوسط باز	موجدار	و	و	و	و	متوسط	حیلی درشت	۳۳۹۹	
و	محدب	حلقه دار	لاک دار	سبز قهوه	و	متوسط نرم	جعددرشت	۳۴۰۰	
متوسط	و	۰۰۰	۰۰۰	خاکستری	قهوه خاکستری	متوسط	و	۳۴۰۱	
و	محدب	خطدار	لاک دار	سبز قهوه	سپاه	و	و	۳۴۰۲	
متوسط باز	صاف	و	و	قهوه سبز	قهوه سبز	نرم	و	۳۴۰۳	
و	محدب	یکنواخت	صاف	قهوه سبز	سپاه	خشن متوسط	و	۳۴۰۴	
باز	مقر	حلقه دار	لاک دار	و	و	نرم	و	۳۴۰۵	
متوسط	محدب	یکنواخت	صاف	و	و	متوسط	و	۳۴۰۶	
باز	محدب	و	و	سفید	و	و	و	۳۴۰۷	

لرهای پشت کوه

در نتیجه اقدام جدی اولیای امور لرستان اکنون امنیت دارد و دانشمندان و علما با ارائه مدارک میتوانند اجازه مسافرت باین ناحیه بگیرند. کلیه این ناحیه خلع سلاح شده است .

بعلت کمی وقت در ماه اوت و سپتامبر مسافرت به لرستان و ناحیه بختیاری امکان پذیر نبود . اجازه مسافرت بلرستان از طرف اولیای امور در طهران و فرماندار اصفهان داده شده بود. ولی در بغداد باربران انبار گمرک همه لر پشت- کوه بودند . با مساعدت اولیای امور عراقی اینجانب موفق شدم که از ۵۲ نفر لر متعلق به قبیله حسنقلی خان اندازه گیری و عکسبرداری کنم. این افراد دارای قد بلند (۱۶۸/۶۳) هستند و از حیث نیروی جسمانی و حس بردباری از همه گروههای دیگر ممتاز میباشند . بار سنگین و عظیمی بدوش میکشند و گاهی يك نوع مخصوصی پسته بکار میبرند و سر خود را می بندند. در ایران و عراق اغلب برای باربری و حمل اشیاء و مال التجاره سنگین از لرها استفاده میکنند. اگرچه لرها خوش طبیعت و خوش اخلاق هستند بحیث ظاهر قیافه سبع و وحشتناک دارند، موی سر دراز و پیچیده آنان این اثر را تقویت میکند.

بطور کلی اندازه واحد فامیلی کوچک است و احتمال میرود که در اثر میزان زیاد تلفات اطفال باشد در این گروه اندازه گیری شده بیست و پنج درصد متأهل ولی فقط پانزده درصد دارای اولاد بودند. از طرف دیگر جوانی نسبی این عده تا حدی باین مسئله کمک کرده است.

آمار اساسی

(۱) متأهل : ۳۲۸۱-۳۲۹۱ (دو زن) - ۳۲۹۳ (دو بار متأهل شده) -

۳۲۹۴-۳۲۹۸-۳۳۰۰-۳۳۰۲-۳۳۱۱-۳۳۱۶-۳۳۱۸-

۳۳۲۸-۳۳۲۹-۳۳۳۱

(۲) غیر متأهل : ۳۹ نفر

(۳) اولاد - همه زنده

شماره ۳۲۹۱ - دودختر از زن دوم

شماره ۳۲۹۳ - ۱ پسر - سه دختر

شماره ۳۲۹۴ و ۳۲۲۸ - ۲ پسر

شماره ۳۲۹۸ و ۳۳۱۱ - ۱ دختر و ۱ پسر

شماره ۳۳۰۲ - سه پسر

شماره ۳۳۱۸ - سه پسر و دودختر

(۴) برادر و خواهر - همه زنده

شماره ۳۲۹۶ و ۳۳۰۳ و ۳۳۲۲ - خواهر هیچ - برادر ۱

شماره ۳۲۸۷ و ۳۲۹۷ و ۳۳۱۳ و ۳۳۲۹ - خواهر ۱ - برادر ۱

شماره ۳۲۸۴ و ۳۲۹۳ و ۳۳۰۱ و ۳۳۲۵ و ۳۳۳۱ - خواهر هیچ -

برادر ۲

شماره ۳۲۹۵ و ۳۳۰۰ و ۳۳۳۲ - خواهر ۱ - برادر ۲

شماره ۳۲۳۸ و ۳۲۸۶ و ۳۳۰۴ و ۳۳۰۹ و ۳۳۱۰ - خواهر ۲ - برادر ۱

شماره ۳۳۲۰ - خواهر ۳ - برادر هیچ

شماره ۳۲۸۱ و ۳۲۸۸ و ۳۲۹۲ - خواهر ۲ - برادر ۲

شماره ۳۳۱۱ و ۳۳۳۰ - خواهر ۱ - برادر ۳

شماره ۳۳۲۴ - خواهر ۳ - برادر ۱

شماره ۳۳۱۲ و ۳۳۱۴ - خواهر ۲ - برادر ۳

شماره ۳۲۹۴ - خواهر هیچ - برادر ۶

شماره ۳۳۰۵ و ۳۳۰۶ - خواهر ۳ - برادر ۳

شماره ۳۳۰۷ - خواهر ۲ - برادر ۴

شماره ۳۳۰۸ - خواهر ۴ - برادر ۲

شماره ۳۳۲۱ - خواهر ۵ - برادر ۱

شماره ۳۳۱۷ و ۳۲۹۸ - خواهر ۳ - برادر ۵

شماره ۳۲۸۹ - خواهر ۶ - برادر ۲

شماره ۳۳۲۷ - خواهر ۲ - برادر ۷

سن = در حدود ۸۰ درصد افراد از ۳۴ سال کمتر داشتند و در حدود

یک چهارم از ۲۴ سال کمتر داشتند. میانگین سن آنها ۳۰/۱۵.

سن

سن	تعداد	درصد	سن	تعداد	درصد
۲۴-۲۰	۱۴	۲۶/۹۲	۵۴-۵۰	۲	۳/۸۵
۲۹-۲۵	۱۶	۳۰/۷۷	۵۹-۵۵	۰	-
۳۴-۳۰	۱۲	۲۳/۰۸	۶۴-۶۰	۰	-
۳۹-۳۵	۵	۹/۶۲	۶۹-۶۵	۰	-
۴۴-۴۰	۲	۳/۸۵	۷۰-۷۵	۱	۱/۹۲
۴۹-۴۵	۰	-			

خصوصیات شکل شناسی لرهای پشت کوه

رنگ پوست = رنگ پوست آنها تیره تر از رنگ اروپائیان جنوبی است ولی تنوع زیادی در بین آنها مشاهده میشود از جمله رنگ قهوه روشن (شماره ۳۳۲۲-تصویر ۱۰۹- شکل ۳ و ۴) تا قهوه تیره (شماره ۳۲۸۷- تصویر ۱۱۷ شکل ۱ و ۲). افراد شماره ۳۲۹۸ (تصویر ۱۱۸ شکل ۳ و ۴) و ۳۳۱۷ (تصویر ۱۰۹- شکل ۱ و ۲) هر کدام دارای صورت تیره بودند ولی قسمت فوقانی پیشانی آنها که آفتاب ندیده بود سفید بود و این نشانه اثر شدید آفتاب و هوا در این منطقه میباشد. این خصوصیت در افراد متعدد دیگر این گروه مشاهده شد. در گرمای شدید بغداد در تابستان و سرمای یخبندان زمستان پوست صورت را که در معرض هوا قرار دارد حالت سوختگی میدهد و این امر در بین لرها که به نظافت اهمیت زیاد نمیدهند و با وجود نزدیکی رودخانه دجله که در کنار اداره گمرک بغداد قرار دارد شست و شو نمیکنند تشدید یافته است.

مو = مو بطور کلی قهوه تیره است ولی موارد قهوه قرمز رنگ نیز مشاهده شد. از لحاظ شکل مجعد درشت و با جزئی تنوع میباشد. از حیث بافت متوسط و متمایل به خشن است. در بعضی موارد سر بصورت مخروطی تراشیده شده است مثلاً فرد شماره ۳۳۱۳ (تصویر ۶ شکل ۱ و ۲ و تصویر ۱۰۸- شکل ۳ و ۴) موی سر خود را از جلوی پیشانی تا مغز سر بصورت نیم دایره تراشیده بود. و فرد ۳۳۰۷ (تصویر ۳- شکل ۱ و ۲- تصویر ۱۰۶- شکل ۱ و ۴) یک قسمت مربع مستطیلی شکل از جلوی پیشانی تا کنار سر را تراشیده است. فرد شماره

۳۳۰۹ (تصویر ۱۱۵ - شکل ۱ و ۲) مغز سر خود و یک باریکه از جلوی پیشانی تا مغز سر را تراشیده است و بشکل سر بعضی از کیشیان مسیحی در آورده است.

رنگ	تعداد	درصد	حالت	تعداد
سیاه	۱	۲/۰۸	صاف	۰
قهوه خیلی تیره	۰	-	مجعد خیلی درشت	۳
قهوه تیره	۳۹	۸۱/۲۵	مجعد درشت	۴۰
قهوه	۰	-	مجعد ریز	۳
قهوه قرمز رنگ	۲	۱۴/۵۸	مجعد افریقائی	۰
قهوه روشن	۰	-	پشمالو	۱
قرمز	۰	-	مجموع	۴۷
سیاه و خاکستری	۰	-	بالک	تعداد
قهوه و خاکستری	۱	۲/۰۸	خشن	۶
قهوه روشن و خاکستری	۰	-	خشن - متوسط	۰
خاکستری	۰	-	متوسط	۳۶
سفید	۰	-	متوسط - نرم	۱
مجموع	۴۸	۹۹/۹۹	نرم	۱
			مجموع	۴۴

ریزش مو بطور عادی با افزایش سنی مشهود بود. موی خاکستری تا حد قابل ملاحظه تا قبل از چهل سالگی بندرت مشاهده شد و در مورد افراد پیرتر کمتر از حد عادی بود. فرد شماره ۳۳۳۱ برای جلوگیری از سفید شدن مو حنا بسته بود.

همه افراد بجز دو نفر سیبل داشتند. پرموئی غیر عادی در بدن فقط در مورد یک نفر یعنی فرد شماره ۳۳۱۱ (تصویر ۳ - شکل ۳ و ۴ و تصویر ۱۲۶ - شکل ۳ و ۴) مشاهده شد. نمونه موی سی و دو نفر از افراد گرفته شد.

چشم = رنگ چشم آنها بطور کلی قهوه بود. نیمی دارای چشم برنگ قهوه سبز و یک سوم قهوه آبی و بقیه قهوه سبز بودند. این رنگهای روشن تر حاکی از امکان وجود عنصر بور در بین آنها میباشد. در بین آنها نیمی موی قهوه سبز داشتند پنج نفر دارای چشم قهوه سبز و سیزده نفر دارای چشم قهوه آبی بودند فقط یک نفر که موی قهوه قرمز رنگ بود چشم قهوه تیره داشت و شش نفر بقیه رنگ روشنتر. داشتند بیش از نیمی از سیاهی چشم یکنواخت بود و یک سوم خط دار و ده درصد آنها حلقه دار بود باستثنای ۱۴ درصد که دارای سفید لک -

مردم شناسی جسمانی ایران - ۴۹۷

دار بودند همه افراد بجز يك نفر سفیده صاف داشتند شكاف چشم مانند چشم اروپائیان تقریباً اقلی بود و موارد غیر عادی مشاهده نشد. در بین لرها عدد زیادی ابروان پیوسته داشتند.

چشم

رنگ	تعداد	درصد	سیاهی	تعداد	درصد
سیاه	۰	—	یکنواخت	۳۰	۶۱/۲۲
قهوه سیر	۲۵	۰/۰۰	حط دار	۱۴	۲۸/۵۷
قهوه آبی	۱۷	۳۴/۰۰	حلقه دار	۵	۱۰/۲۰
قهوه سبز	۸	۱۶/۰۰	مجموع	۴۹	۹۹/۹۹
قهوه خاکستری	۰	—	سفیده	تعداد	درصد
آبی	۰	—	صاف	۴۲	۸۴/۰۰
خاکستری	۰	—	زرد	۰	—
قهوه روشن	۰	—	لك دار	۷	۱۴/۰۰
خاکستری آبی	۰	—	خونین	۰	—
سبز آبی	۰	—	لك دار و خونین	۱	۲/۰۰
مجموع	۵۰	۱۰۰/۰۰	مجموع	۵۰	۱۰۰/۰۰

بینی = نیمرخ بینی یا محدب بود یا صاف. بطور کلی بینی بر جسته بود و درجه تحدب متنوع و از کم تا خیلی زیاد وجود داشت مانند افراد شماره ۳۲۸۱ (تصویر ۱۲۰ - شکل ۱ و ۲) و ۳۲۹۴ (تصویر ۷ - شکل ۳ و ۴) و تصویر ۱۲۷ (شکل ۳ و ۴) و ۳۳۲۲ (تصویر ۱۰۹ - شکل ۳ و ۴). پره بینی نیز دارای تنوع و از فشرده تا باز نشان میداد. ۷۵ درصد افراد در طبقه متوسط تا متوسط باز قرار گرفتند در حال نیمرخ سوراخ بینی پنهان بود مانند بینی فرد شماره ۳۳۲۹ (تصویر ۱ - شکل ۳ و ۴ - تصویر ۱۲۵ - شکل ۳ و ۴) یا بطور قابل ملاحظه هلالی مانند بینی فرد شماره ۳۳۳۰ (تصویر ۱۱۲ - شکل ۳ و ۴). نوک بینی نازک یا پهن است ولی تمایل به پهنی است. فرورفتگی بیخ بینی یا تقریباً وجود نداشت مانند فرد شماره ۳۳۰۳ (تصویر ۱۲۸ - شکل ۲ و ۱) یا بعد اکثر متنوع بود مانند افراد شماره ۳۲۸۳ (تصویر ۱۱۶ - شکل ۳ و ۴) شماره ۳۳۱۱ (تصویر ۳ - شکل ۳ و ۴ - تصویر ۱۲۶ - شکل ۳ و ۴) و شماره ۳۳۲۲ (تصویر ۱۰۹ - شکل ۳ و ۴).

بینی

درصد	تعداد	پره	درصد	تعداد	نیمرخ
۷/۶۹	۴	فشرده	۳/۹۲	۲	کج
۳/۸۵	۲	فشرده متوسط	۰	۰	مقعر
۴۶/۱۵	۲۴	متوسط	۴۹/۰۲	۲۵	صاف
۲۸/۸۵	۱۵	متوسط باز	۴۵/۱۰	۲۳	محدب
۱۳/۴۶	۷	باز	۱/۹۶	۱	مقعر و محدب
۰۰۰۰	۰	باز+			
۱۰۰/۰۰	۵۲	مجموع	۱۰۰/۰۰	۵۱	مجموع

برجستگی فك که در میان بعضی از لرها یافت میشود در افراد زیر بخوبی

مشهود است :

شماره ۳۲۸۵ (تصویر ۱۲۱ - شکل ۱ و ۲) ۳۲۹۱ (تصویر ۶ - شکل ۳ و ۴ و تصویر ۱۲۳ - شکل ۱ و ۲) شماره ۳۲۹۶ (تصویر ۱۱۰ - شکل ۳ و ۴) و شماره ۳۳۳۰ (تصویر ۱۱۲ - شکل ۳ و ۴).

دهان و دندان = لب این افراد فرق زیادی با لب اروپائیان عادی ندارد و از باریک مانند (شماره ۳۳۰۹ - تصویر ۱۱۵ - شکل ۱ و ۲) گرفته تا متوسط و متوسط کلفت شماره ۳۲۸۴ (تصویر ۱۰۷ - شکل ۱ و ۲) وجود دارد. لب بالا ممکن است راست باشد مانند فرد شماره ۳۲۸۱ (تصویر ۱۲۰ - شکل ۱ و ۲) یا کمانی مانند فرد شماره ۳۳۱۴ (تصویر ۱۱۹ - شکل ۱ و ۲) در حالی که لب برگشته یا حالت برگشتگی از هیچ (شماره ۳۳۰۱ - تصویر ۱۱۰ - شکل ۱ و ۲) تا متوسط (شماره ۳۳۱۶ - تصویر ۱۲۶ - شکل ۱ و ۲ و شماره ۳۳۲۰ - تصویر ۱۱۱ - شکل ۱ و ۲) دیده میشود.

دندان

درصد	تعداد	وضع
-	۰	خیلی بد
۱۲/۸۲	۵	بد
۲۰/۵۱	۸	متوسط
۴۳/۵۹	۱۷	خوب
۲۳/۰۸	۹	عالی
۱۰۰/۰	۳۹	مجموع

دندان اغلب افراد با استثنای معدودی خوب بود و رویهم افتادگی نسبتاً کم است و فقط سه مورد دندان لب بلب دیده شد.

صورت = چانه از لحاظ شکل و تناسب متوسط بود. شکل آن متمایل به بیضی شکل است. مانند افراد شماره ۳۳۱۳ (تصویر ۶ شکل ۱ و ۲ و تصویر ۱۰۸ شکل ۳ و ۴) و یا مربع شکل مانند شماره ۳۲۸۳ (تصویر ۱۱۶ - شکل ۳ و ۴). نوع چانه سنگین که در میان سایر گروههای ایران و عراق مشاهده میشود در بین لرها دیده نمیشود. البته این مطلب را با تردید باید تلقی کرد زیرا تعداد افراد لرها که مورد بررسی قرار گرفتند معدود است. در موارد معدودی چانه کوچک و تو رفته بنظر رسید مانند افراد شماره ۳۳۰۵ (تصویر ۱۱۵ - شکل ۳ و ۴) و شماره ۳۳۰۶ (تصویر ۱۱۱ - شکل ۳ و ۴) و شماره ۳۳۲۵ (تصویر ۱۱۳ شکل ۳ و ۴). گردن بطور معمول متوسط و استوانه شکل بود. ناحیه گوتنه از حیث اندازه متوسط و بین ۱۲۵ و ۱۴۹ و واحد متوسط ۱۳۴/۷۰ قرار داشت. در بین ۵۲ نفر لرها که مورد بررسی قرار گرفتند هیچگونه نقص و عدم تناسب مشاهده نشد.

عضله بندی = از لحاظ عضله بندی نود درصد مردان خوب و ده درصد عالی بودند. باید بخاطر داشت که این افراد لرها مردان منتخبی هستند که بدن قوی دارند و کار باربری به تقویت عضلانی آنها کمک میکند مثلاً فرد شماره ۳۲۹۳ (تصویر ۱۳۰ و ۱۳۱) که سن او ۷۰ بود جزء کسانی بود که عضله بندی عالی داشت. همین وضع در میان باربران یزیدی که در شهر تفلیس پایتخت گرجستان بررسی و اندازه گیری شدند ملاحظه شد.

سلامتی = بطور کلی لرها از حیث سلامتی خوب بودند. يك نفر (شماره ۳۳۱۹ - تصویر ۱۲۴ - شکل ۳ و ۴) روی مغز سرش بیماری جلدی داشت و يك نفر دیگر (شماره ۳۲۸۷ - تصویر ۱۱۲ - شکل ۱ و ۲) آبله داشته و بهبودی حاصل کرده بود. فرد شماره ۳۲۸۴ (تصویر ۱۰۷ شکل ۱ و ۲) جای زخم متعدد روی سر داشت که ظاهراً در اثر تیغ زدن بوجود آمده. فرد شماره ۳۲۸۷ (تصویر ۱۱۲ شکل ۱ و ۲) شکستگی در بازوی چپ داشت و فرد شماره ۳۲۹۹ (تصویر ۱۰۵ شکل ۱ و ۲) لکه سیاهی روی گردن خود داشت.

در میان این گروه ۳۰ درصد علامت داغ داشتند. شماره ۳۲۹۱ (تصویر

۶- شکل ۳ و ۴ و تصویر ۱۲۳- شکل ۱ و ۲) جای زخم مدور بزرگی روی مچ راست خود داشت که ظاهراً برای قوت دادن بدست انجام شده بود. شماره ۳۳۰۶ (تصویر ۱۱۱- شکل ۳ و ۴) علامت مشابهی برای بهبودی از بیماری داشت. خال کوبی = در حدود سی درصد افراد این گروه پنجاه و یک نفری کم و بیش خال کوبی داشتند ولی فقط یک نفر خال کوبی مفصل داشت. فرد شماره ۳۲۹۴ (تصویر ۷- شکل ۳ و ۴ و تصویر ۱۲۷- شکل ۳ و ۴) شکلی شبیه یک حیوان که ممکن است مرد سوار بر اسب باشد در زیر بازوی راست خود خال کوبی کرده بود.

خال کوبی	تعداد	درصد
هیچ	۳۵	۶۸/۶۳
کم	۱۵	۲۹/۴۱
زیاد	۱	۱/۹۶
مجموع	۵۱	۱۰۰/۰۰

بررسی آماری لرهای پشت کوه

قد = از لحاظ قد بیش از نیمی از لرها (۵۳/۷۶ درصد) در طبقه متوسط (۱۶۹۹-۱۶۰۰) قرار میگیرند. ولی طبق سیستم هاروارد ۴۴/۲۳ درصد در طبقه بلند قد یعنی ۱۶۹/۵، بالا واقع میشوند لرها از سه گروه دیگر ایرانیان بلند تر هستند و این امر تا حدی مربوط با زیاد طول تنه میباشد که در جدول زیر مشاهده میشود.

قد نشسته (طول تنه)

قد ایستاده	۹۰۰- \bar{x}	۸۵۰-۸۹۹	۸۰۰-۸۴۹	۷۵۰-۷۹۹	۷۰۰-۷۴۹	مجموع
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱۸۰۰- \bar{x}	۱	۱/۹۲	۰	۰	۰	۲
۱۷۰۰-۱۷۹۹	۱۳	۲۴/۹۶	۶	۱۱/۵۲	۰	۱۹
۱۶۰۰-۱۶۹۹	۶	۱۱/۵۲	۱۹	۳۶/۴۸	۰	۲۸
۱۵۹۹- \bar{x}	۰	۰	۲	۳/۸۴	۳	۵
مجموع	۲۰	۳۸/۴۰	۲۷	۵۱/۸۴	۵	۹۲

از میان ۵۲ نفر فقط دو نفر بحد ۱۸۰۰ میلیمتر رسیده بودند. فرد شماره ۳۲۸۸ (تصویر ۱۲۱ شکل ۳ و ۴) که قد او ۱۸۰۰ است طول تنه او ۹۴۰ است که ۴/۸۹ از حد متوسط گروه زیاد تر است. فرد شماره ۳۳۳۲ که قدش ۱۸۱۸ است طول تنه او ۸۴۱ یعنی ۵۰ میلیمتر کمتر از حد متوسط گروه میباشد. در

مردم شناسی جسمانی ایران - ۵۰۱

مورد اولی بلندی قد مربوط به ازدیاد طول پا است و در مورد دومی که شاخص نسبی قد نشسته او ۶/۳۴ میباشد این مطلب بیشتر محسوس است . این دو نفر را موارد استثنائی باید تلقی کرد .

در انتهای دیگر جدول سه نفر هستند که کوتاهی قد آنها بعلت کوتاهی پا میباشد و نه کوتاهی تنه زیرا قد نشسته آنها بالاتر از ۸۰۰ میلیمتر میباشد . جالب توجه آنکه هیچکس از حیث طول تنه در طبقه کوتاه (۷۵۰-۷۹۹) یا خیلی کوتاه (۷۴۹-۷۴۸) قرار نگرفت .

۱۹ نفر (۳۶/۴۸ درصد) بحد اعتدال بلند قد و تنه بلند داشتند . شاخص نسبی قد نشسته بنا بر این در اثر ازدیاد طول تنه از سایر گروههای ایران زیادتر است . چون این افراد برای کار معینی که مستلزم سلامت مزاج و قدرت حمل بار باشد انتخاب شده بودند افراد فربه یا خیلی لاغر در بین آنها دیده نشد . هیچ نوع اختلاف مخصوصی در قسمتهای مختلف بدن و فرقی بین آنها و افراد معمولی اروپائی، مشاهده نشد . دست و پا بطور کلی خوش شکل و متمایل بکوچکی ولی در اثر کار خشن بنظر میرسید . انگشتان از لحاظ عرض و طول متوسط بود ولی انگشتان پا بعلت نپوشیدن کفش کلفت جلوه میکرد .

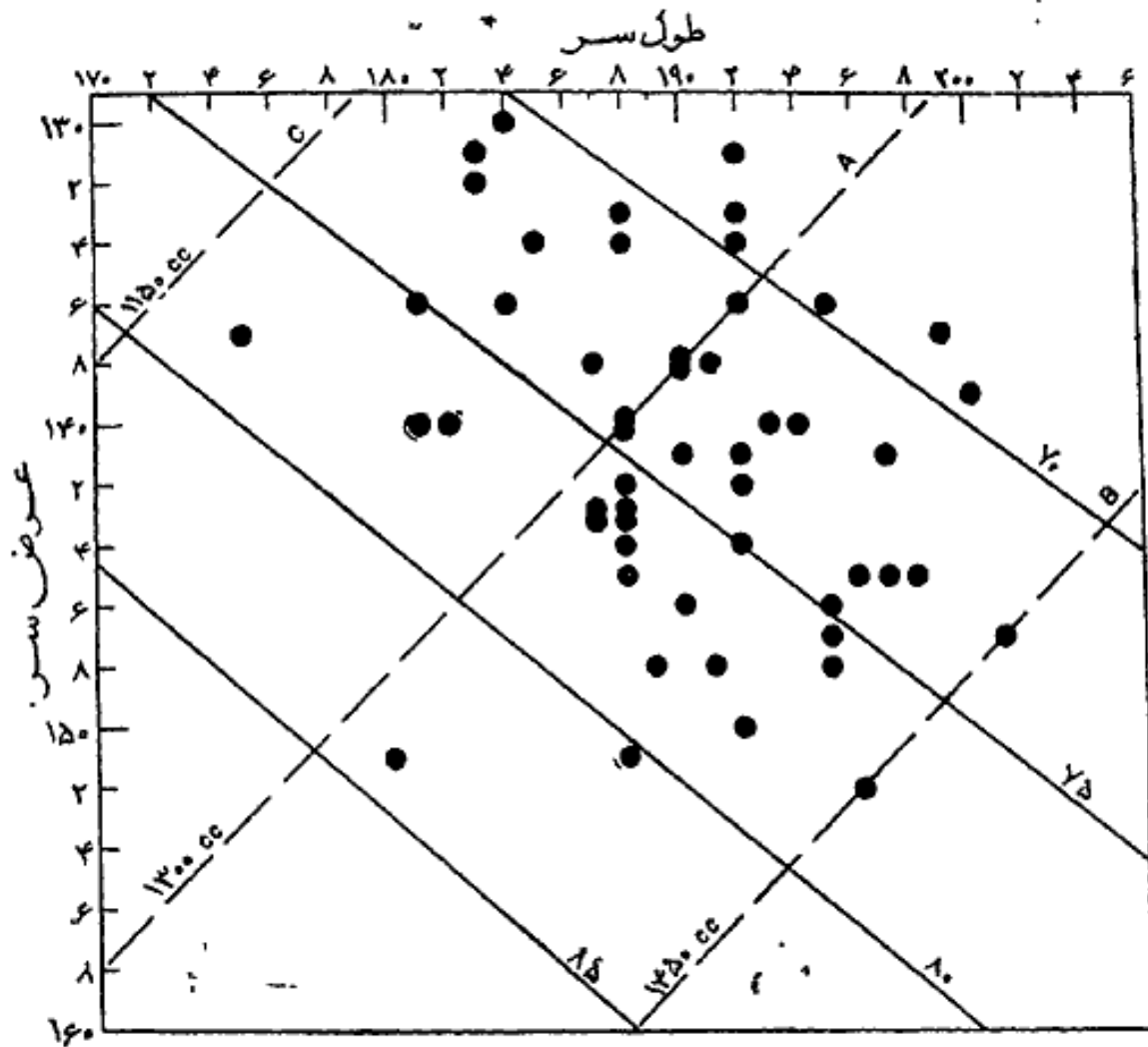
اندازه‌های سر = هیچ نوع نقص مصنوعی یا طبیعی دیده نشد طول سر (۱۸۹/۹۹) و عرض سر (۱۴۰/۶۸) میانگین سردرازی ۷۴/۲۵ بدست میدهد . سر این افراد در طبقه عمومی سایر افراد ایران و عراق قرار میگیرد ولی فرق سر کمی باریک تر است . در جدول بندی نتیجه زیر بدست میآید .

گروه طبق شاخص سر

سر	۷۰-۷۴		۷۵/۰-۷۶/۱		۷۹/۹-۷۵/۱		۸۴/۹-۸۰/۰		۸۵-۸۴		مجموع
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
کوچک	۲	۵/۷۶	۱۳	۲۴/۹۶	۴	۷/۶۸	۰	۰	۰	۰	۳۸/۴۰
متوسط	۳	۵/۷۶	۱۲	۲۳/۰۴	۱۳	۲۴/۹۶	۲	۳/۸۴	۰	۰	۳۷/۶۰
بزرگ	۰	۰	۱	۱/۹۲	۱	۱/۹۲	۰	۰	۲	۳/۸۴	۲
مجموع	۶	۱۱/۵۲	۲۶	۴۹/۹۲	۱۸	۳۴/۵۶	۲	۳/۸۴	۰	۰	۹۶/۸۴

مورد خیلی سر کوتاهی هیچ دیده نشد و فقط دو نفر در طبقه سر کوتاه قرار گرفتند . بیست و شش لری (۴۹/۹۲ درصد) در طبقه سردراز و شش نفر (۱۱/۵۲ درصد) در طبقه خیلی سردراز واقع شدند این تمایل به سردرازی با

و چون بیشتر در سه طبقه بندی سیستم هاروارد مشهود میشود که طبق آن ۷۶/۹۲ درصد گروه در طبقه سردراز قرار میگیرند .



شکل ۱۸ طول و عرض و ظرفیت سر ۵۳ نر

در مورد اندازه سر فقط دو نفر در طبقه سر بزرگ قرار گرفتند و بیست نفر (۳۸/۴۰ درصد) در طبقه سر کوچک در حالیکه اکثریت (۵۷/۶۰ درصد) اندازه سرشان متوسط بود .
پیشانی قابل مقایسه با شکل متوسط اروپائیان بود ولی در مورد مخصوص فرد شماره ۳۳۰۳ پیشانی و بینی ممتد و تقریباً بخط مستقیم قرار داشت . فرد شماره ۳۲۸۴ (تصویر ۱۰۷ - شکل ۲۹۱) دارای پیشانی سرازیر بود که بنظر میرسد تمایل کلی همه افراد گروه باشد . پیشانی خیلی برجسته مانند فرد شماره ۳۳۲۳ (تصویر ۱۱۲ - شکل ۲۹۱) نادر بود . برجستگی فوق حدقه چشم بحد متوسط بود ولی بعلت کثرت ابرو برجسته تر بنظر میآید .
منز یا فرق سر بجز در مورد فرد شماره ۳۳۲۲ (تصویر ۱۰۹ - شکل ۳ و ۴) بیش از حد برجسته نبود . گوش معمولاً خوش شکل و بطور عادی کنار سر قرار داشت و در مورد چند نفر جلو آمده بود .

مردم شناسی جسمانی ایران - ۵۰۳

استعمال کلاه نمدی یا عمامه پارچه دروضع قرار گرفتن گوش و قسمت مار- پیچ آن بی تأثیر نمیباشد درزاویه گوش تنوع قابل ملاحظه مشاهده شد. این زاویه ممکن است عمودی یا مانند مورد فرد شماره ۳۳۱۵ (تصویر ۱۱۴ - شکل ۴۹۳) متمایل باشد. جدائی پره گوش گاهی کامل نبود مانند مورد فرد شماره ۳۲۹۰ (تصویر ۱۲۲ - شکل ۴۹۳).

حداکثر عرض سر این گروه (۱۴۰/۶۸) است که باریکترین چهار گروه ایران میباشد درحالیکه حداقل قطر پیشانی (۱۱۴/۵۰) آنها را درطبقه عریض-ترین سری اندازه گرفته شده ایران درسال ۱۹۳۴ قرار میدهد. جدول زیر طبقه بندی لرها را طبق این دو اندازه نشان میدهد.

حد اقل قطر پیشانی

عرض سر	۹۹-X		۱۰۹-۱۰۰		۱۱۹-۱۱۰		X-۱۲۰		مجموع
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
۱۲۹-۱۲۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱۳۹-۱۳۰	۹	۴/۶۸	۱۵	۲۸/۸۰	۰	۰	۱۹	۳۶/۴۸	۰
۱۴۹-۱۴۰	۰	۰	۳	۵/۷۶	۲۳	۴۴/۱۶	۲۹	۵۵/۶۸	۰
X-۱۵۰	۰	۰	۰	۰	۴	۷/۶۸	۴	۷/۶۸	۰
مجموع	۷	۱۳/۴۴	۴۲	۸۰/۶۴	۳	۵/۷۶	۵۲	۹۹/۸۴	۰

در طبقه خیلی باریک هر اندازه هیچ فردی قرار نداشت. سه نفر (۵/۷۶ درصد) در طبقه خیلی عریض از لحاظ پیشانی و عریض از لحاظ عرض سر قرار داشتند. سه نفر (۵/۷۶ درصد) دارای قطر پیشانی باریک و سر نسبتاً عریض بودند. درحالیکه ۱۹ نفر (۳۶/۴۸ درصد) عرض سرشان باریک بود و فقط هفت نفر (۱۳/۴۴ درصد) پیشانی باریک داشتند. ۱۵ نفر (۲۸/۸۰ درصد) پیشانی عریض و عرض سر باریک داشتند. عرض و طول مطلق و نسبی صورت در جدول زیر نشان داده شده است.

عرض استخوان دو گونه

طول کل صورت	X-۱۲۵		۱۳۴-۱۲۵		۱۲۴-X		مجموع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد		
۱۱۴-X	۰	۰	۲	۲/۸۴	۳	۵/۷۶	۵	۹/۶۰
۱۲۴-۱۱۵	۰	۰	۱۱	۲۱/۱۲	۳	۵/۷۶	۱۴	۲۶/۸۸
X-۱۲۵	۰	۰	۱۵	۲۸/۸۰	۱۸	۳۴/۵۶	۳۳	۶۳/۳۶
مجموع	۰	۰	۲۸	۵۳/۷۶	۲۴	۴۶/۰۸	۵۲	۹۹/۸۴

در بین لره‌های بغداد کسی که دارای قوس استخوان گونه باریک باشد وجود نداشت. بیست و هشت نفر (۵۳/۷۶ درصد) در طبقه متوسط قرار داشتند و بقیه دارای گونه‌های عریض بودند. در مورد طول کل صورت ۳۳ نفر (۶۳/۳۶ درصد) در طبقه دراز و فقط ۵ نفر (۹/۶۰ درصد) در طبقه کوتاه قرار داشتند. زیادترین آنها یعنی (۳۴/۵۶ درصد) در طبقه صورت دراز و عریض واقع شدند. اگرچه در مورد طول کل صورت تنوع زیادی وجود داشت تمایل کلی بر صورت باریک بود.

این مطلب از شاخص‌های مربوط به طول و عرض کل صورت معلوم میشود و تمایل صورت باریک را آشکار می‌سازد. در این گروه چهل و سه نفر (۸۲/۶۹ درصد) در این طبقه قرار داشتند و شش نفر (۱۱/۵۴ درصد) در طبقه صورت متوسط و فقط سه نفر (۵/۷۷ درصد) در طبقه صورت پهن قرار داشتند. در مقایسه رابطه طول قسمت علیای صورت با طول کل صورت جدول زیر بدست می‌آید.

طول قسمت علیای صورت

طول کل صورت	۶۳-۶۲		۶۹-۶۴		۷۵-۷۰		۸۱-۷۶		۸۲-X		مجموع
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
۱۰۹-۱۰۸	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	درصد
۱۱۹-۱۱۰	۰	۰	۲	۲/۸۴	۲	۲/۸۴	۲	۲/۸۴	۰	۰	۱۱/۵۲
۱۲۹-۱۲۰	۳	۵/۷۶	۷	۱۳/۴۴	۱۳	۲۴/۹۶	۸	۱۵/۳۶	۳۱	۵۹/۵۲	۵۹/۵۲
۱۳۰-X	۰	۰	۰	۰	۷	۱۳/۴۴	۸	۱۵/۳۶	۱۵	۲۸/۸۰	۲۸/۸۰
مجموع	۰	۹/۶۰	۹	۱۷/۲۸	۲۲	۴۲/۲۴	۱۶	۳۰/۷۲	۵۲	۹۹/۸۴	۹۹/۸۴

در طبقه خیلی کوتاه این اندازه ها کسی وجود نداشت. از آنجائیکه تعداد افراد طبقه قسمت علیای صورت خیلی دراز نسبتاً زیاد بود یک ستون مخصوص این اندازه اضافه شده تا این خصوصیت را نشان دهد. شصت و هشت نفر (۷۲/۹۶ درصد) دارای قسمت علیای صورت ۷۶ بی‌الا داشتند در حالیکه در مورد شانزده نفر (۳۰/۷۲ درصد) از ۸۲ بی‌الا بود. در قسمت طول کل صورت ۳۱ نفر (۵۹/۵۲ درصد) در طبقه صورت دراز (۱۲۹-۱۲۰) واقع میشدند. در طبقه خیلی دراز ۱۵ نفر (۲۸/۸۰ درصد) قرار داشتند. بدین ترتیب این گروه نمونه

مردم شناسی جسمانی ایران - ۵۰۵

لرهای پشت کوه هم از حیث قسمت علیای صورت (۷۸/۳۵) وهم از لحاظ طول کل صورت (۱۲۶/۴۰) صورت دراز بودند و ازدیاد اندازه ها متجانس بود و فقط ۷/۶۸ درصد قسمت علیای صورت دراز و سنگین داشتند .

بررسی عرض و طول نسبی بینی از جدول زیر معلوم میشود :

عرض بینی

طول بینی	۲۹-X		۳۵-۳۰		۴۱-۳۶		X-۴۲		مجموع
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
۴۹-X	۰	-	۱	۱/۹۶	۰	-	۱	۱/۹۶	
۵۹-۵۰	۰	-	۸	۱۷/۶۴	۱	۱۵/۶۸	۱۸	۱/۹۶	۳۵/۲۸
X-۶۰	۰	-	۱۶	۳۱/۳۶	۲	۲۷/۴۴	۲۲	۲/۹۲	۶۲/۷۲
مجموع	۰	-	۲۴	۴۹/۰۰	۳	۴۵/۰۸	۵۱	۵/۸۸	۹۹/۹۶

در طبقه بینی خیلی باریک کسی وجود نداشت و فقط يك نفر در طبقه بینی کوتاه واقع شد . در طبقه بینی پهن سه نفر (۵/۸۸ درصد) قرار گرفته . بیست و پنج نفر لر (۴۹/۰۰ درصد) بینی متوسط باریک داشتند . سی و دو نفر (۶۲/۷۲ درصد) بینی خیلی دراز داشتند . شانزده نفر در طبقه خیلی دراز و باریک قرار گرفتند جدول صفحه ۵۲۳ نشان میدهد که ۸۸/۲۴ درصد افراد را میتوان در طبقه بینی باریک قرار داد . بنا بر این میتوان گفت بطور کلی لرها دارای بینی خیلی دراز و باریک هستند که پره آن متمایل به کلفتی است . فرد شماره ۳۳۲۲ از سری حذف شد .

از مطالعه تصاویر این گروه لر بررسی نژادی بیشتری بدست میآید . لاقول دونوع شکل سر وجود دارد در يك انتهای جدول گروه خیلی سردراز (مانند فرد شماره ۳۳۱۸ - تصویر ۱۲۹ - شکل ۴۹۳) و در انتهای دیگر گروه سر کوتاه (مانند فرد شماره ۳۳۱۵ - تصویر ۱۱۴ - شکل ۴۹۳) قرار دارند . از حیث ظاهر کلی قیافه افراد متنوع هستند و از بدوی مانند (فرد شماره ۳۲۹۷ - تصویر ۱۱۷ شکل ۴۹۳) گرفته تا خوش صورت مانند (فرد شماره ۳۳۱۳ - تصویر ۶ - شکل ۲۰۱ و تصویر ۱۰۸ شکل ۴۹۳) در بین آنها وجود دارد . افرادی مانند فرد شماره ۳۳۲۳ (تصویر ۱۱۲ - شکل ۲۰۱) و شماره ۳۳۲۷ (تصویر ۱۱۳ - شکل ۲۰۱) با سانی با اروپائیان جنوبی اشتباه میشوند ولی بطور کلی

۵۰۶ - مردم شناسی ایران

با اینکه عده‌ای هستند که در مرز بین این دو گروه قرار دارند بقیه گروه بنظر این نویسنده از نوع غیر اروپائی بنظر می‌رسند .
پیشانی عریض که با صورت خیلی دراز و نسبتاً باریک و بینی باریک و بر-
جسته ارتباط دارد لرها را از گروه‌های دیگر مانند مردم یزد خواست و کناره
و یهودیهای اصفهان مشخص می‌سازد .

خلاصه

در بین این گروه لرهای قبیله حسنقلی خان پشت کوه چند عنصر میمنی
تشخیص داده میشود که از قرار زیرند :

(۱) نوع لاغر مدیترانه - سرمتوسط ولی فرق سربلند - قسمت علیای
صورت دراز و چانه بیضی شکل مانند فرد شماره ۳۳۱۳ (تصویر ۶ - شکل ۱ و ۲ و
تصویر ۱۰۸ - شکل ۳ و ۴) .

(۲) نوع مدیترانه خشن باتنه دراز و سر دراز و قسمت علیای صورت
وکل صورت دراز و عرض دو گونه متوسط عریض و چانه بیضی شکل مانند فرد
شماره ۳۲۹۱ (تصویر ۶ - شکل ۳ و ۴ و تصویر ۱۲۳ - شکل ۲ و ۱) .

(۳) نوع مدیترانه وسط دارای سرمتوسط و پهن بخصوص در ناحیه پیشانی
و صورت عریض و کوتاه مانند فرد شماره ۳۲۸۴ (تصویر ۱۰۷ - شکل ۲ و ۱)

(۴) نوع ایرانی و مدیترانه مانند فرد شماره ۳۳۲۹ (تصویر ۱ - شکل
۴ و ۳ و تصویر ۱۲۵ - شکل ۳ و ۴) و فرد شماره ۳۳۱۲ (تصویر ۱۰۸ - شکل ۱
و ۲) و فرد شماره ۳۳۲۶ (تصویر ۱۱۹ - شکل ۳ و ۴) این افراد نمونه مشخص
یک عنصر در جمعیت ایران غربی مرکزی میباشند . کسی که در این رشته اطلاع
داشته باشد آنها را فوراً از اعراب عراق مرکزی بخوبی تشخیص میدهد .

(۵) نوع عراقی و مدیترانه مانند فرد شماره ۳۲۹۸ (تصویر ۱۱۸ شکل
۳ و ۴) و شماره ۳۳۱۴ (تصویر ۱۱۹ - شکل ۲ و ۱) و شماره ۳۳۱۷ (تصویر ۱۰۹ -
شکل ۲ و ۱) و شماره ۳۳۰۳ (تصویر ۱۲۸ - شکل ۲ و ۱) و شماره ۳۳۲۰ (تصویر
۱۱۱ - شکل ۲ و ۱) .

(۶) نوع مخصوص مدیترانه بایینی صاف (فرد شماره ۳۲۸۷ - تصویر
۱۱۲ - شکل ۲ و ۱) بایینی عقابی (فرد شماره ۳۳۰۷ - تصویر ۳ - شکل ۱ و
۲ و تصویر ۱۰۶ شکل ۴ و ۱) و فرق سربلند .

مردم شناسی جسمانی ایران - ۵۰۷

(۷) نوع اروپائی جنوبی مانند فرد ۳۳۲۳ (تصویر ۱۱۲ - شکل ۲۹۱).
(۸) نوع کرد کردستان عراق مانند فرد شماره ۳۳۱۹ (تصویر ۱۲۴ -
شکل ۴۹۳).

(۹) نوع ارمنی مانند فرد شماره ۳۲۹۴ (تصویر ۷ - شکل ۴۹۳ و
تصویر ۱۲۷ شکل ۴۹۳) و فرد شماره ۳۳۱۱ (تصویر ۳ - شکل ۴۹۳) و تصویر
۱۲۶ - شکل ۴۹۳).

از حیث شکل و ظاهر فرد شماره ۳۳۲۵ (تصویر ۱۱۳ - شکل ۴۹۳)
و فرد شماره ۳۳۱۵ (تصویر ۱۱۴ شکل ۴۹۳ : قد ۱۵۸/۴ - طول بین جلوی
پیشانی و پس سر ۱۸۸ - حد اکثر عرض ۱۵۱ - شاخص سر ۸۰/۴) شباهتی به
سایر لرهای این گروه ندارند.

چون پشت کوه مجاور مرز شرقی عراق است انتظار میرود که بین ساکنین
این دو ناحیه از جمله اعراب ناحیه کیش شباهت ظاهری وجود داشته
باشد. بدون شك بین این دو ناحیه ارتباط و شباهت خیلی کم است زیرا از میان
۵۲ لر فقط سه نفر ممکن بود با اعراب اشتباه شوند که عبارت بودند از فرد
شماره ۳۲۹۸ (تصویر ۱۱۸ شکل ۴۹۳) و فرد شماره ۳۳۱۴ (تصویر ۱۱۹ -
شکل ۲۹۱) و فرد شماره ۳۳۱۷ (تصویر ۱۰۹ - شکل ۲۹۱) اگرچه دو نفر
دیگر یعنی فرد شماره ۳۳۰۳ (تصویر ۱۲۸ - شکل ۲۹۱) و شماره ۳۳۲۰ (تصویر
۱۱۱ شکل ۲۹۱) نیز ممکن است در این زمره بحساب آیند. دیگران اگرچه
بدون تردید متعلق با سیای جنوب غربی میباشند در بین يك گروه عرب عراقی
ممتاز و مشخص جلوه میکنند. در کتاب آینده که درباره مردم شناسی عراق است
خصوصیات جسمانی آل بو محمد را که در چاهاله در مشرق عماره زندگی میکنند
شرح داده و آنها را بالرها که در کوهستان مشرق باطلاقها زندگی میکنند مقایسه
خواهیم کرد. در نظر اول چنین بنظر میرسد که لرها با اعراب ساکن ناحیه باطلاقی
کاملاً فرق داشته باشند.

با وجود اختلاف معمولی فردی در بین هر گروه يك عامل شباهت وجود
دارد. نظر باینکه اطلاعات آماری درباره لرهای پشت کوه کم است بدست آوردن
يك سلسله اندازه های مردم شناسی و شرح زندگی و آداب و رسوم آنها لازم و بسیار
جالب توجه خواهد بود.

کاپرز و پار (Kappers and Parr) (۱۹۳۴ - ص ۹۲) مینویسد طبق نظر هوسی و جلیسه جیو Jelisse Jew لرها مردمی هستند دارای سرم توسط اندازه و شاید با ایرانیها وحتى باهند و آریائی نسبت داشته باشند . هوسی معتقد است که در میان لرها عده زیادی مردم چشم آبی و مو بور دیده میشود . هفده بختیاری که توسط گوتیه ودانیلو و کریشنر اندازه گیری شده اند نشان میدهند که بگروه خیلی سر کوتاه تعلق دارند . از لحاظ شکل سر چنین بنظر میرسد که لرهای پشت - کوه نسبتی با بختیاریها که همسایه جنوبی آنها هستند ندارند .

اطلاعات منتشر شده درباره لرها بسیار کم است و بعقیده من اندازه گیری و مشاهده عکس چندین صد افراد لر بسیار سودمند واقع خواهد شد و برای مقایسه با کردهای عراق و ایران و اناطولی و قره باغ قفقاز بکار خواهد آمد . در فهرست تحت عنوان لر اشارات متعددی پائین عشاير شده است به علاوه در فصل چهارم جزئیاتی درباره عشاير و ایلات ایران داده شده است .

نمره‌های پشت کوره

محوه و پیشانی	محوه و فکین	قسمت		پیشانی و آهینه	تناسب سر	قد نشسته نسبی	عرض مخوش	طول مخوش	شماره		
		پیشانی	صورت								
۸۷/۵	۷۴/۳	۵۹/۲	۵۵/۱	۵۷/۴	۹۲/۶	۸۳/۲	۷۶/۱	۱/۰	۳۲	۵۴	۳۲۸۱
۸۳/۵	۷۶/۷	۵۱/۷	۵۳/۱	۶۲/۴	۹۶/۲	۸۱/۶	۷۰/۱	۵۲/۵	۳۱	۶۰	۳۲۸۲
۸۶/۵		۶۳/۷	۵۳/۱	۵۶/۴	۹۳/۰	۸۲/۲	۷۴/۱	۵۰/۹	۳۳	۵۱	۳۲۸۳
۸۶/۵	۷۷/۱	۵۸/۷	۷۱/۹	۴۸/۲	۸۳/۷	۸۷/۲	۷۶/۹	۵۲/۰	۳۷	۶۳	۳۲۸۴
۸۶/۵	۷۸/۱	۵۹/۶	۵۷/۶	۵۷/۹	۹۱/۰	۸۵/۹	۷۲/۳	۵۴/۶	۳۴	۵۷	۳۲۸۵
۸۱/۴	۷۷/۱	۵۶/۴	۶۰/۴	۵۳/۱	۸۹/۷	۷۷/۶	۷۷/۶	۵۵/۸	۳۵	۶۲	۳۲۸۶
۸۱/۴	۷۵/۱	۶۳/۰	۶۳/۰	۵۰/۷	۸۵/۱	۷۶/۸	۷۵/۱	۵۲/۸	۳۲	۵۰	۳۲۸۷
۸۰/۹	۸۰/۱	۶۳/۵	۶۲/۷	۵۵/۳	۹۴/۴	۷۷/۶	۷۳/۱	۵۲/۲	۳۳	۵۲	۳۲۸۸
۹۰/۳	۷۸/۱	۷۰/۶	۵۲/۶	۶۳/۰	۹۲/۸	۸۴/۴	۷۱/۳	۵۲/۷	۳۶	۵۱	۳۲۸۹
۸۲/۲	۷۷/۱	۴۹/۱	۴۲/۹	۵۷/۸	۸۲/۲	۷۵/۰	۷۸/۱	۵۴/۸	۲۶	۵۳	۳۲۹۰
۸۱/۹	۷۶/۱	۶۰/۳	۵۲/۹	۶۳/۰	۹۸/۵	۷۷/۹	۷۳/۱	۵۵/۵	۳۵	۵۸	۳۲۹۱
۸۳/۱	۷۵/۱	۵۳/۲	۵۵/۰	۵۲/۱	۸۹/۷	۸۱/۹	۷۳/۱	۵۲/۳	۳۲	۵۹	۳۲۹۲
		۶۰/۰	۵۵/۹	۶۶/۶	۷۹/۷	۷۶/۱	۷۶/۱	۵۳/۲	۳۹	۶۵	۳۲۹۳

لرهای پشت کوه - اندازه ها

عرض پینی	طول پینی	طول قسمت		عرض فکین	عرض دوگوه	حداقل		عرض پیشانی	طول بین برآمدگی پیشانی و پس سر	قد نشسته	قد	سن	شماره	
		علیای صورت	طول صورت			قطر پیشانی	عرض سر							
۳۷	۷۲	۸۴	۱۳۲	۱۰	۱۳۸	۵	۱۴۳	۸	۱۳۳	۱۹۲	۹۰۰	۱۷۴/۳	۳۷	۳۲۹۴
۴۰	۵۸	۷۳	۱۲۶	۱۳	۱۴۲	۸	۱۳۳	۸	۱۳۳	۱۸۸	۹۰۰	۶۶/۵	۴۵	۳۲۹۵
۳۳	۷۲	۸۳	۱۳۴	۰۱	۱۲۸	۷	۱۳۳	۷	۱۳۳	۱۸۸	۹۳۵	۷۱/۰	۲۱	۳۲۹۶
۳۶	۶۴	۸۱	۱۲۷	۰۹	۱۳۹	۷	۱۳۴	۷	۱۳۴	۱۹۲	۸۹۰	۷۴/۰	۲۵	۳۲۹۷
۳۱	۶۳	۸۲	۱۳۷	۱۰	۱۴۳	۰	۱۴۸	۰	۱۴۸	۱۹۵	۸۹۲	۱۶۶/۵	۲۸	۳۲۹۸
۴۱	۵۷	۷۰	۱۱۸	۰۳	۱۳۴	۳	۱۳۷	۳	۱۳۷	۱۷۵	۸۵۵	۱۰۶/۲	۲۰	۳۲۹۹
۳۷	۶۳	۸۲	۱۲۳	۷۰	۱۴۰	۸	۱۴۸	۸	۱۴۸	۱۹۱	۹۱۵	۱۷۱/۰	۳۰	۳۳۰۰
۳۳	۶۱	۸۲	۱۲۸	۹۷	۱۲۸	۸	۱۴۲	۸	۱۴۲	۱۹۲	۹۰۰	۱۷۱/۰	۳۴	۳۳۰۱
۴۱	۶۳	۸۴	۱۲۸	۰۲	۱۳۴	۳	۱۳۷	۳	۱۳۷	۱۹۹	۸۷۵	۶۸/۳	۵۰	۳۳۰۲
۴۸	۶۶	۷۸	۱۲۶	۰۳	۱۳۵	۳	۱۳۸	۳	۱۳۸	۱۹۰	۸۸۸	۶۴/۲	۳۷	۳۳۰۳
۳۴	۷۲	۸۸	۱۳۴	۰۱	۱۳۴	۳	۱۴۰	۳	۱۴۰	۱۸۱	۸۵۵	۷۰/۰	۳۰	۳۳۰۴
۳۳	۶۸	۹۳	۱۳۵	۰۱	۱۳۴	۳	۱۴۵	۳	۱۴۵	۱۹۷	۸۸۷	۶۷/۴	۲۵	۳۳۰۵
۳۴	۵۹	۸۱	۱۳۰	۰۵	۱۳۰	۹	۱۳۸	۹	۱۳۸	۱۹۰	۸۹۵	۶۳/۰	۳۴	۳۳۰۶

نمره‌های پشت کوه-شاخص‌ها

کوره و پیشانی	کوره و فکین	گوش	قسمت علیای صورت	رت	پیشانی و آهپناه	کناسب سر	درامت نسبی	عرض گوش	طول گوش	ضماره
۸۳/۴	۷۹/۷	۵۸/۹	۶۰/۸	۹۵/۶	۸۰/۴	۷۶/۱	۵۴/۸	۳۳	۵۶	۳۲۹۴
۸۳	۷۹/۶	۵۱/۶	۵۱/۴	۸۸	۸۸/۸	۶۹/۳	۵۴/۱	۳۲	۶۲	۳۲۹۵
۸۳/۶	۷۸/۹	۴۸/۳	۶۴/۹	۹۶	۸۰/۵	۷۰/۸	۵۴/۷	۲۸	۵۸	۳۲۹۶
۸۴	۷۸/۴	۶۴/۳	۵۶/۳	۹۱	۸۷/۴	۶۹/۸	۵۱/۲	۳۶	۵۶	۳۲۹۷
۸۳	۷۶/۹	۶۲/۲	۵۷/۳	۹۵	۸۱/۱	۷۵/۹	۵۳/۶	۳۳	۵۳	۳۲۹۸
۸۴	۷۶/۹	۶۸/۰	۵۲/۳	۸۸	۸۲/۵	۷۸/۳	۵۴/۷	۳۴	۵۰	۳۲۹۹
۸۴	۷۷/۱	۵۴/۶	۵۸/۶	۸۷	۷۹/۷	۷۷/۵	۵۳/۵	۳۶	۶۶	۳۳۰۰
۸۴	۷۵/۸	۱/۸۵	۶۳/۱	۱۰۰	۷۶/۱	۷۴/۰	۵۲/۶	۳۶	۶۲	۳۳۰۱
۸۴	۷۶/۱	۳/۳۰	۶۵/۶	۹۵	۸۲/۵	۶۸/۹	۵۲/۳	۳۱	۷۵	۳۳۰۲
۸۴	۷۶/۴	۷/۸۵	۵۷/۷	۹۳	۸۱/۹	۷۲/۶	۵۳/۰	۲۸	۵۲	۳۳۰۳
۸۴	۷۵/۳	۸/۱۱	۶۵/۶		۸۰/۷	۳/۸۴	۵۰/۳	۳۸	۶۲	۳۳۰۴
۸۴	۷۵/۳	۶/۷۶	۶۹		۷۷/۹	۷۳/۶	۵۳/۰	۳۰	۶۳	۳۳۰۵
۸۳			۵۲/۶		۷۹/۰	۷۲/۶	۵۳/۹	۲۶	۵۰	۳۳۰۶

گره های پشت کوه - اندازه ها

عرض بینی	طول بینی	طول قیمت علیای صورت	طول صورت	عرض فکین	عرض دو سومه	حد اقل			طول بین برآمدگی پیشانی و پس سر	مقدار دندان			
						قطر پیشانی	عرض سر	عرض سر					
۳۰	۶۲	۷۵	۱۲۵	۱۰۳	۱۲۵	۱۱۷	۱۳۰	۱۸۴	۸۸۹	۶۹/۵	۲۰	۳۳۰۷	
۳۱	۶۱	۷۸	۱۲۵	۱۱۰	۱۳۵	۱۱۳	۱۵۰	۱۹۲	۹۲۵	۷۵/۶	۲۵	۳۳۰۸	
۳۲	۶۵	۸۷	۱۲۸	۱۰۶	۱۳۴	۱۱۴	۱۴۰	۱۹۳	۹۴۰	۶۸/۰	۲۵	۳۳۰۹	
۳۲	۵۹	۷۳	۱۱۳	۱۰۳	۱۳۱	۱۱۱	۱۳۲	۱۸۳	۸۹۲	۶۳/۰	۲۰	۳۳۱۰	
۳۶	۶۲	۷۸	۱۲۶	۱۰۴	۱۳۳	۱۱۳	۱۴۰	۱۸۸	۹۰۰	۷۳/۳	۳۵	۳۳۱۱	
۳۵	۵۹	۷۶	۱۲۱	۱۰۵	۱۳۴	۱۱۴	۱۴۵	۱۸۸	۹۰۰	۶۱/۲	۲۰	۳۳۱۲	
۳۶	۶۲	۷۸	۱۲۶	۱۰۰	۱۳۳	۱۱۳	۱۴۴	۱۸۸	۸۷۰	۶۴/۰	۲۰	۳۳۱۳	
۳۴	۶۷	۸۵	۱۲۸	۱۰۶	۱۲۷	۱۰۸	۱۳۶	۱۹۵	۸۹۷	۷۵/۰	۲۸	۳۳۱۴	
۳۸	۶۷	۷۸	۱۳۰	۱۰۷	۱۳۶	۱۱۷	۱۵۱	۱۸۸	۸۲۵	۵۸/۴	۲۵	۳۳۱۵	
۳۷	۵۹	۷۷	۱۳۰	۱۱۷	۱۴۸	۱۲۷	۱۴۶	۱۹۵	۹۱۰	۶۹/۶	۳۵	۳۳۱۶	
۳۶	۶۳	۷۷	۱۳۳	۱۰۴	۱۳۷	۱۱۸	۱۳۹	۲۰۰	۸۷۵	۱۶۷/۳	۲۰	۳۳۱۷	
۳۷	۶۸	۸۳	۱۲۳	۱۰۷	۱۲۸	۱۱۰	۱۳۱	۱۹۲	۸۴۹	۱۶۶/۰	۵۰	۳۳۱۸	
۳۱	۵۰	۶۸	۱۲۰	۱۰۷	۱۳۲	۱۱۳	۱۳۶	۱۸۰	۸۳۲	۱۶۳/۰	۳۰	۳۳۱۹	

گروه های پشت گروه - شاخص ها

گروه و پیشانی	گروه و فکین	مخوش	بینی	علیای صورت	ورت	پیشانی و آه پناه	کناس سر	فردانسته نسبی	عرض مخوش	طول مخوش
۹۳/۶	۸۲/۴	۵۱/۷	۴۸/۴	۶۰	۱۰۰/۰	۹۰/۰	۷۰/۶	۵۲/۴	۳۰	۵۸
۸۳/۷	۸۱/۵	۵۲/۶	۵۰/۸	۵۷.	۹۲/۶	۷۵/۴	۷۸/۱	۵۲/۷	۳۰	۵۷
۸۵/۱	۷۹/۲	۵۷/۸	۴۹/۳	۶۴.	۹۵/۵	۸۱/۵	۷۲/۶	۵۶/۰	۳۷	۶۴
۸۴/۸	۷۸/۶	۵۲/۶	۵۳/۳	۵۵.	۸۶/۳	۸۴/۱	۷۲/۱	۵۴/۷	۳۰	۵۷
۸۵/۰	۷۸/۲	۴۸/۳	۵۸/۱	۵۸	۹۴/۸	۸۰/۷	۷۳/۵	۵۲/۲	۲۹	۶۰
۸۵/۱	۷۸/۴	۴۷/۴	۵۹/۴	۵۶	۸۳/۴	۷۸/۶	۷۷/۲	۵۶/۱	۲۸	۵۹
۸۵/۰	۷۵/۲	۶۳/۶	۵۸/۱	۵۸.	۹۴/۷	۷۸/۵	۷۶/۶	۵۳/۰	۳۵	۵۵
۸۵/۱	۸۳/۵	۵۷/۹	۵۰/۷	۶۶.	۱۰۰/۸	۷۹/۴	۶۹/۷	۵۱/۳	۳۳	۵۷
۸۶/۱	۷۸/۷	۶۱/۱	۵۶/۷	۵۷.	۹۵/۶	۷۷/۵	۸۰/۴	۵۲/۱	۳۳	۵۴
۸۵/۹	۷۹/۱	۵۹/۰	۶۲/۷	۵۲.	۸۷/۹	۸۷/۰	۷۴/۹	۵۳/۷	۳۶	۶۱
۸۶/۱	۷۵/۹	۵۳/۲	۵۷/۱	۵۶.	۹۷/۱	۸۴/۹	۶۹/۵		۳۲	۵۹
۸۵/۹	۸۳/۶	۵۱/۵	۵۳/۴	۶۴	۹۶/۱	۸۴/۰	۶۸/۲		۳۴	۶۶
۸۵/۶		۵۲/۸				۸۳/۱	۷۵/۱		۲۸	۵۳

نرهای پشت کوه - اندازه ها

عرض بینی	طول بینی	طول قسمت علیای صورت	طول صورت	عرض فکین	عرض دوگوله	حداقل		عرض سر	طول بین برآمدگی پیشانی و پس سر	وزن	وزن	سن	شماره
						قطر پیشانی	عرض سر						
۴۳	۵۶	۷۱	۱۲۸		۱۲۸	۱۰	۱۴۱	۱۹۷	۸۷۵	۱۶۹/۰	۲۳	۳۳۲۰	
۳۷	۵۷	۷۷	۱۲۸		۱۲۷	۰.۹	۱۳۱	۱۸۳	۸۸۵	۱۷۵/۲	۳۰	۳۳۲۱	
۳۶	۳۷*	۷۵	۱۲۱	۳	۱۳۱	۱۴	۱۴۶	۱۹۰	۹۰۰	۱۷۱/۴	۲۱	۳۳۲۲	
۳۶	۵۸	۶۹	۱۲۱	۳	۱۳۰	۱۳	۱۴۱	۱۹۲	۹۲۹	۱۷۶/۰	۲۴	۳۳۲۳	
۳۶	۶۲	۷۹	۱۳۱	۷	۳۲	۱۵	۱۴۴	۱۹۲	۸۶۰	۱۶۷/۵	۲۵	۳۳۲۴	
۴۲	۶۳	۷۸	۱۲۰	۵	۳۰	۱۳	۱۳۶	۱۸۴	۸۵۸	۱۶۲/۵	۲۵	۳۳۲۵	
۳۲	۵۹	۷۴	۱۲۸	۳	۳۶	۱۸	۱۴۰	۱۹۴	۸۸۵	۱۶۸/۵	۲۸	۳۳۲۶	
۳۲	۶۳	۸۱	۱۲۹	۲	۳۹	۰.۹	۱۳۸	۱۹۱	۹۲۵	۷۵/۰	۲۵	۳۳۲۷	
۳۷	۷۴	۹۱	۱۳۲	۱	۴۳	۱۳	۱۴۵	۱۹۶	۹۳۵	۷۳/۵	۴۰	۳۳۲۸	
۳۷	۵۶	۷۸	۱۲۷	۲	۴۰	۱۰	۱۴۳	۱۸۸	۹۳۰	۷۲/۵	۳۰	۳۳۲۹	
۳۴	۶۶	۷۹	۱۲۲	۹	۳۱	۱۶	۱۴۱	۱۹۰	۸۶۵	۶۳/۰	۲۵	۳۳۳۰	
۳۷	۴۸	۶۵	۱۲۸	۳	۳۷	۱۴	۱۴۷	۱۹۵	۸۴۷	۶۶/۳	۴۰	۳۳۳۱	
۳۲	۶۸	۸۲	۱۳۲	۲	۴۲	۱۷	۱۵۱	۱۸۰	۸۴۱	۸۱/۸	۲۸	۳۳۳۲	
۳۷	۶۳	۷۸	۱۳۰	۹	۴۵	۰.۹	۱۵۰	۱۹۶	۹۱۸	۷۳/۷	۲۱	۳۳۳۳	

گروه های پشت کوه - شاخص ها

گروه و پیمانکار	گروه تکن	گروه	بندی	قسمت عملیاتی	صورت	پیمانگی و آهنگ آه	تناسب سر	قدنقشه نسبی	عرض گروه	طول گروه	شماره
۸۵/۹	۸۱/۳	۵۶/۹	۷۶/۸	۵۵/۵	۱۰۰/۰	۷۸/۰	۷۱/۶	۱/۸	۳۳	۵۸	۳۳۲۰
۸۵/۸	۷۹/۵	۶۴/۰	۶۴/۹	۶۰/۶	۱۰۰/۸	۸۳/۲	۷۱/۶	۱/۵	۳۲	۵۰	۳۳۲۱
۸۷/۱	۷۸/۶	۵۹/۶	۰۰۰	۵۷/۲	۹۲/۴	۷۸/۱	۷۶/۹	۵۲/۵	۳۴	۵۷	۳۳۲۲
۸۶/۹	۷۹/۳	۵۵/۶	۶۲/۱	۵۳/۱	۹۳/۱	۸۰/۲	۷۳/۴	۵۲/۷	۳۰	۵۴	۳۳۲۳
۸۷/۱	۸۱/۱	۵۶/۶	۵۸/۱	۵۹/۸	۹۹/۲	۷۹/۹	۷۵/۰	۵۱/۴	۳۰	۵۳	۳۳۲۴
۸۶/۹	۸۰/۸	۵۶/۹	۶۶/۷	۶۰/۰	۹۲/۳	۸۳/۱	۷۳/۵	۵۲/۸	۳۳	۵۸	۳۳۲۵
۸۶/۸	۷۵/۸	۶۰/۰	۵۴/۲	۵۴/۴	۹۴/۱	۸۴/۴	۷۲/۰	۵۲/۵	۳۰	۵۰	۳۳۲۶
۷۸/۴	۷۳/۴	۵۵/۴	۵۰/۸	۵۸/۳	۹۲/۹	۷۹/۰	۷۲/۱	۵۲/۹	۳۱	۵۶	۳۳۲۷
۷۹/۰	۷۷/۶	۵۰/۰	۵۰/۰	۶۳/۶	۹۲/۳	۷۷/۹	۷۴/۰	۵۳/۹	۳۳	۶۶	۳۳۲۸
۷۸/۶	۸۷/۱	۵۵/۷	۶۶/۱	۵۵/۶	۹۰/۷	۷۶/۹	۷۶/۰	۵۴/۰	۳۴	۶۱	۳۳۲۹
۸۸/۶	۸۳/۲	۶۰/۴	۵۱/۵	۶۰/۳	۹۳/۱	۸۲/۴	۷۴/۰	۵۳/۱	۳۲	۵۳	۳۳۳۰
۸۳/۲	۷۵/۲	۶۸/۴	۷۷/۰	۳۷/۴	۹۳/۵	۷۷/۵	۷۵/۰	۵۰/۹	۳۹	۵۷	۳۳۳۱
۸۲/۵	۷۸/۹	۵۵/۷	۴۷/۱	۵۷/۸	۹۳/۰	۷۷/۵	۸۳/۰	۴۶/۳	۳۴	۶۱	۳۳۳۲
۸۲/۱	۸	۷۱/۷	۵۸/۷	۵۳/۸	۸۹/۷	۷۹/۳	۷۶/۰	۵۲/۸	۳۸	۵۳	۳۳۳۳*

* فرد شماره ۳۳۳۳ از اهالی پشت کوه نبود و بنابراین از جدول حذف گردید .

خصوصیات شکل شناسی لرها ای پشت کو

بینی	چشم	مو	رنگ		شکل	شماره
			رنگ	بافت		
پره	لیمرخ	سیاهی	رنگ	رنگ	مجمد درشت	۳۲۸۱
باز	محدب	خطدار	قهوه سیر	قهوه سیر	متوسط	۳۲۸۲
متوسط	و	یکنواخت	صاف	سیاه قهوه	و	۳۲۸۳
متوسط باز	و	و	قهوه سیر	و	مجمد درشت	۳۲۸۴
باز	محدب مقع	و	و	و	و	۳۲۸۵
متوسط	محدب	و	و	و	و	۳۲۸۶
متوسط باز	و	و	و	و	مجمد ریز	۳۲۸۷
متوسط	راست	و	و	و	مجمد درشت	۳۲۸۸
و	محدب	خطدار	سبز-قهوه	سبز-قهوه	و	۳۲۸۹
و	و	حلقه دار	قهوه سیر	قهوه سیر	و	۳۲۹۰
و	موجدار	یکنواخت	سبز قهوه	سبز قهوه	و	۳۲۹۱
و	راست	خطدار	آبی قهوه	قهوه قرمز	خشن	۳۲۹۲
و	و	یکنواخت	و	و	و	۳۲۹۳

خصوصیات شکل شناسی لرهاای پشت کوه

پشته		چشمه		مو		شکل	شماره
پشته	چشمه	مو	چشمه	مو	شکل		
لهره	سپاهی	رنگ	رنگ	بافت	شکل	۳۲۹۳	
متوسط	حلقه دار	آبی قهوه	قهوه خاکیستری	متوسط	مجمد درشت	۳۲۹۳	
و	و	و	قهوه سیر	و	و	۳۲۹۴	
باز	حلقه دار	قهوه سیر	و	متوسط نرم	مجمد خیلی درشت	۳۲۹۵	
متوسط باز	و	و	و	متوسط	مجمد درشت	۳۲۹۶	
متوسط	و	آبی قهوه	و	و	و	۳۲۹۷	
و	و	خط دار	قهوه قرمز	خشن	و	۳۲۹۸	
متوسط باز	و	یکتواخت	و	متوسط	مجمد خیلی درشت	۳۲۹۹	
باز	محدب	خط دار	سبز قهوه	و	مجمد درشت	۳۳۰۰	
متوسط	و	و	و	متوسط	مجمد ریز	۳۳۰۱	
متوسط باز	و	و	آبی قهوه	و	مجمد درشت	۳۳۰۲	
باز	راست	یکتواخت	قهوه سیر	و	و	۳۳۰۳	
متوسط باز	و	و	و	خشن	و	۳۳۰۴	
فشرده	و	خط دار	و	و	و	۳۳۰۵	

خصوصیات شکل شناسی لرهاای پشت کوه

شماره	مو		چشم		پیش		شماره
	شکل	بافت	رنگ	رنگ	سایه	نبرخ	
۳۳۰۶	مجمد خیلی درشت	متوسط	قهوه سیر	صاف	یکنواخت	محدب	متوسط
۳۳۰۷	مجمد درشت	و	و	و	و	و	متوسط باز
۳۳۰۸	و	و	آبی قهوه	و	و	راست	فشرده متوسط
۳۳۰۹	و	و	قهوه سیر	و	خط دار	محدب	متوسط
۳۳۱۰	و	خشن	و	و	یکنواخت	راست	و
۳۳۱۱	و	متوسط	و	و	و	محدب	و
۳۳۱۲	و	و	سبز قهوه	و	خط دار	محدب	و
۳۳۱۳	و	و	آبی قهوه	و	و	محدب	و
۳۳۱۴	و	و	قهوه سیر	و	یکنواخت	راست	باز
۳۳۱۵	و	و	قهوه سیر	و	و	و	متوسط باز
۳۳۱۶	و	و	و	و	و	و	و
۳۳۱۷	و	و	آبی قهوه	و	خط دار	موجودار	و
۳۳۱۸	مجمد درشت	و	و	و	یکنواخت	محدب	فشرده متوسط

خصوصیات شکل شناسی لرهاای پشت کوه

شماره	پره		چشم		مو		شکل	شماره
	پیرتخ	سپاهی	سپیده	رنگی	رنگی	بافت		
۳۳۱۹	محدب	خط دار	صاف	آبی قهوه	قهوه سیر	متوسط	مجدد درشت	۳۳۲۰
۳۳۲۰	راست	یکنواخت	و	و	و	و	و	۳۳۲۱
۳۳۲۱	و	و	و	و	و	و	و	۳۳۲۲
۳۳۲۲	محدب	و	و	قهوه سیر	و	خشن	و	۳۳۲۳
۳۳۲۳	محدب	خط دار	لک دار	سبز قهوه	قهوه قرمز	متوسط	و	۳۳۲۴
۳۳۲۴	راست	یکنواخت	صاف	قهوه سیر	قهوه سیر	و	و	۳۳۲۵
۳۳۲۵	و	و	و	آبی قهوه	و	و	و	۳۳۲۶
۳۳۲۶	محدب	و	و	قهوه سیر	قهوه قرمز	و	و	۳۳۲۷
۳۳۲۷	راست	حلقه دار	صاف	قهوه سیر	قهوه سیر	خشن	و	۳۳۲۸
۳۳۲۸	و	خط دار	و	سبز قهوه	قهوه سیر	و	و	۳۳۲۹
۳۳۲۹	محدب	حلقه دار	و	و	و	و	و	۳۳۳۰
۳۳۳۰	راست	یکنواخت	و	قهوه سیر	و	و	مجدد درشت	۳۳۳۱
۳۳۳۱	و	خط دار	و	و	و	متوسط	و	۳۳۳۲
۳۳۳۲	و	یکنواخت	و	سياه	و	و	و	۳۳۳۳
۳۳۳۳	فشرده	و	و	قهوه سیر	قهوه سیر	نرم	و	۳۳۳۴
۳۳۳۴	محدب	محدب	و	و	و	خشن متوسط	و	۳۳۳۵

اندازه‌ها و شاخص‌های نرهای پشت کوه

C. V.	S. D.	میانگین	حد	تعداد	اندازه‌ها
$۲/۰۱ \pm ۳۰/۳۰$	$۰/۶۱ \pm ۹/۱۰$	$۰/۸۶ \pm ۳۰/۱۰$	۲۰-۷۰	۵۲	سن
$۰/۲۲ \pm ۲/۲۶$	$۰/۳۶ \pm ۵/۴۹$	$۰/۵۱ \pm ۱۶۸/۶۳$	۱۸۴-۱۰۰	۵۲	قد
$۰/۲۶ \pm ۲/۹۴$	$۰/۲۳ \pm ۲/۵۱$	$۱/۳۳ \pm ۸۹/۱۱$	۹۸-۸۱	۵۲	قد نشسته
$۰/۱۹ \pm ۲/۹۲$	$۰/۳۷ \pm ۵/۵۵$	$۰/۵۲ \pm ۱۸۹/۹۹$	۲۰۲-۱۷۳	۵۲	طول سر
$۰/۲۷ \pm ۴/۰۹$	$۰/۳۸ \pm ۵/۷۶$	$۰/۵۴ \pm ۱۴۰/۶۸$	۱۵۲-۱۲۹	۵۲	عرض سر
$۰/۲۲ \pm ۲/۲۸$	$۰/۲۵ \pm ۲/۷۶$	$۰/۳۵ \pm ۱۱۴/۵۰$	۱۲۸-۱۰۰	۵۲	حد اقل قطر پیشانی
$۰/۲۶ \pm ۲/۹۰$	$۰/۳۵ \pm ۵/۲۵$	$۰/۴۹ \pm ۱۳۴/۷۰$	۱۴۹-۱۲۵	۵۲	قطر استخوان دوگانه
$۰/۳۱ \pm ۴/۶۲$	$۰/۳۲ \pm ۴/۸۸$	$۰/۴۶ \pm ۱۰۵/۴۲$	۱۲۵-۹۴	۵۲	قطر فکین
$۰/۳۳ \pm ۴/۹۴$	$۰/۴۱ \pm ۶/۲۵$	$۰/۵۸ \pm ۱۲۶/۴۰$	۱۴۴-۱۱۰	۵۲	طول کل صورت
$۰/۵۲ \pm ۷/۸۵$	$۰/۴۱ \pm ۶/۱۵$	$۰/۵۸ \pm ۷۸/۳۵$	۹۴-۶۵	۵۲	طول قسمت علیای صورت
$۰/۶۲ \pm ۹/۲۶$	$۰/۳۸ \pm ۵/۷۶$	$۰/۵۴ \pm ۶۲/۲۲$	۷۵-۴۸	۵۱	طول بینی
$۰/۶۷ \pm ۹/۹۹$	$۰/۲۴ \pm ۲/۵۴$	$۰/۳۳ \pm ۲۵/۷۵$	۴۸-۲۸	۵۱	عرض بینی

اندازه ها و شاخص های نرهای پشت کوه

C. V.	S. D.	میانگین	حد	ژند	
$104 \pm 8/11$	$31 \pm 4/64$	$.143 \pm 07/18$	67-48	02	طول گوش
$93 \pm 9/07$	$21 \pm 3/12$	$.729 \pm 32/61$	40-26	02	عرض گوش
					شاخص د
$24 \pm 3/60$	$13 \pm 1/90$	$.118 \pm 02/84$	07-46	02	قد نشسته نسبی
$29 \pm 4/32$	$21 \pm 3/21$	$.30 + 74/20$	80-68	02	سر
$28 \pm 4/21$	$22 \pm 3/42$	$.32 \pm 81/19$	92-70	02	پیشانی و آهیانه
$23 \pm 3/40$	$19 \pm 2/92$	$.77 \pm 84/08$	90-76	02	گونه و پیشانی
$20 \pm 3/78$	$20 \pm 2/97$	$.28 \pm 78/64$	89-72	02	گونه و فک
$28 \pm 0/70$	$20 + 0/30$	$.100 \pm 93/80$	104-80	02	صورت
$07 \pm 8/68$	$34 \pm 0/07$	$.147 \pm 08/43$	69-46	02	قسمت علیای صورت
$93 \pm 12/93$	$03 \pm 8/00$	$.776 \pm 07/42$	79-44		بینی
$63 \pm 9/07$	$36 \pm 0/44$	$.101 + 06/82$	72-40		گوش

مردم شناسی جسمانی ایران - ۵۲۳

قد

مجموع	بلند	متوسط	کوتاه	
	(X-۱۶۹/۵)	(۱۶۹/۴-۱۶۰/۶)	(۱۶۰/۵-X)	
۵۲	۲۳	۲۶	۳	تعداد
۱۰۰/۰۰	۴۴/۲۳	۵۰/۰۰	۵/۷۷	درصد

شاخص سر

مجموع	سر کوتاه	سر متوسط	سر بلند	
	(X-۸۲/۶)	(۸۲/۵-۷۶/۶)	(۷۶/۵-X)	
۵۲	۱	۱۱	۴۰	تعداد
۹۹/۹۹	۱/۹۲	۲۱/۱۵	۷۶/۹۲	درصد

شاخص کل صورت

مجموع	صورت باریک	صورت متوسط	صورت پهن	
	(X-۸۹/۵)	(۸۹/۴-۸۴/۶)	(۸۴/۵-X)	
۵۲	۴۳	۶	۳	تعداد
۱۰۰/۰۰	۸۲/۶۹	۱۱/۵۴	۵/۷۷	درصد

شاخص بینی

مجموع	بینی پهن	بینی متوسط	بینی باریک	
	(X-۸۳/۵)	(۸۳/۴-۶۷/۵)	(۶۷/۴-X)	
۵۱	۰	۶	۴۵	تعداد
۱۰۰/۰۰	—	۱۱/۷۶	۸۸/۲۴	درصد

کارگران ری و افراد متفرقه

با اجازه و لطف آقای دکتر اریک اشمیدت موفق شدیم بیست و دو نفر از کارگران حفریات ری را در تاریخ ۱۱ اوت ۱۹۳۴ اندازه گیری کرده و مورد مطالعه قرار دهیم . در این عملیات دکتر والتر کندی عهده دار ثبت اطلاعات بود . چون کارگران ری از نقاط مختلف مملکت بودند بدست آمدن ارقام حد متوسط امکان پذیر نبود . بنابراین ناچاریم اطلاعات خود را درباره افراد یا گروههای کوچک متفرقه از نظر خوانندگان بگذرانیم . اطلاعات درباره این افراد از قرار زیر است :

شماره ۳۴۵۶ : اهل امیرآباد قزوین - قد متوسط کوتاه - سر متمایل بدرازی و باریک - صورت پهن و دراز - بینی پهن و کوتاه - خال کوبی روی میج راست برای رفع دردها .

شماره ۳۴۵۷ : اهل دامغان - قد کوتاه - سرخیلی کوتاه و پهن باشاخص سر کوتاهی - صورت کوتاه و باریک - بینی کوتاه و خیلی باریک .

شماره ۳۴۵۸ (تصویر ۱۳۸ - شکل ۳ و ۴) : اهل دامغان - قد کوتاه متوسط - سرخیلی کوتاه و خیلی پهن باشاخص خیلی سر کوتاهی (۹۴/۶) - صورت از لحاظ طول معمولی پهن ولی و مثلثی شکل - بینی دراز و باریک - دندانها لکه دار - خال کوبی هیچ .

بنظر می رسد که این فرد از لحاظ نوع با افراد سمت غربی فلات ایران فرق داشته باشد .

شماره ۳۴۵۹ (تصویر ۱۳۵ - شکل ۳ و ۴) اهل دامغان - قد بلند - سر کوتاه و پهن باشاخص سر کوتاه - صورت باریک و خیلی کوتاه - بینی دراز متوسط و خیلی باریک - دندانها نامنظم - خال کوبی هیچ .

شماره ۳۴۶۰ (تصویر ۱۴۰ - شکل ۲ و ۱) : اهل دامغان - قد بلند - نشسته خیلی بلند - سر از لحاظ طول متوسط از لحاظ عرض باریک باشاخص متوسط - قسمت علیای صورت پهن و عرض دو گونه باریک - صورت خیلی دراز بخصوص ارتفاع قسمت علیا - بینی خیلی دراز و با عرض متوسط . علامت آبله .

شماره ۳۴۶۱ (تصویر ۱۳۷ - شکل ۲ و ۱) : اهل دامغان - قد خیلی

مردم شناسی جسمانی ایران - ۵۲۵

بلند - طول و عرض سر متوسط با شاخص سر متوسط - صورت پهن و متوسط از حیث طول - قسمت علیای صورت دراز - بینی نسبتاً دراز با پره های باز - دندانها منظم - چشم چپ کمی چپ - خال کوبی هیچ .

شماره ۳۴۶۲ (تصویر - ۱۳۶ - شکل ۱ و ۲) : اهل دامغان - قد کمی بلند تر از متوسط - سردراز و نسبتاً عریض با شاخص سر متوسط - قسمت علیای و سفلی صورت باریک با قوس گونه عریض - صورت کوتاه - بینی دراز متوسط با پره های باز - دندانها نامنظم - موی سر خاکستری و ریخته - موحنابسته برای جلوگیری از ریزش - حنا روی ناخن ها برای زیبایی - حال کوبی هیچ .

شماره ۳۴۶۳ (تصویر ۱۳۶ - شکل ۳ و ۴) : اهل دولت آباد نزدیک سلطان آباد - قد کوتاه - سردراز و باریک با شاخص سر دراز - صورت باریک و خیلی کوتاه - بینی کوتاه و باریک - دندانهای جلو خیلی منظم - خال کوبی هیچ .

شماره ۳۴۶۴ (تصویر ۱۴۰ - شکل ۳ و ۴) : اهل ناحیه آب گنجان - شهرستان اصفهان - قد بلند - سردراز متوسط و پهن با شاخص سر متوسط - صورت پهن با گونه پهن و خیلی دراز - بینی متوسط دراز با پره های باریک - دندانهای نسبتاً منظم - خال کوبی هیچ .

شماره ۳۴۶۵ (تصویر ۱۳۴ - شکل ۱ و ۲) : اهل حسین آباد نزدیک سلطان آباد اراک - قد متوسط کوتاه - سر خیلی دراز و باریک با شاخص سردراز - صورت پهن و کوتاه - بینی خیلی کوتاه و خیلی پهن - دندانها منظم و لک دار - خال کوبی هیچ .

شماره ۳۴۶۶ (تصویر ۱۳۸ - شکل ۱ و ۲) : اهل حسین آباد نزدیک سلطان آباد اراک - قد بلند متوسط - سر از لحاظ طول و عرض متوسط با شاخص سر متوسط - صورت پهن و از حیث طول متوسط - بینی از حیث طول و عرض متوسط - دندانها منظم - خال کوبی هیچ .

شماره ۳۴۶۷ (تصویر ۱۳۹ - شکل ۳ و ۴) : اهل حسین آباد نزدیک سلطان آباد اراک - قد متوسط کوتاه - سر از لحاظ طول و عرض متوسط با شاخص سر متوسط - صورت پهن بخصوص از لحاظ عرض حانه و خیلی کوتاه - بینی

کوتاه و از حیث عرض متوسط - دندانها منظم - لکه‌های سفید مو - خال کوبی هیچ .

شماره ۳۴۶۸ (تصویر ۱۳۷ - شکل ۳ و ۴) : اهل قم - قد متوسط با طول تنه کوتاه - سر دراز و باریک با شاخص سر خیلی دراز - صورت پهن بخصوص در حداقل قطر پیشانی و کوتاه در قسمت سفلی - بینی از حیث طول متوسط و خیلی پهن بطوریکه دال برداشتن خون سیاهپوست میکنند که لب کلفت نیز مؤید آنست - دندانها منظم - علائم آبله - خال کوبی هیچ .

شماره ۳۴۶۹ : اهل ننجار نزدیک سلطان آباد اراک - قد متوسط که شاید در اثر سن (۱۸) باشد - سر دراز و باریک با شاخص سر دراز - صورت باریک و متوسط از حیث طول - بینی متوسط از حیث طول و عریض تر از متوسط - دندانها نا منظم و کمی لك دار - قسمت بزرگی در فرق سر بدون مو - دو خط جای زخم که تا ۵ سانتیمتر قطر دارد بر شکم و سینه .

شماره ۳۴۷۰ : اهل ننجار نزدیک سلطان آباد اراک - قد خیلی بلند بخصوص در پاها - سر دراز و خیلی باریک با شاخص سر دراز - صورت باریک و متوسط از لحاظ طول - بینی متوسط از حیث طول و کمی پهن تر از متوسط - دندانها بزرگ و منظم - چشم راست دارای زخم - خال کوبی هیچ .

شماره ۳۴۷۱ : اهل ننجار نزدیک سلطان آباد اراک - قد بلند با تنه دراز - سر دراز و پهن متوسط با شاخص سر متوسط - صورت پهن و کمی درازتر از معمولی - بینی کوتاه و باریک - دندانها لك دار - خال کوبی هیچ .

۳۴۷۲ (تصویر ۱۳۹ - شکل ۱ و ۲) : اهل شیراز - قد کوتاه - سر دراز و باریک با شاخص سر دراز - صورت باریک و کوتاه با طول قسمت علیای صورت دراز - بینی خیلی کوتاه و باریک - دندانها کمی نا منظم - خال کوبی هیچ .

شماره ۳۴۷۳ (تصویر ۱۳۴ - شکل ۳ و ۴) : اهل حسین آباد نزدیک سلطان آباد اراک - قد متوسط - سر خیلی دراز و پهن متوسط با شاخص سر دراز - صورت پهن و کوتاه - بینی متوسط از لحاظ طول و خیلی باریک - دندانها منظم - علامت آبله - خال کوبی هیچ .

کارگران ری

در میان هیجده نفر افراد هشت نفر از ناحیه سلطان آباد اراک و شش نفر از دامغان بودند . برای بدست آوردن ارقام تطبیقی میانگین‌های افراد زیر محاسبه شده است

(۱) از سری سلطان آباد : افراد شماره ۳۴۶۳ و ۳۴۶۵ - ۳۴۶۷ ، ۳۴۶۹ - ۳۴۷۱ ، ۳۴۷۳ .

(۲) از سری دامغان : افراد شماره ۳۴۵۷ - ۳۴۶۲ .

مقایسه بین این دو گروه نشان میدهد که در ارقام میانگینی آنها اختلاف قابل ملاحظه‌ای وجود دارد . سری دامغان مرکب است از شش کارگر که دکتر اریک اشمیدت در حفاری نزدیک دامغان از آنها استفاده کرده و بعداً برای سر-عملکی حفاری ری آنها را به ری آورده است .

سن = هر دو گروه از سالمندان جوان تشکیل شده و فقط يك اختلاف جزئی بین آنها وجود داشت .

قد = مردان سلطان آباد ۲/۵ میلیمتر بلند تر از مردان دامغان هستند . دسته اول تقریباً مساوی با رقم هادن Haddon برای بادیه نشین‌ها هستند که قد آنها ۱۶۶/۰ میباشد و دسته دوم کمی بلند تر از رقم او برای قد افراد مدیترانه (۱۶۱/۵) میباشد .

طول قسمت سفلی پا = بین دو گروه در این اندازه اختلاف قابل ملاحظه وجود دارد و نشان میدهد که بلندی قد افراد سلطان آباد مربوط به طول و درازی پای آنها است . در حالیکه با مقایسه با گروههای دیگر ایران پای آنها نسبتاً کوتاه و طول تنه آنها زیاد است .

قد نشسته = طول تنه در دو گروه تقریباً یکسان است .

طول سر = کارگران دامغان سر خیلی کوتاه (۱۸۰/۰۰) دارند و کارگران سلطان آباد از حیث طول سر متوسط (۱۸۷/۶۳) میباشد .

عرض سر = مردان دامغان دارای سر پهن (۱۴۷/۰۰) و مردان سلطان آباد سر خیلی باریک (۱۳۸/۷۵) هستند .

حداقل قطر پیشانی = مردان سلطان آباد پیشانی عریض متوسط دارند در صورتیکه در بین مردان دامغان رقم ۱۱۵/۶۶ خیلی زیاد بنظر آمد تا اینکه

تصاویر مورد بررسی قرار گرفت بخصوص تصویر فرد شماره ۳۴۵۸ (تصویر ۱۳۸-
شکل ۲ و ۴) و معلوم شد که حداقل قطر پیشانی او ۱۲۱ است .

عرض دو گونه = میانگین گروه سلطان آباد ۴ میلیمتر باریکتر از رقم
مردان دامغان است که رقم عرض صورت آنها یعنی ۱۳۶/۰ تقریباً نزدیک حد
متوسط معمولی این ناحیه یعنی ۱۳۴/۰ میباشد .

عرض فکین = فکین مردان سلطان آباد عریض است در حالیکه مردان
دامغان با رقم ۱۰۶/۶۶ فکین باریکتر از سایر گروههای ایران بجز لرها
میباشند .

طول صورت = در هر دو گروه صورت کوتاه است و گروه سلطان آباد
در طبقه خیلی کوتاه قرار دارند .

طول قسمت علیای صورت = مردان سلطان آباد قسمت علیای صورت
باریکتر از دامغانها دارند .

طول بینی = در هر دو گروه بینی کوتاه است .

عرض بینی = در بین مردان دامغان بینی باریک (۳۲/۳۳) است و در
بین گروه سلطان آباد ۲/۵ میلیمتر عریض تر است .

طول و عرض گوش = گوش در هر دو گروه نسبتاً کوتاه و پهن است و
در اندازه گیری اختلاف زیادی بین افراد دو گروه مشاهده نشد .

شاخص قد نشسته نسبی = این شاخص در مورد گروه سلطان آباد بعلت
کوتاهی نسبی تنه کمتر از کارگران دامغان بود اگر چه مردان سلطان آباد دارای
تنه دراز تر از مردم کناره و یزد خواست و یهودیها بودند .

شاخص سر = بین دو گروه فرق مشخصی از لحاظ شکل سر وجود
داشت . گروه سلطان آباد دارای شاخص سر دراز (۷۳/۹۸) بودند که نزدیک
میانگین شاخص سر نوع مدیترانه است در حالیکه اهالی دامغان با شاخص
(۸۱/۹۰) در قسمت بالا شاخص سر متوسط بودند . نتیجه در جدول زیر بخوبی
مشهود است .

مردم شناسی جسمانی ایران - ۵۲۹

مردم	$x - ۷۶/۵$	$۸۲/۵ - ۷۶/۶$	$x - ۸۲/۶$	مجموع
دامغان	۱	۳	۲	۶
سلطان آباد	۷	۱	۰	۸

شاخص پیشانی و آهیانه = در گروه سلطان آباد این شاخص بعلمت اختلاف در عرض سر بالا تر از مردان دامغان بود که دارای پیشانی عریض بودند در حالیکه سلطان آبادیها پیشانی باریک داشتند .

شاخص گونه و پیشانی = در حالیکه مردان دامغان از حیث عرض دو گونه و حداقل قطر پیشانی عریض تر از گروه سلطان آباد بودند شاخص اندازه این دو تقریباً در هر دو گروه یکسان بود ولی بعلمت داشتن پیشانی عریضتر از چهار گروه ایرانی دیگر زیاد تر بود .

شاخص گونه و فکین = این شاخص در مورد مردم سلطان آباد بالاتر از کارگران دامغان و گروههای دیگر ایران است زیرا عرض فکین مردان سلطان آباد از ۲ تا ۶ میلیمتر زیاد از حد وسط عرض سایرین میباشد .

شاخص صورت = اگر چه اختلاف قابل ملاحظه در اندازه های مطلق مشاهده میشود زیرا مردان دامغان صورت دراز تر دارند ولی چون در ضمن عرض صورت آنان با طول صورت تطبیق میکنند نتیجه آن شاخص کمتر از کارگران سلطان آباد میشود .

شاخص قسمت علیای صورت = این شاخص در مورد مردان دامغان کمی زیاد تر از مردم ناحیه سلطان آباد است بعلمت آنکه قسمت علیای صورت گروه دامغان دراز تر است .

شاخص بینی = اگر چه هر دو گروه در طبقه بینی باریک واقع شدند اختلاف قابل ملاحظه بین آنها دیده شد . شاخص بینی گروه سلطان آباد $۸/۷۱$

نیز از مردمان دامغان است .

شاخص گوش = در این مورد بین دو گروه اختلاف مهمی مشاهده

نشد .

خلاصه

يك فرد متوسط معمولی دامغانی بر اساس آزمایش شش نفر تقریباً از حیث قد کوتاه متوسط مطابق سایر گروههای ایرانی است ولی پای او کوتاهتر است و دارای سر کوتاه پهن و پیشانی عریض و صورت پهن متوسط و قسمت سفلی صورت باریك و با وجود داشتن قسمت علیای صورت دراز دارای صورت کوتاه و بینی کوتاه و باریك و گوش کوتاه و عریض متوسط میباشد .

يك فرد متوسط معمولی سلطان آباد بر اساس آزمایش هشت نفر اهل محل قد دراز متوسط و تنه نسبتاً دراز دارد و دارای سر دراز متوسط و حیلی باریك و پیشانی متوسط و صورت باریك و طول کل صورت کوتاه و بینی کوتاه و پهن و گوش کوتاه پهن متوسط میباشد .

فرق بین گروه سلطان آباد با گروه دامغان در موارد زیر است : - قد درازتر - سر درازتر و باریكتر - پیشانی باریكتر - صورت کوتاهتر و مربعتر و بینی کوتاهتر و پهن تر .

بنا بر این بطوریکه مشاهده میشود بین دو گروه بررسی سده در ری اختلافات مهم وجود دارد. گروه اراکی بنظر میرسد که متعلق بدسته‌ای باشد که شاخص سر دراز و صورت باریك و بینی باریك میباشد . اندازه گیریهای سری دامغان از قسمت شرق مرکزی ایران علائم احتلاط با ترکمن را نشان میدهد . این مطلب کاملاً صحیح بنظر میرسد زیرا دامغان بین دشت کویر و دامنه کوه المرز در سر راه بین ترکستان سُوروی و طهران قرار گرفته و احتمال مرود که حملات بسیاری از این ناحیه صورت گرفته باشد .

اندازه ها و شاخص های کارگران حفاریات ری

سلطان آباد	دامغان	تعداد افراد
۸	۶	اندازه ها
۲۶	۲۷	سن
۱۶۶/۶۷	۱۶۴/۱۷	قد
۸۴/۲۳	۸۴/۴۸	قد نشسته
۸۲/۴۴	۷۹/۶۹	طول پا
۱۸۷/۶۳	۱۸۰/۰۰	طول سر
۱۳۸/۷۵	۱۴۷/۰۰	عرض سر
۱۱۲/۶۳	۱۱۵/۶۶	حد اقل قطر پیشانی
۱۳۲/۰۰	۱۳۶/۰۰	عرض دو گونه
۱۱۱/۲۵	۱۰۶/۶۶	عرض فکین
۱۲۰/۷۵	۱۲۲/۳۳	طول کل صورت
۷۱/۰۰	۷۴/۱۷	طول قسمت علیای صورت
۵۳/۰۰	۵۶/۳۳	طول بینی
۳۴/۸۸	۳۲/۳۳	عرض بینی
۵۶/۷۵	۵۶/۶۶	طول گوش
۳۵/۵۰	۳۵/۸۳	عرض گوش
		شاخص ها
۵۰/۵۰	۵۱/۳۳	قد نشسته نسبی
۷۳/۹۸	۸۱/۹۰	سر
۸۰/۸۶	۷۸/۷۸	پیشانی و آهیانه
۸۵/۳۹	۸۵/۰۸	گونه و پیشانی
۸۴/۲۶	۸۱/۴۳	گونه و فک
۹۱/۶۳	۹۰/۰۰	کل صورت
۵۳/۸۵	۵۴/۵۲	قسمت علیای صورت
۶۵/۹۸	۵۷/۲۷	بینی
۶۳/۲۴	۶۳/۷۵	گوش

شکل ۱ - اندازه ها

شماره	س	م	طول آندوسمی عرضی - میلیمتر	مقدار پیشانی - میلیمتر	سینه - میلیمتر	عرض کتف - میلیمتر	طول صورت - میلیمتر	طول گوش - میلیمتر	طول بینی عرضی - میلیمتر
۳۴۵۶*	۴۷	۱۵۸/۰	۸۰۳	۱۸۸	۱۲۷	۱۱۸	۱۳۷	۱۱۰	۱۲۸
گروه دامغان									
۳۴۵۷	۲۵	۱۵۲/۴	۷۵۱	۱۷۷	۱۴۷	۱۱۳	۱۲۸	۱۰۹	۱۱۸
۳۴۵۸	۳	۱۵۸/۴	۷۹۷	۱۶۷	۱۵۸	۱۲۱	۱۴۱	۱۱۲	۱۲۲
۳۴۵۹	۲۲	۱۶۱/۶	۸۲	۱۷۶	۱۵۴	۱۱۱	۱۳۳	۱۰۵	۱۱۴
۳۴۶۰	۳۵	۱۷۲/۳	۹۱۲	۱۸۲	۱۳۸	۱۱۷	۱۳۶	۱۰۸	۱۳۶
۳۴۶۱	۲۵	۱۱۴/۵	۸۹۷	۱۸۷	۱۴۷	۱۲۲	۱۳۹	۱۱۷	۱۲۶
۳۴۶۲	۲۵	۱۶۵/۱	۸۹۲	۱۹۱	۱۴۸	۱۱۱	۱۳۹	۱۱۱	۱۱۸
گروه سلطان آباد									
۳۴۶۳	۲۰	۱۶۲/۱	۸۲۳	۱۹۲	۱۰۳	۱۱۳	۱۳۰	۱۱۰	۱۱۶
۳۴۶۴*	۴۲	۱۷ /	۸۳۳	۱۸۱	۱۰۷	۱۱۸	۱۱۴	۱۱۵	۱۳۱
۳۴۶۵	۱۸	۱۶۵/	۸۶	۱۹۱	۱۳۶	۱۱۳	۱۳۱	۱۰۱	۱۱۱
۳۴۶۶	۳	۱۶۱/۳	۸۱۶	۱۸۶	۱۲۹	۱۱۶	۱۳۱	۱۱۳	۱۲۴
۳۴۶۷	۳۵	۱۶۶/۱	۸۵	۱۸۳	۱۴۱	۱۱۷	۱۳۵	۱۱۶	۱۱۷
۳۴۶۸*	۲۱	۱۶۵/۱	۷۹۳	۱۸۹	۱۳۴	۱۲۲	۱۳۶	۱۱۶	۱۱۹
۳۴۶۹	۱۸	۱۰ /۵	۱۷۲	۱۸۶	۱۳۷	۱۰۵	۱۲۳	۱۰۳	۱۲۱
۳۴۷۰	۲۵	۱۰۲ /	۸۲۵	۱۸۰	۱۳۳	۱۰۹	۱۲۶	۱۰۱	۱۲۶
۳۴۷۱	۴۴	۱۰۷ /	۸۷۲	۱۸۸	۱۴۱	۱۱۵	۱۴۱	۱۲۱	۱۲۷
۳۴۷۲*	۳۵	۱۶۷/۵	۱۲۲	۱۸۸	۱۳۳	۱۰۸	۱۲۶	۱۰۷	۱۱۵
۳۴۷۳	۱۱	۱۶۰/۶	۸۶۰	۱۹۳	۱۴۰	۱۱۳	۱۳۲	۱۱۱	۱۱۰

* از سری حدی گردید.

افراد متفرقه از ایران

در زیر اطلاعات و مشاهدات مخصوص هفت نفر ایرانی که همیشه جزء هیچیک ارگروههای عشایری آنها را بشمار آورد داده میشود .

شماره ۳۵۷۳ - کرد از قبیله حماسی از برداسیر - حال کوبی هیچ - دندانها زنگ زده - در زندان سلیمانیه در تاریخ ۵ ژوئیه ۱۹۳۴ مشاهده شد.

شماره ۳۵۷۴ - کرد ارسلیمانیه شرقی - حال کوبی هیچ - پس سر صاف - در زندان کرکوک در تاریخ ۳ ژوئیه ۱۹۳۴ مشاهده شد - توسط وینیفرد سمیتون Winifred Smeaton که اکنون بانو همرتامس است .

شماره ۳۵۷۵ - که از ناحیه کرمانشاه - حال کوبی . تصویر آهو روی

مردم شناسی جسمانی ایران - ۵۳۳

کارگران ری - شاخص ها

شماره	طول	عرض	مقدار	مقدار	مقدار	مقدار	مقدار	مقدار	مقدار	مقدار	مقدار	مقدار
۳۴۵۶۵	۵۹	۴۰	۵۰/۸	۷۲/۹	۸۶/۸	۹۳/۴	۵۱/۸	۸۵/۴	۸۶/۸	۶۶/۷	۶۷/۸	

گروه دامغان

۳۴۵۷	۵۴	۳۳	۴۹/۲	۸۳/۸	۷۶/۲	۹۲/۲	۵۳/۸	۸۵/۲	۸۷/۵	۵۴/۹	۶۱/۸	
۳۴۵۸	۵۷	۳۵	۵/۳	۹۴/۶	۷۶/۶	۸۶/۵	۵۳/۹	۸۰/۹	۸۵/۸	۵۳/۵	۶۱/۴	
۳۴۵۹	۴۹	۳۷	۵۰/۷	۸۱/۸	۷۷/۸	۸۵/۷	۵۱/۸	۷۹/۰	۸۳/۵	۵۰/۰	۷۷/۸	
۳۴۶۰	۶۳	۳۷	۵۲/۹	۷۵/۸	۸۴/۸	۱۰۰/۰	۵۹/۶	۷۹/۴	۸۶/۰	۵۶/۵	۵۸/۷	
۳۴۶۱	۵۵	۳۶	۵۶/۴	۷۸/۶	۸۳/۰	۹۰/۷	۵۷/۶	۸۴/۲	۸۷/۸	۶۳/۸	۶۵/۵	
۳۴۶۲	۶۲	۳۷	۵۳/۷	۷۷/۵	۷۵/۰	۸۴/۹	۵۱/۸	۷۹/۹	۸۷/۹	۶۴/۹	۵۸/۷	

گروه سلطان آباد

۳۴۶۳	۵۵	۳۶	۵۰/۴	۷۴/۵	۷۶/۴	۸۹/۲	۵۶/۹	۸۴/۶	۸۶/۹	۶۵/۴	۶۵/۵	
۳۴۶۴	۶۴	۴۶	۴۸/۸	۷۸/۲	۸۰/۳	۹۱/۰	۵۴/۲	۷۹/۹	۸۱/۹	۵۶/۸	۷۱/۹	
۳۴۶۵	۶۲	۴۰	۵۲/۸	۷۱/۲	۸۳/۸	۹۰/۸	۴۸/۹	۸۲/۴	۸۶/۳	۷۹/۶	۶۴/۵	
۳۴۶۶	۶۰	۳۳	۵۲/۳	۶۵/۵	۸۳/۵	۸۹/۹	۵۲/۹	۸۱/۹	۸۴/۸	۶۶/۸	۵۵/۰	
۳۴۶۷	۵۴	۳۸	۵۱/۸	۷۷/۸	۸۳/۰	۸۶/۷	۴۹/۶	۸۵/۹	۸۶/۷	۶۷/۹	۷۰/۴	
۳۴۶۷.۱	۶۲	۳۶	۴۷/۸	۷۰/۹	۹۱/۰	۸۷/۵	۵۴/۴	۸۵/۳	۸۹/۸	۷۱/۸	۵۸/۸	
۳۴۶۹	۵۹	۳۴	۴۸/۸	۷۳/۷	۷۶/۶	۹۸/۴	۵۶/۹	۸۲/۸	۸۵/۴	۶۱/۳	۵۷/۶	
۳۴۷۰	۵۳	۳۴	۴۷/۶	۷۱/۹	۸۲/۰	۰/۰	۵۹/۵	۸۵/	۸۶/۵	۶۵/۵	۶۴/۲	
۳۴۷۱	۴۷	۳۷	۵/۸	۷۵/۰	۸۱/۶	۹۰/۸	۵۴/۶	۸۵/۸	۸۱/۶	۶۲/۳	۷۸/۷	
۳۴۷۲	۵۶	۳۶	۵۰/۶	۶۱/۳	۸۰/۶	۹۱/۳	۵۵/۶	۸۴/۹	۸۵/۷	۶۶/۰	۶۴/۳	
۳۴۷۳	۶۴	۳۲	۵۱/۶	۶۲/۹	۸۰/۷	۸۸/۶	۵۱/۵	۸۴/۸	۸۵/۶	۵۳/۷	۵۰/۰	

ار - ن - صدی گردید

بازوی راست - دندانها منظم در زندان کرکوک در تاریخ ۳ ژوئیه ۱۹۳۴ مشاهده شد .

شماره ۳۵۷۶ - مسلمان اصفهانی - حال کوبی هیچ - در اصفهان ۲۰ اوت ۱۹۳۴ مشاهده شد .

شماره ۳۵۷۷ - آسوری از قبیله مهیوانا نزدیک ارومیه - علامت زخم روی هر دو میچ دست . سردر اثر گهواره تغییر شکل یافته - در ری ۲ اوت ۱۹۳۴ مشاهده شد .

خصوصیات شکل شناسی کارگران ری

شماره	شکل	پایه	رکب	چشم	سیاهی	نرخ	پره
۳۴۵۶	سبز قهوه	حلقه دار	محدب	متوسط
۳۴۵۷	محصودرشت	خشن متوسط	قهوه تیره	قهوه سیر	یکنواخت	...	فشرده متوسط
۳۴۵۸	...	خشن	سیاه	متوسط
۳۴۵۹	...	متوسط نرم	...	سبز قهوه	لک دار
۳۴۶۰	...	خشن متوسط	سیاه حاکمتری	قهوه سیر	یکنواخت
۳۴۶۱	...	متوسط	قهوه سیر
۳۴۶۲	...	متوسط نرم	متوسط باز
۳۴۶۳	مقعر	متوسط
۳۴۶۴	...	خشن	سیاه	محدب مقعر	فشرده
۳۴۶۵	...	نرم	قهوه	مقعر	متوسط باز
۳۴۶۶	محدب ریز	متوسط
۳۴۶۷	سیاه
۳۴۶۸	قهوه سیر	سبز روشن قهوه	لک دار	حلقه دار	باز
۳۴۶۹	مجمد درشت	متوسط	سیاه	سبز قهوه	حلقه دار	راست	متوسط
۳۴۷۰	قهوه سیر	...	حلقه دار
۳۴۷۱	قهوه سیر	صاف	یکنواخت	...
۳۴۷۲	محدب مقعر	...
۳۴۷۳	مجمد درشت	خشن متوسط	سیاه

شماره ۳۵۷۸ - آسوری از قبیله جاور نزدیک ارومیه . خال کوبی هیچ -
برادر فرد شماره ۳۵۷۹ صورت مثلث شکل - دندانها منظم . در ری ۲ اوت
۱۹۳۴ مشاهده شد .

شماره ۳۵۷۹ - آسوری از قبیله جاور نزدیک ارومیه - خال کوبی .
لشگر کشی روی بازوی راست در همدان خال کوبی شده است . برادر شماره ۳۵۷۸ -
دندانها منظم - در ری ۲ اوت ۱۹۳۴ مشاهده شد .

سه نفر کرد شمال غربی ایران دارای قد کوتاه (۱۶۱/۷ - ۱۶۲/۱) ولی
تنه دراز بودند . سر آنها از لحاظ طول کوتاه یکی از آنها خیلی کوتاه (۱۷۸)
واز لحاظ عرض خیلی عریض (۱۵۲ - ۱۶۰) بود که در نتیجه شاخص سر آنها

کوتاه گردید. قسمت علیای صورت و عرض دو گونه متمایل بدرازی و قسمت سفلی صورت باریک بود. طول صورت برای این ناحیه درازاست و طول بینی زیاد و پره بینی کمی باز بود. چنانکه انتظار میرود این کردهای ایرانی از لحاظ اندازه گیری شبیه کردهای سلیمانیه هستند زیرا کردهای ایران و عراق از یک نژاد میباشند. لازم است یک سری از کردهای ایران بخصوص از جف اندازه گیری شوند تا با افراد اندازه گیری شده در ۱۹۳۴ در زاخو و عقره و رواندیز و سلیمانیه مقایسه بعمل آید. از آنجائیکه در جنوب شرقی ایران نیز تعدادی کرد وجود دارد باید از آنها نیز بمنظور مقایسه آماری اندازه گیری بعمل آید.

سه نفر آسوری اهل ارومیه از لحاظ قد از کردها کوتاهتر بنظر میرسند. طول و عرض سر آنها کمتر و در نتیجه در طبقه خیلی کوتاه سر قرار میگیرند. صورت آنها کوتاهتر و باریکتر است و ظاهراً قسمت سفلی صورت آنها طول کمتری دارد. بینی آنها دراز و از بینی کردها بطور قابل ملاحظه باریکتر است.

نویسنده موفق شد در عراق از ۱۰۶ نفر آسوری مرد اندازه گیری

اندازه ها و شاخص های افراد متفرقه ایران

شماره	سن	قد	اندازه	طول سر برآیندی وینس سر	عرض سر	حد اقل وینس سای	عرض در کوزه	عرض فکس	طول مور	طول قسمت علیای صورت	طول بینی	عرض سی
۳۵۷۲	۳۵	۱۶۲/۱	۸۸۱	۱۸۸	۱۵۷	—	۱۵۱	۱۱۳	۱۳۴	۷۴	۵۲	۲۳
۳۵۷۳	۲۴	۱۶۱/۷	۸۴۷	۱۸۳	۱۶۰	۱۰۸	۱۴۱	۱۰۶	۱۳۱	۷۲	۵۲	۲۷
۳۵۷۵	۳۵	۱۶۱/۷	۸۳۷	۱۷۸	۱۵۲	۱۱۱	۱۳۶	۱۰۷	۱۲۲	۷۶	۶۲	۲۷
۳۵۷۶	۳۵	۱۶۵/۰	۷۸۲	۱۸۲	۱۴۶	۱۱۲	۱۳۴	۱۰۰	۱۲۰	۷۲	۵۴	۳۲
۳۵۷۷	۶۵	۱۵۲/۰	۷۸۴	۱۷۴	۱۵۱	۱۱۲	۱۳۴	۱۱۶	۱۱۸	۷۴	۵۶	۲۲
۳۵۷۸	۱۸	۱۶۰/۵	۸۳۳	۱۷۲	۱۴۸	۱۰۸	۱۲۵	۱۰۲	۱۲۶	۷۷	۶۱	۲۰
۳۵۷۹	۲۰	۱۶۱/۶	۸۳۷	۱۸۲	۱۵۴	۱۱۳	۱۳۶	۱۰۳	۱۳۳	۸۴	۶۶	۲۶
شماره	طول مخوش	عرض مخوش	قد نسبی	نسب سر	پیشانی و آنها	صورت	قسمت علیای صورت	سی	مخوش	مخوش و فکس	مخوش و پیشانی	
۳۵۷۲	۵۴/۲	۸۳/۵	۷۷/۱	۹۵/۰	۵۲/۵	۶۱/۱	..	۸۰/۱	۸۵/۸	
۳۵۷۴	۵۳	۳۴	۵۲/۴	۸۷/۴	۶۷/۱	۸۵/۸	۵۱/۱	۷۱/۲	۶۴/۲	۷۵/۲	۷۶/۸	
۳۵۷۵	۵۲	۳۲	۵۱/۸	۸۵/۴	۷۳/۰	۸۹/۷	۵۵/۹	۵۹/۷	۶۱/۵	۷۸/۷	۸۱/۶	
۳۵۷۶	۶۴	۳۸	..	۸۰/۲	۰۷۶/۷	۸۹/۶	۵۳/۰	۵۹/۳	۵۹/۴	۷۴/۶	۸۲/۸	
۳۵۷۷	۶۳	۳۷	۵۱/۶	۸۶/۸	۷۴/۲	۸۸/۱	۵۵/۲	۵۷/۱	۵۸/۷	۸۶/۶	۸۲/۸	
۳۵۷۸	۴۹	۳۲	۵۱/۹	۸۶/۱	۷۳/۰	۱۰۰/۸	۶۱/۶	۴۹/۲	۶۵/۳	۸۱/۶	۸۶/۴	
۳۵۷۹	۵۶	۳۴	۵۱/۸	۸۴/۶	۷۳/۴	۹۷/۸	۶۱/۸	۳۹/۴	۴۲/۹	۷۵/۷	۸۳/۱	

په چورسې كندهو خانم وينيزر د سميون تامس Winifred Smeaton Thomas په ۱۹۱۱ زېږيزه لسيزه كې د آسوري اندازه -
 بگيزې شده اړخيت ميانگين اندازه ها با آسوريهاي عراق مطابقت دارند .
 يكانه مسلماني كه خود را در بين گروه يهودي وارد كرد از حيث قد
 متوسط واز سر کوتاه و بعلت باريكي فكين داراي صورت مثلث شكل بود .

مقايسه چهار گروه ايران

در قسمتهای گذشته اين كتاب هريك از چهار گروه ايراني كه توسط
 نويسنده بررسي و اندازه گيري شده بصورت واحد جدا گانه مورد مطالعه قرار
 كسرفته است . اكنون مسئله مقايسه مستقيم اين چهار گروه پيش ميآيد تا موارد
 شباهت و اختلاف آنها آشكار گردد .

جدول مقايسه ميانگينها

اندازه ها	لرها	يرد حواست	كناره	يهوديه
سن	۳۰/۱۵	۳۷/۸۵	۳۷/۲۵	۳۹/۳۰
قد	۱۶۸/۶۳	۱۶۴/۷۹	۱۶۵/۵۴	۱۶۴/۹۴
قد نشسته	۸۹/۱۱	۸۹/۶۶	۸۱/۹۷	۸۰/۸۴
طول ساق پا	۷۹/۵۲	۸۵/۱۳	۸۳/۵۷	۸۴/۱۰
طول سر	۱۸۹/۹۹	۱۹۲/۵۱	۱۸۷/۰۲	۱۸۶/۰۶
عرض سر	۱۴۰/۶۸	۱۴۱/۵۵	۱۴۲/۹۶	۱۴۴/۲۸
حداقل قطر پيشاني	۱۱۴/۵۰	۱۱۲/۸۷	۱۱۲/۱۴	۱۱۱/۹۰
عرض دو گونه	۱۳۴/۷۰	۱۳۴/۵۰	۱۳۳/۳۵	۱۳۴/۲۰
عرض فكين	۱۰۵/۴۲	۱۰۹/۵۸	۱۰۷/۷۸	۱۰۷/۸۶
طول كل صورت	۱۲۶/۴۰	۱۲۱/۰۰	۱۲۲/۴۰	۱۲۳/۴۵
طول قسمت علياي صورت	۷۸/۳۵	۶۹/۶۰	۷۱/۷۵	۷۲/۴۰
طول بيني	۶۲/۲۲	۵۱/۲۲	۵۱/۶۶	۵۳/۸۲

مردم شناسی جسمانی ایران - ۵۳۴

۳۴/۱۹	۳۳/۸۱	۳۲/۸۴	۳۵/۷۵	عرض بینی
۵۸/۹۸	۵۹/۵۴	۵۸/۷۰	۵۷/۱۸	طول گوش
۳۵/۷۹	۳۶/۳۳	۳۵/۶۱	۳۲/۶۱	عرض گوش

شاخص‌ها

۴۹/۲۰	۴۹/۷۴	۴۸/۱۶	۵۲/۸۴	قد نشسته نسبی
۷۷/۴۳	۷۶/۴۴	۷۳/۵۰	۷۴/۲۵	سر
۷۷/۷۷	۷۸/۶۴	۷۹/۹۹	۸۱/۱۹	پیشانی و آهیانه
۸۴/۰۲	۸۴/۵۴	۸۴/۱۰	۸۴/۵۸	گونه و پیشانی
۸۰/۷۷	۸۰/۸۳	۸۱/۲۸	۷۸/۶۴	گونه و فك
۹۲/۳۰	۹۱/۹۵	۹۰/۱۵	۹۳/۸۵	كل صورت
۵۴/۱۱	۵۳/۸۱	۵۱/۸۳	۵۸/۴۳	قسمت علیای صورت
۶۳/۸۶	۶۴/۵۴	۶۴/۶۲	۵۷/۴۲	بینی
۶۱/۱۴	۶۱/۹۰	۶۱/۹۸	۵۶/۸۲	گوش

سن = بالاترین میانگین سن را یهودیهای اصفهان دارند و لرها از هفت تاده سال از سه گروه دیگر جوانترند. بهمین جهت در مقایسه گروه‌ها با وجودیکه سن میانگین در حدود سن بلوغ است باید برای دوره نمو ارزشی قائل شد.

قد = لرها از مردم کناره و یهودیها و مردم یرد حواست بلند قد ترند و از لحاظ خصوصیات قیافه با سه گروه دیگر فرق دارند. در طبقه بندی کوتاه و متوسط و بلند نیمی از افراد در طبقه متوسط قرار میگیرند و یک چهارم در طبقه کوتاه و بلند بجز لرها که افراد قد کوتاه بین آنها کم است و افراد آنها تقریباً به تساوی در طبقه متوسط و بلند واقع میشوند.

بجز از لرها مشاهده میشود که گروههای دیگر قدشان تقریباً ۱۶۵/۰ است که طبق بررسی رودلف مارتین در بین مردم آسیا در طبقه متوسط قد قرار میگیرند.

قد

مجموع	بلند		متوسط		کوتاه		میانگین	مردم
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد		
۴۶	۱۰	۲۱/۷۴	۲۴	۵۲/۱۲	۱۲	۲۶/۰۹	۱۶۴/۷۹	یزدخواست
۸۶	۱۸	۲۰/۹۳	۴۹	۵۶/۹۸	۱۹	۲۲/۰۹	۱۶۴/۹۴	یهودیه
۷۴	۱۸	۲۴/۳۶	۴۰	۵۴/۰۵	۱۶	۲۱/۶۲	۱۶۵/۵۴	کناره
۵۲	۲۳	۴۴/۲۳	۲۶	۵۰/۰۰	۳	۵/۷۷	۱۶۸/۶۳	لرها

قد شسته (طول تنه) = لرها دارای دراز ترین تنه هستند و مردم یزد - خواست دارای کوتاهترین که تقریباً ۱۰ سانتیمتر کوتاهترند . افراد گروههای دیگر از حیث طول تنه کمی بلند تر از مردم یزد خواست میباشند . بدین ترتیب هم از حیث طول تنه وهم از حیث قد فقط لرها بطور قابل ملاحظه از سایر گروههای ایران فرق دارند .

طول ساق پا = لرها از حیث ساق پادر کوتاهترین طبقه هستند و سه گروه دیگر ساق پایشان بین ۴/۰۵ تا ۵/۶۱ سانتیمتر بلند تر است . این ارقام نشان میدهد که لرها با وجود داشتن ساق پای کوتاه از حیث قد از گروههای دیگر بلندتر هستند .

زیادترین تعداد هر گروه در یک طبقه بندی در حدود یک سوم افراد است . این عده در بین یهودیه و مردم کناره دارای قد متوسط و تنه متوسط میباشند و در بین ده نشینان یزد خواست دارای قد متوسط و تنه کوتاه و در میان لرها دارای قد متوسط و تنه دراز میباشند اگرچه ۲۵ درصد از لرها در طبقه بلند قد و تنه خیلی دراز هستند . وقتی ارقام متعلق به چهار گروه طبق طبقه بندی کیت قرار داده شود نتایج زیر بدست میآید .

مردم شناسی جسمانی ایران - ۵۳۹

قد نشسته (طول تنه)

مجموع	خیلی کوتاه	کوتاه	متوسط	بلند	خیلی بلند	
	(x-۷۴۹)	(۷۵۰-۷۹۹)	(۸۰۰-۸۴۹)	(۸۵۰-۸۹۹)	(۹۰۰-x)	
درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	قد استاندارد
۲/۸۴	۱/۹۲	...	۱/۹۲	لر
..	یزدخواست
۱/۳۵	۱/۳۵	کناره (x-۱۸۰۰)
۲/۳۳	۲/۳۳	یهودی
۳۶/۴۸	۱۱/۵۲	۲۴/۹۶	لر
۲۱/۷۰	...	۲/۱۷	۱۳/۰۲	۶/۵۱	...	یزدخواست
۲۰/۲۵	۹/۴۵	۱۰/۸۰	...	کناره (۱۷۰۰-۱۷۹۹)
۱۶/۲۸	..	۱/۱۶	۶/۹۸	۸/۱۴	...	یهودی
۵۲/۷۶	۵/۷۶	۲۶/۴۸	۱/۵۲	لر
۵۶/۴۲	..	۳۲/۵۵	۲۳/۸۷	یزدخواست
۵۹/۴۰	۱/۳۵	۱۰/۸۰	۲۹/۱۵	۸/۱	...	کناره (۱۶۰۰-۱۶۹۹)
۶۰/۴۵	...	۱۸/۶۰	۳۸/۳۶	۳/۴۹	...	یهودی
۵/۷۶	۱/۹۲	۳/۸۴	...	لر
۲۱/۷۰	۲/۱۷	۱۹/۵۳	یزدخواست
۱۸/۹۰	۱/۳۵	۱۳/۵۰	۴/۰۵	کناره (x-۱۵۹۹)
۲۰/۹۳	۳/۴۹	۱۳/۹۵	۳/۴۹	یهودی
عدد افراد						.
۵۲	..	.	۹/۶۰	۵۱/۸۴	۳۸/۴۰	لر
۴۶	۲/۱۷	۵۴/۲۵	۳۶/۸۹	۶/۵۱	...	یزدخواست
۷۴	۲/۷۰	۲۴/۳۰	۵۲/۶۵	۱۸/۹۰	۱/۳۵	کناره
۸۶	۳/۴۹	۳۲/۷۱	۴۸/۸۳	۱۱/۶۳	۲/۳۳	یهودی
						مجموع

شاخص قد نشسته نسبی = چنانکه از اندازه های مطلق مستفاد میشود
 لرها دارای بالاترین شاخص قد نشسته نسبی میباشند که نشانه تنه خارج از حد
 دراز است. در سه گروه دیگر اختلاف زیاد نیست وهمه بین ۴۹/۷۴ و ۴۸/۱۶
 درصد میباشند.

طول سر = در همه چهار گروه طول سر نسبتاً دراز است . گروه یزد - خواست درازترین سرها (۱۹۲/۵۱) را دارند درحالیکه کوتاهترین سر یعنی سر یهودیهای اصفهان حد متوسط ۶ میلیمتر کمتر است . طول سر مردم کناره کناره درازتر از یهودیها و لرها درازتر از کناره ها است .

عرض سر = بطور کلی سر در همه گروهها باریک و سر لرها باریکتر از همه است . سر یهودیها پهن تر از دیگران است و دو گروه دیگر حد وسط واقع میشوند و سر مردان یزد خواست کمی عریض تر از سر لرها است .

شاخص سر = جدول زیر طبقه بندی شکل سر را طبق سیستم هاروارد نشان میدهد .

شاخص سر

مردم	میانگین	سردراز		سر متوسط		سریز		تعداد
		درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
یزد خواست	۷۳/۵۰	۳۷	۸۰/۴۳	۷	۱۵/۲۲	۲	۴/۳۵	۴۶
لرها	۷۴/۲۵	۴۰	۷۶/۹۲	۱۱	۲۱/۱۵	۱	۱/۹۲	۵۲
کناره	۷۶/۴۴	۳۶	۴۹/۳۲	۳۵	۴۷/۹۵	۲	۲/۷۴	۷۳
یهودیها	۷۷/۴۳	۳۲	۳۷/۲۱	۴۹	۵۶/۹۸	۵	۵/۸۱	۸۶

مردم یزد خواست از همه سر درازتر هستند و یهودیها در طبقه سر متوسط قرار میگیرند .

در میان هر چهار گروه فقط ده نفر یا ۳/۹ درصد در طبقه سر کوتاه میباشند . بیش از سه چهارم لرها و ده نشینان یزد خواست سر دراز هستند و ده نشینان کناره بطور تساوی در طبقه سر دراز و سر متوسط قرار میگیرند درحالیکه یهودیها بطور کلی در طبقه سر متوسط میباشند . این چهار گروه از مردم سر دراز تشکیل یافته و قسمت کمی از آنان در طبقه سر متوسط واقع میشوند . شایان توجه است که میانگین مردم یزد خواست یعنی ۷۳/۵۰ نزدیک میانگین احتمالی نوع مدیترانه

اولیه است .

با استفاده از سیستم سرارترکیث درجدول اندازه سر و شاخص سرجدول زیر بدست میآید .

گروه بندی طبق شاخص سر

مجموع	X-۸۵/۰	۸۴/۹-۸۰/۰	۷۹/۹-۷۵/۱	۷۵/۰-۷۰/۱	۷۰/۰-X	
	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	
۴۸/۴۰	۰۰۰	۰۰۰	۷/۶۸	۲۴/۹۶	۵/۷۶	لر
۱۷/۳۶	۰۰۰	۰۰۰	۸/۶۸	۶/۵۱	۲/۱۷	یرد خواست
۴۵/۲۱	۰۰۰	۵/۴۸	۲۸/۷۷	۱۰/۹۶	۰۰۰	کناره
۲۹/۵۳	۱/۱۶	۸/۱۴	۲۴/۴۲	۵/۸۱	۰۰۰	یهودی
۵۷/۶۰	۰۰۰	۳/۸۴	۲۴/۹۶	۲۲/۰۴	۵/۷۶	لر
۷۵/۹۵	۰۰۰	۲/۱۷	۲۲/۸۷	۳۶/۸۹	۱۲/۰۲	یرد خواست
۵۲/۰۶	۰۰۰	۴/۱۱	۲۸/۷۷	۱۹/۱۸	۰۰۰	کناره
۵۸/۱۳	۱/۱۶	۱۰/۴۶	۳۲/۷۲	۱۰/۴۶	۲/۳۲	یهودی
۲/۸۴	۰۰۰	۰۰۰	۱/۹۲	۱/۹۲	۰۰۰	لر
۶/۵۱	۲/۱۷	۰۰۰	۰۰۰	۴/۳۴	۰۰۰	یرد خواست
۲/۷۴	۰۰۰	۱/۳۷	۱/۳۷	۰۰۰	۰۰	کناره
۲/۳۲	۰۰۰	۰۰۰	۱/۱۶	۱/۱۶	۰۰۰	یهودی
تعداد افراد						
۵۲	۰۰۰	۳/۸۴	۳۴/۵۶	۴۹/۹۲	۱۱/۵۲	
۴۶	۲/۱۷	۲/۱۷	۳۲/۵۵	۴۷/۷۴	۱۵/۱۹	واست
۷۳	۰۰۰	۱۰/۹۶	۵۸/۹۶	۳۰/۱۴	۰۰۰	کناره
۸۶	۲/۳۲	۱۸/۶۰	۵۹/۳۰	۱۷/۴۳	۲/۳۲	یهودی

در مورد اندازه سر متجاوز از نیمی از افراد هر گروه در طبقه متوسط قرار میگیرند و سه چهارم ده نشپنان یردخواست در این طبقه هستند . با استثنای عده خیلی کمی بقیه دارای سر کوچک هستند . بدین ترتیب نمونه های ما از ایران دارای سر متوسط متمایل به کوچکی هستند اگر چه عده کمی افراد بزرگ سر در میان آنها نیز پیدا میشود . وقتی طبقه بندی شاخص سر را مورد بررسی قرار میدهیم آشکار میگردد که با مردمانی روبرو شده ایم که از لحاظ شاخص سر متوسط

و متمایل به سردرازی هستند . و تعداد کمی افراد خیلی سردراز در میان آنها دیده میشود بجز ده نشینان کناره که فرد خیلی سردراز در بین آنها نیست. عنصر سرکوتاهی که بطور قطع در میان یهودیها و مردم کناره وجود دارد در میان مردم سرمتوسط و سردراز شایان توجه است . تعداد کم خیلی سردراز در میان لرها و یهودیها و مردم یزد خواست دارای اهمیت است زیرا در گروههای کوچک موارد استثنائی ارزش زیادتر پیدا میکند . در بحث جدول بالا طبقه بندی از خیلی سردراز تا خیلی سرکوتاه طبق سیستم کیت وجود دارد .

حد اقل قطر پیشانی = بطور کلی این اندازه متمایل به پهنی است . لرها پهن ترین پیشانی و یهودیها باریکترین پیشانی را دارند اگر چه حتی در این گروه میانگین ۱۱۱/۹۰ با مقایسه با مردم مغرب زمین نسبتاً زیاد است . وقتی حداقل قطر پیشانی و حد اکثر عرض سر با هم مقایسه شود جدول زیر بدست میآید .

حد اقل قطر پیشانی

مجموع	خیلی پهن	پهن	باریک	خیلی باریک	عرض سر
(۹۹-۸)	(۱۰۹-۱۰۰)	(۱۱۹-۱۱۰)	(۱۲۰-۸)		
درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	
					الر
۲/۱۷	...	۲/۱۷			یزد خواست
					خیلی باریک
					کناره (۱۲۹-۱۲۰)
...	یهودی
۳۶/۴۸	...	۲۸/۸۰	۷/۶۸	...	لر
۳۴/۷۲	...	۲۱/۷۰	۱۳/۰۲	...	یزد خواست
۲۷/۰۰	...	۲۰/۲۵	۶/۷۵	...	باریک
۱۷/۶۵	...	۱۱/۷۷	۵/۸۸	...	کناره (۱۳۹-۱۳۰)
					یهودی

مردم شناسی جسمانی ایران - ۵۴۳

۵۵/۶۸	۵/۷۶	۴۴/۱۶	۵/۷۶	...	لر	
۶۰/۷۶	۶/۵۱	۴۵/۵۲	۸/۶۸	...	یزد خواست	پهن
۶۴/۸۰	۱/۳۵	۵۱/۳۰	۱۲/۱۵	...	کناره	(۱۴۹-۱۴۰)
۷۲/۹۳	۱/۱۷	۵۱/۷۶	۲۰/۰۰	...	یهودی	
۷/۶۸	...	۷/۶۸	لر	
۲/۱۷	...	۲/۱۷	یزد خواست	خیلی پهن
۸/۱۰	۱/۳۵	۵/۴۰	۱/۳۵	...	کناره	(۱۵۰-X)
۹/۴۱	۲/۳۵	۷/۰۶	یهودی	
تعداد						
۵۲	۵/۷۶	۸۰/۶۴	۱۳/۴۴	...	لر	
۴۶	۶/۵۱	۷۱/۶۱	۲۱/۷۰	...	یزد خواست	
۷۴	۲/۷۰	۷۶/۹۵	۲۰/۲۵	...	کناره	جموع
۸۵	۳/۵۲	۷۰/۵۹	۲۵/۸۸	...	یهودی	

در هیچیک از چهار گروه افراد دارای قطر پیشانی خیلی باریک (X-۹۹) یا پیشانی خیلی پهن و باریک یا سر خیلی باریک وجود ندارد. بعضی افراد در هر گروه دارای سر پهن با پیشانی خیلی پهن میباشند و فقط دو فرد یهودی و یک فرد اهل یزد خواست دارای سر خیلی پهن و پیشانی خیلی پهن میباشند. طبق سیستم طبقه بندی کیت حد اقل قطر پیشانی پهن و متمایل به باریکی است. فقط یک فرد اهل یزد خواست سر خیلی باریک دارد. اکثریت در طبقه پهن تا باریک هستند تا در طبقه پهن تا خیلی پهن اگر چه تعداد کمی از افراد دارای پیشانی پهن و سر خیلی پهن میباشند.

بطور کلی هر چهار گروه دارای سر پهن تا باریک و حداقل قطر پیشانی میباشند.

عرض دو گونه = در میانگین های این اندازه اختلاف زیادی مشاهده نمیشود و حد کلی آن بین ۱۳۳/۳۵ و ۱۳۴/۷۰ است. بر اساس این ارقام صورت از حیث عرض متوسط است و تمایل به از هم دور بودن استخوان گونهها

وجود ندارد. این تقسیم بندی بیشتر مربوط با استخوان بندی است و نه با اندازه های افراد زنده و طبقه بندی روی ارقام ریز خواهد بود. $x - ۱۲۹$ و $۱۳۰ - ۱۳۹$ و $۱۴۰ - x$ رابطه عرض دو گونه به طول کل صورت تحت قسمت شاخص کل صورت بحث خواهد شد.

عرض دو گونه

مجموع	پهن	متوسط	باریک		طول کل صورت
	$(x-130)$	$(124-135)$	$(124-x)$		
درصد	درصد	درصد	درصد		
۹/۶۰	۵/۷۶	۳/۸۴	۰۰۰	لر	کوته ($x-114$)
۱۵/۱۹	۶/۵۱	۸/۶۸	۰۰۰	یزد خواست	
۹/۴۵	۲/۷۰	۶/۷۵	۰۰۰	کناره	متوسط ($124-115$)
۷/۲۲	۱/۲۰	۶/۰۲	۰۰۰	یهودی	
۲۶/۸۸	۵/۷۶	۲۱/۱۲	۰۰۰	لر	دراز ($x-125$)
۵۲/۰۸	۲۱/۷۰	۳۰/۳۸	۰۰۰	یزد خواست	
۵۵/۳۵	۱۴/۸۵	۲۹/۱۵	۱/۳۵	کناره	یهودی
۵۴/۲۱	۲۰/۴۸	۳۲/۵۳	۱/۲۰	یهودی	
۶۳/۳۶	۳۴/۵۶	۲۸/۸۰	۰۰۰	لر	مجموع
۳۲/۵۵	۱۹/۵۳	۱۳/۰۲	۰۰۰	یزد خواست	
۳۵/۱۰	۱۷/۵۵	۱۷/۵۵	۰۰۰	کناره	یهودی
۳۸/۵۶	۲۱/۶۹	۱۶/۸۷	۰۰۰	یهودی	
تعداد افراد					
۵۲	۴۶/۰۸	۵۳/۷۶	۰۰۰	لر	مجموع
۴۶	۴۷/۷۴	۵۲/۰۸	۰۰۰	یزد خواست	
۷۴	۳۵/۱۰	۶۳/۴۵	۱/۳۵	کناره	یهودی
۸۳	۴۳/۲۷	۵۵/۴۲	۱/۲۰	یهودی	

عرض فکین = لرها دارای باریکترین چانه و مردان یزد خواست دارای عریضترین چانه هستند . همه چهار گروه به نسبت حداقل قطر پیشانی چانه باریک دارند و در نتیجه صورت آنها ظاهر مثلثی شکل پیدا میکند بخصوص در مورد لرها . بررسی تصاویر نشان میدهد که افراد دارای صورت مستطیلی شکل نیز در بین آنان زیاد است .

طول کل صورت = لرها دارای صورت بسیار دراز هستند بطوریکه از صورت مردان یزد خو است $5/40$ میلیمتر دراز تر است . مردم کناره صورتشان کمی درازتر از یزد خواستها است و یهودیها کمی از یزد خواستها درازتر است ولی صورت لرها $2/95$ میلیمتر از طول کل صورت یهودیها دراز تر است .

طول قسمت علیای صورت = لرها دراز ترین قسمت علیای صورت را دارند و طول این قسمت صورت سه گروه دیگر کمتر است ولی بهمان تناسب طول کل صورت میباشد . وقتی این اندازه را در صد طول کل صورت بحساب آوریم شاخص لرها $61/99$ میشود که کمی از شاخص یهودیها ($58/65$) و مردم کناره ($58/62$) و اهل یزد خواست ($57/52$) زیاد تر است . وقتی قسمت علیا و طول کل صورت را طبق سیستم کیت قرار دهیم جدول زیر بدست میآید .

طول قسمت علیای صورت

مجموع	دراز	دراز متوسط	کوتاه متوسط	کوتاه	طول کل صورت
($x-76$)	($75-70$)	($69-64$)	($63-x$)		
درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	
...	لر
$6/51$	$2/17$	$4/34$	یزدخواست
...	کناره
$1/19$	$1/19$...	یهودی

($x-109$)

۱۱/۵۲	۳/۸۴	۳/۸۴	۳/۸۴	...	لر	کوته‌متو. ط (۱۱۹-۱۱۰)
۴۵/۵۷	...	۱۰/۸۵	۲۶/۰۴	۸/۶۸	یزدخواست	
۳۸/۳۶	۱/۳۷	۹/۵۹	۲۴/۶۶	۲/۷۴	کناره	
۲۴/۹۹	۱/۱۹	۹/۵۲	۱۳/۵۹	۱/۱۹	یهودی	
۵۹/۵۲	۴۰/۳۲	۱۳/۴۴	۵/۷۶	...	لر	دراز متوسط (۱۲۹-۱۲۰)
۳۰/۳۸	۴/۳۴	۱۹/۵۳	۶/۵۱	...	یزدخواست	
۴۵/۲۱	۱۰/۹۶	۲۷/۴۰	۵/۴۸	۱/۳۷	کناره	
۵۵/۹۵	۱۴/۲۹	۳۲/۱۴	۸/۳۳	۱/۱۹	یهودی	
۲۸/۸۰	۲۸/۸۰	لر	دراز (۱۳۰-X)
۱۷/۳۶	۱۰/۸۵	۶/۵۱	یزدخواست	
۱۶/۴۴	۱۳/۷۰	۲/۷۴	کناره	
۱۷/۸۶	۱۵/۴۸	۲/۳۸	یهودی	
تعداد افراد						
۵۲	۷۲/۹۶	۱۷/۲۸	۹/۶۰	...	لر	مجموع
۴۶	۱۵/۱۹	۳۶/۸۹	۳۴/۷۲	۱۳/۰۲	یزدخواست	
۷۳	۲۶/۰۳	۳۹/۷۳	۳۰/۱۴	۴/۱۱	کناره	
۸۴	۳۰/۹۶	۴۴/۰۴	۲۲/۶۱	۲/۳۸	یهودی	

باستثنای چند نفر از ده‌نشینان یزدخواست و یک نفر از یهودیهای اصفهان در طبقه طول کل صورت کوتاه کسی وجود ندارد. اگرچه بین ۵۶ تا ۶۰ درصد یهودیها و لرها دارای صورت دراز متوسط هستند بقیه ۲۴/۹۹ درصد یهودیها صورت کوتاه متوسط دارند در حالیکه ۲۸/۸۰ درصد لرها دارای صورت دراز میباشند. ده‌نشینان کناره بطور عمده صورت دراز متوسط دارند و افراد دارای صورت کوتاه متوسط آنها نسبتاً زیادتر از لرها و یهودیها است. فقط ده‌نشینان یزدخواست هستند که اکثریت آنها در طبقه صورت کوتاه و متوسط قرار میگیرند. در طبقه قسمت علیای صورت تنوع و تغییر زیادی مشاهده میشود بدین ترتیب که ۱۳/۰۲ درصد اهل یزدخواست دارای صورت کوتاه و ۷۲/۹۶ در-

صد لرها دارای صورت دراز میباشند و از لرها حتی يك نفر در طبقه صورت کوتاه قرارنگرفته است در هر چهار گروه عناصر صورت دراز و صورت کوتاه متوسط وجود دارد .

بطور کلی طول کل صورت و قسمت علیای صورت بین کوتاه متوسط و دراز است و اکثریت در طبقه وسط که دراز متوسط باشد قرار دارند .

در مورد صورت گوسفندی که کیت بحث میکند یعنی کسانی که دارای صورت کوتاه (کمتر از ۱۲۰ میلیمتر) هستند و در عین حال دارای قسمت علیای صورت دراز (۷۰ میلیمتر بیالا) میباشند در این چهار گروه تعداد زیر وجود دارد : ۴ لر (۷/۶۸ درصد) ۵ نفر از اهل یزدخواست (۱۰/۸۵ درصد) ۸ نفر از کناره (۱۰/۹۶ درصد) و ۹ نفر یهودی (۱۰/۷ درصد) .

شاخص کل صورت = اکثریت افراد (۶۷۵ در صد) صورت باریک و فقط هفده نفر از ۲۵۵ نفر (یعنی ۶/۷ درصد) در طبقه صورت پهن قرار میگیرند . شاخص صورت لرها از همه زیادتر (۹۳/۸۵) و مردمان یزدخواست از همه کمتر (۹۰/۱۵) است .

شاخص کل صورت

مردم	میانگین	صورت پهن		صورت متوسط		صورت باریک		مجموع افراد
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
یزدخواست	۹۰/۱۵	۵	۱۰/۸۷	۱۷	۳۶/۹۶	۲۴	۵۲/۱۷	۴۶
کناره	۹۱/۹۵	۵	۶/۷۶	۲۲	۲۹/۷۳	۴۷	۶۳/۵۱	۷۴
یهودی	۹۲/۳۰	۴	۴/۸۲	۲۱	۲۵/۳۰	۵۸	۶۹/۸۸	۸۳
لر	۹۳/۸۵	۳	۵/۷۷	۶	۱۱/۵۴	۴۳	۸۲/۶۹	۵۲

وقتی طبقه بندی کیت در مورد عرض گونه ها و طول کل صورت مراجعه کنیم باین نتیجه میرسیم که بطور کلی چهار گروه ایرانی دارای صورت متوسط تا پهن و متوسط تا دراز میباشند . با استثنای خیلی جزئی ملاحظه میشود که افراد صورت باریک وجود ندارند اگرچه در هر گروه تعدادی در حدود ۱۰ در صد پیدا میشوند که با صورت باریک (x - ۱۲۴) در طبقه متوسط یا پهن قرار میگیرند . اکثریت افراد در طبقه متوسط (۱۲۵ - ۱۳۴) و طبقه عریض متوسط (۱۳۵ - x) واقع میشوند .

شاخص قسمت علیای صورت = شاخص قسمت علیای صورت لرها بحد قابل ملاحظه بالاتر (۵۸/۴۳) از گروههای دیگر است که در مورد گروه یزد-خواست ۵۱/۸۳ و یهودیها ۵۴/۱۱ میباشد. بعبارت دیگر لرها قسمت علیای صورتشان نسبتاً از سه گروه دیگر دراز تر است.

شاخص پیشانی و آهیانه = این شاخص در مورد لرها بالاترین (۸۱/۱۹) و در مورد یهودیها کمترین (۷۷/۷۷) است علت زیاد بودن شاخص در مورد لرها اینست که آنها نه تنها دارای عریضترین حد وسط حداقل قطر پیشانی یعنی ۱۱۴/۵۰ هستند بلکه حد وسط عرض سر آنها نیز باریکترین یعنی ۱۴۰/۶۸ است.

شاخص گونه و پیشانی = حد اکثر اختلاف بین چهار گروه ایرانی در این شاخص فقط ۰/۵۶ میلیمتر است.

شاخص گونه و فك = بالاترین حد وسط شاخص گونه و فك در بین مردم یزدخواست است که ۸۱/۲۸ است و کمترین در بین لرها یعنی ۷۸/۶۴ است. اختلاف بین دو گروه دیگر و این دو گروه خیلی جزئی است. بعبارت دیگر ده نشینان یزدخواست قسمت علیای صورتشان نسبتاً کوتاه و فك آن نسبتاً عریض است و در مورد لرها این تناسب برعکس است.

طول بینی = لرها دارای بینی خیلی دراز هستند (۶۲/۲۲) و از حیث اندازه مطلق بینی آنها ۱۱ میلیمتر درازتر از بینی مردم یزدخواست است که در بین چهار گروه دارای کوتاهترین بینی میباشند.

عرض بینی = پره بینی در مورد لرها از همه عریضتر است (۳۵/۷۵) و مال یهودیها ۱/۶ میلیمتر از مال آنها کمتر است در دو گروه دیگر تقریباً يك اندازه و ۳ میلیمتر کمتر از مال لرها است.

طول و عرض بینی طبق طبقه بندی کیت جدول زیر را بوجود میآورد.

عرض بینی

مجموع	پهن	بین متوسط	باریک، متوسط	خیلی باریک	طول بینی
	(۴۲-۳۸) درصد	(۳۶-۴۱) درصد	(۳۰-۳۵) درصد	(۳-۲۹) درصد	
۱/۹۶	...	۱/۹۶	لر
۳۲/۵۵	...	۶/۵۱	۲۳/۸۷	۲/۱۷	یزدخواست
۳۲/۴۰	۲/۷۰	۵/۴۰	۲۴/۳۰	...	کناره
۱۷/۶۵	...	۴/۷۱	۱۲/۹۴	...	یهودی
۳۵/۲۸	۱/۹۶	۱۵/۶۸	۱۷/۶۴	...	لر
۵۸/۵۹	...	۱۵/۱۹	۳۲/۵۵	۱۰/۸۵	یزدخواست
۶۴/۸۰	۱/۳۵	۱۲/۱۵	۴۱/۸۵	۹/۴۵	کناره
۷۵/۲۸	۳/۵۲	۲۱/۱۸	۴۸/۲۳	۲/۳۵	یهودی
۶۲/۷۲	۳/۹۲	۲۷/۴۴	۳۱/۳۶	...	لر
۸/۶۸	...	۴/۳۴	۲/۱۷	۲/۱۷	یزدخواست
۲/۷۰			۲/۷۰		کناره
۷/۰۶	...	۴/۷۱	۲/۳۵	...	یهودی
تعداد افراد					
۵۱	۵/۷۸	۴۵/۰۸	۴۹/۰۰	...	لر
۴۶	...	۲۶/۰۴	۵۸/۵۹	۱۵/۱۹	یزدخواست
۷۴	۴/۰۵	۱۷/۵۵	۶۸/۸۵	۹/۴۵	کناره
۸۵	۳/۵۲	۳۰/۶۰	۶۳/۵۲	۲/۳۵	یهودی

از لحاظ اندازه مطلق بینی اکثر آنها باریک متوسط تا پهن متوسط است. اگرچه افراد معدودی در منتهی الیه جدول پیدا میشوند در بین لرها افراد دارای بینی خیلی باریک و در بین ده نشینان یزدخواست کسانی با بینی پهن وجود نداشت.

از لحاظ طول بینی دو سوم لرها دارای بینی دراز و يك سوم دارای بینی متوسط میباشند . بعد از آنها یهودیها میآیند که سه‌چهارم آنها بینی متوسط دارند و بقیه در طبقه کوتاه قرار دارند . مردم یزدخواست و کناره دارای بینی متوسط هستند و تقریباً يك سوم هر گروه در طبقه کوتاه (X - ۴۹) قرار دارند . از جدول x.p.e. بخوبی دیده میشود که فقط لرها از لحاظ نژادی بطور قابل ملاحظه با سه گروه دیگر فرق دارند . با استثنای لرها که بینی آنها یا باریک متوسط و یا پهن متوسط و دراز است سایر گروههای ایران بینی‌شان از حیث عرض باریک متوسط تا پهن متوسط و از حیث طول متوسط تا کوتاه است .

شاخص بینی = در همه گروهها تعداد زیادی افراد بینی باریک دیده میشود و از همه بیشتر در میان لرها است که کمترین میانگین (۵۷/۴۲) را دارند . میانگین سه گروه دیگر نسبتاً مشابه است و بین ۶۳/۸۶ تا ۶۴/۶۲ میباشد . در طبقه بینی پهن نه افراد لر هستند و نه یهودیها ولی چهار نفر (۵/۴۱ درصد) از اهالی کناره و دو نفر (۴/۳۵) از اهل یزدخواست در آن طبقه دیده میشود .

شاخص بینی

مجموع	بینی پهن		بینی متوسط		بینی باریک		میانگین	مردم
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد		
		(X-۸۲/۵)		(۸۲/۴-۶۷/۵)		(۶۷/۴-X)		
لرها	۵۱	۰.۰	۰	۱۱/۷۶	۶	۸۸/۲۴	۴۵	۵۷/۴۲
یهودیها	۸۵	۰.۰	۰	۲۷/۰۶	۲۳	۷۲/۹۴	۶۲	۶۳/۸۶
اهل کناره	۷۴	۵/۴۱	۴	۲۷/۰۳	۲۰	۶۷/۵۷	۵۰	۶۴/۵۴
اهل یزدخواست	۴۶	۱/۳۵	۲	۳۰/۴۳	۱۴	۶۵/۲۲	۳۰	۶۴/۶۲

طول گوش = در بین چهار گروه گوش مردم کناره از همه درازتر و مال لرها از همه کوتاهتر است و کلیه حد تغییر از ۲/۴ میلیمتر کمتر است . در این خصوصیت و در عرض گوش اختلاف در میانگین سن لرها و سایر گروهها باید در نظر گرفته شود زیرا بین سن و اندازه گوش ارتباط مستقیم وجود دارد .

عرض گوش = مردم کناره دارای عریضترین و لرها دارای باریکترین گوش میباشند و حد اختلاف ۳/۷۲ میلیمتر است .

شاخص گوش = شاخص گوش لرها از همه کمتر یعنی ۵۶/۸۲ است که

بطور وضوح کمتر از سه گروه دیگر است که شاخص گوش افراد آنها بین ۶۱/۱۴

۶۱/۹۸ است و یکنواختی عجیبی را نشان میدهد. همچنین باید در نظر داشت که میانگین سن آن سه گروه بین ۳۷/۲۵ تا ۳۹/۳۰ است در حالیکه در بین لرها میانگین سن ۳۰/۱۵ است و این مطلب تا حدی اندازه‌های مطلق را روشن مینماید اگرچه در این مورد کمی شاخص در درجه اول مربوط به تقلیل در اندازه مطلق و نسبی عرض گوش است.

تاکنون کمتر مردم‌شناسی اندازه‌های گوش را ثبت کرده و بحساب آورده است ولی در آینده ممکن است که مختصری به مسئله تجزیه و طبقه بندی نژادی کمک کند.

خصوصیات شکل شناسی چهار گروه ایران

علاوه بر مطالب ارقامی و اندازه گیری شرح خصوصیات هر یک از چهار گروه برای مقایسه جدول بندی شده است. در بررسی مطالعه هر قسمت ارقام اصلی ممکن است مورد دقت قرار گیرد و در این جدول فقط درصدها مورد استفاده واقع شده است.

مو = بطور کلی موی افراد در میان مردم کناره و یزدخواست مجعد درشت متمایل به صافی است و در بین یهودیها مو مجعد ریز است. عنصر مجعد بودن که در میان لرها و یهودیها وجود دارد امکان تأثیر خون سیاهپوست را نشان میدهد. در نسج مو اختلاف قابل ملاحظه وجود دارد. موی لرها از این حیث متوسط و متمایل به خشنی است در حالیکه اهل یزدخواست و کناره و یهودیها دارای موی متوسط تا نرم هستند ولی عنصر موی خشن نیز بین آنها دیده میشود. از حیث رنگ موی هر چهار گروه بطور کلی قهوه سیر یا سیاه است. در میان لرها عنصر قرمزی که شاید در اثر استعمال حنا باشد دیده میشود. این حالت در میان یهودیها ولی بمیزان کمتر نیز دیده میشود.

مو

شکل	لرها	یزدخواست	کناره	یهودیها
صاف
مجعد خیلی درشت	۶/۳۸	۱۹/۵۷	۲۷/۰۳	۲/۶۷
مجعد درشت	۸۵/۱۱	۸۰/۴۳	۶۶/۲۲	۸۴/۰۰
مجعد ریز	۶/۳۸	...	۶/۷۶	۱۰/۶۷

۲/۶۷	مجمد فری
...	۲/۱۳	پشمالو
				نج
۱۵/۰۷	۹/۷۲	۲۰/۰۰	۱۳/۶۴	خشن
۱/۳۷	۵/۵۶	۴/۴۴	...	خشن متوسط
۵۶/۱۶	۳۶/۱۱	۱۵/۵۶	۸۱/۸۲	متوسط
۶/۸۵	۶/۹۴	۱۷/۷۸	۲/۲۷	نرم متوسط
۲۰/۵۵	۴۱/۶۷	۴۲/۲۲	۲/۲۷	نرم
				رنگ
۴۴/۴۴	۶۳/۳۸	۳۷/۷۸	۲/۰۸	سیاه
۱/۲۲	قهوه خیلی سیر
۲۲/۲۲	۱۹/۷۲	۴۶/۶۷	۸۱/۲۵	قهوه سیر
...	۱/۴۰	قهوه‌ای
۲/۴۷	۱۴/۵۸	قهوه قرمز
...	قهوه روشن
...	قرمز
۱۶/۰۵	۱۴/۰۸	۸/۸۹	...	سیاه و خاکستری
۷/۴۱	۱/۴۰	...	۲/۰۸	قهوه و خاکستری
۴/۹۴	...	۶/۶۷	...	خاکستری
۱/۲۳	سفید

از این جدول چنین معلوم میشود که ده نشینان کناره بیش از سه گروه دیگر دارای افراد موی‌مشکی هستند. از آنجائیکه اغلب بعلت وضع نور بسیار مشکل بود بین سیاه و قهوه‌ای سیر تشخیص داد احتمال میرود که بین این دو رنگ (یعنی سیاه و قهوه سیر) اختلاف خیلی جزئی باشد.

چشم = از لحاظ رنگ چشم همه گروه‌ها بجز لرها دارای چشم قهوه سیر میباشند. نیمی از لرها چشم برنگ مختلط (قهوه سبز یا قهوه آبی) دارند. این نوع چشم تا حد کمی در میان مردم یزد خواست و قدری زیاد تر در بین یهودیها و ده نشینان کناره نیز وجود دارد. شایان توجه است که رنگ چشم آبی

مردم شناسی جسمانی ایران - ۵۵۳

خالص یا خاکستری خالص مشاهده نشد .

اکثریت سیاهی چشم یکنواخت است ولی درمیان لرها عده زیادی یعنی ۳۸/۷۷ درصد سیاهی خط دار و حلقه دار مشاهده میشود که شاید با عامل اختلاط رنگ چشم انطباق داشته باشد . درمیان مردم یزدخواست سیاهی خط دار دیده نشد در هر چهار سری معدودی سیاهی حلقه دار وجود دارد . سفیده بطور کلی صاف است و فقط معدودی شاید بعلت باد یا خاک یا بیماری دارای چشم لك دار هستند . لرها از همه بیشتر یعنی ۸۴ درصد دارای سفیده صاف میباشند .

چشم				
یزدخواست	کناره	یهودی	لر	رنگ
...	سیاه
۹۵/۶۵	۸۳/۷۹	۷۳/۵۶	۵۰/۰۰	قهوه سبز
۲/۱۷	۱/۳۵	۴/۶۰	۳۴/۰۰	قهوه آبی
...	...	۱/۱۵	...	آبی - قهوه
۲/۱۷	۶/۲۶	۹/۲۰	۱۶/۰۰	قهوه سبز
...	۲/۷۰	۵/۷۵	...	سبز - قهوه
...	۴/۰۵	۳/۴۵	...	قهوه خاکستری
...	۱/۳۵	آبی
...	خاکستری
...	قهوه روشن
...	...	۱/۱۵	...	خاکستری آبی
...	...	۱/۱۵	...	آبی سبز
				سیاهی
۹۱/۳۰	۷۹/۷۱	۷۵/۰۰	۶۱/۲۲	یکنواخت
...	۴/۳۵	۷/۵۰	۲۸/۵۷	خط دار
۸/۷۰	۱۵/۹۴	۱۷/۵۰	۱۰/۲۰	حلقه دار
				سفیده
۷۸/۲۶	۷۸/۲۶	۷۱/۲۶	۸۴/۰۰	صاف
...	زرد

۲۶/۴۴	۲۰/۲۹	۱۹/۵۷	۱۴/۰۰	لك دار
۲/۳۰	۰۰۰	۲/۱۷	۰۰۰	خوفین
۰۰۰	۱/۴۵	۰۰۰	۲/۰۰	لك دار و خونین
۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	لك دار و زرد
۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	زرد و خونین

ازلحاظ چشم بنظر میرسد که در میان گروه‌های ایران ده نشینان یزد-خواست بعلت تعداد کثیر افراد دارای چشم قهوه سیر و سیاهی یکتواخت ممتاز هستند و برعکس لرها از همه کمتر دارای چشم قهوه سیر و سیاهی یکتواخت میباشند .

بینی = بینی بطور کلی یا محدب و یا راست است ولی در میان چهار گروه تنوع قابل ملاحظه مشاهده میشود . مطلب جالب توجه اینکه تعداد افراد دارای بینی محدب در میان ده نشینان کناره زیاد تر از یهودیها است . لرها از لحاظ تنوع نیمرخ بینی از همه پائین ترند زیرا اکثریت آنها دارای بینی راست و صاف میباشند . تعداد افراد دارای بینی مقعر یعنی ۱۴/۹۴ درصد در بین یهودیها غیر قابل انتظار بود .

نوك بینی بطور کلی نازك است و پنجاه درصد در طبقه منها قرار میگیرند . در میان لرها اندازه نوك بینی ثبت نشد .

پره بینی از لحاظ اندازه متوسط و متمایل به باز است بجز در مورد مردان یزدخواست که تمایل زیادی به پره بینی فشرده دارند . در میان لرها پره نسبتاً باز است .

بینی

یهودی	کناره	یزدخواست	لرها	نیمرخ
۱/۱۵	۲/۹۹	۲/۱۷	۳/۹۲	موجودار
۱۴/۹۴	۴/۴۸	۱۰/۸۷	۰۰۰	محدب
۳۲/۱۸	۳۴/۳۳	۳۹/۱۳	۴۹/۰۲	راست
۴۷/۱۳	۵۲/۲۴	۴۳/۴۸	۴۵/۱۰	مقعر
۴/۶۰	۵/۹۷	۴/۳۵	۱/۹۶	مقعر-محدب
				ضخامت نوك
۵۱/۲۲	۵۰/۰۰	۵۹/۰۹	۰۰۰	منها

مردم شناسی جسمانی ایران - ۵۵۵

۲۶/۸۳	۲۲/۰۶	۹/۰۹	۰۰۰	متوسط
۱۷/۰۷	۲۵/۰۰	۲۷/۲۷		بعلاوه
۴/۸۸	۲/۹۴	۴/۵۵	۰۰	بعلاوه دو برابر
				پره
۸/۰۵	۸/۱۱	۱۰/۸۷	۷/۶۹	فشرده
۴/۶۰	۱/۳۵	۲۸/۲۶	۳/۸۵	فشرده متوسط
۵۶/۳۲	۶۰/۸۱	۳۴/۷۸	۴۶/۱۵	متوسط
۲۶/۴۴	۱۶/۲۲	۱۷/۳۹	۲۸/۸۵	متوسط باز
۲/۳۰	۹/۴۶	۶/۵۲	۱۳/۴۶	باز
۲/۳۰	۴/۰۵	۲/۱۷	۰۰۰	باز بعلاوه

دندان = دندانها از حیث درآمدن عادی و تمایل به پیش آمدگی دندانهای بالا بخصوص در میان لرها و ده نشینان کناره میباشد. یهودیهای اصفهان از همه بیشتر دندان از دست داده اند ۴۶/۸۱ درصد که ۹ دندان یا بیشتر افتاده دارند و در میان ده نشینان یزدخواست ۱۱/۹۰ درصد افراد ۱۷ یا بیشتر دندان از دست داده اند.

از لحاظ وضع دندان یهودیها و ده نشینان یزدخواست و کناره دارای دندان خراب هستند اگرچه طبقه وسط از همه بیشتر یعنی ۴۰ درصد دندان عالی دارند. از طرف دیگر وضع دندان لرها با اینکه جواتر از گروههای دیگر هستند زیاد خوب نیست.

دندان				
یهودی	کناره	یزدخواست	لرها	جفت شدن
۲/۴۴	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	عقب
۱/۲۲	۰۰۰	۲/۷۰	۶/۱۲	لب بلب
۸۱/۷۱	۷۶/۴۷	۸۱/۰۸	۶۹/۳۹	کمی جلو
۱۴/۶۳	۲۳/۵۳	۱۶/۲۲	۲۴/۴۹	خیلی جلو
				افتادگی
۱۲/۷۷	۳۱/۷۵	۴۰/۴۸	۰۰۰	هیچ
۳۶/۱۷	۵۰/۷۹	۳۵/۷۱	۰۰۰	

۴/۲۶	۹/۵۲	۴/۷۶	۰۰۰	۸ - ۵
۳۸/۳۰	۷/۹۴	۴/۷۶	۰۰۰	۱۶ - ۹
۰۰۰	۰۰۰	۱۱/۹۰	۰۰۰	+ ۱۷
۰۰۰	۰۰۰	۲/۳۸	۰۰۰	همه
وضع				
۱۲/۶۸	۱۰/۰۰	۱۳/۳۳	۰۰۰	خیلی بد
۱۵/۴۹	۸/۵۷	۱۳/۳۳	۱۲/۸۲	بد
۱۹/۷۲	۲۴/۲۹	۶/۶۷	۲۰/۵۱	متوسط
۴۲/۲۵	۴۱/۴۳	۲۶/۶۷	۴۳/۵۹	خوب
۹/۸۶	۱۵/۷۱	۴۰/۰۰	۲۳/۰۸	عالی

دندان گروههای ایران بطور کلی خوب است با استثنای دندان یهودیهای اصفهان که از لحاظ وضع و کرم خوردگی و تعداد دندان افتادگی از سایر گروهها بدتر است . تعداد دندان افتادگی لرها ثبت نگردید .

عضله بندی = با اینکه آمار و ارقامی از عضله بندی لرها گرفته نشد بنظر نویسنده هیچ تردیدی نیست که نود درصد آنها در طبقه عالی قرار می گرفتند . باید اضافه کرد که لرها يك گروه منتخب باربر بودند و نباید آنها را با سایر گروههای غیر منتخب مقایسه کرد . از گروه یهودی فقط عده کمی از افراد در طبقه عالی قرار گرفته اند . از بین سه گروه مطالعه شده مردان کناره دارای عضله بندی خوب میباشند و عضله بندی ده نشینان یزدخواست در مقام مقایسه با دو گروه دیگر پست تر است .

عضله بندی

یهودیه	کناره	یزدخواست	لر	
۰۰۰	۰۰۰	۲/۱۷	۰۰۰	بد
۱۲/۶۴	۶/۲۶	۱۵/۲۲	۰۰۰	متوسط
۷۵/۸۶	۷۷/۰۳	۵۰/۰۰	۰۰۰	خوب
۱۱/۴۹	۱۶/۲۲	۳۲/۶۱	۰۰۰	عالی

اختلافات عمده در چهار گروه ایران

تا اینجا نمونه های جمعیت را از نظر اختلافات آشکار بین خصوصیات

مختلف مورد بحث قرار دادیم در این قسمت بمسئله اهمیت آماری اختلافات فردی و همچنین جمع این اختلافات با در نظر گرفتن اشتباهاتی که در نمونه گیری اتفاقی و تعداد گروهها پیش میآید توجه مبذول میگردد. بدین ترتیب خواهیم توانست معین کنیم کدام گروه از نظر آماری یکی از دیگری اختلاف عمده دارند.

جدول (صفحات ۵۶۰-۵۶۳) شامل طبقه بندی اختلافات فردی بین خصوصیات گروههای مقایسه شده میباشد و علاوه بر آن تعداد دفعاتی که این اختلافات افزون بر اشتباهات احتمالی (x.p.e.'s) (excess of probable error) است نیز داده شده است. فقط آن اختلافاتی که لااقل سه مرتبه زیادتر از اشتباهات احتمالی است در اینجا بعنوان اختلافات آماری عمده که مربوط باشباهات نمونه-گیری اختیاری نیست بحساب آورده شده است زیرا اینگونه اختلافات ممکن است در نتیجه تصادف فقط در چهار مورد از صد مورد دیده شود بعلاوه خلاصه ای از این افزونی اشتباهات احتمالی در صفحه ۵۶۴ داده شده است و در اینجا با کثرت وقوع نظری ارزش x.p.e. که در نمونه های اتفاقی همان اندازه انتظار میرود مقایسه شده است. اساس این کثرت وقوع نظری بر این فرضیه قرار دارد که اختلافات بین دو گروه تنها در نتیجه عمل نمونه گیری از این قرار است: کمتر از يك برابر اشتباه احتمالی اختلاف در ۵۰ درصد موارد - از يك تا دو برابر اشتباه احتمالی اختلاف در ۳۲/۲۷ درصد موارد - دو تا سه برابر در ۱۳/۴۳ درصد موارد - سه تا چهار برابر در ۳/۶۰ درصد موارد و غیره بدین ترتیب برای سیزده اندازه کثرت وقوع نظری ارزش x.p.e. بین صفر و يك ۶/۵۰ است و بین يك و دو ۴/۲۰ و بین دو و سه ۱/۷۵ و غیره برای نه شاخص کثرت وقوع نظری ارزش x.p.e. بین صفر و يك ۴/۵۰ و بین يك و دو ۲/۹۰ و بین دو و سه ۱/۲۱ و غیره میباشد.

مطالعه بسیار سطحی این جدول پراکنندگی این حقیقت را آشکار میسازد که چهار گروه ایران یکی از دیگری هم از نظر اندازه ها و هم از نظر شاخصها بطور عمده با یکدیگر فرق دارند و از نظر اندازه گیری مردم شناسی جامعه های مشخص محسوب میشوند. حتی يك مورد واحد دیده نمیشود که دو گروه آنقدر شبیه هم باشند که دو نمونه اتفاقی از يك جمعیت جلوه کنند. همچنین آشکار است که لرها وقتی با سه گروه دیگر مقایسه میشوند بنظر میرسد که از نظر کثرت وقوع در

اندازه‌ها و شاخص‌ها اختلاف بیشتری با سایرین دارند. بنابراین لرها از حیث اندازه‌گیری مردم شناسی مشخص‌تر از سایر گروه‌های ایران می‌باشند. از طرف دیگر یهودیها در مقایسه با مردم کناره از حیث کثرت وقوع نظری نزدیکتر بیکدیگر هستند. بنابراین یهودیهای اصفهان و ده نشینان کناره را باید از نظر جسمانی نزدیکتر از سایر گروهها بیکدیگر محسوب داشت.

اگر خصوصیات فردی را که گروه‌ها را از هم مجزا می‌سازد بحساب آوریم مشاهده می‌کنیم که لرها در بیست از بیست و سه اندازه و شاخص (۸۶/۹۶ درصد) از مردم کناره بطور عمده فرق دارند. لرها از لحاظ میانگین سن جوانتر - از قد بلندتر - قد نشسته خیلی بلندتر - و از میانگین طول سر درازتر و از عرض سر باریک‌تر و از شاخص سر کمتر و از حیث قطر پیشانی عریض‌تر هستند. از لحاظ عرض گونه‌ها لرها فرق زیادی با مردم کناره ندارند ولی تناسب عرض پیشانی به عرض دو گونه قابل ملاحظه زیادتر است. عرض فك زیرین در زوایای چانه در اندازه مطلق و تناسب با عرض صورت در لرها بطور قابل ملاحظه باریکتر است. طول صورت و طول قسمت علیای صورت لرها از مردم کناره زیادتر است در حالیکه به نسبت به عرض گونه‌ها فقط قسمت علیای صورت آنها درازتر است. طول بینی و عرض بینی لرها زیادتر است و از حیث تناسب نسبی این اندازه‌ها لرها بینی درازتر و باریکتر دارند. اندازه‌های گوش در لرها کمتر است و از حیث تناسب نسبی این اندازه‌ها لرها بطور مشخص گوش کوتاهتر و باریکتر از مردم کناره دارند.

در مقایسه با ده نشینان یزدخواست لرها که در شانزده مورد از بیست و سه اندازه و شاخص (۶۹/۵۷ درصد) با آنها اختلاف دارند از حیث سن جوانتر و از قد بلندتر و از قد نشسته خیلی بلندتر هستند. طول سر آنها کوتاهتر است ولی از حیث عرض سر خیلی باریکتر نیستند و همچنین عرض فك زیرین آنها و عرض گوش آنها از مردم کناره کمتر است و بعلاوه طول کل صورت و طول قسمت علیای صورت و طول بینی و عرض بینی آنها زیادتر است. در مورد تناسب نسبی اندازه‌های فوق لرها به نسبت قد طول قد نشسته آنها زیادتر از مردم یزدخواست است و همچنین دارای شاخص کمتر در گونه و چانه و صورت باریکتر از حیث کل صورت و قسمت علیای صورت و بینی نسبتاً باریکتر و گوش نسبتاً باریکتر می‌باشند.

لرها همچنین در بیست مورد از بیست و سه اندازه و شاخص (۸۶/۹۶ درصد) با یهودیها فرق عمده دارند. لرها از حیث سن خیلی جوانتر و در موارد زیر اندازه مطلق زیادتر دارند:

قد - قد نشسته - طول سر - حداقل قطر پیشانی - طول کل صورت - طول قسمت علیای صورت - طول بینی - عرض بینی. و نیز قطر کوچکتر در عرض سر و قطر چانه‌ها و طول و عرض گوش نشان می‌دهند. از حیث شاخص‌ها لرها در مقایسه با یهودیها به نسبت قد خود طول تنه‌شان بلندتر است و تعداد زیادتری سر دراز دارند و عرض پیشانی آنها نسبت به عرض سرشان زیادتر است و قطر چانه‌ها به نسبت طول صورت باریکتر و اندازه قسمت علیای صورت آنها زیادتر و تعداد زیادتر بینی باریک و گوش باریک دارند.

اگر خصوصیات که مردم لرها را از سه گروه دیگر یعنی مردم کناره و یزدخواست و یهودیها مشخص می‌سازد خلاصه کنیم مشاهده میکنیم که از بیست و سه اندازه و شاخص شانزده مورد زیر (۵۶/۲۵ درصد) وجود دارد: میانگین سن کمتر - قد بلندتر - قد نشسته خیلی بلندتر - قطر چانه باریکتر - طول کل صورت زیادتر - طول قسمت علیای صورت زیادتر - بینی درازتر - عرض بینی زیادتر - گوش باریکتر - طول قد نشسته نسبی زیادتر - عرض چانه نسبی باریکتر - طول نسبی علیای صورت درازتر - شاخص بینی باریکی بیشتر و شاخص گوش کمتر. بنابراین در اینک لرها در مقایسه با سایر گروههای ایران از حیث اختلاف مشخص هستند تردیدی نیست.

در هفت مورد از بیست و سه اندازه و شاخص‌ها یا (۳۰/۴۳ درصد) مردان یزدخواست از مردان کناره اختلاف عمده دارند بخصوص در قد نشسته کوتاهتر و میانگین قد نشسته نسبی کمتر. در اندازه طول سرافزونی بر مردان کناره نشان میدهند که نتیجه عمده آن تعداد زیادتر درازسری در فرق سراسر است اگرچه این دو گروه اختلاف عمده با یکدیگر در عرض سر و حداقل قطر پیشانی ندارند معذرا ده نشینان یزدخواست دارای شاخص پیشانی و آهیانه هستند که بطور قطع بالاتر از شاخص مردم کناره است. قسمت علیای صورت مردان یزدخواست کوتاهتر است و این امر در کمتری شاخص قسمت علیای صورت منعکس است. خصوصیات دیگری که اختلافات آماری بین این دو گروه را نشان دهد وجود ندارد ولی شواهدی در دست است که مبرسان در مورد قطر فک و شاخص کل صورت با هم فرق دارند. چنانکه متذکر شدیم یهودیها و ده نشینان کناره از لحاظ اندازه گیری مردم شناسی بیش از هر دو گروه دیگر بهم نزدیک هستند. یهودیها در پنج مورد (۲۱/۷۴ درصد) از بیست و سه اندازه‌ها و شاخص‌ها با مردان کناره فرق دارند که عبارت از: قطر سر عریضتر - بینی درازتر و پهن‌تر - قد نشسته نسبی کوتاهتر و فرق سر کوتاهتر. با وجود کمی اختلافات یهودیهای ایران و ده نشینان کناره از نظر مردم شناسی جامعه‌های مشخصی هستند.

اختلافات و مقدار زائده بر اشتباهات احتمالی

اندازه‌ها	لر‌ها با مردم کناره	لر‌ها با مردم بزدخواست	لر‌ها با یهودیه‌ای ایران	اختلاف
	xp. e.	اختلاف	xp. e.	اختلاف
سن	۵/۵۹	-۷/۷۰	۵/۳۱	-۹/۱۵
قد	۴/۲۳	+۳/۸۴	۵/۱۲	+۳/۶۹
قد نشسته	۱۶/۲۳	+۹/۴۵	۱۹/۶۷	+۸/۲۷
طول سر	۴/۳۷	-۲/۵۲	۳/۰۴	+۳/۹۳
عرض سر	۳/۰۹	-۰/۸۷	۱/۱۳	-۳/۶۰
حد اقل قطر پیشانی	۵/۰۲	+۱/۷۲	۲/۹۷	+۲/۶۰
عرض دو گونه	۲/۱۱	+۰/۲۰	۰/۲۹	+۰/۵۰
عرض فکین	۳/۸۱	-۴/۱۶	۵/۶۲	-۲/۴۴
طول کل صورت	+۴/۰۰	+۵/۴۰	۵/۶۳	+۲/۹۵
طول قسمت علیای صورت	+۶/۶۰	+۸/۷۵	۱۰/۴۲	+۵/۹۵
طول بینی	+۱۰/۵۶	+۱۱/۰۰	۱۴/۲۸	+۸/۴۰
عرض بینی	+۲/۹۴	+۲/۹۱	۶/۳۳	+۱/۵۶

اختلافات و مقارنات زائده بر اشتباهات احتمالی

الفاظ	لرها با مردم کناره		لرها با مردم یزدخواست		لرها با یهودیه‌های ایران	
	xp. e.	اختلاف	xp. e.	اختلاف	xp. e.	اختلاف
طول گوش	۴/۱۴	-۱/۵۲	۲/۲۴	-۱/۸۰	۲/۱۰	-۱/۸۰
عرض گوش	۱۰/۶۳	-۳/۰۰	۷/۳۲	-۳/۱۸	۸/۱۰	-۳/۱۸
شاخص‌ها						
قد نشسته نسبی	۱۴/۰۹	+۴/۶۸	۱۸/۷۲	+۳/۶۴	۱۸/۲۰	+۳/۶۴
سر	۵/۲۸	+۰/۷۵	۱/۴۴	-۳/۱۸	۷/۹۵	-۳/۱۸
پیشانی و آهیانه	۶/۲۲	+۱/۲۰	۲/۶۷	+۳/۴۲	۸/۷۷	+۳/۴۲
گونه و پیشانی	۰/۱۱	+۰/۴۸	۱/۲۳	+۰/۵۶	۱/۵۶	+۰/۵۶
گونه و فاک	۵/۴۸	-۲/۶۴	۶/۰۰	-۲/۱۳	۵/۷۶	-۲/۱۳
کل صورت	۲/۸۸	+۳/۷۰	۵/۲۹	+۱/۵۵	۲/۴۶	+۱/۵۵
قسمت علیای صورت	۸/۱۱	+۶/۶۰	۱۰/۰۰	+۳/۳۲	۷/۸۵	+۳/۳۲
بینی	۶/۵۳	-۷/۲۰	۶/۰۰	-۶/۴۴	۶/۸۵	-۶/۴۴
گوش	۷/۷۰	-۵/۰۸	۵/۹۳	-۴/۳۲	۶/۰۰	-۴/۳۲

اختلافات و مقادار زائد بر اشتباهات احتمالی

اندازه‌ها	یزدخواست-کناره		یهودیهای ایران-کناره		یهودیهای ایران-یزدخواست	
	اختلاف	xp.e.	اختلاف	xp.e.	اختلاف	xp.e.
سن	+۰/۶۰	۰/۴۰	+۲/۰۰۵	۱/۴۳	+۱/۴۵	۰/۹۱
قد	-۰/۷۵	۱/۰۰	-۰/۶۰	۰/۸۷	+۰/۱۵	۰/۲۱
قد نشسته	-۲/۳۱	۵/۱۳	-۱/۱۳	۲/۹۰	+۱/۱۸	۲/۶۸
طول سر	+۵/۴۹	۷/۰۴	-۰/۹۶	۱/۶۶	-۶/۴۵	۸/۶۰
عرض سر	-۱/۱۴	۱/۷۳	+۱/۵۹	۳/۱۸	+۲/۷۳	۴/۲۰
حد اقل قطر پیشانی	+۰/۶۴	۱/۱۲	-۰/۲۴	۰/۵۷	-۰/۸۸	۱/۶۰
عرض دو گونه	+۱/۱۵	۱/۴۹	+۰/۸۵	۱/۵۲	-۰/۳۰	۰/۴۸
عرض فکین	+۱/۸۰	۲/۵۴	+۰/۰۸	۰/۱۴	-۱/۷۲	۲/۴۹
طول کل صورت	-۱/۴۰	۱/۵۲	+۱/۰۵	۱/۴۸	+۲/۴۵	۲/۶۹
طول قسمت علیای صورت	-۲/۱۵	۳/۰۳	+۰/۶۵	۱/۲۳	+۲/۸۰	۴/۰۰
طول بینی	-۰/۴۴	۰/۶۷	+۲/۱۶	۴/۳۲	+۲/۶۰	۴/۰۶
عرض بینی	+۰/۰۳	۰/۰۷	+۱/۳۸	۳/۷۳	+۱/۲۵	۳/۲۹

اختلافات و مقدمات زائد بر اشتباهات احتمالی

به و دیهای ایران - پز دخواست	اختلاف	xp.e.	به و دیهای ایران - کناره	اختلاف	xp.e.	پز دخواست - کناره	اختلاف	xp.e.
۰/۴۲	+۰/۲۸	۱/۰۲	-۰/۵۶	۱/۲۹	-۰/۸۴			
۰/۴۵	+۰/۱۸	۱/۶۴	-۰/۵۴	۲/۰۰	-۰/۷۲			
۵/۲۰	+۱/۰۴	۳/۱۸	-۰/۵۴	۷/۱۸	-۱/۵۸			
۷/۸۶	+۳/۹۳	۳/۰۰	+۱/۰۸	۵/۸۲	-۲/۸۵			
۵/۶۹	-۲/۲۲	۲/۴۹	-۰/۸۷	۳/۲۹	+۱/۳۵			
۰/۲۲	-۰/۰۸	۱/۵۸	-۰/۵۲	۱/۲۲	-۰/۴۴			
۱/۲۴	-۰/۵۱	۰/۱۶	-۰/۰۶	۱/۰۲	+۰/۴۵			
۳/۴۷	+۲/۱۵	۰/۶۰	+۰/۳۵	۲/۷۳	-۱/۸۰			
۴/۱۵	+۲/۲۸	۰/۷۱	+۰/۳۰	۲/۴۷	-۱/۹۸			
۰/۷۰	-۰/۷۶	۰/۷۱	-۰/۶۸	۰/۰۷	+۰/۰۸			
۰/۸۷	-۰/۸۴	۱/۱۵	-۰/۷۶	۰/۱۰	+۰/۰۸			

اندازه‌ها

طول گوش

عرض گوش

شاخص‌ها

قد نشسته نسبی

سر

پیشانی و آهیانه

گونه و پیشانی

گونه و فک

کل صورت

قسمت علیای صورت

بینی

گوش

در ده مورد از بیست و سه (۴۳/۴۸ درصد) اندازه و شاخص یهودیها بطور عمده بامردم یزدخواست اختلاف دارند و این خیلی بیشتر از اختلاف آنها با ده نشینان کناره است. در مقایسه بامردان یزدخواست یهودیها دارای خصوصیات زیر میباشد: سرخیلی کوتاهتر - سرخیلی پهن تر - قد نشسته بلند تر به نسبت طول کل بدن - قسمت علیای صورت دراز تر - بینی درازتر - بینی پهن تر. شاخص های کل صورت و قسمت علیای صورت یهودیها زیاد تر است و نسبت حد اقل عرض پیشانی به عرض سر کمتر از آن ده نشینان یزدخواست است.

پراکندگی ارزش xp.e در سیزده اندازه

مجموع	۶+	۶-۵	۵-۴	۴-۳	۳-۲	۲-۱	۱-۰	xp.e.
نظری	۱۳	۰/۰۰۰+	۰/۰۰۹	۰/۰۸	۰/۴۷	۱/۷۵	۴/۲۰	۶/۵۰
کناره- یزدخواست	۱۳	۱	۱	۰	۱	۲	۶	۲
کناره- یهودیهای ایران	۱۳	۰	۰	۱	۲	۱	۶	۳
کناره - لر	۱۳	۵	۲	۳	۲	۱	۰	۰
یزدخواست - یهودیهای ایران	۱۳	۱	۰	۳	۱	۳	۱	۴
یزدخواست - لر	۱۳	۵	۳	۰	۱	۲	۱	۱
یهودیهای ایران - لر	۱۳	۵	۳	۱	۳	۰	۰	۱

پراکندگی ارزش xp.e در نه شاخص

مجموع	۶+	۶-۵	۵-۴	۴-۳	۳-۲	۲-۱	۱-۰	نظری
۹	۰/۰۰۰+	۰/۰۰۶	۰/۰۶	۰/۳۲	۱/۲۱	۲/۹۰	۴/۵۰	
۹	۱	۱	۰	۲	۱	۲	۲	کناره - یزدخواست
۹	۰	۰	۰	۲	۱	۲	۴	کناره- یهودیهای ایران
۹	۵	۲	۰	۰	۱	۰	۱	کناره - لر
۹	۱	۲	۱	۱	۰	۱	۳	یهودیهای ایران
۹	۴	۲	۰	۰	۱	۲	۰	یزدخواست - لر
۹	۶	۱	۰	۰	۱	۱	۰	یهودیهای ایران - لر

تجزیه نژادی جمعیت ایران

تا اینجا خصوصیات آماری و شکل شناسی هر یک از چهار گروه ایران و

روابط آنها با یکدیگر مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت. اکنون باید توجه خود را مبدول داریم به مسئله تجزیه عناصر متشکل نژادی جمعیت ایران براساس ۲۹۹ افرادی که در سال ۱۹۳۴ در ایران اندازه گیری شدند. عناصر اساسی یا بوسیله طبقه بندی ماشینی توسط دستگاه هلریت Hollerith یا بوسیله انتخاب تصاویر بدست میاید. وسیله اول با وجود قلت تعداد افراد و گروهها صحت زیادتری دارد و وسیله دوم نشان میدهد چه اعمال آماری را باید تعقیب کرد. در سال تحصیلی ۱۹۳۶-۱۹۳۷ هاروارد دکتر هوتن و اینجانب تصاویر و عکسهای نژادی که در ایران و عراق و گرجستان شوروی گرفته بودیم طبقه بندی و مطالعه کردیم. توجه مخصوصی به سری ایران مبدول شد و در نتیجه تعدادی نوعهای مدیترانه و غیر مدیترانه از گروهها سواگردیدند. طبقه بندی تصویری کاملاً رضایت بخش نیست زیرا تنوع فردی نقش عمده بازی میکند و لسی در اثر بررسی نهائی خصوصیات جسمانی زیر بنظر رسید از نظر نژادی دارای اهمیت باشد: شکل سر- شاخص صورت - شاخص بینی و بخصوص نیمرخ بینی. پس از جمع آوری مطالب خود درموزه فیلد به هاروارد مراجعت کرده و تحت نظارت دکتر هوتن به طبقه بندی ماشینی مطالب خود ادامه دادم.

طبقه بندی ماشینی گروههای ایران

در طی طبقه بندی ماشینی گروههای ایران که شامل مردم اهل کناره و یزدخواست و ری و یهودیهای اصفهان و لرهای پشت کوه میباشند شاخص های سر تقسیم شد به $X - ۷۹$ و $X - ۸۰$ و شاخص های کل صورت به $X - ۸۹$ و $X - ۹۰$ و شاخص های بینی به $X - ۶۷$ و $X - ۶۸$ در کلیه مبحث زیر اصطلاحات سردراز و سر کوتاه و صورت باریک و صورت پهن و بینی باریک و بینی پهن و امثال آن از نظر متناسب بودن و بمعنی کلی تقسیمات بالا بکار رفته است و نباید آنها را با استعمال دقیق آنها در سایر مباحث این فصل اشتباه کرد. نیمرخهای بیضی تحت مقعر و راست و محدب و مقعر و محدب تقسیم بندی شده است. هر فردی که یکی از شاخصهای بالا یا طبقه بندی نیمرخ بینی را فاقد است از کلیه سری حذف گردیده است. تعداد افرادی که در هر یک از طبقه بندیهای بالا قرار میگیرند با درصد کلیه سری مرکب از ۲۶۲ فرد در جدول زیر پیدا میشوند.

ارتباط بین شکل سر و صورت و بینی

درصد	تعداد	بیمرح	شاخص بینی	شاخص کل صورت	شاخص سر
۰/۷۶	۲	مقعر	۶۷-X	۸۹-X	۷۹-X
۳/۰۵	۸	راست	۶۷-X	۸۹-X	۷۹-X
۶/۴۹	۱۷	محدب-مقعر و محدب	۶۷-X	۸۹-X	۷۹-X
۳/۴۴	۹	مقعر	X-۶۸	۸۹-X	۷۹-X
۳/۸۲	۱۰	راست	X-۶۸	۸۹-X	۷۹-X
۷/۲۵	۱۹	محدب-مقعر و محدب	X-۶۸	۸۹-X	۷۹-X
۱/۱۵	۳	مقعر	۶۷-X	X-۹۰	۷۹-X
۲۱/۳۷	۵۶	راست	۶۷-X	X-۹۰	۷۹-X
۲۷/۴۸	۷۲	محدب-مقعر و محدب	۶۷-X	X-۹۰	۷۹-X
۲/۶۷	۷	مقعر	X-۶۸	X-۹۰	۷۹-X
۴/۵۸	۱۲	راست	X-۶۸	X-۹۰	۷۹-X
۳/۸۲	۱۰	محدب-مقعر و محدب	X-۶۸	X-۹۰	۷۹-X
۰/۷۶	۲	مقعر	۶۷-X	۸۹-X	X-۸۰
۰/۷۶	۲	راست	۶۷-X	۸۹-X	X-۸۰
۶/۱۱	۱۶	محدب-مقعر و محدب	۶۷-X	۸۹-X	X-۸۰
۰/۳۸	۱	مقعر	X-۶۸	۸۹-X	X-۸۰
۲/۶۷	۷	راست	۶۷-X	X-۹۰	X-۸۰
۲/۲۹	۶	محدب-مقعر و محدب	۶۷-X	X-۹۰	X-۸۰
۰/۳۸	۱	راست	X-۶۸	X-۹۰	X-۸۰
۰/۷۶	۲	محدب-مقعر و محدب	X-۶۸	X-۹۰	X-۸۰
۹۹/۹۹	۲۶۲	مجموع			

* گروه

اندازه ها	تعداد	حدود	میانگین	S. D.	C. V.
سن	۷۱	۷۴-۲۰	$\pm ۳۶/۸۵$	$۷۳ \pm ۱۲/۹۰$	$۱/۴۸ \pm ۳۵/۰۱$
قد	۷۲	۸۱-۱۵۲	$۴۵ \pm ۱۶۶/۲۹$	$۳۲ \pm ۵/۶۴$	$۰/۱۹ \pm ۲/۳۹$
قد نشسته	۷۲	۹۸-۷۲	$۴۲ \pm ۸۳/۸۰$	$۲۰ \pm ۵/۲۸$	$۰/۳۵ \pm ۶/۳۰$
طول سر	۷۲	۰-۱۷۶	$۴۶ \pm ۱۸۸/۶۷$	$۳۲ \pm ۵/۷۳$	$۰/۱۷ \pm ۳/۰۴$
عرض سر	۷۲	۵۲-۱۲۹	$۳۶ \pm ۱۴۱/۰۴$	$۲۶ \pm ۴/۵۶$	$۰/۱۸ \pm ۳/۲۳$
حداقل قطر پیشانی	۷۲	۲۴-۱۰۵	$۳۲ \pm ۱۱۳/۲۲$	$۲۲ \pm ۴/۰۰$	$۰/۲۰ \pm ۳/۵۳$
عرض دو گونه	۷۲	۴۹-۱۲۵	$۴۱ \pm ۱۳۳/۸۰$	$۲۹ \pm ۵/۲۰$	$۰/۲۲ \pm ۳/۸۹$
عرض فکین	۷۲	۲۵-۹۴	$۴۷ \pm ۱۰۷/۵۴$	$۳۳ \pm ۵/۸۸$	$۰/۳۱ \pm ۵/۴۷$
طول کل صورت	۷۲	۴۴-۱۱۵	$۵۰ \pm ۱۲۶/۸۵$	$۳۵ \pm ۶/۳۰$	$۰/۲۸ \pm ۴/۹۷$
طول قسمت علیای صورت	۷۲	۹۴-۶۵	$۴۳ \pm ۷۶/۰۵$	$۳۱ \pm ۵/۴۵$	$۰/۴۰ \pm ۷/۱۷$
طول بینی	۷۲	۳۳-۴۴	$۴۶ \pm ۵۷/۱۰$	$۳۳ \pm ۵/۸۰$	$۰/۵۷ \pm ۱۰/۱۶$
عرض بینی	۷۲	۴۲-۲۸	$\pm ۳۳/۳۸$	$۱۷ \pm ۳/۰۰$	$۰/۵۱ \pm ۸/۹۹$

گروه الف

C. V.	S. D.	میانگین	حدود	تعداد	اندازهها
$.47 \pm 8/32$	$.27 \pm 4/88$	$.39 \pm 58/62$	67-44	72	طول گوش
$.54 \pm 9/57$	$.19 \pm 3/39$	$.27 \pm 35/43$	46-26	72	عرض گوش
					شاخصها
$.25 \pm 4/40$	$.12 \pm 2/22$	$.18 \pm 50/42$	57-46	72	قد نسبه نسبی
$.21 \pm 3/81$	$.16 \pm 2/85$	$.23 \pm 74/82$	79-65	72	سن
$.21 \pm 3/74$	$.17 \pm 3/00$	$.24 \pm 80/114$	92-72	72	پیشانی و آهیانه
$.18 \pm 3/26$	$.16 \pm 2/76$	$.22 \pm 84/78$	95-76	72	گونه و پیشانی
$.27 \pm 4/80$	$.22 \pm 3/87$	$.21 \pm 80/62$	92-72	72	گونه و فک
$.24 \pm 4/20$	$.22 \pm 4/00$	$.22 \pm 95/25$	109-90	72	کل صورت
$.43 \pm 7/62$	$.23 \pm 4/11$	$.33 \pm 53/93$	66-43	72	قسمت علیای صورت
$.45 \pm 8/01$	$.26 \pm 4/68$	$.37 \pm 58/46$	67-48	72	پیشی
$.57 \pm 10/21$	$.35 \pm 6/20$	$.49 \pm 60/74$	76-45	72	گوش

شاخص سر 179-177 شاخص کل صورت 90-84 شاخص پیشی 177-175 شاخص بینی و مقعر

گروه بی

C. V.	S. D.	میانگین	حدوده	تعداد	اندازه ها
$2/116 \pm 333/52$	$.777 \pm 12/00$	$1/09 \pm 35/80$	69-15	56	سن
$.211 \pm 3/28$	$.30 \pm 0/49$	$.49 \pm 167/46$	178-155	56	قد
$.399 \pm 6/14$	$.33 \pm 0/16$	$.46 \pm 84/04$	98-75	56	قد نشسته
$.199 \pm 2/94$	$.36 \pm 0/58$	$.50 \pm 189/48$	205-176	56	طول سر
$.20 \pm 3/20$	$.29 \pm 4/50$	$.41 \pm 140/44$	152-129	56	عرض سر
$.211 \pm 3/26$	$.223 \pm 3/64$	$.33 \pm 111/50$	120-101	56	حده اقل قطر پیشانی
$.244 \pm 2/70$	$.31 \pm 4/90$	$.44 \pm 132/60$	144-120	56	عرض دوگونه
$.36 \pm 0/62$	$.38 \pm 6/04$	$.54 \pm 107/42$	125-98	56	عرض دوفاک
$.299 \pm 4/54$	$.37 \pm 0/75$	$.52 \pm 126/55$	144-115	56	طول کل صورت
$.46 \pm 7/19$	$.35 \pm 0/45$	$.49 \pm 75/85$	94-65	56	طول قسمت علیای صورت
$.64 \pm 10/09$	$.37 \pm 0/76$	$.52 \pm 57/06$	75-44	56	طول بینی
$.56 \pm 8/72$	$.18 \pm 2/85$	$.26 \pm 32/69$	39-25	56	عرض بینی

گروه

C. V.	SD.	میانگین	تعداد	اندازه ها
۰/۵۳±	۳۱± ۴/۸۰	۴۴± ۵۸/۵۰	۵۵	طول گوش
۰/۶۵±	۲۳± ۳/۵۱	۳۲± ۳۴/۷۴	۵۵	عرض گوش شا
۰/۲۹± ۴/۵۰	۱۴± ۲/۲۶	۲۰± ۵۰/۲۲	۵۶	قد نشسته نسبی
۰/۲۵±	۱۸± ۲/۸۵	۲۶± ۷۳/۹۸	۵۶	سر
۰/۲۵±	۲۰± ۳/۱۵	۲۸± ۷۹/۶۹	۵۶	پیشانی و آهیانه
۰/۲۳±	۱۶± ۳/۰۸	۲۸± ۸۳/۴۲	۵۶	گونه و پیشانی
۰/۲۹±	۲۴± ۳/۷۲	۳۴± ۸۱/۰۴	۵۶	گونه و فک
۰/۲۷±	۲۶± ۳/۰۵	۳۶± ۹۵/۸۵	۵۶	کل صورت
۰/۴۸±	۲۶± ۳/۱۴	۳۷± ۵۴/۳۸	۵۶	قسمت علیای صورت
۰/۶۹±	۳۰± ۶/۲۴	۵۶± ۵۷/۶۶	۵۶	بینی
۰/۶۳±	۳۸± ۵/۸۴	۵۳± ۵۹/۴۶	۵۵	گوش

بینی ۶۷-۶۷: نیمرخ بینی - راست

شا ۷۹-۷۹: شاخص کل صورت - شا

مردم شناسی جسمانی ایران - ۵۷۱

از جدول صفحه قبل مشاهده میشود که دو گروه بزرگتر در يك طبقه شاخصها قرار میگیرند (شاخص سر $x-79$ شاخص کل صورت $x-90$ و شاخص بینی $x-67$) در حالیکه هفتاد و دو نفر این دو گروه یعنی $27/48$ در صد دارای نیمرخ محدب و مقعر و محدب میباشد و پنجاه و شش نفر یعنی $21/37$ درصد بینی راست دارند .

شمای دیگر رابطه بین سر و صورت و بینی از قرار زیر است .

شاخص سر

				$x-79$ (225)					$80-x$ (37)										
				$x-89$ (65)					$x-89$ (21)					$90-x$ (16)					
				$x-67$ (27)	$68-x$ (38)	$x-67$ (131)	$68-x$ (29)					$x-67$ (20)	$68-x$ (1)	$x-67$ (13)	$68-x$ (3)				

واضح است که مشخص ترین عنصر سری ایران ۱۳۱ نفری هستند که دارای سر نسبتاً باریک و صورت باریک و بینی باریک میباشد . از این عده چنانکه گفته شد ۷۲ نفر دارای بینی محدب و مقعر و محدب و ۵۶ نفر دارای بینی راست میباشد . میانگین و انحرافات معین یا

S.D. (standard deviation) و ضرایب متنوع C.V. (coefficient of variation)

این دو گروه یعنی گروه الف و گروه ب در صفحه قبل داده شده است .

مقایسه بین گروه ب* و گروه الف**

گروه ب در مقابل گروه الف

اندازه‌ها	اختلاف	x.p.e. افزایش اشتباهات احتمالی
سن	-۱/۰۵	۰/۷۰
قد	+۱/۱۷	۱/۷۷
قد نشسته	+۰/۲۴	۰/۳۹
طول سر	+۰/۸۱	۱/۱۹
عرض	-۰/۶۰	۱/۰۹

۵۷۲- مردم‌شناسی ایران

۳/۷۴	- ۱/۷۲	حداقل قطر پیشانی
۲/۰۰	- ۱/۲۰	عرض دو گونه
۰/۱۱	- ۰/۱۲	عرض فکین
۰/۴۲	- ۰/۳۰	طول کل صورت
۰/۳۱	- ۰/۲۰	طول قسمت علیای صورت
۰/۰۶	- ۰/۴۰	طول بینی
۱/۹۲	- ۰/۶۹	عرض بینی
۰/۲۱	- ۰/۱۲	طول گوش
۱/۶۸	- ۰/۶۹	عرض گوش
شاخص‌ها		
۰/۷۷	- ۰/۲۰	قد نشسته نسبی
۲/۴۰	- ۰/۸۴	سر
۱/۲۲	- ۰/۴۵	پیشانی و آهیانه
۱/۰۰	- ۰/۳۶	گونه و پیشانی
۰/۸۹	+ ۰/۴۲	گونه و فك
۱/۲۵	+ ۰/۶۰	کل صورت
۰/۹۰	+ ۰/۴۵	قسمت علیای صورت
۱/۱۹	- ۰/۸۰	بینی
۱/۷۸	- ۱/۲۸	گوش

* شاخص سر ۷۹-۸۰؛ شاخص کل صورت ۹۰-۸۰؛ شاخص بینی ۶۷-۸۰ نیمرخ بینی-راست.

** شاخص سر ۷۹-۸۰؛ شاخص کل صورت ۹۰-۸۰؛ شاخص بینی ۶۷-۸۰ نیمرخ بینی محدب و مقعر.

درمبحث زیر اختلافات جزئی و عمده جداگانه ثبت گردیده است. کلمه عمده فقط وقتی بکار برده میشود که اختلاف از نظر آماری قابل ملاحظه بوده و $x.p.e$ یا بیشتر باشد. وقتی گروه بینی راست (ب) را با افراد دارای بینی محدب یا مقعر و محدب (الف) با هم مقایسه میکنیم می بینیم که دسته اول جوانتر و بلندتر هستند و سردرازتر و باریکتر. و صورت و بینی و گوش کوتاهتر و باریکتر دارند.

تنها اختلاف عمده که بنظر میرسد در اندازه حداقل قطر پیشانی است اگرچه $x.p.e$ نسبتاً زیاد قد و عرض دو گونه و عرض بینی و گوش حاکی از اختلافات مهم است. درمیان شاخص‌ها شاخص سر ۷۳/۹۸ (گروه ب) اگرچه

مردم شناسی جسمانی ایران - ۵۷۳

قط کمی از شاخص گروه الف کمتر است (۷۴/۸۲) حاکی از اختلاف عمده است زیرا x.p.c. آن ۲/۴۰ میباشد .

باید متذکر شد که در این طبقه بندی افرادی که دارای چشمان مختلط بودند به حساب گذارده شدند این افراد بعداً از سری حذف گردیده تا عامل موری نیز از حساب و مقایسه خارج شود .

بطور کلی میتوان گفت که این دو گروه سردراز و صورت باریک و بینی باریک بهم شباهت زیاد دارند بجز از لحاظ شکل بینی .

ممکن است سؤال شود چرا در شاخص ترین گروه ایران باید یک عنصر دارای بینی راست و یک عنصر دارای بینی بزرگ محدب وجود داشته باشد . اما ممکن است که یکی از این اشکال بینی خصوصیتی است که با سایر عناصر دیگر جمعیت ارتباط دارد . برای یقین چنین امکانی کلیه ۲۶۲ نفر ایرانی مورد مطالعه طبقه بندی و باز با ترکیبات مختلف شکل سر و شکل صورت و شکل بینی طبق سه طبقه نیمرخ بینی طبقه بندی گردیدند .

ایرانی ها		شاخص ها	
درصد	تعداد	کل صورت	سر
۲۴/۸۱	۶۵	۸۹-X	۷۹-X
۶۱/۰۷	۱۶۰	X-۹۰	۷۹-X
۸/۰۲	۲۱	۸۹-X	X-۸۰
۶/۱۱	۱۶	X-۹۰	X-۸۰
۱۰۰/۰۱	۲۶۲	مجموع	

در اینجا آشکار میشود که ۸۵/۸۸ درصد گروه ایران دارای سر نسبتاً دراز و ۶۱/۰۷ درصد دارای صورت باریک هستند . فقط ۱۴/۱۳ درصد از ۲۶۲ نفر دارای شاخص سر ۸۰ یا زیاد تر میباشند .

جدول زیر تعداد افراد و درصد هر طبقه را وقتی شاخص بینی به حساب آورده شده نشان میدهد .

ایرانیها		شاخص ها		
درصد	تعداد	بینی	کل صورت	سر
۱۰/۳۱	۲۷	۶۷-X	۸۹-X	۷۹-X

۱۴/۵۰	۳۸	x-۶۸	۸۹-x	۷۹-x
۵۰/۰۰	۱۳۱	۶۷-x	x-۹۰	۷۹-x
۱۱/۰۷	۲۹	x-۶۸	x-۹۰	۷۹-x
۷/۶۳	۲۰	۶۷-x	۸۹-x	x-۸۰
۰/۳۸	۱	x-۶۸	۸۹-x	x-۸۰
۴/۹۶	۱۳	۶۷-x	x-۹۰	x-۸۰
۱/۱۵	۳	x-۶۸	x-۹۰	x-۸۰
۱۰۰/۰۰	۲۶۲	مجموع		

بطور دقیق نیمی از کلیه افراد دارای سرنسبته^۱ دراز و صورت باریک و بینی باریک هستند . شصت و هفت نفر (۲۵/۵۷ درصد) از ۲۲۵ نفر افراد سر دراز دارای شاخص بینی ۶۸-x میباشد در صورتیکه در بین سی و هفت نفر فرد سرگرد فقط چهار نفر (۱/۵۳ درصد) شاخص بینی ۶۸-x دارند .
در مرحله بعد سه طبقه نیمرخ بینی را اضافه میکنیم که عبارتند از :
مقعر - راست - و محدب با اضافه مقعر و محدب .

شاخص سر ۸۰-x

شاخص سر ۷۹-x

نیمرخ بینی	تعداد	درصد	نیمرخ بینی	تعداد	درصد
مقعر	۲۱	۹/۳۳	مقعر	۳	۸/۱۱
راست	۸۶	۳۸/۲۲	راست	۱۰	۲۷/۰۳
محدب-مقعر و محدب	۱۱۸	۵۲/۴۴	محدب-مقعر و محدب	۲۴	۶۴/۸۶
مجموع	۲۲۵	۹۹/۹۹	مجموع	۳۷	۱۰۰/۰۰

نیمرخ بینی راست بیشتر در میان مردان نسبتاً سر دراز دیده میشود تا در میان مردان سرگرد ولی بینی محدب و مقعر و محدب بیشتر در میان مردان سرگرد وجود دارد تا در میان مردان سر دراز وقتی افراد دارای صورت نسبتاً پهن در مقابل افراد صورت باریک طبق تقسیم بندی نیمرخ بینی قرار داده شوند نتایج زیر بدست میآید .

شاخص کل صورت ۹۰ - X			شاخص کل صورت X - ۸۹		
درصد	تعداد	نیمرخ بینی	درصد	تعداد	نیمرخ بینی
۵/۶۸	۱۰	مقعر	۱۶/۲۸	۱۴	مقعر
۴۳/۱۸	۷۶	راست	۲۳/۲۶	۲۰	راست
۵۱/۱۴	۹۰	محدب-مقعر و محدب	۶۰/۴۶	۵۲	محدب-مقعر و محدب
۱۰۰/۰۰	۱۷۶	مجموع	۱۰۰/۰۰	۸۶	مجموع

نیمرخ بینی مقعر بیشتر در میان مردان دارای صورت نسبتاً پهن دیده میشود تا در میان مردان دارای صورت نسبتاً باریک. تعداد افراد دارای بینی راست با صورت باریک بیشتر است از افراد بینی راست با صورت پهن. احتمال می رود که بینی های محدب و مقعر و محدب در اینجا بیشتر با صورت پهن مرتبط شده باشد تا با صورت باریک.

وقتی افراد دارای بینی نسبتاً باریک و افراد دارای بینی پهن طبق سه طبقه بندی نیمرخ بینی گروه بندی شوند جدول زیر بدست می آید.

شاخص بینی ۶۸ - X			شاخص بینی X - ۶۷		
درصد	تعداد	نیمرخ بینی	درصد	تعداد	نیمرخ بینی
۲۳/۹۴	۱۷	مقعر	۳/۶۶	۷	مقعر
۳۲/۳۹	۲۳	راست	۳۸/۲۲	۷۳	راست
۴۳/۶۶	۳۱	محدب-مقعر و محدب	۵۸/۱۲	۱۱۱	محدب-مقعر و محدب
۹۹/۹۹	۷۱	مجموع	۱۰۰/۰۰	۱۹۱	مجموع

نیمرخ بینی مقعر با بینی پهن بیشتر ارتباط دارد تا با بینی باریک. نیمرخ محدب و مقعر و محدب بیشتر با بینی باریک پیدا میشود تا با بینی پهن. بینی راست در هر دو گروه تقریباً بیک تناسب دیده میشود.

وقتی همه افراد را با شاخص بینی X - ۶۷ بگیریم و بگروه های دارای سر نسبتاً دراز و گرد تقسیم کنیم طبعاً نیمرخ بینی طبقه بندی زیر بدست می آید.

شاخص سر X-۸۰
شاخص بینی X-۶۷

شاخص سر X-۷۹
شاخص بینی X-۶۷

نیمرخ	تعداد	درصد	نیمرخ بینی	تعداد	درصد
مقعر	۵	۳/۱۶	مقعر	۲	۶/۰۶
راست	۶۴	۴۰/۵۱	راست	۹	۲۷/۲۷
محدب و مقعر و			محدب-مقعر و		
محدب	۸۹	۵۶/۳۳	محدب	۲۲	۶۶/۶۷
مجموع	۱۵۸	۱۰۰/۰۰	مجموع	۳۳	۱۰۰/۰۰

۱۵۸ فرد بینی باریک سر دراز است (۸۲/۷۲ در صد) در مقابل ۳۳ فرد بینی باریک سر کوتاه (۱۷/۲۸ در صد). در میان افراد دارای بینی نسبتاً باریک نیمرخ بینی راست بیشتر در میان مردان سر دراز دیده میشود تا در میان مردان سر کوتاه. بینی محدب و مقعر و محدب بیشتر در میان مردان سر گرد دیده میشود تا در میان مردان سر دراز.

وقتی افراد را از لحاظ شاخص سر و شاخص کل صورت طبقه بندی کنیم جدول زیر بدست میآید.

شاخص سر X-۸۰
شاخص کل صورت X-۸۹

شاخص سر X-۷۹
شاخص کل صورت X-۹۰

نیمرخ بینی	تعداد	درصد	نیمرخ بینی	تعداد	درصد
مقعر	۱۰	۶/۲۵	مقعر	۳	۱۴/۲۸
راست	۶۸	۴۲/۵۰	راست	۲	۹/۵۲
محدب-مقعر و			محدب و مقعر و		
محدب	۸۲	۵۱/۲۵	محدب	۱۶	۷۶/۱۹
مجموع	۱۶۰	۱۰۰/۰۰	مجموع	۲۱	۹۹/۹۹

بینی با نیمرخ مقعر بیشتر در میان مردان دارای سر نسبتاً گرد و صورت نسبتاً پهن دیده میشود تا در میان مردان سر دراز و صورت باریک. بینی راست بیشتر در میان مردان سر دراز صورت باریک پیدا میشود تا در میان مردان سر-

مردم شناسی جسمانی ایران - ۵۷۷

گرد صورت پهن . بینی محدب و مقعر و محدب در اینجا با سر گردی و صورت پهنی بیشتر مطابقت دارد تا با سر درازی و صورت باریکی .
در طبقه معکوس یا ترکیب غیر متجانس سر و صورت جدول زیر بدست میآید .

شاخص سر ۸۰-X			شاخص سر ۷۹-X		
شاخص کل صورت ۹۰-X			شاخص کل صورت ۸۹-X		
درصد	تعداد	نیمرخ بینی	درصد	تعداد	نیمرخ بینی
—	۰	مقعر	۱۶/۹۲	۱۱	مقعر
۵۰/۰۰	۸	راست	۲۷/۶۹	۱۸	راست
		محدب و مقعر و محدب			محدب و مقعر و محدب
۵۰/۰۰	۸	محدب	۵۵/۳۸	۳۶	محدب
۱۰۰/۰۰	۱۶	مجموع	۹۹/۹۹	۶۵	مجموع

بینی محدب و مقعر و محدب بیشتر در میان مردان صورت پهن سردراز پیدا میشود تا در میان صورت باریک سر گرد. اگرچه بینی مقعر در میان سرگردها دیده نمیشود ۱۱ تا (۱۶/۹۲ درصد) در میان سردرازا وجود دارد .

• از طرف دیگر وقتی نوعهای کاملاً متجانس را با هم طبقه بندی میکنیم می بینیم که فقط يك فرد دارای سرنسبهٔ گرد و صورت پهن و بینی پهن در مقابل ۱۳۱ نفر افراد دارای سردراز و صورت باریک و بینی باریک وجود دارد .

شاخص سر ۸۰-X			شاخص سر ۷۹-X		
شاخص کل صورت ۸۹-X			شاخص کل صورت ۹۰-X		
شاخص بینی ۶۸-X			شاخص بینی ۶۷-X		

درصد	تعداد	نیمرخ بینی	درصد	تعداد	نیمرخ بینی
۱۰۰/۰۰	۱	مقعر	۲/۲۹	۳	مقعر
—	—	راست	۴۲/۷۵	۵۶	راست
—	—	محدب - مقعر و محدب	۵۴/۹۶	۷۲	محدب - مقعر و محدب
	۱	مجموع	۱۰۰/۰۰	۱۳۱	مجموع

از بررسی فوق نتایج زیر گرفته میشود :

نیمرخ بینی محدب و مقعر و محدب :

- (۱) بیشتر درمیان سرگرد پیدا میشود تا درمیان سردراز .
- (۲) ممکن است بیشتر با صورت نسبتاً پهن دیده شود تا صورت باریک .
- (۳) اغلب بایینی نسبتاً باریک متوسط است تا بایینی پهن .
- (۴) بیشتر با افراد صورت پهن سردراز مرتبط است تا با افراد صورت باریک سرگرد .

(۵) اغلب بیشتر درمیان افراد سردراز صورت باریک بینی باریک یافت میشود تا درمیان سرگرد بینی پهن صورت پهن .
بینی راست:

- (۱) بیشتر درمیان افراد سردراز دیده میشود تا درمیان افراد سرگرد .
- (۲) بیشتر با صورت نسبتاً باریک دیده میشود تا با صورت نسبتاً پهن .
- (۳) بیشتر در میان افراد دارای بینی باریک دیده میشود تا افراد بینی پهن .

(۴) بیشتر با افراد سرگرد صورت باریک مرتبط است تا با افراد سردراز صورت پهن .

(۵) بیشتر درمیان افراد سردراز صورت باریک بینی باریک دیده میشود تا در میان افراد سرگرد صورت پهن بینی پهن .

نسبت زیادتر بینی بزرگ محدب در میان افراد سرگرد و صورت پهن حاکی از آنستکه گروه الف یعنی گروه بزرگ سردراز دارای بینی محدب ممکن است خصوصیات بینی خود را از عنصر سرگرد کسب کرده باشند . در اینجا باید اضافه کرد که تحدب نیمرخ بینی ظاهراً به بینی راست تفوق دارد چنانکه سرگردی بر سردرازی . بنا بر این چنین تصمیم گرفته شد که افراد سرگرد بایینی محدب یعنی گروه (د) را با دو گروه مشخص ایران مقایسه کنیم . چنانکه قبلاً گفته شد گروه الف وب دارای عنصر چشم زاغ مخلوط میباشد . قبل از آنکه این مقایسه بعمل آید افراد دارای چشم مختلط یعنی لرها را از سری حذف کردیم و بهمین جهت گروه ج و (د) باقی میماند .

گروه ج*

اندازه ها	تعداد	حدود	تکین	S. D.	C. V.
سن	۶۹-۲۰	۱/۱۲ ± ۳۶/۳۰	۷۹ ± ۱۱/۷۵	۲/۱۸ ± ۳۲/۳۷	
قد	۷۸-۱۵۲	۰/۵۱ ± ۶۵/۸۷	۵۱ ± ۵/۳۷	۰/۷۲ ± ۳/۲۴	
قد نشسته	۹۵-۷۲	۰/۴۷ ± ۸۳/۱۷	۳۳ ± ۴/۹۸	۰/۴۰ ± ۵/۹۹	
طول سر	۱۰۵-۱۷۶	۰/۵۶ ± ۸۸/۲۵	۴۰ ± ۵/۹۷	۰/۲۱ ± ۳/۱۷	
عرض سر	۵۲-۱۲۹	۰/۴۲ ± ۴۱/۴۰	۲۹ ± ۴/۴۱	۰/۲۱ ± ۳/۱۲	
حد اقل قطر پیشانی	۲۴-۱۰۵	۰/۴۰ ± ۱۳/۴۲	۲۸ ± ۴/۲۰	۰/۲۵ ± ۳/۷۰	
عرض دو گونه	۴۹-۱۲۵	۰/۵۰ ± ۳۳/۸۵	۲۵ ± ۵/۲۵	۰/۳۶ ± ۳/۹۲	
عرض فکین	۲۵-۹۸	۰/۵۶ ± ۰۷/۹۸	۳۹ ± ۵/۸۸	۰/۳۶ ± ۵/۴۵	
طول کل صورت	۳۹-۱۱۵	۰/۶۱ ± ۲۶/۲۰	۴۳ ± ۶/۵۰	۰/۳۴ ± ۵/۱۵	
طول قسمت علیای صورت	۸۹-۶۵	۰/۴۴ ± ۷۵/۳۵	۳۱ ± ۴/۷۰	۰/۴۲ ± ۶/۲۴	
طول بینی	۷۱-۴۸	۰/۴۳ ± ۵۶/۴۲	۳۰ ± ۴/۵۶	۰/۵۴ ± ۸/۰۸	
عرض بینی	۳۹-۲۸	۰/۲۳ ± ۳۲/۶۶	۱۶ ± ۲/۴۶	۰/۵۰ ± ۷/۵۳	

گروه ج

اندازه ها	تعداد	حدود	میانگین	S. D.	C. V.
طول گوش	۵۱	۶۷-۴۴	۵۸/۳۸	۵/۱۶	۸/۸۴ ± ۵۹/۱۰
عرض گوش	۵۱	۴۶-۲۶	۳۵/۵۲	۳/۲۷	۹/۲۱ ± ۶۲/۱۰
شاخص‌ها					
قد نسبت به نسبی	۵۱	۵۷-۴۶	۵۰/۱۸	۲/۲۶	۴/۵۰ ± ۳۰/۱۰
سن	۵۱	۷۹-۶۵	۷۵/۰۰	۲/۸۵	۳/۸۰ ± ۲۵/۱۰
پیشانی و آهیانه	۵۱	۹۲-۷۲	۸۰/۰۰	۲/۹۷	۳/۷۱ ± ۲۵/۱۰
گونه و پیشانی	۵۱	۹۵-۷۶	۸۵/۰۲	۲/۹۲	۳/۴۳ ± ۲۳/۱۰
گونه و فک	۵۱	۹۲-۷۲	۸۰/۸۳	۳/۹۹	۴/۹۴ ± ۳۳/۱۰
کل صورت	۵۱	۱۰۹-۹۰	۹۴/۷۵	۳/۸۵	۴/۰۶ ± ۲۷/۱۰
قسمت علیای صورت	۵۱	۶۳-۴۶	۵۳/۳۰	۳/۴۸	۶/۵۳ ± ۴۴/۱۰
پینی	۵۱	۶۳-۴۸	۵۸/۳۰	۴/۶۸	۸/۰۳ ± ۵۴/۱۰
گوش	۵۱	۷۶-۴۵	۶۱/۲۶	۶/۴۸	۱۰/۵۸ ± ۷۱/۱۰

* شاخص‌های ۷۹-۷۰؛ شاخص کل صورت ۹۰-۹۱؛ شاخص بینی ۱۶۷-۱۶۸؛ نیم‌بخش بینی محدب و مقعر و محدب. گروه ج متشکل است از افراد گروه الف منهای افراد دارای چشم مختلط.

گروه د*

اندازه ها	تعداد	حدود	میانگین	S. D.	C. V.
سن	۳۷	۶۹-۱۰۵	۱/۴۲±۳۹/۰۵	۱/۰۱±۱۲/۸۵	۲/۵۸±۳۲/۹۱
قد	۳۸	۱۷۵-۱۰۵	۰/۵۹±۱۶۵/۵۴	۰/۴۲±۵/۴۳	۰/۲۵±۳/۲۸
قد نشسته	۳۸	۹۵-۷۵	۰/۴۹±۸۲/۷۲	۰/۳۵±۴/۴۷	۰/۴۲±۵/۴۰
طول سر	۳۸	۲۰۵-۱۷۶	۰/۶۵±۱۸۹/۳۳	۰/۴۶±۵/۹۱	۰/۲۴±۳/۱۲
عرض سر	۳۸	۱۵۲-۱۳۲	۰/۴۱±۱۴۰/۸۳	۰/۴۱±۳/۷۲	۰/۲۰±۲/۶۴
حجم اقل قطر پیشانی	۳۸	۱۲۰-۱۰۱	۰/۳۹±۱۱۱/۱۴	۰/۲۸±۳/۶۰	۰/۲۵±۳/۲۴
عرض دو گونه	۳۸	۱۴۴-۱۲۵	۰/۴۵±۱۳۲/۹۰	۰/۳۲±۴/۱۰	۰/۲۴±۳/۰۸
عرض فکین	۳۸	۱۲۵-۹۸	۰/۶۵±۱۰۸/۱۴	۰/۴۶±۵/۹۶	۰/۴۳±۵/۵۱
طول کل صورت	۳۸	۱۴۴-۱۱۵	۰/۶۶±۱۲۶/۲۰	۰/۴۶±۶/۰۰	۰/۳۷±۴/۷۵
طول قسمت علیای صورت	۳۸	۸۹-۶۵	۰/۵۳±۷۴/۹۰	۰/۳۷±۴/۸۰	۰/۵۰±۶/۴۱
طول بینی	۳۸	۷۵-۴۴	۰/۵۵±۵۵/۶۲	۰/۳۹±۵/۰۰	۰/۷۰±۸/۹۹
عرض بینی	۳۸	۳۹-۲۵	۰/۳۳±۳۲/۲۴	۰/۲۳±۳/۰۳	۰/۷۳±۹/۴۰

گروه د

C. V.	S. D.	میانگین	حدود	تعداد	اندازه ها
.۶۹± ۸/۸۵	.۴۱± ۵/۲۴	.۵۸± ۵۹/۲۲	۷۱-۴۴	۳۷	طول گوش
.۶۹± ۸/۸۳	.۲۴± ۳/۱۲	.۳۵± ۳۵/۳۴	۴۲-۲۹	۳۷	عرض گوش
					شاخص‌ها
.۳۱± ۳/۹۹	.۱۵± ۱/۹۸	.۲۲± ۴۹/۶۶	۵۵-۴۶	۳۸	قد نشسته نسبی
.۳۱± ۴/۰۰	.۲۳± ۲/۹۷	.۳۲± ۷۴/۲۲	۷۹-۶۸	۳۸	سن
.۳۱± ۴/۰۴	.۲۵± ۲/۲۱	.۳۵± ۷۹/۵۴	۸۶-۷۲	۳۸	پیشانی و آهانه
.۲۵± ۳/۲۷	.۲۱± ۲/۷۶	.۳۰± ۸۴/۳۴	۹۱-۷۶	۳۸	گونه و پیشانی
.۳۳± ۴/۲۳	.۲۷± ۳/۴۵	.۳۸± ۸۱/۶۱	۳۹-۷۵	۳۸	گونه و فک
.۳۵± ۴/۵۳	.۳۴± ۴/۳۵	.۴۸± ۹۵/۹۵	۱۰۹-۹۰	۳۸	کل صورت
.۵۶± ۷/۲۶	.۳۰± ۳/۹۰	.۴۳± ۵۳/۷۲	۶۶-۴۶	۳۸	قسمت علیای صورت
.۸۰± ۱۰/۳۲	.۴۶± ۶/۰۰	.۶۶± ۵۸/۱۴	۶۷-۴۴	۳۸	بینی
.۷۳± ۹/۲۶	.۴۴± ۵/۵۶	.۶۲± ۶۰/۰۲	۸۰-۴۹	۳۷	گوش

* شاخص‌س ۳-۷۹؛ شاخص کل صورت ۹۰-۱۰۰؛ شاخص بینی ۳-۶۷؛ نیم رخ بینی راست. گروه د متشکل شده از افراد گروه ب‌منهای افراد دارای چشم مختلط.

مقایسه بین گروه د* و گروه ج**

اندازه ها	اختلاف	گروه د در مقابل گروه ج
		z.p.e.
سن	+ ۲/۷۵	۱/۵۳
قد	- ۰/۳۳	۰/۴۲
قد نشسته	- ۰/۴۵	۰/۶۶
طول سر	+ ۱/۰۸	۱/۲۷
عرض سر	- ۰/۵۷	۰/۹۷
حداقل قطر پیشانی	- ۲/۲۸	۴/۰۷
عرض دو گونه	- ۰/۹۵	۱/۴۲
عرض فکین	+ ۰/۱۶	۰/۱۹
طول کل صورت	۰/۰۰	۰۰۰
طول قسمت علیای صورت	- ۰/۴۵	۰/۶۵
طول بینی	- ۰/۸۰	۱/۱۶
عرض بینی	- ۰/۴۲	۱/۰۵
طول گوش	+ ۰/۸۴	۱/۱۱
عرض گوش	- ۰/۱۸	۰/۳۸
شاخص ها		
قد نشسته نسبی	- ۰/۵۲	۱/۷۳
سر	- ۰/۷۸	۱/۹۰
پیشانی و آهیانه	- ۰/۵۱	۱/۱۳
گونه و پیشانی	- ۰/۶۸	۱/۶۶
گونه و فک	+ ۰/۷۸	۱/۴۷
کل صورت	+ ۱/۲۰	۲/۰۰
قسمت علیای صورت	+ ۰/۴۲	۰/۷۸
بینی	- ۰/۱۶	۰/۲۰
گوش	- ۱/۲۴	۱/۴۳

گروه د (چشم سیاه): شاخص سر ۷۹-۸۰؛ شاخص کل صورت ۸۰-۹۰؛ شاخص بینی ۶۷-۷۰؛ نیمرخ بینی راست،
 ۵۵ گروه ج (چشم سیاه): شاخص سر ۷۹-۸۰؛ شاخص کل صورت ۸۰-۹۰؛ شاخص بینی ۶۷-۷۰؛ نیمرخ بینی
 محدب و مقعر و محدب.

افراد بینی راست (گروه د) پرترواز حیث قد و قد نشسته کمی کوتاهتر و دارای سردرازتر و باریکتر هستند و پیشانی باریکتر و دارای قطر دوگانه باریکتر میباشند و ای ناحیه فك آنها پهن تر است و بینی کوچکتر و گوش درازتر و باریکتر دارند .

اختلاف عمده در حداقل قطر پیشانی مشاهده میشود و همچنین در شاخص کل صورت اختلافات دیگری که ممکن است عمده بشمار آید شاخص سروقد نشسته نسبی است میزان انحراف S.D. (Standard Devition) و ضرایب تنوع C.V. (Coefficients of Variation) نشان میدهد که رویهمرفته هیچیک از دو گروه کمتر یا بیشتر از دیگری منجانس نیست .

قدم بعد بررسی گروه بیست و یک نفری افراد سر پهن (شاخص سر ۸۰- \bar{x}) دارای نیمرخ بینی محدب و مقعر و محدب میباشد . از نظر شاخص صورت و شاخص بینی یا چشم برنگ مختلط در گروه الف و د کسی از سری حذف نشد زیرا جمع گروه سر پهن در ۲۶۲ فرد خیلی زیاد نیست .

گروه ۵*

اندازه ها	حدود	میانگین	S. D.	C. V.
سن	۶۴-۱۵	۰.۳ ± ۳۴/۱۵	۰.۶ ± ۱۱/۱۰	۳۸ ± ۳۲/۵۰
قد	۸۱-۱۵۲	۱۸ ± ۱۶۴/۷۰	۸۳ ± ۸/۰۱	۵۱ ± ۴/۸۶
قد نشسته	۹۲-۶۵	۷۵ ± ۷۹/۸۷	۵۳ ± ۵/۱۰	۶۷ ± ۶/۳۹
طول سر	۹۳-۱۶۷	۷۰ ± ۱۸۱/۷۱	۵۰ ± ۳/۷۷	۲۷ ± ۲/۶۲
عرض سر	۵۸-۱۴۱	۶۱ ± ۱۴۸/۴۲	۴۳ ± ۴/۱۷	۲۹ ± ۲/۸۱
حد اقل قطر پیشانی	۲۸-۱۰۹	۶۷ ± ۱۱۵/۲۶	۴۷ ± ۴/۵۶	۴۱ ± ۳/۹۶
عرض دو گونه	۴۹-۱۲۵	۸۸ ± ۱۳۶/۵۰	۶۲ ± ۶/۰۰	۴۶ ± ۴/۴۰
عرض فکین	۲۱-۱۰۲	۶۶ ± ۱۱۰/۱۸	۴۷ ± ۴/۴۸	۴۲ ± ۴/۰۷
طول کل صورت	۲۹-۱۱۰	۶۸ ± ۱۲۰/۵۵	۴۸ ± ۴/۶۵	۴۰ ± ۳/۸۶
طول قسمت علیای صورت	۷۹-۶۰	۷۲ ± ۷۰/۵۵	۵۱ ± ۴/۹۰	۷۲ ± ۶/۹۵
طول بینی	۳۳-۴۴	۷۲ ± ۵۳/۵۰	۵۱ ± ۴/۹۲	۹۶ ± ۹/۲۰
عرض بینی	۳۹-۲۸	۳۴ ± ۳۲/۴۲	۲۴ ± ۲/۳۱	۷۴ ± ۷/۱۳

گروه ۵

C. V.	S. D.	میانگین	حدود	تعداد	اندازه ها
۱/۰۱ ± ۹/۷۳	۰/۶۰ ± ۵/۷۶	۰/۸۵ ± ۵۹/۲۲	۷۵-۴۸	۲۱	طول گوش
۰/۸۶ ± ۸/۲۵	۰/۳۰ ± ۲/۹۱	۰/۴۳ ± ۳۵/۲۸	۴۰-۲۹	۲۱	عرض گوش
					شاخص‌ها
۰/۵۰ ± ۴/۷۶	۰/۲۴ ± ۲/۳۰	۰/۳۴ ± ۴۸/۳۰	۵۳-۴۰	۲۱	قد نیشته نسبی
۰/۴۵ ± ۴/۲۹	۰/۳۷ ± ۲/۵۴	۰/۵۲ ± ۸۲/۵۶	۹۷-۸۰	۲۱	سر
۰/۳۸ ± ۳/۶۶	۰/۳۰ ± ۲/۸۵	۰/۴۲ ± ۷۷/۸۶	۸۶-۷۲	۲۱	پیشانی و آهپانه
۰/۳۸ ± ۳/۶۳	۰/۳۲ ± ۲/۰۸	۰/۴۵ ± ۸۴/۹۴	۹۵-۸۰	۲۱	گونه و پیشانی
۰/۴۴ ± ۴/۲۴	۰/۳۶ ± ۲/۴۲	۰/۵۰ ± ۸۰/۷۱	۸۶-۷۲	۲۱	گونه و فک
۰/۳۷ ± ۳/۵۶	۰/۳۳ ± ۲/۱۵	۰/۴۶ ± ۸۸/۴۵	۹۹-۸۰	۲۱	کل صورت
۰/۷۶ ± ۷/۳۵	۰/۳۷ ± ۲/۶۰	۰/۵۳ ± ۴۹/۰۱	۵۷-۴۰	۲۱	قسمت علیای صورت
۰/۹۱ ± ۸/۷۷	۰/۵۵ ± ۵/۲۸	۰/۷۸ ± ۶۰/۱۸	۷۱-۴۸	۲۱	بینی
۱/۱۰ ± ۱۰/۵۶	۰/۶۵ ± ۶/۲۸	۰/۹۲ ± ۵۹/۴۶	۷۶-۴۵	۲۱	گوش

* شاخص سر ۸۰-۸۵؛ نیمرخ بینی محلیب و مقعر و محلیب .

اکنون باید اختلاف بین افراد چشم سیاه سردراز دارای بینی محدب و مقعر و محدب یعنی گروه ج و افراد دارای بینی راست یعنی گروه د را با افراد سرگرد دارای بینی محدب و مقعر و محدب بررسی کنیم بدون آنکه افراد دارای چشم مختلط یعنی گروه ه را از سری حذف نماییم .

مقایسه بین گروه ج و د * با گروه ه

اندازه ها	گروه ج	گروه د	گروه ج در مقابل گروه ه	گروه د در مقابل گروه ه
سن	۳۶/۳۰	۳۹/۰۵	+۲/۱۵	+۴/۹۰
قد	۱۶۵/۸۷	۱۶۵/۵۴	+۱/۱۷	+۰/۸۴
قد نشسته	۸۳/۱۷	۸۲/۷۲	+۳/۳۰	+۲/۸۵
طول سر	۱۸۸/۲۵	۱۸۹/۳۳	+۶/۵۴	+۷/۶۲
عرض سر	۱۴۱/۴۰	۱۴۰/۸۳	-۷/۰۲	-۷/۵۹
حداقل قطر پیشانی	۱۱۳/۴۲	۱۱۱/۱۴	-۱/۸۴	-۴/۱۲
عرض دو گونه	۱۳۳/۸۵	۱۳۲/۹۰	-۲/۶۵	-۳/۶۰
عرض فکین	۱۰۷/۹۸	۱۰۸/۱۴	-۲/۲۰	-۲/۰۴
طول کل صورت	۱۲۶/۲۰	۱۲۶/۲۰	+۵/۶۵	+۵/۶۵
طول قسمت				
علیای صوت	۷۵/۳۵	۷۴/۹۰	+۴/۸۰	+۴/۳۵
طول بینی	۵۶/۴۲	۵۵/۶۲	+۲/۹۲	+۲/۱۲
عرض بینی	۳۲/۶۶	۳۲/۲۴	+۰/۲۴	-۰/۱۸
طول گوش	۵۸/۳۸	۵۹/۲۲	-۰/۸۴	۰/۰۰
عرض گوش	۳۵/۵۲	۳۵/۳۴	+۰/۲۴	+۰/۰۶
شاخص ها				
قد نشسته نسبی	۵۰/۱۸	۴۹/۶۶	+۱/۸۸	+۱/۳۶
سر	۷۵/۰۰	۷۴/۲۲	-۷/۵۶	-۸/۳۴
پیشانی و آهیانه	۸۰/۰۵	۷۹/۵۴	+۲/۱۹	+۱/۶۸
گونه و پیشانی	۸۵/۰۲	۸۴/۳۴	+۰/۰۸	-۰/۶۰
گونه و فک	۸۰/۸۳	۸۱/۶۱	+۰/۱۲	+۰/۹۰
کل صورت	۹۴/۷۵	۹۵/۹۵	+۶/۳۰	+۷/۵۰

+ ۴/۷۱	+ ۴/۲۹	۵۳/۷۲	۵۳/۳۰	قسمت علیای صورت
- ۲/۰۴	- ۱/۸۸	۵۸/۱۴	۵۸/۳۰	بینی
+ ۰/۵۶	+ ۱/۸۰	۶۰/۰۲	۶۱/۲۶	گوش

* گروه ج و د منحصر است با افرادی که شاخص کل صورت آنها 90 - 95 و شاخص بینی آنها 67 - است.

گروه سردراز (ج) در مقایسه با گروه سرگرد (ه) با نیمرخ بینی محدب و مقعر و محدب مسن تر و قد بلند تر هستند و قد نشسته آنها خیلی بلند تر و سر آنها درازتر و باریکتر و صورت و پیشانی آنها باریکتر و صورت آنها درازتر بخصوص قسمت علیای صورت و بینی آنها درازتر و پهن تر و گوش آنها کوتاهتر و پهن تر است. وقتی اختلافات بین افراد سردراز بینی راست (گروه د) را با گروه سرگرد با بینی محدب یا مقعر و محدب (گروه ه) مقایسه میکنیم می بینیم که گروه اول بطور قابل ملاحظه مسن تر و از حیث قد کمی بلند تر و از حیث قد نشسته بلند تر هستند و سردراز تر و باریکتر و پیشانی خیلی باریکتر و صورت باریکتر و درازتر و بینی دراز تر و کمی باریکتر و گوش بهمان اندازه دارند.

گروه سردراز دارای بینی راست و محدب در مقایسه با گروه سرگرد از لحاظ جهت انحراف میانگین در یازده از سیزده اندازه ($84/62$ درصد) و در هشت شاخص از نه شاخص ($88/89$ درصد) یکسان هستند. تنها فرق انحرافات خیلی کم و شاید غیر قابل اهمیت در عرض بینی و طول گوش و در میانگین شاخص گونه و پیشانی دیده میشود اختلافات عمده بین دو گروه سردراز و سرگرد چنانکه از جدول مشاهده میشود خیلی مشخص است. بعبارت دیگر سرگرد ها بدون شك يك گروه مشخص نژادی هستند و دلایلی بر این تصور در دست نیست که سردرازها بینی بزرگ محدب خود را از عنصر سرگرد گرفته باشند.

بنا بر این باین نتیجه میرسیم که ایران در نواحی محدودی که نویسنده بررسی کرده دارای دو نوع نژادی عمده است که هر دو سردراز و صورت باریک و بینی باریک هستند و هر دو هویت مشخص دارند و خصوصیات آنها نیمرخ بینی راست یا محدب و مقعر و محدب است. بعلاوه بینی بزرگ محدب يك گروه در اثر اختلاط با گروه سرگرد نیست زیرا گروه اخیر عنصر جدا و مشخصی است که از حیث اندازه ها و شاخصها با دو گروه دیگر فرق عمده دارند.

يك مطلب دیگر اینکه يك عنصر جداگانه بوری که در افراد دارای چشمان مختلط پیدا شده در جمعیت ایران وجود دارد. بهمین جهت ارقام میانگین و میزان انحرافات و ضرایب تنوع در مورد افراد دارای چشم مختلط و بینی باریک و صورت باریک و سردراز که از گروههای الف و ب حذف شده بود مورد محاسبه قرار گرفت. این سی و هفت نفر که یا بینی راست یا بینی محدب و مقعر و محدب دارند گروه (و) خوانده شد که در جدول زیر مشاهده میشود.

گروه و *

میزان انحرافات	میانگین	تعداد	اندازهها
S. D.			
۵۵±۳۲/۵۶	۱/۲۵± ۳۴/۵۵	۳۷	سن
۲۸± ۳/۵۶	۰/۶۷± ۱۶۸/۴۲	۳۷	قد
۱۵۱± ۶/۵۴	۰/۶۲± ۸۵/۷۲	۳۷	قد نشسته
۱۲۰± ۱۵۷	۰/۵۴± ۱۸۹/۴۲	۳۷	طول سر
۱۲۶± ۱۳۷	۰/۵۲± ۱۳۹/۹۶	۳۷	عرض سر
۱۲۴± ۰۰	۰/۳۸± ۱۱۲/۶۶	۳۷	حد اقل قطر پیشانی
۱۳۲± ۱۴	۰/۶۲± ۱۳۴/۰۵	۳۷	عرض دو گونه
۱۴۲± ۴۰	۰/۶۴± ۱۰۶/۶۲	۳۷	عرض فکین
۱۳۱± ۳/۹۹	۰/۵۷± ۱۲۷/۸۰	۳۷	طول کل صورت
۱۶۱± ۷/۸۳	۰/۶۷± ۷۷/۲۵	۳۷	طول قسمت علیای صورت
۰/۸۸± ۱۲۳	۰/۵۲± ۶/۶۰	۳۷	طول بینی
۰/۶۷± ۱۵۹	۰/۳۳± ۳۴/۵۸	۳۷	عرض بینی

گر

میان

اندازه ۵

C. V.	S. D.	میان	شا	شا
'۵۴ ± ۶/۸۸	۳۱ ± ۴/۰۰	۴۴ ± ۵/۸۱	۶۷-۴۸	۳۷
'۸۴ ± ۱۰/۷۲	'۲۹ ± ۳/۷۲	۴۱ ± ۳/۴۱	۴۳-۲۶	۳۷
				شا
				عرض گوش
				طول گوش
				قد نشسته نسبی
'۳۳ ± ۴/۲۳	۱۱۷ ± ۲/۱۶	۲۴ ± ۵/۱۱	۵۷-۴۶	۳۷
'۲۹ ± ۳/۶۵	'۲۱ ± ۲/۷۰	۳۰ ± ۷/۴۱	۷۹-۶۸	۳۷
'۳۱ ± ۳/۹۳	۲۵ ± ۳/۱۵	۳۵ ± ۸/۰۱	۸۹-۷۵	۳۷
'۲۹ ± ۳/۶۵	'۲۴ ± ۳/۰۸	۳۴ ± ۸/۴۱	۹۵-۷۶	۳۷
'۳۷ ± ۴/۷۲	'۳۰ ± ۳/۷۸	۴۲ ± ۸/۰۱	۸۹-۷۲	۳۷
'۳۱ ± ۳/۹۰	'۲۹ ± ۳/۷۵	۴۲ ± ۹/۶۱	۰۹-۹۰	۳۷
'۲۳ ± ۷/۹۹	'۳۵ ± ۴/۴۱	۴۹ ± ۵/۰۵	۶۶-۴۳	۳۷
'۷۳ ± ۹/۳۳	'۴۳ ± ۵/۵۲	۶۱ ± ۵/۹۱	۶۷-۴۸	۳۷
'۶۸ ± ۸/۶۶	'۴۰ ± ۵/۱۶	۵۷ ± ۵/۸۱	۷۲-۴۹	۳۷

زافراد ای چشم رنگ چشم مختلط. این گر بینی ۶۷-۳۷ شا شاخص س-۳۷۹؛ شاخص کل صورت

مختلط کرو. های الف و ب.

مردم شناسی جسمانی ایران - ۵۹۱

گروه دارای چشم مختلط یعنی گروه (و) را باید اکنون با گروه چشم سیاه سردراز که بینی محدب و مقعر و محدب دارند یعنی گروه ج و با گروه دارای بینی راست یعنی گروه د و همچنین با گروه سرگرد یا گروه ه مقایسه کرد.

مقایسه گروه و با گروه های ج و د و ه

اندازه ها	گروه و با ج	گروه و با د	گروه و با ه
سن	- ۱/۷۵	- ۴/۵۰	+ ۰/۴۰
قد	+ ۲/۵۵	+ ۲/۸۸	+ ۳/۷۲
قد نشسته	+ ۲/۵۵	+ ۳/۰۰	+ ۵/۸۵
طول سر	+ ۱/۱۷	+ ۰/۰۹	+ ۷/۷۱
عرض سر	- ۱/۴۴	- ۰/۸۷	- ۸/۴۶
حداقل قطر پیشانی	- ۰/۷۶	+ ۱/۵۲	- ۲/۶۰
عرض دو گونه	+ ۰/۲۰	+ ۱/۱۵	- ۲/۴۵
عرض فکین	- ۱/۳۶	- ۱/۵۲	- ۳/۵۶
طول کل صورت	+ ۱/۶۰	+ ۱/۶۰	+ ۷/۲۵
قسمت علیای صورت	+ ۱/۹۰	+ ۲/۳۵	+ ۶/۷۰
طول بینی	+ ۲/۳۶	+ ۳/۱۶	+ ۵/۲۸
عرض بینی	+ ۱/۹۲	+ ۲/۳۴	+ ۲/۱۶
طول گوش،	- ۰/۲۴	- ۱/۰۸	- ۱/۰۸
عرض گوش	- ۰/۸۱	- ۰/۶۳	- ۰/۵۷
شاخصها			
قد نشسته نسبی	+ ۰/۸۶	+ ۱/۳۸	+ ۲/۷۴
سر	- ۰/۹۶	- ۰/۱۸	- ۸/۵۲
پیشانی و آهیانه	+ ۰/۱۸	+ ۰/۶۹	+ ۲/۳۷
گونه و پیشانی	- ۰/۷۲	- ۰/۰۴	- ۰/۶۴
گونه و فك	- ۰/۶۹	- ۱/۴۷	- ۰/۵۷
کل صورت	+ ۱/۴۵	+ ۰/۲۵	+ ۷/۷۵
قسمت علیای صورت	+ ۱/۸۹	+ ۱/۴۷	+ ۶/۱۸
بینی	+ ۰/۸۴	+ ۱/۰۰	- ۱/۰۴
گوش	- ۱/۶۸	- ۰/۴۴	+ ۰/۱۲

وقتی گروه و را با نمونه سیاه چشم سردراز (گروه ج و د) و با عنصر سر پهن (گروه ه) مقایسه میکنیم مشاهده میشود که گروه و در دوازده از بیست و سه اندازه و شاخص نزدیکتر به گروه ج است که عبارتند از: قد - قد نشسته - حداقل قطر پیشانی - عرض دو گونه - عرض فکین - طول قسمت علیای صورت - طول و عرض بینی - طول گوش - قد نشسته نسبی - شاخص پیشانی و آهیانه و شاخص بینی . گروه و فقط درش اندازه و شاخص نزدیک به گروه د یعنی سیاه چشم سردراز با بینی راست میباشد که عبارتند از: طول سر - عرض سر - شاخص سر - شاخص گونه و پیشانی و شاخص کل و قسمت علیای صورت . گروه و فقط در سه شاخص نزدیک به گروه سر پهن است که عبارتند از: عرض گوش - شاخص گونه و فک و شاخص گوش . خلاصه میتوان گفت که از سه گروه دسته چشم مختلط سردراز (گروه و) بیشتر از دیگران به دسته چشم سیاه سردراز با بینی محدب (گروه ج) شباهت دارند .

بعلاوه باید توجه داشت که اختلاف حقیقی در میانگین بین گروه و و ج از همه کمتر است و اختلاف عمده در قد و طول صورت و بینی دیده میشود ولی این اختلافات آنقدر زیاد نیست که گروه و را يك گروه مشخص و جداگانه بسازد . از طرف دیگر وقتی گروه و با دسته سر پهن (گروه ه) که دارای چشم مختلط هستند مقایسه میشود اختلاف بین میانگین ها زیاد است . شواهدی در دست است که گروه سر پهن گروه مشخصی هستند و دلیلی نشان داده نمیشود که با گروه سردراز مخلوط شده و خصوصیات خود را بآنها داده باشند .

مشاهدات شکل شناسی

مشاهدات شکل شناسی به دو طبقه تخصیص داده شد که همان دو گروه اصلی ما باشد افراد با چشم مختلط از گروهها حذف نشدند زیرا معلوم شد که در این مشاهدات تأثیر زیادی ندارند .

گروه الف : شاخص سر $x - 79$ ؛ شاخص کل صورت $x - 90$ ؛
 شاخص بینی $x - 67$ ؛ نیمرخ بینی : محدب و مقعر و محدب
 گروه ب : شاخص سر $x - 79$ ؛ شاخص کل صورت $x - 90$ ؛
 شاخص بینی $x - 67$ ؛ نیمرخ بینی راست .

لازم که همه مشاهدات بخصوص آنهاییکه مطالب درباره همه افراد بررسی شده آن کامل نیست جدول بندی شود . قبل از بررسی تعداد و درصد افراد در هر يك

مردم‌شناسی جسمانی ایران-۵۹۳

از طبقه بندی ها لازم است که تعداد افراد هر يك از سربهای ایران در گروه الف و ب ثبت شود .

گروه الف + ب		گروه ب		گروه الف		سری
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۲۸/۱۳	۳۶	۲۸/۵۷	۱۶	۲۷/۷۷	۲۰	لرها
۲۶/۵۶	۳۴	۲۳/۲۱	۱۳	۲۹/۱۸	۲۱	کناره
۱۴/۰۶	۱۸	۱۶/۰۷	۹	۱۲/۵۰	۹	یزدخواست
۲۴/۲۲	۳۱	۲۵/۰۰	۱۴	۲۳/۶۱	۱۷	یهودیه‌ها
۷/۰۳	۹	۷/۱۴	۴	۶/۹۴	۵	ری
۱۰۰/۰۰	۱۲۸	۹۹/۹۹	۵۶	۱۰۰/۰۰	۷۲	مجموع

هو

گروه ب		گروه الف		شکل
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۰۰۰	۰	۰۰۰	۰	صاف
۷/۶۹	۴	۱۴/۴۹	۱۰	مجعد خیلی درشت
۸۶/۵۴	۴۵	۷۸/۲۶	۵۴	مجعد درشت
۵/۷۷	۳	۵/۸۰	۴	مجعد ریز
			۰	فر فری
		۱/۴۵	۱	پشمی
۱۰۰/۰۰	۵۲	۱۰۰/۰۰	۶۹	مجموع

گروه ب		گروه الف		نسج
۱۶/۳۳	۸	۹/۰۹	۶	
۲/۰۴	۱	۳/۰۳	۲	حشن متوسط
۴۸/۹۸	۲۴	۵۳/۰۳	۳۵	متوسط
۱۲/۲۴	۶	۷/۵۸	۵	متوسط نرم
۲۰/۴۱	۱۰	۲۷/۲۷	۱۸	نرم
۱۰۰/۰۰۰	۴۹	۱۰۰/۰۰	۶۶	مجموع

۵۹۴- مردم‌شناسی ایران

				رنگ
۳۵/۲۹	۱۸	۳۱/۸۸	۲۲	مشکی
...	.	۱/۴۵	۱	قهوه خیلی سیر
۳۹/۲۲	۲۰	۴۲/۰۳	۲۹	قهوه سیر
...	.	۱/۴۵	۱	قهوه
...	قهوه روشن
...	قرمز
۷/۸۴	۴	۴/۳۵	۳	قهوه قرمز
۱۵/۶۹	۸	۸/۷۰	۶	سیاه و خاکستری
...	.	۵/۸۰	۴	قهوه و خاکستری
...	قهوه روشن و خاکستری
...	خاکستری
۱/۹۶	۱	۴/۳۵	۳	سفید
۱۰۰/۰۰	۵۱	۱۰۰/۰۱	۶۹	مجموع

چشم

گروه ب		گروه الف		رنگ
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۷۰/۳۷	۳۸	سیاه
۱۲/۹۶	۷	۷۰/۸۳	۵۱	قهوه سیر
...	.	۱۱/۱۱	۸	قهوه آبی
۱۴/۸۱	۸	آبی قهوه
۱/۸۵	۱	۸/۳۳	۶	قهوه سبز
		۴/۱۷	۳	سبز قهوه
		۴/۱۷	۳	قهوه خاکستری
		۱/۳۹	۱	آبی
		خاکستری
		قهوه روشن
			.	آبی خاکستری
			.	آبی سبز
۹۹/۹۹	۵۴		۷۲	مجموع

مردم شناسی جسمانی ایران - ۵۹۵

				سیاهی
۷۴/۰۷	۴۰	۷۴/۶۳	۵۰	یکنواخت
۱۴/۸۱	۸	۸/۹۵	۶	خط دار
۱۱/۱۱	۶	۱۶/۴۲	۱۱	حلقه دار
۹۹/۹۹	۵۴	۱۰۰/۰۰	۶۷	مجموع
				سفیده
۷۹/۶۳	۴۳	۸۲/۰۹	۵۵	صاف
۰۰۰	۰۰	۰۰۰	۰۰	زرد
۲۰/۳۷	۱۱	۱۶/۴۲	۱۱	لك دار
۰۰۰	۰۰	۰۰۰	۰۰	خونین
۰۰۰	۰۰	۱/۴۹	۱	لك دار و خونین
۰۰۰	۰۰	۰۰۰	۰۰	لك دار و زرد
۱۰۰/۰۰	۵۴	۱۰۰/۰۰	۶۷	مجموع

بینی

گروه ب		گروه الف		
تعداد	درصد	تعداد	درصد	نمبرخ
۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	موجدار
۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	مقعر
۵۶	۱۰۰/۰۰	۰۰	۰۰	راست
۰۰	۰۰	۶۹	۹۵/۸۳	محدب
۰۰	۰۰	۳	۴/۱۷	مقعر و محدب
۵۶	۱۰۰/۰۰	۷۲	۱۰۰/۰۰	مجموع
				ضخامت نوک
۲۰	۵۱/۲۸	۲۷	۵۲/۹۴	— —
۱۰	۲۵/۶۴	۹	۱۷/۶۵	متوسط
۸	۲۰/۵۱	۱۴	۲۷/۴۵	+
۱	۲/۵۶	۱	۱/۹۶	++
۳۹	۹۹/۹۹	۵۱	۱۰۰/۰۰	مجموع

۵۹۶- مردم‌شناسی ایران

۸/۹۳	۵	۱۱/۱۱	۸	بره فشرده
۱۶/۰۷	۹	۸/۳۳	۶	فشرده متوسط
۵۳/۵۷	۳۰	۵۶/۹۴	۴۱	متوسط
۱۹/۶۴	۱۱	۱۸/۰۶	۱۳	باز متوسط
۱/۷۹	۱	۴/۱۷	۳	باز
...	۰	۱/۳۹	۱	باز +
۱۰۰/۰۰	۵۶	۱۰۰/۰۰	۷۲	وع
دندان				
بیم‌چسبیدگی				
...	۰	...	۰۰	عقب
۶/۰۰	۳	۲/۹۴	۲	لب بلب
۸۴/۰۰	۴۲	۷۲/۰۶	۴۹	کمی جلو
۱۰/۰۰	۵	۲۵/۰۰	۱۷	خیلی جلو
۱۰۰/۰۰	۵۰	۱۰۰/۰۰	۶۸	مجموع
افنادگی				
۲۲/۵۸	۷	۲۱/۴۳	۹	هیچ
۵۱/۶۱	۱۶	۵۰/۰۰	۲۱	۴-۱
...	۰۰	۹/۵۲	۴	۸-۵
۱۶/۱۳	۵	۱۶/۶۷	۷	۱۶-۹
۹/۶۸	۳	۲/۳۸	۱	۳۲-۱۷
۱۰۰/۰۰	۳۱	۱۰۰/۰۰	۴۲	مجموع

وقتی پخش درصدها را در هر يك از دو گروه مطالعه می‌کنیم شباهت قابل ملاحظه در کلیه پنج گروه ایران آشکار می‌شود. در مقایسه گروه ب (شاخص سر X — ۷۹؛ شاخص کل صورت ۹۰ — X؛ شاخص بینی X — ۶۷؛ نیمرخ بینی راست) با گروه الف (نیمرخ بینی محدب و مقعر و محدب) مشاهده می‌کنیم که در گروه ب موی سر کمی مجدد تر و عنصر خشن تر نمایان تر و از لحاظ رنگ تیره تر است.

چشمها بطور قابل ملاحظه تیره تر است و تعداد چشم مختلط کمتر است و در سیاهی و سفیده فقط اختلاف جزئی دیده میشود . اختلاف بین نیمرخ بینی زیاد است زیرا این یکی از عوامل طبقه بندی بود . نوک بینی کمی نازکتر و پره قدری بیشتر فشرده است .

مشاهده شد (در صفحه قبل) در حالیکه گروه ب از گروه الف بطور عمده از حیث نیمرخ بینی وحداق قطر پیشانی اختلاف دارد شواهدی بر وجود اختلاف در قد و در اندازه سرو اندازه صورت نیز دیده میشود . اگر اختلافات شکل شناسی را نیز اضافه کنیم واضح میشود که این دو گروه از لحاظ نژادی مشخص هستند .

بر اساس مباحث بالا نسبت با افرادی که نویسنده در مرکز و مغرب ایران اندازه گیری کرد نتایج زیر گرفته میشود . دو عنصر که از لحاظ تعداد زیادتر و از لحاظ ایرانی بودن مشخص ترند دارای خصوصیات زیر میباشند : سردراز و صورت باریک و بینی باریک و اختلاف آنها با یکدیگر فقط در قسمت نیمرخ بینی میباشد . یک گروه دارای بینی راست و تعداد زیادتری بینی محدب و مقعر و محدب دارند . بجز این اختلاف اگر چه از لحاظ آماری اختلاف زیادی بین آنها نیست مقایسه مشاهدات شکل شناسی علاوه بر خصوصیات بینی ثابت میکنند که هر یک دارای هویت جداگانه میباشند . برای تعیین اینکه آیا نوع بزرگ سردراز بینی محدب یک عنصر ذاتی در جمعیت ایران هستند یا نه آمار افراد سر پهن یا سر گرد بهیچوجه نسبتی با افراد سر دراز ندارند و بینی دراز نوع سر دراز از این عنصر بیگانه اخذ نشده است . بعلاوه یک گروه چهارم افراد سر دراز چشم مختلط که عنصر بوری در آنها بخصوص در میان لرها وجود دارد بنظر رسید که از حیث اندازهها و شاخصها مربوط به نوع سر دراز بینی بزرگ هستند .

بنا بر این بر اساس این نتایج واضح است که نوع سر دراز بینی کج در فلات ایران بوجود آمده و یا حتی اصل آنها از آنجا میباشد . نوع سر دراز بینی راست بیشتر شبیه نوع مدیترانه اصلی میباشد که نماینده عنصر حاضر آنان افراد بدوی صحرای عربستان شمالی هستند . مردم سردراز بینی کج ظاهراً یک نوع جدید و شاید اساسی قسمت اروپائی و افریقائی نژاد سفید باشند و شاید منبع اصلی پخش گروه بینی محدب هستند که در بین سایر نژادها پراکنده اند فلات ایران و یک باریکه

بهمان عرض بسمت مدیترانه ممکن است آن ناحیه در دنیا باشد که در آن بشر بوجود آمده است. گروه دارای چشم مختلط که نشانه‌ای از عنصر پنهانی بوری است ممکن است تحت نور دیک اولیه طبقه بندی شود. نوع سر پهن بدون شك از دشت ترکستان رو بجنوب بسوی خراسان و همچنین از کوهستان قفقاز بسوی جنوب روی آوردند. عنصر اصلی سر درازها هستند و حلقه مرکزی در سلسله انواع مدیترانه را از اوقیانوس اطلس تا سواحل اوقیانوس کبیر تشکیل می‌دهند.

طبقه بندی توسط ماشین افراد زیر را در هر يك از طبقات قرار می‌دهد. شماره تصویر و شکل برای پیدا کردن آنها اضافه شده است. این افراد دارای مشخصات زیر هستند: شاخص سر X-۷۹؛ شاخص کل صورت X-۹۰ و شاخص بینی X-۶۷.

گروه د: راست

۲۰۱	شکل ۵۶	تصویر ۳۴۳۴	۲۰۱	شکل ۱۲۴	تصویر ۳۳۰۴
۲۰۱	۶۲	} ۳۴۴۳	۲۰۱	۱۱۹	۳۳۱۴
۲۰۱	۱		۲۰۱	۱۱۴	۳۳۲۴
۲۰۱	۵۱	۳۴۴۸	۴۰۳	۱۱۹	۳۳۲۶
۴۰۳	۵۵	۳۴۴۹	۴۰۳	۱۲۵	} ۳۳۲۹
۲۰۱	۵۰	} ۳۴۵۴	۴۰۳	۱	
۴۰۳	۲		۴۰۳	۱۱۲	۳۳۳۰
۲۰۱	-۱۳۸	۳۴۶۶	۴۰۳	۹۱	۳۳۳۶
		۳۴۷۱	۲۰۱	۸۲	۳۳۳۷
۲۰۱	۳۳	۳۴۸۰	۴۰۳	۹۲	۳۳۴۴
۴۰۳	۲۱	۳۴۹۰	۲۰۱	۸۸	۳۳۴۹
۲۰۱	۲۳	۳۵۰۹	۴۰۳	۹۴	۳۳۵۰
۲۰۱	۱۶	۳۵۱۶	۲۰۱	۹۴	۳۳۵۸
۲۰۱	۱۷	۳۵۱۸	۲۰۱	۸۱	۳۳۶۱
		۳۵۲۷			۳۳۶۵
		۳۵۵۲	۴۰۳	۸۷	۳۳۷۱
		۳۵۵۵	۴۰۳	۸۳	۳۳۷۲
		۳۵۵۶	۲۰۱	۶۸	۳۳۸۴

۲۰۱	۶۵	۳۴۱۸
۴۰۳	۶۴	۳۲۴۰
۲۰۱	۶۰	۳۴۲۸
۴۰۳	۵۹	} ۳۴۳۰
۲۰۱	۲	

گروه ه - سر پهن

۴۰۳	۱۳۸	۳۴۵۸	۲۰۱	۷۱	۳۳۵۷
۴۰۳	۲۲	۳۴۷۵	۴۰۳	۸۰	} ۳۳۶۲
۴۰۳	۳۳	۳۴۷۹	۲۰۱	۵	
۲۰۱	۳۱	۳۴۸۸	۴۰۳	۸۶	۳۳۶۶
۴۰۳	۲۹	۳۴۹۶	۲۰۱	۸۷	۳۳۶۹
۴۰۳	۲۵	۳۵۰۲	۲۰۱	۷۰	} ۳۳۸۳
		۳۵۳۲	۴۰۳	۱۱	
		۳۵۳۴			۳۳۹۰
		۳۵۴۰	۲۰۱	۵۲	} ۳۴۳۶
		۳۵۴۸	۴۰۳	۵	
		۳۵۵۷			۳۴۳۸
		۳۵۶۹	۴۰۳	۵۳	۳۴۵۳

گروه و - چشم مختلط

۲۰۱	۱۱۳	۳۳۲۷	۴۰۳	۱۲۰	} ۳۲۸۲
۴۰۳	۱۲۸	۳۳۲۸	۲۰۱	۷	
۲۰۱	۷۶	۳۳۴۲	۴۰۳	۱۲۱	} ۳۲۸۸
۲۰۱	۷۳	۳۳۸۰	۲۰۱	۱۲۳	
۴۰۳	۷۷	۳۳۸۶	۴۰۳	۶	} ۳۲۹۱
۲۰۱	۹۰	۳۳۸۷	۲۰۱	۱۲۲	
		۳۳۹۷	۱۳۱	۱۳۰	۳۲۹۳
		۳۴۰۰	۴۰۳	۱۲۷	} ۳۲۹۴
		۳۴۰۱	۴۰۳	۷	
		۳۴۵۶	۴۰۳	۱۱۷	۳۲۹۷
		۳۴۶۹	۴۰۳	۱۱۸	۳۲۹۸

	۳۴۷۰	۲۹۱	۱۱۰	۳۳۰۱
تصویر ۳۲ شکل ۲۰۱ } ۴۰۳	۳۴۷۶	۲۹۱	۱۲۹	۳۳۰۲
		۲۹۱	۱۱۶	۳۳۰۸
۲۰۱	۳۴۹۲	۴۰۳	۱۰۸	} ۳۳۱۳
۲۹۱	۳۵۰۰	۲۰۱	۶	
۴۹۳	۳۵۱۲	۴۰۳	۱۲۹	۳۳۱۸
۴۹۳	۳۵۲۰	۴۰۳	۱۲۴	۳۳۱۹
	۳۵۲۸	۲۰۱	۱۲۵	۳۳۲۱
	۳۵۴۴	۲۰۱	۱۱۲	۳۳۲۳
	۳۵۴۷	۴۰۳	۱۱۳	۳۳۲۵

گروه ج - محراب و مقعر و محراب

شکل ۴۹۳	تصویر ۵۸	۳۴۰۹	تصویر ۱۲۰ شکل ۲۰۱	۳۲۸۱
۴۹۳	۴۹	۳۴۱۷	۴۰۳	۳۲۸۳
۲۹۱	} ۶۴	۳۴۲۵	۲۰۱	۳۲۸۵
۴۹۳			۴	۲۰۱
۴۹۳	۶۳	۳۴۳۳	۲۰۱	۳۲۹۹
۴۹۳	۶۱	۳۴۳۷	۴۰۳	۳۳۰۶
۲۹۱	۶۳	۳۴۳۹	۴۰۱	} ۳۳۰۷
۴۹۳	۵۱	۳۴۴۴	۲۰۱	
		۳۴۴۶	۲۰۱	۳۳۰۹
		۳۴۵۰	۴۰۳	} ۳۳۱۱
۲۹۱	۱۲۰	۳۴۶۰	۴۰۳	
۲۹۱	۱۳۷	۳۴۶۱	۴۰۳	۳۳۳۵
۴۹۳	۱۴۰	۳۴۶۴	۴۰۳	۳۳۴۱
۲۹۱	۱۳۹	۳۴۷۲	۲۰۱	۳۳۴۳
۴۹۳	۲۸	۳۴۷۸	۴۰۳	۳۳۵۶
۲۹۱	۳۴	۳۴۸۳	۲۰۱	۳۳۶۰
شکل ۲۹۱	۳۰	۳۴۸۷	۴۰۳	} ۳۳۶۳
۴۹۳	۳۱	۳۴۹۱	۴۰۳	
۴۹۳	۱۹	۳۴۹۷	۴۰۳	۳۳۶۴

مردم شناسی جسمانی ایران - ۶۰۱

۲۰	۲۰۱	۳۵۰۸	شکل ۴۹۳ - تصویر ۶۹	} ۳۳۷۵
۲۷	۴۹۳	۳۵۱۷	۴ - ۲۰۱	
		۳۵۳۳	۷۲ - ۲۰۱	۳۳۷۶
		۳۵۳۶		۳۳۸۱
		۳۵۳۷		۳۳۸۹
		۳۵۴۶		۳۳۹۴
		۳۵۵۳		۳۳۹۶
		۳۵۶۴		۳۳۹۸
			۷۲ - ۴۹۳	۳۴۰۴
				۳۴۰۶

طبقه بندی تأثیری عکسها

قدم بعد در بررسی ما مطالعه عکسها است که علائم آنها در طبقه بندی ماشینی بکار رفت. انواع تأثیری فرق زیادی با اطلاعاتی که بوسیله آمار بدست آمده ندارد بجز آنکه بعضی افراد را میتوان در طبقات معینی قرار داد که بوسیله طبقه بندی ماشینی میسر نیست. این انواع فرعی مانند نوع مغولی و ارمنی و حامی و غیره را بوسیله چندین مشخصات جسمانی بهتر میتوان تشخیص داد تا بوسیله اندازه گیری اگر چه در انواع مغولی عرض استخوان دو گونه اندازه زیاد تری نشان میدهد و در نوع ارمنی مجدد بودن زیاد ترمو و برگشتگی لب قابل ثبت است. نوعهای عکسها را میتوان بگروه مدیترانه و غیر مدیترانه تقسیم و هر يك از آنها را تقسیم بندی فرعی کرد. طبقه اخیر که تشخیص آن آسانتر است با آخر گذاشته میشود زیرا بنظر میرسد از نوع مدیترانه انواع تأثیری متعدد وجود داشته باشد.

در این قسمت شماره افراد و شماره تصویر و شکل و سن هر يك ذکر گردیده است.

انواع مدیترانه در عکسهای ایران

چندین نوع مختلف و متنوع از نوع مدیترانه در این جمعیت ایران دیده میشود و چون این کتاب فقط يك مطالعه اولیه و مقدماتی مردم شناسی و اندازه گیری مردم ایران میباشد مناسب بنظر میرسد که این انواع مختلف را از هم مشخص و متمایز نمود. با علم باینکه بعد از انجام و تکمیل مطالعه و اندازه گیری دقیق بسیاری از نوعهای فرعی با هم مخلوط شده و چند نوع نسبتاً مشخص پیدا خواهد شد.

قبل از آنکه بتوان این نوعها را از هم مجزا ساخت لازم است نظم و

ترتیبی به تعریف و توصیف نوع و نوعهای فرعی مدیترانه داد . در متن کتاب توافق عمومی تعریف نوع مدیترانه بطور خلاصه داده میشود و شرح مفصل آن با ذکر ترتیب تاریخ که از طرف اشخاص مختلف یعنی ریپلی Ripley و سرجی Sergi و دنیکر Deniker و الیوت Elliot و اسمیث Smith و هدون Haddon و هوتن Hooton داده شده در ضمیمه الف (صفحات بعد) خواهد آمد تا خواننده در کمال فرصت نظریات و عقاید مختلف را با هم مقایسه نماید . در اینجا خصوصیات جسمانی که در همه تعریفها مشترک است داده میشود .

خصوصیات کلی :

- (۱) ساختمان : باریک و چابک
- (۲) قد : متوسط در حدود ۱۶۵/۰
- (۳) سر : دراز و باریک با شاخص سردرازی متوسط ۷۳ - ۷۷ ؛
ارتفاع متوسط ، شقیقه صاف ؛ مغز سر برجسته ؛ پیشانی عمودی ؛
برآمدگی پیشانی کوچک
- (۴) صورت : بیضی و باریک و دراز متوسط ؛ گونه‌ها غیر برجسته ؛
چانه متوسط و معمولاً نوک‌تیز و آرواره بندرت برآمده
- (۵) بینی : باریک و دراز متوسط با شاخص بینی باریک و متوسط
معمولاً راست و صاف گاهی عقابی و حتی کمی مقعر . نوک متوسط ؛
پره متوسط در عرض
- (۶) مو : قهوه سبرتا سیاه ؛ مجعد . بافت متوسط ؛ مقدار روی سر زیاد
روی صورت و بدن متوسط .

(۷) پوست : قهوه روشن

(۸) چشم : قهوه متوسط تا سیر

تقسیمات فرعی نژاد مدیترانه :

(۱) نوع باریک کلاسیک مدیترانه مطابق تعریف سرجی

(الف) نژاد : قهوه - نه سفید و نه سیاه و نه مخلوط

(ب) پوست : قهوه

(ج) چشم : بلوطی - اقی - بزرگ

- (د) مو : قهوه‌ای
(ه) قد : متوسط ۱۶۰ - ۱۷۰
(و) بینی : باریک متوسط
(ز) لب : نازک یا کمی کلفت و گوش‌تالو
(ح) گوش : نجسبیده
(ط) پیشانی : عمودی صاف و اغلب کوتاه
(ی) استخوان‌گونه : نه خیلی بلند نه خیلی عریض
(ك) صورت : بیضی با محیط بیضی
(ل) گردن : دراز و استوانه شکل
(م) عضله بندی : درمردها مشخص
(۲) نوع خشن یا اولیه مدیترانه
(الف) قد : متوسط تا کوتاه
(ب) سر : دراز
(ج) صورت : کوتاه و متوسط درعرض
(د) پوست : قهوه متوسط تا سیر
(ه) بینی : صاف یا مقعر
(و) مو : قهوه سیر - مجعد - بافت خشن - زیاد
(ز) لب : نسبتاً پر و گاهی برگشته
(ح) پیشانی : کمی پس رفته و خشن
(ط) عضله بندی : درمردها قوی
(ی) استخوان‌گونه : بلند متوسط و عریض
(ك) گردن : کوتاه و استوانه شکل
(۳) نوع مدیترانه بدوی

این اصطلاح یعنی نوع مدیترانه بدوی در ۱۹۳۲ از طرف نویسندگان پیشنهاد شد که جای اصطلاح عجیب سامی بدوی (Proto - Semitic) را که براساس زبان‌شناسی قرار داشت بگیرد. مدیترانه بدوی اطلاق میشود باجداد انواع گوناگون مدیترانه. از لحاظ ظاهر جسمانی و نباید از حیث اندازه‌گیری مدیترانه بدوی شباهت زیادی به افراد بدوی یا صولوبی شمال عربستان دارد که دارای سروصورت دراز باریک و بینی متوسط و راست یا عقابی و موی قهوه

سیر و مجمد ریز و بافت متوسط تا نرم و برآمدگی پیشانی غیر برجسته میباشند .
از نظر وضع کلی جسمانی این مردم احتمال مبرود دارای استخوان بندی کوچک
وسبک و چابک بودند . نوعهای مدیترانه بدوی به نوبه خود از اولاد شکارچیان
عصر حجر آسیای جنوب غربی میباشند .^۱

اختلافات بین يك ماهیگیر سیسیلی (نوع مدیترانه) و يك شتربان شمار
(نوع مدیترانه بدوی) درعکس بهتر دیده میشود تا بوسیله توصیف .

وقتی عکسها بر اساس نژادی جمعیت طبقه بندی میشود مشاهده میشود
که بعضی افراد را میتوان بگروههای زیر تقسیم کرد تا نوعها و نوعهای فرعی
مدیترانه را تشکیل دهند . سن آنها درپراکنش دوم داده شده است :

(۱) نوع مدیترانه باریک : شماره ۳۳۱۳ (تصویر ۶ شکل ۲۰۱ - تصویر
۱۰۸ - شکل ۴۰۳)(۲۰) .

(۲) نوع مدیترانه خشن : شماره ۳۲۹۱ (تصویر ۶ - شکل ۳ و ۴ -
تصویر ۱۲۳ شکل ۲۰۱)(۳۰) .

(۳) نوع مدیترانه خالص : شماره ۳۳۸۴ (تصویر ۶۸ - شکل ۱ و ۲)

(۱۸) ۳۴۴۹ (تصویر ۵۵ شکل ۴۰۳)(۳۰) - ۳۴۵۲ (تصویر ۵۹ شکل ۲۰۱)

(۴۰) - و شماره ۳۴۴۳ (تصویر ۱ - شکل ۱ و ۲ و تصویر ۶۲ - شکل ۲۰۱)(۴۵) .

(۴) نوع فرق سربلند مدیترانه با بینی راست یا عقابسی : شماره ۳۳۰۷

(تصویر ۳ - شکل ۲۰۱ - تصویر ۱۰۶ - شکل ۴۰۱)(۲۰) و ۳۲۸۷ (تصویر

۱۱۷ شکل ۲۰۱)(۲۵) .

(۵) نوع مدیترانه واتلانتيك یا نورديك نما - سردراز باریک - صورت

دراز و پهن - بینی راست یا کمی محدب و فك مربع زاویه دار : شماره ۳۴۵۴

(تصویر ۲ - شکل ۴۰۳ - تصویر ۵۰ - شکل ۲۰۱)(۲۵) - ۳۴۴۴ (تصویر

۵۱ - شکل ۴۰۳)(۲۵) - ۳۴۲۳ (تصویر ۶۰ - شکل ۴۰۳)(۴۰) - ۳۴۳۰

(تصویر ۲ - شکل ۲۰۱ - و تصویر ۵۹ شکل ۴۰۳)(۴۰) - ۳۴۳۷ (تصویر

۶۱ - شکل ۴۰۳)(۴۲) - ۳۴۳۹ (تصویر ۶۳ - شکل ۲۰۱)(۵۰) - ۳۴۳۳

۱ - این نظریه براساس شواهد باستانشناسی نیمه انتشار یافته است .

نویسنده بعنوان رهبر هیئت اعزامی اکتشافی موزه فیلد به صحرای عربستان شمالی
درسال ۱۹۲۷ و ۱۹۲۸ و ۱۹۳۴ بدست آورده است .

مردم‌شناسی جسمانی ایران ۶۰۵

(تصویر ۶۳ شکل ۴۰۳) (۴۰۳) (۵۲) - ۳۴۲۵ (تصویر ۴ شکل ۳ و ۴ -
تصویر ۶۴ شکل ۲۰۱) (۶۰) - ۳۴۲۰ (تصویر ۶۴ شکل ۴۰۳) (۶۰) -
۳۴۱۸ (تصویر ۶۵ شکل ۲۰۱) (۶۰) - ۳۴۱۴ (تصویر ۶۵ شکل ۲۰۳) (۷۰) .
(۶) نوع اروپائی جنوبی : شماره ۳۳۲۳ (تصویر ۱۱۲ شکل ۲۰۱)
(۲۴) . از نیمرخ قیافه این فرد شبیه اهالی اینالیائی جنوبی است و دارای سر
باریک دراز و موی مجعد درشت قهوه سر و چشم قهوه سر و بینی راست باریک و
لب نازک میباشد .

(۷) نوع اروپائی شمالی : شماره ۳۴۹۹ (تصویر ۱۰ - شکل ۲۰۱ و
تصویر ۲۹ شکل ۲۰۱) (۵۰) این فردی است که ممکن است بایکی از ساکنین
شمال غربی اروپا اشتباه شود . این نوع که در انگلستان نیز وجود دارد مخلوطی
از مدیترانه و نوردیک است .

علاوه بر این تقسیم بندیهای اختیاری نوعهای عمده مدیترانه که اینجانب
در فلات ایران و در عراق مرکزی مشاهده کرده‌ام کاملاً با خصوصیات تأثیری
منطبق نیستند در عراق نوع ایرانی و مدیترانه مشخص خواهد بود و برعکس در
ایران نوع عراقی و مدیترانه غیرعادی جلوه خواهد کرد . از نظر آماری اختلافات
بین آنها خیلی کم است ولی از نظر شکل کاملاً آشکار میباشد .

عناصر ایرانی و مدیترانه در ایران یعنی فرد شماره ۳۴۴۳ (تصویر ۱-
شکل ۲۰۱ و تصویر ۶۲ شکل ۲۰۱) و شماره ۳۳۳۷ (تصویر ۸۲ - شکل ۴۰۳)
شامل افرادی است که از قد متوسط (۱۶۵) و اندازه تنه و پای آنها مساوی است .
سرازحیث طول و عرض متوسط و دارای شاخص سر دراز یا سر متوسط است . صورت
از حیث طول و عرض متوسط است و بینی کوتاه و پره متوسط و نیمرخ بینی محدب
یا راست و دارای نوک کوچک میباشد . موی قهوه سر و بافت متوسط و مجعد درشت
است . چشم قهوه سر و سیاهی یکنواخت و سفیده صاف است .

وقتی با نوع عراقی و مدیترانه مقایسه شود نوع ایرانی و مدیترانه از حیث
قد و تنه کوتاهتر است سر کمی دراز تر و در عرض مساوی است . صورت در عرض
قسمت علیا مشابه ولی در عرض دو گونه بطور قابل ملاحظه پهن تر است . صورت
بعلمت طول زیادتر قسمت علیا کمی دراز تر است . بینی کوتاهتر و باریکتر است
و رنگ چشم و رنگ و شکل و بافت مو اختلافی ندارد .

عنصر عراقی و مدیترانه در ایران^۱ یعنی شماره های ۳۳۱۷ (تصویر ۱۰۹ - شکل ۲۰۱) (۲۰) و ۳۳۲۰ (تصویر ۱۱۱ - شکل ۲۰۱) (۲۳) و ۳۳۱۴ (تصویر ۱۱۹ - شکل ۲۰۱) (۲۸) و ۳۲۹۸ (تصویر ۱۱۸ - شکل ۴۰۳) (۲۸) و ۳۳۵۴ (تصویر ۷۴ شکل ۴۰۳) (۲۸) و ۳۳۰۳ (تصویر ۱۲۸ شکل ۲۰۱) (۳۷) متشکل است از افرادی که اگر در سوق هیلابا در میان کارگران حفاری کیش مشاهده میشدند از نظر عالم مردم شناسی مشخص نمیبودند .

کیث Keith (۱۹۳۵ - ص ۱۳) چهار عرب از نوع مدیترانه را (شماره های ۵۰۰ و ۵۰۴ و ۷۱۳ و ۷۱۴) از بین سربازان عراقی که در سال ۱۹۲۸ اندازه گیری شدند انتخاب کرد . ترکیب و بررسی این چهار فرد نوع معینی را آشکار میسازد که خصوصیات عمده آن از قرار زیر است: سر کوچک و متوسط در عرض و طول با شاخص سر متوسط صورت در طول و عرض متوسط . بینی نسبتاً کوتاه و پهن - موقهوه سیر و مجعد ریز و بافت متوسط - چشم قهوه سیر و سفیده صاف و سیاهی یکنواخت . ابرو پر پشت و پیوسته - برآمدگی پیشانی نسبتاً سنگین - بینی راست یا محدب و پره های بینی فشرده متوسط .

اصطلاح بشر ایرانی *Homo Iranicus* که اکنون مورد استعمال است باید برای پیشرو نوع اساسی ایران حفظ گردد و آنهم بشرط آنکه ثابت شود که این نوع در اصل در فلات ایران بوجود آمده است . وقتی بیکی از نوعهای فرعی بشری نامی اطلاق میشود باید منتهای دقت بعمل آید که به پیچیدگی وضع فعلی از لحاظ لغات و اسامی اضافه نشود . با وجود همه این ملاحظات بنظر این نویسنده يك اصطلاح جدید برای مشخص کردن جمعیت ایران و فرق گذاشتن بین ایرانی اصلی و مردم مشابه نژادی در عراق و افغانستان لازم بنظر میرسد . من اصطلاح (نژاد فلات ایران) را پیشنهاد میکنم که با اصطلاح هادون یعنی ایران و مدیترانه *Irano - Mediterraneus* فرق داشته باشد زیرا اصطلاح من در معنی خیلی محدودتری بکار میرود زیرا اطلاق میشود به نوع اصلی مدیترانه که اکنون در ایران زندگی میکنند نوعی که خصوصیات آن عبارت است از : سردراز - صورت

۱ - نمونه های نوع ایرانی و مدیترانه و عراقی و مدیترانه از روی بررسی عکسهای نوع نژادی انتخاب شده اند .

نوعهای غیر مدیترانه در عکسهای ایران

(۱) نوع ارمنی یا اناطولی مختلط با فرق سر صاف و بینی بزرگ عقابی :
شماره ۳۳۷۵ (تصویر ۴ - شکل ۱ و ۲ و تصویر ۶۹ شکل ۳ و ۴) (۲۰) -
۳۳۱۱ (تصویر ۳ - شکل ۳ و ۴ و تصویر ۱۲۶ شکل ۳ و ۳) (۳۵) - ۳۴۰۹
(تصویر ۵۸ شکل ۳ و ۴) (۳۷) - ۳۲۹۴ (تصویر ۷ شکل ۳ و ۴ و تصویر
۱۲۷ شکل ۳ و ۴) (۳۷) - ۳۳۴۳ (تصویر ۸۵ شکل ۱ و ۲) (۴۰) - ۳۳۶۳
(تصویر ۹ شکل ۳ و ۴ و تصویر ۸۸ شکل ۳ و ۴) (۴۰) - ۳۳۶۰ (تصویر ۸۶
شکل ۱ و ۲) (۴۰) . بعلاوه فرد شماره ۳۳۱۹ (تصویر ۱۲۴ شکل ۳ و ۴) (۳۰)
است که اگر چه از لرهای پشت کوه است ولی میتوان او را يك کرد سلیمانیه یا
عقرا در شمال شرقی کردستان عراق بشمار آورد .

(۲) نوع آلی که اختلاط قوی مردم آلپ یا سایر صورت پهن را نشان میدهند .
صورت که گرد و پهن است متمایل به کوتاهی و پیشانی عریض است : شماره‌های
۳۳۱۰ (تصویر ۱۰۷ شکل ۳ و ۴) (۲۰) - ۳۳۰۸ (تصویر ۱۱۶ - شکل ۱ و ۲)
(۲۵) - ۳۳۴۱ (تصویر ۸۴ شکل ۳ و ۴) (۴۰) - ۳۴۵۳ (تصویر ۵۲
شکل ۳ و ۴) (۲۷) - ۳۴۱۹ (تصویر ۵۴ شکل ۱ و ۲) (۳۰) - ۳۴۵۵ (تصویر
۵۵ شکل ۱ و ۲) (۳۰) - ۳۴۱۰ (تصویر ۸ شکل ۱ و ۲ و تصویر ۴۹ شکل ۱ و
۲) (۲۳) - و ۳۳۵۱ (تصویر ۸۰ شکل ۱ و ۲) (۳۵) .

(۳) نوع حامی : شماره ۳۴۴۷ (تصویر ۹ شکل ۱ و ۲ و تصویر ۵۷ شکل ۱ و ۲)
(۳۳) . حامی‌های شمال شرقی افریقا دارای خصوصیات زیر هستند . سرباریک
و دراز با صورت خیلی دراز باریک بیضی شکل .

(۴) نوع یهودی : شماره‌های ۳۵۱۴ (تصویر ۱۵ شکل ۱ و ۲) (۲۱) -
۳۵۰۲ (تصویر ۲۵ شکل ۳ و ۴) (۴۲) - ۳۴۷۶ (تصویر ۱۰ شکل ۱ و ۲ و
تصویر ۳۲ شکل ۱ و ۲) (۵۵) - و ۳۴۹۴ (تصویر ۳۶ و ۳۷) (۶۵) . این
نوع بطور تفصیل قبلا شرح داده شده است . (ص ۳۷۱-۳۷۴)

(۵) نوع سیاهپوست : شماره‌های ۳۳۴۸ (تصویر ۱۲ شکل ۱ و ۲ و
تصویر ۸۹ شکل ۱ و ۲) (۴۵) - ۳۳۶۸ (تصویر ۱۲ شکل ۳ و ۴ و تصویر ۹۳

شکل ۴۹۳) (۵۰) - يك رگه معین سیاهپوست در جمعیت وجود دارد که علائم آن پره بینی پهن و لب کلفت برگشته و دريك مورد (شماره ۳۳۴۸) موی فروری میباشد.

(۶) نوع مغولی . شماره‌های ۳۳۸۲ (تصویر ۶۹ شکل ۲۹۱) (۲۰) -
 ۳۳۸۳ (تصویر ۱۱ شکل ۴۹۳ و تصویر ۷۰ شکل ۲۹۱) (۲۱) - ۳۳۵۹ (تصویر ۸۱ شکل ۴۹۳) (۳۵) - ۳۳۶۹ (تصویر ۸۷ شکل ۲۹۱) (۳۸) - ۳۴۴۰ (تصویر ۱۱ شکل ۲۹۱ و تصویر ۵۷ شکل ۴۹۳) (۳۴) - این افراد دارای قوس فکین پهن و تمایل به چشم نوع مغولی میباشند . شماره ۳۳۸۳ بطور وضوح دارای قیافه مغولی است بخصوص در قسمت موی سر که کاملاً صاف است . شماره ۳۴۸۲ (تصویر ۳۵ - شکل ۴) (۵۱) که دارای قیافه و صورت مغولی بخصوص از حیث ریش میباشد ممکن است بعنوان یکی از ساکنین بخارا در جمهوری ازبکستان شوروی گرفته شود .

خلاصه

طبقه بندی تأثیری عکسها نتایجی بدست میدهد که با طبقه بندی ماشینی فرق زیادی ندارد . انحرافات عمده وقتی ظاهر میشود که تقسیمات فرعی نوعهای مدیترانه و غیر مدیترانه بعمل آمد و این تقسیم بندیهای فرعی وقتی بر رسی اندازه گیری ایران کامل شد ممکن است تأیید یا تکذیب شود .

بطور کلی جمعیت ایران از حیث نوع مدیترانه است، اگرچه اختلاط کمی با نوع سرگرد بخصوص در قسمتهای شمال غربی و شمال شرقی مملکت وجود دارد و این اختلاط در اثر تهاجم نوع سرگرد است که اثر خود را در جمعیت ایران باقی گذاشته است . وجود عناصر غیر مدیترانه از قبیل مغولی و سیاهپوست و ارمنی و نوردیک و آلپی بعد از مطالعات و بررسی بیشتر تأیید و میزان درصد آن بعداً معین خواهد شد .

خلاصه کلی و عمومی نوعهای تأثیری و ماشینی جمعیت فعلی ایران به طبقات زیر تقسیم میکنند :

I . نوع سردراز فلات ایران

(۱) بینی بزرگ محدب و باریک - صورت باریک - خیلی سر دراز با باموی زیاد .

(۲) بینی راست - فک مربع - سردراز صورت دراز از نوع مدیترانه .

(۳) - بینی راست یا مقعر نسبتاً پهن - فك مربع - سردراز - صورت کوتاه
از نوع مدیترانه بدوی .

(۴) اختلاط نوع ۱ و ۲ که ممکن است نوردیک اولیه باشند .

II - نوع سرگرد فلات ایران .

(۱) بینی مقعر یا راست - فك مربع با سر مدور که ممکن است از نوع
آلبی اولیه باشند .

(۲) بینی محدب با سرفرق بلند و مغز صاف از نوع ارمنی ،

(۳) بینی محدب صورت دراز و سر بلند که ممکن است از نوع سر

گرد ترکستان با اختلاط با شماره ۱ بوجود آمده باشد .

ترکیب حقیقی نژادی ایران فقط وقتی معین خواهد شد که گروههای

نمونه از تمام نقاط ایران اندازه گیری و بررسی کامل شود .

امید است که دولت ایران نه تنها تسهیلات لازم را برای مطالعات مردم-

شناسی بوسیله دانشمندان خارجی فراهم کند بلکه دانشمندان و دانشجویان ایرانی

را تشویق نماید بدین منظور مطالعه و تخصیص و تربیت شوند و نتیجه مطالعات خود

را بزبان انگلیسی منتشر نمایند .

روابط خارجی با ایران شامل بررسی اطلاعات اندازه گیری از جنوب

غربی آسیا قبل از بررسی روابط و اختلافات بین مردم ایران و همسایگان آنها

باید علاوه بر مطالبی که در فصل سوم این کتاب نقل گردید به عملیات اندازه -

گیری سابق در ایران اشاره شود .

قبل از جنگ بین الملل اول آقای س . ویسنبرگ S. Weissenberg

عده ای از یهودیهای جنوب غربی آسیا را اندازه گیری کرد . در ایران گروههایی

را در شیراز و مشهد و ارومیه مورد مطالعه قرار داد . بمنظور مقایسه خلاصه ای

از اطلاعات آماری او در جدولهای این فصل در صفحات آینده نقل شده است .

اطلاعات و اندازه گیریهای کردها که توسط شانتر و دانیلو و ایوانوسکی

وفن لوشان و دوهوسه و پیٹارد بعمل آمده در کتاب آینده اینجانب درباره کردهای

ایران نقل خواهد شد از آنجائیکه اینجانب از کردها هیچ اندازه گیری نکرده

است نقل آن مطالب در این کتاب خارج از موضوع است .

خانم النور بلیش Miss Eloanor Blish که در دانشگاه امریکائی بیروت

کار میکرد از ۹ مرد و ۱۶ زن در شمال ایران اندازه گیری کرده است . نتیجه این مطالعات توسط کاپرز و پار Kappers and Parr منتشر شده است (۱۹۳۴ - ص ۷۴ - ۹۳) و ضمناً شامل مطالب و اندازه گیری ۱۱۵ ایرانی که در بیروت اندازه گیری شدند میباشد .

دکتر و خانم هرالد کریشنر Harald Krischner از دانشگاه امریکائی بیروت مطالعات خود را درباره مردم شناسی ایران بر اندازه گیری از ۱۱۴۰ ایرانی که شامل ۸۳۸ مرد و ۳۰۲ زن میباشدند قرار داده اند . بعلاوه آنها از ۵۵ مرد و ۴۳ زن ارمنی در شمال ایران و از ۱۸۰ مرد و ۶۵ زن ارمنی در جلغای نو و اصفهان اندازه گیری کردند . برای تلفیق مطالب خود از نواحی مختلف مطالب و اطلاعات خود را بطور اختیاری بسه گروه تقسیم بندی کردند :

(۱) مردم شمال شامل کرمانشاه و قم و کاشان تا خطی که بامدار ۳۴ مطابقت دارد .

(۲) مردم ایران مرکزی بخصوص اصفهان و یک سری از زردشتی های یزد .

(۳) مردم جنوب ایران شامل شیراز و بوشهر و کرمان .

حقیقۀ جای تأسف است که دکتر کریشنر و خانم بغیر از حد اکثر طول سر و حد اکثر عرض سر اندازه گیری دیگری نکردند . گروه بندی نژادی ملل و تقسیمات آنها به عناصر متشکله در حقیقت کار آسانی نیست حتی وقتی بر اساس اندازه های فردی و مشاهده و بررسی مو و خون و عکس و غیره باشد . بعلاوه دقت و کوششی که برای بدست آوردن این اطلاعات لازم است در مقابل زحمت و مجادله و حوصله که برای بدست آوردن پروانه و متقاعد کردن و حاضر کردن افراد برای اندازه گیری لازم است بسیار اندک است . از طرف دیگر من کاملاً قبول دارم که قوه تحمل و صبر افراد برای اندازه گیری حدی دارد و فقط دانشمند مردم شناس با تجربه است که میدانند تاچه حد اطلاعات لازم را بدست آورد و افراد را برای همکاری حاضر کند .

اگرچه نمونه گیری اختیاری در تعیین ترکیب نژادی مردمی مفید و با ارزش است بهتر آنست که همیشه نمونه گیری جمعیت از مرکز آن گرفته شود . باید بخاطر داشت که مردم خاور زمین تمایل بآن دارند که موجبات رضایت

پرسنده را فراهم کنند بخصوص اگر برای اندازه گیری و مشاهده و عکس برداری انعام نیز داده شود .

شمای شاخص سرگروه مرد وزن در شمال ایران که توسط دکتر کریشنر و خانم اندازه گیری شده اند حداکثر رادر ۷۴ و ۷۹ و ۸۳ نشان میدهد . شمائی که توسط کاپرز بر اساس اندازه گیری ۱۶۲ فرد از شمال ایران تهیه شده بطور عجیبی با شمای کریشنر شباهت دارد . کاپرز معتقد است که حد اکثر ۸۳ او ممکن است در اثر نفوذ قفقازی باشد .

فن ارکرت Von Erckert و جواشیشویلی Djawachischwili در مغرب قفقاز شاخص زیر سرگردی پیدا کردند . این حداکثر ۸۳ در میان مردم که در مرکز ایران مطالعه شدند تقریباً ناپدید میشود . برای خلاصه کردن اطلاعات آماری جدول زیر را بر اساس مطالعات کاپرز در شاخص سر تهیه کرده ام .

محل	افراد	حداکثر	مردم شناسی
آذربایجان	۱۱۴ مرد - ۲۱ زن	۷۷ - ۸۱,۷۹	شانتر
شمال	۱۲۵ مرد - ۴۱ زن	۷۴, ۷۹, ۸۳	کاپرز
شمال	۳۴ مرد	۷۷ - ۷۹	دانیلو
شمال	۶	۷۴, ۷۹, ۸۳	
اصفهان	مردوزن	۷۸	
یزد (زردشتی ها)	۱۰۳ مرد - ۱۶ زن	۷۳ - ۷۴	کریشنر
آباده	۵۱ مرد - ۱۲ زن	۷۳ - ۷۴	
جنوب غربی	۱۵۲ مرد - ۲۲ زن	۷۷ - ۷۸	

زیر عنوان بعضی از گروههاییکه در ۱۹۳۴ اندازه گیری شدند آمار تطبیقی دیگری که توسط ویسنبرگ و فن ارکرت و شانتر و کاپرز و کریشنر بدست آمده اضافه کرده ام .

در اینجا لازم است کار خانیکف و دانیلو و عده دیگری از مردم شناسان تکرار شود زیرا قسمتی از نتایج عملیات آنها یا در بخش تاریخی (فصل سوم) و یا در جدولهای تطبیقی این فصل مورد استفاده قرار گرفته است . هر کجا علامت ستاره گذاشته شده دال بر اینست که در جدول شاخص از

میانگین اندازه‌ها اخذ شده است. در این فصل اینجانب چهار گروه ایران را مورد بحث قرار داده‌ام و تحت عنوان یهودیهای اصفهان آمار تطبیقی آورده شده تا وضع این یهودیها نسبت به سایر گروههای یهودی این ناحیه نشان داده شود. اکنون باید چهار گروه ایران را با سه سری ۱۹۲۸ عراق مقایسه کرد. مسلم گرفته میشود که خواننده بکتاب اینجانب تحت عنوان (اعراب مرکز عراق - تاریخ - نژاد شناسی و خصوصیات جسمانی آنها) دسترسی دارد تا بتواند بمطالب اولیه و خلاصه آمار و عکسهای آن و همچنین بمقدمه تعلیم سرارثر کیت مراجعه کند.

اطلاعات و ارقامی که نویسنده در مورد عربهای کیش و سربازان عراقی و بادیه نشینان بائییج در سالهای ۱۹۲۸ بمنوان عضو هیئت اکتشافی مشترک موزه فیلد و دانشگاه آکسفورد بدست آورد در هاروارد محاسبه شده بطوریکه نتایج آن محاسبه را میتوان مستقیماً با اطلاعات مربوط بایران مقایسه کرد.

افراد کمتر از هفده سال و متجاوز از ۷۱ سال از محاسبه حذف شده و طبقه‌بندی توسط ماشین هولریت Hollerith بعمل آمده است و بهمین جهت بعضی اختلافات خیلی جزئی با ارقام منتشره (فیلد ۱۹۳۵ ب) مشاهده میشود.

ارقامی که زیر نام بکستون Buxton و رایس Rice دیده میشود در کیش و سربازخانه هیلا در ژانویه ۱۹۲۶ توسط بکستون گرفته شده است. در این عمل نویسنده ارقام را ثبت میکرد. میانگین اندازه‌های این ۱۶۴ مرد دو باره محاسبه شده زیرا حس کردم که اینها دو گروه مشخص هستند یکی مردان ناحیه کیش و دیگری گروه سربازان عراقی در هیلا. بنابراین تعداد افراد و میانگین اندازه‌ها با ارقام منتشره از طرف بکستون و رایس (ص ۵۷ - ۱۱۹) وفیلد (۱۹۳۵ ب ص ۱۰۱) فرق دارد.

علاوه بر اینها گروههای کوچک اعراب جنوب و مصریها و طبقه چاتری و پاتانها را که کیت بمنظور مقایسه بکار برده در اینجا نقل کرده‌ام. در جدولهای زیر علائم اختصاری زیر بکار برده شده است.

صورت علائم اختصاری

ایران

علامت اختصاری	تعداد افراد	مردم
L	۵۲	لرهای حسنتلی خانی پشت کوه
Y	۴۶	ده نشینان یزدخواست
K	۷۴	ده نشینان کناره
J	۸۷	یهودیه‌های اصفهان

عراق

K	۳۹۸	اعراب ساکن ناحیه کیش
K _۱	۵۰	شماره‌های ۱۰۰-۵۰ در اردو گاه شیخ منجیل
K _۲	۵۰	شماره‌های ۱۰۰-۱۴۹ در اردو گاه شیخ منجیل
		شماره‌های ۲۰۰-۲۴۹ در اردو گاه
K _۳	۵۰	شیخ سوادى وسید روده
K _۴	۵۰	افراد اردو گاه شیخ حونطه و شیخ عزیز
S	۲۳۱	سربازان عراقی در اردو گاه هیلا
		شماره‌های ۵۰۰-۵۵۰ متولد کیش در هیلا
S _۱	۵۰	النصیریه و غیره در سمت دشت فرات
S _۲	۵۰	شماره‌های ۵۵۳-۶۷۱ متولد در النصیریه یا هیلا
S _۳	۵۰	از بغداد و کرکوک و موصل و سلیمانیه
B	۳۸	بادیه نشینان بین کیش و جمده نصر

عربستان

SA	۳۵	اعراب جنوبی برترام نامس
----	----	-------------------------

افریقا

E	۵۰	مصریه‌های واحه خرگه
---	----	---------------------

هندوستان

P	۵۰	پاتا نه‌های پنجاب از ریسلی
C	۵۰	طبقه چاتری هندوستان از ریسلی

ده نشینان یزدخواست و کناره که دو گروه "نسبه" متجانس و یکنواخت

هستند میتوانند برای منظور ما نماینده ساکنین عصر حاضر جنوب مرکزی ایران باشند. لرهای پشت کوه با این دو گروه اختلاف عمده دارند و همچنین یهودیهای اصفهان باید بطرز مخصوص مورد توجه قرار گیرند :

از آنجائیکه سه گروه عراقی مرکب از اعراب ناحیه کیش و سربازان عراقی اردوگاه هیلا و باده نشینان بایج در مرکز عراق با يك روش اندازه گیری شده‌اند میتوان آنها را بخوبی با هم مقایسه کرد. بنابراین در این قسمت که به بررسی ارتباطات خارجی با ایران تخصیص داده شده است هفت گروهی را که نویسنده در ۱۹۳۴ در ایران و در سال ۱۹۲۸ در عراق اندازه گیری کرده است بطور نسبتاً مفصل مورد بحث قرار میدهد.

ولی بنظر میرسد که بسط این مقایسه با گروههای سایر نویسندگان که نتایج مطالعاتشان بر اساس همان روش بود سودمند باشد و بدینوسیله میتوان وضع مردم ایران را به نسبت وضع همسایگان آن روشن کرد. جدولهای تطبیقی این آمار و ارقام به ترتیب جغرافیائی زیر آشکار میشود.

- ۱- ایران ۲- عراق ۳- عربستان ۴- ساوراء اردن ۵- فلسطین
- ۶- سوریه ۷- اناطولی ۸- قفقاز ۹- کردستان ۱۰- ترکستان ۱۱- افغانستان
- ۱۲- بلوچستان

در مورد شماره ۳ یعنی عربستان باید خاطر نشان ساخت که س. ا. حسین از دانشگاه قاهره از آوریل تا اکتبر ۱۹۳۶ از ۸۰۰ نفر در یمن و ۵۵۰ نفر در حضرموت اندازه گیری کرد.

کردستان در اینجا اطلاق میشود بکلیه ناحیه بهمین نام چه در ایران یا عراق یا اناطولی واقع شده باشد.

برای انتخاب مطالب تطبیقی از ترکستان از جدولهای منتشره توسط گینزبرگ Ginzburg استفاده شده است. ارقام مربوط به بلوچستان از بررسی نژاد شناسی هندوستان (کلکته ۱۹۰۸) نقل شده و دکتر گسردن بولز Gordon Bowles توجه نویسنده را باین منبع جلب کرد.

برای تکمیل مطالب بعضی از ارقام گوها Guha (از سرشماری هندوستان ۱۹۳۱) نقل شده است. بررسی تطبیقی مقدماتی ما در باره جنوب غربی آسیا تمایلات نژادی را از کلنی عدن تا مملکت تحت الحافظه سیلان مورد مطالعه قرار

من کوشش نکرده‌ام همه مطالب را مورد استفاده قرار دهم بلکه منتخبی از اطلاعات و مطالب که توسط ناظرین مطمئن و محاسبین دقیق گرد آورده شده بکار رفته است. در تدوین این جدولها باید از دکتر کارلتون کون - Dr. Carleton S. Coon و دکتر کارل سلنزر Dr. Carl C. Seltzer از موزه پیبادی دانشگاه هاروارد که توجه مرا به منابع متعدد جلب کردند تشکر کنم. بخش تاریخی (فصل سوم) شامل جدولهای متعدد اندازه گیری است که در اینجا تکرار نشده است. در کتاب آینده یعنی «مردم شناسی عراق» جدولهای اطلاعات تطبیقی از جنوب غربی آسیا خیلی مفصلتر خواهد بود ولی چون در اینجا با ایران و عراق سروکار داریم حذف بعضی از آنها جایز بنظر میرسد.

اگرچه ارقام تحت هر تقسیم‌بندی جغرافیائی به ترتیب صعودی مرتب شده است هر وقت تحت يك عنوان چند گروه مانند بختیاری و ترك و ارمنی و غیره واقع میشود همه آنها بهم پیوسته تلقی شده‌اند: بنظر من این روش رضایت بخش تر از ترتیب نزولی است که تحت آن قبائل و تقسیم‌بندیهای نژادی پیوسته بهم نبوده و در سراسر جدول پراکنده هستند.

سعی کرده‌ام برای قد و شکل سر و شاخص بینی نقشه‌های توزیع تهیه کنم ولی اطلاعات اندازه گیری در همه جنوب غربی آسیا بقدری کمیاب است که این عمل را فعلا غیر ممکن میسازد.

مطالب و اطلاعات اندازه گیری به ترتیب زیر قرار داده شده است: قد - قد نشسته (طول تنه) - قد نشسته نسبی - طول سر - عرض سر - شاخص سر -

۱- در این جدولها گروه افراد از ده نفر کمتر در ذیل صفحه قرار داده شده‌اند تا باعث اختلال حواس خواننده نشود. ولی چون این اولین باری است که مطالب و اطلاعات مربوط بایران و ممالک همسایه آن گردآوری میشود حتی این گروههای کوچک واجد اهمیت هستند. نام مملکت و گروه و تعداد افراد و میانگین و ناظر به ترتیب در هر ناحیه جغرافیائی قرار گرفته شده است. مثال (ایران: لر (۵) ۱۲۰- هوسی).

حداقل قطر پیشانی - شاخص پیشانی و آهیانه - عرض دو گونه - شاخص گونه و پیشانی - عرض فکین - شاخص گونه و فک - طول قسمت علیای صورت - شاخص قسمت علیای صورت - طول کل صورت - شاخص کل صورت - طول بینی - عرض بینی - شاخص بینی - طول گوش - عرض گوش - شاخص گوش .

قد = وقتی گروههای ایران و عراق طبق تقسیم بندی سه گانه هاروارد مورد مقایسه قرار میگیرند جدول زیر بدست میاید .

مردم	میانگین	مولا		موسای		طنه		مجموع
		درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
	(۱۶۰/۵-۱۶۹/۵)		(۱۶۹/۴-۱۶۰/۶)		(۱۶۹/۵-۱۶۹/۵)			
یزد خواست	۱۶۴/۷۹	۱۲	۲۶/۰۹	۲۴	۵۲/۱۷	۹۰	۲۱/۷۴	۴۶
یهودیهای اسفهان	۱۶۴/۹۴	۱۹	۲۲/۰۹	۴۹	۵۶/۹۸	۱۸	۲۰/۹۲	۸۶
کناره	۱۶۵/۵۴	۱۶	۲۱/۶۲	۴۰	۵۴/۰۵	۱۸	۲۴/۲۴	۷۴
بادیه نشینان بائج	۱۶۸/۱۸	۳	۸/۵۷	۱۸	۵۱/۴۳	۱۴	۲۰/۰۰	۳۵
اعراب کیش	۱۶۸/۳۰	۳۹	۱۱/۴۷	۱۴۸	۴۳/۵۴	۱۵۴	۴۵/۰۰	۴۴۰
لرها	۱۶۸/۶۲	۳	۵/۷۷	۲۶	۵/۰۰	۲۳	۴۴/۲۳	۵۲
سربازان عراقی	۱۷۲/۵۶	۴	۰/۹۰	۱۶	۲۹/۷۳	۱۵۴	۶۹/۳۷	۲۱۲

از روی میانگین جدول فوق دیده میشود که سربازان عراقی بلند قدترین (۱۷۲/۵۶) و ده نشینان یزد خواست کوتاه قدترین (۱۶۴/۷۹) گروهها هستند. رویهمرفته گروههای ایران بطور قابل ملاحظه کوتاهتر از نمونه های عراق میباشد. لرها که از این ملاحظه مستثنی هستند در حقیقت نماینده گروههای ایرانی نیستند زیرا متعلق به يك گروه شغلی مخصوص میباشد. و همین امر درباره سربازان عراقی صدق میکند که خصوصیات جسمانی در انتخاب آنها عامل عمده بوده است. باید خاطر نشان ساخت که رقم میانگین هوسی برای ۵ فرد لری یعنی (۱۶۸/۰) تقریباً با رقم من درباره سری لرها مساوی است.

در بررسی حدود قد در جنوب غربی آسیا مشاهده میکنیم که لرها در طبقه معدل و متوسط ایران قرار میگیرند و آذربایجانها و نمونه خیلی کمی که از بختیارها داشتیم قدری بلند تر هستند.

مردم شناسی جسمانی ایران - ۶۱۷

قد*

ایران

مردم	تعداد	میانگین	نویسنده
یزد خواست	۴۶	۱۶۴/۸	فیلد
یهودیهای اصفهان	۸۶	۱۶۴/۹	فیلد
عجمی (ایالت تهران)	۱۰۸	۱۶۵/۱	دنیکر
کناره	۷۴	۱۶۵/۵	فیلد
ایرانی	۱۵۴	۱۶۵/۶۶	دانیلو
ایرانی	۲۰۴	۱۶۶/۹	جواشیشویلی
لر (پشت کوه)	۵۲	۱۶۸/۶	فیلد
آذربایجانی	۳۵	۱۶۹/۶	دانیلو
ایرانیان شمالی	۵۰	۱۷۰/۷	باسلوسکی

عراق

یهودی	۳۷	۱۶۴/۱	ویسنبرگ
باده نشینان بایبج	۳۵	۱۶۸/۲	فیلد
اعراب کیش	۳۴۰	۱۶۸/۳	فیلد
کارگران کیش	۹۵	۱۶۸/۳۹	بکستون و رایس
اعراب	۳۲	۱۷۱/۲۸	اهریک
سربازان عراقی (حله)	۶۳	۱۷۱/۶۳	بکستون و رایس
سربازان عراقی	۲۲۲	۱۷۲/۶	فیلد

عربستان

اعراب (شحر)	۳۱	۱۶۱/۶	لیس و جویس
اعراب	۱۳۳	۱۶۲/۸	دنیکر
اعراب	۲۹	۱۶۴/۲۸	مچی

* ایران : عجمی (۲) ۱۶۱/۵ ، هوسی ، عجمی (تهران) (۲) ۱۶۱/۵
 دوهوسه : دزفولی (۹) ۱۶۳/۳ - هوسی : عجمی (۹) ۱۶۵/۰ ، شانتر، ایرانی
 (۵) ۱۶۵/۸ ، بوگدانفازدچنکوف ، بختیاری (۴) ۱۶۷/۰ ، گوئییه : لر (۵)
 ۱۶۸/۰ ، هوسی ، بختیاری (۳) ۱۷۱/۵ ، هوسی ، عراق ، عرب ترکمن (۶)
 ۱۶۸/۱۷ ، اهریک ، کرد ترکمن (۷) ۱۷۱/۴۳ . اهریک .

لیس و جویس	۱۶۴/۸	۲۰	یمنی
دنیگر	۱۶۴/۸	۳۱	اعراب (مسقط)
لیس و جویس	۱۶۴/۹	۸۲	اعراب (مسقط)
ماوراء اردن			
شنگلین	۱۶۸/۵	۱۲۰	بادیه نشینان اکیدت
شنگلین	۱۷۰/۱۲	۱۷۶	بادیه نشینان موالی
فلسطین			
اسپید باوم	۱۷۱/۰۷	۲۷	سامری
هاکسلی	۱۷۳/۰	۳۵	سامری
سوریه			
شنگلین	۱۶۱/۸۹	۲۷۰	بادیه نشینان رواله
زومیر	۱۶۲/۸	۰۰۰	اهالی سوریه
سلتزر	۱۶۷/۱۹	۲۵۱	اهالی سوریه
اناطولی			
واگنسیل	۱۶۵/۶	۳۲	ترکهای ایالت شرقی
کروفوت	۱۶۶/۱۴	۱۴	اهالی بکتاش (انکارا)
واگنسیل	۱۶۶/۴	۳۸	ترک بروسه
واگنسیل	۱۶۶/۵	۴۴	ترک انکارا
دنیگر	۱۶۶/۰	۳۶۲	ترک عثمانی
واگنسیل	۱۶۷/۰	۴۴	ترک قونیه
واگنسیل	۱۶۷/۲	۲۷۲	ترک توتال
واگنسیل	۱۶۷/۶	۳۴	ترک داردانل
فن لوشن	۱۶۷/۷	۵۰	تاچداوچی و بکتاش
هسلوک و مورانت	۱۶۷/۹۲	۲۰۰	ترک
واگنسیل	۱۶۸/۱	۴۱	ترک قستمونی
واگنسیل	۱۶۸/۹	۳۹	ترک اسمیرنه
دنیگر	۱۷۱/۰	۱۲۰	ترک عثمانی
شانتر	۱۶۶/۰	۲۲	آسوری
دنیگر	۱۶۶/۸	۳۳	آسوریهای دریاچه ارومیه

قفقاز

ویسنبرگه	۱۶۴/۶	۲۰	ارمنی
دنیگر	۱۶۵/۲	۷۹۲	ارامنه تفلیس
پیتارد	۱۶۶/۱	۰۰۰	ارمنی
سلتزر	۱۶۶/۱۶	۱۰۱	ارمنی
بواز	۱۶۷/۰۴	۷۵	ارمنی
تاوارجانویچ	۱۶۷/۱۰	۱۰۵	ارمنی
هردلیچکا	۱۶۷/۴	۲۵	ارمنی
شاتر	۱۶۸/۵	۰۰۰	ارمنی
شاتر	۱۶۹/۴۴	۲۳۹	ارمنی
دنیگر	۱۶۹/۴	۱۹۲	ارامنه ماوراء قفقاز
ویسنبرگه	۱۶۳/۶	۲۷	یهودیهای گرجستان
ویسنبرگه	۱۶۴/۰	۳۳	یهودی
شاتر	۱۶۴/۰	۱۱	لزگی
شاتر	۱۶۴/۱	۱۱	یهودی گرجستان
ژاواهو	۱۶۵/۵	۹۰۰	گرجی
دنیگر	۱۶۷/۵	۲۸۸	آذربایجانی
پیتارد	۱۶۸/۰	۰۰۰	اوست
ریسکین	۱۶۹/۰	۰۰۰	اوست
شاتر	۱۶۹/۰	۱۶	تاتار (آرالینخ)
شاتر	۱۷۰/۰	۱۵	تاتار (آرخوری)

کردستان

شاتر	۱۶۷/۰	۲۳	کرد (خارپوت و ارزنگین)
شاتر	۱۶۷/۰	۲۰	کرد (میلانلی)
شاتر	۱۶۸	۲۸۴	کرد (ترکیه - ایروان - ایران)
دانیلو	۱۶۸/۳	۱۶۲	کرد
چپورکوسکی	۱۶۸/۶	۰۰۰	کرد
دنیگر	۱۶۸/۶	۱۴۰	کرد (قفقاز)

۶۲۰ - مردم شناسی ایران

پا تپیو خوف	۱۶۸/۶	۲۰	کرد	
پیتارد	۱۷۰/۰	۰۰۰	کرد	
پیتارد	۱۷۰/۷	۴۸	کرد	
دنیکر	۱۷۰/۷	۳۰	کرد	
ترکستان				
ماسلوسکی		۱۶۳/۷	۱۷	عرب
اوشانین		۱۶۳/۷۱	۱۶۳	بخارا
هادون		۱۶۳/۸ - ۱۶۷/۶	۰۰۰	ترکمن
کرونیکو		۱۶۴/۰۵	۸۰	وانچ
اوشانین		۱۶۵/۷۲	۱۰۰	عرب
ویشنوسکی		۱۶۵/۸۸	۲۷۹	پند ژیکنت
ایارخوف		۱۶۶/۳۴	۱۰۷	ایومود
اوشانین		۱۶۶/۳۹	۴۳۳	کاراتگین
ماسلوسکی		۱۶۶/۴	۲۹	عرب
ایارخوف		۱۶۶/۵۱	۲۰۰	چودیر
...		۱۶۶/۸	۱۰۰	دره پسکم و ناحیه بخارا
دنیکر		۱۶۶/۸	۷۴	قره قرغیز
دنیکر		۱۶۶/۸	۵۴	سارت
دنیکر		۱۶۷/۰	۵۳	ترکمن
اوشانین		۱۶۷/۰	۱۲۵	ارساری
دنیکر		۱۶۸/۳	۱۲۰	ازبک
ماسلوسکی		۱۶۸/۴	۰۰۰	تاجیک (سارت)
دنیکر		۱۶۹/۲	۱۵۵	تاجیک و کالجاس
ایارخوف		۱۶۹/۴۵	۲۰۰	فرغانه
ایاورسکی		۱۷۰/۰	۵۱	تکه
دنیکر		۱۷۱/۹	۲۹	کولی

افغانستان

افغان	۱۸	۱۶۳/۸	ماتسیوسکی
افغان	۱۸	۱۶۸/۱	پوارکف
هزاره	۰۰	۱۶۸/۴	هادون

بلوچستان

دهواری	۲۰۰	۱۶۴/۲۵	...
سید	۳۳	۱۶۴/۵۵	جویس و ستاین
پراهوئی (سراوان)	۰۰	۱۶۵/۹	هادون
پانی - پاونی (پشته)	۱۰۰	۱۶۷/۶۵	...
بلوچ	۳۵	۱۶۷/۸۹	جویس و ستاین
سیستانی	۲۵	۱۶۸/۵۱	جویس و ستاین

چنانکه جدولهای تطبیقی بالا نشان میدهد چنین بنظر میرسد که در نواحی کوهستانی غربی و شمال غربی ایران مردم قد بلند تر از ساکنین نواحی جنوبی و مرکزی میباشند. عرب ساکن جنوب عربستان خیلی کوتاه (حدود ۱۶۱/۰۶ - ۱۶۴/۹) است در حالیکه باده نشین ماوراء اردن قد بلند است (میانگین ۱۶۸/۵۰ و ۱۷۰/۱۲). اهالی سامری فلسطین از همه کردهای دیگر بلند قد ترند (میانگین ۱۷۱/۱ و ۱۷۳/۰). در سوریه باده نشینان رواله خیلی کوتاه (۱۶۱/۸۹) هستند در صورتیکه گروهی که سلتز در کتاب خود ذکر کرده میانگین ۱۶۷/۲ دارند که نسبتاً بلند است. در اناطولی تنوع قابل ملاحظه بین ۱۶۵/۶ تا ۱۷۱/۰ وجود دارد ولی اکثریت در حدود ۱۶۷ میباشند. قد آرامنه قفقاز بین ۱۶۴/۶ تا ۱۶۹/۴ میباشد و رقم آخر به میانگین نزدیکتر است. یهودیهای این ناحیه کوهستانی خیلی کوتاه (۱۶۳/۶ - ۱۶۴/۱) هستند در حالیکه تاتارهای آرخوری بلند (۱۷۰) هستند. در کردستان کلمه‌ای که بناحیه بزرگی اطلاق میشود - کردها بلند قد هستند (۱۶۷ - ۱۷۰/۷). ارقام ترکستان حدود ۱۶۳/۷ تا ۱۷۱/۹ را نشان میدهد و حاکی از جمعیت نسبتاً بلند قد است که از چندین گروه نژادی متشکل است.

قد افراد در جنوب مرکزی ایران و عربستان و بلوچستان و سوریه در حد پائین یعنی ۱۶۱/۵ تا ۱۶۸/۶ است و در شمال ایران و عراق و ماوراء اردن

و فلسطین و کردستان و ترکستان حد بالاتر یعنی (۱۶۳/۷ - ۱۷۳/۰) است و در اناطولی و افغانستان و قفقاز بین این دو حد قرار دارد. در اینجا بارقام گوها Guba مربوط به هندوستان باید بذل توجه کرد.

ساحل غربی و جنوب	شمال غربی و شمال شرقی	
۱۶۴/۸۶۰	۱۶۸/۴۴۲	راجپوتانا
۱۶۴/۲۶۹	۱۶۵/۴۷۸	ایالات متحده
۱۶۴/۷۸۲	۱۶۴/۲۹۲	اورپا
۱۶۷/۰۰۵		
۱۶۳/۵۵۵	۱۶۸/۰۳۰	بنگال
۱۶۸/۹۹۷	۱۶۷/۰۷۱	
۱۵۹/۴۹۰	۱۶۲/۸۲۶	
۱۶۴/۰۶۸		

در میان مردم شمال غربی و شمال شرقی حد از ۱۶۲/۸ تا ۱۶۸/۴ است و نشان میدهد که حد قد خیلی بالاتر از میانگین قسمت جنوبی فلات ایران نمیباشد. طبق نوشته هادون (ص ۱۰۷) در راجپوتانا قد بهیل موار Bhil of Mewar ۱۶۲/۹ است. ارقام گوها از گجرات و کاتیاوار در ساحل مرکزی غربی ۱۶۴/۳ تا ۱۶۷/۰ است و در جنوب هندوستان از ۱۵۹/۵ تا ۱۶۹/۰ است. هادون (ص ۱۰۷) اظهار میدارد که مردم قبل از درآویدی از حیث قد کوتاه بودند (۱۵۷/۵).

ساکنین ناحیه جنوب مرکزی ایران قد کوتاه ولی لرها و بختیاریها و ساکنین آذربایجان بلند قد هستند. در عراق بخصوص در ناحیه شمالی همه گروهها بجز یهودیها قد بلند دارند. ارقام چاپ نشده نویسنده در مورد آل بومحمد و آل سوعد در جنوب عراق حاکی از قد متوسط میکند. عربهای جنوب عربستان کوتاه قد هستند. در ماوراء اردن قد باده نشینان متوسط تا بلند است. مردم رواله کوتاه میباشند. ولی سوریهای بوستون کمی بلندتر از متوسط هستند. در اناطولی ترکها بین متوسط و بلند ۱۶۵/۶ - ۱۷۱ میباشند.

در ناحیه قفقاز بین ارامنه از حیث قد اختلاف قابل ملاحظه (۱۶۴/۶ — ۱۶۹/۴) وجود دارد ولی ۷۹۲ نفر بین متوسط و کوتاه (۱۶۵/۲) هستند ، یهودیها و لژگیها کوتاه هستند . یک گروه گرجیها بین متوسط و کوتاه (۱۶۵/۵) میباشند . اوست ها و تاتارها قد بلند دارند (۱۶۸/۰ — ۱۷۰/۰) در این ناحیه که مردم از نژاد و زبان و فرهنگ مختلف وجود دارد طبیعی است که در اندازه گیری و مشاهدات مربوطه اختلافات زیاد دیده میشود .

ساکنین کردستان و ترکستان بین متوسط و بلند و مردم افغانستان و بلوچستان از لحاظ قد متوسط هستند . وقتی کلیه ناحیه را در نظر میگیریم مشاهده میشود که در حوالی دریای عربستان از باب المندب گرفته تا دماغه کمورن تمایل کلی بر کوتاه قدی است .

در کوهستان مغرب ایران و کردستان و افغانستان و اناطولی و شمال هندوستان تمایل بر قد بلندی است .

بنا بر این نتیجه گرفته میشود که مردمان ساکن جنوب ناحیه مورد بحث بین متوسط و کوتاه و ساکنین کوهستان و شمال این منطقه بین متوسط و بلند میباشند . پس از گردآوری مطالب و اطلاعات جدید و اضافی این تمایلات ممکن است بیشتر محسوس یا حتی از بین برود .

قد نشسته : — اگرچه جدول تطبیقی قد نشسته خیلی مفصل نخواهد بود چندین علامت فوراً آشکار میشود . سه گروه ایران مرکزی (۷۹/۶۶ — ۸۱/۹۲) در همه این ناحیه دارای کوتاهترین تنه هستند و این مطلب از مشاهدات ما در قد ایستاده معلوم است . سه گروه از مرکز عراق (۸۲/۵۱ — ۸۵/۰۹) در درجه بعد واقع میشوند و سپس مردم اکیدت و موالی و بادیه نشینان رواله در اردن و سوریه (۸۲/۶۹ — ۸۶/۸۰) قرار میگیرند و بعد از آنها گروههای اناطولی و قفقاز و سوریه‌ای‌های سلنزر (۸۶/۹ — ۸۸/۸) . گروههای اهریک از شمال عراق و ترکمنها و کردها و عربها که همه در نزدیکی کرکوک اندازه گیری شدند با استثنای لرها (۸۹/۱۱) دارای تنه درازتر (۸۸/۰ — ۹۱/۳) از همه سایر گروهها

قد نشسته (طول تنه) و قد نشسته نسبی

ایران

مردم	تعداد	قد نشسته	قد نشسته نسبی	نویسنده
یزد خواست	۴۶	۷۹/۶۶	۴۸/۱۶	
یهودیه‌های اصفهان	۸۶-۸۷	۸۰/۸۴	۴۹/۲۰	فیلد
کناره	۷۴	۸۱/۹۷	۴۹/۷۴	
لر پشت کوه	۵۲	۸۹/۱۱	۵۲/۸۴	

عراق

عرب‌های کیش	۳۴۰-۳۴۲	۸۲/۵۱	۴۹/۰۸	فیلد
باده نشینان بایج	۳۵	۸۳/۳۸	۴۹/۷۶	
سربازان عراقی	۲۲۲	۸۵/۰۹	۴۹/۳	
عرب‌های ترکمن	۶	۸۸/۰۰	۵۲/۰	اهریک
کرده‌های ترکمن	۷	۹۰/۱۴	۵۲/۲۹	
ترکمن	۳۱	۹۰/۱۶	۵۳/۰۶	
اعراب کرکوک	۳۲	۹۰/۲۲	۵۲/۴۷	

ماوراء اردن

باده نشینان اکیدت	۱۲۰	۸۵/۹۶	۵۰/۵۴	شنکین
باده نشینان موالی	۱۷۶-۷	۸۶/۸۰	۵۰/۵۴	

سوریه

باده نشینان رواله	۲۷۰	۸۲/۶۹	۵۱/۱۱	شنکین
سوریه‌ای‌ها	۲۳۳	۸۸/۰۹	۵۲/۴۲	سلتزر

اناطولی

ترك	۲۰۰	۸۸/۲۹	۵۲/۳۶	پیتارد
ترك	۲۰۰	۸۸/۲۹	۵۲/۳۶	هسلوک و مورانت
ترك (عثمانلی در آنکارا و قونیه)	۴۷	۸۸/۸	۰۰۰	زوپانیک

قفقاز

یهودی (گرجستان)	۱۹	۸۶/۹	۵۳/۰۰	ویسنبرگ
ارمنی	۹۸	۸۸/۵۸	۵۳/۳۷	سلتزر
ارمنی	۰۰	۰۰۰	۵۳/۶	مارتین

کردستان

کرد	۶۳-۴۸	۸۸/۴۰	۵۱/۷۸	پیتارد
کرد(عراق)	۱۳	۹۱/۳۰	۵۳/۳۸	اھریك

بررسی قد نشسته نسبتاً بدون معنی است مگر آنکه خود قد در نظر گرفته شود . جدول زیر ارتباط این اندازه‌ها و تناسب بدن را برای گروههای ایران و عراق نمایان میسازد .

مردم	تعداد	قد	قد نشسته	قد نشسته نسبی	طول پا
یزدخواست	۴۶	۱۶۴/۷۹	۷۹/۶۶	۴۸/۱۶	۸۵/۱۳
یهودیهای اصفهان	۸۶	۱۶۴/۹۴	۸۰/۸۴	۴۹/۲۰	۸۴/۱۰
کناره	۷۴	۱۶۵/۵۴	۸۱/۹۷	۴۹/۷۴	۸۳/۵۷
بادیه نشینان بائج	۳۵	۱۶۸/۱۸	۸۳/۳۸	۴۹/۷۶	۸۴/۸۰
اعراب کیش	۳۴۰	۱۶۸/۳۰	۸۲/۵۱	۴۹/۰۸	۸۵/۷۹
لرها	۵۲	۱۶۸/۶۳	۸۹/۱۱	۵۲/۸۴	۷۹/۵۲
سربازان عراقی	۲۲۲	۱۷۲/۵۶	۸۵/۰۹	۴۹/۳۰	۸۷/۴۷

واضح است که بین طول تنه و قد اختلاف قابل ملاحظه وجود دارد زیرا لرها که دارای درازترین تنه هستند (۸۹/۱۱) بلندترین افراد گروه نمیباشند بعلاقی آنکه طول پای آنها کم است (۷۹/۵۲) . سربازان عراقی دارای بلندترین قد هستند (۱۷۲/۵۶) ولی تنه آنها نسبتاً کوتاه است (۸۵/۰۹) . با استثنای لرها و ده نشینان یزدخواست شاخص قد نشسته نسبی بطور عجیبی یکنواخت است و حد اختلاف پنج گروه دیگر بین ۴۹/۰۸ و ۴۹/۷۶ است که نشان میدهد بین طول تنه و پا تناسب مساوی وجود دارد . در این گروهها لرها دارای درازترین تنه و ده نشینان یزدخواست کوتاهترین تنه میباشند .

جدول زیر شامل بادیه نشینان بائج و دو دسته اعراب کیش و مصریهای واحه خرگه و یک گروه سربازان عراقی است . در مقام مقایسه با جدول برای گروههای ایران (ص ۵۳۹) اختلافات عمده مشاهده میشود .

۶۳۶ = مردم‌شناسی ایران

قد نهشته (طول تنه)

مجموع	خیلی کوتاه (۷۴۹-۸)	کوتاه (۷۵۰-۷۹۹)	متوسط (۸۰۰-۸۴۹)	بلند (۸۵۰-۸۹۹)	خیلی بلند (۹۰۰-۸)	قد استاندارد
	درصد	درصد	درصد	درصد		
۱/۰۰	۱/۰۰	...	B خیلی بلند (۱۸۰۰)
...	E
۴/۰۰	۲/۰۰	۲/۰۰	...	S _۱
۳۱/۵۶	...	۲/۶۳	۷/۸۹	۱۸/۴۱	۲/۶۳	B
۳۶/۰۰	...	۴/۰۰	۲۰/۰۰	۱۲/۰۰	...	K _۱ و K _۲ بلند (۱۷۰۰-۱۷۹۹)
			۲/۰۰	۱۰/۰۰	...	E
		۸/۰۰	۳۸/۰۰	۱۴/۰	۴/۰۰	S _۱
		۱۰/۵۲	۳۹/۴۵	۷/۸۹	۲/۶۳	B
	۱/۰۰	۱۹/۰۰	۲۵/۰۰	۴/۰۰	۱/۰۰	K _۱ و K _۲ متوسط (۱۶۰۰-۱۶۹۹)
	۳۸/۰۰	۳۴/۰۰	...	E
		۶/۰۰	۲۰/۰۰	۴/۰	۲/۰۰	S _۱
		۲/۶۳	۵/۲۶	B
		۴/۰۰	۲/۰۰	K _۱ و K _۲ کوتاه (۱۵۹۹-۸)
		۲/۰۰	۱۴/۰۰	E
		S _۱
		۱۵/۸۸	۵۲/۶۰	۲۶/۳۰	۵/۲۶	B
		۲۷/۰۰	۴۷/۰۰	۱۷/۰	۱/۰۰	K _۱ و K _۲ مجموع
		۲/۰۰	۵۴/۰۰	۴۴/۰۰	...	E
۵۰	...	۱۴/۰۰	۶۰/۰۰	۲۰/۰۰	۶/۰۰	S _۱

در هیچیک از گروهها فردی در طبقه بلند یا تنه خیلی کوتاه یا در طبقه خیلی بلند یا تنه کوتاه یا خیلی کوتاه پیدا نمیشود. همچنین مرد کوتاهی با تنه خیلی دراز دیده نمیشود و فقط دو نفر (دولر ۳/۸۴ درصد) دارای قد کوتاه و تنه دراز هستند چنانکه از معدلهای انتظار می‌رود تعداد سربازان عراقی قد بلند دو برابر تعداد قد بلندهای هر یک از هفت گروه دیگر است. ولی لرها برخلاف عراقی‌ها و همچنین گروههای ایران قدشان متکی است بر تنه خیلی دراز برعکس سربازان عراقی که بلند قدتر هستند ولی فقط ۳۶ درصد آنها تنه دراز دارند. مصریها که معدل آنها را نداریم ولی ظاهراً کوتاهتر از سایر گروهها هستند بطوری که ۸۸ درصد آنها در طبقه متوسط و کوتاه قرار دارند بیشتر به لرها شباهت دارند

تا سه هر یک از سه گروه دیگر ایران بطوریکه ۴۴ درصد آنها دارای تنه دراز
میباشد.

بطور کلی مصریها یک گروه یکنواخت تری هستند بطوریکه در دو منتهی-
علیه جدول قد و قد نشسته افرادی دیده نمیشود و ۹۸ درصد آنان از حیث قد
کوتاه تا بلند و از لحاظ طول تنه متوسط تا دراز میباشند .

اگر چه گروه عراقی تمایل مختصری به قد متوسط و تنه خیلی دراز نشان
میدهند در میان گروههای ایران اینگونه فرد پیدا نمیشود بجز البته در میان لرها.
بادیه‌نشینان بائییج که از سایر گروههای عراقی کوتاه‌ترند در طبقه تنه دراز و قد
بلند عده نسبتاً زیادتری دارند . چنانکه انتظار میرود این مطلب در مورد بادیه
نشینان بائییج نسبت به سه گروه کوتاه‌تر ایرانی نیز صادق است و لسی باید بخاطر
داشت که اگر چه یهودیها و ده‌نشینان کناره بطور کلی کوتاه قد هستند نمونه های
افرادی در طبقه خیلی بلند و تنه خیلی دراز دارند که در میان مردم عراق
نیست .

چنانکه از جدول ص ۶۲۳ مشاهده میشود شباهت زیادی در قد نشسته
نسبی بین همه گروههای جنوب غربی آسیا وجود دارد . حداکثر اختلاف بین
۴۸/۱۶ و ۵۳/۳۷ است . بررسی دقیق تر آشکار میسازد که گروههای یزدخواست
و کناره و همچنین سه گروه عراقی اختلافی بین ۴۸/۱۶ و ۴۹/۷۶ نشان
میدهند . همه گروههای دیگر که شامل دسته های شمال عراق و گروههای
ماوراء اردن و سوریه و اناطولی و قفقاز و کردستان باشد بالا تر از ۵۰/۰
هستند بطوریکه ممکن است در این کمی اختلاف یک عامل مهم نژادی مؤثر باشد
یعنی مردمی که در منطقه بین ۳۲ درجه و ۳۴ درجه عرض جغرافیائی شمالی
زندگی میکنند یعنی از ماوراء اردن شرقی تا سوریه تا مرکز جنوبی ایران
بنظر میرسد که فقط بین ۴۸/۱۶ تا ۴۹/۷۶ اختلاف داشته باشند و بنظر میرسد
که شاخص در مناطق کوهستانی شمال این ناحیه اختیاری بالا تر باشد و چون
این مردم با استثنای یهودیهای قفقاز معمولاً بلند قد هستند باین نتیجه میرسیم که
در میان آنها تمایل زیادتری به درازی تنه وجود دارد تا در میان گروههای
جنوبی .

طول سر و عرض سر و شاخص سر = وقتی اندازه‌های سر هفت گروه

عراق و ایران را بررسی میکنیم مشخصاتی بدست میآید که درجدول زیر مشهود

مردم	تعداد	طول بین پیشانی تا پشت سر	حد اکثر عرض	اندازه های سر		
				شاخص سر	کوچک درصد	متوسط درصد
لرها	۵۲	۱۸۹/۹۹	۱۴۰/۶۸	۷۴/۲۵	۳۸/۴۰	۵۷/۶۰
یزدخواست	۴۶	۱۹۲/۵۱	۱۴۱/۵۵	۷۳/۵۰	۱۷/۳۶	۷۵/۹۵
کناره	۷۴	۱۸۷/۰۲	۱۴۲/۹۶	۷۶/۴۴	۴۵/۲۱	۵۲/۰۶
یهودیهها	۸۶	۱۸۶/۰۶	۱۴۴/۲۸	۷۷/۴۳	۳۹/۵۳	۵۸/۱۲
اعراب کیش	۳۵۸	۱۸۸/۷۶	۱۴۱/۹۱	۷۵/۳۳	۴۶/۵۰	۴۹/۵۰
سربازان عراقی	۲۲۲	۱۸۶/۲۴	۱۴۳/۷۱	۷۶/۶۲	۴۴/۷۰	۴۹/۳۰
بادیه نشینان نایج	۳۵	۱۹۱/۳۱	۱۳۹/۹۳	۷۳/۲۹	۳۴/۱۹	۶۳/۱۲

حداکثرحد معدل طول سر بین ۱۸۶/۰۶ و ۱۹۲/۵۱ است . ده نشینان یزدخواست و بادیه نشینان بایج درازترین سر و یهودیهها و سربازان عراقی کوتاه ترین سر را دارند . از حیث عرض سر سر یهودیهها و سربازان عراقی از همه عرض تر و سر بادیه نشینان بایج و لرها از همه باریکتر است و حد آن بین ۱۳۹/۹۳ و ۱۴۴/۲۸ است . شاخص های سر (بین ۷۳/۲۹ و ۷۷/۴۳) نشان میدهد که هر هفت گروه بطبقه سردراز و سرم توسط تعلق دارند . لرها و ده نشینان یزدخواست و بادیه نشینان بایج دارای شاخص هایی هستند که تقریباً نزدیک به میانگین احتمالی مدیترانه اولیه (۷۳/۰ - ۷۴/۰) میباشد . از حیث اندازه سر اکثریت متوسط و تمایل زیادی به کوچکی است ده نشینان یزدخواست و بادیه نشینان بایج در این طبقه دارای بزرگترین سر و اعراب کیش و مردان کناره دارای کوچکترین سر میباشد . در بین کل عده ۸۷۳ نفر خیلی بندرت افرادی پیدا میشوند که دارای سر بزرگ باشند .

طبق طبقه بندی سه گانه هاروارد از هفت گروه بادیه نشینان بایج (۸۲/۸۶ در صد) و مردان یزدخواست (۸۰/۴۳ در صد) و لرها (۷۶/۹۲ در صد) از همه بیشتر سر دراز هستند در حالیکه یهودیهها (۵۶/۹۸ در صد) و مردان کناره (۴۷/۹۵ در صد) و سربازان عراقی (۴۳/۸۹ در صد) دارای حد اکثر تعداد

مردم شناسی جسمانی ایران - ۶۳۹

سرمتوسط میباشند. در بین ۸۷۱ نفر فقط ۳ نفر یعنی ۰/۳۴ درصد سر کوتاه هستند بدین ترتیب اکثریت افراد در طبقه سر دراز یا سرمتوسط و عده بسیار کمی در طبقه سر کوتاه هستند در جدول زیر هشت گروه از عراق و نمونه های کمی از غربهای جنوب و مصر و یبنا و طبقه چاتری و پاتان مورد بررسی قرار گرفته اند.

گروهها طبق شاخص سر

مجموع درصد	۸۴/۹-۸۰/۰ درصد	۷۹/۹-۷۵/۱ درصد	۷۵/۰-۷۰/۱ درصد	۷۰/۰-X درصد	
۰/۰	۰/۰	۵/۲۶	۱۸/۲۱	۱۰/۵۲	B
۱/۰۰	۵/۰۰	۲۱/۰۰	۱۶/۵۰	۳/	...
۱/۲۳	۸/۰۰	۲۰/۶۷	۱۲/۰۰	۲/۶۷	S _{۱,۲,۳}
۵۷/۲۰	۲۵/۲۰	۱۱/۴۴	SA (کوچک
		۱۲/۰۰	۲۴/۰		
		۲۰/۰۰	۲۴/۰		
۵۲/۰۰	۴/۰۰	۱۰/۰۰	۲۴/۰۰	۱۴/۰	
۱۳/۱۲	...	۵/۲۶	۱۳/۱۵	۲۴/۱۹	۱۰/۵۲
۴۹/۵۰	...	۴/۰۰	۲۱/۵۰	۲۱/۰۰	۳/۰۰
۴۹/۳۳	۱/۲۳	۴/۶۷	۲۵/۳۳	۱۴/۶۸	۳/۳۳
۵/۷۲	...	۵/۷۲	SA
۶۳/۰۰	...	۴/۰۰	۱۸/۰۰	۴۰/۰۰	...
۴۶/۰۰	...	۲/۰۰	۸/۰۰	۳۴/۰۰	۲/۰۰
۴۴/۰۰	...	۶/۰۰	۱۴/۰۰	۲۴/۰۰	...
۲/۶۳	۲/۶۳	...
۴/۰۰	...	۱/۰۰	۲/۵۰	۰/۵۰	...
۶/۰۰	...	۱/۳۳	۴/۰۰	۰/۶۷	...
	SA (بزرگ
				۲/۰۰	...
			
				۴/۰۰	...
		۵/۲۶	۱۸/۴۱	۵۵/۲۳	۲۱/۰۴
۲۰۰	۱/۰۰	۱۰/۰۰	۴۵/۰۰	۳۸/۰۰	۶/۰۰
۱۵۰	۲/۶۷	۱۴/۰۰	۵۰/۰۰	۲۷/۳۴	۶/۰۰
۳۵	۵۷/۲۰	۲۱/۴۶	۱۱/۴۴
۵۰	...	۴/۰۰	۲۰/۰۰	۶۶/۰۰	...
		۴/۰۰	۲۸/۰۰	۵۸/۰۰	۱۰/۰۰
		۱۶/۰۰	۳۸/۰۰	۴۲/۰۰	...
					B
					K _{۱,۲,۳,۴}
					S _{۱,۲,۳}
					SA (مجموع
					E
					C
					P

در هیچیک از این گروهها بیش از ۶/۵ درصد افرادشان دارای سر ۱۴۵۰ سانتیمتر مکعب یا بیشتر نیستند اگرچه نمونه‌های ایران و عراق در طبقه متوسط و کوچک تقریباً نسبت مساوی دارند در بین ایرانیها عده متوسط زیادتر است. این مطلب در میان ده نشینان یسزد خواست بحد زیاد مشاهده میشود و بهمین جهت آنها حتی در میان گروههای ایران مشخص میباشند. مردم چاتری و پاتان هندوستان سرشان از عراقیها کوچکتر است و ۹۴/۳۸ درصد اعراب جنوب دارای سر کوچک هستند. تناسب پخش در میان مصریها طوری است که آنها را در همان حدود ایرانیها قرار میدهد. چون از مناطق شمالی ناحیه خوران ارقامی در دست نیست تمایلات جغرافیائی اندازه سر در آن محل را نمیتوان معین کرد.

بررسی شاخصهای سر نشان میدهد که از هفت گروه ایران و عراق که همه در طبقه سردراز قرار دارند بادیه نشینان بائییج بیشتر از همه افراد سردراز دارند. لرها و یسزد خواستیها در طبقه و بعد از آنها اعراب کیش و سر بازان عراقی هستند. در میان ده نشینان کناره تمایل زیادی به سر متوسطی است. فقط یهودیها هستند که در طبقه سر کوتاه میباشند. از ۱۰ تا ۲۰ درصد لرها و یسزد-خواستیها و بادیه نشینان بائییج در طبقه خیلی سردراز قرار میگیرند.

اگرچه گروه چاتری و پاتان هندوستان نیز سردراز هستند طبقه چاتری مثل بادیه نشینان بائییج تمایل به خیلی سردرازی دارند در حالیکه در میان پاتانها عناصر زیادتری سر کوتاهی است ولی البته نه باندازه یهودیها. مصریها یک گروه متجانس تشکیل میدهند و ۹۶ درصد آنها سر دراز متوسط و عده‌ای سر دراز و هیچ خیلی سر دراز ندارند.

بر خلاف گروههای ایران و عراق و هندوستان و مصر اعراب جنوب عربستان که توسط برترام تامس اندازه گیری شده اند ۸۸/۶۶ در صدشان سر کوتاه هستند که ۵۷/۲۰ درصد آنها در طبقه خیلی سر کوتاه قرار میگیرند. باید بخاطر داشت که تنها این گروه بودند که سر خیلی کوچک داشتند.

اکنون میپردازیم به بررسی اندازه‌های سر در آسیای جنوب غربی.

طول سر *

ایران

نویسنده	میانگین	تعداد	مردم
فیلد	{ ۱۸۶/۰۶	۸۷	یهودی‌های اصفهان
	{ ۱۸۷/۰۲	۷۳	کناره
دانیلو	۱۸۸/۰۰	۴۶	ایرانی
فیلد	{ ۱۸۹/۹۹	۵۲	لرهای پشت‌کوه
	{ ۱۹۲/۵۱	۴۶	یزد خواست

عراق

اهریک	۱۸۳/۸۷	۳۱	ترکمن
ویسنبرگ	۱۸۴/۰	۳۷	یهودی
فیلد	{ ۱۸۶/۲۴	۲۲۲	سربازان عراقی
	{ ۱۸۸/۷۶	۳۵۸	اعراب کیش
بکستون و رایس	{ ۱۸۹/۷۲	۶۳	سربازان عراقی (حله)
	{ ۱۹۰/۱۴	۱۰۰	کارگران کیش
اهریک	۱۹۰/۴۴	۳۳	عرب
فیلد	۱۹۱/۳۱	۳۵	بادیه‌نشینان بائبج

عربستان

مشی	۱۸۰/۰۰	۲۹	عرب
-----	--------	----	-----

ماردء اردن

شنکلین	{ ۱۹۰/۴۲	۱۷۵	بادیه‌نشینان موالی
	{ ۱۹۱/۳۵	۱۲۰	بادیه‌نشینان اکیدت

فلسطین

هاکسلی	۱۸۸/۰۰	۳۵	سامری
اسپیدپام	۱۹۱/۰۷	۲۷	سامری

* ایران : بختیاری (۳) ۱۷۸/۰ ، هوسی - عجمی (۲) ۱۸۵/۰ ، هوسی

- عجمی (۹) ۱۸۵/۰ شانتر .

عراق : کلدانی (۴) ۱۷۸/۰ ، کاپرز - عرب ترکمن (۶) ۱۸۵/۰ ،

اهریک - کرد ترکمن (۷) ۱۸۲۷/۱ ، اهریک .

سوریه

کاپرز	{ ۱۷۸/۲ ۱۸۱/۹	۰۰۰ ۱۸۲	دروز لبنانی
سلتزر	۱۸۳/۰۶	۲۶۳	سوریه‌ای
شنکلین	۱۹۱/۴۸	۲۷۰	بادیه نشینان رواله
شانتر	۱۹۵	۴۲	انصاریهای (انطاکیه)

اناطولی

فن لوشان	۱۷۶/۴۰	۵۰	تاچتادشی وبکتاش
واگنسیل	۱۸۰/۱	۸۴	ترك (کستامونی)
واگنسیل	{ ۱۸۰/۵ ۱۸۰/۶	۳۴	ترك (ایالات شرقی)
		۶۲	ترك (آنکارا)
هسلوک ومورانت	۱۸۰/۹۳	۲۰۰	ترك
واگنسیل	۱۸۱/۶	۳۹۵	ترك (توتال)
زوپانیچ	۱۸۲/۰	۴۷	ترك (عثمانلی)
واگنسیل	{ ۱۸۲/۱ ۱۸۳/۱ ۱۸۳/۱ ۱۸۳/۵	۷۶	ترك (بروسه)
		۳۶	ترك (داردانل)
		۵۶	ترك (قونیه)
		۴۷	ترك (اسمیرنه)
کروفوت	۱۸۴/۰۴	۱۵	بکتاش (آنکارا)
پیتارد	۱۸۵/۴	۲۰۰	ترك
شانتر	۱۷۳/۰	۲۲	آسوری
کاپرز	۱۷۸/۵	۰۰۰	علوی

قفقاز

شانتر	۱۶۸	۲۷	ارمنی (یروان)
هردلیشکا	۱۸۱/۰	۲۵	ارمنی
شانتر	۱۸۱	۲۸	ارمنی (قبروسی)
توارجانویچ	۱۸۱/۷۸	۱۰۵	ارمنی
کاپرز	۱۸۲/۰	۰۰۰	ارمنی
ویسنبرگ	۱۸۲/۰	۲۰	ارمنی

مردم شناسی جسمانی ایران - ۶۳۳

شاتر	۱۸۲/۰۸	۲۹۲	ارمنی
فن ارکرت	۱۸۲/۳۱	۱۹	ارمنی
سلتزر	۱۸۴/۳۰	۱۰۱	ارمنی
بواز	۱۸۶/۳۹	۷۵	ارمنی
شاتر	۱۸۰/۰	۱۱	لزگی
ویسبرگ	{ ۱۸۳/۰	۲۰	یهودی
	{ ۱۸۴/۰	۳۳	یهودی (گرجستان)
ژاواهوف	۱۸۵/۰	۹۰۰	گرچی
شاتر	{ ۱۸۶/۰	۱۴	تاجیک (نوراشاین)
	{ ۱۸۶/۰	۱۵	تاتار (آرخوری)
	{ ۱۸۶/۰	۱۶	تاتار (آرالینج)
	{ ۱۸۸/۹	۳۹	تاجیک (دره کورا)
	{ ۱۸۹/۰	۱۷	تاتار (یروان)
	{ ۱۸۹/۰	۱۹	تاتار (آذربایجان)
ایاورسکی	۱۹۳/۰	۵۹	ترکمن

کردستان

اهریک	۱۸۱/۳۱	۱۳	کرد (عراق)
پیتارد	۱۸۲/۶۸	۶۳	کرد
شاتر	{ ۱۸۶	۳۰	کرد (پلیکانی)
	{ ۱۸۸	۲۳	کرد (خارپوت و ارزنگین)
دانیلو	۱۸۸/۵	۱۹	کرد (ایران)
شاتر	۱۹۰	۲۰	کرد (میلانلی)
شاتر ^۱	۱۹۳	۳۵	کرد (سوریه و عراق شمالی)

ترکستان

اوشانین	۱۸۰/۶۹	۱۶۳	بخارا
کرونیکوف	۱۸۱/۰۵	۸۰	وانج
...	۱۸۳/۳۱	۱۰۰	دره پاسکم و ناحیه بخارا

۱ - شاتر طول سر ۲۲ کرد شمال عراق را که میگوید میانگین ۲۰۱ داشته‌اند ثبت کرده است که باشکال میتوان باور کرد.

۶۳۴- مردم‌شناسی ایران

ایارکف	۱۸۵/۳۳	۲۰۰	فرغانه
اوشانین	۱۸۸/۴	۱۲۵	ارساری
ایاورسکی	۱۹۳	۵۱	تکه
ایارکف	{ ۱۹۳/۱۵ ۱۹۴/۲۵	۲۰۰ ۱۰۷	چودیر ایومود
ماسلوسکی	۱۸۳	۱۷	عرب
اوشانین	۱۸۳/۶۶	۱۰۰	عرب
ماسلوسکی	۱۸۹	۲۹	عرب

افغانستان

ماتسیوسکی	۱۸۵	۱۸	افغان
-----------	-----	----	-------

بلوچستان

...	۱۷۴/۴۲	۳۵	بندیجه
...	۱۷۶/۳۴	۳۳	چنه لك
...	۱۷۷/۶۶	۵۸	لری
...	۱۷۷/۷۵	۱۶	سنگور
...	۱۷۷/۹۶	۱۰۰	جات
...	۱۷۸/۳۲	۵۹	پاتان وانچی
...	۱۷۷/۵۶	۲۱	قلندرانى
...	۱۷۹/۴۹	۷۷	منگل براهوئی
...	۱۷۹/۶۷	۲۰۰	دهواری
...	۱۸۰/۰۶	۴۸	میرجات
...	۱۸۱/۱۷	۷۹	مکرانی
...	۱۸۴/۰۲	۱۰۰	پانی - پونی (پشته)
جويس و ستاين	{ ۱۷۴/۸۳ ۱۸۵/۵۵ ۱۸۶/۲۴	۳۵	بلوچ
		۳۳	سید
		۳۷	سیستانی

مردم شناسی جسمانی ایران - ۶۳۵

در ایران بختیاری (فقط از سه نفر اندازه گیری شده) دارای کوتاهترین سر (۱۷۸/۰) و یزد خواستی‌ها درازترین (۱۹۲/۵۱) سر میباشند. اکثریت بین ۱۸۷ و ۱۹۰ واقع میشوند.

در عراق باستانی عناصر ترکمن حد سر از ۱۸۴ در گروه یهودیها تا ۱۹۱/۳۱ در میان بادیه نشینان بائج می باشد. سر یک گروه کلدانی که توسط کاپرز اندازه گیری شده مطابق سر کوتاه بختیاریهای هوسی (۱۷۸) میباشد. عربهای جنوب عربستان سرشان کوتاهتر (۱۸۰) از ساکنین ایران و عراق میباشد.

در ماوراء اردن سر افراد دراز است ۱۹۰/۴۱ و ۱۹۱/۳۵؛ سر سامریهای فلسطین نیز نسبتاً دراز میباشد ۱۸۸ و ۱۹۱/۰۷؛ دروزها و لبنانیهای سوریه بنظر میرسد سر خیلی کوتاه داشته باشند در حالیکه بادیه نشینان رواله سر خیلی بلند (۱۹۱/۴۸) دارند.

جدول بالا نشان میدهد که طول سر چهار گروه بادیه نشین بطور عجیبی یکنواخت است: موالی (۱۹۰/۴۲)؛ بائج (۱۹۱/۳۱)؛ اکیدت (۱۹۱/۳۵)؛ رواله (۱۹۱/۴۸).

این ارقام با اضافه اندازه‌هاییکه نویسنده از شمار و صلوبه بدست آورده و هنوز منتشر نشده است حاکی از آنستکه ممکن است از نوع مدیترانه اولیه باشند که میانگین آن ۱۹۰ تا ۱۹۱/۵ است.

در اناطولی طول سر بین ۱۷۶/۴۰ و ۱۸۵/۴ است و تقریباً همه نسبتاً کوتاه هستند. گروههای قفقاز نیز سر کوتاه یعنی بین ۱۸۰/۰ و ۱۸۵/۰ هستند بجز تاحیکها و تاتارها و یک گروه ترکمن که طول سر آنها کمی زیادتر است. یک گروه ارمنه (۱۶۸/۰) محتاج به پرسش و رسیدگی است.

در کردستان سر متمایل به کوتاهی است بجز سه گروه سردراز در سوریه و عراق که توسط شافر اندازه گیری شده اند.

مردم ترکستان (حد بین ۱۸۰/۶۹ و ۱۹۴/۲۵) بجز عربها (حد بین ۱۸۳/۰ و ۱۸۹) سر متوسط تا دراز دارند. در بلوچستان تمایل به کوتاه سری است (حد بین ۱۷۴/۴ تا ۱۸۶/۲).

وقتی گروه‌های ایران نویسنده با گروه‌های غربی و شمالی مقایسه میشوند از لحاظ این اندازه اختلافی با مردم عراق ندارند. عرب‌های جنوب ظاهراً دارای سرکوتاهتر و بادیه‌نشینان ماوراء اردن درازتر و مردم اناطولی و قفقاز بطور قابل ملاحظه دارای سرکوتاهتر از گروه‌های ایران و عراق میباشند. مطلب شایان توجه اینکه حد طول سر یهودیهای اصفهان و عراق و قفقاز بین ۱۸۳ و ۱۸۶ میباشد. اکنون به جدول عرض سر برای منطقه جنوب غربی آسیا میپردازیم.

عرض سر *

ایران

نویسنده	میانگین	تعداد	مردم
فیلد	۱۴۰/۶۸	۵۲	لرهای پشت‌کوه
	۱۴۱/۵۵	۴۶	یزدخواست
	۱۴۲/۹۶	۷۴	کناره
شانتر	۱۴۴/۰	۹	عجمی
فیلد	۱۴۴/۲۸	۸۶	یهودیهای اصفهان
دانیلو	۱۴۶/۰	۴۶	ایرانی

عراق

فیلد	۱۳۹/۹۳	۳۵	بادیه‌نشینان بائبج
فیلد	۱۴۱/۹۱	۳۵۹	اعراب‌کیش
بکستون و رایس	۱۴۲/۷۵	۱۰۰	کارگران کیش
فیلد	۱۴۳/۷۱	۲۲۱	سربازان عراقی

* ایران: عجمی (۲) ۱۴۰/۰ و بختیاری (۳) ۱۴۹/۰ هوسی. عراق:

عرب‌های ترکمن (۶) ۱۴۴/۱۷ و کردهای ترکمن (۷) ۱۴۸/۵۷ - اهریک.

مردم شناسی جسمانی ایران - ۶۳۷

ویسنبرگ	۱۴۴/۰	۳۷	یهودیهها
بکستون و رایس	۱۴۴/۳۴	۶۳	سربازان عراقی (حله)
اھریک	{ ۱۴۶/۱۰ ۱۴۶/۲۱	۳۱	ترکمن
		۳۳	عرب
کاپرز	۱۵۳/۱	...	کلدانی
عربستان			
مشی	۱۴۷/۳۸	۲۹	عرب
ماوراء اردن			
شنکلین	{ ۱۴۶/۱۴ ۱۴۷/۰۶	۱۲۰	بادیه نشینان اکیدت
		۱۷۵	بادیه نشینان موالی
فلسطین			
هاکسلی	۱۴۷/۰	۳۵	سامری
اسپید بام	۱۴۸/۴۰	۲۷	سامری
سوریه			
شنکلین	۱۴۳/۶۳	۲۷۰	بادیه نشینان رواله
کاپرز	۱۵۴/۴	۱۸۲	لبنانی
سلنزر	۱۵۵/۴۷	۲۶۵	سوریه‌ای
کاپرز	۱۵۵/۵	...	دروز
شاتر	۱۶۴/۰	۴۲	انصاریها (انطاکیه)
اناطولی			
واگنسیل	{ ۱۴۹/۳ ۱۵۰/۳ ۱۵۲/۰	۷۶	ترک (بروسه)
		۴۷	ترک (اسمیرنه)
		۵۶	ترک (قونیه)
پیتارد	۱۵۲/۳۵	۲۰۰	ترک
واگنسیل	۱۵۲/۶	۳۹۶	ترک (توتال)
فنلوشن	۱۵۲/۶۰	۵۰	تاجتادشی و بکتاش

۱۳۳۸ء فرہم شناسی ایران

ہسلوک و مورانت	۱۵۲/۶۵	۲۰۰	ترک
واگنسیل	{ ۱۵۳/۵	۳۶	ترک (داردانل)
	{ ۱۵۳/۵	۶۲	ترک (آنکارا)
	{ ۱۵۳/۸	۳۴	ترک (ایالات شرقی)
زوپانیچ	۱۵۴	۴۷	ترک (عثمانلی)
واگنسیل	۱۵۶/۰	۸۵	ترک (کستموئی)
کروفوت	۱۵۷	۱۵	بکتاش (آنکارا)
کاپرز	۱۵۲/۷	...	علوی
شانتر	۱۵۵/۰	۲۲	آسوری
قفقاز			
شانتر	۱۵۳	۲۷	ارمنی (یروان)
ویسنبرگ	۱۵۳	۲۰	ارمنی
ہردلیشکا	۱۵۵	۲۵	ارمنی
کاپرز	۱۵۵/۴	...	ارمنی
شانتر	۱۵۶/۱۳	۲۹۲	ارمنی
فن ارکرت	۱۵۶/۴۲	۱۹	ارمنی
توارجانویچ	۱۵۷/۸۲	۱۰۵	ارمنی
سلنزر	۱۵۷/۹۰	۱۰۱	ارمنی
شانتر	۱۵۸	۲۸	ارمنی (قیروسی)
بواز	۱۵۹/۴۳	۷۵	ارمنی
شانتر	{ ۱۴۵	۱۶	تاتار (آرالبیچ)
	{ ۱۴۶	۱۷	تاتار (یروان)
ایاورسکی	۱۴۶	۵۹	ترکمن
شانتر	{ ۱۴۷	۱۵	تاتار (آرخوری)
	{ ۱۴۹/۰	۱۹	تاتار (آذربایجان)
	{ ۱۴۹/۰	۲۹	تاجیک (درہ کورا)
	{ ۱۴۹	۱۴	تاجیک (نوراشاین)

مردم شناسی جسمانی ایران - ۶۳۹

ژواهف	۱۵۴	۹۰۰	گرگی
ویسنبرگ	۱۵۵	۲۰	یهودی
ویسنبرگ	۱۵۸	۳۳	یهودی (گرگی)
شاتر	۱۵۸	۱۱	لزگی

کردستان

شاتر	۱۴۵	۲۳	کرد (خارپوت و ارزنگین)
دانیلو	۱۴۷/۰	۱۹	کرد (ایران)
شاتر	۱۴۸	۲۰	کرد (میلانلی)
اهریک	۱۴۸/۶۲	۱۳	کرد (عراق)
شاتر	{ ۱۵۶	۳۰	کرد (بلیکانلی)
	{ ۱۵۷	۲۲	کرد (شمال عراق)
پیتارد	۱۵۷/۸۵	۶۳	کرد
شاتر	۱۵۹	۳۵	کرد (سوریه و شمال عراق)

ترکستان

اوشانین	۱۴۵/۰	۱۲۵	ارساری
ایارخوف	۱۴۵/۷۸	۱۰۷	ایومود
ایاورسکی	۱۴۶	۵۱	تکه
ایارخوف	۱۴۹/۰۰	۲۰۰	چودیر
کرونیکوف	۱۵۰/۶۷	۸۰	وانچ
اوشانین	۱۵۱/۳	۱۶۳	بخارا
...	۱۵۲/۷۳	۱۰۰	دره پسکم و ناحیه بخارا
ایارخوف	۱۵۵/۳۰	۲۰۰	فرغانه
ماسلوسکی	{ ۱۵۸	۲۹	عرب
	{ ۱۵۱	۱۷	عرب
اوشانین	۱۵۵/۴	۱۰۰	عرب

افغانستان

ماتسیوسکی	۱۵۷	۱۸	افغان
-----------	-----	----	-------

بلوچستان

...	۱۳۹/۴۲	۵۸	لری
...	۱۴۱/۱۳	۵۹	پاتان وانچی
...	۱۴۱/۸۸	۱۰۰	جات
جوئیس وستاین	$\left\{ \begin{array}{l} ۱۴۱/۹۷ \\ ۱۴۲/۳۵ \\ ۱۴۳/۱۸ \end{array} \right.$	۳۵	بلوچ
		۳۷	سیستانی
		۳۳	سید
...	۱۴۶/۴۴	۴۸	میرجات
...	۱۴۶/۵۶	۲۱	قلندرانی
...	۱۴۶/۶۵	۲۰۰	دهواری
...	۱۴۷/۳۷	۱۰۰	پانی - پاونی (پشته)
...	۱۴۹/۰۲	۷۹	مکرانی
...	۱۴۹/۱۴	۷۷	منگل براهوئی
...	۱۴۹/۶۸	۳۳	چوته لوك
...	۱۵۲/۰۲	۳۵	بندیجه
...	۱۵۳/۴۳	۱۶	سنگور

در جدول بالا مشاهده میشود که عرض سردر میان گروههای ایران متوسط عریض (۱۴۰-۱۴۶) است با استثنای سه فرد بختیاری (۱۴۹/۰) . گروههای عراق اختلاف زیادی با ایران ندارند اگرچه در مورد ترکمنها و کلدانیها عرض سر زیاد تر است (۱۴۹/۰) . در مقام مقایسه با چهار گروه ایران عرض سر عربهای جنوب و سامریهای فلسطین کمی زیاد تر و عرض سر بادیه نشینان رواله یکسان است ولی حد اکثر عرض سر دروزها و سوریه‌ایها و لبنانیها بطور قابل ملاحظه زیادتر و از آن مردم اناطولی و قفقاز و قسمتی از کردستان خیلی زیادتر است با وجود نزدیکی طول سر چهار گروه بادیه نشین در عرض سر آنها اختلاف قابل ملاحظه دیده می‌شود که عبارتند از: بایج ۱۳۹/۹۳؛ رواله ۱۴۳/۶۳؛ اکیدت

۱۴۶/۱۴ و موالی ۱۴۷/۰۶ .

اگرچه طول سر یهودیهای قفقاز و یهودیهای ایران و عراق تقریباً یکسان است عرض سر یهودیهای قفقاز خیلی زیاد تراست (۱۵۵/۰ تا ۱۵۸/۰) .
 کردها (حد بین ۱۴۵/۰ تا ۱۵۹/۰) و مردم ترکستان (حد بین ۱۴۵/۰ تا ۱۵۵/۳) از اکثر گروههای بلوچستان که حد عرض سر آنها بین ۱۳۹/۴ و ۱۴۷/۴ است دارای سرعریضتر میباشند .
 اکنون میرسیم بیکی از مهمترین عوامل نژادی که شاخص سر باشد . از مقایسه طول و عرض سر بالا مسئله اختلاف شاخص سر تا حدی آشکار است .
 طبق طبقه‌بندی سه گانه‌ها روارد هفت گروه ایران و عراق به ترتیب میزان صعودی میانگین شاخص سر جدول زیر را تشکیل میدهند .

شاخص سر

مردم	میانگین		سردراز		سر متوسط		سر کوتاه		مجموع
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
بادیه نشینان پامیر	۲۹	۷۳/۲۹	۲۹	۸۲/۸۶	۵	۱۴/۲۹	۱	۲/۸۶	۳۵
یزدخواست	۳۷	۸۰/۴۳	۳۷	۸۰/۴۳	۷	۱۵/۲۲	۲	۴/۳۵	۴۶
لرها	۴۰	۷۴/۲۵	۴۰	۷۹/۹۲	۱۱	۲۱/۱۵	۱	۱/۹۲	۵۲
اعراب کیش	۲۲۴	۷۵/۲۳	۲۲۴	۶۲/۵۲	۱۲۵	۲۴/۹۲	۹	۲/۵۱	۳۵۸
کناره	۳۶	۷۶/۴۴	۳۶	۴۹/۳۲	۳۵	۴۷/۹۵	۲	۲/۷۴	۷۳
سربازان عراقی	۱۱۰	۷۶/۶۲	۱۱۰	۴۹/۷۷	۹۷	۴۲/۸۹	۱۴	۶/۲۳	۲۲۱
یهودیهای امپهان	۳۲	۷۷/۴۳	۳۲	۳۷/۲۱	۲۹	۵۶/۹۸	۵	۵/۸۱	۱۰۶

جدول بالا نشان میدهد که اکثریت در طبقه سر دراز قرار دارند و تعدادی کمتری در طبقه سر متوسط هستند عنصر سر کوتاه در هیچیک از گروهها از ۶/۳۳ در صد تجاوز نمیکند . بین گروه یزدخواست و کناره اختلاف قابل ملاحظه وجود دارد بدین معنی که ۸۰/۴۳ در صد مردم یزدخواست و ۴۹/۳۲ در صد اهالی کناره در طبقه سردراز قرار دارند و این امر در نتیجه اختلاف در عرض سر پیدا شده است .

جدول تطبیقی شاخص سراز این قرار است :

شاخص سر *

ایران

نویسنده	میانگین	تعداد	مردم
فیلد	۷۳/۵۰	۴۶	یزدخواست
	۷۴/۲۵	۵۲	لرهای پشت‌کوه
	۷۶/۴۴	۷۳	کناره
دنیگر	۷۶/۰	۳۴	آذربایجان
کریشنر	۷۶/۶	۱۴	یهودیهای جنوب ایران
فیلد	۷۷/۴۳	۸۶	یهودیهای اصفهان
دانیلو	۷۸/۴	۴۶	ایرانی
دنیگر	۷۸/۴	۱۶۸	ایرانی
	۷۸/۴	۱۱	دزفولی
مختلف	۷۸/۷	۱۲۳	ایرانی
ماسلوسکی	۸۰/۰۶	۵۰	ایرانی
مختلف	۸۸/۳۸	۲۰	بختیاری

* ایران ، عجمی ، جنوب تهران (؟) ۷۷/۷۴ ، شانتر ؛ عجمی (۹) ۷۷/۸۳ ، شانتر ؛ عجمی (۲) ۸۱/۵۴ ، هوسی ؛ یزیدی نزدیک اصفهان (۴) ، ۸۸/۱۵ ، گوتیر ؛ بختیاری ، (۳) ۸۳/۷۰ ، هوسی ، - (۱) ۸۳/۸۸ ، دانیلو (۱) ۸۸/۴ دانیلسو ، (۴) ۸۹/۰ دوهوسه ؛ (۹) ۸۹/۳۲ گوتیر ؛ (۱) ۹۱/۰ کریشنر ؛ (۱) ۹۳/۴ کریشنر ؛ عراق ؛ کرد ترکمن (۷) ۷۳/۲۹ اهریک ؛ ترکمن (۶) ۷۴/۴۵ کاپرز ؛ عرب ترکمن (۶) ۷۹/۴۳ اهریک ؛ عربستان توسط برترام تامس ؛ بوطاهری (۱) ۷۹/۱۲ ؛ یافعی (۵) ۸۱/۶۸ حرانی (۱) ۸۳/۳۳ ؛ عمانی (۳) ۸۵/۱۸ ؛ مشائی (۱) ۸۶/۲۰ ؛ محرا (۵) ۸۶/۶۷ ، شهای (۹) ۸۸/۱۲ ؛ قرا (۷) ۸۹/۱۲ والکثیری (۴) ۹۰/۳۲ .
 ماوراء اردن- (۸) حویته (مطاریه) ۷۴/۲۱ ، شانتر ؛ قفقاز ؛ یزیدی (۳) ۷۲/۳۶ شانتر ؛ یزیدی (کراکو) (۳) ۷۸/۶۱ شانتر . کردستان (همه کردها) ، ایران (۵) ۸۶/۲ دوهوسه ؛ دریاچه ارومیه (۵) ۸۶/۶۸ ، شانتر ؛ باطوم (۵) ۸۸/۱ ، شانتر .

عراق

فیلد	۷۳/۲۹	۳۵	باده نشینان بایج
بکستون و رایس	۷۵/۳۰	۱۰۰	کارگران کیش
فیلد	۷۵/۳۳	۳۵۸	اعراب کیش
بکستون و رایس	۷۶/۲۳	۶۳	سربازان عراقی (حله)
فیلد	۷۶/۶۲	۲۲۱	سربازان عراقی
اهریک	۷۶/۸۵	۳۳	عرب
ویسنبرگ	۷۸/۱	۳۷	یهودی
اهریک	۷۹/۴۴ *	۳۱	ترکمن
کاپرز	{ ۸۴/۵۰ ۸۶/۰۱	۶۴	اعراب کهنن
		۱۹	کلدانی (قره قوش)

عربستان

اتکی	۷۷/۴۷	۳۰	یعنی (صنعه)
لیس و جویس	۷۸/۲۸	۳۱	عمانی (مسقط)
مشی	۷۹/۳۷	۱۲	جده
دنیگر	۸۰/۷	۱۵۴	عرب
لیس و جویس	{ ۸۰/۹۲ ۸۱/۰۷	۸۲	عرب (شهر)
		۲۰	عرب (یمن)
مشی	۸۱/۵۹	۲۹	عرب
دنیگر	۸۱/۹	۴۱	عرب (یمن)
موگنیر	{ ۸۲/۵ ۸۲/۵۶	۰۰	عرب (یمن)
		۲۵	یعنی
برتلون و شاتر	۸۲/۵۶	۲۰	یعنی

ماوراء اردن

شنکلین	{ ۷۶/۳۹ ۷۶/۷۸ ۷۷/۲۸	۱۲۰	بادیه نشینان اکیدت
		۲۲۱	خزعل
		۱۷۵	بادیه نشینان موالی

فلسطین

شاتر	{ ۷۳/۳ ۷۵/۰	۱۸ ۰۰	طواره (سینا) معزا (بین سوئز و کنه)
ویسنبرگ	{ ۷۵/۷ ۷۶/۹	۳۰ ۳۲	فلاحین (صفد) فلاحین (جافه)
کاپرز	۷۷/۲۳	۲۷	سامری (نیلوس)
اسپید بام	۷۷/۶۴	۲۷	سامری
هاکسلی	۷۸/۱	۳۵	سامری
کاپرز	{ ۷۸/۶ ۸۱/۲ ۸۱/۶	۱۰۱ ۱۰۰ ۱۳۹	یهودی (سفاردیم) یهودی (اشکناریم) عرب

سوریه

شنکین	۷۵/۰۰	۲۷۰	بادیه نشینان رواله
کاپرز	۷۷/۲	۱۰۷	بادیه نشینان
ویسنبرگ	۸۰/۹	۰۰	یهودی (دمشق)
کاپرز	۸۱/۷	۱۳۵	مرز صحرا
شاتر	۸۴/۴۳	۴۸	انصاری (نزدیک طرابلس)
کاپرز	۸۴/۸۸	۱۸۲	لبنانی
سلتزر	۸۵/۱۱	۲۶۵	سوریه ای
کاپرز	{ ۸۵/۶۶ ۸۷/۲۶	۱۳۶ ۸۰	علوی (نزدیک طرابلس) دروز

اناطولی

واگنسیل	۸۱/۸۰	۸۸	ترک (بروسه)
پینارد	۸۲/۲۴	۲۰۰	ترک
واگنسیل	{ ۸۲/۴۳ ۸۳/۵۳	۶۰ ۶۶	ترک (اسمیرنه) ترک (قونیه)
	{ ۸۴/۱۹ ۸۴/۲۱	۴۵۵ ۳۸	ترک (توتال) ترک (داردانل)
شاتر	۸۴/۳۳	۱۲۰	ترک (عثمانلی)

مردم شناسی جسمانی ایران - ۶۴۵

السیف	۸۴/۴۰	۱۳۱	ترك (عثمانلی)
دنیکر	۸۴/۵	۱۶	ترك (عثمانلی)
زوپائیج	۸۴/۶۱	۴۷	ترك (عثمانلی در آنکارا و قونیه)
پانتیوخف	۸۴/۷	۴۰	ترك
کروفوت	۸۵/۲۰	۱۵	بکناش (آنکارا)
دنیکر	۸۵/۳	۱۵	بکناش (لیسیا)
واگنسیل	{ ۸۵/۳۵ ۸۵/۳۸	۳۹	ترك (ایالات شرقی)
		۶۹	ترك (آنکارا)
کاپرز	{ ۸۵/۵۳ ۸۵/۶۷	۱۰	ترك (منول)
		۰۰	علوی
فن لوشن	۸۶/۵۶	۰۰	تاچادشی و بکناش
واگنسیل	۸۶/۶۱	۹۵	ترك (کستمنونی)
هسلوک و مور	۸۷/۲۰	۲۰۰	ترك
دنیکر	۸۸/۷۰	۳۳	آسوری (دریاچه ارومیه)
شاتر	۸۹/۵۰	۲۲	آسوری
قفقاز			
ویسنبرگ	۸۴/۱	۲۰	ارمنی
بواز	۸۵/۱۱	۷۵	ارمنی
هردلیشکا	۸۵/۳۳	۲۵	ارمنی
کاپرز	۸۵/۳۸	۹۷	ارمنی (بیروت) *
دنیکر	{ ۸۵/۶ ۸۵/۶	۳۴۱	ارمنی
		۲۷۸	ارمنی (ماوراء قفقاز)
شاتر	{ ۸۵/۷۱ ۸۵/۷۷	۲۹۷	ارمنی
		۲۹۲	ارمنی
سلنزر	۸۵/۸۱	۱۰۱	ارمنی
فن ارکرت	۸۶/۲۱	۱۹	ارمنی
جواشیشویلی	۸۶/۷	۳۱۸	ارمنی
توارجانویج	۸۶/۸۹	۱۰۵	ارمنی

شاعر	{ ۸۷/۲۹ *	۲۸	ارمنی (قیروسی)
	{ ۹۱/۰۷ *	۲۷	ارمنی (یروان)
ایاورسکی	۷۵/۶	۵۹	ترکمن
مختلف	۷۷/۶	۲۰۷	تاتار (آذربایجان)
شاعر	{ ۷۷/۹۶*	۱۶	تاتار (آرالیچ)
	{ ۷۸/۸۳	۱۹	تاتار (آذربایجان)
دنیگر	۷۹/۲	۱۲۹	تات (باکو)
شاعر	{ ۸۰/۱۱*	۱۷	تاتار (یروان)
	{ ۸۰/۱۱*	۱۴	تاجیک (نوراشاین)
ریسکین	۸۱/۵	۳۰۰	اوست
قن اوکرت	۸۱/۶	۱۱	ابازک
دنیگر	۸۱/۹	۵۵۴	اوست
کاپرز	۸۲/۰۵	۵۴	چرکس
شاعر	{ ۸۳/۱	۱۷	اوست
	{ ۸۳/۲	۱۲	مینگریان
ژاواخف	۸۳/۲	۹۰۰	گرجی
ویسنبرگ	۸۴/۷	۲۰	یهودی
دنیگر	{ ۸۴/۹	۵۶	تات (داغستان)
	{ ۸۵/۶	۱۵۲	لاز
ویسنبرگ	۸۵/۹	۳۳	یهودی (گرجستان)
پانتیوخف	۸۷/۵	۴۳	یهودی
شاعر	۸۷/۷۷	۱۱	لزگی

کردستان

شاعر	{ ۷۶/۲	۶۷	کرد
	{ ۷۷/۱۲	۲۳	کرد (خارپوت و ارزنگین)
ایوانوسکی	۷۷/۶	۳۰۰	کرد
دانیلو	۷۷/۶۸	۱۹	کرد (ایران)
شاعر	{ ۷۷/۸۹*	۲۰	کرد (میلانلی)
	{ ۷۸/۵	۱۴۰	کرد

مردم شناسی جسمانی ایران - ۶۴۷

کرد	۳۳۲	۷۸/۵	دنیگر
کرد (عراق شمالی)	۲۲	۷۸/۱۱*	شانتر
کرد (آیریکا - ماوراء قفقاز)	۲۵	۷۸/۴۸	نانسونو
کرد	۲۷۲	۷۸/۵۳	شانتر
کرد (همدان)	۱۲	۷۹/۵	کریشنر
کرد (عراق)	۱۳	۸۲/۰۰*	اهریک
کرد (سوریه و عراق)	۳۵	$\left\{ \begin{array}{l} ۸۲/۵۴* \\ ۸۵/۱۶ \end{array} \right.$	شانتر
کرد (بلیکانی)	۳۰		
کرد (سوریه)	۳۵	۸۵/۲	شانتر
کرد (دوبروجا)	۶۳	۸۶/۴۹	پیتارد
ترکستان			
ایومود	۱۰۷	۷۵/۱۶	ایارخف
ترکمن	۵۹	$\left\{ \begin{array}{l} ۷۵/۶ \\ ۷۵/۶۴ \end{array} \right.$	ایاورسکی
تکه	۵۱		
ارساری	۱۲۵	۷۷	اوشانین
چودیر	۲۰۰	۷۷/۲۴	ایا
ترکمن	۲۳	$\left\{ \begin{array}{l} ۷۷/۹ \\ ۸۲/۱ \end{array} \right.$	دنیگر
عرب	۱۶		
کارا تاجین	۴۲۳	۸۲/۷۷	اوشانین
وانچ	۸۰	۸۳/۲۱	کرونیکو
درره پسکم و ناحیه بخارا	۱۰۰	۸۳/۵۷	...
فرغانه	۲۰۰	۸۴/۰۴	ایارخف
بخارا	۱۶۳	۸۴/۲۰	اوشانین
پندر یکننت	۲۷۹	۸۵/۸۴	ویشنوسکی
عرب	۱۷	$\left\{ \begin{array}{l} ۸۲/۱ \\ ۸۳/۴ \end{array} \right.$	ماسلوسکی
عرب	۲۹		
عرب	۱۰۰	۸۴/۷۷	اوشانین

پوارکف	۷۵/۵۹	۱۸	افغان
ماتسیوسکی	۸۴/۸۶	۱۸	افغان
هادون	۸۵/۰	۰۰	هزاره
جويس و ستاين	۷۶/۵۰	۳۷	بلوچ
	۷۶/۸۱	۳۵	
...	۷۸/۷۷	۵۸	لری
...	۷۹/۴۲	۵۹	پاتان وانچی
...	۷۹/۹۷	۱۰۰	جات
...	۸۰/۲۸	۱۰۰	پانی- پونی-پشته
هادون	۸۱/۵	۰۰۰	براهوئی (سراوان)
...	۸۱/۶۹	۴۸	میرجات
...	۸۱/۸۴	۲۰۰	دهواری
...	۸۱/۸۷	۲۱	قلندرانی
...	۸۱/۹۰	۷۹	مکرانی
...	۸۱/۹۸	۷۷	منگل براهوئی
...	۸۴/۹۳	۳۳	چوته لك
...	۸۶/۶۴	۱۶	سنگور
...	۸۷/۰۰	۳۵	بندیچه

بنظر میرسد که مردم فلات ایران از حیث شاخص سر سر متوسط تا سر دراز باشند بجز بختیارها که ظاهراً در طبقه خیلی سر کوتاه (میانگین ۸۸/۲۸) هستند. در عراق مرکزی و جنوبی اکثریت سر دراز تا سر متوسط هستند ولی بر اساس ارقام چاپ نشده نویسنده در مورد ۵۹۸ کرد و ۱۰۵ آسوری در ناحیه شمال و شمال شرقی شاخص سر بطور محسوسی زیاد شده و نشان میدهد که اکثریت سر کوتاه هستند. اگر چه اکثر اعراب جنوب که در اینجا نقل شده سر کوتاه میباشند عناصر سر دراز در باده نشینان و قبائل

شمال که در زیر تحت عنوان سوریه و ماوراء اردن میاید دیده میشود . در اطلاعات چاپ نشده کون Coon از یمن گروههای سر دراز وجود دارد . در حال حاضر از عربستان سعودی ارقام و اطلاعاتی در دست نیست ولی حدس نویسنده اینست که ساکنین شمال ربع الخالی سر متوسط تا سردراز هستند بخصوص که در میان بادیه نشینان ماوراء اردن و سوریه و عراق که اجدادشان در شمال مرکزی عربستان زندگی میکردند عده کمی سر کوتاه وجود دارد .

در ماوراء اردن بادیه نشینان و همچنین ساکنین فلسطین سر متوسط تا سردراز هستند بادیه نشینان سوریه که کاپرز اندازه گیری کرده سر متوسط و بادیه نشینان رواله سردراز و سایر گروههای سوریه سر کوتاه هستند .

ساکنین اناطولی و همچنین اکثر اهالی قفقاز سر کوتاه هستند بجز يك گروه یزیدی (۷۲/۳۶) و ترکمن (۷۵/۶) که مانند ترکمنهای عراق (۷۳/۲۹ تا ۷۹/۴۴) و ترکمنهای ترکستان (۷۵/۶ - ۷۷/۹) در طبقه سردراز - سر متوسط قرار دارند . باید بخاطر داشت که بین تاتارها و تاجیکهای قفقاز عنصر سر متوسط وجود دارد .

کردها سر متوسط تا سردراز میباشند . در میان مردم ترکستان که سر دراز و گرد دارند تنوع زیادی از لحاظ حد (۷۵/۱۶ تا ۸۴/۸) دیده میشود . سه گروه عرب نیز در طبقه سر کوتاه قرار دارند . در بلوچستان حد زیادی (۷۶/۵ - ۸۷/۰) وجود دارد و اکثر دارای شاخص سر زیادتر از ۸۰ هستند . هزاره های افغانستان و براهوئی های بلوچستان همسایگان سر کوتاه و سر متوسط مشرق ایران هستند .

اندازه های سر از هندوستان

محل	تعداد	طول بین پیشانی تا پس سر	حد اکثر عرض	شاخص سر
راجپوتانا	۵۰	۱۸۹/۰۴	۱۴۱/۴۸	۷۴/۹۸
ایالات متحده	۵۰	۱۹۲/۶۶	۱۳۹/۵۰	۷۲/۴۸
اوريسا	۱۴۳	۱۸۳/۱۳	۱۴۱/۳۴	۷۷/۳۱
	۵	۱۸۶/۳۶	۱۴۶/۹۶	۷۸/۹۳
بنگال	۱۰۰ }	۱۸۵/۲۵	۱۴۹/۵۹	۸۰/۸۴
		۱۸۴/۰۸	۱۴۱/۸۰	۷۷/۱۳

۸۱/۳۸	۱۵۰/۵۹	۱۸۵/۱۲	۱۰۵	گجرات و کانیا در
۸۰/۵۸	۱۴۹/۱۶	۱۸۵/۳۰	۹۹	
۷۸/۷۷	۱۴۴/۷۳	۱۸۴/۰۰	۹۳	
۸۰/۷۱	۱۵۱/۲۵	۱۸۷/۵۸	۴۰	
۷۲/۵۱	۱۴۱/۲۴	۱۹۴/۸۹	۵۵	هندوستان جنوبی
۷۴/۱۸	۱۴۲/۵۲	۱۹۲/۲۸	۶۰	
۷۳/۳۸	۱۳۹/۳۴	۱۹۰/۰۲	۵۰	
۷۷/۳۶	۱۴۵/۵۰	۱۸۸/۳۲	۵۰	

این گروهها در اندازه‌های مطلق و در شاخص‌های سر نسبتاً نزدیک سرهای ایران و عراق هستند بطور خلاصه نتیجه میگیریم که مردمان سر متوسط و سر دراز فلات ایران و گوشه جنوب شرقی « هلال حاصلخیز » بسط پیدا میکنند به مغرب از صحرای عربستان شمالی یا سوریه به ماوراء اردن و فلسطین بدره نیل و بسمت جنوب شرقی به هندوستان که در آنجا سردرازی در کشمیر و چمو و پنجاب و ایالات متحده و راجپوتانا و بهار و اورپسا و حیدرآباد شرقی و ایالت مدرس و آسام وجود دارد در میان سردرازاها گروههای در ماوراء اردن و فلسطین و عراق قد بلند ولی بادیه‌نشینان رواله و مردم ساکن جنوب مرکزی ایران قد کوتاه هستند .

گروههای سر کوتاه که از اولاد مهاجمین آسیای مرکزی هستند که از راه ترکستان و قفقاز به جنوب غربی آسیا حمله آوردند در نواحی و در میان اقوام زیر وجود دارند : مناطق کوهستانی مغرب ایران (بختیاریها) و با احتمال کلی کردهای شمال؛ مردم اناطولی بخصوص آسوریها؛ گروههای متعدد در قفقاز شامل ارمنه و اوستها؛ دروزها؛ اکثر اعراب جنوبی از یمن تا عمان؛ بعضی ترکمنها، افغانها و بلوچها؛ بمبی؛ کاتیاور، برودا، مایسور، بنگال جنوبی و برمه. در میان طبقه سر کوتاه عربهای جنوب و بعضی از سوریه‌ایها کوتاه قدند و مردم اناطولی و بلوچستان متوسط و بعضی سوریه‌ایها و بختیاریها و بعضی گروههای قفقاز و کردها و ترکمنها و افغانها بلند قد میباشند .

پراکنده بودن نمونه‌های اندازه‌گیری شده و کافی نبودن آنها برای همه منطقه اظهار نظر در باره شکل سر و رابطه آن با قد غیر ممکن میسازد .

حداقل قطر پیشانی و شاخص پیشانی و آهیانه

اعراب عراق و چهار گروه ایرانی که من اندازه گرفتیم دارای پیشانی عریض هستند . طبق میانگین هفت گروه ایران و عراق به ترتیب زیر قرار میگیرند : لرها (۱۱۴/۵۰) ، سر بازان عراقی (۱۱۴/۱۰) ، یزدخواست

مردم‌شناسی جسمانی ایران - ۶۵۱

(۱۱۲/۷۸) ، کناره (۱۱۲/۱۴) ، یهودیها (۱۱۱/۹۰) ، اعراب کیش (۱۱۱/۵۰) ، بادیه‌نشینان بائبج (۱۱۰/۸۶) .

وقتی پیشانیهای ایرانیان طبق سیستم کیث طبقه بندی گردید مشاهده شد که اکثر عریض بود ولی تمایل قابل ملاحظه‌ای به طبقه باریک دیده میشود و تعداد محدودی در طبقه خیلی عریض قرار گرفت افراد دارای پیشانی باریک وجود نداشت. در جدول زیر گروههای عراق و هندوستان را به همان طبقه بندی تقسیم میکنند.

حد اقل قطر پیشانی

مجموع	خیلی باریک (x-۱۲۰)	باریک (۱۱۹-۱۱۰)	معمول (۱۰۹-۱۰۰)	گشاد (۹۹-x)		
درصد	درصد	درصد	درصد	درصد		
۷/۸۹	...	۲/۶۳	۵/۲۶	...	B	عرض سر
۲/۰۰	۲/۰۰	...	K _۱	
۲/۰۰	...	۲/۰۰	S _۱	خیلی باریک
۴/۰۰	۴/۰۰	C	(۱۲۹-۱۲۰)
۱/۰۰	P	
۲۱/۵۶	...	۱۲/۱۵	۱۸/۴۱	...	B	
۳۰/۰۰	...	۲/۰۰	۲۳/۰۰	۶/۰۰	K _۱	
۲۲/۰۰	۲/۰۰	۱۸/۰۰	۲/۰۰	...	S _۱	باریک
۵۲/۰۰	۳۶/۰۰	۱۶/۰۰	C	(۱۳۹-۱۳۰)
۲۰/۰۰	...	۱۰/۰۰	۱۰/۰۰	...	P	
۵۵/۲۳	۲/۶۳	۲۶/۳۰	۲۶/۳۰	...	B	
۶۴/۰۰	...	۲۶/۰۰	۳۸/۰۰	...	K _۱	
۶۶/۰۰	۱۶/۰۰	۴۸/۰۰	۲/۰۰	...	S _۱	بسیار
۴۲/۰۰	...	۴/۰۰	۳۴/۰۰	۴/۰۰	C	(۱۴۹-۱۴۰)
۷۲/۰۰	۴/۰۰	۳۸/۰۰	۳۰/۰۰	...	P	
۵/۲۶	...	۵/۲۶	B	
۴/۰۰	۲/۰۰	۲/۰۰	K _۱	
۱۰/۰۰	۶/۰۰	۴/۰۰	S _۱	
۲/۰۰	۲/۰۰	...	C	(x-۱۵۰)
۱/۰۰	۲/۰۰	۶/۰۰	P	
تعداد						
۳۸	۲/۶۳	۴۷/۳۵	۴۹/۹۷	...	B	
۵۰	۲/۰۰	۳۰/۰۰	۶۲/۰۰	۶/۰۰	K _۱	
۵۰	۲۴/۰۰	۷۲/۰۰	۴/۰۰	...	S _۱	مجموع
۵۰	...	۴/۰۰	۷۲/۰۰	۲۴/۰۰	C	
۵۰	۶/۰۰	۵۴/۰۰	۴۰/۰۰	...	P	

اکثریت گروه‌های ایران در طبقه سرعریض و پیشانی پهن واقع می‌شوند و در درجه بعد سرباریک و پیشانی پهن بجز یهودیها که تمایل به سرعریض و پیشانی باریک دارند. سربازان عراقی شبیه گروه‌های ایران هستند ولی بادیه‌نشینان بایج و اعراب کیش که تنوع زیاد تری بین آنها مشاهده می‌شود دارای سرعریض یا باریک و اغلب پیشانی باریک می‌باشند.

طبقه چتری تمایل به داشتن سرباریک و پیشانی خیلی باریک دارند در حالیکه پاتانها دارای سرعریض و پیشانی پهن یا باریک می‌باشند.

از نه‌گروه فقط در میان اعراب کیش و طبقه چتری افراد دارای پیشانی خیلی باریک وجود دارد و فقط در میان چتریها است که افراد دارای پیشانی خیلی پهن اصلاً دیده نمی‌شود.

در رابطه بین حداقل قطر پیشانی و حداکثر عرض سرهفت گروه ایران و عراق به ترتیب زیر قرار می‌گیرند: یهودیهای اصفهان (۷۷/۷۷)، کناره (۷۸/۶۴)، اعراب کیش (۷۸/۶۷)، سربازان عراقی (۷۹/۳۳)، بادیه‌نشینان بایج (۷۹/۶۰)، یزدخواست (۷۹/۹۹)، لرها (۸۱/۱۹). بعبارت دیگر لرها و یزدخواستی‌ها نسبتاً دارای پیشانی پهن‌تر از گروه‌های عراقی می‌باشند در صورتیکه ده‌نشینان کناره و یهودیها پیشانی باریک‌تر از گروه‌های عراقی دارند. اضافه مختصر در عرض سر مردان کناره از ده‌نشینان یزدخواست باعث اختلاف در شاخص پیشانی و آهیانه شده است. وقتی هفت‌گروه به ترتیب سعودی قرار داده شوند این دو گروه آنقدر شبیه بهم هستند که نزدیک یکدیگر قرار می‌گیرند و جدائی آنها در این شاخص جلب توجه می‌کند.

جدول تطبیق گروه‌های اندازه‌گیری شده در جنوب غربی آسیا از

اینقرار است:

مردم‌شناسی جسمانی ایران-۶۵۳

حد اقل قطر پیشانی و شاخص پیشانی و آهیانه ر

مردم	عدد	حد اکثر عرض	حد اقل قطر پیشانی	شاخص پیشانی و آهیانه	نویسنده
ایران	۴۶	۱۴۶	۱۰۳	۷۱/۷ (۶)	دانیلو
یهودهای آصفهان	۸۶	۱۴۴/۳	۱۱۱/۹۰	۷۷/۷۷	فیلد
کناره	۷۴	۱۴۲/۹۶	۱۱۲/۱۴	۷۸/۶۴	
یردجواس	۴۶	۱۴۱/۶	۱۱۲/۷۸	۷۹/۹۹	
لرهای پشت‌کوه	۵۲	۱۴۰/۷	۱۱۴/۵۰	۸۱/۱۹	
عراق					
ترکمن	۴۱	۱۴۷/۱	۱۰۲/۹	۷۰/۵۸	اهریک
عرب	۳۲	۱۴۶/۲۱	۱۰۴/۱۵	۷۱/۲۱	
سر باران عراقی (حله)	۶۲	۱۴۴/۳۴	۱۰۶/۴۲	۷۲/۹۰	سکسون و راس
کازگران کیس	۱۰۰	۱۴۲/۷۵	۱۰۷/۸۶	۷۵/۷۰	
بادیه شینان بائنج	۳۵	۱۳۹/۹	۱۰۰/۸۶	۷۹/۶۰	فیلد
اعراب کیس	۳۵۸	۱۴۱/۹	۱۱۱/۵۰	۷۰/۶۰	
سر باران عراقی	۳۵۱	۱۴۲/۷	۱۰۴/۱	۷۰/۳۳	
عربستان					
عرب	۲۹	۱۴۸/۳۸	۱۰۰/۶۴	۷۰/۵۹	مش
ماوراء اردن					
بادیه سینان اکید	۶۲۰	۱۴۶/۱	۱۱۰/۶۴	۸۰/۵۲۰	سکس
بادیه سینان موالی	۶۷۵	۱۴۷/۱	۱۱۸/۵۰	۸۰/۵۶۵	
فلسطین					
سامری	۲۵	۱۴۷/۰	۱۰۳/۰	۷۰/۷۰۵	هاکلی
سامری	۲۷	۱۴۸/۴۰	۱۰۴/۳	۷۷/۹۸	اشید نام
سوریه					
میوریه‌ای	۳۶۲-۵	۱۵۵/۴۷	۱۰۶/۸۲	۶۸/۸۰	سندر
بادیه شینان روال	۲۷۰	۱۴۳/۶	۱۱۰/۹۸	۷۷/۲۸۵	سنگین
اساری (اطاکیه)	۴۲	۱۶۴	۱۱۵	۷۰/۱۲	سانر
اناطولی					
ترک (عثمانلی)	۴۷	۱۵۴	۱۰۵	۶۸/۶۰	رودپادج
بکناش (آنکارا)	۱۵	۱۵۷	۱۰۰	۷۰/۰	کردهوب
ترک	۲۰۵	۱۵۲/۳۵	۱۱۰/۹	۷۲/۲	پینارد

۱- عراق : عرب ترکمن (۶) حداقل قطر پیشانی ۱۰۴/۱۷ ، شاخص

پیشانی و آهیانه ۷۲/۵۰، اهریک: کرد ترکمن (۷) ۱۰۴/۴۳، ۷۰/۲۹، اهریک.

۶۵۴- مردم‌شناسی ایران

قن لوشن	۷۴/۴	۱۱۳/۲۸	۱۵۲/۶۰	۵۰	تاجادشی و کتاش
		قفقاز			
سلنژد	۶۸/۲۴	۱۰۷/۷۵	۱۵۷/۹	۱۰۱	ارمنی
بواز	۷۵/۶۱*	۱۱۸/۵۵	۱۵۹/۴۳	۷۵	ارمنی
توارجانویج	۷۵/۱۲*	۱۱۸/۵۵	۱۵۷/۸۲	۱۰۵	ارمنی
		کردستان			
شاش	۶۲/۸۹*	۱۰۰	۱۵۹	۳۵	کرد (سوریدو عراق شمالی)
دانیلو	۷۰/۵(۴)	۱۰۴	۱۴۷	۱۹	کرد (ایران)
اهریک	۷۱/۰۸	۱۰۵/۶۹	۱۴۸/۶	۱۳	کرد (عراق)
پیتارد	۷۲/۸۳	۱۱۴/۹	۱۵۷/۸۵	۶۳	کرد
شاش	۷۲/۸۹*	۱۱۶	۱۵۷	۲۲	کرد (عراق شمالی)
		ترکستان			
ایارحف {	...	۱۰۴/۹۷	...	۱۰۷	ایومود
	...	۱۰۷/۳۰	...	۲۰۰	چودیر
	...	۱۰۷/۹۸	...	۲۰۰	فرغانه
ماسلوسکی {	...	۱۰۳	...	۲۹	عرب
	...	۱۰۹	...	۱۷	عرب
		افغانستان			
مانسپوسکی	...	۱۰۹	...	۱۸	افغان

در ارقام مربوط بایران اختلاف زیادی بین رقم دانیلو برای حداکثر قطر پیشانی (۱۰۳) و ارقام نویسنده که در ۱۹۳۴ گرفته شد دیده میشود. مطابق ارقام و محاسبه نویسنده رقم حداقل قطر پیشانی ایرانیان بین ۱۱۱/۹۰ تا ۱۱۴/۵۰ است که کمی با گروه عراق (۱۱۰/۸۶ تا ۱۱۴/۱۰) فرق دارد. ارقام شنکین برای اکیدت و موالی خیلی زیاد بنظر میرسد بخصوص وقتی با ارقام رواله مقایسه شود حداقل قطر پیشانی مردم رواله تقریباً با رقم برای بادیه نشینان بایج یکسان است.

در مورد ارقام اهریک که بر اساس چند نمونه مختلط در ناحیه کرکوک بدست آمده باید دانست که ارقام او بطور قابل ملاحظه با ارقام چاپ نشده اینجانب از ۵۹۹ کرد و ۶۰ ترکمن فرق دارد و ارقام او تقریباً ۶/۵ کمتر از اندازه‌های نویسنده است.

در اناطولی و قفقاز و کردستان که نویسندگان مختلف از گروه‌های کوچک

اندازه‌گیری کرده‌اند بقدری در ارقام مربوطه اختلاف وجود دارد که نمیتوان آنها را با هم مقایسه کرد. حداکثر حد این ناحیه بین ۱۰۰ و ۱۱۸/۵۰ و میانگین آن بین ۱۱۰ و ۱۱۲ است. چون این اندازه با حداکثر عرض سر ارتباط مخصوص دارد تناسب بین این دو اندازه را باید مورد بحث قرار داد.

در عراق گروه‌های شمالی که توسط اهريك اندازه‌گیری شده‌اند دارای سر عریضتر و پیشانی باریکتر از نمونه‌های اینجانب از عراق مرکزی و ایران میباشند. فقط بادیه نشینان ماوراء اردن در ممالک مجاور پیشانی نسبتاً پهن تراز دو گروه من دارند. در اصطلاح مطلق و نسبی اعراب جنوب و سامریهای فلسطین و ترکهای زوپانیچ و بعضی از کردها دارای پیشانی باریکتر هستند. بعلاوه اگر چه اندازه‌های واقعی حداقل قطر پیشانی انصاریها و بعضی از مردم اناطولی و قفقاز و بعضی از کردها با اندازه‌های ایرانیان و عراقی‌های مرکزی تقریباً یکسان است عرض زیادتر سر دسته اول باعث شده است که پیشانی آنها به نسبت باریکتر جلوه کند. در میان مردم ترکستان پیشانی نسبتاً باریک است (بین ۹/۱۰۴ و ۱۰۹). بطور خلاصه در اندازه مطلق (۱) مردم فلات ایران دارای پیشانی پهن هستند و قطر پیشانی آنها کمی زیادتر از آن مردم عراق مرکزی است. با اینکه اطلاعات تطبیقی کافی نیست احتمال می‌رود که مردم اناطولی از حیث قطر پیشانی با ساکنین فعلی فلات ایران فرق زیادی ندارند. در میان آرامنه قفقاز میزان قابل ملاحظه سر کوتاهی که از کوتاهی و عریضی سر حاصل شده تأثیری در پهنی پیشانی نداشته است.

علت این مطلب را ممکن است در طرز خواباندن بچه در میان آرامنه دانست که اطفال خود را در گاهواره می‌خوابانند بطوریکه سبب نقص مصنوعی منژر سر میشود و سر را کوتاه میکند بدون آنکه در نمو قطر پیشانی تأثیر داشته باشد.

از طرف دیگر پیشانی مردم هندوستان خیلی باریک بنظر میرسد (۱۰۱/۵۴-۱۰۵/۲۳) و این عاملی است که آنها را از مردم ایران و عراق مشخص میسازد.

تنوع زیاد در حداقل قطر پیشانی نتیجه گیری و نشان دادن تمایلات معینی را برای گروههای این منطقه غیر ممکن میسازد.

عرض دو گونه

عرض بین استخوانهای قوسی گونه‌ها یکی از خصوصیات مهم صورت است بخصوص که عرض زیاد ممکن است نشانه اختلاط با نژاد مغول باشد. هفت گروه ایران و عراق طبق میانگین عرض دو گونه به ترتیب زیر قرار میگیرند: باده- نشینان بائبج (۱۲۸/۱۵)؛ اعراب کیش (۱۲۹/۹۰)؛ ساکنین کناره (۱۳۳/۳۵)؛ سر بازان عراقی (۱۳۳/۹۵)؛ یهودیها (۱۳۴/۲۰)؛ مردم یزدخواست (۱۳۴/۵۰)؛ لرها (۱۳۴/۷۰). با استثنای پادیه نشینان باریک صورت بائبج و اعراب کیش بین پنج گروه دیگر اختلاف در این اندازه خیلی جزئی است و حد اختلاف در حقیقت فقط ۱/۳۵ است.

اگر به جدول عرض دو گونه و طول کل صورت برای گروههای ایران و عراق مراجعه کنیم مشاهده میکنیم که اگر چه گروههای ایران در عرض دو گونه متوسط یا پهن میباشند. پادیه نشینان بائبج و اعراب کیش در این اندازه بطور قابل ملاحظه باریکترند و تعداد زیاد تری در طبقه x-۱۲۴ قرار میگیرند تا در طبقه x-۱۳۵. مصریهای واحه خرگه دارای عرض متوسط بین دو استخوان قوسی گونه میباشند و تمایل به طبقه عریض دارند.

عرض دوگونه و شاخص گونه و پیشانی *

ایران

مردم	تعداد	حد اقل قطری پیشانی	عرض دوگونه	شاخص گونه و پیشانی	نوسده
کناره	۷۴	۱۱۲/۱۴	۱۳۲/۳۵	۸۴/۵۴	
یهودیهای اسفهان	۸۶	۱۱۱/۹۰	۱۳۴/۲۰	۸۴/۰۲	فیلد
پردخواست	۴۶	۱۱۲/۲۸	۱۳۴/۵۰	۸۴/۱۰	
لر های پشت کوه	۵۲	۱۱۴/۵۰	۱۳۴/۷۰	۸۴/۵۸	
ایرانی	۴۶	۱۰۳/۰	۱۳۷/۰	۷۵/۱۸	دانیالو
عراق					
بادیه شینان پاتیج	۳۵	۱۱۰/۸۶	۱۲۸/۱۵	۸۶/۳۰	فیلد
اعراب کیش	۳۵۵-۸	۱۱۱/۵۰	۱۲۹/۹۰	۸۵/۹۸	
سربازان عراقی (حله)	۶۳	۱۰۶/۴۲	۱۲۳/۶۰	۷۹/۷۸	مکتون و رایس
سربازان عراقی	۲۲۱-۲	۱۱۲/۱۰	۱۳۳/۹۵	۸۴/۹۴	فیلد
یهودی	۳۷		۱۳۲/۰		ویسرک
ترکمن	۳۱	۱۰۳/۹	۱۳۴/۸۴	۷۶/۳۲	اهریک
کارگران کیش	۱۰۰	۱۰۶/۸۶	۱۳۵/۱۰	۷۹/۷۴	مکتون و رایس
عرب	۳۳	۱۰۴/۱۵	۱۳۷/۲۳	۷۴/۸۸	اهریک
عربستان					
عرب	۲۹	۱۰۷/۷۲	۱۳۸/۴۸*	۷۷/۷۹*	بشی
ماوراء اردن					
بادیه شینان اکبد	۱۲۰	۱۱۷/۶۴	۱۳۵/۵۸	۸۶/۷۷*	سنگین
بادیه شینان موالی	۱۷۴-۵	۱۱۸/۵۰	۱۳۵/۹۱	۸۷/۱۹*	
فلسطین					
سامری	۳۵	۱۰۳/۰	۱۳۲/۰	۷۸/۳	حاکلی
سامری	۲۷	۱۰۴/۳	۱۳۳/۸۵	۷۷/۹۲	اشپدبام
سوریه					
بادیه شینان رواله	۲۷۰	۱۱۰/۹۸	۱۲۹/۸۷	۸۵/۶۰	سنگین
سوریه ای	۲۶۳-۵	۱۰۶/۸۲	۱۳۸/۸۵	۷۶/۹۴	سلنر
اسامری (انطاکیه)	۴۲	۱۱۵/۰	۱۵۴/۰	۷۴/۶۸*	واگنیل
اناطولی					
ترک (بروسه)	۷۶	...	۱۳۴/۷	...	واگنیل
ترک (اسیرنه)	۴۸	...	۱۳۸/۶	...	

* عجمی (۹) عرض دوگونه ۱۳۷/۰، شانتر، عراق، اعراب ترکمن (۶) حداقل قطر پیشانی ۱۰۴/۱۷. عرض دوگونه ۱۳۴/۶۷، شاخص گونه و پیشانی ۷۷/۳۳، اهریک؛ کردهای ترکمن (۷) حداقل قطر پیشانی ۱۰۴/۴۳. عرض دوگونه ۱۳۷/۲۹، شاخص گونه و پیشانی ۷۶/۲۹، اهریک.

۶۵۸- مردم شناسی ایران

زوبانیج	۷۵/۰۴	۱۴۰/۰	۱۰۵/۰	۴۷	ترك (عشائلی)
	۰۰۰	۱۴۰/۴	۰۰	۴۰۶	ترك (توتال)
داگسیل	۰۰۰	۱۴۰/۹	۰۰۰	۵۸	ترك (قوئی)
	۰۰۰	۱۴۰/۹	۰۰۰	۳۴	ترك (ایالات شرقی)
	۰۰۰	۱۴۱/۳	۰۰۰	۶۲	ترك (آنکارا)
پیتارد	۷۹/۴۳	۱۴۱/۴	۱۱۱/۹	۲۰۰	ترك
فن لوشن	۸۰/۵۴	۱۴۱/۳۴	۱۱۳/۲۸	۵۰	تاجادشی و یکنانش
واکنسیل	۰۰۰	۱۴۱/۶	۰۰۰	۳۶	ترك (داردائل)
	۰۰۰	۱۴۱/۹	۰۰۰	۹۲	ترك (کستوئی)
مسلوک دمورانن	۰۰۰	۱۴۲/۲۸	۰۰۰	۲۰۰	ترك
کروفوت	۷۶/۸۵۵	۱۴۳/۱۳	۱۱۰/۰	۱۵	مکنانش (آنکارا)
سانتر	۰۰۰	۱۳۷/	۰۰۰	۲۲	آسوری
قفقار					
ویسنبرگه	۰۰۰	۱۳۶/۰	۰۰	۲۰	ارمنی
هردلشکا	۰۰۰	۱۴۰/۶	۰۰	۲۵	ارمنی
سان		۱۴۱/۰	۰۰	۲۷	ارمنی (اروان)
		۱۴۱	۰۰	۲۸	ارمنی (قیروسی)
فن ارکرب	۵۵۳	۱۴۱/۵۸	۰۰	۱۹	ارمنی
سانتر	۰۰۰	۱۴۱/۶۰	۰۰۰	۲۹۲	ارمنی
سلتر	۷۵/۶۱	۱۴۲/۸۴	۱۰۷/۷۵	۱۰۱	ارمنی
وارخاویچ	۸۲/۶۴	۱۴۳/۴۵	۱۱۸/۵۵	۱۰۵	ارمنی
پوار	۰۰۰	۱۴۳/۶۳	۱۱۸/۵۵	۷۵	ارمنی
سانتر	۰۰۰	۱۳۹/۷۶	۰۰۰	۲۹	تاجیک (دره کورا)
ویسنبرگه		۱۴۱/۰	۰۰۰	۲۰	یهودی
	۰۰۰	۱۴۳/۰	۰۰۰	۳۳	یهودی (گرجستان)
زاداحب	۰۰۰	۱۴۳/۰	۰۰	۹۰۰	گرجی
سانتر	۰۰۰	۱۴۳/۰	۰۰	۱۱	لرگی
کردستان					
سانتر	۰۰۰	۱۳۶/۰	۰۰۰	۲۳	کرد (خادپوت وارمکی)
دایلو	۳۵/۳۶۳	۱۳۸/۰	۱۰۴	۱۹	کرد (ایران)
اهریک	۷۶/۰۸	۱۳۸/۳۸	۱۰۵/۶۹	۱۳	کرد (عراق)
سانتر	۰۰۰	۱۳۹	۰۰۰	۲۰	کرد (میلانی)
	۰۰۰	۱۴۰	۰۰۰	۳۰	کرد (بلیکانی)

مردم شناسی جسمانی ایران - ۶۵۹

کرد	۶۳	۱۱۴/۹	۱۴۱/۰۶	۸۰/۹۹	پینارد
کرد (سوریه و شمال عراق)	۳۵	۱۰۰	۱۴۹	۶۷/۰۹۵	شاطر {
کرد (شمال عراق)	۲۲	۱۱۶	۱۵۱	۷۶/۸۲	
ترکستان					
تکه	۵۱	...	۱۲۹	...	ایاورسکی
وانچ	۸۰	...	۱۳۶/۶۵	...	کرونیکو
بخارا	۱۶۳	...	۱۳۸/۰	...	اوشانین
'یومود	۱۰۷	۱۰۴/۹۷	۱۳۸/۱۶		ایارخف
در یسکم و منطقه بخارا	۱۰۰	...	۱۴۰/۷۹		ایارخف {
چودیر	۲۰۰	۱۰۷/۳۰	۱۴۱/۸۲	...	
فرغانه	۲۰۰	۱۰۷/۹۸	۱۴۳/۳۲	...	ایاردن
عرب	۱۷	۱۰۹	۱۳۷	...	ماسلوسکی {
عرب	۲۹	۱۰۳	۱۴۱	...	
عرب	۱۰۰	...	۱۴۲/۱	...	
بلوچستان					
لری	۵۸	...	۱۲۹/۷۵
بلوچ	۳۵	...	۱۳۰/۶۳	...	جوین و ستاین
دهواری	۲۰	...	۱۳۱/۵۵	...	
حاب	۱۰۰	...	۱۳۲/۱۵	...	
سبستانی	۲۷	...	۱۳۲/۲۰	...	جوین و ستاین
مکراسی	۶۶	...	۱۳۲/۴۵	...	
فلندرایی	۲۱	...	۱۳۲/۷۰	...	
جوته لوك	۲۳	...	۱۳۲/۹۵	...	
میرحاب	۴۸	...	۱۳۲/۳۵	...	
منقل سراهوئی	۷۷	...	۱۳۲/۵۵	...	
-	۳۵	...	۱۳۲/۷۰	...	
پاتان و ارحی	۵۹	...	۱۳۲/۸۵	...	
سنگورد	۱۶	...	۱۳۲/۸۵	...	
	۲۳	...	۱۳۵/۳۹	...	جوین و ستاین

جدول بالا نشان میدهد که بجز بادیه نشینان بائینج (۱۲۸/۱۵) و اعراب کیش (۱۲۹/۹۰) که پیشانیان نیز باریکتر است عرض دو گونه مردم ایران و عراق در حدود ۱۳۳ تا ۱۳۷ است. اگر رقم ۱۳۴ را بعنوان معدل و نماینده این دو کشور بگیریم مشاهده میکنیم که رقم مربوط به بادیه نشینان ماوراء اردن

خیلی زیادتر است میانگین (۱۳۵/۶ و ۱۳۵/۹) ولی رقم رواله سوریه (۱۲۹/۹) به کمترین گروه عراق یعنی بادیه‌نشینان بائبج و اعراب کیش نزدیکتر است. رقم مربوط به سامریهای فلسطین تقریباً مساوی کمترین رقم ایران است. در اناطولی و قفقاز صورتها بطور وضوح پهن‌ترواکثریت بیش از ۱۴۱ است. کردها که تاحد زیادی تنوع در ارقام آنها (۱۳۶-۱۵۱) دیده میشود عرض صورتشان زیادتر است.

مردم ترکستان (حد ۱۲۹ تا ۱۴۳/۳) که شامل سه گروه عرب (میانگین ۱۲۷ تا ۱۴۲/۱) میباشد دارای گونه‌های باز هستند که از خصوصیات اختلاط با منول است. در بلوچستان از طرف دیگر صورتها بطور قابل ملاحظه باریکتر است (حد بین ۱۲۹/۸ تا ۱۳۵/۳۹) در هندوستان طبق ارقام گوها اکثریت مردم تقریباً بین ۱۳۲/۰ و ۱۳۴/۰ هستند و این ارقام نزدیک میانگین ایران است.

بدین ترتیب ملاحظه میشود که بادیه نشینان سوریه و عراق و اعراب کیش متعلق بگروه صورت باریک میباشند در حالیکه مردم فلات ایران و شمال عراق و ماوراء اردن و فلسطین و هندوستان دارای صورت عریضتر هستند ولی صورت آنها به پهنی صورت گروههای اناطولی و قفقاز نیست.

رابطه بین حد اقل قطر پیشانی و عرض دو گونه شاخص گونه و پیشانی را معین میکند. هفت گروه را به ترتیب صعودی بصورت زیر میتوان قرار داد: یهودیهای اصفهان (۸۴/۰۲) - یزدخواست (۸۴/۱۰) - کناره (۸۴/۵۴) - لرها (۸۴/۵۸) - سربازان عراقی (۸۴/۹۴) - اعراب کیش (۸۵/۸۹) - بادیه نشینان بائبج (۸۶/۳۰). بطوریکه مشاهده میشود اختلاف بین هفت گروه جزئی است و از ۲/۲۸ تجاوز نمیکند و چون در این شاخص نسبتاً یکنواخت هستند بحث بیشتر در این موضوع لازم بنظر نمیرسد.

جدولهای صفحات گذشته نشان میدهد که شاخص های گونه و پیشانی گروههای شمال عراق کمتر از شاخصهای افراد عراق مرکزی و جنوبی و ایران جنوب مرکزی است و علت آن بیشتر باریکی سراسر تا ازدیاد غیرعادی عرض دو گونه. اعراب جنوب نیز پائین ترند ولی بادیه نشینان رواله تقریباً مساوی بادیه نشینان بائبج و اعراب کیش میباشند. اگر چه شاخصها فرق زیادی ندارند

بادیه نشینان ماوراء اردن دارای صورت و پیشانی عریضتر از بادیه نشینان بایج و سوریه میباشند. گروههای اناطولی و قفقاز و کردستان از حیث شاخص گونه و پیشانی کمتر از گروههای ایران و عراقند و علت آن زیادتی عرض صورت آنها است.

عرض فکین و شاخص گونه و فك

در قسمت سفلی صورت درهفت گروه ایران و عراق تنوع و اختلاف قابل ملاحظه وجود دارد و به ترتیب صعودی بدین صورت قرار میگیرند: بادیه نشینان بایج (۱۰۱/۳۴) - اعراب کیش (۱۰۳/۱۰) - لرها (۱۰۵/۴۲) - سر بازان عراقی (۱۰۷/۱۰) - ده نشینان کناره (۱۰۷/۷۸) - یهودیهای اصفهان (۱۰۷/۸۶) - ده نشینان یزدخواست (۱۰۹/۵۸). بنظر میرسد که عرض فکین نمونه های فلات ایران زیادتر از لرها و اعراب و بادیه نشینان بایج عراق مرکزی باشد. جدول تطبیقی این اندازه در زیر دیده میشود:

عرض فکین *

ایران

مردم	تعداد	عرض فکین	شاخص گونه و فك	نویسنده
لر پشت کوه	۵۲	۱۰۵/۴۲	۷۸/۶۴	
کناره	۷۴	۱۰۷/۷۸	۸۰/۸۳	فیلد
یهودیهای اصفهان	۸۵-۸۶	۱۰۷/۸۶	۸۰/۷۷	
یزدخواست	۴۶	۱۰۹/۵۸	۸۱/۲۸	

عراق

بادیه نشینان بایج	۳۵	۱۰۱/۳۴	۷۹/۵۱	فیلد
اعراب کیش	۳۵۵-۵۷	۱۰۳/۱۰	۷۹/۲۷	
سر بازان عراقی (حله)	۶۳	۱۰۴/۵۰	۷۸/۳۷	بکستون
کارگران کیش	۱۰۰	۱۰۵/۰۶	۷۷/۵۶	ورایس
سر بازان عراقی	۲۲۰-۱	۱۰۷/۱۰	۷۹/۶۹	فیلد

* عراق: عرب ترکمن (۶) شاخص گونه و فك ۷۲/۵۰ - اهریک.

۶۶۴ - مردم‌شناسی ایران

اهریک	{ ۷۰/۵۷	۱۰۳/۸۱	۳۱	ترکمن
	{ ۷۱/۲۱	۹۶/۰۰	۳۳	عرب
	{ ۷۷/۱۶	...	۳۱	ترکمن

عربستان

مشی	۷۲/۵۹	...	۲۹	عرب
-----	-------	-----	----	-----

ماوراء اردن

شنکین	{ ۸۰/۲۸*	۱۰۸/۰۴	۱۲۰	بادیه‌نشینان اکیدت
	{ ۷۹/۵۴*	۱۰۸/۱۰	۱۷۴	بادیه‌نشینان موالی

فلسطین

هاکسلی	۷۰/۰۷	...	۳۵	سامری
اسپیدبام	۷۷/۹۸	...	۲۷	سامری
شنکین	۸۱/۴۵	۱۰۵/۵۳	۲۷۰	بادیه‌نشینان رواله
سلتزر	۷۷/۲۶	۱۰۷/۶۲	۲۶۲-۳	سوریه‌ای

اناطولی

واگنسیل	{	۱۰۷/۲	۴۶	ترك (بروسه)
		۱۰۷/۴	۳۴	ترك (ایالات شرقی)
		۱۰۷/۶	۴۴	ترك (اسمیرنه)
		۱۰۸/۱	۳۰۴	ترك (توتال)
		۱۰۸/۲	۴۵	ترك (کستمونی)
		۱۰۸/۳	۴۷	ترك (قونیه)
		...	۵۳	ترك (آنکارا)
		...	۳۵	ترك (داردانل)
پیتارد	۷۳/۳۸	...	۲۰۰	ترك
فن‌لوشن	۷۴/۴۰	...	۵۰	تاچتادشی

قفقاز

فن‌ارکرت	۷۶/۴۷	۱۰۸/۶۳	۱۹	ارمنی
سلتزر	۷۷/۰۳	۱۰۹/۹۴	۱۰۱	ارمنی
توا	۷۸/۲۶	۱۱۲/۲۶	۱۰۵	ارمنی
جانویچ				

مردم شناسی جسمانی ایران - ۶۶۳

		کردستان		
دانیلو	۷۰/۵(۶)	۰۰۰	۱۹	کرد (ایران)
پیتارد	۷۲/۸۳	۰۰۰	۶۳	کره
اهریك	۷۶/۲۳	۱۰۵/۶۲	۱۳	کرد(عراق)
		ترکستان		
ایار {	۰۰۰	۱۰۷/۸۹	۱۰۷	ایومود
	۰۰۰	۱۱۱/۵۸	۲۰۰	چودیر
ایاورسکی	۰۰۰	۱۱۲	۵۱	تکه
ایارخف	۰۰۰	۱۱۲/۲۶	۲۰۰	فرغانه
ماسلوسکی {	۰۰۰	۱۱۲	۱۷	عرب
	۰۰۰	۱۱۸	۲۹	عرب
		افغانستان		
ماتسیوسکی	۰۰۰	۱۱۳	۱۸	افغان
		بلوچستان		
...	...	۹۹/۴۹	۳۵	بندیجه
...	...	۹۹/۹۸	۵۸	لری
...	...	۱۰۱/۵۸	۲۰۰	اهواری
...	...	۱۰۱/۶۶	۴۸	میرجات
...	...	۱۰۲/۱۰	۵۹	پاتان وانچی
...	...	۱۰۲/۷۰	۱۰۰	جات
...	...	۱۰۳/۳۰	۲۱	قلندران
...	...	۱۰۵/۱۴	۷۷	منقل براهوئی
...	...	۱۰۶/۹۴	۱۰۰	پانی-پاونی(پشته)
...	...	۹۹/۲۹	۳۳	چوته لوك
...	...	۱۰۸/۷۴	۱۶	سنگور
...	...	۱۰۹/۰۲	۶۶	مکرانی

از جدول فوق دیده میشود که فقط بادیه نشینان رواله ولرها و گروههای عراق مرکزی قسمت سفلی صورت باریك دارند (۱۰۱/۳۴ - ۱۰۷/۱۰) مردم

دیگر از سوریه و ماوراء اردن و اناطولی و قفقاز دارای همان عرض یا کمی زیادتر از گروه ایران مرکزی میباشند (۱۰۷/۷۸-۱۰۹/۵۸) .

در ترکستان بغیر از عربها قسمت سفلی صورت مردم عریض است. (بین ۱۰۷/۹-۱۱۲/۲۶) در حالیکه در بلوچستان این حد بین ۹۹/۴۹ تا ۱۰۹/۰۲ میباشد و نشان میدهد که عرض فکین خیلی باریکتر است .

طبق ارقام گوها مردم هندوستان دارای فک باریکتر (۹۶/۲۲-۱۰۱/۶۶) از گروههاییکه نویسنده اندازه گیری کرده میباشند باستانی بادیه نشینان بایج (۱۰۱/۳۴) باید در نظر گرفت که در گرفتن این اندازهها بعلمت میزان فشاری که بر صورت وارد میآید طرز عمل و نتیجه آن مختلف است .

بنا بر این نتیجه میگیریم که بادیه نشینان و اعراب عراق و سوریه و مردم بلوچستان و هندوستان که شامل راجپوتانا و ایالات متحد و بنگال و ایالات جنوبی میباشند بنظر میرسد دارای عرض فکین باریک باشند در حالیکه مردم ایران مرکزی و ماوراء اردن و اناطولی و سوریه و ارمنیها و مردم ترکستان قسمت سفلی صورتشان عریض است .

رابطه بین عرض فکین و عرض دو گونه شاخص گونه وفک نامیده میشود. هفت گروه ما به ترتیب صعودی باین صورت قرار میگیرند : لرها (۷۸/۶۴) - اعراب کیش (۷۹/۲۷) - بادیه نشینان بایج (۷۹/۵۱) - سرپازان عراقی (۷۹/۶۹) - یهودیهای اصفهان (۸۰/۷۷) - اهالی کنار (۸۰/۸۳) - مردم یزدخواست (۸۱/۲۸) . شاخص دو گروه نمونه ایران از همه زیادتر است .

جدول بالا نشان میدهد که اگر گروه یزدخواست (۸۱/۲۸) و کنار (۸۰/۸۳) را برای ایران جنوب مرکزی میزان قرار دهیم گروههای عراق شاخص گونه و فک کمتری دارند . ولی شاخص سه گروه یکنواخت نویسنده فقط مختصری کمتر از شاخص گروههای ایران است . شاخص اعراب جنوب بطور قابل ملاحظه کمتر است ولی شاخص بادیه نشینان رواله و اکیدت و موالی تقریباً با شاخص ایرانیها یکسان است . ارقام اناطولی و قفقاز و کردستان نشان میدهد که شاخص گونه وفک این مردم سر کوتاه خیلی پائینتر است . بعبارت دیگر گروههای ایران و بادیه نشینان رواله قسمت سفلی صورتشان از همه گروههای دیگر جنوب غربی آسیا عریضتر است . اکنون میرسیم به بررسی به اندازهها و

تناسب‌های مهم صورت و به ترتیب طول قسمت علیای صورت طول کل صورت و طول نسبی صورت را مورد مطالعه قرار می‌دهیم .

قسمت علیای صورت و شاخص قسمت علیای صورت

از حیث اندازه مطلق قسمت علیای صورت هفت گروه به ترتیب زیر قرار می‌گیرند : یزدخواست (۶۹/۶۰) - کناره (۷۱/۷۵) - یهودیهای اصفهان (۷۲/۴۰) - اعراب کیش (۷۳/۰۰) - بادیه نشینان بائج (۷۳/۳۰) - سر بازان عراقی (۷۴/۱۵) - لرها (۷۸/۳۵) . اختلاف در اندازه قسمت علیای صورت قابل ملاحظه است و حد آن ۸/۷۵ میلیمتر میباشد . بنظر میرسد که مردم عراق جنوبی و مرکزی طول قسمت علیای صورتشان زیادتر از ایرانی‌ها است بجز لرها . در میان گروه‌های شمال عراق طول قسمت علیای صورت خیلی زیاد است و از طول قسمت علیای صورت لرها نیز (۷۸/۳۵) زیادتر است .

* طول قسمت علیای صورت *

ایران

مردم	تعداد	طول قسمت علیای صورت	شاخص	نویسنده
یزدخواست	۴۶	۶۹/۶۰	۵۱/۸۳	فیلد
کناره	۷۳	۷۱/۷۵	۵۳/۸۱	فیلد
یهودیهای اصفهان ۷-۸۶	۸۶	۷۲/۴۰	۵۴/۱۱	
لرهای پشت کوه	۵۲	۷۸/۳۵	۵۸/۴۳	

عراق

سر بازان عراقی (حله)	۶۳	۶۶/۲۰	۴۹/۳	بکستون و رایس
کارگران کیش	۱۰۰	۶۷/۳۰	۴۹/۵۵	
اعراب کیش	۳۵۵	۷۳/۰۰	۵۶/۵۱	فیلد
بادیه نشینان بائج	۳۵	۷۳/۳۰	۵۷/۲۹	
سر بازان عراقی	۲۲۱	۷۴/۱۵	۵۵/۴۳	

* عراق : کرد تر کم (۷) طول قسمت علیای صورت ۷۵/۵۷ . شاخص

۵۵/۰۰ ، اهریک = عرب تر کم (۶) طول قسمت علیای صورت ۸۱/۱۷ .

شاخص ۶۰/۱۷ ، اهریک

۶- مردم‌شناسی ایران

اهریک	۵۷/۶۲	۷۸/۶۲	۱۳	کرد
	۵۷/۴۲	۷۹/۰۹	۳۳	عرب
	۵۹/۱۰	۷۹/۵۲	۳۱	ترکمن

ماوراء اردن

شنکین	۵۲/۱۰*	۷۱/۸۲	۱۲۰	بادیه‌نشینان اکیدت
	۵۳/۷۱*	۷۳/۰۰	۱۷۴	بادیه‌نشینان موالی

سوریه

شنکین	۵۳/۹۶	۶۹/۹۹	۲۷۰	بادیه‌نشینان رواله
سلنزر	۵۲/۶۱	۷۲/۷۰	۲۶۴-۵	سوریه‌ای

اناطولی

فن‌لوشن	۵۳/۷۸	۷۵/۷۰	۵۰	تاچنادشی و بکتاش
زوپانیچ	۵۵/۰*	۷۷/۰	۴۷	ترک (عثمانلی)

قفقاز

سلنزر	۵۳/۶۷	۷۶/۶۱	۱۰۰	ارمنی
-------	-------	-------	-----	-------

از جدولهای فوق دیده میشود که بادیه‌نشینان رواله و اکیدت و موالی ماوراء اردن و سوریه با جزئی اختلاف (۶۹/۹۹ - ۷۳/۰۰) در طبقه و مساوی با گروه ایران مرکزی و عراق مرکزی قرار میگیرند. ارقام مختصر اناطولی و قفقاز حاکی از آنستکه در این ناحیه قسمت علیای صورت کمی درازتر است ولی نه باندازه گروههای شمال عراق و لرهای پشت‌کوه بموجب ارقام گوها مردم هندوستان بین ۶۴/۲۶ و ۷۰/۱۶ هستند که حاکی از کوتاهی قسمت علیای صورت است ولی فقط کمی از رقم مردم ایران جنوب مرکزی کمتر است.

وقتی رابطه طول قسمت علیای صورت را با طول کل صورت در نظر بگیریم نتیجه زیر حاصل میشود: یزدخواست (۵۱/۸۳) - کناره (۵۳/۸۱) - یهودیهای اصفهان (۵۴/۱۱) - سربازان عراقی (۵۵/۴۳) - اعراب کیش (۵۶/۵۱) - بادیه‌نشینان بائینج (۵۷/۲۹) - لرهای پشت‌کوه (۵۸/۴۳). از این جدول دیده میشود که گروههای ایران قسمت علیای صورتشان کوتاهتر از آن عراقیها و لرها است.

در این شاخص نسبی صورت کپیث نوع صورتی بنام «بسه صورت» را

نام میبرد که در باره آن در کتاب خود (۱۹۳۵ ص ۵۲ - ۶۰) مینویسد : « در میان مردم خاور زمین که در قسمت جنوب غربی آسیا از پامیر تا آسیای صغیر پخش هستند نوع صورتی دیده میشود که توجه دانش پژوهان نژادهای بشری را جلب میکند . مردم دارای این نوع صورت گاهی بنام « بره صورت » خوانده شده اند و این عبارتست از نوع صورتی که قسمت علیای آن که شامل بینی میشود دراز است و قسمت سفلی یعنی فك کوتاه است درازتر بودن قسمت علیای صورت در میان اعراب از خصوصیاتی است که ما را وادار میکند رابطه میان مردم ساکن نواحی مرتفع جنوب غربی آسیا را جستجو کنیم . در میان مردم ایران و در میان آنها نیکه ساکن ممالک شمال و مشرق ایرانند این نوع صورت دیده میشود . »

پیشگویی بالا در مورد وجود افراد دارای نوع صورت بره شکل در ایران یعنی کسانی که طول صورتشان ۱۱۹ میلیمتر یا کمتر و قسمت علیای صورتشان ۷۰ میلیمتر یا بیشتر است در اندازه گیریهای نویسنده پیدا نشده است ولی البته وقتی آمار و اطلاعات کامل درباره همه مملکت گرفته شد ممکن است این مطلب صحت پیدا کند .

در میان نه گروه ایران و عراق میزان وجود بره صورت از این قرار است : یهودیها ۱۰/۷۰ درصد - ده نشینان یزدخواست ۱۰/۸۵ درصد - ده نشینان کناره ۱۰/۹۶ در صد لرها ۷/۶۸ درصد - باده نشینان بائج ۴۹/۹۷ در صد - اعراب کیش (K_۱) ۱۶ درصد - (K_۲) ۲۲ درصد - (K_۳) ۲۴ در صد - سربازان عراقی (S) ۳۲ درصد . از ارقام فوق واضح میشود که در گروههای ایرانی قسمت علیای صورت سنگین کمتر از عراقیها است . لاقول نبمی از باده نشینان بائج و يك سوم سربازان عراقی « بره صورت » هستند در صورتیکه فقط ۱۰ در صد گروههای ایران این خصوصیت را دارند .

رابطه بین قسمت علیای صورت و عرض صورت بطوریکه در شاخص قسمت علیای صورت داده شده فقط اختلافات مختصری از تمایلات طول مطلق قسمت علیای صورت نشان میدهد . باریکی عرض دو گونه باده نشینان بائج مسئول ازدیاد غیر عادی شاخص میباشد .

طول کل صورت و شاخص کل صورت

وقتی هفت گروه ایران و عراق به ترتیب قرار داده میشوند اختلافات قابل ملاحظه در این اندازه گیری میان آنها دیده میشود: باده نشینان بایج (۱۱۶/۷۰) - اعراب کیش (۱۱۹/۹۵) - یزدخواست (۱۲۱/۰۰) - سر بازان عراقی (۱۲۱/۱۰) - کناره (۱۲۲/۴۰) - یهودیهای اصفهان (۱۲۳/۴۵) - لرها (۱۲۶/۴۰) . بطور کلی گروههای ایران صورت درازتر از عراقیهای مرکزی دارند صورت مردم یزدخواست و کناره فقط مختصری درازتر از صورت اعراب کیش و سر بازان عراقی است ولی در شمال عراق بنظر میرسد که درازی صورت بیشتر میشود و همین امر در مورد لرها صادق است .

طول کل صورت *

ایران

مردم	تعداد	طول کل صورت	شاخص کل صورت	نویسنده
یزدخواست	۳۶	۱۳۱/۰۰	۱۰/۱۵	
کناره	۷۴	۱۲۲/۴۰	۱۱/۹۵	فیلد
یهودیهای اصفهان	۸۳-۴	۱۲۳/۴۵	۱۲/۳۰	
لرهای پشت کوه	۵۲	۱۲۶/۴۰	۱۳/۸۵	

عراق

کارگران کیش	۱۰۰	۱۱۴/۳۰	۸۴/۴۰	بکستون و رایس
سر بازان عراقی (حله)	۶۳	۱۱۵/۴۰	۸۶/۳۵	بکستون و رایس
بادیه نشینان بایج	۳۵	۱۱۶/۷۰	۹۱/۳۰	فیلد
اعراب کیش	۳۵۴-۵	۱۱۹/۹۵	۹۲/۶۵	
سر بازان عراقی	۲۲۰-۱	۱۲۱/۱۰	۹۰/۴۵	

* - عراق، کردتر کمین (۷) طول کل صورت ۱۲۲/۷۱ - شاخص ۸۹/۱۴ -

اهریک - عرب تر کمین (۶) طول کل صورت ۱۲۸/۰ - شاخص ۹۶/۱۷، اهریک.

مردم‌شناسی جسمانی ایران - ۶۶۹

یهودیها	۳۷	۱۲۴/۰	۹۲/۵	ویسنببرگ
ترکمن	۳۱	۱۲۸/۲۶	۹۵/۰۳ ۹۳/۳۶	اهریک
عرب	۳۳	۱۲۸/۶۷		

ماوراء اردن

بادیه‌نشینان اکیدت	۱۲۰	۱۲۳/۳۲	۹۱/۹۰ ۹۳/۲۴	شکلین
بادیه‌نشینان موالی	۱۷۵	۱۲۴/۰۴		

فلسطین

سامری	۲۷	۱۲۰/۰	۸۹/۷	سپیدبام
سامری	۳۵	۱۲۵/۰	۹۴/۴	هاکسلی

سوریه

بادیه‌نشینان رواله	۲۷۰	۱۱۹/۲۰	۹۱/۶۷	شکلین
سوریه‌ای	۲۶۳-۴	۱۲۲/۹۰	۸۸/۵۸	سلتزر

اناطولی

ترک (داردانل)	۳۶-۸	۱۲۰/۱	۸۵/۳۹ ۸۷/۱۶ ۸۷/۱۴	واگنسیل
ترک (اسمیرنه)	۴۸-۶۱	۱۲۰/۴		
ترک (بروسه)	۷۶-۸۸	۱۲۰/۵		
تاچتادشی و بکتاش	۵۰	۱۲۱/۴۴	۸۵/۸۸	فن‌لوشن
ترک (توتال)	۴۰۶-۶۶	۱۲۱/۶	۸۶/۷۴	
ترک (ایالات شرقی)	۳۴-۹	۱۲۱/۸	۸۷/۰۷	
ترک (کستمونی)	۹۲-۱۰۳	۱۲۲/۱	۸۶/۰۸	واگنسیل
ترک (قونیه)	۵۸-۶۶	۱۲۲/۱	۸۷/۰۰	
ترک (آنکارا)	۶۲-۶۹	۱۲۳/۱	۸۷/۰۹	
ترک	۲۰۰	۱۲۴/۲۲	۸۷/۴۰	هسلوک و مورانت
بکتاش (آنکارا)	۱۵	۱۳۱/۸۰	۹۱/۸۰	کردقوت

قفقاز

ارمنی	۲۵	۱۲۰/۲	۸۵/۵	هردلپشکا
ارمنی	۲۰	۱۲۲/۰	۸۹/۷	ویسنببرگ
ارمنی	۱۹	۱۲۳/۱۶	۸۶/۷۴	فن‌ارکرت

ارمنی	۱۰۰	۱۲۷/۹۶	۸۹/۷۴	سلترز
ارمنی	۱۰۵	۱۳۰/۲۴	۹۰/۷۹	توارجا نویچ
یهودی گرجستان	۳۳	۱۲۵/۰	۸۸/۰	ویسنبرگ
یهودی	۲۰	۱۲۵/۰	۸۸/۶	
گرجی	۹۰۰	۱۲۶/۰	۸۸/۱	ژاواخند
کردستان				
کرد (عراق)	۱۳	۱۲۷/۶۲	...	اهریک
ترکستان				
وانیچ	۸۰	۱۱۵/۴۲	...	کرونیکو
دره پسکم و بخارا	۱۰۰	۱۱۷/۴۵
بخارا	۱۶۳	۱۲۰/۴	...	اوشانین
تکه	۵۱	۱۲۲	...	ایاورسکی
ایومود	۱۰۷	۱۳۰/۴۲	...	ایارخف
فرغانه	۲۰۰	۱۳۰/۵۴	...	
چودیر	۲۰۰	۱۳۲/۹۰	...	
عرب	۲۹	۱۲۲/۷	...	ماسلوسکی
عرب	۱۰۰	۱۲۴/۶۶	...	اوشانین
بلوچستان				
بلوچ	۳۵	۱۱۴/۴۳	...	جوئیس وستاین
دهواری	۲۰۰	۱۱۴/۸۵
سید	۳۳	۱۱۶/۲۳	...	جوئیس وستاین
سیستانی	۳۷	۱۱۷/۶۵	...	
پانی-پاونی (پشته)	۹۹	۱۱۹/۳۵

بادیه نشینان رواله (۱۱۹/۲۰) و اکیدت (۱۲۳/۳۲) و موالی (۱۲۴/۰۴)

دارای صورت درازتر از گروه بادیه نشینان بائییچ (۱۱۶/۷۰) میباشند .

بطور کلی در گروههای اناطولی اختلاف خیلی جزئی وجود دارد و اکثریت بین

۱۲۰/۱ و ۱۲۴/۲۲ قرار دارند که تقریباً نزدیک ارقام ایران مرکزی است .

در قفقاز (حد ۱۲۰/۲ تا ۱۳۰/۲۴) صورت متمایل به درازی و در ترکستان

(حد ۱۱۵/۴-۱۳۲/۹) اختلاف بقدری زیاد است که هیچ نتیجه نمیتوان گرفت

بجز آنکه در اطراف بخارا صورت کوتاهتر از سایر نواحی ترکستان است که صورت از حیث طول کل صورت خیلی دراز است. از طرف دیگر در بلوچستان صورت خیلی کوتاه است (حد $114/4 - 119/4$).

در میان مردم قفقاز و ترکستان و احتمالاً کردستان تمایل به درازی طول کل صورت است. شاخص کل صورت یعنی رابطه بین طول کل صورت و عرض دو گونه طبق طبقه بندی سه گانه از این قرار است :

شاخص کل صورت

مجموع	باریک صورت		متوسط صورت		پهن صورت		میانگین	مردم
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد		
	$(x-89/5)$		$(89/4-84/6)$		$(84/5-x)$			
۴۶	۵۲/۱۷	۲۴	۳۶/۹۶	۱۷	۱۰/۸۷	۵	۹۰/۱۵	یزدخواست
۲۲۰	۵۲/۷۳	۱۱۶	۳۵/۹۱	۷۹	۱۱/۳۶	۲۵	۹۰/۴۵	سرپازان عراقی
۳۵	۶۵/۷۱	۲۳	۲۵/۷۱	۹	۸/۵۷	۳	۹۱/۳۰	مادیه نشینان بائج
۷۴	۶۳/۵۱	۴۷	۲۹/۷۳	۲۲	۶/۷۶	۵	۹۱/۹۵	کناره
۸۳	۶۹/۸۸	۵۸	۲۵/۳۰	۲۱	۴/۸۲	۴	۹۲/۳۰	یهودها
۳۵۴	۶۶/۱۰	۲۳۴	۲۱/۷۵	۷۷	۱۲/۱۵	۴۳	۹۲/۶۵	اعراب کیش
۵۲	۸۲/۶۹	۴۳	۱۱/۵۴	۶	۵/۷۷	۳	۹۳/۸۵	لرها

جدول بالا نشان میدهد که از ۸۶۴ نفر ۵۴۵ نفر یا $63/08$ درصد باریک صورت و ۲۳۱ نفر یعنی $26/74$ درصد متوسط صورت و ۸۸ نفر بقیه یا $10/19$ درصد پهن صورت هستند. وقتی سیستم طبقه بندی کیت را بکار بریم اعراب کیش و بادیه نشینان بائج و مصریها را به تقسیمات مربوطه مشاهده میکنیم تا اینکه با جدول صفحه ۵۴۴ راجع بگروههای ایران قابل مقایسه باشند.

عرض دو گونه

مجموع	باریک			متوسط	پهن			طول کل صورت	
	درصد	تعداد	درصد		درصد	تعداد	درصد		
	$(x-124)$				$(124-120)$				
۲۸/۹۳	۰۰۰	۰	۱۵/۷۵	۱۳/۱۵	۰	۰	۰	B } کوتاه $(114-x)$	
۲۲/۰۰	۴/۶۶	۱	۸/۶۷	۸/۶۷	۰	۰	K } ۳۲۵۱		
۴۲/۰۰	۸/۰۰	۰	۳۰/۰۰	۴/۰۰	۰	۰	E }		
۶۸/۳۸	۱۸/۴۱	۱۲	۲۴/۱۹	۱۵/۷۸	۰	۰	۰	B } متوسط $(124-110)$	
۵۲/۶۷	۱۲/۶۷	۸	۲۴/۶۷	۱۵/۲۳	۰	۰	۰		K } ۳۲۵۱
۵۲/۰۰	۱۴/۰۰	۰	۳۸/۰۰	۰۰۰	۰	۰	۰		E }
۲/۶۳	۲/۶۳	۰	۰۰۰	۰۰۰	۰	۰	۰	B } دراز $(x-120)$	
۲۵/۳۳	۸/۰۰	۰	۱۳/۳۳	۴/۰۰	۰	۰	۰		K } ۳۲۵۱
۶/۰۰	۰۰۰	۰	۶/۰۰	۰۰۰	۰	۰	۰		E }
تعداد									
۳۸	۲۱/۰۴	۸	۴۹/۹۷	۲۸/۹۳	۰	۰	۰	B } مجموع	
۱۵۰	۲۵/۳۳	۳۸	۴۶/۶۷	۲۸/۰۰	۰	۰	۰		K } ۳۲۵۱
۵۰	۲۲/۰۰	۰	۷۴/۰۰	۴/۰۰	۰	۰	۰		E }

گروههای ایران دارای صورت متوسط تا دراز و متوسط تا پهن هستند لرها دوبرابر افراد دارای صورت دراز و پهن در مقابل سه گروه دیگر میباشند و پادیه نشینان بائج متمایل بداشتن صورت متوسط تا کوتاه و پهن تا باریک هستند. در اعراب کیش اختلاف از لحاظ درصد زیادتر است ولی افراد دارای صورت کوتاه و دراز و باریک و پهن گروههای متعادل تشکیل میدهند. صورت مصریها از حیث طول متوسط تا کوتاه و از حیث عرض متوسط است.

از جدول شاخص کل صورت همه گروههای جنوب غربی آسیا دیده میشود که حدود گروه شاخص ایران (۹۰/۱۵-۹۱/۹۵) با سه گروه دیگر خیلی زیاد فرق ندارد (۹۰/۴۵-۹۲/۶۵). سه گروه پادیه نشین یعنی اکیدت و موالی و رواله دارای حد (۹۱/۶۷ تا ۹۲/۳۴) هستند که فقط کمی زیادتر از آن پادیه نشینان بائج است در صورتیکه در طول واقعی صورت اختلاف قابل ملاحظه بود. بنظر میرسد که تناسب طول به عرض صورت پادیه نشینان شبیه بهم باشد. در اناطولی ترکیها (۸۵/۳۹-۸۷/۴۰) شاخص کل صورتشان کمتر است و این امر در مورد مردم قفقاز (۸۵/۵-۹۰/۷۹) و مردم سوریه (۸۸/۵۸) نیز صدق میکند.

از ارقام گویا معلوم میشود که حد برای مردم هندوستان ۸۶/۷۷ تا ۹۱/۶۸ است و اکثریت در طبقه کمتر از ۸۹/۰ قرار دارند.

بنابراین مردم ایران و عراق و پادیه نشینان ماوراء اردن و سوریه شاخص کل صورتشان زیادتر از آن مردم اناطولی و قفقاز و هندوستان است و در نتیجه صورت آنها نسبتاً درازتر میباشد.

اندازه ها و شاخص بینی

اندازه و شکل بینی همیشه یکی از عوامل مهم نژادی شناخته شده است.

اندازه های بینی و شاخص

مردم	طول بینی	عرض بینی	شاخص بینی
لرها	۶۲/۲۲	۳۵/۷۵	۵۷/۴۲
یزدخواست	۵۱/۲۲	۳۲/۸۴	۶۴/۶۲
کناره	۵۱/۶۶	۳۲/۸۱	۶۴/۵۴
یهودیهای اصفهان	۵۳/۸۲	۳۴/۱۹	۶۳/۸۶
اعراب کیش	۵۸/۵۰	۳۵/۴۲	۶۱/۱۴
سربازان عراقی	۵۷/۰۲	۳۴/۷۶	۶۱/۶۲
پادیه نشینان بائج	۵۹/۹۰	۳۴/۸۲	۵۸/۰۶

باستثنای لرها بینی گروههای ایران کوتاهتر از بینی گروههای عراق است. همین تمایل درزیادی عرض بینی دیده میشود ولی خیلی شدید نیست. این مطلب از شاخص بینی تأیید میشود و دیده میشود که گروههای عراق بینی باریکتر از گروههای ایران دارند. یهودیهای اصفهان دارای بینی نسبتاً کوتاه هستند که از معدل

مردم شناسی جغرافیای ایران - ۶۷۳

گروههای عراق کمتر و ۸/۴ میلیمتر کمتر از آن لرها است.
 برای نشان دادن تمایلات مهم اندازه‌ها و شاخص‌های بینی درصد افراد
 عراق و مصر و هندوستان طبق سیستم کیت در جدول زیر ترتیب داده شده تا مقایسه
 با جدول ایران (ص ۵۴۹) آسان باشد.

مجموع	عرض بینی				نوعی باریک	طول بینی
	پس (۴۲-۳۷)	بین متوسط (۴۱-۳۶)	باریک متوسط (۳۵-۳۰)	خیلی باریک (۲۹-۳)		
درصد	درصد	درصد	درصد	درصد		
۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	B	کوتاه (۴۹-۳۷)
۴/۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۳/۰۰	۱/۰۰	۲۱K	
۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	S	
۵۷/۰۰	۶/۰۰	۲۴/۰۰	۱۶/۰۰	۰۰۰	E	
۶۲/۰۰	۰۰۰	۲۲/۰۰	۲۲/۰۰	۲/۰۰	C	
۲۸/۰۰	۰۰۰	۱۲/۰۰	۲۶/۰۰	۰۰۰	P	متوسط (۵۹-۵۰)
۴۲/۰۸	۰۰۰	۷/۸۹	۲۴/۱۹	۰۰۰	B	
۴۶/۰۰	۰۰۰	۱۶/۰۰	۲۶/۰۰	۴/۰۰	۲۱K	
۸۲/۰۰	۶/۰۰	۲۸/۰۰	۴۲/۰۰	۰۰۰	S	
۱۴/۰۰	۴/۰۰	۲۲/۰۰	۶/۰۰	۲/۰۰	E	
۲۴/۰۰	۲/۰۰	۱۸/۰۰	۱۴/۰۰	۰۰۰	C	درار (۶۰-۳۷)
۶۲/۰۰	۰۰۰	۸/۰۰	۵۴/۰۰	۰۰۰	P	
۵۷/۸۶	۲/۶۳	۳۱/۵۶	۲۲/۶۷	۰۰۰	B	
۵۰/۰۰	۳/۰۰	۲۱/۰۰	۲۵/۰۰	۱/۰۰	۲۱K	
۱۸/۰۰	۰۰۰	۸/۰۰	۱۰/۰۰	۰۰۰	S	
۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	E	مجموع
۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	C	
۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	P	
۲۸	۲/۶۳	۲۹/۴۵	۵۷/۸۶	۰۰۰	B	
۱۰۰	۳/۰۰	۳۷/۰۰	۵۴/۰۰	۶/۰۰	۲۱K	
۵۰	۲/۰۰	۴۶/۰۰	۵۲/۰۰	۰۰۰	S	
۵۰	۱۰/۰۰	۶۷/۰۰	۲۲/۰۰	۲/۰۰	E	
۵۰	۲/۰۰	۵۰/۰۰	۴۶/۰۰	۲/۰۰	C	
۵۰	۰۰۰	۲۰/۰۰	۸۰/۰۰	۰۰۰	P	

اختلاف آشکار بین گروه ایران و گروه عراق وجود دارد. در ایران در طبقه خیلی باریک (x-۲۹) و متوسط (۵۰ - ۵۹) افراد زیادتری قرار میگیرند تا در عراق.

وقتی بزرگترین تقسیم بندی یا تقسیم بندی مرکب را در نظر بگیریم می بینیم که ۸۰ درصد سربازان عراقی از لحاظ عرض و طول بینی در طبقه متوسط واقع میشوند. از اعراب کیش ۶۴ درصد از حیث عرض متوسط و دراز هستند در - حالیکه ۴۲ درصد بینی آنها در عرض متوسط و در طول متوسط است. از بادیه نشینان بائج ۵۵/۲۳ درصد بینی شان از حیث عرض متوسط و دراز است.

ده نشینان یزدخواست و کناره تقریباً دارای تناسب یکسان هستند و دارای بینی باریک متوسط و متوسط تا کوتاه میباشند اگرچه مردم یزدخواست موارد زیادتری طول زیاد و موارد کمتری عرض زیاد دارند و این مطلب نکته ایست که نه بوسیله معدل گیری و نه توسط سیستم سه گانه طبقه بندی ها وارد آشکار میشود. در میان یهودیها ۶۹/۶۲ درصد دارای بینی متوسط در عرض و متوسط در طول هستند و در طبقه بین سربازان عراقی و اعراب کیش واقع میشوند. در میان لرها ۵۸/۸۰ درصد دارای بینی دراز و متوسط در عرض هستند و این میزان مساوی تعداد بادیه نشینان بائج است با این فرق که ۳۴/۱۹ درصد بادیه نشینان بائج دارای بینی باریک متوسط و متوسط از حیث طول هستند در صورتیکه فقط ۱۷/۶۴ درصد لرها در این طبقه قرار میگیرند و تمایل مختصری به بینی پهن متوسط دارند.

بطور کلی مصریها و هندیها دارای بینی کوتاهتر و بجز پاتانها عریضتر از مردم ایران و عراقند. در هندوستان نمونه های چتری و پاتان با یکدیگر اختلاف دارند در حالیکه ۶۴ درصد طبقه چتری دارای بینی کوتاه و عریض متوسط هستند پاتانها ۶۲ درصد در طبقه طول و عرض متوسط ۲۶ درصد در طبقه کوتاه و باریک متوسط و عده کمی در طبقه کوتاه و پهن متوسط قرار دارند.

مصریها بین این دو انتها قرار میگیرند. و ۵۰ درصد دارای بینی کوتاه و متوسط پهن ۳۲ درصد در طبقه طول متوسط و عرض متوسط دارند.

در بین سه گروه مصر و هندوستان هیچ فردی دارای بینی دراز نیست و در بین بادیه نشینان بائج و سربازان عراقی فرد دارای بینی کوتاه یا خیلی باریک وجود ندارد. در بین لرها فرد دارای بینی خیلی باریک و در بین ده نشینان یزدخواست فرد دارای بینی خیلی پهن نیست.

برای نشان دادن تمایلات قسمت مشرق این ناحیه ارقام گوها را درباره مردم هندوستان در اینجا نقل می کنیم.

هندوستان (نقل از گوها)

مردم	تعداد	طول بینی	عرض بینی	شاخص بینی
برهمن بنگال	۵۰	۵۴/۲۰	۳۶/۵۸	۶۷/۷۱
کیاستا بنگال	۱۰۰	۵۴/۶۱	۳۷/۰۹	۶۸/۱۱
پاد بنگال	۵۰	۵۱/۱۸	۳۶/۶۶	۷۱/۸۱
برهمن اوریسا	۱۴۳	۵۱/۷۶	۳۶/۳۶	۷۰/۴۶
برهمن ایالات متحده	۵۰	۵۳/۶۴	۳۷/۱۸	۶۹/۵۶
راجپوت	۵۰	۵۲/۳۸	۳۶/۵۶	۷۰/۰۳
نمبودیری	۵۵	۵۱/۹۸	۳۷/۲۲	۷۲/۲۸
نیر	۶۰	۵۲/۳۲	۳۷/۷۰	۷۲/۳۷
برهمن تمیل	۵۰	۵۱/۳۸	۳۶/۸۲	۷۱/۹۲

واضح است که مردم هندوستان متمایل بداشتن بینی کوتاهتر و پهن‌تر از سه گروه عراقی میباشند. از طرف دیگر مردان یزدخواست و کناره اختلاف کمی با آنها دارند ولی از سری هندوستان بینی باریکتر دارند. شاخص های بینی گروههای ایران و عراق بطور تحقیق کمتر از شاخصهای مردم هندوستان است.

طول بینی*

ایران

مردم	تعداد	میانگین	نویسنده
یزدخواست	۴۶	۵۱/۲۲	
کناره	۷۴	۵۱/۶۶	فیلد
یهودیهای اصفهان	۸۶	۵۳/۸۲	
لر پشت کوه	۵۱	۶۲/۲۲	

عراق

سربازان عراقی (حله)	۶۳	۴۶/۴۶	بکستون و رایس
کارگران کیش	۱۰۰	۴۷/۵۸	
یهودی	۳۷	۵۶/۰	ویسنبرگ

* - ایران : عجمی (۹) ۵۲/۰، شانتر-عجمی (۲) ۵۸/۰ . هوسی بختیاری

(۳) ۶۵/۰۰ . هوسی.

فیلد	{ ۵۷/۰۲	۲۲۱	سربازان عراقی
	{ ۵۸/۵	۳۵۸	اعراب کیش
اھریک	{ ۵۸/۵۲	۳۳	عرب
	{ ۵۸/۸۱	۳۱	ترکمن
فیلد	۵۹/۹۰	۳۵	بادیه‌نشینان باھج
مشی	۵۰/۲۴	عربستان	
		۲۹	عرب
ماوراء اردن			
شنکلین	{ ۵۴/۶۶	۱۲۰	بادیه‌نشینان اکیدت
	{ ۵۵/۴۲	۱۷۵	بادیه‌نشینان موالی
فلسطین			
اسپیدبام	۴۵/۳۳	۲۷	سامری
ھاکسلی	۵۵/۰	۳۵	سامری
سوریہ			
شنکلین	۵۵/۱۱	۲۷۰	بادیه‌نشینان روالہ
سلتزر	۵۵/۲۲	۲۶۴	سوریہ‌ای
اناطولی			
پیتارد	۵۲/۴۸	۲۰۰	ترک
ھسلوک و مورانت	۵۳/۹۵	۲۰۰	ترک
واگنسبیل	۵۶/۲	۴۴	ترک (اسمیرنہ)
	۵۶/۲	۳۵	ترک (داردانل)
	{ ۵۶/۳	۴۶	ترک (بروسہ)
	{ ۵۶/۶	۴۶	ترک (کستمونی)
	۵۷/۰	۳۰۶	ترک (توتال)
	۵۷/۲	۴۶	ترک (قونیہ)
	{ ۵۷/۸	۵۳	ترک (آنکارا)
{ ۵۸/۶	۳۴	ترک (ایالات شرقی)	
کروفوت	۵۸/۸۰	۱۵	بکناش (آنکارا)

مردم شناسی جسمانی ایران - ۶۲۷

آسوری	۲۲	۵۲/۰	شانتر
	قفقاز		
ارمنی	۲۵	۵۳/۰	هردلیشکا
ارمنی	۲۹۲	۵۳/۹۸	شانتر
ارمنی	۲۰	۵۵/۰	ویسنبرگه
ارمنی	۱۹	۵۵/۷۹	فنارکرت
ارمنی	۷۵	۵۶/۲۸	بواز
ارمنی	۱۰۱	۵۹/۹۳	سلنزر
لزگی	۱۱	{ ۵۱/۰	شانتر
تاجیک (دره کورا)	۲۹	{ ۵۲/۴۸	
یهودی	۲۰	{ ۵۷/۰	ویسنبرگه
یهودی (گرجستان)	۳۳	{ ۵۸/۰	
گرجی	۹۰۰	۶۰/۰	ژاواخف
	کردستان		
کرد (سوریه)	۳۵	۴۹	
کرد (شمال عراق)	۲۲	۵۰	شانتر
کرد (خارپوت)	۲۳	۵۲	
کرد (پلیکانی)	۳۰	۵۳	
کرد	۶۳	۵۵/۸۶	پیتارد
کرد (میلانلی)	۲۰	۵۶	شانتر
کرد (عراق)	۱۳	۵۸/۹۲	اهریک

وقتی هفت گروه ایران و عراق را با گروههای سایر قسمتهای جنوب غربی آسیا مقایسه میکنیم مشاهده میشود که از لحاظ طول اعراب جنوب (۵۰/۲۴) و دو گروه کرد (۴۹/۰ - ۵۰/۰) نزدیکتر و کمی کمتر از کوتاهترین گروه ایران است و همچنین یهودیهای اصفهان بینی شان از بینی یهودیهای عراق و قفقاز کوتاهتر است. بینی بادیه نشینان اکیدت و موالی و رواله و سامریها تقریباً ۴ میلیمتر درازتر از بینی اعراب جنوب است. در اناطولی ترکیها بینی شان در حدود ۵ میلیمتر درازتر از بینی ایرانیها است. در قفقاز تنوع زیاد است. لزگیها و تاجیکها و آسوریهای اناطولی نزدیک و شبیه دو گروه ایران هستند بقیه بنظر میرسد کمی زیادتر باشند. ۹۰۰ نفر گرجی بینی شان از همه درازتر است (۶۰/۰) کردها بین ۴۹/۰ و ۵۸/۹۲ هستند ولی سری شانتر از عراق شمالی نزدیک به دو گروه ایرانند. گروههای عراق نسبتاً دارای بینی دراز و لرها و بختیارها دارای بینی

خیلی دراز هستند .
در عرض ظاهراً اختلاف کم است ولی چون خود این اندازه کوچک است
این اختلافات دارای اهمیت نسبی است .

عرض بینی*

ایران

مؤلف	میانگین	تعداد	مردم
فیلد	۳۲/۸۱	۷۴	کناره
	۳۲/۸۴	۴۶	یزدخواست
	۳۴/۱۹	۸۶	یهودیهای اصفهان
	۳۵/۷۵	۵۱	لر پشت کوه

عراق

بکستون و رایس	۳۳/۴۷	۶۳	سربازان عراقی (حله)
	۳۳/۷۴	۱۰۰	کارگران کیش
ویسنبرگ	۳۴/۰	۳۷	یهودی
فیلد	۳۴/۷۶	۲۲۲	سربازان عراقی
	۳۴/۸۲	۳۵	بادیه نشینان بائج
اھرک	۳۵/۰	۳۱	ترکمن
	۳۵/۳۹	۳۳	عرب
فیلد	۳۵/۴۲	۳۵۹	اعراب کیش

عربستان

مشی	۳۵/۱۰	۲۹	عرب
-----	-------	----	-----

ماوراء اردن

شنکلین	۳۶/۲۸	۱۱۸	بادیه نشینان اکیدت
	۳۶/۸۲	۱۷۵	بادیه نشینان موالی

فلسطین

هاکسلی	۳۷/۰	۳۵	سامری
اسپیدبام	۳۷/۷۷	۲۷	سامری

سوریه

سلتزر	۳۴/۷۶	۲۴۶	سوریه‌ای
-------	-------	-----	----------

* ایران : عجمی (۹) ، ۳۵ ، شانتر = عجمی (۲) ، ۳۸/۰ ، هوسی =
بختیاری (۳) ، ۳۹/۰ ، هوسی ،

شکلین	۳۵/۰۰	۲۷۰	بادیه نشینان رواله
		اناطولی	
	۳۴/۴	۴۶	ترك (بروسه)
	۳۴/۹	۳۵	ترك (داردانل)
واگنسیل	{ ۳۴/۹	۴۴	ترك (اسمیرنه)
	۳۵/۳	۴۵	ترك (کستمونی)
	۳۵/۳	۳۰۴	ترك (توتال)
۳۵/۶۵ هسلوک ومورانت		۲۰۰	ترك
واگنسیل	{ ۳۵/۹	۵۳	ترك (آنکارا)
	{ ۳۵/۹	۴۷	ترك (قونیه)
کروفوت	۳۶/۰۷	۱۵	بکتاش (آنکارا)
پیتارد	۳۶/۶۳	۲۰۰	ترك
زوپانیچ	۳۷	۴۷	ترك (عثمانلی)
واگنسیل	۳۸/۰	۳۴	ترك (ایالت شرقی)
شاتر	۳۵/۰	۲۲	آسوری
		قفقاز	
توارجانویچ	۳۰/۴۰	۱۰۵	ارمنی
ویسنبرگ	۳۳/۰	۲۰	ارمنی
هردلیشکا	۳۵/۶	۲۵	ارمنی
شاتر	۳۵/۶۰	۲۹۲	ارمنی
فنارکرت	۳۵/۷۴	۱۹	ارمنی
بواز	۳۷/۱۷	۷۵	ارمنی
سلنزر	۳۷/۹۶	۱۰۱	ارمنی
ژاواخف	۳۴/۰	۹۰۰	گرجی
ویسنبرگ	{ ۳۴/۰	۳۳	یهودی (گرجستان)
	{ ۳۵/۰	۲۰	یهودی
شاتر	{ ۳۵/۹۶	۲۹	تاجیک (دره کورا)
	{ ۳۶/۰	۱۱	لزگی
		کردستان	
شاتر	{ ۳۵	۳۰	کرد (بلیکانی)
	{ ۳۵	۲۳	کرد (خارپوت)

کرد (عراق)	۱۳	۳۵/۱۵	اھریك
کرد (سوریه)	۳۵	$\left\{ \begin{array}{l} ۳۶ \\ ۳۶ \\ ۳۹ \end{array} \right.$	شاقتر
کرد (میلانی)	۲۰		
کرد (عراق شمالی)	۲۲		

بختیارها پهن‌ترین بینی (۳۹/۰) را دارند ولی از آنجائیکه بین طول بینی و عرض بینی بحد زیادی رابطه متقابل موجود است بینی بزرگ عرض‌تر از سایر بینی‌ها میشود. عرض بینی یکی از گروه‌های کرد شانتر از شمال عراق نیز ۳۹/۰ است ولی طول بینی فقط ۵۰/۰ است درحالیکه این اندازه در مورد بختیارها ۶۵/۰ است. اگرچه بینی‌لرها ۱۰ میلیمتر درازتر است فقط ۳ میلیمتر عرض‌تر از معدل سایر گروه‌های ایران است.

از حیث عرض بینی گروه‌های عراق و اعراب جنوب و سوریه‌ایها بنظر میرسد فقط ۲ میلیمتر عرض‌تر از بینی ده نشینان جنوب مرکزی ایران باشد اگرچه طول بینی این دسته نسبتاً درازتر است. بینی باده نشینان ماوراء اردن و سایر ریه‌های فلسطین ۳ تا ۴ میلیمتر عرض‌تر از گروه‌های ایران است. بینی ترک‌های اناطولی بین ۳۴/۴ و ۳۸ است ولی اکثریت آنها بین ۳۵/۳ و ۳۶/۶ قرار دارند. در قفقاز در بین ارامنه عرض بینی مختلف است و بین ۳۰/۴۰ و ۳۷/۹۶ میباشد و میانگین این اندازه برای ۲۹۲ نفر ۳۵/۶۰ است. بینی کردها چندین میلیمتر عرض‌تر از دو گروه ایران است. وقتی رابطه بین طول و عرض بینی بررسی میشود شاخص بینی طبق طبقه بندی زیر قرار میگیرد.

شاخص بینی

مجموع	سی بی		سی متوسط		سی نارنگ		میانگین		مردم
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
		(x-۸۳/۵)		(۸۳/۴-۶۷/۵)		(۶۷/۴-x)			
۵۱	۰	۰	۱۱/۷۶	۶	۸۸/۲۴	۴۵	۵۷/۴۲	لرها	
۲۵	۰	۰	۸/۵۲	۳	۹۱/۴۲	۲۲	۵۸/۰۶	بادیه نشینان بائیس	
۳۵۸	۰/۵۶	۲	۱۷/۸۸	۶۵	۸۱/۵۶	۲۹۲	۶۱/۱۴	اعراب کیش	
۲۲۱	۰	۰	۱۷/۱۹	۳۸	۸۲/۸۱	۱۸۳	۶۱/۶۶	سرباران عراقی	
۸۵	۰	۰	۲۷/۰۶	۲۳	۷۲/۹۴	۶۲	۶۳/۸۶	یهودها	
۷۴	۵/۴۱	۴	۲۷/۰۳	۲۰	۶۷/۵۷	۵۰	۶۴/۵۴	کماره	
۴۶	۴/۳۵	۲	۳۰/۴۳	۱۴	۶۵/۲۲	۳۰	۶۴/۶۲	پردخواست	

اکثریت در طبقه بینی باریک هستند با تماس به بینی متوسط. تعداد افراد بینی پهن بقدری کم است که قابل ملاحظه نیست ولی باید توجه داشت که در دو گروه جنوب مرکزی ایران ۴ تا ۵ درصد در این طبقه یافت میشود. شاخص بینی ده نشینان یزد خواست ۶۴/۶۲ و کناره (۶۴/۵۴) زیادتراً از گروههای عراق است و علت آن همین تمایل به بینی پهنی است.

شاخص بینی*

ایران

مؤلف	میانگین	تعداد	مردم
فیلد	۵۷/۴۲	۵۱	لر پشت کوه
	۶۳/۸۶	۸۵	یهودیهای اصفهان
فیلد	۶۴/۵۴	۷۴	کناره
	۶۴/۶۲	۴۶	یزد خواست
عراق			
فیلد	۵۸/۰۶	۳۵	باده نشینان بایج
اهریک	۵۹/۴۹	۳۱	ترکمن
ویسنبرگ	۶۰/۷	۳۷	یهودی
اهریک	۶۰/۷۳	۳۳	عرب
فیلد	۶۱/۱۴	۳۵۸	اعراب کیش
	۶۱/۶۲	۲۲۱	سربازان عراقی
بکستون ورایس	۷۱/۷۴	۱۰۰	کارگران کیش
	۷۲/۸۶	۶۳	سربازان عراقی (حله)
عربستان			
مشی	۷۱/۴۸*	۲۹	عرب

* ایران: بختیاری (۳) ۶۰/۰ هوسی = عجمی (۲) ۶۵/۵۲، هوسی-عجمی

(۹) ۶۷/۳ شانتردز فولی (۹) ۸۶/۰۰ هوسی.

ماوراء‌اردن

شکلین	{	۶۵/۹۵	۱۱۶	باده‌نشینان!کیدت
		۶۶/۲۶	۱۷۵	باده‌نشینان موالی

فلسطین

هاکسلی	{	۶۶/۴	۳۵	سامری
		۶۹/۸۷	۲۷	سامری

سوریه

سلتزر	۶۳/۲۶	۲۶۲	سوریه‌ای
شکلین	۶۳/۷۳	۲۷۰	باده‌نشینان رواله
شاتر	۷۲/۰۰	۴۲	انصاری (انطاکیه)

اناطولی

کروفوت	{	۶۱/۳۴	۱۵	بکتاش (آنکارا)
		۶۱/۴۱	۳۹	ترك (ایالات شرقی)
		۶۱/۸۱	۳۷	ترك (داردانل)
		۶۱/۹۶	۵۸	ترك (بروسه)
		۶۲/۳۹	۵۶	ترك (کستمونی)
		۶۲/۴۰	۶۰	ترك (آنکارا)
		۶۲/۴۲	۳۶۴	ترك (توتال)
واگنسیل	{	۶۳/۰۳	۵۷	ترك (اسمیرنه)
		۶۳/۳۶	۵۷	ترك (قونیه)
		۶۶	۴۷	ترك (عثمانلی)
		۶۹/۲۰	۲۰۰	ترك
زوپانیچ				
هسلوکو				
مورانت				
پیتارد	{	۶۹/۲	۳۰۰	ترك (عثمانلی)
		۶۹/۷۴	۲۰۰	ترك
شاتر		۲۲	آسوری	

قفقاز

ویسبرگ	۶۰/۰	۲۰	ارمنی
پانتیوخف	۶۰/۴	۱۱۰	ارمنی
سلتزر	۶۳/۸۰	۱۰۱	ارمنی
فنارکرت	۶۴/۱۶	۱۹	ارمنی
پیتارد	۶۶/۰	۱۲۵	ارمنی
یواز	۶۶/۰۴	۷۵	ارمنی
شاتر	۶۶/۰۴	۲۹۲	ارمنی
هردلیشکا	۶۷/۱۷*	۲۵	ارمنی
ژاواخف	۵۶/۶	۹۰۰	گرجی
ویسبرگ	{	۵۸/۶	یهودی (گرجستان) ۳۳
		۶۱/۴	یهودی ۲۰
الکیند	۶۲/۰	۰۰۰	یهودی روس
شاتر	{	۶۴/۵	گرجی ۰۰۰
		۶۶/۰۴*	تاتار (یروان) ۱۷
		۶۶/۰۴	تاتار (آذربایجان) ۱۹
دنیگر	۶۶/۵	۵۳۴	اوست
شاتر	{	۶۶/۶۴	تاجیک (دره کورا) ۲۹
		۶۶/۶۷*	تاتار (آرالیچ) ۱۶
گیلچنکو	۶۶/۸	۰۰۰	اوست
شاتر	۶۷/۳۱*	۱۵	تاتار (آرخوری)
پیتارد	۶۷/۸	۱۵۲	لاز
شاتر	۷۰/۵۹	۱۱	لزگی
گردستان			
اهریک	۵۹/۶۵*	۱۳	کرد (عراق)
ایوانوسکی	۶۲/۴	۳۰۰	کرد
پیتارد	۶۳/۹۴	۶۳	کرد

	۶۳/۲۹*	۲۰	کرد (میلانی)
	۶۶/۰۴*	۳۰	کرد (بلیکانی)
شائمر	۶۷/۳۱	۲۳	کرد (خارپوت)
	۷۳/۴۷*	۳۵	کرد (سوریه)
	۷۸/۰۰*	۲۲	کرد (عراق شمالی)

ترکستان

دنیگر	۶۶/۸	۲۷	گلچاس
ایوانف	۷۱/۸	۲۰	قرقیز
سیلاند	۷۴/۹	۴۰	قره قرقیز
جوئیس	۷۸/۳	۰۰۰	طرفان

افغانستان

هادون	۸۰/۵	۰۰۰	هزاره
-------	------	-----	-------

بلوچستان

پیتارد	۶۹/۴	۶۰	بلوچی
هادون	۷۰/۹	۰۰۰	براهوئی (ساراوان)

این جدول نشان می‌دهد که لرها و بختیاریهای ایران و گروههای عراق بعضی از گرجیها و آرامنه و یهودیهای قفقاز حتی اکثر بینی باریکی را در این ناحیه دارند. بکتاش و ترکهای اناطولی و اگنسیل و بادیه نشینان سوریه و رواله و آرامنه قفقاز و گروههای ایران در درجه بعد قرار میگیرند. در انتهای دیگر میزان مردم ترکستان و افغانستان و بلوچستان و عربستان جنوبی و انصاریها و کردهای شائمر از سوریه و شمال عراق قرار دارند که حداکثر تمایل به بینی پهنی بین آنها دیده میشود. گروههای دیگر در وسط واقع میشوند اعراب جنوب (۷۱/۴۸) بیشتر تمایل به بینی پهنی هستند ولی بادیه نشینان اکیدت (۶۵/۹۵) و موالی (۶۶/۲۶) و رواله (۶۳/۷۳) با اینکه با بادیه نشینان بائج (۵۸/۰۶) فرقی دارند نزدیک بگروههای ایران میباشند. در اینجا باید خاطر نشان ساخت که در اثر آوردن غلام و برده افریقائی در ایام قدیم و جدید اثر نفوذ خون سیاه پوست در میان بادیه نشینان وجود دارد و این امر در اندازه های بینی خوب آشکار میشود.

مردم شناسی جسمانی ایران - ۶۸۵

ترکان اناطولی حدود قابل ملاحظه نشان میدهند (۶۹/۷۴ تا ۶۱/۳۴) اکثریت در حدود ۶۲/۴۲ هستند و عده زیادی نیز در حد بین (۶۹/۷۴ تا ۶۷/۲) قرار دارند. در قفقاز آرامنه بین ۶۷/۱۷ و ۶۰/۰ هستند و اکثریت آنها کمی از گروههای ایران زیادترند. در تمام این ناحیه کوهستانی در این اندازه اختلاف و تنوع زیاد است (۵۶/۶-۷۰/۵۹) که حاکی از وجود عناصر نژادی متعدد و مختلف است و این مطلب علاوه بر اساس شاخص بینی از مطالعه زبان و فرهنگ و مردم شناسی نیز مشهود میگردد.

در میان ساکنین کردستان نیز اختلاف قابل ملاحظه (۵۹/۶۸-۷۸/۰) وجود دارد ولی اکثر آنها اختلاف زیادی با گروههای ایران ندارند. شاخص بینی در ترکستان بین ۶۶/۸ و ۷۸/۳ میباشد ولی بعلت کمی تعداد و پراکندگی گروه بحث بیشتر در باره آن میسر نیست. بنظر میرسد که شاخص بینی بلوچها از ساکنین فلات ایران زیادتر باشد. چنانکه از جدول صفحات قبل دیده می شود مردم هندوستان دارای بینی کوتاه تر و پهن تر از مردم ایران و عراق می باشند.

واضح است که در اینجا پخش جغرافیائی شاخصهای بینی مورد بحث قرار نگرفته است. در بعضی از ممالک حد تنوع و اختلاف بقدری زیاد است که برای تعیین اختصاص نژادی مطالعه جداگانه هر گروه لازم است. میتوان گفت که تکنیک اندازه گیری بینی بخصوص طول بینی و اشکال تعیین و پیدا کردن بیخ بینی پیش از هر اندازه گیری دیگر مورد اشتباه واقع میشود. اختلافات در اندازهها ممکن است مربوط با اختلاف در طرز عمل و مشاهده باشد و عالم مردم شناس در نتیجه گیری از اطلاعات موجود باید منتهای دقت را بخرج دهد.

اندازهها و شاخصهای بینی را مورد بررسی قرار دادیم و اینک باید شکل بینی را بصورت جدول نشان دهیم. چنانکه از جدول زیر مشاهده میشود شکل بینی در ایران تحت پنج طبقه بندی و در عراق تحت چهار طبقه بندی بررسی شد.

شکل بینی

موجدار	مقعر	راست	محدب	مقعر و محدب	
۳/۹۲	۰۰۰	۴۹/۰۲	۴۵/۱۰	۱/۹۶	لرها
۲/۱۷	۱۰/۸۷	۳۹/۱۳	۴۳/۴۸	۴/۳۵	یزدخواست
۲/۹۹	۴/۴۸	۳۴/۳۳	۵۲/۲۴	۵/۹۷	کناره
۱/۱۵	۱۴/۹۴	۳۲/۱۸	۴۷/۱۳	۴/۶۰	یهودی‌ها
۰۰۰	۱۱/۰۰	۵۷/۶۰	۲۰/۱۰	۱۱/۳۰	اعراب کیش
۰۰۰	۹/۹۰	۵۷/۰۰	۳۱/۰۰	۲/۱۰	سربازان عراقی
۰۰۰	۱۵/۷۹	۷۳/۷۰	۲/۶۳	۷/۸۹	بادیه‌نشینان بایج

جدول بالا نشان می‌دهد که اکثر ایرانی‌ها و عراقی‌ها بینی راست یا محدب دارند و بیشتر بینی‌ها راست است. در میان چهارگروه ایران در حدود نیمی از افراد اندازه‌گیری شده بینی عقابی داشتند و این تعداد حاکی از آنست که این خصوصیت در فلات ایران بوجود آمده است. این آمار و ارقام با ضافه مطالعه عکسها سبب آن شده است که دکتر هوتن (b ۱۹۳۷ - ص ۲-۱۷۱) نظر زیر را که از کتاب وی نقل شده است اظهار می‌دارد:

د مرکز پخش فعلی و شاید ناحیه تشخیص این بینی‌های محدب (با نوک فرو رفته و جدار محدب و پره منحنی) بطور قطع فلات ایران است. عملیات محلی اندازه‌گیری اخیر دکتر هنری فیلد در ایران و عراق که هنوز کاملاً منتشر نشده کاملاً آشکار می‌سازد که یک نوع نژادی اساسی در این ناحیه دارای خصوصیات سرخیلی دراز و صورت دراز و بینی برجسته عقابی گاهی راست ولی معمولاً میباشند. تحدب این بینی ظاهراً بوسیله اختلاط و ازدواج در نوعهای دیگر و مجاور تأثیر کرده است و لسی تردیدی نیست که اصل آن از نژاد فلات ایران است عقیده من براینست که بینی باصطلاح نوع ارمنی که قاشقی شکل و نوک آن اغلب فرو رفته است از اختلاط این نوع ایرانی با نوع سر کوتاه بینی پهن بوجود آمده است. اگر این مطلب درست باشد بینی باصطلاح ارمنی بینی دورگه است. و همچنین احتمال میرود که بینی خیلی باریک عقابی که در میان

اعراب از نژاد مدیترانه دیده میشود و نیز بینی محدب یهودیها از این منبع آمده باشد. عادت معمولی نامیدن بینی یهودی بعنوان نوع ارمنی بر این اساس ناصحیح است.

این نوع بینی برجسته عقابی که احتمالاً از فلات ایران سرچشمه گرفته نه تنها بشکل مختلط و تحریف شده توسط مردمان مغرب و جنوب بلکه مردم شمال و مشرق اخذ و کسب شده است. در افغانستان و شمال هندوستان دیده میشود. بوسیله نژاد ترك در سمت شمال ایران میان نژاد مغول و بالاخره در آمریکا پخش شده است. درباره ارث شکل بینی بقدر کافی اطلاعات داریم که بطور نسبتاً یقین بگوئیم که بینی محدب بلندطبق تعریف مندل بر بینی پست مقعر نوک کوتاه که بچگانه تر است تفوق و برتری دارد. این مطلب در مطالعه اختلاط سیاهپوست و سفید پوست در آمریکا خوب مشهود است.

در میان باده نشینان شمال عربستان و صحرای سوریه شنکلبین (۱۹۳۵- ص ۳۷۹) دید که مردم رواله دارای بینی بلند راست از نوع نژاد سامی میباشند. از ۱۰۵ فرد که شکل بینی آنها ثبت شد ۹۶ نفر (۹۱/۴ درصد) بینی راست و ۵ نفر (۴/۸ درصد) بینی محدب و ۴ نفر (۳/۸ درصد) بینی مقعر داشتند. در ۸۰ نفر (۷۶/۲ درصد) بینی فشرده و در ۲۳ نفر (۲۱/۹ درصد) متوسط و در ۲ نفر (۱/۹ درصد) باز بود. اندازه گیری بینی رواله مشهودات ما را تأیید میکند که بینی آنها دراز و باریک است.

قبل از آنکه از بحث در باره شاخص بینی بگذریم باید توجه خواننده را به کتاب پروفیسور آرثر تامسن و دکتر دادلی بکستون تحت عنوان «شاخص بینی بشر و رابطه آن با وضع آب و هوا» جلب نمائیم. در این کتاب (۱۹۲۳ ص ۱۱۵-۱۱۶) این دو نویسنده اینطور نتیجه میگیرند: «شواهد و مدارک ما را معتقد میسازد که بینی دارای شاخص بینی پهن با آب و هوای مرطوب و گرم و بینی دارای شاخص بینی باریک با آب و هوای خشک و سرد بستگی و ارتباط دارد و وضع بینی متوسط مربوط میشود با آب و هوای گرم و خشک و سرد مرطوب. رابطه متقابل مثبت بینی شاخص بینی و درجه حرارت در مورد مرد زنده وجود دارد و همچنین بین شاخص بینی و درجه رطوبت نسبی. برای آزمایش این نتایج فورمولهای مربوطه را محاسبه کرده ایم و از روی اطلاع درباره درجه حرارت و رطوبت شاخص بینی

محاسبه و با مشاهدات حقیقی مقایسه شود .

جدول زیر که در آن بکستون و تامسن آمار شاخص بینی را نسبت به درجه حرارت و رطوبت و آب و هوای گروههای مصر و قفقاز و عراق و ایران و هندوستان میدهند شباهت عجیبی بین شاخصهای بینی مشاهده شده و شاخصهای بسوسیله فورمول محاسبه شده نشان میدهد . ولی خواننده باید متوجه اختلاف قابل ملاحظه بین شاخصهای بینی مشاهده شده جداول بالا و آنهاست که توسط علمای دیگر مردم شناسی در این ناحیه ثبت شده باشد .

شاخص بینی و رابطه آن با آب و هوا

مردم	تعداد	شاخص مشاهده شده	شاخص محاسبه شده	درجه حرارت فریجات	درصد رطوبت	آب و هوا
مصریهای ماسر	۱۲۷	۵۰/۶	۵۰/۵	۷۸/۶	۴۴	گرم - خشک
اراضه	۱۰۵	۵۹/۵(۴)	۷۰/۸	۶۰/۰	۶۷	سرد - معتدل
ایرانیها و گرجیهای تفلیس	۶۷	۶۷/۵	۶۸/۴	۵۵/۰	۶۷	سرد - معتدل
پنجابیها (ترك دایرانی)	۱۴۰	۶۸/۸	۷۷/۶	۷۶/۴	۶۳	گرم و معتدل
ایرانیها		۷۰/۰	۷۰/۲	۵۶/۴	۷۲	سرد و معتدل
پنجابیها (هندو آریایی)	۳۱۲	۷۱/۴	۷۷/۶	۷۶/۴	۶۳	گرم و معتدل
راچپوتها	۴۲۰	۷۴/۴	۷۷/۷	۷۹/۳	۵۵	گرم و خشک
یهودیها (بنیاد)	۲۷	۷۵/۰	۷۴/۹	۷۲/۶	۵۹	گرم و خشک
ایالات متحده هند (آریایی و دراویدی)	بزرگ	۸۰/۸	۷۹/۶	۷۷/۲	۶۹	

اندازهها و شاخصهای گوش

گفته شده است که طول و عرض و شاخص گوش ظاهراً اهمیت زیادی ندارند ولی این مطلب ممکن است تا حدی بعلت فقدان اطلاعات و آمار تطبیقی باشد .

اندازهها و شاخصهای گوش

ایران

مردم	تعداد	عرض گوش	طول گوش	شاخص گوش	مؤلف
لر (پشت کوه)	۵۲	۳۲/۶۱	۵۷/۱۸	۵۶/۸۲	
یزدخواست	۴۶	۳۵/۶۱	۵۸/۷۰	۶۱/۹۸	فلید
یهودیهای اصفهان ۷-۸۶		۳۵/۷۹	۵۸/۹۸	۶۱/۱۴	
کناره	۷۳	۳۶/۳۳	۵۹/۵۴	۶۱/۹۰	

عراق

فیلد	{	۶۰/۹۴	۵۹/۸۲	۳۶/۰۶	۲۲۱-۲	سربازان عراقی
		۵۷/۰۶	۶۲/۲۶	۳۵/۳۱	۳۵۹	اعراب کیش
		۵۹/۰۶	۶۲/۴۲	۳۶/۴۱	۳۵	بادیه نشینان بائج

ماوراء اردن

شنکلین	{	۵۲/۷۸	۶۲/۱۰	۳۲/۷۴	۱۱۲	بادیه نشینان اکیدت
		۵۱/۷۱	۶۲/۵۶	۳۲/۲۶	۱۶۸	بادیه نشینان موالی

سوریه

شنکلین	۵۴/۹۷	۶۰/۴۸	۳۳/۱۲	۲۷۰	بادیه نشینان رواله
--------	-------	-------	-------	-----	--------------------

اندازه گوش گروههای ایران کوتاهتر از گروههای عراق است. بادیه- نشینان بائج گوششان از همه درازتر است. از لحاظ طول گوش بادیه نشینان اکیدت و موالی خیلی شبیه بادیه نشینان بائج هستند ولی گوش بادیه نشینان رواله کمی کوتاهتر است.

حداکثر عرض گوش خارجی ارتباط نزدیک با طول گوش دارد و هر دو اندازه با بالا رفتن سن زیادتر میشوند لرها و بادیه نشینان موالی و اکیدت و رواله باریکترین گوش (۳۲/۲۶ - ۳۳/۱۲) و بادیه نشینان بائج پهن ترین گوش (۳۶/۵۱) را دارند. میان یهودیهای اصفهان و ده نشینان یزدخواست و کناره و اعراب کیش و سربازان عراقی خیلی اختلاف نیست (۳۵/۳۱ - ۳۶/۳۳).

در جدول بالا دیده میشود که سه گروه بادیه نشینان ماوراء اردن و سوریه پائین ترین شاخص گوش (۵۱/۷۱ تا ۵۴/۹۷) را دارند و این مطلب از جهت آنکه آنان درازترین و باریکترین گوش را دارند محل تعجب نیست. بر عکس بادیه نشینان بائج (۵۹/۰۶) با آنها خیلی فرق دارند زیرا عرض گوش آنها زیادتر است. بین یهودیهای اصفهان و ده نشینان یزدخواست و کناره شباهت زیاد از این حیث وجود دارد (۶۱/۱۴ - ۶۱/۹۸). شاخص گوش لرها پائین تر است زیرا گوش آنها نسبتاً از سایر گروههای ایران باریکتر است.

موقعیت نژادی ساکنین معاصر ایران

در این آخرین قسمت سعی میشود موقعیت نژادی ساکنین ایران نشان

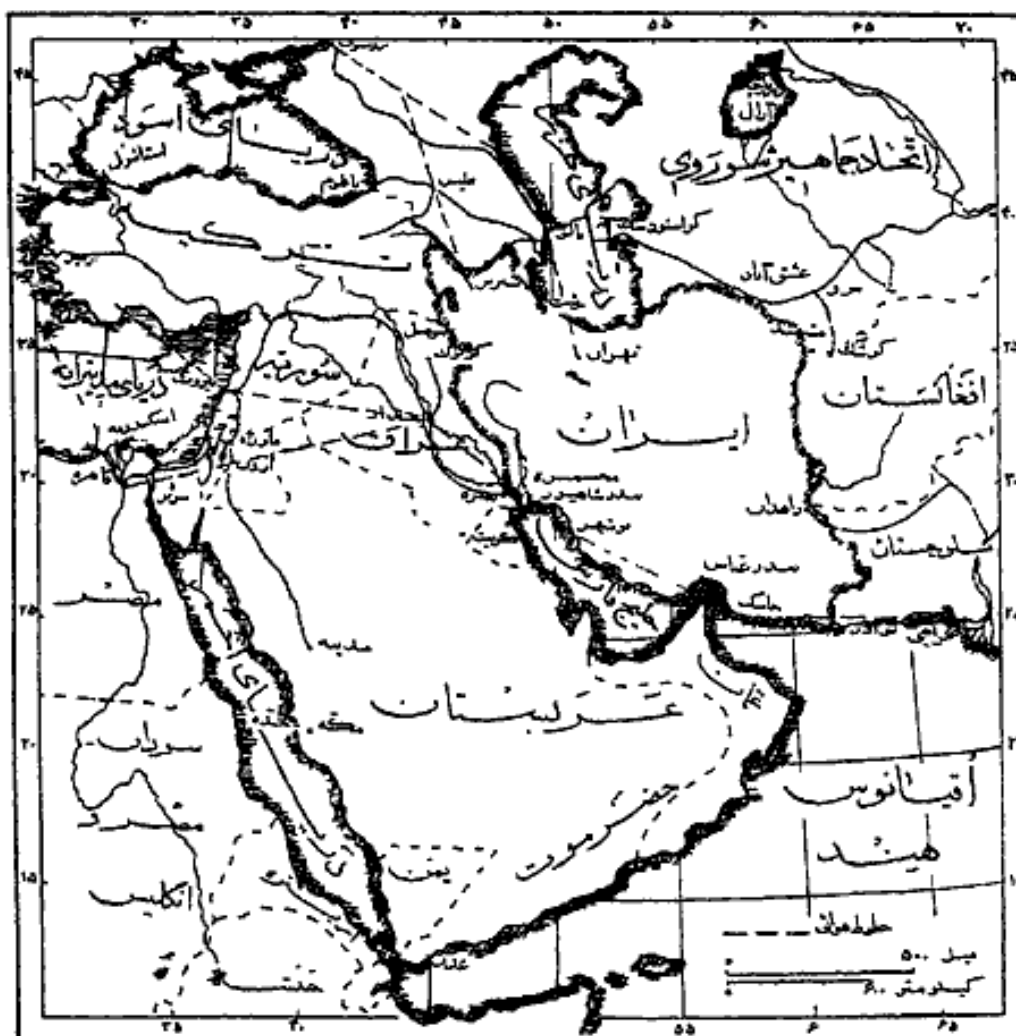
داده شود . از آنجائیکه مطالب و اطلاعات مردم شناسی و اندازه گیری از مردم زنده و از اسکت مرده بسیار کمیاب است این بحث شاید دشوار بنظر رسد و در باره آن باید با احتیاط قدم برداشت . ولی خلاصه مختصر ممکن است برای بحث مفصلتر وقتی مطالب جدید بدست آمد مفید واقع شود .

موقعیت جغرافیائی ایران

نقشه دنیا بر اساس طرح مرکاتور موقعیت ایران را تقریباً بمسافت مساوی بین منچوگو و استرالیا و جنوب افریقا و جزائر بریتانیا قرار میدهد . مطالعات کوه شناسی قاره آسیا نشان میدهد که ایران در خط طبیعی مهاجرت بین آسیای مرکزی و افریقا و بین آسیای مرکزی و اروپا قرار دارد .
شاهراههای مهاجرت = نظری به وضع جغرافیائی ایران بیاندازیم . جنوب غربی آسیا که شامل ایران و عراق و ماوراء قفقاز و اناطولی و سوریه و فلسطین و ماوراء اردن و شبه جزیره عربستان میباشد دور تا دور آنرا آب فرا گرفته بجز مرز شرقی ایران و ماوراء قفقاز که رشته جبال قفقاز در آن قسمت مانع جغرافیائی تشکیل میدهد . بنا بر این تنها راه بسمت مغرب از مرکز آسیا به جنوب غربی آسیا از ایران میگردد .

موقعیت جبال هند و کش در افغانستان و سلسله جبال بلوچستان که از سمت جنوب تا ساحل مکران ادامه دارد این راه را مشخص تر میسازد . در داخله شرق ایران رو بمغرب يك سلسله موانع طبیعی دیگر در مقابل مهاجرت وجود دارد که عبارت باشند از سلسله جبال البرز و دشت کویر و صحرای لوت . بدین ترتیب مهاجرت مفصل در ازمنه اخیر از سمت مشرق فقط در امتداد ساحل بین سلسله جبال البرز و دریای خزر و از راههای بین این کوهستانها و یا از طریق مرزهای بین ایران و افغانستان و ایران و بلوچستان تا حوالی بمپور امکان پذیر بود . نقشه ایران در اول کتاب بخوبی نشان میدهد که دره‌ها در جهت شمال غربی قرار دارد بطوریکه مهاجرین در رسیدن به شمال غربی ایران با مشکلات جغرافیائی مواجه میشدند .

سهولت نسبی مسافرت بخصوص برای مهاجرت به و از هندوستان وجود داشت ولی دره سند تا حدی بوسیله سلسله جبال جنوب بلوچستان از ایران جدا شده است . در حالیکه کوهستان براهوئی و سلسله جبال مکران مرکزی و سلسله جبال ساحل مکران ایجاد موانع و مشکلات میکند مساحت ۴۵۰ میل بین حیدر-آباد سند و گوادرمات از حرکت اقوام اولیه نمیشد .



شکل ۱۹ - موقعیت جغرافیائی ایران

تردید نیست که این خصوصیات مهم جغرافیائی نقش عمده در مهاجرت اقوام و ملل بسوی مغرب یعنی ایران بازی کرده است. بعقیده نویسنده علاوه بر موانع طبیعی کوهستانهای صعب العبور و صحراهای بی‌آب سواحل دریای خزر از زمان عصر حجر منطقه تب خیز بوده و مسافرت از طریق شمال البرز را مشکل میساخته است. در نتیجه راه اولی که در بالا ذکر شد شاید در طی اعصار کم‌اهمیتترین راهها بوده است.

گردنه‌های سلیمانیه و رواندیز و عقرا حرکت و مسافرت بین فلات ایران و دشت عراق را ممکن میساخته است.

آب و هوا = از آنجائیکه آب و هوای فعلی ایران (رجوع شود به شکل ۱ نقشه بارندگی) بطور تفصیل در اول کتاب مورد بحث قرار گرفته احتیاجی

به تکرار نیست بجز آنکه توجه خواننده به پخش جنگلها و مراتع و صحراها جلب شود (شکل ۲). آب و هوای ایران بطور قابل ملاحظه با آب و هوای عراق در سمت مغرب و دره سند در سمت مشرق فرق دارد . ضمناً ذکر این نکته شایان توجه است که الزورث هانتینگتون Ellsworth Huntington (۱۹۳۸ - ص ۴۳۳ - ۴۳۵) در جستجوی برای آن قسمت از دنیای قدیم که در ازمه ما قبل تاریخ آب و هوای آن بازندگی بشری و حاصلخیزی و امید بقاء متناسب باشد باین نتیجه رسید که جنوب ایران تنها منطقه‌ای بوده که شرایط لازم را داشته است . از این بحث و عوامل دیگر هانتینگتون پیش بینی میکند و معتقد است که ممکن است ایران محل اصلی نشو و نمای بشر اولیه باشد .

آب و هوای ایران در عهد باستان نا معلوم است ولی احتمال دارد که خشکی بخصوص در بعضی نقاط که اکنون قابل سکونت نیست آغاز شده بود . تنها مشاهده نویسنده در این مورد در سواحل دریاچه مهارلو بود که اکنون باطلاق نمک‌زاری است و در زمان قدیم مردم عصر حجر در آنجا زندگی میکردند . آقای برون زمین شناس شرکت نفت ایران و انگلیس در شیراز به نویسنده گفت که در سواحل شرقی دریاچه مهارلو نزدیک دریاچه نیریز و در ناحیه کوهگلو شواهد و علائم خشکی سازی مشاهده کرده است بنظر میرسد که در لبه های دشت کویر علائم و شواهد حاصلخیزی در ازمه قدیم بدست آید .

در سمت مغرب در صحرای سوریه و شمال عربستان نویسنده شواهد حاصلخیزی در زمان قدیم مشاهده کرده است . تمام منطقه جنوب غربی آسیا در زمانی که بطور تقریب میتوان آنرا بین ۶۵۰۰ تا ۷۰۰۰ سال قبل قرار داد تحت تأثیر انقلابات جوی و آب و هوایی قرار گرفته است .

گریفیث تیلور Griffith Taylor (ص ۸۱ و ۱۳۱-۱۴۱) معتقد است که در اثر تقلیل بارندگی سطح دریای خزر بین ۴۳۸ قبل از میلاد و سال ۲۰۰ میلادی در حدود ۱۵۰ پا پائین رفته است .

بعلاوه پیدایش دو سطح طوفان که توسط هیئت اعزامی موزه فیلد و دانشگاه اکسفورد کشف شد ، حاکی از تغییرات مهم محلی در آب و هوا و میزان بارندگی و برف در کوههای اناتولی در شمال عراق میباشد .

بطور کلی همه شواهد و مدارک دال بر آنستکه در زمان قدیم منطقه جنوب غربی آسیا بسیار حاصلخیز بود و در نتیجه انقلابات و تغییرات زمین‌شناسی و آب و هوا به ناحیه خشک و صحرای بی‌آب و علف تبدیل شده است . نقش صحرا در محدود کردن نواحی قابل مهاجرت و موقعیت اقتصادی آنها در طبیعت هنوز

بطور دقیق مورد مطالعه و بررسی قرار نگرفته است ولی نقشه آب و هوای دنیا يك رشته ممتد صحرا را از حد غربی صحرائی افریقا از راه ربع الخالی عربستان و دشت کویر و دشت لوت در ایران و صحرائی بلوچستان و قره‌قوم و قزل قوم در ترکستان شوروی و تکه‌مکان و صحرائی گوبی در آسیای مرکزی که شامل مسافتی در حدود ۹۰۰۰ میل می‌شود آشکار می‌سازد. این مناطق بیشتر خشک و غیر قابل سکونت بوده است. در واقع تحقیقات باستان‌شناسی خلاف آنرا ثابت میکند و علائم و آثار زندگی انسانی در این نواحی بی‌آب و خشک و غیر قابل سکونت پیدا شده است. همه شواهد و مدارک حاکی از حاصلخیزی این نواحی در ازمینه قدیم می‌باشد و چون انقلابات جوی و تغییرات آب و هوا را میتوان ثابت کرد احتمال قوی میرود که وضع این نواحی کاملاً عوض شده و آنکه غیر قابل سکونت فعلی زمانی محل زندگی اجداد ما بوده که بعلمت تغییرات آب و هوا مجبور به ترك آن شده بودند. این مسئله محتاج مطالعه و تحقیق بیشتر است ولی نتیجه مطالعات دکتر سون‌هدین و سراورل ستاین و دانشمندان دیگر اطلاعات جالب توجهی درباره آسیای مرکزی در اختیار ما قرار میدهد.

گل و گیاه = گل و گیاه ایران در فصل دوم (ص ۱۷-۲۵) مورد بحث قرار گرفته است. در کوهپایه‌های شمالی سلسله جبال البرز از ارتفاع ۳۰۰۰ پا تا ساحل خزر گل و گیاه از نوع مدیترانه است ولی در ارتفاعات زیادتر تا قله دماوند که ۱۸۶۰۰ پا ارتفاع دارد گل و گیاه منطقه شمالی دیده می‌شود. قسمت صحرائی فلات بتدریج گل و گیاه را تغییر داده و از نوع صحرا می‌سازد که از سمت مشرق تا دره سند ممتد است. بدین ترتیب در قسمت گل و گیاه در ایران تنوع زیادی مشاهده می‌شود و علائم تنوع گیاههای کاشته شده نشان می‌دهد که منطقه جنوب غربی آسیا یکی از پنج مرکز عمده کشاورزی دنیا بشمار می‌آید.

در ۱۹۲۴ موسسه گیاه‌شناسی عملی لنینگراد هیئتی تحت ریاست واویلو N.I. Vavilov و عضویت بوکینیچ Bukinich و لبدوف Lebedev با فنانستان فرستاد. گزارش این هیئت که مکمل کار اچیسون Aitchison است بطور کلی مربوط بوضع کشاورزی است ولی مطالبی درباره خصوصیات جسمانی مردم نیز در آن یافت میشود.

در مورد خصوصیات کلی گیاههای کاشته شده افغانستان و رابطه آنها با کشورهای مجاور واویلو و بوکینیچ مطلب خلاصه‌زیرا را اظهار میدارند: «چنانکه از تحقیق درباره تنوع و اختلاف گیاههای کاشته شده برمی‌آید افغانستان و کشورهای مجاور آن بخصوص منطقه شمال غربی هندوستان یکی از مهمترین مراکز کشاورزی

اولیه دنیا بشمار می‌آید و از آنجا است که تنوع يك سلسله عمده گیاهان ریشه گرفته است. این مسئله بوسیله مطالعه در تنوع يك سلسله گیاهها و محصولات و انطباق ناحیه تنوع بسیاری از محصولات عمده اروپا ثابت شده است.

واویلو Vovilov (۱۹۳۲b - ص ۳۳۱-۳۳۲) می‌نویسد : « پنج مرکز عمده مهم‌ترین محصولات تعیین گردیده است. یکی از این مراکز منطقه جنوب غربی آسیا است. مطالعه دقیق گیاههای کاشته شده افغانستان که توسط پرفسور واویلو و همکارانش بعمل آمد محل دقیق هر يك از این محصولات را معین مینماید. حتی در خود افغانستان میتوان گفت که گوشه جنوب شرقی از نظر اهمیت یکی از مخازن Genes است. مطالعه تطبیقی گیاههای کاشته شده پنجاب و کشمیر و همه هندوستان نشان میدهد که گوشه بین‌هندو کش و هیمالیایا باید از بین همه نواحی جنوب غربی آسیا مشخص دانست.

از طرف دیگر مریل Merrill (۱۹۳۶ - ص ۴۳۰ - ۴۳۹) در باره تمدن و گیاه اطلاعات زیر را میدهد : « چنانکه كوك گفته است مورخین و دیگران (از جمله مردم‌شناسان و نژادشناسان و نویسندگان مشابه آنها) که اطلاعی از زیست‌شناسی ندارند اغلب بعضی از عوامل عمده کشف محل مراکز اولیه تمدن و فرهنگ را در نظر نمیگیرند. كوك این مطلب را که بر همه زیست شناسان آشکار است تأکید میکند که ناحیه مدیترانه محل و مرکز نمو بومی کشاورزی نبوده است زیرا مهم‌ترین محصولاتیکه زندگی و فرهنگ مردم مدیترانه بر آن قرار داشت برای آن محل بیگانه بود و در ازمنه ماقبل تاریخ و حتی ازمنه تاریخ از نواحی دیگر آورده شده بود.

« بدین طریق برای رد ادعای کسانی که معتقدند کشاورزی و تمدن در دره نیل آغاز گردید باید خاطر نشان ساخت که حتی يك محصول و گیاه کاشته شده توسط مصریان قدیم بومی آن ناحیه نبوده است و همین مطلب درباره مرکز دیگر تمدن در جنوب غربی آسیا یعنی دره بین‌النهرین نیز صادق است. قبل از آنکه بتواند اطلاعات و معلومات کشاورزی خود را بوضع و شرایط مختلف دره‌های بزرگ فرات و دجله و نیل منطبق نماید کشاورزی در خارج این دو منطقه در نقطه‌ای در جنوب غربی آسیا میبایست نمو کرده و بصورت هنری درآمده باشد.

مطالب و بیانات متناقض بالا عالم مردم شناس را در حال تردید و نامعینی قرار میدهد ولی عقیده شخمر، نویسنده متمایل به نظر واویلو است در تاپستان

۱۹۳۴ در لندن گراد این مطلب را شخصاً با وی بحث کرد . بعلاوه در میان مجموعه‌های مؤسسه گیاه‌شناسی انواع جدید و انواع فرعی بسیاری از غلات از افغانستان و ترکستان و ایران و کردستان و قفقاز موجود است که میرساند که این قسمت آسیا یکی از مراکز نمو کشاورزی بود و علت آن وجود انواع متعدد نباتات و بخصوص غلات در آن میباشد .

حیوانات = حیوانات ایران شامل تعداد قابل ملاحظه‌ای از انواع مختلف میباشد که بعضی از آنها رابطه با حیوانات آسیا و افریقا و اروپا دارند . در فصل دوم بررسی مختصری درباره حیوانات ایران بعمل آمد و میتوان گفت که ایران بهیچوجه از منطقه تمتد و پیوسته بهم جدا نبوده است .

مطالعه و تحقیق درباره وضع آب‌وهوای قدیم و جدید و طرزپخش و قرار گرفتن جنگلها و مراتع و اراضی کشت و صحرا و تعداد و پخش انواع مختلف گل و گیاه و حیوانات اهلی و نمو انواع مردم و مراکز تمدن و ارتباطات متقابل این عوامل بایکدیگر بسیاری از مطالب و گوشه‌های تاریک مردم‌شناسی را روشن و رابطه مطالب موجود را باهم آشکار خواهد کرد .

ساکنین ایران

اکنون میپردازیم به شواهد زندگی و اشغال بشری ایران از دوره عصر حجر تا زمان حاضر .

عصر حجر = بررسی دوره ماقبل تاریخ ایران تاکنون بطور کامل صورت نگرفته است . شواهد منفی از نواحی بزرگ مملکت شاید گمراه کننده باشد زیرا نقشه‌های مناطق عصر حجر برای قسمت عمده از ایران هنوز پرنشده و سفید باقی مانده است . من همیشه حس کرده‌ام که در اظهار عقیده کلی از روی نقشه باید در نظر داشت که آیا مناطق ثبت نشده روی نقشه بعلمت عدم حفاری یا اکتشافات بوده یا اینکه مطالعات و حفاری صورت گرفته و نتیجه مطلوب بدست نیامده است . مطلب اخیر درباره ایران جایز نیست و از شواهد ظاهری که من در ۱۹۳۴ بدست آوردم پیش بینی میکنیم که مناطق عصر حجر و حتی مهمتر از آن بقایای اسکت و استخوان بندی شکارچیان عصر حجر قدیم کشف خواهد شد . اکنون برگردیم به شواهد و مدارک قلیل موجود در سواحل غربی دریاچه مهارلو در جنوب شرقی شیراز . نویسنده در دامنه سنگی دوپناهگاه سنگی ابزار سنگی از

نوع ابزار عصر حجر پیدا کرد . در ماه مارس ۱۹۳۷ دکتر دروسی گارود Dr. Dorothy A.E. Garrod از دانشگاه کمبریج که چند نمونه را در مجموعه موزه فیلد بررسی کرد اظهار عقیده نمود که این ابزار از لحاظ فرهنگ شباهت دارد به نوع ابزاری که وی چندین سال قبل در غارهای کردستان عراق پیدا کرده بود . علاوه بر این شاهد مختصر درباره وجود بشر قبل از دوره حجر قدیم در ایران آقای برون عضو شرکت نفت انگلیس و ایران در ارتفاع ۸ هزار پا از سطح دریاچه نبریز دو قطعه یا ورقه سنگ از نوع متعلق به دوره عصر حجر که بنام موستیر Movstier نامیده میشود پیدا کرده است . این دو قطعه توسط آبه - برویل Abbè Breuil آزمایش شد و طبقه بندی آنرا تأیید کرد . این اکتشافات مهم در جای دیگر (ص ۵۵۲ - ۵۵۳) مفصلاً مورد بحث قرار گرفته است . نظر باینکه اکتشافات اخیر متعدد در فلسطین و سوریه و در نزدیکی آنکارا و توسط هیئت اکتشافی موزه فیلد در صحرای شمال عربستان در سالهای ۱۹۲۷ و ۱۹۲۸ و ۱۹۳۴ در ماوراء اردن و در سوریه و در عراق در شمال کرکوک بعمل آمده وجود يك سلسله محلّهای عصر حجر از سواحل شرقی مدیترانه تا جبال زاگرس کردستان عراق ثابت شده است . شواهد جدید ایران منطقه جنوب غربی ایران را با مدیترانه مرتبط میسازد . در عصر حجر قسمت جنوبی بین النهرین یعنی عراق زیر آب بود بطوریکه خط مهاجرت بسمت مشرق یا مغرب میبایست از جنوب سلیمانیه میگذشته و در این محل است که نویسنده و دروسی گارود مستقلاً و جداگانه ابزار سنگی آن دوره را کشف کردیم (گارود ۱۹۳۷ - ص ۳۳ - ۴۰ - فیلد b ۱۹۳۵ ص ۴۶۲) .

کشف بشر ایرانی *Homo Iranicus* و رابطه جسمانی او با بشر نئاندرتال نمای (Neanderthaloids) اتلیت در فلسطین در سمت مغرب و بشر هندی *Homo Indicus* در سمت مشرق بسیاری از مسائل مربوط به پخش بشر از منه قدیم و بخصوص رابطه ساکنین اولیه خاورمیانه را با ساکنین اروپا حل خواهد کرد . شواهد باستانشناسی اخیر حاکی از آنستکه چنین رابطه وجود داشته و جنوب غربی آسیا ممکن است آن قسمت از سطح زمین باشد که در آن نوع بشر نشو و نما کرده است (الیوت اسمیت ص ۵۰ و فیلد ۱۹۳۴) . بنابراین در قسمت تحقیقات آینده ایران مفتاح مطالعات بشمار میآید نه تنها برای حلقه رابط بین

مدیترانه و هند بلکه در جهت شمال شرقی با آسیای مرکزی و شمال غربی با قفقاز و اناطولی .

يك بار ديگر بايد توجه خواننده را به موقعیت مرکزی جغرافیائی ایران نسبت به سرزمین دنیای قدیم جلب کرد . قدیمترین بقایای انسانی و کهنه ترین اسباب و ابزار نشانه بزرگترین انشعاب و گسترش ممکنه از ایران که مرکز فرضی ما است می باشد . وقتی از روی نقشه به پراکندگی و گسترش *Pithecanthropus* و *Sinanthropus* در سمت شرقی آسیا و بشر رودزی *Homo Rhodesiensis* یا اجداد او در افریقای جنوبی و بشر سوانسکمب *Swanscombe* و ابزار سنگ چخماق او و همچنین مصنوعات بشری لبه رودخانه تیمز در انگلستان نگاه کنیم می بینیم که شواهد بشر اولیه در يك قسمت مرکزی قاره بزرگ پیدان شده بلکه در کناره ها و حاشیه های آن یعنی در چین و افریقای جنوبی و انگلیس کشف شده است . (فیلد - ۱۹۳۴) .

من توجه خواننده را به موقعیت مرکزی ایران نسبت به این سه منطقه اجدادی بشر جلب کرده ام ولی شاید مهمتر آن باشد که پخش محل های زندگی عصر حجر اطراف ایران را نشان دهیم . ما شواهد فرهنگی بشر را در مراحل مختلف تمدن عصر حجر ولی البته نه معاصر یکدیگر در نقاط زیر در دست داریم :

محل های بسیاری در هندوستان بسمت جنوب شرقی آسیا در داخل هند و چین ؛ از مرکز آسیا به ورخولسنگا یا گورا نزدیک ایرکوتسک و نقاط دیگر سیبری به شمال شرقی با محل های دویس خورلی ، چپاتوری ، گوارد - ژیل اسخلده ، هول رودلف - ویرشو و مناطق دیگر در ناحیه قفقاز ؛ غارها و محل های روی زمین نزدیک سلیمانیه و کرکوک و رواندیز و عقرا ؛ رشته محل های روی زمین از رطبه به مدیترانه ؛ حفریات در تبقه کنار دریاچه گالیلی نزدیک اقلیت در فلسطین ؛ و در سوریه و ماوراء اردن (گارود ۱۹۳۷ - ص ۳۳ - ۴۰) . در يك مراسله خصوصی پرفسور جان - مایرز از دانشگاه اکسفورد بنویسنده اطلاع داد که در تفحصات سال ۱۹۳۸ در نزدیکی انکارا پنج ابزار و آلات از نوع عصر حجر بدست آمده که هنوز مطالب مربوطه بآن منتشر نشده است .

علاوه بر شواهد حاصله از نزدیکی دریاچه مهارلو و نیریر این مطلب که حفریات و مطالعات در هندوستان تا مدیترانه وجود بشر عصر حجر را در دو انتهای ایران ثابت میکند دال بر آنستکه پسر عصر حجر و فرهنگ آن در ایران

نیز پیدا خواهد شد .

عصر حجر جدید = میتوان با کمال اطمینان تصور کرد که مردمان عصر حجر جدید کم و بیش همان خط مهاجرت پیشینیان خود را تعقیب کردند بخصوص در داخله يك مملکت که موانع طبیعی آن ناچار از قبول راههای مورد استفاده میساخت. بنا بر این تحقیقات آینده باید در نقاط زیر صورت گیرد در امتداد مرز شرقی در غارها و پناهگاههای سنگی از لرستان و تا کردستان و محللهای مناسب در سلسله جبال البرز در زیر ترین سطوح حفاری يك مرحله فرهنگ که تصور میرود متعلق بعصر حجر جدید باشد پیدا شده و شواهد و علائم به یافتن يك رشته محللهای متعلق به عصر حجر جدید در سراسر ایران امید بخش است .

عصر مس = سر اورل استاین Sir Aurel Stein (۱۹۳۷g) اخیراً بررسی مقدماتی باستانشناسی مرزهای ایران و هندوستان را تمام کرده و در این تحقیقات آثار زیادی از دوره مس و دوره های بعد پیدا شده است . وی حلقه ها و رابطه بین تمدن اولیه دره سند و بین النهرین را بوسیله بررسی و بازدید نواحی بین این نقطه کشف نموده است .

طبق نظر فرانکورت هر کجا که در جنوب غربی آسیا حفاریات عمده صورت گرفته سطوح زیرین نه تنها شامل فلز است بلکه اصالت شکل های این ابزار و آلات اولیه مس ثابت میکنند که ما حق داریم بطور قطع از دوره مس صحبت کنیم . دوره تاریخی اولیه = حفاریات در نقاط مختلف بخصوص در شوش و دامغان و ری و تخت جمشید و ژیان و شاه تپه و تورنگ تپه و حنائی تپه ترتیب طبقه یابی کلی تمدن و فرهنگها را آشکار ساخته و در بعضی موارد بقایای اسکلت انسانی برای مطالعات مردم شناسی و اندازه گیری بدست آمده است . نکته مهمی که در این جا باید بآن توجه داشت اینست که در دوره های اولیه تاریخ بنظر میرسد بین بین النهرین در مغرب و دره سند در مشرق ارتباط مستقیم فرهنگی وجود داشته است . و همچنین تبادل فرهنگ با ناطولی و ماوراء قفقاز و ترکستان بعمل آمده است . وقتی انتشارات نهائی مربوط به شهرهای قدیمی تپه گواره - تل بیله - خرس آباد - تل اتمر - خفاجه - سلوسی - کیش - اور - العبیه - تلو - اوروک و ورقه در بین النهرین و مهنجودارو - هاراپا - نال - بیانا - تاکسیلا - نالاندا - امری - روپار و سیالکوت در هندوستان آماده و آشکار شد خواهیم توانست رابطه بین ساکنین قدیم این نواحی و درجه تبادل تمدن و فرهنگ و نفوذ آنها را بریکدیگر پیدا کنیم .

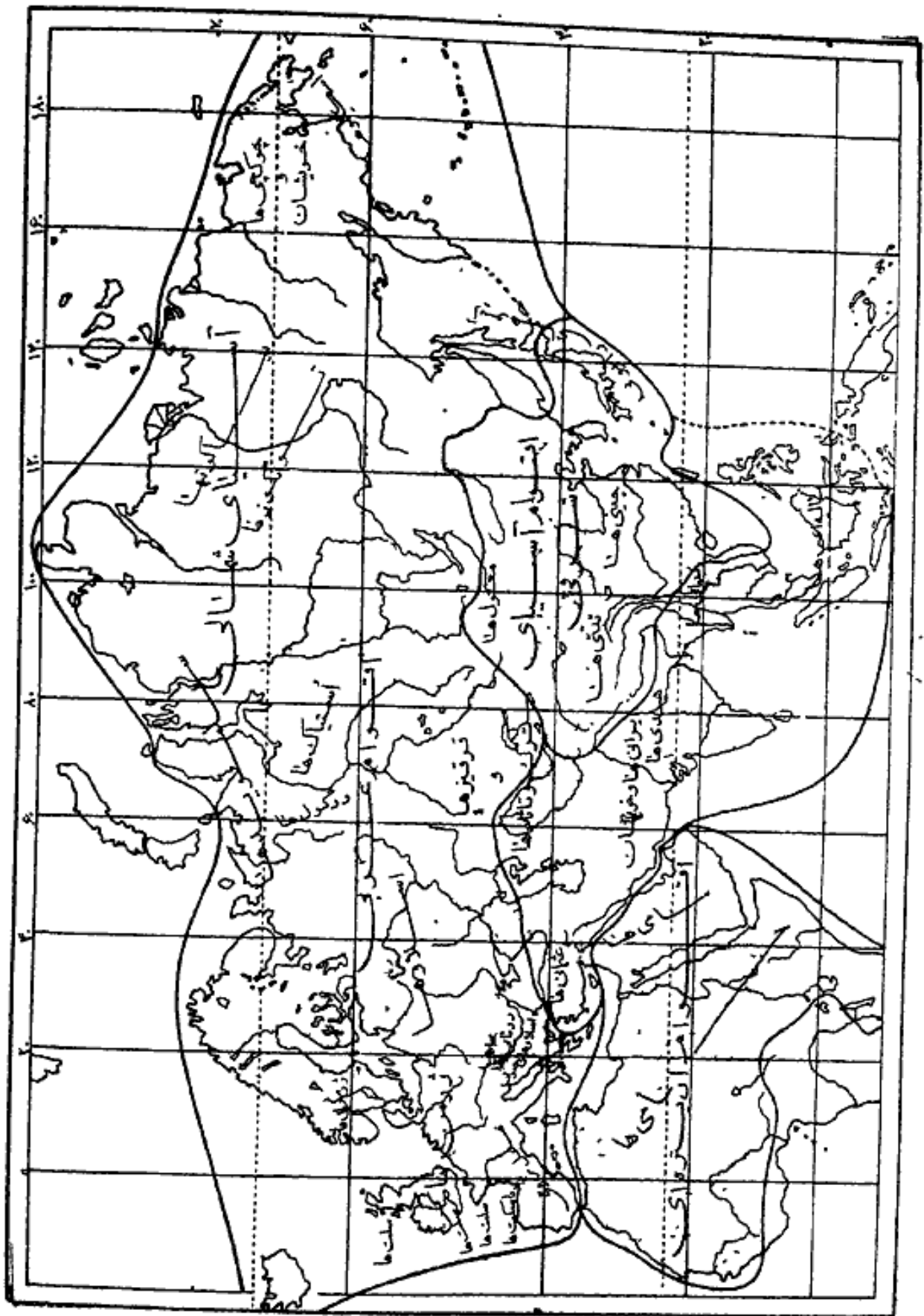
برای تکمیل این تصویر اطلاعات اضافی از نقاط زیر ضرورت دارد :

اناطولی - ارمنستان - آذربایجان شوروی - لنکوران - ترکستان - تاجیکه - پامیر - التائی - افغانستان - و بلوچستان .

دوره تاریخی پسین = امواج مهاجرت و تهاجمات متعدد تاحدی در فصل ۲ و ۳ این کتاب مورد بحث قرار گرفته است . اگر چه در ظاهر محتمل بنظر میرسد که این تهاجمها و مهاجرتها در جمعیت عصر جدید تأثیر کرده باشد نتیجه مطالعات در دره نیل و عراق نشان میدهد که در طی شش هزار سال گذشته که دوره تاریخی است عناصر اصلی جمعیت بصورت اصلی باقیمانده و تغییر در آن خیلی مختصر بوده است . انتظار میرود که این مطلب درباره ایران نیز صادق باشد . همینکه در نتیجه بررسی دقیق و اندازه گیری صحیح نوعهای اصلی کاملاً مشخص شد تعیین رابطه آنها با عناصر نژادی مختلف نه تنها در داخله مرزهای ایران بلکه ارتباط خارجی آنها با مردم عراق و اناطولی و قفقاز و ترکستان و افغانستان و بلوچستان ممکن و میسر خواهد گردید .

مردم عصر حاضر = در صفحات گذشته شواهد وجود بشر در مراحل تمدن عصر حجر قدیم و جدید مورد بحث قرار گرفت . اکنون باید بطور خلاصه موقعیت نژادی مردم فعلی ایران را نسبت بمردم آسیا و افریقا و اروپا مطالعه کنیم . قبل از ادامه این مبحث باید نقشه را تنزل (شکل ۲۰) را که موقعیت نژادی مردم جنوب غربی آسیا را نشان میدهد بدقت بررسی کنیم .

در مورد عراق کیت (ص ۱۹۰) شرح زیر را میدهد: در سمت شمال در مناطق کوهستانی موطن ایرانیان و مردم مشابه قرار دارد . در گروه ایران میتوان مردم آسیای صغیر را بشمار آورد (را تنزل آنها را عثمانی خوانده است) . کلیه عربستان از دریای احمر تا خلیج فارس و از ساحل لبنان تا اوقیانوس هند از نظر را تنزل موطن اقوام سامی نژاد است . چنانکه نشان داده شده است اقوام سامی در سراسر شمال افریقا پراکنده و سواحل جنوبی مدیترانه را اشغال کرده اند . در سمت مغرب و جنوب عربستان که بوسیله دریای احمر جدا شده اقوام حامی مسکن دارند و قسمتی از افریقا در سمت مشرق نیل از قاهره در شمال تا زنگبار در جنوب را در اختیار دارند . در سمت مشرق ولی دورتر هندوستان است که اقوام تیره پوست یعنی دراویدیها در جنوب و ایرانی و دراویدی در شمال در آنجا زندگی میکنند .



شکل ۲۰ نقشه موقعیت نژادی اقوام جنوب غربی آسیا
(اقتباس از راتزل)

کیث (ص ۷۵ - ۷۶) مشاهدات خود را درباره اعراب بدینطریق خاتمه میدهد: «اعراب نسبت به سایر نژادهای بشری چه وضع و موقعیتی دارند؟ در بحث این مطلب باید رابطه عربستان را با مرزهای نژادی مجاور در نظر بگیریم. دریای احمر شبه جزیره عربستان را اقوام حامی افریقا که اغلب خون عرب نیز دارند جدا کرده است. عربستان بوسیله خلیج فارس و خلیج عمان از قاره آسیا جدا است. این خلیج يك مرز نژادی است که قوم عرب را از مردمی که با آن منسوب نیستند یعنی نوع هند و افغان جدا کرده است. و نیز در شمال قاعده شبه جزیره داخل مرز نژادی دیگری میشود که مرز جنوبی نژاد خالصتر قفقازی باشد. سپس در سمت خاور اقوام هند هستند که علاوه بر رنگ پوست قهوه‌ای و موی سیاه یا قهوه‌سیر شباهتهای زیادی با اعراب دارند. اگر فرض کنیم که نژادهای فعلی بشر در یا نزدیک مناطقی که فعلا زندگی میکنند راه تکامل پیموده و نشو و نما کرده است باید باین نتیجه برسیم که اعراب رابطه تکاملی با همه اقوام مجاور خود دارند. این مطلبی است که مادر طی آزمایش و مطالعات خود بدست آورده‌ایم. اعراب از بعضی خصوصیات با اقوام حامی افریقا و مردم دراویدی هند و آریائی هندوستان و مردمانی که از دروازه‌های هند تا ساحل شرقی مدیترانه سکنی دارند شریک است. قیافه و شکل عرب در ظاهر اغلب بقدری به قیافه نژاد قفقازی شباهت دارد که ممکن است او را با يك اروپائی جنوبی اشتباه کرد ولی رنگ او معمولا تیره‌تر از رنگ مردم جنوب اروپا است در ترکیب نژادی او بدون شك برخی صفات سیاهپوستی تشخیص داده میشود و این صفات است که او را با دراویدیها و حامی‌ها مربوط میکند.

« حال چگونه میتوان درباره مردمانی که از حیث قیافه و خصوصیات با نژاد قفقازی شبیه هستند و خصوصیات مشترك با نژادهای تیره پوست مجاور خود دارند و ساکن عربستان میباشد قضاوت کرد؟ برای تشریح این مطلب حوادث و ارتباط دیگری را باید مورد توجه قرار داد حتی امروز يك منطقه کمر بندی از نژاد رنگ دار دنیای قدیم را فرا گرفته است. در يك انتها سیاهپوستان افریقا و در انتهای دیگر سیاهپوستان ناحیه اوقیانوس کبیرند. در این کمر بند هندوستان در وسط قرار دارد و احتمال میرود که در دوران یخبندان همه این ناحیه بهم متصل بوده است. بنابراین فرضیه ساکنین اصلی عربستان رنگ دار و شبیه به حامی-

های آفریقا از یک سمت و دراویدیهای هندوستان در سمت دیگر بوده‌اند. در شمال این منطقه کمربندی سیاه دومرکز تکاملی دیگر وجود داشته است. یکی مغولیا در شمال هیمالیا و دیگری قفقازیا در شمال فلات کوهستانی که از هیمالیا از راه ایران با آسیای صغیر ممتد بوده است. در اینکه از مرکز مغولیا در سمت شرقی هیمالیا درازمنه اولیه مردمی بسمت جنوب عزیمت کرده و در زمانهای مختلف مغولیا از این راه وارد منطقه کمربندی شده و بسمت ناحیه اوقیانوس کبیر پراکنده شدند شکی نیست. در سمت مغرب هیمالیا مهاجرت قفقازیا بسمت جنوب صورت گرفت. در دوران یخبندان شبه جزیره بزرگ عربستان سرزمینی مورد توجه شکارچیان حادثه جو بوده است. مردم عربستان بدین ترتیب نمونه اختلاط دراویدیهای سیاهپوست میباشند که مهاجمین سمت جنوب یا حاشیه حامی مرکز قفقازی در آن راه یافته و با آن مخلوط شده‌اند. چنین فرضیه بسیاری از مسائل مربوط به ترکیب نژادی و قرابت ساکنین عربستان را حل میکند. آیا ممکن است که مرکز تکاملی نوع قفقازی تا عربستان ادامه یافته باشد؟ در اینصورت قوم عرب نژاد تکاملی‌تر بشمار خواهد آمد.

در حالیکه بنظر من ارتباط غیر قابل تردیدی بین ایرانیها و اعراب ساکن مغرب ایران وجود دارد میزان و حد این ارتباط از نظر شواهد مردم‌شناسی و اندازه گیری موجود باید با تردید تلقی گردد. در قسمتهای دیگر این فصل مقایسه های آماری و تشریحی گروههای اندازه گیری شده در ایران و عراق مورد بحث واقع شد. میزان ارتباط بین مردم ایران و عراق پس از انتشار کتاب نویسنده در باره مردم عراق روشن تر خواهد شد علی‌الخصوص که آن کتاب شامل مطالعات و گزارشی مربوط بکردهای کردستان عراق و اعراب آل بومحمد ولایت عامره میباشد.

در فصل سوم این کتاب اشارات تاریخی درباره ترکیب نژادی ساکنین ایران از زمان هروودوت تا سال ۱۹۳۸ ذکر شده است. در فصل چهارم نام قبایل و تیره‌ها و تعداد و محل اقامت آنها در تمام مملکت گردآوری شده. در فصل فعلی مردم شناسی جسمانی مردم ایران بر اساس اندازه گیریهای مختصر و غیر کافی نویسنده و اندازه گیریهای سایر مولفین مورد بحث واقع شده که شامل مسائل زیر میگردد؛ عناصر اصلی نژادی جمعیت؛ مشاهدات درباره استخوان بندی و

مطالب تطبیقی از نواحی جنوب غربی آسیا .

طبق مطالعات نویسنده عناصر اصلی جمعیت ایران از نوع مدیترانه‌است اگرچه تنوع و انحرافات قابل ملاحظه در آن مشاهده میشود . سردرازان فلات ایران از دو نوع مرکب هستند که عبارتند از يك دسته بینی راست و يك دسته دارای بینی بزرگ محدب ، دسته اولی محتملاً از حیث نژادی منسوب با پادیه- نشینان شمال عربستان هستند و دسته دومی ظاهراً در فلات ایران نمود کرده‌اند این دو نوع سردراز بینی باریک صورت باریک واحدهای مشخص جداگانه میباشند ولی در میان آنها افراد بیشماری که دارای درجات مختلف اختلاط دو نوع باشند وجود دارد .

بعلاوه نوع سر کوتاه فلات ایران از سه دسته ترکیب میشود . یکی دارای بینی راست یا مقعر دسته دیگر دارای بینی محدب زیاد و سرفرق بلند و پس سر صاف که نوع ارمنی را تشکیل میدهد و دسته سوم دارای بینی محدب و صورت دراز و سر بلند هستند که احتمال میرود از اختلاط با مردم ترکستان بوجود آمده باشند . بقیه از اینها در جمعیت فعلی ایران نوعهای اروپائی شمالی و جنوبی و مغولی و سیاهپوست و حامی دیده میشود وجود این افراد دارای شکل آسیائی و اروپائی و افریقائی نشانه ارتباط جسمانی بین ایران و مردم هر سه قاره میباشد . بعلاوه شواهدی در دست است که ایران از زمان عصر حجر قدیم محل زندگی بشر بوده و اختلاط و امتزاج قابل ملاحظه بین نژادهای مختلف در آن صورت گرفته که دلیل آن تماس و ارتباط بسیط فرهنگی میباشد که حفاریات و مطالعات تطبیقی آنرا آشکار کرده است .

در قسمت بحث ارتباطات خارجی ایران جدولهای مطالب تطبیقی از اندازه‌ها و شاخص‌های مردم جنوب غربی آسیا گردآوری و هر کدام در محل خود مورد بحث واقع شده است . در اینجا کافی است گفته شود که ساکنین فعلی قسمت جنوب مرکزی فلات ایران بنظر میرسد بیشتر منسوب ب مردم ساکن غرب و شمال غربی ایران باشند تا ب مردم قسمت شرق بجز ناحیه افغانستان و مردم شمال شرقی باستانی ترکمن‌ها .

بررسی اندازه گیری مفصل درباره افغانستان بعمل نیامده ولی دکتر گردن بولز Gordon T. Bowles از موزه پبیادی دانشگاه هاروارد در سال ۱۹۳۲ بایک

سری اندازه‌گیری‌ها و عکس‌هاییکه از افراد افغانی در کوهپایه جنوبی هیمالیا تا ایالت‌شان گرفته بود مراجعت کرد. دکتر بولز اجازه داد عکس‌های نوع‌های نژادی افغانستانرا که شامل ۱۷۲ فرد در چهار گروه است مطالعه کنم.

تعداد

- ۱- افغانی از کابل بسمت شرق تا جلال‌آباد ۵۰
- ۲- افریدی از جنوب تنگه‌خیبر و دره تیرا ۴۰
- ۳- مهمندی از شمال‌تنگه خیبر و شمال شرقی بجاور ۴۰
- ۴- پاتان - ختک و پنگش از جنوب غربی پشاور پشتوزبان ۴۲

۱۷۲

در طی تقریباً سه سال دکتر بولز از چندین هزار نفر اندازه‌گیری و عکسبرداری مشاهده کرد. بنا بر این بنظر من مناسب رسید که از او دعوت کنم عکس‌های چهار گروه ایران را مشاهده کند و نظر خود را درباره شباهت جسمانی و اختلافات آنها را با عکس‌هاییکه او از مشرق ایران یا برمه گرفته بود بدهد. دکتر بولز چنین اظهار نظر میکند: «بر اساس عکس‌های فردی چهار گروه ایران با شکل می‌توان مطمئن بود که این نمونه‌ها نماینده کافی مملکت یا ناحیه‌ای که متعلق بآنهاست باشند. فرض کنیم که این نمونه‌ها درست باشد چند عامل مهم در رابطه بین این گروه‌ها و مردم مشرق افغانستان و شمال غربی هندوستان می‌توان یافت. اولاً هیچیک از چهار گروه را نمی‌توان خیلی شبیه پاتانها که پشتو حرف می‌زنند تا مردم پنجاب دانست. استنباطی که از این مطلب می‌توان بدست آورد اینست که بنظر می‌رسد که عده زیادی عوامل غیر مشابه جسمانی وجود دارد اگر این عوامل در بسیاری موارد از نوعی است که مربوط بنوع شکل شناسی محلی است و اختلافات نژادی عمده را مشخص نمی‌سازد بطور کلی در ایران و افغانستان عناصر اصلی نژادی یکسان است. ثانیاً در ناحیه هند و افغان گاهی افرادی پیدا میشوند که خیلی

- ۱- افغانهاییکه دکتر بولز اندازه‌گیری کرد در طبقه سرد در از تاسر متوسط قرار دارند و قد آنها بین ۱۶۴ تا ۱۷۰ است. دکتر بولز فرد شماره ۳۳۰۲ (تصویر ۱۲۹ - شکل ۱ و ۲) مرا از همان نوع فرد افغانی شماره ۱۷۸۶ خود انتخاب کرد که مشخصات او عبارت است از سن ۴۰ - قد ۱۷۱/۰ - شاخص سر ۷۳/۰ - شاخص صورت ۹۷/۰ - شاخص بینی ۵۲.

شبهه افراد گروههای ایران هستند ولی رویهمرفته این امر اتفاقی است و تاحدی غیرعادی. شاید صحیح تر آن باشد که گفته شود اگرچه نمونههای معدودی در ناحیه هند و افغان پیدا میشود که شبهه افراد سریهای ایران هستند این نمونهها پراکنده و متفرق است و حاکی از نفوذ مختصر است و نه شباهت اساسی و کلی بین اکثریت مردم دو ناحیه. ثالثاً بنظر میرسد که این نمونههای اتفاقی مشابه بیشتر در ناحیه مغرب پهایری زبان کوهپایه ایالات شمالی بخصوص در ایالت چمبا و ناحیه کنگرا و ایالت کوهستانی سیملا پیدا میشود تا در ایالات مرزی شمال غربی و شمال غربی پنجاب و افغانستان شرقی. رابعاً نمونههای چندی از مردم پهایری غربی شمال پنجاب بطور اتفاق در ایران پیدا شده است. گروههای فرعی که این امر درباره آنها صدق میکند عبارتند از لاهولی لاهول - گدی یا پراهمسائوری و چوراهی چمبا و تا حدی دوگری و میرپوری و پونچی جنوب کشمیر و دشت پنجاب بین رود سند و ساتلج و مخصوصاً در امتداد پایه تپه‌های سیوالک.

« برای توصیف و تعیین محل بهتر این نواحی باید گفت که ایالت چمبا در قسمت شمال غربی پنجاب در مشرق ایالت کشمیر قرار دارد و پهایریهای غربی فقط در کوهپایه های هیمالیا زندگی می کنند و ناحیه آنها شامل ایالات چمبا بسوی مشرق تا ساتلج است و پهایری مرکزی از ساتلج تا سرحد نپال امتداد دارد. « از چهار گروه ایران مردم یزدخسواست و کناره بیشتر مورد این اثر میباشد. »

دکتر بولز میگوید^۱ که « نوعهائیکه بنظر میرسد نمونه یهودیهای اصفهان باشند مانند شماره ۳۴۸۶ (تصویر ۳۹ - شکل ۳ و ۴) - ۳۴۹۳ (تصویر ۳۹ - شکل ۳ و ۴) - ۳۴۹۸ (تصویر ۳۸ - شکل ۱ و ۲) - ۳۵۱۵ (تصویر ۳۸ - شکل ۳ و ۴) - ۳۴۹۴ (تصویر ۳۶ و ۳۷) - ۳۴۸۲ (تصویر ۳۵ - شکل ۴) - ۳۴۸۴ (تصویر ۳۵ شکل ۱ و ۲) - ۲۴۸۳ (تصویر ۳۴ - شکل ۱ و ۲) - ۳۵۰۳ (تصویر ۳۴ شکل ۳ و ۴) - ۲۴۷۹ (تصویر ۳۳ - شکل ۳ و ۴) - ۳۴۷۶ (تصویر ۱۰ شکل ۳ و ۴ و تصویر ۳۲ - شکل ۱ و ۲) - ۳۵۰۱ (تصویر ۳۲ شکل ۳ و ۴) - ۲۴۸۷ (تصویر ۳۰ شکل ۱ و ۲) - ۳۴۹۶ (تصویر ۲۹ - شکل ۳ و ۴) - ۳۴۷۸ (تصویر ۲۸ - شکل ۳ و ۴)

۱ - از قامی که با حروف سیاه می باشد بیشتر از همه نمونه هستند.

- ۳۴۹۵ (تصویر ۲۸ - شکل ۱ و ۲) - ۳۵۰۲ (تصویر ۲۵ شکل ۳ و ۴)
 - ۳۵۰۷ (تصویر ۲۴ - شکل ۱ و ۲) - ۳۵۰۰ (تصویر ۲۱ - شکل ۱ و ۲)
 و ۳۵۱۲ (تصویر ۲۰ شکل ۳ و ۴) تا آنجائیکه من اطلاع دارم هرگز در
 میان افغانی یا هندی پیدا نمیشود مگر در میان گروه پراکنده یهودی بنظر میرسد
 که این نمونه در بین افغانها یا پاتانهای خالص یا در نقاط شمال هندوستان نفوذ
 کرده باشد.

د از بقیه افراد شماره ۳۵۱۶ (تصویر ۱۶ - شکل ۱ و ۲) - ۳۵۱۴
 (تصویر ۱۵ - شکل ۱ و ۲) و ۳۵۱۳ (تصویر ۱۵ - شکل ۳ و ۴) بقدری
 جوان هستند که نمیتوان حدس زد در سن بلوغ بچه شکل درآیند. ممکن است
 از نوع یهودیها شوند و نیز ممکن است از نوع پنجاب شمالی از آب درآیند.
 د افراد شماره‌های ۳۵۰۵ (تصویر ۱۶ - شکل ۳ و ۴) - ۳۵۱۸
 (تصویر ۱۷ شکل ۱ و ۲) - ۳۵۲۳ (تصویر ۱۷ - شکل ۳ و ۴) - ۳۵۲۲
 (تصویر ۱۸ - شکل ۱ و ۲) - ۳۵۲۰ (تصویر ۱۸ شکل ۳ و ۴) - ۳۵۰۴
 (تصویر ۱۹ - شکل ۱ و ۲) - ۳۴۹۷ (تصویر ۱۹ - شکل ۳ و ۴) و ۳۵۰۸
 (تصویر ۲۰ - شکل ۱ و ۲) احتمال نمیرود در مشرق افغانستان یا شمال غربی
 هندوستان پیدا شوند.

د فرد شماره ۳۴۹۲ (تصویر ۲۶ شکل ۱ و ۲) از طرف دیگر ممکن
 است یا در شمال غربی پنجاب یا حتی در ناحیه کوهستان بهاری شمال پنجاب
 پیدا شود.

د فرد شماره ۳۴۹۹ (تصویر ۱۰ - شکل ۱ و ۲ - تصویر ۲۹ - شکل
 ۲۰۱) ممکن است در ناحیه لاهول در شمال غربی پنجاب (گروه غیر هند و اروپائی)
 دیده شود.

د در خاتمه میتوان گفت که افراد بسیار محدودی ممکن است در جمعیت
 غیر یهودی افغانستان و پاتانها و ناحیه شمال غربی هندوستان مشابه پیدا کنند.
 استنتاج خود من این بود که بطور کلی این افغانها ظاهراً خصوصیات و
 پیوستگی نژادی بیشتری با ایران دارند تا ب مردم دره سند. اکثر آنها ممکن است
 ساکنین ناحیه بین طهران و شیراز و در بعضی موارد با اعراب مرکز عراق بخصوص در
 ولایت حله اشتباه شوند. از طرف دیگر چندین تن از آنها متعلق به هندوستان

طبقه بندی میشوند تا متعلق بایران . نظر سطحی بر اساس شواهد مختصر بر آنستکه بنظر میرسد که خصوصیات جسمانی بعضی گروههای افغانستان با قلات ایران مربوط و منسوب است و نه با هندوستان . بعلاوه در میان سری عکسهای ایران عده بسیار معدود و شاید هیچکس با مردم هند اشتباه نشود اگرچه از نظر اندازه گیری افراد که در ساحل غربی هندوستان بین رأس پیشکان تا دماغه کمورین زنده گی میکنند با گروههای ایران اختلاف زیادی ندارند .

بدین ترتیب بنظر میرسد محلی در مشرق افغانستان باشد که خط جدائی محسوب شود و شاید این خط هندوکش باشد که گاهی پاروپامیسوس *paropamisus* یا کاکاسوس ایندوکس *Cou Casus Indiocus* با قله مرتفع آن تیراج میربارتفاع ۲۵۴۲۰ نامیده میشود از آنجائیکه نوع باصلاح مدیترانه از مراکش از قسمت جنوبی آسیا تا سواحل اقیانوس کبیر ممتداست رشته و حلقه مرتبط با ایداز بلوچستان جنوب جنوبی ترین شعبه هندوکش و همسایه شمالی آن کوهستان تین شان در سینکیانگ غربی بگذرد . در این مورد باید بخاطر داشت که سر آرثر کیت فرض میکند که یک باریکه نژاد سیاهپوست جنوبی این منطقه از شمال شرقی افریقا تا نواحی ملانزی بسط دارد .

در شمال این کمر بند فرض مدیترانه ای و سیاهپوست جمهوری ترکستان شوروی قرار دارد که سر بسیاری از مسائل باستانشناسی و مردم شناسی را در آن نهفته است. ^۱ دانشمندان شوروی در سالهای اخیر در ترکستان مشغول کار و تفحص بودند ولی گزارش کار آنها اغلب یا بچاپ نرسیده و یا دسترسی بآنها نیست . ولی در ۱۹۳۷ سه گزارش درباره مردم تاجیکستان منتشر شد که عبارتند از «تاجیکهای کوهستان» و «جمعیت پامیر غربی» بقلم و . و . گنیزبرگ . کتاب اخیر بر اساس مطالب و تحقیقات ن . و . بوگوا یا اولسنکی *Bogoiavlenskii* قرار دارد . و کتاب «قبائل ایرانی پامیر غربی» بقلم ل . و . اوشانین .

از مطالعه مقدماتی این سه گزارش ^۲ میتوان گفت که خصوصیات جسمانی

۱ - فیلد و پرستوف ، ۱۹۳۶ - ص ۲۸۵ - ۲۸۸ - ۱۹۳۷ - ص ۴۷۴ -

۴۷۹ و ۱۹۳۸ ص ۶۷۱ - ۷۵ - ۱۹۳۹ .

۲ - خلاصه این گزارشها در نشریه آینده موزه فیلد تحت عنوان مردم

شناسی جسمانی در روسیه شوروی بقلم هنری فیلد و پوژین پرستوف منتشر خواهد شد .

ساکنین ناحیه پامیر از این قرار است : سر کوتاه و اغلب خیلی سر کوتاه - قد متوسط - موی سر وریش زیاد و تیره - چشم تیره - بینی بلند و برجسته عمومیت و وجود خصوصیت سر کوتاهی مانع از آن میشود که فرض کنیم نسبتی بین قبایل پامیر و نوع اساسی فلات ایران وجود دارد علیرغم این نکته که تاجیکها بزبان فارسی تکلم میکنند و محققین فوق اظهار عقیده میکنند که در اصل باید از ایران آمده باشند .

دکتر کارلتون س. کون از موزه پیبادی دانشگاه هاروارد بنویسنده اطلاع داد که بوریس ویشنیوسکی Boris N. Vishnievskii از مؤسسه مردم شناسی و نژاد شناسی لنین گراد گروههای زیر را در ترکستان شوروی اندازه گیری کرده است : تاجیک پدژنت (۱۱۸) - سمرقند (۲۵) - فرغانه (۳۶) - اوراتوبا (۵۱) - کوه نشین (۷۸) - یهودی (۱۰۱) - عرب (۲۸۰) - ایرانی (۲۶۴) . مطالب گردآوری شده برای بررسی و تجزیه به هاروارد فرستاده شد و چون نتایج آن هنوز بچاپ نرسیده اجازه ندارد از آنها نقل قول کند . ولی این مطلب شایان اهمیت است که این بررسیهای اندازه گیری در موقع خود در دسترس دانش پژوهان خواهد بود .

در مورد اناطولی اطلاعات مردم شناسی و اندازه گیری در دسترس نیست و بهمین جهت بجز ارقام معدودی که در جدول تطبیقی نقل شده اشاره پایین منطقه مهم حذف شده است . بعلاوه گزارش کروگمن (۱۹۳۷) درباره نوع جمجمه های علیشارهویک فقط مربوط به مردمان قدیم اناطولی میباشد .

شوکت عزیز کانسو استاد مردم شناسی دانشگاه آنکارا و دانشجویان او بررسی و اندازه گیری مردم اناطولی را آغاز کرده اند و طی چند سال آینده امیدواریم نتایج این مطالعات در ترکیه در دسترس عموم قرار گیرد و با اشتیاق منتظر آن هستیم .

عده زیادی از دانشمندان مردم شناس روسیه و شوروی مطالعاتی درباره مردم قفقاز کرده اند ولی هنوز بسیاری از مسائل بررسی نشده باقیمانده است . در ۱۹۳۴ نویسنده از ۵۰ یزیدی در تغلیس و ۱۰۷ مرد و ۵۰ زن در شمال اوستیا در اردژونیکیدزه (ولادی قفقاز سابق) اندازه گیری کرد . از گزارش درباره این دو گروه کوچک بعضی مطالب تطبیقی از ناحیه قفقاز مورد استفاده واقع خواهد

مردم‌شناسی جسمانی ایران - ۲۰۹

شد. در این کتاب احتیاجی به بررسی جزئیات بیشتر درباره خصوصیات جسمانی ساکنین نیست. قطعاتی از کتاب دانیلو (ص ۹۴ - ۱۰۸) شامل ارقام تطبیقی چندین گروه قفقاز می‌باشد. در قسمت مربوط به یهودیهای اصفهان (ص ۲۸۹ - ۳۱۵) آماری در مورد یهودیهای قفقاز برای مقایسه آورده شده است.

تا اینجا بررسی سربسی از مردم نواحی مجاور ایران کرده‌ایم و اینک باید توجه خواننده را به امواج مهاجرت و گروه مهاجمین که از ارتفاعات آسیای مرکزی فلات ایران را مورد تاراج قرار دادند جلب کرد.

سهم چینی‌ها بتاريخ تمدن ایران قدیم که در کتاب لوفرو هادی حسن ورید مندرج است در فصل دوم نقل شده است.

وقتی بررسی کافی اندازه‌گیری بین مدیترانه و هندوستان و در آسیای مرکزی تکمیل شد آنوقت و فقط آنوقت ممکن خواهد بود رابطه و نسبت حقیقی این تقسیمات فرعی شبه شرقی نژاد مدیترانه را تعیین کرد و از طرف دیگر ارتباط فردی و جمعی آنها را با ساکنین قدیم و جدید اروپا و آسیا و افریقا معین نمود.

ساکنین فعلی فلات ایران تقریباً در وسط راه بین حداکثر عرض کمربند نژاد مدیترانه که امراکش تا اوقیانوس کبیر ممتد است قرار دارند.

در نتیجه بررسی مردم‌شناسی و اندازه‌گیری ایران موفق شدیم یک شعبه اساسی نژاد سفید را که نژاد فلات ایران می‌نامیم مشخص نماییم. این نوع جدید نژادی اکنون برای اولین بار مقام خود را در کنار نژادهای نوردیک و مدیترانه و آلپ احراز میکند.

در خاتمه بشر ایرانی قدیم Homo Iranicus یعنی آن معمای مردم - شناسی مغرب نزدیک و حتی شاید برادر تمام عیار بشر اصلی Homo sapiens می‌باشد که از نظر جسمانی و فرهنگی در محلی در داخل ناحیه جنوب غربی آسیا یعنی مهد اجداد مستقیم ما نمو کرده است و بسیار ممکن است بموقع خود با دلیل و مدرک این گفته را به تفصیل شرح دهیم. ایران زیبا - ای پرورشگاه نژاد بشر.

مردم‌شناسی ایران

فهرست قبائل و کتابنامه و فهرست اعلام و لوحه‌ها

۵ - در قرن هفدهم ایرانیها دو میلیون نفر آذربایجانی را داخل قفقاز کردند. از لحاظ خصوصیات جسمانی شبیه تاجیکها می باشند (دنیگر ص ۵۰۵-۵۰۶)

آرامائی

ایران برای مدت پانصد سال تحت تسلط یونانیان و سامی ها و آرامائیها و تورانیان بود (دوخانیکیف ص ۷۴-۷۶).

آرایالو

یکی از قبایل بادیه نشین خیمه (عرب) در فارس و لارستان ۱۸۷۵ (کرزن ۱۸۹۲-جلد ۲ - ص ۱۱۲-۱۱۴) رجوع شود همچنین به آینه لو.

آریان

۱ - اصل و مبدأ مشترك آریانه های ایران دامنه حقیقت غیر قابل انکار است (دوخانیکیف- ص ۳۵) .

۲- در حجابهای شاهان هخامنشی دیده می شود که مردم آریائی نژاد بلند قد و خوش ترکیب بودند ولی صورت یونانی نداشتند شکل سر آنها هند و اروپائی است و موی زیاد دارند (رالینسون - جلد ۲ ص ۳۰۷)

۳- آریانه های ایران متشکلند از فارسی ها و لرها (هوسی ص ۱۰۳). اندازه- های آریانه ها (لرها) (ص ۱۱۱). فرق جانکی ها با سایر بختیاریها آنست که سر کوتاهی آنان تا اندازه کمتر و خصوصیات آریائی در آنها زیادتر است. وجود يك قبیله مشخص دیگر نزدیک مبدوبد که هیچگونه ارتباطی با فارسیها و لرها ندارد این نظریه را که منطقه بختیاری در اشتغال آریانه ها بوده تأیید میکند (ص ۱۲۲ - ۱۲۶). ایرانیها دارای شاخص سر سایر آریائی ها هستند از قبیل هندوها- افغانها و لرها که ۷۳ بود (ص ۱۳۶-۱۳۷) .

۴ - آریائیهای باستان و ایرانیان قبل از اعراب و ترکها و تاتارها بایران آمدند. بعضی عقیده دارند که بختیاریها از حیث نژاد آریائی هستند (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۲۷۳ - ۲۷۵). بلوچها بزبان آریائی یا مشتق از آریائی تکلم میکنند (جلد ۲ - ص ۲۵۸-۲۵۹)

- ۵- در ازمه ماقبل تاریخ آریانه‌های ایران با اقوام دیگر تماس پیدا کردند و بعدها با مردمانی از نژاد سامی مانند آسوریها و عربها و یهودیها و با ساکنین آسیای صغیر و همچنین با ترکها و مغولها مخلوط شدند (دانیل وستون ۱۰-۱۹ و ۲۶-۲۸)
- ۶- در ازمه ماقبل تاریخ قفقازیه و آریانه‌ها و سامی‌ها سه شاخه بزرگ نژاد سفید را در آسیای غربی تشکیل می‌دادند (برینتون ص ۱۱-۱۷) در اوان تاریخ نژاد آریان ناحیه بین زاگرس و یامیر را تحت تسلط داشت. مدیها و مدیهای اولیه آریائی بودند (ص ۳۲).
- ۷- بنظر می‌رسد که زبان ارمنی آریائی باشد ولی خود ارامنه بیشتر با ترکمنها قرابت دارند تا بایوتانیها و ایرانیهای آریائی زبان (ریپلی ص ۴۲-۴۵۲).
- ۸- ایالت هرات در اشغال تاجیکهای آریائی است در حالی که وخن و روشن و کافرستان محل سکونت قبایل و طوایف قدیمی آریان است. افغانها از حیث نژاد آریائی هستند (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۲۱۷) فلات ایران در تسلط آریانه‌ها است. تاریخ دنیای قدیم تاریخ مبارزه بین نژادهای سامی جنوب و نژادهای آریائی شمال است که موفقیت کامل با نژادهای شمالی بوده است. « هند و اروپائی » را معمولا آریائی می‌خوانند (در صورتیکه کلمه آریان بطور دقیق فقط قابل اطلاق به گروه هندو ایرانی است) نظر اصلی این بود که از يك موطن بدوی گروههای عظیم آریائی قسمتهای غیر مسکونی نیمکره شمالی را اشغال کردند. اکنون معمولا اذعان می‌شود که صحیح تر آنست که « از خانواده زبانهای آریائی و شاید تمدن بدوی آریائی که قبل از جدائی مختلف آریائی از زبان اصلی وجود داشته » صحت داشت (دنیگر ص ۱۵). ظاهراً آریانه‌ها ساکن سرزمینی با آب و هوای تازه بودند زیرا فقط دو یا سه فصل می‌شناختند. زبان آنها نشان میدهد که محل سکونت آنها استب بوده و در آنها کوهستان و جنگل وجود نداشته و فقط چند درخت نیر و مندمانندگان و بیدمجنون وجود داشته است. بعضی از محققین موطن اصلی قوم آریان را استپ‌های شمال خراسان و دشتهای جنوب روسیه و برخی ناحیه جنوب غربی دریای خزر میدانند. تصور می‌رود که مدیها از جنوب روسیه مهاجرت کرده و بتدریج قسمت غربی فلات ایران را اشغال کردند. پارسیها از استپ‌های شمال خراسان داخل شده و پارس را تصرف کردند. تا ۱۳۵۰ قبل از میلاد هنوز عناصر ایرانی و هندی قوم آریان از هم جدا نشده بود. احتمال می‌رود اقوام بوسائی پراتاسنی و استروچانی واریزاتی که هرودوت

از آنها نام برده آریائی باشند (جلد ۱ - ص ۹۵ - ۹۹).

- ۹ - بندهش می گوید اعراب و ایرانیها و سامیها و آریانها در بادی امر در مغرب آسیا از يك شاخه بودند (مدی - ۱۹۱۹ - ص ۷۳۳).
- ۱۰ - مدیهای اصلی يك قوم آریائی بودند که با آریائیهای شمال هند و مردم آریائی اروپا ادعای قرابت داشتند (مایس ص ۷۳ - ۷۴).
- ۱۱ - حمله آریانها از شمال شرقی بعثت خشکسالی و ازدیاد جمعیت بود. از راه ایران به بینالنهرین آمدند (ورل ص ۲۰ - ۲۱). این امر کمی بعد از سال ۲۰۰۰ قبل از میلاد صورت گرفت و پس از آنکه زمانی در ایران و ترکستان (۹) مستقر بودند شاخه‌ای که آریان نامیده می‌شود به دو گروه تقسیم شدند يك گروه یعنی ایرانیان در ایران باقی ماندند و گروه دیگر هندیها بعدها با در اویدیها مخلوط شدند. تقریباً در همان زمان روسای آریائی میتانی در ارمنستان استقرار یافتند. در اواسط قرن هیجدهم قبل از میلاد سلسله آریائی کاسیت‌ها بابل را تصرف کرده بودند (ص ۱۲۱ - ۱۲۲) اقوام بادیه نشین ایرانی زبان شمالی که در استپ‌های شرقی روسیه میگشتند و با مغولهای تورانی زبان مخلوط گردیدند، در ایرانیان نفوذ کردند (ص ۱۲۴ - ۱۲۶).
- ۱۲ - در حدود دو هزار سال قبل از میلاد بادیه نشینان آریائی زبان شمالی از شرق روسیه ساکنین اصلی و بومی ایران را در خود مستهلك کردند (ویلسون ۱۹۳۲ - ص ۲۸).
- ۱۳ - آریانها برای اولین بار در حدود ۱۴۵۰ قبل از میلاد در بینالنهرین ظاهر شدند. موطن اصلی آریانها «ارانوج» بین سیحون و خوارزم و سمرقند است. اولین گروه آریائی که مهاجرت کردند هند و آریائی و دوم ایرانیان و سوم سکاها بودند. پس از دوره کوتاهی از ترکستان روس از ارتفاعات نزدیک سرخس در سمت هرات وارد ایران شدند (هرتسفلد ۱۹۳۵ ص ۶ - ۱۰).
- ۱۴ - آریانهاییکسه در تخت جمشید نشان داده شده‌اند دارای سر و صورت پهن و موی سیاه و انبوه بوده و چشمان درشت و پیشانی بلند و استخوان گونه برجسته می‌باشند. بینی آنها منحنی و بلند و نوک فرورفته و پرده‌های نسبتاً بزرگ است که کاملاً بانوع سامی در بابل و ارمنی در حجابریهای آسوری فرق دارد (هرتسفلد و کیت ص ۴۲ - ۵۸).

آریزانی

- ۱- یکی از قبائل مدیها (هرودوت I - ۱۰۱).
- ۲- محتمل است آریزانی باشند (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۱ - ص ۹۵ - ۹۹).

آسوری

- ۱- اندازه‌های جمجمه زیر عنوان سامی‌ها (دوخانیف ص ۷۱ و ۱۳۱-۱۳۲).
- ۲- بعد از ازمه ما قبل تاریخ آریانیهای ایران با آسوریها مخلوط شدند. از لحاظ کوتاهی سر تاجیکها شبیه آسوریها هستند (دانیلو - ستون ۱۰ - ۱۹ و ۲۶-۲۸) شاخص سر ۸۹/۶ (ستون ۵۳ - ۵۵).
- ۳- آسوریها در ناحیه کوهستانی عیلام با مردم آن ناحیه مصادف شدند (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۱ ص ۵۰-۵۳).
- ۴- آسوریها در سال ۸۴۰ قبل از میلاد به مسکن مدیها در کوهستان کردستان در مشرق دریاچه ارومیه حمله کردند (سایکس ص ۷۳ - ۷۴).
- ۵- از نظر خصوصیات جسمانی ایرانیها متشکلند از نژاد آسوری مخلوط عناصر ترک در ایران و ترکیه و یاهند و افغانی در افغانستان و با عرب و عناصر سیاهپوست در جنوب ایران و جنوب بلوچستان پارسیها از نوع آسوری یاهند و افغانی هستند (دیکر ص ۵۰۵ - ۵۰۷) مکسراینها مخلوطی هستند از نژادهای هند و افغانی و آسوری و سیاهپوست. (ص ۵۰۸).

آسوری - کلدانی

قوم سرکوتاه در مغرب ایران (دانیلو ۱۰ - ۱۹ و ۲۶ - ۲۸).

آلبوقیش

از قبایل عرب خوزستان - تعداد افراد ذکور بالغ آنها متجاوز از ۵۰۰ است (کرزن ۱۸۹۲ جلد ۲ ص ۳۲۰ - ۳۲۲).

آینه‌لو

۱- قبیله بادیه نشین خمسه (عرب) فارس و لرستان - ۱۸۹۰ (کرزن)

۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۱۱۲ - ۱۱۴).

۲ - یکی از پنج قبایل خمه از نژاد ترك (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۴۷۹) همچنین رجوع شود به ایتلو و آرایالو

ابولوردی

قبیله باده نشین از قبایل خمه (عرب) فارس و لارستان - ۱۸۷۵ (کرزن - ۱۸۹۲ جلد دوم . ص ۱۱۲ - ۱۱۴) .

ایتلو

(عبادلوف) از قبایل بادیه نشین خمه (عرب) فارس و لارستان ۱۸۸۹ (کرزن ۱۸۹۲ جلد ۲ - ص ۱۱۲-۱۱۴) همچنین رجوع شود به آرایالو و آینه‌لو .

اخل

یکی از طوایف ترکمن (بکستون - ص ۶۲۳).

اخور

قبیله کرد کرمانشاه - هزار خانوار (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۵۵۷).

اردشیری

رجوع شود به اوردشیری.

ارساری

از طوایف ترکمن (بکستون ۱۹۲۹ - ص ۶۲۴).

ارکپن

یکی از قبایل بادیه نشین قشقایی (ترك) در فارس و لارستان - ۱۸۹۰ (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۱۱۲ - ۱۱۴).

ارمنی

- ۱- کلنی ارمنی در حومه اصفهان از پانصد فامیل متجاوز نیست . اسقف جلفا عده ارامنه ایران را ۱۲۳۸۳ نفر تخمین می‌زند که در حدود يك ششم تعداد آنها قبل از حمله افغان می‌باشد (ملکم - جلد ۲ ص ۵۱۸ - ۵۲۱).
- ۲ - هایکانها یا ارمنیان از نژاد آریان و منسوب با ایرانیان هستند ولی بآنها تعلق ندارند (پریچارد ص ۱۷۱).
- ۳ - در شمال کردها و نسطوریها زندگی می‌کنند و ایرانی هستند که در اثر تماس با سامی‌ها و ترکها تغییر پیدا کرده اند . برای نوع نژادی ارمنی به مردم استراخان مراجعه شود قد بلند و متناسب و متمایل بچاقی هستند . شکل سر ایرانی واز نوع سر دراز است . چشمان آنها بزرگ و سیاه و فرورفته‌تر از آن ایرانیها است . پیشانی کوتاه و بینی خیلی برجسته و عقابی و دراز است . صورت بیضی شکل آنها درازتر از صورت ایرانیان است . گردن آنها دراز و باریک است ولی دهان و دست و کوش و پای آنها معمولا بزرگ و به کوچکی ایرانیها نیست (دوخانکیف ص ۱۱۲). اندازه‌های يك جمجمه ارمنی (۱۳۳ - ۱۳۹) .
- ۴- ارمنی‌ها زیرمغول و آریائی صورت داده شده‌اند (هوسی ۱۰۳). ارامنه جلفا که در سال ۱۶۰۵ میلادی کوچ داده شدند دارای سر کوتاهتر و استخوان گونه برجسته‌تر از عجمی‌ها می‌باشند بینی آنها کوتاه و برجسته است . طبق نظر شاتر شاخص سر آنها ۸۴-۸۶ است و مانند تر کمنهای خالص سر کوتاه هستند (ص ۱۲۰).
- ۵ - بعضی از دختران ارمنی زیبا و سفید رو هستند و بجای سالک خود افتخار می‌کنند (پیشاب جلد ۱ - ص ۳۸).
- ۶ - هتوم - شیندلر مینویسد که تعداد ارامنه در ایران ۴۳ هزار نفر است (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۴۹۲ - ۴۹۴). در کردستان عناصر ارمنی وجود دارد (جلد ۱ - ص ۵۴۹) تعداد ارامنه در آذربایجان ۲۸۸۹۰ نفر است که کمتر از نسطوریها میباشد (جلد ۱ - ص ۵۴۸) در کرمان ارمنی وجود نداشت ولی اکنون وجود دارد (جلد ۲ - ص ۲۴۴) . شاه عباس کلیه جمعیت ارمنی را از ایالات شمال غربی باصفهان کوچ داد تا بتعلیم کسب و تجارت بپردازند و آبادانی ایجاد کنند (جلد ۱ - ص ۹۷-۹۸) . در تهران يك هزار ارمنی هست (جلد ۱ - ص ۳۳۳).
- ۷ - زمانی مازندران در اشغال ارامنه بود . ناچیکهای خراسان از لحاظ

سر کوتاهی شبیه ارامنه هستند (دانیلو - ستون ۱۰ - ۱۹ ۲۶ - ۲۸) شاخص سر ۸۵/۶ (ستون ۵۳ - ۵۵).

۸ - ارامنه در تهران و جلفا استقرار یافته‌اند (هتوم - شیندلر ص ۴۸).

۹ - اگرچه بنظر می‌رسد زبان ارمنی آریائی باشد خود آنها بترکمنها

تزدیکترند تا به ایرانیها و یونانیها . کردها و ارمنی‌ها برای تسلط بر آسیای صغیر

با هم رقابت دارند . تعداد ارامنه در حدود پنج میلیون نفر است که نیمی از ترکیه

و بقیه در قفقاز شوروی و ایران هستند . در نوع جسمانی خالص و دارای وحدت

مذهبی می‌باشند (ریپلی - ص ۴۴۲ - ۴۵۲) .

۱۰ - تاریخ جهان مورخ نقش شده تا نشان داده شود قبایل فریگوتراس

اجداد ارامنه هستند ولی ها کویبان ادعا می‌کند ارامنه از اولاد پارتیها میباشند .

ارامنه یکی از عناصر جمعیت ایران هستند (فین ص ۳۲ - ۳۳).

۱۱ - ارامنه جزء جمعیت مسیحی ایران بشمار می‌آیند (سایکس ۱۹۲۱

-جلد ۱ - ص ۱۳-۱۴).

۱۲ - ارامنه گروهی هستند که به سوی ایران رانده شده‌اند (هادون

ص ۱۰۲ - ۱۰۳).

۱۳ - فن‌لوشان ارامنه را یکی از نمایندگان جدید هیتی‌های باستانی

می‌داند (هیتی ص ۱۵) .

ازبك

۱- تاتارهایی هستند که اراضی مسکونی رامتصرف شدند (پریچارد ص ۱۷۱).

۲- ازبکها که بنام یکی از خانهای آن قبیله خوانده شده‌اند توده‌ای از

قبایل ترکی مغول بودند و شاید از نژاد فینی باشند و بصورت يك قوم واحد در آمدند

ولی عناصر ترك در آنها نفوذ دارد اکنون ماوراءالنهر را در اشغال دارند . ده نشین

هستند ولی بین آنها و بادیه نشینان تركمن فرق زیادی نیست . هر دو صورت پهن

و چانه نوک تیز و ریش کم رنگ تنك و سر كوچك و عضلات قوی و چشمان

کوچك مانند چینی‌ها دارند (ابری - مکی - ص ۱۶) .

۳ - ازبکها در ساحل جنوبی سیحون در افغانستان یافت می‌شوند (بلیو

ص ۱۳) ازبك یعنی مستقل (ص ۱۰۰) .

فهرست قبائل و گروههای نژادی - ۷۲۱

- ۴ - مقایسه ناتار فرقیز و ناتار ازبک و غیره (کندر - ص ۳۰ - ۵۱).
- ۵ - شاخص سر ازبکها از: فرغانه ۸۶/۰ - زرافشان ۸۳/۰ و ۸۵/۵ - کلترا ۸۴/۰ - سمرقند ۸۴/۰ (دانیلوستون ۵۳ - ۵۵).
- ۶ - در سمت شمال هندوکش در افغانستان جمعیت اکثر ازبک هستند .
سنی (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۲۱۶ - ۲۱۸)
- ۷ - در ترکستان بین سیحون و جیحون عناصر خالص ازبک زندگی میکنند.
معداد آنها کم و یک نوع اشرافیت نژادی تشکیل داده اند. (هدون ص ۱۰۳-۱۰۴).
یک گروه مرکزی ترکی (ص ۳۱).

استروجات

- ۱ - ازقبایل ماد (هرودوت I - ۱۱۰).
- ۲ - شاید آریان باشند (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۱ - ص ۹۵ - ۹۹).

اشتهاردی

بلهجه فارسی قدیم تکلم می کنند نسبتاً بلند قد هستند در ناحیه اطراف
اشتهارد ۶۵ کیلومتری جنوب غربی سکونت دارند . یکی از افراد آنان ریش
قرمز داشت . مو مجعد، لب متوسط تا کلفت، دندان متوسط تا کوچک . قد ۱۶۵/۲ .
شاخص سر ۸۰/۴ . حداکثر قطر پیشانی ۱۰۴ . عرض گونه ها ۱۳۸ . عرض فکین
۱۰۱/۷ (دانیلو).

اعراب کعب

از قبایل عرب خوزستان مهمترین آنها اعراب کعب (بزبان عامیانه چعب)
هستند که در اصل از ۷۲ قبیله متشکل بودند . اغلب آنها از بین رفته اند ولی
تعداد این نژاد در خوزستان از همه بیشتر است و بالغ بر ۶۲ هزار می باشد . گفته
شده است که در اصل از ساحل عربی خلیج فارس بنواحی باطرافی بین دجله و
فرات مهاجرت کردند و رعیت عثمانی شدند . بعداً بسوی جنوب نقل مکان کرده
و در کنار کانالی از رود کارون مستقر گردیدند . سپس بطرف رود جراحی حرکت
کردند و باقبیله افشا مصادف شدند . (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۳۲۰-۳۲۲).

اعراب کعب تمام ناحیه بین محمره و رود کارون در سمت مشرق بطرف هندیان که مسافت آن یکصد میل است اشغال کرده‌اند. در اثر اقامت طولانی در خاک ایران اعراب کعب بسیاری از خصوصیات ملی خود را از دست داده‌اند. با ایرانیان ازدواج کرده و بمذاهب شیعه گرویده‌اند و لباس ایرانی می‌پوشند. (جلد ۲ - ۳۲۷ - ۳۲۸).

افشار

- ۱ - یکی از نیرومندترین قبایل ترك زبان - در سراسر ایران ولی بخصوص در آذربایجان پخش هستند تعداد آنها ۲۸ هزار نفر است (شوبرل . ص ۲۰).
- ۲ - کندوزلو یکی از قبایل ترك از فامیل افشار هستند (لایارد ص ۷۰).
- ۳ - لایارد میگوید کندوزلوها یکی از قبائل بختیاری از افشار های ترك می‌باشند (هوسی - ص ۱۲۲).
- ۴ - قبیله قزلباش ترك از ۱۲ هزار خانوار متشکل است . در آذربایجان سکنی دارند . احتمال میرود در قرن یازدهم میلادی به ایران آمده باشند (هتوم - شیندلر - ص ۴۸ بیعد).
- ۵ - یکی از بزرگترین قبایل ترك در شمال و شمال غربی ایران (کوزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۲۷) اعراب کعب در پیشروی بسوی رود جراحی با یکی از قبایل افشار که مرکز آنها در کنار آن رودخانه بود تصادم کردند (جلد ۲ - ص ۳۲۰ - ۳۲۲) دائرةالمعارف بریتانیا قبل از ۱۸۹۲ قبایل افشار و قاجار خراسان را زیر عنوان تاتار آورده است. تعداد آنها صد هزار است (جلد ۱ - ص ۱۷۹).
- ۶ - متعاقب ترکها قبایل افشار از شمال ایران بسمت مغرب مهاجرت کردند (هدون - ص ۱۹۷).

افغان

- ۱ - پس از حمله افغانها جمعیت ایران رو بنقصان گذاشت (ملکم - جلد ۲ - ص ۵۱۸ - ۵۲۱) اولاد قبائل افغان در خراسان سکنی دارند (جلد ۲ - ص ۲۱۶).
- ۲ - از ایرانیان نیستند ولی آریائی و با آنها قرابت دارند . از مردم نیمه بادیه نشین ایران بعضی افغان هستند (پریچارد ص ۱۷۱).

فهرست قبائل و گروه‌های نژادی - ۲۳۳

۳ - اندازه سر : شاخص سر ۷۶/۲ (دوخانیکیف ص ۵۹ و ۶۳) قد ۱۴۰۰ -
۱۵۰۰ معمولی‌تر از ۱۶۰۰ - ۱۷۰۰ . ماسون فقط بیک زن زال که خیلی
بندرت دیده میشود اشاره می‌کند (ص ۱۰۳-۱۰۵). چشم کردها بزرگتر از چشم
افغانها است (ص ۱۰۷ - ۱۰۸) . اگرچه افغانستان تحت نفوذ ایران و هند بوده
افغانها را باید بین ترکمنها و مغولها قرار دارد زیرا نه تنها مانند مغول سر کوتاه
هستند بلکه دارای آرواره پیش‌آمده نیز هستند. برای جدول اندازه گیریها و میانگین-
های افغانها و خلجی هارجوع شود به ص ۱۳۳ - ۱۳۹ .

۴ - ملیتهای عمده افغانستان عبارتند از افغان - پاتان - غلزائی - تاجیک
و هزاره و همچنین ازبک در ساحل جنوبی سیمون و کافر در کوهپایه های جنوبی
هندوکش . بعضی روایات افغانها را بسوریه منتسب می‌دارد (بلیو ص ۱۳ - ۱۶).
افغانهای آینده ساکنین باستانی هندوستان هستند . موطن اصلی آنها قندهار
و دره های ارغنداب است (ص ۱۰۹ - ۱۱۰).

۵ - آریائی با شاخص سر ۷۶/۱۹ و ۷۳/۱۵ می‌باشد (هوسی ص ۱۱۰).
۶ - مو و چشم سیاه و قیافه تیره و اخمو از خصایص کرد های ایرانی
است که شامل افغانها نیز می‌شود (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۵۵۳). بلوچها
هیبت افغانها را ندارند اگرچه مانند آنها موی سیاه و بلند و مجعد که اغلب
با روغن چرب می‌کنند دارند (جلد ۲ - ص ۲۵۸ - ۲۵۹) .

۷ - افغانها زمانی ساکن نواحی کوهستانی مازندران بودند (دانیلو . ستون
۱۰ - ۱۹ و ۲۶ - ۲۸) افغانها از نظر اندازه سر شبیه ایرانیان هستند (ستون
۱۳۵) . بموجب نظریه کاترفاژوحی مجموعه افغانها تاحدی شبیه مجموعه ساکنین
قدیم قفقاز است (ستون ۱۴۵) .

۸ - افغانها ایرانی هستند (اوجفالوی . ص ۴۴) .

۹ - افغانها ایرانی هستند (ریپلی - ص ۴۴۲ - ۴۵۲) .

۱۰ - افغانها یکی از عناصر جمعیت ایران می‌باشند (فین ص ۳۲ - ۳۳) .

۱۱ - جمعیت افغانستان متشکل است از پاتانها و در مغرب افغانها یا اوغانها :
ریشه این کلمه نامعلوم است و اولین بار بوسیله بیکانگان بآنها اطلاق شده است.
افغانها از حیث نژاد آریائی و حلقه بین هند و ایران محسوب میشوند . سنی
هستند . تقریباً همه افغانها زبان فارسی میدانند و به آن تکلم میکنند (سایکس

۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۲۱۶ - ۲۱۸).

- ۱۲ - بلوچها را معمولا با افغانها خویشاوند محسوب میدارند ولی افغانها اصولا از طبقه سردراز هستند (هدون ص ۱۰۳).
- ۱۳ - خانواده‌های افغانی در کرمانشاه و اصفهان و کرمان و مرز بلوچستان ریشه گرفته‌اند (ویلسون ۱۹۳۲ ص ۳۳ - ۳۴).

امامقلیخانی

از قبایل بادیه نشین قشقائی (ترك) فارس و لارستان ۱۸۷۵ (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۱۱۲ - ۱۱۴).

انصاری

«مسیحیان کوچک»، از طبقه خیلی سرکوتاه در شمال سوریه. (ریپلی ص ۴۴۲ - ۴۵۲).

انیانلو

قبیله ترك قزلباش فعلا عمده‌ترین شعبه شاهسونند (هتوم-شیندلر-ص ۸۸ بیعد).

اورامر

کرد آذربایجانی عده‌ای از آنها در تابستان بداخل مرز ایران می‌ایند (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۵۵۵ - ۵۵۷).

اوردشیری

از قبایل بادیه نشین قشقائی (ترك) فارس و لارستان ۱۸۷۵ (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۱۱۲ - ۱۱۴).

اوست

۱ - آریان هستند با ایرانیها قرابت دارند ولی از آنها نیستند (پریچارد ص ۱۷۱).

فهرست قبائل و گروه‌های نژادی - ۷۲۵

۲ - ست شمال غربی حد اراضی اقوام ایرانی زندگی میکنند . از لحاظ خصوصیات مشابه لزکیها هستند . مردم زحمت کش نیرومندی هستند . در ظاهر خارجی آنها هیچ چیز نیست که دلیل رابطه آنان با ایرانیان جنوبی باشد . قوی و چهار شانه و سنگین هستند . اغلب موبور یا مو فرزند چشم کوچک غالباً آبی به بینی عقابی و نوک تیز - گوش و دست و پا نسبتاً بزرگ خود را ابرون می‌نامند و زبان آنها اثر اصل ایرانی نشان میدهد . معمولاً متوسط قد هستند ولی افراد خیلی بلند با نیروی هر کولی در میان آنها نادر نیست (دوخائیکف ص ۱۱۳ - ۱۱۴) اندازه‌ها (ص ۱۳۹) . بطور کلی اوست‌ها سر دراز و پشت سر صاف دارند پیشانی آنها بلند است (ص ۱۳۹) .

۳ - اوست‌ها از نوع سر متوسط هستند (دانیلو - ستون ۱۴۵) .

۴ - ممکن است اوست‌ها ایرانی باشند (رپیلی ص ۴۴۲ - ۴۵۲) .

اوستاجالو

قبیله ترك قزلباش . عده زیادی از آنها باقی نمانده . در آذربایجان زندگی میکنند (هتوم - شیندلر ص ۴۸ ببعده) .

اوکسیان

۱ - تصور می‌رود خوزستان مشتق از اوچااست بومیانی که در کتیبه‌ای میخی از آنها ذکر شده است . شاید اوکسی استرابو و پلینی از همانها باشند (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۲۲۰) .

۲ - هوسی یا کوسی همان اوکسیانهای یونانی هستند (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۱ - ص ۵۰ - ۵۳) .

اوملیاش

موطن در ایلام . ساکن ناحیه بین کرخه و دجله (سایکس ۱۹۲۱ - ص ۵۰ - ۵۳) .

ایرانیان

۱ - شرح کلی ایرانیان ۴۰۰ قبل از میلاد باید شامل همه ایرانیان هخامنشی

نشود (لارس).

۲- تنها ایرانیانی که در کتاب مقدس از آنها ذکر شده مدیها هستند (دوخانیگف ص ۴۳) شکل سر نوع ارانی : ظرفیت مغز نسبتاً زیاد - طول آن تقریباً یک برابر و نیم عرض - ارتفاع آن کمتر از سر سامی ولی بلند تر از تورانی - استخوان پیشانی کم نمو کرده - جمجمه نسبتاً صاف از بالا و پشت سر صاف (ص ۶۲) . جمجمه سامی در مقام مقایسه با جمجمه ایرانی ظرفیت کمتر دارد و از حیث طول و عرض کوچکتر ولی از ارتفاع زیادتر است (ص ۷۱) بنا بر این نژاد ایرانی باید مشرق ایران باشد بین جمعیت شرقی و غربی امپراطوری اختلاف زیاد وجود دارد (ص ۷۳) . در میان نژاد ایرانی مو خیلی زیاد است (ص ۱۰۳ - ۱۰۵) . نفوذ ایرانی از چشمان درشت نشان داده می شود . ارمنی ها ایرانی هستند که با نژاد سامی و ترك مخلوط شده اند . سر ایرانی از نوع سر دراز است (ص ۱۱۱ - ۱۱۲) . اوت ها که در دشتهای شمال قفقاز مستقر شدند بزودی نوع ایرانی بخود گرفتند - بینی عقابی نادرتر شد اوت ها از قبائل بدوی ایرانی بودند . هیچ چیز در ظاهر اوت ها نشانه ارتباط با ایرانیان جنوب بیست ولی در زبان آنها آثار نفوذ زبان ایرانی وجود دارد (ص ۱۱۳-۱۱۴) .

۳ - نژاد آریان با ایرانی قبل از عرب و ترك و تاتار در ایران وجود داشته (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ . ص ۲۷۴) . در فارس شخص با نوع ایرانی کمتر مخلوط مواجه میشود و این مطلب از قیافه خوش برش و تیره تر مردم آشکار است (جلد ۲ ص ۱۰۳) . عناصر ایرانی در سیستان ایران بنام تاجیک وجود دارند (جلد ۱ - ص ۲۲۸) . نژاد اصلی خراسان ایرانی بود و متشکل است از تاجیک و کرد و بلوچی - عده کل آنها ۶۶۰،۰۰۰ نفر (جلد ۱ - ص ۱۷۹) در نزدیکی شهر مشهد عنصر ایرانی بر سایر نژادها تفوق دارد. (ص ۱۹۸)

۴ - در ایالت خمسه قبایل دارای خصوصیات نژادی ایرانی هستند . شاخص سر تاجیکها با شاخص سر ایرانیان از این حیث فرق دارد که آنها سر کوتاه هستند کردها ایرانی هستند بعلمت آنکه زبان و شکل سر آنان با ایرانیان شبیه است. در میان قبایل مرکز ایران عناصر نژاد ایرانی تفوق دارند (دانیلو - ستون ۱۰ - ۱۹ و ۲۶ - ۲۸) .

۵ - کلمات ارانیان و ایرانیان تولید اشتباه میکند . تشخیص بین ارانیان شمال شرق و ارانیان فلات ایران یا ایرانیان لازم بنظر می رسد تا بتوان بومیان سفید

یوست باختر (باکتریا) و سفدیانا و فرغانه را از ایرانیان ایران و افغانستان و غیره جدا کرد. در میان ایرانیان فقط يك نوع تیره رنگ وجود دارد در حالیکه در بین دیگران يك نوع بور در تشکیل آنها نقش بازی کرده است. ایرانیان را ایرانیان باختر و قبائل گالچای پامیر و شمال هندو کش مینامیم (اوجفالوی ص ۴۴).

۶- کردها از حیث زبان و خصوصیات جسمانی ایرانی هستند. نژاد ایرانی شامل ایرانیان و کردها و شاید اوستها و عده زیادی قبایل آسیائی از افغان گرفته تا هندو میشود. اصولا سردراز و مو تیره هستند و اجداد و نژاد مدیترانه می- باشند. از راه مصر بافریقا نیز راه یافته اند. صورت باریکتر و قد کوتاهتر از نوع ارمنی دارند. در ایران ایرانیان خالص فقط در میان فارسیهای حوالی تخت جمشید و در میان لرها پیدا میشود (ریپلی - ص ۴۴۲ - ۴۵۲).

۷- عناصر ایرانی و هندی نژاد ایران تا سال ۱۳۵۰ قبل از میلاد از هم جدا نشده بود (سایکس ۱۹۲۱ جلد ۱ - ص ۹۵ - ۹۹).

۸- بندهش نظریه ایرانی پیدایش جهان را تأیید میکند. هوشنگ جد ایرانیان بود و چون پیشداد خوانده میشد سلاطین اولاد پیشدادیان نامیده شدند (۱۹۱۹ - ص ۷۳۳).

۹- زمانی اقوام ایرانی سرزمین عظیمی را اشغال کرده بودند که شامل ترکستان چین نیز میشد. بچین مهاجرت کردند و بر مملکت دیگر مانند ترکها و چینیها نفوذ عمیقی را اعمال نمودند. ایرانیان بین شرق و غرب نقش میانجی بزرگ بازی کردند و گیاهها و کالا از چین بمدیترانه انتقال دادند. (لوفر ۱۹۱۹ - ص ۱۸۵).

۱۰- ایرانیان فلات ایران و نواحی مجاور آنرا در اشغال دارند. این نژاد متشکل است از نژاد آسوری مخلوط با عناصر ترکی در ایران و ترکیه باهند و افغانی در افغانستان و باعرب و سیاهپوست در جنوب ایران و بلوچستان جنوبی مهمتر از همه خود ایرانیان هستند که میتوان آنها را بفارسیها و عجمیها و تاجیکها تقسیم کرد (دنیگر ص ۵۰۵ - ۵۰۶).

۱۱- شاخه ایرانی آریانها در ایران ماندند. در قرن نهم قبل از میلاد بادیه نشینان ایرانی در آن زمان که بعدها ماد نامیده شد ظاهر شدند (ورل ص ۲۱ - ۱۲۶).

۱۲- ایرانیان غربی یا ایرانیان خالص همه جا در آسیای مرکزی تاجیک و در مغرب ایرانیها ذات شناخته میشوند (حسن ص ۷۹)

- ۱۳- ترکمنها گروهی از ایرانیان ترك هستند (بکستون ص ۶۲۳).
- ۱۴- مردم ایرانی آسیای مرکزی اولین گروهی هستند که بین چین و مغرب رابطه برقرار کردند (رید ص ۵۹).
- ۱۵- دومین گروه آریانها که مهاجرت کردند. نام آنها مشتق است از آریانام خشاترام^۴ یعنی امپراطوری آریانها اولین بار در نوشته‌های آسوری ۸۳۶ - ۸۳۵ قبل از میلاد ظاهر می‌شوند. در ۷۵۵ قبل از میلاد هنوز قبایل ایرانی در حال حرکت بودند (هرتسفلد ۱۹۳۵ - ص ۶-۱۰).
- ۱۶- ایرانیان نفوذ قوی در دلتای تاریم و قسمت علیای ینی سئی اعمال کردند (تالگرن - ص ۹۰).
- ۱۷- نام ایران بر مردم ایرانی زبان پس از استقرار در فلات اطلاق میشود و نمی‌توان آن را بساکنین اولیه آن اطلاق کرد (هرتسفلد و کیت ص ۴۲-۵۸).

ایکدر

- از قبایل بادیه نشین قشقایی (ترك) ۱۸۷۵ و ۱۸۹۰ (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۱۱۲ - ۱۱۴).

ایلامی

- ۱- کتاب عزرا (۱۷ - ۹) بین سوزانکی‌ها یا ساکنین دشتهای اطراف شوش و ایلامیها یا ساکنین کوهستان فرق قایل میشود . در زمان تسلط ایرانیان نام این ایالت اواج بود در قرون وسطی خوزستان یا مملکت خوز یا جزها نامیده شد (کرزن ۱۹۲۱ - جلد ۱ ص ۵۰).
- ۲- نویسنده معتقد است که ایلامیها و همسایگان شمالی آنها کاسکسانیا و الپپی در سمت مشرق و لولویی در سمت شمال و اورارتوها که همه مردمان مرز غربی فلات را تشکیل میدهند و بدلائل باستان شناسی لا اقل قسمت عمده ساکنین فلات متعلق بیک گروه نژادی و زبانی میباشند و این گروه منسوب بساکنین بومی بین النهرین (غیر از عراق) و قسمتی از آسیای صغیر هستند چه آنها را میتانی یا هری یا سوربارتانی یا هیتی مینامند . البته این نظر هنوز قابل اثبات نیست و مورد قبول واقع نشده است .

ایمک

یگانه مغولهایی که اکنون در حدود قدیم ایران هستند - هزاره و ایمک در قرن چهاردهم میلادی بآنجا آمدند (برینتون - ص ۴ - ۵) . همچنین رجوع شود به چهار ایمک

باجری

رجوع شود به باصری

باصری (بجری - بصیری)

- ۱- از قبایل بادیه نشین‌خمس (عرب) فارس و لارستان ۱۸۷۵ و ۱۸۸۹-۱۸۹۰ (کرزن ۱۸۲۲ - جلد ۲ ص ۱۱۲-۱۱۴) .
- ۲- یکی از پنج قبایل‌خمس از نژاد ترك (سایکس ۱۹۲۱- جلد ۲ ص ۴۷۹) .

باویه

یکی از قبایل عرب خوزستان که تعداد افراد مذکور آن متجاوز از ۵۰۰ نفر است (کرزن ۱۸۹۲- جلد ۲ - ص ۳۲۰ - ۳۲۲) .

بختیاری

- ۱ - قسمتی از گروه لر زبان ساکن نواحی کوهستانی مرز ایران و ترکیه و مستقل از هردو (سوبرل ص ۲۰) .
- ۲- مهاجرت آنها احتمالاً بعد از قرن سیزدهم انجام گرفت . از بند و فی و دناروفی و قبایل دیگر متشکلند (لایارد ص ۷۰) .
- ۳- اندازه جمعیه بختیاری (دوهوسه ص ۲۳ - ۲۴) .
- ۴ - جمعیه بختیاری که دوهوسه اندازه گرفته خیلی شبیه تهرانی‌ها است ولی قطر عمودی بزرگ که قسمتی از آن مصنوعی است حاکی از نفوذ شدید سامی است (دوخانیکیف - ص ۱۰۹) اندازه‌های سر با شاخص سر ۹۰/۶ (ص ۵۹ و ۶۳) . بین بختیارها و بلوچها شباهت وجود دارد (ص ۱۰۸) .
- ۵ - زیر عنوان مغول و سامی ثبت شده است . ساکن نواحی کوهستانی

بین لرها و فارسها. دوهوسه عقیده دارد که بختیاربها نتیجه اختلات و امتزاج سیت‌های تورانی با سامیهای بابل - آسور میباشند. دوهوسه خصوصیات عمده آنها را علاوه بر سر کوتاهی شکل قسمت عقب جمجمه میداند که بطور عمودی یائین میآید. این صافی قسمت عقب جمجمه بدون شك نقص مصنوعی است که در کودکی بوجود آمده است. بختیاربها يك گروه واحد نیستند و قبایل مختلف اصل و منشاء یکسان ندارند. طبق نظر لایارد بندونبها از بومیان اولیه هستند که با سوریه‌ایها مخلوط شده‌اند. و نارونبها در حدود سال ۱۸۳۰ از اصفهان به ملامیر آمدند. گند - وزلوه‌ها از افشار ترکند و جانکی‌ها که بین ملامیر و رامهرمز زندگی میکنند نیز ترك هستند. سلسله جبال که پناهگاه اجباری قبایل مختلف است محل اختلاط افراد پیشمارنژاد ایران و توران و سامی می‌باشد. عنصر تورانی در بعضی جاها قوی و در بعضی نقاط ابدأ مشهود نیست (هوسی ص ۱۲۱ - ۱۲۶) اندازه‌های جانکی نسبت بهمه گروه بختیاری قابل تطبیق است (ص ۱۲۲). اندازه‌های يك بختیاری دو رگه (ص ۱۲۷). اندازه بینی يك بختیاری (جانکی) (ص ۱۳۳). ساکن کوهستان نزدیک شوش میباشند (۱۳۶ - ۱۳۷). نقص غیر طبیعی جمجمه هنوز میان بختیاربها وجود دارد (ص ۱۴۰ - ۱۴۲).

۶ - زنان بختیاری زیبایی مخصوصی دارند: چشمان تاریک دراز - ابروان مشخص و کشیده - بینی صاف برجسته - دهان پهن با لبان نازک - چانه دراز راست و کیسوان مشکی انبوه (پیشاپ - جلد ۱ ص ۳۱۶).

۷ - هتوم - شیندلر تعداد بختیاربها و لرهای ایران را ۴۶۸۰۰ فامیل ذکر می‌کنند (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۴۹۲ - ۴۹۴). بختیاربها از شعب لرها هستند و تحت عنوان لك طبقه بندی می‌شوند (جلد ۲ ص ۲۶۹ - ۲۷۰) ریج می‌گوید بختیاربها کرد هستند. بعضی معتقدند بختیاربها از بقایای کلنی یونانی هستند. کافیس‌بدانیم از نژاد آریان هستند و قرن‌ها است در محل کوهستانی فعلی ساکنند. در ۱۳۸۶ رالینسون تعداد کل بختیاربها و متعلقات آنها را ۲۸۰۰۰ فامیل ذکر کرده است. در ۱۸۳۴ لایارد آنها را ۳۷,۷۰۰ فامیل و سر شماری ۱۸۸۱ تعداد آنان ۱۷۰,۰۰۶ نفر تعیین کرده است (جلد ۲ - ص ۲۷۳ - ۲۷۵). بختیاربها در مجاورت منطفق حویزه زندگی میکنند. لباس و قیافه آنان مشابه است و رنگ پوست آنها تیره است موی آنها مشکی است و دو حلقه موی

فهرست قبائل و گروه‌های نژادی - ۷۳۱

مجموعه پشته گوش قرار می‌دهند. ابروان پرپشت مشکی و چشمان براق و ریش و سبیل سیاه و شب کلاه سیاه بر سر و مردان کت سیاه و زنان لباس آبی تیره بپوشانند. مردها نیرومند و هیکل مردانه دارند. زنها بلند قد و سبزه و خوش قامت هستند. (جلد ۲ ص ۳۰۰).

قشائیاها فرق زیادی با بختیارها ندارند. در حدود سال ۱۸۷۰ پنجهزار فامیل به بختیارها ملحق شدند (جلد ۲ ص ۱۱۲-۱۱۴).

۸ - بختیارها از نژاد مختلط هستند و از خصوصیات آنها سر کوتاه است و از این حیث در درجه بعد از تاجیکها واقع شده‌اند (دانیلو، ستون ۱۰-۱۹ و ۲۶-۲۸). قد ۱۷۱/۵ شاخص سر ۸۸/۴ (دانیلو).

۹ - در تابستان قشائیاها بحوالی قمشه میروند و در آنجا نزدیک بختیارها هستند (سایکس ۱۹۲۱ - ص ۴۷۷ - ۴۷۸).

براهوئی

- ۱ - آریائی منسوب با ایرانیان ولی متعلق با آنها نیستند (پریچارد - ص ۱۷۱).
- ۲ - قبیله سنی ساکن سرحد (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۲۶۲-۲۶۳).
- ۳ - قبیله براهوئی بلوچستان تیره رنگ و از نژاد دراویدی بودند. سبزه تر و کوتاهتر و چهارشانه تر از بلوچها هستند (سایکس ۱۹۰۲ ص ۳۴۲ - ۳۴۳).
- ۴ - زبان براهوئی از نوع زبان دراویدی است ولی از لحاظ اندازه های جسمانی بلوچی هستند. براهوئی سراوان شاخص سر ۸۱/۵ - شاخص بینی ۷۰/۹.
- ۵ - بادیه نشینان براهوئی منطقه شرقی بخصوص نزدیک کلات شبیه ایرانیانند. (دیکر ص ۵۰۸).
- ۶ - در بلوچستان نمونه دراویدیها (براهوئیها) عبارتند از قنبرائی و منگال یا مونگال (مکمون - ص ۷).

بربری

از نژاد مغول. مهاجر از افغانستان. در ادبیات اروپائی آنها را هزاره میخوانند. از لحاظ نوع جسمانی مغول خالص هستند و شبیه قبائل کلموک و قرغیز و سایر مردم آسیای مرکزی میباشند. کوتاه قد و قوی هیکل و قیافه نسبتاً

روشن . ریش آنها تنك و خشن است (ایوانو - ص ۱۵۵).

بكتاش

- ۱ - نیمه مسیحیانی که در بعضی نواحی اطولی جمعیت شهرها را تشکیل میدهند و از لحاظ خصوصیات جسمانی شبیه تاجادشی می باشند (ریپلی - ص ۴۴۲-۴۵۲) .
- ۲ - فن لوشان آنها را (بكتاشی) نمایند هیتی های باستانی میداند هیتی (ص ۱۵) .

بلوچ

- ۱ - بلوچها آریائی و با ایرانیها قرابت دارند ولی از آنها نیستند (پریچارد ص ۱۷۱) .
- ۲ - شبیه بختیاریها هستند (دوخانیکیف - ص ۱۰۸) . اندازه های جمجمه بلوچی (ص ۱۳۳ - ۱۳۹) .
- ۳ - طبق نظر هتوم - شیندلر تعداد بلوچها و کولیاها ۴۱۴۰ خانوار است (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۴۹۲ - ۴۹۴) . اکثریت آنها اسکان یافته اند (جلد ۲ - ص ۲۶۹ - ۲۷۰) . ساکنین عمده فعلی سیستان ایران شامل بلوچها است که قبایل عمده آنان در سیستان سربندی و شاهرگی است . (جلد ۱ - ص ۲۲۸) . از قبائل عمده بلوچستان هستند و خود را از نژاد عرب و قبیله قریش می دانند ولی قیافه و زبان آنها که آریائی و شبیه پهلوی و فارسی باستان است این مطلب را تأیید نمی کند . پاتینگر آنها را از نژاد ترکمن یعنی سلجوق و ترك می داند . بلیو آنها را با بالاچه از نژاد هندی منسوب میداند . در بعضی نواحی اختلاط با هندو و سیاه افریقائی آشکار است . يك بلوچ عادی مانند افغانی پر هیبت نیست اگر چه مانند آنان موی بلند مجعد دارد که اغلب با روغن چرب شده است . بلوچها عشق و علاقه شدیدی به استقلال قبیله ای دارند و از ایرانیان که آنها را قاجار می خوانند نفرت دارند (جلد ۲ ص ۲۵۸ - ۲۵۹) قبایل بلوچی سرحد سنی هستند . (جلد ۲ - ص ۲۶۲-۲۶۳) . در دایرة المعارف بریتانیا قبل از ۱۸۹۲ بلوچهای خراسان را زیر عنوان ایرانیان صورت داده و تعداد آنها را ده هزار نفر ذکر کرده است (جلد ۱ ص ۱۷۹) .

فهرست قبائل و گروه‌های نژادی - ۷۳۳

- ۴ - در خراسان افراد قبائل بلوچی وجود دارند (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ ص ۳۹۲).
- ۵ - معمولا بلوچها را منسوب به افغانها میدانند ولی در طبقه سر کوتاه متوسط قرار دارند و میتوان آنها را هند و ایرانی خواند. براهوئی ها از لحاظ اندازه‌های بدنی بلوچی محسوب میشوند (هدون ص ۱۰۳).
- ۶ - بلوچها به نژاد هندو افغانی تعلق دارند. در جنوب با اعراب و در مشرق با جاتها و هندوها. و در شمال غرب با ترکها و در جنوب غرب با سیاه پوستان مخلوط شده‌اند رندهای مکران که بلوچی خالص بشمار می آیند از قبيله عرب کترتان هستند (دیکر ص ۵۰۸).
- ۷ - بلوچهای بادیه نشین که اصلا از ایرانیان هستند با ایرانیها و ترکهای فعلی فرق دارند قد آنها معمولا کوتاهتر و قیافه آنها نامنظم تر و زاویه صورت خیلی تیزتر است (ابوانو ص ۱۵۲).
- ۸ - قطعی است که در طی ده قرن گذشته عنصر بلوچی بسمت مغرب و گوشه جنوب غربی ایران بسط یافته است (ویلسون ۱۹۳۲ - ص ۶۹ - ۷۰).

بنجت

- قبيله ترك که در کلات نادری ساکنند (کسزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ ص ۱۳۹).

بندونی

- ۱ - یکی از قبایل کوچکتر بختیاری - بومی - طبق روایات از سوریه مهاجرت کرده‌اند (لایارد - ص ۷).
- ۲ - نقل نظر لایارد در باره اصل نژادی بندونی (هوسی ص ۱۲۲).

بندیه

- سر کوتاهی آنان بیش از هزارها است ولی شاخص بینی آنها ۵۸/۹ و از نژاد بامیری هستند (هدون ص ۱۰۳).

بنی رشید

از قبایل عرب خوزستان که تعداد افراد ذکور آنان متجاوز از ۵۰۰ است
(کرزن ۱۸۹۲-جلد ۲-ص ۳۲۰-۳۲۲).

بنی صالح

از قبایل عرب خوزستان که تعداد افراد ذکور آن متجاوز از ۵۰۰ است
(کرزن ۱۸۹۲-جلد ۲-ص ۳۲۰-۳۲۲).

بنی طرف

از قبایل عرب خوزستان که تعداد افراد ذکور آنان بیش از ۵۰۰ است
(کرزن ۱۸۹۲-جلد ۲-ص ۳۲۰-۳۲۲).

بنی لام

بنی لام قبیله عرب درخاک عثمانی در مرزهای غربی خوزستان است (کرزن
۱۸۹۲-جلد ۲-ص ۳۲۰-۳۲۲).

بو انجی

- و جلالوند از قبایل کرد کرمانشاه زیر فرمان سر تیپ کردند - تعداد
خانوار هزار (کرزن ۱۸۹۲ جلد ۱ - ص ۵۵۷).

بودی

- ۱- یکی از قبایل مدیها (هرودوت I - ۱۰۱).
- ۲- شاید تورانی (سایکس ۱۹۲۱-جلد ۱-ص ۹۵-۹۹).

بوسای

- ۱- یکی از قبایل مدیها (هرودوت I - ۱۰۱).
- ۲- شاید آریائی (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۱-ص ۹۵-۹۹).

بولی

یکی از قبایل بادیه‌نشین قشقایی (ترك) در فارس و لارستان ۱۸۹۰ (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۱۱۲-۱۱۴).

بهادرخانی

یکی از قبایل بادیه‌نشین قشقایی (ترك) فارس و لارستان ۱۸۷۵ (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۱۱۲-۱۱۴).

بهارلو

- ۱- از قبایل بادیه‌نشین خمسه (عرب) فارس و لارستان ۱۸۷۵ و ۱۸۸۹ - ۱۸۹۰ (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۱۱۲-۱۱۴) .
- ۲- اصلاً یکی از شعب شاملو (سوریه) - اکنون جدا و متشکل از ۲۵۰۰ خانوار ساکن فارس و آذربایجان. در فارس آنها را بعلت آمدن از سوریه عرب می‌دانند (هتوم - شیندلر ص ۴۸ - بیعد) .
- ۳- یکی از پنج قبیله خمسه از نژاد ترك (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۴۷۹) .

بهارمحمدان

اندازه‌های جمجمه (دوخایکف - ص ۱۳۳-۱۳۹) .

بیات

قبیله بادیه‌نشین که بزبان ترکی آذربایجانی بشکل جغتائی تکلم می‌کنند . قبیله فزلباش ترك . در جدول رشیدالدین در میان قبائل تاتار ذکر شده‌اند . بعضی در آسیای صغیر و برخی در ایران مستقر شدند . در بخشی در شمال بروجرد و خرم‌آباد سکونت دارند . بعضی از آنها در فارس و خراسان هستند و بعضی بایل قاجار ملحق شده و قبیله شامبیاتلو را تشکیل داده‌اند (هتوم - شیندلر - ص ۴۸ - بیعد) .

بین‌الحاج

یکی از قبایل خوزستان که تعداد افراد ذکور آن متجاوز از ۵۰۰ نفر

است (کرزن ۱۸۹۲ جلد ۲ - ص ۳۲۰-۳۲۲).

پاتان

- ۱- یکی از عناصر عمده جمعیت افغانستان (بلیو ص ۱۳۰) .
- ۲- جمعیت عمده مرزهای هندوستان و مغرب افغانستان پاتان نامیده می- شوند . لانگورث دیمز میگوید پاتان اصطلاحی است که افغانها به بیگانگان اطلاق میکنند (سایکس، ۱۹۲۱- جلد ۲ - ص ۲۱۶-۲۱۸)
- ۳- اچکزائی - پانی - و کاکا پاتان به نوع هند و ایرانی تعلق دارند (هدون ص ۸۶).

پارتاسنی

- ۱- یکی از قبایل ماد (هرودوت I - ۱۰۱).
- ۲- ممکن است آریان باشند (سایکس - ۱۹۲۱ - جلد ۱ - ص ۹۵-۹۹)

پارتی‌ها

- ۱ - ساکن نواحی کوهستانی شوش بودند : مردم ناحیه اورال والتای با شاخص سر ۸۰-۸۴ (هوسی ص ۱۳۶-۱۳۷) . بررسی پنج جمجمه پارتی که در شوش حفاری شده نشان داد در میان آنها يك پارتی - سیاهیوست و يك ایرانی و يك نفر که نقص مصنوعی داشت و شاید رسمی بوده است که از توران آورده بودند وجود داشت (ص ۱۴۰ - ۱۴۳).
- ۲- بنظر میرسد که بعضی از مهاجمین مخلوطی از قبایل سفید و زرد (سیت‌ها و پارتی‌ها) بودند (ورل ص-۴۴).
- ۳ - پارتاوا - پارتیها اولین بار در زمان سناکریب و اسارهادون شناخته شدند . آسوربها در اول بین پارتیها و ایرانیها فرقی قائل نبودند (هرتسفلد ۱۹۳۵ - ص ۶-۱۰).

پارسا

داریوش خود را پارسا یعنی ایرانی خالص میخواند. ممکن است نام قبیله

صحیح پاسارگاد باشد (لارنس یادداشت به هرودوت I-۱۲۵).

پارسی

- ۱- بنا بنوشته هتوم- شیندلر در ایران ۸۰۰۰ پارسی است (کرزن ۱۸۹۲ -جلد ۲ - ص ۴۹۲ - ۴۹۴) سرشماری ۱۸۷۸ تعداد پارسیهای کرمان را ۱۳۴۱ نفر معین کرد (کرزن - جلد ۲ - ص-۲۴۴) در یزد بین ۳۵۰۰ تا ۷۰۰۰ گبر یا پارسی زندگی میکنند . در سال ۱۸۷۹ شیندلر ۱۲۴۰ نفر پارسی در شهر و ۵۲۴۰ نفر در ۲۲ ده اطراف شهر یافت (جلد ۲-ص ۲۴۰-۲۴۱).
- ۲ - گبرها منسوب به پارسیهای هند هستند (دانیلو ستون ۱۰ - ۱۹ و ۲۶-۲۸) .
- ۳ - در میان طبقات جامعه ایران اولاد ایرانیان باستان و شامل پارسیها هستند که نماینده مادها میباشند (فین ص ۳۲-۳۳) .
- ۴- نوع قدیمی تاجیک شهرنشین در پارسیها که در ۶۴۰ میلادی به هندوستان مسافرت کردند حفظ شده است (هدون ص ۱۰۲-۱۰۳) .
- ۵- پارسیها که از طبقه سر دراز (۷۷/۹) و قد متوسط (۱۶۵/۰) هستند از نوع آسوری یا هندو افغانی میباشند (دنیگر ص ۵۰۷) .
- ۶- یزد مرکز عمده پارسیها و گبرها است (علی شاه ص ۲۰-۲۱) .

پارسیان (ایرانیان)

- ۱- ساکن کشوری هستند که تا جنوب دریای اریتره بسط دارد (هرودوت IV-۳۷) از قبایل بسیار تشکیل یافته‌اند (I - ۱۲۵) . جمجمه آنها با مقایسه با جمجمه مصریها نرد و ضعیف است زیرا ایرانیها کلاهی بنام تیارا بسر میگذارد (III - ۱۲) .
- ۲ - تقریباً همه قد و هیكل کوچک و صورت تیره با پریده رنگ دارند . با هیبت هستند . چشمان بز مانند و ابروی کمائی و پیوسته و ریش انبوه و موی دراز دارند (مارسلینوس XXIII - ۶ و ۷۵ و ۸۰) .
- ۳- گبرها مانند ایرانیان امروز از نوع نسبتاً خشن هستند (پیترو دولواله ص ۱۰۵-۱۰۶) .

۴ - نژاد ایران طبیعتاً خشن است . نژاد باستانی و ناقص شبیه مغولها بودند زیبایی که در میان ایرانیان عصر حاضر وجود دارد میراث کنیزان چرکسی و گرجی است (شاردن ص ۳۴).

۵ - يك كتاب نسخه خطی متعلق بزمان شاه سلطان حسین جمعیت ایران را ۲۰۰ میلیون نفر تخمین زده است . تخمین های دیگر عبارت است از شاردن ، ۴۰ میلیون - نینکرتن جمعیت فندهار را ۴ میلیون و مغرب ایران ۶ میلیون نفر ذکر میکند که احتمال می رود مقرون بحقیقت باشد (ملکم - جلد ۲ - ص ۵۱۸). جمعیت ایران بعد از حمله افغان تقلیل یافت . بعدها بر جمعیت مسلمان افزایش یافت و از یهودیها کاسته شد (جلد ۲ ص ۵۱۸ - ۵۲۱) ساکنین ایالات شمالی نژاد عالی هستند . قد آنها بلند نیست و صورت آنها از رنگ زیتونی گرفته تا رنگ سفید اروپای شمالی است (جلد ۲ - ص ۶۳۰).

۶ - زبانهای ایران غیر از فارسی عبارتست از ترکی - کردی - لری - عربی (شوبرل ص ۲۰).

۷ - تاجیکها ایرانیان حقیقی هستند. اقوام نزدیک بآنها عبارتند از افغانها کردها - بلوچها - هایکانها یا آرامنه و اوستها و قسمت عمده جمعیت نیمه بادیه نشین و از ترکها و مغولها یا افغانها میباشد (پریچارد ص ۱۷۱).

۸ - وسترگارد در ۱۸۴۳ تردی جمجمه های ایرانی را تأیید کرد. دوخایکف مخالف این نظراست (ص ۶۴۰).

۹ - ایرانیان آریائی از طبقه سردرازهای آسیا هستند (رتزیوس - ص ۱۱۲).

۱۰ - ایرانیان را تحت عنوان شعبه آرامائی طبقه بندی میکنند . دارای موی مشکی و چشم سیاه و پوستی که بیش از پوست اروپائیان بافتاب حساسیت دارد و قد متوسط میباشد (امالیوس دهالوی ص ۳۶).

۱۱ - ایرانیان که از گروه آریان هستند دارای سربیزی شکل و پیشانی عریض و بینی برجسته و چشمان افقی که اغلب آبی است و موی بور یا قهوه یا سیاه و ریش انبوه میباشد . ایرانیها خود را تاجیک میخوانند و فلات ایران را ناسند اشغال کرده اند. حتی در توران و قسمت غربی آسیای مرکزی وجود دارند و کلنی هائی در روسیه و سیبری تشکیل داده اند (پرتی ص ۷۰ و ۸۲-۸۳).

۱۲- یکی از دلایل دبر آمدن ایرانیان بسمت مغرب آنستکه در کتاب سفر آفرینش ذکر می‌شده است (X: ۱-۳۱) (دوخانیکیف ص ۴۳) کلمه تاجیک به همه کسانیکه در سواحل جیحون و اطراف آن خون ایرانی داشتند اطلاق می‌شد (ص ۷۷) سر تاجیک مانند سر ایرانیان دراز ولی استخوان پیشانی بزرگتر است و صورت آنها را بیضی تر نشان میدهد. اسکلت آنها پرحجم‌تر از آن ایرانیان است. از ۱۴۸۷۰ نفر ایرانی از نواحی مختلف که از سر کنسولگری روس در ۱۸۵۷ در تبریز تقاصای روا دید کردند بیش از ۷۵ درصد چشم مشکی و قد متوسط یعنی ۱۳۰۰ - ۱۵۰۰ داشتند. جمجمه در ناحیه پیشانی باریکتر و صورت بیضی شکل درازتر و چشم بزرگتر و خوش شکلتر و مژگان درازتر است. گوش و دهان و پاها کوچکتر است (ص ۱۰۳ - ۱۰۵). اندازه گیری ایرانیان ساکن نواحی مرکزی متوسط دوهوسه (۱۳۳-۱۳۹).

۱۳- تاجیکهای افغانستان نماینده ایرانیان باستانی ساکن کشور میباشند. همه فارسی زبانان افغانستان که هزاره یا افغان یاسید نیستند تاجیک خوانده می‌شوند. این نام به ساکنین ایرانی قدیم بدخشان نیز اطلاق میشود (بلیو- ص ۱۰۹-۱۱۰).

۱۴- شاخص سر ۸۴/۶۱. در عراق عجم جمعیت مخلوط از ترکمن و آریانه‌های ماد و پارس خود را عجمی مینامند (هوسی ص ۱۱۰). در دوره هخامنشی ایرانیان آریائی برشوش تسلط داشتند (ص ۱۳۹) ایرانیها دارای شاخص سر سایر آریانه‌ها بودند که ۷۳ بود (ص ۱۳۶-۱۳۷).

۱۵- در ۱۸۵۰ رالینسون جمعیت ایران را ۱۰ میلیون تخمین زد و در ۱۸۷۳ بعد از وبا و قحطی ۶ میلیون. طبق نظر هتوم - شیندلر جمعیت ایران در ۱۸۸۴-۷'۶۵۳'۶۰۰ نفر و در ۱۸۹۱-۸'۰۵۵'۵۰۰ نفر - در ۱۸۸۸ طبق نظر زولوتارف ۶ میلیون بوده است (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۴۹۲ - ۴۹۴).

۱۶- اعراب ایرانیان ساکن شهرهای ایران را عجمی مینخواندند. ایرانیها کم موتر از کردها و مزلفانی‌ها هستند. موی آنها مجعد یا صاف و لب متوسط تا کلفت و دندان متوسط تا بزرگ است. قد کوتاه (۱۶۵/۳) شاخص سر ۷۸/۴ (۷۵/۷ - ۸۳/۵). حداکثر قطر پیشانی ۱۰۳ - عرض گونه‌ها ۱۳۷ - عرض فکین ۱۰۱/۰. اکثریت ایرانیان از طبقه سر متوسط یا سر درازند. جمجمه های

ایرانی بخصوص کبرها سر دراز با گونه های کوچک بینی باریک و صورت دراز (دانیلو).

۱۷- پارسیها ایرانی هستند (اوجفالوی).

۱۸- اکثر ساکنین قسمت شرقی عراق ایران ایرانی هستند و ساکنین نواحی

کوهستانی بخصوص خالصند (هتوم - شیندلر ص ۴۸).

۱۹ - پارسیها مردم آریائی زبان و ایرانی هستند . در میان ایرانیان عصر

حاضر نوعهای مختلف باهم مخلوط شده اند . از ایرانیان خالص سه نوع فرعی وجود دارد : سامی - ترکمن یا تانار - شوشی (ریپلی ص ۴۴۲ - ۴۵۲).

۲۰ - قسمتی از جمعیت ایران از اولاد ایرانیان قدیم و پارسیها هستند .

در تمام کشور فقط ده هزار زردشتی است (فین - ص ۳۲-۳۳).

۲۱- احتمال میرود در حدود ۲ میلیون ایرانی در روسیه و امپراطوری عثمانی و

امپراطوری هندوستان باشد (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۱ ص ۱۳ - ۱۴) مادها و پارسیها

شاید زندگانی شبیه بادیه نشینان امروز داشتند (جلد ۱ ص ۱۷۰-۱۷۱) . ایرانیها

از شعب نژاد ایران هستند که از استپهای شمال خراسان وارد ایران شدند و فارس

را اشغال کردند (جلد ۱ ص ۹۵-۹۹) .

۲۲ - طبق بندهش اعراب و ایرانیها سامیها و آریانها در بادی امر از نژاد

مشترک در مغرب آسیا هستند (مدی ۱۹۱۹ ص ۷۳۳) . فن لوشان میگوید تاجیکها

از اولاد ایرانیان قدیمند . بلیو میگوید در افغانستان تاجیکها را پاراسیون می-

گویند که نشانه نسبت و رابطه آنها با ایرانیان قدیم است (ص ۷۴۷ - ۷۴۸).

۲۳- یکی از دو گروه نژادی ایران - نور دیکهای اصلی از استپهای ناحیه

آسیائی اروپا بایران آمدند و مادی و پارسی خوانده شدند ولی مهاجرت سامیها

(اعراب) و همچنین حمله قبائل ترک نوع ایرانی را تغییر داده است . دو گروه

ایرانی شناخته میشود :

الف - فارسیهای باریک سر دراز حوالی تخت جمشید که پوست سفید و موی

زیاد و ریش بلوطی رنگ دارند . مردمان یور چشم آبی بندرت دیده میشود . اینها

بطور کلی از تور دیکهای اولیه هستند.

ب - لرها که بلندتر و تیره رنگتر و اغلب موی سیاه دارند و از نوع خیلی

سر درازند با صورت بیضی و قیافه منظم و بنظر میرسد از شعبه های نژاد مدیترانه

فهرست قبائل و گروههای نژادی - ۷۴۱

یانژادی خیلی شبیه بآن باشند (هدون ص ۱۰۲-۱۰۳) و نژادهند و مدیترانه شامل ایرانیها میشود (ص ۸۶).

۲۴- پارسها مردمی بودند از قبایل مادی (سایکس ص ۲۳-۲۴).

۲۵- در میان اقوام ایرانی از همه مهمتر پارسیها هستند که سه گروه جغرافیائی تقسیم میشوند: در مشرق خطی از استرآباد تا یزد تا کرمان تاجیکها هستند. در سمت مغرب عجمیها و بین اصفهان و خلیج فارس فارسیها (دنیگر- ص ۵۰۵-۵۰۶).

۲۶- مردم ایران بوسیله تماس با بادیه نشینان آریائی زبان شمالی و بادیه نشینان تورانی زبان مغول مخلوط شده اند (ورل ص ۱۲۴-۱۲۶).

۲۷- ایرانیان غربی یا پارسیها در تمام آسیای مرکزی تاجیک و در مغرب ایران تات شناخته میشوند (حسن ص ۲۹).

۲۸- در سنین بین ۶۶۰-۶۸۰ قبایل ایرانی بسوریه انتقال یافتند و شیهای فعلی سوریه ممکن است از این قبایل باشند. در میان قبایل دروز عنصر ایرانی وجود دارد (هیتی ص ۲۲-۲۳).

۲۹- نوشیروانیها یک گروه ایرانی خالص در بلوچستانند. برای جمعیت ایرانی بلوچستان رجوع شود به قسمت تحت عنوان تاجیک (مکمون ص ۷).

۳۰- از رسوم و سنن نژادی مشترک در ایران اثری نیست. نوع مخصوص ایرانی وجود ندارد. اولاد ساکنین اصلی که نسبتاً کم تغییر کرده اند در گیلان و مازندران یافت میشوند. در نواحی دیگر با بادیه نشینان آریائی زبان شمالی از مشرق روسیه و مغولان تورانی زبان مغرب سبیریه مخلوط شده اند (ویلسون ۱۹۳۲ ص ۲۸-۳۰) و اسکندر ازدواج بین مقدونیها و زنان ایرانی را تشویق میکرد (ص ۳۱۵-۳۱۶).

۳۱- پارسوا - پارسای ایرانی در نوشته های آسوری در ۸۳۶-۸۳۵ قبل از میلاد ظاهر میشوند. آسوریها در بادی امر بین مادی و پارسی و بین ایرانی و پارسی فرق نمیکذاشتند (هرتسفلد ۱۹۳۵ ص ۶-۱۰).

۳۲- ۵۰ هزار نفر ایرانی در قفقاز بیشتر یک گروه سیاسی هستند تا یک واحد نژادی (باچماکف ص ۲۱ و ۲۳).

پارسیوان

- ۱ - در افغانستان تاجیکها را اغلب پارسیوان میخوانند (بلیو - ص ۱۰۹ - ۱۱۰) .
- ۲ - ادعای بلیو که در افغانستان تاجیکها را پارسیوان میخوانند نشانه رابطه آنها با ایرانیان باستان است (مدی ۱۹۱۹ - ص ۷۴۷ - ۷۴۸) .

پازوکی (پازکی)

قبیله بادیه نشین کرد در خوار و ورامین متشکل از هزار خانوار . زمانی قبیله نیرومندی بودند در نزدیکی ارض روم . در نیمه دوم قرن شانزدهم از هم پاشیده و قسمتی از آنها بایران مهاجرت کردند بعضی کردی و بعضی ترکی حرف میزنند (هتوم - شیندلر ص ۴۸ بیعد) .

پاسارگاده

- ۱ - قبیله پارسی که کوروش بقیام علیه مادها واداشت (هرودوت I - ۱۲۵) .
- ۲ - یونانیها آنها را پاسارگاده نیز خوانده اند . این نام بعداً بیکی از قبایل کارمانیا اطلاق میشد (لارنس یادداشت به هرودوت I - ۱۲۵) .

پامیری

پامیری (ایرانیان) : مو قهوه گاهی روشن همیشه انبوه و موجدار یا مجعد . ریش قهوه یا روشن با پوست سرخ و سفید یا گندمگون . قد بلند تر از متوسط ۱/۶۶ - ۱/۷۰۷ - شاخص سر ۸۵ یا بیشتر . صورت دراز بیضی شکل . بینی باریک برجسته عقابی یا راست چشم راست متوسط رنگ گاهی آبی شامل گلچا و تاجیک و وازی و غیره . ایران و پامیر و نواحی مجاور شمال شرقی منچوریه (هدون ص ۲۷) . گلچاها خالصترین پامیریها هستند (ص ۱۰۳ - ۱۰۴) چونه و بندیه از نژاد پامیری هستند (ص ۱۰۳) .

پانتیالیان

از قبایل پارس که بکشاورزی اشتغال دارند (هرودوت I - ۱۲۵) .

پانیسجوریان

استرابو آنها را جزو قبایل ایران نام میبرد؛ ساکن ناحیه‌ای بنام پانیشووارا بودند (لارنس - یادداشت به هرودوت I - ۱۲۵).

پبلیسی

از قبایل ده نشین قشقایی (ترك) فارس و لارستان ۱۸۹۰ (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۱۱۲ - ۱۱۴).

پلر

بك طایفه خالص ترك در غور متعلق به خلیج (بلیو - ص ۱۰۰).

پلوس

پلوس در شمال کوئن - لون از حیث خصوصیات جسمانی شبیه تاجیکها هستند (دنیگر ص ۵۰۵ - ۵۰۶).

پورپیشه

قبیله بادیه نشین کرد اسفند آباد در اردلان که در زمستان بخاک ترکیه مهاجرت میکنند . ۳۰۰ خانوار (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ ص ۵۵۵ - ۵۵۷).

تات

۱ - در شمال غربی ایران بومیان آن مناطق را که تحت سلطه ترکها هستند تات می نامند. پیتر و دولواله ۱۶۶۳ اولین اروپائی بود که از تاتها ذکر کرده است (دوخانیفک ص ۷۷). احتمال می رود که در زمان ساسانیان از آذربایجان آورده شدند و بیش از هر گروه دیگر ایرانی تحت نفوذ ترکها واقع شدند و مدت ۱۵ قرن میان آنها زندگی کرده بودند. فد متوسط و صورت گرد و چاق و چشم سیاه که کوچکتر از چشم ایرانیان است. گردن آنها کوتاه و کلفت و بدن فربه و متمایل بچاقی و دست و پا نسبتاً کوچک قیافه تاربك و مو تیره و نسبة آبوه اگر چه کمتر از ایرانیان و تاجیکها (ص - ۱۱۴).

- ۲ - شاخص سرانهای دامغان ۷۸/۷ (دانیلو-ستون ۵۳ - ۵۵).
- ۳ - ایرانیان غربی یا ایرانیان خالص در ایرانیای غرب تات خوانده میشوند که شاید کلمه تحریف شده از تاجیک باشد (حسن ص ۷۹).
- ۴ - ۷۴ هزار تات در قفقاز هستند . بیک زبان هندو و ایرانی تکلم میکنند (باچماکف- ص ۲۱).

تاتار

- ۱- در کردستان تاتار وجود ندارد (ملکم - جلد ۲ - ص ۲۰۷-۲۱۰) .
- ۲- هزاره‌ها تاتار از شعب مغولند (بلیو-ص ۱۱۳-۱۱۴) .
- ۳- زلوتارف (۱۸۸۸) تخمین زد که در ایران یک میلیون ترک و تاتار وجود دارد (کرزن ۱۸۹۲ جلد ۲ - ص ۴۹۲-۴۹۴). ترکهای ایران شعبه‌ای از نژاد بزرگ ترکی یا ترکمن یا تاتار هستند (جلد ۲ - ص ۲۶۹) تاتار و ترکمن و ترک نام قابل تبدیل شعبه‌های یک فامیل است . دائرة المعارف بریتانیا قبل از ۱۸۹۲ تاتارهای خراسان را صد هزار نفر ذکر میکند که متشکلند از افشارها و قاجارها (جلد ۱-ص ۱۷۹).
- ۴ - ساکنین آذربایجان قوی و بلند و دارای موی مشکی و چشم سیاه هستند و بلهجه آذربایجانی زبان ترکی تکلم میکنند اگر چه شبیه تاتارها نیستند آنها را تاتار آذربایجانی میگویند (دانیلو-ستون ۱۰-۱۹-۲۶-۲۸).
- ۵ - در جدولهای رشیدالدین بیاتها بنام قبیله تاتار ذکر کرده است (هتوم - شیندلر-ص ۴۸ بعد).
- ۶- تاتارهای آذربایجانی که از عناصر نژادی عمده ایران هستند اگر چه بزبان ترکی تکلم میکنند بطور قطع از هر حیث ایرانی هستند . دومین شعبه فرعی نوع ایرانی مخلوطی است از ایرانیان خالص بارگه‌ای از نژاد ترکمن یا تاتار (ریپلی- ص ۴۴۲-۴۵۲).
- ۷- مغولها یا تاتارها را چینی‌ها سه طبقه یعنی سفید و سیاه و تاتار وحشی تقسیم کرده بودند . شکل صحیح این کلمه در قدیم «تاتا» بوده است . کلمه تار تار بطور عموم مورد قبول واقع شده زیرا شبیه کلمه تارتاروس میباشد (سایکس ۱۹۲۱ -جلد ۲- ص ۷۱).

- ۸- بعضی از تاتارها به گروه شرقی ترکی تعلق دارند (هدون ص ۳۱).
- ۹- منگلهای بلوچستان بدون شك از نژاد تاتارند (مکمون ص ۸).

تاجیک (تازیک، تازی، تازیک)

۱ - تاجیکهای عصر حاضر یا ایرانیان حقیقی که ترکها آنها را کزلباش می‌نامند مردمی هستند که برای خوش سیمائی معروفند - قیافه منظم و صورت دراز بیضی و ابروان مشخص مشکی و چشمان سیاه غزالی دارند . تاجیکها در واقع مردم مشهوری هستند که در سراسر شرق پراکنده‌اند و نه تنها در شهرهای ایران بلکه در شهرهای ماورالنهر و کشورهای تحت تسلط ازبکهای تاتار سکونت دارند . بعضی ادعا دارند که تاجیکها تا مرزهای چین یا لااقل تا نبت پخش شده‌اند (پریچارد ص ۱۷۱) .

۲ - ایرانیان که خود را تاجیک می‌خوانند فلات ایران را تا سند در تصرف دارند . حتی در توران و قسمت غربی آسیای مرکزی یافت میشوند. در روسیه و سبیره کلنی‌هائی تشکیل داده‌اند (پرتی- ص ۸۲-۸۳) .

۳ - نام تاجیک فقط درباره طبقه معینی از جمعیت مشرق و خراسان و سیستان و هرات در افغانستان بکار میرفت و در سواحل سیحون و آنسوی آن بهر کس که خون ایرانی داشت اطلاق میشد. اشتقاق کلمه تاجیک (دوخابکف ص ۷۷ و ۷۸ و ۸۷) . خود تاجیکها عربستان و ناحیه بغداد را اولین مسکن اجداد خود میدانند. (نقل از وود ص ۲۵۹). ولی تعداد آنها زیاده‌تر از آنستکه بتوان آنها را اولاد جنگجویان مهاجم عرب دانست. طبق نظر مونت استورات الفینستون تاجیکها يك ملت واحد نیستند بلکه در ناحیه وسیعی در آسیا در قسمت‌های مجزا پراکنده شده‌اند . مردمان ده نشین و غیر متحرک ایران نیز تاجیک نامیده میشوند تا از مهاجمین تاتار تشخیص داده شوند و همچنین با مردم بادیه‌نشین که بنظر میرسد از نژاد ایرانی باشند اشتباه نشوند . حتی در ترکستان چین وجود دارند (ص ۹۳ - ۹۴). تاجیکها بلند قد و دارای موی مشکی و چشم سیاه هستند . سر آنها بدرازی سر ایرانیان است ولی استخوان پیشانی آنها بزرگتر است و همین امر صورت آنها را بیضی شکل تر از صورت ایرانیان غربی می‌سازد . چشم و دهان و بینی منظم است .

بینی معمولاً راست و گاهی منحنی و برجسته‌تر از بینی مغولها است. مقدار موی آنها شبیه ایرانیان است. ریش ابوه، سینه و بازوها اغلب پوشیده از مو است. اسکلت تاجیک حجیم‌تر از اسکلت ایرانیان است. قد بین ۱۷۰ و ۱۶۰ که توسط وود در واخان ثبت شده است (ص ۱۰۳-۱۰۵) و تاجیکها و کبرها حداکثر صفات بدوی و اولیه را حفظ کرده‌اند (ص ۱۰۷-۱۰۸).

۴- اغلب پارسیوان خوانده میشوند. عنصر متعدد و پراکنده در افغانستان هستند و از حیث زبان و آداب و رسوم با ساکنین آن سرزمین فرق دارند. نماینده ساکنین ایران باستان هستند. تاجیک از کلمه فارسی قدیم که باعرب اطلاق میشد مشتق است. بتدریج این کلمه به نژاد مخلوط از عرب و ایرانی اطلاق شد. ممکن است تاجیک نام قدیمی روستائیان ایران باشد. امروز بهمه فارسی زبانان افغانستان که هزاره و افغان و سید نباشند اطلاق میشود (بلیو ص ۱۰۹ - ۱۱۰).

۵- زیرعنوان مغول و آریان ثبت شده‌اند. کبرهایک مخلوط نژادی از تاجیک و عجمی‌ها میباشند (هوسی ص ۱۰۳) شاخص سر تاجیک ۸۲/۳۱ (ص ۱۱۰) و تاجیکها در مرز شرقی ایران و در خراسان بین افغانستان و فارس زندگی میکنند. از لحاظ جسمانی شبیه عجمی‌ها هستند (ص ۱۱۸).

۶- عناصر ایرانی که تاجیک خوانده میشوند در سیستان وجود دارند (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۲۲۸) دائرةالمعارف بریتانیا قبل از ۱۸۹۲ تاجیکهای خراسان را زیر ایرانیان ذکر کرده: تعداد ۴۰۰ هزار نفر (جلد ۱ - ص ۱۷۹).

۷- گروه اساسی خراسان تاجیک است که شاخص سر او با شاخص سر ایرانیان کاملاً فرق دارد زیرا آنها از نوع سر کوتاه هستند و از این حیث با رمنی‌ها و یهودیها و آسوریها و مغولها بیشتر شباهت دارند. از لحاظ کوتاهی سر بختیارها در درجه دوم واقع میشوند. شاخص سر تاجیکها در شهرهای مختلف از این قرار است: فرغانه ۸۵/۵ - زرافشان ۸۴/۰ - سمرقند ۸۳/۰ (دایلو).

۸- تاجیکها مخلوطی هستند از ایرانیان خالص با ترکمن و تاتار (ریپلی ص ۴۴۲ - ۴۵۲).

۹- استان هرات توسط تاجیکهای آریان اشغال شده است (سایکس ۱۹۲۱ جلد ۲-ص ۲۱۷).

۱۰ - طبق نوشته بندهش ناز جد اول تازیها یا اعراب است (مدی ۱۹۱۹-ص ۷۳۳). در قسمتهای اول شاهنامه فردوسی اعراب را تازی و زبان آنها را زبان تازی میخواند (مدی ص ۷۳۷ و ۷۳۸) تاجیکها که امروز یکی از دو گروه نژادی عمده ایران را تشکیل میدهند از اولاد اعراب ایرانی شده بازردهشتی شده زمان اسکندر هستند. فن لوشان آنها را از اولاد ایرانیان قدیم میداند. دکتر بلیو میگوید در افغانستان تاجیکها را هنوز پارسیوان میخوانند که نشانه رابطه آنها با ایرانیان باستان است. ذکر از آنها حتی در يك دعای زردشتی نشان میدهد که بعضی از اعراب با ایرانیان قدیم تماس نزدیکتری داشتند. بنابراین جای تعجب نیست که خصوصیات جسمانی آنان نیز تا حدی تغییر کرده باشد (ص ۷۴۷-۷۴۸).

۱۱- در ایران دو گروه بزرگ نژادی وجود دارد یکی تاجیکهای نوع قدیم که در یارسیپائیکه در سال ۶۴۰ میلادی به هندوستان مهاجرت کردند نوع آنها باقیمانده دوم ایرانیان. تاجیکهای دشت مخلوط تر و سفیدتر از تاجیکهای کوهستانی یا گلچاها هستند. اینها را میتوان ساکنین اولیه محسوب داشت (هدون ص ۱۰۲-۱۰۳) رجوع شود به پامیری (ص ۲۷) و تاجیکهای ساکن بین سیحون و جیحون در ترکستان مخلوط شده اند ولی نسبتاً خود را از تهاجم ازبکها حفظ کرده اند (ص ۱۰۳-۱۰۴).

۱۲- در مشرق خطی از استرآباد به یزد و کرمان تاجیکها زندگی می کنند و همچنین در مغرب افغانستان و شمال غربی بلوچستان و ترکستان و افغانستان و ترکستان شوروی تا پامیر وجود دارند. پلوسها و سارنها و آذربایجانی های قفقاز شبیه تاجیکها هستند. تاجیکها از نوع سرکوتاه هستند (۸۴/۹) و قد آنها بلندتر از متوسط (۱۶۹/۰) است و اختلاط با ترکها را نشان میدهد (دیکر ص ۵۰۵-۵۰۷).

۱۳- چینیها اعراب را تازی باناشی (که تحریفی است از کلمه فارسی تازی یا تاجیک) میشناختند.

ایرانیان غربی یا ایرانیان خالص در تمام آسیای مرکزی تاجیک و در ایران

غربی تات خوانده میشوند تاجیک کلمه فارسی وسطی تائیائی آرامائی است یعنی قبیله طائی (حسن ص ۷۹).

۱۴ - تاجیکها که در بلوچستان قسمت ایرانی جمعیت شناخته میشوند و از قبایل عمده محلی و طبقه کشاورز هستند از اینگونه هستند دهورها یا دهقانها و دورزاده‌ها که تا مکران بسط دارند (مکمون ص ۷).

۱۵ - میاتکین قد تاجیکهای کوهستانی ۱۶۵/۸۳ است. قد نشسته ۸۶/۴۴ شاخص نسبی قد نشسته ۵۲/۱۸ سر آنها متمایل به نوع خیلی سر کوتاه است. صورت باریک و از حیث بلندی متوسط. طول بینی ۵۸/۱۴ عرض ۳۴/۴۰ شاخص ۵۹/۴۴ در لیمرخ بینی راست و مقعر و محدب ۶۴/۵۰ درصد مقعر ۱۱/۴۷ درصد و محدب ۲۴/۰۳ درصد (کینزبرک ص ۵۶-۶۳).

تاجنادشی

۱ - نوع سر کوتاه که مانند قبیله بدوی در آن طولی زندگی میکنند (ریپلی - ص ۴۴۲-۴۵۳).

۲ - فن لوشان تاهتاجی‌ها را از نمایندگان هیتی‌های باستانی می‌داند (هیتی ص ۱۵).

تاهوکی (تاهوتانی)

در بلوچستان ایران پیدا میشوند. نژاد مردانه و قوی هستند (مکمون - ص ۸).

تراکمی

طایفه حقیقی ترک در غور متعلق به خلیج (بلیو ص - ۱۰۰).

ترکمن

۱ - ترکمنها از نژاد ترک هستند که در قرن یازدهم و دوازدهم به بخارا در شمال آسیا و ارمنستان و گرجستان جنوبی و شیروان و داغستان راه یافتند و در این نواحی بصورت بادیه نشینی زندگی میکنند و تراکمه و ترکمان و قزلباش

نامیده میشوند. نام آنها مرکب است از ترك و كمن تنها اختلاف بین تركمنها و ازبکها از لحاظ قبیله است و اینکه ازبکها ده نشین هستند. هر دو صورت پهن و چانه تیز و پوست روشن و ریش تنك و عضلات قوی و چشم کوچک مانند چینی‌ها دارند (ابری - مکی ص ۱۶).

۲ - زیر عنوان مغول ذکر شده‌اند (هوسی ص ۱۰۳). قبایل خالص تركمن در گیلان و مازندران سکنی دارند. از قسم در خطی بین اصفهان و آباده و خاك عراق عجم است که ساکنین آن مخلوطی از تركمن و آریانیهای ماد و پارس هستند که خود را عجمی می‌نامند. شاخص سر ۸۲/۰ (ص ۱۱۰ بیعد).

شاخص سر ارامنه جلغا ۸۴-۸۶ که آنها را مانند تركمنهای خالص سر کوتاه مینمایند (ص ۱۲۰). ارقام مربوط به جانکی‌ها عنصر شدید تركمن را نشان میدهد. شاخص سر ۸۳/۷ (ص ۱۲۲-۱۲۶).

۳ - زولوتارف عده تركمنها و جمشیدیهای ایران را ۳۲۰ هزار نفر تخمین می‌زنند (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۴۹۲-۴۹۴) و تركهای ایران شاخه‌ای از نژاد بزرگ تركی یا تركمن یا تاتار میباشند (جلد ۲ - ص ۲۶۹) تركمنهای دره گرگان و اترك معروفترین قبایل ترك ایران هستند (جلد ۲ - ص ۲۷۰) تاتار و تركمن و ترك سه نام قابل تبدیل شاخه‌های مختلف يك فامیل نژادی است. (جلد ۱ - ص ۱۷۹).

۴ - جمجمه‌های کبر تا حدی شبیه جمجمه تركمن است (دانیلو-ستون ۱۳۹-۱۴۴). تركمنها از طبقه نیمه سر کوتاه هستند و شاخص سر آنها ۸۳/۰ است (ستون ۵۳-۵۵).

۵ - ارامنه از حیث جسمانی به تركمنها بیشتر منسوب هستند تا به مردم آریائی زبان. یکی از شعب نوع ایرانی-مخلوطی از ایرانی خالص با نژاد تركمن یا تاتار است. عجمی، تاجیک، تاتار آذربایجانی، موی خشن متمایل بسیاهی، صورت پهن و استخوان گونه برجسته‌تر از آن ایرانیان خالص، سر عریضتر بخصوص در میان مردم شمال شرق. آیا رگه از نژاد آلیپاین در آنها وجود دارد؟ (ریپلی ص ۴۴۲-۴۵۲).

۶ - تركها و تركمنهای ایران از نسل پارتها هستند (فین - ص ۳۲-۳۳).

- ۷ - در خراسان ترکمن هست (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۳۹۲).
- ۸ - ایلات ترکمن هستند ولی مزاجت نوعهای مختلط مانند قاجار بوجود آورده است (هدون ص ۱۰۲ - ۱۰۳) . گروههای ترکمن بادیه‌نشین در پی مهاجرت ترکها از شمال ایران بسمت مغرب هجوم آوردند (ص ۹۷) . ترکمنهای مشرق دریای خزر قسمتی از گروه غربی ترکها میباشند (ص ۳۱۰) .
- ۹ - ترکمنها گروهی از ترکان ایرانی هستند که در ایران و خیوه و بخارا و قفقاز و ماوراء قفقاز وجود دارند و عده آنها در حدود یک میلیون نفر است که شامل طوایف زیر میگرددند: چوار - عیوت - گوگلان - اخال - مروتکه - سارق - سالور و ارسای . همه مسلمانند . بعضی بنظر میرسد نوع نوردیک اولیه را حفظ کرده باشند ولی معمولاً مخلوط شده‌اند (بکستون ۱۹۲۹ - ص ۶۲۳).
- ۱۰ - ترکمنهای خراسانی ترکی حرف میزنند (ویلسون ۱۹۳۲ - ص ۶۸ - ۶۹) .

ترکها

- ۱ - اخلاف قبائل ترك در خراسان پیدا میشود (ملکم - جلد ۲ - ص ۲۱۶).
- ۲ - زبان ترکی از حیث تعداد خیلی زیاد است . شامل چهل و یک فامیل یا شعبه و ۴۲۸ هزار نفر است . قبایل افشار و قاجار قویترین این قبایلند (شوهرل - ص ۲۰) .
- ۳ - بعضی از قبایل نیمه بادیه نشین ایران ترك هستند (پریچارد - ص ۱۷۱).
- ۴ - کندوزلو یکی از قبایل ترك است جانگی گرمسیر و سردسیر از نژاد ترکند (لابارد - ص ۷) .
- ۵ - مجموعه‌های بختیاری و تهرانی از حیث عرض بوسیله اختلاط با ترك تغییر کرده است (دوخانیف ص ۱۰۹) آرامنه بوسیله سامیها و ترکها خیلی زیاد تغییر کرده‌اند (ص ۱۱۲) . تانها بیش از سایر ایرانیان توسط گروههای ترك که مدت ۱۵ قرن بین آنها زندگی کرده‌اند تحت نفوذ واقع شده‌اند . (ص ۱۱۴).
- اندازه‌های مجموعه زیر نام سورانیان داده شده است (ص ۱۳۲).
- ۶ - ازبکها ، ترکمنهای سیحون و آسیای صغیر و قبایل متحرك شمال ایران و عثمانیها همه ترك هستند (ابری - مکی ص ۱۶) .

- ۷ - نویسندهگان ایران باستان دشمنان خود را در سمت شمال ترك ميخواندند (بلیو - ص ۱۰۹ - ۱۱۰) وقتی خلیجی ها وارد غور شدند شامل طوایف حقیقی ترك از قبیل هوتك و توخی و اندر و تراکی و تلمر و پولر بودند (ص ۱۰۰).
- ۸ - بعضی از ایلات ترك هستند (هوسی ص ۱۱۹) . لایارد میگوید گندوزلوهها افشار ترك و جانکیها ترك هستند (ص ۱۲۷) . راجع به جانکیها احتمال قوی میرود که يك قبیله ترك كشوری که در اشغال لرها بود گرفته و با آنها مخلوط شدند (ص ۱۲۲ - ۱۲۶) .
- ۹ - طبق گفته هتوم - شیندلر در سال ۱۸۸۴ در حدود ۱۴۴ هزار فامیل ترك در ایران وجود داشت . زولوتارف (۱۸۸۸) تركها و تانارهای ایران را يك میلیون نفر تخمین میزند (كرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۴۹۲ - ۴۹۴) . تركها که یکی از چهار طبقه قبایل ایرانند از شعب نژاد تركی و تركمن و تانار میباشند . اکثریت تركها اسكان یافته و ده نشین اند (جلد ۲ - ص ۲۶۹ - ۲۷۰) در میان قبایل ترك ایران که عده آنها در شمال و شمال غرب از همه زیادتر است معروفترین آنها قبایل قاجار و افشار و قره گوزاو همدان و شاهسونهای اردبیل و تركمنهای گرگان و اترك و قشقاییهای فارس و لارستان هستند (جلد ۲ - ص ۲۷۰) . در كردستان عناصر ترك وجود دارد (جلد ۱ - ص ۵۴۹) قبایل مهاجر فارس و لارستان قسمتی لر ترك هستند که عمدهترین آنها قبایل قشقایی است (جلد ۲ - ص ۱۱۲ - ۱۱۴) . تانار و تركمن و ترك نامهای قابل تبدیل شعب مختلف يك فامیل هستند (جلد ۱ - ص ۱۸۹) ساکنین كلات نادری ترك از قبایل جلابرو بنجت هستند . (جلد ۱ - ص ۱۳۹) .
- ۱۰ - بعد از ادوار ما قبل تاریخ آریانیها با قبایل ترك مخلوط شدند (دانیلو - ستون ۱۰-۱۹ و ۲۶ - ۲۸) .
- ۱۱ - در شهرها بخصوص در تهران اختلاط خون ترك زیاد است . خلیج - های بادیه نشین ترك هستند . همه قبایل قزلباش تركند (هتوم - شیندلر ص ۴۸ بیعد) .
- ۱۲ - تركها از نسل پارتها هستند (فین - ص ۳۲ - ۳۳) .
- ۱۳ - در خراسان (سایكس ۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۳۹۲) . آینه لو و بهارلو و باصری و نفر خمه از نسل ترك هستند (جلد ۲ - ص ۴۷۹) . قبیلۀ قاجار از

نژاد ترکند (جلد ۲ - ص ۲۷۷) .

۱۴ - مردم ایران ترکها را تحت نفوذ شدید قرار دادند (لوفر ۱۹۱۹ -

ص ۱۸۵) .

۱۵ - هجوم قبایل ترك نوع ایرانی را تغییر داده است (هدون ص-۱۰۲).

آذربایجانیهای ایران و آذربایجانیهای قفقاز که کم و بیش با ترکها مخلوط شده اند زیر گروه ایران و مدیترانه قرار داده شده اند (ص ۸۶) تسلط ترکها بر ناحیه سیحون در اواسط قرن ششم میلادی منتج به مهاجرت قبایل ترك بسمت ایران و آسیای صغیر گردید . ترکان سلجوق در اواخر قرن یازدهم آن ناحیه را اشغال کردند و بدنبال آنها ترکان عثمانی آمدند . کلمه ترك در آسیای صغیر و اروپا لازمه اش از نژاد ترك بودن نیست زیرا کسانی را که بدین اسلام درآمدند نیز ترك می نامیدند (ص ۹۷) .

ترکی : موتاریك - انبوه روی صورت ، رنگ قیافه سفید متمایل به زرد کمی متمایل به قهوه‌ای، قد متوسط تا بلند ۱/۶۷۵ با تمایل بچاقی، سر کوتاه بلند (شاخص سر ۸۵-۸۷) صورت بیضی دراز، استخوان گونه پهن، بینی راست نسبتاً برجسته، چشمان مشکی غیر مغولی ، ولی اغلب حاشیه خارجی پلك چشم تا شده است ، لب کلفت ، موطن اصلی آسیای غربی (ص ۳۱) .

۱۶- بلوچیها در شمال غربی مخلوط با ترکها هستند (دیکر ص ۵۰۸) .

۱۷ - ترکها دارای شکل سر کوچک هستند قد متوسط و زوایای صورت

برجسته و قیافه نا منظم دارند (ایوانووس ۱۵۳) .

۱۸- ترکمنها گروهی از ترکان ایرانند (بکستون ۱۹۲۹ ص ۶۲۳) .

۱۹ - دومین حرکت بزرگ بادیه نشینی در ایران حمله ترکها از مغولستان

در قرن هشتم بود . ترکها به آذربایجان راه یافتند (ویلسون ۱۹۳۲ - ص ۶۹

- ۷۰) در فارس و لرستان قبایل ترك یافت می شود (ص ۳۳-۳۴) .

تکالو

قبیله قزلباش ترك در ۱۵۳۱ از هم پاشید و به عنوان قبیله از تاریخ محو

شد (هتوم - شیندلر - ص ۴۸ بیعد) .

تلر

طایفه ترك غورمتعلق به خلیج (بلیو- ص ۱۰۰).

توخی

طایفه ترك غور متعلق به خلیج (بلیو ص ۱۰۰).

تورانیان

- ۱ - اندازه‌های سر - شاخص سر ۷۹/۳ (دوخانیسکف ص ۵۹ - ۶۳)
سرایرانیان بلندتر از سر تورانیان است (ص ۶۲) . ایران مدت ۵۰۰ سال تحت سلطه یونانی و سامی و آرامائی و تورانی بود؛ ۶۰۰ سال تحت سلطه تورانیان .
(دوخانیسکف-ص ۷۴ - ۷۶) . اندازه های جمجمه (ص ۱۳۲ - ۱۳۹) .
- ۲ - نواحی کوهستانی بین لرها و فارسها مرکز اختلاط آریانها و تورانیان و سامی ها بود . عناصر تورانی در بعضی نقاط تفوق دارند . در نقاط دیگر از بین رفته است (هوسی - ص ۱۲۲) . در شوش نژادی از اختلاط تورانی و ایرانی و سیاهپوست وجود دارد (ص ۱۳۶ - ۱۳۷) نقص شکل سرممکن است ازاصل تورانی باشد (ص ۱۴۳) .
- ۳ - فامیل زبان تورانی آسیای مرکزی شامل لهجه های ترکی و زبان مغولی و زبانهای فنلاندی و زبان طبقه حاکمه نژاد تاتار در چین می‌باشد (کندر ص ۳۰ - ۵۱) .
- ۴ - هزاره ها متعلق بفامیل تورانیان هستند و قیافه مغولی و چشم کج و کمی ریش آنها مؤید آنست (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۱۹۸) .
- ۵ - احتمال میرود که نژاد تورانی (سبیری باسینیتی) در ازمه ما قبل تاریخ در مغرب آسیا و قسمت مرکزی و جنوبی اروپا وجود نداشت (بریشتون- ص ۵-۴) .
- ۶ - دو قبیله ایرانیان قدیم که هرودوت ذکر کرده یعنی بودائی و مکی ممکن است از نژاد تورانی باشند (سایکس ۱۹۲۱-ص ۹۵-۹۹) .
- ۷ - همیشه از راه ایران آریانها و تورانیان به بین‌النهرین آمدند (ورل ص ۲۰ - ۲۱) ایرانیهای آریائی زبان اختلاف عمده بین ایران و توران قائل

میشوند اگرچه خون تورانی در آنها زیاد است (ص ۴۴) .

- ۸ - در بعضی نقاط ایران در ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد مغولهای تورانی -
زبان جای ایرانیان بومی را گرفته یا با آنها مخلوط شدند (ویلسون ۱۹۳۲ -
ص ۲۸-۳۰) .

تهرانی

جمعیه بختیاری شبیه جمعیه تهرانی است که نمونه جمعیه ایرانی مخلوط
باترک است (دوخانیکوف ص ۱۰۹) اندازه‌های جمعیه (ص ۱۳۳ - ۱۳۹) .

تیلاکو

کردهای اردلان نزدیک هوانو - ۶۰۰ خانوار (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ -
ص ۵۵۵ - ۵۵۷) .

تیموری

۱ - دائرةالمعارف بریتانیا قبل از ۱۸۹۲ تحت عنوان مغول ۲۵۰ هزار
تیموری در خراسان صورت می‌دهد (کرزن ۱۸۹۲ جلد ۱ - ص ۱۷۹) . در
نواحی مرکزی جام و باخزر و خواف اکثریت مردم از نژاد عرب هستند و تیموری
نامیده می‌شوند و یکی از قبایل چهار ایملک تعلق دارند . نام آنها مشتق از تیمور
است که آنها را از وطن اصلی خود بجای دیگر منتقل کرد . در سایر نقاط خراسان
نیز مراکز تیموری وجود دارد . بلیو آنها را یکی از قبایل اصلی چهار ایملک
می‌داند و جمشیدی و فیروز کوهی را از شعب آن می‌داند (جلد ۱ ص ۱۹۸-۱۹۹) .

۲ - در خراسان قبایل تیموری عرب نژاد وجود دارد (سایکس ۱۹۲۱
جلد ۲ - ص ۳۹۲) .

۳ - تیموربها که نزدیک مرزافغان زندگی می‌کنند به هشت قبیله عمده
تقسیم می‌شوند (ابوانو - ص ۱۵۳) .

تیمونی

۱ - از قبایل اصلی چهار ایملک گفته میشود از نژاد ایرانی هستند که اکنون

فهرست قبائل و گروه‌های نژادی - ۲۵۵

- در ایران پیدا نمیشوند (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۱۹۸).
- ۲ - تیمانی و چهار ایملک و سایر قبایل در قلب افغانستان زندگی میکنند.
(سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۲۱۷) .

جات

بلوچها با جاتها و هندوها در مشرق مخلوط شده‌اند (دنیگر - ص ۵۰۸).

جانکی

- ۱- جانکی گرمسیر و سرد سیر از نژاد ترك هستند (لایارد - ص ۷۰).
- ۲- لایارد میگوید جانکیهایك قبیله بختیاری‌اند که بین ملامیر و رامهرمز زندگی میکنند (هوسی - ص ۱۲۲) .
- اندازه‌ها (ص ۱۲۲) . مردان این قبیله که لایارد میگوید ترك هستند در نظر اول خصوصیات جسمانی لرها را نشان میدهند. همان قد بلند بدن عضلانی قوی مو و ریش مجعد و خیلی دراز و خیلی سیاه بینی دراز و صاف پوست رنگ روشن و این مطلب از این جهت عجیب است که در ناحیه گرم کوهستانی سکونت دارند.
- ارقام اندازه گیری حاکی از عنصر ترکمنی است. شاخص سر ۸۳/۷ اگر چه خیلی کمتر از شاخص سر بختیاریها است ولی نسبتاً زیاد است شاخص پیشانی و چانه ۷۴/۵ نیز زیاد است . بنابر این این قبیله بطور قابل ملاحظه با سایر قبایل بختیاری از حیث سر کوتاهی و داشتن تعداد زیادتری خصوصیات آریائی فرق دارد .
- تعداد موخرمائی (مانند فارس) زیاد است. دیگران دارای مو و ریش سیاه و چشم آبی می‌باشند خصوصیتی که در میان لرها نیز دیده میشود (ص ۱۲۲ - ۱۲۶) بختیاری (جانکی) شاخص بینی ۶۰/۰ (ص ۱۳۳) .

چباره

- ۱ - از قبایل بادیه نشین خمسه (عرب) فارس و لارستان (۱۸۹۰ کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۱۱۲-۱۱۴).
- ۲ - از شعب فرعی شاخه عرب خمسه - در اصل از نجد یا عمان مهاجرت کردند (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۴۷۹) .

جبراجی

قبیله کرد اردلان در بلاور بامامون سه هزار خانوار (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۵۵۵ - ۵۵۷).

جد رسی

قبیله مهاجر به کناره بلوچستان (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۱ ص ۹۵-۹۹) .

جرف

قبیله عرب خوزستان که تعداد افراد ذکور آنها بیش از ۵۰۰ نفر است. (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۲۲۰ - ۳۲۲) .

جرمانیان

۱- قبیله ایرانی که بکشاورزی اشتغال دارند (هرودوت I-۱۲۵).
۲ - معمولاً کرمانیان نامیده شده و نزدیک کرمان زندگی میکردند . در میان ایرانیان مردم مشخصی هستند (لارنس).

جعفر بیگلو

«جعفر بیگی» از قبایل بادیه نشین قشقایی (ترك) فارس و لارستان ۱۸۲۵ (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۱۱۲ - ۱۱۴).

جلالوند

قبیله کرد کرمانشاه تحت نظر سر تیپ کردند. بابوانجی يك هزار خانوار. (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ ص ۵۵۷).

جلایر

قبیله ترك ساکن کلات نادری (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۱۳۹).

جلیلوند

قبیله غیر متحرك کرد در مشرق کرمانشاه ۳۰۰ خانوار (کرزن ۱۸۹۲ -

جلد ۱ ص ۵۵۷).

جمشیدی

زولوتارف ترکمنها و جمشیدیه‌ها و غیره ایران را ۳۲۰'۰۰۰ تخمین می‌زند (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۴۹۲ - ۴۹۴). بکسی از چهار قبیله اصلی چهار ایملک . از نژاد ایرانی هستند ولی قسمت عمده‌شان در زمان قدیم ایران را ترک کرده در افغانستان ساکن شدند. در ۱۸۵۷ عده‌ای عودت داده شده و نزدیک مشهد مستقر شدند . بلیو جمشیدیه‌ها را از شعب تیموری چهار ایملک میداند (جلد ۱ - ص ۱۹۸).

چاودر

طایفه‌ای از ترکمنها (بکستون ۱۹۲۹ - ص ۶۲۳).

چته

از هزاره‌ها سر کوتاه‌ترین و لی شاخص بینی آنها ۵۸ و بنا بر این از نژاد پامیرند (هدون - ص ۱۰۳).

چنگیانی

در مورد کولیها اصل زنگاریهای اروپائی یا مشابه آنها را در چنگیانی ترکیه میتوان یافت (سایکس - ص ۳۴۴).

چوبانکره

قبیله غیر متحرک کرد در کرمانشاه (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ ص ۵۵۷).

چهار ایملک

۱ - چهار ایملک در مرزهای غربی نزدیک هرات در افغانستان هستند (بلیو ص ۱۳).

۲ - قبایل سرگردان در مرز افغانستان. چهار ایملک در اصل از چهار قبیله جمشیدی و فیروز کوهی و تیموری و تیمونسی تشکیل میشد . بعداً دو قبیله دیگر

یعنی هزاره و کیپچک بآن اضافه‌شد. فیروز کوهی و تیمونی و کیپچک اکنون در ایران یافت نمی‌شوند با این‌که گفته شده است دو قبیله اولی از نژاد ایرانی هستند. بلیو چهار ایمل اصلی را متشکل از تیموری و تیمونی و داهی و سوری میداند. جمشیدی و فیروز کوهی از شعب تیموری و هزاره مترادف داهی است (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ ص ۱۹۸).

۳ - ساکنین قلب افغانستان (سایکس - جلد ۲ ص ۳۱۷).

چهار پنجه

قبیله غیر متحرک قشقائی (ترك) لارستان و فارس ۱۸۹۰ (کرزن ۱۸۹۲ جلد ۱ - ص ۱۱۲ - ۱۱۴).

حاجی مسیح خان

از قبایل بادیه نشین قشقائی (ترك) فارس و لارستان (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۱۱۲ - ۱۱۴)

حباشی

یا حبشی در مکران و لارستان. ممکن است با شوشیهای باستان منسوب باشند (هوسی - ص ۱۲۶)

حجمی

رجوع شود به حجمی.

حلوان

قبیله لر در لرستان ولی زیر عنوان قبایل کرد کرمانشاه ثبت شده‌اند. بادیه نشین در کوهستانهای جنوب شرقی کرمانشاه و قسمت علیای کوخه ۴۰۰۰ خانوار (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۵۵۷).

حلیلان

رجوع شود به حولولان.

حمودی

قبیله عرب درخوزستان که تعداد افراد ذکور آن متجاوز از ۵۰۰ نفر است (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۳۲۰-۳۲۳).

حمید

«حمید» قبیله عرب درخوزستان که تعداد افراد ذکور آنها متجاوز از ۵۰۰ نفر است (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۳۲۰-۳۲۲).

حیدرانلو

قبیله بزرگ کرد آذربایجان درمرز نزدیک خوی (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ ص ۵۵۵-۵۵۷).

خلج

۱ - يك قبیله ترك که نام ترکی خود را حفظ کرده است. در نزدیکی تهران در مزلقان سکونت دارند. نویسنده آنها را مزلقانی خوانده است. اکثر آنها سر دراز هستند و احتمال می‌رود بطور قابل ملاحظه با ایران مخلوط شده باشند. از همه گروههای اندازه گیری شده زیاده‌تر مو دارند موی آنها موجدار - ب متوسط دندان متوسط تا کوچک - قد ۱۶۴/۳ - شاخص سر ۷۶/۵ - حد اکثر قطری پیشانی ۱۰۶ - عرض گونه ۱۳۹ - عرض فکین ۱۰۳/۱ (دانیلو).

۲ - قبیله ترك قزلباش درجدولهای سلسله نسب رشیدالدین خلج یا صاحبختر کلج ثبت شده. شکل‌های دیگر این نام عبارت است از کلیج و خلیج. خلج‌های ایران از همان نژاد خلیج و خلجی و قلجی یا قزلزائی افغانستان هستند ولی قبیله اخیر چندین قرن پیش برادران ایرانی خود را ترك کرد و نویسندگان شرقی حتی در اوایل قرن دهم ساکن افغانستان ذکر کرده‌اند. یکی از قبایل ترك از اولاد

اوقرخان دانسته‌اند. این قبیله در سال ۱۲۰۰ به قشون چنگیزخان ملحق شد و بعد-ها در آسیای صغیر استقرار یافت. بعدها قسمتی از آنها در ایران مستقر شدند و در سال ۱۴۰۴ آنها را در ناحیه فعلی که نزدیک ساوه است می‌یابیم قسمتی از قبیله در فارس و کرمان و آذربایجان سکونت دارند (هتوم - شیندلر ص ۴۸ بیعد).

خلجی

- ۱- افغان - اندازه های جمجمه (دوخانیف ص ۱۳۳ - ۱۳۹).
- ۲ - « قلزائی » یکی از عناصر عمده افغانستان (بلیو - ص ۱۳).
« خلیجی » یعنی شمشیر زن ، وقتی وارد غور شدند شاید فقط از قبایل خالص ترك هتك و موخی و اندار و تراکی و تولر و پولر متشکل بودند (ص ۱۰۰).
خودشان را غلجائی می‌گویند و دیگران آنها را قلزائی میخوانند تعداد آنها زیاد در ناحیه بین جلال‌آباد و کلات قلجی پراکنده‌اند (ص ۹۷).
- ۳ - غلزائی یا قلزائی (بلیو آنها را قلیج نوشته) یکی از دو قبیله بزرگ جنوب افغانستان است نژاد مختلط متشکل از صد هزار خاوار زمانی نیرومندترین قبیله قندهار بود . تصور می‌رود قلزائی‌ها با خلیج که ادیسی ذکر کرده یکی باشند ولی لانگورث دیمز در این مطلب تردید دارد (سایکس ۱۸۹۲ جلد ۲ - ص ۲۱۷-۲۱۸).

خمسه

- ۱ - قبایل عرب فارس و لارستان. عده آنها کمتر از قبایل ترك است و متجاوز از سه هزار چادر میشود. در همان ناحیه پراکنده هستند و نسب خود را از قبیله بنی شریان عربستان میدانند. طبق نظر راس (۱۸۷۵) قبایل خمسه متشکل است از: « باصری، نیار، بهارلو، آرایالو، ابولوردی، عمله‌شاهی، و ممسنی (ترك) ». در ۱۸۸۹: « بجرى، نوفر، بهارلو، اپتلو ». در ۱۸۹۰: « بصیری، آینه‌لو، شیوائی صفری، جباره ». (کرزن ۱۸۹۲ جلد ۲ - ص ۱۱۲ - ۱۱۴).
- ۲- قبایل خمسه در ناحیه وسیعی در سمت مشرق ناحیه قشقائی چراگاه دارند. در زمستان بحوالی بندر عباس و لار و در تابستان بحوالی نیریز و ده بید نقل‌مکان میکنند. پنج قبیله عبارتند از عرب، آینه‌لو، بهارلو، باصری و نفر.

فهرست قبائل و گروه‌های نژادی - ۷۶۱

اعراب که بیش از نیمی از افراد قبایل را تشکیل می‌دهند و به دو شعبه شیبانی و جباره تقسیم شده‌اند در اصل از نجد و عمان مهاجرت کرده‌اند و چهار قبیله دیگر از نژاد ترك هستند. زبان معمولی آنها عربی مخلوط با فارسی و ترکی و لری است. تعداد آنها ۷۰۰۰۰ نفر است (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۴۷۹).

خنافره

یکی از قبایل عرب خوزستان که تعداد افراد ذکور آنها متجاوز از ۵۰۰ نفر است (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۳۲۰ - ۳۳۲).

خواجهوند

«خواجهوند و لك‌های دیگر» در دشت‌های شمال تهران زندگی میکنند. بادیه نشین هستند. قبیله بومی ایران محسوب میشوند و بزبان فارسی مخلوط با ترکی تکلم میکنند (هنوم - شیندلر ص ۴۸ بعد).

خوانین

قبیله بادیه نشین قشقایی (ترك) فارس و لارستان ۱۸۹۰ (کرزن ۱۸۹۲ جلد ۲ - ص ۱۱۲ - ۱۱۴).

خوزی

- ۱ - فارسی و عربی و خوزی در خوزستان بکار برده میشود. ظاهر خارجی ساکنین زرد و لاغرپاریش کم و موی غیر انبوه (اصطخری - مقایسه شود با هوسی ص ۱۲۷).
- ۲ - تصور می‌رود خوزستان از اوجا مشتق شده باشد «بومیان» که در خطوط میخی حجاریها یافت می‌شود شاید ریشه اوخی Uxii استرابور پلینی نیز همان باشد (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۳۲۰).
- ۳ - یاقوت مینویسد خوزیها نژاد فرومایه و برنگ سیاه یا مسی هستند (سایکس ۱۹۰۲ - ۳۴۳).
- ۴ - موطن در ایلام - هوسی یا کوسی اوخیانهای Uxians یونانی هستند. این نام در کلمه خوزستان باقیمانده است (سایکس ۱۹۲۱ جلد ۱ - ص ۵۰-۵۳).

دادتالی

یکی از قبایل بادیه نشین قشقائی (ترك) فارس و لارستان (کرزن ۱۸۹۲- جلد ۲ ص ۱۱۲-۱۱۴).

دارابخانی

یکی از قبایل بادیه نشین قشقائی (ترك) فارسی و لارستان ۱۸۲۵ (کرزن ۱۸۹۲- جلد ۲ ص ۱۱۲-۱۱۴).

دانه‌ها

۱- یکی از قبایل بادیه نشین پارس (هرودوت I-۱۲۵).
۲- یاداهه در مشرق خزر و اینکه این نام اهمیت نژادی داشته باشد تردید است (لارنس).

داهی

طبق نظر بلیو یکی از قبایل اصلی چهار ایمل مترادف با هزاره (کرزن ۱۸۹۲- جلد ۱ ص ۱۹۸).

درانی

یکی از دو قبیله بزرگ افغانستان ساکن ناحیه شرقی (سایکس ۱۹۲۱- جلد ۲ ص ۲۱۶-۲۱۸).

دراویدیها

۱- نژاد دراویدی که در حجابریهای سوازا نشان داده شده اند ممکن است اسیر یا برده باشند (برینتون ص ۲)
۲- قبیله براهوئی بطور قطع از نژاد دراویدی است. ممکن است نژاد دراویدی زمانی از هند تا شط العرب گسترده بوده است (سایکس ۱۹۰۲ ص ۳۴۲-۳۴۳)
۳- زبان براهوئی از نوع زبان دراویدیها است (هدون ص ۱۰۳).

فهرست قبائل و گروه‌های نژادی - ۷۶۳

- ۴- شاخه‌های نژاد آریان با درآویدیه‌ها مخلوط شده (ورل-ص ۱۲۱-۱۲۲).
۵- درآویدیه‌ها (براجوئی‌ها) که عمده آنها قنبرانی و منگال یا مونگال هستند در سراسر جنوب بلوچستان و کوهستان خاران پخش هستند. بلوچها با درآویدیه‌ها مخلوط شده‌اند (مکمون ص ۷).

درزاده

«درزاده» يك قبیله ایرانی در بلوچستان (مکران) (مکمون ص-۷).

درتگیان

بنواحی شمالی بلوچستان مهاجرت کردند (سایکس ۱۹۲۱-جلد ۱-ص ۹۵-۹۹).

دروپیکان

- ۱- از قبایل بادیه‌نشین پارس (هرودوت I- ۱۲۵).
۲- از نام دروپچی مشتقات زیادی وجود داشته و ممکن است اصطلاحی بوده برای «بیچاره» (لارنس).

دروز

عناصر هند و ایرانی در میان دروزها متنوع و زیاد است. احتمال می‌رود در بادی امر درین‌النهرین با هم ازدواج کرده و بعدها در سوریا با ایرانیان مخلوط شده‌می‌باشند. از نظر نژادی دروزها مخلوطی از ایرانیها و عراقی‌ها و اعراب ایرانی شده باشند (هیتی ص ۲۲-۲۳) فن‌لوشان آنها را نماینده هیتی‌های عهد باستان می‌داند (ص-۱۵).

دروزیان

يك قبیله ایرانی که به کشاورزی اشتغال دارند (هرودوت I- ۱۲۵).

دره شوری

۱- «دره شولی» از قبایل بادیه‌نشین فشقائی (ترك) ۱۸۷۵ و ۱۸۹۰ (کرزن

۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۱۱۲-۱۱۴).

۲ - یکی از قبایل عمده قشقائی (سایکس - جلد ۲ - ص ۴۷۷-۴۷۸).

دنارونی

۱ - یکی از شعب فرعی بختیاربهای اصفهان (لایارد ص ۷).

۲ - لایارد میگوید يك قبيله بختیاری هستند که در ۱۸۳۰ از ملایر باصفهان

آمده اند (هوسی ص ۱۲۲).

دهوار

۱ - متعلق به نوع هندوایرانی (هدون - ص ۸۶).

۲ - دهوارها یا دخانها قسمتی از جمعیت ایرانی بلوچستان هستند (مکمون

ص ۷).

ذوالقدر

قبيله قزلباش ترك - معدودی از آنها باقیمانده . در آذربایجان زندگی می-

کنند (هتوم - شیندلر - ص ۴۸ ببعده).

رحیمی

از قبایل بادیه نشین قشقائی (ترك) فارس ولارستان ۱۸۷۵ (کرزن ۱۸۹۲

جلد ۲ - ص ۱۱۲-۱۱۴).

رند

رند مکران که گفته میشود بلوچی خالص هستند تنها اعراب قبيله کترن

هستند (دبیکر ص ۵۰۷).

ریگی

در بلوچستان قبایل بادیه نشین پراکنده زندگی میکنند که ریگی نامیده

میشوند و مهمترین آنها قبيله محمدانی است . از نژاد عرب هستند (مکمون ص ۷).

ززا

قبیله کرد آذربایجانی در کوهستان شمال غربی اشنو سنی - هزار خانوار
(کرزن ۱۸۹۲ جلد ۱ - ص ۵۵۵-۵۵۷).

زعفرانلو

کردهای زعفرانلو ساکنین عمده قوچان در خراسان (کرزن ۱۸۹۲ - جلد
۱ - ص ۱۹۱) شاه عباس آنها را از ایالات شمال غرب خراسان انتقال داد (جلد
۱ - ص ۹۷ - ۹۸).

زکرتو

در دوره آسوریها مات کوچکی وجود داشت که سامیها آنها را زکرتو
میخواندند در پارسوا و در ناحیه شمالی زاگرس زندگی میکردند (لارنس -
یادداشت به هرودوت I - ۱۲۵).

زند

۱ - قبیله کرد زبان زمانی تحت نظر کسریم خان - اکنون کاملاً از بین
رفته اند (شویرل - ص ۲۰).
۲ - زندها لر هستند. هنوز ۱۵۰ تا ۲۰۰ خانوار نزدیک قم و همدان و
ملایر و بختیاری زندگی میکنند (هتوم - شیندلر ص ۴۸ ببعده).

زنگنه

قبیله کرد کرمانشاه - شیعه - ۱۵۰۰ خانوار (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ -
ص ۵۵۷).

زنگیون

از قبایل ده نشین فشقائی (ترك) فارس ولارستان ۱۸۹۰ (کرزن ۱۸۹۲
- جلد ۲ - ص ۱۱۲ - ۱۱۴).

سارته‌ها

- ۱ - قسمت عمده جمعیت ترکستان بین سیحون و جیحون متشکل از سارته‌های اسکان یافته که نژادی هستند مخلوط از ازبک قرغیز و تاجیک و عناصر دیگر (هدون ص ۱۰۳ - ۱۰۴).
- ۲ سارته‌های ترکستان روسیه از لحاظ خصوصیات جسمانی شبیه تاجیکها هستند (دیکرس ص ۵۰۵ - ۵۰۶).

سارق

طایفه از ترکمنها (بکستون ۱۹۲۹ - ص ۶۲۳).

ساسانیان

سلسله ساسانی از پارس آمدند (ورل - ص ۱۲۵ - ۱۲۶).

ساسپیریان

ساکن کشوری شمال مادیه (هرودوت IV - ۳۷).

سالور

طایفه از ترکمنها (بکستون ۱۹۲۹ - ص ۶۲۳).

سامی‌ها

- ۱ - جمجمه بختیارپها شبیه جمجمه هالیست که او تهرانی می‌نامد : هر دو در ارتفاع سر نفوذ سامی نشان میدهند (دوخائیکف - ص ۱۰۹) . اندازه‌های سر : شاخص سر ۷۸/۳ (ص ۵۹ و ۶۳) . سامیهای هند شاخص سر ۷۳/۹ . اندازه‌ها (ص ۷۰) . وقتی جمجمه سامی با جمجمه ایرانی مقایسه میشود بنظر میرسد از حیث ظرفیت مغز کمتر و از عرض و طول کوچکتر ولی در ارتفاع بلند تر است (ص ۷۱) . ایران مدت ۲۰۰ سال تحت تسلط یونانی و سامی بود ؛ و ۵۰۰ سال تحت تسلط یونانی و سامی و آرامائی و نورانی . و تحت تسلط سامی ۴۰۰ سال (ص ۷۴ - ۷۶) . در سمت مغرب شیراز و اصفهان نفوذ سامی قویتر است و این مطلب

فهرست قبائل و گروه‌های نژادی - ۷۶۷

در شکل سربخوبی آشکار میشود (ص ۱۰۷ - ۱۰۸). نسطوریها و کلدانیان نزدیک ارومیه و سلماس و سرچشمه رود زاب سامی هستند (ص ۱۱۰) شکل جمجمه نسطوریها سامی است بخصوص در میان اقوام دز و جلو و باز و تخومه و طیارای که همه آسوری هستند. چشم سامی فرو رفته است (ص ۱۱۱-۱۱۲). ارمنی‌ها با سامیها مخلوط شده‌اند (ص ۱۱۲). اندازه جمجمه‌های سامی (ص ۱۳۱-۱۳۹).

۲ - سامیهای ایران عبارتند از اعراب و سیدها و یهودیها (هوسی - ص ۱۰۳). نواحی کوهستانی بین فارسها و لرهامحل اختلاط آریانها و تورانیان و سامیها است (ص ۱۲۲).

۳ - بعد از دوره ماقبل تاریخ آریانهای ایران با نژادهای سامی مانند آسوریان و اعراب و یهودیها مخلوط شدند (دایلو - ستون ۱۰ - ۱۹ - ۲۲-۲۸).

۴ - بعضی از حبشیان آسیائی موی صاف داشته و سامی بودند (برینتون - ص ۳). در دوره‌های ماقبل تاریخ و دوره اولیه تاریخ نژادهای قفقازی و آریائی و سامی سه شعبه بزرگ نژاد سفید در مغرب آسیا محسوب میشدند (ص ۱۱-۱۲). سلسله جبال آمانوس در مغرب و ماسیوش در شمال و زاگرس در مشرق حدود تاثیر نژادی سامی است (ص ۳۲).

۵ - سامیها از سه شعب نوع نژادی ایرانی هستند . در سمت جنوب غربی در اثر تماس با اعراب جمعیت تیره رنگتر بوجود آمده است (ریپلی ۴۴۲ - ۴۵۲).

۶ - در ایلام اول هجوم سومرینها و سپس سامیها واقع شد (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۱ - ص ۵۰ - ۵۳) و سامیها بردشت و آریانها بر فلات ایران تسلط یافتند . تاریخ دنیای قدیم مبارزه بین نژادهای سامی جنوب و نژادهای آریائی شمال است که بالاخره به موفقیت کامل نژادهای شمالی تمام شد (جلد ۱ - ص ۹۵-۹۹).

۷ - بندهش معتقد است که اعراب و ایرانیها و سامیها و آریانها در مغرب آسیا جلد مشترك دارند (مدی ۱۹۱۹ - ص ۷۳۳).

۸ - مهاجرتهای سامی (عرب) نوع ایرانی را تغییر داده است (هدون ص ۱۰۲ - ۱۰۳).

۹ - ممکن است دلیل وجهتی برای بحث در باره فامیل سامی زبانها وجود

داشته باشد ولی چنین بحثی در باره نژاد سامی نمیتوان داشت. نژاد حقیقی سامی دارای موی سیاه براق و مجعد و انبوه، حجمه از نوع سردراز، بینی برجسته و تا حدی عقابی، لب کلفت، پوست سفید تیره، چشمان سیاه میباشد (سایکس ص ۱۰۷-۱۰۸ و ۱۲۰-۱۲۱).

۱۰ - علمای علم مردم شناسی جسمانی یقین دارند که بین النهرین (عراق) مرز شرقی نوع افراد سامی است و سامی هائی که بعنوان مردم تیره رنگ مدیترانه می شناسیم که از عربستان به بین النهرین حمله کردند در ازمنه اولیه ساکن ایران بودند. بنابراین وقتی نویسنده فصل دهم سفر آفرینش ایلام را پسر شم یعنی يك سامی میخواند این مطلب از جنبه جغرافیائی و فرهنگی درست است و نه از جنبه مردم شناسی (کامرون - ص ۱۵ - ۱۹).

سریندی

یکی از قبایل عمده بلوچی در سیستان. تیمور آنها را بهمدان منتقل کرد و نادر شاه آنها را مراجعت داد (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۲۲۸).

سعیدی

زیر عنوان سامرا ذکر شده است (هوسی ص ۱۰۳).

سکا

سکاها آریانهائی هستند که در حدود ۱۳۰ قبل از میلاد از آسیای مرکزی بایران مهاجرت کرده پایتخت خود را کرکوک قرار دادند. نام آنها در سیستان فعلی باقی مانده است. از آراکسیا ازراه تنگه بولان وارد هندوستان شده و برای مدت کوتاهی امپراطوری خود را تا دهلی و بمبئی بسط دادند (هرتسفلد ۱۹۳۵ - ص ۶-۱۰).

سگرتیان

قبیله بادیه نشین پارس (هرودوت I - ۱۲۵) تنها کسانی بودند که بدربار هخامنشی خراج میدادند. کلمه آساگارتها فارسی باستان ممکن است محل سکونت

فهرست قبائل و گروه‌های نژادی - ۷۶۹

قبیله در کوهستان شمال زاگرس باشد ولی بعضی از آنها نزدیکتر بمرکز ایران زندگی میکردند (لارنس - یادداشت به هرودوت I-۱۲۵).

سلجوقیها

- ۱ - شعبه‌ای از ترکان غز که از آنها خود را مشخص نگاه میداشتند (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۳ - ص ۲۸).
- ۲ - سلجوقها در قرن یازدهم به ایران حمله کردند. (ویلسون ۱۹۳۲ - ص ۶۹ - ۷۰).

سلیمان

از قبایل عرب خوزستان که تعداد افراد ذکور آن متجاوز از ۵۰۰ نفر است (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۳۲۰-۳۲۲).

سنجایی

قبیله کرد ساکن ماهیدشت مغرب کرمانشاه - علی‌اللهی ۱۵۰۰ خانواد (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۵۵۷).

سودان

از قبایل عرب خوزستان که تعداد افراد ذکور آن متجاوز از ۵۰۰ نفر است (کرزن ۱۸۹۲ جلد ۲ - ص ۳۲۰-۳۲۲).

سوری

طبق نظر بلیویکی از قبایل اصلی چهار ایماک (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۱۹۸).

سوریه‌ای

- ۱ - بندولیا بومیانی هستند که با سوریه‌ای‌ها مخلوط شده‌اند (هوسی ص ۱۲۲).
- ۲ - شاملوها سوریه‌ای هستند (هتوم - شیندلر ص ۴۸ بیعد).

سومریها

- ۱ - سومریها قبل از سامیها در بابل بودند ولی قبل از آنها نژاد ایلامی اولیه در آنجا زندگی می کرد که سفال ساخت آنها شبیه سفال بدوی شوش بود (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۱ - ص ۶۱-۶۲).
- ۲ - از آنجائیکه سومریها از شمال شرقی بیابان آمدند و این مطلب از نوع اشکالی که برای نشان دادن کوه و دشت می کشیدند پیداست برای یافتن آثار ارتباط زبانی که ممکن است تاکنون باقی مانده باشد بدانسو باید جستجو کرد اصل و مبداء تمدن و فرهنگ کلدانیان را مروهون این قوم قبل از سامی باید دانست (سایکس ص - ۹۵).
- ۳ - اجداد سومریها ممکن است مخلوطی از قبایل سفید و زرد بوده باشند (ورل ص ۴۴).
- ۴ - سومریها از نژاد مغولند و احتمال می رود بقایای آنان امروز در قسمتی از ترکیه و افغانستان یافت شود (علیشاه ص ۱۵۳).
- ۵ - ممکن است مردم سردراز ایران قدیم سومری یا مربوط بسومری بوده اند گفته شده است می توان هنوز اثر ورده صورت نوع سرمری را در میان مردم افغانستان و بلوچستان و حتی دره سند یافت (کامرون ص ۱۵-۱۹).

سونگورو

- قبیله ده نشین کرد در شمال کرمانشاه . تعداد کولیهای و سونگورو ۲۵۰۰ خالوار است (کرزن ۱۸۹۲ جلد ۱ - ص ۵۵۷).

سیاهپوست

- ۱ - بنا بگفته کاترفاژ و حامی نوع سیاهپوست در نقوش برجسته آسوری نماینده عنصر بدوی شوش است که شاید ساکنین آن مخلوطی از کوچیت ها و سیاهپوستها بودند . بینی نسبتاً پهن - گونه برجسته - لب کلفت (هوسی - ص ۱۲۲). میانگین شاخص سر سیاهپوست ، ایرانی و پارسی تقریباً مساوی با شاخص سر شوشی است (۷۸۳۵) - سیاهپوستان قد کوتاه از نوع سر کوتاه با شاخص سر در حدود ۸۰ می باشند . در شوش يك نژاد مشخصی است که مخلوط است از

تورانی و ایرانی و سیاهپوست (ص ۱۳۶-۱۳۷) شوش سابقاً جمعیت سیاهپوستی داشت که اجداد سیاهپوستان هند هستند (ص ۱۴۳).

۲ - در بلوچستان در اثر ورود بردگان سیاه از مسقط و زنگبار اختلاط قابل ملاحظه افریقائی وجود دارد . بعضی صورت ها کاملاً از نوع سیاهپوست است . (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۲۵۸-۲۵۹).

۳ - شوشیا سیاهپوست دور که هستند . بعضی از قبایل بادیه نشین ترك در جنوب ایران با سیاهپوستان مخلوط شده و بعضی از صفات آنها را اخذ کرده اند . بینی پهن صاف و کوتاه پوست سیاه و قد کوتاه خود را سیاه میخوانند . قبایل ده نشین مرکز ایران با عناصر سیاهپوست جنوب مخلوط شده اند (دانیلوستون ۱۰-۱۹-۲۶-۲۸).

۴ - نمونه افراد سیاهپوست که بر ابنیه و آثار تاریخی شوش دیده میشود ممکن است تصویر بردگان و اسرا باشد و این امر وجود صفات نژاد سیاهپوست را در میان شوشی ها بیان می کند (برینتون ص ۲) . حبشی های آسیائی از نژاد سیاهپوست نبودند . موی صاف داشتند بعضی از سامیها بوردند (ص - ۳).

۵ - دیولافوا از وجود جمجمه افراد نژاد سیاهپوست در آثار پارتنها صحبت می کند . ساتراپی داریوش یعنی بلوچستان شامل حبشی های آسیا باموی صاف بود (سایکس ۱۹۰۲ - ص ۳۴۲ - ۳۴۳).

۶ - دیولافوا و دمرگان هر دو معتقدند که دشت شوش از زمان بسیار قدیم محل سکونت سیاهپوستان کوتاه قد بوده که شاید ساکنین اصلی آنها بودند در نقوش برجسته قدیم تصویر سیاهپوستان کوتاه قد دیده می شود . در بشاجرا و سرحد در بلوچستان افراد سیاه چهره دیده میشود . شاید ساکنین اول آن سیاهپوست بود و میان آناریکوها یا غیرآریائی های یونان باشند که در سراسر ساحل شمالی خلیج فارس تا هندوستان زندگی می کردند . دلی در نواحی کوهستانی شمال و مشرق ایلام اثر نژاد سیاهپوست وجود ندارد بنا بر این چنانکه استرابو و هرودوت گفته اند در شوش و ایلام دو نوع نژادی وجود داشته است (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۱ - ص ۵۰-۵۳).

۷ - نژاد آسوری مخلوط با سیاهپوست در جنوب بلوچستان یافت می شود . در جنوب غربی بلوچها با سیاهپوستها مخلوط شده اند . مکرانی ها مخلوطی از نژاد

هند و افغانی و آسوری و سیاهپوستند (دیکرس ۵۰۵-۵۰۸).

۸- اگرچه غلامان سیاه افریقائی بتعداد زیاد بایران آورده نشدند بین کرمانشاه و کرمان هزارها فامیل هستند که جد آنها کاکاسیاه بوده. اینها در اول برده و بعداً مستخدمین معتمد رؤسای قبایل بودند. اثر خود را بر جمعیت خلیج باقی گذاشته اند اگرچه تعداد بردگان زن یا کنیز خیلی کم بود (ویلسون ۱۹۳۲ - ص ۳۳-۳۴).
۹- شواهد و مدارکی در دست است که نشان میدهد زمانی جمعیتی از نژاد سیاهپوست اولیه از هند در امتداد سواحل خلیج فارس وجود داشته است. تصویر اینگونه افراد در نقوش برجسته یکی از شاهان آسوری در قرن هفتم قبل از میلاد دیده میشود. نویسندگان یونان از حبشی ها در جنوب شرقی مملکت صحبت می کنند اولاد آفان در عصر حاضر پوست مسی موی صاف و جمجمه مدور دارند ولی هرگز عنصر بزرگ یا عمده ای در جمعیت بشمار نیامدند (کامرون - ص ۱۵-۱۹).

سیستانی

ساکنین عمده عصر حاضر در سیستان در بین قبایل دیگر وضعی شبیه بردگان دارند (کرزن ۱۸۹۲- جلد ۱- ص ۲۲۸).

شاملو

یکی از قبایل قزلباش ترك - اکنون قسمتی از شاهسونها. قسمتی قبیله جدا - گانه بنام بهارلو (هتوم- شیندلر ص ۴۸ ببعده).

شاهدلو

از قبایل کرد خراسان که در بجنورد مستقر هستند (کرزن ۱۸۹۲- جلد ۱- ص ۱۹۱) شاه عباس آنها را از ایالات شمال غرب بکوهستانهای خراسان انتقال داد (جلد ۱ ص ۹۷-۹۸).

شاهرزمی

یکی از قبایل عمده بلوچی در سیستان ایران (کرزن ۱۸۹۲- جلد ۱- ص ۲۲۸).

شاهسون

- ۱- شاهسون‌ها یکی از قبایل مهم و بزرگ ترك در اردبیل هستند (كرزن ۱۸۹۲ جلد ۲-ص ۲۷۰).
- ۲- از قبایل بادیه‌نشین ایران. در قرن هفتم شاه‌عباس اول این قبیله را برای شکستن قدرت قبایل قزلباش تشکیل داد. معنی آن یعنی دوستداران شاه. شامل قسمتی از شاملوها میشود. در ۱۸۹۶ اینانلوا عمده‌ترین شعبه شاهسون بودند (هتوم- شیندلر-ص ۴۸-بعده).

شرافه

- از قبایل عرب خوزستان که تعداد افراد ذکور آن متجاوز از ۵۰۰ نفر است.
(كرزن ۱۸۹۲- جلد ۲ ص ۳۲۰-۳۲۲).

شریفات

- یا شریفیت قبیله عرب در خوزستان که افراد ذکور آن از ۵۰۰ نفر متجاوز است (كرزن ۱۸۹۲- جلد ۲ ص ۳۲۰-۳۲۲).

شش بلوکی

- ۱- قبیله بادیه‌نشین فشقائی (ترك) انیسولارستان ۱۸۷۵ و ۱۸۹۰ (كرزن ۱۸۹۲ جلد ۲ ص ۱۱۲-۱۱۴).
- ۲- یکی از طوایف عمده فشقائی (سایکس ۱۹۲۱- جلد ۲ ص ۴۷۷-۴۷۸).

شكاك

- کرد آذربایجانی مسیحی ترك و نیمه ایرانی - سنی از فرقه شافعی تعداد ۱۵۰۰ خانوار (كرزن ۱۸۹۲ جلد ۱-ص ۵۵۵-۵۵۷).

شمشیری

- قبیله بادیه‌نشین کرد نزدیک مرز. قشلاق آنها در خاک ترکیه است. ۴۰۰

خاوار (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ ص ۵۵۵-۵۵۷).

شوشی

۱- قوام آریائی و سیاهپوست ایران - طبق نظر کاترفاژ و حامی نوع سیاه پوست که در نفوش آسوری دیده میشود نماینده عناصر اولیه سوزیانا است که ساکنین آن شاید مخلوطی از کوچیت و سیاهپوست باشند . بینی نسبتاً صاف گونه برجسته ، لب کلفت. ممکن است باحبشی مکران ولارستان که هامیلتون اسمیت ثبت کرده ارتباط وجود داشته باشد . آیا اینها همان مردمی هستند که نوع اولیه بودای سیاهپوست هند را آوردند (هوسی ص ۱۲۶) شوشیهای جدید از نوعهای دیگر ایرانی مشخص هستند (ص ۱۲۷) . شوشیها کوتاهترین و عریضترین بینی را در ایران دارند . شاخص بینی ۸۰ در شوشی يك نژاد مشخصی که از اختلاف تورانی و ایرانی و سیاهپوست بوجود آمده که از آنها یکی از این سه خصوصیت آشکار میشود (۱۳۶-۱۳۷) . از میان ۱۱ فرد ۵ نفر خصوصیات ایرانی و ۵ نفر خصوصیات سیاهپوست دارند و خصوصیات و نفوذ تورانی فقط بوسیله يك فرد خیلی سر کوتاه نشان داده میشود . اندازهها (ص ۱۳۷-۱۳۸) . شوشیها از خلیج فارس تا پای سلسله جبال زندگی میکنند و مرکز آنها دزفول است (ص ۱۴۳).

۲- سوزیها که سیاهپوستان دور که هستند در ناحیه شمال غربی شیراز زندگی میکنند. قد ۱۶۳٫۳ (دانیلو).

۳ - تصاویر افراد نژاد دراویدی بر آثار شوش شاید تصویر بر آگان باشد و همین امراثر و خصوصیات سیاهپوستی شوشیهای جدید را بیان می کند (برینتون ص ۲).

۴ - سوزیها سومین نوع فرعی ایرانی هستند . اثر خون سیاهپوست در آنها مشهود است : بینی بازو پهن و لب کلفت - موی مشکی و چشم سیاه - اولین اثر جمعیت بومی تحت نفوذ هندوها (ریپلی-ص ۴۴۲-۴۵۲).

۵ - طبق نظر دیولافوا و مرگان دشت شوشی در زمان قدیم بوسیله سیاه پوستان اشغال شده بود . ممکن است اینها ساکنین اصلی دشت خوزستان بودند (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۱ ص ۵۰-۵۳).

۶- شوش (سوزیانا) شامل اثر مردمان تیسره پوست است که از روی آثار

فهرست قبائل و گروه‌های نژادی - ۲۲۵

تاریخی نژاد قبل از درآویدی یا شاید نژاد اولوتریکوس می‌باشد (هدون ص ۱۰۲ - ۱۰۳). شوشی‌ها در گروه ایران و مدیترانه محسوب می‌شوند و دارای بینی خیلی پهن می‌باشند که ممکن است در اثر نفوذ نژاد بیگانه باشد (ص ۸۶).

شیبانی

- ۱- از قبایل خمسه بادیه نشین (عرب) فارس و لارستان ۱۸۹۰ (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۱۱۲-۱۱۴).
- ۲- شعبه‌ای از قبیله عرب خمسه . در اصل از نجد و عمان مهاجرت کردند (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ ص ۴۷۹).

شیخ اسمعیل

قبیله بادیه نشین کرد در اردلان نزدیک اسفندآباد که زمستانها بختاک ترکیه می‌روند ۳۰۰ خانوار (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ ص ۵۵۵-۵۵۷).

شیری

رجوع شود به آورد شیری.

صفری

از قبایل بادیه نشین خمسه (عرب) فارس و لارستان ۱۸۹۰ (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۱۱۲ - ۱۱۴).

صفی خانی

- ۱- باصفاخانی . قبیله بادیه نشین قشقایی (ترك) فارس و لارستان ۱۸۷۵ و ۱۸۹۰ (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۱۱۲ - ۱۱۴).
- ۲- یکی از قبایل عمده قشقایی (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۴۷۷ - ۴۷۸).

صوری

از قبایل عرب خوزستان که تعداد افراد ذکور آنها متجاوز از ۵۰۰ نفر

است (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۳۲۰ - ۳۲۲).

طائی

تاجیک شکل فارسی وسط کلمه آرامائی طائیهائی یا قبیله عرب طائی میباشد .
زمانی ایرانیان قبیله عرب طائی را نمابنده همه دنیای عرب میدانستند و نام آنها
بهمه اعراب اطلاق میشد (حسن ص ۷۹).

طالش

- ۱ - در ناحیه بحر خزر زدگی میکنند و بیک لهجه فارسی صحبت میکنند
(دانیلو ستون ۱۰ - ۱۹ - ۲۶ - ۲۸).
- ۲ - طالش نام بعضی از عجمی‌ها در ساحل بحر خزر است (دیکر ص
۵۰۵ - ۵۰۶).
- ۳ - در قفقاز ۹۱ هزار طالش است و بزبان هندو ایرانی تکلم میکنند
(باچماکف ص ۲۱) .

عجمی

- ۱ - زیر عنوان مغول - آریائی آمده است. کبرها بطور کلی از تاجیک و
عجمی متشکل هستند (هوسی ص - ۱۰۳) . از قم تا خطی بین اصفهان و آباد
عراق عجم نامیده میشود که مسکن جمعیت ترکمن و آریائیهای هادی و پارسی
است که خود را عجمی مینامند (ص - ۱۱۰ ببعده) شامل قسمت عمده جمعیت ایران
است و این گروه از تهران تا ده بید و از لرستان تا خراسان بسط دارد و شامل تهران
و اصفهان و قم و قمشه (شهرضا) میگردد. شاخص سر ۸۴/۶۱ و ۸۱/۵۴ (تهران).
در قم (ص - ۱۱۵) تعدادی از ساکنین استخوان پیشانیان از جهت افقی فرو
رفتگی داشت. خصوصیات جسمانی آنها ظریف است. موی آنها براق و ابوه مانند موی
تورانیان است. موی سر را میزنند و صورت خود را بجز سبیل میتراشند. بینی کوچک و
ظریف است. سر آنها درازتر از سرارمنی‌ها و استخوان گونه کوچکتر است (ص - ۱۲۰)
شاخص بینی ۶۶/۷ (ص - ۱۳۳).
- ۲ - در واقع قبیله عجمی وجود ندارد. عجم به عربی یعنی بیگانه و اعراب

فهرست قبائل و گروه‌های نژادی - ۲۲۲

همه افراد غیر عرب را عجم می‌خواندند - عجمی یعنی ایرانی یا جمعیت شهرنشین ایران. قد ۱۶۱/۵ (دایلو).

۳ - «عجمی» مخلوطی از ایرانیان خالص یا نژاد ترکمن یا تاتار میباشد (ریپلی - ص ۴۴۲ - ۴۵۲).

۴ - عجمی در گروه ایرانی و مدیترانه بشمار آورده شده است (هدون - ص ۸۶).

۵ - در مغرب‌خطی از استراباد به یزد و کرمان بین تهران و اصفهان عجمی - ها ساکنی دارند. عجمی‌های کناره دریای خزر طالش و مازندرانی خوانده میشوند. عجمی‌ها که از طبقه سر دراز هستند و قد متوسط دارند از نوع نژادی آسوری یا هند و افغانی میباشند (دنیگر - ص ۵۰۵ - ۵۰۸).

عرب

۱ - بعضی قبایل عرب در کردستان (ملکم - جلد ۲ - ص ۲۰۷ - ۲۱۰) و در خراسان ساکنند (ص ۲۱۶). قبایل عرب ایران خصایص اصلی عربی خود را حفظ کرده‌اند (جلد ۲ ص ۶۱۷) اعراب در بلخ و بخارا نیز هستند ولی تحت حکومت افغانها و تاتارها ضعیف شده‌اند (جلد ۲ - ص ۲۷۷).

۲ - زبان عربی (در ایران) - زبان قبایل نژاد عرب که تعداد آنها هشت فامیل و ۹۳۵۰۰ نفر است (شوبرل - ص ۲۰).

۳ - سر کوتاه آسیائی هستند. همچنین فك صاف دارند (رتزیوس - ص ۱۱۲).

۴ - اندازه سر اعراب شمال آفریقائی با مقایسه با یهودیها و سامی‌ها: شاخص سر ۷۶/۰ و ۷۵/۹ از پرونزی (دوخائیکف ص ۷۰). همان اندازه‌ها از جمجمه‌ها توسط دوخائیکف. شاخص سر ۷۱/۷ - ۸۳/۱ - ۷۲/۹ - ۸۰/۱ - ۷۲/۶ (ص ۷۱). تعداد تاجیکها زیاده‌تر از آنستکه بتوان آنها را اولاد جنگجویان عرب دانست (ص ۸۷ - ۸۸). اندازه‌های جمجمه عرب آفریقائی شمالی (ص ۱۳۱).

۵ - اعراب تحت سامی‌ها بشمار آمده‌اند (هوسی ص ۱۰۳). بعضی ایلات که بنظر میرسد از نژاد عرب باشند و اکنون با فارسبها مخلوط شده‌اند عرب میباشند

(س ۱۱۹).

- ۶ - بعضی خانواده‌های قم و کاشان خود را عرب میدانند ولی اکنون خیلی کم خون سامی دارند (هنوم - شیندلر ص - ۴۸).
- ۷ - بموجب نظر هنوم - شیندلر اعراب شامل ۵۲۰۲۰ خانواده در ایران هستند و طبق نظر زولو تارف تعداد اعراب در ایران ۳۰۰ هزار نفر است (گرزن ۱۷۹۲ - جلد ۲ - ص ۴۹۲ - ۴۹۴) اکثریت افراد عرب در ایران اسکان یافته‌اند (جلد ۲ - ص ۲۶۹ - ۲۷۱). دشتهای ساحلی (خوزستان) جمعیت عرب دارد که تاحدی با ایرانیها مخلوط شده‌اند. جمعیت عرب ایران اول با حمله اعراب در سال ۶۴۱ میلادی آمدند و بعداً بوسیله مهاجرت از اطراف دجله و خلیج فارس و افرادی که توسط شاه اسمعیل از نجد آورده شدند افزایش یافت. مهمترین همه در این ناحیه اعراب کعب هستند که در اصل هفتاد و دو قبیله بودند. طبق نظر رابرتسون بیست و یک قبیله در آن ایالت هست که همه کعب نیستند و تعداد افراد ذکور آنها از ۵۰۰ بیلا است. تعداد قبایل کوچکتر زیاد است در مرزهای شرقی قبایل منطفق حویزه و بنی‌لام هستند که در خاک ترکیه (عراق فعلی) قرار دارند. قبایل عرب و نیمه عرب خوزستان بین ۱۷۰ هزار و ۲۰۰ هزار نفر تخمین زده شده‌اند (جلد ۲ - ص ۳۲۰ - ۳۲۲). قبایل مهاجر فارس و لارستان لر ترک و عرب هستند. قبایل خمسه عرب هستند و تعداد آنها از قبایل ترک کمتر است (جلد ۲ - ص ۱۱۲ - ۱۱۴) بلوچیها ادعا میکنند که از نژاد عرب میباشند (جلد ۲ - ص ۲۵۸ - ۲۵۹). طبق نوشته دائرةالمعارف بریتانیا قبل از ۱۸۹۲ تعداد اعراب خوزستان صد هزار نفر بود (جلد ۱ - ص ۱۷۹). معدودی فامیل عرب در کلات نادری ساکنند (جلد ۱ - ص ۱۳۹).
- ۸ - بعد از ازمه ماقبل تاریخ آریانه‌های ایران با اعراب مخلوط شدند. اعراب همه کسانی که عرب نبودند عجمی نامیدند (دانیلو - ستون ۹-۱۰ - ۲۶-۲۸). از لحاظ اندازه دست و پا اعراب شبیه ساکنین ایرانند (ستون ۱۳۵).
- ۹ - کردها به اعراب سوریه شباهت دارند. نوع نژادی سامی در ایران در امتداد خط تماس با اعراب پیدا میشود و در نتیجه مردم سیاه چهره‌تر بوجود آمده است (ریپلی ص - ۴۴۲ - ۴۵۲).
- ۱۰ - اعراب که در زمان حمله اعراب با ایران آمدند یکی از چهار طبقه

ایران را تشکیل می‌دهند (فین ص ۳۲ - ۳۳).

۱۱ - تیموری‌ها از نژاد عربند. در خراسان هم عرب یافت میشود (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۳۹۲) اعراب که نیمی از قبایل خمه را تشکیل می‌دهند به شیبانی و جباره تقسیم میشوند. از نجد و عمان مهاجرت کردند (سایکس - جلد ۲ - ص ۴۷۹).

۱۲ - طبق نظر مسعودی بعضی از اعراب نسب خود را از کحتان میدانند و بعضی رابطه خود را با ایران تأیید می‌کنند. بندهش پهلوی نظر دوم را تأیید می‌نماید. تازیها با اعراب از اولاد تاز هستند یعنی عرب و ایرانی در مغرب آسیا از يك شاخه می‌باشند (مدی ۱۹۱۹ ص ۷۳۳). فردوسی از اعراب بنام تازی گفتگو می‌کند. عرب‌ها ملاحان خوب بودند (ص ۷۳۷ و ۷۳۸). اسکندر پس از غلبه بر ایران اعراب را در ارتش خود راه داد (ص ۷۵۵) در اوایل عصر مسیحیت اعراب یمن کشور خود را ترک گفته و بسوی شمال رفتند (ص ۷۳۹) تازیکها که یکی از دو گروههای نژادی عمده ایرانند از اولاد اعراب زردشتی شده می‌باشند. فن‌لوشان آنها را اولاد ایرانیان قدیم می‌داند. بعضی از تازیکها با مذهب زردشتی ارتباط پیدا کردند و این مطلب شاهد تماس آنها با ایرانیان است (ص ۷۴۷ - ۷۴۸).

۱۳ - اعراب گروهی هستند که بدون اجازه بایران راه یافتند. حملات سامی‌ها (عرب) نوع نژادی ایران را تغییر داده است (هدون - ص ۱۰۲ - ۱۰۳).
۱۴ - نژاد آسوری در جنوب ایران با عناصر عرب مخلوط شده است (دیکر ص - ۵۰۵ - ۵۰۶). بلوچها نیز در جنوب با اعراب مخلوط شده‌اند. قبیله رند مکران که گفته می‌شود بلوچ خالص هستند از اعراب کثرتان می‌باشند (ص - ۵۰۸).

۱۵ - اعراب که بصورت بادیه نشین زندگی می‌کنند خالصترین نوع در ایران هستند و شاید از اولاد اعراب محلی مستقر در ایران باشند. خصوصیات جسمانی آنها دیگر عرب نیست و با ایرانیان اشتباه میشوند (ایوانو ص - ۱۵۵).
۱۶ - چینی‌ها اعراب را تازی یا ناشی (که همان تازی یا تاجیک فارسی باشد) می‌نامند بنابراین ایرانیها اعراب را به چینی‌ها شناساندند. زمانی اعراب مسلمان طائی از طرف ایرانیان نمایندگانه همه عربها محسوب می‌شدند و بهمین جهت این نام بهمه

اعراب اطلاق گردید (حسن ص - ۷۹).

۱۷ - در بین دروزها عناصر عرب ایرانی شده وجود دارد (هیتی ص - ۲۲-۲۳).

۱۸ - احتمال می رود که ریگی های بلوچستان از نژاد عرب باشند . کلیه بلوچستان جنوبی و سیستان از زمانهای خیلی قدیم توسط اعراب اشغال شده بود و تا قرن دوازدهم تا دره سند پراکنده شدند. مردمان از نژاد عرب با درویدها و ایرانیها مخلوط شدند و بلوچ نامیده می شوند (مکمون ص-۷).

۱۹ - اولین چهار مهاجرت بزرگ بادیه نشینی از آن اعراب در قرن هفتم میلادی است. احتمال می رود که اشغال جنوب فارس و خوزستان توسط قبایل عرب مستقلا و بعد از حمله اصلی اعراب در قرن ششم صورت گرفته باشد . نفوذ اعراب و اشغال کوهستانهای جنوب غربی ایران بوسیله اعراب در قرن پانزدهم و بعد نسبتاً مسالمت آمیز بوده است (ویلسون ۱۹۳۲ - ص ۶۹-۷۰). بعضی از قبایل عمده لرستان و فارس از نژاد اعراب هستند . سلاطین سلسله صفوی (که از نژاد ایرانی بودند) گاهی با زنان عرب ازدواج می کردند (ص ۳۳ - ۳۴). فرهنگ و تمدن زردشتی با موفقیت در مقابل مهاجمین عرب در قرن هفتم مقاومت کرد زیرا سربازان عرب با زنان ایرانی ازدواج کردند و اولاد آنها دین مادر خود را اختیار می کردند (ص-۲۹-۳۰).

عساکره

یکی از قبایل عرب خوزستان که تعداد افراد ذکور آنها ۵۰۰ نفر است (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۳۲۰ - ۳۲۲).

عشقه باش

یکی از شعب فرعی قسمت سوم ایل قاجار در کنار شعبه رودخانه کرکان (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ ص ۲۷۷).

علا بیگلو

یکی از قبایل فشقائی (ترك) در فارس ولارستان - ۱۸۹۰ (کرزن ۱۸۹۲)

جلد ۲ - ص ۱۱۲-۱۱۴).

علا قوینی

یکی از قبایل بادیه‌نشین قشقایی (ترك) در فارس و لارستان ۱۸۷۵ و ۱۸۹۰
(کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۱۱۲ - ۱۱۴).

علی‌اللهی

فن لوشان آنها را یکی از نمایندگان معاصر هیتی‌های باستانی بشمار
میاورد (هیتی ص ۱۵).

علیقلی‌خانی

رجوع شود به علاقوینی.

عمارلو

اماللو نیز خوانده میشود. قبیله کرد که شاه عباس از ایالات شمال غربی
بخراسان کوچ داد (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ ص ۹۷-۹۸).

عمله ایلخانی

یکی از قبایل قشقایی (ترك) در فارس و لارستان (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲
ص ۱۱۲-۱۱۴).

عمله شاهی

یکی از قبایل بادیه‌نشین خمسه (عرب) فارس و لارستان ۱۸۷۵ (کرزن
۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۱۱۲ - ۱۱۴).

عندار

طایفه ترك حقیقی در قر متعلق به قلیچ (بلیو ص ۱۰۰).

غربتی

کولیهای فارس را گاهی غربتی می‌نامند (سایکس ۱۹۰۲ - ص ۳۴۴).

غرشمال

۱- در خراسان به کولیه‌ها غرشمال می‌گویند که تحریفی است از غیرشمار (سایکس ۱۹۰۲ - ص ۳۴۴).

۲- غرشمال نام کولیهای خراسان (ایوانو - ص ۱۵۵).

غز

سلجوقیان شعبه‌ای از ترکان غز بودند ولی خود را از آنها مشخص نگاه می‌داشتند (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۲۸).

غزلی

قبیله اسکان یافته ساکن کرمانشاه (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۵۵۷).

غلزائی

رجوع شود به خلجی.

فارس

۱ - زیر نام آریانه‌های پارس صورت داده شده است (هوسی ص ۱۰۳) بینی عقابی دارند (ص ۱۱۵). بنظر میرسد که ایلات از نژاد عرب باشند ولی اکنون با فارسها مخلوط شده‌اند (ص ۱۱۹).

۲ - فارسهای اطراف تخت جمشید از نوع ایرانی خالص هستند. پوست سفید دارند باریک اندامند و موی سر وریش آنها انبوه و برنگ بلوطی است (ریپلی ص ۴۴۲ - ۴۵۲).

۳ - یکی از دو نوع ایرانی. فارسهای اطراف تخت جمشید باریک و سر دراز و سفید پوستند و موی سر وریش آنها انبوه و برنگ بلوطی است. افراد موبور و آبی چشم در بین آنها بندرت یافت میشود اینها بطور عمده از نوردیک‌های اولیه

فهرست قبائل و گروه‌های نژادی - ۷۸۳

هستند (هدون ص ۱۰۲ - ۱۰۳).

۴ - فارسیها بین اصفهان و خلیج فارس سکونت دارند (دیگر ص ۵۰۵ - ۵۰۶).

فارسیمدان

۱ - یکی از قبایل بادیه نشین قشقائی (ترك) فارس و لارستان ۱۸۲۵ و ۱۸۹۰ (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۱۱۲ - ۱۱۴).
۲ - یکی از قبایل عمده قشقائی (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۴۷۷ - ۴۷۸)

فیروزکوهی

یکی از چهار قبیله اصلی چهار ایماك. گفته شده است از نژاد ایرانی هستند ولی دیگر در ایران پیدا نمیشوند. بلیومعتقد است که از شعب تیموری چهار ایماك (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ ص ۱۹۸).

فیلی

۱ - قبایل متعدد فیلی قسمتی از فامیل لرزبان را تشکیل میدهند. در نواحی کوهستانی در ترکیه و ایران سکونت دارند (شوبرل ص ۲۰).
۲ - فیلی ها از عناصر لك و از شعب فرعی لرها هستند (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۲۶۹ - ۲۷۰) معنی کلمه فیلی یعنی باغی. در سال ۱۸۳۶ رالینسون تعداد فیلی‌های لر را ۵۶ هزار خانوار تخمین زده است. در ۱۸۴۳ لایارد آنها را ۴۹ هزار نفر ذکر کرد و سرشماری ۱۸۸۱ تعداد آنها ۲۱۰ هزار نفر معین کرد. نام فیلی که سابقاً بهمه لر كوچك اطلاق میشد محدود شده است به پشت کوه و فیلی‌های اصلی شامل قسمت عمده جمعیت ناحیه پشت کوه میباشد (جلد ۲ - ص ۲۷۳ - ۲۷۵).

فیوج

کولیهای ایران خود را فیوج می‌نامند که گفته میشود کلمه عربی است

(سایکس ۱۹۰۲-ص ۳۴۴).

قاجار

- ۱- یکی از قویترین قبایل ترك زبان . در مازندران (۲۸۰۰۰) و تهران و مرو خراسان و ایروان و گنجه سکونت دارند و تعداد آنها ۴۰۱۰۰۰ نفر است . شاه و اکثر رؤسا و افسران بزرگ باین طایفه تعلق دارند (شوهرل - ص ۲۰).
- ۲ - یکی از بزرگترین و معروفترین قبایل ترك در شمال غربی ایران (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۲۷۰) بلوچها از ایرانیان که آنها را قاجار می نامند نفرت و انزجار دارند (جلد ۲ - ص ۲۵۸-۲۵۹) دائرةالمعارف بریتانیا قبل از ۱۸۹۲ تعداد افشارها و قاجارها را در خراسان صد هزار نفر ذکر میکند . تحت عنوان تاتارها طبقه بندی شده اند (جلد ۱ - ص ۱۷۹) قاجارها در ناحیه استرآباد مستقرند و نسب خود را از جافت پسر نوح میدانند . ۷۰۰ سال است که نام قبیله قاجار در تاریخ ذکر شده است . یکی از رؤسای آن قبیله بعنوان نایب یکی از اولاد چنگیزخان از ری تا سیحون حکومت داشت . میگویند تیمورلنگ آنها را بسوریه تبعید کرد ولی بعداً اجازه مراجعت به آنها داد. بعدها بصفویها کمک کرده و آنها را به تخت سلطنت نشاندند و در عوض قاجارها جزو قزلباشها درآمدند. طبق يك روایت نادر شاه اسمعیل از قاجار بوده است (جلد ۱ - ص ۳۹۲) .
- ۳- بعضی از بیاتها به قبیله قاجار ملحق شدند و شعبه فرعی شامبیاتلو را تشکیل دادند (هتوم - شیندلر - ص ۴۸) .
- ۴ - قاجارها از نژاد ترکند . مدتها در ارمنستان ساکن بودند و بوسیله تیمورلنگ بایران آورده شدند . یکی از قبائل قزلباش بودند که سلسله صفوی را حمایت کردند . شاه عباس ایل قاجار را بسه قسمت تقسیم کرد . يك قسمت در مرو و قسمت دوم در گرجستان استقرار داده شد و قسمت سوم که بدو شعبه یوخاری باش و اشاقاباش تقسیم شد در کنار رود گرگان مستقر شدند (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۲۷۷) .
- ۵ - ایلات ترکمنها هستند ولی در اثر ازدواج با دیگران انواع مختلط بسیار مانند قاجارها تشکیل داده اند (هدون ص ۱۰۲-۱۰۳).

قباده خانی

از قبایل بادیه‌نشین قشقائی (ترك) فارس و لارستان ۱۸۷۵- (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۱۱۲-۱۱۴).

قبایل ترك

۱- لهجه‌های ترکی از فامیل زبان تورانی آسیای مرکزی است (کندر ص ۳۰-۵۱).

۲- قبایل ترك بندری با اقوام دیگر مخلوط شده‌اند که مشکل است آنها را در گروه مشخص جداگانه مردم شناسی قرار داد و بین شعب مختلف آنها اختلافات قابل ملاحظه دیده میشود. قبایل بادیه‌نشین ترك در جنوب ایران با عناصر میاهپیوست مخلوط شده و خود را «سیاه» مینامند. یکی دیگر از قبایل ترك که نام ترکی خلیج را حفظ کرده در نزدیکی تهران در مزلقان سکونت دارند. اغلب از نوع سر دراز هستند و از بین رقتن سر کوتاهی دلیل اختلاط آنها با ایرانیان است. قبایل ده نشین مرکز ایران با عناصر ترك و مغولی شمال مخلوط شده‌اند (دانیلو- ستون ۱۰-۱۹ و ۲۶-۲۸).

۳- نژاد آسوری در ایران و ترکیه با عناصر ترکی مخلوط شده‌اند. در نایجیکا اختلاف با ترك دیده میشود (دیکر ص ۵۰۰-۵۰۶).

قره پاپک

از کردان آذربایجان- ده نشینان سلدوز و براندوز - شعبه - تعداد ۳۰۰۰ فامیل (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱- ص ۵۵۵-۵۵۷).

قره چای

از قبایل بادیه‌نشین قشقائی (ترك) فارس و لارستان ۱۸۷۵ (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲- ص ۱۱۲-۱۱۴).

قره چی

نامی که به کولیها در آذربایجان اطلاق میشود (سایکس ۱۹۰۲- ص ۳۴۴).

قره گزلو

قبیله ترك همدان (كرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۲۷۰).

قریش

بلوچها ادعا دارند که عرب و از قبیله قریشند . طبق نظر بلیو قبیله که باسامی مختلف کروش و کریش و گوریش نامیده میشوند و هنوز در کنار سند پخش هستند همان کروش راجپوت شاهی - کروش یا کورش میباشد (كرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۲۵۸-۲۵۹).

قزلباش

- ۱ - تاجیکهای عصر حاضر (ایرانیان اصیل) را ترکها قزلباش می خوانند (پریچارد - ص ۱۷۱).
- ۲ - قزلباش «قرمز سر» (بلیو ص ۱۰۰).
- ۳ - یکی از قبایل بادیه نشین ترك (ابری - ماکی - ص ۱۶).
- ۴ - قاجارها جزو قبایل قزلباش باهفت قبیله سر سرخ بودند، آنها را از این جهت باین نام می خواندند که کلاه قرمز سر می گذاشتند (كرزن ۱۸۹۲ جلد ۱ ص ۳۹۲).
- ۵ - از سال ۱۵۰۰ تا قرن هفدهم ۳۲ قبیله قزلباش پستهای نظامی و دولتی را در دست داشتند . بعضی از آنها به شاهسونها پیوستند . مهمترین قبایل قزلباش که همه ترکند عبارتند از: استاجالو - شاملو - قاجار - افشار - ذوالقدر - اینانلو - تکه لو - بیات - خلج (هتوم - شیندلر - ص ۴۸ بیعد).
- ۶ - قاجارها یکی از قبایل قزلباشند . (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ ص ۲۷۷).

قزلی

از قبایل بادیه نشین قشقایی (ترك) فارس ولارستان ۱۸۹۰ (كرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۱۱۲ - ۱۱۴).

قشقایی

۱ - قبایل ترك در فارس ولارستان - بادیه نشین (كرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص

فهرست قبائل و گروه‌های نژادی - ۷۸۷

۲۷۰) و روایت بر اینست که از اولاد نژادی هستند که هلاکوخان از کشتن بایران انتقال داد. نویسنده آنها را لرهای ترك خوانده زیرا از فامیل لرمحسوب میشوند و از حیث آداب و رسوم با بختیارها و کوهگلوها فرق زیادی ندارند. قشلاق آنها در گرمسیر فارس است ولی تابستان را در کوهستان بسر میبرند. زمانی از لحاظ تعداد زیاد و نیرومند بودند ولی قحطی سال ۱۸۷۱-۲ از تعداد آنها کاست. هر سال عده‌ای از آنها اسکان می‌یابند و در حدود سال ۱۸۷۰ متجاوز از ۶۰ هزار خانوار بودند. در حدود ۵ هزار خانوار به بختیاری و ۵ هزار خانوار به خصه ملحق شدند و چهار هزار خانوار در دهات مختلف سکونت اختیار کردند. جمع کل آنها به ۲۵ هزار خانوار تقلیل یافت. طبق آخرین اطلاعات عده آنها بین ده هزار تا دوازده هزار چادر است. قبایل قشقائی تا ۱۸۷۵ عبارت بودند از: کشکولی - دره شولی - شش‌بلوکی - فارسیمدان - صفی‌خانی - ایگرد - علیقلیخانی - کله زن کردنی - قره‌چای - داراگای - رحیمی - کوری شولی - اوردشیری - جعفر بیگی امام‌قلیخانی - داراب‌خانی - عمله‌ایلخانی - بهادر خانی - قبادخانی. قبایل قشقائی ۱۸۹۰: الف - بادیه نشین: کشکولی - دره شولی - شش‌بلوکی - فارسیمدان - صفی - خانی - اکدیر - علاکویتی - کله زن - حاجی مسیح خان - ارکین - بولی - قزلی خوانین - نوکرباب.

ب- ده نشین: چهارپنجه - پیلوسی - زنکین - علابیکلو (جلد ۲ - ص ۱۱۲ - ۱۱۴).
۲ - قشقائیا که از نژاد ترکمن هستند زبان ترکی را حفظ کرده‌اند. ایل در حدود ۱۳۰ هزار نفر است. در طی بیلاق و قشلاق خود از همه قبایل دیگر دورتر می‌روند بطوریکه قشلاق آنها در کله دار نزدیک خلیج فارس و بیلاق آنها در حدود ۲۰۰ میل شمالی بحوالی قمشه میرسد و در آنجا با بختیارها تماس پیدا میکنند. چندین ناحیه فارس کلا در دست قشقائیا بوده و بدینوسیله جمعیتی متجاوز از ۱۰۰ هزار ده‌نشین تحت تسلط آنها بود. قبایل عمده عبارتند از دره - شوری - کشکولی - فارسیمدان - شش‌بلوکی - صفی‌خانی - کله زن (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۴۷۷ - ۴۷۸).

قلجی

(غلزائی) رجوع شود به خلجی.

قنبرانی

نماینده در اوبدیها (براهوئی) در بلوچستان (مکمون ص ۷).

قیچک

یا کیچک از قبایل بعدی چهار ایماک (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ ص ۱۹۸).

کااولی

کولیهای فارس را کااولی مینامند که تحریف شده کابلی است. غربتی نیز بکار برده میشود (سایکس ۱۹۰۲ - ص ۳۴۴).

کاجار

رجوع شود به قاجار.

کاردوچی

همان کاردوچی گزنفون (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۵۴۹-۵۵۱).

کاسپیان

اگر نامی برای مردم بومی قبل از ایرانیان این کشور لازم باشد صلاح در آنستکه آنها را کاسپیان خواند (هرتسفلد ۱۹۳۵ - ص ۲).

کایان

ادعای نسب از سلسله کای سیروس میکنند بساکنین فعلی سیستان ایران (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۲۲۸).

کترتان

رند مکران از اعراب قبیله کترتان هستند (دیسکر ص ۵۰۸).

کثیرال

قبیله عرب در خوزستان که تعداد افراد ذکور آن از ۵۰۰ متجاوز است (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۳۲۰ - ۳۲۲).

کرتن‌ها

طبق نظر استرابو در ساحل خزر در میان ایرانیان پیدا می‌شوند. از نظر جغرافیائی و زبانشناسی کرتن‌ها را میتوان کرد محسوب داشت (لارنس).

کرد

۱ - نام کرد دزیونانی و لاتینی با گرد Gord یا کرد Cord شروع میشود (لارنس).

۲ - در کردستان هنوز نژاد خشن و اصلی سکونت دارند نواحی نزدیک دجله تحت نظر حکومت ترکیه و بقیه تحت اداره پادشاه ایرانند. دو رئیس قبیله کرد قبایل خود را در شمال مشهد و در کوهستان خراسان مستقر کرده‌اند (ملکم - جلد ۲ ص ۲۳۱).

۳ - زبان کرد شامل ۹ قامیل و تعداد کردها ۷۹۰۰ نفر است (شوبرل ص ۲۰).

۴ - از نژاد آریان هستند. با ایرانیان قرابت دارند ولی از آنان نیستند (پریچارد ص ۱۷۱).

۵ - اندازه‌های سرشاخص سر ۸۶/۳ (دوخانیکیف ص ۵۹ و ۶۳) بطور کلی چشم کردها سیاه و بزرگتر از چشم افغانها است. مربع‌تر از چشم ایرانیان مغرب و تاجیکها و پشتوها است ولی شباهت با مردم اخیر جالب توجه است (ص ۱۰۷ - ۱۰۸)، عرض بین دو حدقه چشم نسطوریها شبیه کردها است (ص ۱۱۱ - ۱۱۲) اندازه‌های جمجمه (ص ۱۳۳ - ۱۳۹).

۶ - کرد وحشی لر از حیث خصوصیات جسمانی خیلی شبیه مادهای باستانی است (رالینسون - جلد ۲ - ص ۳۰۷).

۷ - طبق نظر هتوم - شیندلر تعداد کردها و لکها در ایران ۱۳۵۰۰۰ خانوار است. زولوتارف تعداد کردهارا ۶۰۰۰۰۰ تخمین میزند (کرزن ۱۸۹۲ -

جلد ۲ - ص ۴۹۲ - ۴۹۴). کردها لك هستند . اقلیتی از آنان اسکان یافته‌اند (جلد ۲ - ص ۲۶۹-۲۷۰). کردستان فقط يك اصطلاح مناسب جغرافیائی برای کلیه ناحیه‌ایست (در حدود ۵۰۰۰۰۰ میل مربع) که کردها در آن سکونت دارند . شامل اراضی واقع در ایران و ترکیه هر دو میگردد . اصل و نسب کردها درست معلوم نیست . از لحاظ خصوصیات و نام و محل با کردوچی گزنفون مطابقت دارد (جلد ۱ - ص ۵۴۹ - ۵۵۱). تعداد جمعیت کرد تحت حکومت عثمانی بین يك تا يك میلیون ونیم تخمین زده شده است . علاوه بر کلنی‌های کرد در خراسان نقرات کرد زیر صورت داده شده است: ۲۵۰ هزار کرد مرزی و کرد آذربایجانی - ۱۲۰ هزار کرد در کردستان - ۲۳۰ هزار نفر در کرمانشاه که جمع کل آنها در خاک ایران ۶۰۰ هزار نفر میشود . کلنل استوارت (۱۸۹۰) کردهای آذربایجان را ۴۵۰ هزار نفر صورت داده است . کردها دارای مود چشم مشکی و قیافه تیره و عبوس و حرکات مفرورانه میباشد (جلد ۱ - ص ۵۵۳ - ۵۵۵) کردهای آذربایجانی عبارتند از : قبایل شکاک - هرکی - اورامر - قره پایک - مگری - منکوری - مامش - ززا - وحیدرانلو . پایتخت محلی آنان ساوجبلاغ است قبایل کرد کردستان ایران عبارتند از : کلهر - تیلاکو - گلپاغی - شیخ اسمعیل - پوریشاه - مندامی - مامون - جیراچی - گوشکی - گورگاهی - لك وشمشیری . کردهای کرمانشاه عبارتند از: کلهر سنجابی - گوران - کرندی - بورنجی - جلالوندسزنگنه - هماوند - سونگورو - کولیاهی - ننه کولی - جلیلونند - مافی - چوبان کره - قزیل - حلولان - اخور - (جلد ۱ - ص ۵۵۵ - ۵۵۷). بنظر میرسد که لرها و کردها از يك گروه نژادی باشند ولی لرها این مطلب را توهین بخود دانسته و کردها را لك میخوانند (جلد ۲ - ص ۲۷۳ - ۲۷۵). کردگلی شعبه‌ای از کردهای کردستان در سیستان ایران سکونت دارند (جلد ۱ - ص ۲۲۸) بلوچها تسلیم قبایل کوچکتر و جنگجوی کرد هستند (جلد ۲ - ص ۲۵۸ - ۲۵۹). در سرحد شمال بلوچستان تعدادی کرد وجود دارد. سنی هستند . ساکنین پشت کوه هستند (جلد ۲ - ص ۲۶۲-۲۶۳). دایرة المعارف بریتانیا قبل از ۱۸۹۲ تعداد کردهای خراسان را ۲۵۰ هزار نفر ذکر کرده است (جلد ۱ - ص ۱۷۹). در حدود سال ۱۶۰۰ شاه عباس آنها را کوچ داد . در قوچان اغلب کرد های زعفرانلو هستند. قبیله شاهدلو در بجنورد هنوز اکثریت جمعیت را تشکیل میدهند. (جلد ۱ ص ۱۹۱) قبایل مهاجرت داده شده که تعداد آنها ۱۵ هزار

فهرست قبائل و گروههای نژادی - ۲۹۱

خانوار است عبارتند از شاهدلو - زعفرانلو - کیوانلو - امانلو (عمارلو) (جلد ۱ ص ۹۸) چند فامیل کرد در کلات نادری وجود دارد (جلد ۱ - ص ۱۳۹).

۸ - زمانی کردها ساکن مازندران بودند. کردهای کردستان و کرمانشاه باید جزو ایرانیان بشمار آیند زیرا در زبان و شکل سر شباهت دارند. کردهای مرکز ایران از حیث حال تکبر آمیز و بینی عقابی و گونه برجسته با سایر قبایل فرق دارند. مرحله تحول بین بادیه نشینی و ده نشینی را نشان میدهند. کردها از پرموتربین گروهها هستند. موی آنها مجعد لب متوسط تا کلفت دندان متوسط تا کوچک. قد میانگین ۱۶۴/۲ - ۱۹۸/۲ - شاخص سر ۷۷/۶۸ - (۷۶/۷-۷۷/۶) حداکثر قطر پیشانی ۱۰۴ - عرض گونهها ۱۳۸ - عرض فکین ۱۰۱/۴ - میانگین شاخص سر ۷۸/۱. کردهای قفقاز سر متوسطند (دانیلو).

۹ - پازکی که يك قبیله بادیه نشین کرد است در خوار وورامین مشرق تهران سکونت دارند (هنوم - شیندلر ص ۴۸).

۱۰ - کردها بطور عمده ساکن ترکیه آسیا هستند ولی از حیث زبان و خصوصیات جسمانی ایرانی هستند. کردها و ارمنیها برای تفوق بر آسیای صغیر با هم رقابت دارند. تقریباً رو بهمرفته دو میلیون کرد وجود دارد که دو سوم آن در ترکیه آسیا و بقیه در ایران و چند هزار در قفقاز هستند. احتمال میرود از اولاد کلدانیها باشند. با اعراب سوریه قرابت دارند. حملات مغول و ترک در آنها تأثیر نکرده است. تیره رنگ، با چشمان سیاه، سر و صورت دراز و باریک، بینی صاف یا مقعر، قد متوسط، عادات بادیه نشینی (ریبلی - ص ۴۴۲-۴۵۲).

۱۱ - در خراسان نیز کرد هست (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۱ - ص ۳۹۲). شاه عباس چند هزار نفر کرد را از کردستان بشمال خراسان منتقل کرد. در دشت انرک ترکهای گرایلی را بیرون کردند و امروز ناحیه آبادی تشکیل داده اند (جلد ۲ - ص ۱۷۴).

۱۲ - کردها قومی هستند که از خارج بایران آمدند (هدون ص ۱۰۲ - ۱۰۳) پس از ترکها به سراسر شمال ایران مهاجرت کردند (ص ۹۷).

۱۳ - کردهای خراسان بلندقدترند ولی قیافه آنها به خوش برشی و زاویه صورت آنها به بلندی کردهای مغرب نیست از لحاظ نوع جسمانی به لرها بیشتر شباهت دارند تا به کردهای غرب. در بین آنها افراد موبور خیلی نادر است موی

خود را با حنا رنگ میکنند . بلوچها با کردها خیلی فرق دارند (ایوانو - ص ۱۵۲) .

۱۴ - بین خاك تركيه و آذربایجان کردها رفت و آمد زیاد دارند (ویلسون ۱۹۳۲ - ص ۶۰ - ۷۰) قبایل کرد در لرستان و فارس و خراسان یافت میشوند (ص ۳۳ - ۳۴) .

۱۵ - بعضی از افراد تروالی و هوتزا را میتوان با کردها اشتباه کرد (استاین ۱۹۳۶ - لوحه‌های I - III) .

گرمانیان

۱ - هرودوت آنها را جرمانیان خوانده است . در حوالی کرمان سکونت دارند . مردمی مشخص و بدوی‌تر از ایرانیان هستند (لارنس - یادداشت به هرودوت I - ۱۲۵) .

۲ - بایران مهاجرت کردند و نام کرمان از آنها است (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۱ - ص ۹۵ - ۹۹) .

گرنندی

قبیله کرد کرمانشاه نیمه بادیه نشین و نیمه ده‌نشین بین کرد و هارون آباد . علی‌اللهی ۳۰۰۰ خانوار (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۵۵۷) .

گرونی

از قبایل بادیه نشین قشقایی (ترك) فارس و لارستان ۱۸۷۵ (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۱۱۲ - ۱۱۴) .

کره پاپک

رجوع شود به قره پاپک .

کره گوزلو

رجوع شود به قره گزلو .

کشکولی

- ۱ - قبیله بادیه نشین قشقائی (ترك) فارس و لارستان ۱۸۲۵ و ۱۸۹۰ کرزن (۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۱۱۲-۱۱۴).
- ۲ - یکی از قبایل عمده قشقائی (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ ص ۴۷۷ - ۴۷۸).

کلدانیان

- ۱ - آنهائیکه نزدیک ارومیه و سلماس و سرچشمه رود زاب زندگی می - کنند بدون شك از نژاد سامی هستند (دوخایکف - ص ۱۱۰) نسطوری و کلدانیها يك قوم واحدند . کلمه کلدانی نامی است که در قرن هیجدهم از طرف ژوئیتها به نسطوریهای کانولیک شده بآنها داده شد (ص ۱۱۱-۱۱۲).
- ۲ - هتوم - شیندلر تعداد نسطوریها و کلدانیان ایران را ۲۳۰۰۰ نفر ذکر کرده است (کرزن ۱۸۹۲ - جلد - ص ۴۹۲ - ۴۹۴) عناصر کلدانی در کردستان یافت می شود (جلد ۱ - ص ۵۴۹).
- ۳ - احتمال می رود کردها از اولاد کلدانیها باشند (ربیلی ص ۴۴۲-۴۵۲).

کلموک

- ۱ - شاخص سر ۸۳/۸ (هوسی ص ۱۱۰).
- ۲ - ایوانوسکی قبایل مختلف کلموک را اندازه گیری کرد و آنها را شاخص - ترین نمونه مغولی محسوب داشت عرض دو گونه ۱۵۸/۰ (دانیلو - ستون ۹۳) .
- ۳ - بربریهامغول خالص هستند. شخص را بیاد کلموکها میاندازند (ایوانو ص ۱۵۵) .

کلهر

- ۱ - قبیله کرد در سقز کردستان : ۳۰۰ خانوار (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۵۵۵ - ۵۵۷) قبیله کرد کرمانشاه : پنج هزار خانوار قسمتی بادیه نشین و قسمتی ده نشین . بیلاق آنها کوهستان شمال غربی پشت کوه و فشلاق آنها دشت های زه آب و قصر شیرین تا مرز ترکیه است . شیعه یا علی اللهی هستند رالینسون از قیافه

یهودی نمای آنان تصور کرد که ممکن است از اولاد اسرای سامری باشند که در شهر آسوری کلهور هلا (سر پل زهاب؟) قرارداد شده بودند (جلد ۱ - ص ۵۵۷)

کندزلی

قبیله عرب در خوزستان که تعداد افراد ذکور آن از ۵۰۰ متجاوز است (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۳۲۰ - ۳۲۲).

کوچیت

شوشیهای باستانی که شاید مخلوطی از کوچیتها و سیاهپوستان بودند (هوسی ص ۱۲۶).

کودراها

شاید کاردوچی کزنفون همان کودراها یا کتیبه‌های میخی باشد (کرزن ۱۸۹۲ جلد ۱ - ص ۵۴۹ - ۵۵۹).

کور شولی (گره شولی ؟)

از قبایل بادیه‌نشین قشقایی (ترك) فارس و لارستان ۱۸۲۵ (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۱۱۲ - ۱۱۴).

کوزنگی

نام کولیها (ایوانو ص ۱۵۵).

کوچیان

ساکنین کشور شمال پارسها و مدیها تا کنار دریای سیاه (هرودوت IV-۳۷).

کولی

۱ - اردوهای کوچک آنها اغلب در ایران بخصوص در آذربایجان دیده میشود ترکها آنها را قره‌چی یعنی دام‌سیاه میخوانند (ملکم - جلد ۲ - ص ۵۹۶).

فهرست قبائل و گروه‌های نژادی - ۷۹۵

- ۲ - طبسق نظر هتوم - شیندلر تعداد بلوچها و کولیاها در ایران ۴۱۴۰ خانوار است (کرزن ۱۸۹۲ جلد ۲ - ص ۴۹۲ - ۴۹۴).
- ۳ - کولیهای ایران از نظر اندازه سر شبیه ساکنین ایرانند (دایلو - ستون ۱۳۵).
- ۴ - کولیاها در هر ناحیه ایران نام خاصی دارند . در کرمان لولی - در بلوچستان لوری - در فارس کولی که از کابلی گرفته شده و غربتی - در آذربایجان قره‌چی - در خراسان غر شمال که از غیر شمار گرفته شده است . در ترکیه بآنها چنگیانی میگویند که ریشه کلمه زنگاری اروپا است از لحاظ قیافه و شکل با روستائیان ایران فرق دارند . خودشان خود را فیوجی میخوانند که گفته میشود عربی است (سایکس ۱۹۰۲ - ص ۳۴۲).
- ۵ - جات (در عربی زات) خوانده میشوند. خالد بن ولید آنها را در قرن هشتم از دره سند به باطلاحهای دجله سوق داد . بعد به خاقین از مرز ترکیه و مرزهای سوریه تبعید شدند (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۱۱).
- ۶ - در ترکستان بین سیحون و جیحون یافت میشوند (هدون ص ۱۰۴).
- ۷ - کولیاها بنام غر شمال و جات و کزنگی و غیره بادیه نشین هستند و دارای خصوصیات جسمانی متنوع میباشند (ایوانو ص ۱۴۵).

کولیایی

قبیله ده نشین کرد شمال کرمانشاه تعداد سونگورو و کولیایی ۲۵۰۰ خانوار است (کرزن ۱۸۹۲ جلد ۱ - ص ۵۵۷).

کوهگلو

سرشماری ۱۸۸۱ تعداد کوهگلوهای ایران را ۴۱۰۰۰ نفر ذکر میکند. لر هستند (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۲۷۲ - ۲۷۵) قشائیاها فرق زیادی با کوهگلو ندارند (جلد ۲ - ص ۱۱۲ - ۱۱۴).

کهنی

بعضی از اعراب خود را بالاتر از کهنی‌های عین میدانند و ارتباط خود را

با ایران برخ میکشند (مدی ۱۹۱۹ - ص ۷۳۳).

کیوانلو

قبیله کرد که در زمان شاه عباس از ایالات شمال غربی بخراسان کوچ داده شدند (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۹۷ - ۹۸).

کبر

- ۱ - نژاد خشن از اولاد ایرانیان قدیم (شاران - ص ۳۴).
- ۲ - کبرهای آزاد شده که محدود بیک محله شهر یزد هستند از چهار هزار فامیل کمترند (ملکم جلد ۲ - ص ۵۱۸ - ۵۲۱).
- ۳ - اندازه های سر - شاخص سر ۷۰/۳ (دوخایکف ص ۵۹ و ۶۳) کبرها که تقریباً شبیه تاجیکها هستند دارای یک خصوصیت میباشند و آن اینکه بینی عقابی در میان آنها نادرتر است (ص ۱۰۳ - ۱۰۵) در بین کبرها و تاجیکها بیش از همه صفات و خصوصیات بدوی دیده میشود (ص ۱۰۷ - ۱۰۸). اندازه گیری پنج جمجمه کبر در سنت پترزبورگ (لنین گراد) زیر نام ایرانیان صورت داده شده است (ص ۱۳۳ - ۱۳۹).
- ۴ - غیر مسلمان - مهاجرت کبرها از جمعیت ایران کاست (پولاک - گزارش ۱۸۷۳) مقایسه شود با (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۴۹۲).
- ۵ - کبرها (زرتشتیان) گروه مذهبی ونژاد مخلوط هستند که بطور کلی از تاجیکها و صجها تشکیل یافته اند (هوسی ص ۱۰۷).
- ۶ - در یزد تعداد زیادی کبر یا پارسی وجود دارد ۳۵۰۰ - ۷۰۰۰ نفر (کرزن ۱۸۹۲ جلد ۲ - ص ۲۴۰ - ۲۴۱).
- ۷ - کبرها یا آتش پرستان منسوب به پارسهای هند از گروه سر دراز هستند (دایلو ستون ۱۰ - ۱۹ و ۲۶ - ۲۸). زیر سردراز. شاخص سر ۷۰/۱ (ستون ۴۵) عرض سر و گونه‌ها نسبتاً زیاد. جمجمه های کبرها تا حدی شبیه جمجمه ترکمنها است ولی خصوصیات مغولی بهیچوجه مشاهده نمیشود. جمجمه های کبر تقریباً با جمجمه های مردم قدیم قفقاز یکسان است.
- ۸ - معدودی زرتشتی که در ایران آنها را کبر میگویند در نهران مستقر

فهرست قبائل و گروه‌های تزادی - ۷۹۷

شده‌اند (هتوم - شیندلر، ص ۴۸).

۹ - یزد مرکز عمده پارسیها و کبرها است (علیشاه، ص ۱۰ - ۲۱).

گرچی

شاخص سر ۸۶/۰ و ۸۴/۵ (دایلو - ستون ۵۳ - ۵۵).

گلپاچی

یکی از قبایل کرد که تعداد آنها متجاوز از ۵۰۰ خانوار است و نزدیک هوانوکردستان زندگی میکنند (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۵۵۵ - ۵۵۷).

گلچا

۱ - قبایل گلچای پامیر و شال هندو کش ارانی خوانده میشوند (اوجفالوی ص ۴۴).

۲ - فقط وقتی بارتفاعات هیمالیا در میان گلچاها داخل میشود مو و چشم کم‌رنگتر مشهود است (ریپلی ص ۴۴۲ - ۴۵۲).

۳ - تاجیکهای دشت از تاجیکهای کوهستان یا گلچاها سفیدترند (هدون ص ۱۰۲ - ۱۰۳) گلچاها از نوع سر کوتاه هستند (ص ۲۷). گلچاها خالصترین مردمان پامیری هستند (ص ۱۰۳ - ۱۰۴).

۴ - تاجیکها در ترکستان روس تا آنسوی پامیر (گلچا) بسط دارند (دنیگر ص - ۵۰۵ - ۵۰۶).

گله زن

یکی از قبایل بادیه نشین قشقائی (ترك) فارس و لارستان ۱۸۲۵ و ۱۸۹۰ (کرزن ۱۸۹۲ جلد ۲ - ص ۱۱۲ - ۱۱۴).

گله زن اقری

یکی از قبایل عمده قشقائی (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۴۷۷ - ۴۷۸).

گندوزلو

- ۱ - یکی از قبایل ترك افشار که در زمان صفویه یا زودتر جدا شدند (لایارد ص ۷) .
- ۲ - لایارد میگوید گندوزلوها که یکی از قبایل بختیاری هستند از ترکان افشارند (هوسی ص ۱۲۲) .

گور

- ۱ - گورها تقریباً مانند ایرانیان امروز (۱۶۵۰) از نوع نسبتاً خشن هستند (پیتز دولواله ص ۱۰۵ - ۱۰۶) .
- ۲ - گورها یا آتش پرستان از میمونها زشت تر نیستند (پاتراجلوس مقایسه شود با دوخایکف ص ۴۸) همچنین مراجعه شود به کبرها .

گوران

- قبیله کرد در کرمانشاه که قسمتی بادیه نشین و قسمتی اسکان یافته . بین ناهید دشت و هارون نشین خان . علی اللهی - ۵۰۰۰ خانوار (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۵۵۷) .

گورگای

- قبیله کرد در کردستان نزدیک لیلان ۳۰۰ خانوار (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۵۵۵ - ۵۵۷) .

گوشکی

- قبیله کرد در کردستان نزدیک بلاور : ۴۰۰ خانوار (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۵۵۵ - ۵۵۷) .

گوزلان

- ۱ - شاخص سر ۸۱/۴۵ - زیرمغولها نام برده شده است (هوسی ص ۱۱۰ بیعد) .

فهرست قبائل و گروه‌های نژادی - ۷۹۹

۲- طایفه‌ای از قبایل ترکمن (بکستون ۱۹۲۹- ص ۶۲۳).

گیلانی

۱- گیلانی و مازندرانی : اندازه‌های سر شاخص سر ۸۴/۲ (دوخانیگف ص ۵۹ و ۶۳).

۲- گیلانیها و مازندرانیهای ساحل از لحاظ زبان و خصوصیات جسمانی فرق زیادی ندارند . قد متوسط - مو و چشم کمی روشن تر از ساکنین فلات ایران - پوست رنگ پریده - حرکات کند و غیر چابک (دانیلو - ستون ۱۰ - ۱۹ - ۲۶ - ۲۸).

لر

۱- زبان لری شش فامیل دارد و متشکل از ۸۴۵۰۰ نفر است که شامل فیلی‌ها و بختیاریها میشود (شویرل ص ۲۰).

۲- کردها و لرهای وحشی از حیث خصوصیات جسمانی شبیه مادیه‌های باستانی هستند (رالینسون - جلد ۲ ص ۳۰۷).

۳- زیر آریانه‌های ایران نام برده شده‌اند (هوسی- ص ۱۰۳) . اندازه‌های پنج لر (ص ۱۱۱) شاخص سر ۷۳/۵۷ (ص ۱۱۰) بینی دراز و بزرگ (ص ۱۱۵) . جانکی‌ها شباهت ظاهری به لرها دارند : قد بلند - بدن قوی - ریش و مو نرم و مجعد - خیلی بلند و خیلی سیاه - بینی دراز و صاف پوست کمرنگ . احتمال می‌رود قبایل ترک در اینجا (بین ملامیر و رامهرمز) با لرها مخلوط شده باشند بعضی از جانکی‌ها موی سیاه و چشم آبی دارند که از خصایص لرها است (ص ۱۲۲ - ۱۲۶) شاخص بینی ۶۶/۷ (ص ۱۳۳).

۴- زلوتارف از ۱۸۸۸ لرهای ایران را ۷۸۰۱۰۰۰ تخمین زده است . هتوم - شیندلر (۱۸۸۴) بختیاریها و لرها را ۴۶۸۰۰ خانوار تخمین می‌زند (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۴۹۲ - ۴۹۴) لرها یکی از عناصر عمده‌ک هستند . اقلیتی از آنها اسکان یافته‌اند (جلد ۲- ص ۲۶۹ - ۲۷۱) اصل و نسب لرها را نمیتوان بدرستی معین کرد بنظر میرسد که بهمان گروه نژادی کردها تعلق داشته باشند زبان آنها لهجه فارسی است ولی با کردی خیلی فرق ندارد . لرها کرد بودن را

توهین میدانند . اغلب نویسندگان لرها را از بقایای نژاد آریان یا ایرانی میدانند. احتمال میرود از نژاد آریان باشند قرن‌ها است در کوهستان فعلی ساکنند . کلمه فیلی یعنی باغی در حالیکه ایرانیان عصر حاضر بشخص نفهم لر خطاب میکنند . طبق نظر رالینسون (۱۸۳۶) تعداد لرهای فیلی و اتباع آنها ۵۶ هزار خانوار است لایارد (۱۸۴۳) تعداد آنها را ۴۹ هزار خانوار ذکر میکند . رالینسون جمع کل بختیاری و اتباع آنها را ۲۸ هزار خانوار ولایارد ۳۷۷۰۰ خانوار ذکر کرده‌اند . طبق محاسبه ۱۸۸۱ فیلی و اتباع آنها ۲۱۰'۰۰۰ نفر بختیاری و اتباع آنها ۱۷۰'۰۰۰ نفر . کوهگلو و اتباع آنها ۴۱۰۰۰ نفر . جمع کل لرها ۴۲۱'۰۰۰ نفر . نام فیلی محدود بقبایل پشت کوه است و بهمه ناحیه لر کوچک اطلاق نمیشود. (جلد ۲ - ص ۲۷۳-۲۷۵) قشقایهای فارس و لارستان را گاهل لر میگویند بعلت آنکه رفتار و عادات آنها شبیه بختیارها و کوهگلوها است (جلد ۲ ص ۱۱۲-۱۱۴).

۵- مذهب و خصوصیات جسمانی لرها حاکی از آنست که بخالصترین قبایل ایرانی تعلق دارند . قد ۱۶۸ از نوع زیر سر دراز . شاخص سر ۷۳/۶ (دانیلو).
 ۶- قبیله لرزند نزدیک قم سکونت دارند (هتوم - شیندلر- ص ۴۸).
 ۷- لری یا کوهستانی نوع خالص ایرانی هستند . از فارسها سیاه‌تر و بلندترند اغلب موی سیاه و صوت بیضی شکل دارند و شبیه نژاد مدیترانه میباشد (ریبلی ص ۴۴۲-۴۵۲).

۸ - یکی از دونوع ایرانی - لرها بلندتر از فارسها هستند و از طبقه سر درازند سیاه‌تر اغلب باموی سیاه صورت بیضی و قیافه منظم بنظر میرسد یکی از شعب نژاد مدیترانه یا مشابه آن تعلق داشته باشند(هدون ص ۱۰۲-۱۰۳).
 ۹- کردهای خراسان بیشتر شبیه لرها هستند تا کردهای غرب (ایوانو ص ۱۵۲).

لرگی

از لحاظ خصوصیات جسمانی شبیه اوت‌ها می‌باشند (دوخایکف - ص ۱۱۳-۱۱۴).

لك

- ۱- طبق نوشته هتوم - شیندلر تعداد کردها و لك ها ۱۳۵۰۰۰ خانوار است (کرزن ۱۸۹۲ جلد ۲- ص ۴۹۲ - ۴۹۴). لكها يك طبقه بزرگك بی نام هستند که معمولا بنام عناصر تشکیل دهنده آن شناخته میشوند که عمده ترین آنها کرد و لر و قبایل فیلی و بختیاری و ممسنی و شعب مختلف آنها است. همه آنها تاحدی عناصر اسکان یافته دارند (جلد ۲- ص ۲۶۹ - ۲۷۰) تعداد لكهای کرد در اردلان نزدیک لیلان هزار خانوار است (جلد ۱ ص ۵۵۵ - ۵۵۷) لرها کردها را حقیر می‌شمارند و آنها را لك می‌خوانند (جلد ۲- ص ۲۷۳ - ۲۷۵).
- ۲- خواجه‌وند یا خجاوند و لكهای دیگر در دشتهای شمال شرقی تهران سکونت دارند. شامل ننه کلی و کله کوه در مشرق عراق ایران میباشند. از قبایل بومی محسوب میشوند ولی بزبان مخلوط از فارسی و ترکی تکلم می‌کنند. لكهای دیگر بلهجه شبیه کردی حرف می‌زنند (هتوم - شیندلر - ص ۴۸ بی‌بعد).

لوری

- در بلوچستان به کولیهای لوری می‌گویند (سایکس ۱۹۰۲ ص ۳۴۴).

لولی

- نام کولیا در کرمان (سایکس ۱۹۰۲ ص ۳۴۴).

مادیها

- ۱- مادیها در قسمت شمال پارسیها زندگی می‌کنند (هرودوت IV - ۳۷).
- مادیها متشکلند از: بوسامی - پارناچینی - استروچات - اربزانتی - بودینی و مکی (هرودوت I - ۱۰۱).
- ۲- قبایل ماد شامل بادیه نشین و ده نشین بودند (لارنس - یادداشت بر هرودت I - ۱۰۱).
- ۳- تنها مردم ایران که در کتاب مقدس از آنها نام برده شده مادها هستند (دوخانیگف - ص ۴۲۷).
- ۴- در حجاریهای هخامنشی تصویرزن مادی دیده نمیشود. شاید کردها و

لرهای وحشی تقریباً با مادیهای باستانی مطابقت داشته باشند (رالینسون - جلد ۲ - ص ۳۰۷).

۵- مادها و مادیهای اولیه هر دو آریان بودند (برینتون ص ۳۲).

۶- يك طبقه در ایران شامل اولاد پارسهای باستانی هستند از جمله پارسی-ها نماینده مادیها (فین ص ۳۲ - ۳۳).

۷ - احتمال می‌رود که مادیها و پارسها زندگانی شبیه زندگی بادیه‌نشینان داشتند (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۱ ص ۱۷۰ - ۱۷۱). تصور می‌رود که مادیها از جنوب روسیه بایران مهاجرت کردند و بتدریج قسمت مغرب ایران را اشغال کردند. داورگان میگوید مادیها در حدود ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد داخل ایران شدند (جلد ۱ ص ۹۵-۹۹).

۸- از استپ‌های اروپا (اروپا و آسیا) نوردیک‌های اولیه آمدند که در تاریخ بنام مادها و ایرانیها شناخته شدند (هدون ص ۱۰۲ - ۱۰۳).

۹- مدانی شاید مادیها و مدا آسوریان باشند. در کوهستانهای کرد در مشرق دریاچه ارومیه در حدود ۸۴۰ قبل از میلاد مستقر شدند. پنجاه سال بعد در ماد پیدا شدند. مادها نامیده می‌شدند (یونانی‌مد). قوم آریائی بودند که با آریائیهای شمال هند و آریانهای اروپا قرابت داشتند. و یکی از قبایل آنان پارسها بود. اصطلاح ماد در زمان قدیم شامل سکنه همه نواحی بود که بآنجا مهاجرت کرده بودند (سایکس ص ۷۳ - ۷۴).

۱۰- آسوریها در قرن نهم قبل از میلاد حضور امادانی - مادا و مدیهارا بین دریاچه ارومیه و دشت همدان ثبت کرده‌اند (هرتسفلد ۱۹۳۵ - ص ۶ - ۱۰).

مارونیت

مارونیت‌های سوریه طبق نظر فن لوشان نماینده هیتی‌های باستانی هستند (هیتی - ص ۱۵).

مازندرانی

۱- اندازه سرمازندرانیها و گیلانیها : شاخص سر ۸۴/۲ (دوخانیسکف - ص ۵۹ و ۶۳) مازندرانیها از نوع خالص ایرانی هستند. قد متوسط - مو مشکی -

فهرست قبائل و گروههای نژادی - ۸۰۳

ریش خیلی ابوه که اغلب تا زیر چشم روئیده - چشم درشت و سیاه با مژه بلند و ابروی ابوه ... اغلب بینی‌ها عقابی و نوک تیز و باریک ریشه است - دهان کوچک - دندان منظم و سفید (۱۱۶ - ۱۱۷).

۲- شاخص سر ۸۶/۳۱ زیرمغول ثبت شده (هوسی ص ۱۱۰ بیعد).

۳- مازندران ممکن است محل باقیمانده مهاجرت های ساحلی باستانی آسیا باشد. جمعیت آن با گیلان بین ۱۵۰ هزار تا ۲۵۰ هزار می باشد. فریز میگوید قوی و خوش فرم و خوشگل هستند و مازندرانها سیاه تر تیره ترند. گفته میشود که بومیان از اولاد مدیها هستند و بلهجه پارسی صحبت میکنند (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ ص ۳۶۴).

۴- گیلانها و مازندرانهای ساحلی از حیث زبان و خصوصیات فرق زیادی باهم ندارند. قد متوسط - مو و چشم کمی روشنتر از ساکنین فلات ایران - پوست رنگ پریده - حرکات کند - در ناحیه کوهستانی مازندران دو نوع وجود دارد. یکی قوی و زمخت و پرمو و دیگری باریک و دارای صورت لاغر و بینی منحنی و چانه تیز و موی زیاد مشکی و چشم سیاه. زمانی یهودیها و ارمنیها و کردها و افغانها در اینجا زندگی می کردند (دانیلو - ستون ۱۰ - ۱۹ و ۲۶ و ۲۸)

۵- بعضی از عجمیها در کناره بحر خزر مازندران نامیده میشوند (دینکر ص ۵۰۵ - ۵۰۶).

مامون

قبیله کرد نزدیک بلور در اردلان با جیراچی تعداد آنها ۳۰۰ خانوار (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ ص ۵۵۵ - ۵۵۷).

محمدانی

کثیرترین قبیله بادیه نشین ریگی در بلوچستان (مکمون - ص ۷).

محمدیهای دهلی

اندازه های جمجمه (دوخانیف - ص ۱۳۳ - ۱۳۹).

محبسن

از قبایل عرب خوزستان که تعداد افراد ذکور آنها بیش از ۵۰۰ نفر است (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۳۲۰ - ۳۲۲).

مرافیان

یکی از قبایل پارس که کوروش آنها را به قیام بر علیه مادها و داشت (هرودوت I - ۱۲۵).

مردیان

- ۱ - یکی از قبایل بادیه نشین پارس (هرودوت I - ۱۲۵).
- ۲ - ماردا یعنی اوباش. در اینکه این کلمه اهمیت نثرادی داشته باشد جای تردید است. ماردی یا ماردی شمال ایران برای رفتار رضایتبخش خود از شاهان هخامنشی مستمری دریافت میداشتند (لارس).
- ۳ - هاپارتیب یا هاپیرتیب که در حجاریهای مال امیر دیده میشوند ممکن است اماردبها یا مردبهای یونانی باشند که هرودوت از قبایل بادیه نشین زیر فرمان کوروش از آنها نام میبرد (سایکس ۱۹۲۱ جلد ۱ ص ۵۰ - ۵۳).

مروتک

طایفه ترکمن (بکستون ۱۹۲۹ - ص ۶۲۳).

مزلقانی

رجوع شود به خلیج.

مسیبان

از قبایل پارس که کوروش به قیام علیه مادها و ادا داشت (هرودوت I - ۱۲۵).

معافی

یا مافی از قبایل ده نشین کرد کرمانشاه (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۵۵۷).

مغول

- ۱ - بعضی از نیمه باده نشینان از قوم مغولند (پریچارد ص ۱۷۱).
- ۲ - هزاره‌ها تاتار از نژاد مغول هستند (بلیو ص ۱۱۳).
- ۳ - در ایران مغولها عبارتند از ترکمنها و آذربایجانیها (هوسی - ص ۱۰۳) ترکمنها شامل مازندرانها و گرگلانها میشوند . شاخص سر ۸۵/۴ (ص - ۱۱۰). بینی پهن کوتاه دارند (ص - ۱۱۵) زمانی مغولها در کوهستانهای نزدیک شوش سکونت داشتند (ص - ۱۳۶) .
- ۴ - زبان مغولی جزو فامیل زبان تورانی آسیای مرکزی است (کندر - ص ۳۰ - ۳۱).
- ۵ - در خراسان علاوه بر مردم نژاد ایرانی مردمان از اولاد مغول که در زمان چنگیز و تیمور آمدند زندگی میکنند . دائرةالمعارف بریتانیا قبل از ۱۸۹۲ تعداد مغولهای خراسان یعنی تیموریها و هزاره‌ها را ۳۰۰ هزار نفر ذکر میکند (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۱۷۹).
- ۶ - بعد از ادوار ماقبل تاریخ آریانه‌های ایران باقبایل مغول مخلوط شدند در ایالت خمه قبایل نیمه باده‌نشین دارای صفات مغولی‌زندگی میکنند. تاجیکهای خراسان از حیث سر کوتاهی شبیه مغولها هستند . در قبایل مستقر مرکز ایران عناصر ترکی و مغولی شمال نفوذ کرده است . ایوانوسکی از قبایل کلموک بعنوان نمونه بارز نوع مغولی اندازه گیری کرده است . در جمجمه‌های کبر خصوصیات مغولی دیده نمیشد . این جمجمه‌ها با ۲۰۰ جمجمه مغولی که توسط ایوانوسکی اندازه گیری شده مقایسه شده است (دابلو).
- ۷ - تنها مغولهاییکه اکنون در حدود قدیم ایران زندگی میکنند هزاره‌ها و ایمک‌ها و چند قبیله دیگر است که در قرن چهاردهم بایران آمدند (برینتون - ص ۴ - ۵) .
- ۸ - مغولها که معمولا آنها را تاتار میخوانند توسط نویسندگان چینی به طبقه تقسیم گردیده بودند که عبارت بود از سفید و سیاه و تاتار وحشی که درجه تمدن آنها هرچه دورتر بودند کمتر میشد . مغولهای اصلی چشمان بادامی دارند . ریش ندارند وقد آنها معمولا کوتاه است . اگر چه پیاده بد ریخت بنظر می‌آیند سوار کار درجه يك هستند (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۷۰ - ۷۲). هزاره‌ها مغولند

(جلد ۲ ص ۲۱۷).

۹- بربرها از حیث نوع جسمانی مغول خالص هستند (ایوانسوس

۱۵۵).

۱۰- ایرانیان اصلی در ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد در بعضی نواحی با مغولهای تورانی زبان که از سیبری غربی آمده بودند مخلوط شدند (ویلسون ۱۹۳۲ - ص ۲۸). چهارمین مهاجم بایران حمله مغول زیر فرمان چنگیزخان در قرن سیزدهم صورت گرفت (ص ۶۹ - ۷۰). اگرچه طبق نظر ها کسلی سومین مرکز تکامل بشمار میآید مردم مغول زمانی در ایران تفوق داشتند اکنون دیگر در ترکیب نژادی ایران اثر بارز ندارند.

مغول و آریان

در ایران متشکلند از ارمنی‌ها، عجمی‌ها و تاجیکها و ایلات (هوسی ص ۱۰۳). شامل قسمت عمده جمعیت ایران یعنی مردم تهران، اصفهان و قم و قمشه میشود (ص ۱۱۵).

مغول و سامی

نمونه آنها در ایران بختیارها هستند (هوسی ص ۱۰۳).

مکرانی

مکرانیها مخلوطی از نژاد هند و افغان و آسوری و سیاهپوستند (دنیگر- ص ۵۰۸).

مکری

بامیکری - از کردهای آذربایجان - شرق و شمال شرقی سارجللاغ . سنی و ده نشین ۲۰۰۰ خانوار (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ ص ۵۵۵ - ۵۵۷)

مگی

مکرانیها مخلوطی از نژاد هند و افغان و آسوری و سیاهپوستند (دنیگر

- ص ۵۰۸).

ممسنی

یکی از قبایل عمده لك و از شعب فرعی لرها (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۲۶۹ - ۲۷۰) از قبایل ترك خمه فارس و لارستان ۱۸۷۵ (جلد ۲ - ص ۱۱۲-۱۱۴).

مموش

«مماش» کرد آذربایجانی در ناحیه لاهیجان - مغرب و جنوب غربی ساوجبلاغ - سنی و ده‌نشین ۳۰۰۰ خانوار (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۵۵۵-۵۵۷).

مندامی

کردهای اردلان نزدیک حسن آباد - ۵۰۰ خانوار (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۵۵۵ - ۵۵۷).

منطق

قبیله منطق حویزه از قبایل عرب مرز غربی خوزستان است (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۳۲۰ - ۳۲۲).

منگوری

کردهای آذربایجانی جنوب ساوجبلاغ - سنی و ده‌نشین - پنج هزار خانوار (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۵۵۵ - ۵۵۷).

منگال (مونگل)

در اویدبها (براهوئی) نژاد تاتار در بلوچستان (مکمون - ص ۷).

ناثیریہ

از قبایل عرب خوزستان که تعداد افراد ذکور آن متجاوز از ۵۰۰ فرد

هایکان

رجوع شود به آرامنه.

هپارتیپ

ایلام‌موطن این قبیله بود که شاید از اماردی یا ماردی یونانی باشند و هرودوت آنها را از قبایل بادیه‌نشین ایران محسوب داشته‌است (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۱ ص ۵۰-۵۳).

هتک

طایفه ترك خالص متعلق به قبیله خلجی (بلیو - ص ۱۰۰).

هخامنشی

- ۱ - قبیله ایرانی شاهان پارس (هرودوت I ۱۲۵). دآرتاچائیس. هخامنشی ... بلندقدترین پارسیان بود (VII - ۱۱۷).
- ۲ - رؤسای قبایل پارسی در دربار هخامنشی مقام‌های بزرگ داشتند. هر دو شاخه خانواده سلطنتی یعنی کورش و داریوش از هخامنشیان بودند. شرح کلی ایرانیان ۴۰۰ قبل از میلاد رو بهمرفته باید شامل ایرانیان هخامنشی بشود (لارس - یادداشت به نوشته هرودوت - I - ۱۲۵).
- ۳ - حجاریهای شاهان هخامنشی نژاد آریائی باستانی را مینمایاند: شکل سر هند و اروپائی و پیشانی صاف و بلند و بینی در همان خط و گاهی عقابی و چانه گرد و مو زیاد (رالینسون - جلد ۲ - ص ۳۰۷).
- ۴ - افراد هفت فامیل نجیب بر ایرانیان حکومت می‌کردند که فامیل هخامنشی یکی از آنان بود (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۱ - ص ۱۴۰).
- ۵ - سلسله هخامنشی اهل پارس بودند (ورل - ص ۱۲۵ - ۱۲۶).
- ۶ - از زمان هخامنشیان موانع طبیعی هرگز در ایران دارای اهمیت نبوده است (ویلسون ۱۹۳۲ - ص ۳۷۸).

هرکی

کرد آذربایجانی در تابستان وارد ایران میشوند و در فصل زمستان به موصل

میروند. دوهزار خانوار (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ ص ۵۵۵ - ۵۵۷).

هزاره

۱ - هزاره یکی از عناصر عمده جمعیت افغانستان است (بلیو ص ۱۳).
کشور عرسارث که در کتاب مقدس ذکر شده با موطن هزاره های امروزه
مطابقت دارد (ص ۱۵ - ۱۶). از کابل و غزنه تا هرات و از قندهار تا بلخ بسط دارد.
با سایر مردم افغانستان فرق دارند. تاتار مغولی هستند. ممکن است در زمان چنگیز -
خان آمده باشند (ص ۱۱۳ - ۱۱۴).

۲ - در دایرةالمعارف بریتانیا قبل از ۱۸۹۲ بنام مغول ثبت شده اند. تعداد
آنها در خراسان پنجاه هزار نفر است (کرزن ۱۸۹۲ جلد ۱ ص ۱۷۹) از حیث
نژاد و مذهب از چهار ایملک هستند ولی یکی از چهار قبیله اصلی نمیباشند. بلیو
میگوید هزار مترادف باداهی است. هزاره ها هرگز یک قوم ایرانی نبودند. بغامیل
نژادی سورانی تعلق دارند و این مطالب از قیافه مغولی و چشمان کج و صورت کم
ریش آنها پیدا است. بعضی در حوالی مشهد استقرار یافته ولی عده زیادی در جنوب در
محسن آباد در ناحیه باخزر سکونت اختیار کردند زبان آنها فارسی و مذهب آنها سنی
است. (جلد ۲ ص ۱۹۸).

۳ - یکی از گروههای معدود مغول که اکنون در ناحیه ایران قدیم سکونت
دارند. در قرن چهاردهم میلادی آمدند (برینتون ص ۴ - ۵).

۴ - هزاره ها در خراسان هستند (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۳۹۲).
هزاره های مغول در قلب افغانستان ساکنند. شیعه هستند (جلد ۲ - ص ۲۱۷).
۵ - هزاره های بلند قد در پارویامیس باستانی شمال افغانستان هستند. شاخص
سر ۸۵ شاخص بینی ۸۰/۵ (هدون - ص ۱۰۳) از نوع گروه سر کوتاه هستند (ص
۳۱ - ۳۲).

۶ - در ادبیات اروپائی بربرها را هزاره میگویند (ایوانو - ص ۱۵۵).

هماوند

قبیله ده نشین کرمانشاه: ۲۰۰ خانوار (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص
۵۵۷).

هندو

- ۱ - سردرزه‌های آسیائی (رتزیوسی - ص ۱۱۲).
- ۲ - اشتراك اصل آریانه‌های ایران و هندوها حقیقت قبول شده است (دوخایکف ص ۳۵) اندازه‌های سر شاخص سر: ۷۴/۵ (ص ۵۹ و ۶۳). طول قد ۱۴۰۰-۱۵۰۰ معمولی نراز ۱۶۰۰-۱۷۰۰ است. اندازه‌های جمجمه هندو (ص ۱۳۳-۱۳۹).
- ۳ - شاخص سر ۷۲/۲۸ و ۷۴/۴۸ (هوسی - ص ۱۱۰).
- ۴ - در ۱۸۱۰ پاتینگر در کرمان هندو نیافت ولی در ۱۸۹۲ در حدود ۴۰ تاجر هندو در سنگاپور و سند وجود داشتند. از حیث لباس و ظاهر نیمه ایرانی هستند (کرزن - ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۲۴۴) در دشتیاری مردمی هستند که ظاهراً از نژاد هندو میباشند (جلد ۲ - ص ۲۵۸ - ۲۵۹). در یزد عده‌ای هندو که زیاد و کم میشوند وجود دارد (جلد ۲ - ص ۲۴۰ - ۲۴۱).
- ۵ - بنا بر گفته کانرفاز و حامی جمجمه‌های هندو تا حدی شبیه جمجمه ساکنین قدیم قفقاز است (دانیلو - ستون ۱۴۵).
- ۶ - هندوها ایرانی هستند (ریپلی - ص ۴۴۲ - ۴۵۲).
- ۷ - تا سال ۱۳۵۰ قبل از میلاد بین عناصر ایرانی و هندو نژاد آریان تفاوتی وجود نداشت (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۱ ص ۹۵ - ۹۹).
- ۸ - در سمت مشرق بلوچها با جانتها و هندوها مخلوط شده‌اند (دنیگر - ص ۵۰۸).

هند و افغانی

- ۱ - موطن آنها در افغانستان (هدون - ص ۱۰۳): موی سیاه مجعد - صورت قهوه‌ای خیلی روشن - قد بین ۱/۶۱۰ تا ۱/۷۴۸ سردراز تا سر متوسط (شاخص سر بین ۷۱/۳ تا ۷۷/۵) - صورت دراز - قیافه منظم - بینی برجسته صاف یا محدب معمولاً باریک - چشم سیاه (ص ۲۲).
- ۲ - بلوچها از نژاد هند و افغانی هستند و لسی خیلی مخلوط شده‌اند. مکرانیه‌های مخلوطی از نژاد هند و افغانی و آسوری و سیاه پوست هستند (دنیگر ص ۵۰۸).

هند و ایرانی

- ۱ - در میان اقوام سردراز سر متوسط آسیائی نژاد هند و ایرانی است که

فهرست قبائل و گروههای نژادی - ۸۱۳

متشکل است از: بلوچی و اچکزائی و پائی و کاکروپاتان و نازن و ددهوار و براهوئی:
شاخص سر ۸۰ - ۸۲/۸ شاخص بینی ۶۷/۸ - ۷۴/۳ : قد ۱/۶۴۲ - ۱/۷۲۲
متر. نوع مخلوط یا میانه (هدون ص ۸۶).

۲ - عناصر هند و ایرانی در میان دروزها متنوع و زیاد است (هیتی ص
۲۲ - ۲۳).

۳ - طبقه حاکمهٔ میثانی هند و آریائی بودند. اولین گروه آریان که مهاجرت
کردند مهاجرت بین ۱۵۰ و ۱۴۵ قبل از میلاد صورت گرفت. گروه عمده در هند
ناپدید شد (هرتسفلد ۱۹۳۵ - ص ۶-۱۰).

۴ - درازمنه قدیم اقوام نوردیک که بزبان هند و ایرانی تکلم کنند در ایران
بودند. اولین ورود این اقوام اوایل هزاره دوم قبل از میلاد است. این تاریخ از
ذکر خدایان هندوایرانی در میان خدایان کاسیتها معین شده است (کامرون -
ص ۱۵ - ۱۹).

۵ نفوذ هندوایرانی از ایران و باکتریا بسمت مشرق بسط یافت (تالکرن
- ص ۹۰).

هندی

- ۱ - در قرن هفتم و هشتم سیستان از طرف مردم هند اشغال شد که با ایرانیان
بومی و قبایل مهاجر نژاد سیت آنرا بین خود تقسیم کردند (ص ۱۷ - ۱۸).
- ۲ - یکی از عناصر جمعیت ایران (فین ص ۳۲ - ۳۳).

هیتیها

فنلوشان اقوام زیر را نماینده عصر حاضر هیتیهای باستانی میدانند: در-
وزها - مارونیتها و نصیره سوریه - ارامنه - تاهتاجی (تاجتادشی) و بکتاشی و علیاللهی
و یزیدی آسیای صغیر و ایران - با سر کوتاه و خیلی بلند و بینی باریک و دراز
(هیتی - ص ۱۵).

هیرکانی

مهاجمینی که ناحیه استراباد فعلی را اشغال کردند (سایکس ۱۹۲۱ - جلد

۱ ص ۹۵ - ۹۹).

یزیدی

یزیدیهای عراق جزو گروه ایران و مدیترانه محسوب شده‌اند (هدون ص ۸۶).

یموت

طایفه یموت ترکمن (بکستون ۱۹۲۹ - ص ۶۲۳).

یوخار باش

از گروههای فرعی قبیله قاجار در ساحل شعبه علیای رود گرگان (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۲۷۷).

یهودیه‌ها

- ۱ - یهودیه‌ها روبکاهش میروند (ملکم - جلد ۲ - ص ۵۱۸ - ۵۲۱).
- ۲ - آسیائیهای از نوع سرکوتاه هستند (رتزیوس - ص ۱۱۲).
- ۳ - اندازه سر یهودیه‌های شمال افریقا شاخص سر ۷۵/۱ و ۷۷/۷ (دوخایکف - ص ۷۰) یهودیه‌های قبل از قرن دوازدهم. شاخص سر ۸۴/۷ و ۸۸/۸ (ص ۷۱).
- ۴ - طبق نظر بولاک گزارش ۱۸۷۳ علت تقلیل جمعیت ایران تا حدی مهاجرت یهودیه‌ها و عناصر غیر مسلمان دیگر است (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۴۹۲).
- ۵ - زیر عنوان سامیه‌ها ثبت شده‌اند (هوسی ص ۱۰۳).
- ۶ - بنا بگفته هتوم - شیندلر (در ایران ۱۹ هزار نفر یهودی وجود دارد) (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۴۹۲ - ۴۹۴) در ۱۸۱۰ پائینگر در کرمان یهودی نیافت اگرچه اکنون وجود دارد. در سرشماری ۱۸۷۸ در آنجا ۸۵ نفر یهودی بود (جلد ۲ ص ۲۴۴). در یزد دو هزار یهودی است که مجبورند وصله جلوی لباس خود بزنند و بدینوسیله شناخته میشوند (جلد ۲ - ص ۲۴۰ - ۲۴۱). در تهران چهار هزار یهودی وجود دارد (جلد ۱ - ص ۳۳۳).
- ۷ - بعد از ازمنه ماقبل تاریخ آریائیهای ایران بایهودیه‌ها مخلوط شدند. زمانی

فهرست قبائل و گروه‌های نژادی - ۸۱۵

مازندران ساکنین یهودی داشت تاجیکهای خراسان از نظر نوع سر کوتاهی شبیه یهودیها هستند (دائیلو - ستون ۱۰ - ۱۹ و ۲۶-۲۸) از لحاظ اندازه دست و پا یهودیها شبیه ساکنین ایرانند (ستون ۱۳۵).

۸ - یهودیها در تهران و کاشان و اصفهان استقرار یافته‌اند و تعداد آنها ۵۸۸۳ نفر است (هتوم - شیندلر - ص ۴۸ و ۱۱۷ - ۱۱۹).

۹ - قسمتی از جمعیت ایران (فین ص ۳۲ - ۳۳) .

۱۰ - در ایران ۳۶۰۰۰ نفر یهودی وجود دارد (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۱ - ص ۱۳ - ۱۴).

۱۱ - گروه ایران و مدیترانه شامل بعضی یهودیها میشود (هدون ص ۸۶).
يك نوع خالص و قدیمی یهودی در شهرهای ترکستان بین سیحون و جیحون پیدا میشود (ص ۱۰۳ - ۱۰۴).

۱۲ - در اروپای مرکزی ۱۵ درصد یهودیها مو بورند فقط ۲۵ در صد مو مشکی هستند و بقیه از نوع فیما بین سر کوتاهی فقط در میان مو مشکی‌ها دیده میشود و علت آن اختلاط خون است. در قفقاز یهودیها خیلی کوتاه هستند (سایکس ص ۱۰۷ - ۱۰۸ و ۱۲۰ - ۱۲۱) حتی در ازمنه کتاب مقدس یهودیها اثر ادخالص نبودند (ص ۱۱۵ - ۱۱۶).

۱۳ - در میان شهرهای خراسان فقط در مشهد یهودی پیدا میشود (ایوانوس ۱۱۵).

کتابنامه

The following bibliographical references have been used in the preparation of this Report. The reader is, however, referred to the bibliographies of Iran prepared by the New York Public Library and by Sir Arnold Wilson.

The majority of the books, pamphlets, and reprints, together with rare items such as Richardson's *Dictionary*, Schlimmer's *Terminologie*, the *Voyages* of Antony Sherley and Benjamin of Tudela, and *The Naft*, are in the author's reference library.

Assistance rendered by libraries both at home and in Europe has been acknowledged in the Preface.

The Russian titles have been checked by Mr. Eugene Prostov.

Abbreviations

- AA American Anthropologist
AcA Acta Archaeologica. Copenhagen
AFA Archiv für Anthropologie. Braunschweig
AJA American Journal of Archaeology
AJPA American Journal of Physical Anthropology
AJSL American Journal of Semitic Languages and Literatures
ArA Art and Archaeology
AR Asiatic Review
BRSGI Bollettino della Reale Società Geografica Italiana
EB Encyclopaedia Britannica
ESA Eurasia Septentrionalis Antiqua. Helsinki
FMNH Field Museum of Natural History
GJ Geographical Journal. *See also* JRGS
HB Human Biology
IAE Institut Antropologii i Etnografii, S. S. S. R. Akademiia Nauk [Institute of Anthropology and Ethnography of the U. S. S. R. Academy of Sciences]. Leningrad
JAI *See under* JRAI
JAOS Journal of the American Oriental Society
JASB Journal of the Anthropological Society of Bombay
JASB Journal of the Asiatic Society of Bengal
JBNHS Journal of the Bombay Natural History Society
JCAS *See under* JRCAS
JH Journal of Heredity
JLS-Z Journal of the Linnean Society, Zoology
JRAI Journal of the Royal Anthropological Institute of Great Britain and Ireland
JRAS Journal of the Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland. London
JRCAS Journal of the Royal Central Asian Society
JRGs Journal of the Royal Geographical Society
JRSA Journal of the Royal Society of Arts
JSA *See under* JRSA
NH Natural History
OIP Oriental Institute Publications
PAPS Proceedings of the American Philosophical Society
PKAW Proceedings of Koninklijke Akademie van Wetenschappen. Amsterdam
PRCAS *See under* JRCAS

- PRGS *See under* JRGS
 RA *Revue Anthropologique*
 SAOC *Studies in Ancient Oriental Civilization, Oriental Institute, University of Chicago*
 SM *Scientific Monthly*
 ZDMG *Zeitschrift der Deutsche Morgenlandische Gesellschaft. Leipzig*

ABBOTT, KEITH E.

1857. Notes taken on a journey eastwards from Shiraz to Fessa and Darab, thence westwards by Jehrum to Kazerun in 1850. *JRGS*, vol. 27, pp. 149-184.

ABERIGH-MACKAY, G. R.

1875. Notes on western Turkistan. London.

AINSWORTH, W., *see* THOMSON, W. TAYLOR

AMMIANUS MARCELLINUS

- ca. 360. *History*.

AMSCHLER, W.

1986. Die ältesten Funde des Hauspferdes. Unter erstmaliger Benützung der von Dr. Henry Field (Chicago, U.S.A.) in Kish ausgegrabenen Knochenmaterialien. *Wiener Beiträge zur Kulturgeschichte und Linguistik*, vol. 4, pp. 497-516. Vienna.

ANGELUS, PATER (Labrosse)

1684. *Gazophylacium linguae Persarum*. Amsterdam.

ARKIN, HERBERT, and COLTON, RAYMOND R.

1984. *An outline of statistical methods*. New York.

ARNE, T. J.

1984. Luristan and the West. *ESA*, vol. 9, pp. 277-284.
 1985a. La steppe turkomane et ses antiquités. *Hyllnings-ekrift tillägnad Sven Hedin*, pp. 28-48. Stockholm.
 1985b. The Swedish Archaeological Expedition to Iran; 1982-1983. *AcA*, vol. 6, pp. 1 et seq.
 1988a. En Sino-Iransk kopp. *Särtryck ur Fornvännen*, h. 2, pp. 107-118.
 1988b. *Speglar från Luristan*. *Särtryck ur Kulturhistoriska Studier*, edited by Nils Aberg, pp. 86-90. Stockholm.

ASHLEY-MONTAGU, M. F.

1987. The determination of the naso-frontal suture and the nasion in the living. *Radiology*, vol. 28, pp. 478-476. New York.

BARBIER DE MEYNARD, C. A. C., *see* YAKUT IBN ABD ALLAH, AL-HAMAWI

BASCHMAKOFF, ALEXANDRE

1986. Etude paléo-ethnologique sur le peuple Iranien des "Scythes d'Herodote," dits "Scolotes." *Bulletin de l'Association Guillaume Budé*, No. 51, April. Paris.
 1987. Cinquante siècles d'évolution ethnique autour de la Mer Noire. *Etudes d'ethnographie, de sociologie et d'ethnologie*, vol. 1. Paris.

BAUER, G.

1985. Luftzirkulation und Niederschlagsverhältnisse in Vorderasien. *Gerlands Beiträge zur Geophysik*, vol. 45, secs. 381-548. Strasbourg.

BAYE, JOSEPH, BARON DE

1902. *Les Juifs des montagnes et les Juifs géorgiens*. Paris.

BELL, M. S.

1884. Military report on south-west Persia. Simla?

- BELLEW, H. W.**
1880. The races of Afghanistan, being a brief account of the principal nations inhabiting that country. Calcutta.
- BENJAMIN, I. J.**
1858. Acht Jahre in Asien und Afrika. Hanover.
- BENJAMIN OF TUDELA**
1764. Beniamini Tudelensis itinerarium ex versione Benedicti Ariae Montani. Leipzig.
- BERGEMARK, DANIEL R.**
1935. Economic geography of Asia. New York.
- BIDDULPH, C. E.**
1891. Journey across the western portion of the great Persian Desert, via the Siah Kuh Mountains and the Darya-i-Namak. PRGS, vol. 18, pp. 645-657.
- BISHOP, ISABELLA L.**
1891. Journeys in Persia and Kurdistan. 2 vols. London.
- BLANCHARD, RAOUL**
1929. L'Iran. Géographie universelle, vol. 8, pp. 128-170. Paris.
- BLANFORD, W. T.**
1876. The zoology and geology of eastern Persia. Persian Boundary Commission. Eastern Persia, vol. 2. London.
- BLOCHET, E.**
1895. Liste géographique des villes de l'Iran. Recueil des travaux relatifs à la philologie et à l'archéologie égyptiennes et assyriennes, vol. 17, pp. 165-176. Paris.
- BODE, C. A. DE**
1845. Travels in Luristan and Arabistan. 2 vols. London.
- BOGDANOV, ANATOLIĬ PETROVICH**
1892. Quelle est la race la plus ancienne de la Russie Centrale? Moscow.
- BOUCHEMAN, ALBERT DE**
1934. Matériel de la vie bédouine. Documents d'Études Orientales. Vol. 8, pp. 108-116. Institut Français de Damas. Damascus.
- BOULTON, W. H.**
1933. Elam, Media, and Persia. London.
- BREASTED, J. H.**
1933. The Persepolis discoveries. ArA, vol. 34, pp. 87-92, 112.
1935. Ancient times, a history of the early world. 2nd ed. New York.
- BRINTON, DANIEL G.**
1895. The protohistoric ethnography of Western Asia. PAPS, vol. 34, pp. 1-82.
- BRITISH GOVERNMENT. FOREIGN OFFICE. HISTORY SECTION.**
1920. Persian Gulf. Handbook No. 76. G. W. Prothero, ed. London.
- BROOKS, C. E. P.**
1926. Climate through the ages. New York.
1930. Climate. New York.
- BROWNE, E. G.**
1909. A brief narrative of recent events in Persia. London.
- BUKINICH, D. D., see VAVILOV, N. I.**
- BURCHARDT, HERMANN**
1902. Die Juden in Jemen. Ost und West.

- BUXTON, L. H. DUDLEY
 1925. *The peoples of Asia*. New York.
 1929. *Turkmen Republic*. EB, 14th ed., vol. 22, pp. 621-628.
- and RICE, D. TALBOT
 1931. Report on the human remains found at Kish. JRAI, vol. 61, pp. 57-119.
- and THOMSON, ARTHUR, see THOMSON
- CAMERON, G. G.
 1936. *History of early Iran*. Chicago.
- CAPITO, C. E.
 1931. Some birds from the north-west corner of Fars, Persia. JBNHS, vol. 34, pp. 922-935.
- CHANTRE, ERNEST
 1883. Rapport sur une mission scientifique dans l'Asie occidentale. Archives des Missions Scientifiques et Littéraires, série 8, vol. 10, pp. 199-263. Portrs.
 1885-87. Recherches anthropologiques dans le Caucase. 4 vols. Paris.
- CHARDIN, SIR JOHN
 1686. *Travels in Persia*. Reprint of London edition of 1720; ed. by N. M. Penzer, London, 1927.
 1711. *Voyages de Mr. le Chevalier Chardin en Perse, et autres lieux de l'Orient*. Amsterdam.
- CHILDE, V. GORDON
 1933. Notes on some Indian and East Iranian pottery. *Ancient Egypt and the East*, Mar.-June, pp. 1-11.
- CHINA, W. E.
 1938. Hemiptera from Iraq, Iran, and Arabia. FMNH, Zool. Ser., vol. 20, No. 82, pp. 427-437.
- CHRISTENSEN, A.
 1917. Les types du premier homme et du premier roi. Archives d'Etudes Orientales, vol. 14, pt. 1. Stockholm.
 1934. *Ibid.*, pt. 2. Leyden.
- CLAPP, F. G.
 1938. Recent explorations in Eastern Iran. *The Iran Society*, vol. 2, pt. 2, pp. 18-29.
- COLTON, RAYMOND R., see ARKIN, HERBERT
- CONDER, C. R.
 1889. The early races of Western Asia. JAI, vol. 19, pp. 30-51.
- CONFINO
 Revue des Ecoles de l'Alliance Israélite, No. 3, p. 183.
Ibid., No. 5, p. 339.
- CONTENAU, GEORGES, and GHIRSEMAN, R.
 1935. Fouilles du Tépé-Giyan, pres de Néhavend 1931 et 1932. Musée du Louvre. Département des antiquités orientales. Série archéologique, vol. 3. Paris.
- COOK, ORATOR FULLER
 1925. Peru as a center of domestication. JH, vol. 16, pp. 33-46, 95-110.
- COON, CARLETON S.
 1931. Tribes of the Rif. *Harvard African Studies*, vol. 9. Cambridge.
 1939. *The races of Europe*. New York.
- COOPER, MERIAN C.
 1925. *Grass*. New York.

- COTTEVIELLE-GIRAUDET, RÉMY
1930. Les races de l'Afrique du nord et la population oranaise. RA, vol. 40, pp. 136-154. Paris.
- COX, SIR PERCY Z.
1929. Physical geography of Persia. EB, 14th ed., vol. 17, pp. 548-562.
- CURZON, G. N.
1892a. Persia and the Persian question. 2 vols. London.
1892b. Memorandum on the society's new map of Persia. PRGS, vol. 14, pp. 69-78.
- DAMES, M. LONGWORTH
1902. Note on Major Sykes's anthropological notes on Southern Persia. JRAI, vol. 32, pp. 350-352.
- DANILOV, N. P.
1894. K. kharakteristike antropologicheskikh i fiziologicheskikh chert sovremennago naseleniia Persii [Anthropological and physiological characters of the present population of Persia]. Trudy Antropologicheskago Otdiela, vol. 17. Izvestiia Imp. Obshchestva Liubitelei Estestvoznaniia Antropologii i Etnografii, vol. 88, cols. 1-147. Moscow.
- DAULIER-DÉSLANDES, A.
1678. The beauties of Persia. Memoir, Persia Society, 1926. Trans. by Sir A. T. Wilson. London.
- DAVENPORT, C. B.
1927. Guide to physical anthropometry and anthroposcopy. Cold Spring Harbor, New York.
- DEBEVOISE, N. C.
1938. A political history of Parthia. Chicago.
- DEMORGNY, G.
1913. Les tribus du Fars. Revue du Monde Musulman, vol. 22, pp. 85-150. Paris.
- DENIKER, JOSEPH
1926. Les races et les peuples de la terre. Paris.
- DIEULAFOY, MARCEL AUGUSTE
1893. L'Acropole de Suse, d'après les fouilles exécutées en 1884-6, sous les auspices du Musée du Louvre. Paris.
- DIXON, ROLAND BURRAGE
1923. The racial history of man. New York.
- DJAWACHISCHWILI, ALEXANDER
1925. Die Rassenzusammensetzung der Kaukasusvölker. AFA, new ser., vol. 20, pp. 77-89.
- DOUVILLÉ, HENRI
1904. Les explorations de M. de Morgan en Perse. Bulletin de la Société Géologique de France, ser. 4, vol. 4, pp. 539-558. Paris.
- DOWSON, V. H. W.
1921-23. Dates and date cultivation of the 'Iraq. Pts. 1-3. Printed for the Agricultural Directorate of 'Iraq. Cambridge, England.
- DROWER (STEVENS), E. S.
1937. The Mandaens of Iraq and Iran. Oxford.
- DUBEUX, LOUIS
1841. La Perse. Paris.

DUHOUSSET, E.

1868. *Études sur les populations de la Perse et pays limitrophes pendant trois années de séjour en Asie.* Paris.

1887. *Les races humaines de la Perse.* *Revue d'Ethnographie*, vol. 6, pp. 400-418. Paris.

DU MANS, R.

1890. *Estat de la Perse en 1660*, par Le P. Raphaël Du Mans Supérieur de la Mission des Capucins d'Ispahan, publié avec notes et appendice—par Ch. Schefer. Paris. *See also* MACHAULT, JACQUES DE

DUNSTERVILLE, L. C.

1921. *Six months in north-west Persia in 1918.* *The Persia Magazine*, vol. 1, pp. 41-61.

DURAND, LADY E. R.

1902. *An autumn tour in western Persia.* London.

EBTEHAJ, G. H.

1936. *Guide book on Iran.* Tehran.

EDMONDS, C. J.

1918. *Notes on Luristan.* Baghdad.

1922. *Luristan: Pish-i-Kuh and Bala Gariveh.* *GJ*, vol. 59, pp. 385-386, 437-453.

1924. *An autumn tour in Daylam (Ghilan).* *JCAS*, vol. 11, pp. 340-357.

EICKSTEDT, EGON, FREIHERR VON

1934. *Rassenkunde und Rassengeschichte der Menschheit.* Stuttgart.

ELISIEEV, A. V.

1890. *Einige Bemerkungen zur Ethnologie persiens.* *Die Russische anthropologische Gesellschaft bei der St. Petersburger Universität*, vol. 3, pp. 55-57. Abstract by L. Stieda, *AFA*, vol. 26 (1900), pp. 216-217.

1890-91. *Antropologicheskii zametki ob obitateliakh Maloi Azii* [Anthropological notes on the inhabitants of Asia Minor]. *Dnevnik Antropologicheskogo Otdiela, Imp. Obschestva Liubitelei Estestvoznaniia, Antropologii i Etnografii.* Moscow.

ELPHINSTONE, MOUNTSTUART

1815. *An account of the kingdom of Caubul and its dependencies in Persia, Tartary and India.* London.

ERCKERT, R. VON

1888-91. *Kopfmessungen kaukasischer Völker.* *AFA*, vol. 18, pp. 262-281, 297-335; vol. 19, pp. 55-84, 211-249, 331-356.

FEDCHENKO, A. P.

1888. *Antropometricheskii zametki otnositel'no turkestanaskikh inorodtsev* [Anthropometric notes on Turkestan natives]. Moscow.

FEILBERG, C. G.

1938. *A Sumerian plough surviving in our time.* *Ethnos*, Nos. 2-3, pp. 84-86.

FIELD, HENRY

1929a. *The Field Museum-Oxford University Joint Expedition to Kish, Mesopotamia, 1923-29.* *FMNH, Anthr. Leaflet No. 28.*

1929b. *Early man in North Arabia.* *Amer. Mus. Nat. Hist., NH*, vol. 29, pp. 33-44.

1931. *Among the Beduins of North Arabia.* *Open Court*, vol. 45, pp. 577-595. Chicago.

1932a. *Human remains from Jemdet Nasr, Mesopotamia.* *JRAS*, pt. 4, pp. 967-970.

1932b. *The cradle of Homo sapiens.* *AJA*, vol. 36, pp. 426-480.

- 1982c. Ancient wheat and barley from Kish, Mesopotamia. *AA*, new ser., vol. 84, pp. 308-309.
- 1982d. The ancient and modern inhabitants of Arabia. *Open Court*, vol. 46, pp. 847-872.
1933. The antiquity of man in Southwestern Asia. *AA*, new ser., vol. 35, pp. 51-62.
1934. Sulle caratteristiche geografiche dell'Arabia settentrionale. *BRSGL*, vol. 11, pp. 3-18.
- 1935a. The Field Museum Anthropological Expedition to the Near East, 1934. The Oriental Institute Archaeological Report on the Near East. *AJSL*, vol. 51, pp. 207-209.
- 1935b. Arabs of central Iraq, their history, ethnology, and physical characters. Introduction by Sir Arthur Keith. *FMNH, Anthr. Mem.*, vol. 4.
- 1936a. Racial types from South Arabia. *The New Orient*, pp. 82-89. Chicago.
- 1936b. The Arabs of Iraq. *AJPA*, vol. 21, pp. 49-56.
- 1937a. Oryx and ibex as cult animals in Arabia. *Man*, vol. 37, No. 69. London.
- 1937b. The population of the Soviet Union. *AJPA*, vol. 23, pp. 79-81.
- 1937c. Jews of Sandur, Iraq. *Asia*, vol. 37, pp. 708-710.
- 1937d. *Ses* HOOPER, DAVID
- and PROSTOV, EUGENE
1936. Recent archaeological investigations in the Soviet Union. *AA*, new ser., vol. 38, pp. 260-290.
1937. Archaeology in the Soviet Union. *AA*, new ser., vol. 39, pp. 457-490.
1938. Archaeology in the U.S.S.R. *AA*, new ser., vol. 40, pp. 653-679.
- 1939a. Turkestan, U.S.S.R. *AJSL*, vol. 56, pp. 110-112.
- 1939b. Archaeological investigations in Central Asia, 1917-1937. *Ars Islamica*, vol. 5, pt. 2, pp. 233-271. Ann Arbor.
- FILMER, HENRY
1936. The pageant of Persia. New York.
- FINN, ALEXANDER
1914. Some reminiscences of a stay in Persia. Lectures delivered to the Persia Society, 1913-1914, pp. 23-42. London.
- FORENER, C. E. and ZIA, LILY S.
1934. An outline of the development of the theories for the transmission of Leishmaniasis together with further evidence to support a theory of direct transmission of Kala-Azar through the agency of oral and nasal secretions. *Trans. Ninth Congress Far East. Assoc. Trop. Med.*, Nanking, vol. 1, pp. 633-656.
- FRANCKLIN, WILLIAM
1790. Observations made on a tour from Bengal to Persia, in the years 1786-7. London.
- FRANKFORT, HENRI
1932. Archaeology and the Sumerian problem. *SAOC*, No. 4, pp. 1-72.
- FRASER, LOVAT
1908. Some problems of the Persian Gulf. *PRCAS*, pp. 1-23.
- FRYER, JOHN
1698. A new account of East India and Persia. Being nine years' travels, 1672-1681. London.
- FULLERTON, ALICE
1938. To Persia for flowers. Oxford.
- FURON, R.
1937. La géologie du plateau iranien. *Revue Générale des Sciences*, vol. 48, pp. 86-43.

- GABRIEL, ALFONS**
1939. *Aus den Einsamkeiten Irans: dritte Forschungsfahrt durch die Wüste Lut und Persisch-Bolochistan mit einer Reise durch Süd-Afghanistan.* Stuttgart.
- GARROD, DOROTHY A. E.**
1937. *The Near East as a gateway of prehistoric migration.* In *Early Man*, pp. 38-40, ed. by George Grant MacCurdy. Philadelphia.
- GENNEP, ARNOLD VAN**
1918. *Notes d'ethnographie persane.* *Revue d'Ethnographie et de Sociologie*, vol. 4, pp. 72-89. Paris.
- GEOGRAPHICAL ASSOCIATION, Gr. Brit. COMMITTEE**
1937. *Classifications of the regions of the world.* *Geography*, No. 118, vol. 22, pt. 4, pp. 253-282. London.
- GIL'CHENKO, N.**
1890. *Materialy dlia antropologii Kavkaza: I. Osetiny* [Materials on the anthropology of the Caucasus: I. Ossetes]. St. Petersburg.
- GINZBURG, V. V.**
1937. *Gornye Tadzhiki: materialy po antropologii Tadzhikov Karategina i Darvaza* [Mountain Tadzhiks: materials on the anthropology of Tadzhiks of Carategin and Darvaz]. *Trudy, IAE*, vol. 16, anthropological series 2.
- GLIDDON, GEORGE R., see NOTT, JOSIAH CLARK**
- GOLDSMID, SIR F. J.**
1878. *Journey from Bandar Abbas to Mash-had by Sistan with some account of the last-named province.* *JRGS*, vol. 43, pp. 65-83.
- GORDON, P.**
1833. *Fragments of the journal of a tour through Persia, in 1820.* London.
- GRAY, F. A. G.**
1938. *Report on economic and commercial conditions in Iran during 1937.* *Gt. Brit. Department of Overseas Trade*, No. 698. London.
- GROUSSET, R.**
1938. *An outline of the history of Persia. A survey of Persian art*, vol. 1, ch. 8, pp. 59-105. London.
- GUEST, EVAN**
1933. *Notes on plants and plant products with their colloquial names in Iraq.* *Bulletin No. 27, Department of Agriculture, Iraq.* Baghdad.
- GUHA, B. S.**
1931. *The racial affinities of the peoples of India.* *Census of India*, vol. 1, pt. 8. Simla.
- GÜNTHER, ROBERT T.**
1900. *Contributions to the natural history of Lake Urmī, N. W. Persia, and its neighbourhood.* *JLS-Z*, vol. 27, pp. 345-453. London.
- HACKIN, JOSEPH**
1934. *In Persia and Afghanistan with the Citroën Trans-Asiatic expedition.* *JRGS*, vol. 83, pp. 358-368.
- HADDON, A. C.**
1924. *The races of man and their distribution.* Cambridge, England.
- HARRISON, J. V., and FALCON, N. L.**
1932. *The Bakhtiari country, south-western Persia.* *JRGS*, vol. 80, pp. 193-210, and opp. p. 272.
1936a. *Kuhgalu.* *The Naft Magazine*, vol. 12, No. 12, pp. 2-10. Anglo-Iranian Oil Co. London.
1936b. *Kuhgalu: south-west Iran.* *JRGS*, vol. 88, pp. 20-36.

- HASAN, HADI**
1928. A history of Persian navigation. London.
- HEDIN, SVEN**
1892. Genom Khorasan och Turkestan. Stockholm.
- HERBERTSON, F. D. and A. J.**
1908. Asia. London.
- HERODOTUS**
ca. 445 B.C. The history of Herodotus of Halicarnassus. Trans. by G. Rawlinson revised and annotated by A. W. Lawrence; 1935. London.
- HERZFELD, E. E.**
1907. Eine Reise durch Luristan, Arabistan and Fars. Petermanns Mitteilungen, vol. 53, pp. 49-63, 73-90. Gotha.
1908. Pasargadae; Untersuchungen zur persischen Archäologie. Klio. Beiträge zur alten Geschichte, vol. 8, pp. 1-68. Leipzig.
1985. Archaeological history of Iran. London.
- and **KEITH, SIR ARTHUR.** See **KEITH, SIR ARTHUR**
- HITTI, PHILIP K.**
1928. The origins of the Druze people and religion, with extracts from their sacred writings. Columbia University Oriental Studies, vol. 28. New York.
- HOARE, J. N.**
1937. Something new in Iran. Church Missionary Society, London.
- HOGARTH, D. G.**
1902. Note on Major Sykes's "Anthropological notes on Southern Persia." JRAI, vol. 32, p. 349.
- HOOPER, DAVID and FIELD, HENRY**
1937. Useful plants and drugs of Iran and Iraq. FMNH, Bot. Ser., vol. 9, No. 3, pp. 78-241.
- HOOTON, EARNEST ALBERT**
1937a. Up from the ape. New York.
1937b. Apes, men, and morons. New York.
- HOUSSAY, FREDERIC**
1887. Les peuples actuels de la Perse. Bulletin de la Société d'Anthropologie de Lyon, vol. 6, pp. 101-148. Lyons.
- HOUTUM-SCHINDLER, ALBERT**
1896. Eastern Persian Irak (with map). London.
- HRDLICKA, ALES**
1912. The natives of Kharga Oasis, Egypt. Smithsonian Miscellaneous Collections, vol. 59, No. 1, Washington, D.C.
1920. Anthropometry. Philadelphia.
- HUNTINGTON, ELLSWORTH**
1905. The depression of Sistan in eastern Persia. American Geographical Society. Bulletin, vol. 37, pp. 271-281. New York.
1907. The pulse of Asia; a journey in Central Asia illustrating the geographic basis of history. New York.
1938. Season of birth. Its relation to human abilities. New York.
- IKBAL ALI SHAH, SIRDAR**
1980. Eastward to Persia. London.
- INOBRANTSEV, KONSTANTIN ALEKSANDROVICH**
The emigration of the Parsis to India and the Musulman world in the middle of the VIII century [The Kavasji Dababhoy Dubash translation series. No. 1. Tr. L. Bogdanov]. pp. 38-70. K. R. Cama Oriental Institute, Bombay.

IRAN MISSION

1937. Board of Foreign Missions of the Presbyterian Church in the U.S.A. Centennial Series, pp. 1-59. New York.

IRELAND, PHILIP WILLARD

1987. 'Iraq. London.

ISTAKHRI, ABU ISHAK IBRAHIM IBN MUHAMMAD AL-

ca. 900. *Kitab u'l-Masalik wa'l-Mamalik*.

IVANOV, W.

1926. Notes on the ethnology of Khurasan. *JRGS*, vol. 67, pp. 148-158.

IVANOVSKIĬ, A. A.

1891a. *Turkmeny i Turki po kranio-metricheskim izsledovaniiam*. [Cranio-metric studies of Turkomans and Turks]. *Dnevnik Antropologicheskago Otdiela, Imp. Obschestva Liubitelei Estestvoznaniia, Antropologii i Etnografii*, No. 8. Moscow.

1891b. *Cherepa iz mogil'nikov Osetii* [Skulls from Ossetian mounds]. *Dnevnik Antropologicheskago Otdiela Imp. Obschestva Liubitelei Estestvoznaniia, Antropologii i Etnografii*, No. 5, Moscow.

1892. *Mongoly-Torgouty* [Mongols-Torguts]. *Prilozhenie k Dnevniku Antropologicheskago Otdiela Imp. Obschestva Liubitelei Estestvoznaniia, Antropologii i Etnografii*, vol. 71, Moscow.

JELISSEJEV, W. *See* ELISEEV, A. V.

JOYCE, T. A.

1912. Notes on the physical anthropology of Chinese Turkestan and the Pamirs. *JAI*, vol. 42, pp. 450-484.

1926. Notes on the physical anthropology of the Pamirs and Amu-Daria Basin. *JRAI*, vol. 56, pp. 105-133.

KALMYKOV, A.

1925. *Iranians and Slavs in South Russia*. *JAOS*, vol. 45, pp. 68-71. New Haven.

KAPPERS, C. U. ARIËNS

1930. Contributions to the anthropology of the Near-East. *PKAW*, I, II, vol. 38, pp. 792-808. Amsterdam.

1931. *Ibid.* III, IV, V, VI, vol. 34, pp. 106-130, 531-541, 1085-1098.

1932. The anthropology of the Near East. *Amer. Univ., Social Science Series*, No. 2, pp. 1-26. Beirut.

1934. The Central Asiatic barrier and the distribution and associated occurrence of cephalic index peaks in Asiatic-European races. *PKAW*, vol. 37, pp. 602-614.

— and PARR, LELAND W.

1934. *An introduction to the anthropology of the Near East in ancient and recent times*. Amsterdam.

KEITH, SIR ARTHUR

1935. Introduction to Arabs of central Iraq, history, ethnology and physical characters. *FMNH, Anthr. Mem.*, vol. 4, pp. 11-77.

— and HERZFELD E.

1938. *Persia as a prehistoric centre. A survey of Persian art*, vol. 1, pp. 42-58. Oxford.

KENDREW, W. G.

1922. *The climate of the continents*. Oxford.

KENNEDY, WALTER P.

1937. Some additions to the fauna of Iraq. *JBNHS*, vol. 39, pp. 745-749.

- KHANIKOFF, NICOLAS DE**
 1866. *Mémoire sur l'ethnographie de la Perse. Mémoires de la Société de Géographie.* Paris.
- KING, LEONARD WILLIAM**
 1918. *Legends of Babylon and Egypt in relation to Hebrew tradition. Schweich Lectures.* London.
- KRISCHNER, HARALD and M.**
 1982. The anthropology of Mesopotamia and Persia. A.: Armenians, Khaldeans, Suriani (or Aissori), and Christian "Arabs" from Irak. B.: Jesidis and (Moslim) Arabs from Irak, with some remarks on Kurds and Jews. PKAW, vol. 85, pp. 205-207. Amsterdam. C.: The Anthropology of Persia. *Ibid.*, pp. 399-410. Amsterdam.
- KROGMAN, WILTON M.**
 1937. Cranial types from Alishar Hüyük and their relations to other racial types, ancient and modern, of Europe and Western Asia in Hans Henning von der Osten, *The Alishar Hüyük, seasons 1930-1932.* OIP, vol. 30, part 8, pp. 218-293.
 1939. Racial types represented at Tepe Hissar, Iran, from the mid-fourth to the mid-second millennium, B.C. (MS).
- LAFONT, F. D., see RABINO (DI BORGOMALE), H. L.**
- LANGDON, STEPHEN**
 1924. *Excavations at Kish. Vol. 1, Paris. See also WATELIN, LOUIS CHARLES*
- LASSEN, CHRISTIAN**
 1866-74. *Indische Alterthumskunde.* 6 vols. Leipzig.
- LAUFER, BERTHOLD**
 1919. *Sino-Iranica.* FMNH, Anthr. Ser., vol. 15, No. 3, pp. 185-630.
 1934. The Noria or Persian wheel. *Oriental studies in honour of Dasturji Saheb Cursetji Erachji Pavry,* pp. 238-250. Oxford.
 1938. The American plant migration. Part 1: The potato. FMNH, Anthr. Ser., vol. 28, No. 1, pp. 1-132.
- LAWRENCE, A. W.**
 1935. *The history of Herodotus of Halicarnassus.* Trans. by G. Rawlinson, revised and annotated by A. W. Lawrence. London.
- LAYARD, SIR AUSTEN HENRY**
 1846. *A description of the province of Khuzistan.* JRGS, vol. 16, pp. 1-105.
 1887. *Early adventures in Persia, Susiana, and Babylonia.* 2 vols. London.
- LE BRUN, CORNELIUS**
 1759. *Travels into Muscovy, Persia, and divers parts of the East-Indies.* London.
- LEBZELTER, VIKTOR**
 1931. Schädel aus Persien. *Naturhistorisches Museum. Annalen,* vol. 45, pp. 137-157. Vienna.
- LERKH, P. A.**
 1866. *Issledovanie ob iranskiakh kurdakh i ikh predkakh sievernykh Khalderikh* [A study of the Iranian Kurds and their ancestors, Northern Chaldeans, vols. 1-3]. St. Petersburg.
- LE STRANGE, G.**
 1912. *Description of the Province of Fars in Persia at the beginning of the fourteenth century A.D. From the MS. of Ibn Al-Balkhi in the British Museum.* Royal Asiatic Society, Monographs, No. XIV. London.
- LONG, G.**
 1888. *On the site of Susa.* JRGS, vol. 3, pp. 257-267.

- LORIMER, D. L. R.**
 1909. Notes on Pusht-I-Kuh.
 1980. A Bakhtiari prose text. *JRAS*, April, pp. 847-864.
- LOVETT, BERKEFORD**
 1883. Itinerary notes of route surveys in northern Persia, in 1881 and 1882. *PRGS*, vol. 5, pp. 57-84.
- MACHAULT, JACQUES DE (Compiler)**
 1923-25. History of the Mission of the Fathers of the Society of Jesus, established in Persia by the Reverend Father Alexander de Rhodes. Trans. by Sir Arnold Wilson. *Bull. School of Oriental Studies*, vol. 3, pp. 675-706. London.
- MACMUNN, SIR GEORGE**
 1929. Baluchistan. *EB*, 14th ed., vol. 3, pp. 5-8. New York.
- MALCOLM, SIR JOHN**
 1815. History of Persia. London.
- MARTIN, RUDOLF**
 1928. Lehrbuch der Anthropologie. 3 vols. Jena.
- MASSE, HENRI**
 1927. Notes d'éthnographie persane. *Revue d'Éthnographie et des Traditions Populaires*, pp. 24-38. Paris.
- MASSON, PIERRE V.**
 Travels in Belouchistan and Afghanistan. Vol. 1.
- MCINERNEY, A. J.**
 1937a. Deserts: their economic place in nature. *The Mining Journal*, February 20, pp. 135-136. London.
 1937b. The new world in relation to arid regions. London.
 1938. Through the great arid filter (Man's drift to Europe). London.
- MEIGS, JAMES AITKEN**
 1857. Catalogue of human crania in the collection of the Academy of Natural Sciences of Philadelphia.
- MENSE, CARL**
 1924. Handbuch der Tropenkrankheiten. 3rd ed. Leipzig.
- MERRILL, E. D.**
 1931. The phytogeography of cultivated plants in relation to assumed Pre-Columbian Eurasian-American contacts. *AA*, vol. 33, pp. 375-382.
 1933. Crops and civilizations. *Bulletin of Torrey Botanical Club*, vol. 60, pp. 323-329.
 1936. Plants and civilizations. *SM*, vol. 43, pp. 430-439.
- MEUNISSIER, A.**
 1926. Etudes sur l'origine des plantes cultivées. *Revue de Botanique Appliquée et d'Agriculture Coloniale*, vol. 6, Nos. 60, 61, pp. 1-16.
- MIGLIORINI, E.**
 1938. La Nuova Persia. *Viaggi e Scritti Recenti*. *BRSGL*, ser. VII, vol. 3, Nos. 5-6, pp. 427-457.
- MILES, G. C.**
 1938. The numismatic history of Rayy. *American Numismatic Society, Numismatic Studies*, No. 2. New York.
- MILES, S. B.**
 1919. The countries and tribes of the Persian Gulf. 2 vols. London.

MELLER, A. AUSTIN

1981. *Climatology*. London.

MINORSKY, V. F.

1984. Urmiya, a district and town in the Persian province of Adharbaidjan. *Encyclopaedia of Islam*, vol. 4, pp. 1032-88. London.

1986. Lur (in Persian *Lor* with *o* short), an Iranian people living in the mountains in S. W. Persia. *Encyclopaedia of Islam*, vol. 8, pp. 41-46. London.

MODI, JIVANJI JAMSHEDJI

1912. The Persian origin of the Kurds and Tajiks. *JASB*, vol. 9, No. 8, pp. 499-499.

1916. A note on the antiquity of man: An Iranian view of the creation of man. *JASB*, vol. 10, No. 7, pp. 577-592.

1919. The physical character of the Arabs: their relations with ancient Persians. *JASB*, vol. 11, No. 7, pp. 724-768.

1922. Leprosy, an old Iranian view of it: The legend suggesting cow-urine as its supposed preventative. *JASB*, vol. 12, No. 2, pp. 225-246.

MORANT, G. M.

1986. A contribution to the physical anthropology of the Swat and Hunza valleys based on records collected by Sir Aurel Stein. *JRAI*, vol. 66, pp. 19-42.

MORGAN, JACQUES DE

1892. Rapport de M. J. de Morgan sur sa mission en Perse et dans le Louristan. *Journal Asiatique*, ser. 8, vol. 19, pp. 189-200. Paris.

1905. *Mission scientifique en Perse*. Vol. 3, pt. 1: Géologie stratigraphique. Paris.

1907. Le plateau iranien pendant l'époque pléistocène. *Revue de l'Ecole d'Anthropologie de Paris*, vol. 17, pp. 213-216. Paris.

1928. Réflexions au sujet de l'histoire, de la protohistoire et de la préhistoire. *Revue d'Ethnographie et des Traditions Populaires*, pp. 821-854. Paris.

1925-27. *La préhistoire orientale*. 3 vols. Published posthumously by Louis Germain. Paris.

MORIER, J.

1897. *The adventures of Hajji Baba of Ispahan*. Ed. by C. J. Wills, M.D. Introduction by Sir Frederic Goldsmid. London.

MOUNSEY, A. H.

1872. *A journey through the Caucasus and the interior of Persia*. London.

NAPIER, G. S. F.

1919. *The road from Baghdad to Baku*. *GJ*, vol. 58, pp. 1-19.

NASONOV, N. V.

1890. *Tablitsa izmiereniĭ Kurdov* [A table giving the measurements of Kurds]. *Dnevnik Antropologicheskago Otdiela, Imp. Obshchestva Liubitelei Estestvoznaniia, Antropologii i Etnografii*, vol. 68. *Trudy Antropologicheskago Otdiela*, vol. 12, col. 400-402. Moscow.

NEW YORK PUBLIC LIBRARY

1915. *List of works in the New York Public Library relating to Persia*. New York.

NIKITINE, BASILE

1934. *Essai d'une enquête ethnographique en Perse*. *L'Ethnographie*, new ser., Nos. 28-29, pp. 73-80. Paris.

NOTT, JOSIAH C., and GLIDDON, GEORGE R.

1854. *Types of mankind*. Philadelphia.

OLIVER, EDWARD E.

1890. *Across the border of Pathan and Biloch*. London.

OMALIUS D'HALLOY, J. B. J.

1845. *Des races humaines, ou éléments d'ethnographie*. Brussels. [5th ed. 1869.]

PANTIUKHOV, I. I.

1898a. *Antropologicheskiia nabludenīa na Kavkaze* [Anthropological observations in the Caucasus]. *Zapiski Kavkazakago Otdiela, Imp. Russkogo Geograficheskogo Obshchestva*, vol. 15. Tiflis.

1898b. *Kurdy i Karakalpaki. Etnograficheskiia zamietki* [Kurds and Karakalpaks. Ethnographical Notes]. Pamphlet.

PARR, LEBLAND W.

1931. Blood studies on peoples of Western Asia and North Africa. *AJPA*, vol. 16, pp. 15-29.

1934. See KAPPERS, C. U. ARIËNS

PARRY, R. ST. P.

1930. The navy in the Persian Gulf. *Journal Royal United Service Institution*, pp. 1-18.

PARTINGTON, J. R.

1935. *Origins and development of applied chemistry*. London.

PATI, JAINATH

1930. The Kaikeya, an Iranian tribe. *Journal Cama Oriental Institute*, No. 16, pp. 84-89. Bombay.

PEARSON, KARL

1930. *Tables for statisticians and biometricians*. London.

PENNIMAN, T. K.

1930. A note on the inhabitants of Kish before the Great Flood, in Watelin, Louis Charles, and Langdon, Stephen, *Excavations at Kish*, vol. 4, pp. 65-72, 1934. Paris.

PERTY, MAXIMILIAN

1859. *Grundzüge der Ethnographie*. Leipsig.

PHILLOTT, D. C.

1914. *Colloquial English-Persian dictionary in the Roman character*. Calcutta.

PILL, S. V. P.

1935. Bird life in Southern Iran. *The Naft Magazine*, vol. 11, No. 11, pp. 14-16. Anglo-Iranian Oil Co. London.

PITTARD, EUGÈNE

1939. *Silex taillés levalloisiens recueillis dans les alluvions des plateaux d'Anatolie*. *RA*, vol. 49, pp. 69-78.

POISSON, G.

1937. *Les relations préhistoriques entre l'Inde et le bassin de la Méditerranée*. *RA*, vol. 47, pp. 29-45. Paris.

POPE, ARTHUR UPHAM (Editor)

1933. *Persia*. *New Orient Society of America*, 2nd ser., No. 1. Open Court, vol. 47, No. 920. Chicago.

1938. *A survey of Persian art from prehistoric times to the present*. Vol. 1. Oxford.

PORTER, ROBERT KER

1821-22. *Travels in Georgia, Persia, Armenia, ancient Babylonia, during the years 1817, 1818, 1819, and 1820*. 2 vols. London.

PRICE, MORGAN PHILIPS

1918. A journey through Azerbaijan and Persian Khurdistan. Lectures to the Persian Society, pp. 6-26. London.

1914. A journey through Turkish Armenia and Persian Khurdistan. Journal Manchester Geographical Society, vol. 30, pp. 46-67.

PRICHARD, JAMES COWLES

1848. The natural history of man. London.

PRUNER-BEY, F.

1865. Résultats de crâniométrie. Mémoires de la Société d'Anthropologie de Paris, ser. 1, vol. 2, pp. 447-452. Paris.

PUMPELLY, RAFAEL

1905. Explorations in Turkestan with an account of the basin of eastern Persia and Sistan. Carnegie Institution, Washington.

RABINO (DI BORGOMALE), H. L.

1907. Gazetteer of Kermanshah. Simla.

1916. Les Tribus du Louristan. Collection de la Revue du Monde Musulman. Paris.

— and **LAFONT, F. D.**

1914. (a) Culture de la canne à sucre en Mazanderan (Perse); (b) Culture de la Gourde à Ghalian et Gullan et en Mazanderan (Perse). Revue du Monde Musulman, vol. 28, pp. 1-5, 6-12. Paris.

RAWLINSON, GEORGE

1880. The five great monarchies of the ancient eastern world. 4th ed. 3 vols. New York.

RAWLINSON, H. C.

1840. Notes on a journey from Tabriz through Persian Kurdistan, to the ruins of Takhti-Soleiman, and from thence by Zenjan and Tarom, to Gilan, in October and November, 1838 with a memoir on the site of the Atropatenian Ecbatana. JRGS, vol. 10, pp. 1-158.

1857. Notes on the ancient geography of Mohamrah and the vicinity. JRGS, vol. 27, pp. 185-190.

READ, BERNARD E.

1929. Contributions to natural history from the cultural contacts of East and West. Peking Society of Natural History, Bulletin, vol. 4, pt. 1, pp. 57-76.

RETZIUS, ANDERS

1858. Coup d'oeil sur l'état actuel de l'ethnographie, basée sur la boîte osseuse crânienne. Müller's Archiv für Anatomie und Physiologie. Leipzig.

RICE, D. TALBOT, see BUXTON, L. H. DUDLEY

RICH, C. J.

1886. Narrative of a residence in Koordistan... and an account of a visit to Shirauz and Persepolis. 2 vols. London.

RICHARDSON, JOHN

1806. A dictionary, Persian, Arabic and English; with a dissertation on the languages, literature, and manners of eastern nations. 2 vols. London.

RIPLEY, WILLIAM Z.

1899a. The races of Europe. London.

1899b. A selected bibliography of the anthropology and ethnology of Europe. New York.

ROGERS, R. W.

1929. A history of ancient Persia. New York.

- ROSS, E. C.
1888. Notes on the River Mand, or Kara-Aghatch (the Sitakos of the ancients) in southern Persia. PRGS, vol. 5, pp. 712-716.
- ROSS, SIR E. DENISON
1921. The study of the Persian language. The Persia Magazine, vol. 1, pp. 67-76. London.
1931. The Persians. Oxford.
- RYDER, C. H. D.
1925. The demarcation of the Turco-Persian boundary in 1913-1914. JRGS, vol. 66, pp. 227-242. London.
- SACKVILLE-WEST, V.
1928. Twelve days: An account of a journey across the Bakhtiari Mountains in South-western Persia. London.
- SADIQ, ISSA
1931. Modern Persia and her educational system. Columbia University, New York.
- SANJANA, DARAB DASTUR PESHOTAN
1888. Next-of-kin marriages in old Iran. London.
- SAWYER, H. A.
1891. Report of a reconnaissance in the Bakhtiari country, south-west Persia. Simla.
- SAYCE, A. H.
1925. The races of the Old Testament. London.
- SCHLEGEL, W.
1835. On the origin of the Hindus. Trans. Roy. Soc. Litt., vol. 2, pt. 2. London.
- SCHLIMMER, J. L.
1874. Terminologie medico-pharmaceutique et anthropologique française-persane. Tehran.
- SCHMIDT, KARL P.
1930. Reptiles of Marshall Field North Arabian Desert Expeditions, 1927-1928. FMNH, Zool. Ser., vol. 17, pp. 228-230.
- SCOTT, P.
1938. A wild goose chase to the Caspian Sea. The Naft Magazine, vol. 14, No. 10, pp. 7-14. Anglo-Iranian Oil Co. London.
- SELBY, W. B.
1844. Account of the ascent of the Karun and Dizful Rivers and the Ab-i-Gargar Canal, to Shuster. JRGS, vol. 14, pp. 219-246.
- SELIGMAN, CHARLES GABRIEL
1917. The physical characters of the Arabs. JRAI, vol. 47, pp. 214-237. London.
- SELTZER, CARL C.
1936. The racial characteristics of Syrians and Armenians. Papers of the Peabody Museum of American Archaeology and Ethnology, Harvard University, vol. 13, No. 3. Cambridge.
- SERGI, G.
1901. The Mediterranean race: a study of the origins of European peoples. English edition, 1915. New York.
- SHADMAN, S. F.
1937. Education in Iran. AR, new ser., vol. 33, pp. 165-173.

- SHANKLIN, W. M.
 1934. The anthropology of Transjordan Arabs. *Psychiatrische en Neurologische Bladen*, Nos. 3-4, pp. 1-12. Amsterdam.
 1935. The anthropology of the Rwala Bedouins. *JRAI*, vol. 65, pp. 375-390. London.
 1936. Anthropology of the Akeydat and the Mausaly Bedouin. *AJPA*, vol. 21, pp. 217-252. Philadelphia.
- SHERLEY, ANTONY
 1599. *Opmerkelyke Reystogten van den Heer Antony Sherley, gedaan in den Jare 1599 na Persien*. Ed. published by Pieter van der Aa, 1706. Leyden.
- SHOBERL, FREDERICK
 1828. *Persia*. Philadelphia.
- SIMMONDS, S.
 1935. Economic conditions in Iran (Persia), July, 1935. Department of Overseas Trade, No. 622. London.
- SKRINE, C. P.
 1931. The highlands of Persian Baluchistan. *GJ*, vol. 78, pp. 821-840.
- SMITH, SIR G. ELLIOT
 1928. *The ancient Egyptians*. London.
 1929. *Human history*. New York.
- SMITHSONIAN MISCELLANEOUS COLLECTION
 1936. *World weather records*. Vol. 79. Washington.
- SPEISER, E. A.
 1938. *Ethnic movements in the Near East in the second millennium B.C.* American Schools of Oriental Research, Offprint Ser., No. 1. Baltimore.
- SPIEGEL, FRIEDRICH VON
 1868. *Eran, das Land zwischen Indus und Tigris*. Berlin.
- SPRENGLING, MARTIN J.
 1937. A new Pahlavi inscription. *AJSL*, vol. 53, pp. 126-144.
- STAMP, L. DUDLEY
 1929. *Asia*. London.
- STARK, FREYA
 1933. *The Pusht-i-Kuh*. *GJ*, vol. 82, pp. 247-259. London.
- STEIN, SIR AUREL
 1912. See JOYCE, T. A.
 1935. An archaeological tour in the ancient Persia. *GJ*, vol. 86, pp. 489-497.
 1936. See MORANT, G. M.
 1937. *Archaeological reconnaissances in north-western India and south-eastern Iran*. London.
 1938a. An archaeological journey in western Iran. *GJ*, vol. 92, pp. 313-342.
 1938b. Early relations between India and Iran. *The Asiatic Review*, vol. 34, pp. 88-64. London.
 1939. A preliminary report on the early culture in southeast Persia. *A survey of Persian art*, vol. 1, pp. 168-170. Oxford.
- STEWART, C. E.
 1886. *The Herat Valley and the Persian border, from the Harirud to Sistan*. *PRGS*, vol. 8, pp. 137-156.
- STRANGE, G. LE
 1912. *Description of the province of Fars in Persia*. *Asiatic Society Monograph*, No. 14. London.

STUBBS-WIENER, BRUTON

1933. Persian brick and the architecture. *ArA*, vol. 34, pp. 99-102.

SULLIVAN, L. R.

1932. Essentials of anthropometry. American Museum of Natural History. New York.

SYKES, ELLA C.

1910. Persia and its people. London.

SYKES, P. M.

1897. Recent journeys in Persia. *GJ*, vol. 10, pp. 568-597.

1902a. See HOGARTH, D. G.

1902b. Ten thousand miles in Persia. London.

1902c. Anthropological notes on southern Persia. *JAI*, vol. 32, pp. 339-352. London.

1906a. The gypsies of Persia. *JAI*, vol. 36, pp. 302-311.

1906b. The Parsis of Persia. *JSA*, vol. 54, pp. 754-767.

1921. A history of Persia. 2nd ed. 2 vols. London.

1984. A history of exploration. New York.

TALBOT RICE, D., see RICE, D. TALBOT**TALLGREN, A. M.**

1937. The South Siberian cemetery of Oglakty from the Han period. *ESA*, vol. 11, pp. 69-90.

TATE, G. P.

1910-12. Seistan, a memoir on the history, topography, ruins and peoples of the country. 2 vols. Calcutta.

TAVERNIER, J. B.

1678. The six voyages of John Baptista Tavernier—through Turkey into Persia and the East Indies. Made into English by J. P. London.

TAYLOR, GRIFFITH

1930. Racial migration-zones and their significance. *HB*, vol. 2, No. 1, pp. 34-62.

1936. Environment and nation. Chicago.

THOMSON, ARTHUR and BUXTON, L. H. DUDLEY

1928. Man's nasal index in relation to certain climatic conditions. *JRAI*, vol. 58, pp. 92-122.

THOMSON, W. T. and AINSWORTH, W.

1838. An account of the ascent of Mount Demavend near Tehran in Sept., 1837. *JRGS*, vol. 8, pp. 109-114.

THUREAU-DANGIN, FRANÇOIS

1912. Une relation de la huitième campagne de Sargon (714 av. J.-C.). Paris.

TIMUR-MIRZA QAJAR

1890. Baz-Nama-i-Nasiri. Bombay.

TROTTER, MILDRED

1936. The hair of the Arabs of central Iraq. *AJPA*, vol. 21, pp. 423-428.

UJFALVY DE MEZŐ-KÖVESD, KÁROLY JENŐ

1896. Les Aryens au nord et au sud de l'Hindou-Kouch. Paris.

UVAROV, B. P.

1938. Orthoptera from Iraq and Iran. *FMNH, Zool. Ser.*, vol. 20, No. 88, August 30, pp. 439-451.

- VALLE, PIETRO DELLA**
 1650. *Voyages*. 2 vols. Paris, French trans., 1663. *Viaggi*, 1650, Rome.
- VALLOIS, H. V.**
 1935. Notes sur les têtes osseuses in G. Contenau, *Fouilles du Tepe Giyan*. Musée du Louvre, *Série Archéologique*, vol. 3, pp. 119-184. Paris.
- VAUGHAN, H. B.**
 1898. A journey through Persia. RGS, *Supplementary Papers*, vol. 8, pp. 89-115.
 1896. Journeys in Persia (1890-91). GJ, vol. 7, pp. 24-41, 163-175.
- VAVLOV, N. I.**
 1932a. Der jetzige Zustand des Problems der Entstehung der Kulturpflanzen. *Biologia Generalis*, vol. 8, pt. 1, pp. 351-368. Vienna.
 1932b. The process of evolution in cultivated plants. *Proc. Sixth Int. Cong. of Genetics*, vol. 1, pp. 331-342. Washington.
- and **BUKINICH, D. D.**
 1929. *Agricultural Afghanistan*. Leningrad. [In Russian.]
- WARREN, M. ROGERS**
 1938. The early cultures of Dāmghān (Tepe Hisār). A survey of Persian art, vol. 1, pp. 151-162. Oxford.
- WATELIN, LOUIS CHARLES, and LANGDON, STEPHEN HERBERT**
 1934. *Excavations at Kish, 1925-30*. Vol. 4. Paris.
- WEISBACH, A.**
 1877. *Körpermessungen verschiedener Menschenrassen*. "Ergänzungsband." ZFE. Berlin.
- WEISSENBERG, S.**
 1907. Beitrag zur Anthropologie der Juden. ZFE, vol. 39, pp. 961-964. Berlin.
 1909. Die jemenitischen Juden. ZFE, vol. 41, pp. 309-327. Berlin.
 1911. Die mesopotamischen Juden in anthropologischer Beziehung. AFA, vol. 10, pp. 283-289.
- WELLS, H. L.**
 1883. Surveying tours in southern Persia. PRGS, vol. 5, pp. 188-163.
 1886. From Teheran towards the Caspian. GJ, vol. 8, pp. 501-518.
- WESTERGAARD, N. L.**
 1846. Extract from a letter. . . relative to the Gabrs in Persia, written to the Rev. Dr. Wilson in 1843. JRAS, vol. 8, pp. 349-354. London.
- WILLIAMSON, J. W.**
 1930. In a Persian oil field. London.
- WILSON, SIR ARNOLD T.**
Gazetteer of the Persian Gulf. 6 vols. London.
 1912. Luristan. Simla.
 1923-25. See MACHAULT, JACQUES DE
 1926. The Bakhtiari. JCAS, vol. 13, pp. 205-255.
 1929. National and racial characteristics of the Persian nation. AR, April, pp. 1-14.
 1930a. A bibliography of Persia. Oxford.
 1930b. Earthquakes in Persia. *Bulletin of the School of Oriental Studies*. Vol. 6, pt. 1, pp. 103-131. London.
 1930c. The road to Isfahan. Reprint from AR, January and April. London.
 1932. Persia. London.

- WOOD, CASEY A.**
 1981. An introduction to the literature of vertebrate zoology. Oxford.
- WOOD, JOHN A.**
 1872. A journey to the source of the River Oxus. New ed., ed. by his son (Alexander Wood). With an essay on the geography of the valley of the Oxus, by Colonel Henry Yule. London.
- WORRELL, WILLIAM H.**
 1927. A study of races in the ancient Near East. New York.
- WULSIN, FREDERICK R.**
 1982. Excavations at Tureng Tepe near Asterabad. Supplement to the Bulletin of the American Institute of Persian (now Iranian) Art and Archeology.
 1988. The early cultures of Astarabad (Turang Tepe). A survey of Persian art, pp. 168-187. Oxford.
- YAKUT IBN ABD ALLAH, AL-HAMAWI**
 1861. Dictionnaire géographique historique et littéraire de la Perse et des contrées adjacentes, extrait du Modjem el-Bouldan de Yaqout, et complété à l'aide de documents arabes et persans. Paris.
- YATE, A. C.**
 1918. Travel memories. The Scottish Geographical Magazine, vol. 84, pp. 105-118.
- YATE, C. E.**
 1900. Khurasan and Sistan. London.
- ZABOROWSKI, M.**
 1901. Crânes anciens et modernes de la Russie méridionale et du Caucase. Bulletin et Mémoires de la Société d'Anthropologie de Paris, ser. 5, vol. 11, pp. 640-666.

فهرست اعلام و مطالب

- آبادان آب و هوا، ۲۲۱، جمعیت، ۱۷۶ | ۱۷۷، ۲۰۶
- آبادیه، ۲۴۹، ۲۵۲، ۶۳ فرد اندازه گیری شده، شاخص سر، ۲۱۱، طبقه بندی (مردان)، ۴۳۵، مقایسه با روستائیان بزدخواست، ۴۳۵
- آبادیه شهرستان، ۳۰۲
- آبادیه تشکی، ۲۶۶
- آب گنجان، اطلاعاتی در باره اندازه گیری بدن انسان، ۵۳۱، ۵۲۵ - ۵۳۳، ۵۳۲
- آب و هوا، تغییرات در ایران، ۱۹، ۲۸، ۶۹۱ - ۶۹۳، در شمال عربستان یا صحرای سوریه، ۳۱۹، شکل بینی در رابطه با، ۶۸۷ - ۶۸۸
- آتش مقدس، ۲۹، ۱۰۷
- آجرلو، ۲۶۴
- آذربایجان، اطلاعاتی در باره اندازه گیری بدن انسان، ۶۱۱، آریانم - وائجو، ۱۵۶، امراض در، ۱۹۵، طوایف و قبایل، ۴۹ - ۵۰، ۹۳ - ۹۴، ۹۷، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۴۳
- آذربایجانها، ۷۳، ۱۶۲، عرض چانه یا فك، ۱۲۵، عرض استخوان گونه، ۱۲۴، شاخصهای سر، ۱۲۱ - ۱۲۲، ۱۲۹، ۱۶۴، مو، ۱۱۵ - ۱۱۶، لبها، ۱۱۷، حداقل قطر پیشانی، ۱۲۳، خصوصیات شکل شناسی، ۱۱۶ - ۱۱۷، ۱۲۰، عضلات، ۱۲۰، قد، ۱۱۸ - ۱۲۰، ۶۱۹، دندانها، ۱۱۷، کوچ به قفقاز، ۱۶۸
- آذربایجان تاتارها، ۱۱۲، ۱۳۵، ۱۴
- آذربایجان (شوروی)، اطلاعاتی درباره اندازه گیری بدن انسان، ۶۳۳ به بعد
- آزادات، نگاه کنید به اورارتو
- آرامائی شعبه، ۵۲
- آرامی، در اسران، ۵۶
- آرخوری (تاتار)، اطلاعاتی در باره اندازه گیری بدن انسان از ۶۱۹ به بعد
- آراکوسیان، ۱۵۶، ۱۸۲
- آرالیک (تاتار)، اطلاعاتی درباره اندازه گیری بدن انسان از ۶۱۹ به بعد

۸۳۸ - مردم شناسی ایران

آسوریهها ، گروه نژادی ، ۱۶۸	آرن ، ت.ج. ۵۰ ، ۳۰۵ ، ۳۱۵
آسوریهها (اناطولی) ، عرض دو گونه ،	آربالی گروه ، ۵۲
۱۶۵۸ شاخص های سر ، ۱۶۳۵	آریایی زبان اقوام بادیه نشین ۱۷۰ -
شکل سر ، ۱۶۵۰ ، اندازه های	۱۷۱ ، ۱۷۶
سر ، ۶۳۲ ، ۱۶۳۸ ، اندازه های	آریالو ، ۱۰۳
بینی و شاخصها ، ۶۷۷ ، ۶۷۹	آریان اقوام ، در آسیای غربی ، ۱۳۹ ، ۵۰
۱۶۸۲ ، قد ، ۱۶۱۸ ، قبایل ، ۵۹	آریانها ، قبایل باستانی ، ۱۵۶ - ۱۵۷ ،
آسوریهها (از قبیله جاور) ، اندازهها و	در تخت جمشید ، خصوصیات
شاخصها ، ۵۳۴ - ۵۳۶	جسمانی ، ۱۸۸۹ ، تماس با تورانیان
آسوریهها (از قبیله مهبوانا) ، اندازهها و	۱۷۰ - ۱۷۱ ، در ایران ، ۷۳ ،
شاخصها ، ۵۳۳ - ۵۳۶	۱۱۲ ، ۹۸ ، مهاجرتها ،
آسوریهها (عراق) ، اطلاعاتی در باره	۱۵۷ - ۱۵۵ ، ۱۷۹ - ۱۸۱ ،
اندازه گیری بدن انسان ،	موطن اصلی ، ۱۵۳ - ۱۵۵ ،
۵۳۵ - ۵۳۶	۱۸۰
آسوریهها (قفقاز) ، شاخص سر ، ۱۲۸ ،	آریان و سیاه (آریایی و سیاه پوست) ،
خصوصیات جسمانی ، ۳۱۶	۷۳ ، ۷۹ - ۸۶
آشاقباش ، ۱۴۶	آریان و مغول ، ۷۳ ، ۷۴ - ۷۶
آشوریهها (باستان) ، در ارتباط با ایرانیان ،	آریانها ، ۱۸۱
۱۸۲	آریانام خشاترام ، ۱۸۱
آشتورلو ، از قبیله بهارلو ۲۵۷ ، از	آریانم و آلجو ، ۱۵۳ ، ۱۵۵ ، ۱۵۶
درشوری ، ۲۶۲	آزاد بخش ، ۲۱۵
آغا جاری ، ۲۳۱	آزاد ماهی ، ۱۹۳
آغا محمد خان قاجار ، ترتیب قبایل	آسیایی ، حبشی های ، ۱۲۹ ، ۱۳۲ ،
بو. یله ، ۱۳۳ ، ۱۹۹ ، ۲۰۱ ،	۱۵۱ ، ۱۸۵
۲۰۵ ، انتخاب طهران به عنوان	آسیایی جمجمه در تپه حصار ، ۳۰۶ -
پایتخت بوسیله ، ۱۹۶	۳۰۷
آقا ، ۳۰۰	آسیای صغیر ، انواع نژادی ، ۱۳۷ -
آقائی ، ۲۶۶	۱۳۹
آقا مدادی ، ۲۸۰	آسور ، و عیلام ، ۲۹ - ۳۰ ، ۱۴۹ - ۱۵۰
آق ترکمن ، ۲۹۸	جمجمه از ، ۳۲۴ ، ۵۵ ، اندازهها ،
آکادی ، ۸۷	۵۵ ، ۶۲ - ۶۳
آل ابو عباد ، ۲۳۲	آسوری و کلدانی ، ۱۱۴
آل بچی ، ۲۳۳	آسوری نوع نژادی ، ۱۶۸
آل بو اذهر ، ۲۳۶	
آل بو بدر ، ۲۲۸	

فهرست اعلام و مطالب - ۸۴۹

- | | |
|---------------------------------------|----------------------------------|
| آل بو عبیدنی، ۲۲۷ | آل بو بیری، ۲۲۷ |
| آل بو عبید، از بنی صالح، ۲۳۶، از بنی | آل بو بلید، ۲۲۷ |
| طرف، ۲۳۷، از دریس یا عساکره، ۲۲۸ | آل بو بنیدر، ۲۲۸ |
| آل بو عفری، ۲۳۷ | آل بودالی، ۲۲۸ |
| آل بو عشیره، ۲۲۸ | آل بودوارج، ۲۲۹ |
| آل بو علوان، ۲۲۹ | آل بودهاله، ۲۲۸ |
| آل بو علی، ۲۲۸ | آل بو جبار، ۲۲۸ |
| آل بو عید، ۲۳۴ | آل بو جلال، ۲۳۷ |
| آل بو عیسی، ۲۲۵ | آل بو چلده، ۲۳۷ |
| آل بو غنام، از قبیلۀ خنافره، ۲۲۸ | آل بو حاجی، ۲۲۹ |
| آل بو غنام، از قبیلۀ محیسین، ۲۳۵ | آل بو حردان، از بنی طرف، ۲۳۸، از |
| آل بو غنیمه، ۲۳۶ | چپ، ۲۲۸ |
| آل بو فرحان، ۲۳۵ | آل بو حریر، ۲۳۷ |
| آل بو فضل، ۲۳۸ | آل بو حسین، ۲۲۷ |
| آل بو فندی، ۲۳۸ | آل بو حمادی، ۲۲۸ |
| آل بو قره، ۲۳۶ | آل بو حمدان، ۲۳۲ |
| آل بو کریم، ۲۲۸ | آل بو حمدی، ۲۲۸ |
| آل بو لطیف، ۲۳۴ | آل بو حمود، ۲۲۸، ۲۲۹ |
| آل بو محمد، ۵۰۷، قد، ۶۲۲ | آل بو خالد، ۲۲۹ |
| آل بو محیسین، ۲۲۹ | آل بو خطیر، ۲۳۵ |
| آل بو مسید، ۲۲۸ | آل بو خزایر، ۲۲۸ |
| آل بو مصبی، ۲۲۷ | آل بو خنفر، ۲۲۸ |
| آل بو معاریف، ۲۳۵ | آل بو رومی، ۲۲۷ |
| آل بو ممود، ۲۲۸ | آل بو زمیر، ۲۲۸ |
| آل بو معیری، ۲۲۸ | آل بو سوبیه، ۲۲۸ |
| آل بو مغنیم، ۲۳۷ | آل بو سوت، ۲۳۶ |
| آل بو ناحی، ۲۳۸ | آل بو سویدی، ۲۳۵ |
| آل بو نسا، ۲۲۸ | آل بو شرهان، ۲۲۸ |
| آل بو نعیم، ۲۲۸ | آل بو شمال، ۲۲۸ |
| آل بو ویس، از بنی لام، ۲۳۴، از سلامت، | آل بو شلاقه، ۲۲۸ |
| ۲۳۶ | آل بو صوف، ۲۲۸ |
| آل ثبتی، ۲۳۶ | آل بو طاهه، ۲۲۸ |
| آل حسین پاشا، ۲۳۵ | آل بو طریچی، ۲۲۸ |
| آل حمزه، ۲۳۲ | آل بو عبادی، ۲۲۸ |

- مردم شناسی ایران -

- آل حمید ، ۲۳۳
 آل حیه ، ۲۳۲
 آل دو حیمی ، ۲۳۳
 آل دورسد (دورست) ، ۲۳۳ ، ۲۳۴
 آل سعدون ، ۲۳۸
 آل سووعد ، قداز ، ۶۲۲
 آل سنوات (آل سنوات) ، ۲۳۳ ، ۲۳۴
 آل صغر ، ۲۳۶
 آل طرقي ، ۲۳۴
 آل عبدالله ، ۲۳۴
 آل عتب ، ۲۳۵
 آل عیسویه (عیسویها) ، ۳۵۲
 آل غره ، ۲۳۷
 آل غوا بیش ، ۲۳۷
 آل قوطاقنه ، ۲۳۵
 آل هواس ، ۲۳۷
 آلپ وابسته به جمجمه در تپه حصار ، ۳۰۷
 آلپی نوع ، اطلاعاتی در باره اندازه
 گیری جمجمه ، ۳۱۱ ، کناره ،
 ۴۷۱ ، در تپه حصار ، ۳۱۳ ، در
 یزدخواست ، ۴۳۸
 آلپ نما نوع ، در میان گروه های ایرانی ،
 ۶۰۸-۶۰۷
 آلپ نما نوع ، در بین ده نشینان یزد
 ۴۳۹
 آلپی اولیه ، ۱۸۶ ، ۶۰۹
 آلپی ، بشر ، ۱۶۲ ، ۱۸۷
 آلپی نژاد ، در میان بانارهای آذربایجان ،
 ۱۴۰
 آتش درختان ، ۱۹
 آلیانس اسرائیلی ، ۳
 آمادا = مادها ، ۱۶۵
 آمادائی = مادها ، ۱۸۲
 آماری بررسی ، سیستم هاروارد ، ۳۴۷
- سیستم کیت ، ۳۴۷
 آموزشگاه امریکائی مطالعات هند و
 ایران ، ۳۳۵
 آناو ، اطلاعاتی در باره اندازه گیری
 جمجمه ، ۳۱۰
 آواره ، ۲۳۲
 آهن ، در تورنک تپه ، ۳۲۵
 آهنگر ، از دره شوری ، ۱۲۶۲ ، از شش
 بلوئی ، ۲۶۳
 آهو ، ۲۷
 آیریکا ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری
 بدن انسان از ، ۶۴۷
 آیماک ، نگاه کنید به چهار آیماک
 آینه لو (عین لو- آئین لو) ، ۱۰۳ ، ۱۴۶ ،
 ۲۵۴ ، اصل ، ۲۵۵
 ابازک ، شاخص سر ، ۶۴۶
 ابتهاج ، غ.ح. ، ۱۴۰۳ ، ۳۴-۱۹۷ ، ۳۰۱
 ابراهیم خانی ، ۲۵۷
 ابراهیم خانیها ، ۳۰۰
 ابری - مکی ، ۶۷-۶۸
 ابریشم ، ۱۷۵ ، ۱۹۳
 ابوالغنی ، ۲۶۴
 ابوالقاسم لو ، ۲۵۷
 ابوالوردی ، ۱۰۳ ، ۲۶۷
 ابودا ، ۲۳۶
 ابو حسینی ، ۲۵۵
 ابولسلیمان لو ، ۲۶۲
 ابولعد ، ۲۲۸
 ابولکرتو ، ۲۶۲
 اپتلو ، ۱۰۳
 اترک دره ، کردها ، در ، ۱۱۴۷ ، ترکمنها
 ۹۱

فهرست اعلام و مطالب - ۸۳۹

- اتروسکالی (اتروریا)، ۸۷، اندازه‌های
سر، ۵۳
اتکبصانلو، ۲۰۵
اتکی، ۶۴۳
اتلیت، محل‌های عصر حجر، ۶۹۶،
۶۹۷
اتینگهان، ریچارد، ۷، ۴۵۶
آدموندز، ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۱۵
آدویه منتقل از ایران به چین، ۱۶۰-
۱۶۱
آدهب، ۲۳۴
آدیاناور، اطلاعاتی در باره اندازه
گیری بدن انسان، ۳۱۱
آدیقه، ۴۱۶
آذاجا، ۲۸۰
آرانوج، ۱۸۰
آرانیان شمال غرب، از بین نوع موبور،
۱۳۰-۱۳۱، اهالی بومی باختر
وماوراءالنهر و سندیانا و فرغانه،
۱۳۰-۱۳۱
آرانیان فلات ایران = آرانیان، ۱۳۰
۱۳۱
آرکرت، فن، ۱۲۸، ۴۲۰، ۶۳۳ به بعد
آرپلو، ۲۸۰
آراک (سلطان آباد سابق) شهرستان،
۳۰۲
آرکیان (آردکیان)، ۱۰۳، ۲۶۴
آراکوسیا، ۱۸۱، ۷۱
آراگوا رودخانه، یهودیها در امتداد
۴۱۸
آربابی، ۲۹۰
آرخلو، ۲۰۵
آردبیز، ۲۵۶، ۲۵۹
آردبیل شهرستان، ۳۰۲
آردبیل، آرامنه در، ۹۷، شاسونها در،
۹۱
آردژونیکیدزه (ولادیمیراز)، اطلاعاتی
در باره اندازه گیری بدن انسان،
۷۰۸، ۶۱
آرستان، جمعیت، ۲۰۶
آردهشیری، ۱۰۴، ۲۶۷
آردلان، ۹۴، ۱۸۲، نیز نگاه کنید به
کردستان (ایران)
آرزن، ۲۰، ۱۹۲، ۲۰۱
آرزن‌تگین، اطلاعاتی درباره اندازه گیری
بدن انسان، ۶۱۹ به بعد
آرساری، ۱۷۳، شاخص سر، ۶۴۷،
اندازه های سر، ۶۳۴، ۶۳۹،
قد، ۶۲۰
آرسنجان، ۲۵۲
آرشلو، ۲۷۹
آرومیه (رضائیه)، اطلاعاتی در باره
اندازه گیری بدن انسان روی
آسوریهای نزدیک، ۵۳۳-۵۳۶،
روی یهودیها در، ۴۰۶ به بعد،
روی کردها در، ۶۶، یهودیها
در، ۳۴۹
آرومیه دریاچه، اطلاعاتی درباره اندازه
گیری بدن انسان در نزدیکی،
۶۱۸
آروجی، ۲۶۶
آرمنی نفوذ در لرستان، ۳۱۹
آرمنی نوع نژادی، ۱۳۵ - ۱۳۶،
۱۳۷، ۱۳۸، موبور در بین،
۱۳۶
آرمنی نوع، در هراپا، ۳۱۸، در ماد
قدیم، ۳۲۰، در بین النهرین،
۳۱۹، نژاد از ترکستان، ۱۸۶،
در حجاری آشوری، ۱۸۹

۸۴۲ - مردم شناسی ایران

- «ارمنی» گهواره ، ۸۵ شکل، ۸۶، ۱۳۶،
۳۳۵، ۵۳۵، ۶۵۵
ارمنی نژاد جمعیت در اناطولی، ۳۱۶
ارمنی و اناطولی نوع ، از بین گروههای
ایران، ۴۳۹، ۴۷۰، ۶۰۷
ارمنی و گرجی تسلط بر ایران ، ۵۶
اندازه گیری بدن انسان ، اطلاعاتی
در باره ارمنی ها ،
عرض فکین ، ۶۶۲ ، عرض
دو گونه ، ۶۵۸ ، شاخصهای سر ،
۱۲۸، ۷۶، ۶۳۵-۶۳۶ اندازه
ها و شاخصهای صورت ، ۶۶۶ ،
۶۶۹-۶۷۰ ، شاخص پیشانی و
آهیانه ، ۶۵۴ شکل سر ، ۱۱۳-
۱۱۴ ، ۱۳۶ ، ۶۵۰ ، ۶۵۴ ،
اندازه های سر ، ۶۳ ، ۶۳۲-
۶۳۳ ، ۶۳۸ ، حداقل قطر پیشانی ،
۶۵۴ ، ۶۵۵ ، طول و عرض بینی ،
۶۷۷ ، ۶۷۹ ، شاخص بینی و
رابطه آن با آب و هوا ، ۶۸۸ ،
حداکثر بینی باریکی ، ۴۱۶ ،
۶۸۳ ، ۶۸۴ ، قد نشسته ، ۶۲۴ ،
قد ، ۶۱۹ ، شاخص گونه و پیشانی ،
۶۵۸ ، شاخص گونه و فک ، ۶۶۲
ارمنی ها ، شبیه آریان ، ۵۰ ، شبیه نوع
نژادی ارمنی ، ۱۳۸ ، در
آذربایجان ، ۹۷ ، در ایران ،
۴۷، ۷۳، ۸۹، ۱۴۳ ، در اصفهان
(جلفا) ، ۴۶، ۷۶، ۱۰۹، ۱۳۱ ،
۴۴۴ ، در کرمان ، ۱۰۴، ۲۷۸ ،
درمازندران ، ۱۱۳ ، در ولایات
شمال و شمال غربی ، ۱۹۹ ، در
شیراز ، ۲۵۴ ، در طهران ، ۱۱۱ ،
۱۳۱ ، نماینده جدیدی از
- هیئت ها ، ۱۷۳ ، خصائص جسمانی
۵۹، ۷۶، ۸۷، ۱۳۵ - ۱۳۶ ،
ارتباط خصوصیات جسمانی با
ترکمنها ، ۱۳۵
ارندی ، ۲۶۷
اریزانتی ، ۱۵۷، ۲۲
اروپائی شمالی نوع ، از بین یهودیهای
اصفهان ، ۳۷۳
ازبکها ، ۸۷، ۶۸ ، ۱۶۳ ، شاخص سر ،
۱۲۸ ، در افغانستان ، ۱۴۹ ،
قد ، ۶۲۰
ازدوخوس = یزدخواست ، ۳۲۵
ازدیت ها ، ۱۵۹
اچکزالی پانی ، ۱۶۲
اچیسون ، ۶۹۳
احمد آقاخان سپهبد ، ۲۱۷
احمدلو ، از بهار او ، ۲۵۷ ، ازلك ، ۲۰۵
احمد نظری ، ۲۸۰
احمدی ، ۲۶۹
احمدیه ، ۲۳۲
احمد هارون ، ۲۶۵
احمدی ، جمعیت ، ۲۷۲
اخال ، ۱۷۳
اخرملو ، ۲۶۴
اخلاصلو ، ۲۵۷
اختلاط خون ، در ایران ، ۱۷۷
اخمتا = همدان ، ۳۷۳
اخور ، ۹۶
اسبها ، ۲۱۰، ۲۱۷، ۲۲۳، ۲۲۶، ۲۳۶ ،
۲۶۰، ۲۴۲
استاجانلو ، ۲۰۲
استاجلو ، ۱۳۲
استامپ ، دادلی ، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶
استان مرز ، ۲۱۱
استخری ، ابواسحق ، ۴۳-۴۴

فهرست اعلام و مطالب - ۸۴۳

- اسمیتن ، وینفرد ، نگاه کنید به توماس ،
وینفرد اسمیتن
اسمیث ، مایرون ، ۳، ۳۳۸، ۴۲۶
اشتهارد ، ۱۱۴
اشتهاردیها ، ۱۱۲ ، عرض فك ، ۱۲۵ ،
عرض استخوان گونه ، ۱۲۴ ،
شاخصهای سر ، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲ ،
مواز ، ۱۱۶ ، لبها از ، ۱۱۷ ،
حداقل قطر پیشانی ، ۱۲۳ ،
ماهیچهها ، ۱۲۰ ، قد ، ۱۱۹ ،
دندان ، ۱۱۷
اشتین ، ارل (= استاین، اورل) ، ۱۷۵ ،
۱۸۷ ، ۲۴۵ ، ۳۳۵ ، ۶۲۱
بمد.
- اشکنازیم ، یهودیهای نوع ، ۳۵۶، ۳۱۹
اشمیت ، اریک ، ۵، ۳۰۵ ، ۳۳۰ ، ۵۲۴
۵۲۷
اصالیم ، ۲۰۲
اصائلو ، از ترکیهای مازندران ، ۲۰۱
اصائلو ، از قبیلۀ عمله ، ۲۶۴
اصفهان ، شهرستان ، ۳۰۳
اصفهان ، ۲۴۴ ، افغانها در ، ۱۷۷ ،
عجمها در ، ۷۴
اصفهان ، آلیانس اسرائیلی در ، ۳۵۳
اطلاعاتی درباره اندازه گیری
بدن انسان از ، ۳۴۹ به بعد ،
۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۷ به بعد؛ آرامنه
در ، ۴۶-۴۷ ، ۲۴۴ ، شرح تاسیس
محلۀ یهودیها ، ۳۵۰ - ۳۵۱ ،
یهودیها در ، ۱۳۱، ۳۵۰-۳۵۳ ،
آزار یهودیها ، ۳۵۱ - ۳۵۲ ،
جمعیت ، ۱۳۴-۱۳۵ ، ۱۷۴ ،
۲۴۴
- استرآباد ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری
بدن انسان ، ۶۶ ، قبایل بادیه
نشین در ، ۱۳۴ ، اقوام و قبایل ،
۱۱۰-۱۱۱، ۱۵۶، ۱۹۹
استرآباد ، جمجمه در حفاری ، ۳۱۵ ،
۳۲۰ ، میزان ریزش باران ،
۱۹۵ ، ساکنین دشت ، ۳۱۵ -
۳۱۶
استرالیائی نوع ، در مهنجودارو ، ۱۳۱۸
جمجمۀ نشان دهنده خصوصیات
شکل شناسی ، ۳۱۳ ، اطلاعاتی
درباره اندازه گیری جمجمه ،
۳۱۱
استرالیائی نما (شبه استرالیائی) جمجمه ،
در تپه حصار ، ۳۷۰ ، اطلاعاتی
درباره اندازه گیری جمجمه ،
۳۱۱
استروچات (= استرکات) ، ۴۲ ، ۱۵۷
اسپیدباوم ، ۵ ، ۶۱۸ به بعد.
استرآباد ، ۳۱۷
اسفنداقه ، بادیه نشینها در ، ۲۸۰
اسکات ، دونالد ، ۴
اسکندرلو ، ۲۰۵
اسکرین ، سی. بی. ، ۲۸۱ ، ۲۸۳ ، ۲۸۶ ،
۲۸۸
اسلام ، در ایران ، ۳۵، ۸۹، ۱۷۳، ۱۷۴
اسلاملو ، ۲۶۲، ۲۶۸
اسلامی ، جمجمه در تپه حصار ، ۳۰۶
اسمعیل جوادی ، ۴۵۶
اسمعیل خانی ، ۲۵۷
اسمعیل زائیها ، ۲۸۸-۲۸۹
اسمیرنه ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری
بدن انسان ، ۶۱۸ به بعد.
اسمیت ، الیوت ، ۱۸۶

مردم شناسی ایران

- کشاوری دنیای بدوی، ۶۹۳-
 ۶۹۴، سکونت قبائل اولیه،
 ۱۵۶، ۱۸۲، موطن نژادهند و
 افغان، ۱۶۴، طوایف و قبایل،
 ۶۹-۱۳۳، ۱۴۸-۱۴۹،
 ۱۶۸
- افغانها، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۰، ۱۰۶، ۱۳۱، ۱۳۵،
 ۱۴۹، ۷۰۳-۷۰۴، ۷۰۵-
 ۷۰۷، عرض فکین، ۶۶۳،
 شاخص سر، ۵۳، ۶۵، ۷۴، ۶۴۸،
 ۷۰۳، جمجمه، ۱۲۸، شاخص
 صورت، ۷۰۴، شکل و اندازه
 سر، ۱۲۶، ۶۰، اندازه‌های سر،
 ۵۳، ۶۴، ۶۵، ۶۳۴، ۶۳۹، در
 در بلوچستان، ۲۸۶، در ایران،
 ۵۰، ۱۴۳، در اصفهان، ۱۱۷۷،
 در کرمان، ۱۷۷، در کرمانشاه،
 ۱۷۷، در خراسان، ۱۴۸، در
 مازندران، ۱۱۳، ۲۰۰، در
 سیستان، ۲۹۲، ۲۹۳، حمله به
 ایران، ۳۲، حداقل قطر پیشانی،
 ۶۵۴، شاخص بینی، ۷۰۳، اصل،
 ۱۶۹، قد، ۶۲۱، ۷۰۳
- اقاقی، ۲۷۴
 آقده، ۳۰۱
 اقرا (عقرا)، اطلاعاتی در باره اندازه
 گیری بدن انسان به روی
 یهودیها، ۴۰۸، به بعد، گردنه‌ها،
 ۶۹۱، محل‌های عصر حجر، ۶۹۷
 اقطا، ۲۷۹، چادر نشینهای اقطا و افشار،
 ۲۸۰
- اکاد، منسوب به عیلام، ۱۵۱
 اکباتانی = همدان، ۳۵۰
- اشجه قیاطو، ۲۶۴
 افریدی، ۷۰۴
 افریقا، اطلاعاتی درباره اندازه گیری
 بدن انسان، روی اقوام سامی،
 ۱۵۴، ردی، جمجمه عرب، ۵۴،
 مصریهای واحه خرگه، ۶۱۳،
 ۶۲۵، ۶۳۰، ۶۷۱، ۶۷۴،
 روی شاخص بینی مصریها در
 رابطه آن با آب و هوا، ۶۸۸
 افریقا چهارده فرساز، اندازه‌های سر،
 ۵۴
- افریقا جمجمه، ۵۰، ۶۲
 افریقائی نوع، در ایران، ۱۸۶، در
 عراق (بین النهرین)، ۱۸۵،
 از بین جمجمه‌های ایرانی در موز
 تاریخ طبیعی وینه، ۳۱۳-۳۱۵
 افریقائی، نوع جمجمه در لرستان، ۳۲۳
 افیون اعتیاد به، ۴۳۱
 افشار، چادر نشینها در، ۲۸۰
 افشار اوشانی، ۲۵۶
 افشار دویرانی، ۲۰۳
 افشار عموی، ۲۸۰
 افشار میرحبیبی، ۲۸۰
 افشارها، ۹۱، اشعابان، ۵۱، ۷۷،
 ۲۰۳، در آذربایجان، ۴۹،
 ۱۳۲، ۲۰۳، در قزوین، ۲۰۳،
 در کرمان، ۲۷۹، در خمسه،
 ۲۰۳، در خراسان، ۱۰۸، ۳۰۰،
 در خوزستان، ۱۰۰
- افغانستان، ۱۷۴، اطلاعاتی درباره اندازه
 گیری بدن انسان از ۶۲۱ به بعد،
 اندازه‌ها و تصاویر اندازه گیری
 بدن انسان، ۷۰۳-۷۰۵،
 مقایسه‌ای با گروه‌های ایران،
 ۷۰۵-۷۰۷، چون مرکز

فهرست اعلام و مطالب - ۴۵

- اکریس ، ۲۲۸
 اکیدت بادیه نشینان ، عرض فکین، ۱۶۶۲
 عرض دو گونه ، ۶۵۷ ، شاخص
 سر، ۱۶۴۳، اندازه‌ها و شاخص‌های
 گوش، ۱۶۸۹، اندازه‌ها و شاخص
 های صورت ، ۶۶۶ ، ۶۶۹ ،
 شاخص پیشانی و آهیانه، ۱۶۵۳
 اندازه‌های سر ، ۶۳۱، ۶۳۷ ،
 حداقل قطر پیشانی ۶۵۳
 ۱۶۵۷ طول و عرض بینی، ۱۶۷۶
 ۱۶۷۸ شاخص بینی ، ۱۶۸۲، قد
 نسته ، ۱۶۲۴ ، قد ، ۱۶۱۷
 شاخص گونه و پیشانی ، ۱۶۵۷
 شاخص گونه و فك، ۶۶۲
 الاصفهانیه ، ۳۵۲
 الاغ ، ۲۲۶ ، ۲۲۷ ، ۲۳۶ ، ۲۳۲ ، ۲۶۱
 ۲۶۹ ، ۴۲۴ ، ۴۵۷
 البلدهوری ، ۱۷۳
 البرون (الرویان) ، ۲۳۳ ، ۲۳۵
 البرزجبال ، ۱۴-۱۵ ، ۱۹۱ ، آب و هوا
 در ، ۱۹۵ ، کوسفند دنبه‌دار،
 ۱۹۳ ، گل و گیاه ، ۶۹۳ ، آثار
 عصر جدید حجر، ۶۹۸
 البواطوی ، ۲۲۷
 البوقبیش ، ۱۰۰ ، ۲۲۷ ، ۲۲۹
 ال بوگردان ، ۲۲۶
 القوام ، ۲۲۸
 الجابره ، ۲۲۷
 الخمیس ، ۲۳۲
 السیف ، ۶۴۵ نگاه کنید به جلیسه‌جیو
 الشواوی ، ۲۳۴
 العبید ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری
 جمجمه ، ۳۱۱
 الغینسون ، مونستوارت، ۵۷
 الکثیر، ۱۰۰ ، ۲۲۶ ، ۲۳۱-۲۳۲
 الکثیری ، شاخص سر، ۶۴۲
 الکساندر از رودز ، ۳۵۰
 الکنید ، ۶۸۳
 الکنیز، اتل، ۶
 المساحنه ، ۲۳۲
 المطرود ، ۲۲۸
 الیشر (علیشر) ، اطلاعاتی در بسار
 اندازه گیری جمجمه ، ۳۱۰ ،
 استخوانها ، ۳۳۵
 العامره ، ۲۲۸
 الغیابلو ، ۲۶۳
 الوارلو ، ۲۰۵
 الوانی ، ۲۵۶
 اله بخش زائی ، ۲۸۸
 اله بیگلو ، نگاه کنید به علی بلول
 الیاس و زید ، ۲۶۶
 الیاسی ، ۲۸۰
 الیپ = عراق ایران ، ۱۸۲
 الیپی ، ۱۸۳
 الیمائیس ، ۱۴۹-۱۵۰
 الیهودیه ، محله یهودیها ، ۳۵۱-۳۵۲
 ایلام ، شهرستان ، ۳۰۲
 اماردی (اماردیها) ، نگاه کنید به
 ماردیها
 امامقلی خانی ، از قشقائی ، ۱۰۴ ، از
 ممسنی ، ۲۶۶
 امجدخان ، ۲۸۰
 امطایر الناصری ، ۲۲۸
 امیانوس مارسلینوس ، ۴۳
 امراض ، نگاه کنید به علم امراض در
 ایران
 امیدرفاجی ، ۲۲۸
 امیر ، ۲۱۵
 امیرآباد ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری-

- مؤلفه‌های شناسی ایران -

- بدن انسان، ۶۳۲ به بعد.
- انگوزه، ۱۰۷
- انگور، ۲۳، ۲۵۲
- اوجا = خوزستان، ۱۵۰
- اوبرکاسل، اطلاعاتی در باره اندازه-گیری جمجمه از، ۳۱۱
- اور، اطلاعاتی در باره اندازه گیری جمجمه، ۳۱۰، مطالبی درباره اسکلتها، ۳۱۸
- اورازگو (آزارات)، ۱۵۶، ۱۸۳
- اوستها (استیها)، ۱۳۵، ۵۰، شاخص سر، ۱۶۴۶ شکل سر، ۱۲۸، ۱۶۵۰ اندازه های سر، ۶۷، شاخص بینی، ۱۶۸۳ خصوصیات جسمانی، ۱۶۱، قد، ۶۱۹، ۶۷
- اوستیا مالاسیا (ostia malasia)، ۳۳۲
- اوشار، ۲۳۰
- اوشانین، ال.وی. ۱۸۷، ۶۲۰ به بعد.
- اورامر، ۹۴
- اوریات، ۲۶۴
- اوریال، (urial)، ۲۴۲
- اوریس، اطلاعاتی درباره اندازه گیری بدن انسان، ۶۲۲ به بعد
- اوکسیا، ۱۵۰
- اوکسیان، ۱۵۱
- اولاد، ۲۶۲
- اولاد اسعدخان، ۲۱۱
- اولاد امیرآقا، ۲۶۶
- اولاد رستمخان، ۲۵۵
- اولاد زین العابدین، ۲۵۵
- اولاد سبار، ۲۵۵
- اولاد شیخ علی، ۲۶۶
- اولاد علی محمود، ۲۱۱
- اولاد قباد، ۲۱۲
- اولاد محمد، ۲۵۵
- بدن انسان درباره افراد، ۵۲۳
- ۵۳۳، ۵۳۲، ۵۳۱
- امیرحاجیلو، از آئینه لو، ۲۵۶، ار بهارلو، ۲۵۷
- امیرسالاری، ۲۶۷
- امینلو، ۲۵۷
- امینه، ۲۵۷
- انجمن پادشاهی جغرافیائی، ۲۴۳، کمیته دائمی اسامی جغرافیائی، ۳۸
- انجیر، ۲۴، ۲۷۴
- اندازه گیری بدن انسان اطلاعاتی درباره
- آمارهای اساسی، ۳۳۹، امراض، ۳۴۵ بررسی آماری، ۳۴۷-۳۴۸
- ۳۴۸، بینی، ۳۴۴، ترس درمیان قبائل، ۳۳۷، ثبت مشاهداتی در باره سن، ۳۴۳، چشمها، ۳۴۴، حنا، ۳۴۵، خال کوبی، ۳۳۷، ۳۴۵، دندان، ۳۴۴ - ۳۴۵، عکسها، ۳۴۶، مطالعاتی به روی گروههای ایران، ۳۴۶-۳۴۷، مو، ۳۴۳، نقص مصنوعی جمجمه، ۳۴۵، نمونه های خون، ۳۳۶، ۳۳۹، ۳۴۶، نمونه های مو ۳۳۶، ۳۳۹، ۳۳۶
- اندازه گیری بدن انسان، تعیین، ۳۳۹، روش و تکنیک اندازه گیری، ۳۳۶-۳۴۶
- اندازه گیری بدن انسان، اندازه ها، ۳۴۰ - ۳۴۲، انتخاب افراد، ۳۳۸
- انزان، سوسونکا، ۱۵۰
- انطاکیه، اطلاعاتی درباره اندازه گیری-

فهرست اعلام و مطالب - ۸۴۷

- دو گونه ، ۶۵۷ ، شاخص سر ،
 ۶۴۴ ، شاخص پیشانی و آهیانه ،
 ۶۵۳ ، اندازه های سر ، ۶۳۲ ،
 ۶۳۷ ، حداقل قطر پیشانی ،
 ۶۵۳ ، شکل بینی ۶۸۴ ، شاخص
 بینی ، ۶۸۲ ، شاخص گونه و
 پیشانی ، ۶۵۷
 انگار ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری
 بدن انسان ، ۶۱۸ به بعد ،
 محل های عصر حجر ، ۶۹۶ ،
 ۶۹۷ ، دانشگاه ، ۷۰۸
 انگلیس و ایران شرکت نفت ، ۲۲۰
 ۲۲۱
 ایارکو (ایارخوف) ، ۱۸۷ ، ۶۲۰ به
 بعد
 ایاسویج ، ۱۸۷
 ایالات متحده ، اطلاعاتی درباره اندازه
 گیری بدن انسان ، ۶۲۲ به
 بعد
 ایاورسکی ، ۶۲۰ به بعد ،
 ایواند ، ۲۱۲ ، ۲۱۸
 ایران اختلافات عمده در چهار گروه ،
 ۵۵۹-۵۵۶
 ایران فلات ، ۱۴ - ۱۵ ، منشأ بینی
 محدب بلند در ، ۶۸۷-۶۸۸ ،
 نوع سرگرد در ، ۶۰۹ ، آب و
 هوا ، ۱۹۵ ، ۶۹۱ - ۶۹۲ ،
 نوع سرورازدر ، ۶۰۸
 ایران ، کشاورزی در ، ۲۰-۲۵ ، ۱۴۴ ،
 ۶۹۴ ، تنبیراتی در اسلامی
 جغرافیائی در ، ۱۰ ، ۳۰۲ ،
 ۳۰۳ ، آب و هوا ، ۱۶ - ۱۹ ،
 ۶۹۱ - ۶۹۳ ، در دوره های
 یخ بندان ، ۱۶۱ ، ساکنین
 قدیم ایران ، ۱۸۳ - ۱۸۷ ،
- اولاد میرزا علی ، ۲۶۶
 اولاد میرعباس خان = میر بهاروند ،
 ۲۱۰
 اولاد میرعلیخان = میر قلاوند ، ۲۱۴-
 ۲۱۵
 اولادی ، ۲۵۷
 اولمستد ، ا. تی ، ۶
 اوملیاش ، ۱۵۱
 اوخچلو ، ۲۶۴
 اوده ، ۲۲۷
 اودین ها ، ۴۱۶
 اوژفالوی ، شارل دو ، ۷۴ ، ۱۳۰
 اومالیوس دهالوی ، ج. بی. ج. ۵۲
 اهریک ، ۶۱۷ به بعد ،
 اهل سعدی ، ۲۵۶
 اهل الشاخه ، ۲۳۸
 اهل العراق ، ۲۳۷
 اهل العریض ، ۲۳۵
 اهل انقره ، ۲۳۸
 اهل الهرمز ، ۲۲۳
 اهواز شهرستان ، ۳۰۲
 امانلو = عمارلو ، ۱۰۹
 اناطولی ، اطلاعاتی درباره اندازه -
 گیری جمجمه ، ۶۱۸ به بعد ،
 ۷۰۸ ، باستانشناسی ، ۳۱۶ ،
 محل های عصر حجر ، ۶۹۶ ،
 ۶۹۷
 اناطولی گروه ، منسوب به قبائل گال
 و سلت ، ۱۳۰
 اندازه گیری آلات و ادوات ، ۳۳۹ -
 ۳۴۰
 اندر ، ۷۲
 انژلوس پاتر (لابروس) ، ۴۴
 انشان ، ۲۹
 انصاریه (نصارا) ، ۱۳۸ ، عرض

کتابت مردم شناسی ایران

- فرهنگ در ، ۳۶ ، علائم خشکی
سازی ، ۱۶۹۲ ، حیوانات در ،
۲۵ - ۲۸ ، ۱۶۹۵ ، گل و گیاه ،
۱۹ - ۲۰ ، ۶۹۳ - ۶۹۵ ،
جغرافیا و زمین شناسی ، ۱۲ -
۱۶ ، ۶۹۰ - ۶۹۱ ، تغییرات
جدید در تقسیمات ، ۱۰ - ۱۱ ،
۳۲ ، ۳۰۱ - ۳۰۳ ، تاریخ ،
۲۸ - ۳۲ ، ۵۵ - ۵۶ ، جمعیت
در ۱۹۳۴ ، ۳۳ - ۳۴ ، زبانها ،
۱۷۹ ، نوع مدیترانه در ، ۳۱۹ ،
مهاجرتها به ، ۲۸ - ۳۰ ، ۳۲ ،
۱۵۶ ، ۱۶۳ ، ۱۷۶ - ۱۷۷ ،
۱۸۰ - ۱۸۱ ، ۶۹۰ - ۶۹۱ ،
نام مقرر شده بوسیله پادشاه ،
۱۳ ، نوع سیاهپوست در ، ۷۹ -
۸۶ ، ۱۴۰ ، ۱۶۸ ، قبایل
چادر نشین ، ۱۰ ، ۱۱ ، ۸۸ - ۹۰ ،
۹۱ - ۹۲ ، ۱۳۴ - ۱۳۷ ، ۱۶۸ -
۱۶۹ ، ۱۷۳ - ۱۷۴ ، ۲۰۲ به
بعد ، مناطق عصر حجر ، ۶۹۵ -
۶۹۶ ، جمعیت ، ۳۳ - ۳۵ ، ۴۴ -
۴۷ ، ۸۸ - ۹۱ ، ۹۳ ، ۱۴۳ -
۱۴۴ ، بهداشت عمومی ، ۳۶ ،
ارتباط با دره سند ، ۳۳۵ ،
ارتباط با ماوراءالنهر ، ۳۱۷ ،
مذاهب ، ۳۵ - ۳۶ ، ۸۹ ، ۱۴۳ -
۱۴۴ ، ۱۷۳ ، ۱۷۴ ، ۱۷۹ -
۱۸۰ ، ۳۰۰ - ۳۰۱ ، مطالب
مربوط با استخوان بندی ، ۳۰۵ -
۳۳۵ ، حمل و نقل و ارتباطات ،
۳۲ ، ۳۶
- ایران ماقبل تاریخ ، ۶۹۵ - ۶۹۸
ایرانی ، بشر ، ۶۰۶ ، ۶۹۶ ، ۷۰۹
- ایرانی ، ترکان ، ۱۷۳
ایرانی ، عناصر ، درینسی علیا دره
برنز ، ۱۸۷
ایرانی ، نوع نژادی ، ۱۳۵ - ۱۳۶ ،
در آسیای صغیر ، ۱۳۹
ایرانی و در اویدی ، ۶۹۹
ایران و مدیترانه نوع ، ۱۶۲ ، ۵۰۶ ،
۶۰۵ ، ۶۰۶
ایرانیان ، ۵۳ ، ۶۰ - ۶۱ ، ۱۳۰ - ۱۳۱
۱۸۲ ، ۱۸۹ ، ارتباط با چینها ،
۱۶۰ - ۱۶۱ ، در ایران ، ۱۳۹ -
۱۴۰ ، در خراسان ، ۱۰۸ ،
مهاجرتها ، ۲۸ - ۲۹ ، ۱۸۰ -
۱۸۲
ایرانیان (اطلاعات گردآوری شده بوسیله
مشاهده کنندگان اولیه) ،
اطلاعاتی در باره اندازه گیری
جمعیت ، ۳۱۴ ، گروه آریائی ،
۵۲ ، نوع نژاد ایرانی ، ۱۳۵ ،
مانند گروه ایران و مدیترانه ،
۱۱۶۲ ، خصوصیات شکل شناسی ،
۱۱۶ - ۱۱۷ ، تعداد افراد ،
۱۸۸ ، مردم قفقاز ، ۱۸۸ ،
خصوصیات جسمانی ، ۴۳ ،
۵۰ ، ۵۲ ، ۵۷ ، طبقه بندی
نژادی ، ۱۳۰ ، ۱۶۷ ، ارتباط
با عربها ، ۱۵۷
اطلاعاتی در باره اندازه گیری بدن انسان ،
۶۵ ، ۷۴ ، ۸۱ ، ۱۱۹ ، ۱۲۰ -
۱۲۵ ، عرض استخوان گونه ،
۱۲۳ ، ۱۲۴ ، ۶۵۷ ، شاخص سر ، ۱۲۱ -
۱۲۲ ، ۱۲۸ ، ۶۴۲ ، درازسرها ،
۵۱ ، شاخص پیشانی و آهیانه ،
۶۵۳ ، مو ، ۱۱۵ ، اندازه های

فهرست اعلام و مطالب - ۸۶۹

- س، ۶۷، ۷۴، ۸۳، ۶۳۱، ۶۳۶، حدافل قطر پیشانی، ۱۲۳، ۶۵۳، لبها، ۱۱۷، مضلات، ۱۲۰، ۱۲۶، فك، صاف، ۵۱، قد، ۱۱۹-۱۲۰، ۱۶۱۷ دندان، ۱۱۷، شاخص گونه و پیشانی، ۶۵۷
- ایرانیان، نگاه کنید به قبائل و طوایف، و تاجیکها
- ایرانیان، ۱۳، در ماوراء قفقاز، ۱۸۸
- ایرانیان (ج. دید)، فقدان عناصر نوردیک، ۳۲۰، شاخص بینی در ارتباط با آب و هوا، ۶۸۸
- ایرانیان (فارسی)، در نواحی شمالی و شمال غربی، ۱۹۸-۱۹۹
- ایرانیان (هخامنشی ها)، ۱۸۰-۱۸۱، نژاد، ۱۴۲، سکونت، ۳۹، دیر رسیدن در مغرب، ۵۳، مهاجرتها، ۱۱۵۴، خصوصیات بینی، ۶۸، زندگی در چادر، ۱۴۴-۱۴۵، خصوصیات جسمانی، ۴۳-۴۴، ۶۸، ارتباط با یونانیان، ۳۰، ۱۷۸، قبایل، ۳۹-۴۱
- ایرانشاهی، ۲۵۶
- ایران شهر، ۱۸۱
- ایران شهر (فهرج)، ۲۸۶
- ایروان، اطلاعاتی درباره اندازه گیری بدن انسان، ۶۱۹ به بعد
- ایروند، ۲۶۶
- ایستمن، الوان، ۶
- ایکدیر (ایگدار)، ۱۰۳، ۲۶۳، از ترکمنهای یاموت، ۲۹۸
- ایلات، ۴۴، ۷۳، ۷۶
- ایلاقی، ۲۸۰
- ایمانلو، ۲۶۲
- اینانلو، ۱۳۲، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۰۵
- ایوانو (ایوانف)، ۱۶۸-۱۷۰، ۶۸۳
- ایوانوسکی، ۱۲۲، ۱۲۷، ۴۰۵، ۶۴۶، ۶۸۳
- ایوبلو، ۲۶۲
- ایومودها، عرض فکین، ۶۶۳، عرض دو گونه، ۶۵۹، شاخص سر، ۶۴۷، طول کل صورت، ۶۷۰، اندازه های سر، ۶۳۴، ۶۳۹، حدافل قطر پیشانی، ۶۵۳، قد، ۶۲۰
- بائر، فن، ۶۳، ۶۲
- بالیج بادیه نشینان، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۸۹، عرض فکین، ۶۶۱، عرض دو گونه، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۶۰، طبقه بندی، ۶۷۱، شاخصهای سر، ۶۴۱، گروهها، ۶۲۹، ۶۴۱، اندازه و شاخصهای گوش، ۶۸۸، ۶۸۹، اندازه و شاخصهای صورت، ۶۶۵، طبقه بندی، ۶۷۱-۶۷۲، نوع صورت، ۶۶۶-۶۶۷، شاخص پیشانی و آهیانه، ۶۵۳، اندازه های سر، ۶۲۸، ۶۳۱، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۴۰، طبقه بندی، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۵۲، حدافل قطر پیشانی، ۶۵۳، گروهها، ۶۵۲، اندازه ها و شاخص بینی، ۶۷۲، ۶۷۶، ۶۷۸، ۶۸۰، ۶۸۱، گروهها، ۶۷۳، ۶۸۰، طول بینی، طبقه بندی، ۶۸۶، قدنشسته، ۶۲۴، ۶۲۵، گروهها، ۶۲۵، قد، ۶۱۷، گروهها، ۶۱۶، ۶۲۵، شاخص گونه و پیشانی، ۶۵۷، ۶۵۹، شاخص گونه و فك، ۶۶۰، ۶۶۱

- خوزستان، ۱۳۲۶، در لرستان ،
 ۲۱۱ به بعد، ۱۳۱۷، نماز، ۲۰۹
 بالاوند ، ۲۱۲، ۲۱۱
 باواری ، ۲۱۲
 باوردی ، ۲۷۹
 باوی ، ۲۶۶
 باویه ، ۱۰۰، ۲۲۶-۲۲۷، ۲۲۹، ۲۳۷
 پای ، بارون دور، ۳۱۸
 پایشانلو ، ۲۰۲
 باهوكلات ، جمعیت، ۲۸۳
 بتال پاجنیک ، اطلاعاتی درباره اندازه
 گیری بدن انسان به روی یهودیها،
 ۴۱۹-۴۲۰
 بتولیه ، ۲۳۶
 بجنورد ، جمعیت، ۲۹۵
 بجنورد شهرستان ، ۳۰۳
 بجنورد ، کردهای شادداو در ، ۱۰۸ ،
 ۲۹۸ ، ۲۹۹
 بچوئوند ، ۲۱۱ ، ۲۱۵
 بخاخ ، ۲۳۵
 بخارا ، ۱۵۵ ، ۳۷۳ ، اطلاعاتی درباره
 اندازه گیری بدن انسان، ۶۲۰
 به بعد.
 بخت النصر، و یهودیها ، ۳۵۱ ، ۳۵۲ ،
 ۴۱۸
 بختیاری ناحیه ، قبایل در، ۱۳۳، ۲۵۵
 ۲۶۱
 بختیاری گرمسیر، ۲۳۸ به بعد؛ حیوانات
 اهلی، ۲۴۲؛ حیوانات، ۲۴۱-
 ۲۴۲؛ جنرافیا ، ۲۳۹ ؛ زمین
 شناسی، ۲۳۹-۲۴۱ موقعت،
 ۲۳۹
 بختیاریها ، ۵۰ ، ۷۳، ۷۶-۷۹، ۹۱، ۹۹،
 ۱۰۱ ؛ از بین جمعه مصنوعی
 ناقص، ۱۸۶ ؛ درقیاس باقشقایها،
- بابائی، ۲۶۷
 باباضنم ، ۲۱۳
 بابای بن لطف گاهانی ، ۳۵۱-۳۵۴
 باپردانگهی ، ۲۶۵
 بابرسالار، ۲۶۵
 بابل تمدن ، منشعب از نژاد سفید، ۱۳۰،
 رابطه با عیلام، ۱۵۲
 بابلی، ۱۱۳
 باختریها ، نگاه کنید به باکتریها
 بادام ، ۲۴، ۲۵۲
 بادنجان ، ۲۳
 بادیه نشینها (بدویها) ، ۵۹۷ ، ۷۰۳ ،
 بحثی درباره اندازه گیری بدن
 انسان در قبایل مختلف، ۶۲۱ ،
 ۶۳۵ ، ۶۳۶ ، ۶۴۰ ، ۶۴۸-۶۴۹ ،
 ۶۶۰ ، ۶۶۳-۶۶۴ ، ۶۷۱ ، ۶۷۲ ،
 ۶۸۴ ، ۶۸۷
 باریز، ۲۸۱
 بازوند (بزوند)، از لسانی ، ۲۶۶ ، از
 ترهان، ۲۱۵
 باشماکوف ، الکساندر، ۱۸۸، ۴۱۹
 باصری (باصری)، ۱۰۳ ، ۱۴۶ ، ۲۵۱ ،
 ۲۵۵ ، ۲۵۷ ، ۲۶۳
 باطوم ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری
 بدن انسان از ۶۴۲ به بعد ؛
 ایرانیها در، ۱۸۸
 بافت ، ۲۷۹
 باقری ، ۲۶۶
 باکتریها (باختریان) ، ۱۵۶ ، ۱۸۲-
 ۱۸۳
 باکتریها ، بومیهای سفید، ۱۳۱
 باکش، ۲۶۵
 باکو ، ایرانیها در ، ۱۸۸ ؛ یهودیها ،
 ۳۱۸
 بالاقریه (بالاجره)، ۲۰۷ ، ۲۰۸ ، در

فهرست اعلام و مطالب - ۸۵۱

دراویدیها، ۱۴۲، در بلوچستان،
 ۱۷۴، درسرحه، ۱۰۶-۱۰۷،
 ۲۸۹؛ در سیستان، ۲۹۲، ۲۹۳،
 از سراوان، شاخص سر، ۱۶۳،
 ۶۴۹، ۶۴۸؛ شاخص بینی، ۱۶۳-
 ۱۶۵، ۱۶۴، قد، ۱۶۴، ۱۶۲۱،
 نیز نگاه کنند به منقل دراهوئی

بر ایچا، ۲۳۶

بر آیدی، اتل، ۵

بر برها، افریقائی، ۶۸۴، ۷۰۱

بر بریها، ۲۹۹

بر تلون، ۶۳۳

«برج خاموشان» (دخمه)، ۲۹، ۵۱،

۱۰۷

بر چارد، هرمان، ۳۰۵

بر داسپیر، اطلاعاتی درباره اندازه گیری

بدن انسان به روی کردها،

۵۳۲، ۵۳۴-۵۳۵

بر دسیر، بادیه نشینها، ۲۸۰

بر دستان، در بلوچستان، ۲۸۱، ۲۸۳

بر دگی، و انحطاط جمعیت، ۳۵، در

ایران، ۱۷۷، ۲۸۱، ۲۸۳

برسته، جیمز، ۱۵۳

برف ناشی از انجماد، در یزد، ۲۹۴

برکن، ۲۲۶

برگنر، کارل، ۳، ۴۵۶

برمکی، ۲۶۵

برنج، ۱۹۲ به بعد، ۲۵۲، ۴۲۴، زراعت

در ایران، ۲۱، ۲۳، ۱۱۳

بروجرد، اطلاعاتی درباره اندازه گیری

بدن انسان، ۷۶

بروچلو، ۲۰۵

بروسه، اطلاعاتی در باره اندازه گیری

بدن انسان، از ۶۱۸ به بعد.

برویل، آبه، ۶۹۶

۲۶۰-۲۶۱، جمجمه، ۱۵۲، از

بین گروه سر کوتاه، ۱۵۰۸، در

خوزستان، ۲۲۶-۲۲۷، ۱۳۱،

در رامهرمز، ۲۲۳، در شوشتر،

۲۲۲، ارقام، ۸۹، ۹۹، ۲۱۶

اصل، ۹۸، ۲۳۹، خصوصیات

جسمانی، ۸۶، ۸۷-۱۰۱،

نسبت نژادی بالرها، ۲۱۶،

۲۳۹، ۱۵۰۸، مهاجمین، ۱۴۲۵

شبهات با بلوچها، ۵۸، شد

فرعی، ۲۴۲-۲۴۳، طوایف، ۵۱،

۷۶-۷۷ نیز نگاه کنید به جاکبها

اطلاعاتی درباره اندازه گیری بدن انسان

به روی بختیارها، شاخصهای سر،

۱۲۲، ۶۶، ۵۴، ۱۶۴۲، شکل سر،

۱۱۳، ۲۳۹، ۲۴۳، ۲۴۴،

اندازه های سر، ۶۶، ۵۴، ۶۳۱،

۶۳۵، ۶۳۶، حداقل قطر پیشانی،

۱۲۳، شکل بینی، ۶۷۷، ۶۸۴،

اندازه ها و شاخصهای بینی،

۶۷۵، ۶۷۸، ۶۸۰، قد، ۱۱۹،

۶۱۷

بدوای کوه پنج، ۲۸۰

بدلونی، ۲۶۶

بدوئی، ۲۸۰

بدوئی حاجی خان، ۲۸۰

بدیرلو، ۲۰۳

براجیه، ۲۳۶

برادری خون، آئینی از ایرانیان باستان،

۴۰

براون، ۱۹، ۳، ۶۹۶، ۶۹۲

برانزائی، ۲۸۶

براهمالوری، ۷۰۵

براهوئی، ۵۰، ۱۶۴، ۱۶۸، از اصل

- مردم شناسی ایران -

- بره چهارلو، ۲۸۱
 برهمن اورپسا، اندازه ها و شاخصهای
 بینی، ۶۷۵
 برهمن تمیل، اندازه ها و شاخص بینی،
 ۶۷۵
 برسام، ۲۳۴
 برینتون، دانیل، ۱۲۹-۱۳۰
 بز، ۱۰۷، ۲۱۷، ۲۲۶، ۲۶۰، ۲۶۹،
 ۲۸۸، ۲۹۹
 بز، نگاه کنید به بوسی
 بزگ، روغن، ۱۹۳
 بزگزاده، ۲۸۶، ۲۸۷
 بز سرخ، ۲۸۰
 بزگوهی، ۲۷، ۲۴۱
 بزلو، ۲۰۵
 بستان، ۲۱۳
 بشاچره، ۲۶۹، ۲۷۸، خون نژاد
 سیاهپوست، ۱۴۱، ۱۵۰،
 ۲۷۸
 بصره اعراب، در ایران، ۲۵۷
 بصره، مجموعه ایرانیها از، ۳۱۳
 بغداد، اطلاعاتی در باره اندازه گیری
 بدن انسان، ۴۰۶ به بعد، ۶۱۳
 انبار گمرک، ۴۹۳، لسهای
 اندازه گیری شده، ۴۹۳
 شاخص بینی یهودیها و رابطه
 آن با آب و هوا، ۶۸۸؛ دانشکده
 پزشکی در، ۲
 بغدادی شاهسونها، ۱۹۷، ۲۰۰،
 ۲۰۵
 بقلانیه، ۲۳۵
 بکاهدانی، ۲۶۷
 بکتاش، ۱۳۸، ۱۷۳، عرض دو گونه،
 ۶۵۸؛ شاخص سر، ۶۴۵؛ اندازه و
- شاخصهای صورت، ۶۶۶، ۶۶۹
 شاخص پیشانی و آهیانه، ۶۵۳
 اندازه های سر، ۶۳۲، ۶۳۷
 حداقل قطر پیشانی، ۶۵۳
 اندازه و شاخصهای بینی، ۶۷۶
 ۶۷۹، ۶۸۲، قد، ۶۱۸؛ شاخص
 گونه و پیشانی، ۶۵۸
 بکرذخرو، ۲۶۴
 بکستون، دادلی، ۲، ۱۷۳، ۳۱۸،
 ۳۱۹، ۳۳۹، ۶۱۲ به بعد.
 بکمن، ج. و.، ۵، ۳۱۵
 بگی، ۲۹۶
 بلاشور، ۲۶، ۲۴۱
 بل، سرگرد، ۲۱۶
 بل حسینی، ۲۵۵
 بلخ، ۱۵۵، ۱۵۶
 بلوچستان (ایران)، ۲۸۱-۲۹۰، آب و
 هوا، ۲۸۲، نواحی سکونت،
 ۲۸۸، نفوذ سیاهپوستان در،
 ۲۸۶، قبائل و طوایف، ۱۰۵-
 ۱۰۷، ۱۴۲، ۱۷۴، ۲۸۱،
 ۲۸۴-۲۹۰؛ نهب در، ۲۸۳
 ظواهر، ۱۰۴-۱۰۵، ۱۶۹،
 ۲۸۷
 بلوچستان، مجموعه از، ۳۱۸، قبائل
 اولیه، ۱۵۶، نژاد مدیترانه،
 ۳۱۹، سیاهپوست در، ۳۲۰
 هفدمین ساتراپی ایران باستان،
 ۱۴۲؛ نوع سومریها، ۱۸۵
 تاجیکها در، ۱۶۷؛ نژاد سیلان،
 ۳۲۰
 بلوچ، عرض دو گونه، ۶۵۹؛ شاخص
 سر، ۶۴۸، ۶۴۹، طول کل
 صورت، ۶۷۰؛ اندازه های سر،
 ۶۳۴، ۶۴۰، قد، ۶۲۱، نگاه
 کنید به بلوچها

فهرست اعلام و مطالب - ۵۵۳

- بلوچیه ، ۵۰ ، ۱۰۵-۱۰۶ ، ۱۶۴ ، ۱۶۷ ، ۱۷۴ ، ۲۸۹ ، ۲۹۲ ، شکل سر ، ۱۶۴-۱۶۵ ، اندازه های سر ، ۱۶۴ در بلوچستان ، ۲۸۱ به بعد ، در بندرعباس ، ۲۷۳ در ایران ، ۸۹ ، ۹۰ ، ۱۰۵ ، ۱۷۷ در کرمان ، ۲۷۹ ، ۲۸۰ در خراسان ، ۱۰۸ ، ۱۴۴ ، ۲۹۵ ، ۳۰۰ ، در سیستان ، ۲۹۲ ، شاخص بینی ، ۶۸۴ ، ۶۸۵ ، خصوصیات جسمانی ، ۱۶۹ ، مذهب ، ۲۹۳ ، شباهت به بختیارها ، ۵۸ ، نیرنگاه کنید به بلوچ
- بلوزائی ، ۲۸۸
بلوشه ، ۳۵۲
بلوط ، درخت ، ۱۹۲ ، ۲۴۵ ، ۲۷۴
بلومن باخ مجموعه ، کوتینگن ، ۶۲ - ۶۴
بلوی ، ۳۰۰
بلیش ، النور ، ۶۰۹
بلیکانی ، ۶۷۹
بلیو ، ۶۹-۷۲ ، ۹۰۵ ، ۱۱۰ ، ۱۴۹ ، ۱۵۹
بنادل ، ۲۳۴
بنت ، جمعیت ، ۲۸۳
بنجت ، ۱۱۰
بندر ، نگاه کنید به بندر معشور
بندرعباس شهرستان ، ۳۰۳
بندرعباس ، ۲۶۹ ، ۲۷۱ ، آب و هوا و امراض ، ۲۷۰ ، جمعیت ، ۲۷۲-۲۷۳
- بندر معشور ، ۲۲۳
بندر معشور ، قبایل ، ۲۳۱
بندر ناصری ، ۲۲۳ ، ۲۲۵
بندریه ، ۲۲۳ ، ۲۲۸ ، ۲۲۹
بندریه ، نگاه کنید به بندریها
بندریها ، ۲۲۳ ، ۲۳۱
بندونیها ، ۵۱ ، ۷۷
بند هش ، ۱۵۸
بندیا (بندبچه) ، ۱۶۴ ، عرض فکین ، ۶۶۳ ، عرض دو گونه ، ۶۵۹ ، شاخص سر ، ۶۳۸ ، اندازه های سر ، ۶۳۳ ، ۶۴۰ ، شاخص بینی ، ۱۶۴
بنگال ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری بدن انسان ، ۶۲۲ به بعد
بنگال ، برهنه ، ۶۷۵ ، اندازه و شاخصهای بینی ، ۶۷۵
بنگال ، پاد ، اندازه و شاخصهای بینی ، ۶۷۵
بنگال ، کیاستا ، اندازه و شاخصهای بینی ، ۶۷۵
بنگش ، ۷۰۴
بن لک ، بادیه نشینها ، ۲۸۰
بنوسر ، ۲۶۶
بنی اسرائیل ، ۶۹ ، ۳۰۵
بنیامین ، ۳۵۲
بنیامین ، اهل تودله ، ۳۵۱
بنی تمیم ، ۲۲۳ ، ۲۲۴ ، ۲۳۱ ، ۲۳۶ - ۲۳۷ : از بنی هردن ، ۲۳۰
بنی چولان ، ۱۳۱
بنی خالد ، ۲۲۷
بنی خصرج ، ۲۳۳
بنی ربیعہ ، ۲۳۳

۸۵۴ - مردم شناسی ایران

- بنی رشید، از کمب ۲۲۸، از آل خمیس، ۲۳۲
- بنی سگاین، از بنی صالح، ۲۳۶، از بنی بمیم، ۲۳۶
- بنی صالح، ۱۰۰، ۲۲۷، ۲۳۶
- بنی طرف، ۱۰۰، ۲۳۲، ۲۳۷
- بنی عبداللهی، ۲۵۶
- بنی عقبه، ۲۳۳
- بنی لام، ۱۰۰، ۲۲۴، ۲۳۲ - ۲۳۳، ۲۳۵
- بنی ملك، نگاه کنید به بنی تمیم
- بنی نهمه، از بنی هرون، ۲۲۹، از شرافه، ۲۳۶
- بنی هرون، ۲۲۹ - ۲۳۰
- بم، ۲۷۵، جمعیت، ۲۷۹ با قبایل بادیه نشین در، ۲۷۹
- بم شهرستان، ۳۰۳
- بمبئی، مجموعه پاریسی، ۳۳۴
- بمپور، ۲۸۱، ۲۸۴، ۲۸۶، ۲۹۰، آب و هوا، ۲۸۲
- بواز، از ۶۱۹ به بعد.
- بوالی، ۲۱۹
- بوچکچی انکالی، ۲۷۹
- بوچکچی خروسعلی، ۲۷۹
- بوچکچی سرسیدعلی، ۲۷۹
- بوچکچی قره علی، ۲۷۹
- بوچکچی نوکی، ۲۷۹
- بوهدلی، ۴۲، ۱۵۷
- بورها، از بین ارامنه، ۱۳۶، بین ارانیان، ۱۳۱، از بین فارسیها، ۱۳۹، ۱۶۱، از بین چانکیها،
- ۷۸، از بین یهودیها، در اروپای مرکزی، ۱۶۶، در آلمانه کتاب مقدس، ۱۶۶، از بین کردها، ۱۶۸ - ۱۶۹، از بین کردها، ۱۵۰۸، ۴۹۶، در کناره، ۴۵۹، ۴۷۰، در ایران، ۱۱۵، در کردستان، ۱۶۸ - ۱۶۹
- بوسالی، ۴۲، ۱۵۷
- بوستن موزه هنرهای زیبا، ۳۳۵
- بوسی، ۵۹
- بوشهر، اطلاعات گردآورده در باره اندازه گیری بدن انسان، ۶۱۰، آب و هوا، ۲۳۸ - ۲۳۹، یهودیها در، ۳۳۹، ۳۵۰، جمعیت، ۲۵۳
- بوشهر، شهرستان، ۳۰۲
- بورانزائی، ۲۸۹
- بورلی، ۲۶۷
- بوریه (آل بوبری)، ۲۲۷
- بوطاهری، شاخص سر، ۶۴۲
- بوکینیچ، ۶۹۳
- بوسگدانف، ۶۱۷
- بوسد، ۲۶۳
- بوسگوا یا اولسنکی، ن. و. ۷۰۷
- بولاغی، ۲۵۶
- بولدیها، ۲۸۴
- بولز، کوردن، ۵، ۶۱۴، ۷۰۳ - ۷۰۵
- بولوردی، ۲۶۲
- بولی (بواو)، ۱۰۴، ۲۶۳
- بولی حاجی طهماسبخانی، ۲۶۳
- بولی زیرک، ۲۶۳

فهرست اعلام و مطالب - ۸۵۵

- بیت ابوالسعید ، ۲۳۷
 بیت ائمانه ، ۲۲۸ ، ۲۲۹
 بیت اخواین ، ۲۳۷
 بیت اسد (نصار) ، ۲۳۴
 بیت الفصیل ، ۲۲۸ ، ۲۲۹
 بیت الحاج ، ۱۰۰
 بیت العباس ، ۲۳۷
 بیت ثبیتی ، ۲۳۸
 بیت جده ، ۲۳۷
 بیت چنان (چنانه) ، ۲۲۳ ، ۲۳۴
 بیت حسین فیض ، ۲۳۶
 بیت خواطر ، ۲۲۸
 بیت رجب ، ۲۲۸
 بیت رحمان ، ۲۲۷
 بیت حاجی سلیم ، ۲۳۸
 بیت جبیشیه ، ۲۳۶
 بیت حرب ، ۲۳۷
 بیت حمدی ، ۲۳۷
 بیت حنظل ، ۲۲۷
 بیت خشکوری ، ۲۲۶
 بیت خلف ، ۲۲۹
 بیت دغیر ، ۲۳۷
 بیت دوپیا ، ۲۲۸
 بیت دیوان ، ۲۲۶
 بیت رزیج ، ۲۲۶
 بیت رما (المطروء) ، ۲۲۸
 بیت زباو ، ۲۲۸
 بیت زندگی ، ۲۲۵
 بیت زهاریه ، ۲۳۶
 بیت زهرا ، ۲۲۷
 بیت سخیر ، ۲۳۸
- بولی هاشمخانی ، ۲۶۳
 بونجی ، ۹۶
 بویر احمدی ، ۲۴۴ ، ۲۵۳ ، ۲۵۴
 ۲۶۲ ، ۲۶۵ ، ۲۶۶
 بهاءالدینی ، ۲۶۷
 بهادولو ، ۲۰۲
 بهارلو ، ۱۰۳ ، ۱۳۲ ، ۲۵۴ ، ۲۵۷
 بهاروند ، ۲۱۰ ، ۲۱۲ ، ۲۱۴ ، ۲۱۸
 ۲۲۶
 بهبهان شهرستان ، ۳۰۲
 بهبهانیها ، ۲۲۳ ، ۲۳۹ ، ۲۵۴ ، ۲۵۰
 بهتولی ، ۲۰۴
 بهداشت ، در بین اهالی مازندران ، ۱۱۳
 ۲۰۰ ، امراض ، ۴۵ ، ۱۹۵
 ۱۹۹۶ نیز نگاه کنید به بهداشت
 عمومی
 بهداشت عمومی ، در ایران ، ۳۶
 بهرام آباد ، ۲۷۸ ، ۲۷۹
 بهرام خان برانزائی ، ۲۸۶
 بهلولی ، ۲۵۵ ، ۲۵۹ ، ۲۶۴ ، از
 باصریها ، ۲۵۹ ، از اعراب
 جباره ، ۲۵۵ ، از قشقائی ، ۲۶۴
 بهمائی ، ۲۴۴
 بهمن بیگلو ، ۲۶۴
 بهیاری ، ۲۶۶
 بیابان ، ۲۶۹ ، ۲۷۰ ، جمعیت ، ۲۷۳
 بیات ، از آئین لو ، ۲۵۶ ، از قشقائی ،
 ۲۶۴
 بیات ها ، ۱۳۱ ، ۱۳۲
 بیانا ، اطلاعاتی در باره اندازه گیری
 جمجمه ، ۳۱۰

ن - مردم شناسی ایران

- بیت سداه ، ۲۳۸
 بیت سعاد الكثير ، ۲۲۶ ، ۲۳۱ ، ۲۳۲
 بیت سعید ، ۲۳۷
 بیت سلطان ، ۲۳۸
 بیت سمک ، ۲۳۸
 بیت سونهر ، ۲۲۷
 بیت سه ، ۲۳۴
 بیت سیاح ، ۲۳۷
 بیت سید بدر ، ۲۳۷
 بیت سید علی طالقانی ، ۲۳۸
 بیت سید مهدی ، ۲۳۸
 بیت شاهینه ، ۲۳۸
 بیت شایه ، ۲۳۴
 بیت شیب ، ۲۳۸
 بیت شیب السلیم ، ۲۳۴
 بیت شخالی ، ۲۳۸
 بیت شریفه ، ۲۲۸
 بیت شمو خلیه ، ۲۲۶
 بیت شموس ، ۲۳۶
 بیت شیاه ، ۲۳۰
 بیت شهاب ، ۲۳۶
 بیت شیخ احمد ، ۲۳۷
 بیت صفی ، ۲۳۸
 بیت صندل ، ۲۳۸
 بیت صویر ، ۲۲۸
 بیت طرفه ، ۲۲۶
 بیت عباس ، ۲۳۷
 بیت عبوده ، ۲۲۹
 بیت عثمانیپ ، ۲۳۷
 بیت عزیز ، ۲۲۸
 بیت عقار ، ۲۲۸
 بیت علوان ، ۲۲۶
 بیت علویه ، ۲۳۷
 بیت عمیر ، ۲۳۲
 بیت عواجه ، ۲۳۸
 بیت عوامیر ، ۲۲۹
 بیت غنیم ، ۲۳۵
 بیت فرج الله ، ۲۳۲
 بیت هرهود ، ۲۲۸
 بیت قضبان ، ۲۲۸ ، ۲۲۹
 بیت کرم الله ، ۲۳۲
 بیت کریم ، ۲۳۱ ، ۲۳۲
 بیت محارب ، ۲۳۸
 بیت محاوی ، ۲۳۸
 بیت محیدی ، ۲۲۸
 بیت مزارعه ، ۲۳۷
 بیت مواجد ، ۲۲۹
 بیت منایشید ، ۲۳۷
 بیت نصار ، از بنی لام ، ۲۳۴ ، از بنی طرف ، ۲۳۸
 بیت نصیر ، ۲۲۷
 بیت نواصر ، ۲۲۷
 بیت وشاش ، ۲۳۸
 بیجار ، شهرستان ، ۳۰۲
 بیجاوند ، ۲۱۲
 بیجاره ، ۲۷۹
 بید ، درخت ، ۱۹ ، ۲۲۰
 بیراوند ، در خوزستان ، ۲۲۶ ، در لرستان ، ۲۰۷ ، ۲۰۹ به بعد ، ۲۱۴ ، ۲۱۸
 بیراهنه ، ۲۳۶
 بیرجند ، ۲۹۱
 بیرجند ، شهرستان ، ۳۰۳

فهرست اعلام و مطالب

- بیروت، اطلاعاتی در باره اندازه گیری بدن انسان ، ۶۱۰ ، ۶۶۵
 بیزنجان، بادیه نشینها ، ۲۸۱
 بیستون ، ۱۸۲
 بیشاپ ، ایزابلا ، ۸۷
 بیگزاده ، ۲۸۹
 بیماری شناسی « پالولوژی » در ایران :
 اکندرو پلاسیا، ۱۷۸
 اختلال غده ها، ۴۳۰
 طاسی فرق سر ، ۵۲۶
 سیاه زخم ، ۲۴۸ ، ۲۹۵
 پریشانی حواس ، ۴۳۰
 استسقا، ۲۴۸
 جوش بغداد (سالک) ، ۸۷ ، ۱۹۶ ، ۲۹۵
 بری بری ، ۲۴۸
 تیغ زدن ، ۴۹۹
 جای زخم ، ۵۲۶ ، نگاه کنید به جوش بغداد
 دندان فساد ، ۳۱۷ ، ۱۱۷ در بین ده نشینان کناره ، ۴۶۲ در اسکلت تپه جمشیدی ۳۱۶-۳۱۷ ، در بین ده نشینان یزد خواست ، ۴۳۰
 آب مروارید ، ۳۵۸ ، ۴۲۸ ، ۴۶۰
 لك چشم ، ۳۵۷
 آبله مرغان ، ۲۴۸
 وباء ، ۱۹۵
 آماس ملتحمه ، ۳۵۸ ، ۴۲۸
 جوش خرما ، نگاه کنید به جوش بغداد گری ، ۴۳۱
 جوش دهلی ، نگاه کنید به جوش بغداد اسهال ، ۱۹۵
 دیفتری ، ۲۴۸
 اسهال خونی ، ۱۹۶ ، ۲۴۸ ، ۲۷۰
 سوء هاضمه ، ۲۴۸
 چشم امراض ، ۱۹۶ ، ۳۵۸ ، ۴۶۰
 مسعفه شهیدیه ، ۴۶۲
 تب : استخوان ، ۲۴۸ ، مالاریا ، ۲۷۰ ، ۱۲۹۵
 حصه ، ۱۹۵ ، ۱۲۹۱ ، پشه ، ۱۲۹۵
 منمك ، ۲۴۸ ، زرد ، ۲۴۸
 شکستگی ، ۴۹۹
 گیان تبسم ، ۱۷۸
 سوزاك ، ۱۹۶
 گزیدگی سنگ هار ، ۲۴۸
 فلج اطفال ، ۳۶۱
 آنفلوآنزا ، ۲۵۲
 بیماری عنیبیه ، ۲۵۸
 امراض کلیه ، ۲۷۰
 جذام ، ۲۶۸
 مالاریا ، مقاربت یهودیها و بومیان عربستان در مقابل ، ۱۶۷
 سرخك ، ۲۴۸
 نقص شده ها ، ۳۵۴ ، ۳۶۱
 منگو لیزم ، ۱۷۸
 لال بودن ، ۴۳۱
 کوتوله شدن ، در اثر نقص غده ها ، ۳۵۴
 ۳۶۱ ، ۳۷۴
 طاعون ، ۲۴۸
 سرخچه ، ۲۴۸
 بیماری پوست سر ، ۳۵۷ ، ۳۷۴
 آماس کیسه ای ، ۳۶۱
 آبله ، ۱۹۵ ، ۲۴۸ ، ۲۷۰ ، ۲۹۱ ، ۳۶۱ ، ۴۳۱ ، ۴۶۲ ، ۴۹۹ ، ۵۲۴ ، ۵۲۵
 ۵۲۶
 سفلیس ، ۱۹۶ ، ۳۶۱ ، ۴۳۱
 گزاز ، ۲۴۸
 تراخم ، ۲۷۰ ، ۴۲۸
 امراض مناطق حاره ، ۱۹۶

- سل، ۱۹۶
 تیفوس، ۱۹۵، ۲۳۸، ۲۹۱
 امراض مقاربتی، ۲۴۸، ۲۷۰، ۲۹۱، ۲۹۵
 بیماری، ۲۶۷
 بین‌النهرین، جمجمه، فقدان مختصات
 مغولها و سیاهپوستها، ۳۲۰
 مدیترانه‌ها در، ۳۱۹، روابط با
 ایران، ۳۱۸
 بینی، در آریانه‌های تخت جمشید، ۱۱۸۹
 در کردها، ۱۱۱۳، در سامریها،
 ۱۶۲، در شوشها، ۱۶۲
 بینی شاخص و رابطه آن با آب و هوا،
 ۶۸۷-۶۸۸
 بینی نیمرخ، ۳۰۷، ۶۸۵-۶۸۷،
 مهمترین خصوصیت جسمانی در
 جنوب غربی آسیا، ۳۱۰، ۱۳۱۲
 نوع ارمنی، هندو افغان، ۱۶۴
 گروههای ایران و عراق، ۶۸۶-
 ۶۸۷، گروههای ایران، ۵۵۴-
 ۵۵۵، در ارتباط با خصوصیات
 جسمانی، ۵۶۵-۶۰۱، در نوع
 سردر از فلات ایران، ۶۰۸-۶۰۹
 در نوع سرگرد فلات ایران، ۶۰۹-
 در یهودیهای اصفهان، ۳۵۸-
 ۳۵۹، ۳۷۰، درده نشینان کناره،
 ۴۶۱، ۴۷۱، در کردها، ۱۳۷
 در لرهای پشت کوه، ۴۹۷-۴۹۸
 در انواع مدیترانه، ۴۳۹، ۵۰۶
 ۶۰۲-۶۰۳، ۶۰۴-۶۰۶، در
 یهودیهای کوهستان، ۴۲۱، ۴۲۲
 در تاجیکهای کوهستانی، ۱۱۸۷
 در پامیر (ایرانی)، ۱۶۲-۱۶۳
 در مدیترانه‌های بدوی، ۶۰۳-۶۰۴
 در بادیه نشینان روله، ۶۸۷، در
- ترکها، ۱۱۶۳، درده نشینان یزد
 خواست، ۴۲۸-۴۳۹، ۴۲۹
- پابلیسی، ۱۰۴
 پاپی، ۲۱۱، ۲۱۵، ۲۱۸، ۲۲۶
 پاتان وانچی، عرض فکین، ۱۶۶۳، عرض
 دو گونه، ۱۶۵۹، شاخص سر، ۶۴۸
 اندازه‌های سر، ۶۳۴، ۶۴۰
 پاتانها، سخنگویان پشتو، ۱۳۹، ۷۰۳
 شاخص سر، گروهها، ۶۲۹
 اندازه‌های سر، گروهها، ۶۳۰
 ۶۵۲، حداقل قطر پیشانی،
 گروهها، ۱۶۵۱، عرض و طول بینی،
 گروهها، ۶۷۳
 پاتیشووارا، ۴۱
 پاتیشوریا، ۴۱
 پادروند، ۲۱۲، ۲۱۵
 پاراتاگین، ۱۵۰
 پاراتاگنی (پراتاگنی)، ۴۲، ۱۵۷
 پاراتاوا = پارتها، ۱۸۲
 پارتنی، جمجمه، ۳۰۶
 پارتیها، جمجمه، اندازه‌های سر، ۸۵-۸۶
 پارتیها، ۱۳۳، ۱۷۱، ۱۸۲، شاخص سر،
 ۱۸۳، اولاد، ۱۳۳، ایران زیر
 خلبه، ۳۲
 پارتیها قبرستان، جمجمه سیاهپوستان در
 ۱۴۲
 پارس، ۱۷۱
 پارسا، ۲۹
 پارسوا (پاروسا)، ۲۹، ۱۸۲
 پارسواس، ۱۸۲
 پاریسیوانها، ۷۰، ۱۶۱
 پاریز، قبایل در، ۲۸۰
 پاریس، مؤسسه دیرین شناسی انسانی،
 ۳۲۴

فهرست اعلام و مطالب - ۸۵۹

- پازوکی‌ها (پازکی‌ها) ۱۳۳، تاریخ قبیله
۱۳۳-۱۳۴
- پاسارگارد (پازارگارد) ۲۴۷، ۴۰
- پاسارگاده‌ها، قبایل، ۳۹
- پاسگیر، ۲۶۴، ۲۶۲
- پامیر قبایل، ۷۰۸
- پامیر، قبایل کاک، چای، ۱۳۱
- پامیری (ایرانی)، ۱۶۲-۱۶۳
- پانتیو کف، ۱۱۸-۱۲۰، ۱۲۴، ۶۲۰ به بعد
- پان‌چائو، ۱۷۵
- پانی-پاؤنی (پشته)، عرض فکین، ۱۶۶۳
شاخص سر، ۶۴۸، طول کل صورت،
۶۷۰؛ اندازه‌های سر، ۶۳۴،
۶۴۰، قد، ۶۲۱
- پانی-کاکر پاتان‌ها، ۱۶۴
- پپاتی، ۲۶۵
- پدرسن، دورتی، ۱۱۵
- پرات، آیدا، ۶
- پرتی، ام، ۵۲
- پرچان، ۲۸۱
- پرستوف، یوجین، ۱۸۷، ۶، ۷۰۷
- پرشیاء، معنی کلمه، ۱۳
- پرندگان، در فارس، ۲۴۷؛ در ایران، ۲۶
- پروتر-بی، ۵۴
- پری، آریت، ۲۶۹
- پریچارد، ج. سی.، ۴۴، ۵۰
- پریکانی، ۲۸۱
- پسک‌دوره، اطلاعاتی درباره اندازه گیری
بدن انسان، ۶۵۹
- پشت کوه، ۹۸-۹۹، ۲۶۵، ۲۸۰؛ اطلاعاتی
درباره اندازه گیری بدن انسان،
۶۱۷ به بعد؛ مرزها، ۲۰۷؛
رمین، ۲۰۷
- پشت‌مدری، ۲۸۰
- پشتو (پختو)، زبان، ۷۰۴، ۱۴۹
- پشتون (پختون)، ۱۴۹
- پشم، ۲۶۰
- پشه‌مالاریا (آنوفل)، ۴۳۰
- پلاسجی، ۱۳۹
- پلنگ، ۲۴۱، ۲۷
- پلنگی، ۲۷۹، ۲۵۶
- پلودن، س، ۲۱۱
- پلوس، ۱۶۸
- پمپلی، آر، ۳۱۸
- پنبه، ۱۹۴، ۱۹۳، ۲۴، ۲۰، ۲۵۲، ۲۰۰
- پنتیاله‌ها، ۳۹
- پنجابی‌ها، شاخص بینی و رابطه آن با آب
وهوا، ۶۸۸
- پندژیکت، اطلاعاتی درباره اندازه گیری
بدن انسان، ۶۴۷، ۶۲۰
- پنسیلوانیا دانشگاه، ۳۰۶
- پنسیلوانیا دانشگاه، وزه، ۳۰۶، ۳۲۴،
۳۳۰
- پوارکف، ۶۲۱، ۶۴۸
- پوپ، آرتور اپهام، ۱۸۸، ۴۵۶
- پورپشاه، ۹۵
- پولار، ۷۲
- پهاری، ۷۰۶، ۷۰۵
- پهرین (بهرین)، ۲۶۶
- پهلوان، ۲۸۰
- پهلوی، رضاشاه، نگاه کنید به رضاخان
(رضاشاه پهلوی)
- پیبادی موزه (هاروارد)، ۵، ۱۱۲، ۶،
۳۰۶، ۳۲۴، ۳۳۰، ۶۱۵، ۷۰۳
- ۷۰۸
- پیتارد، اوزن، ۶۱۹ به بعد
- پیراسلامی، ۲۵۵
- پیرحسن عبدالله، ۲۶۵

ن

- پیرساده، ۲۱۱
 پیرو دینی، ۲۶۵
 پیر مراد لو، ۲۸۰
 پیش گوه، ۲۱۷، ۲۰۷، ۹۸
- تا احمدی، ۲۶۷
 تات، سخن گفتن به لهجه ایرانی، ۱۸۸، نیز نگاه کنید به طالش
 تاتارها، ۱۳۷-۱۳۸، ۱۶۴، شاخص سر، ۶۳۳، اندازه‌های سر، ۶۳۳، ۶۳۵، ۶۳۸، در ایران، ۱۸۸، خراسان، ۱۰۷، مهاجرت، ۱۳۵، شاخص بینی، ۶۸۳، شباهت با یهودیهای گرجی، ۱۴۱۶، قد، ۶۱۹. نیز نگاه کنید به تاتارهای آذربایجان، تاتارهای کریمه
- تات بیگلو، ۲۶۹
 تاتوزائی، ۲۸۹
 تات‌ها، سکنه اولیه در شمال غربی ایران، ۱۵۶ از قفقاز، ۱۸۸، شاخص سر، ۶۴۶، ۱۲۹، خصوصیات جسمانی، ۶۰
- تائی، ۲۵۶، ۲۵۹
 تاجیکها، ۱۵۹، ۱۶۰-۱۶۱، ۱۶۳، شاخص سر، ۷۶، ۱۶۷، ریشه کلمه، ۱۷۲، تقسیمات، ۱۶۷، در افغانستان، ۷۰-۱۷۱، در بلوچستان، ۱۶۸، ۱۷۴، در هرات، ۱۴۹، در ایران، ۷۴، ۷۶، ۱۶۸، در خراسان، ۱۰۸، ۱۱۳، ۳۰۰، در سیستان، ۱۰۴، ۱۲۹۰ موقعیت در آسیا، ۵۰، نام بعضی گروههای شرقی ایران، ۵۴، اصل نام، ۵۶، ۷۰-۷۱، خصوصیات جسمانی، ۵۷، قد،
- ۱۶۸، ایرانیان مغرب، ۵۷
 نیز نگاه کنید به تاجیکهای اتحاد جماهیر شوروی
 تاجیکهای گوهستانی، اندازه‌ها و شاخصها ۱۸۷-۱۸۸
 تاجیکها، ۱۶۳، ۱۶۸، ۱۸۷، عرض دو گونه ۱۶۵۸، شاخصهای سر، ۱۲۸، ۱۲۹، ۶۴۶، اندازه‌های سر، ۶۳۳، ۶۳۸، اندازه‌ها و شاخص بینی، ۶۷۷، ۶۷۹، ۶۸۳، قد، ۶۲۰
 تاجتادشی (اجتاوسکن-تاجداوچی)، ۳۱۸، نماینده جدید هیتی‌ها، ۱۷۳، عرض فکین، ۶۶۲، عرض دو گونه، ۶۵۸، شاخص سر، ۶۴۵، اندازه‌ها و شاخص صورت، ۶۶۶، ۶۶۹، شاخص پیشانی و آهیانه، ۶۵۴، اندازه‌های سر ۶۳۲، ۶۳۷، حداقل قطر پیشانی ۶۵۴، قد، ۶۱۷، شاخص گونه و پیشانی، ۶۵۸
 تاتار، اصل نام، ۱۴۸
 تارمچی، ۲۶۷
 تارین، ۱۶۴
 تازی، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۷۲
 تالگرن، م.ا، ۱۸۷
 تامرادی، ۲۶۷
 تامسن، آرثر، ۶۸۷
 تامس، برترام، ۶۱۳، ۶۳۰، ۶۴۲
 تاوارجانویچ، س، ۶۱۹، به بعد
 تاهوگانی، ۱۷۴
 تاهوکی، ۱۷۴
 تبریز ترکهای، ۲۷۸
 تبریز شهرستان، ۳۰۲
 تبریز، نسطوریان ساکن، ۹۷، جمعیت،

فهرست اعلام و مطالب - ۸۹۱

- ۱۷۶
تپه بدهره، اسکتی از ۳۱۷
تپه جمشیدی، مجموعه در، ۳۱۶
تپه حصار، نوع آلیی در، ۳۱۳، مجموعه
آسیائی در، ۳۰۷، انواع مجموعه،
۳۱۱، ۳۱۲، اطلاعاتی درباره
اندازه گیری مجموعه، ۳۱۰، ۳۱۱،
حرفتهای فرهنگی، ۳۱۳،
مجموعه اسلامی در، ۳۰۷، ۳۰۹،
مجموعه مدیترانه، ۳۱۲، ۳۱۳،
منولی، ۳۱۳، مجموعه سیاهپوست
در، ۳۰۷، نژاد سیاهپوست در،
۳۱۳، نور دیک در، ۳۱۲، ۳۱۳،
پارتی در، ۳۰۶، مجموعه مدیترانه
اولیه، ۳۰۶، ۳۰۷، مجموعه
نور دیک اولیه، ۳۰۶، ۳۰۷، نور-
دیک اولیه در، ۳۰۷، مجموعه
استرالیائی نماد، ۳۰۷، ۳۰۹،
مجموعه ساسانی در، ۳۰۶، مطالب
مربوط به استخوان بندی، ۳۰۵،
۳۰۶، دو نوع نژاد، ۳۱۱، ۳۱۲،
تپه ژبان، مجموعه در، ۳۲۲، اطلاعاتی در
باره اندازه گیری مجموعه، ۳۲۲
تجامیر، ۲۱۳
تخت جمشید، خصوصیات آریانیها، ۱۸۹،
مجموعه، ۳۳۴، نوع ایرانیان
خالص، ۱۳۹
تراکمه، ۶۷
تربت حیدری، شهرستان، ۳۰۳
تربور، ازخمس، ۲۵۶، ۲۵۹، ازقشقالی،
۲۶۵
تربور چهاربانچه، ۲۵۵
ترک، ۲۵۱، ۲۹۲
ترک، اختلاط در طهران، ۱۳۱
- ترک، اطلاعاتی درباره اندازه گیری بدن
انسان، ۶۱۸، به بند
ترک، ایرانیها در، ۱۸۸، یهودیها در،
۴۱۸
ترک زبان، ۱۴۰، ۱۷۹، ۱۳۶
ترک زبان، قبایل در ایران، ۱۰۲، ۴۹،
۱۳۵، ۱۰۳
ترک، عناصر، در میان تاجیکها، ۱۶۷، در
ایران، ۱۲۶، ۱۶۷
ترک، قبایل ایران، ۱۱۴
ترک، قبایل در فارس، ۱۷۹، در ایران،
۱۳۱-۱۳۳، ۱۴۶، در لرستان
۱۷۷
ترک، قبایل و طوایف، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۴۰،
۲۵۵، ۲۰۲، ۲۵۸-۲۵۷
ترکان سلجوقی، ۱۶۳، ۱۷۶
ترکها، اختلاف با فارسها، ۱۹۸، تقسیمات
۱۶۴، در ایران، ۱۶۱، ۱۹۷، به بند،
۲۵۶ به بند، در قزوین، ۱۹۷،
درمازندران، ۲۰۰، در ایالات
شمال و شمال غربی، ۱۹۷، ۱۹۸،
مهاجرت، ۱۶۳، اصل، ۱۹۸،
خصوصیات جسمانی، ۱۶۳، ۱۶۴
۱۷۹، ۱۹۸، جمعیت و اصل و
منشأ، ۱۹۷-۱۹۹، مجموعههای
مقایسه شده با مجموعه کبرها،
۱۲۷، قبایل، ۲۰۲-۲۰۳،
۲۸۰
اطلاعاتی در باره اندازه گیری بدن
انسان، عرض فکین، ۶۶۲،
عرض دو گونه، ۶۵۷-۶۵۸،
شاخص سر، ۶۴۴-۶۴۵،
اندازههای صورت، ۶۶۶، ۶۶۹،
شاخص پیشانی و آهیانه، ۶۵۳،

۸۶۴ - مردم شناسی ایران

- اندازه‌های سر، ۶۳۱، ۶۳۷،
 حداقل قطر پیشانی، ۶۵۳، قد
 نشسته، ۶۲۴، قد ۱۷۷، شاخص
 گونه و پیشانی، ۶۵۷
- ترکمن گروه‌های، عرض دو گونه، ۶۵۷،
 شاخص سر، ۶۴۲، اندازه‌ها و
 شاخصهای صورت، ۶۶۵، ۶۶۸،
 شاخص پیشانی و آهیانه، ۶۵۳،
 اندازه‌های سر، ۶۳۱، ۶۳۶،
 حداقل قطر پیشانی، ۶۵۳، قد
 نشسته، ۶۲۴، قد ۱۷۷، شاخص
 گونه و پیشانی، ۶۵۷
- ترکمن‌ها، ۱۰۸، ۱۳۹، ۱۳۹، ۷۰۳، تاریخ و
 رسوم، ۶۷ - ۶۷، در آسیای
 صغیر، ۱۶۳، در استرآباد،
 ۱۹۹، در گیلان، ۱۷۴، در
 ایران، ۹۰-۹۱، ۱۴۳، ۱۶۲،
 ۳۰۰، در خراسان، ۱۴۴،
 ۱۷۹، ۲۹۵، در مازندران، ۷۴،
 ۱۹۹، - ۱۲۰۰، در ماوراءخزر،
 ۱۴۳، در ترکستان، ۱۶۳، نسبت
 خصوصیات جسمانی با آرمینیا،
 ۱۳۵، مجموعه‌های مقایسه شده
 با مجموعه‌های گبرها، ۱۲۷،
 تنوعات فرعی در نوع خالص
 ایرانی، ۱۴۰، قبایل و اهالی،
 ۱۴۳، ۷۴، ۱۴۶، ۱۷۳، ۲۵۹،
 ۲۹۶، ۲۹۸
- اطلاعاتی در بساطه اندازه‌گیری
 بدن انسان، عرض فکین، ۶۶۲،
 عرض دو گونه، ۶۵۷، شاخص‌های
 سر، ۱۲۹، ۶۴۲، ۶۴۷، ۶۴۹،
 اندازه‌های صورت، ۶۶۶، ۶۶۹،
 شاخص پیشانی و آهیانه، ۶۵۳،
- اندازه‌های سر، ۶۲۰، ۶۵، ۶۳۲،
 ۶۳۷، ۶۳۸، حداقل قطر پیشانی،
 ۶۵۳، اندازه‌های بینی، ۶۷۶،
 ۶۷۹، ۶۸۲، قد نشسته، ۶۲۴،
 قد، ۶۱۸، شاخص گونه و پیشانی،
 ۶۵۷-۸۵۶، شاخص گونه و فک،
 ۶۶۲
- ترکها، ۶۷، ۱۰۸، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷،
 ۱۴۳، ۱۶۲، ۱۶۸، ۱۷۳، ۲۲۴،
 ۲۲۵، ۲۹۱، ۲۹۵، اختلاط
 با بلوچی‌ها، ۱۶۸،
 ترکان خراسان، ۱۲۰۰، در فارس
 و بنادر خلیج، ۲۴۹، ۲۵۱، در
 خراسان، ۱۱۰۰، ۱۴۴، ۲۹۵،
 ۲۹۹-۳۰۰، در سیستان، ۲۹۲،
 مهاجرت، ۱۷۷، خصوصیات
 جسمانی، ۱۶۹، نسبت با تاتارهای
 آذربایجان، ۱۳۵، قبایل و
 طوایف در ایران، ۵۱، ۷۶، ۸۸،
 ۸۹، ۹۰، ۱۰۳، ۱۳۲، ۱۳۳،
 ۱۶۳، ۲۷۸، ۲۹۹ - ۳۰۰،
 نیز نگاه کنید به افشار،
 گرایلی، تبریز ترکهای
- ترکستان (شوروی)، اطلاعاتی در باره
 اندازه‌گیری بدن انسان، ۶۲۰،
 مطالعاتی درباره اندازه‌گیری بدن
 انسان، ۷۰۷، ۷۰۸، مدیترانه‌ها،
 در ۱۳۱۹ شش مجموعه در، ۳۱۸
- ترکمن‌دشت، در عصر مفرغ، ۳۱۶، خصائص
 جسمانی ساکنین، ۱۷۳
- ترکمن عربهای، عرض دو گونه، ۶۵۷،
 شاخص سر، ۶۴۳، اندازه‌ها و
 شاخص‌های صورت، ۶۶۶، ۶۶۹،
 شاخص پیشانی و آهیانه، ۶۵۳،

فهرست اعلام و مطالب - ۶۹۳

- شکل سز ، ۶۳۹ ، اندازه‌های
 سر ، ۷۴ ، ۶۳۱ ، ۶۳۷ ، ۶۴۰ ،
 حداقل قطر پیشانی ، ۱۶۵۳ ، اندازه
 و شاخه‌های بینی ، ۶۷۶ ، ۶۷۸ ،
 ۱۶۸۱ قد نشسته ، ۶۱۷ ، ۶۲۳ ،
 ۱۶۲۰ شاخص گونه و پیشانی ،
 ۱۶۵۷ شاخص گونه و فک ، ۶۶۲
- توابعه ، ۲۶۲
 توت جنگلی ، ۱۹
 توتکی ، ۲۶۶ ، ۲۶۹
 توخاریک ، زبان ، ۱۵۵
 توخی ، ۷۲
 توخی بلوچ ، ۲۸۸ ، ۲۹۲
 توسه ، درخت ، ۱۹
 تورانی ، نژاد ، ۱۲۹
 تورانی‌ها ، نقص منفر سر ، ۱۸۶ ، تماس با
 آریائی‌ها ، ۱۷۰ - ۱۷۱ ،
 اندازه‌های سر ، ۱۶۵ ، ۱۵۴ ، در ایران
 ۱۵۶ ، ۱۸۴ ، السنه ، ۱۸۶ ، قبایل ،
 ۱۵۷ ، اقوام منغولی تورانی زبان ،
 ۱۷۰
- تورنگ تپه ، جمجمه در ، ۳۳۴ ، اطلاعاتی در
 باره اندازه گیری جمجمه ، ۳۲۵ ،
 ۱۳۲۶ شرح سطح‌ها ، ۳۲۵ ، آهن
 در ، ۳۲۵ ، مطالب مربوط به
 استخوان بندی ، ۳۰۵
 توروالی‌ها ، در نسبت با مردم ایران و عراق ،
 ۱۸۷
 توکاک ، ۲۶۶
 تولایی ، ۲۱۸
 تولابیکی ، ۲۶۹
 تولار ، ۷۲
 تولامکی ، ۲۶۶
 توللی ، ۲۶۴ ، ۲۶۹
 تولوزدانشگاه ، آزمایشگاه مردم شناسی ،
 جمجمه در ، ۳۲۲
 توماس ، وینفرد اسمیتن (خانم هومر) ، ۷ ،
 ۴۰۶ ، ۵۳۲ ، ۵۳۶
- تواری ، ۵۹
 تیرازمن ، ۲۶۶
 تیرتاج ، ۲۶۷
 تیرگر ، ۲۸۰
- ترگی ، ۷۲
 ترهان ، ۲۱۵ ، ۲۱۹
 تریاک ، ۲۵۲
 تفلیس ، ۱۴۹۹ ، اطلاعاتی در باره اندازه
 گیری بدن انسان ، ۶۱۹ ، بعد ،
 ایرانی‌ها در ، ۱۱۸۸ ، یهودی‌ها در ،
 ۴۱۸
 تکالو ، ۱۳۲ ، از بادیه نشینان اطراف و
 افشار ، ۲۸۰
 تکریتی ، ۲۵۶
 تکه ، عرض فکین ، ۱۶۶۳ ، عرض دو گونه ،
 ۱۶۵۹ ، شاخص سر ، ۱۶۴۷ ،
 اندازه‌های سر ، ۶۳۳ ، ۶۳۹ ، قد ،
 ۱۶۲۰ طول کل صورت ، ۶۷۰
- تل کافران ، ۲۲۳
 تلکه ، ۲۵۷
 تمیرخان چورا ، یهودی‌ها در ، ۴۱۸
 تمیل زبان ، به تناسب سرکوتاه‌های ایران ،
 ۱۸۶
 تمیندانی‌ها ، اصل ، ۲۸۹
 تنباکو (توتون) ، ۲۰ ، ۲۷۱ ، استعمال
 دخانیات در بین ده نشینان کناره ،
 ۴۵۷
 تنبالو ، ۲۶۲
 تنکابن ، ۱۲۰۱ برنج در باطلاها ، ۱۹۴
 تنگستان ، جمعیت ، ۲۵۴
 تنگ نودیانی ، ۲۶۷

- مردم شناسی ایران -

لیغ زدن (خونگیری)، ۴۹۹	۱۸۱ خصوصیات جسمانی، ۱۷۸
تیکولی بالا، ۲۶۷	قد، ۷۸
تیکولی پائین، ۲۶۷	جانی خانی، عربها، ۲۵۵
تیلاکو، ۹۵	جاور قبیلله، آسوری از، ۵۳۴-۵۳۶
تیمور، ۱۳۲ حرکت قبایل و طوایف بعد از	جاویدی (جوی)، ۲۶۵
غلبه، ۱۹۸، ۱۳۲، ۱۱۱، ۱۰۸، ۱۰۵	جاویدی دانگه، ۲۶۵
تیموریها، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۶۹، در قیاس با	جباره عربها، ۱۰۳، ۲۳۱، ۲۵۵، ۱۳۶
عربها، ۲۹۹، سیاه چهره، ۲۹۹	۲۷۳
در خراسان، ۱۰۸، ۱۴۳، ۲۹۶	جبر اچی، ۹۵
تعداد، ۲۹۹	جده، ۲۶۸
تیمونی (تیمانی)، ۱۱۰ در افغانستان،	جده، اطلاعاتی درباره اندازه گیری بدن
۱۴۹	انسان، ۶۳۳
ثوامیر، از قبیلۀ دریس یا عساکره، ۲۲۸	جراحی رودخانه، قبایل کنار، ۱۰۰
ثوامیر، از قبیلۀ محیسین، ۲۳۵	۲۲۴
ثور، ۲۲۸	جراله، ۲۲۶
جابری، ۲۵۵	جرف، ۱۰۰
جات، ۱۶۸، ۱۷۰، عرض فکین، ۱۶۶۳	جرمانی ها، ۳۰۳۹
مرض دو گونه، ۶۵۹، شاخص سر،	جرگانی، ۲۶۴
۱۶۴۸ اندازه های سر، ۶۳۳	جره، ۲۵۶
۶۳۰، طغیان، ۱۳۶-۱۴۷	جعفر بائی، ۲۹۸
جادر، ۲۳۴	جعفر بیگلو، ۲۶۴
جارچی، ۲۸۰	جعفر بیگی، ۱۰۴، نیز نگاه کنید به جده مر
جاسک، ۲۹۰	بیکلو
جافه، اطلاعاتی درباره اندازه گیری بدن	جعفری، ۲۳۰
انسان، ۶۴۴	جعیننی، ۲۸۰
جامه، ۲۲۷	جعفور، ۲۹۹
جامه بزرگی، از بهار لو، ۲۵۷، از قشقائی،	جلفا، ارمنه در، ۱۳۱
۲۶۴	جلال او، ۳۰۵
جالباز لو، ۲۶۲	جلالو، ۲۸۰
جان بیگی، ۳۰۰	جلالوند، ۹۶
جان کولی عشاقی، ۲۸۰	جلایر، ۱۱۰
جانگی ها، ۵۱، ۱۷۷ سفید پوستی، ۱۷۸	جاو، ۵۹
شاخص سر، ۱۷۸، اندازه های سر،	جلیسه جیو، ۱۵۰۸ نیز نگاه کنید به السیف
۱۷۸، اندازه های بینی، ۷۸	جلیلو نده، از کردهای کرمانشاد، ۹۶

فهرست اعلام و مطالب - ۸۶۵

- جلیلوند، از ایلات قزوین، ۲۰۴
 جمال بازری، ۲۸۰
 جمال بریز، بادیه نشینها در، ۲۸۰
 جمال زالی، ۲۹۲
 جمجمه، از اویتانالور، ۳۱۱، از الیشر،
 ۳۱۱ از العبید، ۳۱۱، از آناو،
 ۳۱۸، از بصره، ۳۱۳، از بیانا،
 ۳۱۰، از بمبئی، ۳۳۴، از قفقاز،
 ۱۲۸، از جنهو دارو، ۳۰۵
 ۳۰۷، ۳۳۵-۲۳۶، از کمبه کایل
 ۳۱۱، از همدان، ۳۱۳، از هراپا،
 ۳۱۸، از حصارک، ۳۱۰، از
 هندوها در موزه های اروپا، ۱۶۳،
 از قبرستان قلمه گیری، ۱۲۶-
 ۱۲۷، از کیش، ۳۱۰، ۳۱۱،
 ۳۱۸، از لرستان، ۳۱۶-۳۲۳،
 از مهنجودارو، ۳۱۱، ۳۱۸، از
 نال، ۳۱۰، ۳۱۸، از اوبرکاسل،
 ۳۱۱، از تخت جمشید، ۲۳۴، از
 ری، ۳۳۰ - ۳۳۳، از سیالک،
 ۳۲۴، از سیالکوت، ۳۱۰، از شاه
 تپه، ۳۱۵-۳۱۶، از شوش، ۸۵-
 ۸۶، ۳۲۴، از تپه بندر، ۳۱۷،
 ۳۲۲-۳۲۳، از تپه حصار، ۳۰۶
 ۳۰۹، از تپه جمشیدی، ۳۱۶-
 ۳۱۷، از تورنگ تپه، ۳۲۴-
 ۳۳۰، از اور، ۳۱۰، ۳۱۸، در
 موزه های امریکا، ۳۲۳-۳۳۴، در
 مجموعه ها و موزه های اروپائی،
 ۶۱-۶۳، ۱۲۶، ۱۲۷، در موزه
 تاریخ طبیعی رینه، ۳۱۳-۳۱۴
 آسوری، ۶۲، ۵۵، از بختیاری،
 ۵۲، از مصریها، ۴۲ - ۴۳،
 از کبرها، ۶۳، ۱۲۶ -
- ۱۱۲۸، از ایرانیها، ۵۵، از
 یهودیهای قرون وسطی، ۶۲، از
 پارسیها، ۱۳۳۴، از پارسیها، ۸۵-
 ۱۸۶، از ایرانیها، ۱۲۵-۱۲۶،
 از ایرانیها (هخامنشی)، ۴۲-
 ۴۳، ۵۱، از سامیها، ۶۲، ۵۴
 جمجمه مصنوعی، نگاه کنید به جمجمه
 مصنوعی ناقص
 جمجمه مصنوعی ناقص، ۱۳۶، ۸۶، ۱۷۷،
 ۱۸۷-۱۸۸، ۳۴۵، ۵۳۳،
 ۶۵۵
 جمشیدیهها، ۱۱۰، ۹۰
 جمشیر زالی، ۲۸۸
 جمعه لو، ۲۰۳
 جمعیت ایران، ۹۰ - ۱۶۱، ۹۱ - ۱۶۲،
 ۱۶۷-۱۶۸، از بین انواع اصلی،
 ۳۱۹-۳۲۰، ۶۰۸ - ۶۰۹،
 ۷۰۳، اندازه ها و شاخصها، در
 مقایسه با ملل همسایه، ۶۱۶ به بعد،
 وضع نژادی، ۶۹۸-۷۰۹، نیز
 نگاه کنید به یهودیهای اصفهان،
 روستائیان کنار، لرها، حسنقلی
 خان، کارگران ری، روستائیان
 یزدخواست
 جمعیت در ایران، درباره آمارها، ۳۷-
 ۳۸، ۴۴-۴۶
 جناده، ۲۳۴
 جنام، ۲۳۲
 جنگلها، در ایران، ۱۹-۲۰، ۱۹۲، ۲۷۴،
 جنگلیها، ۲۰۱
 جو، کشت، ۲۱۰، ۲۰۴، ۱۹۲، ۲۱۰،
 ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۹، ۲۱۹،
 ۲۳۶، ۲۵۲، ۲۶۹، ۲۷۱
 جوار، ۲۱۲

۸۶۶ - مردم شناسی ایران

ایران، ۸۸-۹۲، ۹۳-۹۶، ۹۶-۱۰۲
 - ۱۱۲، ۱۰۳ - ۱۱۳، ۱۱۴ - ۱۳۱،
 - ۱۳۴، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱،
 ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷،
 ۲۰۰-۲۰۱ به بعد، چهار پایان
 متعلق به، ۲۵
 چادرها، متعلق به لرها، ۲۰۹
 چارایمک، نکا، کنید به چهارایمک
 چاری، ۲۱۲
 چاف، ۲۳۴
 چانگ چی ان، ۱۷۵
 چای، ۲۴
 چایان، ۲۵۷
 چبالسطاطه، ۲۳۲
 چبالگبان، ۲۲۷-۲۳۱، ۲۳۵
 چبر، ۲۸۴
 چپورکوسکی، ای، ۶۱۹
 چرا به، ۲۸۰
 چراری، ۲۱۹
 چراسی، ۲۳۰
 چراکن - محمره، ۱۸۱
 چرپا، ۲۹۸
 چرکس، شاخص سر، ۶۴۶ در فارس، ۲۵۰
 چمرنگ، ۲۱۱
 چرموک (چوموک)، یهودیها در، ۳۰۶
 چروم، ۲۳۱
 چشم رنگ، ۳۴۴
 چغز، ۲۶۴
 چغندر، کشت، ۲۳
 چنغر، ترکمنها، ۲۹۸
 چکالوندتاری، ۲۱۱
 چگینی، ازبالاقریه، ۲۱۱، ازمرهای
 جباره، ۲۵۵، از قشقایی،
 ۲۶۴

چواچشویلی (چواشیشویلی)، ۶۱۷، ۴۱۶،
 ۶۴۵
 جوانمند، ۲۱۳
 جوجه تیغی، ۲۴۲
 جوجه وند، ۲۱۱
 جوچین، ۲۵۹
 جهوره، تسخیر ویرا کندگی یهودیها، ۴۱۸
 جوهرکی، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۷
 جوده، ۲۲۹، ۲۳۵
 جوزری، ۲۶۶
 جوگون، ۲۶۵
 جولاجری، ۲۸۰-۲۸۱
 جویرین، (جوارین)، ۲۲۸، ۲۲۹
 جويس، تی. ا.، ۶۷۰، ۶۸۴
 جو یصف (دیالم)، ۲۲۸
 جها ننگلو، ۲۰۱
 جها شاه لو، ۲۰۳
 جها نگیرزائی، ۲۸۹
 جی، ۱۳۵۲، یهودیها در، ۳۵۱، نیرنکا،
 کنید به شهرستان
 جیرانلو، ۲۶۲
 جیرفت، ۲۷۷، بادیه نشینها در، ۲۸۰
 جین، هوراس، ۳۰۶، ۳۲۴، ۳۳۰
 جاتری (جتری) طبقه، ۱۶۱۲ شاخص سر،
 گروهها، ۶۲۹؛ درازی سر و
 اندازه، گروهها ۶۲۹ - ۶۳۰
 حداقل قطری پیشانی، گروهها،
 ۶۵۲؛ اندازه های بینی،
 گروه بندیها، ۶۷۳
 چادر بافتن، ۲۶۰
 چادر نشین قبایل، ۷۶، ۶۷، ۲۲۴، در
 بین ایرانیان باستان، ۳۹-۴۰
 در بین مادها، ۴۱-۴۲؛ عادات
 و رسوم، ۱۴۴-۱۴۵، ۱۲۰۹ در

فهرست اعلام و مطالب - ۸۶۷

- چهار آيمك، ۱۲۹، ۱۳۹، ۱۴۹ در خراسان
۲۹۹، ۱۱۰، ۱۰۹
- چهار باغچه (چهار باغچه - چهار پنجه)
۲۶۶، ۲۶۵، ۲۵۶
- چهار پنجه، ۱۰۴
- چهارده چريك، ۲۶۲، ۲۵۷
- چهار راهی، ۲۵۱، ۲۴۹
- چهار لنگ، ۲۴۳
- چياتوری، محل مصر حجر، ۶۹۷
- چینی ها و ایرانیها، ۱۶۰، رابطه با
ایرانیها، ۱۷۲، هیتهای اعزامی
به مغرب، ۱۷۵
- حاتم خانی، ۲۱۲
- حاتم وند، ۲۱۲
- حاجی، ۲۱۲
- حاجی برانی، ۲۵۷
- حاجی جعفر بيك، ۲۵۹
- حاجی خانلو، ۲۵۷
- حاجی دولو، ۲۶۲
- حاجی محمد لو، ۲۶۲
- حاجی مسیح خان، ۱۰۳
- حاجی عطار لو، ۲۵۷
- حاجیلو، ۲۰۵
- حاجیها، ۲۱۲
- حافظی، ۲۸۰
- حامی (هامی)، ۳۲۰، ۷۹
- حامی اقوام افریقا، ۱۰۶۹۹، ۷۰۲-۷۰۱
- حامی انواع، از بین گروههای ایران
۶۰۷، ۴۳۹
- حامی قبيله، در مغرب آسایا، ۱۲۹
- حبشی ها، در آسیا، ۷۹، ۱۴۲، ۱۵۲
- ۱۸۵
- حبيله رود، ۱۹۲
- حجاج، ۲۳۴
- چنگینی (لر)، ۲۰۴
- چلبی، ۲۱۱
- چمبا، ایالت، ۷۰۵
- چناران، جمعیت، ۲۹۵
- چنانه، ۲۳۳
- چنگی، ۲۶۷، ۲۶۳
- چنگیز خان، تأثیر نژادی در ایران از جمله
۳۲، ۱۰۸، ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۷۷،
۲۹۹
- چنهدارو، ۳۳۵، استخوان بندی ار،
۳۰۵، مقایسه با نوع مدیترانه
اولیه، ۳۰۷، صورت غیر متجانس،
۳۳۵-۳۳۶، آثار سیاه پوستی،
۳۳۶، مدیترانه اولیه، ۳۳۶
- چوب، ۵۹
- چوبانکر، ۹۶۵
- چوئا، شکل سر، ۱۶۴، شاخص بینی، ۱۶۴
- نیز نگاه کنید به چوئه لوك
- چوئه لوك (چته لك)، عرض فكین، ۱۶۶۳
- عرض دو گونه، ۱۶۵۹، شاخص سر
۶۳۸، اندازه های سر، ۶۳۴،
۶۴
- چودر، ۱۷۳
- چودی، شاخص سر، ۷۴
- چودیرها، عرض فكین، ۱۶۶۳، عرض دو
گونه، ۱۶۵۹، شاخص سر، ۱۶۴۷
- اندازه های صورت، ۶۷۰، اندازه-
های سر، ۶۳۴، ۶۳۹، حداقل
قطر پیشانی، ۱۶۵۴، قد، ۶۲۰
- چورام، ۲۶۶
- چوراهی، ۷۰۵
- چورن، موسی، ۳۵۱
- چوگی، ۲۶۸
- چولائی، ۳۰۰

حمایه الطرفه، ۲۲۹	چراغی، شاخسب، ۶۴۲
حمل و نقل و ارتباطات در ایران، ۳۲	حزبه، ۲۲۸، ۲۲۹
۴۵، ۳۶	
حمودی، ۲۳۶، ۱۰۰	حز عبدالعالی، ۲۱۳
حمید السلیم، ۲۳۶	حسامی، ۲۶۸
حناء، استعمال، ۱۱۵، ۲۷۸، ۳۶۱، ۳۹۶	حسن بیگلو، ۲۵۷
۵۲۵	حسن زالی، ۲۸۸
حنائی، ۲۵۶، ۲۵۹	حسن خانی، ۲۷۹
حنائی کپه، ۶۹۸، اطلاعاتی درباره اندازه	حسن قلی خان، نگاه کنید به ارها، حسن قلی
گیری بدن انسان از، ۳۱۰	خان قبیله
حنفی، در ایران، ۳۵	حسنلو، ۲۰۵
حوثولان، ۹۶	حسنوند، ۲۱۷، ۲۱۵، ۲۱۳
حویته، شاخص سر، ۶۴۲	، هادی، ۱۷۲
حویزه، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۲۲۲، ۲۲۰	حسینی، ۲۶۷، ۲۵۶
۲۲۹، ۲۲۶	حسین آباد، اطلاعاتی درباره اندازه گیری
حیادیر، ۲۳۶، ۲۳۷	بدن انسان، ۵۲۵-۵۲۶، ۵۳۲
حیاش، ۲۲۸	۵۳۳
حیدرآباد بیهادر بلوچستان ایران، ۲۸۴	حسین احمدی، ۲۵۹
حیدرانلو، ۹۴	بین خان، ۲۱۳
حیدرلو، ۲۵۷	حسین خانلو، ۲۰۵
حیدری، ۲۳۰	حسین، س، ۶۱۳، ۱۰
حیوانات اهلی، در گرمسیر بختیاری،	حسیوند، ۲۱۲
۱۲۴۲ در فارس، ۱۲۶۰ در	حصارک، اطلاعاتی درباره اندازه گیری
بلوچستان ایران، ۱۲۸۸ در	جمجمه، ۳۱۰
قزوین، ۲۰۴، در خراسان،	حصیرها، از برگ خرما، ۴۲۴
۱۲۹۹ در خوزستان، ۲۲۳ به بعد،	حکمت، ع، ۱۱، ۳۰، ۱۰
در لارستان، ۱۲۶۹ در لارستان،	حلف، ۲۳۷
۲۱۷، ۲۱۰	حلوائی، ۲۸۰
حیوانات، در ایران، ۲۵-۲۴۱، ۲۸	حله، اطلاعاتی درباره اندازه گیری بدن
۶۹۵، ۲۴۲	انسان از، ۶۱۷ به بعد
حیوانات و جانوان، در ایران، ۲۵-۲۶	حیلان، نگاه کنید به حوالان
خارپوت، اطلاعاتی درباره اندازه گیری	حمام، ۲۱۲
بدن انسان، ۶۱۹ به بعد	حمایه (حمید، حمائد) (، ۱۰۰، ۲۲۶
خاردار، درختان، ۲۷۴	۲۲۹

فهرست اعلام و مطالب = ۸۶۹

- ۲۹۵، ۱۷۷، ۱۷۰-۱۶۸، ۱۴۷
 ۳۰۱
 خراسانی، ۲۸۰
 خرامیزه، ۲۲۹
 خربزه، ۱۹۲، ۲۴
 خرس خاکستری ایران، ۲۴۱، ۲۷
 خرم‌آباد، اطلاعاتی درباره اندازه گیری
 بدن انسان، ۶۱۳، ۶۲۵-۶۲۶
 به بند
 خرم‌آباد، اطلاعاتی درباره اندازه گیری
 بدن انسان، ۶۶، قبایل نزدیک، ۱۳۳
 خرم‌آباد، شهرستان، ۳۰۲
 خره شهر، ۳۰۲
 خزر اراضی، گاو میش آبی، ۱۹۳
 خزر ایالات، آب و هوا، ۱۹۵
 خزر دریا، ۱۱۹۲، ماهی در، ۱۹۳
 خزر (دیکسون) نوع، اطلاعاتی در باره
 اندازه گیری بدن انسان، ۳۱۱
 بحثی در باره اصطلاح، ۳۱۲
 خزر ساحل، ۱۵، ۱۱۹۲، مهاجرت در
 امتداد، ۶۹۰، ۶۹۱
 خزر (کاسپین) در ادوار باستان ساکنین
 فلات ایران، ۱۸۳، ۱۸۹
 خزرها، ۴۱۸
 خزرعل، شاخص سر، ۶۴۳
 خسروئی، ۲۵۶
 خسروئی، ۲۵۷
 خصرج، ۲۳۳، ۲۳۴
 خقاجائی، بادیه نشینها، ۲۷۹
 خفرگی، ۲۶۶
 خفروند، ۲۶۶
 خلج، ۱۱۴، ۱۳۱-۱۳۳، نیزنگاه
 کننده مزلقانی
 خلج، از قشائیهها، ۲۶۰، ۲۶۴
- خارک جزیره، ۲۴۷-۲۴۸
 خارگو جزیره، ۲۴۸
 خارها، ۱۹۲
 خاش، ۲۸۸، نگاه کنید به دشت
 خاش شهرستان، ۳۰۳
 خاش، نگاه کنید به دشت
 خاص (خاص)، ۲۶۵
 خالکوبی، در بین ده نشینان کنار، ۴۶۳
 در بین لرهای پشت کوه، ۱۵۰۰
 در بین کارگران ری، ۱۵۲۷ آسوری
 قبیله جاوور، ۵۳۴، کردی از
 کرمانشاه، ۵۳۲، اطلاعات ثبت
 شده، ۳۴۵
 خالو، ۲۸۱
 خان احمدی، ۲۵۵
 خان علی خان، ۲۶۵
 خانیکف، نیکلا . دو، ۴۴، ۵۲، ۵۳-۶۵،
 ۷۴
 خاویار ماهی، ۱۹۳
 خبیس، ۲۷۵-۲۷۶، ۲۷۸، بادیه نشینها
 در، ۲۷۹
 ختک‌ها، ۷۰۴
 خدلو، ۲۰۵
 خدور، ۲۸۰
 خراسان، ۲۹۳-۲۹۶، بورهادر، ۱۶۹،
 آب و هوا، ۲۹۵، امراض در،
 ۲۹۵، اوضاع جغرافیائی، ۲۹۴
 ۱۲۹۵-۱۲۹۹، چارپایان اهلی، ۲۹۹
 نیازمند به مطالعه اندازه گیری
 بدن انسان، ۲۹۹، جمعیت ۲۹۶
 خصایصی اولیه در ساکنین،
 ۵۸، درختان در، ۲۹۴، قبایل
 وطوایف، ۴۸، ۴۹، ۷۴، ۷۶، ۱۰۸
 - ۱۰۹، ۱۳۳، ۱۴۳، ۱۴۴

۲۱۹ - ۲۲۰ ، زمین شناسی ،
 ۲۱۹ - ۲۲۰ ، غلات در ،
 به بید ، تاریخ ، ۱۵۰ - ۱۵۱ ،
 حیوانات اهلی در ، ۲۶ ، ۲۲۳
 ۲۲۴ به بید ، اقدامات بهداشتی
 ۱۲۲۱ ، جمعیت ، ۲۲۳ ، مذهب
 در ، ۲۲۵ ، قبایل و طوایف ، ۹۹
 - ۲۲۵ ، ۱۰۱ - ۲۳۸
 خوزی ها ، ۱۱۴۲ ، شرح ، ۴۳ - ۴۴
 خوی شهرستان ، ۳۰۲
 خیار ، ۲۳ ، ۱۹۲
 خیر ، ۲۶۵
 خیر اقلو ، ۲۶۲
 خیر غلام ، ۲۱۲
 خیمر فارسیوان ، ۲۹۲
 داد اقا ئی ، ۱۰۴
 داد خدازائی ، ۲۸۹
 داد خهی ، ۲۶۴
 داراب خانی ، ۱۰۴
 داردانلی ها ، اطلاعاتی در باره اندازه
 گیری بدن انسان ، ۶۱۸ به بید
 داریوش اول ، ۳۰
 داغ ، علامت ، ۳۴۵ ، ۴۹۹
 دامستان ، اطلاعاتی در باره گیری بدن
 انسان ، ۱۱۲۹ ، ۱۶۴۶ ، ایرانیا
 در ، ۱۱۸۸ ، یهودیه در ، ۴۱۸
 داکورث ، ۳۴۰
 دالوند (دلوند) ، ۲۱۸ ، ۲۱۲
 دامغان ، اطلاعاتی در باره اندازه گیری
 بدن انسان ، ۵۲۷ ، ۵۲۹ - ۵۳۳
 استخوان بندی در تپه حصار
 نزدیک ، ۳۰۶ ، دمیرچماقلو
 ۲۶۴
 دامغان ، جمعیت ، ۳۰۱

خلفی ، ۲۶۵
 خلیجی ، نگاه کنیده به خلیج
 خلیجی (قلیجی) ، ۷۲ ، ۱۳۲ - ۱۳۳ ،
 نیز نگاه کنید به خلیجی
 خلیفه هارون ، ۲۶۵
 خلیلوند ، ۲۶۶
 خماسی ، ۵۳۲
 خمسه ، از حسوند ، ۲۱۵ ، ۲۱۳
 خمسه ، امراض در ، ۱۹۵ - ۱۹۶ ، گوسفندان
 دنبه دار در ، ۱۹۳ ، قبایل در ،
 ۲۰۳ ، ۱۱۳
 خمسه (پنج قبیله) ، ۱۰۳ - ۱۰۴ ، ۱۴۶
 ۲۵۳ ، ۲۵۴ - ۲۵۹
 خمسه طوالش ، ۲۰۱ ، نیز نگاه کنید به
 طالش
 خسه عربها ، ۱۴۶ ، ۲۵۱ ، ۲۵۵ - ۲۵۶
 خنابره ، ۱۰۰ ، ۲۲۳ ، ۲۲۷ - ۲۲۸
 خواجوئی ، ۲۸۰
 خواجه داعی ، ۲۸۰
 خواجه و نند ، (خجاوند) ، ۱۳۱ ، ۱۳۳
 خواجه و نند (کردها) ، ۱۹۹ ، ۱۲۰۰ نیز
 نگاه کنید به خجاوند
 خواشی ها ، ۲۸۹ - ۲۹۰
 خوانسار ، یهودیها در ، ۳۴۹
 خوانین ، ۱۰۴
 خوجه ، در بلوچستان ایران ، ۲۸۴
 خوجه (کچکوهی) ، ۲۸۰
 خود بدانی ، ۲۹۳
 خورها ، ۴۱۶
 خوز ، نگاه کنید به خوزی ها
 خوزستان ، ۱۴ ، ۴۳ - ۴۴ ، ۱۴۲ ، ۲۱۹ -
 ۲۲۵ ، عناصر مهاجر در ، ۱۱۷۷
 آب و هوا ، ۲۲۰ - ۲۲۱ ، لهجه ها
 در ، ۲۲۵ ، گیاهان در ،

فهرست اعلام و مطالب - ۸۷۱

- دانه‌ها (دهانه‌ها) ، فیله‌های از ایرانیان
باستان، ۳۹، ۴۰
- دانه‌های غذایی (غلات) ، ۲۰-۲۳ ،
۲۰۴ ، ۲۲۵ ، ۲۲۶ ، ۲۲۷ ، ۲۲۹ ، ۲۳۵-
۲۳۷ ، ۲۳۷ ، ۲۳۷ ، ۲۴۰ ، ۲۵۴ ، ۲۳۷
۲۸۸
- دانیلون، پ. ۱۱۲-۱۲۸ ، ۶۱۷، ۵۰۸
به بعد
- داهی، ۱۱۰
- دباط، ۲۳۲
- دبه‌واز، ۳۱
- دراویدی نژاد، ۱۴۲ ، ۱۷۰
- دراویدی‌ها، ۶۹۹ ، در عربستان، ۱۷۰۲
- در بلوچستان ، ۱۷۴ ؛ در کرمان
۲۸۱ ، در آثار تاریخی شوش ،
۱۲۹ ، نسبت با سرگروه‌های ایران
۱۸۶
- دراویدی‌ها اصل ، از براهوئی؛ ۱۴۲
- درانی، ۱۴۹
- درم‌چینی، ۲۸۰
- دروپیک‌ها، ۳۹ ، ۴۱
- دروخانم، ۲۲۵
- دروزها، ۱۷۲ ، ۶۵۰ ، شاخص سر، ۶۴۴
- شکل سر ، ۲۳۹ ، اندازه‌های
سر، ۶۳۲ ، ۶۳۵ ، ۶۳۷ ، ۶۴۰
- درویش، از بنی‌لام، ۲۳۴ ، از چکینی ،
۲۱۲
- درویشی، ۲۷۰
- دره مرادی، ۲۸۰
- دریاچه بختگان، نگاه کنید به دریاچه
نیریز
- دریاچه تشک (دریاچه شور) ، ۲۴۷
- دریاچه مهارلو (دریاچه شور) ، ۲۴۷ ،
علائم خشکی اطراف، ۱۶۹۲ ، بازار
- عصر حجر ، ۶۹۵-۶۹۶
- دریاچه نیریز (دریاچه شور) ، ۲۴۷
- دریس ، از چپ، ۲۲۷ ، ۲۲۸ ، از محیسین
۲۳۵
- دریس، (عساکره) ، ۲۲۷ ، ۲۲۸
- درازائی، ۲۸۸
- درازی، ۲۵۶
- دراگاهی، ۲۷۹
- دراگیانا، ۷۱
- دراده‌ها، ۲۲۸
- دروسایه‌ها، ۳۹
- دره شور، ۲۵۷
- دره شولی (دره شوری) ، ۱۰۳ ، ۱۴۶ ،
۱۶۴ ، ۲۶۴ ، تیره‌های فرعی،
۲۶۲
- دز، ۵۹
- دزجونی، ۲۶۲
- دزداب (زاهدان فعلی) ۲۸۸
- دزفول، ۲۲۱-۲۲۲ ، اطلاعاتی در باره
اندازه‌گیری انسان، ۸۰-۸۴ ،
۶۱۷ ، ۶۴۲ ، ۶۸۱ ، سر بهادر، ۱۰۰
- دزفولی‌ها، شاخص سر ، ۶۴۲ ، شاخص
بینی، ۶۸۱
- دزنگی، ۲۹۹
- دشت، ۱۰۷ ، نیز نگاه کنید به دشت
- دشت آرژان، دریاچه، ۲۳۷
- دشت گویر ، صحرا ، ۲۹۵ ، ۲۰۱ ، موانع
جغرافیائی و مهاجرت، ۶۹۰ ،
۶۹۲ - ۶۹۳
- دشت لوت ، (صحرا) ، ۲۷۴ ، ۲۹۵ ،
موانع جغرافیائی مهاجرت، ۶۹۰ ،
۶۹۲ - ۶۹۳

۸۷۳ - مرتب‌نام شناسی ایران

دشت هرازی ، ۲۶۶	دازه گیری بدن انسان ۵۲۵
دشتی ، ۲۶۶	۵۳۳ ، ۵۳۲ ،
دشتیاری ، قومی از نژاد هندو ، ۱۰۶	دولت‌شاه ، ۲۱۳ ، ۲۱۵
دشمن‌زیاری ، ۲۴۴ ، ۲۵۳ ، ۲۶۷ ، ۲۶۵	دولت‌وند ، ۲۰۵
دغزلو ، ۲۶۳	دومر ، ۲۸۰
دقاقله (دفاغله) ، ۲۲۶ ، ۲۲۹	دونجی ، ۲۹۸
دلفن (دلمان) ، ۲۰۱ ، ۲۰۸ ، ۲۰۹	دوندلو ، ۲۶۲
۲۱۱ ، ۲۱۲ به بعد . نیز	دوهوسه ، ۵۱ ، ۵۳ ، ۶۵ ، ۷۳ ، ۷۴
نگاه کنید به بالاوند	۶۱۶ ، ۷۶ ، ۷۷ ، ۳۱۹ ، ۶۱۶ ،
دلفیه ، ۲۲۶	۶۴۲ ، ۶۱۷
دلیران ، ۲۱۱	دویران ، ۲۰۳
دمانی ، ۲۸۸ ، ۲۸۰	دویس‌خوری ، مجله‌های ۴ - مصر حجر
دماوند کوه ، ۱۵ ، ۱۹۱	۶۹۷
دمرگنی ، ۲۵۳	ده بزرگی ، ۲۶۸
دمشق ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری	ده بیدی ، ۲۶۷
بدن انسان ، ۶۴۴	ده‌خانی ، ۲۸۰
دنیکره ، ۱۶۷ - ۱۶۸ ، ۱۶۷ ، به بعد .	ده طوطی ، ۲۶۶
دواریشه ، ۳۲۸	دهقانها ، ۱۷۴ ؛ نگاه کنید به دهواری
دوالیم ، ۲۳۵	ده کما ، ۲۸۰
دوبد ، ا . سی ، ۴۲۶	ده‌سپی ، ۲۶۷
دوبروجا ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری	دهلی مسلمان ، ۶۴
بدن انسان ، ۶۴۷	ده نانی ، ۲۶۶
دوبو ، ۳۷۴	دهواری ، ۱۶۴ ؛ عرض فنکین . ۱۶۶۳
دوبوا آرئصر ، ۷ ، ۲۱۶	عرض دوگونه ، ۶۵۹ ؛ شاخص
دوچی ، ۲۹۸	سر ، ۶۴۸ ؛ طول کل صورت ،
دوراند ، ۲۱۶	۶۷۰ ؛ اندازه‌های سر ، ۶۳۴ ،
دورزاده‌ها ، ۱۷۴ ، ۲۸۵ نقشه .	۶۴۰ ؛ در بلوچستان ، ۱۷۴ ،
دوره‌گردها ، ۲۶۸	۲۸۹ - ۲۹۰ ، قد ۶۲۱
دوغمالو ، ۲۶۲	دیار بکر ، یهودیها از ، ۴۰۶
دوگر ، ۲۰۵	دیالم ، ۲۲۸
دوگری ، ۷۰۵	دیلم ، ۲۲۶ ، ۲۳۲
دوگلاس ، دکتر ، ۶	دیرکوند ، ۲۱۰ ، ۲۱۱ ، ۲۱۲ ، به بعد
دولت آباد ، ۲۹۱ ؛ اطلاعاتی در باره	دیزک ، ناحیه ۲۸۱ ، ۲۸۶ - ۲۸۷
	دیگوئی ، ۲۸۰

فهرست اعلام و مطالب - ۸۷۳

- دیمز ، لانگورث ، ۱۴۸ ، ۱۴۹ ،
 دیناروند ، ۲۰۸
 دینارونی ، ۵۱ ، ۷۷ ، ۲۳۳
 دیندارلو ، ۲۵۶
 دیولافوا ، ۱۴۱ ، ۱۵۰ ، ۱۸۵
 ذائقده ، ۲۰۳
 ذرایت ، ۲۳۴
 ذرت (بلال) ، ۲۱
 ذغال ، ۲۱۷
 ذغال چوب ، ۲۷۴
 ذغالی ، ۲۵۹
 ذمیل (ذومد) ، ۲۳۴
 ذوالقدر ، ۱۳۲
 ذومد (ذمیل) ، ۲۳۴
 ذهابی ، ۲۱۳
 رئیس ، ۲۷۳ ، ۲۷۹
 رئیس بیگلر ، ۲۵۷
 رائین ، بادیه نشینان در ، ۲۸۰
 رابینو ، ۲۰۹ ، ۲۱۰
 راجپوتانا ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری
 بدن انسان ، ۶۲۲ به بعد .
 راجپوت ها ، شاخص بینی ، و رابطه آن
 با آب و هوا ، ۶۸۸ ، شاخص و
 اندازه های بینی ، ۶۷۵
 رادوزائی ، ۲۸۸
 راه ، ژرژ ، ۱۲۹
 رحیمی ، ۱۰۴ ، ۲۶۳
 رازانی ، ۲۱۵
 راس ، دنیس ، ۲۸ ، ۹ - ۳۰
 راسا = راجس ، ۳۵۰
 راور ، بادیه نشینان در ، ۲۷۹
 رالینسون ، جرج ، ۳۷ ، ۶۸ ، ۱۵۳
 رالینسون ، هدری ، ۴۵ ، ۹۵ ، ۹۸ ،
 ۱۰۵ ، ۲۱۱
 رامهرمز ، ۲۲۲ ، مربها در ، ۱۰۰ ،
 ۲۲۴
 رایز ، اروین ، ۷
 رایس ، تالبوت ، ۳۱۸ ، ۳۱۹ ، ۶۱۷
 به بعد
 ریبه ، ۲۲۸
 رتزیوس ، ۵۱
 رجیبه ، ۲۳۱
 رحمن شاه ، ۲۱۳
 رحیم خانی (سکوند) ، ۲۱۵ ، ۲۳۵
 رستم ، ۲۶۵
 رسول خانی ، ۲۵۷
 رشت ، اطلاعاتی در باره اندازه گیری
 بدن انسان ، ۶۶ ، جمعیت ،
 ۱۷۶ ، ریزش باران در ، ۱۹۴
 رشت شهرستان ، ۳۰۲
 رشوند ، ۲۰۴
 رشیدالدین ، ۱۳۲ ، ۱۳۳
 رضائیه شهرستان ، ۳۰۲
 رضاخان (رضا شاه پهلوی) ، ۴ ، ۱۰ ،
 ۱۳ ، ۳۲ ، نظارت حکومت
 مرکزی ، ۳۲ ، ۳۶ ، ۱۹۱ ،
 ۲۱۹ ، ۳۰۱
 رضاوند ، ۲۱۲
 رضایح السفیج ، ۲۳۲
 رضایح السلطان ، ۲۳۲
 رفسنجان ، ۲۷۵ ، چادر نشینان ، ۲۷۹ ،
 ۲۸۱
 رماوند ، ۲۱۵
 رنگ ، نگاه کنید به رنگ مو
 رنگ پوست ، ۱۸۴ ، ایرانیان مشاهده
 شده بوسیله دانیلو ، ۱۱۶ ، نیز

- نکاه کنید به رنگ پوست در زیر
نامهای قبایل
رنیف، الیزابت، ۵
رواشید، ۲۳۳
رواله باده نشینان، عرض فکین،
۶۶۲، ۶۶۳، عرض دوگونه،
۶۵۷، ۶۶۰، شاخص سر،
۶۳۴، اندازه‌ها و شاخصهای
گوش، ۶۸۹، اندازه‌ها و
شاخصهای صورت، ۶۶۶، ۶۶۹،
۶۷۰، ۶۷۲، شاخص پیشانی
و آهیانه، ۶۵۳، شکل سر، ۶۴۹،
اندازه‌های سر، ۶۳۲، ۶۳۷،
۶۳۰، حداقل قطر پیشانی
۶۵۳، ۶۵۴، اندازه‌ها و
شاخصهای بینی، ۶۷۶، ۶۷۷،
۶۷۸، ۶۸۲، ۶۸۴، نیمرخ
بینی، ۶۸۷، قدنشسته، ۶۲۴،
قد، ۶۱۸، ۶۲۱، ۶۲۲،
شاخص گونه و پیشانی، ۶۵۷،
۶۶۰، شاخص گونه و فك،
۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴
رواندیز، ۶۹۱، محل عصر حجر
نزدیک، ۶۹۷
روباه، ۲۶، ۲۴۲
روحانائی، ۲۸۱
روح روک، ۲۱۸، ۲۱۹
رودبار، ۲۷۸، باده نشینان در، ۲۸۰
رودباری‌ها، ۲۷۸
رودبالی، ۲۶۷
رودخانه فریدونی، ۲۸۰
رودخانه‌های ایران، ۱۵، ۱۹۲،
۲۱۹، ۲۲۰، ۲۳۹، ۲۴۶،
۲۴۷، ۲۶۹، ۲۷۵، ۲۸۳-
- ۲۸۵، ۲۹۰، ۲۹۴
رودز، ۳۵۰
روشن زائی، ۲۸۹
روغن کرچك، ۱۹۳
رومیانی، از قبیلۀ بالاقریه، ۲۱۸، ۲۱۹
رومیانی، از قبیلۀ ترهان، ۲۱۵
رهبر (رمبر) ناحیه، باده نشینان در،
۲۸۰
رهمرزائی، ۲۸۹
ری، ۳۵۰، اطلاعاتی دربارهٔ جمجمه-
های اخیر، ۳۳۴، جمجمه‌های
ری، ۳۳۰، ۳۳۳، بیماریها
در، ۳۳۲، ۳۳۳، استخوان
Wormian، ۳۳۲، ۳۳۳،
برج سلجوقی، ۳۳۰، مطالب
مربوط به استخوان بندی، ۳۰۵،
۳۳۰ - ۳۳۴
ری کارگران، ۵۲۷، به بعد. اطلاعات
اولیه، اندازه‌ها، شاخص‌ها و
خصوصیات شکل شناسی، ۵۳۱-
۵۳۴
رید، برنارد، ۱۷۵
ریش باران، در ایران، ۱۷
ریپلی، ویلیام، ۱۳۵، ۱۳۶، ۴۰۷
ریسکین، جی.، ۶۱۹، ۶۴۶
ریسلی، ۶۱۳
ریگی‌ها، ۱۷۴، ۲۸۸، ۲۸۹
ریمسکی کورساکف، و. ن.، ۶، ۱۱۲
زابل شهرستان، ۳۰۳
زاسگورسکی، ۱۸۸
زال، ۵۲، ۱۱۵
زبان گنجشك، درختان، ۱۹
زبانهای مختلف، در ایران، ۱۷۹

فهرست اعلام و مطالب - ۸۷۵

- زبیدی ، ۲۳۲
 زردآلو ، ۲۴
 زردآدخانی‌ها ، ۳۰۰
 زرتشت ، ۱۵۷ ، ۲۹
 زرتشتی ، منهب ، ۲۹ ، ۳۵ ، ۷۳ ،
 ۱۷۸ - ۱۷۹ ، دربین صربها ،
 ۱۶۰ ، درسیستان ، ۱۰۴
 زردشعی ، ازقبایل اقطار و افشار ، ۲۸۰
 زردشتیها (پارسیها) ، ۱۶۸ ، ۱۷۹ ،
 در ایران ، ۸۹ ، در طهران ،
 ۱۳۱ ، اولاد ایرانیان باستان ،
 ۱۴۳ ، آمار ، ۱۴۴ ، دریزد ،
 ۱۰۷ ، ۱۷۵ ، ۲۹۳ ، ۲۹۴ ،
 نماینده مادیها ، ۱۴۳
 زرفشان ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری
 بدن انسان ، ۱۲۸
 زرگزائی بلوچی ، ۲۹۲
 زرگر ، ۲۵۷
 زرنده بادیه نشینان ، ۲۷۹
 زعفرانلو کردهای ، ۱۰۹ ، ۲۹۵ ،
 ۲۹۸ ، ۲۹۹
 زغل ، ۲۰۵
 زلاغی ، ۲۷۹
 زلاله ، ۲۸۰
 زلزله ، ۲۷۲
 زلفلو ، ۲۰۶
 زلوتارف ، د . ا . ۸۹ - ۹۰
 زمین شناسی ایران ، ۱۳ - ۲۰۷ ، ۱۴
 ۲۰۸ ، ۲۳۹ ، ۲۴۱
 زنان ، وضع ، ۴۵
 زنبور عسل ، ۱۹۳
 زنجان شهرستان ، ۳۰۲
 زنجبیل ، ۲۴
 زنجنه ، نگاه کنید به زنگنه
 زندها ، ۵۰ ، ۱۳۱ ، ۱۳۳
 زرکاری ، ۲۹۲
 زرا ، ۹۴
 زغیب ، ۲۳۲ .
 زنگاری ، ۱۴۳
 زنگن ، ۱۰۴
 زنگنه ، در کرمانشاه ، ۹۶ ، در فارس ،
 ۲۵۷ ، ۲۶۴ ، در خراسان ، ۳۰۰
 زوپانویک ، فیکو ، ۶۲۴ به بعد .
 زومیر ، ۶۱۸ ، .
 زویدت ، ۲۳۵
 زهدان (دزدان سابق) ، ۲۸۸
 زهدیت ، ۲۳۸
 زهره ، نگاه کنید به هندیان رودخانه
 زیارلو ، ۲۰۵
 زیتون ، ۱۹۳
 زیر زردی ، ۲۶۵
 زیرونی ، ۲۱۵
 زیکیرتو ، ۴۱
 زیمرمن ، ۱۸۷
 زیناوند (زینوند) ، ۲۱۲ ، ۲۱۶
 زین الدین ، ۲۶۵
 زین علی ، ۲۱۱
 زینوند ، ۲۰۰
 ژاواهو ، ۶۱۹ به بعد .
 سادات باب ، ۲۴۴
 سارتها ، ۱۶۳ ، ۱۶۸ ، قد ، ۶۲۰
 سارك ، ۱۷۳
 سارگون ، از آشوریهها ، ۱۸۲
 ساروئی ، ۲۶۴ ، ۲۶۵
 ساروئی ، ۲۹۲
 ساری شهرستان ، ۲۰۱ ، ۳۰۲

۸۷۶ - مردم شناسی ایران

- کردهای آذربایجان ، ۹۴ ،
 نسطوریان ، ۹۷ ،
 ساوه شهرستان ، ۲۰۲ ،
 ساوه ، یهودیها در ، ۳۴۹ ، قبایل ترک ،
 ۱۳۱ ، ۱۳۳ ، ۱۹۷ ، ۱۹۸ ،
 سایکس ، یرسی ، ۱۹۰ ، ۱۴۱-۱۴۲ ،
 ۱۴۴ ، ۱۴۹ ، ۲۷۸ ، ۲۸۳ ،
 ۴۵۷
 سبائیانها ، ۲۲۵ ،
 سبزعلی ، ۲۱۱ ،
 سبزوار بوداغ ، ۲۱۲ ،
 سبزوار شهرستان ، ۳۰۳ ،
 سپارویم یهودیهای ، نگاه کنید زیر -
 یهودیه
 ستلو ، ۲۰۵ ،
 سده ، ۲۲۹ ،
 سرشاخصهای ، اهمیت طبقه بندی نژاد ،
 ۱۳۱ ، نیز نگاه کنید به زیر
 نامهای قبایل وطوایف
 سراشگیان ، ۱۰۴ ،
 سراوان ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری
 بدن انسان ، ۶۲۱ به بعد ، نیز
 نگاه کنید به راهوئی سراوان
 سرباز ، ۲۸۶ ،
 سرباشی ، ۲۸۱ ،
 سربخلاکی ، ۲۶۸ ،
 سربزائنی ، ۲۸۰ ،
 سربندی ، ۱۰۵ ، ۲۹۲ ،
 سرجی ، جی ، ، ۱۳۸ ، ۱۳۹ ، ۳۱۸ ،
 سرچوتی ، ۲۶۶ ،
 سرحد ، ۱۰۷ ، ۲۸۱ ، ۲۸۷-۲۸۸ ،
 آب و هوا ، ۲۸۱ ، ۲۸۲ ،
 نفوس سیاه پوست در ، ۱۵۰ ،
 موقعیت ، ۲۸۱ ، جمعیت ، ۲۸۸ ،
 ساسامن ، ویلیام ، ۳۳۵ ،
 ساسانی استخوان بندی ، ۳۰۶ ، ۳۲۴ ،
 ساسانی ، دکتر ، ۸ ،
 ساسانیها ، ایران در دوره سلطنت ،
 ۲۸ ، ۱۰۴ ،
 ساسپریها ، ۳۹ ،
 ساگاریتها ، ۳۹ - ۴۱ ،
 سالار ، ۲۱۳ ،
 سالارخانی ، ۳۰۰ ،
 سالاری ، ۲۶۵ ،
 سالور ، ۱۷۳ ،
 سامانیها ، ۱۸۲ ،
 سامری ، ۹۵ ، ۱۶۲ ، عرض دو گونه ،
 ۶۵۷ ، ۶۶۰ ، شاخص سر ،
 ۶۴۴ ، اندازهها و شاخص صورت ،
 ۶۶۹ ، شاخص پیشانی و آهیانه ،
 ۶۵۳ ، اندازههای سر ، ۶۳۱ ،
 ۶۳۵ ، ۶۳۷ ، ۶۴۰ ، حداقل ،
 قطر پیشانی ، ۶۵۳ ، ۶۵۵ ،
 اندازههای بینی ، ۶۷۶ ، ۶۷۷ ،
 ۶۷۸ ، قد ، ۶۱۸ ، ۶۲۱ ،
 شاخص گونه و پیشانی ، ۶۵۷ ،
 شاخص گونه و فک ، ۶۶۲ ،
 سامی نژاد ، در مغرب شبراز و اصفهان ،
 ۵۸ ، در مغرب آسیا ، ۱۳۰ ،
 سامی ، نوع فرعی ایرانی خالص ، ۱۴۰ ،
 سامیها ، اندازههای سر ، ۵۴ ، ۵۵ ،
 ۶۲ ، ۶۵ ، در عیلام ، ۱۵۰ ،
 ۱۵۱ ، در ایران ، ۵۵ ، ۷۳ ،
 ۱۸۴ ، محل تأثیر نژاد ، ۱۳۰ ،
 خصوصیات جسمانی ، ۱۶۶ ،
 قد ، ۴۰۷ ،
 ساوجبلاغ ، اطلاعاتی درباره اندازه -
 گیری بدن انسان ، ۶۶ ، پایتخت

فهرست اعلام و مطالب - ۸۷۷

- نمر حلدی ، ۲۷۹، ۲۸۰
 سرخس ، جمعیت ، ۲۹۵
 سرخس ، درخت ، ۱۹۲
 سرخه ، ۲۳۳
 سرخی ، ۲۶۹
 سرخی عرب‌خان ، ۲۸۰
 سرداری ناصرقلی ، ۳
 سردارزها ، درآسیا ، ۵۱، ۱۶۵۰، دربنج
 گروه ایرانی، نیمرخ بینی، ۱۵۷۵
 درفلات ایران ، ۶۰۸-۶۰۹ ،
 ۷۰۳
 سردکی ، ۲۶۷
 سردویه ، بادیه نشینان ، ۲۸۰
 سرزنده ، ۲۸۰
 سرکوهکی ، ۲۶۶
 سرگردی ، ۲۸۰
 سرگردها (سرکوتاهها) در ایران ، ۱۸۶ ،
 ۶۰۹، ۷۰۳ ، در جنوب غربی
 آسیا ، ۶۵۰
 سرو ، درخت ، ۲۰۸، ۲۷۴
 سروگری ، ۲۵۹
 سعید ، ۲۲۹
 سعیدآباد ، ۲۷۷، ۲۷۹
 سعیدو ، ۲۷۹
 سغدا = سغدیانا ، ۱۵۵
 سغدیانا ، مهاجرت آریانها به ، ۱۵۴ -
 ۱۳۰ ، ۱۵۵
 سفال سازی درفلات ایران : ظروف سیاه
 و خاکستری در شاه تپه ، ۳۱۶ ؛
 مرکز پخش ، ۱۳۱۶ سفال رنگی
 در تپه بسند - ر. ، ۱۳۱۷ در تپه
 جمشیدی ، ۳۱۶
 سفیدخانی ، ۲۵۷
 سفید ماهی ، ۱۹۳
 سقز ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری بدن
 انسان روی یهودیها ، ۳۷۵ ،
 ۳۸۷ ، ۳۸۸
 سقور ، ۲۳۴
 سکا ، در سیستان ، ۷۱، مهاجرت ، ۱۸۰ ،
 ۱۸۱
 سکز ، ۲۵۷
 سکزلو ، ۲۵۷
 سکستان ، نگاه کنید به سیستان
 سگ ، ۴۲۴
 سگ ماهی ، ۱۹۳
 سگونده ، ۲۰۸ به بعد ، ۲۱۵، ۲۱۸، ۲۲۶
 سگونده لرها ، ۲۱۵، ۲۳۵
 سلامت ، ۲۳۶
 سلنزر ، کارل ، ۵۰۴، ۶۱۸ به بعد .
 سلدوز ، ۲۰۶
 سلندری ، ۲۸۰
 سلسله ، ۲۰۸ به بعد ، ۲۱۵، ۲۱۷
 سلطان آباد ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری
 بدن انسان بر کردها ، ۶۶
 سلطان آباد (اراک کنونی) شهرستان ، ۳۰۳
 سلطان آباد ، سریها (کارگران ری) ،
 اطلاعاتی درباره اندازه گیری
 بدن انسان ، ۵۲۷-۵۳۴
 سلطان قلیخانی ، ۲۰۱
 سلطانیه ، ۱۹۸ ؛ اندازه گیری شده بوسیله
 دوهوسه ، ۵۱-۵۲ ، ۷۷
 سلوگیدها ، سلطنت بر ایران ، ۳۲۰
 سلیمان ، از بهارلو ، ۲۵۷
 سلیمان ، از قبایل عرب ، ۱۰۰ ، ۲۳۷
 سلیمانیه ، ۵۳۵، ۶۹۱ ؛ محل عصر حجر
 نزدیک ، ۶۹۷
 سمرقند ، ۱۸۰ ؛ اطلاعاتی درباره
 اندازه گیری بدن انسان ، ۱۲۹

۸۷۸ - مردم شناسی ایران

- سمنان ، جمعیت ، ۳۰۱
 سمنان شهرستان ، ۳۰۲
 سمنان و دامغان ، جمعیت ، ۳۰۱
 سمیت ، همپلتون ، ۸۰
 سن ، تخمین ، ۳۴۳ ، اندازه‌های گوش
 به نسبت با ، ۶۸۸
 سنترالی ، ۱۶۴
 سنجابی ، ۹۶ ، ۲۱۹
 سنجرانی بلوچی ، اصل ، ۲۹۲
 سنجرانی‌ها ، ۲۸۸
 سنجر بلوچ ، ۲۸۰
 سند دره ، بقایای اسکلت انسانی ، ۳۱۸-
 ۳۱۹ ، ۳۳۵-۳۳۶ ، ارتباط
 با ایران و بین‌النهرین ، ۳۳۵ ،
 ۶۹۸ ، نوع سومری در ، ۱۸۵
 سندر ، یهودیهای ، ۳۷۴
 سنقر ، ۹۶
 سنگچولی ، ۲۷۹
 سنگ قرمز ، ۲۱۹
 سنگور ، عرض فکین ، ۶۶۳ ، عرض
 دو گونه ، ۶۵۹ ، شاخص سر ،
 ۶۴۸ ، اندازه‌های سر ، ۶۳۴ ،
 ۶۴۰
 سنندج شهرستان ، ۳۰۲
 سنه (سینا ، سنا) ، ۹۳ ، ۹۴
 سنی‌ها ، درافغانستان ، ۱۴۸ ، در ایران ،
 ۱۷۹ ، ۱۴۴ ، ۱۰۱ ، ۸۹ ، ۳۵
 سوادکوه ، اطلاعاتی درباره اندازه‌گیری
 بدن انسان ، ۶۶
 سواری ، ۱۰۰
 سوالی ، ۲۳۸
 سوبارائیان ، ۱۸۳
 سوئهمپتون ، بیمارستان نتلی ، ۶۴ ، ۶۲
 سوخته ، ۲۷۹
 سودان ، ۱۰۰ ، ۲۳۶
 سورقی ، ۲۳۲
 سورنابادی ، ۲۶۵
 سورنه ، ۲۶۶
 سوری ، ۱۱۰ ، ۲۱۹
 سوریه ، تنبیرات آب و هوا بیابانها در ،
 ۳۱۹
 سوریه ، جمجمه از ، ۳۲۴ ، قبایل ایرانی
 منتقل به ، ۱۷۲ ، قبایل مقیم
 ایران ، ۱۳۲
 سوریه‌ای ، عرض فکین ، ۶۶۴ ، ۶۶۲ ،
 عرض دو گونه ، ۶۵۷ ، شاخص
 سر ، ۶۴۴ ، اندازه‌ها و شاخص
 صورت ، ۶۶۶ ، ۶۶۹ ، شاخص
 پیشانی و آهیانه ، ۶۵۳ ، شکل
 سر و رابطه آن با قد ، ۶۵۰ ،
 اندازه‌های سر ، ۶۳۲ ، ۶۳۷ ،
 حداقل قطر پیشانی ، ۶۵۳ ،
 اندازه‌ها و شاخص بینی ، ۶۷۶ ،
 ۶۷۸ ، ۶۸۲ ، قدنشسته ، ۶۲۴ ،
 قد ، ۶۱۸ ، شاخص گونه و پیشانی ،
 ۶۵۷ ، شاخص گونه و فک ، ۶۶۲
 سوزیانا ، ۹۹ ، ۱۵۰ ، سیاهپوستان
 در ، ۳۲۰ ، نژاد قبل از
 دراویدی ، ۱۶۱ ، سیلان ،
 ۳۲۰ ، نیز نگاه کنید به خوزستان
 سوق البسیتین ، ۲۳۷
 سوق الخفاجیه ، ۲۳۷
 سوقلمچی ، ۲۶۸
 سوکی ، ۲۷۹
 سواوکلو ، ۲۶۸
 سوه‌ای ، ۹۷
 سومری انواع ، در مهنجودارو ، ۳۱۸ ،
 درنل ، ۳۱۸ ، درافغانستان ،

فهرست اعلام و فطالبا - ۸۷۹

- ۱۵۱ ، در آثار تاریخی شوش ،
 ۱۲۹ ، شوشیها مانند ، ۸۱-
 ۸۳ ، ۸۴ - ۸۶
 سیاهپوستهای اولیه ، جمعیت در ایران ،
 ۱۸۵ - ۱۸۶
 سیاهپوستی خصوصیات ، در بلوچستان
 و شوش ، ۳۲۰ ، جمجمه از
 چنودارو ، ۳۳۶
 سیاه جل ، ۲۸۰
 سیاه کوه ، ۴۲
 سیالک ، جمجمه از ، ۳۲۴
 سیالکوت ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری
 بدن انسان ، ۳۱۰
 سیب ، جمعیت ، ۲۸۲
 سیب زمینی ، ۲۳ ، ۱۹۲
 سیبری ، نژاد ، ۱۲۹
 سیت ، ۱۷۱
 سید ، عرض دو گونه ، ۶۵۹ ، شاخص
 سر ، ۶۴۸ ، اندازه های صورت ،
 ۶۷۰ ، اندازه های سر ، ۶۳۴ ،
 ۶۴۰ ، قد ، ۶۲۱
 سید بابا ، ۲۶۷
 سیدها ، ۷۳
 سیرجان ، ۲۷۵ ، بادیه نشینان در ،
 ۲۷۹ ، ۲۸۰
 سیری ، ۲۱۵
 سیس ، ۱۶۵-۱۶۷ ، ۱۰۴-۱۰۵ ، ۲۹۰-۲۹۱ ،
 سیستان ، ۱۰۴-۱۰۵ ، ۲۹۰-۲۹۱ ،
 آب و هوا ، ۲۱۹ ، امراض ،
 ۲۹۱ ، گیاهان ، ۲۹۱ ، تاریخ ،
 ۷۱-۷۲ ، ۱۸۱ ، جمعیت ،
 ۱۲۹۲ ، قبایل و طوایف ، ۱۷۴ ،
 ۲۹۲ - ۲۹۳
 سیستانیها ، ۱۰۵ ، عرض دو گونه ،
 ۱۸۵
 سومریها ، ۱۵۱ ، ۱۵۲ ، ۱۵۳ ، ۱۷۱ ،
 ۱۸۵ ، ۳۱۸ ، اصل ، ۱۶۷ ،
 ۱۷۵
 سوید ، ۲۳۸
 سویدالسلطان ، ۲۳۸
 سهراب زالی ، ۲۸۹
 سهرابی ، ۲۸۰
 سهمدینی ، ۲۶۲ ، ۲۶۷ ، ۲۶۴ ،
 سهنه ، ۱۸۲
 سیا ، ۲۸۰
 سیاهپوست اصل ، در سه نوع فرعی از
 ایرانی خالص ، ۱۴۰
 سیاهپوست انواع ، در بین گروههای
 ایران ، ۶۰۷-۶۰۸ ، در بین
 ده نشینان یزد خواست ، ۴۳۹ ،
 در نقوش هخامنشی شوش ، ۱۸۵ ،
 در نقوش باستانی آشور ، ۷۹ ،
 ۱۸۵ ، در بلوچستان ، ۱۰۶
 سیاهپوست چه جمجمه ، در تپه حصار ،
 ۳۰۶-۳۰۷ ، ۳۰۹ ، در قبرستان
 پارتیها ، ۱۴۲
 سیاهپوست خون ، در بلوچستان ، ۲۸۶ ،
 در کرمان ، ۲۷۸
 سیاهپوست عناصر ، در کناره ، ۴۶۱ ،
 ۴۷۱ ، در نژاد ایرانی ، ۱۶۷
 سیاهپوست نژاد در تپه حصار ، ۳۱۲ ،
 ۳۱۳
 سیاهپوستها ، اختلاط با اوجیها ، ۱۶۸ ،
 در بلوچستان ، ۲۸۴ ، ۲۸۶ ،
 ۲۹۰ ، در بندرعباس ، ۲۷۳ ،
 در هندوستان ، ۸۰ ، ۸۶ ، در
 ایران ، ۷۹-۸۶
 سیاهپوستها ، در ایران ، ۱۱۴-۱۵۰

۸۸ - مردم شناسی ایران

- ۲۹۹ ، ۲۹۸ ، ۲۹۵
 شاهرگی ، ۱۰۵
 شاهرگی فارسیوان ، ۲۹۲
 شاهرود ، جمعیت ، ۳۰۱
 شاهسون‌ها ، ۱۳۱،۹۱-۱۳۲-۱۱۹۹ ، ۲۰۰ ، ۲۶۸
 شاه قولانو ، ۲۰۲
 شاهرودی ، ۲۱۱
 شاهوزائی ، ۲۸۹
 شاه ولی بر ، ۲۸۱
 شاه وند ، ۲۶۶
 شاهون ، ۲۱۱
 شبك ، ۲۹۲
 شبه استرالیایی اولیه (دیکسون) ،
 اطلاعاتی درباره اندازه گیری
 جمجمه ، ۳۱۱
 شبیه استرالیایی نوع ، نگاه کنید
 به استرالیایی نوع
 شتربان ، ۲۶۸
 شترها ، ۲۶۱،۲۴۲،۲۳۶،۲۲۹،۲۲۶
 شجریت ، ۲۳۰
 شراب ، ۱۹۳
 شرافه (شرفا) ، ۱۰۰ ، ۲۳۶
 شرافت (شریفه) ، ۱۰۰ ، ۲۳۶
 شرف ، ۲۱۲
 شرقی مؤسسه ، نگاه کنید به دانشگاه
 شیکاگو
 شرلی ، آنتونی ، ۴۴
 شش بلوکی ، ۱۰۳ ، ۱۴۶ ، ۲۶۰ ، ۲۶۱ ،
 ۲۶۳
 شطرنلو ، ۲۰۰ ، ۲۰۶
 شطیط ، ۲۳۰
 شهاب دویی ، ۲۳۲
 شعابینه ، ۲۲۷
- ۶۵۹ ، شاخص سر ، ۶۴۸ ،
 اندازه‌های صورت ، ۶۷۰ ،
 اندازه‌های سر ، ۶۳۴ ، ۶۴۰ ،
 قد ، ۶۲۱
 سی سختی ، ۲۶۷
 سیلان ، انواع ، درمهنجودارو ، ۳۱۸ ،
 در بلوچستان ، ۳۱۹-۳۲۰ ،
 درشوش ، ۳۲۰
 سیلانند ، ن ، ۶۸۴
 ماهی ، ۱۹۳
 سیمونندز ، ۳۵-۳۶
 سننا ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری بدن
 انسان ، ۶۴۴
 سیول ، س ، ۳۱۸
 سیوندی ، ۲۸۰
- شارون ، سرجان ، ۴۴ ، ۳۵۱
 شافعی ، درایران ، ۳۵
 شاکلی ، ۲۶۲
 شامبیاتلو ، بیاتها بشکل شعبه فرعی ، ۱۳۳
 شامکانلو ، ۲۰۲
 شاملو ، اصل از ، ۱۳۲
 شانتر ، ارنست ، ۱۱۸-۱۲۰ ، ۱۳۵ ،
 ۱۳۶ ، ۱۳۷ ، ۴۱۸ ، ۶۱۷
 به بعد .
 شاه آباد ، شهرستان ، ۳۰۲
 شاه‌آپه ، استخوانبندی ، ۳۱۵ ، هند و
 اروپائی ، ۳۱۶ ، طالب مربوطه
 به استخوانبندی ، ۳۰۵
 شاه جهان احمدی ، ۲۶۶
 شاه حسنی ، ۲۶۶
 شاه سینی ، ۲۵۹
 شاه‌دلو کردها ، ۱۰۹ ، ۲۹۱ ، افراد
 خوش‌هیكل ، ۲۹۸ ، درخراسان ،

فهرست اعلام و مطالب - ۱۱۱

- شوش ، ۲۲۵، ۱۵۰، ۳۵۳ ،
 جمعیاً ، ۸۵ ، ۳۲۴ ، نژاد
 سیاهپوست منقوش در آستان
 تاریخی ، ۱۲۸-۱۲۹ ، ۱۴۱
 شوشتر ، ۲۲۲، ۲۲۳ ، ۳۵۳ ،
 اطلاعاتی درباره اندازه گیری
 بدن انسان ، ۱۶۶ ، مر بها در ، ۹۹
 شوشی ها ، ۷۹-۸۶ ، ۱۱۳ ، ۱۲۶ ، ۱۵۰-
 ۱۵۱ ، ۱۶۲ ، شاخص سر ، ۸۳
 اندازه های سر ، ۸۳ ، حداقل
 فکری پیشانی ، ۱۱۲۳ ، شکل بینی ،
 ۱۶۲ اندازه ها و شاخص بینی ،
 ۱۸۴ خصوصیات نژاد سیاهپوست ،
 ۱۲۹ ، قد ، ۸۳ ، ۱۲۰
 شوکت ، س. ی. ، ۳۳۸
 شول ترکی ، ۲۸۰
 شویب ، ۲۲۹
 شهاب ، ۲۳۳
 شهری ، شاخص سر ، ۶۴۲
 شهرستان (حجی) ، ۳۵۱ ، ۳۵۲
 شهرضا ، ۲۴۴ ، خصوصیات جسمانی
 عجمی ها ، ۱۷۶ ، جمعیت ، ۲۴۴
 یلاق قشقای در نزدیکی ، ۱۴۶
 ۲۶۴
 شهسوار شهرستان ، ۳۰۲
 شهسواری ، ۲۸۰
 شیاخته ، ۲۲۸
 شیب گوه ، ۲۷۳
 شیبانی (= شیوانی) ، ۱۰۳ ، ۱۴۶
 ۲۵۵ ، ۲۵۶ ، ۲۷۳
 شیر ، ۲۷ ، ۲۴۲
 شیراز شهرستان ، ۳۰۲
 شیراز ، ۱۷۶ ، ۲۵۲ ، اطلاعاتی
 درباره اندازه گیری بدن انسان ،
 شعبانی ، ۲۳۱
 شکار سر ، در بین ایرانیان باستان ، ۴۰
 شکارلو ، ۲۶۳
 شکاروند ، ۲۱۲
 شکاری ، ۲۵۷
 شکاک ، ۹۴
 شکل سر ، در رابطه با قد ، ۶۵۰
 شلمیر ، ج. ال. ، ۸۸
 شلهان ، ۲۳۴
 شماخه یهودیها ، ۳۱۶
 شمالی و شمال غربی ، ولایات ، ۱۹۱-
 ۲۰۶ ، تقسیمات ، ۱۹۲ ،
 کلدانیها در ، ۱۹۹ ، امراض در ،
 ۱۹۵ ، ماهی در ، ۱۹۳ ، درختان در ،
 ۱۹۲ ، یهودیها در ، ۱۹۹ ، استقرار
 کردها ، ۱۹۹ ، مهاجرت به ،
 ۱۹۷ ، ایرانیها یا فارسیها ، ۱۹۷ ،
 جنرافیای طبیعی ، ۱۹۱-۱۹۲ ،
 کشت نباتات ، ۱۹۲ ، گروههای
 نژادی ، ۱۹۷-۲۰۰ ، رودخانه ها ،
 ۱۹۱-۱۹۲ ، چارپایان در ،
 ۱۹۳ ، ترکها در ، ۱۹۷-۱۹۸ ،
 امراض مقاربتی در ، ۱۹۶
 شمبویه ، ۲۸۱
 سمس ، ۲۱۱
 شمشان ، درخت ، ۱۹ ، ۱۹۲
 شمشیری ، ۹۵
 شمیران ، ۱۹۶
 شندرمین ، ۲۰۲
 شنکین ، دلیو. م. ، ۶۱۸ ، به بعد .
 شواردیبه ، ۲۲۸
 شوهرل ، فردریک ، ۴۹
 شوی شاه ، ۲۲۳
 شوربخورلو ، ۲۶۳

- صدیقلو ، ۲۵۷
صفاخانی ، نگاه کنید به صفی‌خانی
صفاری (سفری) ، ۱۰۳ ، ۲۵۶
صفد ، اطلاعاتی در باره اندازه‌گیری
بدن انسان از ، ۶۴۴
صفوی دوره ، مهاجرت در ، ۲۰۵
صفوی سلسله ، ۱۷۸، ۱۱۱، ۳۲ ، و
قزلباشها ، ۱۴۶
صفی خالوها ، نگاه کنید به صفی‌خانی
صفی‌خانی ، ۱۰۳ ، ۱۴۶ ، ۲۶۳
صلاتی ، ۲۸۰
صلاح‌الدین ، کرد اصیل ، ۹۲، ۴۸ ، ۹۴
صلاحی ، ۲۵۹
صلایه ، ۲۲۸
صلوبه ، ۳۳۳
صله‌ورزی ، ۲۱۴
صلیب ، نگاه کنید به صلوبه
صنایید ، ۲۳۴
صورت گوسفند شکل (بره صورت-صورت
دراز) ، در بین چهارگروه
ایرانی ، ۳۳۷ ، ۴۶۸ ، ۵۰۵
۵۴۷ در بین مردم جنوب غربی
آسیا ، ۶۶۶-۶۶۷
صوفیگری ، ۱۷۹
صیاد ، ۲۹۳
ضامنی ، ۲۶۶
ضرابی ، ۲۸۰
ضرغان ، ۲۳۸
طائی، قبیله عرب ، ۱۷۲
طارم ، ۱۹۹
طالش ، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۰۲
طالش دولاب ، ۲۰۲
۳۷۵ ، ۳۸۶ ، ۳۸۷ ، ۴۰۶
به بعد ، ۵۲۶ ، ۵۳۱-۵۳۳
آرمنی‌ها ، ۲۵۳ ، امراض ،
۲۴۸ ، وضع بیداشتی ، ۲۴۸
یهودیها ، ۳۴۹ ، ۳۵۰ ،
اطلاعاتی درباره اندازه‌گیری
بدن انسان ، ۳۷۴ ، ۳۸۵ ،
۳۸۶ ، ۴۰۶ به بعد ، نژاد
ایرانی ، ۲۵۳ ، جمعیت ، ۱۷۶
شیرازائی ، ۲۸۹
شیرخانزائی‌ها، نگاه کنید به شیرخانزائی
نهرئی
شیرخانزائی نهرئی ، ۲۸۴
شیرسپاری ، ۲۶۵
شیرعلی ، ۲۳۱
شیرمراد ، ۲۶۵
شیری ، ۲۵۵ ، نیز نگاه کنید به اردشیری
شیکانو دانشگاه ، ۳۰۶ ، مؤسسه شرقی ،
۳ ، ۳۳۵ ، ۴۵۶
شیخ ، ۲۸۰
شیخ ابیل ، ۲۶۸
شیخ اسمعیل ، ۹۵
شیخ شهرو ، ۲۶۵
شیخ کوه سفیدی ، ۲۸۰
شیخ لو ، ۲۰۵
شیخ مائو ، ۱۲۳۱ ، ۲۶۷
شیخ‌وند ، ۲۰۰
شیخی ، ۲۷۸
صحراهای فلات ایران ، ۱۴-۱۵ ، ۱۶
۲۷۵ ، ۲۹۵ ، موانع جغرافیائی
مهاجرت ، ۶۹۱ ، ۶۹۲ ، ۶۹۳
نیز نگاه کنید به صحرای سوریه ،
تغییرات آب و هوا در ، ۳۱۹

فهرست اعلام و مطالب -

- طایریاری ، ۲۸۰
 طبابت عامیانه ، ۲۴۲
 طرابلس ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری
 بدن انسان ، ۶۴۴
 طرفان ، اطلاعاتی در باره اندازه گیری
 بدن انسان ، ۶۸۴
 طلایت ، ۲۳۴
 طلب از لو ، ۲۶۲
 طواره ، شاخص سر ، ۶۴۴
 طوایر ، ۲۳۸
 طهران ، ۱۹۶ ، حجمی ها در ، ۷۴ ،
 بیمارستان امریکائی ، ۳۳۲ ،
 آرامنه در ، ۱۳۱ ، تاریخ ، ۱۹۶ ،
 یهودیها در ، ۱۳۱ ، ۳۴۹ ، ۳۵۰ ،
 موزه مردم شناسی و موزه ایران
 باستان ، ۱۱ ، نسب اجزای ،
 ۳۳۷ ، اداره انکشت نگاری
 شهر بانی ، ۱۳ ، جمعیت ، ۱۱۱ ،
 ۱۷۶ ، ۱۹۶ ، خون ترك در ،
 ۱۳۱ ، حصیه ، ۱۱۹۵ ، زردشتیان ،
 ۱۳۱ ، ۱۴۳
 طهران ، اطلاعاتی در باره اندازه گیری
 بدن انسان ، ۶۱۷ ، ۶۶ ، به بعد
 قبایل در ، ۳۹ ، ۱۳۱ ، ۱۳۲
 طهرانی ها ، در درمان ، ۱۲۸۰ ، در طهران ،
 اندازه ها ، سر ، ۶۶
 طهران شهرستان ، ۳۰۲
 طهرانی ها (لرها) ، ۲۱۷ ، ۲۱۹
 ظهاسپخانی ، ۲۱۲
 طبیعی ، از قبیله عامه ، ۲۶۴
 طبیعی ، قبیله ای در اوککاو ، ۲۴۴
 ظهاریه (زهاریه) ، ۲۳۲ ، ۲۳۶ ، ۲۳۸
- عاشق ، ۲۶۲
 عاشقلو ، ۲۵۲
 عاشقونی ، ۲۶۵
 عالیوند ، ۲۶۵
 عامره ، ۲۲۸ ، ۲۲۹
 عامله ، نگاه کنید به عمه
 عیاد ، ۲۳۰
 عباس اول شاه ، تسلط بر ارستان
 بوسیله ، ۲۱۳ ، ۲۱۹ ، استقرار
 قبایل ، ۱۰۸ ، ۱۳۶ ، ۱۳۷ ، ۲۹۸ ،
 ۲۹۹ ، اصفهان در زمان سلطنت ،
 ۲۴۴ ، تشکیل قبیله شاهسون ،
 ۱۳۲ ، ۱۹۹ ، رفتار با یهودیها ،
 ۳۵۱
 عباس دوم شاه ، ۳۵۱ ، ۳۵۲
 عباسی ها ، ۲۷۳
 عبدالنخان ، ۲۲۳
 عبدالرحمانلو ، ۲۶۴
 عبدالرضائی ، ۲۵۶
 عبدالملکی ، ۲۰۰
 عبدالله وند ، ۲۶۶
 عبدالیوسفی ، از باصری ، ۸۵۹ ، از شیانی ،
 ۲۵۶
 عبدوچی ، ۲۷۹
 عبید ، ۲۳۷
 عتیقه ، ۲۲۸
 عثمانلو ، ۲۶۲
 عنوق ، ۲۳۴
 عجاجه ، ۲۲۷
 عجمی ها ، ۷۴ ، ۷۶ ، ۱۶۲ ، رض دوکونه ،
 ۱۶۵۷ ، شاخص های سر ، ۷۴ ،
 ۱۶۴۲ ، تقسیمات در ایران ، ۱۶۸ ،
 اندازه های سر ، ۶۳۱ ، ۶۳۶ ، معنی
 اصطلاحی ، ۱۱۴ ، حداقل قطر

مردم شناسی ایران

اطلاعاتی در باره اندازه گیری بدن انسان، ۵۲۵-۵۳۳، اختلاط نژادی در جمعیت، ۲۴

عراقی، خانوار، ۲۶۳

عراقی، سربازان (حله)، مرض فکین، ۶۶۱، عرض دو گونه، ۶۵۷، شاخص سر، ۶۳۳، اندازه ها و شاخصهای صورت، ۶۶۵، ۶۶۸، شاخص پیشانی و آهیانه، ۶۵۳، اندازه های سر، ۶۳۱، ۶۳۷، حداقل قطر پیشانی، ۶۵۳، اندازه ها و شاخصهای بینی، ۶۷۵، ۶۷۸، ۶۸۱، قد، ۶۱۷، شاخص گونه-پیشانی، ۶۵۷، شاخص گونه و فك، ۶۶۱

عراقی و مدیترانه نوع، ۵۰۶، ۶۰۵ - ۶۰۶

عرب چارپائلو، ۲۶۳

عرب حاجی حسین، ۲۸۰

عرب ذاکرو، ۲۶۴

عربستان، نگاه کنید به خوزستان

عربستان، اطلاعاتی در باره اندازه گیری بدن انسان، ۶۱۷، به بعد، موطن اقوام سامی، ۶۶۹، یهودیها در، ۳۰۵، مهاجرت از، ۱۲۲۴، وضع نژادی، ۷۰۱-۷۰۲

عربستان شمال، هیئتهای اعزامی به، نگاه کنید به موزه فیلد، هیئتهای اعزامی به صحرای شمال عربستان

عرب کوچی، ۲۵۵

عرب سومیش، ۲۰۸، ۲۴۲، ۲۶۷

عرب بلو، ۲۶۲

عربها (اعراب)، شکل سر، ۱۵، در بلوچستان، ۱۱۷۴، ۲۸۱، در فارس

پیشانی، ۱۲۳، طول و عرض بینی، ۶۷۵، ۶۷۸، شاخص بینی، ۶۸۱، ۸۱، قد، ۶۱۷، عدس، ۱۹۲، ۲۳

عدن، یهودیها در، ۴۰۵

عراق، اطلاعاتی در باره اندازه گیری بدن انسان، ۶۱۲-۶۱۳، ۶۱۷، به بعد، اشتقاق کلمه، ۱۵۸-۱۵۹، نوع نژادی، ۳۲۰، تقسیمات اجتماعی، ۲۲۴

عراق ایران، ۱۵۹

عراق، سربازان (اندازه گیری شده، وسیله فیلد)، عرض فکین، ۶۶۱، عرض دو گونه، ۶۵۷، شاخص سر، ۶۳۳، گروهها، ۶۲۹، ۶۴۱، اندازه ها و شاخصهای گوش، ۶۸۹، اندازه ها و شاخصهای صورت، ۶۶۵، ۶۶۸، گروهها، ۶۷۱، شاخص پیشانی و آهیانه، ۶۵۳، اندازه های سر، ۶۲۸، ۶۳۶، ۶۳۱، گروهها، ۶۵۱، اندازه سر، ۶۲۸، ۶۲۹، کوتاهترین طول تنه، ۶۲۶، حداقل قطر پیشانی، ۶۵۳، گروهها، ۶۵۱، اندازه ها و شاخصهای بینی، ۶۷۲، ۶۷۶، ۶۷۸، ۶۸۱، گروهها، ۶۷۳، ۶۸۰، شکل بینی، گروهها، ۶۸۶، طول تنه، ۶۲۴، ۶۲۵، گروهها، ۶۲۵، قد، ۶۱۷، ۶۱۶، شاخص گونه و پیشانی، ۶۵۷، شاخص گونه و فك، ۶۶۱

عراق عجم سلطان آباد - اراك، ۱۵۹

۶۴۱ ، ۶۴۳ ، گروهها ، ۱۶۲۹
 اندازه‌های صورت ، ۱۶۶۹ ، ۱۶۶۶
 شاخص پیشانی و آهیانه ، ۱۶۵۳
 شکل سر ، ۶۴۷-۶۴۹ ، ۱۶۵۰
 اندازه‌های سر ، ۶۳۰-۶۳۱ ،
 ۶۳۶-۶۳۷ ، اندازه‌سر گروهها ،
 ۱۶۲۹ ، حداقل قطر پیشانی ،
 ۱۶۵۳ ، ۱۶۵۴ ، طول و عرض بینی .
 ۱۶۷۶ ، ۱۶۷۸ ، شاخص بینی ،
 ۶۸۱ ، ۶۸۴ ، قد ، ۶۱۷ -
 ۶۱۸ ، ۶۲۰ ، ۶۲۲ ، شاخص
 گونه و پیشانی ، ۶۵۷ ، ۱۶۶۰
 شاخص گونه و فك ، ۱۶۶۲ ، ۱۶۶۴
 عربهای عراق (مرکزی) ، عرض فکین ،
 ۱۶۶۱-۱۶۶۲ ، عرض دو گونه ،
 ۱۶۵۶ ، شاخص سر ، ۱۶۴۳
 اندازه‌های صورت ، ۱۶۶۵-۱۶۶۶ ،
 ۱۶۶۸-۱۶۶۹ ، شاخص پیشانی
 و آهیانه ، ۱۶۵۳ ، اندازه‌های
 سر ، ۶۳۱ ، ۶۳۶-۶۳۷ ،
 حداقل قطر پیشانی ، ۱۶۴۳ ، ۱۶۵۳
 اندازه‌ها و شاخص بینی ، ۱۶۷۵ -
 ۱۶۷۶ ، ۱۶۷۸ ، ۶۸۱ ، قد نشسته ،
 ۱۶۲۴ ، قد ، ۶۱۷ ، شاخص گونه
 و پیشانی ، ۱۶۵۷ ، شاخص گونه
 و فك ، ۱۶۶۱-۱۶۶۲
 عرضه زائلی گوشت ، ۲۸۹
 عرفه ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری
 بدن انسان از یهودیها ، ۴۰۶
 عروقلی ، ۲۶۲
 عز نخعی ، ۲۷۹
 عزیز الله ، ۲۳۶
 عزیز بیگللو ، ۲۵۷
 عزیزلی ، ۲۵۷

ولارستان ، ۱۰۲ ، ۱۰۳ ، ۱۷۷ ،
 ۲۵۱ ، ۲۵۴ ، ۲۵۵ ، ۲۵۶ ،
 ۲۵۷ ، ۲۷۲ ، ۲۷۳ ، درایران ،
 ۴۹ ، ۵۰ ، ۷۳ ، ۸۸ ، ۹۰ ، ۱۴۰ ،
 ۱۴۳ ، ۱۵۹ ، ۱۶۱ ، ۲۵۵ ، در
 کلات نادری ، ۱۱۰ ، درکاشان ،
 ۱۳۱ ، درخراسان ، ۱۰۸ ، ۴۸ ،
 ۱۰۹ ، ۱۱۴ ، ۲۹۶ ، ۳۰۰ ، در
 خوزستان ، ۹۹-۱۰۱ ، ۱۷۷ ،
 ۲۲۲ ، ۲۲۳ ، ۲۲۴ ، ۲۲۹ ،
 ۲۳۰ ، ۲۳۱ ، درلرستان ، ۱۷۷ ،
 ۲۰۸ ، درمکران ، ۱۶۸ ، ۱۲۸۴
 درمیناب ، ۲۷۳ ، درپشت کوه ،
 ۱۲۱۹ ، درقم ، ۱۳۱ ، درسیستان ،
 ۱۷۴ ، ۲۹۲ ، ۲۹۳ ، شناخت
 «تازی» ، ۱۷۲ ، مهاجرت
 به ایران ، ۱۱۷۷ ، اختلاط -
 بلوچی‌ها ، ۱۶۸ ، ازقبایل خمسه ،
 ۱۰۳ ، ۱۴۶ ، ۲۵۱ ، ۲۵۵ -
 ۲۵۶ ، در جزیره قشم ،
 ۲۷۲ ، رابطه نژادی با اقوام دیگر ،
 ۷۰۱-۱۷۰۳ ، رابطه با ایرانیان
 باستان ، ۱۵۷-۱۵۸ ، نیز نگاه
 کنید به عربهای کیش ، عربهای
 ترکمن
 عربها ، معروف به بهارلو ، ۱۳۲
 عربهای ترکستان ، عرض فکین ، ۱۶۶۳
 عرض دو گونه ، ۶۵۹ ، ۱۶۶۰
 شاخص سر ، ۶۴۷ ، اندازه‌های
 صورت ، ۶۷۰ ، اندازه‌های سر ،
 ۶۳۴ ، ۶۳۹ ، حداقل قطر پیشانی ،
 ۶۵۴ ، قد ، ۶۲۰ ،
 عربهای جنوبی ، ۶۱۲-۶۱۳ ، عرض
 دو گونه ، ۱۶۵۷ ، شاخص سر ،

- عزیزی ، ۲۵۵
 عساکره ، ۱۰۰
 عسکر سیرجانی ، ۲۸۰
 عمل ، ۱۹۳
 عشق آباد ، ۳۱۸
 عصر حجر جدید در ایران ، ۶۹۸
 عصر حجر ، در ایران ، ۶۹۵-۶۹۸
 عصر حجر مناطق در ایران ، ۶۹۵-۶۹۷
 عطاء اللهی ، ۲۷۹
 عطا یوی ، ۲۳۴
 عطب ، ۲۲۹
 عطشناه ، ۲۳۷
 عقبهی ، ۲۶۴
 عکسبرداری ، روشهای کار ، ۳۴۶
 علائونه ، ۲۳۴
 علا کوینی ، ۱۰۳
 علفها ، در ایران ، ۲۴
 علمارد شلو ، ۲۰۵
 علمدار ، از بهارلو ، ۲۵۷ ، از شش بلوکی ، ۲۶۳
 علوی ، شاخص سر ، ۶۴۴ ، ۶۴۵ ، اندازه های سر ، ۶۳۲ ، ۶۳۸
 علی ، ۲۱۲
 علی آباد ، ۲۹۱
 « علی اللهی » نماینده جدیدی از هیتی های سابق ، ۱۷۳
 علی اللهی ها ، ۲۰۹
 علی بلول ، ۲۳۷
 علی بیگلو (الله بیگلو) ، ۱۰۴ ، ۲۶۳
 علیخانی ، ۲۱۵ ، ۲۳۶
 علیشاه ، سردار اقبال ، ۱۷۴-۱۷۵
 علی شاهقلی ، ۲۵۹
 علی غزالو ، ۲۸۰
 علیقتی خانی ، ۱۰۳
 علی قنبری ، ۲۵۹
 علی قورکلو ، ۲۰۵
 علی کرده لو ، ۲۶۴
 علی نرامیری ، ۲۶۵
 علی محمدی ، ۲۴۳
 علی مردانو ، ۶۲۲
 عیمردی ، ۲۵۹
 علی میرزائی ، ۲۵۹
 علی همتی ، ۲۶۵
 عمادی ، ۲۵۶
 عمادیه ، یهودیه های اندازه گیری شده ؟
 ۴۰۶ ، گردآوری پالئولیتیک
 در ،
 عمار ، ۲۳۴
 عمارلو ، ۲۰۱ ، ۲۰۲ ، در خراسان ،
 ۲۹۸ ، نیز نگاه کنید به امانلو
 عمانی ، شاخص سر ، ۶۴۲ ، ۶۴۳
 عمرائی ، ۲۱۵
 عمراتی ، ۲۱۹
 عمرنان ، ۲۳۴
 عملیات ، ۲۶۶
 عمله ، ۲۱۰ ، ۲۱۴ ، ۲۲۵
 عمله ، از بهارلو ، ۲۵۷ ، از دره شووی
 ۲۶۲ ، از قشقائی ایلیخانی ،
 ۲۰۲ ، ۲۶۴ ، از شیبانی ، ۲۵۶
 عمله شاهی ، ۱۰۳
 عمله کریم خان نکا . کنید به عمله
 عموتی ، ۲۶۵
 عواینت ، ۲۳۶
 عنائی ، ۲۸۰
 عنافجه ، ۲۲۵-۲۲۶ ، ۲۲۹
 عیدان ، از بنی تمیم ، ۲۳۶ ، از محیسن ،
 ۲۳۵
 عیسویها ، ۳۵۲

فهرست اعلام و مطالب - ۸۸۷

- غیائی ، ۲۸۰
غیرشمار ، ۱۳۳
- فارس ، ۲۹، ۱۳ ، محصول کشاورزی ،
۲۵۲ ، قبایل عرب در ، ۱۷۶ -
۱۷۷ ، پرنندگان در ، ۲۴۷ ، آب و هوا
در ، ۲۴۸ ، نواحی و شهرهای
عمده ، ۲۴۹ - ۲۵۳ ، حیوانات
اهلی در ، ۲۵۴ ، ۲۶۰ ، جنگلها ،
۲۴۵ ، چراگاه ، ۲۴۵ ، قبایل
و طوایف ، ۱۰۱ - ۱۰۴ ، ۱۳۲ ،
۱۳۳ ، ۱۴۶ ، ۱۵۶ ، ۱۷۷ ،
۲۵۲ - ۲۶۹ ، جغرافیای طبیعی ،
۲۴۵ - ۲۴۷ ، جمعیت ، ۲۴۹ -
۲۵۴ ، دریاچه‌های آب شور ،
۲۴۷ ، مرغابی در ، ۲۴۷
- فارسی ، در کرمان ، ۲۷۹
فارسیمدان ، ۱۰۳ ، ۱۴۶ ، ۲۶۰ ، ۲۶۱ ،
۲۶۲ ، ۲۸۰
- فارسیوان ، ۲۹۲
فارسیها ، ۱۹۷ ، ۷۳ ، ۲۵۶ ، از بین بورها ،
۱۶۱ ، در ایالات شمال و شمال
غربی ، ۱۹۷ ، ۱۹۸ ، موقعیت ،
۱۶۷ ، خصوصیات جسمانی ،
۱۶۱ ، از بین نوع ایرانی خالص ،
۱۳۹ - ۱۴۰
- فتح الله جمت کریم ، ۲۱۲
فتح الهی ، ۲۱۲
فتحعلیشاه ، ۲۰۳ ، آزاریه و دیان بوسیله ،
۳۵۲
فدچنگف ، ۱۱۹ - ۱۲۰ ، ۱۲۳ ، ۱۲۴ ،
۶۱۷ ، ۱۲۵
- فرائسه ، ۲۲۷
فراش ، ۲۱۱
- عیسی بیگلو ، ۲۵۷
عیشام ، ۲۳۶
عیفان ، ۲۳۴
عیلام ، ۱۶۷ ، ۹۹ ، تاریخ ، ۲۹ - ۳۰ ،
۱۴۹ - ۱۵۲ ، قبایل ، ۱۵۱ ،
۱۲۰۹ ، نیز نگاه کنید به خوزستان
عیلامیها ، ۱۷۱ ، ۱۸۳
عیناوند ، ۲۱۵
عینکلو ، ۲۶۴
- غارچی ، ۴۹
غجینی ، ۲۱۹
غرالی (کرائی) ، ازخسه ، ۲۵۶ ،
۲۵۹ ، از قشقای ، ۲۶۴ ، از
ممسنی ، ۲۶۵ ، در کرمان ،
۲۸۰ ، از ترکها ، ۳۰۰
- غرالی‌ها ، ۳۰۰
غزاده علی ، ۲۶۴
غربت ، ۲۶۸
غربتی ، ۱۴۳
غر شمال ، ۱۴۳ ، ۱۷۰
غروی ، ۲۹۸
غریبکلو ، ۲۰۵
غز ، ترکان ، ۱۷۶ ، ۱۹۸
غزاویه ، ۲۲۷
غزالی ، ۲۳۶
غزبوی ، ۲۳۶
غلات در ایران ، ۲۰ - ۲۱ ، ۲۳ ، ۶۹۵ ،
نیز نگاه کنید به نامهای غلات
غلباش ، ۲۵۷
غلوئی ، ۲۶۶
غوری ، ۲۶۸
غولا ، ۳۰۰
غیاثوند ، ۲۰۴

- قائد ، ۲۸۰
 قائد رحمت ، ۲۱۸، ۲۱۴
 قائدلو ، ۲۶۳
 قاجار ، ۹۳، ۴۹، ۱۱۰-۱۱۱، ۱۶۲ ،
 سلسله، ۳۲، ۵۰، ۹۱، ۹۸، ۱۳۲،
 در خراسان ، ۱۰۸ ، منشأ ،
 ۱۳۶ ، شمبات فرعی ، ۱۳۳
 قاجار = بلوچی ها نام ایران ، ۲۸۱
 قاسملو ، ۲۰۵، ۲۸۰
 قاطر ، ۲۵، ۲۱۰، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۲۶ ،
 ۲۴۲، ۲۶۱
 قایق ، ۲۲۷
 قاین ، جمعیت ، ۲۹۲
 قبادخانی ، ۱۰۴
 قتالو ، ۲۰۵
 قحطانیها (کحتانیها) ، ۱۵۸
 قحطی در ایران ، ۴۵ ،
 قد ، در رابطه با شکل سر ، ۶۵۰ ، بارنگ
 پوست ، ۱۸۵
 قدری ، ۲۸۰
 قوا ، شاخص سر ، ۶۴۲
 قراچی ، ۱۴۳
 قربان نیاز ، ۲۹۸
 قربوکش ، ۲۶۲
 قرت ، ۲۶۴، ۲۵۶
 قرخلو ، ۲۶۴
 قرقیز ، ۱۶۳، ۱۶۹ ، شاخص بینی ، ۶۸۴
 قرقیز تاتار ، ۸۷
 قرقیز ، قزاق ، اندازه‌های سر ، ۶۳
 قروشات ، ۲۳۸
 قره برملو ، ۲۰۳
 قره بهی ، ۲۶۴
 قره بیات ، ۲۶۸
 قره پاپک ، ۹۴
 فراشی ، ۲۸۰
 فراوند ، ۲۰۰
 فرانکفورت ، ۶۹۸، ۳۳۵، ۳۱۶
 فرانکلین ، ۴۲۶
 فرایر ، جان ، ۴۲۵
 فرایست ، ۲۳۷
 فرغانه ، اطلاعاتی در باره اندازه‌گیری
 بدن انسان ، ۱۲۸ ، ۶۲۰ به بعد ،
 اهالی موبور و سفید ، ۱۳۰ -
 ۱۳۱
 فرهنگ در ایران ، ۳۶
 فریزر ، ۲۶۹
 فسا شهرستان ، ۳۰۲
 فقیرزائی ، ۲۸۸
 فلاحیه ، ۲۲۳
 فلك الدين ، ۲۱۳ ، ۲۱۵
 فلور ، پرسور ، ۳۰۱
 فنیقی‌ها ، ۱۳۶ ، اندازه‌های سر ، ۵۴
 فورست ، ۳۱۵
 فولاد ، ۲۱۳
 فهرج (ایران شهر) ، ۲۸۶
 فیروزکوهی ، ۱۱۰
 فیلادلفی موزه هنر ، ۳۰۶
 فیلد ، مارشال ، ۱
 فیلد موزه و دانشگاه اکسفورد ، هیئت
 اکتشافی وابسته در کیش ، عراق ،
 ۶۹۲ ، ۶۱۲ ، ۱
 فیلد موزه ، هیئت اعزامی به شمال عربستان ،
 کشفیات ، ۶۹۲ ، ۶۹۶
 فیلی (فائیلی) لرها ، ۵۰، ۹۱، ۹۸، ۲۰۸ ،
 ۲۱۳ ، ۲۱۶ ، ۲۱۹ ، ۲۶۴
 فین ، الکساندر ، ۲۶ ، ۱۴۳
 فیوج (لولی) ، ۱۴۲ ، ۲۸۰ ، ۲۸۱

بدن انسان از ۶۱۸ به بعد .
 قشقایی ، ۲۴۴ ، ۲۱۴ ، ۱۰۳ ، ۱۰۲ ، ۹۱ ،
 ۲۵۳ ، ۲۵۴ ، ۲۵۹ - ۲۶۱ ،
 در قیاس با بنحیاریها ، ۲۶۰ ،
 در قیاس بالرها ، ۲۶۱ ، لهجه ،
 ۲۶۱ ، نظارت بر بلوک فارس ،
 ۱۴۶ ، ۱۲۵۹ ، اردو گاهها ، ۱۲۶۱ ،
 زبان ، ۱۲۵۹ ، مهاجرت ، ۱۲۶۱ ،
 نژاد و آداب و رسوم ، ۱۴۵ ،
 ۱۴۶ ، ۲۵۹ - ۲۶۱ ، ریشه نام ،
 ۲۵۹ ، خصوصیات جسمانی ،
 ۱۲۶۱ ، مذهب ، ۱۲۶۱ ، گروههای
 اسکان یافته ، ۲۶۴ ، ۱۲۶۵ ، رنگ
 پوست ، ۱۲۶۵ ، تیره های فرعی ،
 ۱۰۳ ، ۱۴۶ ، ۲۶۲ - ۲۶۶
 قشم جزیره ، ۲۷۲ ، ۱۲۷۳ ، جمعیت ، ۲۷۲ ،
 قصر قند ، ۲۸۳ ، مالاریا در ، ۲۸۲ ،
 جمعیت ، ۲۸۳
 قصب ، ۲۳۵
 قفقاز ، جمجمه ساکنین قدیم ، ۱۲۷ ،
 اطلاعاتی درباره اندازه گیری ،
 ۱۲۷ - ۱۲۸ ، ۳۰۶ ، ۶۱۹ ، ۶۱۱ ،
 سه بعد ، ۷۰۸ - ۷۰۹ ،
 باستانشناسی ، ۳۱۶ ، غلات در ،
 ۲۹۵ ، گروه زبان هند و ایرانی ،
 ۱۸۸ ، یهودیها در ، نگاه کنید
 به یهودیها
 قفقازی ، نژاد ، در مغرب آسیا در ازمنه ما -
 قبل و اوائل تاریخ ، ۱۳۰
 ، عناصر زبانی در ایران ، ۱۸۶ ،
 مرکز تکاملی ، ۷۰۲ - ۷۰۳
 قفها ، ۲۸۱
 قلاب وند ، ۲۱۴
 قلاوند ، ۲۱۴ ، ۲۱۸ ، ۲۲۶

قره چایی (قبیله قشقایی) ، ۱۰۳ ، ۲۶۳ ،
 قره چای (شعبه ای از ترکمنهای یاموت) ،
 ۲۹۸
 قره چای ها ، ۴۱۶
 قره خاصلو ، ۲۵۷
 قره خانلو ، از بهار لو ، ۲۵۷ ، از اکدیر ،
 ۲۶۳
 قره قاجلو ، ۲۶۴
 قره قانلو ، ۲۶۲
 قره قرقیز ، شاخص سنی ، ۶۸۴ ، قد ،
 ۶۲۰
 قره قل ، ۲۹۶
 قره قوش ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری
 بدن انسان ، ۶۴۳
 قره قوینلو ، از قبیله لك ، ۲۰۵
 قره قوینلو ، ارقابیل انطار و افشار ، ۲۸۰
 قره گوزلو ، در فارس ، ۲۶۸ ، در
 همدان ، ۹۱
 قره او ، ۲۰۶
 قره مشاملو ، ۲۶۲
 قره یارلو ، ۲۶۳
 قریش قبیله ، ۱۰۵
 قزل اوزن ، رود ، ۱۹۲
 قزلباش ها ، ۱۱۱ ، ۷۲ ، ۶۷ ، ۵۰ ، قنایل ،
 ۱۳۲ ، ۱۴۶
 قزلو ، ۲۶۴
 قزلی ، ۱۰۴
 قزوین ، ۲۰۴ - ۲۰۵ ، قبایل و طوایف ،
 ۱۹۷ ، ۲۰۴ - ۲۰۶ ، نهیه
 سر ، ۱۹۳
 قزوین ، جمعیت ، ۱۷۶
 قزوین شهرستان ، ۳۰۲
 قزیل ، ۹۶
 قستمونی ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری

- قلجی ، نیز نگاه کنید به قلزائی
 قلدر ، ۲۶۲
- قلزائی (قیلزائی) ، ۱۲۶ ، در افغانستان ،
 ۱۴۹ . نیز نگاه کنید به قلجی
- قلعه گیری ، قبرستان ، جمجمه از ، ۱۲۶
 قلق جانلو ، ۲۰۶
- قلنددانی ، عرض فکین ، ۶۶۳ ، عرض
 دو گونه ، ۶۵۹ ، شاخص سر ،
 ۶۴۸ ، اندازه های سر ، ۶۳۴ ، ۶۴۰
- قلیوند ، ۲۱۵
- قم ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری بدن
 انسان روی یک مرد ، ۵۲۶ ، ۵۳۵ ،
 ۵۳۶ ، قبایل عرب ، ۱۳۱ ، خون
 سیاه پوست ، ۵۲۶ ، خصوصیات
 جسمانی در جمعی ، ۷۲ ، قبایل
 نزدیک ، ۱۳۱
- قم دریاچه ، ۱۹۲
- قم شهرستان ، ۳۰۲
- قمیشه ، نگاه کنید به شهرضا
- قنبرائی ها ، ۱۷۴
- قنبری ، ۲۵۵
- قندری ، ۲۸۱
- قندهار ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری
 بدن انسان ، ۱۶۵ ، قلزائیها در ،
 ۱۴۹
- قنوائی ، ۲۲۳ ، ۲۳۱
- قو ، ۲۴۷
- قوتلو ، ۲۶۴
- قوجه بیگللو ، ۲۶۴
- قوچان ، کردهای زعفرانلو در ، ۱۰۸ ،
 ۲۹۸ ، جمعیت ، ۲۹۵
- قورباغه ، ۲۷
- قوش بازی ، ۲۶
- قوغی ، ۲۵۹
- قونیه ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری
 بدن انسان ، ۶۱۸ به بعد .
- کابل ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری بدن
 انسان ، ۶۵ ، مهاجرت آریانیها ،
 ۱۵۵ ، قبایل آریین در ، ۱۴۹
 کابلی ، نام کولیاها ، ۱۴۳
- کاپرز ، ۴۳۴ ، ۵۰۸ ، ۶۱۰ ، ۶۱۱ ، ۶۳۱
 به بعد .
- کاترفاژ ، ۷۴
- کاتیاوار ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری
 بدن انسان از ، ۶۲۲ به بعد .
- کارپرتر ، رابرت ، ۴۲۶
- کاردوچی ، ۹۲
- کاردوچیا ، نگاه کنید به کردستان
- کارمانبها (کارمانیان) ، ۱۵۶ ، ۴۰
- کارونلو ، ۲۰۵
- کاسه - کوسائیان ، ۱۸۳
- کاسیت ، ۱۸۴
- کاشان ، ۲۰۶
- کاشان شهرستان ، ۳۰۲
- کاشان ، اطلاعات گردآوری شده درباره
 اندازه گیری بدن انسان ، ۶۱۰ ؛
 جمجمه هائسی از گورستان
 نزدیک ، ۳۲۴ ، ساکنین ، ۱۳۱ ؛
 یهودیها در ، ۱۳۱ ، ۳۴۹ ، ۳۵۰ ؛
 جمعیت ، ۱۷۶ ، ۲۰۶
- کاشی ، نوعی آجر ، ۲۰۶
- کاظم بسلو ، ۲۵۷
- کاظم لو ، ۲۶۲
- کافرستان ، قبایل آریین در ، ۱۴۹
- کاکاخانلو ، ۲۵۷
- کاکاوند ، در ولایات شمالی و شمال غربی ،
 ۲۰۳ ، ۲۰۴ ، در دلفان ، ۲۱۲ ،
 ۲۱۴ ، ۲۱۵ ، ۲۱۸

فهرست اعلام و مطالب - ۸۹۱

- کاکس ، سرپرسی ، ۱۵ به بعد
 کاکولوند ، ۲۱۳
 کالج پادشاهی جراحی ، مجموعه ها نثر ،
 ۶۳-۶۱
 کامپاندا = بیستون ؛ ۱۸۲
 کامرون ، جرج ، ۱۸۳-۱۸۷
 کاندل ، آلفونس دو ، ۲۳
 کاهو ، ۲۳ ، ۱۹۲
 کپادوچی ، ۸۷
 کپچک ها ، ۱۱۰
 کمپورماهی ، ۱۹۳
 کترتان ، قبیله ای از اعراب ، ۱۶۸
 کتلو ، ۲۸۰
 کتور ، ۹۷
 کتیرا ، ۲۰ ، ۲۱۷
 کثیر ، نگاه کنید به آل کثیر
 کچکوهی (خوجه) ، ۲۸۰
 کدمن ، لرد ، ۶
 کدو ، ۲۳ ، ۱۹۲
 کسیا ، ۱۵۰
 کشاورزی در فلات ایران در عصر قبل-
 آریائی ، ۱۸۹ ، مراکز جهان ،
 ۶۹۳ - ۶۹۵
 کشاورزی محصولات ایران ، ۲۰-۲۴
 کشمش ، ۲۵۲
 کرانی ، ۲۶۴
 کرتیها ، ۴۱
 کر جوئو ، ۲۶۲
 کرخلو ، ۲۶۲
 کردستان ، ۹۱ ، ۹۳-۹۴ ؛ اطلاعاتی درباره
 اندازه گیری بدن انسان ، ۴۰۶ ،
 ۶۱۹-۶۲۰ به بعد ؛ موبورها
 در ، ۱۶۹ ؛ گیاهان بومی در ،
 ۶۹۵
- کردستان (ایران) ، اطلاعاتی درباره
 اندازه گیری بدن انسان ، ۶۶ ،
 قبایل ، ۹۳-۹۶
 کردستان (عراق) ، محله های عصر حجر ،
 ۶۹۶
 کردشولی ، ۲۶۴
 کرد علیوند ، ۲۱۲ ، ۲۲۶
 کردف ، ک ، ۳۱۸
 کرده ، قبایل ، در ولایات شمالی و شمال
 غربی ، ۱۹۹ ، ۲۰۰
 کردگالی ها ، ۱۰۵
 کرد و ترک ، ۲۰۰ ، اصل از ، ۲۰۰-۲۰۱
 کردها ، ۵۰ ، ۶۸ ، ۱۳۵ ، موبور در بین ،
 ۱۶۹ ؛ اسامی ، ۴۱ ؛ سوابق
 تاریخی ، ۹۱-۹۳ ؛ در فارس ،
 ۱۷۷ ؛ در ایران ، ۴۸ به بعد ،
 ۸۸ ، ۹۰-۹۷ ، ۱۰۵ ، ۱۱۳ ،
 در بلوچستان ایران ، ۱۰۶ ،
 ۲۸۷ ، ۲۸۹ ؛ در کرمان ، ۲۸۰ ؛
 در کرمانشاه ، ۱۱۳ ، ۲۰۹ ؛ در
 خراسان ، ۱۰۸-۱۰۹ ، ۱۱۰ ،
 ۱۴۴ ، ۱۴۷ ، ۲۹۵ ، ۲۹۶ ،
 ۲۹۸ ، ۲۹۹ ؛ در لرستان ، ۱۷۷ ،
 ۲۰۸ ، ۲۱۹ ؛ در مازندران ، ۱۱۳ ،
 ۲۰۱ ؛ مهاجرت به آذربایجان ،
 ۱۷۷ ؛ مربوط به کردستان عراق ،
 ۱۷۰۲ ؛ نژاد از ، ۱۳۷ ؛ خصوصیات
 جسمانی ، ۵۸ ، ۹۴ ، ۱۳۷ ، ۱۶۸-
 ۱۶۹ ؛ قبایل ، ۹۵-۹۶ ، ۱۳۲ ؛
 نیز نگاه کنید به ترکمن ، کردهای
 اطلاعاتی در باره اندازه گیری
 بدن کردها ، عرض فك ، ۱۲۵ ،
 ۶۶۳ ؛ عرض گونه ، ۱۲۴ ، ۶۵۸-
 ۶۵۹ ؛ شاخصهای سر ، ۱۲۱ ،

- کرمان ، محصولات کشاورزی ، ۲۷۴ -
 ، ۲۷۵ ، ۲۷۷ ، پیشرفت صحرا ،
 ، ۲۷۴ ، نواحی ، ۲۷۵ - ۲۷۸ ،
 نابودی جنگلها ، ۲۷۴ ، اوضاع
 جغرافیائی ، ۲۷۴ - ۲۷۵ ، اصل
 نام ، ۳۰ ، ۱۵۶ ، جمعیت ، ۲۷۸ ،
 وضع بارندگی ، ۲۷۵ ، قبایل و
 طوایف ، ۵۸ ، ۱۳۳ ، ۱۳۲ ، ۱۷۷ ،
 کرمانشاه ، اطلاعات اندازه گیری بدن
 انسان درباره کردها ، ۵۳۲ -
 ، ۵۳۳ ، قبایل و طوایف ، ۹۳ ،
 ، ۹۵ ، ۱۷۷
 کرمانشاه ، اطلاعات گردآوری شده درباره
 اندازه گیری بدن انسان ، ۶۱۰ ،
 یهودیهادر ، ۳۳۹ ، جمعیت ، ۱۷۶
 کرمانشاه شهرستان ، ۳۰۲
 گرم زائی گوشت ، ۲۸۹
 گرمشی ، ۲۶۲
 گرم علی ، ۲۱۵
 گرمی ، ۲۵۹
 گرمندی ، ۹۶
 گرمی (کرونی) ، ۱۰۳ ، ۲۶۸
 گروش (گروش ، قریش) ، ۱۰۵ - ۱۰۶
 گروفوت ، ۶۱۸ به بعد
 گروگمن ، ویلتون ، ۳۰۵ ، ۳۰۶ ، ۳۱۲ ،
 ، ۳۳۵ ، ۷۰۸
 گریشنر ، خانم ، ۳۱۹ ، ۳۳۳ ، ۶۱۰
 گریشنر (گریچنر) ، هرالده ، ۳۱۹ ، ۳۳۳ ،
 ، ۶۱۰ ، ۶۴۲ ، ۶۴۷
 گریم ، ۲۵۵
 گریم خان زند ، ۱۳۳ ، ۴۲۵ ، حرکت
 قبایل بعد از سلطنت ، ۲۰۱ ،
 ، ۲۰۵ ، ۲۳۰
 گریملو ، ازبهارلو ، ۲۵۷ ، ازدره شورپها ،
 ، ۱۲۲ ، ۱۲۹ ، ۱۳۷ ، ۶۴۲ ،
 ، ۶۴۶ - ۶۴۷ ، چشمها ، ۵۸ ،
 اندازه ها و شاخصهای صورت ،
 ، ۶۶۶ ، ۶۷۰ ، شاخص پیشانی و
 آهیانه ، ۱۶۵۴ ، مو ، ۱۱۶ ، شکل
 سر ، ۶۴۹ ، اندازه های سر ،
 ، ۵۳ ، ۶۳۳ ، ۶۳۹ ، لبها ،
 ، ۱۱۷ ، حداقل قطر پیشانی ، ۱۲۳ ،
 ، ۱۶۵۴ ، عضلات ، ۱۲۰ ، اندازه ها
 و شاخصهای بینی ، ۶۷۷ ، ۶۷۹ -
 ، ۶۸۰ ، ۶۸۳ - ۶۸۴ ، شکل بینی
 ، ۱۳۷ ، قد نشسته (طول تنه) ،
 ، ۶۲۵ ، قد ، ۱۱۸ - ۱۱۹ ، ۶۱۹ -
 ، ۶۲۰ ، دندانها ، ۱۱۷ ، شاخص
 گونه و پیشانی ، ۶۵۸ - ۶۵۹ ،
 شاخص گونه و فك ، ۶۶۳ ،
 اندازه ها و شاخصهای سه مرد
 اندازه گیری شده در سلیمانیه و
 کرکوك ، ۵۳۲ - ۵۳۶
 کرزن ، ۳۵ - ۴۴ ، ۸۸ - ۱۱۲ ، ۲۰۹ ، ۲۹۵ ،
 ، ۳۴۹ ، ۳۵۲ ، ۳۲۵ ، ۳۲۶ ،
 ، ۲۷۴ ، ۳۴۹ ، ۳۵۲ ، ۴۲۵ ،
 کرکوك ، ۱۸۰ ، محله های عصر حجر نزدیک ،
 ، ۶۹۶ ، ۶۹۷
 کرکی ، ۲۱۲
 کرمانرود ، ۲۰۲
 کرمان ، اطلاعات گردآوری شده درباره
 اندازه گیری بدن انسان ، ۶۱۰ ،
 مرکز تجارتی مهم ، ۲۷۸ ، آب
 و هوا ، ۲۷۵ ، ۲۷۷ ، جمجمه
 گبراز ، ۶۳ ، جمعیت ، ۱۰۳ ،
 ، ۱۷۵ ، ۲۷۸ ، گروه های مذهبی ،
 ، ۲۷۸
 کرمان شهرستان ، ۳۰۳

فهرست اعلام و مطالب - ۸۹۳

- ۲۶۲
 گریمه ، تانارهای ساکن ، شاخص سر ،
 ۱۲۹
 گریمه ، خزرها ، ۴۱۸
 گزکاللی ، ۲۹۸
 گزنگی ، ۱۷۰
 کشکولی ، ۲۶۴، ۲۶۲، ۱۴۶، ۱۰۳
 کشمیر ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری
 بدن انسان از گیاهان از ، ۶۹۴
 کشوند ، ۲۱۱
 کشیمو ، ۲۸۰
 کعب (جاب یا جب) ، عربها ، ۹۹-۱۰۱ ،
 ۲۲۳ ، ۲۳۵، ۲۳۰، ۲۲۴
 کفاشی (کناشی) ، ۲۸۰
 کگاوالی ، ۲۶۶
 کلات نادری ، ساکنین در ، ۱۱۰، ۲۹۶
 کلانی جنه (جیان تیسیم) ، ۱۱۷۸ ، از بین
 ایرانیان باستان ، ۴۲
 کلوند ، ۲۰۵
 کلاه سیاه ، ۲۶۴ ، ۲۶۷
 کلاهلو ، ۲۶۳
 کلاین ، ۲۱۲
 کلدانیها (جدید) ، ۵۹ ؛ شاخص سر ، ۱۶۳۳ ؛
 اندازه های سر ، ۱۳۱ ، ۶۳۷ ؛ در
 ایران ، ۸۹ ، ۱۹۹
 کلدانیها (قدیم) ، ۱۳۷
 کلم ، ۲۳
 کلموکها ، ۱۶۹ ؛ عرض استخوان گونه ،
 ۱۲۴ ، شاخص سر ، ۷۴
 کلوند ، ۲۰۰
 کلونی کوشکی ، ۲۱۵
 کلهر ، ۲۰۹، ۹۵
 کلهرهاله (شهر آسوری) ، ۹۵
 کله مرزی ، ۲۸۱
 کله کوه ها ، ۱۳۳
 کمانلو ، ۲۵۷
 کمبه کابل ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری
 جمجمه ، ۳۱۱ ؛ نوع ، ۳۱۲
 کمرزائی اسمعیل زائی ، ۲۸۸
 کمر زائی محمد زائی ، ۲۸۸
 کناره ، ۴۵۶، ۳۳۸ ؛ ساختمانها در ، ۴۵۷ ؛
 حیوانات اهلی ، ۴۵۷ ؛ زندگی
 در قریه و سنتها ، ۴۵۷ ؛ تهیه
 آب ، ۴۵۷
 کناره ، ده نشینان (۷۴ مرد
 اندازه گیری شده) ، ۴۵۶-۴۹۲
 سن ، ۴۵۸ ، ۴۸۴ ؛ در مقایسه با
 گروههای ایران ، ۵۳۶-۵۳۷
 ۵۵۸-۵۶۳
 نوع آلپ ، در بین ، ۴۷۰
 نوع ارمنی و اناتولی ، در بین ،
 ۴۷۰
 نوع اتلانتيك و مدیترانه ، در بین .
 ۴۷۰
 کچلی نسبی ، در بین ، ۴۵۹
 ریش ، در بین ، ۴۵۹
 عرض (قطر) دوفک ، ۴۸۴ ؛ در
 مقایسه با گروههای ایران ،
 ۵۳۶ ، ۵۵۸-۵۶۳ ؛ در مقایسه با
 گروههای جنوب غربی آسیا .
 ۶۶۱ به بعد .
 عرض ، (قطر) دو گونه . ۴۸۴ ؛ در
 مقایسه با گروههای ایران ،
 ۵۳۶ ، ۵۵۸-۵۶۳ ؛ در مقایسه
 با گروههای جنوب غربی آسیا ،
 ۶۵۶ ، ۶۵۷ به بعد ؛ گروهها ،
 ۴۶۸ ؛ در مقایسه با گروههای
 ایران ، ۵۴۴

مردم شناسی ایران

- کوری ، در بین ، ۴۶۰
 بور ، در بین ، ۴۵۹ ، ۲۷۰
 شاخص سر ، ۴۸۵ ، در مقایسه با
 گروههای ایران ، ۵۵۸ ، ۵۳۷ -
 ۵۶۳ ، در مقایسه با گروههای
 جنوب غربی آسیا ، ۶۴۲ به بعد ؛
 گروهها ، ۴۸۵ ، ۴۸۳ ، ۴۶۴ ، در
 مقایسه با گروههای ایران ، ۵۴۰ -
 ۵۴۱ ، در مقایسه با گروههای
 ایران و عراق ، ۶۴۱ |
 چانه ، ۴۶۹
 امراض ، در ، ۴۵۹ ، ۴۶۰ ، ۴۶۲
 گوشها ، ۴۶۷ ، اندازهها و شاخصها ،
 ۴۸۵ ، در مقایسه با گروههای
 ایران ، ۴۳۶ ، ۵۵۸ - ۵۶۳ ، در
 مقایسه با گروههای جنوب غربی
 آسیا ، ۶۸۸ - ۶۸۹
 چشمها ، ۴۵۹ - ۴۶۰ ، چینهای
 خارجی ، ۴۶۰ ، گروهها ، ۴۶۰ ،
 در مقایسه با گروههای ایران ،
 ۵۵۳ - ۵۵۴ ، شکاف ، ۴۶۰
 صورت ، اندازه و شاخصها ، ۴۸۴ -
 ۴۸۵ ، در مقایسه با گروههای
 ایران ، ۵۳۶ - ۵۵۸ ، ۵۳۷ -
 ۵۶۳ ، با گروههای جنوب غربی
 آسیا ، ۶۶۵ ، ۶۶۸ به بعد ؛
 گروهها ، ۴۶۸ - ۴۶۹ ، ۴۸۱ -
 ۴۸۳ ، در مقایسه با گروههای
 ایران ، ۵۴۴ - ۵۴۸ ، در مقایسه
 با گروههای ایران و عراق ،
 ۶۷۱ - ۶۷۲
 انواع صورت ، ۴۶۸ - ۴۶۹ ؛ در
 مقایسه با گروههای ایران ،
 ۵۴۵ - ۵۴۶ ، صورت پهن ، ۵۴۷ ؛
- پیشانی ، ۴۶۶
 پیشانی و آهیانه (پیشانی و فرق) ،
 ۴۸۵ ، در مقایسه با گروههای
 ایران ، ۵۳۶ - ۵۳۷ ، در مقایسه
 با گروههای جنوب غربی آسیا ،
 ۶۵۳ به بعد
 مو ، ۴۵۸ - ۴۵۹ ، گروهها ،
 ۴۵۹ ، در مقایسه با گروههای
 ایران ، ۵۵۱ - ۵۵۲ ، عرض و
 طول سر ، ۴۸۲ ، در مقایسه با
 گروههای ایران ، ۵۳۶ - ۵۳۷
 ۵۵۸ - ۵۶۳ ، در مقایسه با
 گروههای ایران و عراق ،
 ۶۲۸ ، در مقایسه با گروههای
 جنوب غربی آسیا ، ۶۳۱ به بعد ؛
 ۶۳۶ به بعد ؛ گروهها ، ۴۶۷ ،
 در مقایسه با گروههای ایران
 ۵۴۲ - ۵۴۳
 شکل و اندازه سر ، ۴۶۴ - ۴۶۷ ،
 گروهها ، ۴۶۵ ، ۴۶۷ ، ۴۸۶ ،
 در مقایسه با گروههای ایران ،
 ۵۴۱ - ۵۴۳ ، در مقایسه با
 گروههای ایران و عراق ، ۶۲۸ -
 ۱۶۲۹
 بهداشت عمومی ، ۴۶۲
 حنا ، ۴۵۹
 لبها ، ۴۶۱
 قد نشسته ، در مقایسه با گروههای
 ایران و عراق ، ۶۲۵
 گونه ، ۴۶۹
 نوع مدیترانه ، در بین ، ۴۷۰
 حد اقل قطر پیشانی ، ۴۸۴ ؛ در
 مقایسه با گروههای ایران ،
 ۵۳۶ ، ۵۳۳ - ۵۵۸ ، در مقایسه

فهرست اعلام و مطالب - ۸۹۵

- با گروههای جنوب غربی آسیا ،
۶۵۳ به بعد ، گروهها ، ۴۶۷ ،
در مقایسه با گروههای ایران ،
۵۴۲ - ۵۴۳
- نژاد مغول در بین ، ۴۶۹ ، ۴۷۰ ،
خصوصیات شکل شناسی ، ۴۵۸ -
۴۶۲ ، در مقایسه با گروههای
ایران ، ۵۵۱-۵۵۶ ، مقایسه‌ای
از گروههای سردراز ، صورت
باریک ، افراد بینی باریک با
سایر گروههای ایران ، ۵۹۲ -
۵۹۳
- دهان ، ۴۶۱ ،
عضله ، ۴۶۲ ،
سبیل ، ۴۵۹ ،
طول و عرض بینی ، ۴۸۴ ، در
مقایسه با گروههای ایران ،
۵۳۶-۵۳۷ ، ۵۵۸-۵۶۳ ، در
مقایسه با گروههای ایران و عراق ،
۶۷۲ ، در مقایسه با گروههای
حدوب غربی آسیا ، ۶۷۵ ، به بعد ،
۶۷۸ ، به بعد ، گروهها ، ۴۷۰ ،
در مقایسه با گروههای ایران ،
۵۴۹ ، در مقایسه با افراد عراق ،
مصر و هند ، ۶۷۳-۶۷۵ شاخص
بینی ، ۴۸۵ ، در مقایسه با گروههای
ایران ، ۵۳۶-۵۳۷ ، ۵۵۸ -
۵۶۳ ، در مقایسه با گروههای
ایران و عراق ، ۶۷۲ ، با
گروههای جنوب غربی آسیا ،
۶۸۱ ، گروهها ، ۴۸۶ ، در
مقایسه با گروههای ایران ،
۵۵۰ ، با گروههای ایران و
عراق ، ۶۸۰
- نیمرخ بینی ، ۴۶۱ ، گروهها ،
۴۶۱ ، در مقایسه با گروههای
ایران ، ۵۵۴ - ۵۵۵ ، در مقایسه
با گروههای ایران و عراق ، ۶۸۶ ،
در مقایسه با افراد سردراز ،
صورت باریک ، بینی باریک ،
۵۹۲ - ۵۹۳
- بیخ بینی ، ۴۶۱ ،
می نوک و پره‌ها ، ۴۶۱ ،
گروهها ، در مقایسه با گروههای
ایران ، ۵۵۴ - ۵۵۵ ، گردن ،
۴۶۹
- سیاهپوست در بین ، ۴۶۱ ، ۴۷۱ ، ۶۰۷ -
۶۰۸
- نوع نوردیک در بین ، ۴۷۰ ،
کلاه پهلوی ، ۴۵۷ ،
بررسی تصاویر ، ۴۷۰ - ۴۷۱ ،
پیش آمدگی آرواره
- نوع آلپ اولیه در بین ، ۴۶۶ ،
اطلاعات تخمینی ، در باره اندازه‌ها ،
شاخصها و خصوصیات شکل
سسی ، ۴۷۲-۴۹۲
- نمونه گروه فارس ، ۴۵۶ ،
قدنشته ، ۴۸۴ ، در مقایسه با
گروههای ایران ، ۵۳۶-۵۳۷ ،
۵۵۸ - ۵۶۳ ، در مقایسه با
گروههای ایران و عراق ، ۶۲۶ ،
در مقایسه با گروههای جنوب
غربی آسیا ، ۶۲۴ ، گروهها ،
۴۶۳ ، در مقایسه با گروههای
ایران ، ۵۳۹ رنگ پوست ، ۴۵۸
- آبله ، ۴۶۲ ،
تجزیه آماری ، ۴۶۳ - ۴۷۰ ،
قد ، ۴۸۴ ، ۵۵۸ - ۵۶۳ ، در

- کوچیت ، ۷۹
 کودراها ، ۹۲
 کورا ، دره ، اطلاعاتی درباره اندازه -
 گیری بدن انسان در ، ۶۳۳ به بعد
 کورائی ، ۲۶۶
 کوروش ، قبیله ، ۲۶۸
 کوروش کبیر ، ۳۹،۳۰
 کورونیکف (کرونیکو) ، ۱۸۷ ، ۶۲۰
 به بعد .
 کوره شوئی ، ۱۰۴
 کوسه لیر ، ۲۰۵
 کوشکائی (کوشکائی) ، ۲۶۸،۲۶۶
 کوك ، ۶۹۴
 کوچی ها ، ۳۹
 کولڈزا ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری
 بدن انسان ، ۱۲۸
 کولو ، ۲۶۸
 کولیاھی (کلیای) ، قبایل کرد در ، ۹۶
 کولی ها ، ۱۴۲ - ۱۴۳ ، ۱۳۶ - ۱۴۷ ،
 ۱۶۳ ؛ شکل - سر ، ۱۲۶ ؛ در
 ایران ، ۴۹ ، ۱۸۹ ؛ در کرمان ،
 ۲۸۰ ، ۲۸۱ ؛ در خراسان ،
 ۱۱۷۰ ؛ در ترکستان ، قد ، ۶۲۰
 کوماچای ، ۲۸۰
 کومارف ، ۳۱۸
 کومیک ها ، ۳۱۶
 کون ، کارلتون ، ۴، ۶۱۵، ۶۴۹، ۷۰۸
 کوه تفتان ، ۲۸۲ ، ۲۸۷ ، ۲۸۸ ؛ قبیله
 در ، ۲۸۹
 کوه خواجه ، ۲۹۱
 کوهستان یهودیهای ، ۳۱۶ ، ۳۱۸ ؛
 شاخص سر ، گروهها ، ۳۱۹ ، ۱۴۲۰
 خیلی سر کوناهی ، ۳۱۹ ؛ از
 ایران ، ۳۱۸ ؛ اندازه ها و
 مقایسه با گروههای ایران و
 عراق ، ۱۶۲۵ در مقایسه با
 گروههای جنوب غربی آسیا ،
 ۶۱۷ به بعد ؛ گروهها ، ۳۶۳ ،
 ۴۸۶ در مقایسه با گروههای
 ایران ، ۵۳۸ ، ۵۳۹ در مقایسه
 با گروههای ایران و عراق ، ۶۱۶
 خال کوبی در بین ، ۴۶۳
 دندانها ، ۴۶۱ - ۴۶۲ ؛ گروهها ،
 ۴۶۲ در مقایسه با گروههای
 ایران ، ۵۵۵ - ۵۵۶
 شاخص گونه و پیشانی ، ۴۸۵ ؛
 در مقایسه با گروههای ایران ،
 ۵۲۷ ، ۵۵۸ - ۵۶۳ در مقایسه
 با گروههای جنوب غربی آسیا ،
 ۶۵۷ به بعد .
 شاخص گونه و فك ، ۴۸۵ ؛ در
 مقایسه با گروههای ایران ، ۵۳۷ ،
 ۵۵۸ - ۵۶۳ در مقایسه با
 گروههای جنوب غربی آسیا ،
 ۶۶۱ به بعد .
 کندازلی ، ۱۰۰
 کندر ، ۸۶
 کندرو ، دلیو . جی ، ۲۲
 کندی ، والتر ، ۲، ۳۵۴ ، ۵۲۴
 کنفینو ، ۳۵۲
 کنیا کمز ، ۲۹۸
 کوامیل ، ۲۲۸
 کوتاه قدها (کوتولهها) ، ۳۶۱، ۳۵۴ ،
 ۳۷۴
 کوتای ، یهودیها در ، ۳۱۸
 کوجوك ، ۲۹۸
 کوچامی ، ۲۸۰
 کوچ های قبایل ، ۱۰۲

فهرست اعلام و مطالب - ۸۹۷

۶۵۱ ، اندازه سر ، گروهها ،
 ۶۲۹،۶۲۸ ، کوتاهترین طول
 دنه ، ۶۲۵-۶۲۶ ، حداقل قطر
 پیشانی ، ۶۵۳ ، گروهها ، ۱۶۵۲ ،
 اندازه ها و شاخصهای بینی ، ۶۷۲ ،
 ۶۷۶ ، ۶۷۸ ، ۶۸۱ ، گروهها ،
 ۶۷۳ ، ۶۸۰ ، ۶۸۱ ، نیمرخ بینی ،
 گروهها - ، ۶۸۶ ، قدنشسته ،
 ۶۲۴ ، ۶۲۵ ، گروهها ، ۶۲۵ ،
 قد ، ۶۱۷ ، گروهها ، ۶۱۶ ،
 ۶۲۵ ، شاخص گونه و پیشانی
 ۶۵۷ ، ۶۶۰ ، شاخص گونه و
 فك ، ۶۶۱ ، ۶۶۴

کیش A قبرستان ، اطلاعاتی درباره
 اندازه گیری جمجمه ، ۳۱۰

کیش کارگران ، عرض فکین ، ۱۶۶۱ عرض
 دو گونه ، ۶۵۷ ، شاخص سر ، ۱۶۴۳ ،
 اندازه ها و شاخصهای صورت ،
 ۶۶۵ ، ۶۶۸ ، شاخص پیشانی و
 آهیانه ، ۶۵۳ ، اندازه های سر ،
 ۶۳۱ ، ۶۳۶ ، حداقل قطر پیشانی ،
 ۶۵۳ ، اندازه ها و شاخصهای بینی
 ۶۷۵ ، ۶۷۸ ، ۶۸۱ ، قد ، ۶۱۷ ،
 شاخص گونه و پیشانی ، ۶۵۷ ،
 شاخص گونه و فك ، ۶۶۱

کیش ، نوع افریقا و اروپائی در ، ۱۸۵ ،
 انواع نژادی در ، ۳۱۸ ، خصوصیات
 اسکلتها ، ۳۱۸

کیش ، نوع جمجمه در لرستان ، ۳۲۳ ،
 کیوانلوا ، ۲۹۹ ، ۱۰۹

کابریل ، ۲۸۱

کاردو (گوردو ، گوتو) ، ۹۲

کارود ، دروسی ، ۶۹۶ ، ۶۹۷

شاخصها ، ۴۱۹ ، ۴۲۰ ، ۴۲۱ ،
 نوع منولی ، ۴۱۹ ، شاخص بینی ،
 گروهها ، ۴۲۲ ، آمار ، ۴۱۸ ،
 خصوصیات جسمانی ، ۴۱۸ ، به
 بعد ، شاخص کسل صورت
 گروهها ، ۴۲۲

کوهستان یهودیهای ، نکاه کند به
 یهودیهای قفقاز

کوهستانی ، ۲۶۸

کوه سرانی ، ۲۸۱

کوه شاه جهان ، ۲۹۴

کوه شهری ، ۲۸۱

کوهنگلو ، ۲۱۴ ، ۲۱۶ ، ۲۵۱ ، ۲۵۴ ، ۲۶۱ ،
 قبایل فرعی ، ۲۳۱ ، ۲۴۴ ، ۲۶۶

کوهن ، جوزف ، ۳۷۱ ، ۳۵۳ ، ۳

کوه نمک ، ۲۷۱

کوهواده ، ۲۶۴

کوهی ، ۲۶۳

کهن اعراب ، شاخص سر ، ۶۴۳

کیانیها ، ۱۰۵

کیث ، آرثر ، ۱۸۸ ، ۱۸۹ ، ۱۸۱ ، ۳۳۹ ،
 ۴۶۳ ، ۶۶۶ ، ۶۹۹ - ۷۰۲ ، ۷۰۷

کیش ، عربها ، شباهت به لرهای پشت کوه ،
 ۵۰۷

کیش عربها ، عرض فکین ، ۶۶۱ ، عرض
 دو گونه ، ۶۵۷ ، ۶۶۰ ، گروهها ،

۶۵۶ ، ۶۷۱ ، شاخص سر ، ۶۴۳ ،

گروهها ، ۶۲۹ ، ۶۴۱ ، اندازه ها

و شاخصهای گوش ، ۶۸۹ ، شکل

مورت ، ۶۶۷ ، اندازه ها و

شاخصهای صورت ، ۶۶۵ ، ۶۶۸ ،

گروهها ، ۶۷۱ ، شاخص پیشانی

و آهیانه ، ۶۵۳ ، عرض و طول

سر ، ۶۲۸ ، ۶۳۱ ، ۶۳۶ ، گروهها ،

- سال و تلت قبائل ، وابسته به گروه
 اناطولی ، ۱۳۰
 تهاوباز ، ۲۶۸
 ساومیش ، ۲۵ ، ۲۶ ، ۲۷ ، ۲۳۱ ، ۲۳۶ ، ۲۴۷ ، ۲۴۲
 ساومیش آبی ، ۱۹۳
 ساومیش چرانها ، قبایل عرب ، ۱۰۰
 ساومیشهای منتقله بوسیله جاتها از هند ،
 ۱۴۷
 ساوکش ، ۲۱۵
 ساو وگوسفند ، کلهها ، ۱۹۳ ، ۲۱۷ ،
 ۲۲۳ ، ۲۲۶ ، ۲۲۷ ، ۲۲۹ ، ۲۳۱ ،
 ۲۳۶ ، ۲۳۷ ، ۲۶۰ ، ۲۶۹
 ساوها ، ۲۵ ، ۲۳۶ ، ۲۴۲ ، ۲۵۷
 سبیرها (زردشتیان) ، ۴۴ ، ۷۳ ،
 ۶۲ ، ۱۲۷ - ۱۲۸ ، شکل سر ،
 ۱۱۴ ، اندازه های سر ، ۵۳ ،
 ۶۳ ، ۶۵ ، ۱۲۱ ، دریزد ، ۱۰۷ ،
 ۱۷۵ ، شکل بینی ، ۵۷ - ۵۸ ،
 نقلیل افراد ، ۴۶ ، زردشتیان
 مدروف به ، ۱۳۱
 سبیرها ، توصیف ، ۴۴
 سبجرات ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری
 بدن انسان ، ۶۵۰
 سمدار ، آندره ، ۳
 سمداری ، ۲۸۰
 سمدورسیا ، ۱۰۴
 سمدورسیان ، ۱۵۶
 سمر ، ۲۱۱
 سمرانی سرحد ، ۲۶۸
 سمرانیلی ترکان ، ۱۴۷
 سمراز ، ۲۴۲ ، ۲۷ ، ۲۶
 سمر او ندر کرد علیوند ، ۲۱۵
 سمر به وحشی (سیاه گوش) ، ۲۴۲
- گر جای ، ۲۱۳
 گرجستان ، اطلاعاتی درباره اندازه
 گیری جمجمه ، ۴۰۶ به بعد ،
 ۶۱۹ به بعد ، استقرار قاجار در ،
 ۱۴۶
 گرجی گروه ، ۴۱۶ ، عرض دو گونه ،
 ۴۱۷ ، ۶۵۸ ، شاخه های سر ،
 ۴۱۷ ، ۶۴۶ ، گروهها ، ۴۱۱ ،
 طول کل صورت ، ۶۷۰ ، گروهها ،
 ۴۱۳ ، اندازه های سر ، ۴۱۷ ،
 ۴۰۹ ، ۶۳۳ ، ۶۳۹ ، گروهها ،
 ۴۱۷ ، اندازه ها و شاخص بینی ،
 ۴۱۷ ، ۶۷۷ ، ۶۷۹ ، ۶۸۳ ،
 گروهها ، ۴۱۳ ، ۴۱۷ ، خصوصیات
 جسمانی ، ۴۱۶ ، قد نشسته ،
 ۶۲۴ ، قد ، ۶۱۹ ، گروهها ،
 ۴۰۸ ، ۴۱۷
 گرجیها ، ۴۱۶ ، مرض دو گونه ، ۶۵۸ ،
 شاخه های سر ، ۱۲۸ ، ۶۴۶ ،
 اندازه های صورت ، ۶۷۰ ،
 اندازه های سر ، ۶۳۳ ، ۶۳۹ ،
 اندازه های بینی ، ۶۷۷ ، ۶۷۹ ،
 ۶۸۳ ، ۶۸۴ ، قد ، ۶۱۹
 گرجی یهودیهای ، نگاه کنید به یهودیها
 گرزگری ، ۲۱۸
 گرجان دره ، قبایل ، ۹۱
 گرجان رود ، استقرار قبیله قاجار در ،
 ۱۴۶
 گرجان شهرستان ، ۳۰۲
 گرشمن ، ۳۱۶
 گرگی ، ۲۸۰
 گرگی ، ۲۳۰
 گرگیه ، ۲۹۲
 گرمائی ، ۲۱۵

فهرست اعلام و مطالب - ۱۹۹۰

گوتو (گوتی) ، ۱۸۳، ۹۲	مگرو نمان ، کارل ، ۷
گوجا ، ۲۶۵	گروی ، ۲۸۰
گوجر ، ۲۶۵	گرهارد ، بیتر ، ۱۱، ۷
گود علی ، ۲۸۰	گنز، درخت ، ۲۹۱، ۲۸۳، ۱۹
گوران ، ۹۶، ۹۴	گستاوسن ، داوید ، ۴۴
گورچندی ، ۲۸۰	گشتیل ، ۲۳۰
گوردو ، ۹۲	گل (گال) ، جیمز ، ۳۳۳، ۳۳۰، ۳۰۵، ۵
گورکن ، ۲۴۲	گل ابریشم ، درخت ، ۲۷۴
گورکیچ ، ۲۸۸	گلان اقری ، ۲۶۳، ۱۴۶
گورسای ، ۹۵	گلان میچک ، ۲۶۳
گورگندی ، ۲۷۹	گلان نمدی ، ۲۶۴، ۲۶۳
گوسفند ، ۲۲۴، ۲۱۷، ۱۹۳، ۱۰۷، ۲۵	گلانها (گلانها) ، ۲۶۳، ۱۰۳
گوش ، اندازهها در ارتباط باسن ، ۶۸۹	گل باکن ، ۲۶۶
گوشه ، ۲۲۶ به بعد ، ۲۴۲ ، ۲۶۰	گلباکو ، ۹۵
گوشکی ، ۹۵	گلچا (کالچا ، گلپاس) ، ۱۶۲، ۱۳۱ -
گوشهی ، ۲۶۴	۱۶۳ ، پورها ، ۱۳۷ ، شاخص
گوکبر ، ۲۰۵	بینی ، ۶۸۴ ، قد ، ۶۲۰
گوکلان تر کمنها ، ۱۷۳، ۷۴ ، ۹۶	گلپایگان شهرستان ، ۳۰۲
گوگچاو ، ۲۶۲	گلپایگان ، یهودیان در ، ۳۴۹
گولاشی کردی ، ۲۸۰	گلنداس ، ۲۱۹، ۲۱۸
گولک ، ۲۱۴	گل و گیاه ، ۱۹ - ۲۱۹، ۲۰ - ۲۲۰
گوها ، ۶۲۲، ۳۱۸ به بعد .	۲۷۴ ، ۶۹۳، ۲۹۱ - ۶۹۵
گه ، آب وهوا ، ۲۸۲ ، جمعیت ، ۲۸۳	گمان ، ۲۳۳
گهواره ، نگاه کنید به ارمینها	گمشاد زائی ، ۲۸۹
گیاهان ایرانی ، مذکور در یادداشتهای	گناباد ، شهرستان ، ۳۰۳
چینیها ، ۱۶۰	گنپ ، وان ، ۳۴۵
گیساذائی ، ۲۸۹	گنجی ، م ، ح ، ۳۰۲، ۳۰۱، ۱۰
گیرالیلی ، ۲۰۱	گندم ، ۲۱۰، ۲۰۸، ۲۰۴، ۲۰۱، ۱۹۲، ۲۱
گیلان ، ۱۱۱ ، آب وهوا در ، ۱۹۳-۱۹۵	۲۱۹ ، ۲۲۵ به بعد ، ۲۵۲
لهجه در ، ۱۹۹ ، سا نین او	۲۶۹ ، ۲۷۱
ایران در ، ۱۷۶ ، ابریشم در	گندوزلو ، ۷۷، ۵۱
۱۹۳ ، سوم ریهها	گوارده ژیلان خلد ، محل عصر حجر ، ۶۹۷
	گوتیه (گوتیر) ، ۶۴۲، ۶۱۷، ۵۰۸

۹۰ - مردم شناسی ایران

- ۱۷۵ ، توتون در ، ۱۹۳ ،
قبایل در ، ۷۳ ، ۲۰۱ - ۲۰۲ ،
گیلان دشت ، ۱۹۲ ،
گیلانیها ، ۱۱۳ ، ۱۹۸ ، اندازه‌های سر ، ۵۳ ،
گیلچنکو ، ۶۸۳ ،
گینزبرگ ، ۱۸۷ - ۱۸۸ ، ۶۱۴ ، ۷۰۷ ،
گیوه کش ، ۲۶۶ ،
لابروس ، نگاه کنید به انژلوس ، یاتر
لاپوژ ، زدو ، ۱۶۲ ،
لار ، ۲۷۰ ،
لار ، ازقبیله رودبار کرمان ، ۲۸۱ ،
لار ، شهرستان ، ۳۰۲ ،
لارستان ، آب و هوا ، ۲۶۹ - ۲۷۰ ،
محصول کشاورزی ، ۲۶۹ ،
حیوانات اهلی در ، ۲۶۹ ،
جمعیت ، ۲۷۲ ، قبایل و طوایف ،
۷۹ ، ۱۰۳ - ۱۰۴ ، ۲۵۳ - ۲۵۴ ،
لارستان و بندرعباس ، ۲۶۹ - ۲۷۴ ،
لارنس ، ا . و . ، ۳۹ - ۴۳ ،
لازار ، یوسف ، ۳۳۸ ، ۳۱۲ ،
لازها ، شاخص سر ، ۶۴۶ ، شاخص بینی ،
۶۸۳ ،
لاکارد ، درود دلیو . ، ۳۰۵ ،
لاکوپری ، تی . دو . ، ۳۲۰ ،
لاله ، ۲۶۵ ،
لایارد ، ا . ه . ، ۵۱ ، ۵۵ ، ۶۳ ، ۷۷ ، ۱۰۰ ،
۲۱۱ ،
لبزنتو ، ویکتور ، ۳۰۵ ، ۳۱۳ ،
لبنانی ، شاخص سر ، ۶۴۴ ، اندازه‌های
سر ، ۶۳۲ ، ۶۳۷ ،
لبو حاجی ، ۲۵۶ ،
لبو محمدی ، ۲۵۵ ،
لبوه‌وسی ، ۲۵۹ ،
لبوغنی ، ۲۵۵ ،
لژی گرو ، ۴۱۶ ، عرض دوگونه ،
۴۱۷ ، شاخص سر ، ۴۱۷ ،
اندازه‌ها و گروه‌های سر ، ۴۱۷ ،
شاخص و گروه‌های بینی ، ۴۱۷ ،
خصوصیات جسمانی ، ۴۱۶ ،
قد و گروه‌ها ، ۴۱۷ ،
لژی‌ها ، عرض دوگونه ، ۴۵۸ ، شاخص
سر ، ۶۴۶ ، اندازه‌های سر ،
۶۳۳ ، ۶۳۹ ، اندازه‌ها و
شاخص‌های بینی ، ۶۷۷ ، ۶۷۹ ،
۶۸۳ ، ارتباط با رسته‌ها ، ۶۱ ،
قد ، ۶۱۹ ،
لژی یهودیها ، نگاه کنید به یهودیهای
قفقاز
لر ، ازبهارلو ، ۲۵۷ ، از عرب‌های جبار ،
۲۵۵ ، از قشقائی ، ۲۶۴ ،
لرا میر ، ۲۱۳ ،
لریزرگی ، ۲۱۴ ،
لرستان ، ۲۰۶ - ۲۰۷ ، اطلاعاتی درباره
اندازه‌گیری بدن انسان ، ۶۶ ،
۳۲۳ ، عناصر ارمنی در ، ۳۱۹ -
۳۲۰ ، آب و هوا ، ۲۰۷ - ۲۰۸ ،
جمع‌ها از ، ۳۱۶ - ۳۲۳ ، عدم
وابستگی به نژاد نوردیک ، ۳۲۰ ،
اطلاعاتی درباره اندازه‌گیری
جمع‌ها ، ۳۲۱ - ۳۲۲ ،
وابستگی‌های نژادی ، ۳۱۹ ،
نوع افریقائی در ، ۳۲۳ ، غلات ،
۲۰۸ ، ۲۱۰ ، یهودی‌ها در ، ۲۰۸ ،
نوع جمع‌ها کیش ، ۳۲۳ ،
حیوانات اهلی در ، ۲۱۰ ، ۲۱۷ ،
نوع مدیترانه‌در ، ۳۱۹ ، جمعیت ،

فهرست اعلام و مطالب - ۹۰۱

- ۲۱۷ : تپه‌زیان در ، ۳۲۲ ؛
مردم و قبایل در ، ۹۷ - ۱۰۰ ،
۱۷۷ ، ۲۰۸ - ۲۱۹
- لر عبدالرضائی ، ۲۵۶
لرک ، ۲۸۱
لر کوچک ، ۲۱۴، ۲۱۳، ۹۸
لر سگر ، ۲۶۸
لرها ، ۱۰۲، ۱۱۳، ۶۸، ۲۱۹ و قشقائیهها، ۱۰۲،
۲۶۱ ، شاخصهای سر ، ۷۳ ،
۱۲۱ ، تقسیمات و قبایل ، ۹۱ ،
۱۳۱، ۲۰۴، ۲۰۸ به بعد؛ عرض
و طول سر ، ۷۳ ، حداقل قطر
پیشانی ، ۱۲۳ ، اندازه‌ها و
شاخصهای بینی ، ۸۱، ۷۳؛ ارقام
و تقسیمات ، ۵۰، ۸۹، ۹۷-۹۸ ،
۱۹۹ به بعد. اصل از، ۹۷-۹۸ ،
۲۰۹، ۲۱۷، ۲۲۴ ؛ خصوصیات
جسمانی ، ۱۶۱ - ۱۶۲ ، نوع
ایرانی خالص در بین ، ۱۳۹ ،
قد ، ۷۳ ، ۱۱۹ ، چادرها، ۲۰۹
حسنقلی خان ، قبیله از پشت کوه
(۵۲) مرد اندازه گیری شده در
بعداد، ارتباط با عراقیهها، ۵۰۷
سن ، ۳۹۵ ، در مقایسه با گروههای
ایران، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۵۸، ۵۶۲
نوع ارمنی در بین، ۵۰۷ ریزش
مو ، ۳۹۶
عرض فکین ، ۵۲۱ ؛ در مقایسه
با گروههای ایران، ۵۳۶، ۵۴۵ ،
۵۵۸ - ۵۶۳ ، در مقایسه با
گروههای جنوب غربی آسیا،
۶۶۱ به بعد .
عرض ه و گونه‌ها ، ۵۲۱ ؛ در مقایسه
با گروههای ایران، ۵۳۶، ۵۵۸ -
- ۵۶۳ ، در مقایسه با گروههای
موبور ، ۵۰۸
تیغ زدن ، ۳۹۹
علامت داغ ، ۳۹۹
ابرو برجسته ، ۵۰۲
شاخصهای سر ، ۵۲۳ ، در مقایسه
با گروههای ایران، ۵۳۷، ۵۵۸ -
۵۶۳ ، در مقایسه با گروههای
جنوب غربی آسیا، ۶۴۲ به بعد.
گروهها، ۵۰۱، ۵۲۳، در مقایسه
با گروههای ایران، ۵۳۰ -
۵۴۱ ، در مقایسه با گروههای
ایران و عراق ، ۶۴۱
چانه، ۳۹۹
فقدان نقص مصنوعی جمجمه ، ۵۰۱
امراض ، در بین ، ۳۹۹
گوشها ، ۵۰۲ ، استعمال کلاه
نمدی بر، ۵۰۳ ، اندازه‌ها و
شاخصها ، ۵۲۲ ، در مقایسه با
گروههای ایران ، ۵۳۷، ۵۵۰ -
۵۵۱، ۵۵۸-۵۶۳ ؛ در مقایسه با
گروههای جنوب غربی آسیا ،
۶۸۸ - ۶۸۹
ابروان پیوسته ، ۳۹۷
چشمها ، ۳۹۶ - ۳۹۷ ، گروهها ،
۳۹۷ ؛ در مقایسه با گروههای
ایران ، ۵۵۲ - ۵۵۴ ، شکاف
تم ، ۳۹۷
صورت ، ۳۹۹
صورت ، اندازه‌ها و شاخصها ،
۵۲۳ ؛ در مقایسه با گروههای

- چرندشناسی ایران

- ایران ، ۵۳۶-۵۵۸-۵۶۳ ، در مقایسه با گروههای جنوب غربی آسیا ، ۶۶۵-۶۶۸ ، گروهها ، ۵۰۴ ، ۵۲۳ ، در مقایسه با گروههای ایران ، ۵۴۵-۵۴۷ ، در مقایسه با گروههای ایران و عراق ، ۶۷۱
- انواع صورت ، ۵۰۵ - ۵۰۶ ، در مقایسه با گروههای ایران ، ۵۴۵-۵۴۶ ، صورت گوسفندی در بین ، ۵۴۷
- پیشانی ، ۵۰۲ ، شاخص پیشانی و آهیانه ، ۵۲۲ ، در مقایسه با گروههای ایران ، ۵۳۷ ، ۵۳۸ ، در مقایسه با گروههای جنوب غربی آسیا ، ۶۵۳ - ۶۵۴
- مو ، ۴۹۵ - ۴۹۶ ، افراد غیر-، حادی ، ۴۹۶ ، گروهها ، ۴۹۶ ، در مقایسه با گروههای ایران ، ۵۵۱ - ۵۵۲
- سر ، عرض و طول ، ۵۲۱ ، در مقایسه با گروههای ایران ، ۵۳۶ ، ۵۴۰ ، ۵۵۸-۵۶۲ ، در مقایسه با گروههای ایران و عراق ، ۶۲۸ ، با گروههای جنوب غربی آسیا ، ۶۳۱ ، ۶۳۶ ، گروهها ، ۵۰۳ ، در مقایسه با گروههای ایران ، ۵۴۲-۵۴۳
- شکل و اندازه سر ، ۵۰۱ - ۵۰۲ ، ۵۰۵ ، گروهها ، ۵۰۱ ، در مقایسه با گروههای ایران ، ۵۴۱-۵۴۲ ، در مقایسه با گروههای ایران و عراق ، ۶۲۸ ، ۶۲۹
- سلامتی ، ۴۹۹ - ۵۰۰ ، حنا رنگه ، ۴۹۶ ، تلفات اطفال ، ۴۹۳ ، نوع ایرانی و مدیترانه در ، ۵۰۶
- نوع عراقی و مدیترانه در بین ، ۵۰۶ ، نوع کرد ، ۵۰۷ ، لبها ، ۴۰۸ ، طول تنه ، در مقایسه با گروههای ایران و عراق ، ۶۲۵-۶۲۶ ، ناحیه گونه ، ۴۹۹ ، نوع مدیترانه در بین ، ۵۰۶
- حداقل قطر پیشانی ، ۵۲۱ ، در مقایسه با گروههای ایران ، ۵۳۶ ، ۵۵۸ - ۵۶۳ ، در مقایسه با گروههای جنوب غربی آسیا ، ۶۵۳ به بعد ، گروهها ، ۵۰۳ ، در مقایسه با گروههای ایران ، ۵۴۲ - ۵۴۳
- خصوصیات شکل شناسی ، گروهها ، ۴۹۵-۵۰۰ ، در مقایسه با گروههای ایران ، ۵۵۱-۵۵۶ ، مقایسه ای از افراد سردراز ، صورت باریک ، بینی باریک با سایر گروهها ، ۵۹۲ - ۵۹۳
- عضله بندی ، ۴۹۹ ، سبیل در بین ، ۴۹۶ ، بینی ، طول عرض ، ۵۲۱ ، در مقایسه با گروههای ایران ، ۵۳۶-۵۳۷ ، ۵۵۸-۵۶۳ ، در مقایسه با گروههای ایران و عراق ، ۶۷۲-۶۷۳ ، با گروههای جنوب غربی آسیا ، ۶۷۴-۶۷۵ ، ۶۷۷ ،

فهرست اعلام و مطالب -

- شناسی ، ۵۰۹ - ۵۲۳
 قدانسته ، ۵۰۰ ، ۵۲۱ ، ۵۲۲ ، در
 مقایسه با گروههای ایران ، ۵۳۶ ،
 ۵۳۷ ، ۵۳۸ ، ۵۵۸ - ۵۶۳ ، در
 مقایسه با گروههای ایران و عراق ،
 ۶۲۵ ، در مقایسه با گروههای
 جنوب غربی آسیا ، ۶۲۴ ، گروهها ،
 ۵۰۰ ، در مقایسه با گروههای
 ایران ، ۵۳۹ ، در مقایسه با
 گروههای عراق ، مصر و هند ،
 ۶۲۶
- رنگ پوست ، ۴۹۵
 آبله در بین ، ۴۹۹
 نوع اروپائی جنوبی ، ۵۰۷
 بررسی آماری ، ۵۰۰ - ۵۰۶
 قد ، ۵۰۰ ، ۵۲۳ ، در مقایسه با
 گروههای ایران ، ۵۳۶ ، ۵۵۸ -
 ۵۶۳ ، در مقایسه با گروههای
 ایران و عراق ، ۶۲۵ ، در مقایسه
 با گروههای جنوب غربی آ.
 ۶۱۷ به بعد ، گروهها ، ۵۰۰ ،
 ۵۲۱ ، ۵۲۳ ، در مقایسه با
 گروههای ایران ، ۵۳۶ ، ۵۳۷ ،
 ۵۳۸ ، در مقایسه با گروههای
 ایران و عراق ، ۶۱۶
- خال کوبی ، ۵۰۰
 دندانها ، ۴۹۸ ، گروهها در مقایسه
 با گروههای ایران ، ۵۵۵ - ۵۵۶
 آمار اساسی ، ۴۹۳ - ۴۹۵
 شاخص گونه و پیشانی ، ۵۲۲ ،
 در مقایسه با گروههای ایران ،
 ۵۳۷ ، ۵۵۸ - ۵۶۳ ، در مقایسه با
 گروههای جنوب غربی آسیا ،
 ۶۵۷ به بعد .
- گروهها ، ۵۰۵ ، در مقایسه با
 گروههای ایران ، ۵۳۹ ، در
 مقایسه با گروههای از عراق ،
 مصر و هندوستان ، ۶۷۳ - ۶۷۵
 شاخص بینی ، ۵۲۳ ، در مقایسه
 با گروههای ایران ، ۵۳۷ ،
 ۵۵۸ - ۵۶۳ ، در مقایسه با
 گروههای ایران و عراق ، ۶۷۲ ،
 در مقایسه با گروههای جنوب
 غربی آسیا ، ۶۸۰ - ۶۸۱ ،
 ۵۲۳ ، در مقایسه با
 گروههای ایران ، ۵۵۰ ، در
 مقایسه با گروههای ایران و عراق ،
 ۶۸۰ - ۶۸۱
- نیمرخ بینی ، ۴۹۷ ، گروهها ،
 ۴۹۸ ، در مقایسه با گروههای
 ایران ، ۵۵۴ - ۵۵۵ ، در مقایسه
 با گروههای ایران و عراق ،
 ۶۸۶ ، افراد سر دراز ، صورت
 باریک ، بینی باریک ، ۵۹۲
 نوک و پره های بینی ، ۴۹۷ ،
 گروهها ، ۴۹۸ ، در مقایسه با
 گروههای ایران ، ۴۹۸ ، در
 مقایسه با گروههای ایران ،
 ۵۵۴ - ۵۵۵
- فرورفتگی بیخ بینی ، ۴۹۷
 گردن ، ۴۹۹
 فرق سر ، ۵۰۲
 بررسی تصاوین ، ۵۰۵ - ۵۰۶
 نیروی جسمانی ، ۴۹۳
 برجستگی فك ، ۴۹۸
 انواع نژادی ، در بین ، ۵۰۶ - ۵۰۷
 اطلاعاتی در بساره : اندازه ها ،
 شاخصها ، و خصوصیات شکل -

۹۰۱ - مردم شناسی ایران

- شایخص گونه و فک ، ۵۲۲ ، در
مقایسه با گروههای ایران، ۵۲۷ ،
۵۶۳-۵۵۸، ۵۴۸ ، درمقایسه با
گروههای جنوب غربی آسیا ،
۶۶۱
ثری ، ۵۰۸ . نیز نگاه کنید به لرها
ثری ، عرض فکین، ۱۶۶۳، عرض دو گونه،
۱۶۵۹ شاخص سر، ۱۶۴۸، اندازه-
های سر ، ۶۳۴، ۶۴۰
ثری کوه پنج ، ۲۸۰
ثسانی ، ۲۵۴ ، ۲۵۳، ۲۳۹
ثسری ، بلوچ، ۲۸۶
ثقویت ، ۲۳۴
ثک ، از شاخسونهای بنیادی ، ۲۰۵
ازخواجه ووند، ۲۰۱ ، ازکردها،
۹۵ ، ازقشائی ، ۲۶۵
ثک قبایل ، منتقل به قزوین ، ۱۹۹
ثکو ، ۲۸۰
ثکها ، ۱۳۱، ۱۳۳ ، ۲۰۸، ۲۰۹،
۲۱۱
ثکیها ، ۲۳۱
ثنگدن ، استفن . ، ۳۱۸
ثنینگراد ، مؤسسه مردمشناسی و نژاد
شناسی ، ۷۰۸، ۶۲
ثواستراپیج ، جی، ۲۴۵
ثوپیا ، ۱۹۲، ۲۳
ثوردانی ، ۲۵۵
ثوری (کولیاها) ، ۱۴۲
ثوریمر ، دوراند ، ۲۴۳، ۲۱۶
ثوشان (لوشن) ، فن، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۵۹،
۱۷۳ ، ۶۱۸ به بعد .
ثوفر، برتولد ، ۲۳، ۲۴، ۱۶۰
ثولویی ، ۱۸۳
ثولی (کولیاها) ، ۱۴۲ ، ۲۸۰
- ثوند ، مؤسسه تشریح ، ۳۱۵۵
ثیراوی ، ۲۶۵
ثیس ، ن.م.، ۶۴۳، ۶۱۷
ثیسیا ، اطلاعاتی در باره اندازه گیری
بدن انسان ، ۱۶۴۵ ، تاجتاوسکی
در ، ۱۳۸
ثیمو قرش ، ۲۴
ثایبه ، ۲۳۴
ثاتیوسکی ، ۶۲۱ به بعد .
ثادائی = مدی ، ۱۸۲، ۱۶۵
ثاداها = مدیها ، ۱۸۲، ۱۶۵
ثادقدیم ، عنصرارمبی در ، ۳۲۰
ثاداها ، اصطلاحات کلاسیک ، ۱۶۵
ثاها ، نژاد، ۱۱۱ ، قدیمترین اثر در
اسناد تاریخی ، ۱۶۵ ، ۱۸۲ ،
سکونت در ایران، ۲۹ ، در کتاب
مقدس، ۵۳، محل، ۳۹، مهاجرت،
۱۵۶ ، زندگی چادرنشینی در ،
۱۴۵ ، نماینده یارسیها، ۱۴۳ ،
خصوصیات جسمانی، ۱۶۸، قبایل،
۴۲ ، ۱۵۶ - ۱۵۷
ثارتین ، پال ، ۴
ثارتین ، رودلف ، ۶۲۴
ثارتین ، ریچارد ، ۴، ۳، ۱۰۷، ۱۰۸، ۳۳۸،
۳۴۶ ، ۳۲۶
ثاردیانها (امردیان) ، ۱۵۲، ۴۰، ۳۹
ثارشال ، جان، ۳۱۸
ثارگیان ، ۱۵۶
ثارگیانا = مرو ، ۱۵۵
ثارمولک ، ۲۷
ثارونیتها ، ۱۷۳
ثازندران ، ۱۱۱-۱۱۲ ، محصولات
کشاورزی ، ۲۰۰ - ۲۰۱ ،
اطلاعاتی در باره اندازه گیری

فهرست اعلام و مطا

- متقن ، ۲۶۵
 مچالو ، ۲۶۲
 مچی ، ا. ، ۶۱۷ به بعد .
 محراب ، ۶۳۲
 محراب ، ۲۱۱
 محسن ، ۲۳۲
 محلجل ، ۲۲۶
 محمدانی ، ۱۷۳
 محمدتقی خان ، ۲۴۳
 محمدحسینی ، ۲۹۲
 محمدخانی ، ۲۵۷
 محمدرضاخانی ، ۲۷۹
 محمد ریزه ، ۲۱۳
 محمدزائی ، ۲۸۸
 محمد زائی گوشت ، ۲۸۹
 محمد زمانلو ، ۲۶۴
 محمدغلامی ، ۲۷۹
 محمد غولزائی ، ۲۸۹
 محمد لو ، ۲۰۵
 محمدناصری ، ۲۸۰
 محمدی ، ۲۶۶
 محمره (خرمشهر) ، ۱۲۲۳ ، مسیحیان در ،
 ۱۲۲۵ ، شیخ ، ۲۲۹ ، ۲۳۰ ، قبایل ،
 ۹۹ ، ۱۰۰ ، ۲۳۵
 محمودی ، ۲۴۴
 محیسین (محاسن ، محایسن) ، ۱۰۰ ،
 ۲۲۳ ، ۲۲۴ ، ۲۲۷ ، ۲۳۵
 مدانلو ، ۲۰۱
 مدحیلو ، ۲۰۵
 مد شالی ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری
 بدن انسان درباره یهودیها از ،
 ۴۱۹
 مدولی ، ۲۶۵
 مدی ، ج.ع.ج. ، ۱۵۷-۱۵۹
- بدن انسان ، ۷۴،۶۶،۵۳ ، وبا
 در ، ۱۹۵ ، آب و هوا ، ۱۹۳-
 ۱۹۴ ، پنبه در ، ۱۹۴ ، لهجه ،
 ۱۹۹ ، حیوانات اهلی در ،
 ۱۹۳ ، ۲۰۰-۲۰۱ ، ساکنین
 اولیه ایران در ، ۱۱۷۶ آبیاری ،
 ۱۹۲ ، کشت برنج در ، ۱۹۲ ،
 اسپریشم در ، ۱۹۳ ، قبایل و
 طوایف در ، ۴۹ ، ۷۴ ، ۱۷۵ ،
 ۲۰۰-۲۰۱
 مازندرانی ها ، اندازه های سر ، ۱۷۴،۵۳
 اصل از ، ۱۹۹ ، خصوصیات
 جسمانی ، ۶۰ ، ۱۱۱ ، ۱۱۳ ،
 ۱۹۹
 ماسپه ها ، ۳۹
 ماسلوسکی ، ۶۱۷ به بعد .
 ماسه ، هانری ، ۳۳
 ماکداول ، دکترپ ، ۳۳۲
 مال اسعد ، ۲۱۱
 مالدارها ، ۳۰۰
 مامش ، ۹۴
 ماهون ، ۹۵
 ماوراءالنهر ، اهالی بومی ، ۱۳۰
 ماوراء قفقاز ، اطلاعاتی درباره اندازه-
 گیری بدن انسان ، ۶۱۹ به بعد ،
 باستانشناسی ، ۳۱۶ ، ایرانیها
 در ، ۱۸۸
 ماهی سیم ، ۱۹۳
 ماهی کپور ، ۱۹۳
 ماهیگیران ، ۲۹۰،۲۹۳
 مایلز ، جرح ، ۳۳۸،۲
 میاکی ، ۲۱۹
 متارده ، ۲۲۸
 متاش ، ۲۱۱

۹- مردم شناسی ایران

- مدیترانه انواع، در بین گروههای ایران،
 ۶۰۵-۶۰۶ ، در بین یهودیهای
 اصفهان، ۳۷۳، در بین روستائیان
 کنار، ۴۷۰ ، در بین لرهای
 پشت کوه، ۱۵۰۶، در بین روستائیان
 یزدخواست، ۴۳۹
- مدیترانه اولیه جمجمه در تپه حصار،
 ۳۰۶ - ۳۰۸
- مدیترانه بدوی، ۶۰۳-۶۰۴، در قیاس
 با جمجمه چنهودارو، ۳۳۵
 نظر کروگمن، ۳۰۶، ۳۰۷،
 نوع سردراز بینی راست، ۵۹۷
 مدیترانه، جمجمه، در تپه حصار، ۳۰۶-
 ۳۰۷
- مدیترانه، نژاد، ۱۶۲، شاخه شرقی،
 ۱۳۶، ۱۴۱
- مدیترانه، نوع، تنوعات، ۶۰۱-۶۰۴
 مدیترانه، نوع جمجمه و اطلاعاتی درباره
 اندازه گیری جمجمه، ۳۰۷ -
 ۳۱۲
- مدیترانه، نوع (دیکسون)، اطلاعاتی
 درباره اندازه گیری جمجمه، ۳۱۰
 مدیترانه و اتلانتيك نوع، از بین
 گروههای ایران، ۶۰۴-۶۰۵،
 در کناره، ۴۷۰، در یزدخواست،
 ۴۳۹
- مدیترانهها، در مهنجودارو، ۳۱۸ -
 ۳۱۹، در تپه حصار، ۳۱۲ -
 ۳۱۳، خصوصیات جمجمه،
 ۱۳۰۷، پراکندگی درازمنه قدیم،
 ۳۱۸ - ۳۱۹، در بلوچستان،
 ۳۱۹، در هندوستان، ۳۱۹،
 در لرستان، ۳۱۹، ۳۲۳، در بین-
 النهرین، ۳۱۹، در ایران،
- ۳۱۹، در ترکستان،
 پراکندگی وسیع، ۳۱۹، نیزنگاه
 کنند به مدیترانههای اولیه
 مدیترانههای اولیه، ۱۱۵۲، شاخص سر
 در بین روستائیان یزدخواست،
 ۴۳۴، محل اقامت اصلی، ۳۱۹،
 مذاهب، در ایران، ۳۵، ۱۷۹، ۲۷۸،
 ۲۸۳، ۲۹۵، ۳۰۰، ۳۰۱
- مراتسه، ۲۲۹
 مرادخانی، ۳۰۰
 مرادزائی، ۲۸۹
 مراد علیوند، ۲۲۶
 مرادوند، ۲۶۶
 مرادی، ۲۸۱
 مرافیها، ۳۹
 مراغه شهرستان، ۳۰۲
 مراونه، ۲۳۳، ۲۳۵
 مردیا، ۱۵۰
 مرغ، ۴۲۴
 مرغابی، ۲۴۷
 مرغان آبی در فارس، ۲۴۷
 مرغان وحشی، شکارچی، ۲۹۳
 مرغان، ج. دو، ۱۵۰، ۳۱۵
 مرگ و ماری، ۲۶۴
 مرمه، ۲۳۸
 مرو، ۱۵۵، ۲۹۹، مهاجرت آریانهها،
 ۱۵۵، استقرار قاجارها در،
 ۱۴۶
- مرو تکهها، ۱۷۳
 مری، والاس، ۲، ۳۳۷
 مزارزائی سیب، ۲۸۹
 مزلقان، ۱۱۴
 مزلقانیها، ۱۱۴، عرض فك، ۱۲۵،
 عرض استخوان گونه، ۱۲۴،

فهرست اعلام و مطالب - ۹۰۷

- دو گونه ، گروهها ، ۶۷۱،۶۵۶ ،
 شاخص سر ، گروهها ، ۶۲۹ ،
 طول صورت ، گروهها ، ۶۷۱ ،
 اندازه سر ، گروهها ، ۶۳۰ ،
 اندازه‌های بینی ، گروهها ، ۶۷۳ ،
 قدنشته ، گروهها ، ۶۲۵-۶۲۷ ،
 قد ، گروهها ، ۶۲۵-۶۲۷ ،
 مصطفی ولد ، ۲۱۱ ،
 مصنوعی ، نگاه کنید به مجموعه مصنوعی ناقص
 مطور (موطر) ، از کعب ، ۲۳۰ ، از محیسین ، ۲۲۳ ، ۲۳۵ ،
 معافی (مافی) ، ۲۰۴،۹۶ ، ۲۰۵ ،
 معاویه ، ۲۲۷ ،
 معزا ، شاخص سر ، ۶۴۴ ،
 معشور ، نگاه کنید به بندر معشور
 معصومی پنج ، ۲۸۰ ،
 مقالو ، ۲۶۴ ،
 مقاله (مقاله) ، ۲۲۹،۲۳۵ ،
 مغرب آسیا ، گروههای ماقبل تاریخ ، ۱۲۹-
 مغول ، اثر نژاد ، در میان مردم کنار ، ۳۷۰ ، ۳۷۱ ،
 مغول و سامی ، ۷۳،۷۶-۷۹ ،
 مغولها ، شاخص سر ، ۷۴ ، در افغانستان ، ۱۴۹ ،
 در ایران ، ۷۳،۷۴ ،
 ۱۲۹،۱۴۸،۱۷۷ ، در خراسان ،
 ۱۰۸،۱۶۹ ، حملات ، ۳۲ ،
 ۱۴۷-۱۴۸،۲۵۹ ، خصوصیات جسمانی ، ۱۴۸ ،
 مغولی مجموعه در تپه حصار ، ۳۰۷ ،
 ۳۰۹ ،
 مغولی عناصر در جمعیت ایران ، ۱۲۶ ،
 مغولی مرکز تکاملی ، ۱۷۸ ،
 شاخص سر ، ۱۲۱ ، مو ، ۱۱۶ ،
 لبها ، ۱۱۷ ، حداقل قطر پیشانی ،
 ۱۲۳ ، ماهیچهها ، ۱۲۰ ، قد ،
 ۱۱۹ ، دندان ، ۱۱۷ ،
 مزنگ ، ۲۸۰ ،
 مزیدی ، ۲۵۵ ،
 مسافری ، ۲۷۹ ،
 مستافی ، ۲۸۰ ،
 مسخ ، ۲۳۶ ،
 مسقط ، اطلاعاتی در باره اندازه گیری بدن انسان ، ۶۱۸ به بعد .
 مسکو دانشگاه ، موزه مردم شناسی ، ۱۲۷ ،
 مسل ، ۲۰۲ ،
 مسلمان بهار ، ۶۴ ،
 مسیح خانی ، ۲۰۴ ،
 مسیحی ها ، در ایران ، ۱۴۴،۳۵ ، ۱۷۹ ،
 ۲۲۳ ، ۲۲۵ ،
 مسیری ، ۲۶۶ ،
 مشائی ، ۶۴۲ ،
 مشکونی ، ۲۸۰ ،
 مشهد ، اطلاعاتی در باره اندازه گیری بدن انسان ، ۴۰۶ به بعد ، مسیحیان در ، ۳۰۱ ، یهودیها در ، ۱۶۹ ،
 ۱۳۴۹ یهودیهای اندازه گیری شده در ، ۴۰۶ ، زائران به ،
 ۲۹۵ ، جمعیت ، ۱۷۴ ، ۲۹۵ ،
 مشهد ، شهرستان ، ۳۰۳ ،
 مشهد ، قبایل ، ۱۰۹-۱۱۰ ،
 مشهد نو ، ۲۵۷ ،
 مصریها ، ۱۳۶ ، مجموعه ، ۴۲-۴۳ ،
 شاخص بینی و رابطه آن با آب و هوا ، ۶۸۸ ،
 مصریهای واحد خرگه ، اطلاعاتی در باره اندازه گیری بدن انسان ، عرض

۹۰۸ - مردم شناسی ایران

- مغولی نوح ، ۱۲۴
مغولی نوعهائی در بین گروههای ایران ،
۶۰۸
مغولیهها در مهنخو دارو ، ۳۱۸ ، در
تپه حصار ، ۳۱۳ ، در عراق ، ۳۲۰
مقاسیس ، ۲۳۶
مقاطف ، ۲۳۱ ، ۲۲۸
مقاطعجات (مقطجات) ، ۲۵۹ ، ۲۵۶
مقبولی ، ۲۸۰
مقدم ، ۲۲۹ ، ۲۲۸
مقدونیهها ، ۱۷۸
مکاراری گذر ، ۲۷۹
مکاسبه ، ۲۲۸
مکائی ، ۲۹۳
مکان علی ، ۱۱۱
مکران (ایران) ، ۲۸۱-۲۸۴ ، قبایل
و طوایف ، ۱۶۸ ، ۱۷۹ ، ۱۷۳ ،
۲۸۶ ، ۲۸۴ . نیز نک-ا-کنید
به گدروسیا
مکرانیها ، ۱۶۸ ، عرض فکین ، ۶۶۳ ،
عرض دو گونه ، ۶۵۹ ، شاخص
سر ، ۶۴۸ ، اندازههای سر ،
۶۴۰ ، ۶۳۴
مکری ، ۹۴
مکهن ، سرجرج ، ۱۷۴
مکون (ماکن) ، دونالد ، ۳۳۸ ، ۳۵۶ ،
مکی ، ارنست ، ۳۳۵
مگی (ماگی) ، ۱۵۷ ، ۴۲
ملاقبانه ، ۲۶۶
ملا محمد ، ۲۹۶
ملایر ، شهرستان ، ۳۰۲
ملکم ، جان ، ۲۳ ، ۴۵ ، ۴۴ ، ۴۹
ممسنی ، ۲۵۳ ، ۲۵۱ ، ۲۱۶ ، ۱۰۳ ، ۹۱ ،
۲۶۲ ، ۲۶۶-۲۶۷
- مصالح ، ۲۶۲
مدیله و نند ، ۲۶۵
منابیح ، ۲۳۷
مناصیر ، ۲۳۶
مندا ، ۱۶۵
منداهمی ، ۹۵
منتفق ، ۱۰۱ ، ۱۰۰
منصور ، ۲۳۲
منقل (منگل) براهوئی ، عرض فکین ،
۶۶۳ ، عرض دو گونه ، ۱۶۵۹
شاخص سر ، ۱۶۴۸ ، اندازههای
سر ، ۶۳۳ ، ۶۴۰
منگوری ، ۹۴
منگودرز ، ۲۶۶
منگره میر ، ۲۱۲
منگری ، ۲۱۲
منگلهها ، ۱۷۴
منوجان ، ۲۸۱
موالی ، ۲۳۱
موالی پادیه نشینان ، عرض فکین ، ۱۶۶۲ ،
عرض دو گونه ، ۶۵۷ ، شاخص
سر ، ۶۴۳ ، اندازهها و شاخصهای
گوش ، ۶۸۹ ، اندازهها و
شاخصهای صورت ، ۱۶۶۶ ، ۱۶۶۹ ،
شاخص پیشانی و آهیانه ، ۶۵۳ ،
اندازههای سر ، ۶۳۱ ، ۶۳۷ ،
حداقل قطر پیشانی ، ۶۵۳
۶۵۴ ، اندازهها و شاخصهای
بینی ، ۶۷۶ ، ۶۷۸ ، ۶۸۲ ، قد
نشسته ، ۶۲۴ ، قد ، ۶۱۸ ، شاخص
گوه و پیشانی ، ۶۵۷ ، شاخص
گونه و فک ، ۶۶۲ ، ۶۶۴
موامنه ، ۲۲۶
مورائی ، ۲۹۲

فهرست اعلام و مطالب - ۹۰۹

- مورانت ، جی.ا. ۱۸۷۰
 مو ، رنگ ، ۱۱۵. نیز نگاه کنید به حنا
 مورو = مرو ، ۱۵۵
 موریه ، ج. ۲۰۹
 موزة بریتانیا ، ۶۲
 موزة تاریخ طبیعی پاریس ، ۶۲، ۵۴
 موسی چورن ، ۳۵۱
 موسی عربی ، ۲۶۵
 موسی لو ، ۲۰۵
 موسیقی زنها ، ۲۶۷
 موصل ، یهودیها در ، ۳۰۶
 موگنیر ، بی، ۶۴۳
 مولهك ، ۲۶۶
 مؤمن ، ۲۱۵
 مومیاوند ، ۲۱۲، ۲۱۸
 مو ، نمونهها، روش بدست آوردن، ۳۳۹
 مهاباد ، شهرستان، ۳۰۲
 مهاجرت ، به ایران، ۲۸-۲۹، ۳۲، ۱۵۶،
 ۱۶۳، ۱۸۰، ۶۹۰-۶۹۱
 مهارلو ، نگاه کنید به دریاچه رضاییه
 مهربلو ، ۲۰۵
 مهرنگون ، ۲۶۵
 مهنجودارو ، استرالیایی، ۳۱۸؛ اطلاعاتی
 درباره اندازه گیری بدن انسان،
 ۳۱۰-۳۱۱ ، مدیترانهها در ،
 ۳۱۸؛ مغولیها ، ۳۱۸؛ اسکت
 انسان، ۳۱۸؛ نوع سومری در ،
 ۳۱۸؛ ساکنین اولیه سیلان، ۳۱۸
 مهبوانا ، قبیله، آسوری، ۵۳۳
 میاح ، ۲۲۶
 میتانی ، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۳
 می تانیها ، ۱۵۶
 میجان ، ۲۸۰
 میخصیبه ، ۲۳۵
 میر ، ۳۰۰
 میر احمدی ، ۲۵۹
 میرازیه ، ۲۳۵
 میر بلوزائی ، ۲۸۹
 میر بهاروند ، ۲۱۰، ۲۱۲
 میرجات ، عرض فکین ، ۶۶۳ ، عرض
 دو گونه ، ۶۵۹ ، شاخص سر ،
 ۶۴۸ ، اندازههای سر ، ۶۳۴ ،
 ۶۴۰
 میرزائه ، ۲۳۲
 میرزگی ، ۲۷۹
 میرزائی ، ۲۸۰
 میرزا محمد علی خان ، ۲
 میرزاوند ، ۲۱۲، ۲۱۹
 میر سلیمی ، ۲۵۹
 میر شکار ، ۲۸۰
 میر صلاحی ، ۲۸۰
 میر عباس خان ، ۲۱۰
 میر عباسخانی (= میر بهاروند) ، ۲۱۰-
 ۲۱۱
 میر علی خان ، ۲۱۰
 میر علیخانی (میر فلهوند = میر قلاوند)
 ۲۱ ، ۲۱۴، ۲۱۵
 میر علیوند ، ۲۱۲
 میر غولزائی ، ۲۸۹
 میر قلاوند ، ۲۱۴
 میرگی ، ۲۵۶، ۲۵۹
 میرو ، ۲۸۱
 میرهای منگره ، نگاه کنید به میر قلاوند
 میری ، ۲۵۹
 میشماست ، ۲۵۳، ۲۶۶؛ چهارایمک، ۲۹۹
 میگز ، ج. ۱، ۳۳۴
 میلر ، آستین ، ۲۲، ۱۸
 میناب شهرستان ، ۲۷۱، ۲۷۳-۲۷۴

۹۱۰ - مردم شناسی ایران

- میناب ، ناحیه ، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۳
 مینگر لیانها ، شاخص سر، ۶۴۶
 مینورسکی ، ۷
 میوه دار ، درختان ، ۲۹۴ ، نگاه کنید
 زیر سبب ، وغیره ...
 میوه ها ، در ایران ، ۲۳-۱۹۲، ۲۴
- نالیس ، ۲۳۲، ۲۲۶
 نالین ، جمعیت ، ۳۰۱
 ناتو خائیتها ، شکل سر، ۱۲۷
 ناتوزائی ، ۲۸۹
 نادرشاه ، ۳۲ ، انتقال قبایل در زمان
 سلطنت ، ۱۹۹، ۱۰۵ ، ۲۰۱ ،
 ۲۱۸ ، ۲۰۵
- نادرلو ، ۲۶۲
 نارهی ، ۲۶۲
 ناسوقف ، ن. و. ، ۱۲۰، ۱۲۲، ۶۴۷
 ناصری ، نگاه کنید به بندر ناصری
 نال (نل) ، اطلاعاتی درباره اندازه
 گیری جمجمه ، ۳۱۰، ۳۱۸
 نامدارخانی ، ۲۰۴
 ناناکلی ، ۱۳۳، ۹۶
 نبلوس ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری
 بدن انسان ، ۶۴۴
 نپار ، نگاه کنید به نفر
 نداتی ، ۲۷۹
 نرائی ، ۲۶۶
 نورماشیر ، ۲۷۳، ۲۷۵، ۲۷۷، قبایل در،
 ۲۷۹
- نژادی انواع ، در چهارگروه ایرانی ،
 ۳۳۹ ، ۵۰۴ ، ۵۰۵، ۴۴۰ ،
 ۵۰۷ ، ۵۰۸ ، ۶۰۴-۶۰۹
 نژادی طبقه بندی، ملاک سلامت ، ۳۷۲
 نجفتان ، ۲۱۰
- نجم الدین وند ، ۲۶۶
 نخلستان (خرما) ، ۲۲۳، ۲۲۰، ۲۲۷ ،
 ۲۴۶ ، ۲۷۱، ۲۶۹ ، ۲۷۲ ،
 ۲۷۳ ، ۲۷۵ ، ۲۷۸ ، ۲۸۶
 نخود ، ۱۹۲، ۲۳
 نخوتی ، ۲۹۶
 نسطوریها ، ۸۹، ۵۹ ، در آذربایجان ،
 ۹۶-۹۷ ، خصوصیات جسمانی ،
 ۹۷ ، ۵۹
- نصار ، ۲۳۴، ۲۲۹
 نصاره ، ۱۰۰
 نصایری ، ۲۳۴
 نصرت آباد ، جمعیت ، ۲۹۱
 نصیری (سوریه) ، نماینده جدیدی از
 سییها ، ۱۷۳
 نطنز ، جمعیت ، ۲۰۶
 نظارت ، ۲۳۰
 نظربینگلو ، ۲۵۷
 نعلبند و آهنگر ، بین قشقای و خمسه ،
 ۲۶۸
- نعمت الهی ، ۲۷۹
 نعسیه ، ۱۰۰
 نفت خانه ، ریزش باران در ، ۲۲۰
 نفر ، ۱۰۳ ، ۱۴۶ ، ۲۵۵، ۲۵۹
 نقد علی ، ۲۵۵
 نقدعلی اوشاغی ، ۲۵۶
 نقش رستم ، ۲۹
 نگاهدارلو ، ۲۶۴
- نلسون ، ویلیام راکهیل ، موسه (کانساس
 سیتی) ، ۳۲۴
 نمبودبری ، اندازه ها و شاخص بینی
 ۶۷۵
 نمازی ، ۲۸۰
 نمک ، ۲۶۹، ۲۵

فهرست اعلام و مطالب - ۹۱۱

- لوئی ، ۲۶۶
 نوحیره ، ۲۳۸
 نود زائی ، ۲۸۱
 نوراشاین ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری بدن انسان ، ۶۳۳ به بعد
 نورديك ، اختلاط درایران ، ۱۸۶
 نورديك ، تکلم به زبان هند و ایرانی ، ۱۸۳
 نورديك ، خصوصیات جمجمه و صورت ، ۳۰۸
 نورديك ، عناصر درکناره ، ۴۷۰ ، در ایران ، ۶۰۸
 نورديك ، نژاد دریزدخواست ، ۳۳۸
 نورديك ، نوع جمجمه ، ۳۱۲-۳۱۳
 نورديك اولیه ، جمجمه در تپه حصار ، ۳۰۶ ، ۳۰۷ ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری جمجمه ، ۳۱۱
 نورديك نما ، نوع ، در بین گروه های ایران ، ۶۰۴ - ۶۰۵ ، در بین ده نشینان یزدخواست ، ۴۳۹
 نورديك های اولیه ، در ایران ، ۱۶۲ ، ۶۰۹
 نورعلی ، ۲۱۲
 نوری بلوچی ، ۲۹۲
 نوشادی ، ۲۸۰
 نوشیر و انبیا ، ۱۰۶ ، ۱۷۴ ، ۲۸۷
 نوگر باب ، ۱۰۴
 ننجار ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری بدن انسان روی سمرد ، ۵۲۶
 نه ، ۲۹۱
 نی ، نیزار در سیستان ، ۱۲۹۱ ساکنین ، ۲۹۲
 نیر ، اندازه ها و شاخص بینی ، ۶۷۵
 نیریز ، ۲۵۲
 نیکیتین ، مازیل ، ۲۰۱ ، ۳۳
- نیل ، ۲۴
 نیلگن ، ۲۰۶
 نیوهن ، م. تی. ، ۳۰۵ ، ۳۲۵
 وائیسی ، ۲۵۷
 واخی ، ۱۶۲
 وانج ، عرض دو گونه ، ۶۵۹ ، شاخص سر ، ۶۴۷ ، اندازه های سر ، ۶۳۹ ، ۶۳۳ ، قد ، ۱۶۲ ، طول کل صورت ، ۶۷۰
 واگنسبیل ، ف. ، ۶۱۸ به بعد
 وال قائد ، ۲۶۵
 والو ، ه. و. ، ۳۰۵ ، ۳۱۶ ، ۳۱۸ ، ۳۱۹ ، ۳۲۰ ، ۳۲۲ ، ۳۲۳ ، ۳۲۴
 واله ، بیترو دلا ، ۵۶ ، ۴۴
 وایس کاره ، ۲۱۲
 وایر ، ایدیت ، ۵
 وایز باخ ، ا. ، ۳۵۵
 ورامین ، قبایل نزدیک ، ۱۳۴
 وریل ، ویلیام ، ۱۷۰ ، ۱۷۱
 ولسین ، فردرک ، ۳۰۵ ، ۳۰۴ ، ۳۲۴ ، ۳۲۵
 ولی شاهی ، ۲۵۶ ، ۲۵۹
 ولی عشاقی ، ۲۸۰
 وود ، ج. ا. ، ۵۸ ، ۵۶
 ویلسون ، ارنولد ، ۲۷ ، ۶ ، ۲۸ ، ۱۷۵ -
 ، ۲۱۱ ، ۲۱۰ ، ۲۰۶ ، ۱۷۹
 ، ۲۱۲ ، ۲۱۳ ، ۲۱۶ ، ۲۲۵
 ، ۲۳۸ ، ۲۴۴
 وسترگارد ، ن. ل. ، ۵۱
 وسترن رزرو دانشگاه ، آزمایشگاه کالبد شناسی و مردم شناسی حسانه ، ۳۳۵
 وشت ، ۲۸۷
 وندا ، ۲۶۴
 ویسنبیرگ ، س. ، ۴۰۵ ، ۴۱۸ ، ۶۰۹

۹۱۴ - مردم شناسی ایران

- ۶۱۷ به بعد .
- ویشنوسکی ، ب. ۱۸۷۰، ۶۲۰، ۶۲۷
- وینه موزه تاریخ طبیعی ، استخوانبندی
در ، ۳۱۳
- هاپارتیپ ، ۱۵۱-۱۵۲
- هات بلوچی ، ۲۷۳، ۲۸۴
- هادی زائی ، ۲۸۸
- هاروارد ، دانشگاه ، موسسه تفحصات
جغرافیائی در ، ۷، نگاه کنید به -
بیادی موزه .
- هاشم زائی ، اصل از ، ۲۸۹
- هاگسلی ، م. ه. ، ۶۱۸ به بعد
- هال ، ه. ر. ، ۱۵۱، ۳۲۰
- هامون جزموریان ، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۸۴
- هانتر ، دزل ، ۲۲۰، ۶
- هاننیتگتون ، الزورت ، ۱۹، ۶۹۲
- هایکانها = ارمنیها ، ۵۰
- هخامنشیان ، قبرستان پارتی ، مجموعه
سباهیوت ، ۱۴۲
- هخامنشی ها ، ۱۴۴، ۱۴۶، ۲۱۹، سلسله ،
۲۹ ، ۳۰، ۴۰
- هدون (هادون) ، ۱۶۱-۱۶۴ ، ۶۲۱
به بعد .
- هدین ، سون ، ۳۱۵، ۶۹۳
- هراپا ، مجموعه نوع ارمنی از ، ۳۱۸
- هرات ، ۱۴۹، ۱۵۵، ۷۲
- هراتی ، ۲۹۲-۲۹۳
- هرتسفلد ، ارنست ، ۱۸۰، ۱۸۳-۱۸۸ ،
۱۸۹ ، ۳۵۳، ۳۵۶
- هردلیشکا (هردلیچکا) ، ۱۱۵ ، ۳۴۰ ،
۳۴۵ ، ۶۳۲، ۶۱۹ ، ۶۳۸ ،
۶۴۵ ، ۶۴۹، ۶۶۷، ۶۸۳
- هردوت ، ۴۱، ۴۳-۴۱ ، ۱۰۴، ۵۱ ،
- ۱۲۹ ، ۱۴۲، ۲۸۱
- هرکی ، ۹۴
- هرمان ، پ. ، ۳۳۹
- هرمز ، جزیره ، ۲۶۹
- هریجان ، ۲۶۷
- هریسن ، ج. و. ، ۲۴۳
- هزارسی ، ۲۶۵
- هزاره ، ۹۳، ۱۲۹، ۲۹۹ ، شاخص سر
از ، ۱۶۴، ۱۶۸، در افغانستان ،
۶۹-۷۰ ، ۱۴۹ ، در خراسان .
- ۱۰۸، ۱۴۴ ، شاخص بینی از ،
۱۶۴ ، مشاغل ، ۲۹۹ ، قد ،
۶۲۱ . نیز نگاه کنید به بربرها
- هسلوک ، م. ه. ، ۶۱۸ به بعد .
- هفت لنگ ، ۲۱۴، ۲۴۳
- هگمتانه ، نگاه کنید به همدان
- هلاله (هلالت) ، ۲۲۳، ۲۳۵
- هلایل ، ۲۲۸
- هماوند ، ۹۶
- همدان ، ۳۵۰ ، اطلاعاتی در با
اندازه گیری بدن انسان ، ۶۴۷ ،
مجموعه از ، ۳۱۳ ، اطلاعاتی
در باره تاریخ بنای ، ۳۵۳ ،
یهودیان در ، ۳۴۹، ۳۵۳، ۳۷۴ ،
جمعیت ، ۳۵ ، ۱۷۶
- همدان شهرستان ، ۳۰۲
- همدان ، قبایل ، ۹۱، ۱۳۳
- هند و آریائی ، ۱۸۰ ، مهاجرت ، ۱۸۰ ،
۱۸۱ ، ۱۸۳
- هند و اروپائیها ، بازمانده هائی در شاه
تپه ، ۳۱۵ - ۳۱۶
- هند و افغان ، حوزه اقوام از ، در ارتباط
با گروههای ایران ، ۷۰۴-۷۰۵

فهرست اعلام و مطالب - ۹۱۳

- هند و افغان ، نژاد ، ۱۶۴ ، ۱۶۸ ،
 هند و ایرانی ، گروه زبانی در قفقاز ،
 ۱۸۸
- هند و ایرانی ، نوع ، ۱۶۴
 هندوستان ، اطلاعاتی درباره اندازه -
 گیری بدن انسان ، ۵۴ ، ۶۴ ،
 ۶۲۲ ، ۶۱۳ به بعد ، در اویدی
 از ، ۱۶۲ ، ۱۷۰ ، ۱۸۶ ، ۱۶۹۹
 شکل سردر ، ۶۵۰ ، نوع مدیترانه
 در ، ۳۱۹ ، سیاه‌پوستان در
 ۱۴۰ ، ۸۶ ، ۱۴۰ - ۱۴۱ ، اقوام ،
 ۶۹۹ ، نیز نگاه کنید به
 هندوستان جنوبی
- هند و سیتها از تاکسیلا ، در آسیای
 مرکزی ، ۱۸۷
 هندوها ، ۱۳۶ ، شاخص ، ۷۴ ، جمجمه
 شبیه به جمجمه گورها ، ۱۲۸ ،
 شکل سر ، ۵۱ ، اندازه‌های سر ،
 ۶۴ ، ۶۵ ، در ایران ، ۱۰۴
 ۲۷۸ ، ۱۰۷ ، اختلاط بابلوچیها ،
 ۱۶۸
- هندوها (حیدرآبادیها) ، در میناب ،
 ۲۷۳ - ۲۷۴
 هندی ، شر ، ۶۹۶
 هندی ، شعبه اعراب جانی خانی ، ۲۵۵
 هندیان ، ۲۲۳
 هندیان ، رود قبایل در امتداد ، ۱۰۰
 هندیها (مشرق) ، در ایران ، ۱۴۳
 هنگام ، جزیره ، ۲۶۹ ، ۲۷۲
 هنوگانلو ، ۲۶۴
 هواشناسی ، اطلاعات ، ۲۲۰ ، ۲۲۱
 هواشیم ، ۲۲۷ ، ۲۳۶
 هوپر ، داوید ، ۳
 هوت ، ۲۷۹
- هوتک ، ۷۲
 هوتم - شیندلر ، ۸۸ ، ۲۷ - ۱۳۱ ، ۹۰ -
 ۱۳۴
 هوتن ، دکتر ، ۴۰ ، ۲ ، ۵ ، ۳۸ ، ۳۲۵ ، ۳۳۹ -
 ۵۶۵ ، ۶۸۶
 هورنی بروک ، ویلیام ، ۲ ، ۲۶۰ ، ۳۳۷
 هوروم ، معبد ، ۳۵۱
 هوری ، ۱۸۳
 هوز ، نگاه کنید به خوزیها
 هوزی ، نگاه کنید به خوزی
 هوسی (هوسه) ، از ۷۳ به بعد ، ۱۱۹ -
 ۱۲۰ ، ۱۲۳ ، ۱۴۰ ، ۳۱۹ ،
 ۵۰۸ ، ۳۲۰
 هوسینگ ، ۳۲۰
 هولاکو خان ، ۳۲ ، ۱۰۲
 هونزا ، در ارتباط با قبایل ایران و عراق ،
 ۱۸۷
 هویشم ، ۲۲۶
 هیئت ، ۲۳۰
 هییتی ، فیلیپ ، ۱۷۲ - ۱۸۷
 هییتی ها ، ۸۷ ، ۱۳۹ ، ۱۸۰ ، ۱۸۳ ،
 نمائنده هییتی‌های سابق ، ۱۷۳
 هیرکایها ، ۱۵۶
 یاریجانلو ، ۲۰۵
 یاکبور ، ۱۵۱
 یاته ، ا.سی ، ۴۲۳
 یادگوری ، ۲۶۲
 یار احمد ، ۲۱۱
 یار احمدزائی ، ۲۸۹
 یار احمدی ، در سیالخور ، ۲۱۵
 یار احمدی ، شعبه اعراب جانی خانی ،
 ۲۵۵
 یار امیشلو ، ۲۰۵

۹۱۴ - مردم شناسی ایران

- یارفالی ، ۲۸۰
 یاغی زالی ، ۲۹۲
 پاکودی ، ۲۸۰
 یامه ، ۲۶۴
 یاموتبال ، ۱۵۱
 یانگی ، دکتر ، ۶
 یزد ، ۱۰۷ ، ۲۹۳-۲۹۴ ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری بدن انسان ، ۱۶۶ آب و هوا در ، ۲۹۳ ، جمجمه کبر در ، ۶۳ ، اهمیت اقتصادی ، ۲۹۴ ، ساکنین ، ۱۷۵ ، ۴۶ ، خصائص جسمانی ، ۱۵۸ ، یهودیها در ، ۲۹۴ ، زردشتی ها در ، ۱۷۵ ، ۲۹۳ ، استفاده از برف برای سرد کردن ، ۲۹۴
 یزد ، شهرستان ، ۳۰۳
 یزدانوند ، ۲۶۶
 یزدخواست ، ۳۳۸ ، ۳۲۳-۴۲۶ ، اعراب در نزدیکی ، ۲۲۵ ، کاروانسرا در ، ۴۴۱ ، ۴۵۶ ، کتیبه در ، ۴۵۶ ، غار در ، ۴۴۰ ، کشت غله ، ۴۴۱ ، لباس پوشیدن ، ۴۲۴ ، حیوانات اهلی در ، ۴۲۴ ، زندگی خانوادگی ، ۴۲۴ ، شهر قدیمی ، ۴۲۴ - ۴۲۵ ، کتیبه دروازه ، ۴۲۴ ، نام اصلی ، ۴۲۶ ، قشقائی در نزدیکی ، ۲۶۱ ، پل-سنگی در ، ۴۴۱ ، تهیه آب ، ۴۴۰ ، یزدخواست ، رودخانه ، فرسوده کردن ، ۴۲۵ ، اندازه پیشین ، ۴۲۵
 یزدخواست ده نشینان (۴۸ مردان اندازه گیری شده) ، ۴۲۷ - ۴۵۶ ، سن ، ۴۲۶ ، ۴۴۲ ، در قیاس با گروههای ایران ، ۵۵۸ ، ۵۳۶ =
 ۵۶۰
 آبله ، در بین ، ۳۳۱
 آبله ، علامت ، ۴۳۰
 آلپ نما ، انواع ، در بین ، ۳۳۹
 آبی ، انواع ، در بین ، ۴۳۹ ، ۶۰۷-۶۰۸
 آماری تجزیه ، ۴۳۱-۴۳۸
 اتلانتيك و مدیترانه ، انواع ، از بین ، ۴۳۹ ، ۶۰۴
 ارمنی انواع ، در بین ، ۳۳۹
 اطلاعات اولیه درباره اندازه ها ، شاخصها و خصائص جسمانی ، ۴۴۲-۴۴۴
 افراد حذف شده از سری آماری ، ۴۲۶
 امراض ، در بین ، ۴۳۰-۴۳۱
 اناطولی ، انواع ، از بین ، ۴۳۹
 بینی ، شاخص ، ۴۴۱ ، در قیاس با گروههای ایران ، ۵۵۸ ، ۵۳۷ - ۵۶۰ ، با گروههای ایران و عراق ، ۶۷۲ ، با گروههای جنوب غربی آسیا ، ۶۸۱ ، طبقه بندی ، ۴۴۱ ، در قیاس با گروههای ایران ، ۵۵۸ ، ۵۵۰ ، با گروههای ایران و عراق ، ۶۸۰ ، بینی ، طول و عرض ، ۴۴۱ ، در قیاس با گروههای ایران ، ۵۳۶-۵۳۷ ، ۵۵۸-۵۶۰ ، با گروههای ایران و عراق ، ۶۷۲ ، با گروههای جنوب غربی آسیا ، ۶۷۵ ، ۶۷۸ ، طبقه بندی ، ۴۳۸ ، در قیاس با گروههای ایران ، ۵۴۸-۵۴۹ ، در قیاس با گروههای عراق ، مصر و هند ، ۶۷۳ - ۶۷۴
 بینی ، نوک و پره ، ۴۲۸-۴۲۹ ، طبقه بندی ، در قیاس با گروههای

فهرست اعلام و مطالب - ۹۱۵

- ایران ، ۵۵۴ - ۵۵۵
 بینی ، نیمرخ ، ۴۲۸ ، طبقه بندی ،
 ۴۲۹ ، در قیاس با گروههای
 ایران، ۵۵۳-۵۵۵، با گروههای
 ایران و عراق، ۶۸۶، سردرازها.
 صورت باریکها ، بینی باریکها،
 ۵۹۲
 پوست ، رنگ ، ۴۲۷
 پهلوی ، کلاه ، دربین ، ۴۳۶
 پیشانی و آهیانه شاخص ، ۴۴۲ ، در
 قیاس با گروههای ایران، ۵۳۶،
 با مردم جنوب غربی آسیا، ۶۵۳
 تب دربین ، ۴۳۰
 تصویری ، بررسی ، ۴۳۸ - ۴۳۹
 چشمها ، ۴۲۸ ، طبقه بندی ، ۴۲۸ ، در
 قیاس با گروههای ایران، ۵۵۲-
 ۵۵۳
 حامی ، انواع ، دربین، ۴۳۹
 حداقل قطر پیشانی ، ۴۴۲ ، در قیاس با
 گروههای ایران، ۵۳۶، ۵۵۸-
 ۵۶۰ ، در قیاس با گروههای
 جنوب غربی آسیا ، ۶۵۳، طبقه-
 بندی، ۴۳۵، در قیاس با گروههای
 ایران ، ۵۴۲ - ۵۴۳
 حنا ، عدم استعمال ، دربین ، ۴۳۱
 خال کوبی نشانه ، ۴۳۱
 دندانها ، ۴۳۰ ، طبقه بندی، ۴۲۹ ، در
 قیاس با گروههای ایران، ۵۵۵-
 ۵۵۶
 دهان ، ۴۲۹
 سر ، شاخص، ۴۴۱، در قیاس با گروههای
 ایران ، ۵۳۶، ۵۵۸، ۵۶۰ ،
 با مردم جنوب غربی آسیا، ۶۴۲،
 طبقه بندی ، ۴۳۲ ، ۴۴۱ ، در
- قیاس با گروههای ایران، ۵۴۰ -
 ۵۴۱ ، با گروههای ایران و
 عراق ، ۶۴۲ ، نوع مدیترانه
 اولیه ، ۴۳۲-۴۳۳ ، در قیاس
 با مردان آباد ، ۴۳۳، ۴۳۴
 سر ، شکل و اندازه، ۴۳۲-۴۳۵ ، طبقه-
 بندیها ، ۴۴۳، ۴۳۵، ۴۴۱، در
 قیاس با گروههای ایران، ۵۴۱ -
 ۵۴۲ ، با گروههای ایران و
 عراق ، ۶۲۸ - ۶۳۰
 سر ، عرض و طول ، ۴۴۱ ، در قیاس با
 گروههای ایران، ۵۳۶، ۵۴۰،
 ۵۵۸-۵۶۰، با گروههای ایران،
 و عراق، ۶۲۸، با مردم جنوب
 غربی آسیا ، ۶۳۱ ، ۶۳۶ ،
 طبقه بندی ، ۴۳۵ ، در قیاس با
 گروههای ایران ، ۵۴۲-۵۴۳
 سلامتی ، ۴۳۰
 سیاهپوست ، انواع ، دربین ، ۴۲۷ ،
 سینه فراخ ، ۴۳۰
 شکل شناسی خصوصیات ، طبقه بندیها.
 ۴۲۷-۴۳۰ ، در قیاس با -
 گروههای ایران، ۵۵۱-۵۵۶،
 مقایسه سردرازها ، صورت
 باریکها ، بینی باریکها با
 گروههای دیگر ایران ، ۵۹۲-
 ۵۹۳
 صورت ، انواع، ۴۳۷، ۴۳۸ ، در قیاس
 با گروههای ایران ، ۵۴۵ ،
 صورت گوسفندی ، ۵۴۷
 صورت ، شاخصها و اندازهها ،
 ۴۴۱ ، در قیاس با گروههای
 ایران ، ۵۳۶، ۵۵۸، ۵۶۰ ،

۴ - مردم شناسی ایران

- بامردم جنوب غربی آسیا، ۶۵۶،
 ۶۵۷ ، طبقه بندی ، ۴۳۶ ، در
 قیاس با گروههای ایران ، ۵۴۴
 گونه و پیشانی ، ۴۴۳ ، در قیاس با -
 گروههای ایران ، ۵۳۷ ، ۵۵۸ -
 ۵۶۰ ، با گروههای جنوب غربی
 آسیا ، ۶۵۷
 گونه وفک ، شاخص ، ۴۴۳ ، در قیاس با -
 گروههای ایران ، ۵۳۷ ،
 ۵۵۸ - ۵۶۰ ، با گروههای جنوب
 غربی آسیا ، ۶۶۱
 لبها ، ۴۲۹
 مدیترانه ، انواع ، در بین ، ۴۳۹
 مدیترانه اولیه ، میانگین ، ۴۳۳ - ۴۳۴
 مو ، ۴۲۷ ، طبقه بندی ، ۴۲۷ ، در
 قیاس با گروههای ایران ، ۵۵۱
 ناتوانی جسمانی ، در بین ، ۴۳۱
 نورس یک نما انواع ، در بین ، ۴۳۹
 یزیدی ، در آسیای صغیر ، ۱۷۳ ، قفقاز ،
 شاخص سر ، ۴۴۲ ، فضلات
 باربران ، ۴۹۹ ، عراق ، ۱۶۲
 یعقوب اشاندرو ، ۲۶۲
 یعقوبی ، ۲۸۰
 یمن ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری بدن
 انسان ، ۶۴۳ ، یهودیه - در ،
 ۴۰۵ ، اطلاعاتی درباره اندازه -
 گیری بدن انسان ، ۴۰۶ به بعد .
 یمنی ها ، شاخص سر ، ۶۴۳ ، قد ، ۶۱۸ ،
 یهوت (یاموت) ترکمنها ، ۱۷۳ ، ۲۹۶ ،
 ۲۹۸
 یندرانلو ، ۲۶۲
 ینگه چک ، ۲۰۵
 یوخاری باش ، ۱۴۶
 یوسفوند ، ۲۱۵
 بامردم جنوب غربی آسیا ، ۶۶۵ -
 ۶۶۸ ، طبقه بندی ، ۴۳۶ - ۴۳۷ ،
 ۴۴۱ ، در قیاس با گروههای
 ایران ، ۵۴۵ - ۵۴۸ ، با
 گروههای ایران و عراق ، ۶۷۱
 فضلات ، ۴۳۰
 فك قطر ، ۴۴۲ ، در قیاس با گروههای
 ایران ، ۵۳۶ ، ۵۴۳ ، ۵۵۸ -
 ۵۵۹ ، با مردم جنوب غربی
 آسیا ، ۶۶۱
 قد ، ۴۴۱ ، در قیاس با گروههای ایران ،
 ۵۳۶ ، ۵۵۸ - ۵۶۰ ، با
 گروههای ایران و عراق ، ۱۶۲۵ ،
 با گروههای جنوب غربی آسیا ،
 ۶۱۷ ، طبقه بندی ، ۴۳۱ -
 ۴۳۲ ، ۴۴۱ ، در قیاس با -
 گروههای ایران ، ۵۳۸ ، ۵۳۹ ،
 با گروههای ایران و عراق ، ۶۱۶
 دانشسته ، ۴۴۲ ، در قیاس با گروههای
 ایران ، ۵۳۶ ، ۵۵۷ - ۵۶۰ ،
 با گروههای ایران و عراق ،
 ۶۲۵ ، با گروههای جنوب غربی
 آسیا ، ۶۲۴ ، طبقه بندی ،
 ۴۳۱ ، در قیاس با گروههای
 ایران ، ۵۳۹
 دانشسته (طول تنه) ، در مقایسه با گروههای
 ایران و عراق ، ۶۲۵
 نوشها ، ۴۳۶ ، اندازه ها و شاخصها ،
 ۴۴۱ ، در قیاس با گروههای
 ایران ، ۵۳۶ ، ۵۵۸ - ۵۶۰ ، با
 مردم جنوب غربی آسیا ، ۶۸۹
 نونه ، برجستگی ، ۴۳۰
 نونه ، قطر ، ۴۴۲ ، در قیاس با گروههای
 ایران ، ۵۳۶ ، ۵۵۷ - ۵۵۹

فهرست اعلام و مطالب - ۹۱۷

یهودیهها ، نوع اشکنازیم ، ۳۵۶ ،
 ۶۴۴ ؛ یورها از بین ،
 ۱۶۶ ، ۳۵۶-۳۵۵ ، امراض در
 بین ، ۱۶۷ ، پراکندگی ، ۴۰۵ ،
 ازدواج در سنین جوانی ، ۴۰۷ ،
 خواجهها در بین ، ۳۵۰ ؛ آتتر -
 پرستان در بین ، ۳۵۱ ، در عدن ،
 ۴۰۵ ، در آسیا ، شکل سر ، ۵۱ ،
 در بوشهر ، ۳۴۹ ، ۳۵۰ ، در همدان ،
 ۳۴۹ ، ۳۷۴ ، در ایران ، ۷۳ ،
 ۱۴۳ ، ۱۴۲ ، ۱۹۹ ، ۳۴۹ -
 ۳۵۰ ، در اصفهان ، ۱۳۱ ، ۳۴۹ ،
 ۳۵۱-۳۵۴ ، در کاشان ، ۱۳۱ ،
 ۳۴۹ ، ۳۵۰ ، در کرمان ، ۱۰۴ ،
 در خوانسار ، ۳۴۹ ، در خراسان ،
 ۱۶۹ ، ۳۰۰-۳۰۱ ، در خوزستان ،
 ۲۲۳ ، ۲۲۵ ، در لرستان ، ۲۰۸ ،
 در مازندران ، ۱۱۳ ، در مشهد
 ۱۶۹ ، ۳۴۹ ، در ساوه ، ۳۴۹ ، در
 شیراز ، ۳۴۹ ، ۳۵۰ ، در طهران
 ۱۱۱ ، ۱۳۱ ، ۳۴۹ ، ۳۵۰ ، در
 ترکستان ، ۱۶۳ ، در ارومیه ،
 ۳۴۹ ، در یمن ، ۴۰۵ ، در یزد ،
 ۱۰۷ ، ۲۹۴ ، اندازه گیری شده
 بوسیله ویسنبرگ ، ۴۰۵ ، به بعد ،
 نوع سفاردیم ، ۳۵۶ ، ۶۴۴ ، قد
 کوتاه ، ۴۰۶-۴۰۷
یهودیهای اصفهان (۹۹ مردان اندازه
 گیری شده در محله یهودیهها) ، سن ،
 ۳۵۴ ، ۳۵۵ ، ۳۷۶ ، در مقایسه با -
 گروههای ایران ، ۵۳۶-۵۳۷ ،
 ۵۳۸ ، ۵۵۸-۵۶۳ ، گروهها ،
 ۳۵۵
 آزارهای ، ۳۵۰ ، ۳۷۴ ،

یول ، ۱۷۲ ، . ۵
یونانیها ، در ایران ، ۵۶ ، رابطه با
 ایرانیان ، ۳۰-۳۱ ، ۱۳۵ ، ۱۷۸ ،
 یونجه ، ۱۹۲ ، ۲۴
 یونسی ، ۲۸۰
یهودی ، خواجههای ، ۳۵۰
یهودی ، مذهب در ایران ، ۳۵
یهودیه ، نگاه کنید به آل یهودیه
یهودیها ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری
 بدن انسان ، از افریقا ، ۵۴ ، از
 عمادیه ، ۴۰۶ ، از اقرا ، ۴۰۸ ،
 به بعد ، از بغداد ، ۴۰۶ ، به بعد ،
 از چرموک (چوموک) ، ۴۰۶ ، از
 دمشق ، ۶۴۴ ؛ از دیار بکر ،
 ۴۰۶ ، از عراق ، ۶۱۷ ، به بعد ،
 زکردستان ، ۴۰۶ ، به بعد ،
 زمشهد ، ۴۰۶ ، به بعد ، از موصل ،
 ۴۰۶ ، فلسطین ، ۶۴۴ ، رواندین ،
 ۴۰۸ ، به بعد ، از سندر ، ۴۰۸ ،
 به بعد ، از شیراز ، ۴۰۶ ، به بعد ،
 از جنوب ایران ، ۶۴۲ ، از
 سلیمانیه ، ۴۰۸ ، به بعد ، از عرفه ،
 ۴۰۶ ، به بعد ، از ارومیه ، ۴۰۶ ،
 به بعد ، از یمن ، ۴۰۶ ، به بعد ،
 از زاخو ، ۴۰۸ ، به بعد ، جمجمه
 قرون وسطی ، ۵۴-۵۵ ، یهودیهای
 جنوب غربی آسیا ، شاخص سر ،
 ۴۰۷ ، ۴۱۰ ، گروهها ، ۴۱۱ ،
 طول سر ، ۴۱۰ ، گروهها ، ۴۰۹ ،
 شاخص بینی ، ۴۱۰ ، گروهها ،
 ۴۱۳ ، قد ، ۴۰۶-۴۰۷ ، گروهها ،
 ۴۰۸ ، شاخص کل صورت ، ۴۱۰ ،
 ۴۱۵ ، گروهها ، ۴۱۳ ، یهودی
 روس ، ۶۸۳

- اطلاعات تخمینی : اندازه‌ها و شاخصها و خصوصیات شکل‌شناسی، ۳۸۰-۴۰۴
- افرادی که از سری آماری حذف شده‌اند ، ۳۵۴، ۳۷۴، ۳۷۵ ، ازهمدان ، ۳۷۴ ، ازسقز ، ۳۷۵ ، ازشیراز ، ۳۷۵
- امراض ، ۳۴۱، ۳۵۸
- انواع صورت ، ۳۶۹ ، درمقایسه با - گروههای ایران ، ۵۴۵-۵۴۶ ، صورت پهن ، ۵۴۷
- انواع نژادی ، ۳۷۱-۳۷۳
- انواع یهودیها ، ۳۷۱-۳۷۲، ۶۰۷ - ۶۰۸ ، اندازه‌ها و شاخصها ، ۳۷۶-۳۷۸ ، درمقایسه با سری کلی ، ۳۷۲
- برجستگی گونه‌ها ، ۳۶۸
- بهداشت ، ۳۶۱
- پره بینی ، ۳۷۰
- پره‌ها و نوک بینی ، ۳۵۸ ، گروهها ، ۳۵۹ ، درمقایسه با گروههای ایران ، ۵۵۳-۵۵۵
- پوست قهوه‌ای رنگ ، ۳۵۵
- پیشانی و آهیانه ، شاخص ، ۳۷۷، ۳۷۸ ، درمقایسه با گروههای ایران ، ۵۳۷، ۵۴۸ ، درمقایسه با - گروههای جنوب غربی آسیا ، ۶۵۲-۶۵۴
- تجزیه آماری ، ۳۶۲-۳۷۱
- چشمها ، ۳۵۷ ، گروه بندیها ، ۳۵۷-۳۵۸ ، درمقایسه با گروههای ایران ، ۵۵۳-۵۵۴
- حنا ، به کار بردن ، ۳۶۱
- خصوصیات شکل شناسی ، گروهها ، ۳۵۶-۳۶۱ ، درمقایسه با - گروههای ایران ، ۵۵۱ - ۵۵۶ ، مقایسه‌ای از سردرازاها ، باریک صورتهای ، افراد بینی باریک با گروههای ایران ، ۵۹۲
- خصوصیات غیر یهود ، ۳۷۳
- خصوصیات مغولی ، ۳۷۳
- خصوصیات نوعی ، ۳۷۳-۳۷۴
- دندانها ، ۳۵۹ ، گروهها ، ۳۶۰ ، در مقایسه با گروههای ایران ، ۵۵۵ - ۵۵۶
- دهان ، ۳۵۹
- رنگ پوست ، ۳۵۵
- روایات تاریخی ، ۳۵۰
- ریش ، ۳۵۷
- سبیل ، ۳۵۷
- سوء تغذیه ، ۳۶۰
- شاخص بینی ، ۳۷۷، ۳۷۸ ، درمقایسه با یهودیهای گرجی و لژکی ، ۴۲۳ ، درمقایسه با گروههای ایران ، ۵۳۷، ۵۵۸-۵۶۳ ، در مقایسه با گروههای ایران و عراق ، ۶۷۲ ، در مقایسه با گروههای جنوب غربی آسیا ، ۶۸۱ - ۶۸۴ ، گروهها ، ۳۷۹ ، درمقایسه با - گروههای ایران ، ۵۵۰ ، در مقایسه با گروههای ایران و عراق ، ۶۸۰ ، درمقایسه با یهودیهای جنوب غربی آسیا ، ۴۱۴
- شاخص گونه و فك ، ۳۷۷، ۳۷۸ ، در مقایسه با گروههای ایران ، ۵۳۷، ۵۵۸-۵۶۳ ، درمقایسه با - گروههای جنوب غربی آسیا ، ۶۶۱
- شاخص گونه و پیشانی ، ۳۷۷ ، ۳۷۸ ،

فهرست اعلام و مطالب - ۹۱۹

- طول سر ، ۳۷۶-۳۷۸ ، درمقایسه با-
یهودیهای گرجی و لزگی، ۱۴۲۳
درمقایسه با گروههای ایران ،
۵۳۶ - ۵۳۷ ، ۵۴۰ ، ۵۵۸ -
۵۶۳ ، در مقایسه با گروههای
ایران و عراق، ۶۲۸، با گروههای
جنوب غربی آسیا، ۶۳۱-۶۳۴
گروهها ، درمقایسه با یهودیهای
جنوب غربی آسیا ، ۴۰۷، ۴۰۹
عدم خال کوبی ، ۳۶۱
- عرض سر ، ۳۷۶، ۳۷۸ ، درمقایسه با -
یهودیهای گرجی و لزگی، ۱۴۲۳
در مقایسه با گروههای ایران ،
۵۳۶ ، ۵۴۰ ، ۵۵۸-۵۶۳ ، در
مقایسه با گروههای ایران و عراق،
۶۲۸ ، در مقایسه با گروههای
جنوب غربی آسیا، ۶۳۶-۶۴۰
گروهها، ۳۶۶-۳۶۷ ، درمقایسه
با گروههای ایران ، ۵۴۲ -
۵۴۳
- عرض و طول بینی ، ۳۷۶-۳۷۸ ، در
مقایسه با گروههای ایران، ۵۳۶-
۵۳۷ ، ۵۵۸-۵۶۳ ، در مقایسه
با گروههای ایران و عراق، ۶۷۲ ،
درمقایسه با گروههای جنوب
غربی آسیا ، ۶۷۴، ۶۷۷-۶۷۸ ،
گروهها، ۳۷۰ ، درمقایسه با-
گروههای ایران ، ۵۴۹ ، در
مقایسه با سری عراق، مصر و هند،
۶۷۳ - ۶۷۵
- عضلات ، ۳۶۰
علامت مشخصه لباسها ، ۳۵۱
غارت قبائل مخالف ، ۳۵۲
قد ، ۳۷۶-۳۷۸ ، درمقایسه با گروههای
- درمقایسه با گروههای ایران ،
۵۳۷ ، ۵۵۸-۵۶۳ ، در مقایسه
با گروههای جنوب غربی آسیا ،
۶۵۷ - ۶۵۹
- شاخصهای سر ، ۳۷۷، ۳۷۸ ، درمقایسه
با یهودیهای گرجی و لزگی ،
۴۲۳ ، در مقایسه با گروههای
ایران ، ۵۳۷ ، ۵۵۸-۵۶۳ ،
درمقایسه با گروههای جنوب غربی
آسیا، ۶۴۲ ، طبقه بندی، ۳۶۵ ،
۳۷۹ ، در مقایسه با گروههای
ایران ، ۵۴۰ ، ۵۴۱ ، درمقایسه
با گروههای ایران و عراق، ۶۴۱ ،
در مقایسه با یهودیهای جنوب
غربی آسیا ، ۵۱۱
- شکل و اندازه‌ها، ۳۶۶-۳۶۹، گروهها،
۳۶۵، ۳۶۷ ، ۳۷۹ ، درمقایسه
با گروههای ایران ، ۵۴۱ -
۵۴۲ ، درمقایسه با گروههای
ایران و عراق ، ۶۲۸، ۶۲۹
- شواهدی از اختلاف نوع ، ۳۷۳-۳۷۵
صورت ، اندازه‌ها و شاخصها ، ۳۶۷ -
۳۷۱، ۳۷۶-۳۷۸ ، درمقایسه
با گروههای ایران ، ۵۳۶ -
۵۳۷ ، ۵۵۸-۵۶۳ ، درمقایسه
با گروههای جنوب غربی آسیا ،
۶۵۶-۶۷۰ ، طبقه بندی، ۳۶۸ ،
۳۶۹ ، ۳۷۹ ، درمقایسه با -
گروههای ایران ، ۵۴۵-۵۴۸
در مقایسه با گروههای ایران و
عراق ، ۶۷۱ ، در مقایسه با -
یهودیهای جنوب غربی آسیا، ۴۱۳
- صورت ، شکل، ۳۶۸-۳۶۹
طول اعضای متناسب ، ۳۶۲

- گرهن ، ۳۷۱
 گوشها ، ۳۷۰-۳۷۱ ، اندازه‌ها و شاخصها ،
 ۳۷۶ - ۳۷۸ ، درمقایسه با -
 گروههای ایران ، ۵۳۷ ، ۵۵۸ -
 ۵۶۳ ، درمقایسه با گروههای
 جنوب غربی آسیا ، ۶۸۸-۶۸۹
 گوشه چشم ، ۳۵۸
 لبها ، ۳۵۹
 متوفیات اطفال ، ۳۶۱
 مقایسه با افغانها ، ۷۰۵-۷۰۶
 مو ، ۳۵۶ ، گروهها ، ۳۵۶-۳۵۷ ، در
 مقایسه با گروههای ایران ، ۵۵۱-
 ۵۵۲
 موارد بیماری شناسی ، ۳۶۱
 موی بدن ، ۳۵۷
 نقص جمجمه ، ۳۶۲
 نمونه‌های خون ، ۳۵۴
 نوع اروپای شمالی ، ۳۷۳
 نوع مدیترانه ، ۳۷۳ ، حداقل قطر
 پیشانی ، ۳۷۶ ، ۳۷۸ ؛ درمقایسه
 با گروههای ایران ، ۵۳۶ ،
 ۵۵۸-۵۶۳ ؛ با گروههای جنوب
 غربی آسیا ، ۶۵۳ - ۶۵۴ ،
 گروهها ، ۳۶۹ ؛ درمقایسه با -
 گروههای ایران ، ۵۴۲-۵۴۳
 نیمرخ بینی ، ۳۵۸ ، ۳۷۰ ، گروهها ، ۳۵۹ ؛
 درمقایسه با گروههای ایران ،
 ۵۵۴ - ۵۵۵ ؛ درمقایسه با -
 گروههای ایران و عراق ، ۶۸۶ ؛
 از افراد سردراز ، صورت باریک ،
 بینی باریک ، ۵۹۵-۵۹۶
 یهودیهای قفقاز ، ۴۱۲ ، ۴۲۲ ، ۴۲۳ ،
 اطلاعاتی در باره اندازه گیری
 بدن انسان ، ۴۱۹ ، ۴۲۲-۴۲۳ ،
 ۶۱۹
 ییت ، سرهنگ ، ۳۱۵
- گرچی ولزگی ، ۴۲۳ ، درمقایسه
 با گروههای ایران ، ۵۳۶ ، ۵۵۸ -
 ۵۶۳ ، درمقایسه با گروههای ایران و
 عراق ، ۶۲۵ ، درمقایسه با -
 گروههای جنوب غربی آسیا ،
 ۶۱۷-۶۲۱ ، گروهها ، ۳۶۲ ،
 ۳۷۹ ، درمقایسه با گروههای
 ایران ، ۵۳۷ ، ۵۳۸ ، درمقایسه
 با گروههای ایران و عراق ، ۶۱۶ ؛
 درمقایسه با یهودیهای جنوب
 غربی آسیا ، ۴۰۸
 قد در حال نشسته ، ۳۷۶ - ۳۷۸ ، در
 درمقایسه با گروههای ایران ،
 ۵۳۶ - ۵۳۷ ، ۵۵۸-۵۶۳ ، در
 مقایسه با گروههای ایران و عراق ،
 ۶۲۵ - ۶۲۶ ، درمقایسه با -
 گروههای جنوب غربی آسیا ،
 ۶۲۳ ، گروهها ، ۳۶۳ ؛ درمقایسه
 با گروههای ایران ، ۵۲۹
 قطر استخوان گونه ، ۳۷۶ - ۳۷۸ ، در
 مقایسه با یهودیهای گرچی ولزگی ،
 ۴۲۳ ، درمقایسه با گروههای
 ایران ، ۵۳۶-۵۳۷ ، ۵۵۸ -
 ۵۶۳ ، درمقایسه با گروههای
 جنوب غربی آسیا ، ۶۵۶-۶۵۹ ،
 گروهها ، ۳۶۸ ؛ درقیاس با -
 گروههای ایران ، ۵۴۴
 قطر فکین ، ۳۷۶-۳۷۸ ، درمقایسه با .
 گروههای ایران ، ۵۳۶-۵۳۷ ،
 ۵۵۸ - ۵۶۳ ، درمقایسه با -
 گروههای جنوب غربی آسیا ،
 ۶۶۱
 کم موئی ، ۳۵۷
 کوتاهترین کتفه ، درمقایسه با گروههای ،
 ایران و عراق ، ۶۲۵
 کوتوله ، ۳۷۴



شماره ۳۴۴۳ (سن ۴۵)



شماره ۳۴۲۹ (سن ۳۰)

انواع مدیترانه خالص



شماره ۳۴۳۰ (س ۴۰)



شماره ۳۴۵۴ (س ۲۵)

انواع اتلانتیک و مدیترانه

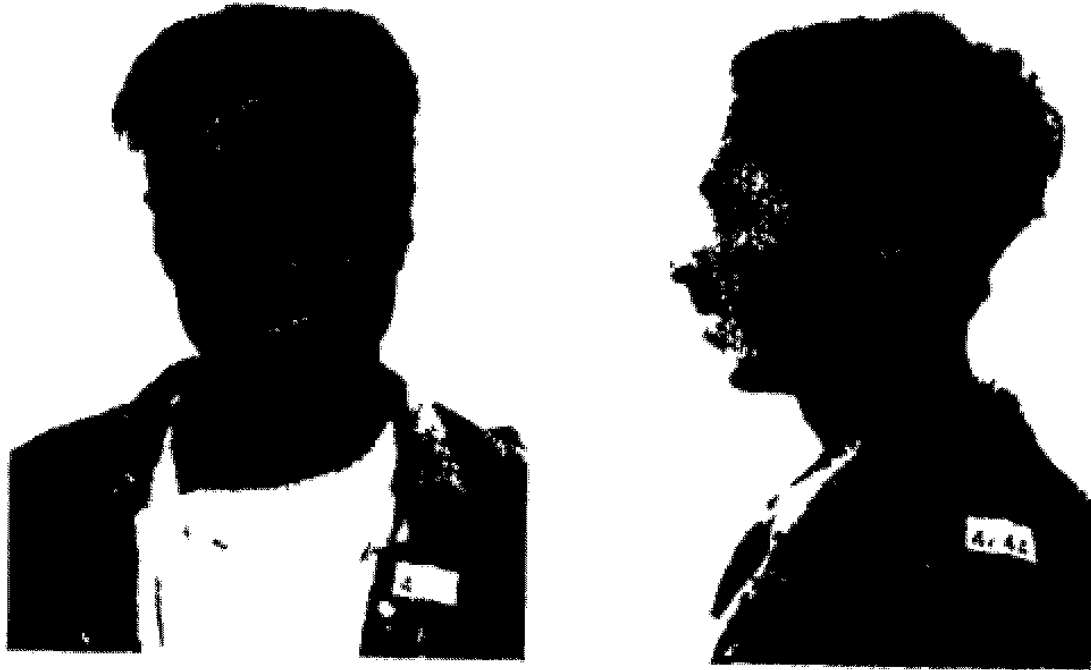


شماره ۳۳۰۷ (س ۲۰) نوع مديترانه فرق سر بلند



شماره ۳۳۱۱ (س ۲۵) نوع ارمنى يا آناتولى

سردرازهاى پينى محذب



شماره ۳۳۷۵ (س ۲۰)



شماره ۳۴۲۵ (س ۶۰)

سردرازهای بینی محذب



شماره ۳۳۶۲ (س ۲۵) مربع صورت



شماره ۳۳۳۶ (س ۲۵) بیضی صورت

سرگردها



شماره ۳۳۱۳ (سن ۲۰) نوع لاغر



شماره ۳۲۹۱ (سن ۳۰) نوع اولیه

انواع مدیترانه - چشم مختلط



شماره ۳۲۸۲ (سن ۳۰)



شماره ۳۲۹۴ (سن ۳۷)

انواع چشم مختلف

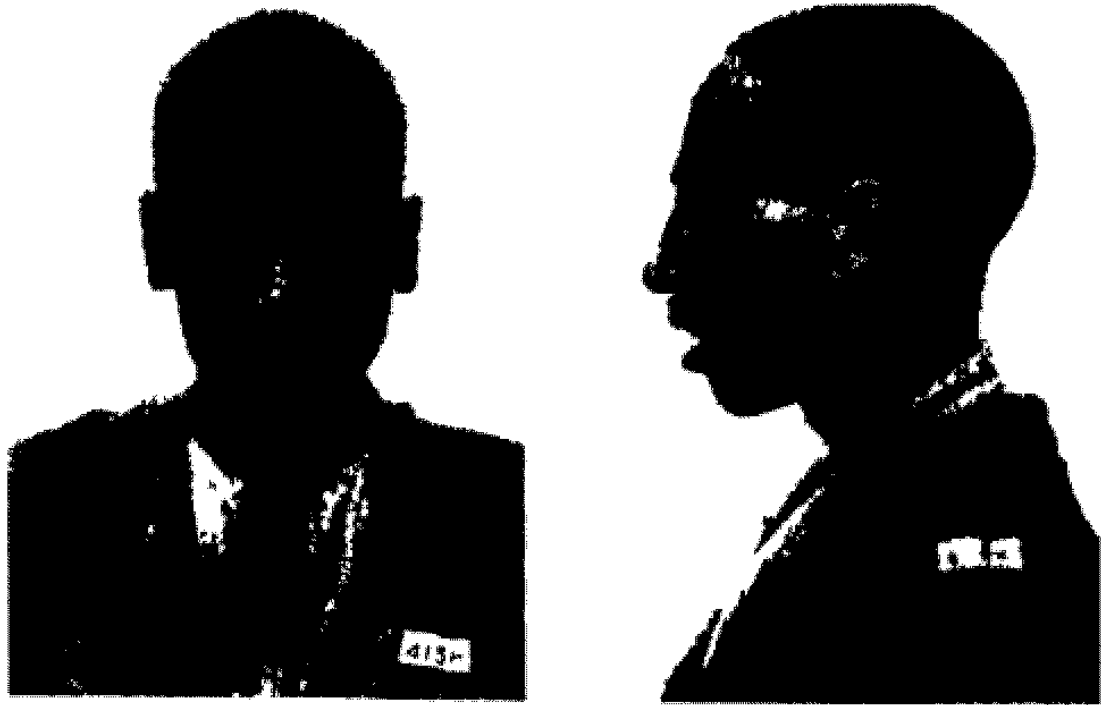


شماره ۳۴۱۰ (سن ۲۳)

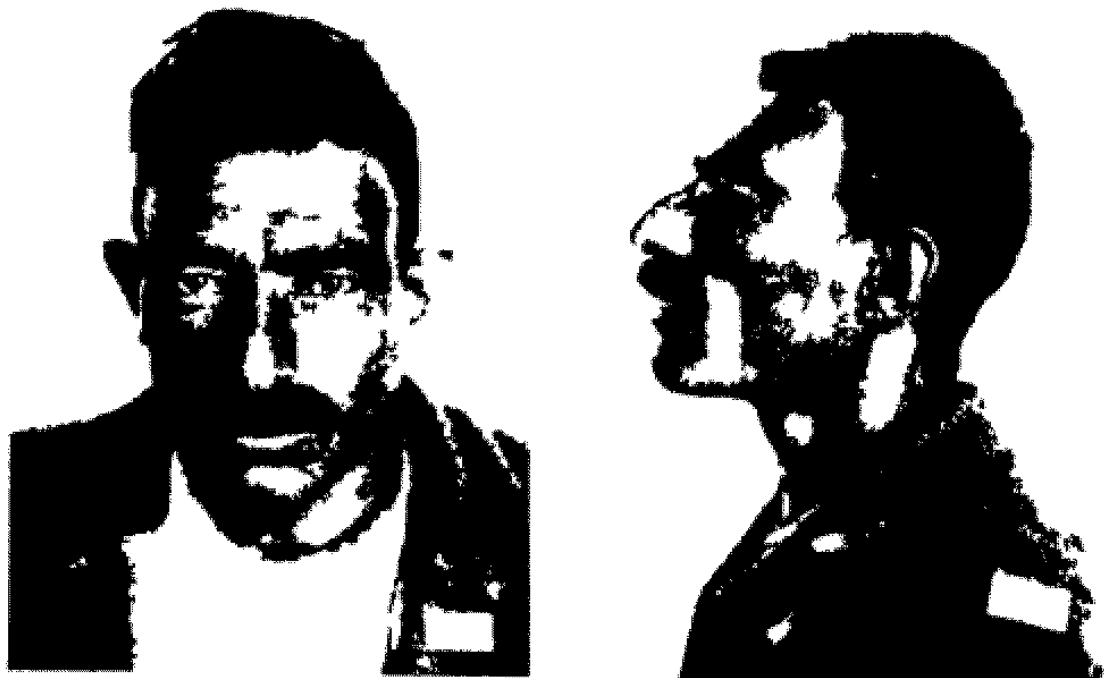


شماره ۳۴۵۱ (سن ۲۵)

انواع آلبی



شماره ۳۳۶۷ (س ۳۳) نوع حابى



شماره ۳۳۶۳ (س ۴۰) نوع ارمى

انواع مخصوص

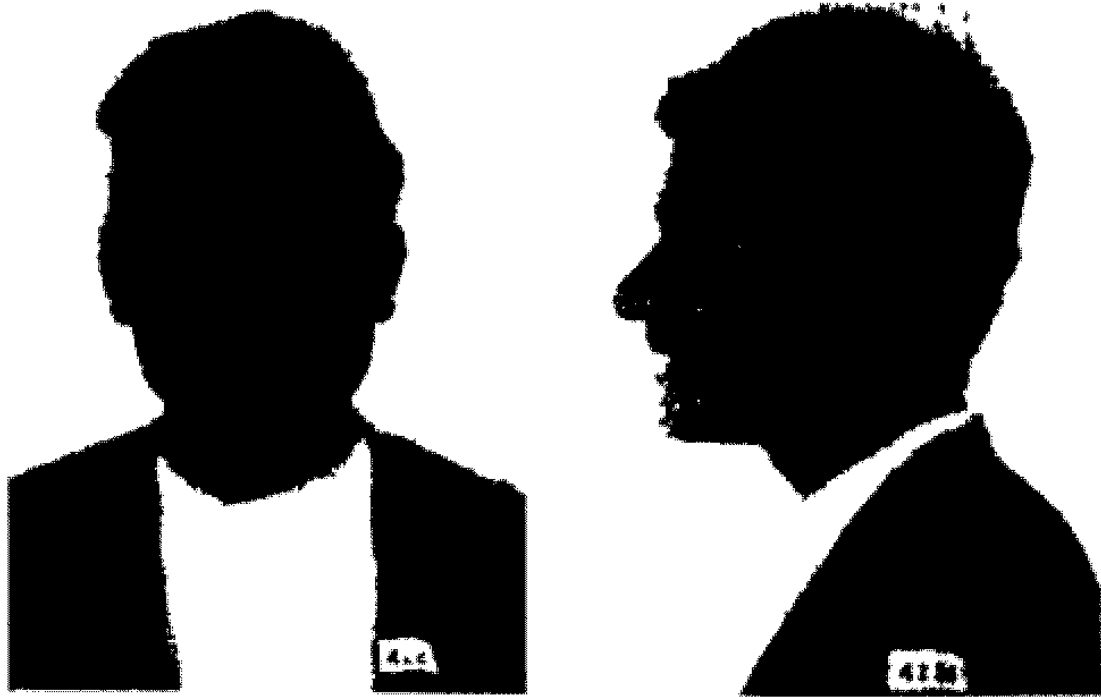


شماره ۳۴۹۹ (س ۵۰) نوع اروپای شمالی



شماره ۳۴۷۶ (س ۵۵) نوع یهودی

انواع مخصوص



شماره ۳۴۴۰ (س ۲۴)

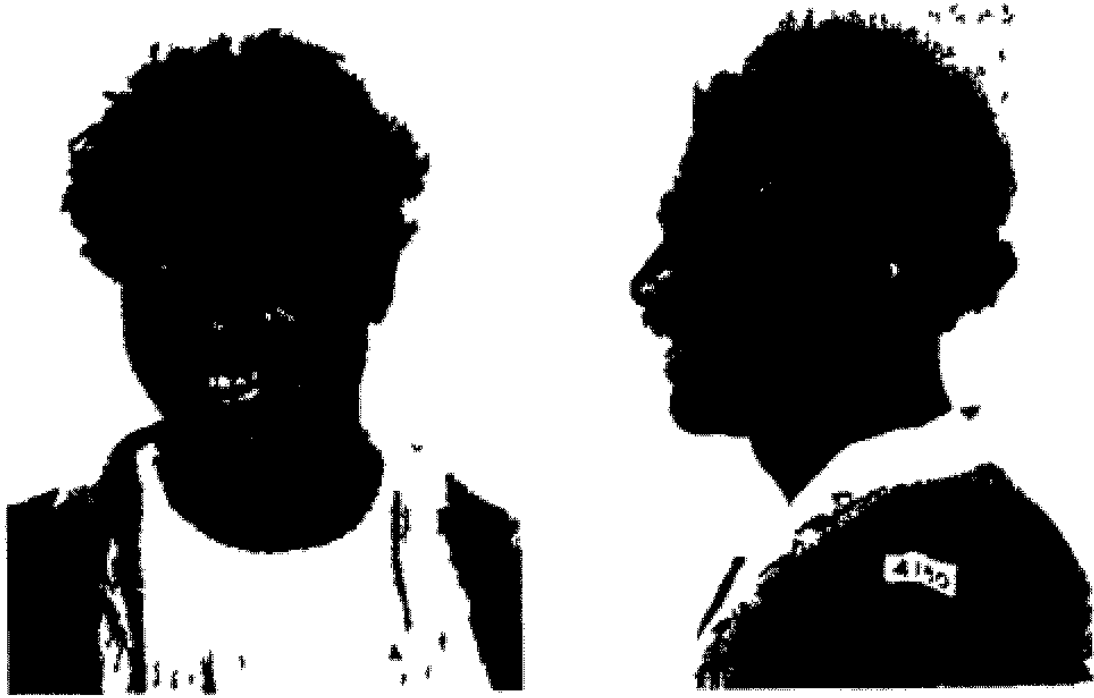


شماره ۳۳۸۳ (س ۲۱)

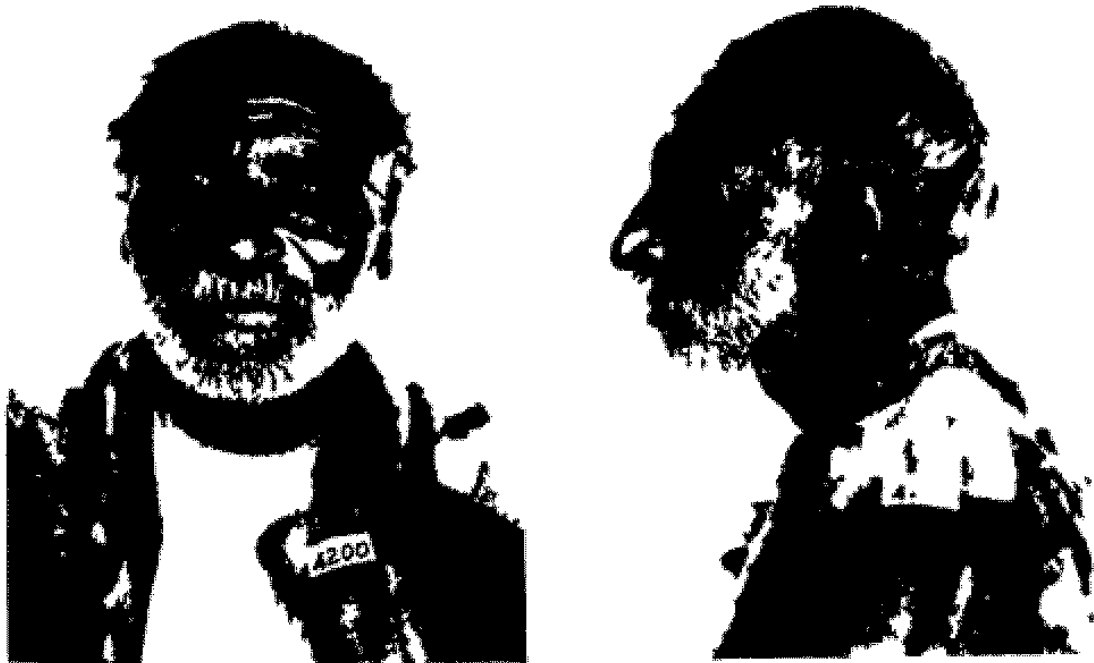
انواع مغولی

مردم‌شناسی ایران، تصویر ۱۲

موره تاریخ طبیعی میلاد



شماره ۳۳۴۸ (س ۴۵)

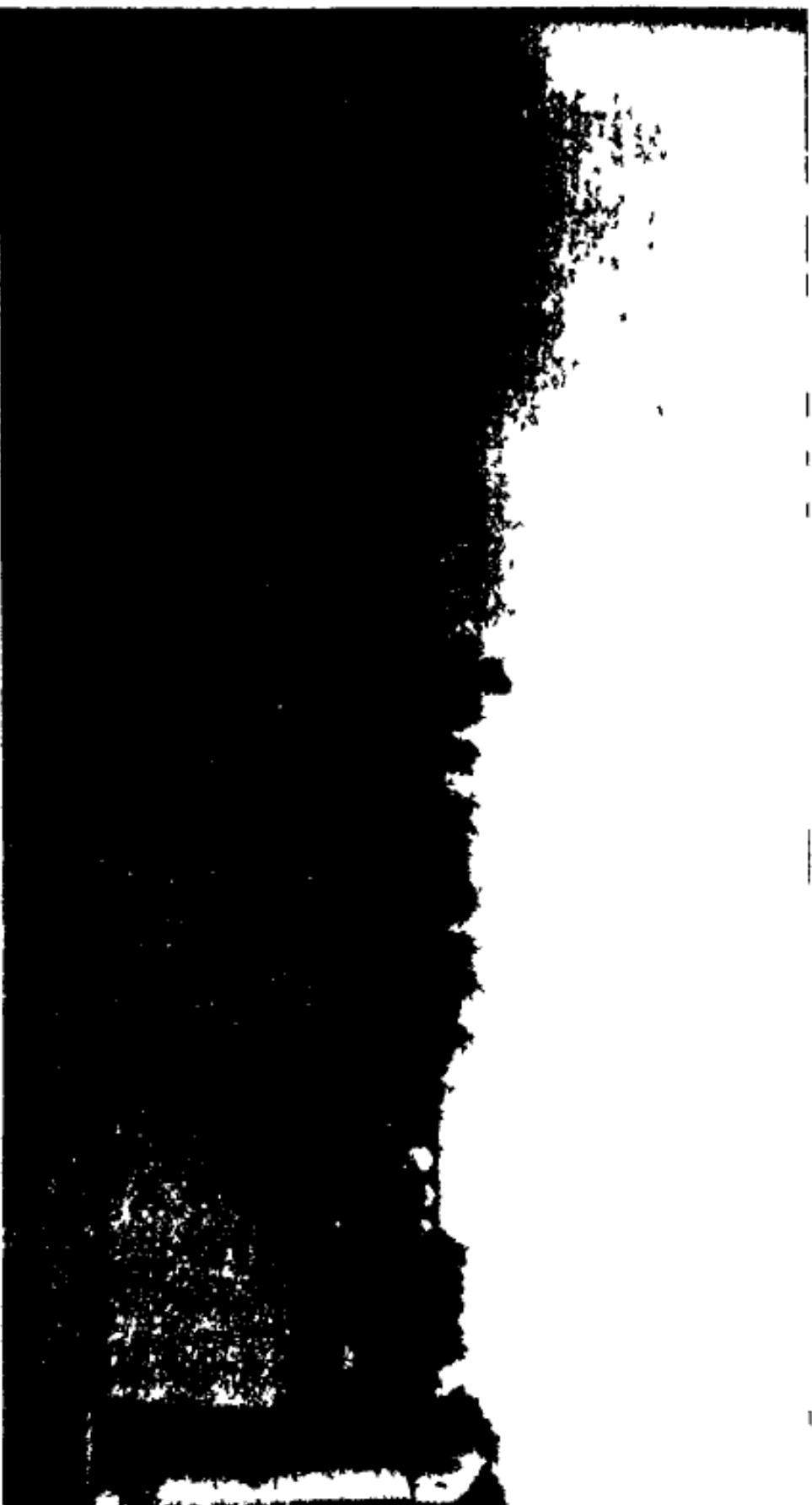


شماره ۳۳۶۸ (س ۵۰)

انواع سباهیوست

موزه تاریخ طبی بیلد

مردم‌شناسی ایران ، تصویر ۱۴



میدان چوگان‌بازی اصفهان

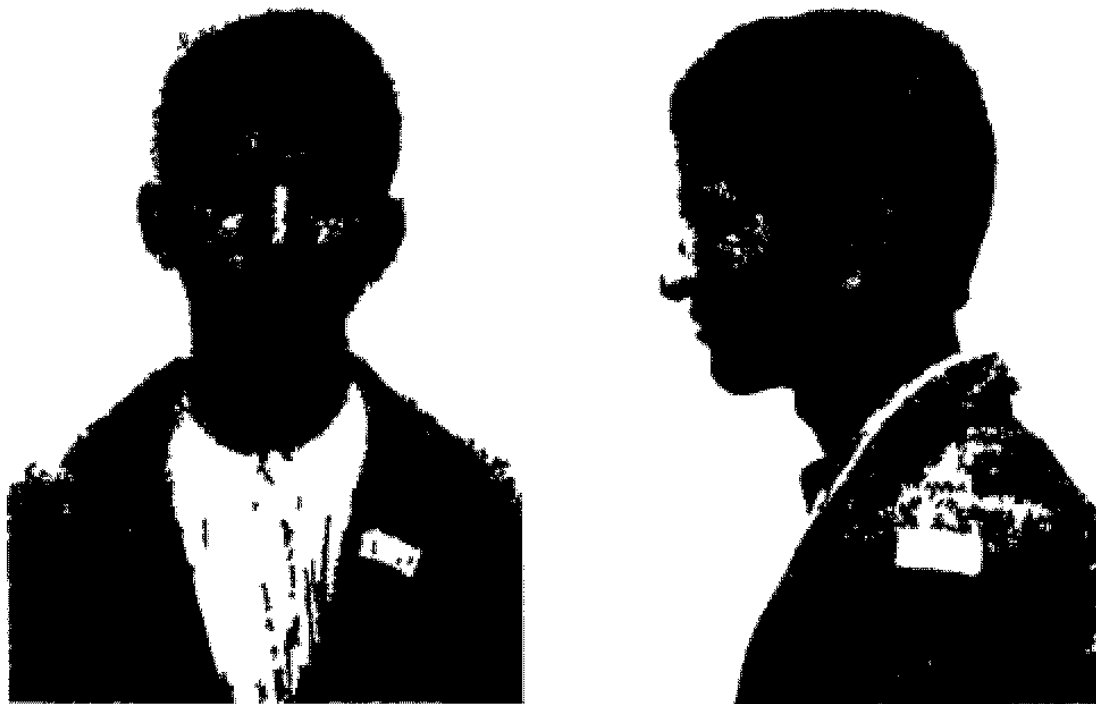


شکل ۱ اعضا آلیانس اسرائیلی



شکل ۲ میرزا محمدعلی خان ، طبیب ۹۵ ساله

اصفهان



شماره ۳۵۱۴ (س ۲۱)



شماره ۳۵۱۳ (س ۲۲)

یهودیهای اصفهان



شماره ۳۵۱۶ (س ۲۳)



شماره ۳۵۰۵ (س ۲۶)

یهودیهای اصفهان



شماره ۳۵۱۸ (س ۲۷)



شماره ۳۵۲۳ (س ۲۸)

یهودیه‌های اصفهان



شماره ۳۵۲۲ (سن ۳۰)



شماره ۳۵۲۰ (سن ۳۰)

یهودیهای اصفهان



شماره ۳۵۰۴ (سن ۳۳)



شماره ۳۴۹۷ (سن ۳۲)

یهودیهای اصفهان

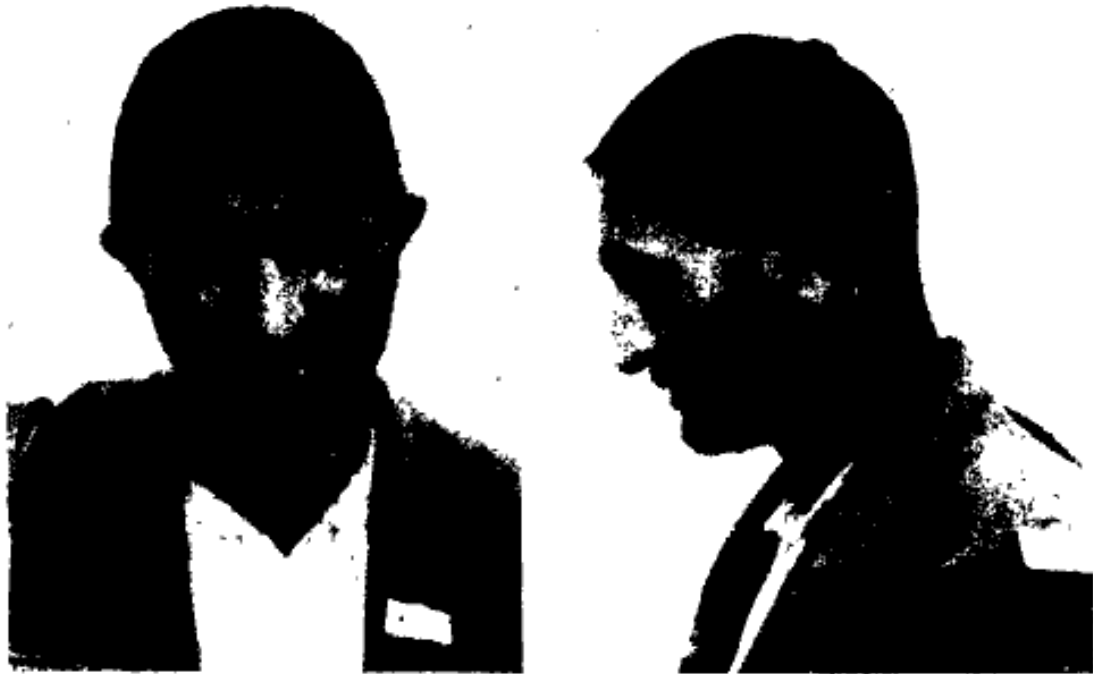


شماره ۳۵۰۸ (سن ۳۳)



شماره ۳۵۱۲ (سن ۳۴)

یهودیهای اصفهان



شماره ۳۵۰۰ (سن ۳۵)



شماره ۳۴۹۰ (سن ۳۶)

یهودیهای اصفهان



شماره ۳۴۸۱ (س ۳۷)



شماره ۳۴۷۵ (س ۳۸)

یهودیهای اصفهان



شماره ۳۵۰۹ (س ۳۶)



شماره ۳۵۰۶ (س ۳۸)

یهودبهای اصفهان

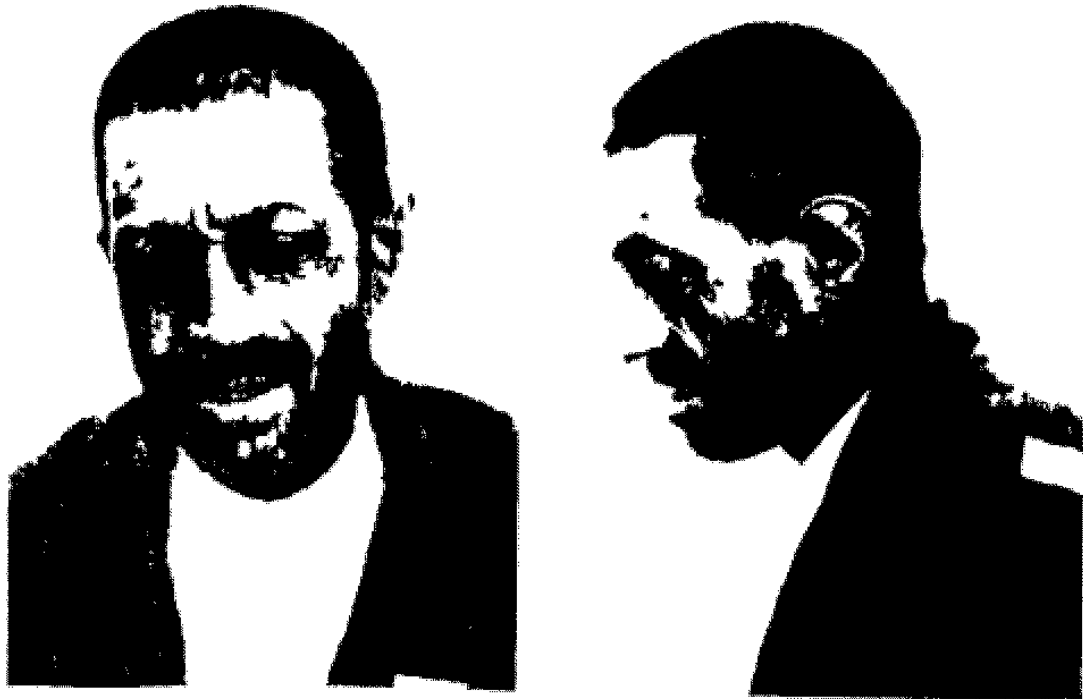


شماره ۳۵۰۷ (س ۴۰)



شماره ۳۵۱۱ (س ۴۰)

یهودیه‌های اصفهان



شماره ۳۵۱۹ (س ۴۰)



شماره ۳۵۰۲ (س ۴۲)

يهوديه‌اى اصمهان



شماره ۳۴۹۲ (س ۴۵)



شماره ۳۴۸۹ (س ۴۵)

یهودیهای اصفهان



شماره ۳۵۲۱ (س ۴۵)



شماره ۳۵۱۷ (س ۴۶)

یهودیهای اصفهان



شماره ۳۴۹۵ (س ۴۹)



شماره ۳۴۷۸ (س ۵۰)

یهودیهای اصفهان



شماره ۳۴۹۹ (س ۵۰)



شماره ۳۴۹۶ (س ۵۰)

یهودیهای اصفهان

مردم‌شناسی ایران ، تصویر ۳۰

موزه تاریخ طبیعی هیلد



شماره ۳۴۸۷ (سن ۵۲)



شماره ۳۴۸۵ (سن ۵۲)

یهودیه‌های اصفهان

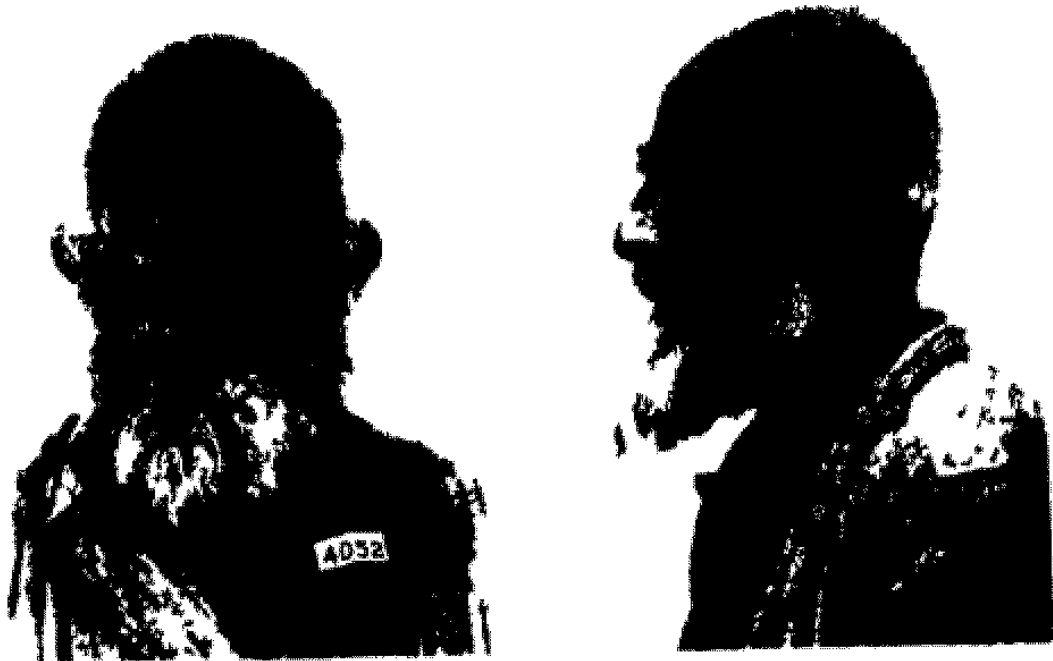


شماره ۳۴۸۸ (س ۵۳)



شماره ۳۴۹۱ (س ۵۵)

يهوديهای اصفهان

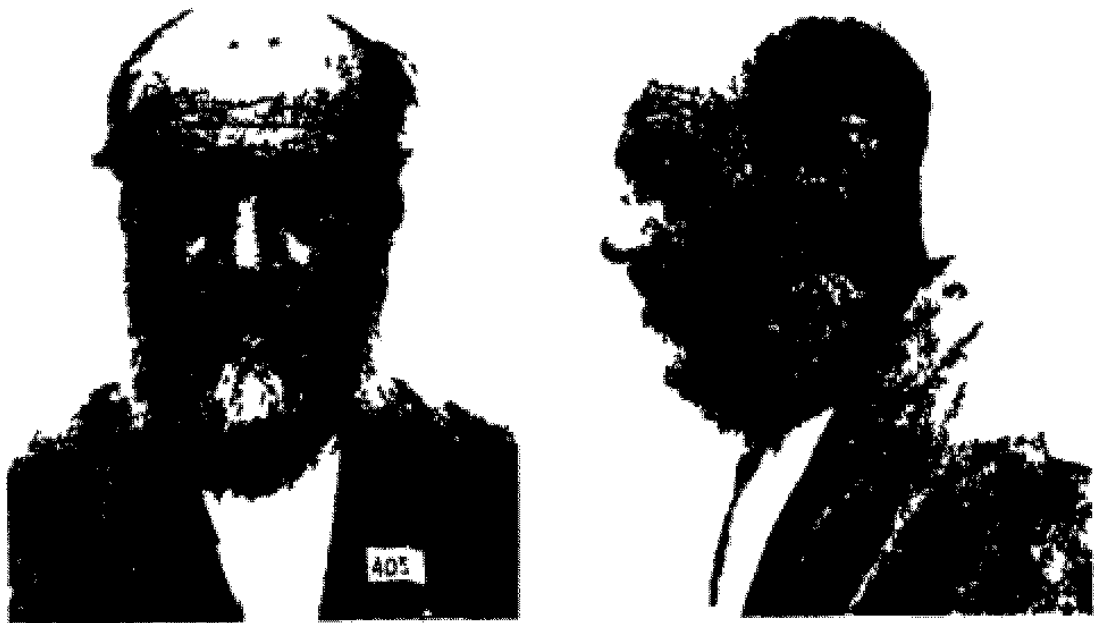


شماره ۳۴۷۶ (س ۵۵)

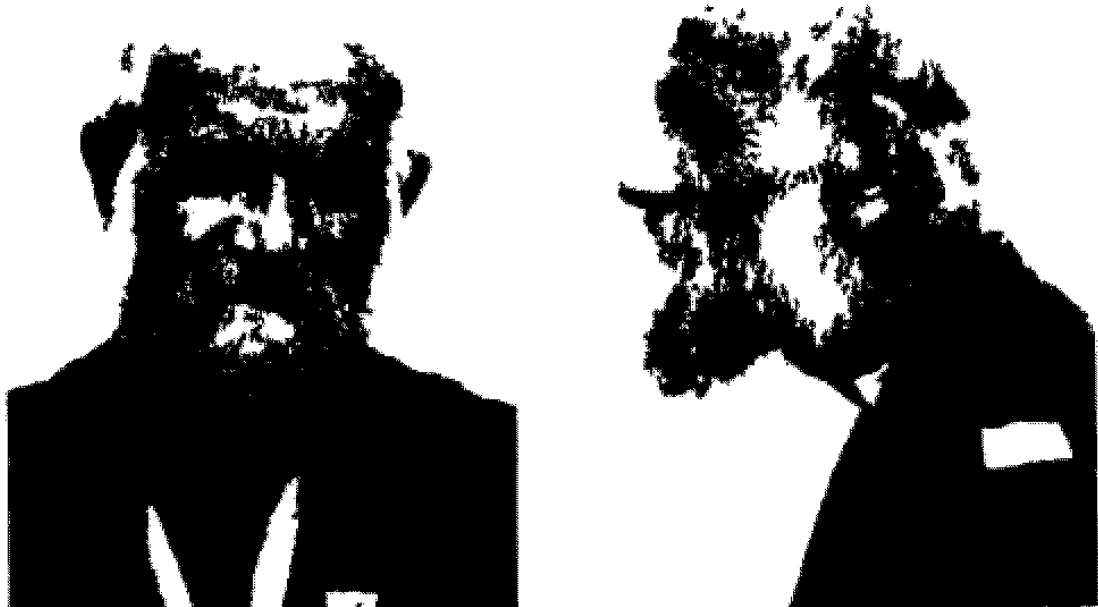


شماره ۳۵۰۱ (س ۶۰)

یهودیهای اصفهان



شماره ۳۴۸۰ (س ۶۰)



شماره ۳۴۷۹ (س ۶۰)

یهودیهای اصفهان

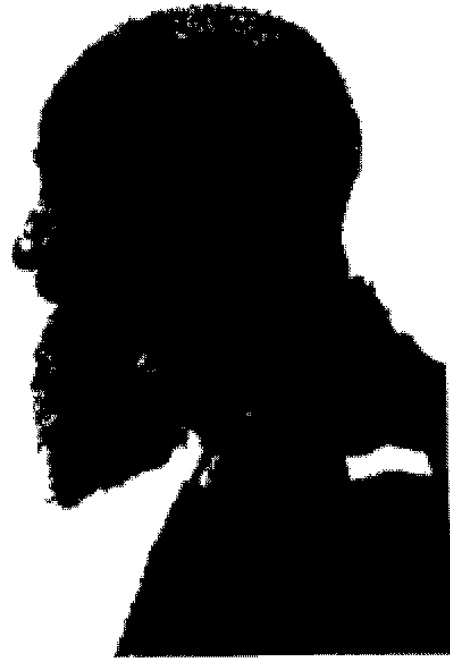


شماره ۳۴۸۳ (س ۶۵)



شماره ۳۵۰۳ (س ۶۵)

یهودیهای اصفهان



شماره ۳۴۸۴ (س ۶۸)



شماره ۳۴۷۷ (س ۶۰)



شماره ۳۴۸۲ (س ۵۱)

یهودیهای اصفهان



شماره ۳۶۹۴ (سن ۶۵)

یهودیهای اصفهان



شماره ۳۴۹۴ (سن ۶۵)

یهودیه‌های اصفهان



شماره ۳۴۹۸ (س ۷۲)



شماره ۳۵۱۵ (س ۷۳)

یهودیهای اصفهان

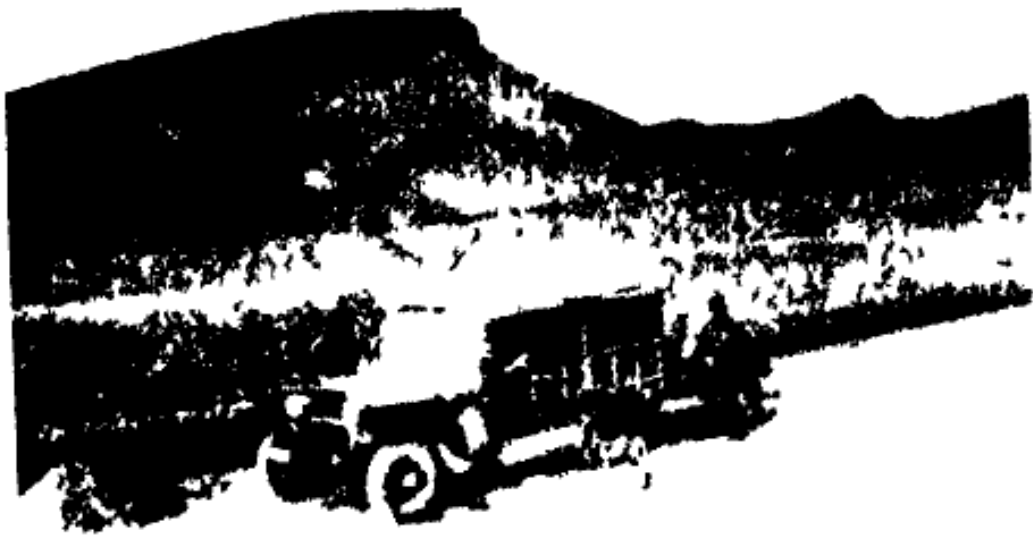


شماره ۳۴۹۳ (س ۸۰)



شماره ۳۴۸۶ (س ۸۰)

یهودیهای اصفهان

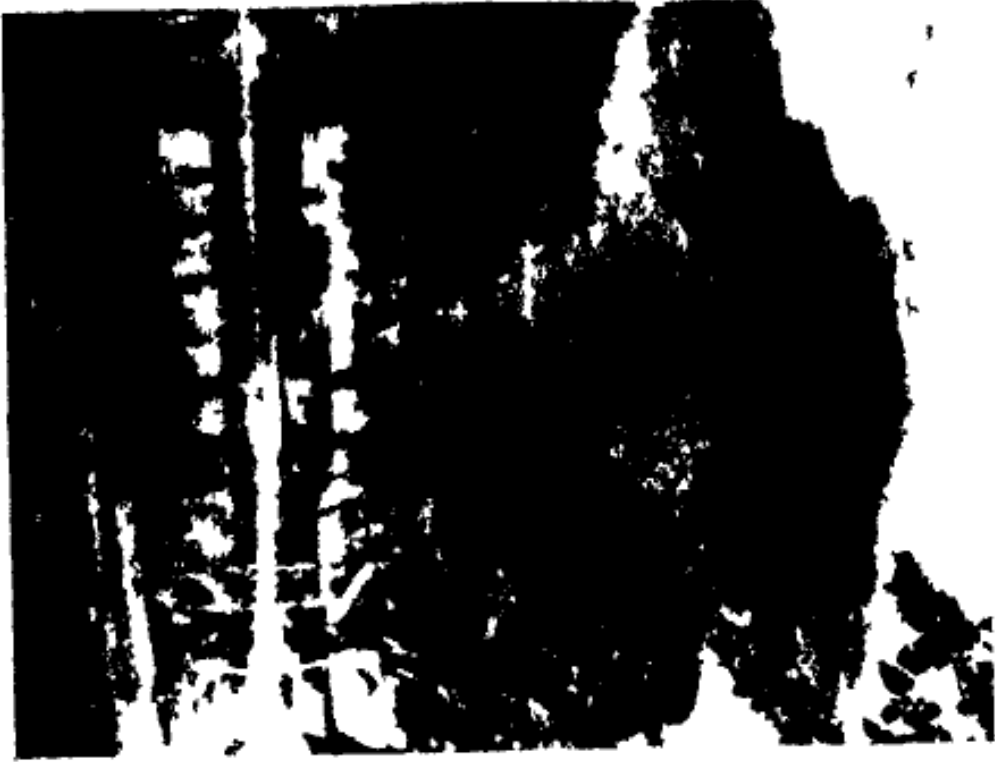


شکل ۱ در حادۀ اصلی از اصفهان رو به جنوب



شکل ۲ دمکده سولکسان جنوب اصفهان

اصفهان به شرار



شکل ۲ مسجلی در شهر صا



شکل ۱ سای مرس نه تاجهای بر کوهی در دهکده مهاباد
اصفهان به شیراز



شکل ۱ شهرکمه ناکاروانسراشی حدید در حلو تصویر



شکل ۲ قلاع شمالی

دهکده یزد خواست



شکل ۱ انتهای شرقی بصورت دماغه کشتی



شکل ۲ دهکده‌ای جدید در سراسی سرخی

دهکده یزدخواست

مردم تاریخ طبیعی مله

مردم شناسی ایران ، تصویر ۴۴



امامزاده سید علی
یزدخواست

موزه تاریخ مسیحی هند



شکل ۲ دوزخه اصلی و پل متحرک شهر کهنه

بزرگوار است

مردم پشاسی ایران ، تصویر ۴۵



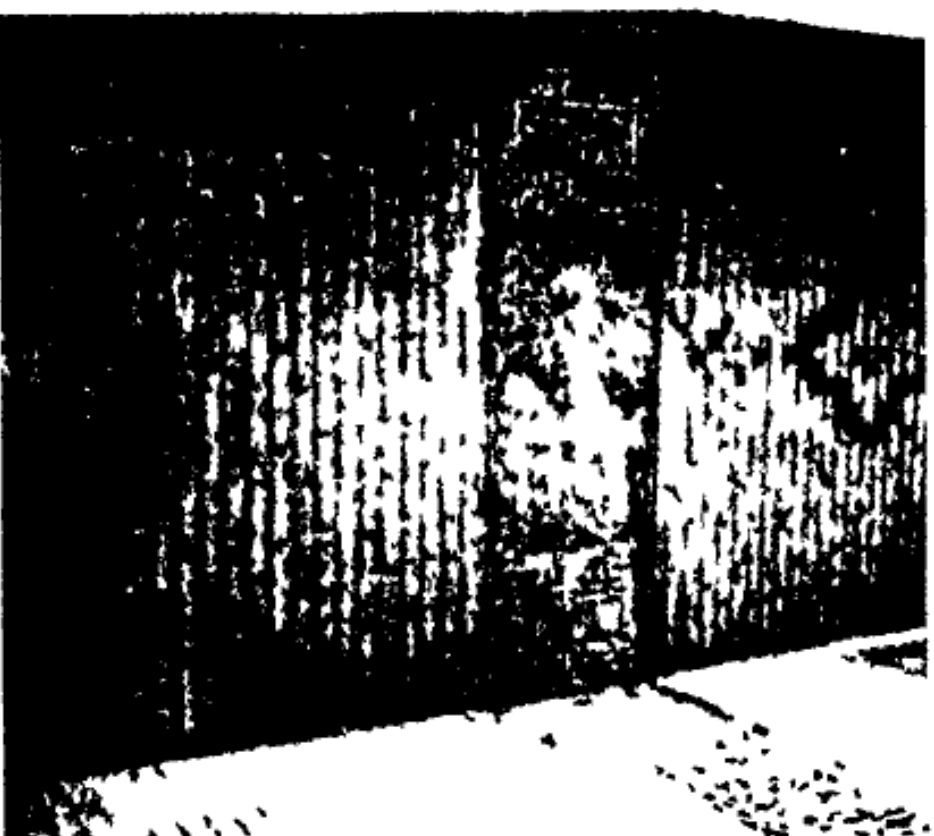
شکل ۱ منسل امامزاده سیدعلی

موزه تاریخ طبری و مالد



شکل ۲ کتیبه دیوار سست چپ

کلوا اسرای صغوی، یزد خواست



مردم شناسی ایران ، تصویر ۴۲

شکل ۱ کتیبه دیوار سست راست



شماره ۳۴۱۷ (س ۲۳)

روستایان یزدخواست



شکل ۱ نمای کلی



مردم‌شناسی ایران تصویر ۲۹



شماره ۳۴۱۰ (س ۲۳)



شماره ۳۴۲۷ (س ۲۳)

روستائيان يزدخواست



شماره ۳۴۵۴ (سن ۲۵)



شماره ۳۴۵۱ (سن ۲۵)

روستایان یزدخواست



شماره ۳۴۴۸ (سن ۲۵)

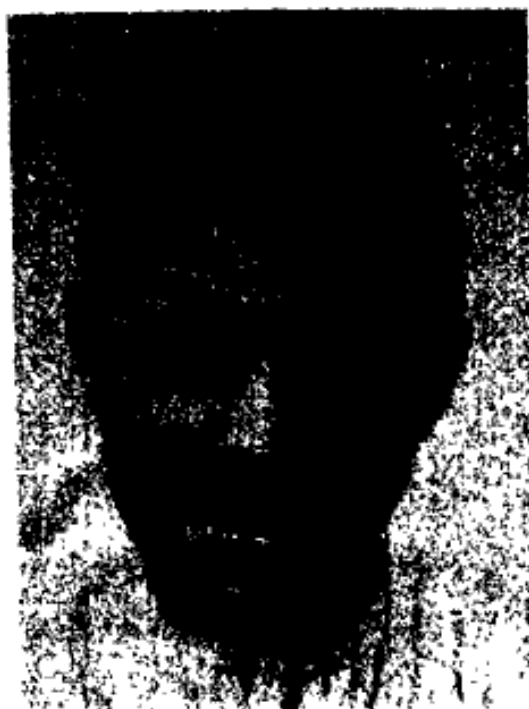


شماره ۳۴۴۴ (سن ۲۵)

روستاکیان یزدخواست

مردم‌شناسی ایران، تصویر ۵۴

موزه تاریخ طبیعی بلد



شماره ۳۴۳۶ (سن ۲۵)



شماره ۳۴۱۱ (سن ۲۷)

روستایان یزدخواست



شماره ۳۴۲۲ (سن ۲۷)



شماره ۳۴۵۳ (سن ۲۷)

روستایان یزدخواست



شماره ۳۴۱۹ (سن ۳۰)



شماره ۳۴۲۱ (سن ۳۰)

روستایان یزدخواست



شماره ۳۴۵۵ (سن ۳۰)



شماره ۳۴۴۹ (سن ۳۰)

روستایان یزدخواست

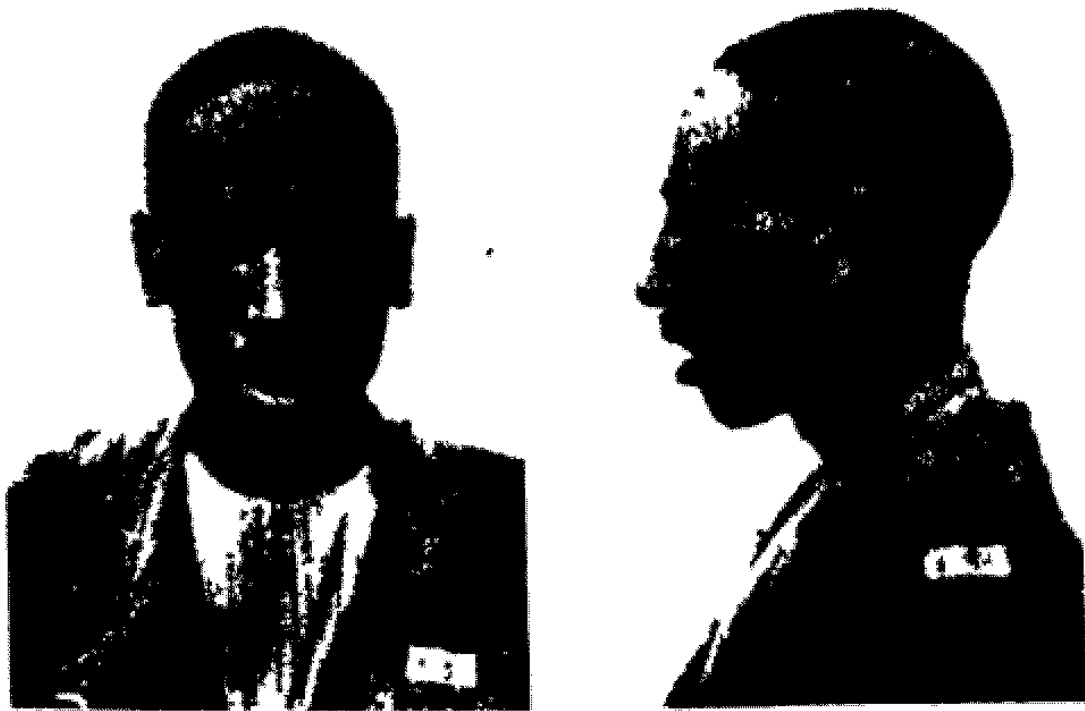


شماره ۴۴۴۴ (س ۳۲)



شماره ۴۴۲۴ (س ۳۳)

روستائیان یزدخواست



شماره ۳۳۴۷ (س ۳۳)



شماره ۳۳۴۰ (س ۳۴)

روستایان یزدخواست



شماره ۳۴۳۲ (س ۳۵)



شماره ۳۴۰۹ (س ۳۷)

روستایان یزدخواست



شماره ۳۴۵۲ (س ۴۰)



شماره ۳۴۳۰ (س ۴۰)

روستاكيان يزدخواست



شماره ۳۴۲۸ (س ۴۰)



شماره ۳۴۲۳ (س ۴۰)

روستایان یزدخواست



شماره ۳۴۱۲ (سن ۴۰)



شماره ۳۴۲۷ (سن ۴۲)

روستایان یزدخواست



شماره ۳۴۴۳ (س ۴۵)



شماره ۳۴۱۳ (س ۴۵)

روستایان پردخواست

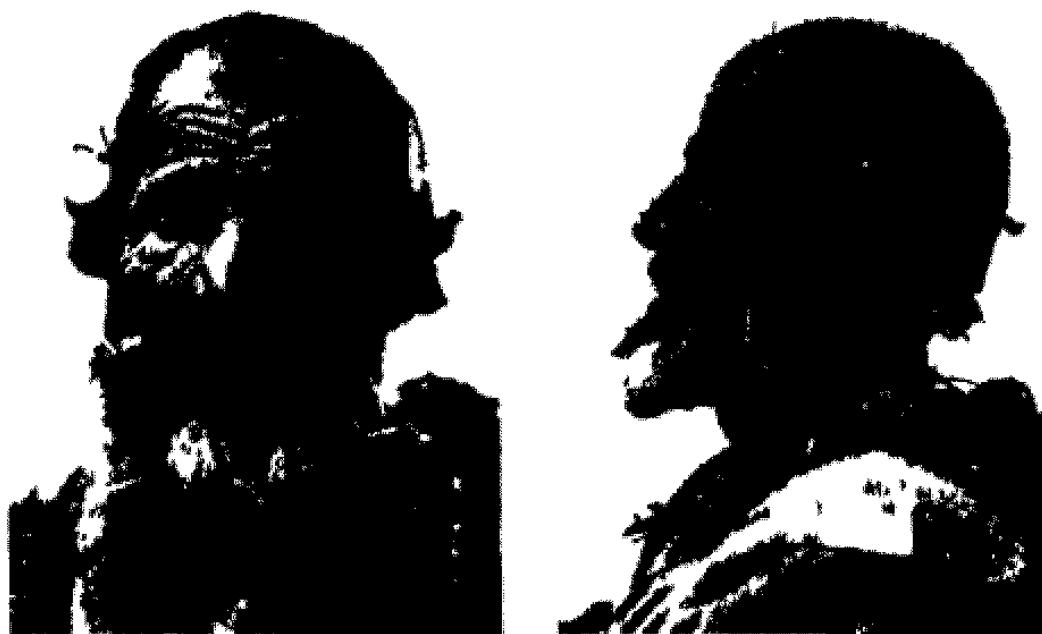


شماره ۳۴۳۹ (س ۵۰)



شماره ۳۴۳۳ (س ۵۲)

روستائيان يزدهواست



شماره ۳۴۲۵ (سن ۶۰)



شماره ۳۴۲۰ (سن ۶۰)

روستائیان یزدخواست



شماره ۳۴۱۸ (سن ۶۰)



شماره ۳۴۱۴ (سن ۷۰)

روستایان یزدخواست

موزه تاریخ طبی مکه

مردهشتناسی، ایران، تصویر ۴۴



دهکانه کتاره در رودکی تحت‌تعمیر است.

مردمپشناسی ایران ، تصویر ۳۷



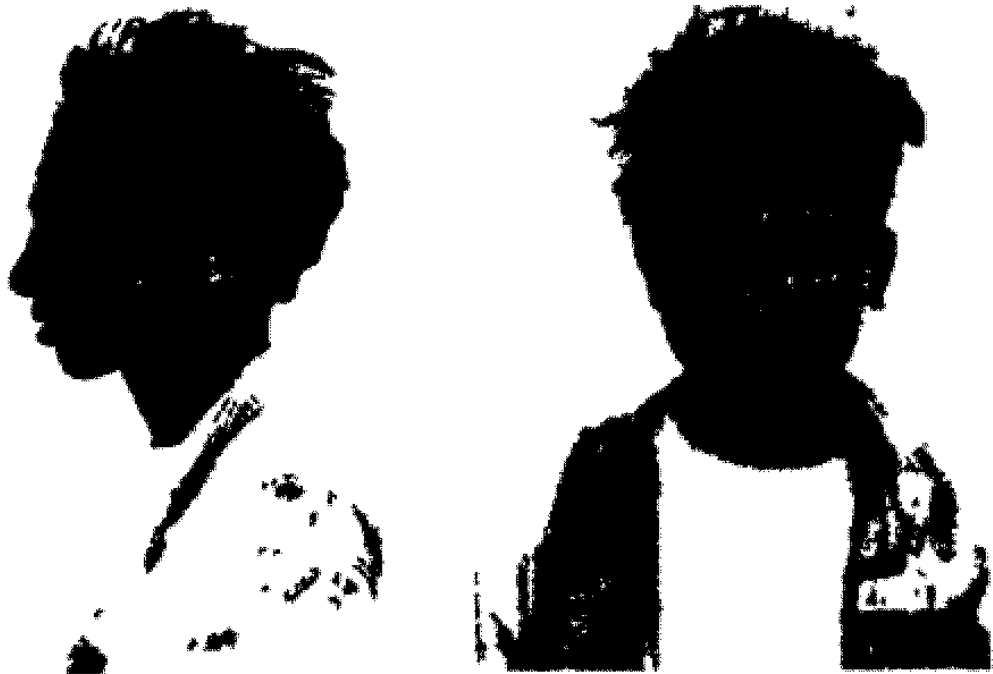
شکل ۲ حیات‌اصولی

موزه تاریخ طبری مملد



شکل ۱ حیات

دستگاه‌کناره



شماره ۳۳۸۶ (س ۱۸)



شماره ۳۳۷۹ (س ۲۰)

روستایان کناره



شماره ۳۳۸۲ (س ۲۰)



شماره ۳۳۷۵ (س ۲۰)

روستایان کناره



شماره ۳۳۸۳ (سن ۲۱)



شماره ۳۳۷۷ (سن ۲۲)

روستایان کناره



شماره ۳۳۵۷ (سن ۲۲)



شماره ۳۳۷۳ (سن ۲۲)

روستایان کناره



شماره ۳۳۷۶ (سن ۲۲)



شماره ۳۴۰۴ (سن ۲۴)

روستایان کناره



شماره ۳۳۸۰ (سن ۲۵)



شماره ۳۳۷۴ (سن ۲۵)

روستایان کناره



شماره ۳۳۵۵ (س ۲۵)



شماره ۳۳۵۴ (س ۲۸)

روستایان کناره



شماره ۳۳۳۴ (س ۳۰)



شماره ۳۳۳۹ (س ۳۰)

روستائىان كناره



شماره ۳۳۴۲ (س ۳۰)



شماره ۳۴۰۵ (س ۳۰)

روستائیان کناره



شماره ۳۳۵۳ (س ۳۰)



شماره ۳۳۸۶ (س ۳۰)

روستايان كناره



شماره ۳۳۹۹ (س ۳۰)



شماره ۳۳۸۵ (س ۳۵)

روستاکیان‌کناره



شماره ۳۳۴۵ (س ۳۵)



شماره ۳۳۵۶ (س ۳۵)

روستا گيان كناره



شماره ۳۳۵۱ (س ۳۵)



شماره ۳۳۶۲ (س ۳۵)

روستایان کناره



شماره ۳۳۶۱ (س ۳۵)



شماره ۳۳۵۹ (س ۳۵)

روستایان کناره

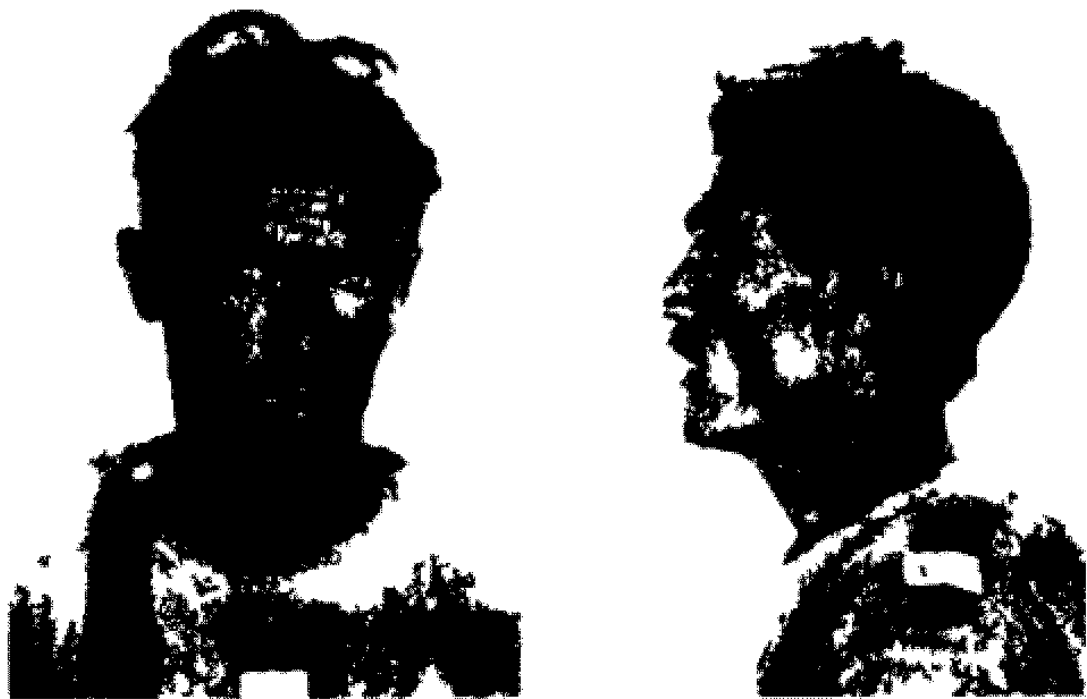


شماره ۳۳۳۷ (س ۳۵)



شماره ۳۳۳۵ (س ۳۵)

روستایان کناره



شماره ۳۳۴۰ (س ۳۶)



شماره ۳۳۷۲ (س ۳۶)

روستايان كناره



شماره ۳۳۳۸ (س ۴۰)



شماره ۳۳۴۱ (س ۴۰)

روستایان کناره



شماره ۳۳۴۳ (س ۴۰)

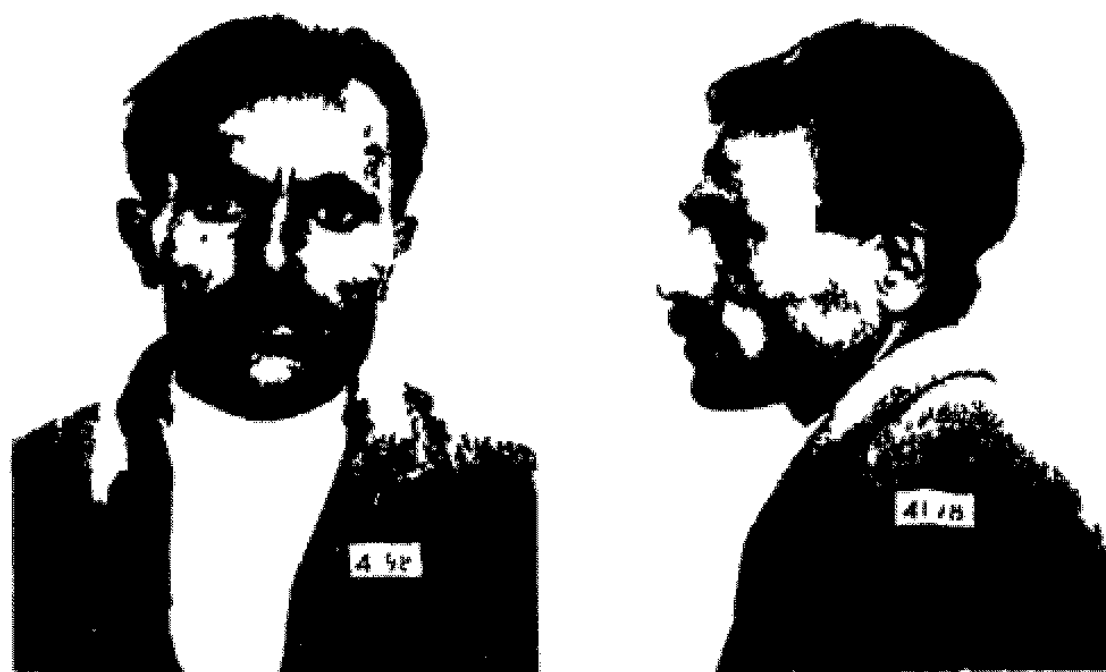


شماره ۳۳۴۶ (س ۴۰)

روستایان کناره



شماره ۳۳۶۰ (س ۴۰)



شماره ۳۳۶۶ (س ۴۰)

روستایان گناره



شماره ۳۳۶۹ (س ۳۸)

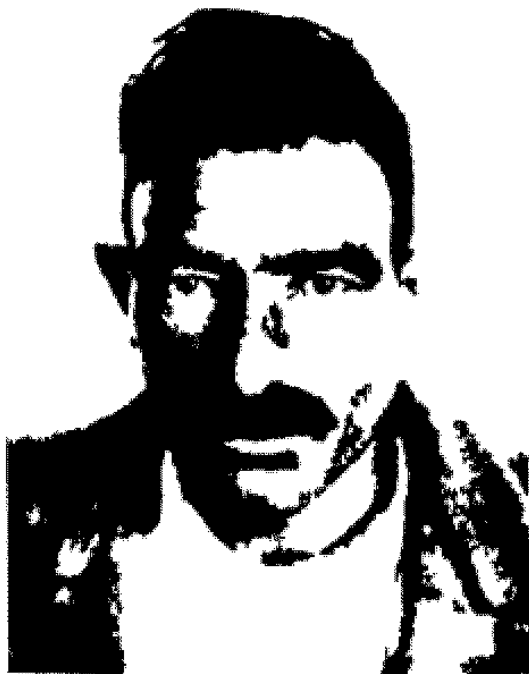


شماره ۳۳۷۱ (س ۴۰)

روستایان کناره



شماره ۳۳۴۹ (س ۴۰)



شماره ۳۳۶۳ (س ۴۰)

روستایان گناره

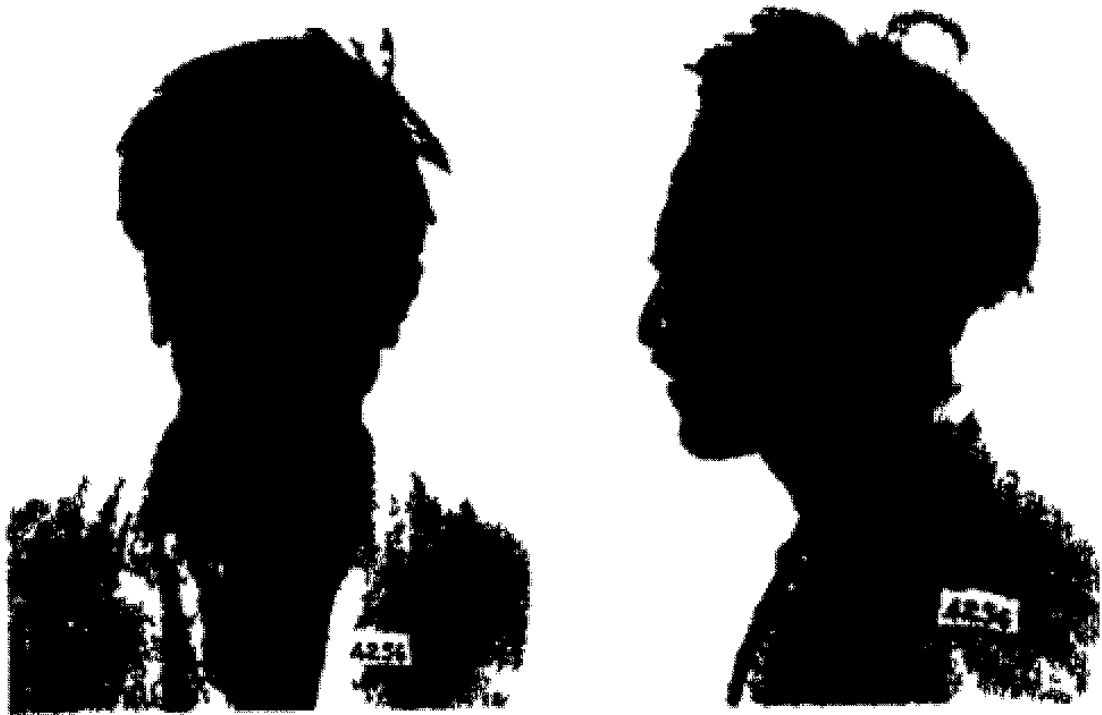


شماره ۳۴۸ (س ۴۵)



شماره ۳۳۷۰ (س ۴۵)

روستايان کناره



شماره ۳۳۸۷ (س ۴۰)



شماره ۳۳۶۴ (س ۴۰)

روستایان کناره



تسماره ۳۳۶۷ (س ۴۵)

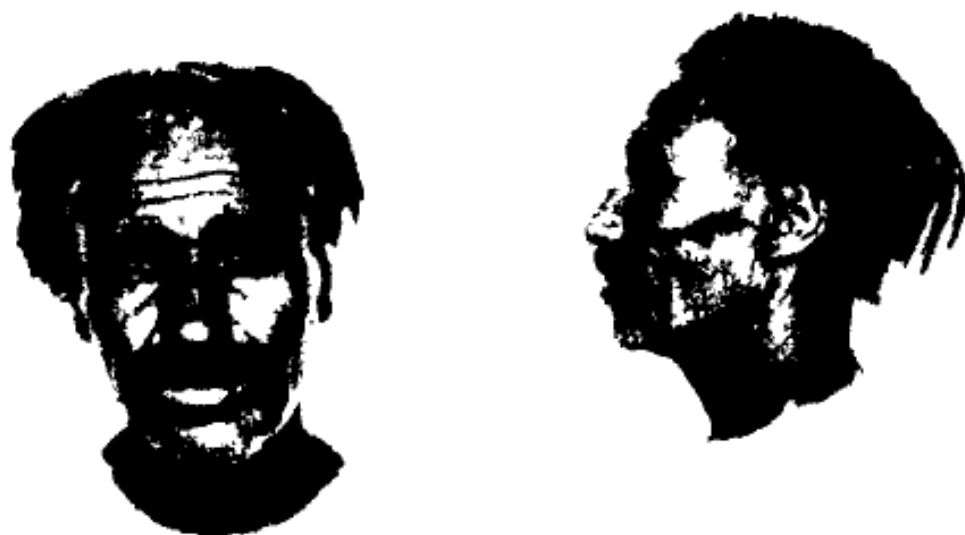


تسماره ۳۳۳۶ (س ۴۵)

روستائيان كناره



شماره ۳۳۵۲ (سن ۵۰)



شماره ۳۳۴۴ (سن ۵۰)

روستاکیان‌کناره



شماره ۳۳۶۷ (سن ۵۰)



شماره ۳۳۶۸ (سن ۵۰)

روستایان کناره

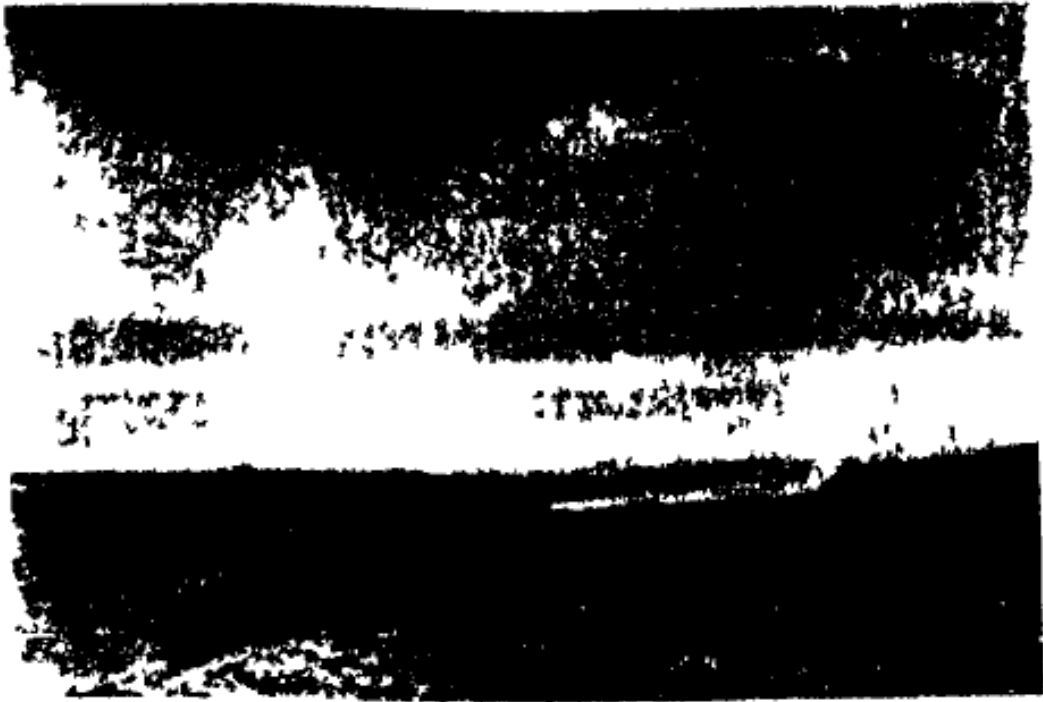


شماره ۳۳۵۸ (س ۵۵)



شماره ۳۳۵۰ (س ۶۰)

روستائیان کناره



شکل ۱ روانه شمال عربی دریاچه مهارلو



شکل ۲ پل شمال نامرو

درجاده شیراز به مهارلو



شکل ۱ . قشرنمک



شکل ۲ . پل فسا پناهگاه کوهستانی در نزدیکی کرانه غربی

دریاچه مهارلو

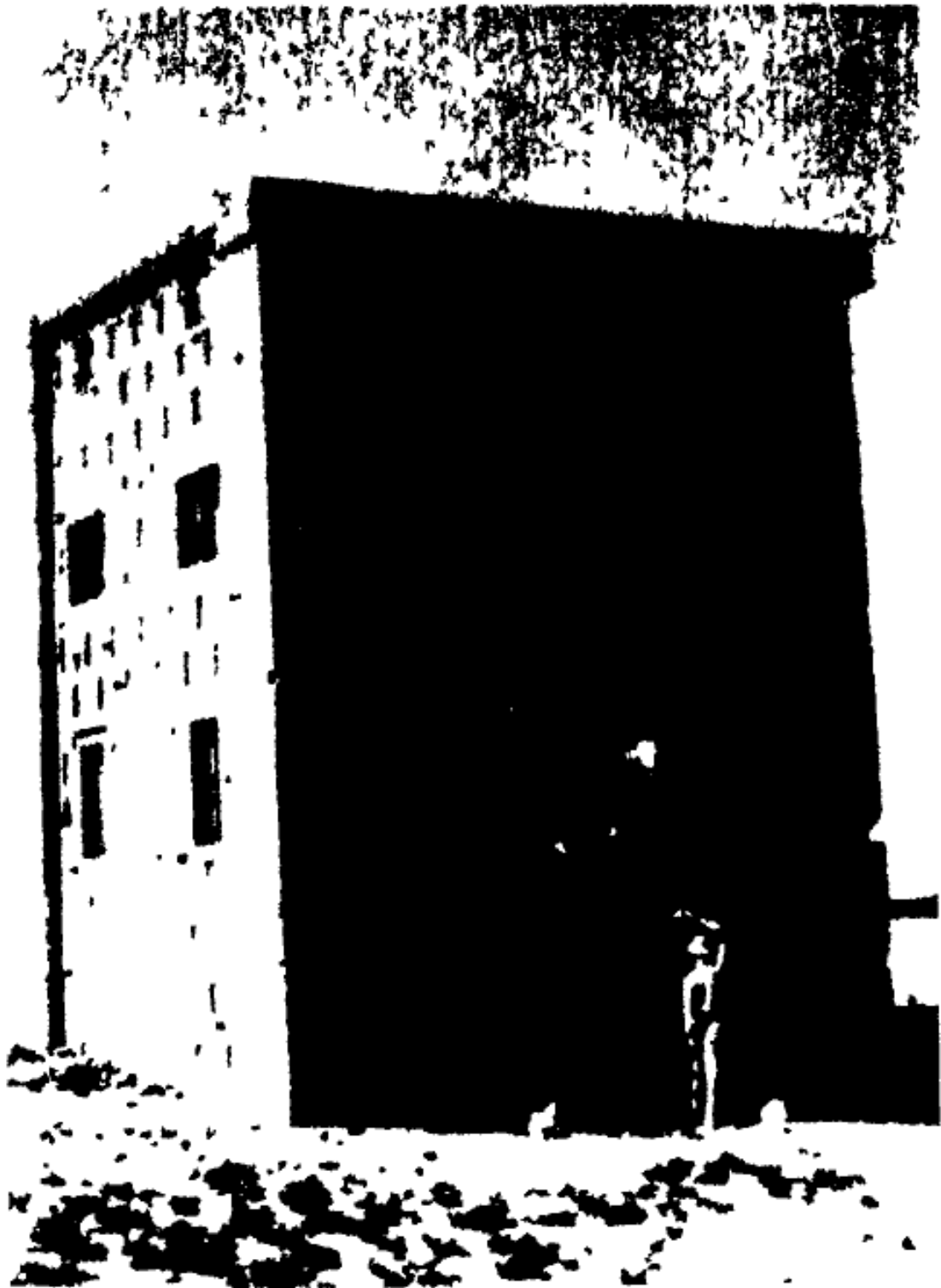


شکل ۱. آرامگاه



شکل ۲. نقش شامپور و والرین

نقش رستم



مدخل آرامگاه ررشت

نقش رستم



شکل ۱ سای دو آتشکده نقش رسم



شکل ۲ آرامگاه کوروش ، یاسارگاد

بنای تاریخی



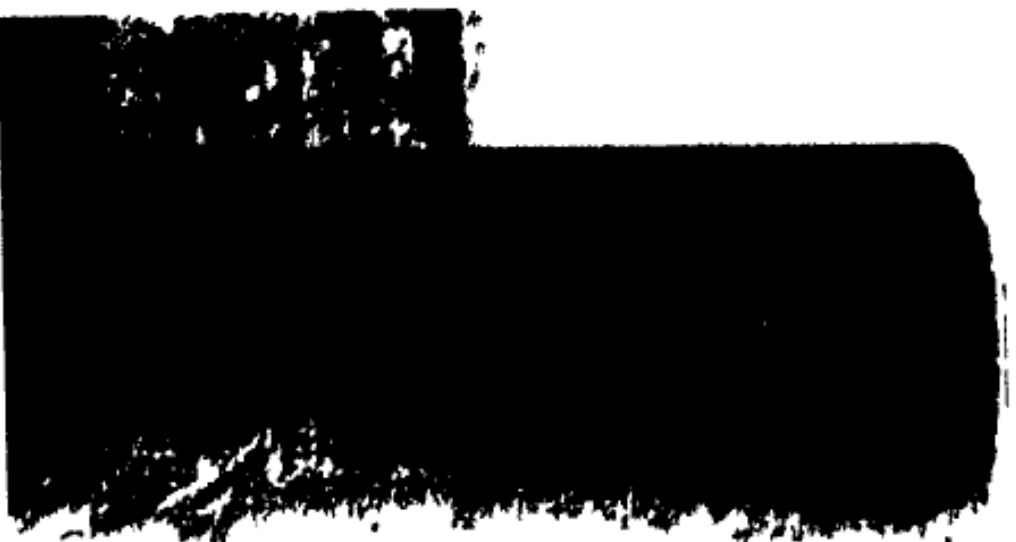
شکل ۱ دورمای عربی آرامگاه کوروش



خطوطی بر ستون محاور آرامگاه کوروش

پاسارگاد

موزه تاریخ طبیعی هلند



شکل ۲ نقش انسان تمام قد



پاسارگاد



مردم‌شناسی ایران ، تصویر ۱۰۱

شکل ۱ تصویری از اشکال انسان و حیوان



شکل ۱ سنگ قره‌های معش



شکل ۲ کتسه‌ای بر پایه ستون آرامگاه کوروش

پاسارگاد



لرهای پشت کوه ، نارانداز گمر کجانه

بغداد



لرهای پشت‌کوه در کار بازرسی
شاهان





شماره ۳۲۹۹ (س ۲۰)

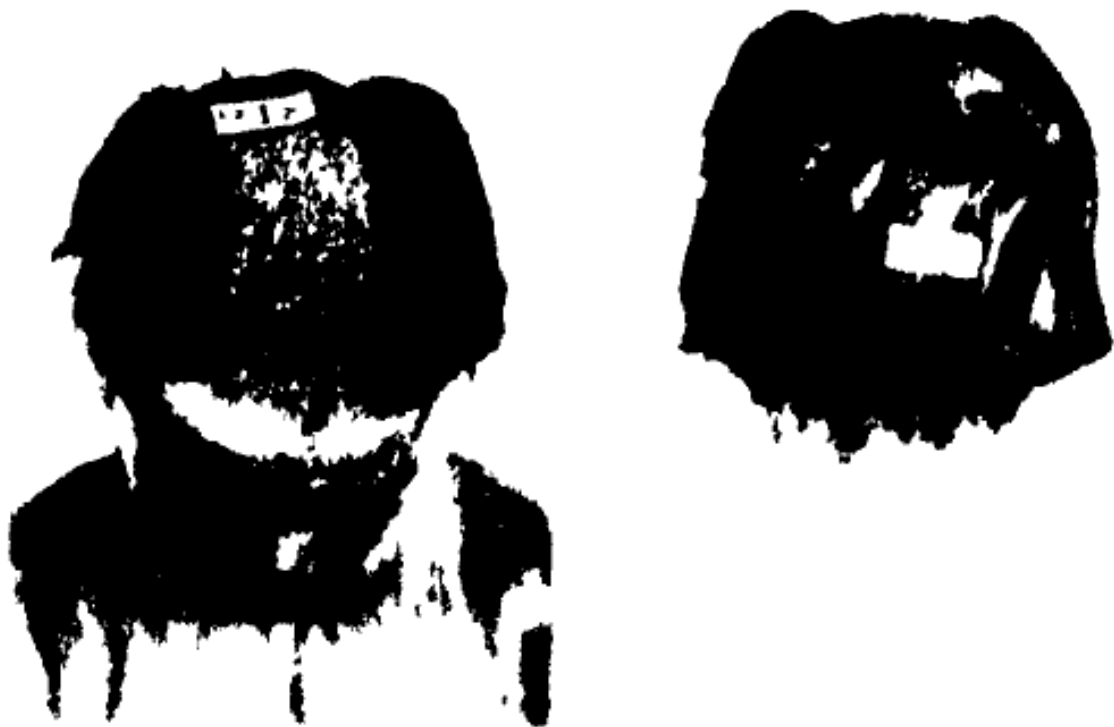


شماره ۳۲۸۹ (س ۲۰)

لرهای پشت کوه



شماره ۷ ۳۳ (س ۲)



شماره ۷ ۳۳ (س ۲۰)

لرهای پشت کوه



شماره ۳۲۸۴ (س ۲۰)



شماره ۳۳۱۰ (س ۲۰)

لرهای پشت کوه



شماره ۳۳۱۲ (س ۲۰)



شماره ۳۳۱۳ (س ۲۰)

لرهای پشت کوه



شماره ۳۳۱۷ (سن ۲۰)



شماره ۳۳۲۲ (سن ۲۱)

لرهای پشت کوه



شماره ۳۳۰۱ (س ۲۴)



شماره ۳۲۹۶ (س ۲۱)

لرهای پشت کوه



شماره ۳۳۲۰ (س ۲۳)



شماره ۳۳۰۶ (س ۲۴)

لرهای پشت کوه



شماره ۳۳۲۳ (س ۲۴)



شماره ۳۳۳۰ (س ۲۵)

لرهای پشت کوه



شماره ۳۳۲۷ (س ۲۵)



شماره ۳۳۲۵ (س ۲۵)

لرهای پشت کوه



شماره ۳۳۲۴ (س ۲۵)



شماره ۳۳۱۵ (س ۲۵)

لرهای پشت کوه



شماره ۳۳۰۹ (س ۲۵)



شماره ۳۳۰۵ (س ۲۵)

لرهای پشت کوه



شماره ۳۳۰۸ (سن ۲۵)



شماره ۳۲۸۳ (سن ۲۵)

لرهای پشت کوه



شماره ۳۲۸۷ (سن ۲۵)



شماره ۳۲۹۷ (سن ۲۵)

لرهای پشت کوه



شماره ۳۲۸۶ (س ۱۲۶)



شماره ۳۲۹۸ (س ۲۸)

لرهای پشت کوه



شماره ۳۳۱۴ (س ۲۸)



شماره ۳۳۲۶ (س ۲۸)

لرهای پشت کوه



شماره ۳۲۸۱ (سن ۳۰)



شماره ۳۲۸۲ (سن ۳۰)

لرهای پشت کوه



شماره ۳۲۸۵ (سن ۳۰)



شماره ۳۲۸۸ (سن ۳۰)

لرهای پشت کوه



شماره ۳۲۹۲ (س ۳۰)



شماره ۳۲۹ (س ۳۰)

لرهای پشت کوه



شماره ۳۲۹۱ (س ۳۰)



شماره ۳۳۰۰ (س ۳۰)

لرهای پشت کوه

مردم‌شناسی ایران، تصویر ۱۴۴

موزه تاریخ طبیعی فیلد



شماره ۳۳۰۴ (سن ۳۰)



شماره ۳۳۱۹ (سن ۳۰)

لرهای پشت کوه



شماره ۳۳۲۱ (سن ۳۰)



شماره ۳۳۲۹ (سن ۳۰)

لرهای پشت کوه



شماره ۳۳۱۶ (س ۳۵)



شماره ۳۳۱۱ (س ۳۵)

لرهای پشت کوه



شماره ۳۲۹۵ (س ۳۵)



شماره ۳۲۹۴ (س ۳۷)

لرهای پشت کوه



شماره ۳۳۰۳ (س ۳۷)



شماره ۳۳۲۸ (س ۴۰)

لرهای پشت کوه



شماره ۳۳۰۲ (س ۵۰)



شماره ۳۳۱۸ (س ۵۰)

لرهای پشت کوه



شماره ۳۲۹۳ (س ۷۰)

لرهای پشت کوه



شماره ۳۲۹۳ (س ۷۰)

لرهای پشت کوه

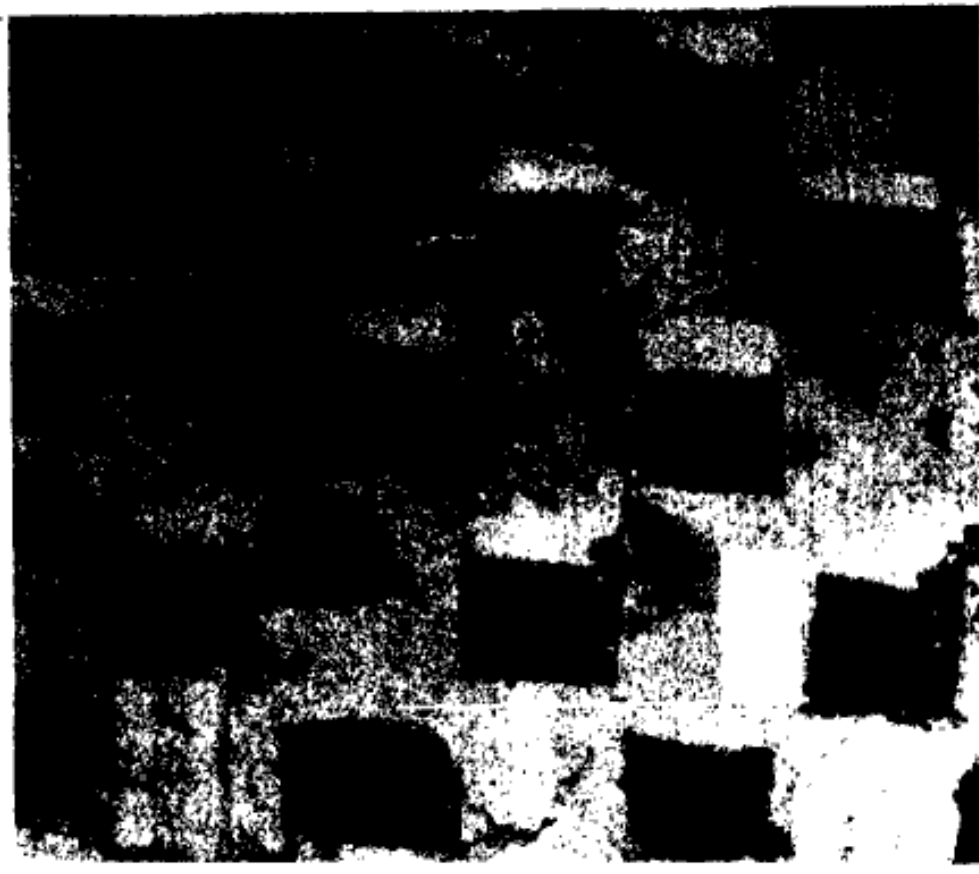


برج کبوتر با گچ‌بری تزئینی

شهرضا



شکل ۲ . ردیف لانه‌های منتهی به سقف گنبد



شکل ۱ . آجرها، لانه پرندگان

برج کبوتر، اصفهان



شماره ۳۴۶۵ (س ۱۸)



شماره ۳۴۷۳ (س ۱۸)

کارگران ری اهل حسن آباد ری

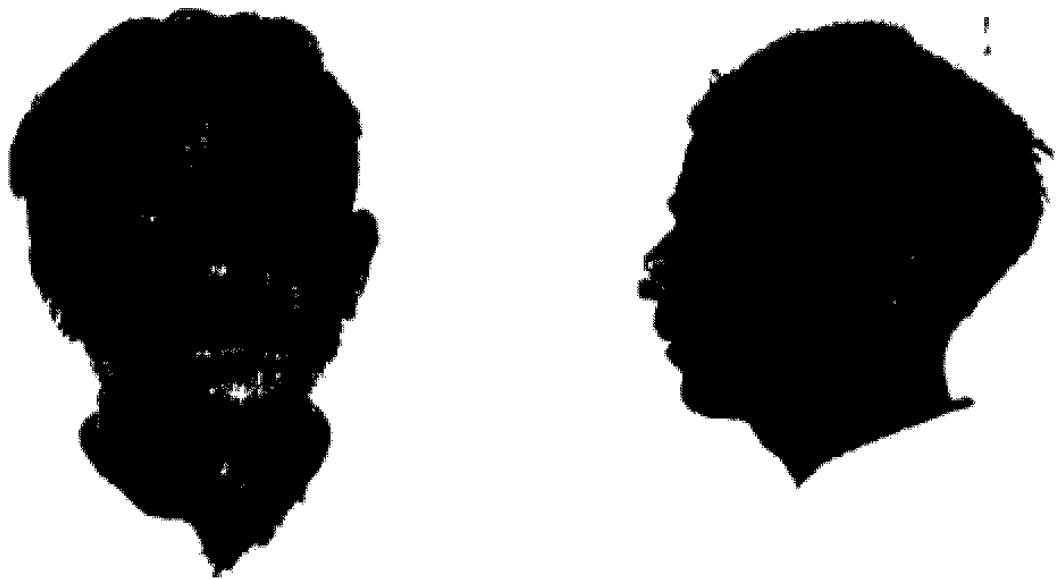


سماره ۳۴۵۷ (س ۲۵)



سماره ۳۴۵۹ (س ۲۲)

کارگران رى اهل دامغان



شماره ۳۴۶۲ (س ۲۵) اهل دامغان



شماره ۳۴۶۳ (س ۲۰) اهل دولت‌آباد

کارگران ری



شماره ۳۴۶۱ (س ۲۵) اهل دامغان



شماره ۳۴۶۸ (س ۲۸) اهل قم

کارموران ری



شماره ۳۴۶۶ (سن ۳۰) اهل حسین آباد



شماره ۳۴۵۸ (سن ۳۰) اهل دامغان

کارگران ری

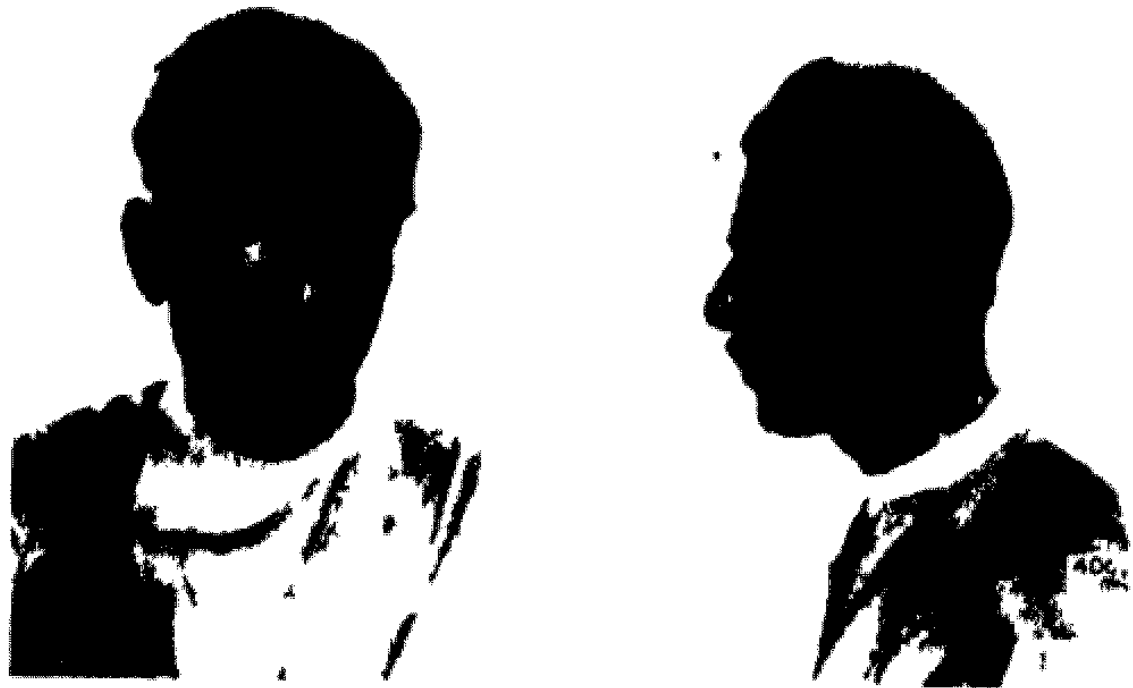


شماره ۳۴۷۲ (سن ۳۵) اهل شیراز



شماره ۳۴۶۷ (سن ۳۵) اهل حسین‌آباد

کارگران ری



شماره ۳۴۶۰ (س ۳۵) اهل دامغان

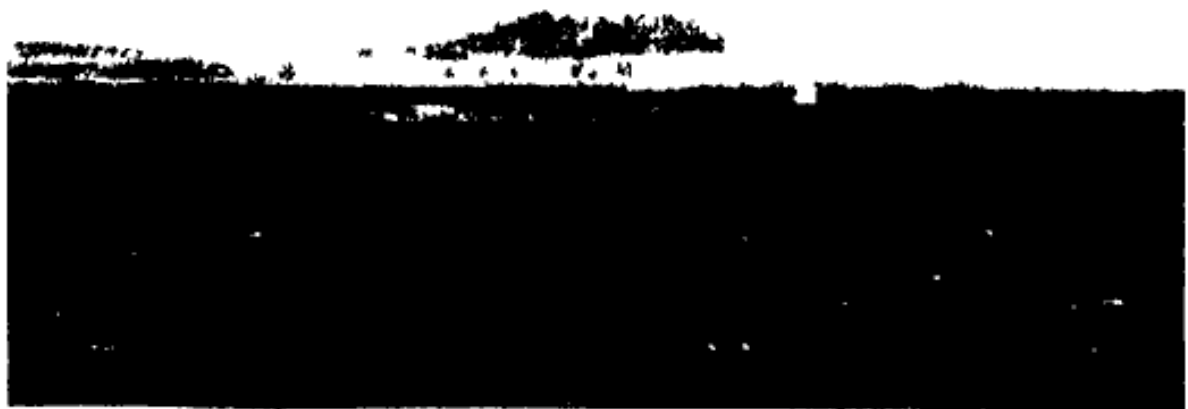


شماره ۳۴۶۴ (س ۴۲) اهل ناحه آب‌گنجان ، اصفهان

کارمندان ری



شکل ۱ حریان رودخانه‌ای در ۵۶ کیلومتری حسین آباد



شکل ۲ کوهستان ماوراء مساحت کشت شده

کویر جنوب تهران



مارگسر، در یکی از ناعهای ری

مردم‌شناسی ایران، تصویر ۱۴۳



شکل ۲ مردی ساکلاه بهلوی و سرزین

مورده ماربح طبیعی مللد



شکل ۱ مارگسر

ری



درویش ایرانی، ری